خریده کتابت خزائن الجواهر این کتاب از مال ... ابراهیم ولد مرحوم حاجی محمد حسن اراکی
هر کس جعل کند به لعنت الله و لعنت خدا و نفرین رسول گرفتار شود تحریراً فی شهر ... ۱۲...

هو الله تعالی

کتاب خزائن الجواهر

بسم الله الرحمن الرحیم

جواهر خزاین ثنای که زیب و زینت بر دوش شاهدان جمال عالم ملکوت بوده باشد و درر کنوز محامدی که لایق
گوش منکشفان صوامع جبروت گردد سپاس و ستایش جناب مقدس الهی است که قدسیان سماوات ساکنان ملأ اعلی
از تسبیح و تقدیس و تمجید ذاتش پیوسته در خروش و از مشاهده اشعه جلال و کبریا در تلألؤ انوار جبروتش
حیرت همواره بیخود و مدهوش و ساکنان معابد سماوات و قاطنان مساجد سرادقات قدسش منهم رکوع لا یسجدون
و سجود لا یرکعون و صافون لا یتساءلون و مسبحون لا یفترون هویت عبارت خاص شرف ایشان و اختصاص با قدس جناب ذوالجلال
کفکف دست عابدان را آشیانه مرغ اجابت انامل ایدی دعاگو یا قفص طایر استجابت ساخته و طوطیان بحت ازکیات
در شکرستان نعمت خاتم پیغمبران شکرخای عندلیبان صلوات نامیات در مدیح اشرف رسل من شهره نغمات
خانقاه وجد و آهنگ از است رفیع جنابی که ضیاء ملت بیضاء بش رشک فرمای ید بیضاء موسی و نور مصباح
شریعت غرایش روشنی بخش بیت المعمور عالم بالا و کواکب دره عترت ابرار و اهل بیت اطهار و احبارش از مطالع
بروج اثنی عشر طالع و ساطع گشته ارض قلوب کافه مؤمنان و بساتین خواطر عامه متقیان را بنور هدایت و ارشاد سیراب گشته
صلوات بر ایشان مفتاح فلاح دنیا و عقبی و سلوک بر ایشان منهاج صلاح آخرت و اولی و موالات ایشان زاد معاد
و مودت ایشان ذریعه نجاح و سداد و اختیار متابعت ایشان جنة الامان طریق رشاد و جنة الامان هدایت و سداد
و مشاهده مشربه ایشان بلد الامین رستگاری و زیارت ایشان درع حصین پرهیزکاری و تبری جستن از اعداء ایشان
باعث خلاصی از عقاب و شفاعت ایشان موجب نجات یوم یقوم الحساب است صلوات الله علیه و علیهم اجمعین

و لعنة الله علی اعدائهم الی یوم الدین اما بعد چنین گوید الفقیر الی عفو الله الغنی محمد حسین بن محمد
صالح الحسینی اوتیا کتابهما بیمینهما یوم الدین و وقفهما یوم القیمة مواقف الآمنین که بر ارباب دانش
و اصحاب بینش واضح و روشن و مدلل و مبرهن است که غرض اصلی از ایجاد انسان که بر عقبه تتابع ارکان معرفت
خداوند حکیم تعالی شانه عبادت حکیم علی الاطلاق اجل شانه و عظمت ان عدة الشهور عند الله اثنا
عشر شهرا فی کتاب الله ایام و لیالی شهور اثنی و اصل شهور را یک یک بحسب رتبه متفاوت و برای هر یک
وظایف متعدده از صلوة و صیام و اذکار و اوراد و ادعیه بسیار وارد شده و علمای امامیه رضوان الله
علیهم در این باب کتب متعدده تالیف نموده اند و لیکن اکثر آنها بلغت عرب و عامه خلق از عمل بمضمون آنها
باین جهت محروم اند و بعضی که بلغت فارسی تالیف شده اکثر آنها در غایت اختصار لهذا این فقیر
حقیر حسب الامر بعضی که اطاعت ایشان بر این فقیر حتم بود بتالیف این کتاب اقدام نمود و آنچه در این
باب از کتب اصحاب بنظر رسیده در این کتاب درج نمود و آنچه از مسائل شرعیه که متعلق بهر مقامی بود بتنبیه
از آنها بعضی را که نیز از کتب اصحاب استفاده نموده با آنچه بخاطر قاصر این شکسته رسید اضافه
نمود و این کتاب را مسمی گردانید بخزائن الجواهر سلطانی و مرتب ساخت بر مقدمه و دوازده مخزن و خاتمه
مقدمه در بیان آداب دعا و شرایط آن و شرح مطالب متعلقه بآن و کیفیت و آداب دیدن هر یک ماهی از ماهها
و ذکر بعضی از ادعیه ماه و ادعیه آنها و آن مشتمل بر دو باب است باب اول در بیان آداب دعا و شرایط آن و
مطالب متعلقه بآن و آن بچند مفتاح مفتوح میشود مفتاح اول در بیان معنی حقیقت دعا و ذکر بدانکه
دعا در لغت اصل بمعنی خواندن است و ندا کردن و دیگر آن در اصطلاح عبادت است از طلب نمودن مطالب و مقاصد
خود از درگاه حق تعالی از روی تضرع و خضوع و خشوع و ذکر در اصل لغت بمعنی حضور معنی است در نفس
و اهل لغت گاهی از اجرا بر قول اطلاق نموده اند بجهت آنکه آن شان اینست که در نفس حاضر باید
و دیگر دل حاضر شود و در اصطلاح عبادت است از کلامی که دلالت کند بر ثنای الهی و حمد او یا اتصاف
او بصفات کمالیه یا افعال او و چون این کمال مستلزم حضور حق تعالی و صفات کمالیه او در دل می
باشد گویا ذاکر خود را متذکر جناب الهی میگرداند لهذا آنرا ذکر نامیده اند و بدانکه در این مقام اشکالی
متوجه میشود که تنبیه بر آن با جواب آن ضرور است اما اشکال پس آن است که در معنی اصطلاحی
دعا چنانچه مذکور شد طلب نمودن مقاصد و مطالب معتبر است و این معنی منافی است با آنچه در روایات

و اخبار وارد شده که دعا بر اذکاری مشتمل بر تحمید و ثنای الهی یا اوصاف کمالیه او تعالی اطلاق شده چنانچه
در کتاب محاسن از اصبغ بن نباته روایت نموده که گفت بر در خانه امیر المؤمنین صلوات الله علیه
بر کوه رفته بودم و دعا میکردم ناگاه آنحضرت بیرون آمد و فرمود که ای اصبغ گفتم لبیک فرمود که چه کار
میکردی گفتم مشغول رکوع بودم و دعا میکردم فرمود که میخواهی ترا تعلیم نمایم دعائی که از رسول
خدا صلی الله علیه و آله شنیده ام گفتم بلی فرمود که بگو الحمد لله علی ما کان و الحمد لله علی کل حال بعد
از آن دست راست خود را بر دوش چپ من زد و فرمود که ای اصبغ اگر قدمت ثابت باشد بر دین
حق و ولایت کامل باشد و دستت گشاده باشد حق تعالی بتو رحیم تر خواهد بود از خودت و از رسول
خدا صلی الله علیه و آله منقول است که آنحضرت در حدیث عرفه فرمود که اکثر دعا من و دعاء پیغمبران پیش
از من اینست لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک و له الحمد و هو علی کل شیء قدیر و مخفی نماند
که این دو کلام که لفظ دعا در این دو حدیث شریف بر آنها اطلاق شده مجرد ذکر است و مشتمل بر هیچ
مطلبی نه دنیوی و نه اخروی اصلا نیست و نظایر این در روایات و اخبار بسیار است چنانچه از تتبع ظاهر میشود
و جواب از این اشکال بچند وجه میتوان گفت وجه اول بعضی از علما گفته اند که این اذکار باعتبار اشتمال
بر حمد و ثنای الهی می باشد نیز مانند دعا موجب اجر و ثواب است لهذا اسم دعا بر آن مجاز اطلاق میشود ه
وجه دوم بعضی دیگر گفته اند که چون اذکار مشتمله بر حمد و ثنای الهی از مقدمات دعاست زیرا که هر
دعائی البته مشتمل بر حمد و ثنا می باشد لهذا اسم دعا بر آن اطلاق شده وجه سیم بخاطر فاتر این شکسته
میرسد که چون تلفظ بجمیع اذکار و تهلیلات و تمجیدات و تقدیسات حق تعالی موجب ثواب و اجر و باعث مزید
قرب و منزلت میگردد در دعا حقیقت از آنها که تلفظ می نماید البته بقصد توقع اجر و ثواب یا طلب
مزید منزلت و قرب میخواند پس طلب در مفهوم هر یک البته معتبر است گو لفظی که دلالت بر طلب صریح
کند در آن صریحا مذکور نباشد و باین جهت لفظ دعا که در مفهوم عرفی آن طلب و سؤال معتبر است بر آن
اطلاق شده است و مخفی نماناد که این جواب اظهر از دو جواب سابق است زیرا که بنا بر این جواب اطلاق لفظ دعا
بر آنها بطریق حقیقت خواهد بود و بنا بر دو جواب اول بعنوان مجاز و تسبیح در عرف اصطلاح اهل شرع بمعنی گفتن سبحان الله و تمجید
الحمد لله و تهلیل گفتن لا اله الا الله و تکبیر گفتن الله اکبر است چنانچه تسمیه و بسمله بمعنی گفتن بسم الله
و تحمید بمعنی گفتن الحمد لله و حوقله بمعنی گفتن لا حول و لا قوة الا بالله است و بعضی از آنها مانند

تهلیل

تهلیل و بسمله و تحمید و حوقله از قبیل اشتقاقات جعلیه است و سری در این باب آنست که کلامی
که ظاهر مشتمل بر دو کلمه و زیاده بوده باشد هرگاه کثیر الدوران بر السنه عرب گردد از برای سهولت
و آسانی لفظی را که مشتمل بر بعضی از حروف هر یک از آن کلمه ها بوده باشد از آن اشتقاق و بر آن
اطلاق می نمایند و الله تعالی یعلم مفتاح دویم در بیان فضیلت دعا و ثمرات و برکات آن بر عاقل
خبیر و هوشمند بصیر مخفی و مستتر نیست که هر یک از افراد بنی نوع انسان مبتلی بنقایص امکانی و
پیوسته در تحصیل ما یحتاج زندگانی این دار فانی و اکتساب سعادات جاودانی که باعث نجات
از اهوال شداید و فوز بدرجات عالیه نشاه باقیه است محتاج بلطف و احسان ایزد کریم منان می باشد
و کلید این خزانه بیکران و مفتاح این گنج بی پایان طریقه دعا و مسئلت و مناجات است چه هرگاه مولی
بنده خود را ببیند که بغیر از او ملجا و پناهی ندارد و جمیع ما یحتاج خود را از او مسئلت مینماید او نیز البته
متوجه تمشیت او کار ساختی میگردد و اهمال و مسامحه در هیچ جزئی از جزئیات امور او نمینماید و
قطع نظر از این دو جهت فواید و منافع دیگر نیز بر دعا مترتب میشود زیرا که بکثرت دعا و مناجات
یقین بذات و صفات کمالیه الهی زیاده میگردد و توکل و توسل بجناب مقدس او بیشتر میشود و تعلق
و طمعها از خلق بریده میشود و رشته آمال و امانی او از غیر منقطع میگردد و ترک دنیا که اعظم
عبادات است بسبب آن حاصل میشود بلکه تحلیه بجمیع صفات حسنه و اخلاق جمیله و تخلیه از
ملکات رذیله بدون دعا و تضرع دست بهم نمیدهد و لهذا رسول و ائمه هدی علیهم التحیة و
الثناء که اشرف مخلوقات و اکمل مکونات اند پیوسته این طریقه انیقه و شیوه مرضیه را مسلوک
میداشته اند خصوصا حضرت سید الساجدین و قبلة الزاهدین امام زین العابدین صلوات الله
علیه که همیشه بدعا و تضرع و مناجات و گریه و زاری بوده و صحیفه کامله که در فصاحت الفاظ
و بلاغت مضمون تحت کلام خالق و فوق کلام مخلوق است مشتمل بر اکثر و جمیع مقاصد دنیا
و آخرت و الحق صحیفه عروة الوثقی و مطالب دارین در آن مندرج و مضبوط است و از آن امام
عالی مقام منقول است و بالجمله ثمرات و برکات دعا لا تعد و لا تحصی و زبان قلم [illegible] از تحریر
شمه از آن عاجز و ناتوان است و برای اهتمام بشان آن همین قدر کافی است که خداوند حمید در
چندین موضع از قرآن مجید کافه بندگان را بر وجه ابلغ و اکمل تحریص و ترغیب بآن فرموده چنانچه

میفرماید

و قال ربکم ادعونی استجب لکم ان الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم داخرین یعنی گفت
پروردگار شما که بخوانید مرا در جمیع مطلبها تا مستجاب گردانم دعای شما را بدرستی که کسانیکه تکبر و سرکشی مینمایند
از عبادت من بزودی داخل جهنم میشوند با خفت و خواری و این آیه کریمه بر چند وجه بر فضیلت دعا
دلالت میکند اول آنکه حق تعالی بان امر فرموده دوم وعده استجابت نموده سیم دعا را عبادت نام
کرده چهارم ترک دعا را تکبر خوانده و بر ترکش وعده دخول جهنم فرموده و در موضع دیگر میفرماید که
و اذا سألک عبادی عنی فانی قریب اجیب دعوة الداع اذا دعان فلیستجیبوا لی و لیؤمنوا بی لعلهم
یرشدون ترجمه اش اینست که هرگاه سؤال نمایند از تو بندگان من از من یعنی از صفت من یا از نزدیکی
و دوری من یا از کیفیت دعا کردن من که آهسته دعا کنند یا بلند پس بگو با ایشان که بعلم و احاطه و لطف
و رحمت مستجاب میکنم دعای هر دعا کننده را در هنگامی که میخواند مرا پس باید که بندگان اجابت
نمایند مرا در دعا کردن که از ایشان طلبیده ام یا آنکه من چون اجابت میکنم دعای ایشان را باید که
ایشان نیز مرا اجابت نمایند در جمیع تکالیف من و باید که ایمان آورند بوعده من در اجابت دعا و در
ایمان خود ثابت باشند شاید که براه راست و رشد و صلاح خود پی برند و این آیه نیز مانند آیه
سابق بر فضیلت دعا از وجوه شتی دلالت دارد چنانکه بعد از تأمل ظاهر میشود بعضی این دو آیه
و آیات کریمه در این باب بسیار است که تفسیر بعضی از آنها در ضمن احادیث و اخبار این مطلب
مذکور است و روایات این مطلب جسیم که از ائمه اطهار علیهم صلوات الله الکریم الغفار مروی
و مأثور است از دایره عد و احصا بیرون است و مدار این کتاب بجهت مزید رغبت اولی الالباب
معظم اخبار اذکر منتهای آن بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر ع پرسیدند که کدام عبادت بهتر و افضل است
حضرت فرمود که هیچ عبادت نزد حق تعالی بهتر نیست از آنکه از او سؤال نمایند از رحمتهای غیر متناهی
کسی و او ... طلب نمایند و هیچ کس نزد خدا دشمن تر نیست از کسی که تکبر کند از عبادت الهی
که دعا و از عطاها و رحمتهای الهی سؤال ننماید و ایضا زراره از آنحضرت روایت کرده است که آنحضرت
آیه کریمه ان الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم داخرین را خواند و فرمود که مراد از عبادت
در این آیه کریمه دعاست و دعا افضل عبادات است از راه گفت آیه کریمه ان ابراهیم لاواه حلیم که ترجمه اش
اینست که بدرستی که حضرت ابراهیم اواه بسیار حلم کننده است پرسیدم حضرت فرمود که اواه یعنی بسیار

کسانیکه

... نزدیکم

دعا

دعا کننده است و از میسر بن عبد العزیز منقول است که حضرت صادق علیه السلام فرمود که ای میسر دعا
بکن و مگو که هر چه مقدر شده است خواهد شد بدرستی که نزد خدا منزلتی هست که بآن نمیتوان
رسید مگر بدعا و مسئلت و اگر کسی دهان خود را ببندد و دعا نکند و سؤال ننماید از خدا چیزی
باو عطا نمیشود پس بطلب تا عطا کنند ای میسر هر که دری را بسیار میکوبد البته بروی میگشایند و در
حدیث دیگر فرمود که هر که از فضل خدا سؤال ننماید فقیر میشود و فرمود که بر شما باد بدعا بدرستی که
که شما را قرب بخدا حاصل نمیشود بعبادتی مثل دعا و ترک مکنید طلب کردن حاجت کوچکی را برای خردی
آن حاجت بدرستی که حاجت کوچک و بزرگ همه بدست خداست و ایضا از آنحضرت ماثور است که
بحماد بن عیسی فرمود که دعا بکن و مگو که انچه مقدر شده آن خواهد شد بدرستی که دعا عبادت حق تعالی
زیرا که میفرماید که ان الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم داخرین و در جای دیگر
میفرماید ادعونی استجب لکم و در حدیث دیگر فرمود که حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه
میفرمود که محبوب ترین اعمال نزد خدا در زمین دعاست و فرمود که حضرت امیر المومنین ع دعا بسیار
میکرد و بسند معتبر از حضرت رسول صلعم منقول است که دعا حربه مومن است برای دفع دشمنان و عمود
دین است که بآن دین مومن برپا است و نور آسمانها و زمین است و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است
که بصحابه فرمود که میخواهید دلالت کنم شما را بر حربه و سلاحی که نجات دهد از شر دشمنان شما و
روزی شما را زیاد کند گفتند بلی یا رسول الله فرمود که دعا کنید و بخوانید پروردگار خود را
در شب و روز بدرستی که حربه مومن دعاست و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه
منقول است که فرمود که دعا سپر مومن است و هرگاه دری را بسیار بکوبی گشوده میشود و از
حضرت امام رضا ع منقول است که فرمود که بر شما باد بحربه پیغمبران که آن دعاست و از حضرت
صادق ع منقول است که فرمود که دعا از نیزه تیز کارگرتر است و در حدیث دیگر فرمود که
دعا رد میکند قضا را هر چند از آسمان نازل شده باشد و محکم گردیده باشد و در روایت
دیگر فرمود که دعا رد میکند قضا را هر چند مبرم شده باشد پس بسیار دعا کنید که دعا
کلید جمیع رحمتها و موجب فیروزی بانتقام حاجتها و بدرستی که رسیدن بهای الهی نمیتوان مگر بدعا و هر
دری را که بسیار میکوبند البته بروی او در میگشایند و در حدیث دیگر فرمود که بر تو باد

بدعا که شفای جمیع دردهاست و از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه منقولست که هر بلائی
که بر بنده مؤمن نازل شود و حق تعالی دعا را باو الهام فرماید آن بلا بزودی از او زایل میشود البته
و هر بلائی که بر مؤمن نازل شود و توفیق دعا نیابد و ترک نماید البته آن بلا بطول میانجامد پس
بر شما باد بدعا و تضرع بسوی حق تعالی و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که فرمود که
دوا کنید بیماران خود را بتصدق و دفع کنید انواع بلاها را بدعا و حفظ نمائید مالهای خود را بدادن
زکوة بدرستی که هیچ مرغی بدام نمی افتد مگر آنکه تسبیح خود را ترک نماید و از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه منقولست که فرمود که دفع کنید موجهای بلا را از خود بدعا پیش از آنکه بلا نا
زل شود بحق آن خداوندی که دانه را شکافته و انواع گیاه از آن بیرون آورده و خلایق را
خلق نموده که بلا بسوی مؤمن تندتر میآید از سیلی که از بالای کوه بپایین آید و از دویدن
اسبان تندرو و هیچ نعمتی و طراوت عیشی از بندگان برطرف نمیشود مگر بسبب گناهان ایشان
و اگر استقبال کنند بلا را بدعا و تضرع و انابه و توبه بر ایشان نازل نخواهد شد و اگر وقتی که بلا
نازل شود و نعمت از ایشان زایل گردد و بخدا پناه برند و تضرع نمایند با نیتهای درست و سستی
ننمایند در عبادت و بندگی و گناهان را ترک نمایند البته حق تعالی هر فاسدی را برای ایشان باصلاح
می آورد و هر نعمتی را از ایشان سلب نموده بایشان رد میفرماید و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که فرمود که سه چیز است که با آنها هیچ چیز ضرر نمیرساند دعا کردن در هنگام بلا و
شدتها و استغفار کردن بعد از گناه و شکر کردن در وقت نعمت و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی
روزیهای مؤمنان را از جای چند مقرر فرموده که گمان نداشته باشند زیرا که بنده هرگاه نداند
که روزیش از کجا میرسد دعا بسیار میکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که را چهار چیز عطا
فرمایند او را از چهار چیز محروم نمیگردانند هر که را دعا دادند از اجابت کردن محروم نمی
سازند و هر که را استغفار کرامت کردند توبه اش قبول میفرمایند و هر که را شکر عطا کردند نعمت ایشان را
زیاده میکنند و هر که را صبر دادند از اجر و ثواب محروم نمیسازند و ایضاً از آنحضرت منقولست
که هیچ بنده دست خود را بدرگاه خداوند عزت جبار بر نمیدارد مگر آنکه حق تعالی حیا میکند که او را
دست خالی برگرداند تا آنکه از فضل رحمت خود هر چند که خواهد بدست او میگذارد پس هر گاه از شما

که دعا

که دعا کنید دست خود را بر نگردانید تا آنکه آن را بر سر و روی خود بکشید و از حضرت رسول خدا
مأثور است که در روز قیامت داخل بهشت میکنند دو شخص را که در عمل مانند یکدیگر باشند پس یکی
از آن دو شخص درجه رفیق خود را بلندتر می بیند پس میگوید پروردگارا بچه جهت درجه این شخص
را رفیعتر گردانیده و حال آنکه عمل من و او مساوی است پس حق تعالی در جواب میفرماید که از من سؤال
نمود و تو سؤال نکردی باین جهت درجه او را بلندتر نمودم پس حضرت فرمود که سؤال کنید از حق تعالی
و امور بسیار عظیم را از او بخواهید بدرستی که هیچ چیز نزد خدا عظیم نیست و در حدیث دیگر از
آنحضرت منقولست که از برای خدا بنده چند هست که عمل صالح میکنند و حق تعالی جزای اعمال ایشان
را بایشان عطا میفرماید و بندگان دیگر هست که از روی صدق و راستی از حق تعالی مسئلت می
نمایند و بایشان نیز عطا میفرماید پس هر دو گروه را در بهشت جمع میکنند پس گروه اول میگویند
که پروردگارا ما عمل نیکو کردیم و بما عطا فرمودی بعضی از اینها کسانند که گروه دیگر عطا فرمودی پس
حق تعالی در جواب ایشان میفرماید که جزای عملهای شما را بشما دادم بی آنکه چیزی از آن ناقص کنم
و این طایفه از من سؤال کردند پس منهم بایشان عطا کردم و غنی ساختم ایشان را و این فضل
من است هر که میخواهم عطا میکنم و ایضاً از آنحضرت منقولست که عاجزترین مردم کسی است که از دعا
عاجز باشد و بخیلترین مردم کسی است که بسلام کردن بر مردم بخل نماید و از حضرت امام جعفر
صادق ع منقولست که حق تعالی بحضرت آدم علیه السلام وحی نمود که من برای تو جمع میکنم همه
سخنها را در چهار کلمه کلمه اول برای من است و کلمه دویم برای تو است و کلمه سیم میان من
و تست و کلمه چهارم میان تو و مردم است اما کلمه اول که برای من است آنست که مرا بپرستی و شریک
برای من قرار ندهی و کلمه که برای تست آن است که جزا میدهم ترا بر عمل صالح که بکنی بهر چیزی
که محتاج باو باشی و کلمه که میان من و تست آن است که تو دعا کنی و من مستجاب گردانم و اما کلمه
که میانه تو و مردم است آن است که راضی باشی برای مردم آنچه را برای خود راضی هستی و ایضاً
از آنحضرت منقولست که بمیسر تمار فرمود که بر شما باد بدعا بدرستی که بدرگاه خدا تقرب نمی توان
جست بچیزی مانند دعا و هیچ حاجت کوچکی را وامگذارید که از حق تعالی طلبید بدرستی که صاحب
که حاجتهای کوچک را میدهد همان خدائی است که حاجتهای عظیم را و بزرگ را عطا میفرماید ...

رسول خدا صلی الله علیه و آله منقولست که حق تعالی یک چیز را دوست میدارد برای خلق و دشمن که آنرا
میدارد سؤال کردن از خلق را دشمن میدارد و سؤال نمودن از خود را دوست میدارد و هیچ چیز نزد
خدا محبوب تر از سؤال کردن از او نیست پس هیچیک از شما حیا نکند در سؤال کردن از فضل حق تعالی
هر چند بند نعلین او باشد که از اینجا دانسته میشود که باید از خدا سؤال کند و از دیگری طلب نکند و در حدیث قدسی وارد شده
است که حق تعالی بحضرت موسی علیه السلام فرمود که ای موسی سؤال کن از من که هر چه را احتیاج باشی باین حتی
علف گوسفند و نمک خمیر خود را نیز از من سؤال کن این است اکثر روایات وارده در این باب بعد
این مقام ذکر بعضی از فواید ضرور و لازم است و آنها در ضمن دو فصل ایراد میشود انشاء الله تعالی
فصل اول در انواع دعا بدانکه از تتبع آیات و اخبار منقوله از ائمه اطهار علیهم السلام ظاهر میشود
که ادعیه بر چند نوع است نوع اول ادعیه ماثوره که در خصوص بعضی از مطالب وارد شده مانند آنکه
در حدیث وارد شده که هر که خواهد عمرش دراز شود دعا بخواند و هر که خواهد توانگر شود بخواند
کرده فلان دعا بخواند و امثال اینها از ادعیه مخصوصه که از برای مطالب معینه وارد شده است
و در این نوع از ادعیه ضرور نیست قصد نمودن مطالب و کافی است خواندن دعا زیرا که خواندن
دعا خاصیت می بخشد که آن مطالب حاصل میشود هر چند قصد نموده باشد و این مدلول بعضی
از اخبار و احادیث مستنبط میشود که قصد آن مطلب نمودن و دعا بجهت حصول آن خواندن
ادخل است در نوع مطلب و مدعا نوع دویم ادعیه وارده که عموما در احادیث و اخبار
وارد شده که هر که حاجتی و مطلبی داشته این دعا بخواند که حاجت او بر آورده میشود و در
این نوع لازم است قصد حاجت داشتن و تعیین حاجت نمودن تا خواندن دعا سبب حصول
آن حاجت شود و هر گاه حوایج متعدده داشته باشد اولی آن است که آن دعا را بخواند و
در نیت که یکمرتبه کافی باشد در حصول همه آن مطالب هر گاه همه آنها را قصد نماید
نوع سیم ادعیه مرویه که در اخبار و احادیث وارد شده که هر که این دعا را بخواند حق تعالی
هفتاد حاجت یا هزار حاجت او را مثلا بر آورد و در این نوع لازم نیست قصد حوایج نمودن
بلکه حق تعالی بهمان عدد معین که وعده فرموده حوایجی را که مصلحت داعی در حصول آنها
میداند بر می آورد هر چند قصد نکرده باشد و اگر قصد کند حاجت معینی یا حوایج معینه

چند را که مطابق خواهی بعضی از اخبار اولی و ادخل است در حصول آن حوایج نوع چهارم ادعیه منقوله
وارد شده که هر که این دعا را بخواند حق تعالی همه حوایج او را بر آورد و این نوع نیز مثل حکم نوع سابق
دارد و اگر حوایج خود را بخصوص قصد نماید و منظور نظر سازد باجابت اقرب خواهد بود نوع پنجم
دعائی که ماثور و مروی نباشد بلکه خود انشا کند و حاجات خود را خصوصا یا عموما قصد نماید
و از حق تعالی طلب کند بهر لغتی و عبارتی که خواهد خواه بلغت عرب یا فارسی یا بلغات دیگر و این نوع
و این نوع از دعا موجب اجابت میشود و لیکن در مرتبه انواع سابقه که بالفاظ و عبارات ماثوره است
نیست و خواص عظیمه که بر آنها مترتب است و بر این مترتب نیست این خلاصه انواع ادعیه نظر بحاجات
و مطالب مقصوده از تتبع کتب احادیث و کتب دعوات علما نوعی دیگر نیز ورای انواع سابقه معلوم
میشود و این نوع ادعیه است که در احادیث وارد شده که رسول خدا و ائمه هدی علیهم السلام می
خوانده اند یا دیگری را بخواندن آن ادعیه امر فرموده اند بدون تعیین وقت معینی یا با تعیین اوقات
مخصوصه بدون آنکه وعده حصول مطلبی عموما یا خصوصا در خواندن آن ادعیه فرموده باشند
و این نوع از ادعیه بسیار است و اکثر ادعیه صحیفه کامله از این نوع است و در این نوع ضرور نیست
قصد نمودن حاجتی بلکه خواندن آن ادعیه است سبب حصول مطالبی که در آنها مذکور و آن
ادعیه بر آنها مشتمل است میگردد خواه آن مطالب را قصد کنند یا نکنند بلی هر گاه خواندن آن دعا
از روی تدبر یا فهم مضامین باشد حصول آن مطالب اقرب خواهد بود فصل دویم در بیان
نتایج و ثمراتی که بر خواندن ادعیه مترتب میشود و تفصیل آنها بدانکه ثمراتی که از برای داعی
حاصل میشود و بر دعا مترتب میگردد چنانچه از ادله عقلیه و دلایل نقلیه از آیات کریمه
و احادیث معتبره مفهوم و مستفاد میگردد بسیار است و ما در اینجا بمعظم آن ثمرات اشاره مینمائیم
اول آنکه ثواب عظیم از برای او حاصل میشود زیرا که دعا از افضل عبادات است چنانچه بسند معتبر
منقول است که از حضرت امام محمد باقر پرسیدند که کدام عبادت افضل و بهتر است فرمودند هیچ
عبادتی نزد حق تعالی بهتر نیست از این که از او سؤال کنند از خزینهای نامتناهی که در نزد اوست
طلب نمایند و هیچ کس نزد خدا دشمن تر و بدتر نیست از آنکسی که تکبر کند و عبادت خدا یا که دعا است
ترک کند و عطایا و رحمتهای خدا را از او سؤال ننماید مؤلف گوید که احادیث در باب اینکه

کدام عبادات افضل عبادات است مختلف وارد شده است و از بعضی احادیث ظاهر میشود که بهترین
اعمال نماز است و از بعضی معرفت یعنی شناختن حق تعالی و از این حدیث شریف معلوم میشود که
دعا افضل عبادات است و در حدیث دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که رسول
خدا صلی الله علیه و آله از صحابه پرسید که کدام یک از عروه‌های ایمان اوثق و محکم‌تر است گفتند که خدا و
رسول خدا بهتر میدانند پس بعضی از صحابه گفتند نماز چنین است که فرمودید و بعضی گفتند زکوة
و بعضی گفتند روزه و بعضی گفتند حج و بعضی گفتند جهاد پس آن حضرت بعد از این سخنان
فرمود که هر یک از این عبادات را که نام بردید فضیلتی هست ولیکن اوثق و محکم‌ترین عروه‌های ایمان محبت
و دوستی در راه خدا و بغض و دشمنی در راه خدا و تولی و دوستی کردن با دوستان خدا و تبری
و بیزاری جستن از دشمنان خدا است و حق در جمع میان اخبار مختلفه این است که گوییم که چون هر یک از این
عبادات در حصول رستگاری و فوز بسعادات ابدی مدخلیت عظیم هست باین جهت از آن افضل فرموده‌اند
و نظیر این آنست که هم چنانکه هر یک از ادویه را خاصیتی هست که بسبب آن خاصیت دوای مرضی و درد
ی از دردهای جسمانی است و صاحبان امراض جسمانی در دفع امراض مختلفه و دفع آلام متنوعه
خود محتاجند باستعمال آن ادویه و بعد از آنکه طبیب مداوا مینماید ایشان اثری از آن ادویه
مشاهده مینمایند آثار عظیمه آن دوا را حکم میکنند به نیکی آن دوا بلکه اثر آن بر همه ادویه ترجیح میدهند
هم چنین اصحاب امراض روحانی گناهان و معاصی هر آینه در ازاله امراض نفسانی خود و تحصیل سعادات جاودانی
که عافیت حقیقی است محتاجند باستشفای باین عبادات تا بوسیله آنها ایشان را شفای حقیقی از آن
امراض مهلکه حاصل شود و پیغمبران و اوصیای عالیشان ایشان که حکیمان و طبیبان نفوس خلایق اند
و بر ثمرات عظیمه هر یک از آن عبادات خبیر و مطلع اند هر یک از آن عبادات را نظر باین خاصیت
که از آن حاصل میشود از آن افضل فرموده‌اند و این مطالب طولی دارد و تنقیح آن موقوف است بر
مقدمات بسیار که ذکر آن در این مقام مناسب نیست از آنچه تقریر نمودیم مستفاد میگردد بنا بر اختلاف اخبار در باب
فضیلت دعا بر تلاوت قرآن و افضلیت تلاوت بر دعا والله تعالی یعلم دویم آنکه موجب قرب بجناب
اقدس حق تعالی میگردد چنانچه در حدیث وارد شده که بر شما باد بدعا زیرا که شما را بچیزی قرب
حاصل نمیشود مانند قربی که بسبب دعا حاصل میشود سیم آنکه موجب قضای مطالب دنیوی

و مآرب

و مآرب اخروی میگردد زیرا که حق تعالی فرموده ادعونی استجب لکم یعنی دعا کنید و بخوانید مرا
تا مستجاب کنم از برای شما و حاجت شما را بر آورم مفتاح سیم در بیان ذکر بیان شرایط و آداب دعاست
که بسبب مراعات آنها این دعا بقبول نزدیکتر و بمحل استجابت آشنا میگردد و اینها چنانچه از تتبع
روایات و اخبار ظاهر میشود چند چیز است اول آنکه نیت داعی صحیح باشد و داعی غیر از آن را
پاک سازد و برای شهرت در میان مردم بصلاح و تقوی دعا نکند بلکه غرض خالص و قصد نیت صحیح
باشد و تفصیل این معنی آنست که دعا بر دو قسم است قسم اول دعا کردن برای مطالب اخروی که
باید قصد او حصول آن مطلب باشد و برای خدا باشد آمرزش گناهان و نجات از عقوبات نیران و داخل
گردیدن بهشت و درجات عالیه آن و رسیدن بمرتبه رضوان و خشنودی خداوند عالم اعلای
مراتب و اسنای درجات سعادتمندان است و این مطالب هم مطالبی است که آدمی بآنها محتاج است
چه معلوم است که بغیر پیغمبران و اوصیاء عالیشان که معصوم اند از معاصی و گناهان سایر مردمان همه مبتلا
بخطاها و اجرام و اسیر ذنوب و آثام اند و اگر حق تعالی با ایشان بعدالت سلوک نماید و بگناهان و معاصی مؤاخذه
نماید مستحق دخول جهنم و عقوبات اخروی نعوذ بالله منه خواهند بود پس اهم مطالب و اوجب
حاجات و مآرب طلب مغفرت و عفو از گناهان است لهذا در احادیث و اخبار تاکید بسیار و تحریص
بیشمار واقع شده در باب استغفار زیرا که استغفار در حقیقت نوعی از دعاست که مقصود از آن
آمرزش گناهان است قسم دویم مطالب دنیوی و اموری که آدمی در زندگانی دنیا راغب است بحصول
آنها و از آنها تمتع و بهره میبرند و این مطالب نسبت باشخاص مردمان مختلف میشود و ما در اینجا
بیشتر آنها که اکثر ناس بآنها راغب اند اشاره مینماییم اول طول عمر و ادعیه این مطالب در احادیث
و اخبار بسیار است و بعضی از آن ادعیه مجرب علماست که مداومت موجب صحت طول عمر بر آن میگردد
و تندرستی و ادعیه این مطلب بر دو نوع است ادعیه که ثمره آنها حفظ صحت است و هر که مداومت بر
آنها نماید پیوسته صحیح و تندرست می‌باشد و بیماری و خستگی او را عارض نمیشود مگر بیماری که
منتهی بموت او شود و آنها از ادعیه حفظ صحت میباشند و بدانکه در این مقام اشکالی ایراد نموده‌اند
و آن اینست که جمعی که بر این مداومت مینمایند مکرر بیمار میشوند و شفا می‌یابند و این مخالف
آن چیزی است که در حدیث وارد شده است و جواب آن چنانکه بعضی از علما گفته اند اینست که ممکن است

که بیماری که عارض ایشان شود مرض موت باشد و بسبب دعا یا صله رحم یا تصدق و امثال آن حق تعالی
عمر ایشان زیاده گرداند و از آن مرض شفا یابند نوع دویم ادعیه که ثمره آن زوال مرضی است
که حادث شده باشد و آن ادعیه شفای امراض میباشد و این ادعیه در اخبار و احادیث
و کتب دعوات علما مذکور و چند وارد شده اول ادعیه که در مطلق امراض وارد شده که هر که آنها
بخواند شفا یابد از مرضی که عارض او شده باشد دویم ادعیه که در خصوص امراض معینه وارد
شده مانند آنکه هر که تب داشته باشد فلان دعا بخواند و هر که درد چشم داشته باشد فلان
دعا بخواند و امثال آنها سیم از مطالب دنیوی عافیت از بلاها و مصایبست و ادعیه این مطلب
نیز مانند مطلب دویم بر دو نوعست نوع اول ادعیه که از برای طلب عافیت و ایمن شدن از بلاهای
متوقعه واقع شده مانند آنکه وارد شده که هر که مواظبت نماید بر فلان دعا محفوظ باشد از
بلاها و هیچ بلائی باو نرسد و از این قبیلست دعای صحیفه کامله که حضرت سید الساجدین صلوات
الله وسلامه علیه بجهت طلب عافیت میخوانده اند نوع دویم ادعیه که از برای دفع بلاهای حاصله
واقع شده مثلاً خواه بطریق عموم مانند آنکه وارد شده که هر که ببلائی مبتلا شده باشد فلان
دعا بخواند تا حق تعالی آن بلا را از او دفع نماید و از این قبیلست دعای صحیفه کامله که آنحضرت میخوانده
است در حین عروض حادثه و در حینی که اندوهی آنحضرت را عارض میشده است یا در خصوص بلاهای
مخصوصه مانند آنکه وارد شده که هر که بفلان بلا مبتلا شده باشد فلان دعا بخواند یا کسی
که کار او بسته شده باشد فلان دعا بخواند و از قبیل آن دو نوع است ادعیه که وارد شده است از
برای ایمن شدن از ستمی که ترسد که از خلق باو رسد یا خلاصی یافتن از ستمی که از ظالمی باو رسیده
باشد مانند دعای صحیفه کامله که آنحضرت میخوانده است در هنگامی که ستمی بآنحضرت میرسیده
یا از ستمکاران میدیده اند آنحضرت را خوش نمی آمد چهارم طلب وسعت یعنی حصول توسعه در
معاش و توانگری چنانچه ادعیه بسیار از برای این مطلب وارد شده و زوال تنگی معاش
مانند دعای صحیفه کامله هر گاه روزی بر آنحضرت تنگ میشده است دعا میخوانده اند یا ادای
دیون مانند دعای قضای دین صحیفه کامله که هر گاه آنحضرت قرضی بهم میرسانیده است
میخوانده اند و ادعیه دیگر که برای ادای دین وارد شده پنجم طلب فرزند خواه فرزند نداشته
باشد

باشد و طلب نماید یا کثرت اولاد یا فرزندان ذکور طلب نماید و ادعیه این مطلب بسیارست ششم طلب
رفعت و عزت که در میان خلق ذلیل و مغلوب نباشد و عزیز و غالب باشد و از این قبیل است
طلب جاه و اعتبار هفتم طلب لذات دیگر دنیا مانند زن جمیله صالحه و خانه واسعه و خادمان
مرغوبه و ماکولات لذیذه و ملبوسات فاخره و امثال آنها از اسباب نفیسه دنیا که آدمی در تعیش
از آنها لذت میبرد دویم آنکه معنی دعا را بفهمد و بداند که چه میگوید و دلش در فکر دیگر نباشد
و رعایت این معنی از مهمات است زیرا که اگر کسی حاجت خود را به بزرگی از مخلوقین عرض کند و از روی
مستی و بیخبری سخن گوید و دلش از آنچه بزبان جاری میشود خبر نداشته باشد اگر آن بزرگ
بر این معنی مطلع شود اگر این شخص را سیاست نکند بسخنش اعتباری نخواهد کرد و بر استدعای
او اثری مترتب نخواهد شد پس در هنگام مناجات با خداوند قاضی الحاجات بطریق اولی باید که خبردار
و هشیار باشد و بداند که چه میگوید و تمام قوی و حواسش در خیال آن مطلب باشد و لهذا تاکید
در این باب در احادیث بسیار وارد شده است چنانچه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که در وصیت خود بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند که یا علی حق تعالی قبول نمیفرماید دعای دل
فراموشکار را و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که خدای عز و جل مستجاب نمیفرماید
دعائی را که از روی دل فراموشکار برخیزد پس هر گاه دعا کنید دل خود را بخدا دارید پس یقین
کنید که دعای شما مستجابست و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که حق تعالی قبول نمی فرماید دعائی را که
از دل غافل صادر شود و فرمود که چون برای میت خود دعا کنید چنین دعا مکنید که دلهای شما از آن
غافل باشد و خبر نداشته باشد و لیکن باید که جد و سعی کنید از برای او در دعا و از حضرت
صادق ع منقولست که هر گاه دعا کنی پس بدل خود رو کن بدرگاه الهی و حاجت خود را بدر خانه
خانه خود گمان کن سیم آنکه گوید که رعایت این معنی بر عوام از عجم که عارف بلغت عربی نیستند
متعسر بلکه متعذر است پس بهتر آنست که ایشان هر مطلبی که خواهند بلغت خود از درگاه حق
تعالی طلب نمایند و اگر خواهند که ادعیه منقوله تلاوت نمایند و از برکات الفاظ صادره از معادن
وحی و الهام کشف الحقیقه کلام حضرت ملک علام بالمره محروم نباشند باید که در حین خواندن
دل خود را مشغول جناب حق تعالی نماید و صفات کمالیه او را منظور دارند و عظمت و جلال او را در

برابر خود متمثل سازند و در فکر امور دنیا و تدبیر معاش که اکثر اوقات در حین عبادات اکثر مردم
در فکر آنها می باشند نباشند و بالجمله از یاد خدا غافل و ذاهل نباشند و پیوسته در فکر آن
مطلبی که دعا برای آن می خوانند بوده باشند هرگاه چنین باشند ظاهر آنست که عمل باین شرط
نموده باشند و داخل فراموش کاران و غافلان که در احادیث مذکوره وارد شده است نبوده باشند
و اگر خواندن دعای مترجم که الحال شایع و متعارف است از برای این طایفه متیسر شود بهتر است و اگر دعا
شخصی دیگر که معنی آنرا نفهمند بخواند و ایشان آمین بگویند نیز خوبست و در ثواب با یکدیگر
شریک خواهند بود چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقولست که دعا کننده و آمین گوینده در ثواب
با یکدیگر شریک اند و ایضا از آنحضرت منقولست که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که
حضرت موسی ع دعا کرد و هرون برادر او با ملائکه آمین گفتند پس حق تعالی وحی فرمود
که دعای هر دو مستجاب گردید و ایضا از آنحضرت مرویست که فرمود پدرم هرگاه محزون و غمگین می شد
از امری زنان و اطفال را میطلبید پس خود دعا میکرد و ایشان آمین میگفتند و بنابراین اگر داعی از
جماعت حاضرین التماس نماید که ایشان بگویند آمین بر ایشان لازم است چنانچه از علی بن
جعفر رضی الله عنه مرویست که گفت از برادرم حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه پرسیدم
از مردی که دعا میکند و برادران او برگرد او حاضر اند آیا بر ایشان واجبست آمین گفتن یا نه
حضرت فرمود که اگر خواهند میگویند و اگر خواهند ساکت میشوند پس اگر او از ایشان التماس
نماید بر ایشان واجبست آمین بگویند و الله تعالی هو الموفق سیم آنکه داعی در دعا لحن ننماید و
الفاظ و اعراب آنرا هرگاه بلفظ عربی باشد غلط نخواند زیرا که غرض از دعا مناجات با قاضی الحاجات
و عرض مطلب و حاجت بدرگاه احدیت سؤال از انجاح مطالب دنیویه و اخرویه و دینویه است و هرگاه
تغییر و تبدیل در کلمات و حرکات دعا واقع شود معنی منقلب و خلاف مدعا بلکه فاسد و منتج
نتیجه عکس مطلوب میشود مثلا در زیارات خطا بعضی می کنند و میگویند اشهد انک قُتِلتَ
و ظُلِمتَ و غُصِبتَ بضم قاف و ظاء و غین بنابر اینکه افعال ثلثه مبنی از برای مفعول باشد و مراد
آنست که تو مقتول گشتی و مظلوم و مغصوب شدی پس هرگاه افعال ثلثه را بفتح حروف ثلثه بخوانند
بنابر آنکه مبنی از برای فاعل باشد معنی ظاهر آن بد است زیرا که اسناد قتل و ظلم و غصب را بمعصوم

دد

داده و لحن عبارت از اینست و اینست معنی آنچه در بعضی اخبار وارد شده که دعائی که در آن لحن
باشد مقبول نیست و دعای ملحون را خدای تعالی قبول نمیکند و از حضرت صادق ع منقولست
که فرمود ما جماعت فصحائیم هرگاه روایتی از ما صادر شود اعراب آنرا خوب ظاهر سازید و از حضرت
امام محمد تقی ع مرویست که در تتمه حدیثی که فرموده اند افضل و اعلم نزد خدا تعالی کسی است که داناتر
باشد بقراءت قرآن بنحوی که نازل شده و دعای او بر وجهی باشد که لحن در آن نکند و لحن خطای در
اعرابست و لوازم آن و این بجهت آنست که دعائی که در آن لحن باشد ملائکه بالا نمیبرند بجانب حق
جل و علا و در این مقام اشکالی کرده اند و جوابها گفته اند و در این حدیث تاویلها کرده اند که طولی
دارد و مناسب مقام نیست چهارم آنکه باید داعی معرفت کامل داشته باشد بپروردگار خود حق تعالی
و بیقین داند که قضای حوایج دنیا و آخرت همه بدست اوست و بغیر او نفع و ضرر رساننده نیست
و هر نعمتی که بادمی میرسد از جانب اوست و هر چند معرفت او در این باب کامل است امید اجابت
دعا در حق او بیشتر است و در حدیث معتبر منقولست که از حضرت امام جعفر صادق ع پرسیدند
که چه سبب دارد که ما دعا میکنیم و دعای ما مستجاب نمیشود فرمود از برای آنکه شما کسی را می
خوانید و حاجت خود را از کسی میطلبید که او را نمیشناسید و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه
احدی از شما خواهد که هر حاجتی از خدای تعالی سؤال نماید باو عطا فرماید باید که از همه مردم
مایوس و نا امید باشد و از غیر خدا امیدی نداشته باشد زیرا که حق تعالی چون این حالت را
در دل او یابد هر حاجتی که سؤال کند البته باو عطا فرماید پنجم آنکه توبه کند و حقوقی را
که در ذمه او باشد ادا نماید و از محرمات و شبهات اجتناب کند و اعمال صالحه و عبادات مقبوله
بجا آورد و از گناهان معنوی که صفات ذمیمه نفس است نفس خود را منزه و پاک گرداند و بصفات حسنه
و اخلاق حمیده آنرا محلی و مزین سازد و در حدیث معتبر منقولست که شخصی بحضرت امام جعفر
صادق ع عرض نمود که حق تعالی می فرماید که دعا کنید تا دعای شما را مستجاب گردانم و ما دعا میکنیم
و مستجاب نمیشود فرمود که دعای شما برای آن مستجاب نمیشود که وفا نمیکنید به پیمانها که حق تعالی
از شما گرفته است از عمل نمودن باوامر و ترک نمودن مناهی و حق تعالی می فرماید که وفا کنید بعهد
و پیمان من تا وفا کنم بعهد و پیمان شما و الله که اگر شما وفا کنید از برای خدا او نیز وفا میکند

از برای شما و در حدیث دیگر روایت که هر که خواهد که دعای او مستجاب شود باید که کسب خود را
حلال کند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که بهترین دعاها آن
دعائی است که صادر شود از سینه که پاک و پاکیزه باشد از عیوب و صفات ذمیمه و دلی که پرهیزکار
باشد و بروایت دیگر فرمود که وحی نمود حق تعالی بحضرت عیسی علیه السلام که بگو به بنی اسرائیل که
بخانه‌ای از خانهای من داخل نشوید مگر با دلهای طاهر و دیدهای خاشع و دستهای پاکیزه از کسب
حرام و شبهه و بایشان بگو که بدانید که من هیچ یک از شما دعای مستجاب نمیکنم هر گاه مظلمه
کسی بگردن او باشد و مال کسی بظلم در تصرف او باشد و حضرت امام جعفر صادق ع فرمود
که حق تعالی مستجاب نمیکند دعائی را که با دل سخت باشد و با قساوت دعا کند و در حدیث دیگر
منقول است که حضرت رسول صلعم علیه و آله فرمود که دعای بی عمل صالح از بابت تیر انداختن از کمان
بی زه است ششم آنکه دعا عادت او شده باشد و در حال رخا و عافیت نیز دعا میکرده باشد و در
حدیث واقع شده که هر که خواهد که دعای او در شدت مستجاب شود باید در حالت رخا و نعمت
نیز دعا بسیار کند و در حدیث دیگر وارد شده که شخصی که پیش از نزول بلا دعا میکند چون بلائی
بر او نازل میشود دعای او مستجاب است و ملائکه چون صدای او را میشنوند میگویند که این
صدای آشنائی است و دعای او را از آسمان منع نمی نمایند و شخصی که دعا نمیکند پیش از نزول
بلا چون بلائی بر او نازل شود دعای او مستجاب نیست و ملائکه میگویند ما این صدا را نمی‌شناسیم
و بروایت دیگر میگویند پیش از امروز کجا بودی هفتم آنکه پیش از شروع بدعا تصدقی بکند
و در حدیث است که حضرت امام جعفر صادق ع فرمود که اگر احدی از شما بیمار شود طبیب را
میطلبد و باو چیزی میدهد و اگر حاجتی بپادشاهی داشته باشد بدربان او رشوه میدهد پس
هر گاه حاجتی بخدا داشته باشد باید که تصدقی بکند خواه کم خواه بسیار هشتم آنکه چون
شروع کند بدعا افتتاح کند دعای خود را بحمد و ثنای الهی و صلوات بر محمد و آل محمد و در حدیث
وارد شده که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که هر گاه یکی از شما خواهد که از
خداوند خود حاجتی از حاجتهای دنیا و آخرت سؤال نماید باید که ابتدا کند به ثنا و مدح
خداوند عالمیان و صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیهم اجمعین انگاه حاجت خود را طلب
بمجاری

می نماید مهیا میکند از برای او از ستایش و حاجت خود را طلب نماید و بروایت دیگر فرمود که
هر گاه حاجتی داشته باشید حمد و ثنای پروردگار خود بگوئید زیرا که هر گاه کسی که از پادشاهی
حاجتی طلب مینماید مهیا میکند از برای او از ستایش بهترین سخنانی که قدرت دارد که ادا
بسازد پس آنحضرت فرمود که شخصی داخل مسجد حضرت رسول صلعم شد و دو رکعت نماز کرد و از
خدا تعالی حاجتی سؤال نمود حضرت فرمود که این بنده تعجیل کرد بر خداوند خود و دیگری آمد و
دو رکعت نماز کرد بعد از آن خدا را ثنا گفت و صلوات بر پیغمبر فرستاد حضرت فرمود که حاجت
خود را بطلب که حق تعالی عطا میفرماید و بروایت دیگر فرمود که دعا محجوب است از آسمان و مستجاب
نمیشود تا صلوات بر محمد و آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین بفرستد و بروایت دیگر هر که دعا
کند و پیغمبر صلی الله علیه و آله را یاد ننماید دعا بالای سر او بال میزند و چون صلوات میفرستد
بالا میرود نهم آنکه دعای خود را ختم کند بصلوات و در حدیث وارد شده که هر که را بخدا
تعالی حاجتی باشد صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام فرستد و حاجت خود را طلب نماید پس
باز دعای خود را ختم کند بصلوات بر محمد و آل محمد صلوات الله علیهم بدرستی که خدا کریمتر است
از آنکه دو طرف دعا را قبول فرماید و میان را رد کند زیرا که صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام
البته مقبول است و رد نمیشود دهم آنکه در حین دعا کردن بسجود رود و در حالت سجود
حاجت خود را طلب نماید و در حدیث است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام برای
فرمود که بر تو باد دعا کردن در وقتی که در سجود باشی زیرا که بنده در حالت سجود بحق تعالی
نزدیکتر است از احوال دیگر خود یازدهم آنکه سعی کند که رقت نماید و با حالت رقت دعا
کند و در حدیث است که حضرت امام جعفر صادق ع فرمود که هر گاه شما را رقت حاصل شود دعا
کنید زیرا که دل آدمی را رقت حاصل نمیشود مگر در هنگامی که از برای حق تعالی خالص گردیده باشد
و متوجه خدا شده باشد و آن علامت استجابت است و بروایت دیگر فرمود چون بدن تو بقشعریره
درآید و بلرزد و دیده‌ها تو گریان شود در دعا اهتمام کن که در این حالت رحمت الهی متوجه تو
گردیده و هنگام اجابت است دوازدهم آنکه حاجتی که داشته باشد از برای برادر مؤمن طلب
نماید تا بجهت او یقین مستجاب شود و در حدیث وارد شده که حضرت رسول صلی الله علیه

و آله فرمود که هیچ دعائی زودتر مستجاب نمیشود از دعای غایبی از برای غایبی و در حدیث دیگر
مرویست که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که نزدیکترین دعاها باجابت دعای مؤمنست
که از برای برادر مؤمن خود غایبانه کند زیرا که ملکی موکل است بر این دعا که میگوید آمین حق تعالی
بتو عطا میفرماید دو برابر آنچه برای برادر خود دعا کردی و در حدیث دیگر از ابراهیم بن هاشم
منقولست که گفت عبد الله بن جندب را در عرفات دیدم که هیچکس وقوف عرفات را از او بهتر بجا نیاورده
بود پیوسته دست باسمان بلند کرده بود و آب دیده بر دو طرف رویش جاری بود و بر زمین میریخت
چون مردم از وقوف عرفات فارغ شدند برگشتند باو گفتم هرگز من وقوفی بهتر از وقوف تو ندیده بودم
گفت والله که در این موقف دعا نکردم مگر برای برادران مؤمن خود زیرا که از حضرت امام موسی
کاظم ع شنیدم که هر که برای برادر مؤمن خود دعا کند در غایبانه او از عرش او را ندا کنند که از
برای تو باد صد هزار برابر آنچه برای او دعا کردی نخواستم صد هزار برابر محقق مضمون
را ترک کنم برای یکی که نمیدانم که مستجاب میشود یا نه و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله فرمود که هر مؤمنی که از برای مؤمنین و مؤمنات دعا کند حق تعالی باو برگرداند از
هر مؤمنی که در دنیا بوده یا خواهد آمد از اول دنیا تا آخر دنیا بمثل آنچه برای ایشان دعا
کرده است مؤلف گوید که ممکنست که این اختلاف نقل باختلاف دعا کنندگان باشد و دو برابر
اقل مراتب زیاده و صد هزار برابر اکثر مراتب آن باشد و اگر برای همه مؤمنین و مؤمنات دعا کند
ثمره اش آن باشد که در حدیث اخیر مذکور است والله تعالی یعلم بدانکه در حدیث معتبر از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که چهل مؤمن را مقدم دارد و آنگاه برای ایشان دعا کند
دعای او مستجابست و در حدیث دیگر مرویست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که
چون یکی از شما دعا کند دعای خود را عام کند که مخصوص خود نسازد تا باجابت نزدیکتر باشد
مؤلف گوید که از جمع بین الاخبار مفهوم میشود که اولی و سزاوار آنست که داعی یکی از
دو طریق را اختیار نماید تا دعای او باجابت نزدیک شود اول آنکه مطلب خود را بجهت برادر
مؤمن خود طلب نماید خواه یک مؤمن یا بیشتر و اولی آنست که چهل مؤمن باشد یا بجهت
مؤمنین و مؤمنات عموما آنگاه همان مطلب را برای خود طلب کند یا بدعای که بجهت ایشان
کند

ایشان کرده است اکتفا نماید دویم آنکه برای خود و دیگران عموما طلب کند خواه جمعی مخصوص مثل
اقارب و خویشان یا صاحبان حقوق و امثال ایشان یا مطلق مؤمنین و مؤمنات سیم آنکه حاجت خود را صریح نام
برده بدرگاه حق تعالی عرض نماید و در حدیث وارد شده که حق تعالی مراد بندگان خود را میداند در
هنگامی که دعا میکنند ولیکن دوست میدارد که بندگان حاجتهای خود را بر آن جناب بشمارند و یکان یکان
عرض نمایند چهارم آنکه الحاح کند در دعا و مبالغه نماید در طلب اجابت و در حدیث وارد شده است
که حضرت امام محمد باقر ع فرمود بخدا سوگند که مصر نشود بنده مؤمنی نزد حق تعالی بالحاح نمی نماید در حاجت
خود مگر آنکه حاجت او را بر می آورد و حضرت صادق ع فرمود که حق تعالی مکروه و دشمن دارد الحاح مردم
را در سؤال از یکدیگر و آن را برای خود این الحاح را پسندیده است و دوست میدارد که از او سؤال نمایند
و از آنچه نزد اوست طلب کنند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که حق تعالی رحم میکند
بنده را که طلب کند از حق تعالی حاجتی را و در دعا الحاح نماید خواه دعای او را مستجاب کند یا نکند
پنجم آنکه جمعی را نیز در دعا کردن با خود شریک گرداند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که چهار نفر جمع نمیشوند از برای دعا مگر آنکه در هنگامی که متفرق میشوند دعای ایشان
مستجاب گردیده پس فرمود که چون پدرم را حاجتی در پیش میآمد زنان و کودکان را جمع میفرمود
و خود دعا میکرد و ایشان آمین میگفتند و بروایت دیگر فرمود هرگاه چهل نفر جمع شوند و دعا کنند
البته دعای ایشان مستجابست و اگر چهل نفر نباشند چهار نفر چون هر یک ده نوبت خدا را در حاجتی
بخوانند البته دعای ایشان مستجاب میسازد و اگر چهار نفر نباشند یکنفر چون خدا را در حاجتی
چهل نوبت بخواند البته خداوند عزیز جبار دعای او را مستجاب میکند چنانکه در حدیث وارد
شده که حضرت امام رضا ع فرمود که یک دعای مخفی که بکنی بهتر است از هفتاد دعا که اظهار نمائی و بعلانیه
کنی و مراد از این حدیث شریف مبالغه است در خلوص دعا و احتراز از ریا پس اگر ایمن باشند از ریا
شرکت دیگران با او در دعا اولی است و باجابت اقربست ششم آنکه بعد از فراغ از دعا امید عظیم بهم
رساند باجابت حق تعالی و در حدیث وارد شده که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه براوی فرمود
که چون دعا کنی چنان گمان کن که حاجت تو بر در خانه تو حاضر است و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود
که حق تعالی مستجاب نمیکند دعائی را که با دل غافل فراموشکار باشد پس چون دعا کنید دل خود را

باخدا دارید یقین خود را محکم کنید که دعای شما مستجاب است **مفتاح چهارم در بیان** کیفیت خواندن
ادعیه و توضیح آنکه ثمراتی که بجهت آنها وارد شده چگونه بر آنها مترتب میشود و در چه وقت
حاصل میشود و بوقوع میرسد **بدانکه** ادعیه که در اخبار و احادیث وارد شده چگونه ترتیب
بر آنها مترتب میشود و در چه وقت حاصل میشود بر دو نوع است **نوع اول** ادعیه که ثمره معینه از
برای آنها بخصوص در اخبار وارد نشده و ثمرات این ادعیه ثمرات اخرویست که از عبادت
دعا حاصل میشود و هم چنین استجابت مطالبی که در این ادعیه مذکور است و ثمرات دیگر که بر دعا مطلقا مترتب
میشود **نوع دویم** ادعیه که ثمرات معینه از برای آنها در اخبار و روایات وارد شده خواه ثمرات اخرویه
یا ثمرات دنیوی باشد و وصول ثمرات اخرویه ظاهر است که در نشاه اخرت واقع میشود اما ثمرات دنیویه
پس زمان وقوع آنها در این ادعیه مختلف میشود بسبب اختلاف اقسام آنها زیرا که ادعیه بعضی
مخصوص است بوقت معینی و بعضی مخصوص است بوقت نیست و برخی مقید است بعدد معینی و بعضی مقید
بعددی معینی نیست پس ادعیه این نوع بر چند قسم است و هر یک از آن اقسام حکمی دارد **قسم اول**
ادعیه که چنین وارد شده که هر که فلان دعا را در طرف صبح مثلا بخواند در آن روز از فلان بلا
یا از همه بلاها سالم باشد یا فلان نعمت از برای او حاصل شود یا هر که فلان دعا را در طرف شام
بخواند چنان و چنان خواهد بود و حکم این قسم آنست که در هر روز و هر شب که آنرا میخواند
بمقتضای وعده که در آن حدیث شده آن ثمره برای آن حاصل میشود و اگر در روزی یا شبی ترک
نماید بعمل بمضمون حدیث نکرده است و آن وعده نسبت باو واقع نشده و اگر حق تعالی خواهد آن ثمره را
باو عطا میفرماید و اگر نخواهد عطا نمیفرماید **قسم دویم** ادعیه که وارد شده که هر که فلان
دعا را در اول ماه بخواند در آن ماه از مرض و بیماری مثلا سالم باشد یا فلان دعا را در اول
سال بخواند که در آن سال چنین خواهد بود و این قسم نیز مانند قسم اول است و هر گاه خواهد که
آن ثمره موعوده برای او حاصل شود باید که ترک ننماید و با آنکه در این دو قسم لازم نیست
تکرار خواندن آن ادعیه بخواندن یک مرتبه عمل بمضمون حدیث حاصل میشود و اگر مکرر
بخواند الحاح در دعا که در احادیث امر بآن شده بعمل می آید و باین جهت اولی است چنانچه
بعد از این بیان خواهیم نمود **قسم سیم** دعائی که مقید بوقت معینی نشده و عدد معینی نیز برای

او واقع

او واقع نشده مثل آنکه وارد شده که هر که فلان دعا بخواند فلان ثمره برای او حاصل میشود و این
قسم نیز مانند قسم دویم است و هر گاه خواهد که آن ثمره موعوده و این قسم از دعا وقت معینی ندارد
و در روز و در هر وقت از اوقات روز و شب که میخواند و اگر اوقات استجابت دعا را که در اخبار
و احادیث وارد شده اختیار نماید اولی و بالاجابت اقرب خواهد بود و هم چنین این قسم از دعا عدد
معینی ندارد پس اگر یکمرتبه بخواند عمل بحدیث نموده است و آن ثمره حاصل میشود و اگر مکرر بخواند عمل
باحادیث الحاح در دعا نموده و باین جهت امید استجابت در باره او بیشتر خواهد بود **قسم چهارم**
ادعیه که مقید بوقت معینی نیست ولیکن عدد معینی برای آنها واقع شده مانند آنکه وارد شده
که هر که فلان دعا را ده مرتبه بخواند مثلا فلان ثمره می بخشد و در این قسم هر گاه عمل بحدیث نماید و آن دعا
را بهمان عدد بخواند بمقتضای وعده الهی بعد از قرائت بآن عدد ثمره موعوده مترتب میشود و با آنکه در
این قسم هر گاه آن عدد را بی کم و زیاد مرعی دارد معین بعمل بحدیث نموده است و از کلام بعضی از
علما ظاهر میشود که اگر زیاده بخواند نیز خوب است زیرا که در اذکار و ادعیه زیاده مضر نیست و خصوص
ندارد و این سخن در صورتیکه ادعیه و اذکار مختلف وارد شده و فرموده باشند که فلان ذکر را
ده مرتبه و ذکر دیگر را ده مرتبه بخوان محل تامل است زیرا که محتمل است که خصوص آن عدد معین و مراعات
ترتیب بطریقی که وارد شده دخیل باشد در حصول آن ثمره چنانچه در باب تسبیح حضرت فاطمه
زهرا صلوات الله علیها گفته اند که باید عدد الله اکبر و الحمد لله و سبحان الله مضبوط
باشد و بهمان عدد و ترتیب این اذکار گفته شود بلی در صورتی که یک ذکر و یک دعا باشد یا شغل
باشد و باتمام رسیده باشد ظاهر است که زیاده مخل نباشد زیرا که بعد از اتمام آن عدد عمل
بحدیث کرده است و زیاده که بعد از اتمام عمل بجا آورده باشد ضرر ندارد چنانچه در مثال تسبیح هر گاه
آنرا اتمام کند و سی و سه مرتبه سبحان الله بگوید اگر بآن ذکر سبحان الله را بگوید چون آن
عمل را بوضعی که ماثور است تمام کرده است آن زیاده مخل نیست و باذکار تسبیح محسوب نمیشود بلکه
ذکریست علیحده که بعد از فراغ از تسبیح بجا آورده است **قسم پنجم** ادعیه که مقید بوقت معین و عدد معین
شده باشد مانند دعائی که وارد شده که هر که آن دعا را چهل شب جمعه مثلا بخواند فلان ثمره دارد که
این قسم نیز مانند قسم سابق است و زیاده خواندن آن دعا ضرر ندارد و منافی عمل بمضمون حدیث

نیست وظاهر آنست که در این قسم توالی شرط نیست پس اگر در لیله از لیالی جمعه ترک نموده باشد
مضر نیست خصوصاً هرگاه بسبب مانعی باشد بلی اگر در حدیث تصریح بتوالی شده باشد و بدون مانع ترک نموده
باشد عمل بمضمون حدیث ننموده است و باید عمل را از سر گیرد **و بدانکه در بعضی** از اعمال که توالی در آنها
شرط شده مانند روزه دو ماه پیاپی در کفاره افطار روزه ماه رمضان هرگاه آن عمل را از نصف
تجاوز نموده باشد و سی و یک روز روزه داشته باشد آن عمل موافق فتاوی علما و احادیث مجزی است
و بعد تجاوز نصف مراعات توالی در بقیه آن واجب نیست و هرگاه در اعمال واجبه چنین باشد که اکتفا
توان نمود بتجاوز نصف پس دور نیست که در اعمال مستحبه مانند دعا بطریق اولی مجزی باشد
و خداوند کریم نیز در این صورت وفا بوعده خود فرماید و الله تعالی یعلم **قسم ششم** ادعیه که
وارد شده که هرکه در شب جمعه فلان دعا بخواند فلان ثمره دارد یا هرکه هر روز فلان دعا یا بعد از هر نماز
صبح فلان دعا یا بعد از هر نماز فریضه فلان دعا بخواند چنان شود و قریب باین است ادعیه که بلفظ مداومت
و مواظبت وارد شده که هرکه مداومت و مواظبت نماید بر فلان دعا فلان ثمره برای او حاصل میشود
و در این قسم هرگاه بطریقی که در حدیث وارد شده عمل نماید و تخلف نکند آن ثمرات حاصل میشود
و اگر گاهی بعمل آورد و گاهی ترک نماید پس اگر آن ترک نادر و قلیل باشد و بحدی رسیده باشد
تلاوت آن دعا که در عرف و عادت گویند که آن عمل را استمرار داده و مداومت و مواظبت مینماید عمل
بحدیث نموده و آن ثمره حاصل میشود و اگر ترک خواندن دعا را بسیار کند و قرائت دعا بحدی نرسیده
باشد که بحسب عرف از اهل مداومت یا مواظبت گویند عمل بمضمون حدیث ننموده است و حصول آن ثمره
بمقتضای وعده لازم نیست این است حکم این قسم در باب حصول این ثمره و اما آنکه در چه وقت آن
ثمره حاصل میشود پس آن خالی از غموض و اشکال نیست زیرا که بمقتضای احادیث آن است که قرائت آن
ادعیه در همه لیالی جمعه در مثال اول و در تمام ایام و در اعقاب همه صلوات صبح یا همه فرایض در مثالهای
دیگر یا بعد از حصول مداومت و مواظبت در صورت اخیره موجب وقوع آن ثمرات است و معلوم
که این معنی تحقق بهم نمیرساند و وقوع نمی پذیرد مگر در هنگامی که در تمام عمر خود چنان میکرده
باشد و عمل آن احادیث حاصل نمیشود مگر با تمام عمر با این حالت و هرگاه ترتب ثمره موقوف بر
اتمام عمر باشد باید که ثمرات آن ادعیه بعد از زوال حیات و انقضای ایام عمر حاصل شود و این معنی
در ثمرات

در ثمرات اخروی اگرچه محذوری و قصوری ندارد زیرا که آن ثمرات بعد از موت در نشاه اخرت حاصل میشود
اما ثمرات دنیوی چگونه میتواند بود که بعد از موت و انقضاء ایام حیات بوده باشد مثلاً در حدیث وارد
شده است که هرکه هر روز بعد از نماز صبح فلان دعا بخواند حق تعالی او را از کوری و نابینائی و از تنگدستی
و پریشانی نگاه دارد و ظاهر است که حصول این ثمره بعد از موت و انقضای ایام زندگانی بی وجه
بی صورت است و حل اشکال بجهت چه میتواند بود در وقوع ثمره در این مثال چند احتمال دارد **اول آنکه**
مراد این باشد که هر روزی که این عمل بجا می آورد و آن دعا را میخواند در آن روز از کوری و نزول
این بلا و از پریشانی و منع روزی ایمن خواهد بود و این احتمال مبنی بر این است که آن عمل در
حقیقت اعمال متعدده و ثمره آن ثمرات متعدده باشد و هر یک از آن اعمال هرگاه واقع شود ثمره
آن نیز بوقوع رسد **دویم آنکه** مقصود این باشد که مادام که مداومت بر این عمل مینماید این
ثمره از برای او حاصل است و در این صورت حصول ثمره موقوف است بر آنکه عمل او مکرر شود و بحدی برسد
که در عرف گویند که فلان شخص این دعا را بعد از هر نماز صبح میخواند و بی حصول این معنی آن ثمرات
لازم نیست پس در هنگام شروع باین عمل چون هنوز مکرر نشده و در عرف او را مواظب بر آن عمل
نمی نامند وقوع ثمره لازم نیست و بعد از حصول مواظبت هرگاه نادراً و احیاناً آن را ترک نماید
مخل نیست چنانچه اشاره بآن نمودیم و بنا بر این احتمال ممکن است که مختلف شود احوال دعا و ثمره
و نظر بایام عمر او مانند آنکه یکسال بر آن دعا مداومت نماید و ثمره از آن یابد و سال دیگر ترک
نماید و از وعده ثمره بهره نداشته باشد **سیم آنکه** منظور این باشد که هرگاه در تمام عمر مداومت
نماید این ثمره برای او حاصل است و علم باین معنی از برای حق تعالی که عالم بغیب است حاصل است پس اگر در علم
الهی چنان باشد که این شخص مادام حیات باین عمل مداومت می نماید بمجرد شروع در این عمل آن ثمره را
باو عطا میفرماید و اگر بر خلاف این باشد و در علم الهی چنین نباشد و حق تعالی داند که مداومت
نخواهد کرد برای او لازم نیست که آن ثمره را باو کرامت فرماید و الله تعالی یعلم حقایق الامور **مقام**
پنجم در بیان ادعیه شریفه و امکنه متبرکه و بعضی از وظایف و آداب حسنه قبل و بعد از ادعیه
بدانکه مراعات این امور موید اجابت و سبب سرعت استجابت میگردد خصوصاً هرگاه مطلب عظیم
و حاجت خطیر باشد و چون این امور را در اجابت دعا مدخلیت عظیم هست معرفت آنها مهم

و فواید عظیم دارد مناسب دانست که اکثر آنها را مفصلاً مذکور سازد و آنها را در ضمن چند مطلب
ایراد مینماید مطلب اول در ساعات شریفه شب و روز که حق تعالی آنها را شریف و محل استجابت
دعا گردانیده و آنها بر دو قسمست قسم اول ساعاتی که اختصاص بشب و یا روز دارد اما ساعات
شب و آنها بر دو نوعست نوع اول در ذکر ساعات شب عموماً که اختصاص بشب خاصی ندارد
و آنها چند ساعتست اول بعد از نماز شام هر شبی چنانچه در حدیث وارد شده که دعا در چهار
محل مستجابست و یکی از آنها بعد از نماز شام فرموده‌اند دوم بعد از نصف شبست از هر شبی
تا مقدار آنکه سدس شب بگذرد چنانچه در حدیث واقع شده که در شب ساعتی هست که هر که
در آن ساعت نماز بگذارد و خدا تعالی را بخواند البته دعای او مستجاب میشود در هر شبی که بوده
باشد و آن ساعت بعد از نصف شبست تا آنکه سدس شب بگذرد سیم در وقت نماز مفرده وتر
و بعد از فارغ شدن از آن و بعد از هشت رکعت از نماز شب و بهتر آنست که دعا که در صحیفه کامله
مذکورست بعد از مفرده وتر بخواند و اگر بعد از هشت رکعت بخواند بهترست و هر دعا از دعای
مناجات صحیفه کامله یا غیر آن خصوصاً مناجاتهای پانزده گانه را بخواند مناسبست و حوایج
دنیا و آخرت خود و برادران مؤمن و در این وقت طلب نماید که وقت استجابت دعاست چهارم در سحر
و ثلث آخر شب در حدیث وارد شده که بهترین وقتها که حق تعالی را بخوانید سحرهاست و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که در آخر شب منادی ندا میکند که آیا سائلی هست که تا حاجت او را
روا کنم آیا توبه کننده هست که توبه اش را قبول کنم آیا کسی هست که طلب آمرزش نماید تا بیامرزم او را
و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت کرده‌اند که فرمود که هر کس را بسوی پروردگار خود
حاجتی باشد در سه ساعت طلب نماید و یکی از آنها یکساعت آخر شب قریب بطلوع صبح
فرمود لیکن فرمود که بدرستی که در سحر دو ملک از جانب حق ندا میکنند بمضمون مذکور فرمودند
و قریب بآنچه در حدیث سابق گذشت و از حضرت امام رضا مرویست که حق تعالی ملکی را
در ثلث آخر هر شبی بآسمان دنیا میفرستد و امر میکند او را که ندا کند که آیا سؤال کننده هست
تا مطلب او را عطا کنم آیا توبه کننده هست که توبه او را قبول کنم آیا طلب آمرزش کننده هست
تا گناهان او را بیامرزم ای طلب کننده خیر رو کن ای طلب کننده شر باز ایست پس آن ملک ندا میکند

تا صبح

تا صبح طلوع کند و هر گاه صبح طالع شد بازمیگردد بمحل خود از ملکوت آسمانها نوع دوم ساعات خصوص
بعضی از شبها و آنها چند ساعتست اول شب جمعه چنانچه از امام محمد باقر مرویست که پروردگار
جل شانه از بالای عرش خود در هر شب جمعه از اول شب تا آخر شب ندا میکند آیا نیست بنده مؤمنی که
دعا کند مرا از برای دین خود یا دنیای خود پیش از طلوع صبح تا دعای او را مستجاب کنم آیا نیست بنده مؤمنی
که روزی او را بر او تنگ کرده باشم پس زیادتی روزی خود را از من سؤال کند پیش از طلوع صبح تا روزی
او را زیاده گردانم و توسعه دهم آیا نیست بنده مؤمنی که بیمار باشد که سؤال کند از من که او را شفا دهم
آیا نیست بنده مؤمنی که محبوس و غمگین باشد که سؤال کند از من که او را از زندان خلاص گردانم یا او را
از حبس رهائی دهم آیا نیست بنده مؤمنی که مظلوم باشد که سؤال کند از من قبل از طلوع صبح که حق
او را از ظالم بگیرم یا انتقام او را از او بکشم و حق او را از ظالم بستانم پس حضرت امام محمد باقر
فرمودند که حق تعالی پیوسته در شب جمعه ندا میکند و آنچه مذکور شد تا صبح طلوع کند دوم شبهای لیالی
ثلثه قدر که شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم ماه مبارک رمضانست چنانچه احادیث
فضیلت و استجابت دعا در آنها بتفصیل در این کتاب بعد از این در مذکور میشود انشاء الله تعالی
و همچنین اکثر از شبهای ماه مبارک رمضان بلکه کل آنها چنانچه بعد از این مذکور خواهد شد
سیم لیالی اربعه یعنی شب اول ماه رجب و شب نیمه شعبان و شب عید فطر و شب عید اضحی
که دعا در آنها مستجابست البته بتفصیل خواهد آمد انشاء الله و همچنین اکثر از شبهای ماه رجب
و شعبان خصوصاً شب نیمه رجب و اول شعبان و لیالی بیض و شب آخر این دو ماه و شب جمعه اول
رجب که آنرا لیلة الرغائب مینامند و شب بیست و هفتم ماه رجب که روز آن مبعث پیغمبر ماست
صلی الله علیه و آله و بعد از این اینها بتفصیل مذکور خواهد شد انشاء الله چهارم بعضی از شبها
که در طرف سال مخصوص فضیلت داشته باشد غیر شبهای گذشته مانند شب پانزدهم ذی
القعده و غیر آن و همچنین شبهای که روز آنها شرافتی دارد مانند شب ترویه و شب عرفه و شب
عید غدیر و شب مولود و شب مبعث حضرت رسول صلی الله علیه و آله و غیر آن چنانچه در این
کتاب بتفصیل مذکور میشود انشاء الله اما ساعات روز و آنها نیز بر دو نوعست نوع اول
ساعات روز عموماً که تخصیص بروز خاصی ندارد و آن چند ساعتست اول وقت زوال آفتاب

از هر روزی یعنی اول ظهر هر روز چنانچه از حضرت امام محمد باقر ع مرویست که از پدر بزرگوار
خود نقل کرده که هرگاه او را حاجتی بود از حق تعالی طلب مینمود در اول وقت ظهر بخصوص وقت
زوال روز جمعه تا یکساعت که از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که آنحضرت فرمودند
که سؤال نمیکند کسی که در آن ساعت از حق تعالی چیزی را مگر آنکه با او عطا میکند دویم بعد از
عصر هر روزی خصوصاً بعد از نماز عصر در حدیث وارد شده که هر کرا حاجتی داشته باشد
ختم قرآن را بعد از نماز عصر و قرآن را بدست بگیر و از اول تا آخر قرآن را باز کن بعد از آن
دست خود را با قرآن بلند کن بقدری که توانی بخوان این دعا را اللّهمّ انّی اتوجّه الیک با
القرآن العظیم من فاتحته الی خاتمته وفیه اسمک الاکبر و کلماتک التامات
کلها اسئلک بما تخاف منه و ترجا یا سامع کل صوت و یا بارئ النفوس بعد الموت یا
من لا تغشاه الظلمات ولا تشتبه علیه الاصوات ان تصلی علی محمد و آل محمد وان تعطی محمداً
افضل ما سئلت له و افضل ما انت مسئول له الی یوم القیمة یا ذا الجلال والاکرام
وان تعفو لی و ترحمنی و تدخلنی الجنة سیم وقت طلوع و غروب آفتاب از هر روزی بخصوص
ده مرتبه تهلیل و دعاهای دیگر وارد شده و بعضی قائل بوجوب تهلیلات شده اند در این وقت
علما حمل بر تاکید استحباب نموده اند تفریع بدانکه وارد شده که تقسیم هر روزی از روزهای
سال به دوازده ساعت و هر ساعتی را منسوب بیکی از ائمه علیهم السلام و از برای هر ساعتی از
آن دعا مخصوصی بآن ساعت مذکور نموده اند چنانچه شیخ طوسی قدس الله روحه در کتاب
مصباح و شیخ بهاء الدین محمد رحمه الله در مفتاح الفلاح نقل نموده اند و ما از جهت طول کلام
و مناسب بودن در این مقام ادعیه این ساعت را مذکور نساخته محول بمصباح و مفتاح الفلاح
مینمائیم مناسب دانست که آن ساعات را مذکور نماید تا شیعیان توسل بجویند بحق سبحانه
و تعالی در آن اوقات به پیشوایان دین خود و در هر ساعتی از آن ساعات بامامی از ائمه علیهم السلام
متوسل شوند و بخوانند دعائی را که مخصوص آن ساعت است و حوایج خود را از جناب قاضی
الحاجات مسئلت نمایند که مستجاب است انشاء الله تعالی واما ساعت اول میانه طلوع صبح تا طلوع
آفتاب است و این منسوب است بحضرت امیرالمؤمنین ع و دعای در این ساعت اینست اللّهمّ ربّ

الفلق

الفلق و الفالق الخ ساعت دویم مابین طلوع آفتاب است تا بر طرف شدن سرخی و این ساعت منسوب است
بحضرت امام حسن مجتبی علیه السلام و میخوانی در این ساعت این دعا را اللّهمّ یا خالق السموات والارض
الخ ساعت سیم بعد از برطرف شدن سرخی آفتاب است تا بلند شدن روز و این منسوب است بحضرت امام حسین
علیه السلام پس میخوانی در این ساعت این دعا را اللّهمّ ربّ الارباب الخ ساعت چهارم از بلند شدن
روز است تا پیشین و این ساعت منسوب است بحضرت علی ابن الحسین زین العابدین علیه السلام و دعای
مخصوص این ساعت اینست اللّهمّ انت الملک الملیک الخ ساعت پنجم از زوال آفتاب است
تا گذشتن مقدار چهار رکعت و آن منسوب است بحضرت امام محمد باقر علیه السلام و دعای در آن
ساعت اینست اللّهمّ انت الذی لا اله الا هو الخ ساعت ششم از زوال آفتاب از گذشتن
مقدار چهار رکعت از زوال تا نماز ظهر و این منسوب است بحضرت امام جعفر صادق ع میخوانی در آن
ساعت این دعا را اللّهمّ انت انزلت الغیث الخ ساعت هفتم پس از نماز ظهر است تا گذشتن مقدار
چهار رکعت پیش از عصر و این ساعت منسوب است بحضرت امام موسی کاظم علیه السلام و دعای در آن
ساعت اینست اللّهمّ انت المرجوّ الخ ساعت هشتم پس از گذشتن چهار رکعت پیش از عصر تا
نماز عصر و این منسوب است بحضرت امام رضا علیه السلام پس میخوانی در این ساعت این دعا را اللّهمّ
انت الکاشف للملمات الخ ساعت نهم پس از نماز عصر است تا اینکه بگذرد دو ساعت و این منسوب است
بحضرت امام محمد تقی ع و دعای در آن ساعت اینست اللّهمّ یا خالق الانوار الخ ساعت دهم
پس از دو ساعت بعد از نماز عصر تا نزدیکی زردی آفتاب است و این ساعت منسوب بحضرت امام علی نقی
علیه السلام است و دعای در این ساعت اینست اللّهمّ انت الولی الحمید الخ یازدهم ساعت
پس از نزدیکی زردی آفتاب است تا زردی آن و این منسوب بحضرت امام حسن عسکری علیه السلام است
و دعای در این ساعت اینست اللّهمّ انک منزل القرآن الخ ساعت دوازدهم پس از زرد
شدن آفتاب است تا غروب و آن منسوب بحضرت خلف حق و حجت خلق صلوات الله علیه و علی آبائه
الطاهرین و عجل فرجه و دعای در این ساعت اینست اللّهمّ یا خالق الشفق الخ نوع دویم اوقات
مخصوص روزها و آن چند وقت است اول روز جمعه همه اوقات آن و احادیث از آخوند علامه مولانا
محمد باقر مجلسی قدس الله روحه در ربیع الاسابیع ذکر نموده دویم وقت طلوع آفتاب روز جمعه

و در بعضی از روایات وارد شده که هرگاه در وقت طلوع آفتاب روز جمعه کسی هفت مرتبه سوره
قل یا ایها الکافرون را بخواند و بعد از آن دعا کند دعای او مستجاب میشود **سیم** خصوص وقت
عصر روز جمعه چنانچه منقولست که دعای سمات را در عصر جمعه بخوانند و غیر این از ادعیه که وارد
شده که بعد از عصر مطلقا یا بعد از نماز عصر واقع شده چنانچه در ربیع الاسابیع مذکور است
چهارم وقت ما بین ظهر و عصر روز چهارشنبه چنانچه منقولست از جابر بن عبد الله انصاری
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله در جنگ احزاب در روز دوشنبه و سه شنبه برای شکست
کافران دعا کرد و در ما بین وقت ظهر و عصر در روز چهارشنبه مستجاب شد و جابر گفته است که هر
گاه نازل میشد بمن چیزی که مرا بخشم می آورد در ساعت مذکوره متوجه دعا میشدم و استجابت
را می یافتم **پنجم** ایام متبرکه و اعیاد شریفه مانند روز عید فطر و اضحی و عرفه و غدیر و مبعث
و مباهله و استفتاح و غیر اینها از ایام و همچنین روزهای که اینها شرافتی دارد مانند ایام لیالی
قدر مثلاً وارد شده که روز اینها مانند شب اینها فضیلت و شرافت دارد **ششم و هفتم** اوقاتی
که اختصاص بسبب بارو بنا دارد و دعا در اینها مستجابست و اینها چند وقتست **اول** وقت وزیدن
بادهاست و وقت آمدن باران و وقتی است که مؤمنی را بظلم بقتل رسانند و اول قطره از
خون او بر زمین بریزد چنانچه از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که طلب دعا
کنید در چهار ساعت نزد وزیدن بادها و نزد گردیدن سایهها یعنی وقت ظهر نزد فرود آمدن
باران و نزد اول قطره خونی از کسی که مؤمن باشد و کشته شود پس بدرستی که درهای در اینوقتها
درهای آسمان گشوده میشود **دویم** قرائت قرآن و میان اذان و اقامه و وقتی که از کسی لطفی
بکسی برسد و دل بسوزد و دل سوخته داشته باشد و او را رقت قلب حاصل شود و اشکی
از دیده او فرو ریزد چنانچه از حضرت صادق ع مرویست که هرگاه رقت کند احدی از شما
پس دعا کنید که مستجابست زیرا که رقیق نمیشود دل کسی تا خالص نباشد **سیم** وقتی که قرآن
مجید را ختم نماید بعد از آن هر دعائی که بکند مستجابست **چهارم** وقتیست که روزه دار
روزهاش را اتمام کند و خواهد که افطار کند قبل از افطار هر دعائی که بکند مستجاب میشود انشاء
الله تعالی **پنجم** در عقب هر نماز واجبی دعا مستجابست چنانچه از حضرت امیر المؤمنین ع

منقول

مرویست که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هرگاه آدمی بجا آورد نماز فریضه را هر دعائی
را که بعد از آن بکند مستجابست ابن ابی نجام گوید که در خواب دیدم آنحضرت را و سؤال کردم
که چنین حدیثی از شما بما رسیده فرمود چنین است هرگاه فارغ شوی از نماز واجب خود پس بگو
در حالت سجده دعا را اللهم بحق من رواه و بحق من روی عنه صل علی جماعتهم و هر حاجتی
که دارد از حق تعالی بطلبد از جای نماز خود برنخیزد بخواهد که بر آورده است **وایضاً** از آنحضرت روایت
شده که باید تا آنکه سؤال کند از خدای تعالی بهشت را و دو نعما بجوید از او پناه از جهنم و آنکه تزویج
نماید حور العین را و احادیث در این باب بسیار است از ائمه هدی علیهم السلام باین قدر اکتفا شد
ششم دعای شخصی که حج خانه خدا کرده و همچنین زیارت رسول خدا و ائمه هدی علیهم السلام
باین قدر اکتفا شد و شخصی که جهاد در راه خدا کرده و کسی که بیمار باشد و احادیث در این باب
بسیار است خصوصاً مریض و دعای همگی مستجابست **هفتم** دعای سائل است برای معطی او نزد
عطا چنانچه از حضرت امام زین العابدین علیه السلام مرویست که فرمود بخادم خود وقتی که
چیزی بسائل میدهد که اندکی نگاه دار تا او دعا کند **وایضاً** از آنحضرت مرویست که میفرمود
بخادم خود که هرگاه چیزی بسائل میدهی بسائل بگو تا دعا کند بخیر که مستجابست و غیر این
از احادیث وارده در این باب و دیگر مواقع استجابت دعا بسیار است باین قدر اکتفا نموده **مطلب
دویم** در مکانهای استجابت دعا و آن چند مکانست **اول** در تحت قبه منوره که سید الشهدا
ابا عبد الله الحسین صلوات الله و سلامه علیه است چنانچه در احادیث وارد شده است
که حق تعالی بآن حضرت در عوض شهادت چهار چیز عطا کرده اول آنکه تربت شریفه او را
شفا گردانیده دویم آنکه دعا را در تحت قبه او مستجاب گردانیده **سیم آنکه** باقی ائمه را از
ذریه او قرار داده **چهارم آنکه** ایام زیارت او را از جمله عمر زیارت کنندگان او حساب ننمود
و اگر کسی را حاجتی باشد و خود در تحت قبه آنحضرت حاضر نتواند شد دیگری را اجیر میتواند
نمود تا بآن مکان شریف رفته بنیابت او دعا کند چنانچه دلالت کرده است آنچه روایت شده که
حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه را درد چشم عارض شده پس امر فرمود که کسی را
اجیر نمایند و نزد قبر منور حضرت امام حسین ع فرستند تا برای آنحضرت دعا کند پس یکی

از شیعیان از خانه آنحضرت بیرون آمد و آن اجیر را در در خانه دید و حکایت را شنید پس
گفت که من باز میگردم بخدمت آنحضرت و میگویم که چنانکه حضرت امام حسین ع امام واجب
الاطاعت است آنحضرت نیز امام واجب الاطاعه است پس چرا کسی باید نایب آنحضرت بکربلا رود که بجهت
آنحضرت دعا کند پس آن مرد شیعه باز گردید و آن سخن را بخدمت آنحضرت عرض نمود آنحضرت
فرمود که چنین است که گفتی لیکن نه آنست که حق تعالی را مکانهاست که دعا در آنها مستجاب است
نزدیک قبر سید الشهدا علیه السلام از جمله آن مکانهاست دویم روضه مقدسه حضرت
حضرت رسول و حضرت امیر المؤمنین و باقی مشاهد مشرفه اهل بیت طاهرین صلوات
الله علیهم اجمعین چنانچه احادیث آن در محلش مذکور است سیم موقف عرفات و مشعر الحرام
چنانچه در حدیث وارد شده که حق تعالی در آن روز در موقف عرفات بملائکه خطاب میفرماید
که ای فرشتگان من آیا نظر نمیکنید بسوی بندگان من که آمده اند از اطراف شهرهای دور همه گرد
آلوده و تعب کشیده و از رها و مشقتهای بسیار متحمل شده هیچ میدانید که حاجتهای ایشان چیست
ای ملائکه گواه باشید که من آمرزیدم ایشان را و در حدیث دیگر وارد شده که بعضی از گناهان
هست که آمرزیده نمیشود مگر بعرفات و مشعر الحرام چنانچه حق تعالی میفرماید که فَاِذَا اَفَضْتُمْ مِنْ
عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ یعنی چون برگردید از عرفات پس خدا را یاد کنید
نزد مشعر الحرام که موضعی است معین که در آن محل دعا مستجاب است چهارم در حرم مکه
کعبه مرویست که از حضرت امام رضا علیه السلام که نمی ایستد کسی در کوهی از کوههای مکه
مگر آنکه دعا کند مستجاب میشود دعای ایشان اما مؤمنان دعای که بجهت دنیا و آخرت
خود میکنند هر دو میشود و اما کافران دعای دنیای ایشان مستجاب میشود و همچنین در
سایر مواضع شریفه دعا مستجاب است مانند حطیم و تحت میزاب و مقام حضرت ابراهیم ع
و نزد حجر الاسود و غیره چنانچه در محل خود مذکور است پنجم مسجد الحرام و مسجد مدینه
که مسجد حضرت رسول صلی الله علیه و آله است و مسجد کوفه و مسجد سهله و اکثر مساجد
واقعه در کوفه و غیر آن که بخصوص وارد شده که دعا در آن مستجاب است و سایر مساجد مطلقه
خصوصا مساجد جامعه زیرا که مسجد خانه خداست و قصد کننده بجانب مسجد قصد کننده است

بسوی

بسوی حق تعالی و زیارت حق تعالی کرده است و در حدیث قدسی وارد شده است که بدانید آگاه باشید
که خانهای من در زمین مساجد است پس خوشا حال بنده که خود را پاک و پاکیزه و خوشبو کرده
در خانه خود پس بیاید بزیارت من که در خانه من که خدا تعالی که بحق است آن آنکه تا امید کند زایر
قاصد خود را مطلب ششم در آداب قبل از شروع بدعا و اذکار و آداب و اراده نزد شروع بدعا
و آن در دو فصل بیان میشود فصل اول در آداب قبل از شروع بدعا بدانکه داعی هر گاه آداب
و شرایط مذکوره را بقدر مقدور رعایت نماید و خواهد شروع نماید در دعا و اظهار حاجات
خود نزد قاضی الحاجات نماید باید ابتدا نماید بتحمید و تمجید پروردگار تعالی شانه یعنی نیکو کند
اسما و صفاتی را که دلالت کند بر بزرگواری حق تعالی و ثنا و ستایش او را بجا آورد و افضل آن
که تمجید و تحمید را بطریقی که از معصومین صلوات الله علیهم نقل شده بجا آورد و در احادیث
این مطلب عبارات متعدده وارد شده و ما در اینجا اکتفا مینمائیم بذکر سه عبارت و اگر دعا کننده
هر کس را پیش از دعا بخواند بهتر است اول مرویست که حضرت امام جعفر صادق ع فرمود که هر دعائی که بنا
شد پیش از آن تحمیدی آن دعا ناقص است راوی گوید که من عرض کردم که نمیدانم که چه چیز کافی است
از تمجید و تحمید آنحضرت فرمود که میگوئی اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْاَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ وَ اَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ
بَعْدَكَ شَيْءٌ وَ اَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ وَ اَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ وَ اَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ
دویم منقول است که کسی سؤال کرد از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که چیست کمتر چیزی که
مجربست از تحمید پیش از دعا آنحضرت فرمود که میگوئی اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي عَلَا فَقَهَرَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي
مَلَكَ فَقَدَرَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي بَطَنَ فَخَبَرَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَى وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
سیم منقول است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده است که در کتاب علی علیه السلام
مسطور است که پیش از سؤال مدح و ستایش باید کرد هر گاه طلب حاجتی کنی از حق تعالی پس تمجید کن
او را راوی گفت است که چگونه تمجید آن کنم آنحضرت فرموده است که میگوئی يَا مَنْ هُوَ اَقْرَبُ اِلَيَّ
مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ يَا فَعَّالًا لِمَا يُرِيدُ يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ يَا مَنْ بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلَى يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ
شَيْءٌ و بعد از تمجید و تحمید و تسبیح و تهلیل کند باین طریق سبحان الله و لا اله الا الله چنانکه در
بعضی احادیث وارد شده و بعد از آن نعمتهائی که حق تعالی باو عطا کرده ذکر کند باین طریق که بلغت عربی

بالفعل دیگر که وارد شده آنست که بگوید که خدایا و نعمای فلان نعمت و فلان نعمت را تفضل و انعام کرده و یک یک از نعمتهای الهی
را که در آنوقت بخاطر او رسد و وقت بگنجد تفصیلاً ذکر کند بزبان آورد و اگر خواهد که زود فارغ شود
نعمتها را بطریق اجمال ذکر کند و بعد از آن شکر کند حق تعالی را بر آن نعمتها و بعد از آن صلوات فرستد
بر حضرت سید المرسلین و اهل بیت طاهرین او صلوات الله علیهم اجمعین باین طریق که بگوید اللهم
صل علی محمد و آل محمد منقولست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که دعا همیشه محجوبست تا وقتی که دعا کننده
صلوات فرستد بر حضرت پیغمبر و آل او و نیز از آنحضرت منقولست که هر که دعا کند و حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله را مذکور نسازد آن دعا باسمان رفع نمیشود و مانند کبوتری که پر او را نتواند کرد
بر روی صاحبش بال بر هم میزند کبوتر کشته و یاد کرد آنحضرت را دیدار و صلوات فرستاد دعای او باسمان
رفع میشود و بعد از صلوات گناهان خود را مذکور سازد و هر یک از آن گناهان را که در آنوقت بخاطر او آید
اگر وقت گنجایش گفتن آن داشته باشد تفصیل بیان آورد و اقرار بهمه آنها نماید و اگر خواهد که زود
فارغ شود بطریق اجمال گناهان خود را ذکر کند و اقرار بآنها کند و بعد از آن بخدای جل شانه از گناهان
پناه برد باین طریق که بعربی یا لغت دیگر که داند بگوید که خدایا بتو پناه میبرم از گناهان و بعد از
آن حاجت خود را ذکر کند و بر آمدن آن از جناب اقدس ارحم الراحمین سؤال نماید و چنانچه قبل از این
مذکور شد الحاح نماید و سعی کند در گریستن و ذکر مطلب را طول دهد و تعجیل در فارغ شدن از دعا ننماید
چنانکه منقولست که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که هرگاه کسی تعجیل نماید در دعا
و خود را زود فارغ سازد و از پی کار خود رود حق تعالی میفرماید که آیا نمیداند بنده من که منم آن
کسی که حوائج خلایق را بر می آورم و در روایت دیگر هست که حق تعالی میفرماید که تعجیل میکند بنده من گویا گمان
میکند که حوائج او بدست کسی غیر منست و دلالت میکند بر بعضی از مقدمات مذکوره و آنچه منقولست که
بخدمت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه آمد و عرض نمود که دو آیه هست در کتاب خدا
که مضمون آنها طلب میکنیم و نمی یابیم پس آنحضرت فرمود که کدام است آن دو آیه گفت یکی قوله تعالی است که فرمود
ادعونی استجب لکم یعنی دعا کنید تا مستجاب کنم از برای شما و ما دعا میکنیم و حاجات از حق تعالی سؤال
میکنیم و نمی بینیم اجابت را آنحضرت فرمود که آیا چنین میدانی که حق تعالی وعده خود را خلف کرده گفت که
که نه پس آنحضرت فرمود که لیکن خبر دهم ترا که هر کسی که اطاعت حق تعالی کند در آنچه امر کرده و بعد از
آن

آن دعا کند و حاجت خود را از حق تعالی سؤال کند بطریقی که بآن طریق دعا باید کرد حق تعالی دعای او را
مستجاب میگرداند گفت که طریق دعا چیست حضرت فرمود که ابتدا میکنی پس حمد خدا میکنی و نعمتهای او را
که در نزد تو هست بعد از آن شکر او را بجا می آوری بعد از آن صلوات میفرستی بر پیغمبر صلی الله علیه
و آله و بر آل او و بعد از آن گناهان خود را ذکر میکنی و اقرار بآنها میکنی از گناهان پس دعا میکنی بآنچه
میخواهی که مستجابست انشاء الله تعالی اینست طریق دعا فصل دویم در اذکار وارده نزد سرعت نیل بدعا از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که هر که ده مرتبه یا الله بگوید یا ده مرتبه یا رب بگوید که در جواب
گفته میشود که لبیک حاجت تو چیست و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه مرویست که هر که صد آیه از
قرآن مجید را که خود اختیار کند بخواند و بعد از آن هفت مرتبه یا الله بگوید و بعد از آن دعا کند دعای او
مستجاب میشود حتی که اگر بر سنگی نفرین کند حق تعالی آن سنگ را میشکافد و مرویست که هر که در حال
سجده یا الله یا رباه یا سیداه را سه مرتبه بگوید باو ندا میرسد که لبیک حاجت خود را بگو تا داده
شود و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که هرگاه ترا از حق تعالی حاجتی باشد پس بگو که
اللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِیٍّ فَاِنَّ لَهُما عِنْدَکَ شَأناً مِنَ الشَّأنِ وَقَدْراً مِنَ القَدْرِ فَبِحَقِّ ذٰلِکَ
الشَّأنِ وَبِحَقِّ ذٰلِکَ القَدْرِ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَفْعَلَ بی کَذا وَکَذا و بجای کذا و کذا حاجت
خود را بگو و آنحضرت فرمودند که هرگاه روز قیامت شود نماند ملک مقربی و نه پیغمبر مرسلی و نه
بنده مؤمنی که حق تعالی دل او را جهت ایمان امتحان کرده باشد مگر اینکه محتاج اند در آنروز بمحمد و علی
صلوات الله علیهما و علی ذریتهما و از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله منقولست که حق تعالی فرموده
است که من حیا میکنم که بنده من دست خود را بجانب من گرداند و برگردانم دست او را که تهی بوده باشد و من
آن دست را ناامید برگردانم و در احادیث اهل بیت صلوات الله علیهم از برای طلب حوائج بطریقهای دیگر
وارد شده است که بعضی از آنها مشتمل بر نماز است و بعضی بر روزه داشتن چنانکه در کتب علما رضوان الله تعالی
علیهم مسطور است از جهت احتراز از طول کلام بهمین قدر اکتفا نمود مفتاح ششم در آداب بعد از دعا و آن چند امر است
اول صلوات بر پیغمبر و آل چنانچه مرویست از حضرت امام محمد باقر علیه السلام یا امام جعفر صادق علیه السلام
که هر که را حاجتی باشد باید که ابتدا کند بصلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله علیهم اجمعین و بعد از
حاجت خود را سؤال کند و بعد از آن ختم بصلوات بر محمد و آل و صلوات الله علیهم پس بدرستی که حق تعالی

کو غیر از آنست کما قال و لحوائج اقبول کند کو وسط از آن دهد زیرا که صلوات بر آنحضرت البته مستجابست دوم
از حضرت جعفر صادق علیه السلم روایتست که هر گاه دعا کند کسی پس بعد از آن دعا بگوید ما شاء الله لا قوة
الا بالله حق تعالی فرماید که بنده من رو از خلق گردانید و رو بمن آورده حاجت او را بر آورید سیم بعد از دعا
بخواند ذکری را که از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه روایت شده و آنحضرت فرموده که هر که دوست دارد که
مستجاب شود دعای او پس بخواند این ذکر را بعد از دعا کردن فارغ شود و آن ذکر اینست ما شاء الله استکانة
لله ما شاء الله تضرعا الی الله ما شاء الله توجها الی الله ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله
العلی العظیم چهارم مداومت نمودن بر دعا آن بعمل لکن این امور و الحاح در آن و مکرر نمودن طلب حاجت و سؤال
را هر گاه تاخیر در اجابت در مصباح در ترجمه گذشت پنجم آنکه بعد از فراغ از دعا مسح کند دو دست بکشد بر
دو دست بر روی خود چنانچه از حضرت صادق علیه السلام مرویست که بر نمیدارد بنده دست خود را بسوی خداوند
عزیز جبار مگر آنکه شرم میدارد که خالی برگرداند دستهای او را تا آنکه پر کند دستهای او را از فضل و رحمت خود
پس هر گاه که خواهد بکشد دست خود را بر سر و روی خود بکشد تا فضل و رحمت خدا تعالی شامل حال بنده شود
در حدیث دیگر مرویست که بر روی و سینه خود بکشد ششم آنکه نمی باید حال دعا کننده بعد از دعا بهتر باشد
از حال او قبل از دعا زیرا که گناهان بسبب دعا آمرزیده میشود و چون روی بخدا آورده و دست از خلق برداشته
پس باید که بنده یقین کامل بقدرت حق تعالی بهمرساند که آنکه الحال آمد قضای حاجت او نماید و در قضای حوائج
در همه باب احتیاج باوست و این معنی را داند که خدا تعالی خیر او را بهتر از خود او میداند پس هر گاه تاخیر در
قضای حاجت او نماید و اثر استجابت دعای او در ظاهر شود یقین داند که آنچه شده خیر اوست و البته مصلحت
این بنده در اینست که دعای او دیر مستجاب شود هر وقت که خدا تعالی خود صلاح او را داند مستجاب گرداند
یا آنکه صلاح این بنده در عدم استجابتست که عوض از آن خدا باین بنده ثواب غیر متناهی میدهد و از
این معنی ملالی بدل خود راه ندهد که راضی بقضای خالق خود باشد و ترک سؤال از درگاه او هرگز
ننماید رزقنا الله الرضا بالقضاء و وفقنا لما یحبه و یرضی و دیگر از آداب و شرایط استجابت دعا
بسیار است و زیاده بر این مناسب این مقام نیست بهمین قدر اکتفا نمود باب دوم در بیان کیفیت دیدن هلال
هر ماهی از ماههای دوازده گانه سال که اختصاص بماه مخصوصی ندارد بدانکه کل احکامی که مذکور
خواهد شد که در شب اول در وقت دیدن هلال بعمل آید و اگر در شب اول میسر نشود تا سه شب

موافق

موافق قول لغویین و فقها بین میتوان بعمل آورد و اگر در سه شب نیز میسر نشود بقول بعضی از متاخرین
تا هفت شب بقصد احتیاط میتوان بعمل آورد و اما احکام آن پس در ضمن دو مطلب بیان میشود مطلب
اول در بیان اعمالی که در وقت دیدن هلال وارد شده است و آنها چند چیز است اول آنکه محمد بن یعقوب کلینی و ابن
بابویه و شیخ طوسی قدس الله اسرارهم از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه روایت نموده اند که هر گاه ببینی
ماه نو را به پس از جای خود حرکت مکن و این دعا بخوان اللهم انی اسئلک خیر هذا الشهر و فتحه و
نوره و نصره و برکته و طهوره و رزقه اسئلک خیر ما فیه و خیر ما بعده و اعوذ بک من
شر ما فیه و شر ما بعده اللهم ادخله علینا بالامن و الایمان و السلامة و الاسلام و البرکة و التوفیق
لما تحب و ترضی دوم از حضرت امام جعفر صادق ع روایت کرده است که آنحضرت از پدران بزرگوارش
روایت فرموده که رسول خدا صلی الله علیه و آله چون هلال را میدید این دعا میخواند اللهم ارزقنا
خیره و نصره و برکته و فتحه و نعوذ بک من شره و شر ما بعده مولف گوید که چون دعای سابق
مشتمل بر این دعاست ظاهرا خواندن آن از این مجزی باشد و اگر هر دو خوانده شود شاید بهتر باشد
سیم ابن بابویه رضی الله عنه در کتاب عیون اخبار الرضا از حضرت امام رضا ع روایت کرده است
که آنحضرت از پدران بزرگوارش روایت فرموده که رسول خدا ص هر گاه هلال را میدید این دعا را میخواند
ایها الخلق المطیع الدائب السریع المتصرف فی ملکوت الجبروت بالتقدیر ربی و ربک الله اللهم
اهله علینا بالامن و الایمان و السلامة و الاسلام و الاحسان و کما بلغتنا اوله فبلغنا آخره و اجعله
شهرا مبارکا تمحو فیه السیئات و تثبت لنا فیه الحسنات و ترفع لنا فیه الدرجات یا عظیم الرجاء
چهارم شیخ طوسی در کتاب مجالس از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه روایت کرده است که رسول
خدا صلی الله علیه و آله چون نظر بهلال میفرمود دستهای مبارک را بالا میکرد و این دعا را میخواند
بسم الله اللهم اهله علینا بالامن و الایمان و السلامة و الاسلام ربی و ربک الله پنجم ایضا
در کتاب مذکور از حضرت امام محمد باقر ع روایت کرده که آنحضرت از پدران بزرگوارش روایت فرموده که
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود هر گاه هلال را میدید رو بقبله میکرد و تکبیر میگفت و این دعا میخواند
هلال رشد اللهم اهله علینا بیمن و ایمان و سلامة و اسلام و هدی و مغفرة و عافیة و رزق
واسع انک علی کل شیء قدیر ششم قطب راوندی در کتاب دعوات از حضرت امیر المومنین صلوات الله

عليه روايت كرده اند كه آنحضرت چون هلال را مى ديد اين دعا ميخواند اللهم ان الناس اذا نظروا الى الهلال
نظر بعضهم فى وجوه بعض ورجا بعضهم بركة بعض اللهم انى انظر الى وجهك جل ثناؤه ووجه
نبيك ووجه اوليائك اهل بيت نبيك صلى الله عليهم فصل على محمد وآل محمد واعطنى ما احب
ان تعطيه فى الدنيا والآخرة واصرف عنى ما احب ان تصرفه عنى فى الدنيا والآخرة واحينا
على طاعتك وطاعة اوليائك وطاعة وليك صلواتك ورحمتك عليهم والتسليم لامرك و
توفنا عليه ولا تسلبناه وتفضل علينا برحمتك پس ده مرتبه ما شاء الله لا حول ولا قوة الا
بالله العلى العظيم و ده مرتبه اللهم صل على محمد وآل محمد ميفرمود پس ميگفت مبارك را مسكر دانيد
و ميفرمود ربى وربك الله رب العالمين اللهم ثبتنا على السلام والاسلام والامن والايمان
ودفع الاسقام والمسارعة فيما تحب وترضى من طاعتك لك هفتم در كتاب مكارم الاخلاق گفته كه
تعقيد در وقت ديدن هلال آنست كه بانگشت سبابه دست راست خود بدست چپ بنويسد كه محمد
على فاطمة الحسن والحسين على ابن الحسين محمد بن على جعفر بن محمد موسى بن جعفر على بن موسى
محمد بن على على بن محمد حسن بن على حجة ابن الحسن پس سوره قل هو الله احد را بخواند و اين دعا
بخواند اللهم ان الناس اذا نظروا الى الهلال نظر بعضهم الى وجوه بعض وتبرك بعضهم ببعض
انى نظرت الى اسمائك واسم نبيك ووليك واوليائك عليهم السلام والى كتابك فاعطنى
كل الذى احب ان تصرفه عنى من الشر وزدنى من فضلك ما انت اهله لا حول ولا قوة
الا بالله العلى العظيم مؤلف گويد كه ظاهر آنست كه اين دعا مخصوص زمان غيبت عن حضرت رسالت
صلى الله عليه وآله و دعاى سابق مخصوص زمان حضور ايشان باشد و چون حضرت امير المؤمنين صلوات
الله عليه وآله خود از عترت طاهره وحضرت فاطمه وحسنين صلوات الله عليهم در زمان او در حيات بودند
حضرت ماه را بروى ايشان ميديده باشد و در اين اعصار كه خورشيد سپهر امامت در تحت سحاب احتجاب
مستور شده اسامى مقدسه ايشان بايد بر كف دست نوشته شود و در وقت ديدن هلال نظر بآن
كرده شود و اين در حديث اشعارى دارد كه ديدن ماه بر روى ايشان خصوصا صلحا و عباد از
ايشان نيكو باشد هشتم دعاى صحيفه كامله و آن دعاى چهل و سيم است و دعا اينست ايها الخلق
المطيع الدائب السريع المتردد فى منازل التقدير المتصرف فى فلك التدبير آمنت بمن نور

بك الظلم واوضح بك البهم وجعلك آية من آيات ملكه وعلامة من علامات سلطانه
وامتهنك بالزيادة والنقصان والطلوع والافول والانارة والكسوف فى كل ذلك انت له
مطيع والى ارادته سريع سبحانه ما اعجب ما دبر فى امرك والطف ما صنع فى شانك
جعلك مفتاح شهر حادث لامر حادث فاسأل الله ربى وربك وخالقى وخالقك ومقدرى
ومقدرك ومصورى ومصورك ان يصلى على محمد وآل محمد وان يجعلك هلال بركة لا تمحقها
الايام وطهارة لا تدنسها الآثام هلال امن من الآفات وسلامة من السيئات هلال
سعد لا نحس فيه ويمن لا نكد معه ويسر لا يمازجه عسر وخير لا يشوبه شر هلال امن و
ايمان ونعمة واحسان وسلامة واسلام اللهم صل على محمد وآله واجعلنا من ارضى من
طلع عليه وازكى من نظر اليه واسعد من تعبد لك فيه ووفقنا فيه للتوبة واعصمنا فيه
من الحوبة واحفظنا فيه من مباشرة معصيتك واوزعنا فيه شكر نعمتك والبسنا فيه جنن
العافية واتمم علينا باستكمال طاعتك فيه المنة انك المنان الحميد وصلى الله على محمد
وآله الطيبين الطاهرين نهم مولانا محسن كاشانى در كتاب خلاصة الاذكار ذكر نموده كه در
وقت ديدن هلال اين دعا بخواند اللهم عرفنا بركة هذا الشهر المبارك واكرمنا باغتنام اوقاته
ووفقنا للجد والاجتهاد فى طاعاته وارزقنا صيامه وقيامه صبرا واحتسابا ورجاء لادراك
مثوباته واعذنا من الشامة والكسل خوفا لفوات درجاته واسعدنا بالميامن ساعاته واعف
علينا من عوائد بركاته وثبتنا بجميع حسناته وخيراته يا ارحم الراحمين دهم سيد بن طاوس
طاب ثراه در كتاب دروع واقيه روايت كرده است كه هر كه در وقت ديدن هلال هفت مرتبه سوره
حمد بخواند در آن ماه درد چشم نه بيند يازدهم علما گفته اند كه خوردن اندكى پنير در وقت ديدن
هلال مستحب است و از حضرت صادق صلوات الله عليه مرويست كه بكو اينست پنير دهان را خوشبو
ميكند و اشتهاى طعام مى آورد و باعث هضم طعام ميشود و هر كه در اول ماه بخورد حاجت
او روا ميشود مؤلف گويد كه اين حديث خصوص بر خوردن پنير در وقت ديدن هلال دلالت ندارد بلكه
مطلق است و شامل روز اول نيز هست چنانچه مخفى نيست دوازدهم در بعضى از كتب از حضرت رسالت
پناه صلى الله عليه وآله روايت كرده اند كه هر گاه از شخصى كسى ميخواهى كه شر او بتو نرسد

در شب اول ماه نگاه کن هلال و بدست خود بجانب آن شخص اشاره کن و این آیه را بخوان ایود احدکم
ان تکون له جنة من نخیل و اعناب تجری من تحتها الانهار له فیها من کل الثمرات واصابه الکبر
وله ذریة ضعفاء فاصابها اعصار فیه نار فاحترقت کذلک یبین الله پس این دعا بخوان
اللهم اطمسه بالبلاء طمسا وعمه بالبلاء غما وارمه بحجارة من سجیل وطیرا ابابیل باعلی
باعظیم پس در شب دویم نیز این عمل را بجا آورد که اگر قسمت هلاک شود بمقصود خود رسیده و اگر
اثر نکند در ماه آینده نیز این عمل را بجا آورد که در ماه گذشته کرده بکن و اگر اثر نکند در ماه سیم نیز بکن که
البته شر او از تو دفع میشود مطلب دویم در بیان آداب دیدن هلال و آن چند امر است اول آنکه
در هر مکانی که ایستاده که ماه دیده میشود باید ادعیه مذکوره خوانده شود چنانچه در حدیث اول
مذکور شد دویم آنکه اشاره بماه نکند نه بدست و نه بسر و سایر جوارح و اعضا سیم آنکه
رو بجانب ماه نایستد بلکه رو بقبله کند و هر دو دست را بلند سازد و ادعیه مذکوره را بخواند
چنانچه از حضرت صادق ع منقول است که چون هلال ماه رمضان را به بینی اشاره بسوی آن مکن و لیکن
روی خود را بجانب قبله کن و دستهای خود را بلند کن و فلان دعا را بخوان و این مفهوم میشود که
در دیدن هلال ماه مبارک رمضان است لیکن از فحوای کلام امام علیه السلام مفهوم میشود که در دیدن
هلال سایر ماهها نیز باید این دو امر را رعایت کرد چهارم آنکه از حضرت صادق ع منقول است که هر که
در شب اول ماه دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از سوره حمد سوره انعام بخواند و از حق تعالی
مسئلت نماید که او را از ترسها و درد ایمن گرداند و نه بیند امری را که مکروه خاطر او باشد و از
حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقول است که چون ماه تازه داخل شود در روز اول آن دو رکعت نماز بکن
در رکعت اول بعد از حمد سی نوبت قل هو الله احد و در رکعت دویم بعد از حمد سی نوبت سوره
انا انزلناه را بخوان و بعد از نماز تصدق کن که چون چنین کنی سلامتی آن ماه را از حق تعالی خریده
و در روایتی هر یک از سوره توحید و قدر یکنوبت وارد شده مؤلف گوید که ظاهر آنست که محمول
باشد بر صورتی که ترس و رغبه باشد که بکند این نماز بطریق اول امر مهمی از او فوت شود یا مرضی
باو برسد یا آدمی و فتنی بخاطرش اید که نماز و سعت کردن طریق اول را نداشته باشد یا غیر آن پس
در این صورت بروایت یکنوبت عمل نماید تا از ثواب این نماز محروم نباشد و فی الجمله سلامت خود را

خزینه

خریده باشد و محتمل است که روایت یکنوبت بر مرتبه اقل و روایت سی مرتبه بر اکثر و اکمل محمول باشد و
با جمله هر گاه وقت وسعت داشته باشد و مانعی نداشته باشد بهتر آنست که طریق اول را اختیار کند و
ترک نکند و بروایت دیگر وارد شده است که بعد از دو رکعت این دعا را بخواند بسم الله الرحمن الرحیم
وما من دابة فی الارض الا علی الله رزقها ویعلم مستقرها ومستودعها کل فی کتاب مبین
بسم الله الرحمن الرحیم وان یمسسک الله بضر فلا کاشف له الا هو وان یردک بخیر فلا راد
لفضله یصیب به من یشاء من عباده وهو الغفور الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم سیجعل الله
بعد عسر یسرا ما شاء الله لا قوة الا بالله حسبنا الله ونعم الوکیل وافوض امری الی الله ان الله
بصیر بالعباد لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین رب انی لما انزلت الی من خیر فقیر
رب لا تذرنی فردا وانت خیر الوارثین خزینه اول از کتاب خزائن الجواهر سلطانی در بیان فضائل
و اعمال ماه مبارک رجب و آن بچند باب مفتوح میشود باب اول در بیان فضیلت و ثواب عبادت
در آن بدانکه این ماه از جمله اشهر حرم است و ماهی است بسیار عزیز و محترم و باین جهت آنرا رجب میگویند
زیرا که رجب بمعنی بزرگی است و بعضی وجوه بعیده دیگر گفته اند و عرب آنرا اصم نیز میگویند زیرا که
مردم مکه در این ماه بقسط و عدالت و تقوی و پرهیزکاری سلوک می نمودند و بر یکدیگر ظلم و ستم
نمیکردند و باین جهت صدای استغاثه مظلومان بگوش احدی نمیرسید و آنرا اصب میگویند بجهت
آنکه حق تعالی رحمتهای بی منتهای خود را در این ماه بر بندگان خود فرو میریزد و باین جهت عبادت
در آن ثواب عظیم دارد و روزه داشتن این ماه و ماه شعبان هر دو مستحب است و ثواب بسیار دارد و لیکن
روزه ماه شعبان از جمله سنن و ثواب آن بیشتر و روزه این ماه از جمله تطوعات و ثواب آن کمتر است و توضیح این
مطلب و تنقیح این مدعا چنانچه والد علامه ام ادام الله ظلاله در بعضی از مصنفات خود تحقیق نموده
اینست که عبادت صوم از جمله عبادات عظیمه است و در حدیث وارد شده است که حق تعالی میفرماید الصوم
لی و انا اجزی به یعنی روزه از برای من است و من جزا میدهم آنرا و این روزه بر سه نوع است نوع اول روزه
واجب که حق تعالی آنرا در هر سالی یکماه واجب گردانیده و آن روزه ماه مبارک رمضان است نوع دویم
روزه که در بعضی اخبار بر مکلفان واجب میشود مانند روزه کفاره و روزه بدل قربانی که در
حج واجب میشود و روزه نذر و عهد و یمین که مکلف بر خود واجب میسازد نوع سیم روزه مستحب که

واجب نیست و ترک آن موجب عقاب نیست و هرگاه مکلفی بآن اتیان نماید ثواب عظیم از برای آن
حاصل میشود و قرب خاصی او را بجناب اقدس حق تعالی بهم میرسد و این نوع از روزه بر دو قسم است
قسم اول روزه که از جمله سنن است و مراد از سنن عبادات مستحبه است که رسول خدا صلی الله
علیه و آله مداومت مینمود و مواظبت بر ادای آنها داشته است و تا حین رفتن از دنیا ترک نفرموده
و این روزه چنانچه از احادیث معتبره مفهوم و مستفاد میگردد روزه تمام ماه شعبان و روزه سه
از ده ماه بقیه ماهها است سال اگر باین وضع روزه دارند که پنجشنبه دهه اول و چهارشنبه دهه
دویم و پنجشنبه دهه سیم ماه را روزه دارند و در صحیح از حضرت صادق ع منقول است که رسول خدا صلی الله علیه
و آله در اول بعثت آنقدر روزه پی در پی گرفت که مردم گفتند که دیگر ترک نخواهد فرمود پس مدتی
ترک روزه کرد که گفتند روزه نخواهند گرفت پس مدتی دیگر روزه میداشت یک روز میداشت و یک روز
افطار میفرمود بطریق حضرت داود ع پس این طریق را نیز ترک فرمود و در هر ماهی سه روز که چهار
نیاید دهم را روزه میداشت و این طریقه را نیز فرمود و سنتش بر آن قرار یافت که در هر ماه پنجشنبه اول
ماه و پنجشنبه آخر ماه و چهارشنبه اول از دهه وسط ماه را روزه داشت و بر این طریق بود
تا بجوار رحمت ایزدی پیوست و ماه شعبان را تمام روزه میداشت و این قسم از سنتها تالی واجبات است
و در اخبار و احادیث تاکید بسیار در اتیان بآنها وارد شده است که هرگاه یکی از سنن فوت شود
سنت است که آنرا قضا کند و حکمت در این تاکید آن است که حق تعالی این سنن را مکمل واجبات گردانیده که اگر
نقصی در آنها باشد تدارک باین سنن آن بشود و بعضی از محققان گفته‌اند که حق تعالی این سنت‌ها
سنن را که متمم فریضه‌اند ضعف فریضه و دو مثل آن مقرر فرموده است چنانچه نمازهای واجب هفده
رکعت است و نوافل آنها که در عرض شبانه روز عاید است سی و چهار رکعت است و سر این معنی آنست که
که اکثر ناس هرگاه طالب حضور باشند یک ثلث عبادت را بالحضور یک واقع میسازند لهذا سنت را
دو مثل فریضه قرار داده‌اند که از مجموع واجب و سنت ثلثی که معادل واجب است خالی از خلل و بالحضور یک
از مکلف صادر شود باین جهت است که روزه که از جمله سنن و در حکم نافله روزه ماه رمضان است
شصت روز است سی روز ماه شعبان و از ده ماه دیگر نیز سی روز که در هر ماه سه روز باشد
قسم دویم روزه که از جمله تطوعات است و مراد از تطوع آنست که هر که آن عبادت را کند کطلعی(؟) آن

ملاحظه(؟)

کرده است و ثوابی ندارد و لیکن آن طاعات متمم و مکمل فریضه نیست تا آکید عظیمی که در باب سنن واقع است
آن واقع نیست و از این جهت است که اکثر اخص مواظبت بر آن ننموده‌اند و گاه اتیان بآن میفرموده‌اند و گاه نمیفرموده
و روزه های تطوع بسیار است مانند روزه ایام سال بغیر از واجب که ایام ماه رمضان است و بغیر از سنن که آنها
است که ذکر نمودیم و این ایام مشترک‌اند با یکدیگر در ثواب فی الجمله و بعضی ثوابش بیشتر است مانند ایام ماه رجب
خصوصا بعضی از ایام آن چنانچه از احادیثی که در فضیلت آن روزها واقع شده و بعد از این مذکور میشود
ان شاء الله مفهوم میشود و مانند روز دحو الارض در ماه ذی قعده و بعضی از ایام ماه ذی حجه خصوصا
روز عید غدیر و روز مباهله و مانند روز مولود در ماه ربیع الاول و ایام دیگر که بجهت خصوصیتی
فضیلت روزه آن ایام زیاده باشد چنانچه هر یک بتفصیل در محل خود ان شاء الله تعالی مذکور میشود و
بدانکه علما از ادله و شواهد ضابطه کلی استنباط نموده‌اند این است که هرگاه عبادت واجبی ثوابش زیاده
از عبادات مستحبه است مگر در چند صورت که از این ضابطه کلیه استنباط نموده‌اند و بعضی از متاخرین
علما بمراعات این ضابطه هر روزی که روزه میداشته‌اند روزه آن روز را بطریق نذر بر خود واجب
میساخته‌اند تا ثواب آن بیشتر باشد و باید دانست که اگر روزه قضا در ذمه کسی بوده باشد و در
ماه رجب و شعبان و سایر ایام متبرکه آن روزه را بگیرد فضیلت روزه آن روز را در یافته و بری
الذمه روزه واجب نیز شده است و اما اخباری که در فضیلت روزه ایام و سایر عبادات در آن وارد
شده است پس شیخ بزرگوار عالی مقدار محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قدس الله روحه در کتاب ثواب الاعمال و امالی از حضرت
رسالت صلی الله علیه و آله روایت نموده است که فرمود که بدرستی که رجب شهر الله الاصم است و آن ماهی
است بزرگ بدرستی که اصم نامیده شده است برای آنکه عیسی بن مریم(؟) باین ماه ماه دیگر در حرمت و فضیلت
نزد حق تعالی و اهل جاهلیت آنرا تعظیم میکردند و چون اسلام آمد تعظیم و فضل آن زیاده شد بدرستی
که رجب ماه خداست و شعبان ماه من است و ماه رمضان ماه امت من است آگاه باشید که یک روز از ماه رجب را روزه
بدارد از روی ایمان و طلب ثواب مستوجب خوشنودی و رضوان اکبر حق تعالی است و خاموش کرداند
این روزه غضب حق تعالی را و به بندد بروی او دری از درهای جهنم را و اگر عطا کنند در راه خدا از
طلا و بقدر اینها از روی زمین را ایثار کنند که هیچ نباشد که ثواب آن از ثواب روزه این روز و چیزی
چیزها دنیا مزد او نتواند شد بلکه حسنات و ثوابهای آخرت مزد او باشد هرگاه نیت خود را

خالص گردانیده باشد و چون آن روز را به شب آورد برای او دعا مستجاب باشد اگر دعا کند به امری از
امور دنیا با او عطا فرماید و اگر عطا نکند ذخیره فرماید برای او نیکوتر از آنچه دعا کرده باشد
و مستلک موده باشد از ادعا کنندگان از اولیا و دوستان خدا و هر که دو روز از این ماه را روزه
دارد وصف نکنند وصف کنندگان از اهل آسمان و زمین آنچه او را باشد نزد حق تعالی از کرامت و
بنویسد برای او مثل مزد و ثواب ده نفر از صادقان که پیوسته در تمام عمر خود با صدق و راستی
باشند هر چند که رسیده باشد عمرهای ایشان و شفاعت کند در قیامت در مثل آنچه شفاعت کنند ایشان
و محشور گردند در زمره ایشان و داخل بهشت شود با ایشان و در بهشت از رفیقان ایشان باشد و هر
که سه روز از این ماه را روزه دارد بگردانند حق تعالی میان او و آتش جهنم خندقی و حجابی که طول آن
هفتاد ساله راه باشد و حق تعالی در وقت افطار با او خطاب کند که واجب شد حق تو بر من و لازم آمد
برای تو محبت و ولایت من گواه میگیرم شما را ای ملائکه من که آمرزیدم گناهان گذشته و
آینده او را و هر که چهار روز از این ماه را روزه دارد ایمن باشد از همه بلاها و دیوانگی و خوره
و پیسی و فتنه که در هنگام خروج دجال در میان مردم ظاهر خواهد شد و پناه داده شود از عذاب
قبر و نوشته شود برای او مثل ثواب گروهی که از صاحبان عقل و خرد باشند و داده شود نامه
عمل او بدست راست او و در زمره گروهی که بر سایر عابدان سبقت و پیشی گرفته باشند و هر که پنج
روز از این ماه را روزه دارد بر حق تعالی لازم باشد که در قیامت او را راضی و خشنود گرداند
و مبعوث گردد در قیامت در حالتی که روی او چون ماه شب چهارده باشد و بنویسد از برای او
از حسنات بعدد ریگ بیابان عالج و او را داخل بهشت کرده است بیحساب و با او گویند که سؤال کن
از پروردگار خود آنچه خواهی و هر که شش روز از این ماه را روزه دارد چون مبعوث شود
بیرون آید از قبر و روی او را نوری باشد درخشان که سفیدتر و روشن‌تر باشد
از نور آفتاب و حق تعالی او را نوری دیگر کرامت فرماید که همه اهل محشر را به نور روشنی یابند
تا آنکه عبور کند از پل صراط بی‌حساب و حق تعالی نگاه دارد او را از حقوق والدین و قطع رحم
و هر که هفت روز از این ماه را روزه دارد حق تعالی ببندد بعدد هر روزه داشتن هر
روزی بر روی او دری از درهای جهنم را و حرام فرماید جسد او را بر آتش جهنم و هر که

هشت

هشت روز از این ماه را روزه بدارد حق تعالی بگشاید بر روزه داشتن هر روزی بر روی او دری
از درهای هشتگانه بهشت را و با او گویند که از هر دری که خواهی داخل شو و هر که نه روز این ماه
را روزه دارد چون از قبر بیرون آید بگوید لا اله الا الله و بگرداند روی خود را بسوی بهشت
و او را نوری باشد که بدرخشد برای اهل محشر تا آنکه گمان کنند که او پیغمبری برگزیده است از پیغمبران
خدا و کمتر عطائی که حق تعالی با او کند این باشد که داخل بهشت فرماید او را بیحساب و هر که ده روز از این
ماه را روزه دارد حق تعالی عطا کند با او دو بال سبز مرصع بدر و یاقوت که پرواز کند بآن بالها و بگذرد
از پل صراط چون برق جهنده بسوی بهشت و حق تعالی سیئات او را بدل بحسنات گرداند و بنویسد او را از
مقربانی که ایستاده باشند بقسط و عدالت برای خدا و چنان باشد که هزار سال در عبادت و بندگی
خدا ایستاده باشد با صبر و شکیبائی و نیت خالص و هر که یازده روز از این ماه را روزه دارد
هیچ بنده وفا بعهدها حق تعالی نکرده باشد در قیامت مگر او یا نیکوتر از او مگر بنده که مثل او یازده
روز از این ماه روزه داشته باشد و هر که دوازده روز از این ماه را روزه دارد حق تعالی در قیامت با او
بپوشاند و حله سبز از سندس و استبرق بهشت که اگر یک حله آن در دنیا باشد روشن کند
مابین مشرق و مغرب را و بگرداند تمام دنیا را خوشبوتر از مشک و هر که سیزده روز از این
ماه را روزه دارد حق تعالی در قیامت برای او بگستراند مائده از یاقوت سبز در سایه عرش خود که قا
ئمهای آن از در باشد و از دنیا هفتصد برابر بزرگتر باشد و بر آن مائده ظرفها از در و یاقوت
باشد و در هر ظرفی هفتاد هزار لون باشد که هیچ لونی بلون دیگر شبیه نباشد و بوی هیچیک بدیگری
نماند پس تناول کند او از آن مائده و اهل محشر در شدت و بلای عظیم گرفتار باشند و هر که چهارده
روز از این ماه را روزه دارد حق تعالی عطا فرماید با او از ثواب آنچه هیچ چشمی ندیده و گوشی نشنیده باشد
و در خاطر بشری خطور نکرده باشد از قصرهای بهشت که بنا شده باشد از در و یاقوت و هر که پانزده
از این ماه را روزه بدارد بایستد در قیامت در موافقت ایمان و نکیر که بر او هیچ ملکی و نه نبیی و نه
رسولی مگر آنکه با او گوید خوشحال تو توئی ایمن و مقرب درگاه الهی و با شرافت و کرامت و رشک
برده شده و عطا کرده شده و سکنا کننده در مراتب عالیه بهشت و هر که شانزده روز از این ماه را روزه
دارد در آید در سلک اول گروهی که سوار شوند بر مرکبهای نور و پرواز کنند بآن مرکبها در عرصه

چنان بسوی خانه کرامت خدای رحمن و هرکه هفده روز از این ماه را روزه دارد بیفروزند برای او
در قیامت در سر پل صراط هفتاد هزار چراغ از نور تا بگذرد از صراط بان نور چراغها و بشتابد بسوی
مراتب عالیه بهشت و مشایعت کنند او را اهل آسمان در حالتی که سلام بر او کنند و مرحبا باو گویند و هر که
هیجده روز از اینماه را روزه دارد با خلیل ابرهیم علیه السلام باشد در قبه از در جنت الخلد بر
کرسیها از در و یاقوت و هر که نوزده روز از این ماه را روزه دارد حق تعالی برای او قصری از مروارید
بنا کند در برابر قصر آدم و ابراهیم علیهما السلام در جنت عدن و او بر ایشان سلام کند و ایشان بر او سلام
کنند بجهت کرامت او و لازم داشتن حق او و بنویسد حق تعالی برای او بهر روزی که روزه داشته باشد
ثواب روزه هزار سال را و هر که بیست روز از این ماه را روزه دارد چنان باشد که حق تعالی را بیست
هزار سال عبادت کرده باشد و هر که بیست و یک روز از اینماه را روزه دارد حق تعالی او را شفیع گرداند
در قیامت در مانند قبیله ربیعه و مضر که دو قبیله عظیم از قبایل عرب اند که همه از گناهکاران باشند
و هر که بیست و دو روز از اینماه را روزه دارد منادی از آسمان ندا کند که بشارت باد ترا ای دوست
خدا از جانب خدا بکرامتی بزرگ و رفاقت گروهی که حق تعالی انعام کرده بر ایشان از پیغمبران و صدیقان
و شهیدان و صالحان و چه نیکو رفیقانند ایشان و هر که بیست و سه روز از این ماه را روزه دارد منادی
از آسمان ندا کند که خوشا حال تو ای بنده خدا اندک تعب کشیدی و بنعمت بی پایان رسیدی خوشا
حال تو که هنگامیکه پرده از روی کارها برگیرند و برسی بثواب عظیم پروردگار که به خود در جوار
حضرت ابرهیم خلیل علیه السلام در دار السلام و جلیل قرار گیری و هر که بیست و چهار روز از این ماه را روزه
دارد چون فرود آید ملک موت بقبض روح او بصورت خوبی باشد ساده روی پوشیده باشد
حله از دیبای سبز سوار باشد بر اسبی از اسبهای بهشت و با خود داشته باشد حریری سبز معطر
بمشک و در کف داشته باشد قدحی از طلا پر از شراب بهشت پس بیاشاماند او را آن قدح باو در نزد
بیرون آمدن روح او و آسان شود بر او باین سبب سکرات موت و قبض کند روح او را در آن حریر که
ظاهر گردد از آن رایحه که استشمام کنند اهل آسمانهای هفتگانه و چون او را در قبر گذارند آسانی
کند در قبر سیراب از آن شراب بهشت که آشامیده باشد و سکونت کند در قبر تا سیراب تا هنگامیکه برسد بحوض
کوثر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و هر که بیست و پنج روز از اینماه را روزه دارد چون بیرون آید از

قبر

قبر تلقی کنند او را هفتاد هزار ملک و در دست هر ملکی علمی باشد از در و یاقوت و با خود داشته
باشند حلها و حللهای پاکیزه و باو گویند که ای دوست خدا تراست نجات و رستگاری که کردی در کار پروردگار
خود و او اول کسی باشد که داخل جنات عدن شود با مقربانی که خدا از ایشان خشنود و ایشان از
از خدا خشنود باشند و اینست فوز و رستگاری عظیم و هر که بیست و شش روز از اینماه را روزه
دارد حق تعالی برای او در سایه عرش خود بنا کند صد قصر از در و یاقوت و بر سر هر قصری خیمه سرخی باشد
از حور بهشت و با آرام در آن قصرها با نعمت و فراغت ساکن گردد و هنوز اهل محشر در موقف قیامت
حساب گرفتار باشند و هر که بیست و هفت روز از اینماه را روزه دارد حق تعالی فراخ گرداند قبر او را
بقدر چهارصد ساله راه و همه آن مکان معطر باشد بمشک و عنبر و هر که بیست و هشت روز از اینماه را
روزه دارد بگرداند حق تعالی میان او و آتش جهنم هفتصد خندق و هر خندقی مانند میان آسمان و زمین
بانصد ساله راه باشد و هر که بیست و نه روز از اینماه را روزه دارد حق تعالی او را بیامرزد اگر چه
عشار باشد یا زنی باشد که هفتاد مرتبه زنا کرده باشد بدرستیکه هرگاه غرض او از روزه رضای
الهی و خلاصی از جهنم باشد حق تعالی بیامرزد او را و هر که سی روز از این ماه را روزه دارد
منادی از آسمان ندا کند که ای بنده خدا اما گناهانت پس آمرزیده شد برای تو پس سرگیر عمل را از سر
آینده و عطا کند باو حق تعالی در بهشتها در هر بهشتی چهل هزار مدینه از طلا و در هر مدینه چهل هزار قصر
و در هر قصری چهل هزار خانه و در هر خانه هزار هزار مائده از طلا و بر هر مائده چهل هزار هزار ظرف
و بر هر ظرفی چهل هزار هزار لون طعام و شراب که لون هر یک غیر لون دیگری باشد و در هر خانه چهل
هزار هزار کرسی از طلا که طول هر یک دو هزار ذرع و عرضش دو هزار ذرع باشد و بر هر کرسی جاریه
باشد از حور بهشت که سیصد هزار گیسو داشته باشد از نور و هر گیسوئی از آن گیسوها را هزار
هزار کنیز بر داشته باشند و معطر گردانند از مشک و عنبر تا آنکه بیاورند او را برای کسی که تمام
ماه رجب را روزه داشته باشد پس یکی از اصحاب عرض کرد که یا رسول الله کسی که بجهة ضعیفی یا مرضی
که او را عارض شده باشد هرگاه نتواند که اینماه را روزه دارد یا زنی که حایض باشد چه عمل بکند
تا برسد بثوابیکه وصف فرمودی فرمود که تصدق بکند بعوض هر روزی یک دو نان بر مساکین بحق آنکه
نفس من در قبضه قدرت اوست که هرگاه هر روز این صدقه را بدهد میرسد بثواب آنچه وصف کردم

وبشر واگر همه خلایق از اهل آسمان و زمین جمع شوند که تقدیر نمایند و اندازه در او رند ثواب او را
نتوانند رسید بده یک آنچه باو عطا میکند در مراتب عالیه بهشت از فضایل و درجات پس عرض کرد
که یا رسول الله کسی که قادر نباشد بر تصدق فکردن چه کند تا برسد باین ثوابها فرمود که در هر روز
ماه رجب تا آخر این تسبیح را صد نوبت بگوید سبحان الاله الجلیل سبحان من لا ینبغی التسبیح
الا له سبحان الاعز الاکرم سبحان من لبس العز وهو له اهل مؤلف گوید که در بعضی از روایات
معتبره وارد شده است که بدل روزه مستحب یک درهم تصدق کند و درهم موافق زر این زمان
هفتاد دینار است تقریبا و در روایت دیگر وارد شده است که بعوض روزه سنت یک مد از گندم یا جو تصدق
کند و مد یکچهاریک تبریز چهار مثقال است که تخمینا بنابر مشهور میان علما و ظاهرا صد درم کهنه کافی
باشد و صد درم شاهی احوط است و در خصوص روزه ماه رجب چنانچه در این حدیث شریف مذکور است
کرده نان واقع شده است و این اختلاف ممکن است که از راه تفاوت حال مردم در پریشانی و توانگری باشد
و محتمل است که باعتبار مراتب فضل و ثواب باشد باین نحو که تصدق عوض بدرهم در غالب افضل باشد
از گرده نان و شیخ طوسی رحمه الله در کتاب مصباح جزء آخر این حدیث را که مشتمل بر ذکر تسبیحات است
ذکر نموده و در بعضی از تسبیحات بعد از سبحان الاعز الاکرم این تسبیح نیز موجود است که گفته شده است
سبحان من تعطف بالمجد و تکرم به و بدانکه آنچه در این حدیث شریف مذکور است از آنکه اهل
جاهلیت این ماه را تعظیم مینمودند و اسلام شرافت و بزرگی آنرا زیاده نمود رد بر احمد بن حنبل علیه
اللعنه است که از اعاظم اهل سنت است و گفته است که روزه داشتن تمام ماه مکروه است مگر کسی که تمام
سال را روزه دارد و بچند چیز که از طریق اهل سنت وارد شده متمسک شده است اول از خرشة بن
الحر نقل کرده که گفت دیدم عمر که تازیانه میزد بر کف دست جماعتی که ماه رجب را روزه میداشتند
تا آنکه دست بطعام دراز کنند و از آن تناول نمایند و میگفت که طعام بخورید که این ماه را اهل
جاهلیت حرمت و تعظیم مینمودند و در اسلام حرمتی ندارد دوم آنکه از ابن عمر روایت کرده است که او چون
میدید که مردم برای روزه ماه رجب تهیه میکنند خوش نمی آمد او را و میگفت بعضی از آن را روزه
بدارید و بعضی را افطار کنید سیم از ابو بکره روایت کرده است که روزی داخل شدم بر اهل خانه
خود دیدم که نزد ایشان سبوها و کوزهها گذاشته اند پرسیدم که اینها چیست گفتند که چون ماه رجب

داخل شده

داخل شده اینها را بجهت روزه داشتن این ماه مهیا نموده ایم ابو بکره گفت آیا رجب را رمضان کرده اید
پس سبوها را ریخت و کوزهها را شکست و بر خبیر و بصیر پوشیده نیست که قول سه کس دلیل و حجت بر امری
نمیشود چه اینها جاهل بمسایل شریعت و احکام کتاب و سنت بوده اند و عادت عمر بوده که هر گاه در
مسایلی که از او سؤال مینموده اند عاجز میشد از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه سؤال
مینمود حتی آنکه در حضور مردم گفت که لولا علی لهلک عمر یعنی اگر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نبود
هر آینه عمر هلاک میشد و این سخن حتی بر زبان او جاری شد که کل الناس افقه من عمر حتی المخدرات
فی الحجال یعنی همه کس دانا تراند از عمر حتی زنان که در حجلها مستوراند و با وجود این جهل که اهل
سنت اکثر اینها را در کتب خود ایراد نموده اند چگونه سخن اینها حجت میشود با آنکه در باب
فضیلت این ماه از طریق اهل سنت نیز روایات بسیار وارد شده است والله تعالی یهدی الی سواء
السبیل و در کتاب مسار الشیعه از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که حضرت تمام این ماه را
روزه میداشت و میفرمود که رجب ماه من است و شعبان ماه رسول خدا صلی الله علیه و آله است
و ماه رمضان ماه حق تعالی است مؤلف گوید که این حدیث شریف بحسب ظاهر منافی با حدیث سابق است
زیرا که ماه رجب در حدیث سابق بجناب مقدس الهی منسوب گردیده و ماه رمضان بامت حضرت رسالت
صلی الله علیه و آله و گویا بجهت اشعار بکمال شرافت ماه رجب است در حدیث سابق آنرا بحق تعالی نسبت داده اند
و ماه مبارک رمضان چون محل عبادت همگان است و ضعیفان این امت در این ماه از آتش جهنم آزاد
و باین سبب سعادتمند و رستگار میشوند لهذا آنرا بامت منسوب گردانیده اند و شیخ طوسی رحمه الله
در کتاب تهذیب از کثیر نوا روایت کرده است که گفت شنیدم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
که فرمود که حضرت نوح علیه السلام صدای کشتی را شنید چون کشتی بر جودی قرار گرفت پس ترسید از آن
صدا و سر خود را از جانب کشتی بیرون آورد و دست خود را بلند گردانیده و اشاره بانگشت خود نمود
و گفت رهمان اتقن و معنی این کلام بزبان عربی یا رب احسن است یعنی بار خدایا نیکو کن و بدرستی
که نوح علیه السلام در روز اول رجب بر کشتی سوار شد و امر فرمود جماعتی را که با او داخل کشتی
گردیده بودند از جن و انس بروزه داشتن این روز پس حضرت فرمود که هر که روزه دارد این روز را
از او دور شود آتش جهنم بقدر یکساله راه و هر که هفت روز روزه دارد در این ماه درهای هفتگانه

جهنم بر او بسته شود و هر که هشت روز از این ماه را روزه دارد هشت در بهشت برای او گشوده
شود و هر که پانزده روز از این ماه را روزه دارد حق تعالی حاجات او را با وعطا فرماید و هر که زیاده
از این را روزه دارد حق تعالی زیاده فرماید برای او و شیخ مفید و ابن بابویه نیز همین مضمون را باندک
تفاوتی بسندهای بسیار روایت نموده و ابن طاوس رحمه الله در کتاب اقبال بسند خود از حضرت صادق علیه السلام
روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر که سه روز از رجب را روزه دارد
حق تعالی برای او بعوض هر روزه روزه سالی بنویسد و هر که هفت روز از این ماه را روزه دارد
بسته شود بر روی او هفت در جهنم را و هر که هشت روز از این ماه را روزه دارد بگشاید برای
او هشت در بهشت را و هر که پانزده روز از این ماه را روزه دارد حساب برابر او آسان گرداند
و هر که تمام این ماه را روزه دارد بنویسد برای او رضوان و خشنودی خود را و کسی را که خدا رضای
خود را برای او نویسد دیگر او را عذاب نفرماید و ابن بابویه در کتاب مجالس از حضرت امام محمد
باقر صلوات الله علیه روایت کرده است که فرمود که هر که روزه بدارد یک روز را از اول ماه یا وسط آن یا آخر آن
حق تعالی بهشت را برای او واجب گرداند و او را در روز قیامت با ما در درجه ما و کسی که دو روز از
این ماه را روزه دارد باو گویند که از سر گیر عمل را بدرستی که آمرزیده شد گناهان گذشته تو و کسی که
سه روز از این ماه را روزه دارد باو گویند که آمرزیده شد گناهان گذشته و آینده تو پس شفاعت کن
برای هر گناهکاری از برادران و اهل دین خود و کسی که هفت روز از این ماه را روزه دارد بسته شود
بر روی او هفت در جهنم و کسی که هشت روز از این ماه را روزه دارد گشوده شود بر روی او
هشت در بهشت پس داخل شود از هر دری که خواهد و ایضا در کتاب فضایل شهر رجب از حضرت
امام رضا صلوات الله علیه روایت کرده است که هر که روز اول ماه رجب را روزه دارد حق تعالی در قیامت
از او خشنود باشد و هر که دو روز از این ماه را روزه دارد خدا تعالی از او خشنود و راضی گردد
و هر که سه روز از این ماه را روزه دارد خداوند کریم از او راضی گردد و خصمان او را از او راضی
گرداند در قیامت و هر که هفت روز از این ماه را روزه دارد چون بمیرد درهای هفت آسمان برای
آن گشوده شود تا ملکوت اعلی برسد و هر که هشت روز از این ماه را روزه دارد هشت در بهشت
بر رویش گشوده شود و هر که پانزده روز از این ماه را روزه دارد هر حاجتی که از حق تعالی طلبد

برآورد

برآورد مگر سؤال او برای گناهی باشد یا متضمن قطع رحم باشد و هر که تمام این ماه را روزه دارد
از گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد شده باشد و از آتش جهنم آزاد گردد و داخل
بهشت شود با نیکان و نیکوکاران و شیخ طوسی در مصباح بسند معتبر روایت کرده است که هر که روزه بدارد
از اول ماه رجب هفت روز بسبب آن بسته شود بر روی او هفت در جهنم پس اگر روزه بدارد
هشت روز گشوده شود برای او هشت در بهشت و اگر پانزده روز روزه بدارد مسئلت او باو عطا
شود و اگر تمام ماه را روزه بدارد آزاد فرماید خدای کریم او را از آتش جهنم و برآورده شود
حوایج دنیا و آخرت او و نوشته شود در میان صدیقان و شهیدان تنبیه بدانکه در اکثر روایات سابقه
مذکور است که هر که هفت روز از ماه رجب را روزه دارد هفت در جهنم بر روی او بسته شود و هر که
هشت روز از این ماه را روزه دارد هشت در بهشت بر روی گشوده شود و در احادیث بسیار
وارد شده است که حق تعالی برای جهنم هفت در و برای بهشت هشت در قرار داده است و بعضی از محققین
علما در بیان سر این معنی گفته اند که چنانچه برای جهنم هفت در ظاهری میباشد که از آن درها
گناهکاران را داخل جهنم میکنند همچنین در انسان هفت در میباشد که بسبب آنها داخل
میشود و آن درها گوش و چشم و زبان و شکم و فرج و دست و پاست و این اعضا را حق تعالی
بانسان عطا نموده و برای هر یک وظیفه مقرر فرموده که از آن تجاوز ننماید پس هرگاه این
اعضا معصیت الهی نمایند و انسان این اعضا را در غیر وظیفه مقرره استعمال نماید مستوجب
جهنم میشود و چون عدد این اعضا هفت است لهذا عدد درهای جهنم را نیز هفت گردانیده اند
و هرگاه آدمی هفت روز از این ماه را روزه بدارد حق تعالی قوای شهوانی او را منکوب میگر
داند و او را توفیق میدهد که این اعضای سبعه را در وظایف مقرره ایشان از طاعات
استعمال نماید مثل آنکه گوش را در شنیدن مواعظ و نصایح و آیات قرآنی و احادیث
نه استماع لهو و لعب مصروف دارد و چشم را در دیدن آیات قرآنی آفاقی و انفسی و امثال
آنها نه در دیدن نامحرم و امثال آنها استعمال نماید و زبان را پیوسته صرف اذکار و
اوراد و امثال آنها نمودن بگفتن غیبت و لهو باطل تلفظ ننماید و شکم را در خوردن ماکولات
حلال بجهت قوت عبادت مشغول ساخته از حرام اجتناب نماید و فرج را منحصر در

حلال بجهت غسل فرزند صالح نموده از حرام مجتنب باشد و دست و پا را در غسل عبادت و مکان
مباحات استعمال نموده از غسل امور نهی شده محترز باشد و هر گاه آدمی این درهای باطنی جهنم را
مسدود نماید حق تعالی درهای ظاهری جهنم را بر روی او می‌بندد و همچنین برای بهشت چنانچه هشت
در ظاهر میباشد که از آن درها نیکوکاران را داخل بهشت میگردانند همچنین در انسان هشت در میباشد که
بسبب آنها داخل بهشت میشود و آن درها همین اعضای هفت گانه مذکوره است با دل که از اعظم
از همه است پس هر گاه کسی هشت روز از این ماه را روزه دارد حق تعالی او را توفیق آن میدهد که اعضای سبعه را
در مصارف مقرره مصروف سازد و دل را که مکان قرب حق تعالی است مملو از آن نموده غیر خدا را در آن
راه ندهد و باین جهت هشت در بهشت را در آخرت بر روی او مفتوح گردند والله تعالی یعلم و ابن بابویه
رحمه الله در کتاب ثواب الاعمال و دیگران از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام روایت نموده اند که رجب نهری است
از شیر سفیدتر در بهشت هر که یک روز از رجب را روزه دارد حق تعالی از آن نهر باو بیاشامد و در کتاب
مجالس از انس روایت کرده است که گفت شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله که هر که روزه دارد یک روز
از رجب را از روی ایمان و توقع ثواب بگرداند حق تعالی میان او و آتش جهنم هفتاد خندق که عرض
هر خندقی بقدر ما بین آسمان و زمین باشد و در کتاب فضایل رجب از حضرت امام محمد باقر روایت
کرده است که هر که روزه دارد هفت روز از اول آن حق تعالی او را از صراط بگذراند و از آتش پناه دهد
و واجب گرداند برای او غرفهای بهشت را و ایضا از آنحضرت روایت کرده است که چون روز قیامت شود منادی
از میان عرش ندا کند که کجایند رجبیون پس گروهی برخیزند که نور روهای ایشان جمیع محشر را روشن
سازد و تاج پادشاهی بر سر ایشان باشد که مکلل بمروارید و یاقوت باشد و با هر یک از ایشان
هزار ملک از جانب راست و هزار ملک از جانب چپ باشد و همه ندا کنند که گوارا باد شما را اکرام
حق تعالی ای بندگان خدا پس خداوند رحمن ندا فرماید ایشان را که ای بندگان و کنیزان من بعزت و جلال خودم
سوگند که شما را در ماوای نیکو ساکن کرده‌ام و عطاها شما را عظیم کرده‌ام و در بهشت غرفه چند بشما عطا
کنم که در زیر آنها نهرها جاری باشد و همیشه در آن غرفها باشند و نیکو مزد است مزد عمل کنندگان
برای من بجا آنکه بر شما واجب کرده‌ام روزه داشتید برای من در ماهی که حرمت آن عظیم نموده بودم و حق
آن را واجب ساخته بودم ای گروه ملائکه بندگان و کنیزان مرا داخل بهشت کنید پس فرمود که این همه ثوابها

برای کسی است که چیزی از ماه رجب را روزه دارد اگرچه یک روز از اول یا وسط یا آخر این ماه باشد
و از حضرت امام موسی کاظم و از حضرت امام رضا علیهما السلام روایت کرده است که رجب ماه عظیمی است حق تعالی مضاعف میگرداند
در آن حسنات را و محو میفرماید در آن سیئات را و هر که روزه بدارد یک روز از آن دور میشود آتش
از او بقدر یک ساله راه و کسی که سه روز از آن روزه دارد بهشت از برای او واجب شود و در بعضی از
کتب منقول است که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله بقبرستانی گذشت و با آنحضرت دو کس همراه بودند
پس حضرت در آن مقبره ایستاد و گریست و روی مبارک را بآن دو کس کرد و فرمود که این مردگان معذب
بودند در قبرهای خود پس من دعا کردم و از خدا سؤال نمودم تا عذاب ایشان را تخفیف داد و اگر ایشان
یک روز از ماه رجب را روزه میداشتند و یک شب از شب آن را بعبادت بپا میداشتند البته خدا
ایشان را در قبرها عذاب نمیفرمود و سید بن طاوس رحمه الله در کتاب اقبال از حضرت رسالت
صلی الله علیه و آله روایت نموده است که حق تعالی در آسمان هفتم ملکی هست که او را داعی میگویند چون
ماه رجب داخل شود هر شب تا صبح ندا کند که خوشا حال اطاعت کنندگان و حق تعالی میفرماید که منم همنشین
کسی که اطاعت من نماید و آمرزنده کسی ام که طلب آمرزش از من کند ماه ماه من است و بنده بنده من است
و رحمت رحمت من است پس هر که سؤال کند عطا میکنم و هر که طلب هدایت کند او را هدایت مینمایم و
گردانیدم این ماه را رشته در میان خود و بندگان خود پس هر که چنگ بر آن زند بر رحمت و مغفرت
من میرسد و شیخ مفید رحمه الله در کتاب مقنعه از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که هر که
روزه بدارد تمام ماه رجب را بنویسد حق تعالی برای او رضا و خشنودی خود را و کسی را که خدا رضای خود
را برای او نوشت دیگر او را عذاب نمیفرماید و شیخ طبرسی در کتاب احتجاج از محمد بن عبدالله بن جعفر
حمیری روایت کرده است که او عریضه بخدمت حضرت صاحب الامر علیه السلام نوشت که نزد ما جمعی از زنان پیر
عجوزه هستند که مدت سی سال و زیاده است که تمام ماه رجب را روزه میدارند و ماه شعبان را نیز روزه
میدارند و او را بماه رمضان وصل میکنند و بعضی از اصحاب ما روایت میکنند که روزه ماه رجب معصیت است
حضرت در جواب نوشت که هر که فقیه و دانا باشد پانزده روز از ماه رجب را روزه میدارد و بعد از
قطع میکند مگر آنکه بقیه ماه را بقصد قضای سه روزی که از او فوت شده باشد روزه دارد که در
این وقت روزه داشتن بقیه ماه رجب نیکوست بجهت حدیثی که وارد شده که ماه رجب نیکو ماهی

برای روزه قضا **مؤلف گوید که** علما این حدیث را بر نفی تأکید استحباب روزه تمام این ماه حمل نموده‌اند
تا مخالف نباشد با احادیثی که دلالت بر فضیلت روزه تمام ماه میکند و ظاهر مراد از این سه روز در این
حدیث سه روز نیست که در هر ماه غیر شعبان و ماه رمضان سنت است روزه گرفتن آنها و از این حدیث ظاهر
میشود که روزه مستحب را قضا میتوان نمود بلکه اگر کسی روزه قضا داشته باشد و در این ماه بگیرد
ثواب آن عظیم تر خواهد بود و الله تعالی یعلم **و بدانکه** غیر احادیث مذکوره احادیث دیگر در باب فضیلت
این ماه و ثواب عبادت در آن و تصدق نمودن و احیا داشتن لیالی آن در کتب علما مسطور است و چون
بعضی از احادیث مذکوره متحد المضمون و اکثر اینها بعد از این در ضمن بیان اعمال مذکور میشود لهذا
در این مقام باین قدر اکتفا شد **حکایت عجیبه آنکه** از خصایص این ماه آنست که دعا در آن مستجاب
میشود و سید بن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال نقل نموده است که چند نفر با یکدیگر رفیق بودند تا گاه
گذشتند بر مرد کور زمین گیری یکی از آن جماعت گفت که چرا این مرد از حق تعالی سؤال نمیکند که عافیت خود را
که از این آزار بخلاصی یابد دیگری از رفقا با او گفت که آیا این مرد را نمی‌شناسی این مردی است که عیاض او را
نفرین کرده پس آن شخص عیاض را طلبید و حقیقت حال از او پرسید عیاض گفت که قصه این شخص آن است
که در زمان جاهلیت واقع شده است و الان آن نفعی ندارد او گفت که قصه زمان جاهلیت سزاوار است نقل
نمودن برای من این قصه را نقل کن عیاض گفت که این مرد کور زمین گیر با نه برادر دیگر از فرزندان ضبعا
بودند و خواهر ایشان در حباله من بود و ایشان خواستند که خواهر خود را از من بگیرند که پس من ایشان را
سوگند دادم بخدا و بحق قرابت و رحم و خویشی فایده نبخشید و خواهر خود را از من خواستند و من صبر
کردم تا ماه رجب داخل شد و ایشان را نفرین کردم و گفتم خدایا نفرین میکنم من بر فرزندان ضبعا
پس همه ایشان را هلاک کن و یکنفر از ایشان را زنده بگذار و پای او را بشکن و او را زمین گیر و نابینا گردان
پس حق تعالی چنان کرد که من خواسته بودم و این مرد کور زمین گیر از جمله ایشان است پس آن شخص گفت که والله
که چنین امر عجیبی من تا بحال ندیده بودم دیگری از جماعت رفقا گفت که آیا میخواهی نقل کنم برای تو عجیب تر
از این عجیب تر آن شخص گفت که نقل کن تا همگی رفقا بشنویم او گفت که من بودم از قبیله از قبایل عرب
و آن قبیله همه مردند و اموال ایشان به میراث بمن رسید و رفتم بمیان قبیله دیگر که ایشان را بنی مؤمل میگفتند
و مدتی در آنجا بودم تا آخر کار آن قبیله خواستند که اموال مرا بگیرند که من ایشان را بخدا قسم دادم

وقبول

و قبول نکردند و از جمله آن قبیله مردی بود رباح نام داشت و بنی باب ایشان گفت که ای بنی مؤمل این مرد
همسایه شما و قصد اموال شما سزاوار نیست که مال او را بگیرید ایشان قبول نکردند و فایده نبخشید
و اموال مرا گرفتند پس من ایشان را مهلت دادم تا ماه رجب داخل شد بر ایشان نفرین کردم و گفتم
یا رب خدایا مالهای مرا از بنی مؤمل بگیر و بزن بر عقب ایشان تیر بلای این سنگ بالشکری عظیم مگر رباح
را که او با من بدی نکرد پس در همان ایام روزی آن قبیله در دامن کوهی میرفتند تا گاه قطعه از آن
کوه جدا شد و بر سر ایشان فرود آمد و همه هلاک شدند بغیر رباح پس آن شخص گفت که تا امروز حکایتی
از این عجیب تر نشنیده بودم پس دیگری از رفقا گفت که آیا نقل کنم قصه از این قصه ها عجیب تر آن شخص
گفت بگو تا همگی بشنویم گفت که پدر و عموی من از پدر خود میراث بردند و بعد از وفات پدر مال او میراث
بمن رسید و عمویم مال خود را تلف نمود و بعد از وفات او پسران او خواستند که اموال مرا بگیرند
و من چند که ایشان را بخدا و حق قرابت و رحم سوگند دادم فایده نبخشید و اموال مرا گرفتند
و من نیز ایشان را مهلت دادم تا ماه مبارک رجب داخل شد و بر ایشان نفرین کردم و گفتم ای پروردگار
هر ابن وغا آلف و شنونده ندای هر هاتف این جماعت حق مرا بردند و با من انصاف نورزیدند ۵
ایشان را جزا بده و ایشان ده نفر بودند و برای حاجتی بر سر چاهی رفته بودند که ناگاه چاه بر سر ایشان
خراب شد و همه هلاک شدند و آن چاه قبر ایشان شد پس آن شخص گفت والله تا اکنون چنین حدیثی
عجیبی نشنیده بودم پس آن جماعت گفتند که هر گاه ماه رجب در زمان جاهلیت اینقدر حرمت داشته
باشد و دعا باین زودی در آن مستجاب شود چرا در زمان اسلام چنین نیست و باین زودی دعا
آن مستجاب نمیشود پس یکی از ایشان گفت که سبب این آنست که اهل جاهلیت بر دین حق نبودند
باین جهت حق تعالی جزای اعمال ایشان را در دنیا بزودی میداد تا بر یکدیگر ظلم نکنند و اهل اسلام
چون بر دین حق ثابت و راسخند حق تعالی جزای اعمال ایشان را با آخرت گذاشته است پس سید گوید
که ناقل این قصه حکایات بسیار دیگر در باب استجابت دعا در این ماه نقل نموده است و ما بهمین قدر
اکتفا نمودیم **مؤلف گوید** که آنچه در آخر این قصه مذکور است که دعای اهل اسلام لازم نیست که در
این ماه مستجاب شود در صورتی است که منافی حکمتی و مصلحتی باشد و اگر کسی از روی خلوص نیت
و صفای طویت در این ماه دعا نماید و مطلب او منافی مصالح و حکم الهی نباشد البته مستجاب میشود

و از جمله آنها آنکه در عهد قریب بعصر ما واقع شده حکایتی است که جد علامه ام مولانا محمد باقر مجلسی قدس الله
روحه در کتاب بحار الانوار ذکر نموده و گفته است که این قصه از متواترات است و شعرا آنرا بنظم آورده اند
و فی الحقیقه از معجزات مرقد مطهر حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه است و کیفیت این قصه چنانچه از مرحوم
میرزا داود نقات استماع نموده است آنکه در سنه هزار و هفتاد و دو هجری در نجف اشرف زن عجوزه پیری که نام
او رکیه و معروف بصلاح و تقوی بوده به بیماری شدیدی مبتلا گردید و آزار او بطول کشید تا آنکه مقعد
و زمین گیر شد و قریب بدو سال بر این حالت ماند پس در شب نهم ماه رجب مشغول دعا و تضرع
بدرگاه حق تعالی گردید و توسل بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام برده شکایت احوال خود را بآنحضرت نمود و
استدعا کرد که شفا یابد بخواب رفت دید که سه زن که یکی از آنها در نور و صفا مانند ماه شب چهارده
بوده بر او داخل شدند و باو گفتند که دل گیر مباش که در شب دوازدهم آن ماه مبارک فرج بتو میرسد پس
از فرح و سرور بیدار شد و خواب خود را بمردم نقل نمود و انتظار شب دوازدهم ماه رجب را میکشید و
در آنشب اثری ظاهر نشد پس انتظار شب دوازدهم ماه شعبان را کشید باز اثری ظاهر نشد تا شب نهم
ماه مبارک رمضان داخل شد و در آن شب آن سه زن را در خواب دید که باو بشارت شفا دا
دادند و گفتند که در شب دوازدهم اینماه بشب بروضه متبرکه و سه نفر از زنان معروفه سکنه آن بلد را نام
بردند که با خود همراه ببر پس مسرور از خواب بیدار شد و در شب دوازدهم جامهای پاکیزه خود را مطهر نمود
و آن سه زن را خبر نمود و ایشان او را بر دوش گرفته داخل روضه مطهره شدند و چون قریب بربعی از
از شب گذشت یکی از آن سه زن معذرت طلب نموده بیرون رفت و دو زن دیگر با او بودند در روضه
منوره ماندند و سایر مردم همگی بجایهای خود مراجعت نمودند و درها را بستند و بغیر ایشان کسی در رواق
نماند و چون وقت سحر شد آن دو زن بعزم خوردن سحور و کشیدن غلیان رفتند بجانب درگاهی که در پشت سر
مبارک بصحن مفتوح میشود و در عقب آن شبکه هست و داخل شبکه شدند و در را بستند و آن زن را در
پیش روی ضریح مبارک در سمت قبله گذاشتند و بعد از قضای حاجت چون مراجعت نمودند او را
ندیدند در آن موضع پس از جانب راست و چپ ضریح مقدس تفحص نمودند دیدند که در نهایت صحت
و اعتدال راه میرود و شفا یافته است از سبب آن پرسیدند گفت که چون شما بجانب شبکه رفتید آن سه زن
که من در خواب دیده بودم بنزد من آمدند و مرا برپا داشتند و داخل قبه منوره گردیدند و من ندانستم
چگو

چگونه داخل شدم و آنچه راه باندرون قبه رفتم و چون بضریح مقدس رسیدیم صدائی شنیدیم از قبر
مبارک که حرکت دهید این زن صالحه را او را سه مرتبه بدور قبر طواف دهید پس آن زنان سه مرتبه
مرا بدور قبر طواف فرمودند پس صدای دیگر از قبر شنیدیم که بیرون برید این زن صالحه را از در
فرج پس مرا از جانب غربی کسی که نماز کنند ما بین دو درگاه که از آن بسر مبارک بیرون بروند و در عقب
آن درگاه آنان ایستاده بودند و آن درگاه قبل از این واقعه باین اسم معروف نبود پس گفت که الحال
آن زنان رفتند و شما آمدید و من اصلا اثر آزار و ضعف خود از بدن نمی بینم و چون غروب شد و
کلید دار آمد و در روضه را گشود آن سه زن را دید که هر سه راه میروند و معلوم نیست که زن
زمین گیر کدام یک از این سه زن است و جد علامه ام در کتاب مذکور گفته است که در وقت تحریر این قصه
در این کتاب آن سه نفر که با آن زن زمین گیر بروضه مقدسه رفتند در حیات هستند و من از مولانا
محمد طاهر کلید دار و از جمع کثیری از صلحای نجف اشرف که در آنشب بروضه مقدسه رفته بودند شنیدم
میگفتند که او را در اول آنشب زمین گیر دیدیم که بر دوش گرفته بروضه آوردند و در آخر شب در
نهایت صحت خود بپای خود راه میرفت تتمه قطب راوندی در کتاب قصص الانبیاء روایت کرده است
بسند خود از ابن بابویه رحمه الله و سند را متصل نموده بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام که آنحضرت فرمود
که در کتاب دانیال پیغمبر علیه السلام نوشته است که هر سال که در ماه رجب آفتاب بگیرد زمین معمور را بلاها آن
شود و در کوهستانها و ناحیه مشرق باران بسیار ببارد و در ناحیه فارس ملخ فرود آید اما ضرر
بایشان نرساند و هر سالی که در ماه رجب ماه بگیرد در ناحیه مغرب طاعون و قحط ظاهر شود و در
زمین بابل باران بسیار ببارد و در چشمه در هر شهرها بسیار باشد والله تعالی یعلم ختام آنکه
در روایات معتبر وارد شده است که هر که بمنزل برادر مؤمن خود وارد شود و قصد روزه واجب [سنت] با
کرده باشد و او طعامی حاضر سازد و او را تکلیف افطار نماید ثواب افطار کردن زیاده از ثواب روزه
داشتن است همچنانکه در ابتدا اگر اظهار نکند که روزه ام ثواب یکسال روزه است و اگر واجب غیر
معین باشد بعوض یک روزه ده روزه در نامه عملش نوشته میشود و اگر چه در طرف عصر و نزدیک
مغرب و آفتاب باشد که افطار کردن بهتر است و اگر افطار نکند ثواب یکسال از او میکند و اگر اظهار
کند بمنت برنج آن و اگر منت گذارد سبع ربعش میدهد و منقول است که حضرت صادق علیه السلام بعبد الله بن

سنان و اسحق فرموده‌اند که روزه سنت را تا ظهر میتوان خورد و بعد از ظهر نمیتوان خورد و منقولست از صباح که
گفت سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از شخصی که روزه گرفته باشد و برادر مؤمنی که
هم مذهب او باشد تکلیف میکند که او افطار کند حضرت فرمودند که افطار میکند اگر روزه سنت باشد
در نامهٔ عملش ثواب روزه هفتاد سال نوشته میشود یا هفتصد و شصت برابر و اگر روزه قضا باشد
و غیر معین باشد روز دیگر قضا میکند اگر در شب یا پیش از ظهر نیت کرده باشد و اگر در روز بعد از
ظهر نیت کرده و قضای غیر معین باشد و اگر قضای معین باشد قضا و کفاره را هر دو بعمل میاورد
و در هر نیت که منقولست از سماعه که گفت سؤال کردم از حضرت صادق علیه السلام که صایم را پیش
مختار است در صوم و افطار حضرت فرمودند که این حکم در فریضه است از قضای ماه رمضان و نذر مطلق و کفاره
و کفاره و غیر آن و اما روزه سنت هر وقت که خواهد تا شام افطار میتواند کرد و مثل حج سنت و نماز
سنت نیست که بمحض شروع در آن واجب شود و منقولست که حضرت فرمودند که شخصی که قضای ماه رمضان
میکند تا اول ظهر اختیار دارد و اگر روزه سنت باشد تا غروب آفتاب مختار است و در حدیثی وارد شده است
که اگر نیت کرده باشد که در شب میباید بگیرد و اگر در روز نیت کرده باشد تا زوال اختیار
دارد و بعد از ظهر میباید که بگیرد و این حدیث شامل قضا و سنت هر دو هست و در حدیث دیگر منقولست
که روزه سنت تا ظهر میتوان خوردن بعد از ظهر نمیتوان خورد و در بعضی از اخبار وارد شده که اگر
نیت را در شب کرده باشد آن روزه نخورد و اگر بخورد عوض بگیرد در روز دیگر و از ابو بصیر
منقولست که سؤال کردم از زنی که قضا کند روزه ماه رمضان را و شوهرش او را افطار فرماید برای او
حضرت فرمودند که سزاوار نیست که زن را اکراه کند بر افطار بعد از زوال آفتاب و ظاهرش کراهت است
چون مرد را جماع جایز است و زن را با اختیار جایز نیست پس اگر جبر کند و با زن جماع کند مشهور آنست
که روزه زن صحیح است مگر آنکه در اثنای جماع راضی شود که در این صورت زن را قضا و کفاره هر دو
لازم میشود خواه در ادا و خواه در قضا باز از ابو بصیر منقولست که سؤال کردم از حضرت صادق ع از
صایمی که روزه سنت گرفته باشد و آن را کاری پیش آید که نتواند روزه بگیرد چه کند حضرت
فرمودند که تا عصر اختیار دارد میتواند که خورد و اگر تا عصر چیزی نخورده باشد و بخاطرش که آن
روز را روزه بدارد و نیت نکرده باشد در آن وقت نیت میتواند کرد و لیکن ثواب آن از آن

روزه

وقت تا شام را دارد و هر یک از این احادیث وارده در این مطلب نقیض و اختلافی با داده و در آن
وارد شده است و بعضی رد نقیض یکدیگر اند بحسب درجه مرتب ثواب ایشان قابل توجیه و تحویل اند انشاء الله
چند کلمه بیان خواهد شد بچند شرط اول آنکه اگر روزه نذر معین باشد افطار نباید کرد که موجب قضا
و کفاره میشود بلا خلاف دوم آنکه اگر قضای ماه رمضان یا نذر غیر معین باشد و در شب نیت کرده
باشد احوط آنست که افطار نکند خصوصا پیش از ظهر هر چند بعضی تجویز کرده‌اند نظر ببعضی از احادیث که
در این باب که مطلق روزه وارد شده است و اما اگر در روز نیت کرده باشد افطار کردن جایز است لیکن
اگر نکند احوط است نظر ببعضی احادیث دیگر سیم آنکه اگر روزه سنت باشد در افطار کردن آن ثواب
بسیار وارد شده است چنانچه مذکور شد بحسب مراتب عالیه ایشان از جمله آنها آنست که فرمودند که گاه
وارد شوی بر برادر مؤمن خود که هم مذهب تو باشد و حاضر باشد یا حاضر کند طعامی را و تکلیف افطار
فرماید ترا افطار کن که ثوابهای مذکوره از تو خواهد بود بشرط آنکه پیش از ظهر باشد و در شب نیت
نکرده باشی که هم در آن خلافی هست بحسب قضا و ثواب بنا بر حدیثی چند که مطلق روزه را فرموده اند
و اگر در روز نیت کرده باشی بی ثواب بی اجر خواهی بود بلکه افطار نکردن اولی خواهد بود خصوصا
در سؤالها که در بعضی مواضع موجب قضا و کفاره هر دو و بعضی موجب قضای تنها میشود چنانچه
از سؤالات جد علامه مولانا محمد باقر مجلسی و از کلام آقا محمد باقر بهبهانی معلوم میشود که
تا آن مدت چیزی نباشد یا حاضر نکنند که او سیر شود افطار کردن صورت شرعی ندارد و بتمام با دو دانه
خرما و فنجان قهوه افطار کردن جایز نیست و ثوابی ندارد چنانچه در حدیثهای پیش مذکور شد و اگر
و اگر زن و فرزند اینکس افطار فرمایند که این کس را از مال او و از برای او هیچ ثوابی نخواهد بود در روزه
سنت داشتن زن بی رخصت شوهر و غلام و کنیز بی رخصت آقا و فرزند بی رخصت پدر و مادر و
مهمان بی رخصت صاحبخانه و صاحبخانه بی رخصت مهمان از احادیث ظاهر میشود که خوب نیست و مشهور
میان علما آنست که روزه سنت بنده بی رخصت آقا صحیح نیست و همچنین روزه سنت زن بی اذن
شوهر صحیح نیست و در فرزند مشهور آنست که روزه سنت او بی اذن پدر و مادر مکروه هست
و باطل نیست و بعضی گفته اند که بی اذن پدر باطل است و احوط آنست که اذن از هر دو تحصیل نماید
و در روزه سنت مهمان بی اذن صاحبخانه بی خلاف است و احوط آنست که مهمان و صاحبخانه هیچیک
بی رخصت

دیگری روزه مستحب ندانند والله تعالی یعلم باب دویم در بیان آداب دیدن ماه رجب بدانکه
ادعیه و آدابی که مخصوص دیدن این ماه است چند چیز است اول سید جلیل نبیل سید بن طاوس رضی الله عنه
در کتاب اقبال از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده است که آن حضرت هرگاه ماه رجب را میدیدند
این دعا میخواندند اللّهم اهلّه علینا بالامن والایمان والسلامة والاسلام ربی وربک الله
عزّ وجلّ دویم ایضا سید در کتاب مذکور در وقت دیدن هلال این ماه این دعا میخواندند
اللّهم بارک لنا فی رجب وشعبان وبلّغنا شهر رمضان واعنّا علی الصیام وحفظ اللسان وغضّ
البصر ولا تجعل حظّنا منه الجوع والعطش سیم سید جلیل میر محمد باقر داماد قدس الله روحه
در بعضی از مؤلفات خود گفته که از اکابر منقول است که در وقت دیدن هلال ماه رجب باید در خط قرآن
مجید در روی دوست خود نگاه کند مؤلف گوید که این معنی در حدیثی و روایتی بنظر نرسیده و در کتب معتمده
هیچیک از علما مذکور نیست و بدانکه تفصیل ادعیه و آداب دیدن هلال در آخر کتاب در بیان
اعمال مطلق ماه عربی بتفصیل مذکور میشود ان شاء الله تعالی اگر کسی خواهد که از آنها عمل آورد رجوع بآن
مقام نماید باب سیم در بیان بعضی از اعمال مشترکه میان ماه رجب و ماه شعبان و ماه رمضان و آنها
سه چیز است اول دیلمی رضی الله عنه در کتاب اعلام الدین و کفعمی رحمه الله در کتاب بلد الامین
از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت نموده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر که
در هر روز و هر شب ماه رجب و شعبان و ماه رمضان هر یک از سوره حمد و آیة الکرسی و قل یا ایها
الکافرون و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق سه نوبت بخواند و پس
سه نوبت بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم و سه نوبت اللّهم صلّ علی محمد وآل محمد و سه نوبت اللّهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات
و چهار صد مرتبه استغفر الله واتوب الیه بگوید بحق آنکه نفس من در قبضه قدرت اوست
که هر که این اعمال را بجا آورد چیزی از ایشان فوت نشود حق تعالی گناهان او را بیامرزد اگر چه مانند
قطرات باران و برگ درختان و کف دریاها باشد و در روز عید فطر از جانب حق تعالی منادی ندا کند
که ای بنده من توئی ولی من و دوست من حقا از برای تو هست بهشت نزد من بسبب کرامت تو بیش
من بهر حرفی شفاعتی در برادران و خواهران خود بحق آنکه مرا براستی به پیغمبری فرستاده است

که هر که

که هر که بخواند این سوره ها را و بعمل آورد این عمل را در روزها و شبهای این سه ماه اگر چه در تمام
عمر یکمرتبه باشد حق تعالی باو عطا میفرماید بهر حرفی هفتاد هزار هزار حسنه که هر حسنه سنگین
تر باشد نزد خدا از کوههای دنیا و بر آورد برای او هفصد حاجت و در وقت قبض روح او هفصد
حاجت او را و در قبر او هفصد حاجت و در وقت بیرون آمدن از قبر هفصد حاجت و در وقت پرواز
نمودن نامهای عمل هفصد حاجت و در وقت گذشتن از صراط هفصد حاجت و در وقت برپا
شدن میزان و او را در سایه عرش خود جا دهد و لباس او را از سندس دهد و او را هفتاد هزار ملک
مشایعت نمایند تا بهشت داخل شود و در آنجا مهیا شده باشد برای او چیزی چند که هیچ دیده ندیده
باشد و هیچ گوشی نشنیده باشد مؤلف گوید که کفعمی رحمه الله در حواشی کتاب جنة الامان
بعد این حدیث را ذکر نموده و سه نوبت اللّهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات را نقل نکرده است و ظاهرا
سهو نموده است والله تعالی یعلم فایده آنکه مشهور میان محدثین شیعه رضوان الله علیهم آنست
که مراد از آیة الکرسی هر جا مطلق وارد شده است و روایات تا العلی العظیم است و جد علامه ام مولانا محمد تقی
مجلسی قدس الله روحه میفرمود که از تتبع روایات و احادیث ظاهر میشود که تا هم فیها خالدون است
و بنا بر این در جائی که مطلق وارد شده باشد احوط آنست که تا هم فیها خالدون خوانده شود والله
تعالی یعلم دویم سید بن طاوس رحمه الله در کتاب اقبال بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام روایت کرده است که حق تعالی سه ماه باین امت عطا نموده که بامتهای دیگر نداده و به هیچیک
از امتهای گذشته نداده است و آن ماه رجب و ماه شعبان و ماه رمضان است و سه شب باین امت کرامت
فرموده که بامتهای دیگر نداده است و آن شب سیزدهم و شب چهاردهم و شب پانزدهم از هر ماهی است و
سه سوره باین امت عطا فرموده که بامتهای دیگر نداده است و آن سوره یس و تبارک و قل هو الله
احد است پس هر که جمع کند میان این سه فضیلت جمع کرده خواهد بود افضل آنچه باین امت عطا شده است
پس کسی عرض نمود که چگونه جمع کند فرمود که در شب سیزدهم هر یک از این سه ماه دو رکعت
نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از حمد این سه سوره را بخواند و در شب چهاردهم چهار رکعت بگذارد دو
هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد این سه سوره را بخواند و در شب پانزدهم شش رکعت
بجا آورد هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد این سه سوره را بخواند چون این عمل را بجا

اوکه فضیلت این سماء را دریابد که جمیع گناهانش امرزیده شود بغیر از شرك بخدا سیم سید در بعضی از کتب
از ابن عباس مرویست که رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود که هرکه در ماه رجب و شعبان و ماه
مبارك رمضان ما بین نماز عصر و نماز شام این دعا بخواند حق تعالی وحی فرماید بان دو ملکی که بر او
موکلند که مینویسند بر او سیئات را بدرستی که من امرزیدم سیئات او را و دعا اینست که
استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم غفار الذنوب و اتوب الیه توبة عبد ظالم لا یملك
لنفسه موتا و لا حیوة و لا نشورا مولف گوید که حدیث انست که این استغفار در هر روز از
این سه ماه باید گفته شود باب چهارم در بیان اعمالی که در همه اوقات این ماه بجا میتوان اورد
و اختصاص بروز و شب مخصوصی ندارد و اعمال مذکوره بر دو قسمست قسم اول سوره قران و ادعیه
و اذکار و انها چند چیز است اول خواندن سوره قل هو الله احد سید بن طاوس رحمه الله در کتاب اقبال
از حضرت رسالت صلی الله علیه و اله روایت کرده است که هرکه در مدت عمر خود ده هزار نوبت
سوره قل هو الله احد را در ماه رجب با نیت خالص بخواند بیاید در روز قیامت در حالتی که از گناهان
خود بیرون امده باشد مثل روزی که از مادر متولد شده باشد پس استقبال او کنند هفتاد هزار
ملك که بشارت دهند او را به بهشت و در حدیث دیگر از انحضرت روایت شده است که هرکه هزار نوبت
سوره قل هو الله احد بخواند بیاید در روز قیامت با عمل هزار پیغمبر و هزار ملك و کسی از او نزدیکتر
بجناب اقدس الهی نباشد مگر کسی که زیاده از او این سوره را خوانده باشد پس فرمود که ثواب
خواندن این سوره را در این ماه مضاعف است و در حدیث دیگر از انحضرت روایت شده است که هرکه
سوره قل هو الله احد را صد نوبت بخواند حق تعالی برکت دهد برای او و فرزندان او و همسایگان او
و هرکه این سوره را در ماه رجب صد نوبت بخواند حق تعالی برای او در بهشت بنا کند ده قصر که
مکلل بدر و یاقوت باشد و بنویسد برای او هزار هزار حسنه پس ملائکه را امر کند که برید این
بنده را و بنمائید بجهة او انچه برای او مهیا ساخته ام پس بیایند نزد او ده هزار قهرمان و ایشان ملکی چند
موکل بر مسکنها و خانهای او در بهشت پس بگشایند برای او هزار هزار قصر از در و هزار هزار قصر
یاقوت سرخ که همه انها مکلل باشد بدر و یاقوت و حلی و حلل انقدر که وصف نتوان کرد و وصف
کننده کان و احاطه نتواند کرد بان مگر علم خداوند عالمیان و چون بیند این قصرها و مراتب

عالیه را

عالیه را در بهشت دهشت کند و متحیر شود و گوید که اینها برای کدام از پیغمبران است پس باو گویند
که اینها برای تو است بسبب خواندن سوره قل هو الله احد دوم گفتن لا اله الا الله سید بن طاوس رحمه الله
در کتاب اقبال از رسول خدا صلی الله علیه و اله روایت نموده است که هرکه در ماه رجب هزار نوبت لا اله
الا الله بگوید حق تعالی بنویسد برای او صد هزار حسنه و صد شهر در بهشت برای او بنا کند سیم
استغفار احمد بن محمد عیسی طاب ثراه در کتاب نوادر بسند خود از حضرت صادق ع روایت کرده
است که رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود که رجب ماه استغفار امت منست پس بسیار استغفار
نمائید در این ماه بدرستی که حق تعالی امرزنده و رحم کننده است و در ماه رجب بسیار بگوئید استغفر الله
را و سوال کنید از حق تعالی که درگذرد از گناهان شما و قبول فرماید توبه شما را در گناهان گذشته و نگاه
دارد شما را از گناهان در بقیه عمرهای شما سید بن طاوس رضی الله عنه در کتاب اقبال از جناب
مقدس نبوی صلی الله علیه و اله روایت نموده است که استغفر الله الذی لا اله الا هو وحده لا شریك
له و اتوب الیه ... بکند حق تعالی ... او را برحمت و امرزش ختم نماید و هرکه چهار صد
نوبت این استغفار را بگوید حق تعالی بنویسد برای او ثواب صد شهید پس چون خدا را در روز قیامت
ملاقات کند باو فرماید که بدرستی که تو بر ملك من اقرار کردی ... ملك و پادشاهی من پس امروز از من
انچه را خواهی تا بتو عطا فرمایم بدرستی که هیچکس جز من قدرت و توانائی ندارد بغیر از من وایضا
سید در کتاب مذکور از حضرت روایت کرده است که هرکه در ماه رجب هفتاد نوبت در صبح
و هفتاد نوبت در شام بگوید استغفر الله و اتوب الیه پس دستها خود را بلند کند و بگوید
اللهم اغفر لی و تب علی اگر در این ماه بمیرد حق تعالی از او راضی باشد و اتش جهنم باو نرسد ببرکت
این ماه و ابن بابویه رحمه الله در کتاب عیون اخبار الرضا روایت کرده است که حق تعالی در شب معراج
بحضرت رسالت صلی الله علیه و اله خطاب فرمود که ای محمد صلی الله علیه و اله هرکه در ماه رجب
هزار نوبت بگوید استغفر الله ذا الجلال و الاکرام من جمیع الذنوب و الاثام او را بیامرزم
و سه مرتبه فرمود که اگر نیامرزم پروردگار شما نباشم چهارم سید بن طاوس طاب ثراه
در کتاب اقبال بسند معتبر از یونس بن ظبیان روایت کرده است که گفت نزد مولای خود حضرت
امام جعفر صادق علیه السلم بودم در ماه رجب که داخل شد بر ما معلی بن خنیس در ان مجلس

مذکور شد دعای در ماه رجب پس معلی عرض نمود که ای سید من تعلیم فرما
دعائی مرا که جامع همه دعاها باشد که شیعیان در کتابها خود درج کرده اند پس حضرت فرمود که بگو
معلی بگو اللهم انی اسئلک صبر الشاکرین لک و عمل الخائفین منک و یقین العابدین لک
اللهم انت العلی العظیم و انا عبدک البائس الفقیر و انت الغنی الحمید و انا العبد الذلیل
اللهم صل علی محمد و آل محمد و امنن بغناک علی فقری و بحلمک علی جهلی و بقوتک علی
ضعفی یا قوی یا عزیز اللهم صل علی محمد و آل محمد الاوصیاء المرضیین و اکفنی ما اهمنی
من امر الدنیا و الآخرة یا ارحم الراحمین پس فرمود که ای معلی والله که این دعا برای تو جمع
کرده است آنچه را از زمان ابراهیم خلیل علیه السلام تا زمان محمد صلی الله علیه و آله بوده است
مؤلف گوید که شیخ طوسی رحمه الله نیز این حدیث را در کتاب مصباح روایت نموده با این
عنوان که حضرت صادق علیه السلام بمعلی بن خنیس فرمود که در ماه رجب این دعا را بخوان
و ظاهر این حدیث آنست که این دعا را در همه اوقات این ماه توان خواند خواه روز و خواه شب
و خواه یکمرتبه و خواه زیاده ولیکن علما مانند سید بن طاوس و کفعمی این دعا را از جمله
ادعیه هر روزه ماه نقل کرده اند والله تعالی یعلم پنجم سید بن طاوس رضی الله در کتاب
اقبال روایت نموده است که از ناحیه مقدسه بر دست ابی القاسم حسین بن روح قدس الله روحه که
یکی از نواب حضرت صاحب الامر صلوات الله و سلامه علیه است این دعا برای ایام ماه رجب بیرون آمد
اللهم انی اسئلک بالمولودین فی رجب محمد بن علی الثانی و ابنه علی بن محمد المنتجب
و اتقرب بهما الیک خیر القرب یا من الیه المعروف طلب و فیما لدیه رغب اسئلک
سؤال معترف مذنب قد اوبقته ذنوبه و اوثقته عیوبه فطال علی الخطایا دؤوبه و من
الرزایا خطوبه یسئلک التوبة و حسن الاوبة و النزوع عن الحوبة و من النار فکاک رقبته
و العفو عما فی ربقته فانت مولای اعظم امله و ثقته اللهم و اسئلک بمسائلک الشریفة
و وسائلک المنیفة ان تتغمدنی فی هذا الشهر برحمة منک واسعة و نعمة وازعة و نفس
بما رزقتها قانعة الی نزول الحافرة و محل الآخرة و ما هی الیه صائرة مؤلف گوید
که علما از این حدیث نیز چنین فهمیده اند این دعا را هر روز از ماه رجب باید خواند و عبارت
حدیث

حدیث چنین است که در ایام ماه رجب باید این دعا خوانده شود و این عبارت صریح نیست در آنکه هر روز
از ایام باید این دعا را بخوانند بلکه ظاهر آنست که اگر بعضی از ایام این ماه خوانده شود کافی باشد و مؤید
این احتمال آنست که جد علامه ام مولانا محمد باقر مجلسی طاب ثراه ذکر نموده که در کتاب کهنه دیدم که احمد بن
محمد بن عیاش از حسین بن عبدالله روایت کرده است که گفت نوشتم از توقیع مبارک که از ناحیه مقدسه
بسوی حسین بن روح روح الله روحه بیرون آمده بود که بخوان در روزهای از روزهای ماه رجب این دعا
ششم سید بن طاوس رحمه الله در کتاب اقبال از محمد ابی الرواد رواسی روایت نموده است که گفت
روزی از روزهای ماه رجب با محمد بن جعفر دهان بمسجد سهله رفتیم پس محمد بن جعفر گفت که بیا
تا بمسجد صعصعه رویم که آن مسجد مبارکی است حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه در آن نماز کرده است
و حجتهای خدا قدم مبارک خود را بآن رسانیده است پس رفتیم بآن و در اینجا نماز میکردیم ناگاه دیدیم مردی
را که از شتر ناقه خود فرود آمده و آنرا در موضع سایه عقال کرد و داخل مسجد شد و دو رکعت نماز
طولانی بجا آورد پس دستهای خود را بلند کرد و دعائی که مذکور خواهد شد خواند و چون فارغ
شد بر ناقه خود سوار شد و خواست که برود گفت محمد بن جعفر که بیا برخیزیم بسوی او بپرسیم از این مرد که
کیست پس رفتیم بنزد او و او را سوگند دادیم که مرا بگو از کجائی محمد بن جعفر گفت که تو از اهل حجازی
پس بمن فرمود که تو بر چنین گمان داری گفتم بلی فرمود که والله من از کسانیم که خضر صلوات الله علیه آید بنزد من او برا
کرده که من امام زمانیم و شیخ شهید محمد بن مشهدی قدس الله روحهما از علی بن محمد بن
عبدالله شوشتری این حدیث را چنین روایت نموده اند که گفت گذشتم بطایفه بنی رواس پس بعضی از
ایشان گفت که بیا برویم بمسجد صعصعه و در آنجا نماز کنیم که این ماه ماه رجب است و سنت است در این ماه
زیارت این مواضع مشرفه که امامان ما قدمهای مبارک خود را بآنها رسانیده و در آنها نماز کرده اند و مسجد
صعصعه از آنها است پس رفتیم بسوی آن مسجد دیدیم ناقه را که در در مسجد عقال کرده اند چون
داخل شدیم مردی را دیدیم که جامه و عمامه مثل اهل حجاز پوشیده است و نشسته است و دعائی که مذکور خواهد
شد میخواند پس سجده طولانی کرد و برخاست و بر ناقه سوار شد و رفت و رفیقم گفت که این حضرت
خضر علیه السلام بود چرا با او سخن نگفتیم گویا زبان ما را بسته بودند چون بیرون آمدیم ابن ابی داود
رواسی بما برخورد و پرسید که از کجا می آئید گفتیم از مسجد صعصعه و خبر را باو نقل نمودیم گفت

این سواره هر روز باشد روز یکشنبه باین سجده می ابدان باکی حق نیکو بدکی بسپس کرشیا کان
نمازیکی کی باشد کفیتم کاما انت کحضرت خضر علیه السلام باشد کفت والله من نیدانم اوراپکی کی
خضر بن محتاج است بدیدن او یعنی حضرت صاحب الامر صلوات الله وسلامه علیه **ودعا این است** اللهم
یا ذا المنن السابغة والآلاء الوازعة والرحمة الواسعة والقدرة الجامعة والنعم الجسيمة
والمواهب العظيمة والأيادي الجميلة والعطايا الجزيلة يا من لا ينعت بتمثيل ولا يمثل بنظير
ولا يغلب بظهير يا من خلق فرزق وألهم فأنطق وابتدع فشرع وعلى فارتفع وقدر فأحسن
وصور فأتقن واحتج فأبلغ وأنعم فأسبغ وأعطى فأجزل ومنح فأفضل يا من سما في العز
ففات خواطر الأبصار ودنا في اللطف فجاز هواجس الأفكار يا من توحد بالملك فلا
ند له في ملكوت سلطانه وتفرد بالكبرياء والآلاء فلا ضد له في جبروت شأنه يا من حارت
في كبرياء هيبته دقائق لطائف الأوهام وانحسرت دون إدراك عظمته خطائف
أبصار الأنام يا من عنت الوجوه لهيبته وخضعت الرقاب لعظمته ووجلت القلوب من
خيفته أسألك بهذه المدحة التي لا تنبغي إلا لك وبما وأيت به على نفسك لداعيك من المؤمنين
وبما ضمنت الإجابة فيه على نفسك للداعين يا أسمع السامعين وأبصر المبصرين ويا أنظر
الناظرين ويا أسرع الحاسبين ويا أحكم الحاكمين ويا أرحم الراحمين صل على محمد خاتم النبيين
وعلى أهل بيته الطاهرين الأخيار وأن تقسم لي في شهرنا هذا خير ما قسمت وأن تحتم لي في
قضائك خير ما حتمت وتختم لي بالسعادة فيمن ختمت وأحيني ما أحييتني موفوراً وأمتني مسروراً
ومغفوراً وتول أنت نجاتي من مساءلة البرزخ وادرأ عني منكراً ونكيراً وأر عيني مبشراً وبشيراً
واجعل لي إلى رضوانك وجنانك مصيراً وعيشاً قريراً وملكاً كبيراً
وصلى الله على محمد وآله بكرة وأصيلاً يا أرحم الراحمين وسید رضی الله گفته که بانتم این دعا را منقول
از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله وسلامه علیه **و این نیز بعد از این خواندن بود** اللهم إني أسألك
بمعاقد عزك على أركان عرشك ومنتهى رحمتك من كتابك واسمك الأعظم الأعظم وذكرك
الأعلى الأعلى وكلماتك التامات كلها أن تصلي على محمد وآله وأسألك ما كان أوفى بعهدك
وأقضى لحقك وأرضى لنفسك وخيراً لي في المعاد عندك والمعاد إليك أن تعطيني
بجمع

جميع ما أحب وتصرف عني جميع ما أكره إنك على كل شيء قدير برحمتك يا أرحم الراحمين **مؤلف
گوید که** علما این دعا را بتر ماسند ادعیه سابقه از دعوات هر روز این ماه مبارک نقل کرده اند و عبارت حدیث
اصلا دلالت بر این ندارد بلکه در حدیث که مطلقا این دعا را مخصوص ماه رجب نداشته باشد و چون
در غایت لغت مضمون و فصاحت الفاظ و مشتمل بر مطالب دنیا و آخرت است اگر این ماه مبارک در این مکان
شریف خوانده باشد و بنابر این خواندن این دعا در اوقات دیگر خصوصا اوقات شریفه و امکنه دیگر خصوصا امکنه
متبرکه مناسب خواهد بود والله تعالی یعلم **هفتم شیخ طوسی در مصباح** و سید بن طاوس در اقبال رضوان الله
علیهما از حضرت امام زین العابدین صلوات الله وسلامه علیه روایت نموده اند که آنحضرت در ماه رجب بجهت عمره
بمکه معظمه داخل شد و در اکثر اوقات شب و روز نزد کعبه نماز میگذارد و بسجده میرفت و در سجده می فرمود
عظم الذنب من عبدك فليحسن العفو من عندك در مدت اقامه در مکه زیاده از این نمیگفت **هشتم
بجا آوردن عمره** ابن بابویه رحمه الله از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت نموده است که از آنحضرت
سؤال کردند که عمره در ماه رجب افضل است یا ماه رمضان حضرت فرمود که در ماه رجب افضل است و احادیث فضیلت
عمره در این ماه بسیار است و ذکر جمیع آنها مناسب این کتاب نیست **نهم شیخ طوسی در کتاب** مصباح و سید بن طاوس در کتاب
اقبال از حسین بن روح روایت کرده اند که گفت بخیر بن عبد الله که در ماه رجب زیارت کن هر یک از مشاهد
مشرفه را که حاضر شوی باین نحو که چون داخل شوی بگو الحمد لله الذي أشهدنا مشهد أوليائه في رجب
وأوجب علينا من حقهم ما قد وجب وصلى الله على محمد المنتجب وعلى أوصيائه الحجب اللهم
فكما أشهدتنا مشاهدهم فأنجز لنا موعدهم وأوردنا موردهم غير محلئين عن ورد في دار
المقامة والخلد والسلام عليكم إني قد قصدتكم واعتمدتكم بمسألتي وحاجتي وهي فكاك
رقبتي من النار والمقر معكم في دار القرار مع شيعتكم الأبرار والسلام عليكم بما صبرتم فنعم
عقبى الدار أنا سائلكم وآملكم فيما إليكم التفويض وعليكم التعويض فبكم يجبر المهيض
ويشفى المريض وما تزداد الأرحام وما تغيض إني لسركم مؤمن ولقولكم مسلم وعلى الله
بكم مقسم في رجعي بحوائجي وقضائها وإمضائها وإنجاحها وإبراحها وبشؤوني لديكم
وصلاحها والسلام عليكم سلام مودع ولكم حوائجه مودع يسأل الله إليكم المرجع
وسعيه إليكم غير منقطع وأن يرجعني من حضرتكم خير مرجع إلى جناب ممرع وخفض عيش

وخفض موضع عيش موسّع ودعة ومهل الى حين الاجل وخير مصير ومحل في النعيم الازل والعيش
المقتبل ودوام الاكل والشرب الرحيق السلسبيل والنهل والعلل لاسأم منه ولاملل ورحمة الله
وبركاته وتحياته عليكم حتى العود الى حضرتكم والفوز في كرتكم والحشر في زمرتكم
ورحمة الله وبركاته عليكم وصلواته وتحياته وهو حسبنا ونعم الوكيل بدانكه در هر
زمانى كه در اصل روضه مقدسه يكى از ائمه عليهم السلام واقع شود بايد اول كه علماى ما در كتب مزار آن
ايراد نموده اند بعمل آيد وبعد از آن نيت كند بفارسى كه آن معصوم را زيارت ميكنم قربة الى الله وبعد
از آن زيارت منقول را بجا آرد واگر خواهد بعربى هم چنين نيت كند كه ازور سيدى ومولاى
قربة الى الله تعالى بعد از اين زيارت كند ولكن مخفى نيست كه بلفظ در نيت اعمال اينست وبعضى
كه مكرر دل بشود كافى است دهم زيارت حضرت امام رضا صلوات الله وسلامه عليه شيخ طوسى قدس الله
روحه در كتاب مصباح از محمد بن سليمان ديلمى نقل نموده است كه گفت عرض نمودم بخدمت حضرت امام محمد
تقى عليه السلام كه كسى كه توفيق حجة الاسلام بيابد وبعد از آنكه بلوازم حج وعمره اتيان نمايد بزيارت
حضرت رسول صلى الله عليه وآله بمدينه منوره رود وبعد از آن بزيارت پدر بزرگوارت امير المؤمنين
عليه السلام آيد در حالتى كه عارف بحق او باشد وبداند كه آنجناب حجت حق تعالى است بر خلق او ودر باب رحمت
اوست پس بر او سلام كند وبعد از آن بزيارت حضرت ابى عبد الله الحسين عليه السلام رفته بر او سلام
كند وبعد از آن ببغداد رود بر حضرت امام موسى كاظم عليه السلام سلام كند وببلاد خود برگردد پس
چون سال آينده شود توفيق حج يابد حق تعالى روزى كند كه باز بحج رود وحج متمتع
بكند كدام افضل است آيا بحج سنت برگردد يا بخراسان بزيارت پدر بزرگوارت على بن موسى الرضا عليه السلام
برود حضرت فرمود كه بخراسان رود وآنحضرت را زيارت كند وبايد كه اين زيارت در ماه رجب
بوده باشد مؤلف گويد كه سيد جليل نبيل مير محمد باقر داماد طاب ثراه در بعضى از مؤلفات
خود گفته است كه زيارت جامعه كه در اول رجب امام رضا عليه السلام را بآن زيارت كند اينست
در زيارت سابق ذكر الحمد لله الذي اشهدنا مشهد اوليائه في رجب است تا آخر نقل نموده
وبعد از آن تتمه بر هست نعم المولى ونعم النصير غفرانك ربنا واليك المصير اللهم
صل على محمد وآل محمد الاوصياء المرضيين واجعلني معهم في الدنيا والآخرة ولا تفرق بيني

وبعضهم

وبينهم طرفة عين ابدا واوردني حياضهم وارزقني لقاءهم يوم الورود الموعود والسلام
عليكم ورحمة الله وبركاته استودعكم الله واقرأ عليكم السلام آمنا بالله وبالرسول
الرسول وبما جئتم به ودللتم عليه فاكتبنا مع الشاهدين واختصاص اين زيارت بآنحضرت در
در خصوص اين روز در روايتى بنظر نرسيده وظاهر آنست كه اين زيارت چون بخصوص اين ماه وارد شده
وزيارت آنحضرت در اين ماه فضيلت بسيار دارد چنانچه دانستى ودر بعضى ايام اين ماه روز اول بمزيد
فضيلت ممتاز است لهذا سيد اين زيارت را در خصوص اين روز بجهت آن بزرگوار نقل نموده وبدانكه
بغير اين زيارت اين زيارت مخصوصى براى آنحضرت در روز اول وارد نشده بلكه بخصوص اين ماه
اين زيارت مخصوصى در كتب علما مذكور نيست وليكن جد علامه ام مولانا محمد باقر مجلسى قدس الله
روحه در كتاب بحار الانوار گفته است كه در كتاب كهنه كه از مؤلفات قدماى علماى شيعه رضوان
الله عليهم بود وتاريخ كتابت آن كتاب سال هفتصد وچهل وشش هجرى بود ديدم كه زيارتى براى
آنحضرت نقل نموده وگفته است كه آنحضرت را در همه اوقات باين زيارت ميتوان زيارت نمود ودر ماه
رجب افضل است واين زيارت از خلف بزرگوار آنحضرت كه حضرت امام محمد تقى عليه السلام
روايت شده وزيارت اينست السلام عليك يا ولي الله السلام عليك يا حجة الله السلام
عليك يا نور الله في ظلمات الارض السلام عليك يا عمود الدين السلام عليك يا وارث آدم
صفوة الله السلام عليك يا وارث ابرهيم خليل الله السلام عليك يا وارث موسى كليم الله
السلام عليك يا وارث عيسى روح الله السلام عليك يا وارث محمد رسول الله السلام عليك
يا وارث امير المؤمنين علي بن ابي طالب ولي الله السلام عليك يا وارث الحسن والحسين
سيدي شباب اهل الجنة السلام عليك يا وارث علي بن الحسين زين العابدين السلام سيدي
عليك يا وارث محمد بن علي باقر علم الاولين والآخرين السلام عليك يا وارث جعفر بن محمد
الصادق البر التقي السلام عليك يا وارث موسى بن جعفر العالم الحفي السلام عليك ايها
الصديق الشهيد السلام عليك ايها الوصي البر التقي اشهد انك قد اقمت الصلوة وآتيت
الزكوة وامرت بالمعروف ونهيت عن المنكر وعبدت الله مخلصا حتى اتاك اليقين السلام
عليك من امام غصيب وامام نجيب وبعيد وقريب ومسموم غريب السلام عليك ايها

العالم النبيه والقدر الوجيه النازح عن تربة جده وابيه السلام على من امر اولاده
وعياله بالنياحة عليه قبل وصول القتل اليه السلام على ذلكم الموحشات استوحشت منكم
مني وعرفات السلام على سادات العبيد وعدة الوعيد والبئر المعطلة والقصر المشيد السلام
على غوث اللهفان ومن صارت به ارض خراسان خراسان السلام على قابل الزائرين و
قرة عين فاطمة سيدة نساء العالمين السلام على البضعة الرضوية والاخلاق الرضية
والغصون المتفرعة عن الشجرة الاحمدية السلام على من انتهى اليه رياسة الملك الاعظم
وعلم كل شيء لتمام الامر المحكم السلام على من اسمائهم وسيلة السائلين وحبهم
امان المخلوقين وحججهم ابطال شبه الملحدين السلام على من كسرت له وسادة والده
امير المؤمنين حتى خصم اهل الكتب وثبت قواعد الدين السلام على علم الاعلام ومن كسر
قلوب شيعته بغيبته الى يوم القيام السلام على السراج الوهاج والبحر العجاج الذي
صانت تربته مهبط الاملاك والمعراج السلام امراء الاسلام وملوك الاديان وطاهري
الولادة ومن اطلعهم الله على علم عالم الغيب والشهادة وجعلهم اهل السعادة السلام
على كهوف الكائنات وظلها ومن ابتهجت به معالم طوس حيث حل بربعها شعر عربية
يا ارض يا قبر طوس سقاك الله رحمته ٭ ماذا ضمنت من الخيرات يا طوس ٭ طابت بقاعك
يا ارض في الدنيا وطاب بها ٭ شخص ثوى بسنا باد مرموس ٭ شخص عزيز على الاسلام
مصرعه ٭ في رحمة الله مغموم ومرموس ٭ يا قبره انت قد تضمنه ٭ حلم وعلم وتطهير
وتقديس ٭ فخرا بانك مغبوط بجثته ٭ وبالملائكة الاطهار محروس ٭ في كل عصر لنا منكم
امام الهدى ٭ فربعه اهل منكم مانوس ٭ امست نجوم سماء الدين افلة ٭ وظل اسد الثرى
قد ضمنها الخيس ٭ غابت ثمانية منكم واربعة ٭ ترجى مطالعها ما حنت العيس ٭ حتى متى
يزهر الحق المنير بكم ٭ فالحق في غيركم داج ومطموس ٭ السلام على مفخر الابرار وتاج
الزوار وشرط دخول الجنة والنار السلام على من لم يقطع الله عليهم صلواته في آناء السا
عات وبهم سكنت السواكن وتحركت المتحركات السلام على من جعل الله امامتهم
مميزة بين الفريقين كما تعبد بولايتهم اهل الخافقين السلام على من احيا الله به دارس

حكم

حكم النبيين وتعبدهم بولايته لتمام كلمة رب العالمين السلام على شهور الحول وعدد
الساعات وحروف لا اله الا الله في الرقوم المسطرات السلام على اقبال الدنيا وسعودها
ومن سئلوا عن كلمة التوحيد فقالوا نحن والله من شروطها السلام على من تحلل بجود
كل محاوني بلولاهم ومن خطبت لهم الخطباء بسبعة اباتهم ما هم هم افضل من شرب
صوب الغمام السلام على علي جدهم وبناتهم ومن انشد في فخرهم وعلاهم بوجوب
الصلوة عليهم وطهارة وفخر الابرار ثيابهم السلام على نحر الاقمار المتكلم مع اهل كل
لغة بلسانهم القايل لشيعته ما كان الله ليولي اماما على امة حتى يعرفه بلغاتهم
السلام على فرحة القلوب وفرج المكروب وشريف الاشرف ومفخر عبد مناف بالنفي
من الطائفين بعرصته وحضرته مستشهدا البهجة مؤانسته اطوف ببابكم في كل حين
كأن ببابكم جعل الطواف السلام على الامام الرؤف الذي هيج احزان يوم الطفوف
بالله اقسم وبآبائك الاطهار وبابنائك المنتجبين الابرار لولا بعد الشقة حيث شطت
بكم الدار لقضيت بعض واجبكم بتكرار المزار والسلام عليكم يا حماة الدين واولاد
النبيين وسادة المخلوقين ورحمة الله وبركاته پس نماز زيارت بكن و تسبيح فاطمه زهرا
صلوات الله عليهما بكو و ثواب نماز و تسبيح آنحضرت هديه كن پس اين دعا بخوان اللهم اني
اسئلك يا الله الدائم في ملكه القائم في عزه المطاع في سلطانه المتفرد في كبريائه
المتوحد في ديمومية بقائه العادل في بريته العالم في قضيته الكريم في تأخير عقوبته
الهي حاجاتي مصروفة اليك وآمالي موقوفة لديك وكلما وفقتني من خير فانت دليلي
عليه وطريقي اليه يا قديرا لا تؤوده المطالب يا مليا يلجأ اليه كل راغب مازلت
مصحوبا منك بالنعم جاريا على عادات الاحسان والكرم اسئلك بالقدرة النافذة في
جميع الاشياء وقضائك المبرم الذي تحجبه بايسر الدعاء وبالنظرة التي نظرت بها الى
الجبال فتشامخت والى الارضين فتسطحت والى السموات فارتفعت والى البحار فتفجرت
يا من جل عن ادوات لحظات البشر ولطف عن دقائق خطرات الفكر لا تحمد يا سيدي
الا بتوفيق منك يقتضي حمدا ولا تشكر على اصغر منة الا استوجبت بها شكرا فمتى تحصى

نعماؤك يا الهي وتغاري الاؤك يا مولاي وتكافي مسائلك يا سيدي ومن نعمك يحمد
الحامدون ومن شكرك يشكر الشاكرون وانت المعتمد للذنوب في عفوك والناشر
على الخاطئين جناح سترك وانت الكاشف للضر بيدك فكم من سيئة اخفاها حلمك
حتى اخلت وحسنة ضاعفها فضلك حتى عظمت عليها مجازاتك جللت ان يخاف
منك الا العدل وان يرجى منك الا الاحسان والفضل فامنن علي بما اوجبه فضلك ولا
تخذلني بما يحكم به عدلك سيدي لو علمت الارض بذنوبي لساخت بي او الجبال لهدتني
او السماوات لاختطفتني او البحار لاغرقتني سيدي سيدي سيدي مولاي مولاي
مولاي قد تكرر وقوفي لضيافتك فلا تحرمني ما وعدت المتعرضين لمسألتك يا معروف
العارفين يا معبود العابدين يا مشكور الشاكرين يا جليس الذاكرين يا محمود من حمده
يا موجود من طلبه يا موصوف من وحده يا محبوب من احبه يا غوث من اراده يا مقصود
من اناب اليه يا من لا يعلم الغيب الا هو يا من لا يصرف السوء الا هو يا من لا يدبر الامر الا
هو يا من لا يغفر الذنب الا هو يا من لا يخلق الخلق الا هو يا من لا ينزل الغيث الا هو صل على محمد
وال محمد واغفر لي يا خير الغافرين رب اني استغفرك استغفار حياء واستغفرك استغفار
رجاء واستغفرك استغفار انابة واستغفرك استغفار رغبة واستغفرك استغفار
رهبة واستغفرك استغفار طاعة واستغفرك استغفار ايمان واستغفرك استغفار
اقرار واستغفرك استغفار اخلاص واستغفرك استغفار تقوى واستغفرك استغفار
توكل واستغفرك استغفار ذلة واستغفرك استغفار عامل لك هارب منك اليك فصل
على محمد وال محمد وتب علي وعلى والدي بما تبت وتتوب على جميع خلقك يا ارحم الراحمين يا من
يسمى بالغفور الرحيم يا من يسمى بالغفور الرحيم يا من يسمى بالغفور الرحيم صل على محمد وال
محمد واقبل توبتي وزك عملي واشكر سعيي وارحم ضراعتي ولا تحجب صوتي ولا تخيب
مسألتي يا غوث المستغيثين وابلغ ائمتي سلامي ودعائي وشفعهم في جميع ما سألتك واوصل
هداياي اليهم كما ينبغي لهم وزدهم من ذلك ما ينبغي لك باضعاف لا يحصيها غيرك ولا حول
ولا قوة الا بالله العلي العظيم وصلى الله على الحبيب حبيب المرسلين محمد واله الطاهرين فيه بتتم

نمازی چند که مستحب است بجا آوردن آنها در این ماه و آن نماز چند چیز است اول سید بن طاوس قدس الله روحه
از سلمان فارسی رضی الله عنه روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر که در شبی
از شبهای ماه رجب ده رکعت نماز بگذارد هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد سوره
قل یا ایها الکافرون یک نوبت و سوره قل هو الله احد سه نوبت بخواند حق تعالی گناهان گذشته او را بیامرزد
و بهر رکعتی برای او عبادت شصت سال بنویسد و بهر سوره قصری از مروارید در بهشت باو عطا
فرماید و بنویسد برای او ثواب کسی را که در آن سال روزه داشته باشد و نماز گذارده باشد و حج
و عمره بجا آورده باشد و در راه خدا جهاد نموده باشد و باز بنویسد برای او در هر روز تا سال
آینده حج و عمره و آن نماز تمام نشود مگر آنکه حق تعالی بیامرزد او را و چون فارغ شود ملکی از زیر
عرش او را ندا کند که ابتدا کن عمل خود را از سر که خدا ترا از آتش جهنم آزاد کرد و بنویسد
او را حق تعالی از نمازگزارندگان در تمامی آن سال و اگر در آن سال بمیرد شهید مرده باشد و حق تعالی
دعای او را مستجاب کرداند و حوائج او را بر آورد و نامه عمل او را بدست راست او دهد و روی او را
سفید کرداند و یکی داند میان او و آتش جهنم هفت خندق دوم سید بن طاوس رحمه الله از حضرت
رسالت صلی الله علیه و آله روایت کرده است که هر که در شبی از شبهای ماه رجب صد نوبت قل هو
الله احد را در دو رکعت نماز بخواند چنان باشد که صد سال در راه خدا روزه داشته باشد و عطا
فرماید حق تعالی باو صد قصر در بهشت که هر قصری در جوار پیغمبری از پیغمبران علیهم السلام باشد مولف
گوید که مقتضای عبارت حدیث آن است که صد مرتبه قل هو الله احد باید در تمام این دو رکعت خوانده
شود و ظاهر سیاق کلام آن است که در هر رکعتی پنجاه نوبت خوانده شود پس اگر باین کیفیت نماز را بگذارد
احوط است سیم سید بن طاوس رحمه الله از ابن عباس روایت کرده است که جناب مقدس رسالت پناهی
صلی الله علیه و آله فرمود که هر که روزه بگیرد روزی از ماه رجب و در آن روز چهار رکعت نماز
بگذارد هر دو رکعت بیک سلام و در رکعت اول هر یک بعد از حمد آیة الکرسی صد نوبت و در رکعت دوم
هر یک قل هو الله احد دویست مرتبه بخواند از دنیا نرود تا نموده شود جای او در بهشت باب پنجم
در بیان اعمالی که در هر روز و هر شب از این ماه وارد شده است اما اعمال هر روز پس آن چند چیز است
اول سید بن طاوس طیب الله رمسه در کتاب اقبال از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله

علیه رعایت نموده اگر چون ماه رجب داخل شود آنحضرت در هر روز از روزهای این ماه این دعا
را میخواندند خاب الوافدون علی غیرك وخسر المتعرضون الا لك وضاع الملمون الا بك واجدب
المنتجعون الا من انتجع فضلك بابك مفتوح للراغبین وخیرك مبذول للطالبین وفضلك
مباح للسائلین ونیلك متاح للآملین ورزقك مبسوط لمن عصاك وحلمك معترض
لمن ناواك عادتك الاحسان الی المسیئین وسبیلك الابقاء علی المعتدین اللهم فاهدنی
هدی المهتدین وارزقنی اجتهاد المجتهدین ولا تجعلنی من الغافلین المبعدین واغفر لی یوم
الدین دویم شیخ طوسی وسید بن طاوس نور الله مرقدهما از خضر بن عبد الله روایت کرده اند که
گفت من نوشتم از توقیع همایون که از ناحیه مقدسه بسوی محمد بن عثمان بن سعید رضی الله عنه
بیرون آمده بود که بخوان این دعا را در هر روز از ماه رجب بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی
اسئلك بمعانی جمیع ما یدعوك به ولاة امرك المأمونون علی سرك المستبشرون بامرك
الواصفون لقدرتك المعلنون لعظمتك اسئلك بما نطق فیهم من مشیتك فجعلتهم معادن
لکلماتك وارکانا لتوحیدك وآیاتك ومقاماتك التی لا تعطیل لها فی کل مکان
یعرفك بها من عرفك لا فرق بینك وبینها الا انهم عبادك وخلقك فتقها ورتقها
بیدك بدؤها منك وعودها الیك اعضاد واشهاد ومناة واذواد وحفظة ورواد
فبهم ملأت سماءك وارضك حتی ظهر ان لا اله الا انت فبذلك اسئلك وبمواقع العز
من رحمتك وبمقاماتك ان تصلی علی محمد وآله وان تزیدنی ایمانا وتثبیتا یا باطنا
فی ظهوره وظاهرا فی بطونه ومکنونه یا مفرقا بین النور والدیجور یا موصوفا بغیر کنه
ومعروفا بغیر شبه حاد کل محدود وشاهد کل مشهود وموجد کل موجود ومحصی کل
معدود وفاقد کل مفقود لیس دونك من معبود اهل الکبریاء والجود یا من لا یکیف
بکیف ولا یؤین باین یا محتجبا عن کل عین یا دیموم یا قیوم وعالم کل معلوم صل علی
عبادك المنتجبین وبشرك المحتجبین وملائکتك المقربین والبهم الصافین
الحافین وبارك لنا فی شهرنا هذا المرجب المکرم وما بعده من اشهر الحرم واسبغ علینا
فیه النعم واجزل لنا فیه القسم باسمك الاعظم الاجل الاکرم الذی وضعته علی
النهار

النهار فاضاء وعلی اللیل فاظلم واغفر لنا ما تعلم منا وما لا نعلم واعصمنا من الذنوب خیر
العصم واکفنا کوافی قدرك وامنن علینا بحسن نظرك ولا تکلنا الی غیرك ولا تمنعنا من خیرك
وبارك لنا فیما کتبته لنا من اعمارنا واصلح لنا خبیئة اسرارنا واعطنا منك الامان
واستعملنا بحسن الایمان وبلغنا شهر الصیام وما بعده من الایام والاعوام یا ذا الجلال والاکرام
سیم شیخ طوسی رحمه الله در کتاب مصباح و کفعمی قدس الله روحه در جنة الامان از جمله دعاهای
هر روز این ماه این دعا را نقل نموده اند یا من یملك حوائج السائلین ویعلم ضمیر الصامتین
لکل مسئلة منك سمع حاضر وجواب عتید اللهم ومواعیدك الصادقة وایادیك الفاضلة
ورحمتك الواسعة فاسئلك ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تقضی حوائجی للدنیا والآخرة
انك علی کل شیء قدیر چهارم سید جلیل نبیل میر محمد باقر داماد طاب ثراه در بعضی از مؤلفات
خود ذکر نموده که از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که برای طلب روزی اگر خواهی از اول ماه
رجب شروع کن و هر روز صد نوبت تسبیح این ماه را بخوان و آن اینست سبحان الاله الجلیل
سبحان من لا ینبغی التسبیح الا له سبحان الاعز الاکرم سبحان من لبس العز وهو له اهل
و بعد از آن چهار صد نوبت سوره قل هو الله احد را بخواند و بعد از آن صد و سی و چهار نوبت
بگو اللهم صل علی النبی الامی محمد وآل محمد وسلم و بعد از آن دو از ده نوبت این مناجات را
بخوان تا آخر ماه و اگر ماه را سلخ نباشد از ماه شعبان بگیر و داخل کن تا سی روز تمام شود
و مناجات اینست بخوان بسم الله الرحمن الرحیم اللهم ارسل علی سجال رزقك مدرارا
وامطر علی سحائب افضالك غزارا وادم غیث نیلك الی سجالا واسبل مزید نعمك علی
خلتی اسبالا وافقرنی بجودك الیك واغننی عمن یطلب ما لدیك وداو داء فقری بدواء
فضلك وانعش صرعة عیلتی بطولك واجبر کسر خلتی بنولك وتصدق علی اقلالی بکثرة
عطائك وعلی اختلالی بکریم حبائك وسهل رب سبیل الرزق الی وثبت قواعده لدی و
بجس لی عیون سعته برحمتك وفجر انهار رغد العیش قبلی برأفتك ورحمتك واجدب
ارض فقری واخصب جدب ضری واصرف عنی فی الرزق العوائق واقطع عنی من الضیق
العلائق وارمنی من سعة الرزق اللهم باخصب سهامه واحبنی من رغد العیش باکثر

دوامه والبسنی اللهم ربّ سرابیل السّعة وجلابیب الدّعة فانّی یا ربّ منتظر لانعامک بحذف التضییق ولتطوّلک بقطع التعویق ولتفضّلک بازالة التقتیر ولوصول حبلی بکرمک بالتیسیر وامطر اللهم علیّ سماء رزقک بسجال الدّیم واغننی من خلقک بعوائد النّعم وارم مقاتل الاقتار منّی واحمل کشف الضّرّ عنّی علی مطایا الاعجال واضرب عنّی الضّیق بسیف الاستیصال واتحفنی ربّ منک بسعة الافضال وامددنی بنموّ الاموال واحرسنی من ضیق الاقلال واقبض عنّی سوء الجدب وابسط لی بساط الخصب واسقنی من ماء رزقک غدقا وانهج لی من عمیم بذلک طرقا وفاجئنی بالثروة والمال وانعشنی به من الاقلال واقبض عنّی سوء الجدب صبّحنی وصبّحنی بالاستظهار ومسّنی بالتمکّن من الیسار انّک ذو الطّول العظیم والفضل الجسیم العمیم وانت الجواد الکریم الملک الغفور الرّحیم

پس سیّد گفته که مستحبّ است که بعد از انکه هکذ نوبت تسبیح ائمه را بخوانی سه نوبت ابن دعا را بخوان واگر نتوانی یکبار بخوان یا من یملک حوائج السّائلین ویعلم ضمیر الصّامتین لکلّ مسئلة منک سمع حاضر وجواب عتید اللهمّ ومواعیدک الصّادقة وایادیک الفاضلة ورحمتک الواسعة فاسئلک ان تصلّی علی محمّد وآل محمّد وان تقضی حوائجی للدّنیا والاخرة

مؤلف گوید که تسبیح ابن ماه همان تسبیحی است که در باب اوّل مذکور شد که اگر کسی قادر بر روزه داشتن وتصدّق کردن نباشد باید در هر روز این تسبیح را صد مرتبه بگوید ودعای اخر دعائی است که در عمل سابق مذکور شد وباقی خصوصیات ابن عمل در روایتی دیگر دیده نشد مگر ظن غیر مشهور علمانیز مذکور نشده وچون سیّد ابن عمل را بروایت منسوب نموده اگر کسی ابن عمل را بجا اورد شاید بد نباشد وبا انکه فقره اخر تسبیح چنانچه سیّد نقل نموده با انچه سابق مذکور شد اندک تفاوتی دارد چنانچه در سابق مذکور شد وهو له اهل بدون ضمیر است وانچه سیّد نقل نموده وهو له اهله باضمیر است وهمچنین فقره اخر دعای اخر با انچه در عمل سیّم مذکور شد اندک تفاوتی دارد چنانچه مخفی نیست وظاهر اسیّد سهو در نقل نموده است والله یعلم واما اعمال هر شب پس ان نیز چند چیز است اوّل سیّد بن طاوس رحمه الله نقل نموده است که عبد الرحمن بن محمد بن حلوانی در کتاب تحفه از حضرت رسالت صلی الله علیه واله

دوایت

روایت کرده که هر که در ماه رجب شصت رکعت نماز بگذارد ودر هر شبی دو رکعت ودر هر رکعتی حمد یکمرتبه وقل یا ایها الکافرون سه نوبت وقل هو الله احد یکنوبت بخواند پس چون سلام گوید دستها را بلند کند وبگوید لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو حیّ لا یموت بیده الخیر وهو علی کلّ شیء قدیر والیه المصیر ولا حول ولا قوّة الا بالله العلیّ العظیم اللهم صلّ علی محمّد وال محمّد النّبیّ الامّیّ واله وبعد از ان دستها خود را بر روی خود بکشد پس حق تعالی دعای او را مستجاب نماید وباو عطا فرماید ثواب شصت حجّ وثواب شصت عمره دوم شیخ ابو الفضا... سیّد رحمه الله در کتاب اقبال عمل شب اوّل این ماه از کتاب مختصر از کتاب منتخب نماز ودعائی در شب اوّل نقل کرده چنانچه بعد از این مذکور خواهد شد وبعد از ان گفته که بعد از ان دعا در این شب ودر هر شبی از شبهای این ماه هزار مرتبه لا اله الا الله بگو واما اعمال هر روز وهر شب پس سیّد بن طاوس رحمه الله از محمد بن سجاد روایت کرده است که گفت بخدمت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه عرض کردم که فدای تو شوم این ماه رجب است مرا دعائی تعلیم فرما که حق تعالی مرا بان نفع بخشد حضرت فرمود که در هر روز ماه رجب در صبح وپیشین وبعد از همه نمازها در شب وروز این دعا را بخوان یا من ارجوه لکلّ خیر وامن سخطه عند کلّ شرّ یا من یعطی الکثیر بالقلیل یا من یعطی من سئله یا من یعطی من لم یسئله ومن لم یعرفه تحنّنا منه ورحمة اعطنی بمسئلتی ایّاک جمیع خیر الدّنیا وجمیع خیر الاخرة واصرف عنّی بمسئلتی ایّاک جمیع شرّ الدّنیا وشرّ الاخرة فانّه غیر منقوص ما اعطیت وزدنی من فضلک یا کریم وراوی گوید که پس حضرت ریش مبارک خود را بدست چپ گرفت وانگشت سبّابه دست راست خود را بجانب راست وچپ حرکت میداد واین دعا خواند پس بعد از ان فرمود یا ذا الجلال والاکرام یا ذا النّعماء والجود یا ذا المنّ والطّول حرّم شیبتی علی النّار وبروایت دیگر پس دست مبارک را بر ریش گرفت وبر ندانست تا کف مبارکش از اب دیده اش پر شد باب سیّم در بیان اعمال شب وروز جمعه این ماه واعمال انها چنانچه از تتبع روایات ظاهر میشود چند چیز است اوّل عمل شب رغائب وان شب جمعه اوّل این ماه است وان شبی است بسیار عظیم ومتبرک وحق تعالی مواهب وعطاهای بسیار به بندگان خود در این شب کرامت میفرماید وبابن جهت انرا لیلة الرغائب مینامند نیرا

که رغایب جمع رغیبه و آن بمعنی بخشش بسیار است و سید بن طاوس قدس الله روحه از جناب
مقدس حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله روایت نموده است که فرمود که غافل مشوید از
شب اول جمعه ماه رجب بدرستی که آن شبی است که ملائکه آنرا لیلة الرغایب می‌نامند و چون ثلث
اول از آن شب بگذرد هیچ ملکی در آسمانها و زمین نماند مگر آنکه در کعبه و حوالی آن
جمع شوند و حق تعالی با ایشان خطاب فرماید که ای ملائکه من طلب کنید از من آنچه خواهید پس
ملائکه گویند که پروردگارا حاجت ما آنست که بیامرزی روزه داران ماه رجب را پس حق تعالی
فرماید که آمرزیدم ایشان را پس حضرت فرمود که هرکه روزه دارد پنجشنبه اول رجب را و چون
شب شود میانه نماز شام و خفتن دوازده رکعت نماز بگذارد هر دو رکعت به یک سلام و در
هر رکعت بعد از حمد سوره انا انزلناه فی لیلة القدر را سه نوبت و قل هو الله احد را دوازده
نوبت بخواند چون از تمام رکعات فارغ شود هفتاد مرتبه صلوات فرستد باین طریق اللهم
صل علی محمد النبی الامی و علی آله پس سجده کند و هفتاد نوبت بگوید سبوح قدوس
رب الملائکة و الروح پس سر بردارد و بگوید رب اغفر و ارحم و تجاوز عما تعلم انک
انت العلی العظیم پس بار دیگر بسجده رود و هفتاد نوبت بگوید آنچه را در سجده اول
گفته و از حق تعالی حاجت خود را طلب نماید البته حاجت او روا و بر آورده شود انشاء الله
تعالی پس فرمود بحق آنکه نفس من در قبضه قدرت اوست که نگذارد هیچ بنده مردی یا زنی
این نماز را مگر آنکه حق تعالی بیامرزد همه گناهان او را اگرچه بقدر کف دریاها و ریگ بیابانها و گرانی
و عدد برگهای درختان باشد و شفاعت کند او را در روز قیامت هفتصد نفر از اهل بیت خود را
که مستوجب جهنم شده باشند و بر انگیزاند حق تعالی برای او در شب اول قبر ثواب این نماز را بهترین
صورتی که آید بنزد او با روی شکفته و زبانی نیکو و گوید ای دوست من بشارت باد ترا که نجات یافتی
از هر شدتی پس آنکس گوید که تو کیستی که ندیده‌ام روی نیکوتر از روی تو و نبوییده‌ام بویی خوشتر
از بوی تو جواب گوید که ای دوست من من ثواب آن نمازم که گزاردی در فلان شب و در فلان ماه در فلان
سال الکنون آمده‌ام تا ادای حق تو کنم و مونس تنهائی تو باشم و وحشت ترا از تو دور کنم
و چون صور بدمند در عرصه قیامت سایه افکنم بر سر تو بدرستی که تو هرگز از خیر و ثواب پروردگا

محروم

دوره محروم نخواهی بود مؤلف گوید که سید بن باقی رحمه الله در مصباح و علامه حلی طاب ثراه
در منهاج الصلاح بعد این عمل را ذکر نموده اند و صلوات بعد از نماز باین عبارت ذکر نموده اند
اللهم صل علی محمد و آله و کفعمی در جنة الامان با آنکه این عمل را از مصباح سید بن باقی نقل نموده
لیکن عبارتی مخصوصی برای این صلوات ذکر ننموده اند بلکه گفته است که بعد از نماز سلام و صلوات
بر آن حضرت و آل او بفرستد و اگر کسی باین عبارت بگوید که اللهم سلم و صل علی النبی الامی
محمد و علی آله شاید عمل بهمه نموده باشد والله تعالی یعلم فائده بدانکه سید بن طاوس و دیگران
ذکر نموده اند که هرگاه غره ماه رجب روز جمعه باشد شب آن شب رغایب است و از بعضی از
متاخرین علمای شیعه منقول است که در این صورت شب جمعه دوم شب رغایب است و بعضی از علمای عامه
تصریح باین معنی نموده اند و آنچه در این حدیث شریف مذکور است از روزه داشتن پنجشنبه اول ماه
رجب مؤید احتمال ثانی است و منشأ این عبارت را حمل بر غالب احوال نمود تا موافق شود با فهم
سید و سایر علمای شیعه و اگر در چنین صورتی عمل مذکور را در هر دو شب بعمل آورد شاید اولی
و احوط باشد و بدانکه حدیث این عمل از انس بن مالک که از روات احادیث اهل سنت است مذکور و
منقول است و در کتب ایشان مسطور است و علمای شیعه رضوان الله علیهم از کتب عامه این حدیث را نقل
نموده اند باین جهت بعضی از علمای شیعه اهتمام تمامی در باب این عمل نموده اند و جد علامه
مولانا محمد باقر مجلسی طاب ثراه در کتاب زاد المعاد نقل نموده نهایت چون در اکثر کتب عوا
علمای شیعه رضوان الله علیهم مسطور است در اعمال مستحبه باحادیث ضعیفه عمل نمودن مجوز بلکه
مستحسن است لهذا اولی آنست که ترک نشود والله تعالی یعلم تکمله بدانکه از سید جلیل نبیل امیر محمد
باقر داماد طاب ثراه منقول است که هرکه در روز پنجشنبه اول ماه رجب بر روی نگین نقره
انگشتری این کلمات را نقش کند و آن انگشتر را در دست کند اگر ترسان و خایف باشد ایمن گردد و اگر
بر پادشاهی داخل شود در نظر او عزیز باشد و حوایج او را بر آورد و اگر در میان آب باران ببیند از
وان آب را بیاشامد از همه دردها ایمن گردد و اگر زنی که شوهر نداشته باشد این انگشتر را در
دست کند شوهر نماید و اگر این انگشتر را بر روی مصروعی بگذارند بهوش آید و صرع از او
زایل شود و اگر این کلمات را بر روی کندر بکشند و کندر را بسوزانند چنانچه دود آن برسد

بکسی که او را سحر نموده باشند آن سحر در او اثر نکند و اگر بر چیزی نقش کنند و آن را در آب
حل کنند و کسی که او را مار و عقرب یا امثال آن گزیده باشد یا سم بخورد داده باشند
آن آب بخورد شفا یابد بحول قوة الهی و کلمات اینست وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ
خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ الم المص الر المر کهیعص حمعسق
طه یس ص حم ق ن و در مصحفی بعد از ذکر آیه حروف مقطعه مذکوره را از خط سید مرحوم
مذکور طاب ثراه چنین نقل نموده اند و این تمامتر و نظر بترتیب واقع در اوایل سوره قرآن
درست تر آن اینست الم المص الر المر کهیعص طه طسم طس یس ص حم حمعسق
ق ن مؤلف گوید که نقش کردن این کلمات بر کندر یا بر چیزی که در میان آب حل کنند ظاهرا
اختصاص بماه رجب ندارد و در همه وقت نیکوست لیکن اصل نقش نمودن این کلمات بر نگین
نقره و غیر آن در روایتی و حدیثی بنظر نرسیده و بین نقش آیه کریمه و حروف مقطعه [illegible] بر کندر
و غیر آن و سوزانیدن و تدخین آن محل اشکال بلکه بی صورت است و الله تعالی یعلم دوم
اعمالی که در روز جمعه این ماه وارد شده است و این اعمال را در هر جمعه از جمعهای این ماه میتوان
واقع ساخت و آن نیز دو چیز است اول سید بن طاوس رحمه الله در کتاب اقبال بسند خود
از ابن عباس روایت کرده است که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله فرمود که هر که در
روز جمعه ماه رجب میان نماز ظهر و عصر چهار رکعت نماز بگذارد هر دو رکعت بیک سلام و در
هر رکعتی بعد از حمد آیة الکرسی هفت نوبت و قل هو الله احد پنج نوبت بخواند و بعد از
فراغ ده نوبت بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو و اسئله التوبة حق تعالی بنویسد
برای او از روزی که این نماز را گذارده باشد تا روزی که از دنیا برود در هر روز هزار
حسنه عطا فرماید او را و بهر آیه که خوانده باشد در این نماز مدینه در بهشت از یاقوت
سرخ و بهر حرفی قصری از در سفید و تزویج فرماید او را از حور العین و خشنود شود
از او خشنود شدنی که بعد از آن هرگز بر او خشمناک نشود و بنویسد او را از عابدان
و ختم کار او را بسعادت و مغفرت حتم نماید و بنویسد برای او بهر رکعتی پنجاه هزار نماز و
بگذارند بر سر او هزار تاج و ساکن بهشت شود با صدیقان و از دنیا نرود تا به بیند جای

خودرا

خود را در بهشت دوم ایضا سید در کتاب مذکور گفته که در حدیثی دیدم که هر که در روز
جمعه ماه رجب سوره قل هو الله احد را صد نوبت بخواند در موقف قیامت با او نوری باشد که پیشا
پیش او بود تا داخل بهشت شود مؤلف گوید که سید بعد از ذکر این حدیث گفته که اگر روز اول
ماه رجب روز جمعه اتفاق افتد پس زیاده بر این عمل نمازی دیگر از آن هست و کیفیتی برای آن نماز
نقل نموده است و در این صورت اگر کسی بعد از صد قل هو الله احد دو رکعت نماز سنت بکند شاید بد
نباشد والله تعالی یعلم تتمیم بدانکه شیخ مفید طاب ثراه روایت کرده است که هر که در ماهی از
ماههای حرام روز پنجشنبه و جمعه و شنبه را روزه دارد حق تعالی برای او ثواب عبادت هفتصد
سال را بنویسد مؤلف گوید که مراد از ماههای حرام ماه رجب و ذی القعده و ذی حجه و محرم است
سیم عمل روز جمعه آخر این ماه و جمعی از علما ذکر نموده اند که هر که سال در جمعه آخر ماه رجب
دو رکعت نماز بگذارد هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعت بعد از حمد آیة الکرسی و سوره انا
انزلناه و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس هر یک یک نوبت و بعد از هر دو رکعت که سلام گوید
این دعا را بخواند حق تعالی عمر او را دراز گرداند و دعا اینست یَا أَجَلَّ مِنْ كُلِّ جَلِيلٍ وَيَا أَكْرَمَ مِنْ كُلِّ
كَرِيمٍ وَيَا أَعْظَمَ مِنْ كُلِّ عَظِيمٍ وَيَا أَعَزَّ مِنْ كُلِّ عَزِيزٍ أَغِثْنِي بِإِغَاثَةِ الْمُسْتَغِيثِينَ بِفَضْلِكَ
وَرَحْمَتِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ مُدَّ عُمْرَنَا بِالْعَافِيَةِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ باب هفتم در بیان
اعمال شبها و روزهای این ماه بترتیب شب اول بدانکه این شبی است با فضیلت و برکت و عبادت
در آن موجب ثواب جزیل و اجر جمیل است و از جمله لیالی اربع متبرکه است و بعد از لیالی متبرکه
ماه مبارک رمضان شبی بفضیلت این چهار شب نیست و آنها این شب و شب نیمه شعبان و شب عید رمضان
و شب عید قربان است و اعمال آن چند چیز است اول احیا داشتن آن بعبادت شیخ طوسی طاب ثراه
در کتاب مصباح از حضرت امام جعفر صادق از پدر و پدر از جدش روایت کرده است که حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه میفرمود که خوش می آید مرا از فارغ ساختن خود در سالی چهار
شب برای عبادت و این چهار شب را ذکر فرمود و ایضا شیخ رحمه الله در کتاب مذکور از
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت بحارث بن عبد الله فرمود که اگر توانی
محافظت نمای بر شب عید فطر و شب عید قربان و شب اول محرم و شب عاشورا و شب اول ر

طاوس
و شب نیمه شعبان محافظت کن و در این شبها دعا و نماز و تلاوت قرآن بسیار بکن دویم غسل سید بن
طاب ثراه در کتاب اقبال از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که هر که دریابد ماه رجب را پس
غسل کند در اول و وسط و آخر آن بیرون آید از گناهان خود مانند روزی که از مادر متولد شده باشد
مؤلف گوید که لفظ اول و وسط و آخر در عبارت حدیث احتمال روز و شب هر دو دارد اگرچه احتمال اول اظهر
لیکن اگر غسل در روز و شب هر دو واقع شود احوط است سیم سید بن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال از
حضرت رسالت صلی الله علیه و آله روایت کرده است که هیچ مرد مؤمن و زن مؤمنه نیست که در شب اول ماه
رجب سی رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعتی حمد یکمرتبه و سوره قل یا ایها الکافرون
یکمرتبه و قل هو الله احد را سه نوبت بخواند مگر آنکه حق تعالی بیامرزد همه گناهان صغیره و کبیره او را
در زمره نمازگذارندگان تا سال آینده بنویسد و بری شود از نفاق مؤلف گوید که این حدیث
طویلی است مشتمل بر سی نماز هر نمازی برای شبی از شبهای این ماه و سید بن طاوس در اقبال این حدیث
را متفرق نموده و در هر شبی جزوی از آن که مشتمل بر نماز آن شب است نقل نموده و کفعمی رحمه الله در جنة
الامان تمام این حدیث را یکجا نقل نموده و در بعضی از مواضع با اقبال مخالفت دارد و تا حال احدی از
علما باین معنی متنقل نشده اند اما بجهت مزید اهتمام در ضبط اعمال در هر مقام اشاره بمواضع اختلاف
مینمایم و از غرایب آنست که کفعمی رحمه الله گفته که این حدیث طولانی در کتاب مصباح الزائر سید بن
طاوس مذکور است و بخط جد علامه ام مولانا محمد تقی مجلسی قدس الله روحه دیدم که این حدیث را
نقل نموده و نسبت بکتاب مصباح الزائر سید داده و در کتاب مصباح الزائر بغیر از نماز شب اول
و شب نیمه این ماه نماز دیگر مذکور نیست و ذکر صلوات باقی این ماه بکتاب مصباح الزائر مناسبت
ندارد زیرا که موضوع آن کتاب زیارات ائمه علیهم السلام است و چون در این دو شب زیارت حضرت امام
حسین علیه السلام وارد شده است بتقریب زیارت اکثر اعمال این دو شب را در آن کتاب مذکور
ساخته و باین جهت این دو نماز را ذکر نموده است و ممکن است که کفعمی رحمه الله اقبال را بمصباح الزائر
اشتباه نموده باشد و مولانا محمد تقی رحمه الله از کفعمی نقل نموده باشد نهایت نقل مولانا محمد تقی رضی الله عنه
با نقل کفعمی نیز در چند موضع اختلاف دارد چنانچه اشاره بآن میشود و محتمل است که این اختلاف از جهت
اختلاف نسخ جنة الامان باشد زیرا که اکثر نسخ صحیح این کتاب مغلوط و غیر صحیح است بلی نسخه

نزد فقیر اصح نسخهای این کتاب است و چون کفعمی و مولانا محمد تقی علیهما الرحمة هر دو این حدیث
را نسبت بسید بن طاوس داده اند که در اسم کتاب اشتباه شده لهذا اعتماد بر نقل سید بیشتر است
و جد علامه ام مولانا محمد باقر مجلسی قدس الله روحه نیز در کتاب زاد المعاد این صلوات را
نقل نموده و نقل او با نقل والد ایشان مولانا محمد تقی مطابق است و گویا از خط او نقل نموده است و از جمله مواضع
اختلاف این موضع است که در جنة الامان سوره قل یا ایها الکافرون مانند سوره قل هو الله
احد سه مرتبه است و اگر هر دو سوره سه مرتبه خوانده شود شاید بهر دو عمل کرده شود والله تعالی یعلم
تحقیق بدانکه جد علامه ام مولانا محمد باقر مجلسی طاب ثراه در کتاب زاد المعاد گفته است که سند
معتبری برای این حدیث بنظر نرسیده لیکن کیفیت در نفس هو و در کتب علما مسطور است و اگر کسی بقصد اینکه
مطلق نماز خوب است بکند بد نیست و بگمان فقیر آنست که چون در اعمال مستحب باحادیث ضعیفه عمل
نمودن تجویز است و اکثر علما این حدیث را ذکر نموده اند و ثوابهای بسیار برای آن در این حدیث مذکور است
بهتر آنست که حسب المقدور ترک نشود والله تعالی یعلم چهارم سید بن طاوس طاب ثراه در کتاب
اقبال از کتاب روضة العابدین نقل نموده که از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله منقول است که آن
حضرت باصحاب خود فرمود که هر که در شب اول رجب بعد از نماز مغرب بیست رکعت نماز بکند
هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله احد یکمرتبه بخواند آیا ثواب
گفتند خدا و رسول او دانا ترند پس حضرت فرمود بدرستی که جبرئیل تعلیم کرد مرا ثواب آن را پس
حضرت ذراع دستهای خود را برهنه کرد و فرمود که بخدا سوگند که محفوظ گردد او و اهل و مال
و ولد او و ایمن گردد از عذاب قبر و بگذرد از صراط چون برق جهنده بی حساب مؤلف گوید که این
عمل مشکل است که پیش از دخول نماز خفتن واقع شود و جد علامه ام مولانا محمد باقر مجلسی طاب ثراه
در کتاب زاد المعاد گفته است که بعضی از نمازها که طول دارد و میان نماز شام و خفتن واقع شده
و باید که بعد از داخل شدن وقت خفتن واقع شود و کردن آنها خالی از اشکال نیست و بگمان فقیر آنست
که بعضی از اعمال که بحسب سند معتبر باشد کردن بهتر است والله تعالی یعلم پنجم ایضا سید در
کتاب مذکور از کتاب روضة الواعظین نقل نموده است که از جناب مقدس خاتم المرسلین صلی الله
علیه و آله منقول است که هر که در این شب بعد از نماز عشا دو رکعت نماز بکند و در رکعت اول بعد

از حمد سوره الم نشرح یکنوبت و قل هو الله احد سه نوبت و در رکعت دویم بعد از حمد سوره الم نشرح و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس هر یک را یکنوبت بخواند و چون سلام گوید سی نوبت لا اله الا الله بگوید و سی نوبت صلوات بر حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و بفرستد حق تعالی گناهان گذشته او را بیامرزد و او را بیرون آورد از گناهان مانند روزی که از مادر متولد شده باشد **ششم** سید بن طاوس قدس الله سره بسند معتبر از حضرت امام محمد تقی صلوات الله علیه و آله روایت نموده که مخصوص بیکی از اصحاب خود فرمود که میخواهی در شب اول ماه رجب بعد از نماز خفتن این دعا را اللهم انی اسئلك بانك مليك ملك و انك على كل شيء مقتدر و انك ما تشاء من امر يكن اللهم انى اتوجه اليك بنبيك محمد نبى الرحمة صلواتك عليه و آله يا محمد يا رسول الله انى اتوجه الى الله ربى و ربك لينجح بك طلبتى اللهم بنبيك محمد و بالائمة من اهل بيته انجح طلبتى پس حوائج خود را سؤال نماید **مؤلف گوید** که سید بن باقی در کتاب مصباح و علامه حلی در منهاج الصلاح و کفعمی در جنة الامان این دعا را از دعیه شب اول این ماه نقل نموده اند و در هیچیک از این کتب مذکور نیست که باید این دعا بعد از نماز خفتن خوانده شود و همچنین شیخ طوسی در مصباح متهجد نقل نموده اند و در اکثر نسخ این خصوصیت مذکور نیست بلی در بعضی از نسخ مصباح مذکور است که باید بعد از نماز خفتن مذکور شود و رعایت این معنی اولی است **هفتم ایضا** سید ابن طاوس قدس الله روحه در کتاب اقبال از کتاب مختصر از کتاب منتخب نقل نموده که در شب اول ماه رجب ده رکعت نماز میگذاری حمد و در رکعت بیک سلام و در هر رکعتی حمد یکنوبت و سوره قل هو الله احد صد نوبت میخوانی پس هفتاد مرتبه میگوئی اللهم انی استغفرك لما تبت اليك منه ثم عدت فيه و استغفرك لما اعطيتك من نفسى ثم لم اف لك به و استغفرك لما اردت به وجهك الكريم فخالطه ما ليس لك و استغفرك للذنوب التى قويت عليها بنعمتك و سترك و استغفرك للذنوب التى بارزتك بها دون خلقك و استغفرك لكل ذنب اذنبت و لكل سوء عملت و استغفر الله الذى لا اله الا هو الحى القيوم ذو الجلال و الاكرام غافر الذنب و قابل التوب استغفار من لا يملك لنفسه نفعا و لا ضرا و لا موتا و لا حيوة و لا نشورا الا ما شاء الله پس میگوئی بعد از این

سبحانك

سبحانك بما تعلم و لا اعلم و سبحانك بما تبلغه احكامك و لا ابلغه و سبحانك بما انت مستحقه و لا يبلغه الحيوان من خلقك و سبحانك بالتسبيح الذى يوجب عفوك و رضاك و سبحانك بالتسبيح الذى لم نطلع عليه احدا من خلقك و سبحانك بعلمك فى خلقك كلهم و لو علمتنى اكثر من هذا القلته اللهم لا حواب على ما عمرت و لا نفر على ما اغنيت و لا خوف ما امنت و انا بين يديك و انت عالم بحاجتى فاقضها يا ارحم الراحمين اللهم يا رافع السماء فى الهواء و كابس الارض على الماء و منبت الخضرة بالماء صل على محمد و على آل محمد و افعل بى ما انت اهله و لا تفعل بى ما انا اهله يا ارحم الراحمين اللهم انى عبدك ابن عبدك ناصيتى بيدك ماض فى حكمك عدل فى قضاؤك اسئلك بكل اسم هو لك سميت به نفسك او انزلته فى كتابك او علمته احدا من خلقك ان تجعل القرآن ربيع قلبى و جلاء حزنى و ذهاب همى و غمى اللهم رحمتك ارجوا يا الله يا رحمن يا ذا الجلال و الاكرام اللهم خشعت الاصوات لك و ضلت الاحلام فيك و ضاقت الاشياء دونك و ملاء كل شيء نورك و وجل كل شيء منك و هرب كل شيء اليك و توكل كل شيء عليك انت الرفيع فى جلالك و انت البهى فى جمالك و انت العظيم فى قدرتك و انت الذى لا يؤدك شيء و انت العلى العظيم يا قاضى حاجتى و يا مفرج كربتى و يا ولى نعمتى اعطنى مسألتى لا اله الا انت اصبحت و امسيت على عهدك و وعدك ما استطعت اعوذ بك من سيئات اعمالى و استغفرك من الذنوب التى لا يغفرها غيرك فاغفر لى و ارحمنى برحمتك يا ارحم الراحمين يا من هو فى علوه دان و فى دنوه عال و فى اشراقه منير و فى سلطانه عزيز اغننى برزق من عندك لا تجعل لاحد على فيه منة و لا لك فى الاخرة على تبعة انك ارحم الراحمين اللهم انى اعوذ بك من الحرق و الغرق و الهدم و الردم و ان اقتل فى سبيلك مدبرا او اموت لديغا اللهم انى اسئلك بانك مليك و انت على كل شيء مقتدر و ما تشاء من امر يكون ان تصلى على محمد و على آل محمد و ان تفرج عنى و تكشف ضرتى و تبلغنى امنيتى و تسهل لى محبتى و تيسر لى ارادتى و توصلنى الى بغيتى سريعا عاجلا و تجمع لى خير الدنيا و الاخرة برحمتك يا ارحم الراحمين و میگوئی بعد از آن و در هر شبی از شبهای این ماه هزار مرتبه لا اله الا الله **مؤلف گوید که نماز و دعا بطریقی**

که مذکور شد مخصوص شب اول است و کمترین شبها هزار مرتبه لا اله الا الله را بعد از نماز و دعا
باید خواند و در اعمال هر شب این ماه اشاره بان شده است شیخ طوسی و سید بن طاوس طاب ثراهما
بسند معتبر از علی بن حدید روایت نموده اند که حضرت موسی بن جعفر صلوات الله علیهما بعد از فراغ
از نماز شب بسجده میرفت و این دعا را در سجده میخواند لک المحمدة ان اطعتک ولک الحجة ان
عصیتک لا صنع لی ولا لغیری فی احسان الا بک یا کائن قبل کل شیء ویا مکون کل شیء انک
علی کل شیء قدیر اللهم انی اعوذ بک من العدیلة عند الموت ومن شر المرجع فی القبور ومن الندامة
یوم الازفة فاسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل عیشی عیشة نقیة ومیتتی میتة سویة و
منقلبی منقلبا کریما غیر مخز ولا فاضح اللهم صل علی محمد وآله الائمة ینابیع الحکمة واولی
النعمة ومعادن العصمة واعصمنی بهم من کل سوء ولا تاخذنی علی غرة ولا غفلة ولا
تجعل عواقب اعمالی حسرة وارض عنی فان مغفرتک للظالمین وانا من الظالمین اللهم اغفر لی
ما لا یضرک واعطنی ما لا ینقصک فانک الوسیع رحمته البدیع حکمته واعطنی السعة
والدعة والامن والصحة والنجوع والقنوع والشکر والمعافات والتقوی والصبر والصدق
علیک وعلی اولیائک والیسر والشکر واعمم بذلک یا رب اهلی وولدی واخوانی فیک ومن
احببت واحبنی وولدت وولدنی من المسلمین والمسلمات والمؤمنین والمؤمنات یا رب العالمین
[illegible] شیخ و سید از ابن اشیم نقل نموده اند که او گفته که چون هشت رکعت نماز شب را گذاردی و دعائی
که سابق گذشت خواندی پس سه رکعت نماز شفع و وتر را بگذار و چون سلام بگوئی بخوان این
دعا را بعنوان الحمد لله الذی لا تنفد خزائنه ولا یخاف آمنه رب ان ارتکبت المعاصی
فذلک ثقة منی بکرمک انک تقبل التوبة عن عبادک وتعفو عن سیئاتهم وتغفر الزلل
فانک مجیب لداعیک ومنه قریب فانا تائب الیک من الخطایا وراغب الیک فی توفیر حظی
من العطایا یا خالق البرایا یا منقذی من کل شدة شدید یا مجیری من کل محذور وفر علی السرور
واکفنی شر عواقب الامور فانت الله علی نعمائک وجزیل عطائک مشکور ولکل خیر مذخور مولف
گوید که نماز شب گاهی بر هشت رکعت و گاهی بر یازده رکعت که ضمیمه نماز شفع و وتر که گاهی بر سیزده
رکعت که نافله فجر است اطلاق میشود و آنچه در اول حدیث مذکور است که عقب از نماز شب باید خواند
مراد معنی

مراد معنی اول است چنانچه ابن اشیم تصریح بان نموده است و ظاهر عبارت شیخ و سید آنست که
که دعای اخیر در روایت علی بن حدید مذکور نباشد و ممکن است که از نسخه کتب شیخ و سید سهو
ساقط شده باشد و ابن اشیم در همان روایت یا روایت دیگر تتمه را دیده باشد والله تعالی یعلم
نهم ایضا شیخ و سید طاب ثراهما از حضرت امام علی نقی صلوات الله وسلامه علیه روایت کرده اند که آنحضرت
در این شب بعد از فراغ از نماز و ترا این دعا را میخواند یا نور النور یا مدبر الامور یا مجری البحور یا
باعث من فی القبور یا کهفی حین تعیینی المذاهب وکنزی حین تعجزنی المکاسب ومؤنسی
حین تخذلنی الاباعد وتملنی الاقارب ومنزهی بمجالسة اولیائه ومرافقة احبائه فی ریاضه و
ساقی بموانسه من نهر حیاضه وراعی بمجاورته من ورطة الذنوب الی ربوة التقریب ومبدلی
بولایته عزة العطایا من ذلة الخطایا اسئلک یا مولای بالفجر واللیالی العشر والشفع والوتر
واللیل اذا یسر وما جری به قلم الاقلام بغیر کف ولا ابهام وباسمائک العظام وبحججک علی
جمیع الانام علیهم منک افضل السلام وما استحفظتهم من اسمائک الکرام ان تصلی علیهم وترحمنا
حمنا فی شهرنا هذا وما بعده من الشهور والایام وان تبلغنا شهر الصیام فی عامنا هذا وفی
کل عام یا ذا الجلال والاکرام والمنن الجسام وعلی محمد وآله منا افضل السلام مولف گوید که محتمل است
که این عمل و عمل سابق از اعمال هر شب باشد و اختصاص بشب اول نداشته باشد بلکه ممکن است
که عمل سابق مختص بماه رجب نبوده باشد لیکن شیخ هر دو عمل را در تلو اعمال شب اول نقل
نموده و سید از عبارت او چنین فهمیده که مخصوص شب اول است و در عبارت لفظی که منافی این
معنی بوده باشد مذکور نیست لهذا این دو عمل را از جمله اعمال هر شب این ماه مذکور نساختیم والله
تعالی یعلم دهم بعضی از علما زیارت حضرت امام حسین صلوات الله علیه را در این شب نقل نموده اند
چنانچه در روز آن وارد شده و کفعمی رحمه الله در جنة الامان زیارت مخصوصی برای شب اول
و روز اول نقل نموده چنانچه بعد از این مذکور خواهیم نمود و حدیثی و روایتی که در این باب بنظر
نمیرسد لیکن بمقتضای اخبار بسیار که زیارت آن بزرگوار در اوقات متبرکه فضیلت بسیار دارد
و این شب از لیالی متبرکه است بلکه کسی توفیق حضور مشهد مشرف آنحضرت را دارد بزیارت
مطلقه که در کتب مزار مذکور است یا بزیارت روز اول این ماه که بعد از این مذکور میشود یا

بزیارت جامعه که در خصوص ماه رجب واقع شده بدستور عمل آن در باب چهارم مذکور شده زیارت نماید
و اگر دور باشد بیکی از زیارات بعیده که مذکور شده زیارت نماید و این حقیر همگی زیارات بعیده را
در رساله وسیلة النجاة ذکر نموده‌ام و در این کتاب بذکر یکی از آنها که مختصر و معتبر است اکتفا مینمایم
بسندهای معتبر از سدیر صراف منقولست که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بمن فرمود که چه مانع است
ترا اینکه زیارت کنی قبر امام حسین علیه السلام را در هر هفته پنجشنبه یا در هر روز یکبار گفتم فدای تو شوم میان من
و آنحضرت فرسخهای بسیار هست فرمود که بالای بام خانه خود برو پس ملتفت میشوی بجانب راست پس رو
بسوی قبر خود را بجانب آسمان بلند میکنی و رو بجانب قبر آنحضرت میکنی و میگوئی السلام علیک یا ابا عبد الله
السلام علیک یا ابن رسول الله السلام علیک ورحمة الله وبرکاته تا نوشته شود برای تو ثواب حجی
و عمره سدیر گوید که بسیار است که من در روزی زیاده از بیست مرتبه چنین زیارت میکنم و اگر یکی از زیارات
مبسوطه را بعمل آورد بهتر است چنانچه جد علامه ام مولانا محمد باقر مجلسی رحمه الله در کتاب زاد المعاد اشاره
نموده و از جمله آنها اینست که مذکور میشود السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ آدَمَ صِفْوَةِ اللهِ السَّلامُ عَلَیْکَ
یا وارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللهِ السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ اِبْرهیمَ خَلِیلِ اللهِ السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ مُوسی
کَلِیمِ اللهِ السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ عِیسی رُوحِ اللهِ السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِیبِ اللهِ السَّلامُ
عَلَیْکَ یا وارِثَ اَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَلِيِّ اللهِ السَّلامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفی السَّلامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ عَلِيٍّ
الْمُرْتَضی السَّلامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ السَّلامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ خَدِیجَةَ الْکُبْری السَّلامُ عَلَیْکَ
یا ثارَ اللهِ وَابْنَ ثارِهِ وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ اَشْهَدُ اَنَّکَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلوةَ وَآتَیْتَ الزَّکوةَ وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ
وَنَهَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَاَطَعْتَ اللهَ وَرَسُولَهُ حَتّی اَتاکَ الْیَقِینُ فَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً قَتَلَتْکَ وَلَعَنَ اللهُ
اُمَّةً ظَلَمَتْکَ وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً سَمِعَتْ بِذلِکَ فَرَضِیَتْ بِهِ یا مَوْلایَ یا اَبا عَبْدِ اللهِ اَشْهَدُ اَنَّکَ کُنْتَ
نُوراً فِي الْاَصْلابِ الشّامِخَةِ وَالْاَرْحامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُنَجِّسْکَ الْجاهِلِیَّةُ بِاَنْجاسِها وَلَمْ تُلْبِسْکَ مِنْ
مُدْلَهِمّاتِ ثِیابِها وَاَشْهَدُ اَنَّکَ مِنْ دَعائِمِ الدِّینِ وَاَرْکانِ الْمُؤْمِنِینَ وَاَشْهَدُ اَنَّکَ الْاِمامُ
الْبَرُّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّکِيُّ الْهادِي الْمَهْدِيُّ وَاَشْهَدُ اَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِکَ کَلِمَةُ التَّقْوی وَاَعْلامُ الْهُدی
وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقی وَالْحُجَّةُ عَلی اَهْلِ الدُّنْیا وَاُشْهِدُ اللهَ وَمَلائِکَتَهُ وَاَنْبِیاءَهُ وَرُسُلَهُ اَنِّي بِکُمْ
مُؤْمِنٌ وَبِاِیابِکُمْ مُوقِنٌ بِشَرایِعِ دِینِي وَخَواتِیمِ عَمَلِي وَقَلْبِي لِقَلْبِکُمْ سِلْمٌ وَاَمْرِي لِاَمْرِکُمْ مُتَّبِعٌ صَلَواتُ اللهِ

علیکم

عَلَیْکُمْ وَعَلی اَرْواحِکُمْ وَعَلی اَجْسادِکُمْ وَعَلی اَجْسامِکُمْ وَعَلی شاهِدِکُمْ وَعَلی غائِبِکُمْ
وَعَلی ظاهِرِکُمْ وَعَلی باطِنِکُمْ پس دو رکعت نماز زیارت میکند و اگر نماز را پیش از زیارت بکند بهتر
خوبست و اگر از دور زیارت کند پس قصد زیارت علی بن الحسین الشهید بکند علیهما السلام و بگوید السَّلامُ
عَلَیْکَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ السَّلامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ نَبِيِّ اللهِ السَّلامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ اَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ السَّلامُ
عَلَیْکَ یَا ابْنَ الْحُسَیْنِ الشَّهِیدِ السَّلامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا الشَّهِیدُ السَّلامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا الْمَظْلُومُ وَابْنُ
الْمَظْلُومِ لَعَنَ اللهُ اُمَّةً قَتَلَتْکَ وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً ظَلَمَتْکَ وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً سَمِعَتْ بِذلِکَ فَرَضِیَتْ بِهِ
پس قصد زیارت سایر شهدا رضی الله عنهم کند و بگوید السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا اَوْلِیاءَ اللهِ وَاَحِبّاءَهُ
السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا اَصْفِیاءَ اللهِ وَاَوِدّاءَهُ السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا اَنْصارَ دِینِ اللهِ السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا اَنْصارَ
رَسُولِ اللهِ السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا اَنْصارَ اَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا اَنْصارَ فاطِمَةَ سَیِّدَةِ نِساءِ
الْعالَمِینَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا اَنْصارَ اَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الزَّکِيِّ النّاصِحِ السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا اَنْصارَ
اَبِي عَبْدِ اللهِ بِاَبِي اَنْتُمْ وَاُمِّي طِبْتُمْ وَطابَتِ الْاَرْضُ الَّتِي فِیها دُفِنْتُمْ وَفُزْتُمْ فَوْزاً عَظِیماً فَیا لَیْتَنِي کُنْتُ
مَعَکُمْ فَاَفُوزَ مَعَکُمْ و در شب اول و پانزدهم ماه رجب و در شب بیست و پنجم و پانزدهم ماه شعبان و شبهای
ماه مبارک رمضان و شبهای عید و سایر ایامی که زیارت آنحضرت مستحب است بهمین طریق زیارت
میتوان کرد **روز اول** شیخ طبرسی و ابن شهرآشوب و دیگران روایت کرده اند که ولادت وافر
السعادة حضرت امام محمد باقر علیه السلام در این روز که مصادف جمعه یا سه شنبه بوده واقع شده
و بعضی سیم ماه صفر گفته اند در مدینه طیبه در سال پنجاه و هفتم از هجرت مقدس و بعضی ولادت
حضرت صادق علیه السلام را در این روز نقل کرده اند و اشهر هفدهم ماه ربیع الاول است و در این روز نیز
نوح علیه السلام بکشتی سوار شد چنانچه در باب اول مذکور شد و روزه این روز بخصوص فضیلت
عظیم دارد چنانچه سید ابن طاوس رحمه الله در کتاب اقبال از شیخ جعفر بن محمد دوریستی
در کتاب حسنی نقل نموده که او بسند خود از حضرت امام محمد باقر از پدر بزرگوارش از جد بزرگوار
علیهم السلام روایت نموده که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر که روزه دارد روز
اول ماه رجب را بهشت برای او واجب شود و ابن بابویه رحمه الله در کتاب امالی و عیون اخبار
الرضا از حضرت امام رضا صلوات الله علیه روایت کرده است که هر که روزه دارد روز اول ماه رجب را

از روی رغبت در ثواب الهی واجب شود برای او بهشت و کسی که روزه دارد یک روز از اوسط این ماه را حق
شفاعت دهند با و در مثل قبیله ربیعه و مضر و کسی که روزه دارد یک روز از آخر این ماه را بگرداند حق تعالی
او را از پادشاهان بهشت و رخصت شفاعت دهند باو در باره پدر و مادر و پسر و دختر و برادر و خواهر
و عمو و عمه و خالو و خاله او و آشنایان و همسایگان او هر چند این جماعت مستوجب آتش جهنم شده باشند و ایضاً
در کتاب مجالس و کتاب فضائل رجب از حضرت صادق صلوات الله علیه روایت نموده است که آن حضرت از آبا
کرام خود از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و علیهم اجمعین روایت فرموده است که هر که بگیرد از اول
ماه رجب یا آخر یا وسط از روزه بیارد گناهان گذشته‌اش آمرزیده شود و هر که سه روز از اول
روزه و در وسط و سه روز در آخر این ماه را روزه بدارد گناهان گذشته و آینده او آمرزیده شود
و هر که شبی از شبهای این ماه را احیا کند حق تعالی او را از آتش جهنم آزاد گرداند و قبول شفاعت
او کند در باره هفتاد هزار مرد گناهکار نماید و هر که تصدقی در این ماه برای خدا بکند حق تعالی گرامی دارد
او را در قیامت در بهشت بثوابی چند که هیچ دیده ندیده باشد و گوشی نشنیده باشد و بخاطر کسی خطور
نکرده باشد فائده بدانکه علامه رحمه الله در کتاب منتهی گفته است که سه روز اول این ماه روزه داشتن
سنت مؤکد است و روز اول تاکیدش زیاده است و گویا این معنی را از احادیث مذکوره استنباط نموده
باشد بلکه از احادیث مذکوره ظاهر میشود که روزه سه روز وسط و سه روز آخر نیز سنت
مؤکد است و روز وسط و روز آخر تاکیدش زیاده است چنانچه بر متأمل خبیر پوشیده نیست و احادیث
دیگر در این باب در باب اول مذکور شد و اعمال این روز چند چیز است اول غسل بنا بر احتمال
الشهر و تفصیل آن در شب گذشته مذکور شد دویم شیخ طوسی و سید بن طاوس و دیگران از
از سلمان فارسی رضی الله عنه روایت نموده‌اند که گفت داخل شدم بر رسول خدا صلی الله علیه و آله
در روز آخر ماه جمادی الآخر در وقتی که داخل نشده بودم بر آنحضرت در آن وقت پیش از آن روز
پس فرمود که ای سلمان تو از ما اهل بیتی میخواهی که از برای تو حدیثی بگویم گفتم بلی فدای تو باد پدر و مادرم
یا رسول الله فرمود که ای سلمان هر مرد مؤمن و زن مؤمنه که در این ماه سی رکعت نماز بگذارد و در هر
رکعتی بعد از حمد سوره قل هو الله احد و سوره قل یا ایها الکافرون هر یک را سه مرتبه بخواند
حق تعالی محو کند از هر گناهی را که در کوچکی و بزرگی کرده باشد و عطا کند باو ثواب کسی را که تمام
این ماه را

این ماه را روزه داشته باشد و او را از نمازگذاران بنویسند تا سال آینده و برای او در هر روز
از روزهای آن ماه تا آسمان بالا برند ثواب عمل شهیدان بدر و او را بهر روزی که روزه دارد از این ماه
عبادت سالی برای او بنویسند و هزار درجه برای او بلند گردانند و اگر تمام این ماه را روزه دارد
حق تعالی او را از آتش جهنم نجات دهد و بهشت را برای او واجب گرداند ای سلمان مرا باین نماز خبر داد
جبرئیل علیه السلام و گفت ای محمد صلی الله علیه و آله این علامتی است میان شما و منافقان زیرا که منافقان
این نماز را نمیکنند پس سلمان بخدمت حضرت عرض کرد که یا رسول الله خبر ده مرا که چگونه این نماز را
بگذارم و در چه وقت بجا آورم آن حضرت فرمود که ای سلمان در روز اول این ماه ده رکعت نماز
بکن هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعتی بعد از حمد سوره قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون
هر یک را سه نوبت بخواند و بعد از هر سلام دستها را بسوی آسمان بلند کن و بگو لا اله الا الله وحده
لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی و یمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر اللهم
لا مانع لما اعطیت ولا معطی لما منعت ولا ینفع ذا الجد منک الجد پس دستها را بر روی خود بکش
و در وسط ماه ده رکعت بهمان نحو بجا آور و بعد از هر سلام دستها را بسوی آسمان بردار و بگو لا اله
الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی و یمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی
کل شیء قدیر الها واحدا احدا صمدا فردا لم یتخذ صاحبة ولا ولدا پس دستها را بر روی خود بکش
و در روز آخر ماه نیز ده رکعت بهمان طریق بجا آور و بعد از هر سلام دستها را بسوی آسمان بردار و بگو
لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی و یمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو
علی کل شیء قدیر وصلی الله علی محمد و آله الطاهرین ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم پس دستها
بر روی خود بکش و حاجت خود را طلب کن که حق تعالی برآورد و بگرداند میانه تو و جهنم [illegible]
هفت خندق که عرض هر خندقی بقدر ما بین آسمان و زمین باشد و بنویسند برای تو بهر رکعتی ثواب هزار
هزار رکعت و بنویسند بجهت تو برات بیزاری از آتش جهنم و گذشتن از صراط سلمان گفت چون این حدیث
را از حضرت رسول صلی الله علیه و آله شنیدم بروی در افتادم و خدا را سجده کردم و با گریه و زاری شکر
بجا آوردم مؤلف گوید که سید جلیل نبیل امیر محمد باقر داماد قدس الله روحه این نماز را در
بعضی از مؤلفات خود ذکر نموده و نقل آن متضمن چند امر است که تنبیه بر آنها ضرور است اول آنکه

لفظ اوّل و وسط و آخر از عشر اوّل و عشر وسط و عشر آخر حمل نموده اند و سایر علما بر روز اوّل
و روز وسط و روز آخر حمل نموده اند و این معنی اظهر و احوط است بلکه احوط آن است که ده رکعت آخر در
روز بیست و نهم ماه رجب کرده شود و اگر ماه تمام باشد در سی ام نیز کرده شود تا آنکه بر
هر تقدیر عمل باین حدیث شده باشد دویم سید گفته که در منتهی مذکور است که سوره توحید را
مقدم دارند و بعضی گفته اند سوره جحد را مقدم دارند زیرا که در روایات وارد است که سوره
توحید را در صلوات موقّت باید خواند که متصل بقنوت باشد و در ترتیب قرآن نیز جحد مقدم است
و بعضی این نقیض تقدیم سوره توحید بر جحد در این نماز معین است زیرا که متابعت لفظ حدیث لازم است
در حدیث چنانچه اکثر علما مانند شیخ طوسی و ابن طاوس و ابن باقی رضوان الله علیهم میگویند
و دیگران ضبط نموده اند سوره توحید بر جحد مقدم است چنانچه ما ذکر نمودیم و بغیر این روایت
دیگر در این باب در کتب علما بنظر نرسید و آنچه سید گفته که در روایات وارد است که سوره توحید را
در صلوة موقّت باید خواند نیز در محل اشکال است و ممکن است که ماخذ کلام سید این باشد که ابن
بابویه رحمه الله در کتاب من لا یحضره الفقیه گفته که افضل آن است که در نمازها شبانه روزی
در رکعت اوّل انا انزلناه و در رکعت دویم توحید خوانده شود مگر در نماز عشا و شب جمعه
زیرا که انا انزلناه سوره رسول خداست صلی الله علیه و آله و اهل بیت او علیهم السلام و چون مصلّی بجای
آن بزرگوار متوسل بمعرفت حق تعالی شده است در رکعت اوّل نماز نیز ایشان را وسیله توجه بحق تعالی
نماید و سوره توحید چون دعا در عقب آن مستجاب است در رکعت دویم میخوانند و بعد از آن قنوت
نماز را میخوانند تا هر دعائی که در قنوت میخوانند مستجاب شود و صاحب کتاب مدارک الاحکام
قدس الله روحه گفته که مؤید قول ابن بابویه است این حدیث شریف که محمد بن یعقوب کلینی
از علی بن راشد روایت کرده است که عرض کردم بخدمت حضرت ابی الحسن علیه السلام که فدای تو
شوم تو نوشته بمحمد بن فرج که افضل در نمازها واجبی سوره انا انزلناه و قل هو الله احد است
و من دل تنگ میشوم بقرائت این دو سوره در نماز صبح بن حفص فرمود که دلتنگ مشو که والله
که فضیلت در این دو سوره است و مخفی نماند که قول صدوق و این حدیث شریف مخصوص نمازهای
واجب شبانه روزی است بلکه در همه نمازها شبانه روزی نیز جاری میشود زیرا که روایات بسیار وارد
شده

شده است که سوره طوال در بعضی از صلوة و متوسطه در بعضی و قصیره در بعضی سنت است و در بعضی از
اوقات مخصوصه سوره مخصوصه نیز وارد شده است و تفصیل این معنی در کتب فقها مسطور است و بالجمله
قول صدوق و این حدیث شریف اگر بعموم باقی باشد مخالف مشهور میان علما و احادیث بسیار است
و لهذا بعضی از متاخرین اخباریین که گاهی در نمازهای واجبی سوره قدر و توحید میخوانده اند
سوره توحید را مقدم میداشته اند و علی ای حال در نمازها تامل متابعت کیفیتی که در روایات آنجا
وارد شده متعین و لازم است و آنچه سید در آخر گفته که در ترتیب قرآن سوره جحد مقدم است نیز دلالت
ندارد بر آنکه در این نماز که در روایات سوره توحید مقدم مذکور است سوره جحد مقدم خوانده شود و متابعت
حدیث نباید با آنکه ترتیب قرآن ترتیبی نیست که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله یا حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام نموده باشد بلکه عثمان علیه ما علیه قرآن مجید را باین نحو ترتیب داده و تفصیل این معنی از کتب
احادیث ظاهر میشود والله تعالی یعلم سیم اینکه سید گفته که در بعضی از روایات چنان است که
بعد از هر دو رکعت دست را برداشته دعا را میخوانند و بعضی گفته اند که بعد از هر دو رکعت دعا را نخوانند
زیرا که مجموع بمنزله یک نماز است و تو دانستی که روایت دیگر در باب این نماز بنظر نرسید بلی در لفظ
این روایت دو احتمال میرود و احتمال آخر اظهر و معمول به اکثر است والله تعالی یعلم چهارم سید
ابن طاوس رحمه الله در کتاب اقبال از سلمان فارسی رضی الله عنه روایت کرده است که رسول خدا
صلی الله علیه و آله فرمود که ای سلمان آیا میخواهی تعلیم تو کنم گنجی از گنجهای غیب را گفتم بلی
یا رسول الله فرمود که چون روز اوّل ماه رجب داخل شود ده رکعت نماز بکن هر دو رکعت بیک سلام
در هر رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله احد سه نوبت بخوان که چون این نماز را بجا آوری حق تعالی بیامرزد
جمیع گناهان تو را از روزی که تکلیف بر تو جاری شده تا این شب و نگاه دارد تو را از فتنه قبر
و عذاب روز قیامت و برطرف شود از تو مرض خوره و پیسی و ذات الجنب مؤلف گوید که آنچه در
این حدیث شریف وارد شده است از آمرزش گناهان از روز تکلیف تا این شب خصوصا روز تکلیف
و شب اوّل مراد نیست بلکه مراد اوّل زمان تکلیف تا وقت کردن نماز است و در عرف عرب شایع است
که لفظ یوم و لیله را بر مطلق زمان اطلاق میکنند و ممکن است که مراد از شب شب بعد از این روز
باشد یعنی برکت این نماز سرایت میکند بتمام این روز تا شب بعد والله تعالی یعلم پنجم اینکه سید گفته

در کتاب مذکور گفته که در دست بعضی از اصحاب کتابی از کتب عبادات دیدم که در آن کتاب از جناب
مقدس رسول خدا صلی الله علیه و آله التحیة و الثناء روایت نموده که در روز اول ماه رجب چهار
رکعت نماز میکنی بیک سلام و در رکعت اول بعد از حمد سوره قل هو الله احد ده مرتبه و در رکعت
دویم بعد از حمد قل هو الله احد ده مرتبه و قل یا ایها الکافرون سه مرتبه و در رکعت سیم بعد
از حمد قل هو الله احد ده مرتبه و الهیکم التکاثر یک مرتبه و در رکعت چهارم بعد از حمد قل هو الله
احد بیست و پنج مرتبه و آیة الکرسی سه مرتبه میخوانی مؤلف گوید که این حدیث مخالف مشهور میان
علماست زیرا که مشهور آنست که نمازهای نافله همگی دو رکعتی است بغیر نماز اعرابی ششم ایضا
سید قدس الله روحه در کتاب مذکور نقل نموده از ابو حمزه ثمالی روایت نموده که گفت در سالی
که ابن زبیر بر مکه معظمه مستولی شده بود دیدم جناب مقدس سید الساجدین صلوات الله
علیه را در حجره اسمعیل در روز اول ماه رجب این دعا را میخواند یا من یملک حوائج السائلین
و یعلم ضمیر الصامتین لکل مسئلة منک سمع حاضر و جواب عتید اللهم و مواعیدک
الصادقة و ایادیک الفاضلة و رحمتک الواسعة فاسألک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان
تقضی حوائجی للدنیا و الآخرة انک علی کل شیء قدیر راوی گوید که بقیه این دعا را حضرت آهسته
خواند و من نشنیدم مؤلف گوید که شیخ طوسی و سید ابن باقی و کفعمی علیهم الرحمة این دعا را از
دعاهای هر روز نقل نموده اند چنانچه سابق بر این مذکور شد و عبارت این حدیث چنانچه آبی از آن
این معنی ندارد دلالت بر آن نیز ندارد و ممکن است حدیث دیگر در این باب بایشان رسیده باشد
لیکن بعید است و الله تعالی یعلم هفتم ایضا سید رضی الله عنه در کتاب مذکور از کتاب مختصر از
منتخب نقل نموده که میخوانی در روز اول ماه رجب این دعا را اللهم انی اسألک یا الله یا الله
یا الله انت الله القدیم الازلی الملک العظیم انت الله الحی القیوم المولی السمیع البصیر
یا من العز و الجلال و الکبریاء و العظمة و القوة و العلم و القدرة و النور و الروح و السنة
و الحنان و الرحمة و الملک لربوبیته نورک اشرق له کل نور و خمد له کل نار و انخضع له
کل الظلمات اسألک باسمک الذی اشتققته من نفسک و اذلک و نورک و بالاسم
الاعظم الذی اشتققته من کبریائک و جبروتک و عظمتک و عزک و بجودک الذی
اشتققته

اشتققته من رحمتک و برحمتک التی اشتققتها من رأفتک التی اشتققتها من جودک و بجودک
الذی اشتققته من غیبک و بغیبک و احاطتک و قیامک و دوامک و قدمک و اسألک
بجمیع اسمائک الحسنی لا اله الا انت الواحد الفرد الصمد الحی الاول الآخر الظاهر الباطن
و لک کل اسم عظیم و کل نور و غیب و علم و معلوم و ملک و شأن و لا اله الا انت تقدست
و تعالیت علوا کبیرا اللهم انی اسألک بکل اسم هو لک طاهر مطهر طیب مبارک مقدس
انزلته فی کتبک و اخترته فی الذکر عندک و تسمیت به لمن شئت من خلقک او سألک به
احد من ملائکتک و انبیائک و رسلک بخیر تعطیه فاعطیته او شر تصرفه فصرفته ینبغی
ان اسألک به فاسألک یا رب ان تنصرنی علی اعدائی و تغلب ذکری علی نسیانی اللهم اجعل
لعقلی علی هوای سلطانا مبینا و اقرن اختیاری بالتوفیق و اجعل صاحبی التقوی و اوزعنی
شکرک علی مواهبک و اهدنی اللهم بهداک الی سبیلک القیم و صراطک المستقیم و لا
تملک زمام الشهوات فتحملنی علی طریق المخذولین و حل بینی و بین المنکرات و اجعل لی علما
نافعا و اغرس فی قلبی حب المعروف و لا تاخذنی بغتة و تب علی انک انت التواب الرحیم
و عرفنی برکة هذا الشهر و یمنه و ارزقنی خیره و اصرف عنی شره و قنی المحذور فیه و اعنی
علی ما احبه من الصیام بحقه و معرفة فضله و اجعلنی فیه من الفائزین یا ارحم الراحمین
اللهم انی اسألک باسمک المتعال الجلیل العظیم و باسمک الواحد الصمد و باسمک
العزیز الاعلی و باسمائک الحسنی کلها یا من خشعت لک الاصوات و خضعت له الرقاب و
ذلت له الاعناق و وجلت منه القلوب و دان له کل شیء و قامت به السموات و الارض
اشهد انک لا تدرکک الابصار و انت تدرک الابصار و انت اللطیف الخبیر یا رب جبرئیل
و میکائیل و اسرافیل و جمیع الملائکة المقربین و الکروبیین و الکرام الکاتبین و جمیع الملائکة
المسبحین بحمدک و رب آدم و شیث و ادریس و نوح و هود و صالح و ابرهیم و اسمعیل و اسحق
و لوط و یعقوب و یوسف و الاسباط و ایوب و موسی و هرون و شعیب و داود و سلیمان
و زکریا و عزیر و حزقیل و حزقیا و شعیا و الیاس و الیسع و یونس و ذی الکفل و زکریا و یحیی
و عیسی و جرجیس و محمد صلی الله علیهم اجمعین و علی ملائکة الله المقربین و الکرام الکاتبین

وجميع الاملاك المسبحين وسلم تسليما كثيرا انت ربنا الاول الاخر الظاهر الباطن الذي
خلقت السموات والارضين ثم استوى على العرش المجيد باسمائك الحسنى تبدئ وتعيد وتغشي
الليل النهار يطلبه حثيثا والشمس والقمر والنجوم والفلك والدهور والخلق مسخرون
بامرك تباركت وتعاليت يا رب العالمين لا اله الا انت الحنان المنان بديع السموات والارض
ذو الجلال والاكرام لو كان البحر مدادا لكلمات ربي لنفد البحر قبل ان تنفد كلمات ربي ولو
جئنا بمثله مددا تعلم مثاقيل الجبال ومكاييل البحار وعدد الرمال وقطر الامطار وورق
الاشجار والنجوم السماء وما اظلم عليه الليل واشرق عليه النهار لا يواري منك سماء
سماء ولا ارض ارضا ولا بحر مطابق ولا ما بين سد الرتوق ولا ما في القرار من الهباء المبثوث
اسالك باسمك المخزون المكنون النور المنير الحق المبين الذي هو نور من نور ونور على نور
ونور فوق كل نور ونور مع كل نور وله كل نور يا رب النور واليك يرجع النور وبنورك الذي
تضيء به كل ظلمة وتبطل به كيد كل شيطان مريد وتذل به كل جبار عنيد ولا يقوم له شيء من
خلقك ويتصدع لعظمته البر والبحر وتستقل الملائكة حين تتكلم به وترعد من خشيته حملة
العرش العظيم الى تخوم الارضين السبع السابعة الذي انفلقت به البحار وجرت به الانهار
وتفجرت به العيون وسارت به النجوم واركم به السحاب واجرى واعتدل به الضباب و
وسالت به الرمال ورست به الجبال واستقرت به الارضون ونزل به القطر وخرج
به الحب وتفرقت به جبلات الخلق وخفقت به الرياح وانتشرت وتنسمت به الارواح
يا الله انت المسمى بالالهية باسمك الكبير الاكبر العظيم الاعظم الذي عنت له الوجوه
يا ذا الطول والالاء لا اله الا انت يا قريب انت الغالب على كل شيء اسالك اللهم بجميع
اسمائك كلها ما علمت منها وما لم اعلم وبكل اسم هو لك ان تصلي على محمد وال محمد وان
تكفيني امر اعدائي وتبلغني مناي يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد وعلى ال محمد وبارك
على محمد وعلى ال محمد كما صليت ورحمت وباركت وترحمت على ابرهيم وعلى ال ابرهيم انك حميد
مجيد اللهم اعط محمدا الوسيلة والشرف والرفعة والفضيلة على خلقك واجعل في المصطفين
محبته وفي العليين درجته وفي المقربين منزله اللهم صل على جميع ملائكتك وانبيائك

ورسلك

ورسلك واهل طاعتك اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات الاحياء منهم
والاموات والف بين قلوبهم وقلوبنا على الخيرات اللهم اجز محمدا صلى الله عليه واله
افضل ما جزيت نبيا عن امته كما تلا اياتك وبلغ ما ارسلته به ونصح لامته وعبدك حتى
اتاه اليقين صلى الله عليه وعلى اله الطيبين ليس بكوككه تبارك الله رب العالمين تبارك الله
احسن الخالقين تبارك الذي نزل الفرقان على عبده ليكون للعالمين نذيرا الذي له ملك السموات
والارض ولم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك في الملك وخلق كل شيء فقدره تقديرا تبارك الذي
ان شاء جعل لك خيرا من ذلك جنات تجري من تحتها الانهار ويجعل لك قصورا تبارك الذي
له ملك السموات والارض وما بينهما وعنده علم الساعة واليه ترجعون تبارك اسم ربك
ذي الجلال والاكرام تبارك الذي بيده الملك وهو على كل شيء قدير الذي خلق الموت والحيوة
ليبلوكم ايكم احسن عملا وهو العزيز الغفور تبارك الذي جعل في السماء بروجا وجعل فيها سراجا
وقمرا منيرا وبكوككه اعوذ بكلمات الله كلها التي لا يجاوزهن بر ولا فاجر من شر ابليس وجنوده
ومن شر كل شيطان وسلطان وساحر وكاهن ومن شر كل ذي شر اللهم اني استودعك نفسي وديني
وسمعي وبصري وجسدي وجميع جوارحي واهلي ومالي واولادي وجميع من يعنيني امره وخواتيم
عملي وسائر ما ملكتني وخولتني ورزقتني وانعمت به علي وجميع المؤمنين والمؤمنات يا خير
مستودع ويا خير حافظ ويا ارحم الراحمين اللهم اني اسالك باسمك الله الله الله الله الله
الذي لا اله الا هو رب العرش العظيم ان تصلي على محمد وال محمد وان تفرج عني يا رب السموات
والارضين ومن فيهن ومجري البحار ورازق من فيهن وفاطر السموات واطباقها ومسخر
السحاب ومجري الفلك وجاعل الشمس ضياء والقمر نورا وخالق ادم صلى الله عليه واله و
منشئ الانبياء عليهم السلام من ذريته ومعلم ادريس عدد النجوم والحساب والسنين
والشهور واوقات الازمان ومكلم موسى وجاعل عصاه ثعبانا ومنزل التورية في
الالواح على موسى عليه السلام ومجري الفلك لنوح وفادي اسمعيل من الذبح والمبتلي يعقوب
بفقد يوسف وراد يوسف عليه بعد ان ابيضت عيناه من البكاء ومفرج قلبه من الحزن و
النجا ورازق يحيى زكريا على الكبر بعد الاياس ومخرج الناقة لصالح ومرسل الصيحة على

منكبدني مودي وكاشف البلاء عن ايوب ومنجي لوط من القوم الفاسقين وواهب الحكمة للقمان
ومعلمي روح القدس بكلماته على مريم وخليلك منها عيسى عبدك عليه السلام والمنتقم من
قتلة يحيى بن زكريا عليهما السلام واسئلك برفعك عيسى عليه السلام الى سمائك وابقائك
له الى ان تنتقم له من اعدائك وبارسال محمد صلى الله عليه وآله وسلم خاتم انبيائك الى
اشرف عبادك بشرائعك الحسنة ودينك القيم وملة ابرهيم خليلك عليه السلام واظهار
دينه واعلائك كلمته يا ذا الجلال والاكرام يا من لا تاخذه سنة ولا نوم يا احد يا صمد يا عزيز
يا قادر يا قاهر يا ذا القوة والسلطان والجبروت والكبرياء يا علي يا قدير يا قريب يا مجيب يا حليم
يا معيد يا متدانى يا بعيد يا رؤف يا رحيم يا كريم يا غفور يا ذا الصفح يا مغيث يا مطعم يا شافي
يا كافي يا كاسي يا معافي يا شافي الظل يا عليم يا حكيم يا ودود يا غفور يا رحيم يا رحمن الدنيا
والآخرة يا ذا المعارج يا ذا القدس يا خالق يا عليم يا مفرج يا اتاب يا ذا الطول يا خبير يا من
خلق ولم يخلق يا من لم يلد ولم يولد يا من بان من الاشياء وبانت الاشياء منه بقهره لها
وخضوعها له يا من خلق البحار واجرى الانهار وانبت الاشجار واخرج منها الثمار ومن
باطن الارضين النبات والاعناب وسائر الثمار يا فالق البحر لعبده موسى عليه السلام ومكلمه
ومغرق فرعون وحزبه ومهلك نمرود واشياعه وملين الحديد لخليفته داود عليه السلام
ومسخر الجبال معه يسبحن بالغدو والآصال ومسخر الطير والهوام والرياح والجن والانس
لعبدك سليمان عليه السلام واسئلك بالاسم الذي اهتز له عرشك وفرحت به ملائكتك
فلا اله الا انت فالق النسمة وبارئ النوى وفالق الحبة وباسمك العزيز الجليل الكبير المتعال
وباسمك الذي ينفخ به عبدك وملكك اسرافيل عليه السلام في الصور فيقوم به اهل القبور
سراعا الى المحشر ينسلون وباسمك الذي رفعت به السموات من غير عماد وجعلت به للارضين
اوتادا وباسمك الذي سطحت به الارضين فوق الماء المحبوس وباسمك الذي ملكت به ذلك
الماء وباسمك الذي حكمت به الارضين من اخترته لحملها وجعلت له من القوة ما استعان
به على حملها وباسمك الذي تجري به الشمس والقمر وباسمك الذي سلخت به النهار من
الليل وباسمك الذي اذا دعيت اتيت ارزاق العباد وجميع خلقك وارضك وبحارك

وسكان

وسكان البحار والهوام والجن والانس وكل دابة انت آخذ بناصيتها وبانك على كل شيء قدير
وباسمك الذي جعلت به لجعفر عليه السلام جناحا يطير به مع الملائكة وباسمك الذي دعاك
به يونس في بطن الحوت فاخرجته منه وباسمك الذي انبت به عليه شجرة من يقطين
فاستجبت له وكشفت عنه ما كان فيه من ضيق بطن الحوت اسئلك ان تصلي على محمد عبدك
ورسولك وعلى آله الطيبين وان تفرج عني وتكشف ضري وتستنقذني من ورطتي وتخلصني
من محنتي وتقضي عني ديوني وتؤدي عني اماناتي وتكبت عدوي واعدائي ولا تشمت بي
حسادي ولا تبتليني بما لا طاقة لي به وان تبلغني امنيتي وتسهل لي محبتي وتيسر لي ارادتي
وتوصلني الى بغيتي وتجمع لي خير الدارين وتحرسني وكل من يعنيني امره بعينك التي لا تنام
في الليل والنهار يا ذا الجلال والاكرام والاسماء العظام اللهم يا رب انا عبدك وابن
عبدك وابن امتك ومن اولياء اهل بيت نبيك صلى الله عليه وآله وعليهم الذين باركت
عليهم ورحمتهم وصليت عليهم كما صليت وباركت على ابرهيم وآل ابرهيم انك حميد مجيد
وبمجدك وجلالك اسئلك يا رباه يا رباه يا رباه يا رباه يا رباه يا رباه يا رباه يا رباه يا ربا
يا رباه بحق محمد عبدك ورسولك صلى الله عليه وعلى آله وبحقك على نفسك الا خصمت اعدائي
وحسادي وخذلتهم وانتقمت لي منهم واظهرتني عليهم وكفيتني امرهم ونصرتني عليهم
وحرستني من شرهم ووسعت علي في رزقي وبلغتني غاية املي انك سميع مجيب مؤلف
گويد كه ناقل اين دعا اگر از انسب بمعصوم نداده ليكن در نهايت فصاحت و بلاغت و مشتمل بر
مضامين عاليه و محتوى بر مطالب دنيا و آخرت است و باين جهت بايد كه از ائمه عليهم السلم منقول
باشد بنا بر اين بهتر آن است كه الميسور لا يترك بالمعسور ترك نشود والله تعالى يعلم هشتم زيارت حضرت امام حسين عليه
السلم شيخ طوسى و سيد بن طاوس قدس الله روحهما روايت كرده اند از حضرت امام جعفر صادق عليه
السلم فرموده اند كه هركه زيارت كند حضرت امام حسين عليه السلم را در روز اول رجب حق تعالى
البته او را بيامرزد مؤلف گويد كه باين جهت علما زيارت آنحضرت را در اين روز زيارت شبه
ميدانند و اما كيفيت زيارت آنحضرت در اين روز پس شيخ مفيد طاب ثراه در بعضى از كتب
و سيد بن طاوس قدس الله روحه در كتاب مصباح الزائر و اقبال گفته اند كه هرگاه اراده كنى زيارت

حضرت امام حسین صلوات الله وسلامه علیه از در رفع الله رجب و شب نیمه شعبان غسل کن و پاکترین
جامها که داری بپوش و بر در روضه مقدسه بایست و سلام کن بر رسول خدا صلی الله علیه وآله
امیر المؤمنین ع و حضرت فاطمه صلوات الله علیها و حضرت امام حسن ع و امام حسین صلوات الله علیهما
و سایر ائمه علیهم السلام پس داخل شو بنزد ضریح مبارک بایست و صورت خود را بآن بگذار پس بگو
یا مولای السلام علیک یا ابن رسول الله السلام علیک یا ابن خاتم النبیین السلام علیک یا ابن
سید المرسلین السلام علیک یا ابن سید الوصیین السلام علیک یا ابا عبد الله السلام علیک
یا حسین بن علی السلام علیک یا ابن فاطمة سیدة نساء العالمین السلام علیک یا ولی الله
وابن ولیه السلام علیک یا صفی الله وابن صفیه السلام علیک یا حجة الله وابن حجته السلام
علیک یا حبیب الله وابن حبیبه السلام علیک یا سفیر الله وابن سفیره السلام علیک یا خازن
الکتاب المسطور السلام علیک یا وارث التوریة والانجیل والزبور السلام علیک یا امین
الرحمن السلام علیک یا شریک القرآن السلام علیک یا عمود الدین السلام علیک یا باب حکمة
رب العالمین السلام علیک یا عیبة علم الله السلام علیک یا موضع سر الله السلام علیک یا ثار الله
وابن ثاره والوتر الموتور السلام علیک وعلى الارواح التی حلت بفنائک وانا خت برحلک بابی
انت وامی ونفسی یا ابا عبد الله لقد عظمت المصیبة وجلت الرزیة بک علینا وعلى جمیع اهل
الاسلام فلعن الله امة اسست اساس الظلم والجور علیکم اهل البیت ولعن الله امة
دفعتکم عن مقامکم وازالتکم عن مراتبکم التی رتبکم الله فیها بابی انت و
امی ونفسی یا ابا عبد الله اشهد لقد اقشعرت لدمائکم اظلة العرش مع اظلة الخلائق
وبکتکم السماء والارض وسکان الجنان والبر والبحر صلى الله علیک عدد ما فی علم الله
لبیک داعی الله ان کان لم یجبک بدنی عند استغاثتک ولسانی عند استنصارک فقد
اجابک قلبی وسمعی وبصری سبحان ربنا ان کان وعد ربنا لمفعولا اشهد انک طهر طاهر
مطهر من طهر طاهر مطهر طهرت وطهرت بک البلاد وطهرت ارض انت فیها وطهر حرمک
اشهد انک قد امرت بالقسط والعدل ودعوت الیهما وانک صادق صدیق صدقت فیما
دعوت الیه وانک ثار الله فی الارض واشهد انک قد بلغت عن الله وعن جدک رسول الله
وعن ابیک

وعن ابیک امیر المؤمنین وعن اخیک الحسن ونصحت وجاهدت فی سبیل الله ربک وعبدته
عبدت الله مخلصا حتى اتیک الیقین فجزاک الله خیر جزاء السابقین وصلى الله علیک وسلم
تسلیما اللهم صل على محمد وآل محمد وصل على الحسین المظلوم الشهید الرشید قتیل العبرات واسیر
الکربات صلوة نامیة زاکیة مبارکة یصعد اولها ولا ینفد آخرها افضل ما صلیت على احد
من اولاد انبیائک المرسلین یا اله العالمین پس ضریح مبارک را ببوس و جانب راست روی خود را
بر آن بمال و برگرد و بر ضریح بگرد و چهار جانب آن را ببوس و شیخ مفید طاب ثراه گفته که پس برو بجانب
ضریح علی بن الحسین علیه السلام و بایست و بگو السلام علیک ایها الصدیق الطیب الزکی
الحبیب المقرب وابن ریحانة رسول الله السلام علیک من شهید محتسب ورحمة الله وبرکاته
ما اکرم مقامک واشرف منقلبک اشهد لقد شکر الله سعیک واجزل ثوابک والحقک
بالذروة العالیة حیث الشرف کل الشرف وفی الغرف کما من علیک من قبل وجعلک من
اهل البیت الذین اذهب الله عنهم الرجس وطهرهم تطهیرا صلوات الله علیک ورحمة الله
وبرکاته ورضوانه فاشفع ایها السید الطاهر الى ربک فی حط الاثقال عن ظهری وتخفیفها
عنی وارحم ذلی وخضوعی لک وللسید ابیک صلى الله علیکما پس متوجه شو بسوی قبر شهدا و بگو
زاد الله فی شرفکم فی الآخرة کما شرفکم فی الدنیا واسعدکم واشهد انکم اعلام الدین
ونجوم العالمین والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته پس متوجه شو بجانب شهدا رضوان الله علیهم
و بگو السلام علیکم یا انصار الله وانصار رسوله وانصار علی بن ابی طالب علیه السلام
وانصار فاطمة وانصار الحسن والحسین وانصار الاسلام اشهد لقد نصحتم لله وجاهدتم
فی سبیله فجزاکم الله عن الاسلام واهله افضل الجزاء فزتم والله فوزا عظیما یا لیتنی کنت
معکم فافوز فوزا عظیما اشهد انکم احیاء عند الله ربکم ترزقون اشهد انکم
الشهداء والسعداء وانکم الفائزون فی درجات العلى والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
پس متوجه شو بجانب سر حضرت امام حسین علیه السلام و هر دعا که خواهی بکن و بجهت خود و پدر و مادر
و برادران دعا کن و سید بن طاوس رحمه الله گفته که برو بجانب ضریح علی بن الحسین ع و روی قبله
بایست و بگو السلام من الله والسلام من ملائکته المقربین وانبیائه المرسلین وعباده

الصالحين وجميع اهل طاعته من اهل السموات والارضين على ابى عبد الله الحسين ورحمة الله وبركاته
السلام على اول قتيل من نسل خير سليل من سلالة ابرهيم الخليل صلى الله عليك
وعلى ابيك اذ قال فيك قتل الله قوما قتلوك يا بنى ما اجرأهم على الرحمن وعلى انتهاك حرمة
الرسول على الدنيا بعدك العفا اشهد انك ابن حجة الله وابن امينه حكم الله لك على قاتليك
واصلاهم جهنم وساءت مصيرا وجعلنا الله يوم القيمة من ملاقيك ومرافقيك ومرافقى
جدك وابيك وعمك واخيك وامك المظلومة الطاهرة المطهرة وابرأ الى الله ممن قتلك و
قاتلك وممن نصب لكم العداوة واسئل الله مرافقتكم فى دار الخلود والسلام عليك
ورحمة الله وبركاته السلام على العباس ابن امير المؤمنين السلام على جعفر بن امير المؤمنين
السلام على عبد الله ابن امير المؤمنين السلام على ابى بكر ابن امير المؤمنين السلام على عثمان بن
امير المؤمنين السلام على القاسم ابن الحسن بن امير المؤمنين السلام على ابى بكر بن الحسن السلام
على عبد الله الحسن السلام على محمد بن عبد الله ابن جعفر بن ابى طالب السلام على جعفر بن
عقيل السلام على عبد الرحمن ابن عقيل السلام على عبيد بن عبد الله بن مسلم بن عقيل السلام
على محمد بن ابى سعيد بن عقيل السلام على عون بن عبد الله بن جعفر ابن ابى طالب السلام عليكم
اهل بيت المصطفى السلام عليكم اهل الشكر والرضا السلام عليكم يا انصار الله ورجاله من
اهل الحق والبلوى والجاهدين على بصيرة فى سبيله اشهد انكم كما قال الله عز وجل وكاين من
نبى قاتل معه ربيون كثير فما وهنوا لما اصابهم فى سبيل الله وما ضعفوا وما استكانوا
والله يحب الصابرين فما ضعفتم وما استكنتم حتى لقيتم الله على سبيل الحق ونصرة كلمة الله
التامة صلى الله عليكم وعلى ارواحكم وابدانكم وسلم تسليما فزتم والله ولوددت انى كنت
معكم فافوز فوزا عظيما ابشروا بموعد الله بموعد الله الحق الذى لا خلف له انه لا يخلف الميعاد
اشهد انكم انتم النجباء وسادة الشهداء فى الدنيا والاخرة واشهد انكم جاهدتم فى سبيل الله انتم خ
وقتلتم على منهاج رسول الله وانكم السابقون المجاهدون اشهد انكم انصار الله وانصار رسوله
الحمد لله الذى صدقكم وعده واريكم ما تحبون والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته پس بجانب شهدا
ملتفت شو بگو السلام على سعد بن عبد الله الحنفى السلام على جرير بن يزيد الرياحى السلام على
زهير بن

زهير بن القين السلام على حبيب بن مظاهر مظهر السلام على مسلم بن عوسجة السلام على عقبة بن
سمعان السلام على برير خضير حصنى السلام على عبد الله بن عمير السلام على نافع بن هلال السلام
على منذر بن المفضل الجعفى عوذ السلام على عمرو بن الجعفرى قرطة الانصارى السلام على ابى ثمامة
خوى الصائدى الباهلى السلام على جون الضبداوى مولى ابى ذر الغفارى السلام على عبد الرحمن
بن عبد الله الازدى السلام على عبد الرحمن وعبد الله ابنى عروة السلام على سيف بن الحارث
السلام على مالك بن عبد الله الحارثى السلام على حنظلة بن اسعد الشامى سعد الشيبانى السلم
على القاسم الحارث الكاهلى السلام على بشير بن عمرو الحضرمى السلام على عابس عابس بن ابى
شبيب الشاكرى الشكرى السلام حجاج بن مسروق الجعفى السلام على عمرو بن خلف وسعيد مولاه
السلام على حبان بن الحارث السلام على مجمع بن عبد الله بن العائدى السلام على نعيم بن عجلان
السلام على عبد الرحمن بن يزيد السلام على عمر بن ابى كعب السلام على سليمان بن عوف الحضرمى
السلام على قيس بن مسهر الصيداوى السلام على قيس بن عبد الله الهمدانى السلام على عثمان بن
بن عروة فروة الغفارى السلام على غيلان بن عبد الرحمن السلام على عمر بن كناد السلام على
جبلة بن عبد الله السلام على مسلم بن كناد السلام على سليمان بن سليمان الازدى السلام
على حماد بن حماد الخزاعى المرادى السلام على عامر بن مسلم ومولاه مسلم السلام على بدر بن رقيط
وابنيه عبد الله وعبيد الله السلام على رميث بن عمرو عمير السلام على سفيان بن مالك السلام على
زهير بن سيار بن سائب السلام على قاسط وكرش ابنى زهير السلام على كنانة بن عتيق السلام
عامر بن مالك السلام على منيع بن زياد السلام على نعمان بن عمرو السلام على جلاس بن عمرو
السلام على عامر بن جليدة السلام على زائدة بن مهاجر السلام على شبيب بن عبد الله النهشلى
السلام على حجاج بن يزيد السلام على جوير بن مالك السلام على ضبيعة بن عمرو السلام
على زهير بن بشير السلام على مسعود بن حجاج السلام على عمار بن حسان السلام على جندب حجير
السلام على سليمان بن كثير السلام على زهير بن سليمان السلام على قاسم بن حبيب السلام على
انس بن الكاهل الاسدى السلام على الحر بن يزيد الرياحى السلام على ضرغامة مالك السلام
على زاهر مولى عمرو بن الحمق السلام على عبد الله يقطر رضيع الحسين عليه السلام السلام

على منهج مولى الحسين عليه السلام السلام على سويد مولى شاكر السلام عليكم ايها الربانيون انتم خيرة الله اختاركم الله لابي عبد الله عليه السلام وانتم خاصته اختصكم الله اشهد انكم قتلتم على الدعاء الى الحق ونصرتم وفيتم وبذلتم مهجكم مع ابن رسول الله صلى الله عليه واله انكم انتم السعداء سعدتم وفزتم بالدرجات العلى فجزاكم الله من اعوان واخوان خير ما جازى من صبر مع رسول الله صلى الله عليه واله هنيئا لكم ما اعطيتم وهنيئا لكم ما به حييتم حييتم طافت عليكم من الله الرحمة وبلغتم بها شرف الاخرة و سيد در مصباح الزائر گفته كه عدد شهدا و اسامى ايشان در اين زيارت مخالفت دارد با انچه در زيارت عاشورا وارد شده و انچه در اين مقام ذكر نموديم موافق است با انچه در روايات ديده بوديم يا از كتب علما نقل نموده ايم و چون فارغ شدى از انچه ذكر كرده شد پس برگرد بجانب سر حضرت امام حسين عليه السلام و نماز زيارت و هر نمازى كه خواهى بكن و دعا بسيار از خود و پدر و مادر و برادران ليسار بكن كه ان شاء الله تعالى مستجاب ميشود پس چون خواهى كه انحضرت را وداع نمائى بكن دعاها كه در عقب زيارت انحضرت وارد شده وداع كن و در اقبال گفته كه چون خواهى وداع كنى پس اين وداع كه در بعضى از زيارات انحضرت ديدم وداع كن السلام عليك يا مولاى السلام عليك يا حجة الله السلام عليك يا صفوة الله السلام عليك يا خالصة الله السلام عليك يا قتيل الظماء السلام عليك يا غريب الغرباء السلام عليك سلام مودع لا سئم ولا قال فان امض فلا عن ملالة وان اقم فلا عن سوء ظن بما وعد الله الصابرين لا جعله الله اخر العهد منى لزيارتك ورزقنى الله العود الى مشهدك والمقام بفنائك والقيام فى حرمك واياه اسئل ان يسعدنى بكم ويجعلنى معكم فى الدنيا والاخرة و كفعمى رحمه الله در جنة الامان براى حضرت امام حسين عليه السلام زيارت اول را ذكر نموده و بعد از ان گفته كه زيارت على بن الحسين و شهدا و عباس را بزيارت روز عرفه و زيارت روز عرفه انرا ايراد خواهيم نمود ان شاء الله مؤلف گويد كه جد علامه امام مولانا محمد باقر مجلسى طاب ثراه در كتاب تحفة الزائر اين زيارت مخصوص براى روز اول رجب و شب نيمه شعبان ذكر نكرده و گفته است كه انچه را علما در خصوص اين روز ذكر نموده اند چون بروايت ثبت نداده اند ما ايراد ننموديم و ظاهر كلام سيد بن طاوس در مصباح الزائر انست كه اين زيارت يا بعضى از ان منقول باشد چنانچه مخفى نيست و با جمله چون علما اين زيارت را در خصوص اين روز ذكر نموده اند

مناسبت

مناسبت ايشان اولى است و اگر زيارت جامعه مخصوص ائمه كه سابق مذكور شد بخواند نيز خواهد شد افضل است و بدانكه اينها همه نظر بحال كسى است كه بشرف حضور كربلاى معلى مشرف باشد و اگر در بلاد بعيده باشد بزيارت بعيده كه سابق مذكور شد يا سائر زيارات بعيده زيارت نمايد و الله تعالى يعلم **اعمال بيست و هفتم** جد علامه امام مولانا محمد باقر مجلسى طاب ثراه در كتاب بحار الانوار گفته اگر زيارت هر يك از ائمه عليهم السلام در روز ها متبركه و اوقات مخصوصه با ان امام مانند روز ولادت يا وفات يا روزى كه فضيلتى از فضايل ان امام در ان روز ظاهر شده باشد فضيلت دارد و چون سابق بر اين مذكور شد كه ولادت حضرت امام محمد باقر عليه السلام بنابر قول اشهر و ولادت حضرت صادق ع بقولى در اين روز واقع شده زيارت ان دو بزرگوار در اين روز فضيلت دارد و اگر كسى نزد مرقد مطهر ايشان حاضر باشد بزيارت جامعه مخصوص اين ماه كه سابق گذشت يا با اين زيارات مطلقه ايشان را زيارت نمايد و اگر دور باشد بر بام خانه بالا رود و دو ركعت نماز كند و بهر لفظى كه خود اشنا نمايد زيارت كند نيز اگر زيارت مخصوصى ندارد و بر اين هيچيك از ائمه عليهم السلام مثل غير ايشان بغير از حضرت امام حسين و حضرت صاحب الامر عليهم السلام بلكه زائر خود انشا مينمايد چنانچه بسند صحيح از حضرت صادق ع منقول است كه هر كه ناحيه اش دور باشد از ما بالا رود ببام خانه خود و دو ركعت نماز بكند و اشاره كند بسوى قبرهاى ما كه ان سلام بما ميرسد و الله تعالى هو الموفق **شب دو يم** سيد بن طاوس قدس الله روحه در كتاب اقبال از رسول خدا ص روايت كرده است كه هر كه در اين شب ده ركعت نماز بكند هر دو ركعت بيك سلام و در هر ركعت بعد از حمد سوره قل يا ايها الكافرون يكمرتبه بخواند حق تعالى همه گناهان صغيره و كبيره او را بيامرزد و بنويسد او را از نماز گذارندگان تا سال اينده و برى شود از نفاق **روز دو يم** بروايت ابن عباس چنانچه شيخ طوسى در مصباح از او نقل نموده و بقول بعضى ديگر از علما ولادت با سعادت حضرت امام على النقى عليه السلام در اين روز بوده و بعضى سيم اين ماه و بعضى سه شنبه پنجم اين ماه و بعضى سه شنبه سيزدهم اين ماه و بعضى هفتم ذى الحجه و بعضى پانزدهم ذى الحجه گفته اند و قول اخر مشهور ميان علما است و نقص و مذكر اينست اللهم انى اسئلك بالمولودين فى رجب محمد بن على الثانى وابنه على بن محمد المنتجب و دلالة ان بر انكه ولادت انحضرت در ماه رجب بوده است

مخفی نیست والله تعالی یعلم **و نیز غسل و اول دعائی** که در عمل بیستم از باب چهارم گذشت دلالت بر صحت
بجا آوردن غسل اول میکند و بنابر قول اول زیارت آنحضرت در این روز فضیلت دارد اگر در نزد
مرقد مطهر آن سرور کسی حاضر باشد بزیارت جامع مخصوص این ماه که گذشت یا بزیارت مطلقه
آنحضرت را زیارت نماید واگر دور باشد بر بام خانه رود و دو رکعت نماز بکند و هر لفظی که
خواهد زیارت نماید و روزه این روز سنت مؤکد است چنانچه گذشت **شب سیم سید بن طاوس** علیه الرحمه
در کتاب مذکور از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله روایت کرده است که هر که در این شب ده
رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد سوره اذا جاء نصر الله والفتح
پنج نوبت بخواند حق تعالی بنا کند برای او قصری در بهشت که طول و عرض آن وسیع تر از دنیا باشد هفت
برابر و منادی از آسمان ندا کند که بشارت دهید این دوست خدا را بکرامت عظمی برفاقت انبیا و صدیقان
و شهیدان و صالحان **روز سیم رجب** سید بن طاوس قدس الله روحه در کتاب اقبال ولادت
شریف حضرت امام علی نقی علیه السلام در این روز بوده و بروایت ابراهیم ابن هاشم قمی رحمه الله
و بقول بعضی دیگر از علما وفات آنحضرت نیز در این روز شده و شنبه سیم این ماه بوده و اقوال دیگر
در باب وفات آنحضرت هست که در محل خود مذکور خواهد شد و چون این روز بنابر این دو روایت روز
ولادت و وفات آن دو بزرگوار بوده زیارت او از دور و نزدیک مانند روز سابق فضیلت
دارد و روزه این روز سنت مؤکد بلکه تأکیدش زیاده از دو روز سابق است چنانچه گذشت
و سید بن طاوس رحمه الله در کتاب اقبال گفته که در بعضی از کتب عبادات یافتم این حدیث
را که مروی بود از رسول خدا صلی الله علیه و آله هر که در این روز چهار رکعت نماز بکند هر دو
رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد این آیات را بخواند وَإِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَٰنُ
الرَّحِيمُ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ
بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ
كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ
وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ
يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرَوْنَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ حق تعالی با عطا
کند

کند از اجر و ثواب آنقدر که وصف نتوانند کرد آنرا وصف کنندگان **شب چهارم** سید در کتاب مذکور
از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده که هر که در این شب صد رکعت نماز کند هر دو رکعت بیک سلام
و در رکعت اول هر یک بعد از حمد سوره قل اعوذ برب الفلق بخواند و در رکعت دوم هر یک
بعد از حمد سوره قل اعوذ برب الناس بخواند از هر آسمانی ملکی فرود آید و بنویسد برای
او ثواب این نماز را تا روز قیامت و بیاید در موقف قیامت و حال آنکه روی او مانند ماه
شب چهارده باشد که نامه عمل او را بدست راست او دهند و حساب او را آسان گردانند **شب پنجم**
سید در کتاب مذکور از جناب مقدس رسالت پناهی صلی الله علیه و آله روایت نموده است
که هر که در این شب شش رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد
سوره قل هو الله احد بیست و پنج نوبت بخواند حق تعالی باو عطا کند ثواب چهل پیغمبر و چهل صدیق
و چهل شهید و بگذرد بر صراط چون برق لامع در حالتی که سوار باشد بر اسبی از نور **روز پنجم**
بروایت ابن عباس چنانچه شیخ در مصباح نقل نموده ولادت با سعادت حضرت امام علی نقی
علیه السلام در این روز بوده است **مولف گوید** که شیخ در کتاب مذکور **ایضا** از ابن عباس
روایت نموده که مولد آنحضرت در روز دوم این ماه بوده و سابقا مذکور شد و ممکن است
که در روایت ابن عباس رسیده باشد و بعضی وفات حضرت امام موسی کاظم علیه السلام را
نیز در این روز گفته اند و مشهور بیست و پنجم این ماه است و قول دیگر در این باب هست
که در محل خود مذکور میشود و زیارت این دو بزرگوار در این روز از نزدیک و دور مناسب است
شب ششم سید در کتاب مذکور از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده که هر که در این
شب دو رکعت نماز بکند در هر رکعت حمد یکنوبت و آیة الکرسی هفت نوبت منادی از آسمان
ندا کند که ای بنده خدا توئی دوست خدا حقا حقا و برای تست بعوض هر حرفی که قرائت کرده
در این نماز شفاعت گروهی از مسلمانان و برای تست هفتاد هزار حسنه که ثواب هر حسنه
نزد حق تعالی گرانتر باشد از کوههای دنیا **روز ششم** کفعمی رحمه الله علیه در جنة الامان
وفات حضرت امام موسی کاظم علیه السلام را در این روز نقل نموده است و باین جهت زیارت
آنحضرت از نزدیک و دور در این روز مناسب است **شب هفتم سید در کتاب** مذکور از رسول

خدا صلی الله علیه وآله روایت نموده است که هرکه در این شب چهار رکعت نماز بکند بیک سلام
ودر هر رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله احد را سه نوبت وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ
برب الناس را هر یک یک نوبت بخواند وچون فارغ شود ده نوبت صلوات بر رسول خدا صلی الله
علیه وآله بفرستد وده نوبت باقیات صالحات را بخواند که باقیات صالحات سبحان الله والحمد
لله ولا اله الا الله والله اکبر است حق تعالی اورا در سایه عرش خود جا دهد وعطا فرماید باو
ثواب کسی را که ماه رمضان را روزه داشته باشد واستغفار کنند برای او ملائکه تا آن زمان
فارغ شود وآسان شود برای او جان کندن وفشار قبر واز دنیا بیرون نرود تا منزل خود را در
بهشت مشاهده نماید وایمن گرداند حق تعالی اورا از فزع اکبر روز قیامت مولف گوید که کفعمی رحمه الله
در جنة الامان چنین نقل نموده توحید ومعوذتین سه مرتبه بوده باشد ومحتمل است که مراد
او خواندن سوره توحید ومعوذتین هر یک سه مرتبه یا خواندن توحید تکرار سه وهر یک از معوذتین
سه مرتبه بوده باشد وبر هر تقدیر با نقل سید مخالف واعتماد نقل سید بیشتر است والله تعالی اعلم
شب ششم سید در کتاب مذکور از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت کرده است که هرکه
در این شب شش رکعت نماز کند هر دو رکعت بیک سلام ودر هر رکعت بعد از حمد سوره قل هو
الله احد وقل یا ایها الکافرون وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس را هر یک سه نوبت
بخواند حق تعالی عطا فرماید باو ثواب شکر کنندگان ونام اورا بلند گرداند در میان صدیقان و
بدهد اورا بعوض هر حرفی ثواب هر صدیقی وشهیدی بوده باشد وچنان باشد که قرآن را ختم نموده باشد
در ماه رمضان وچون از قبر بیرون آید ملاقات کنند اورا هفتاد ملک که بشارت دهند اورا به بهشت
ومشایعت نمایند اورا تا به بهشت داخل شود شب هفتم سید رضی الله عنه در کتاب مذکور از رسول
خدا صلی الله علیه وآله روایت کرده است که هرکه در این شب دو رکعت نماز بکند در هر رکعتی بعد
از حمد سوره الهیکم التکاثر را پنج نوبت بخواند از جای خود حرکت نکند که حق تعالی اورا بیامرزد وعطا
میفرماید باو ثواب صد حج وصد عمره وصد غزو ومیفرستد بسوی او هزار هزار رحمت وایمن میسازد اورا
از آتش واگر تا هشتاد روز دیگر بمیرد شهید مرده باشد شب هشتم سید قدس الله روحه در
کتاب مذکور از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت کرده است که هرکه در این شب بعد از نماز مغرب

دوازده

دوازده رکعت نماز بگذارد هر دو رکعت بیک سلام ودر هر رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله احد را سه نوبت
بخواند حق تعالی بلند کند از برای او قصری بالای عمودی از یاقوت سرخ پس صحابه گفتند یا رسول الله
چه قدر است این عمود فرمود مثل ما بین مشرق ومغرب ودر آن عمود هفتصد غرفه باشد که هر غرفه
وسیع تر از دنیا باشد واین غرفها همگی از طلا ونقره ویاقوت وزبرجد باشد ودر آن قصر خانها باشد
بعدد ستارهای آسمان ودر آن خانها چیزها چند باشد که هیچ بشری وصف آن نتواند کرد روز دهم
بروایت سید بن طاوس در اقبال وروایت ابن عباس چنانچه شیخ در مصباح نقل نموده وقول
کفعمی در جنة الامان ولادت با سعادت حضرت امام محمد تقی علیه السلام را در این روز بوده
واشهر میان علما پانزدهم یا نوزدهم ماه مبارک رمضان است ونقوه اول دعائی که در نجم اول از باب
چهارم گذشت فی الجمله شهادت بر حقیقت قول اول میدهد ووفات آنحضرت بقول کفعمی رحمه الله
در جنة الامان نیز در این روز بوده واشهر میان علما آخر ماه ذی الحجه است واقوال دیگر هست
که در مواضع خود مذکور خواهد شد وچون این روز اختصاص با آنحضرت دارد زیارت آنحضرت
از نزدیک بزیارت جامعه مخصوص این ماه بزیارت مطلقه مناسب است واگر دور باشد بر بام
خانه بالا رود ودو رکعت نماز کند وبهر لفظی که انشا نماید زیارت نماید وسید در اقبال از رسول
روایت کرده است که از برای حق تعالی در هر سال دو روز دهم هر یک از اشهر حرم امر عظیمی هست
در روز دهم ذی الحجه نحر واقع میشود ودر روز دهم محرم روز عاشورا است که قضیه
سید شهدا است در آن روز واقع شده وهر ساله مصیبت آنحضرت در آن روز بر مسلمانان
تازه میشود ودر روز دهم ماه رجب حق تعالی محو میفرماید آنچه را میخواهد واثبات میفرماید
آنچه را میخواهد ودهم ماه ذی قعده الحرام در آن حدیث مذکور نیست سید گوید که در باب
دهم ماه ذی قعده در کتاب جامع الدعوات که تالیف نصر بن یعقوب دینوری است دیدم حدیثی
از رسول خدا صلی الله علیه وآله که شب دهم ماه ذی قعده حق تعالی به بنده اش نظر رحمت میفرماید
مولف گوید که چون در حدیث آخر شب دهم ماه ذی قعده واقع شده مناسب با حدیث اول
ندارد چه در حدیث اول روز دهم از اشهر حرم وارد شده وظاهرا روز دهم ماه ذی قعده از حدیث
اول ساقط شده است والله تعالی اعلم شب یازدهم سید طاب ثراه در کتاب مذکور از حضرت

رسالت صلی الله علیه و آله روایت نموده است که هر که در این شب دوازده رکعت نماز بکند هر دو رکعت
بیک سلام در هر رکعت بعد از حمد آیة الکرسی دوازده نوبت حق تعالی عطا فرماید باو ثواب کسی را که خوانده
باشد توریة و انجیل و زبور و قران مجید و هر کتابی را که فرو فرستاده بر پیغمبران خود و منادی از عرش
ندا کند که عمل را از سر گیر که امروز آمرزیده شدی روز یازدهم سید جلیل نبیل امیر محمد باقر داماد طاب
ثراه در بعضی از مولفات خود گفته که روز یازدهم ماه رجب نحس است چنانچه هر طفل که بوجود آید در
این روز نماند و هر که بیمار شود معالجه نپذیرد و خوب نشود و هر زخمی که بنشانند خشک شود و اگر
کسی در این روز بجنگ رود کشته شود و اگر بسفر رود باز نیاید و هر کاری که در این روز آغاز
بکند باتمام نرسد مولف گوید که این معنی در روایتی و حدیثی بنظر نرسید شب دوازدهم سید
رحمه الله در کتاب مذکور از حضرت خاتم المرسلین صلی الله علیه و آله الطیبین روایت کرده است که هر که
در این شب دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد آیه آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ
وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا
وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا
مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ
مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَا
نْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ده نوبت بخواند حق تعالی عطا فرماید باو ثواب امر کنندگان بمعروف
و نهی کنندگان از منکر و ثواب آزاد نمودن هفتاد بنده از فرزندان اسمعیل علیه السلام و هفتاد
رحمت باو عطا فرماید روز دوازدهم علامه ام مولانا محمد باقر مجلسی نور الله روحه
در کتاب بحار الانوار ذکر نموده که در بعضی از کتب از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام
روایت شده است که روز دوازدهم ماه رجب روز غسل است و نیکو نیست ترک نمودن هیچ کار
و عملی از اعمال دنیا در آن روز مگر خلوت گزیدن از مردم و عبادت کردن پروردگار عالمیان
و روزه داشتن شب سیزدهم و اعمال چند است اول احیا داشتن آن بعبادت و حدیث
آن در فضیلت بعد از این شب مذکور میشود دوم سید رضی الله در کتاب مذکور از رسول
خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که هر که در این شب ده رکعت نماز کند هر دو رکعت بیک

سلام

سلام و در رکعت اول هر یک بعد از حمد سوره وَالْعَادِيَاتِ و در رکعت دوم هر یک بعد از حمد
سوره أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ بخواند حق تعالی گناهان او را بیامرزد حق تعالی او را اگر چه عاق والدین باشد
و راضی شود حق تعالی از او و منکر و نکیر بنزد او نیایند و او را نترسانند و بگذرد از صراط چون برق
جهنده و نامه عمل او را بدست راست او دهند و میزان عملش ثقیل و سنگین باشد و در جنة الفردوس
هزار شهر باو عطا کنند سیم دو رکعت نماز در هر رکعت بعد از حمد سوره یس و تبارک الذی بیده
الملک و قل هو الله احد و در اعمال مشترکه ماه رجب و شعبان و ماه رمضان مذکور شد روز سیزدهم
مشهور میان مجتهدین و مورخین خاصه و عامه آنست که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز
جمعه سیزدهم این ماه بعد از سی سال از عام الفیل در میان کعبه معظمه متولد شد و در آن وقت
عمر شریف حضرت رسالت صلی الله علیه و آله بیست و هشت بود و دوازده سال و بقولی ده سال
پیش از بعثت آن حضرت بود و اقوال دیگر در این باب هست که در مواضع مناسبه مذکور میشود
و بروایت ابراهیم بن هاشم چنانچه شیخ در مصباح نقل نموده ولادت حضرت امام علی النقی علیه السلام
در روز سه شنبه سیزدهم این ماه است و چون این روز اختصاصی باین دو بزرگوار دارد زیارت
زیارت ایشان از زیارتهای مناسب آنست و سید جلیل نبیل امیر محمد باقر داماد قدس الله روحه
در بعضی از مولفات خود گفته که روز سیزدهم ماه رجب مانند روز یازدهم نحس است چنانچه
هر طفلی که متولد شود در این روز نماند و هر که بیمار شود معالجه نپذیرد و هر زخمی که بنشانند
خشک شود و هر که بجنگ رود کشته شود و هر که بسفر رود باز نیاید و کاری که در این روز
شروع شود باتمام نرسد مولف گوید که این معنی در روایتی بنظر نرسید بلکه از احادیث ظاهر
میشود که این روز بمزید فضیلت ممتاز است و روزه این بخصوص فضیلت عظیم دارد چنانچه
در اعمال روز اول مذکور شد وایضا این روز از جمله ایام البیض است و ایام البیض فضیلت عموم
بسیار دارد و روزه داشتن آنها ثواب عظیم دارد و در آخر کتاب مذکور خواهد شد و ایام البیض
ماه رجب و لیالی آنها بخصوص در میان سایر ماهها بمزید فضیلت ممتاز است چنانچه سید ابن
طاوس در اقبال از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله روایت کرده است که هر که روز سیزدهم
و چهاردهم و پانزدهم رجب را روزه دارد و بپا دارد شبهای آنها را بعبادت قسم بآنکه حق

وراستی که مرا مبعوث کرده است بنده که چنین کسی از دنیا بیرون نرود مگر با توبه نصوح و بعوض هر
روزی که روزه داشته هفتاد گناه کبیره او را آمرزیده شود و هفتاد حاجت او برآورده شود در
نزد فزع اکبر و هفتاد حاجت چون داخل قبر شود و هفتاد حاجت چون از قبر بیرون آید و هفتاد حاجت
چون میزان عمل نصب شود و هفتاد حاجت نزد صراط و بعوض هر روزی که روزه داشته چنان
باشد که هفتاد بنده از فرزندان اسمعیل علیه السلام آزاد کرده و هفتاد ختم در ترتیب قرآن ختم
نموده باشد و هفتاد سال در راه خدا مرابطه کرده و هفتاد پل در راه خدا ساخته باشد و شفاعت
او در حق هفتاد نفر از اهل بیت او که مستوجب جهنم بوده باشند مقبول شود و حق تعالی بنا کند
برای او در جنات الفردوس هفتاد هزار شهر که در هر شهری هفتاد هزار قصر و بر هر قصری هزار
حوریه و هر حوریه هفتاد هزار خادم داشته باشد و شیخ در مصباح و سید در اقبال از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام روایت نموده اند که هر که در ایام البیض ماه رجب را روزه دارد حق تعالی
برای او بعوض هر روزی ثواب روزه یکسال و عبادت یکساله را بنویسد و در روز قیامت بایستد
در محل ایمان که هیچ بیم و خوف نداشته باشد شب چهاردهم و در این شب چند چیز سنت است
اول احیا داشتن آن بعبادت چنانچه در شب سیزدهم مذکور شد دویم سید در کتاب مذکور
از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که هر که در این شب سی رکعت نماز بکند هر دو رکعت
بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله احد را یکنوبت و آیه آخر سوره کهف قل انما انا
بشر مثلکم یوحی الی انما الهکم اله واحد فمن کان یرجو لقاء ربه فلیعمل عملا صالحا و لا یشرک
بعبادة ربه احدا را بخواند بحق آنکه نفس من در قبضه قدرت اوست که اگر گناهان او زیاده از ستارگان
آسمان باشد فارغ نشود از این نماز مگر آنکه طاهر و مطهر باشد از همه گناهان و چنان باشد که تازه زاده
باشد هر گناهی را که حق تعالی فرو فرستاده است سیم چهار رکعت نماز هر دو رکعت بیک سلام و در
هر رکعت بعد از حمد سوره یس و تبارک و قل هو الله احد هر یک یک مرتبه و در اعمال مشترکه رجب
و شعبان و ماه رمضان گذشت روز چهاردهم روزه این روز مستحب موکد است چنانچه گذشت
شب پانزدهم این شب در میان لیالی بیض این ماه مزید فضیلت و برکت امتیاز دارد و سید بن
طاوس رضی الله عنه در اقبال از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده است که چون شب

نیمه

نیمه رجب داخل شود حق تعالی امر فرماید خازنان دیوان خلایق و کاتبان اعمال ایشان را که نظر کنند
در دیوان بندگان من و هر گناهی را که بیابید محو کنید و بجای آن حسنات را بنویسید و اعمال این
شب بسیار است اول احیا داشتن آن بعبادت چنانچه گذشت در شب سیزدهم و چهاردهم
و بخصوص این شب فضیلت آن زیاده است چنانچه صاحب کتاب تنزیه القلوب از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود که احیا کنید شب نیمه ماه رجب را که حق تعالی بذات مقدس
خود سوگند یاد کرده که در این شب هیچ سائلی را از درگاه خود رد نکند پس هر که از شما که در این
شب دعا کند طلب نکند از خدا امر حرامی را و در این شب بسیار استغفار کنند که هر که در شب
نیمه رجب یا روز نیمه رجب هزار نوبت استغفار کند حق تعالی بیامرزد گناهان او را در میانه این ما
و ماه رجبی اینکه با ماه رجب گذشته و او را در وقت مرگ از عذاب قبر نگاه دارد دویم
غسل بنا بر احتمالی و در اعمال شب اول مذکور شد سیم بسیار استغفار از گناهان خود کردن
و اگر هزار نوبت استغفار کرده شود ثواب عظیم تر است و در عبادت استغفار استغفر الله کافی
است و اگر بگوید استغفر الله ربی و اتوب الیه هفتاد و استغفر الله ربی و اتوب الیه افضل
و کامل تر است چهارم سید رضی الله عنه در کتاب مذکور از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده
است که هر که در این شب سی رکعت نماز بگزارد هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد سوره
قل هو الله احد را ده نوبت بخواند فارغ نشود از این نماز مگر آنکه عطا کرده شود ثواب هفتاد
شهید و بیاید روز قیامت در حالتی که نور او روشنی دهد گروهی را از اهل محشر که مجتمع شده
باشند در موقفی ما بین مکه و مدینه و عطا فرماید باو حق تعالی برائت از آتش جهنم و برائت
از نفاق و رفع نماید از او عذاب قبر را و ایضا در اقبال این نماز را بسند دیگر از آنحضرت روایت
کرده و در آن حدیث چنین است که هر که در این شب این نماز را بکند حق تعالی او را از آتش جهنم
آزاد کند و برای او بعوض هر رکعتی عبادت چهل شهید را بنویسد و عطا فرماید باو بعوض هر آیه
دوازده نور و بنا کند برای او بعوض هر سوره از قل هو الله که خوانده باشد دوازده شهر از مشک
و عنبر و بنویسد برای او ثواب هر که روزه داشته و نماز گذارده باشد در این ماه از مرد و زن
و اگر بمیرد تا سال آینده شهید مرده باشد و حفظ کرده شود از فتنه قبر مولف گوید که سید در مصباح

الزائر بتقریب زیارات نیمه رجب بقیه اعمال شب نیمه و روز را نیز ذکر نموده و از جمله اعمال شب نیمه این
نماز را ذکر نموده و سوره قل هو الله احد را یازده مرتبه نقل نموده و کفعمی در جنة الامان سوره قل هو
الله احد را یازده مرتبه نقل نموده و ظاهر اینجه در اقبال است اصح است و سید در مصباح الزائر و کفعمی
هر دو سهوی نموده اند و یا کویا منشأ این سهو آنست که عبارت حدیث چنان است که قل هو الله احد عشر مرات
و سید و کفعمی لفظ احد را جزو قل هو الله نگرفته بلکه با لفظ عشر ترکیب نموده احد عشر خوانده اند و جد
علامه امام مولانا محمد تقی مجلسی در این مقام مطابق اقبال نقل نموده است و الله تعالی یعلم **پنجم** شش رکعت
نماز هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد سوره یس و تبارک و قل هو الله احد و در اعمال
مشترکه رجب و شعبان و ماه رمضان مذکور شد **ششم شیخ طوسی رحمه الله** در مصباح بسند صحیح از
حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت نموده که آنحضرت بداود بن سرحان فرمود که
در شب نیمه رجب دوازده رکعت نماز میکنی هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعتی بعد از حمد هر
سوره که خواهی و چون فارغ شدی از نماز هر یک از سوره حمد و معوذتین و قل هو الله احد و آیة الکرسی
را چهار نوبت میخوانی و بعد از آن چهار نوبت میگوئی سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر
پس یک نوبت میگوئی الله الله ربی لا اشرک به شیئا و ما شاء الله لا قوة الا بالله العلی العظیم و در
شب هفتم این ماه نیز این عمل را بعضی نحو بجا می آورند و شیخ بعد از آن نقل این روایت میکوید که ابن
ابی عمیر گفته که در روایت دیگر وارد شده که بعد از دوازده رکعت سوره حمد و معوذتین و قل هو الله
احد و قل یا ایها الکافرون را هر یک هفت نوبت میخوانی و بعد میگوئی الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا
و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا **پس میگوئی بعد از این**
اللهم انی اسئلک بمعاقد عزک علی ارکان عرشک و منتهی الرحمة من کتابک و اسمک الاعظم
الاعظم الاعظم و ذکرک الاعلی الاعلی الاعلی و کلماتک التامات کلها ان تصلی علی محمد و آله
و اسئلک ما کان اوفی بعهدک و اقضی لحقک و ارضی لنفسک و خیر الجزاء فی المعاد عندک و
المعاد الیک ان تعطینی الساعة الساعة کذا و کذا و بجای کذا و کذا حاجت خود را مطلبی و هر
دعا که خواهی میکنی **مؤلف گوید که** در روایت ابن ابی عمیر مذکور نیست که این عمل مخصوص شب
نیمه است یا در شب بیست و هفتم نیز باید کرده شود و در عبارت هر دو احتمال میرود و احوط
انست

انست که در شب بیست و هفتم نیز این عمل کرده شود و سید بن طاوس قدس الله روحه در کتاب
اقبال طریق اول این عمل را مخصوص شب نیمه ذکر نموده و در کتاب مصباح الزائر هر دو طریق را
مخصوص شب نیمه نقل نموده است لیکن طریق اول را بخلاف نقل نموده با آنچه در اقبال و شیخ در مصباح
ذکر نموده است زیرا که در طریق اول گفته که بعد از آن انکه سوره مذکوره و آیة الکرسی را چهار نوبت
بخوانی بگو لا اله الا الله و الله اکبر و الحمد لله و سبحان الله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی
العظیم و ظاهر آنست در مصباح الزائر سهوی نموده زیرا که در شب بیست و هفتم دوازده رکعت نماز بطریق
دیگر منقول است که سید در اقبال ذکر نموده و بعد از این ایراد خواهیم نمود و بعد از آن نماز اذکار با این
کیفیت وارد شده و چون عادت سید بوده که در تالیفات گاهی از حفظ املاء مینموده و کاتب مینوشته
است چنانچه در چندین موضع از کتاب اقبال و غیر آن تصریح باین معنی نموده است بنا بر این ظاهر
انست که در این موضع از مصباح الزائر نیز چنین شده باشد و الفاظ این دو ذکر بیکدیگر اشتباه شده
باشد و بنا بر این که سید جلیل نبیل میر محمد باقر داماد رحمه الله در بعضی از مؤلفات این طریق اول این
عمل را ذکر نموده و تسبیحات اربع را مطلقا نقل ننموده و ذکر اخیر را که الله الله ربی تا آخر است یکمرتبه
نقل نموده و گفته است که اگر چهار نوبت خوانده شود بهتر است و گویا او نیز از حفظ این عمل را نقل کرده و باین
جهت سهوی نموده است و الله تعالی یعلم **هفتم بعضی گفته اند** که زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در
این شب مستحب است و روایتی که صریح در این باب باشد بنظر نرسید و تفصیل این معنی در اعمال روز
این شب مذکور میشود و لیکن چون این شب از لیالی متبرکه است اگر زایر در کربلای معلی حاضر باشد
زیارتی که در روز این شب مذکور میشود یا زیارت جامعه که در عمل نهم از باب چهارم مذکور
شد یا بسایر زیارات مطلقه آنحضرت را زیارت نماید و اگر دور باشد زیارت بعیدی که در
اعمال شب اول مذکور شد یا بسایر زیارات بعیده منقوله زیارت نماید **روز بیست و هفتم شیخ**
طوسی طاب ثراه در مصباح گفته است که در این روز رسول خدا صلی الله علیه و آله از شعب
ابی طالب علیه السلام بیرون آمد و در این روز بعد از پنجاه روز از هجرت حضرت فاطمه صلوات
الله علیها را بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه تزویج نمود و در عقد ملائکه شاهد شدند
و سن شریف حضرت فاطمه صلوات الله علیها را در آن وقت سیزده سال بود و بعضی نه سال بروایتی

وده سال بر نابعی بوده و روایات دیگر در باب سن شریف آنحضرت نیز وارد شده است و در این روز
تحویل قبله از بیت المقدس بسوی کعبه واقع شد و مردم در نماز عصر بودند کی کی رو بدند از بیت المقدس
بسوی بیت الحرام و بعضی از نماز ایشان بجانب بیت المقدس و بعضی بجانب بیت الحرام واقع شد مولف
گوید که شیخ طوسی رحمه الله در کتاب امالی زفاف حضرت امیر المؤمنین و فاطمه علیهما السلام را
در ماه شوال نقل نموده و بعضی سه شنبه ششم ماه ذی حجه گفته اند و صاحب کشف الغمه از حضرت
صادق علیه السلام روایت کرده است که تزویج در ماه مبارک رمضان و زفاف در ذی حجه بود و بعضی
از محققین ماه محرم از سال سیم هجرت نقل نموده اند و بعضی وفات حضرت صادق علیه السلام را
نیز در بیان ده هم رجب نقل نموده اند و اشهر آنست که در ماه شوال واقع شده و بهر تقدیر زیارت آن
بزرگواران در این روز از نزدیک و دور مناسب است و روزه این روز تاکیدش زیاده از دو روز سابق
است و بعضی از روایات داله بر این معنی سابق مذکور شد و بعضی بعد از این در ضمن بیان اعمال
مذکور میشود و اعمال این روز بسیار است اول غسل بنا بر احتمال اظهر چنانچه در اعمال شب اول مذکور
شد و بعد از این نیز مذکور میشود دوم آنچه در این حدیث شریف وارد شده است که سید بن طاوس
قدس الله روحه در کتاب اقبال از ابن عباس روایت نموده است که حضرت آدم علیه السلام از حق تعالی
مسئلت نمود که بپرسد کدام اخبر دهد مرا بمحبوب ترین روزها و وقتها نزد تو پس وحی نمود حق تعالی
بسوی او که ای آدم محبوب ترین اوقات بسوی من روز نیمه رجب است ای آدم تقرب جو بسوی من در
روز نیمه رجب بقربان و ضیافت نمودن و روزه داشتن و دعا و استغفار و گفتن لا اله الا الله
ای آدم بدرستی که قضا کرده ام در آنچه قضا کرده ام و نوشته ام در آنچه نوشته ام آنکه مبعوث
گردانم از فرزندان پیغمبری که غلیظ القلب و سنگین دل نباشد و او را در بازوهای بلند کرده
و بر باد و مهربان و صاحب کرم و صاحب برکت عظیم باشد و مخصوص گردانم او را بروز نیمه رجب
پس سؤال نکنند ایشان در آن روز از من چیزی مگر آنکه عطا کنم آن را بایشان و طلب آمرزش نکنند مگر
آنکه بیامرزم ایشان را و طلب روزی نکنند مگر آنکه روزی دهم ایشان را و از گناهان توبه نکنند مگر
آنکه توبه ایشان را قبول کنم و طلب رحمت نکنند مگر آنکه رحمت کنم بر ایشان ای آدم بدرستی که
هر که صبح کند روز نیمه رجب را در حالتی که روزه باشد مشغول ذکر الهی و با خشوع باشد و معاف

علیه

نماید فرج خود را در این روز از مال خود چیزی تصدق کند نباشد جزای او نزد من مگر بهشت ای آدم بگو
بفرزندان خود که نگاه دارند خود را در ماه رجب از گناهان بدرستی که گناه در این ماه بسیار بزرگ است عظیم است
مولف گوید که مخفی نماند که از این حدیث شریف هشت عمل در این روز مستفاد میشود اول تقرب
جستن بقربان بجناب حق تعالی و لفظ قربان در لغت عرب بمعنی هر چیز است که بآن قصد قرب و نزدیکی
برحمت الهی کنند از اعمال خیر و گاهی بر قربانی که گشتن گوسفند یا امثال آن است که در راه خدا نیز
اطلاق میکنند و در این مقام هر دو محتمل است و بنا بر معنی اول شامل نماز و دعا و تصدق و سایر اعمال
خیر همگی هست دویم ضیافت نمودن سیم روزه داشتن و مخفی نیست که روزه بودن با ضیافت
نمودن جمع نمیشود و ظاهر آنست که مراد از ضیافت کردن طلبیدن مؤمنان برای افطار باشد چهارم
دعا هر لفظی که واقع شود خوب است و اگر ادعیه منقوله خوانده شود بهتر است پنجم استغفار و آن
لفظی است که دلالت بر طلب مغفرت کند مانند استغفر الله و اگر ربی و اتوب الیه اضافه شود
تمام تر است و اگر هزار مرتبه گفته شود ثواب آن عظیم تر است چنانچه در حدیثی که از تنزیه القلوب در
فضیلت احیای شب این روز نقل شد مذکور است ششم گفتن لا اله الا الله هفتم محافظت
نمودن فرج از همه انواع تمتعات حرام و حلال خواه بطریق مجامعت باشد یا غیر آن و مراد از محافظت
نمودن فرج در این حدیث این معنی است آنه مخصوص مجامعت چه روزه داشتن این روز مستلزم ترک
مجامعت است هشتم تصدق نمودن و الله تعالی یعلم سیم خواندن سوره قل هو الله احد هزار نوبت
صاحب کتاب تنزیه القلوب از ابو سعید خدری روایت کرده که گفت داخل شدم بر رسول خدا صلی
الله علیه و آله در روز اول ماه رجب چون نظر مبارکش بر من افتاد فرمود که ای ابو سعید چه
نیکو ناحیت این ماه رجب بسیار است خیر و نیکی این ماه یا رسول الله فرمود که خبر داد مرا جبرئیل
علیه السلام که چون شب اول ماه رجب شود منادی ندا کند در آسمانها که اینک ماه توبه داخل شد
پس خوشا حال کسی که طلب آمرزش کند از خدا در این ماه ای ابو سعید هیچ بنده در این ماه طلب
آمرزش نکند مگر آنکه حق تعالی بیامرزد او را ای ابو سعید در این ماه روزی هست عرض کردم
که کدام روز است آن روز یا رسول الله فرمود که آن روز نیمه رجب است گفتم فدای تو شوم پدر و مادرم
یا رسول الله چه ثواب است برای آن روز فرمود که بدرستی که حق تعالی در این روز مطلع میشود بر همه

اهل زمین و هیچ مرد مؤمنی یا زن مؤمنه نماند مگر آنکه حق تعالی او را اجر دهد و ابی بن سعید هرکه
که روز نیمه رجب را روزه دارد روزه او کفاره گناهان دویست ساله او باشد و عبادت شب آن
روز برابر باشد با عبادت هزار شب و اگر تو دریابی این روز را در خواهی یافت یکی دیگر آن
روز هزار نوبت سوره قل هو الله احد را بخوان زیرا که هرکه در این روز هزار نوبت قل هو الله احد
بخواند بنا کند حق تعالی برای او در بهشت هزار قصر در قصری هزار خانه و در هر خانه هزار صفه و در
هر صفه هزار غرفه و در هر غرفه هزار کرسی و در هر کرسی هزار فرش و در هر فرشی هزار حوری
هزار خادم که بهتر از ماه باشد و موکل گرداند حق تعالی با چهل هزار ملک که صلوات بر او فرستند تا
روز قیامت و هرکه زیاده از این بخواند حق تعالی ثواب را زیاده دهد چهارم ده رکعت نمازی که
سلمان رضی الله عنه از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است و کیفیت آن در اعمال روز
اول مذکور شد پنجم سید بن طاوس طاب ثراه در اقبال بسند معتبر از حضرت امام جعفر
صادق صلوات الله علیه روایت کرده است که روزی عدی بن ثابت انصاری در روز نیمه رجب
داخل شد بر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در حالتی که آن حضرت مشغول نماز بود چون حضرت
دانست که او داخل شده بدست مبارک خود اشاره فرمود که بایست عدی بن ثابت میگوید که پس
ایستادم و دیدم که حضرت چهار رکعت نماز کرد و من احدی را ندیدم پیش از آن حضرت بعد از آن
حضرت که این نماز را بکند و چون سلام نماز داد فرمود دست مبارک را گشود و این دعا را خواند که
اللهم یا مذل کل جبار و معز المؤمنین انت کهفی حین تعیینی المذاهب و انت بارئ خلقی رحمة
بی و قد کنت عن خلقی غنیا و لولا رحمتک لکنت من الهالکین و انت مؤیدی بالنصر علی اعدائی
و لولا نصرک ایای لکنت من المقبوحین المفضوحین یا مرسل الرحمة من معادنها و منشئ البرکة من
مواضعها یا من خص بالشموخ و الرفعة فاولیاؤه بعزه یتعززون یا من وضعت له الملوک
نیر المذلة علی اعناقها فهم من سطواته خائفون اسئلک بکینونیتک التی اشتققتها من
کبریائک و اسئلک بکبریائک التی اشتققتها من عزتک و اسئلک بعزتک التی استویت بها
علی عرشک فخلقت بها جمیع خلقک فهم لک مذعنون ان تصلی علی محمد و اهل بیته پس امیر المؤمنین
تکلم فرمود که من از آن نشنیدم و بعد از آن بمن التفات فرمود و گفت ای عدی آیا شنیدی گفتم بلی فرمود

الحفظ

آیا حفظ کردی گفتم بلی فرمود که حفظ کن این دعا را و اعراب کن پس بآن خدائی که دانه را شکافته
و کعبه را نصب کرده و خلایق را خلق کرده است که نیست این دعا نزد احدی از اهل زمین و نخوانده است
این دعا را هیچ مکروب غمگینی مگر آنکه حق تعالی کرب و اندوه او را زایل کرده است مؤلف گوید که باید
نماز مذکور بدو سلام واقع شود و در هر رکعت حمد و هر سوره که خواهد بخواند و از سیاق حدیث
معلوم میشود که دعای مذکور لازم نیست که بعد از این نماز خوانده شود بلکه در هر وقتی برای هر مطلبی
و مهمی اگر خوانده شود باعث نجاح مقرون میگردد بلکه دور نیست که نماز مذکور نیز اختصاص بروز نیمه
این ماه نداشته باشد و در سایر اوقات نیز توان بجا آورد والله تعالی یعلم ششم ایضا سید رحمه الله
در اقبال از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله روایت نموده است که هرکه در روز نیمه رجب در
وقت ارتفاع آفتاب پنجاه رکعت نماز بگذارد هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی بعد از حمد سوره
قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس هر یک یک نوبت بخواند بیرون آید از
گناهان خود مانند روزی که از مادر متولد شده باشد و محشور شود از قبر با شهیدان و داخل شود بهشت
با پیغمبران و معذب نشود در قبر و تنگی قبر و تاریکی قبر از آن برداشته شود و بیرون آید از
قبر و حال آنکه روی او درخشنده باشد هفتم شیخ طوسی رحمه الله در مصباح بسند خود از ریان
بن الصلت روایت کرده است که گفت حضرت امام محمد تقی علیه السلام در وقت اقامت به بغداد
روز نیمه رجب و روز بیست و هفتم آن را روزه داشت و جماعتی که با آن حضرت همراه بودند همگی
این روز داشتند و امر فرمود ما را که بجا آوریم دوازده رکعت نماز را که با این کیفیت است که هر
دو رکعت بیک سلام میکنی و در هر رکعتی بعد از حمد هر سوره که خواهی پس چون فارغ شدی سوره
حمد و سوره قل هو الله احد و معوذتین هر یک را چهار نوبت میخوانی پس چهار نوبت میگوئی لا اله
الا الله و الله اکبر و سبحان الله و الحمد لله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و چهار نوبت
الله الله ربی لا اشرک به شیئا و چهار نوبت میگوئی لا اشرک بربی احدا شیخ طوسی در مصباح
و سید بن طاوس در اقبال و علامه حلی در منهاج الصلاح و سید بن باقی در مصباح این عمل را
در روز بیست و هفتم نقل نموده اند و گویا از عبارت حدیث چنین فهمیده اند که این نماز مخصوص
روز بیست و هفتم است چون عبارت ذکر نماز متصل بروزه آن روز مذکور است و ظاهر سیاق

حدیث چنانچه بر متأمل پوشیده نیست آن است که این عمل در هر روز و ... باشد والله تعالی یعلم

هشتم عمل مشهور بعمل استفتاح که مشتمل است بر دعای ام داود ابن بابویه و شیخ طوسی و سید بن طاوس و علامه حلی و کفعمی قدس الله ارواحهم و دیگران بسندهای معتبر روایت کرده اند که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام این عمل را بام داود تعلیم فرمود بجهت تخلیص داود پسرش از حبس و روایات بسیار متعدد است و بعضی بحضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه و بعضی بام داود منتهی میشود و صورت حکایت این حال چنانچه از مجموع روایات مستفاد و مضمون اکثر است در اقبال مذکور است که ام داود مادر داود بن الحسن بن الحسن بن امیر المؤمنین علیه السلام که پسرزاده حضرت امام حسن علیه السلام است دایه حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بود و بشیر داود آن حضرت را شیر داده بود و چون محمد بن عبد الله بن الحسن در مدینه خروج کرد و منصور دوانقی علیه اللعنه لشکری فرستاد و او را کشتند و ابراهیم برادر محمد را نیز شهید کردند و عبد الله بن الحسن پدر ایشان را با جمعی از سادات را گرفته با غل و زنجیر از مدینه بعراق بردند و داود نیز در میان ایشان بود ام داود گوید که چون مدتی از حبس فرزندم گذشت و از او خبری نمی رسید بسیار دعا و تضرع میکردم و از برادران مؤمن دیانت شعار و صلحا و متعبدان زهادت آثار التماس دعا مینمودم و مطلقا اثر اجابت نمی یافتم و گاهی خبری بمن میرسید که داود را کشتند و گاهی میگفتند که او را با اهل ... او در زیر عمارت زنده گذاشتند و روز بروز مصیبت من عظیم تر و اندوه من بیشتر میشد تا آنکه از غم گداختم و پیر شدم و از ملاقات او مأیوس گردیدم تا آنکه روزی شنیدم که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام را آزاری عارض شده است بعیادت آن حضرت رفتم چون احوال آن بزرگوار را گرفتم و او را دعا کردم و خواستم برگردم حضرت فرمود که از داود چه خبر داری و من شیر داود را با آن حضرت داده بودم چون نام داود را شنیدم گریستم و گفتم فدای تو شوم داود کجاست او در عراق محبوس است و من قطع امید از او کرده ام و از شما التماس میکنم که او را دعا کنید که او بدعای شما نجات ... حضرت فرمود چرا غافلی از دعای استفتاح و دعای اجابت و نجاح و آن دعائی است که درهای آسمان بآن گشوده میشود و ملائکه استقبال میکنند کسی را که این دعا را بخواند و بشارت میدهند او را بالاجابت و آن دعائی است که از مجیب الدعوات محجوب

نگرداند

عمل کند و خواند او را جزای بغیر از جنت نمی باشد ام داود گفت که ... پاکیزه ... است که چگونه است این دعا حضرت فرمود ای مادر داود ماه حرام یعنی ماه رجب نزدیک شده است و آن ماهی است مبارک و حرمت آن عظیم است و دعاها در آن مستجاب است چون آن ماه درآید روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم از آن که ایام البیض آن ماه است روزه بدار پس حضرت کیفیت آن عمل را باو تعلیم نموده و فرمود که این دعا را حفظ کن و بهمه کس تعلیم مکن که میترسم بدست کسی افتد که برای امر باطل و نامشروعی بخواند بدرستی که این دعای بسیار شریفی است و مشتمل است بر اسم اعظم الهی و هر که بخواند البته برآورده میشود و اگر درهای آسمان و زمین همه بسته شود یا دریاها همه حایل باشند میان تو و مطلب تو چون این دعا را بخوانی البته حق تعالی آسان میگرداند رسیدن ترا بمطلب تو و حاجت ترا برمی آورد و هر که این دعا را بخواند خدا مستجاب میگرداند خواه مرد و خواه زن و اگر جن و انس همه دشمن فرزند تو باشند خداوند عالم کفایت شر ایشان را میکند و زبان ایشان را می بندد و ایشان را منقاد فرزند تو میگرداند ام داود گفت که نوشتم این دعا را و بخانه برگشتم چون ماه رجب داخل شد آنچه آن حضرت فرموده بود بعمل آوردم و در شب شانزدهم نماز شام و خفتن را ادا کردم و از روزه افطار نمودم و قدری عبادت کردم و بخواب رفتم و آن شب در خواب دیدم حضرت رسالت صلی الله علیه و آله را با جمیع جماعتی که در این دعا بر ایشان صلوات فرستاده بودم از ملائکه و پیغمبران و حضرت رسول صلی الله علیه و آله بمن خطاب فرمود که ای مادر داود بشارت باد ترا که این جماعت که می بینی همه برادران و یاران و شفیعان تواند و از برای تو طلب آمرزش میکنند و بشارت میدهند ترا باینکه حاجت تو برآورده است پس بشارت باد ترا بآمرزش خدا و خدا ترا جزای خیر دهد و شاد باش که حق تعالی حفظ میکند برای تو فرزند ترا و او را بتو بر میگرداند انشاء الله تعالی ام داود گفت که از خواب بیدار شدم و بعد از آن نگذشت زمانی که مکث بقدر آنکه سواری تندرو از عراق بمدینه آید که داود بسوی من آمد چون سؤال کردم از حال او گفت ای مادر من در عراق محبوس بودم در زندان بسیار تنگی و بند و زنجیر من بسیار سنگین بود و از خلاصی ناامید بودم تا روز نیمه رجب چون شب شد در خواب دیدم که بلندیهای زمین پست شد و ترا دیدم که بر روی حصیر نماز خود نشسته بودی و بر دور تو مردی چند بود که

سرهای ایشان در آسمان و پاهای ایشان در زمین بود و تسبیح و تقدیس خدا میکردند پس یکی از ایشان
که از همه خوشروتر و خوشبوتر و جامه‌های بسیار پاکیزه در بر داشت و گمان کردم که جدّ م
حضرت رسالت صلی الله علیه و آله است خطاب کرد با من که بشارت باد تو را ای فرزند
عجوزهٔ صالحه که حق تعالی دعای مادر تو را در حق تو مستجاب کرد چون بیدار شدم دیدم که رسولان
منصور دوانیقی بر در زندان حاضر شده بطلب من آمده بودند در میان شب مرا بنزد او بردند
پس امر کرد که زنجیرها را از من برداشتند و ده هزار درهم که زیاده از هزار تومان بود بحساب
آن زمان بمن عطا کرد و امر کرد که مرا بر چهارپای رهواری سوار کردند و در نهایت سرعت
بمدینه آوردند ام داود گفت که من داود را بخدمت حضرت صادق ع بردم حضرت بداود
فرمود که سبب خلاصی تو آن بود که منصور حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه را در خواب
دید که با او گفت که رها کن فرزند مرا و اگر نکنی ترا در آتش می‌اندازم چون نظر کرد در پای
انثی دید دریای آتش پس از دهشت بیدار شد و از کرده خود پشیمان گردید و تو را رها کرد
و اما کیفیت این عمل شریف چنانچه در روایات سید بن طاوس مذکور و در اقبال نقل نموده
آن است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که در ماه رجب روز سیزدهم و چهاردهم
و پانزدهم را روزه بدار و در روز پانزدهم در وقت زوال غسل بکن پس هشت رکعت نافلهٔ ظهر را
بجا آور و برادرینی و قنوت و رکوع و سجود آنها را نیکو بکن پس نماز ظهر را بگذار و بعد از آن
نماز ظهر دو رکعت نماز بکن بهر سوره که خواهی و بعد از آن صد مرتبه بگو یا قاضی حوائج الطالبین
پس هشت رکعت نافلهٔ عصر را بکن و بروایتی در هر رکعت از این هشت رکعت بعد از حمد سوره قل
هو الله احد را سه مرتبه و سوره انا اعطیناک الکوثر یکنوبت بخوان پس نماز عصر را بکن و باید
که نماز تو در جامهٔ پاکیزه باشد و بروایتی چون از نماز عصر فارغ شوی بپوش پاکیزه‌ترین جامه‌ها
خود را و بنشین در حجرهٔ پاکیزه بر روی حصیر پاکی و سعی کن که داخل نشود بر تو کسی که ترا مشغول
کند پس رو بقبله کن و سوره حمد و قل هو الله احد را هر یک صد نوبت و آیة الکرسی را ده نوبت
بخوان پس سوره انعام و بنی اسرائیل و کهف و لقمان و یس و صافات و حم سجده و حم عسق و حم
دخان و انا فتحنا و اذا وقعت و تبارک الذی بیده الملک و ن والقلم و اذا السماء انشقت تا آخر قرآن

بخوان

بخوان و اگر نیکو ندانی این سوره‌ها را از قرآن نیکو ندانی و نتوانی بنیکو نتوانی بخواند سوره قل هو الله
احد را هزار مرتبه بخوان پس سید گوید که شیخ ما شیخ مفید رضی الله عنه گفته است که هرگاه نیکو
نتوانی خواند این سوره‌های مخصوصه را یا طاقت خواندن آنها نداشته باشی پس سوره حمد را صد
نوبت و آیة الکرسی را ده نوبت و قل هو الله احد را هزار نوبت بخوان و من در بعضی از روایات
دیده‌ام که سوره قل هو الله احد صد مرتبه مجرب است و این روایات بر حال ضرورت یا سفر یا مهمی
دیگر از مهمات محمول است پس حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در یکی از روایات فرمود
که چون فارغ شدی از خواندن آنها بخوان این دعا را رو بقبله بسم الله الرحمن الرحیم
صدق الله العظیم الذی لا اله الا هو الحی القیوم ذو الجلال والاکرام الرحمن الرحیم الحلیم الحکیم
الکریم الذی لیس کمثله شیء وهو السمیع العلیم البصیر الخبیر شهد الله انه لا اله الا هو والملائکة
واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم ان الدین عند الله الاسلام وبلغت رسله
الکرام وانا علی ذلک من الشاهدین اللهم لک الحمد ولک المجد ولک العز ولک الفخر
ولک القهر ولک النعمة ولک العظمة ولک الرحمة ولک المهابة ولک السلطان ولک
البهاء ولک الامتنان ولک التسبیح ولک التقدیس ولک التکبیر ولک التهلیل ولک ما
یری ولک ما لا یری ولک ما فوق السموات العلی ولک ما تحت الثری ولک الارضون
السفلی ولک الآخرة والاولی ولک ما ترضی به من الثناء والحمد والشکر والنعماء اللهم صل
علی جبرئیل امینک علی وحیک والقوی علی امرک والمطاع فی سمواتک ومحال کراماتک
المتحمل لکلماتک الناصر لانبیائک المدمر لاعدائک اللهم صل علی میکائیل ملک رحمتک
والمخلوق لرأفتک والمستغفر المعین لاهل طاعتک اللهم صل علی اسرافیل حامل احد حملة
عرشک وصاحب الصور المنتظر لامرک والوجل المشفق من خیفتک اللهم صل علی حملة
العرش الطاهرین وعلی السفرة الکرام البررة الطیبین وعلی ملائکتک الکرام
الکاتبین وعلی ملائکة الجنان وخزنة النیران وملک الموت والاعوان یا ذا الجلال والاکرام
اللهم صل علی ابینا آدم بدیع فطرتک الذی کرمته بسجود ملائکتک وابحته جنتک اللهم
صل علی امنا حواء المطهرة من الرجس المصفاة من الدنس المفضلة من الانس المترددة

بين جمال القدس اللهم صل على هابيل وشيث وادريس ونوح وهود وصالح وابرهيم
واسمعيل واسحق ويعقوب ويوسف والاسباط ولوط وشعيب وايوب وموسى وهرون
ويوشع وميشا والخضر وذي القرنين ويونس والياس واليسع وذا الكفل وطالوت وداود
وسليمان وزكريا وشعيا ويحيى وتورخ ومتى وارميا وحيقوق ودانيال وعزير
وعيسى وشمعون وجرجيس والحواريين والاتباع وخالد وحنظلة ولقمان اللهم صل على
محمد وال محمد وارحم محمدا وال محمد وبارك على محمد وال محمد كما صليت ورحمت وباركت
على ابرهيم وال ابرهيم انك حميد مجيد اللهم صل على الاوصياء والسعداء والشهداء
وائمة الهدى اللهم صل على الابدال والاوتاد والسياح والعباد والمخلصين والزهاد
واهل الجد والاجتهاد واخصص محمدا واهل بيته بافضل صلواتك واجزل كراماتك
وبلغ روحه وجسده مني تحية وسلاما وزده فضلا وشرفا وكرما حتى تبلغه اعلى درجات
اهل الشرف من النبيين والمرسلين والافاضل المقربين اللهم وصل على من سميت ومن لم
اسم من ملائكتك وانبيائك ورسلك واهل طاعتك واوصل صلواتي اليهم والى ارواحهم
واجعلهم اخواني فيك واعواني على دعائك اللهم اني استشفع بك اليك وبكرمك
الى كرمك وبجودك الى جودك وبرحمتك الى رحمتك وباهل طاعتك اليك واسئلك
اللهم بكل ما سئلك به احد منهم من مسالة شريفة غير مردودة وبما دعوك به من
دعوة مجابة غير مخيبة يا الله يا رحمن يا رحيم يا حليم يا كريم يا عظيم يا جليل يا منيل يا جميل
يا كفيل يا وكيل يا مقيل يا مجير يا خبير يا منير يا منيع يا مديل يا محيل يا كبير يا قدير يا بصير
يا شكور يا بر يا طهر يا طاهر يا قاهر يا ظاهر يا باطن يا ساتر يا محيط يا مقتدر يا حفيظ
يا متجبر يا مجيب يا قريب يا ودود يا حميد يا مجيد يا مبدئ يا معيد يا شهيد يا محسن يا مجمل
يا منعم يا مفضل يا قابض يا باسط يا هادي يا مرسل يا مرشد يا مسدد يا معطي يا مانع
يا دافع يا رافع يا باقي يا واقي يا خلاق يا وهاب يا تواب يا فتاح يا نفاح يا مرتاح يا من بيده
كل مفتاح يا نفاع يا رؤف يا عطوف يا كافي يا شافي يا معافي يا مكافي يا وفي يا مهيمن يا عزيز
يا جبار يا متكبر يا سلام يا مؤمن يا احد يا صمد يا نور يا مدبر يا فرد يا وتر يا قدوس يا ناصر

يا مونس

يا مونس يا باعث يا وارث يا عالم يا حاكم يا بادئ يا بادي يا هادي يا متعالي يا مصور يا مسلم يا
متحبب يا قائم يا دائم يا عليم يا حكيم يا جواد يا باري يا بار يا سار يا عدل يا فاصل يا ديان
يا حنان يا منان يا سميع يا بديع يا خفير يا مغير يا ناشر يا غافر يا قديم يا مسهل يا ميسر يا مميت
يا محيي يا نافع يا رازق يا رزاق يا مقتدر يا مقتدر يا مسبب يا مغيث يا مغني يا مقني يا خالق
يا راصد يا واحد يا جابر يا حاضر يا حافظ يا شديد يا غياث يا عائد يا قابض **ودر بعضی روایات**
این زیادت نیز هست يا منيب يا مبين يا طاهر يا محبب يا متفضل يا مستجيب يا عادل يا بصير يا
مؤمل يا مبدي يا مسدي يا اواب يا وافي يا راصد يا راشد يا ملك يا رب يا مذل يا معز يا
ماجد يا رازق يا ناجي يا فاضل يا سبحان يا من علا فاستعلى فكان بالمنظر الاعلى يا من قرب
فدنى وبعد فنأى وعلم السر واخفى يا من اليه التدبير وله المقادير ويا من العسير عليه
سهل يسير ويا من هو على ما يشاء قدير يا مرسل الرياح يا فالق الاصباح يا باعث الارواح يا
ذا الجود والسماح يا راد ما قد فات يا ناشر الاموات يا جامع الشتات يا رازق من يشاء بغير
حساب ويا فاعل ما يشاء كيف يشاء ويا ذا الجلال والاكرام يا حي يا قيوم يا حي حين لا حي
يا حي يا محيي الموتى يا حي لا اله الا انت بديع السموات والارض يا الهي وسيدي صل على محمد
وال محمد وارحم محمدا وال محمد وبارك على محمد وال محمد كما صليت وباركت ورحمت وترحمت
على ابرهيم وال ابرهيم انك حميد مجيد وارحم ذلي وفاقتي وفقري وانفرادي ووحدتي
وخضوعي بين يديك واعتمادي عليك وتضرعي اليك ادعوك دعاء الخاضع الذليل
الخاشع الخائف المشفق البائس المهين الحقير الجائع الفقير العائذ المستجير المقر بذنبه
المستغفر منه المستكين لربه دعاء من اسلمته ثقته ورفضته احبته وعظمت فجيعته
دعاء حرق حزين ضعيف مهين بائس مستكين بك مستجير اللهم واسئلك بانك مليك
وانك ما تشاء من امر يكون وانك على ما تشاء قدير واسئلك بحرمة هذا
الشهر الحرام والبيت الحرام والبلد الحرام والركن والمقام والمشعر الحرام والمشاعر العظام و
بحق نبيك محمد عليه واله السلام يا من وهب لادم شيثا ولابرهيم اسمعيل واسحاق
ويا من رد يوسف على يعقوب ويا من كشف بعد البلاء ضر ايوب يا راد موسى على امه

ویا رادّ آیة الخضر فی علمه ویا من وهب لداود سلیمان ولزکریا یحیی ولمریم عیسی یا حافظ بنت
شعیب یا کافل ولد ام موسی عن والدته اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تغفر لی ذنوبی
کلها وتجیرنی من عذابک وتوجب لی رضوانک وامانک واحسانک وغفرانک وجنانک
واسئلک ان تفک عنی کل حلقة حلقة ضیق بینی وبین من یؤذینی وتفتح لی کل باب و
تلین لی کل صعب وتسهل لی کل عسیر وتخرس عنی کل ناطق بشر بسوء وتکف عنی کل باغ وتکبت
عنی کل عدو لی وحاسد وتمنع منی کل ظالم وتکفینی کل عائق یحول بینی وبین حاجتی
یحاول ان یفرق بینی وبین طاعتک ویثبطنی عن عبادتک یا من الجم الجن المتمردین
وقهر عتاة الشیاطین واذل رقاب المتجبرین ورد کید المتسلطین عن المستضعفین
اسئلک بقدرتک علی ما تشاء وتسهیلک لما تشاء کیف تشاء ان تجعل قضاء حاجتی
فیما تشاء پس سجده کن بر خاک و پهلوهای روی خود را بر خاک بگذار و بگو اللهم لک سجدت
وبک آمنت فارحم ذلی وفاقتی واجتهادی وتضرعی ومسکنتی وفقری الیک یا رب وسعی کن
که آب از دیدهایت بیرون آید واگرچه بقدر پر مگس باشد که این علامت اجابت دعاست پس سید
گوید که این دعای سجده در یکی از روایات وارد شده است و هرگاه محل استجابت دعا سجده باشد
پس سزاوار است که احتیاط در دعا این سجده بعمل آید و اذکاری که برای این سجده در روایات
دیگر وارد شده نیز خوانده شود پس در روایات دیگر وارد شده که حضرت با ام داود فرمود
که بعد از دعا سجده کن بر خاک و پهلوهای روی خود را بر خاک بگذار و بگو اللهم لک سجدت
وبک آمنت وعلیک توکلت فارحم ذلی وکبوتی لحر وجهی وتفردی وفاقتی وسعی کن
در دعا که آب از چشمهایت بیرون آید اگرچه بقدر سر سوزنی باشد که این علامت اجابت است
و در روایت دیگر وارد شده که با ام داود فرمود که پس سجده کن بر خاک و پهلوهای روی خود را
بر خاک بگذار و بگو اللهم لک سجدت وبک آمنت فارحم ذلی وخضوعی بین یدیک وفقری
وفاقتی الیک وارحم انفرادی وخشوعی واجتهادی بین یدیک وتوکلی علیک اللهم
بک استفتح وبک استنجح وبمحمد عبدک ورسولک اتوجه الیک اللهم سهل لی
کل حزونة وذلل لی کل صعوبة واعطنی من الخیر اکثر مما ارجوا وعافنی من الشر واصرف
عنّی

عنّی السوء پس سر از سجده بردار و بگو یا قاضی حوائج الطالبین اقض حاجتی بلطفک یا خفی الالطاف
پس حضرت فرمود که سعی کن که قطرات اشک از دیدهایت جاری شود اگرچه بقدر سوزنی باشد
بدرستی که علامت استجابت این دعا سوزش دل و ریختن اشک است و در روایت دیگر چنین است
که پس سجده بر خاک بکن و پهلوهای روی خود را بر خاک بگذار و در سجده بگو اللهم لک سجدت
ولک صلیت وبک آمنت وعلیک توکلت وارحم ذلی وفاقتی وخضوعی وذلی وانفرادی
ومسکنتی وفقری وکبوتی لوجهک والیک یا رب یا رب وسعی کن که قطرات اشک از دیدهایت
جاری شود اگرچه بقدر سر مگسی باشد که علامت اجابت این دعا سوزش دل و ریختن اشک است
مؤلف گوید که آنچه در بیان کیفیت این عمل شریف مذکور شد مطابق روایات سید که در
اقبال ذکر نموده و چون بعضی دیگر از علما مانند شیخ طوسی و کفعمی و علامه حلی رضی الله تعالی
عنهم وغیر ایشان این عمل شریف را بطرق دیگر در کتب خود ایراد کرده اند و روایات سید بعضی
با بعضی مخالف و با روایات سابق علی الخصوص در بعضی از خصوصیات مخالفت تمام دارد لهذا لازم
دانست که مواضع اختلاف را با طریق احتیاط در آنها و بعضی از فواید متعلقه باین مقام را
مذکور نماید تا این کسی که این عمل شریف را بجا آورد عارف بمحل احتیاط بوده از خصوصیات این
موهبت کبری محروم نگردد و امور مذکوره چند چیز است اول وقت غسل این عمل در روایت سید
وقت زوال واقع شده چنانکه دانستی و در روایات دیگر قریب بزوال مذکور است و احوط
آنست که قبل از ظهر متصل بظهر واقع شود تا عمل بهر دو روایت شده باشد و پیدا است که ظاهر حال
آنست که این غسل مجزی باشد از غسل روز جمعه بنابر احتمال و احوط خلاف آنچه مذکور شد والله
تعالی یعلم دوم وقت پوشیدن جامه پاک در روایات سید مختلف است در بعضی قبل از
نمازها و در بعضی بعد از نماز عصر است و ظاهر این دو روایت محمول بر تخییر و اول افضل باشد
و اگر جمع میان هر دو شود که دو جامه بپوشد یکی بعد از غسل و قبل از نمازها و یکی بعد از نماز عصر
احوط است سیم وقت رفتن بخانه خلوت در روایات سید واضح است زیرا که ادای فرایض
بجماعت خصوصا در مساجد که محل اجتماع مسلمانان است افضل است چهارم در رتبه الامان
کفعمی و اکثر نسخ مصباح شیخ زیاده از نماز ظهر و عصر نمازی و ذکری مذکور نیست حتی نوافل ظهر بت

واقع تعقیب نماز عصر شده و شیخ در مصباح و کفعمی ... در روایت

نیز ذکر نشده و ممکن است که ایشان بنوافل مراد باشد و عدم ذکر آن از راه ظهور آن باشد زیرا که
نوافل فرایض از لوازم است و ورع و تقوی مقتضی آنست که بی جهت شرعی ترک نشود و اگر ترک
شود قضا شود و چنانچه در احادیث بسیار تاکید در این باب وارد شده است پس ایشان
بنوافل مصلح تصریح نیست و در بعضی از نسخ مصباح چنین است که بعد از نماز ظهر هشت رکعت نافلهٔ
عصر را بجا میآوری و بعد از آن دو رکعت نماز میکنی و در هر رکعت بعد از حمد بیست و یک بار آیه
شهد الله میخوانی و آن این است شَهِدَ اللهُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلّا هُوَ وَالْمَلائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قائِماً بِالْقِسْطِ
لا إِلهَ إِلّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللهِ الْإِسْلامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتابَ إِلّا مِنْ
بَعْدِ ما جاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْياً بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآياتِ اللهِ فَإِنَّ اللهَ سَرِيعُ الْحِسابِ و صد نوبت بگوید
يا قاضِيَ حَوائِجِ الصّالِحِينَ و بعد از آن گفته که در روایات دیگر چنین است یا قاضی حوائج السائلین
را میگوئی و بعد از آن نماز عصر را میکنی و مخفی نماند که عبارت این نسخ مصباح مشتبه و چندین
احتمال در آن بجا میآوری نیز اگر صد نوبت خواندن آیه یا قاضی حوائج الصالحین ممکن است
که در دو رکعت نماز بعد از بیست و یک نوبت آیه شهد الله باشد یا بعد از اتمام نماز باید صد نوبت
خوانده شود و احتمال آخر ظاهر است بقرینه روایت اقبال چنانچه گذشت و همچنین در روایات
اخر که نقل نموده ممکن است که هفت نوبت آیة الکرسی و صد نوبت یا قاضی حوائج السائلین
در دو رکعت نماز مذکور بعوض آیه شهد الله یا قاضی حوائج الصالحین باشد یا آخر و شاید بعد
از نماز آیة الکرسی در نماز صد نوبت یا قاضی حوائج السائلین بعد از نماز باشد و علامه حلی
رحمه الله در کتاب منهاج الصلاح در بیان کیفیت عمل مذکور از حضرت صادق علیه السلام
چنین روایت کرده است که روز زوال آفتاب غسل کن و هشت رکعت نافله ظهر را بکن با رکوع
و سجود و قنوت نیکو و در رکعت اول بعد از حمد سوره قل هو الله احد و در رکعت دویم بعد از
حمد سوره قل یا ایها الکافرون و در رکعات دیگر بعد از حمد یکی از سوره‌های کوچک را بخوان
پس نماز ظهر را بجا آور با حدود و شرایطش و رکوع و سجود شرا نیکو بکو پس هشت رکعت نافله عصر را
بکن و سجود و قنوت نیکو و بعد از آن دو رکعت نماز بکن و در هر رکعت بعد از حمد آیه شهد الله
انه لا اله الا هو را تا آخر بیست و یک نوبت بخوان و صد نوبت یا قاضی حوائج السائلین بگو پس
نماز

نماز عصر را بکن و این کیفیت نزدیک است بکیفیتی که در نسخه آخر مصباح مذکور است و صد مرتبه
یا قاضی حوائج السائلین نیز ممکن است که در نماز باشد یا بعد از نماز و احتمال آخر اظهر است بلکه
عمل بجمیع روایات با کثرت اختلافات و رعایت جمیع شقوق و احتمالات متعسر و متعذر است بلکه بعضی
از اعمال است که وقت وفا بآن نمی نماید و ظاهرا بنابر اختلافات مذکوره مخیر باشد پس بهتر
آن که عمل بشود نیکوست لیکن روایات سید اصح و مطابق اختلافات انها اکثر است پس بهتر آن
است که عمل بروایات سید بشود و اگر این عمل را باین نحو بجا آورد که متصل بظهر غسل کند و
جامه پاکی بپوشد و هشت رکعت نافله ظهر را با رکوع و سجود و قنوت نیکو و در رکعت اول
بعد از حمد سوره قل هو الله احد و در رکعت دویم سوره قل یا ایها الکافرون و در باقی سوره
کوچکی و بعد از آن نماز ظهر را با آداب و شرایط و بعد از آن دو رکعت نماز با حمد و هر سوره که خواهد
پس صد نوبت بگوید یا قاضی حوائج الطالبین پس هشت رکعت نافله عصر را با رکوع و سجود
و قنوت نیکو پس دو رکعت نماز دیگر و در هر رکعت بعد از حمد آیه شهد الله را بیست و پنج
نوبت و بعد از این نماز صد مرتبه یا قاضی حوائج السائلین و صد مرتبه یا قاضی حوائج الضعفاء
و هفت نوبت آیة الکرسی و بعد از آن نماز عصر را بجا آورد و جامه پاک دیگر بپوشد
و در خانه تنهائی بر روی حصیر پاکی رو بقبله بنشیند و صد مرتبه سوره حمد و صد مرتبه
قل هو الله احد و ده مرتبه آیة الکرسی را بخواند پس سوره انعام یا باقی سورها چنانچه سید
ذکر نموده بخواند و چون در بعضی از نسخ اقبال بعد از سوره انعام سوره الم سجده و در بعضی
از نسخ مصباح بعد از سوره ن والقلم چنین است که در بعضی از روایات سوره هل اتی
نیز وارد شده اگر این دو سوره نیز خوانده شود بهتر است و در روایات دیگر وارد شده که پس
از حمد صد مرتبه سُبْحانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّهِ وَلا إِلهَ إِلّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ و بعد از آیة الکرسی
صد نوبت بگوید اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و اگر آیة الکرسی را نیز ده مرتبه بخواند و صد مرتبه
سوره حمد و هزار مرتبه قل هو الله احد را بخواند و بعد از آن تمام دعا را بخواند و در سجده
نیز همه دعاها که روایت سید وارد شده بخواند عمل باکثر روایات و احتمالات ظاهر کرده خواهد
بود والله تعالی یعلم تتمه بدانکه در آخر حکایت ام داود موافق بعضی از روایات مذکور است

کدام داود بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که ای سید و آقای من آیا این دعا
را در غیر ماه رجب میتوان خواند حضرت فرمود بلی بکه روز عرفه خواندن آن نیکوست و اگر
روز عرفه با روز جمعه موافق باشد صاحبش فارغ نمیشود مگر آنکه خدا او را بیامرزد و در
هر ماه که باشد اگر ایام البیض آن ماه را روزه بدارد و روز پانزدهم این دعا را بخواند
بنحوی که ذکر کردم حاجتش برآورده میشود و در روایت دیگر وارد شده که در روز عرفه هر که
این دعا را بخواند حاجتش برآورده میشود **مؤلف گوید که از این احادیث ظاهر**
میشود که این عمل از اعمال مخصوصه ماه رجب نیست بلکه در ایام البیض هر ماه و سایر
ایام متبرکه مانند عرفه بلکه سایر ایام میتوان بجا آورد دور نیست که بدون روزه خوب
باشد بلکه خواندن این دعا به تنهائی بدون سایر اعمال خوب باشد و جد علامه مولانا
محمد باقر مجلسی طاب ثراه در کتاب زاد المعاد ذکر نموده هرگاه در غیر اشهر حرم که ذی
القعده و ذی حجه و محرم و رجب است این دعا کسی خواند بجای بحرمة هذا الشهر الحرام بگوید
بحرمة الشهر الحرام و هذا را بیندازد بهتر است والله تعالی یعلم **باید بدانکه** در روایت
تلعکبری از حضرت صادق علیه السلام چنانچه علامه رحمه الله در کتاب منهاج
الصلاح نقل نموده است و مذکور است که مادر داود فاطمه بنت عبد الله بن ابرهیم بوده است
و کفعمی در حواشی جنة الامان نیز چنین نقل نموده است و سید بن طاوس طاب ثراه
در اقبال از جمعی از علماء انساب نقل نموده که او کنیز ام ولدی بوده است معروفه بام خالد
بربریه بوده است بعضی از طوایف اهل مغرب بوده است و در مصباح الزائر گفته است
که او کنیز ام ولد حسن مثنی رضی الله عنه بوده و اسم او حبیبه و کنیه او ام خالد و بربریه
بوده است و بعضی گفته اند که رومیه بوده است و چون ام داود جده سید بن طاوس چنانچه در
اقبال و مصباح الزائر مذکور است و سید تتبع تامی در این باب نموده شاید قول سید
اصح باشد والله تعالی یعلم **بعضی زیارت** حضرت امام حسین علیه السلام سید بن
طاوس قدس الله لطیفه و دیگران بسندهای صحیح و غیر صحیح از ابن ابی نصر روایت کرده
اند که از حضرت امام رضا علیه السلام سؤال نمود که زیارت حضرت امام حسین علیه السلام

در چه وقت بهتر است فرمود که نصف رجب و نصف شعبان **مؤلف گوید که** محتمل است که روز
نصف رجب و نصف شعبان یا شب نصف مراد باشد و اکثر علما حمل بر احتمال اول نموده اند و
آن اظهر است **واما کیفیت زیارت** پس شیخ مفید قدس الله روحه در بعضی از مؤلفاتش ذکر
نموده است که از زیارات مخصوصه زیارت نصف رجب است که از غسله مینماید پس
چون پس چون این زیارت را اراده نمائی و داخل صحن مقدس شوی پس داخل روضه شو
سه مرتبه الله اکبر بگو و از ابر غیر مبارک بایست و بگو اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا آلَ اللهِ اَلسَّلَامُ
عَلَيْكُمْ يَا صِفْوَةَ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا سَادَةَ السَّادَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ عَلَى لُيُوثِ الْغَابَاتِ
اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا سُفُنَ النَّجَاةِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللهِ الْحُسَيْنِ اَلسَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ الْاَنْبِيَاءِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ اِسْمٰعِيلَ ذَبِيحِ
اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسٰى كَلِيمِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسٰى رُوحِ اللهِ اَلسَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفٰى اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ عَلِيٍّ
الْمُرْتَضٰى اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرٰى
اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهِيدُ بْنَ الشَّهِيدِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَتِيلُ بْنَ الْقَتِيلِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا وَلِيَّ اللهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ عَلٰى خَلْقِهِ اَشْهَدُ اَنَّكَ
اَقَمْتَ الصَّلٰوةَ وَاٰتَيْتَ الزَّكٰوةَ وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَرُزِقْتَ بِوَالِدَيْكَ
وَجَاهَدْتَ عَدُوَّكَ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ تَسْمَعُ الْكَلَامَ وَتَرُدُّ الْجَوَابَ وَاَنَّكَ حَبِيبُ اللهِ
وَخَلِيلُهُ وَنَجِيبُهُ وَصَفِيُّهُ وَابْنُ صَفِيِّهِ يَا مَوْلَايَ زُرْتُكَ مُشْتَاقًا فَكُنْ لِي شَفِيعًا اِلَى اللهِ
يَا سَيِّدِي وَاَسْتَشْفِعُ اِلَى اللهِ بِجَدِّكَ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ وَبِاَبِيكَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ وَبِاُمِّكَ
فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ اَلَا لَعَنَ اللهُ قَاتِلِيكَ وَلَعَنَ اللهُ ظَالِمِيكَ وَلَعَنَ اللهُ
سَالِبِيكَ وَمُبْغِضِيكَ مِنَ الْاَوَّلِينَ وَالْاٰخِرِينَ وَصَلَّى اللهُ عَلٰى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ
الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ **پس ضریح مبارک را ببوس** و متوجه شو بسوی علی بن الحسین علیهما
السلام و او را باین زیارت زیارت کن اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ لَعَنَ اللهُ
قَاتِلِيكَ وَلَعَنَ اللهُ ظَالِمِيكَ اِنِّي اَتَقَرَّبُ اِلَى اللهِ بِزِيَارَتِكُمْ وَبِمَحَبَّتِكُمْ وَاَبْرَءُ اِلَى اللهِ

مِنْ اَعْدائِکُمْ وَالسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ پس برو بنزد قبور شهدا و بایست
و بگوید اَلسَّلامُ عَلَی الْاَرْواحِ الْمُنیخَةِ بِقَبْرِ اَبی عَبْدِ اللهِ الْحُسَیْنِ عَلَیْهِ السَّلامُ اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ
یا طاهِرینَ الدَّنَسِ اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ یا مَهْدِیُّونَ اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ یا اَبْرارَ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ
وَعَلَی الْمَلائِکَةِ الْحافّینَ بِقُبُورِکُمْ اَجْمَعینَ جَمَعَنَا اللهُ وَاِیّاکُمْ فی مُسْتَقَرِّ رَحْمَتِهِ وَتَحْتَ عَرْشِهِ
اِنَّهُ اَرْحَمُ الرّاحِمینَ وَالسَّلامُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ پس برو بجانب قبر عباس بن
امیر المؤمنین علیهما السلام و بعد رسیدن بآن بگوید سَلامُ اللهِ وَسَلامُ مَلائِکَتِهِ الْمُقَرَّبینَ
وَاَنْبِیائِهِ الْمُرْسَلینَ وَعِبادِهِ الصّالِحینَ وَجَمیعِ الشُّهَداءِ وَالصِّدّیقینَ وَالزّاکِیاتُ
الطَّیِّباتُ فیما تَغْتَدی وَتَرُوحُ عَلَیْکَ یَا بْنَ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ اَشْهَدُ لَکَ بِالتَّسْلیمِ وَالتَّصْدیقِ
وَالْوَفاءِ وَالنَّصیحَةِ لِخَلَفِ النَّبِیِّ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ الْمُرْسَلِ وَالسِّبْطِ الْمُنْتَجَبِ وَالدَّلیلِ
الْعالِمِ وَالْوَصِیِّ الْمُبَلِّغِ وَالْمَظْلُومِ الْمُهْتَضَمِ فَجَزاکَ اللهُ عَنْ رَسُولِهِ وَعَنْ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ
وَعَنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ صَلَواتُ اللهِ عَلَیْهِمْ اَفْضَلَ الْجَزاءِ بِما صَبَرْتَ وَاحْتَسَبْتَ وَاَعَنْتَ
فَنِعْمَ عُقْبَی الدّارِ لَعَنَ اللهُ مَنْ قَتَلَکَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ جَهِلَ حَقَّکَ وَاسْتَخَفَّ بِحُرْمَتِکَ
وَلَعَنَ اللهُ مَنْ حالَ بَیْنَکَ وَبَیْنَ ماءِ الْفُراتِ اَشْهَدُ اَنَّکَ قُتِلْتَ مَظْلُوماً وَاَنَّ اللهَ مُنْجِزٌ
لَکُمْ ما وَعَدَکُمْ جِئْتُکَ یَا بْنَ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وافِداً اِلَیْکُمْ وَقَلْبی لَکُمْ مُسَلِّمٌ وَتابِعٌ وَاَنَا
لَکُمْ تابِعٌ وَنُصْرَتی لَکُمْ مُعَدَّةٌ حَتّی یَحْکُمَ اللهُ وَهُوَ خَیْرُ الْحاکِمینَ فَمَعَکُمْ مَعَکُمْ لا مَعَ
عَدُوِّکُمْ اِنّی بِکُمْ وَبِاِیابِکُمْ مِنَ الْمُؤْمِنینَ وَبِمَنْ خالَفَکُمْ وَقَتَلَکُمْ مِنَ الْکافِرینَ
قَتَلَ اللهُ اُمَّةً قَتَلَتْکُمْ بِالْاَیْدی وَالْاَلْسُنِ مؤلف گوید که این زیارت را اغلب مناسب
بجهت آنکه اکثر مردم از فضیلت و ثواب آن غافلند و باین جهت از این موهبت کبری و عطیه
عظمی محروم میگردند و با آنکه ظاهر کلام شیخ مفید آنست که این زیارت برای خصوص
این روز منقول باشد و کفعمی در جنة الامان زیارت طولانی اول رجب را که سابق مذکور
شد برای روز نیمه نقل نموده و سید بن طاوس طاب ثراه در مصباح الزائر و اقبال گفته که
واقف نشدم بر زیارت مخصوصی در این روز بغیر از آنکه زیارت جامع مخصوص برای ماه
رجب یا سایر زیارات مطلق منقوله خوانده شود و قول سید اصح و اقوی است نیز اکتفا
کنیم

شیخ مفید رحمه الله ذکر نموده زیارتیست که جابر بن عبد الله انصاری رضی الله عنه در
روز اربعین آنحضرت را زیارت نموده الهی گاه چون اصل زیارت در این روز ثواب عظیم دارد
چنانچه مذکور شد و زیارت مخصوصی نقل نشده و این زیارت با وجود اختصار در فصاحت و
بلاغت دارد و شیخ آنرا اختیار نموده و الله تعالی یعلم و اگر کسی در بلاد بعیده باشد زیارت
بعیدی با بنا بر زیارت بعیده زیارت نماید شب شانزدهم و شب هفدهم سید در کتاب
که مذکور شد از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله سی رکعت نماز هر دو رکعت بیک سلام
در هر رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله احد را ده نوبت روایت نموده مانند شب پانزدهم
در کیفیت و ثواب مؤلف گوید که کفعمی در جنة الامان نیز در این دو شب سوره قل هو الله احد
را یازده مرتبه نقل نموده و گویا سهو نموده و جهت سهو در شب پانزدهم مذکور شد بخط جد
علامه ام مولانا محمد تقی مجلسی رحمه الله سوره این دو موضع با اقبال موافق است شب هجدهم
سید در کتاب مذکور از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله روایت نموده که هر که در این
شب دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله احد و قل اعوذ برب
الفلق و قل اعوذ برب الناس را هر یک ده نوبت بخواند چون فارغ شود حق تعالی بملائکه فرماید
که اگر گناهان این مرد زیاده از گناهان عشارین باشد که او را باین نماز آمرزیدم و بگوئید میان
او و آتش جهنم شش خندق که عرض خندقی میان آسمان و زمین باشد مؤلف گوید که کفعمی رحمه الله
در جنة الامان سوره قل هو الله احد را یکمرتبه ذکر نموده است روز هیجدهم شیخ طوسی طاب
ثراه در کتاب مصباح گفته است که وفات ابرهیم پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله در
این روز بوده و جد علامه ام مولانا محمد باقر مجلسی قدس الله روحه در زاد المعاد گفته
گفته است که باین جهت حزن و اندوه و لعن بر آنها که در این مصیبت شماتت کرده اند م
ستحب است خصوصا عایشه علیها اللعنه شب نوزدهم سید در کتاب مذکور از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله روایت کرده است که هر که در این شب چهار رکعت نماز بکند هر دو رکعت
بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد آیة الکرسی و سوره قل هو الله احد را هر یک پانزده
نوبت بخواند عطا فرماید حق تعالی باو ثواب ما شد ثواب حضرت موسی علیه السلام و از

برای او بعوض هر حرفی ثواب شهیدی باشد و حق تعالی با ملائکه سه بشارت برای او بفرستند
اول آنکه رستگار کند او را در موقف قیامت دوم آنکه حساب نفرماید او را سیم آنکه او را
داخل بهشت گرداند او را بی حساب و چون ذکر بلا کند حق تعالی در موقف قیامت و حساب باید با او
خطاب فرماید که ای بنده من مترس و اندوهناک مباش که من از تو خشنودم و بهشت برای تو
مباح است شب بیست و سیم سید در کتاب مذکور از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله روایت
نموده است که هر که در این شب دو رکعت نماز کند و در هر رکعتی بعد از حمد سوره انا انزلناه را
پنج نوبت بخواند عطا فرماید با و حق تعالی ثواب حضرت ابرهیم و موسی و یحیی و عیسی علیهما
السلام و هر که این نماز را بکند ضرر نرسانند با و هیچ جنبنده از جن و انس و حق تعالی با و نظر
رحمت کند شب بیست و یکم سید در کتاب مذکور از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت
نموده است که هر که در این شب شش رکعت نماز بگذارد هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد سوره
انا اعطیناک و قل هو الله احد را هر یک ده مرتبه بخواند حق تعالی امر فرماید ملائکه کرام کاتبین
اعمال را که تا یکسال بر او هیچ گناهی ننویسند و حسنات بنویسند برای او پس فرمود که قسم بخدا
وندی که نفس من در قبضه قدرت اوست و مرا بحق و راستی به پیغمبری فرستاده است که هر که دوست
دارد مرا و خدا را و این نماز را بجا آورد و اگر ایستاده عاجز باشد نشسته بکند حق تعالی مباهات
مینماید با او با ملائکه خود و میگوید که آمرزیدم او را روز بیست و یکم شیخ طوسی رحمه الله
در کتاب مصباح از ابن عباس نقل نموده است که در این روز حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها
بعالم بقا ارتحال نمود و جد علامه قدس الله روحه در کتاب زاد المعاد گفته که این قول اگرچه
خلاف مشهور است اما لعن بر فلان و ظالمان آنجناب کشته حضرت رسالت صلی الله علیه و آله که عمده
آنها عمر بن الخطاب است و زیارت آنحضرت مناسب است احتیاطا مولف گوید که این بعید است و وجه
بعد آن اینست که اکثر علمای شیعه را اعتقاد آن است که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله در
بیست و هشتم صفر بعالم بقا ارتحال نمود و احادیث معتبره بسیار دلالت دارد و میکند بر آنکه
حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها السلام در اوایل ماه هفتاد و پنج روز بعد از حضرت
رسالت صلی الله علیه و آله در حیات بوده بنا بر این باید که قصه هایله رحلت فاطمه علیهما

السلام

السلام در اوایل ماه جمادی الاولی واقع شده باشد و اکثر علمای امامیه سیم ماه جمادی الثانیه
گفته اند و اقوال دیگر نیز هست که در مواضع خود مذکور خواهد شد و همه بدیع است و بدانکه زیارت
مخصوصی از دور برای حضرت فاطمه صلوات الله علیها وارد نشده بلکه بغیر از حضرت رسالت
و حضرت امام حسین و حضرت صاحب الامر صلوات الله علیهم اجمعین برای سایر ائمه علیهم السلام
از دور زیارت مخصوصی وارد نشده و این حقیر تفصیل این مطلب را در رساله النجاة ذکر نموده ام
بنا بر این بهر لفظی که خود تالیف نماید آنحضرت را زیارت میتواند نمود مانند آنکه بگوید السَّلامُ عَلَیکِ
یا بِنتَ رَسُولِ اللهِ وَ خَیرِ خَلقِهِ السَّلامُ عَلَیکِ یا زَوجَةَ امیرِ المُؤمِنینَ وَ ضَجیعَتِهِ وَ کُفوِهِ السَّلامُ
عَلَیکِ یا اُمَّ الحَسَنِ وَ الحُسَینِ سَیِّدَی شَبابِ اَهلِ الجَنَّةِ اَجمَعینَ السَّلامُ عَلَیکِ یا فاطِمَةَ
الزَّهراءِ سَیِّدَةِ نِساءِ العالَمینَ صَلَّی اللهُ عَلَیکِ وَ عَلی اَبیکِ وَ عَلی زَوجِکِ وَ عَلی بَنیکِ وَ لَعَنَ اللهُ
مَن ظَلَمَکِ وَ آذاکِ وَ جَفاکِ وَ غَصَبَ حَقَّکِ وَ عَذَّبَهُم عَذاباً اَلیماً و اگر قبل از زیارت دو رکعت نماز
بکند بهتر است چنانچه در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام وارد شده است که کسی که
ناحیه اش بعید و خانه اش دور باشد از ما پس بالا رود بر بام خانه خود و دو رکعت نماز بکند
و اشاره کند بسوی قبرهای ما که آن سلام بما میرسد که چون زیارت مخصوصی برای آنحضرت در
این روز از نزدیک نیز وارد نشده اگر کسی نزد مرقد منور آن بزرگوار حاضر باشد بزیارت مطلقه
منقوله یا بزیارت جامعه که در خصوص این ماه وارد شده و سابق گذشت زیارت نماید یا بهمین زیارات
بعیده والله تعالی یعلم شب بیست و دوم سید در کتاب مذکور از حضرت خاتم المرسلین صلی الله
علیه و آله اجمعین روایت کرده است که هر که در این شب هشت رکعت نماز کند هر دو رکعت بیک سلام و در
هر رکعتی بعد از حمد سوره قل یا ایها الکافرون هفت نوبت و بعد از نماز ده مرتبه صلوات بر آن
حضرت و آل او بفرستد و ده نوبت استغفار کند بیرون نرود از دنیا تا جای خود را در بهشت ببیند
و بر مذهب اسلام بمیرد و برای او ثواب هفتاد پیغمبر باشد مولف گوید که کفعمی رحمه الله در
جنة الامان بعد از نماز ده مرتبه صلوات و سلام بر آنحضرت و آل او هر دو را ذکر نموده
است پس اگر اللهم صل علی محمد و آل محمد و سلم یا امثال آن که مشتمل بر صلوات و سلام هر دو
باشد گفته شود افضل و بهتر است و در استغفار لفظ استغفر الله کافی و استغفر الله ربی

والتوب الیه اکمل است روز بیست و دویم شیخ مفید و شیخ طوسی علیهما الرحمه گفته‌اند که در این روز
معاویه علیه اللعنه بجهنم واصل شد و والد علامه در کتاب ذریعة النجاة و جد علامه ام در کتاب
زاد المعاد گفته‌اند که باین جهت سزاوار است که این روز را روز عیش و سرور خود دانسته شکر
هلاکت آن ملعون ازلی و ابدی بجا آورند در درگاه احد صمد این روز مبارک میمون را روزه بدارند شب
بیست و سیم سید در کتاب مذکور از حضرت خاتم الانبیا علیه و آله التحیة والثنا روایت
کرده است که هر که در این شب دو رکعت نماز بجا آورد در هر رکعت بعد از حمد سوره والضحی پنج نوبت
عطا فرماید باو حق تعالی بعدد هر حرفی که خوانده است و بعدد هر مرد کافر و زن کافره که در
دنیا بوجود آمده درجه در بهشت را و بدهد باو ثواب هفتاد حج را و ثواب کسی که تشییع هزار
جنازه کرده باشد و ثواب کسی که بعبادت هزار مریض رفته باشد و ثواب کسی که هزار حاجت
برادران مومن را برآورده باشد روز بیست و سیم شیخ طوسی در مصباح و دیگران گفته‌اند
که در این روز خارجی خنجر زهرآلود بر ران مبارک حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام
زدند و جد علامه ام طاب ثراه در زاد المعاد گفته است که باین جهت در این روز لعن بر ظالمان
و قاتلان آنحضرت مناسب است شب بیست و چهارم سید در کتاب مذکور از رسول خدا صلی
الله علیه و آله روایت کرده است که هر که در این شب چهل رکعت نماز کند هر دو رکعت بیک سلام
و در هر رکعتی بعد از حمد آیه آمن الرسول را یکمرتبه و سوره قل هو الله احد را یکنوبت حق
تعالی بنویسد برای او هزار حسنه و محو کند از او هزار سیئه و بلند گرداند برای او هزار درجه
و عطا فرماید از آسمان هزار ملک که دستها بر داشته صلوات بر او فرستند و روزی کند
او را سلامتی در دنیا و آخرت را و چنان باشد که شب قدر را دریافته باشد مولف گوید که
در این موضع ابن کفعمی در جنة الامان سهو نموده و اکتفا بسوره قل هو الله احد نموده و آیه آمن
الرسول را نقل ننموده است و جد علامه ام مولانا محمد تقی رحمه الله با سید مطابق نقل نموده است
روز بیست و چهارم شیخ طوسی در مصباح و سید بن طاوس در اقبال و دیگران نقل نموده
اند که در این روز فتح خیبر بر دست معجز نمای اسد الله الغالب علی بن ابی طالب صلوات الله
علیه جاری شد و مرحب یهودی بر دست آنحضرت کشته شد و جد علامه ام در کتاب
زاد المعاد

زاد المعاد گفته که علما گفته‌اند که روزه این روز بشکر این نعمت و زیارت آنحضرت مستحب است
مولف گوید که چون زیارت مخصوصی برای آنحضرت در این روز منقول نیست چنانچه سابق مذ
کور شد پس اگر زیارت بهر لفظی که تالیف نماید مانند آنکه بگوید السلام علیک یا امیر المومنین
السلام علیک یا امام المتقین السلام علیک و رحمة الله و برکاته خوب است و اگر در نزد مرقد
مطهر حاضر باشد زیارات مطلقه منقوله را با زیارات جامعه که در خصوص این ماه وارد
شده است و پیشتر گذشت زیارت نماید شب بیست و پنجم سید در کتاب مذکور از حضرت
رسالت صلی الله علیه و آله روایت کرده است که هر که در این شب بیست نماز ما بین مغرب
و عشا بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد آیه آمن الرسول را یکنوبت و
سوره قل هو الله احد یکنوبت حق تعالی حفظ کند او را در نفس و اهل و دین و مال و دنیا و آخرت
او و برنخیزد از جای خود تا او را بیامرزند مولف گوید که کفعمی رحمه الله در جنة الامان
در این موضع بر عکس سابق اکتفا بایه آمن الرسول نموده و سوره قل هو الله احد را ذکر نکرده است
روز بیست و پنجم مشهور میان علما چنانچه شیخ در مصباح و دیگران نقل نموده اند آن
است که وفات حضرت امام موسی کاظم علیه السلام در این روز بوده است و باین جهت زیارت
آنحضرت در این روز از نزدیک و دور مناسب است و سید بن طاوس رحمه الله در اقبال گفته
که ابن بابویه رضی الله عنه در کتاب مقنع و کتاب مرشد و صاحب کتاب دستور المذکرین
گفته‌اند که در این روز حضرت رسالت صلی الله علیه و آله مبعوث برسالت گردید بنابر
که روزه داشتن این روز کفاره دویست سال گناه او باشد و این قول ضعیف است چه تمام علما
شیعه رضوان الله علیهم روز بیست و هفتم را روز بعثت میدانند چنانچه در احادیث
معتبره بسیار وارد شده است و بعد از این مذکور خواهد شد و سید در جمع میان این دو
قول گفته است که ممکن است که بشارت بعثت آنحضرت در این روز و اصل بعثت در روز بیست
و هفتم باشد و بر هر تقدیر روزه این روز فضیلت عظیم دارد چنانچه این دو بزرگوار نقل
نموده اند و شیخ در مصباح نیز گفته است که در روایتی وارد شده است که هر که روزه این روز
را بگیرد کفاره دویست سال گناه او باشد و سید در اقبال بسند بسیار معتبر از حضرت امام

و تمام روایت کرده‌اند که هر که این روز را روزه دارد حق تعالی روزه او را کفاره هفتاد سال گناه
گرداند و علامه اعلام رحمه الله در کتاب ذریعة النجاة گفته که ممکن است که خلاف عدد در سال
گناه از اشتباه یکی از رواة ناشی شده باشد یا باعتبار اختلاف احوال مردم در رعایت آداب
و شرایط روزه و اختلاف مراتب خلوص نیت مردم باشد پس حدیث اول نسبت بجمعی و حدیث دویم
نسبت بجماعتی دیگر باشد یا آنکه عدد هفتاد در حدیث دویم کنایه از کثرت باشد و خصوص عدد
در آن مراد نباشد چنانچه مفسرین در آیه کریمه ان تستغفر لهم سبعین مرة گفته‌اند یا گوییم که در
حدیث اول منع از زیادت نشده پس منافات با حدیث ثانی ندارد و این هم از بعدی نیست والله
تعالی یعلم شب بیست و ششم سید در کتاب مذکور از سید کائنات روایت کرده که هر که در این
شب دوازده رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعتی بعد از حمد سوره قل هو الله احد
چهل نوبت مصافحه کند با او ملائکه کسی که ملائکه با او مصافحه نمایند ایمن گردد از خوف بر صراط
و حساب و میزان و بفرستد بسوی او حق تعالی هفتاد ملک که استغفار نمایند برای او و بنویسند
ثواب او را و تهلیل کنند برای او و هر وقت که از مکان خود حرکت کند تا صبح آن هفتاد ملک گویند
که خداوندا این بنده را بیامرز مولف گوید که در جنة الامان سوره حمد در این نماز مذکور نیست
و گویا ترک آن از راه ظهور باشد چون در هر نمازی خواندن سوره حمد لازم است البته و بخط جد علامه
مولانا محمد تقی مجلسی طاب ثراه چنان است که در روایتی سوره قل هو الله چهار مرتبه در این نماز وارد
شده است والله تعالی یعلم روز بیست و ششم شیخ طوسی در مصباح از ابن عباس نقل نموده است
که در این روز حضرت ابو طالب علیه السلام از دنیا رحلت نمود و روز این روز فضیلت عظیم
دارد چنانچه سید بن طاوس طاب ثراه در اقبال از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است
که هر که روزه دارد این روز را حق تعالی روزه او را کفاره هشتاد سال گناه او گرداند شب بیست
و هفتم این شب بسیار مبارک و متبرک و عبادت در آن ثواب عظیم دارد و ابن فهد رحمه الله
در کتاب عدة الداعی گفته که دعا در این شب مستجاب است و بعضی معراج حضرت رسالت صلی الله
علیه و آله را در این شب نقل کرده‌اند و احادیث بسیار در باب عظم شان و فضیلت آن وارد شده
است و در ضمن اعمال بیان خواهد شد و اعمال آن چند چیز است اول شیخ طوسی رحمه الله در مصباح

وعلامه

و علامه طاب ثراه در منهاج الصلاح و سید بن باقی رحمه الله در مصباح گفته‌اند که غسل در این شب
مستحب است مولف گوید که در این باب حدیثی بنظر نرسید لهذا سید بن طاوس و [illegible] نقل کرده‌اند
دوم چه سید در کتاب مذکور از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که هر که در این شب
دوازده رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعتی بعد از حمد سوره سبح اسم ربک
الاعلی و انا انزلناه را هر یک ده نوبت بخواند و چون فارغ شود صد نوبت صلوات بر آنحضرت و آل
او بفرستد و صد نوبت استغفار کند حق تعالی بنویسد برای او ثواب ملائکه را مولف گوید که در
جنة الامان صلوات و سلام بر آنحضرت و آل او هر دو مذکور است پس بهتر آنست که بلفظ صلوات
و سلام هر دو گفته شود سیم سید بن طاوس در اقبال بسند معتبر از حضرت امام محمد تقی
علیه السلام روایت کرده‌اند که در ماه رجب شبی هست که بهتر است برای مردم از آنچه آفتاب بر آن
تابیده است و آن شب بیست و هفتم این ماه است و در صبح آن شب حضرت رسول صلی الله علیه
برسالت مبعوث شد و برای عمل کننده در این شب از شیعیان ما ثواب عمل شصت سال است پرسیدند که
عمل این شب چیست فرمود که چون نماز عشا را بکنی و بخوابی که خود استراحت کنی پس بیدار شوی در
هر ساعت از ساعتهای شب که باشد پیش از نصف شب یا بعد از نصف شب دوازده رکعت نماز بکن
و در هر رکعتی بعد از حمد سوره کوچکی از سوره‌های مفصل که ما بعد یس تا آخر قرآن است بخوان پس
چون سلام بگویی بعد از هر دو رکعت بنشین و بخوان حمد و معوذتین و قل یا ایها الکافرون و انا
انزلناه فی لیلة القدر و آیة الکرسی هر یک را هفت نوبت و بعد از آن این دعا را بخوان الحمد لله
الذی لم یتخذ صاحبة و لا ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبره
تکبیرا اللهم انی اسئلک بمعاقد عزک علی ارکان عرشک و منتهی الرحمة من کتابک و باسمک
الاعظم الاعظم الاعظم و بذکرک الاجل الاعلی الاعلی الاعلی و بکلماتک التامات التی تمت
صدقا و عدلا ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تفعل بی ما انت اهله پس هر حاجت که خواهی بطلب
که هر چه مطلبی مستجاب میشود مگر آنکه حرامی بطلبی یا قطع رحمی یا هلاک جمعی از مومنان را
طلب کنی و در روز این شب روزه بدار که از برای تو حساب میشود بروزه یکسال مولف گوید که شیخ
طوسی در مصباح و کفعمی در جنة الامان و سید بن طاوس و ابن باقی در مصباح نیز این روایت را بسند

مرسل نقل نموده اند و در روایت ایشان پیش از نصف شب وارد شده و بعد از معوذتین سوره
قل هو الله احد بیست هفت نوبت واقع شده و سید در مصباح الزائر نیز این روایت را با ایشان
مطابق نقل نموده وایضا ظاهر عبارت کفعمی آنست که سوره های مذکوره با دعای مذکور بعد از
تمام دوازده رکعت خوانده شود نه بعد از هر دو رکعت و در روایت اقبال اصح آنست که اگر کسی این
نماز را قبل از نصف شب بکند و بعد از هر دو رکعت سوره مذکوره را با دعای مذکور بخواند و قل
هو الله احد را بیست هفت نوبت بعد از معوذتین بخواند بکل بجمیع طرق کرده خواهد بود چهارم
شیخ طوسی رحمه الله در مصباح و سید بن طاوس در اقبال از حضرت امام موسی کاظم صلوات
الله علیه و علی آبائه در منهاج الصلاح مرسلا روایت کرده اند که در شب بیست و هفتم رجب هر وقت
شب که باشد دوازده رکعت نماز بکن هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد هر یک از سوره
قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد را چهار نوبت بخوان و چون از دوازده
رکعت فارغ شوی در همان مکان چهار مرتبه بگو لا اله الا الله و الله اکبر و الحمد لله و سبحان
الله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم پس هر حاجت که داری بطلب پنجم ایضا دوازده
رکعت نماز با بعضی از سور قرآن و اذکار بعد از آن که شیخ طوسی در مصباح از حضرت صادق
علیه السلام روایت نموده که بداود بن سرحان تعلیم فرموده که در شب نیمه رجب بجا آورد و در
اخوان مذکور است که در شب بیست و هفتم این ماه نیز این عمل را بعینه بجای آوری و این
روایت در شب نیمه مذکور شد مؤلف گوید که شیخ در مصباح بعد از نقل روایت داود بن
سرحان گفته که ابن ابی عمر گفته است که در روایت دیگر سور قرآن و اذکار بعد از دوازده رکعت
بنحو دیگر وارد شده و ما آن را در عمل شب نیمه این ماه مذکور ساختیم و ذکر نمودیم که در روایت
دوم مذکور نیست که این عمل مخصوص شب نیمه یا در شب بیست و هفتم نیز باید کرده شود
و احوط آنست که در هر دو شب کرده شود زیرا که سید بن طاوس در اقبال در شب نیمه
روایت داود بن سرحان را ذکر نموده و آنچه در اخوان مذکور است و در شب بیست و هفتم در
اقبال گفته است که ما در شب نیمه رجب ذکر نمودیم حدیثی را که جویر بن عبد الله از حضرت صادق
علیه السلام روایت کرده است که در شب نیمه دوازده رکعت نماز باید کرد بنحوی که ما ذکر نمودیم

و محمد

و محمد بن علی طوازی گفته است که در شب بیست و هفتم رجب نیز این نماز را باید کرد و گفته است که چون
فارغ شوی در همان مکان که نشسته سوره حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل هو الله احد هر یک را
چهار نوبت بخوان پس چهار نوبت بگو اَللهُ اَللهُ رَبّی لا اُشْرِکُ بِهِ شَیْئاً پس دعا کن بانچه خواهی
و مخفی نماناد که سید در این مقام دو اشتباه نموده است اول آنکه در شب نیمه بعینه روایت داود
بن سرحان روایتی را که مشتمل بر دوازده رکعت نماز باشد ذکر نموده و در آن روایت اصلا نام
جویر بن عبد الله مذکور نیست دوم آنکه بر فرضی که سید اسم راوی را سهو نموده باشد سور
و اذکار بعد از دوازده رکعت را که از محمد بن علی الطرازی نقل نموده مخالف است با آنچه در روایت
داود بن سرحان مذکور است و ممکن است که بنای کلام سید بر این باشد که آنچه در مصباح در روایت
داود مذکور است که در شب بیست و هفتم نیز این عمل را بجا آوری این تتمه جزو روایت داود نباشد
بلکه آن را محمد علی الطرازی نقل کرده باشد و سور و اذکار بعد را مخالف با روایت داود نقل
نموده باشد لهذا سید کلام محمد بن علی طرازی را در این مقام ذکر نموده این نهایت توجیه کلام
سید است در این مقام و تکلف و بعد آن پوشیده بر ذوی الافهام و الله تعالی یعلم الحقائق
الاحکام فایده بدانکه دوازده رکعت نماز به پنج شش طریق در این شب در روایات وارد
شده چنانچه دانستی و ظاهر حال آنست که یک طرزی از آنها را معصوم فرموده باشد و اختلافات
مذکوره از اشتباه روات و عدم ضبط ایشان ناشی باشد یا ادعی محتمل باشد میان این چند طریق
و هر یک که عمل نماید نیکو باشد و چون روایتی که سید و شیخ و کفعمی علیهم الرحمة از حضرت امام
محمد تقی علیه السلام روایت کرده اند اصح طرق است اگر بعمل بیاورد شاید بهتر باشد و اگر کسی
قبل از نصف شب بیدار شود دوازده رکعت نماز هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی حمد
یک مرتبه و سوره سبح اسم و انا انزلناه هر یک ده مرتبه و معوذتین و قل هو الله احد هر یک را
چهار مرتبه بخواند و بعد از هر دو رکعت که سلام گوید سوره حمد و معوذتین و قل هو الله احد
و قل یا ایها الکافرون و انا انزلناه و آیة الکرسی هر یک را هفت نوبت بخواند و بعد از سلام
آخر بعد از نوبت هفتم آیة الکرسی در همان مکان که نشسته است صد نوبت صلوات و سلام بر رسول خدا
صلی الله علیه و آله بفرستد و صد نوبت استغفار کند پس این دعا را یک نوبت بخواند اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذی

لم يتخذ صاحبة ولا ولداً ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا
اللهم اني اسئلك بمعاقد عزك على اركان عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك وباسمك الاعظم
الاعظم الاعظم وبذكرك الاجل الاعلى الاعلى الاعلى وبكلماتك التامات التي تمت صدقا
وعدلا ان تصلي على محمد وآل محمد وان تفعل بي ما انت اهله واسئلك ما كان اوفى بعهدك
واقضى لحقك وارضى لنفسك وخيرا لي في المعاد عندك والمعاد اليك ان تعطيني الساعة
الساعة كذا وكذا وبجای كذا وكذا حاجات خود را ذکر کند پس چهار نوبت بگوید لا اله الا الله و
الله اكبر والحمد لله وسبحان الله ولا قوة الا بالله العلي العظيم و بار حوائج خود را بطلبد پس
چهار نوبت بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر و چهار نوبت بار
بگو الله الله ربي لا اشرك به شيئا و یک نوبت عمل بجمیع طوری کند ما شاء الله لا قوة الا بالله
العلي العظيم و بار مطالب خود سؤال کند که در روایات سابقه مذکور است کرده خواهد بود
چون سند دوازده رکعت نمازی که در عمل پیشتر مذکور شد ضعیف است و سایر طرق آن معتبر است
اگر کسی در این نماز ده مرتبه سوره سبح اسم و انا انزلناه را ترک نماید و صد مرتبه صلوات و سلام
و صد مرتبه استغفار بعد از نماز بن ترک کند و سایر اعمال را چنانچه مذکور شد بعمل آورد امتثا
ن و عمل به طرق معتبره کرده خواهد بود والله تعالى و رسوله و اهل بیته اعلم بحقایق الامور
ششم سید بن طاوس در کتاب مصباح الزائر و کفعمی در جنة الامان و سید بن باقی در مصباح
قدس الله اسرارهم گفته اند که در این شب مستحب است که این دعا را بخوانی اللهم اني اسئلك
بالتجلي بالتجلي الاعظم في هذه الليلة من الشهر المعظم والمرسل المكرم ان تصلي على محمد و
آل محمد وان تغفر لنا ما انت به منا اعلم يا من يعلم ولا نعلم اللهم وبارك لنا في ليلتنا
هذه التي بشرف الرسالة فضلتها وبكرامتك اجللتها وبالمحل الشريف احللتها
اللهم فانا نسئلك بالمبعث الشريف والسيد اللطيف والعنصر العفيف ان تصلي على محمد وآله
وان تجعل اعمالنا في هذه الليلة وفي سائر الليالي مقبولة وذنوبنا مغفورة وحسناتنا
مشكورة وسيئاتنا مستورة وقلوبنا بحسن القول مسرورة وارزاقنا من لدنك باليسر
مدرورة اللهم انك ترى ولا ترى وانت بالمنظر الاعلى وان اليك الرجعى والمنتهى وان
لك

لك الممات والمحيا وان لك الآخرة والاولى اللهم انا نعوذ بك ان نذل ونخزى وان نأتي
ما عنه تنهى اللهم انا نسئلك الجنة برحمتك ونستعيذك من النار فاعذنا منها بقدرتك
ونسئلك من الحور العين فارزقنا بعزتك واجعل اوسع ارزاقنا عند كبر سننا واحسن
اعمالنا عند اقتراب آجالنا واطل في طاعتك وما يقرب اليك ويحظي عندك ويزلف لديك
اعمارنا واحسن في جميع احوالنا وامورنا معرفتنا ولا تكلنا الى احد من خلقك فيمن علينا وتفضل علينا
بجميع حوائجنا للدنيا والآخرة وابدا بآبائنا وابنائنا وامهاتنا وجميع اخواننا المؤمنين في جميع ما
سئلناك لانفسنا يا ارحم الراحمين اللهم انا نسئلك باسمك العظيم وملكك القديم
ان تصلي على محمد وآل محمد وان تغفر لنا الذنب العظيم انه لا يغفر العظيم الا العظيم اللهم وهذا
رجب المكرم الذي اكرمتنا به اول اشهر الحرم اكرمتنا به من بين الامم فلك الحمد يا ذا الجود
والكرم اللهم فاسئلك فانا نسئلك به وباسمك الاعظم الاعظم الاعظم الاجل الاكرم
الذي خلقته فاستقر في ظلك فلا يخرج منك الى غيرك فاسئلك ان تصلي على محمد
واهل بيته الطاهرين وان تجعلنا من العاملين فيه بطاعتك والآملين فيه لشفاعتك
تنال فيه بغايتك اللهم واهدنا الى سواء السبيل واجعل مقيلنا عندك خير مقيل
في ظل ظليل وملك جزيل فانك حسبنا ونعم الوكيل اللهم اقلبنا مفلحين منجحين غير مغضوب
علينا ولا ضالين برحمتك يا ارحم الراحمين و در جنة الامان و مصباح سید بن باقی از
زیادی بن مسعود منقول است اللهم اني اسئلك بعزائم مغفرتك وبواجب رحمتك السلامة من كل
اثم والغنيمة من كل بر والفوز بالجنة والنجاة من النار اللهم دعاك الداعون ودعوتك
وسئلك السائلون وسئلتك وطلب اليك الطالبون وطلبت اليك وطلبت
اليك اللهم انت الثقة والرجاء واليك منتهى الرغبة والدعاء اللهم فصل على محمد وآله
واجعل اليقين في قلبي والنور في بصري والنصيحة في صدري وذكرك بالليل والنهار على لساني
ورزقا واسعا غير ممنون ولا محظور فارزقني وبارك لي فيما رزقتني واجعل غناي في نفسي
ورغبتي فيما عندك برحمتك يا ارحم الراحمين پس بسجده برود و بگوید الحمد لله الذي هداني
لمعرفته وخصني بولايته ووفقني لطاعته شكرا شكرا صد مرتبه تمام شود پس سر بردارد

طاوس گفته که حاجت خود را سؤال نما و همین دعا را کفعمی و سید بن باقی گفته اند که پس سر از سجده
بردار و بگو کرد اللهم انی قصدتک بحاجتی و اعتمدت علیک بمسألتی و توجهت الیک
بائمتی و سادتی اللهم انفعنا بحبهم و اوردنا موردهم و ارزقنا مرافقتهم و ادخلنا الجنة
فی زمرتهم برحمتک یا ارحم الراحمین هفتم بدانکه سید و شیخ طوسی و شیخ ... رحمهم الله
اکثر علما زیارت مخصوص برای حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نقل کرده اند چنانچه بعد از این
ایراد خواهیم نمود و ظاهر بعضی از عبارات ایشان آنست که این زیارت برای شب و روز هر دو است
پس اگر زاید در نزد مرقد منور حاضر باشد بهمان زیارت یا بزیارات مطلقه یا بزیارت جامعه
مخصوص این ماه که گذشت زیارت نماید و اگر دور باشد بهر لفظی که خود انشا نماید زیارت نماید
و بدانکه بعضی از علما زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله را نیز در این روز و این شب
نقل نموده اند چنانچه مذکور خواهد شد و کلام بعضی مشعر بآنست که زیارت آن بزرگوار در این
شب نیز نیکو است بنابرین اگر کسی در مدینه منوره حاضر باشد بزیارات مطلقه یا بزیارت جامعه
که گذشت زیارت نماید و اگر دور باشد بهر لفظی که خود تالیف نماید زیارت کند والله تعالی یعلم
روز بیست و هفتم این روز در میان روزهای این ماه بلکه تمام سال بمزید فضیلت ممتاز است
و همین معنی در باب فضیلت آن کافی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن برسالت مبعوث
گردید و جن و انس ببرکت این عطیه عظمی و موهبت کبری از تیه ضلالت بساحل هدایت
رسیدند و باین سبب روزه آن اجر عظیم دارد و شیخ طوسی رحمه الله در کتاب مصباح از اسحق بن
عبد الله عریضی روایت نموده است که گفت پدر و عمو هر دو با هم اختلاف نموده اند در ایام اربعه سال
که روزه آنها فضیلت بسیار دارد پس سوار شدند و رفتند بخدمت حضرت امام علی نقی صلوات
الله و سلامه علیه و حضرت در صریا اقامت فرموده بود قبل از آنکه بسرمن رای تشریف ارزانی
دارد پس عرض کردند که ای سید ما آمده ایم بخدمت تو از جهت امری که اختلاف در آن نموده ایم
حضرت از ایشان استفسار فرمود که بلی آمده اید که از من سؤال کنید از ایام اربعه سال که روزه
آنها فضیلت دارد ایشان عرض کردند که بلی آمده ایم مگر برای این مطلب پس حضرت فرمود که آن
چهار روز هفدهم ربیع الاول است که در آن رسول خدا صلی الله علیه و آله متولد شد و بیست و هفتم
رجب

رجب که آنحضرت برسالت مبعوث شد و بیست و پنجم ذی القعده که زمین در آن روز پهن شد و کشتی
نوح بر جودی قرار گرفت و روزه آن روز کفاره هفتاد سال گناه است و روز هجدهم ذی الحجه که حضرت
رسالت صلی الله علیه و آله حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را بامامت و خلافت نصب کرد
و روزه آن روز کفاره شصت سال گناهان است و ابن بابویه رحمه الله در کتاب امالی از حضرت
صادق علیه السلام روایت کرده است که هر که روز بیست و هفتم رجب را روزه دارد حق تعالی برای او
ثواب روزه هفتاد سال بنویسد و همین مضمون را سید در اقبال از جعفر بن محمد دوریستی در
کتاب حسنی نقل نموده که او از حضرت صادق علیه السلام روایت نموده است و از شیخ مفید رحمه الله نقل
نموده که روز بیست و هفتم رجب روز بعثت حضرت رسالت صلی الله علیه و آله است هر که آن را روزه
دارد حق تعالی برای او ثواب روزه شصت سال بنویسد و ایضا سید از کتاب حسنی نقل نموده که
حضرت صادق علیه السلام فرمود که ترک مکن روزه روز بیست و هفتم رجب را که در این روز
نبوت بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شد و ثواب آن مثل ثواب شصت ماه است برای
شما مؤلف گوید که کمیت ثواب روزه این روز در روایات مذکوره مختلف وارد شده چنانچه
دانستی و وجه جمع بین الاخبار در روز بیست و پنجم از ذی القعده الحرام نقل نمودیم همگی در اینمقام جاری
میشود و سید در اقبال در جمع میان حدیث هفتاد سال و شصت ماه گفته اند که در حدیث هفتاد
سال خصوص روزه وارد شده و ممکن است که مراد از شصت ماه مطلق عبادت در شصت ماه
باشد یا باعتبار اختلاف احوال مردم در خلوص نیت باشد و از ابن بابویه رحمه الله نقل نموده که
او در کتاب مرشد حدیث شصت ماه را چنین روایت نموده که ثواب آن کفاره گناهان شصت ماه است
و بنابراین احتیاج بتاویل ندارد و بدانکه حدیثی وارد شده است که بعثت آنحضرت در روز سیم
این ماه است و این روایتی است که ابن بابویه رضی الله عنه در کتاب فضائل رجب از حضرت امام
رضا صلوات الله علیه روایت کرده است که حق تعالی محمد صلی الله علیه و آله را مبعوث گردانید
وقتی که سه شب از ماه رجب گذشته بود پس ابن بابویه گفت که پدرم علی بن بابویه از سعد بن
عبد الله سجستانی رضی الله عنهما نقل نموده که این غلط از کاتب ناشی شده و عبارت حدیث
چنان است که آنحضرت مبعوث شد وقتی که سه شب از ماه رجب باقی مانده بود والله تعالی

بعلمه و اخبار دیگر در باب فضیلت این روز وارد شده و در ضمن اعمال مذکور میشود انشاء
الله تعالی اعمال آن چند چیز است اول غسل چنانچه شیخ و سید و علامه و کفعمی قدس الله ارواحهم
و دیگران در کتب خود نقل نموده اند مؤلف گوید که روایتی در این باب بنظر نرسید دویم
سید رحمه الله در اقبال گفته که در این روز مستحب است تصدق نمودن بر فقرا و اتیان
بخیرات و ادخال سرور بر اهل ایمان مؤلف گوید که این معنی اگرچه بخصوص در روایتی وارد
نشده است لیکن این روز چون مبعث حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و اعظم اعیاد مسلمانان
است اتیان باعمال خیر در آن ثواب عظیم دارد سیم بسیار صلوات فرستادن بر مبعوث این روز و آل
او صلی الله علیهم اجمعین چنانچه در مصباح شیخ و سید در اقبال از حسن بن راشد روایت کرده اند
که گفت عرض کردم بخدمت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که آیا در میان اعیاد روزی
هست که از همه بهتر باشد فرمود بلی اشرف و افضل آنها روزیست که در آن حضرت رسالت صلی الله
علیه و آله به پیغمبری مبعوث شد گفتم کدام روز است آن فرمود که روزها میگردد و آن روز شنبه
بیست و هفتم رجب بود گفتم چه کار کنیم در آن روز فرمود که روزه بدار و بسیار صلوات بر آنحضرت
و آل علیهم السلام بفرست چهارم شیخ طوسی و سید بن طاوس در مصباح و اقبال از ریان بن
الصلت روایت کرده اند که گفت حضرت امام محمد تقی علیه السلام در وقت اقامت بغداد روز نیمه
رجب و روز بیست و هفتم از روزه داشت و جماعتی که با آنحضرت همراه بودند همگی نیز روزه داشتند و امر
فرمود ما را که بجا آوریم دوازده رکعت نماز را اگر با این کیفیت که هر دو رکعت را بیک سلام میکنی
در هر رکعت بعد از حمد هر سوره که خواهی و چون فارغ شدی سوره حمد و قل هو الله احد و معوذتین هر
یک را چهار نوبت میخوانی پس چهار نوبت میگوئی لا اله الا الله و الله اکبر و سبحان الله و
الحمد لله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و چهار نوبت الله الله ربی لا اشرک به شیئا
و چهار نوبت لا اشرک بربی احدا مؤلف گوید که این روایت در روز پانزدهم نیز مذکور شد
و بجهت طول فاصله در این مقام نیز اعاده شد و از غرایب آنست که سید بن باقی رحمه الله
در حاشیه مصباح این روایت را در عمل روز مبعث نقل کرده و کیفیت عمل را نموده با آنچه در
شب نیمه نقل نموده ایم و در شب نیمه روایت داود بن سرحان را که ما بین ایراد نمودیم ذکر نموده و
کیفیت

کیفیت عمل در این دو روایت با یکدیگر مخالف است چنانچه پوشیده نیست بر کسی که دو روایت را
با یکدیگر ملاحظه نماید و الله تعالی یعلم پنجم شیخ طوسی در مصباح و سید بن طاوس در
مصباح الزائر و اقبال و سید بن باقی در مصباح از ابی القاسم بن روح روایت کرده اند که در
این روز دوازده رکعت نماز میکنی هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی بعد از حمد هر سوره که
خواهی و بعد از هر دو رکعت بعد از سلام می نشینی و این دعا را میخوانی اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ
وَلَدًا وَلَمْ یَکُنْ لَهُ شَرِیکٌ فِی الْمُلْکِ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَکَبِّرْهُ تَکْبِیرًا یَا عُدَّتِی فِی مُدَّتِی
یَا صَاحِبِی فِی شِدَّتِی وَیَا وَلِیِّی فِی نِعْمَتِی یَا غِیَاثِی فِی رَغْبَتِی یَا نَجَاحِی فِی حَاجَتِی یَا حَافِظِی فِی غَیْبَتِی
یَا کَالِئِی فِی وَحْدَتِی یَا اُنْسِی فِی وَحْشَتِی اَنْتَ السَّاتِرُ عَوْرَتِی فَلَکَ الْحَمْدُ وَاَنْتَ الْمُقِیلُ عَثْرَتِی
فَلَکَ الْحَمْدُ وَاَنْتَ الْمُنْعِشُ صَرْعَتِی فَلَکَ الْحَمْدُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاسْتُرْ عَوْرَتِی وَآمِنْ رَوْعَتِی
وَاَقِلْنِی عَثْرَتِی وَاصْفَحْ عَنْ جُرْمِی وَتَجَاوَزْ عَنْ سَیِّئَاتِی فِی اَصْحَابِ الْجَنَّةِ وَعْدَ الصِّدْقِ الَّذِی کَانُوا
یُوعَدُونَ پس چون فارغ شوی از نماز و دعا هر یک از سوره حمد و قل هو الله احد و معوذتین و
قل یا ایها الکافرون و انا انزلناه و آیة الکرسی را هفت نوبت میخوانی پس هفت نوبت لا اله الا
الله و الله اکبر و سبحان الله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و هفت نوبت الله الله
ربی لا اشرک به شیئا میگوئی پس دعا میکنی بآنچه خواهی مؤلف گوید که سید در اقبال این روایت
را از محمد بن علی الطرازی نقل نموده و چهار نوبت لا اله الا الله و الله اکبر تا آخر در آن مذکور نیست
و سوره قل یا ایها الکافرون قبل از معوذتین مذکور است و ظاهر الطرازی سهو نقل نموده است
و بنا بر آنکه ظاهر عبارت این حدیث آنست که سوره قرائت و اذکار بعد از آن بعد از تمام دوازده
رکعت خوانده شود و محتمل است که بعد از هر دو رکعت اول دعای الحمد لله الذی تا آخر خوانده شود
و بعد از آن سور قرائت و اذکار بعد خوانده شود لیکن بعید است و الله تعالی یعلم ششم محمد بن یعقوب
کلینی قدس الله روحه در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که روز بیست
و هفتم ماه رجب روز بعثت حضرت رسالت صلی الله علیه و آله است هر که در این روز هر وقتی
از اوقات آن که خواهد دوازده رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی بعد از حمد سوره
یس را بخواند و چون فارغ شود بر جای خود بنشیند و سوره حمد را چهار نوبت بخواند و چهار نوبت

لا اله الا الله والله اكبر والحمد لله وسبحان الله ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
وچهار نوبت الله الله ربي لا اشرك به شيئا را بگويد پس دعا كند البته مستجاب ميشود مگر آنكه
نفرين كند يا قطع رحمى را سؤال نمايد هفتم سيد در اقبال از كتاب مقنعه شيخ مفيد
قدس الله روحه نقل نموده است كه حق تعالى در روز بيست و هفتم رجب حضرت رسالت صلى الله عليه
وآله را برسالت مبعوث گردانيده و باين جهت بزرگ و شريف گردانيده و ثوابهاى عظيم را در
آن براى بندگان خود قسمت فرموده و ايشان را در اين روز از گناهان عظيم ايمن گردانيده و از آل الرسول
صلى الله عليهم اجمعين وارد شده كه هر كه در اين روز دوازده ركعت نماز بگذارد هر دو ركعت بيك
سلام در هر ركعتى بعد از حمد سوره يس بخواند و چون فارغ شود در جاى خود بنشيند و سوره حمد
قل هو الله احد و معوذتين هر يك را چهار مرتبه بخواند پس چهار مرتبه الحمد لله ولا اله الا الله
والله اكبر وسبحان الله ولا حول ولا قوة الا بالله و چهار مرتبه سبحان الله والحمد لله ولا
اله الا الله والله اكبر الله الله ربي لا اشرك به شيئا بگويد پس حوائج خود را سؤال نمايد البته
برآورده ميشود مگر آنكه نفرين كند بر قومى يا قطع رحمى را سؤال نمايد هشتم ايضا از شيخ مفيد
قدس الله روحها نقل نموده كه در كتاب تواريخ شرعيه همين نماز را ذكر كرده وليكن سور و اذكار
بعد از نماز را مخالف ذكر نموده باين طريق كه چون از نماز فارغ شود سوره حمد را سه نوبت و معوذتين
و قل هو الله احد را هر يك چهار نوبت بخواند و چهار نوبت سبحان الله والحمد لله ولا اله الا
الله والله اكبر و چهار نوبت الله الله ربي لا اشرك به شيئا را بگويد پس مطالب خود را از
سؤال كند كه البته مستجاب ميشود مگر آنكه نفرين كند بر قومى يا قطع رحمى را سؤال نمايد
مؤلف گويد كه دوازده ركعت نماز بچندين طريق چنانچه دانستى در اين روز منقول است و ظاهر
حال آنست كه همه را عمل باشد و اختلافات مذكوره از اشتباه رواة ناشى باشد يا آدمى مخير
باشد ميان اين طريق و هر يك عمل نمايد خوب باشد و اگر خواهد كه عمل بجميع طرق نمايد دوازده
ركعت را با سوره يس بجا آورد و بعد از هر سلامى نشسته دعاى الحمد لله الذى لم يتخذ ولدا
تا آخر كه در روايت ابو القاسم بن روح مذكور است بخواند و از سلام آخر چون از دعا فارغ شود
سوره حمد و قل هو الله احد و معوذتين و قل يا ايها الكافرون و انا انزلناه و آية الكرسى را هر يك
هفت

هفت نوبت بخواند ولا اله الا الله والله اكبر وسبحان الله والحمد لله ولا حول ولا قوة الا
بالله العلي العظيم را هفت نوبت و چهار نوبت الحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر وسبحان الله ولا
حول ولا قوة الا بالله و چهار نوبت سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر
و هفت نوبت الله الله ربي لا اشرك به شيئا و چهار نوبت لا اشرك بربي احدا بخواند
پس حوائج خود را سؤال كند تكميل بدانكه اكثر روايات سابقه چون مطلق وارد شده دوازده
ده ركعت را بهر طريقى كه اختيار نمائى در هر وقتى از اوقات اين روز كه خواهى ميتوانى كرد و در
روايت كلينى تصريح باين معنى شده ليكن سيد در اقبال از شيخ مفيد در رساله غريه نقل نموده
كه نماز روز مبعث در اول روز بايد كرده شود و از شيخ سليمان بن الحسن در كتاب بنايه نقل
نموده كه قبل از ظهر بايد كرده شود و ممكن است كه روايتى در اين باب بايشان رسيده باشد والله تعالى
يعلم نهم سيد بن طاوس در اقبال از محمد بن على طرازى روايت نموده است كه چون حضرت امام
موسى كاظم صلوات الله و سلامه عليه را به بغداد آوردند ماه رجب از سال صد و هفتاد و نهم
هجرت بود و آنحضرت در روز بيست و هفتم اين ماه كه مبعث حضرت رسالت صلى الله عليه و آله
بود اين دعا را خواندند و اين دعا از جمله ادعيه مذكوره ماه رجب است و در منهاج الصلاح و جنة
الامان و بلد الامين و مصباح الزائر و مصباح ابن باقى و اكثر نسخ مصباح شيخ نيز اين دعا
مذكور است و دعا اينست يا من امر بالعفو والتجاوز وضمن على نفسه العفو
والتجاوز يا من عفى و تجاوز اعف عنى و تجاوز يا كريم اللهم وقد اكدى الطلب و
اعيت الحيلة والمذهب و درست الآمال وانقطع الرجاء الا منك وحدك
لا شريك لك اللهم انى اجد سبل المطالب اليك مشرعة ومناهل الرجاء لديك مترعة
وابواب الدعاء لمن دعاك مفتحة والاستعانة لمن استعان بك مباحة واعلم انك لدا
عيك بموضع اجابة وللصارخ اليك بمرصد اغاثة وان فى اللهف الى جودك والضمان
بعدتك عوضا من منع الباخلين ومندوحة عما فى ايدى المستأثرين وانك لا تحتجب عن خلقك
الا ان تحجبهم الاعمال دونك وقد علمت ان افضل زاد الراحل اليك عزم ارادة وقد
ناجاك بعزم الارادة قلبى فاسئلك بكل دعوة دعاك بها راج بلغته امله او صارخ

اغثت صرخته او ملهوف مكروب فرجت كربة عن قلبه او مذنب خاطئ غفرت له او معافا
اتممت نعمتك عليه او فقير اهديت غناك اليه ولتلك الدعوة عليك حق وعندك منزلة
الا صليت على محمد وال محمد وقضيت حوائجي حوائج الدنيا والاخرة وهذا رجب المرجب المكرم
الذي اكرمتنا به اول اشهر الحرم الذي اكرمتنا به من بين الامم يا ذا الجود والكرم فنسئلك به
وباسمك الاعظم الاعظم الاعظم الاجل الاكرم الذي خلقته فاستقر في ظلك فلا يخرج منك
الى غيرك ان تصلي على محمد واهل بيته الطاهرين وتجعلنا من العاملين فيه بطاعتك والاملين
فيه لشفاعتك اللهم واهدنا الى سواء السبيل واجعل مقيلنا عندك خير مقيل في ظل ظليل
فانك حسبنا ونعم الوكيل والسلام على عباده المصطفين وصلواته عليهم اجمعين اللهم و
بارك لنا في يومنا هذا الذي فضلته وبكرامتك جللته وبالمنزل العظيم الاعلى انزلته
وصل على من فيه الى عبادك ارسلته وبالمحل الكريم احللته اللهم صل عليه صلوة دائمة تكون
لك شكرا ولنا ذخرا واجعل لنا من امرنا يسرا واختم لنا بالسعادة الى منتهى اجالنا وقد قبلت
اليسير من اعمالنا وبلغتنا برحمتك افضل امالنا انك على كل شيء قدير وصل الله على سيدنا
محمد واله وسلم دعوم سيد در اقبال ذکر نموده که از جمله دعاهای روز بیست و هفتم رجب
اینده عاست که اللهم اني اسئلك بالتجلي الاعظم في هذا اليوم من الشهر المعظم والمرسل
المكرم ان تصلي على محمد وال محمد وان تغفر لنا ما انت به منا اعلم يا من يعلم ولا يعلم اللهم
وبارك لنا في يومنا هذا الذي بشرف الرسالة فضلته وبكرامتك جللته وبالمحل الشريف احللته
اللهم انا نسئلك بالمبعث الشريف والسيد اللطيف والعنصر العفيف ان تصلي على محمد واله و
ان تجعل اعمالنا في هذا اليوم وفي ساير الايام مقبولة وذنوبنا مغفورة وقلوبنا بحسن القول
مسرورة وارزاقنا باليسر مدرورة اللهم انك ترى ولا ترى وانت بالمنظر الاعلى وان
اليك الرجعى والمنتهى وان لك الممات والمحيا وان لك الاخرة والاولى اللهم انا نعوذ بك ان
نذل ونخزى وان ناتي ما عنه تنهى اللهم انا نسئلك الجنة برحمتك ونستعيذك من النار
فاعذنا منها بقدرتك ونسئلك من الحور العين فارزقنا بعزتك واجعل اوسع ارزاقنا
عند كبر سننا واحسن اعمالنا عند اقتراب اجالنا واطل في طاعتك وما يقرب اليك و
يحظى

ويحظى عندك ويزلف لديك اعمارنا واحسن في جميع احوالنا وامورنا ولا تكلنا الى احد
من خلقك تمن علينا وتفضل علينا بجميع حوائجنا للدنيا والاخرة وابدأ باباءنا وامهاتنا
وجميع اخواننا المؤمنين في جميع ما سئلناك لانفسنا يا ارحم الراحمين اللهم انا نسئلك باسمك
العظيم وملكك القديم ان تصلي على محمد وال محمد وان تغفر لنا الذنب العظيم انه لا يغفر
العظيم الا العظيم اللهم وهذا رجب المكرم الذي اكرمتنا به اول اشهر الحرم اكرمتنا به من
بين الامم فلك الحمد يا ذا الجود والكرم اللهم فاسئلك به وباسمك الاعظم
الاعظم الاعظم الاجل الاكرم الذي خلقته فاستقر في ملكك فلا يخرج منك الى غيرك فاسئلك
ان تصلي على محمد واهل بيته الطاهرين وان تجعلنا من العاملين فيه بطاعتك والاملين لطاعتك
والامنين فيه لرعايتك اللهم اهدنا الى سواء السبيل واجعل مقيلنا عندك خير مقيل
في ظل ظليل وملك جزيل فانك حسبنا ونعم الوكيل اللهم اقلبنا مفلحين منجحين غير مغضوب
علينا ولا ضالين برحمتك يا ارحم الراحمين پس بسجده برو و بگو الحمد لله الذي هدانا لمعرفته
وخصني بولايته ووفقني لطاعته شكرا شكرا صد مرتبه و حاجت خود را سؤال کن و هر دعا که
خواهی بکن مؤلف گوید که سید در مصباح الزائر و ابن باقی این دعا را با دعای کوچکی که بعد از سجده
باید خوانده شود از اعمال شب مبعث نقل نموده اند چنانچه در اعمال شب ما از ایشان نقل نمودیم که ممکن
است که در هر دو وقت منقول باشد لیکن اگر در روز خوانده شود در موضع که لیله یا اللیالی مذکور است
باید تبدیل بیوم و ایام شود با رعایت تذکیر و تانیث ضمایر راجع چنانچه سید رحمه الله نیز
لهذا در این مقام نیز این دعا را ذکر نموده حواله بسابق ننمودیم یازدهم سید بن طاوس طاب ثراه
در اقبال گفته که سزاوار است در این روز که زیارت کنی رسول خدا صلی الله علیه و اله را بنا
بر آنکه در روز مولد آنحضرت که هفدهم ماه ربیع الاول است وارد شده مؤلف گوید که این
روایتی در این باب بنظر نرسید لیکن چون زیارت آن بزرگوار در این ایام متبرکه و اوقات مخصوصه
بآنحضرت نیکو است چنانچه سابق مذکور شد پس زایر اگر در مدینه منوره حاضر باشد بزیارت
مطلقه منقوله یا بزیارت جامعه مخصوصه این ماه که سابق مذکور شد زیارت نماید و اگر دور
باشد بزیارت مولد که مخصوص آنکه بعیده است و بعد از این در اعمال ماه ربیع الاول انشاء الله خواهیم

نمود و باین زیارت که خود انشا نمایند زیارت نمایند والله تعالی یعلم دوازدهم زیارت حضرت امیرالمؤمنین
صلوات الله وسلامه علیه شیخ مفید و سید ابن طاوس و شیخ شهید قدس الله اسرارهم گفته اند
که هرگاه اراده زیارت آن حضرت نمائی در این وقت پس برو در قبه شریفه مقابل ضریح مقدس بایست و بگو
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریك له واشهد ان محمدا عبده ورسوله وان علی بن ابی طالب امیر
المؤمنین عبد الله واخو رسوله وان الائمة الطاهرین من ولده حجج الله علی خلقه پس داخل
قبه مبارکه شو و نزد ضریح مطهر رو بضریح و پشت بقبله بایست و صد مرتبه الله اکبر بگو پس بگو
السلام علیك یا وارث آدم خلیفة الله السلام علیك یا وارث نوح صفوة الله السلام علیك
یا وارث ابراهیم خلیل الله السلام علیك یا وارث موسی کلیم الله السلام علیك یا وارث عیسی روح
الله السلام علیك یا وارث محمد رسول الله السلام علیك یا امیر المؤمنین السلام علیك یا امام
المتقین السلام علیك یا سید الوصیین السلام علیك یا وصی رسول رب العالمین السلام علیك
یا وارث علم الاولین والآخرین السلام علیك ایها النبأ العظیم السلام علیك ایها الصراط
المستقیم السلام علیك ایها المهذب الکریم السلام علیك ایها الوصی التقی السلام علیك ایها
الرضی الزکی السلام علیك ایها البدر المضیء السلام علیك ایها الصدیق الاکبر السلام علیك
ایها الفاروق الاعظم السلام علیك ایها السراج المنیر السلام علیك یا امام الهدی السلام علیك
یا علم التقی السلام علیك یا حجة الله الکبری السلام علیك یا خاصة الله وخالصته وامین
الله وصفوته وباب الله وحجته ومعدن حکم الله وسره وعیبة علم الله وخازنه
وسفیر الله فی خلقه اشهد انك اقمت الصلوة وآتیت الزکوة وامرت بالمعروف ونهیت عن
المنکر واتبعت الرسول وتلوت الکتاب حق تلاوته وبلغت عن الله ووفیت بعهد الله وتمت
بك کلمات الله وجاهدت فی الله حق جهاده ونصحت لله ولرسوله صلی الله علیه وآله وجدت
بنفسك صابرا محتسبا مجاهدا عن دین الله موقیا لرسول الله صلی الله علیه وآله طالبا ما عند الله
راغبا فیما وعد الله ومضیت للذی کنت علیه شاهدا وشهیدا ومشهودا فجزاك الله عن رسوله
وعن الاسلام واهله من صدیق افضل الجزاء اشهد انك کنت اول القوم اسلاما واخلصهم
ایمانا واشدهم یقینا واخوفهم لله واعظمهم عناء واحوطهم علی رسول الله صلی الله

علیه وآله وافضلهم مناقب واکثرهم سوابق وارفعهم درجة واشرفهم منزلة واکرمهم
علیه فقویت حین وهنوا ولزمت منهاج رسول الله صلی الله علیه وآله اشهد انك کنت
خلیفته حقا لم تنازع برغم المنافقین وغیظ الکافرین وضغن الفاسقین وقمت بالامر
حین فشلوا ونطقت حین تتعتعوا ومضیت بنور الله اذ وقفوا فمن اتبعك فقد اهتدی هدیت
کنت اولهم کلاما واشدهم خصاما واصوبهم منطقا واسدهم رأیا واشجعهم
قلبا واکثرهم یقینا واحسنهم عملا واعرفهم بالامور کنت للمؤمنین ابا رحیما اذ صاروا
علیك عیالا فحملت اثقال ما عنه ضعفوا وحفظت ما اضاعوا ورعیت ما اهملوا وشمرت
اذ جبنوا وعلوت اذ هلعوا وصبرت اذ جزعوا کنت علی الکافرین عذابا صبا وغلظة وغیظا
وللمؤمنین غیثا وخصبا وعلما لم تفلل حجتك ولم یزغ قلبك ولم تضعف بصیرتك
ولم تجبن نفسك کنت کالجبل لا تحرکه العواصف کنت کما قال رسول الله صلی الله
علیه وآله قویا فی بدنك متواضعا فی نفسك عظیما عند الله کبیرا فی الارض جلیلا فی
السماء لم یکن لاحد فیك مهمز ولا لقائل فیك مغمز ولا لخلق فی مثلك فیك مطمع
ولا لاحد عندك هوادة یوجد الضعیف الذلیل عندك قویا عزیزا حتی تاخذ له بحقه
والقوی العزیز عندك ضعیفا ذلیلا حتی تاخذ منه الحق القریب والبعید عندك فی ذلك
سواء شانك الحق والصدق والرفق وقولك حکم وحتم وامرك حلم وعزم ورأیك
علم وحزم اعتدل بك الدین وسهل بك العسیر واطفئت بك النیران وقوی بك
الایمان وثبت بك الاسلام وهدت مصیبتك الانام فانا لله وانا الیه راجعون
لعن الله من قتلك ولعن الله من خالفك ولعن الله من افتری علیك ولعن الله من
ظلمك وغصب حقك ولعن الله من بلغه ذلك فرضی به انا الی الله منهم براء لعن الله
امة خالفتك وجحدت ولایتك وتظاهرت علیك وقتلتك وحادت عنك وخذلتك
الحمد لله الذی جعل النار مثواهم وبئس الورد المورود اشهد لك یا ولی الله وولی
رسوله صلی الله علیه وآله بالبلاغ والاداء والنصیحة واشهد انك جنب الله وبابه
وانك حبیب الله ووجهه الذی منه یؤتی وانك سبیل الله وانك عبد الله واخو

رسوله صلى الله عليه وآله اتيتك زائرا لعظيم جلالك حالك ومنزلتك عند الله وعند
رسوله متقربا الى الله بزيارتك راغبا اليك في الشفاعة ابتغي بشفاعتك خلاص
نفسي متعوذا بك من النار هاربا من ذنوبي التي احتطبتها على ظهري فزعا اليك رجاء
رحمة ربي اتيتك استشفع بك يا مولاي الى الله واتقرب بك اليه ليقضي بك حوائجي
فاشفع لي يا امير المؤمنين الى الله فاني عبد الله ومولاك وزائرك ولك عند الله المقام
المعلوم والجاه العظيم والشان الكبير والشفاعة المقبولة اللهم صل على محمد وآل محمد و
صل على عبدك وامينك الاوفى وعروتك الوثقى ويدك العليا وكلمتك الحسنى
وحجتك على الورى وصديقك الاكبر سيد الاوصياء وركن الاولياء وعماد الاصفياء
المتقين امير المؤمنين ويعسوب الدين وقدوة الصديقين وامام الصالحين المعصوم من
الزلل والفطيم من الخلل والمهذب من العيب والمطهر من الريب اخي نبيك ووصي رسولك
والبائت على فراشه والمواسي له بنفسه وكاشف الكرب عن وجهه الذي جعلته
سيفا لنبوته ومعجزا لرسالته ودلالة واضحة لحجته وحاملا لرايته ووقاية
لمهجته وهاديا لامته ويدا لبأسه وتاجا لرأسه وبابا لنصره ومفتاحا لظفره
حتى هزم جنود الشرك بأيدك واباد عساكر الكفر بامرك وبذل نفسه في مرضات
رسولك وجعلها وقفا على طاعته ومجنا دون نكبته حتى فاضت نفسه صلى الله عليه
وآله في كفه واستلب بردها ومسحه على وجهه واعانته ملائكتك على غسله وتجهيزه
وصلى عليه وواری شخصه وقضى دينه وانجز وعده ولزم عهده واحتذى مثاله
وحفظ وصيته وحين وجد انصارا نهض مستقلا باعباء الخلافة مضطلعا باثقال
الامامة فنصب راية الهدى في عبادك ونشر ثوب الامن في بلادك وبسط العدل
في بريتك وحكم بكتابك في خليقتك واقام الحدود وقمع الجحود وقوم الزيغ
وسكن الغمرة واباد الفترة وسد الفرجة وقتل الناكثة والقاسطة والمارقة
ولم يزل على منهاج رسول الله صلى الله عليه وآله وسيرته ووتيرته ولطف شا
كلته وجمال سيرته مقتديا بسنته متعلقا بهمته مباشرا لطريقته وامثلته نصب
عينيه

عينيه يحمل عبادك عليها ويدعوهم اليها الى ان خضبت شيبته من دم رأسه اللهم فكما لم
يؤثر في طاعتك شكا على يقين ولم يشرك بك طرفة عين صل عليه صلاة زاكية نامية
يلحق بها درجة النبوة في جنتك وبلغه منا تحية وسلاما وآتنا من لدنك في موالاته فضلا
واحسانا ومغفرة ورضوانا انك ذو الفضل الجسيم برحمتك يا ارحم الراحمين پس ضریح مبارک
را ببوس و جانب پا و چپ دو رو بر آن بمال و بجانب قبله میل کن و نماز زیارت و هر دعائی که
خواهی بکن و تسبیح حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها بگو و بعد از آن این دعا را بخوان
اللهم انك بشرتني على لسان نبيك ورسولك محمد صلواتك عليه وآله فقلت وبشر
الذين آمنوا ان لهم قدم صدق عند ربهم اللهم واني بك اني مؤمن وبجميع انبيائك ور
سلك صلواتك عليهم فلا تقفني بعد معرفتهم موقفا تفضحني فيه على رؤس الاشهاد
بل قفني معهم وتوفني على التصديق بهم اللهم وانت خصصتهم بكرامتك وامرتني باتبا
عهم اللهم واني عبدك وزائرك متقربا اليك بزيارة اخي رسولك وعلى كل مأتي ومزور
حق لمن اتاه وزاره وانت خير مأتي واكرم مزور فاسئلك يا الله يا رحمن يا رحيم يا جواد
يا ماجد يا احد يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد ولم يتخذ صاحبة ولا ولدا
ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل تحفتك اياي من زيارتي اخا رسولك فكاك رقبتي من
النار وان تجعلني ممن يسارع في الخيرات ويدعوك رغبا ورهبا وتجعلني لك
من الخاشعين اللهم انك مننت علي بزيارة مولاي علي بن ابي طالب وولايته ومعرفته
فاجعلني ممن ينصره وينتصر به ومن علي بنصرك لدينك اللهم واجعلني من شيعته وتوفني
على دينه اللهم اوجب لي من الرحمة والرضوان والمغفرة والاحسان والرزق الواسع الحلال
الطيب ما انت اهله يا ارحم الراحمين والحمد لله رب العالمين پس چون خواهی از حضرت وداع
نمائی نزد ضریح مقدس بایست و بگو السلام عليك يا امير المؤمنين السلام عليك يا
تاج الاوصياء السلام عليك يا وارث علم الانبياء السلام عليك يا رأس الصديقين السلام
عليك يا باب الاحكام السلام عليك يا ركن المقام استودعك الله واسترعيك واقرأ
عليك السلام آمنا بالله وبالرسول وبما جاء به ودعا اليه ودل عليه اللهم فاكتبنا مع

الشاهدين اللهم فلا تجعله آخر العهد من زيارتي اياه ولا تحرمني ثواب من زاره واستعملني
بالذي افترضت له علي وارزقني العود اليه فان توفيتني قبل ذلك فاني اشهد انهم
اعلام الهدى والعروة الوثقى والكلمة العليا والحجة العظمى والنجوم العلى والعذر البالغ
بينك وبين خلقك واشهد ان من رد ذلك في اسفل درك الجحيم اللهم اجعلني من
وفد المباركين ونثار المخلصين وشيعته الصادقين ومواليه المبايعين وانصاره
المكرمين واصحابه المؤيدين اللهم اجعلني اكرم وافد وافضل وارد وانبل قاصد
قصدك الى هذا الحرم الكريم والمقام العظيم والمنهل الجليل الذي اوجبت فيه
غفرانك ورحمتك اللهم اني اشهدك واشهد من حضر من ملائكتك ان الذي من
سكن هذا الرمس وحل هذا الضريح طهر مقدس منتجب رضي وصي مرضي طوبى لك
من تربة ضمنت كنزا من الخير وشيئا من النور وينبوع الحكمة ومعدنا من الكرم ومبلغ
الحجة انا ابرء الى الله من قاتليك والناصبين لك والمعينين عليك والمحاربين لك اللهم
ذلل قلوبنا لك ولهم بالطاعة والمناصحة والموالاة وحسن الموازرة والتسليم بذلك
حتى نستكمل بذلك طاعتك ونبلغ به رضاك ونستوجب به ثوابك ورحمتك اللهم
وفقنا لكل مقام محمود واقلبني من هذا الحرم بكل خير موجود يا ذا الجلال والاكرام اودعك
يا مولاي يا امير المؤمنين وداع محزون على فراقك لا جعله الله آخر عهدي منك ولا زيارتي
لك انه قريب مجيب والسلام عليك ورحمة الله وبركاته پس رو بقبله کن ودستها را
بردار وبگو اللهم صل على محمد وآل محمد وابلغ عنا الوصي الخليفة والداعي اليك
والى دار السلام صديقك الاكبر في الاسلام وفاروقك بين الحق والباطل ونورك
الظاهر الزاهر ولسانك الناطق بامرك بالحق المبين وعروتك الوثقى وكلمتك
العليا ووصي رسولك المرتضى علم الدين ومنار المسلمين وخاتم الوصيين وسيد
المؤمنين علي بن ابي طالب امير المؤمنين وامام المتقين وقائد الغر المحجلين صلوة ترفع
بها ذكره وتحيي بها امره وتظهر بها دعوته وتنصر ذريته وتفلج بها حجته وتعطيه
بها بغيته ونصرته اللهم واجزه عنا خير جزاء المكرمين واعطه سؤله يا رب العالمين
فانا

فانا اشهد انه قد نصح لرسولك وهدى الى سبيلك وقام بحقك وصدع بامرك بجد
في حكمك ولم يدخل في ظلم ولم يبغ في اثم وانه اخو رسولك واول من آمن به وصدقه
واتبعه ونصره وانه صحبه ووارث علمه وموضع سره واحب الخلق اليه فابلغه عنا
السلام ورد علينا منه السلام يا ارحم الراحمين مؤلف گوید که این زیارت را سید در
مصباح الزائر نقل نموده واز کلام او وکلام شیخ مفید وشیخ شهید مستفاد میشود که این
زیارت برای خصوص این وقت منقول باشد ودر اقبال که در این روز زیارت کن آنحضرت
را بزیارتی که در روز مولد رسول خدا صلی الله علیه وآله برای آنحضرت وارد شده واین
کلام مستفاد میشود که این زیارت از زیارات مطلقه باشد وجد علامه ام مولانا محمد باقر
مجلسی طاب ثراه در کتاب بحار الانوار گفته که من مطلع نگردیدم بر سند این زیارت بلکه
استحباب زیارت آنحضرت را در خصوص این روز در روایات ندیدم لیکن در میان شیعه
مشهور ومعروف است وزیارت آنحضرت در اوقات متبرکه وازمنه مخصوصه با آنحضرت
فضیلت عظیم دارد وچون این روز بسیار شریف است زیارت آنحضرت در آن نیکوست
بلکه نهایت اختصاص با آنحضرت نیز دارد بجهت آنکه آنحضرت بمنزله نفس مقدس رسول خدا
صلی الله علیه وآله است چنانچه آیه کریمه مباهله شهادت بآن میدهد ولهذا در روز
مولد نیز زیارت وارد شده است وچون این زیارت مختص قریب است پس در بلاد بعیده
هر زیارتی که خود انشا نماید زیارت نماید والله تعالی الموفق شب بیست وهشتم
سید در کتاب مذکور از حضرت رسالت صلی الله علیه وآله روایت کرده است که هر که
در این شب دوازده رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام ودر هر رکعتی بعد از حمد
سوره سبح اسم وانا انزلناه را هر یک ده نوبت بخواند وچون فارغ شود صد نوبت صلوات
بر آنحضرت وآل او بفرستد وصد نوبت استغفار نماید حق تعالی بنویسد برای او ثواب
ملائکه را مؤلف گوید که این نماز مطابق است با نمازی که سید بهمین سند در شب
سابق نقل کرده چنانچه ما ایراد نمودیم ودر جنة الامان صلوات وسلام هر دو مذکور
است وبهتر آنست که لفظ مشتمل بر هر دو گفته شود روز بیست وهشتم روزه این روز

مخصوص فضیلت عظیم دارد چنانچه سید در کتاب اقبال از کتاب حسنی که تالیف جعفر بن محمد
قمی است نقل نموده که از حضرت امام رضا صلوات الله علیه روایت نموده که هر که روز بیست
و هفتم این ماه را روزه دارد روزه او کفاره نود سال گناه باشد **و ایضا** فضیلت روزه سه
روز آخر این ماه زیاده از سایر ایام است چنانچه بعضی از روایات آن در فضیلت روزه آن
مذکور شد و ابن بابویه در کتاب مجالس بسند معتبر از سالم روایت کرده است که گفت
رفتم بخدمت حضرت صادق علیه السلام در اواخر ماه رجب که چند روز از آن باقی بود
چون نظر مبارک آنحضرت بر من افتاد پرسید که آیا روزه گرفته در این ماه گفتم نه والله ای
فرزند رسول خدا فرمود که آنقدر ثواب از تو فوت شده است که قدر آنرا بغیر از خدا کسی نمی
داند بدرستیکه این ماهی است که خدا آنرا بر ماههای دیگر فضیلت داده و حرمت آنرا عظیم
گردانیده و بر خود واجب ساخته است گرامی داشتن روزه دارنده او را گفتم یا ابن رسول
الله اگر در بقیه این ماه روزه دارم آیا بعضی از ثواب روزه داران آن را دریابم فرمود که
ای سالم هر که یک روز از آخر این ماه را روزه دارد خدا او را ایمن گرداند از شدت سکرات
مرگ و از هول بعد از مرگ و عذاب قبر و هر که روزه دارد دو روز آخر این ماه را بر صراط باسانی
و هر که سه روز از آخر این ماهرا روزه بدارد ایمن گرداند از ترس عظیم روز قیامت و
شدتها و هولهای آن روز و برات نجات از آتش جهنم باو عطا کنند **روز بیست و نهم**
سید در کتاب مذکور از رسول خدا صلی الله علیه و آله در این شب ده رکعت نماز
مانند نماز در شب سابق در کیفیت و ثواب روایت کرده است و در جنة الامان با صلوات
و سلام زائد ذکر نموده است **مؤلف گوید که** در اعمال شب اول مذکور شد که احوط آن
است که در شب اول و شب وسط و شب آخر و روزهای آنها غسل واقع شود و چون
محتمل است که ماه ناقص و این شب شب آخر باشد پس غسل در این شب و روز آن احوط است
روز بیست و نهم روزه این روز بخصوص فضیلت بسیار دارد چنانچه در روز سابق
مذکور شد و سید در اقبال از کتاب حسنی نقل نموده است که از حضرت امام رضا علیه
السلام منقول است که هر که روزه دارد روز بیست و نهم این ماه را روزه او کفاره صد سال
گناه

گناه واقع شود **مؤلف گوید که** غسل در این روز احتیاطا باید واقع شود چنانچه دانستی
و همچنین ده رکعت نماز سلمان فارسی از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که
باید در روز آخر این ماه کرده شود بطریقی خاصی که در اول مذکور شد و احوط آنست که در
این روز کرده شود بعلت احتمال نقصان ماه **شب سیام** سید در کتاب مذکور از حضرت
رسالت صلی الله علیه و آله روایت کرده است که هر که در این شب ده رکعت نماز بکند هر
دو رکعت بیک سلام و در هر رکعتی بعد از حمد سوره قل هو الله احد ده مرتبه بخواند حق تعالی
عطا فرماید باو در جنة الفردوس هفت شهر و چون از قبر بیرون آید روی او مانند
ماه شب چهارده درخشنده باشد و بگذرد از صراط مانند برق جهنده و نجات یابد از
آتش جهنم **مؤلف گوید که** کفعمی رحمه الله در جنة الامان در این موضع نیز اشتباه نموده
و سوره قل هو الله را یازده مرتبه نقل نموده است و جهت این اشتباه سابق نیز این مذکور
شد و کردن غسل در این شب احوط است چنانچه مکرر مذکور شد **روز سیام**
روزه این روز بخصوص نیز فضیلت دارد و تاکید نیز زیاده از دو روز سابق است
و صاحب کتاب حسنی چنانچه سید در اقبال از آن نقل نموده است بسند خود از حضرت
امام رضا علیه السلام روایت نموده است که هر که روزه دارد روز سیام این ماه را
حق تعالی گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد و غسل از اعمال این روز است بنا بر احتمال
اقرب و ده رکعت نماز سلمان که کیفیت آن در اعمال روز اول مذکور شد والله تعالی
هو الموفق **خزینه دویم از کتاب خزائن الجواهر سلطانی در بیان** فضیلت و فضا
یل و اعمال ماه مبارک شعبان است و آن بچند باب مفتوح میشود **باب اول**
در بیان فضیلت و ثواب عبادت در آن بدانکه شرافت و فضیلت و برکت این ماه
زیاده از ماه سابق است و عبادت در آن ثوابش بیشتر است و لحظه بلحظه فیوضات
الهی بر گروه بندگان وارد میشود و از این جهت این ماه را شعبان نامیده میشود زیرا
که روزیهای مؤمنان را در این ماه منشعب میسازند و می افزایند و برکات بسیار بر ایشان
افاضه میشود و فضیلت روزه این ماه زیاده از ماه سابق است چنانچه ابن بابویه رضی الله عنه

عنه در کتاب فضایل شهر شعبان از زید بن اسلم روایت کرده است که از حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه و آله پرسیدند از فضیلت روزه ماه رجب فرمود که شما کجائید از روزه ماه
شعبان یعنی روزه ماه شعبان افضل است وایضا روزه ماه رجب از جمله تطوعات و روزه
اینماه از جمله سنن است و فضیلت سنن و ثواب آن و تاکید در اتیان بان زیاده از تطوعات
است و تحقیق اینمعنی بتفصیل در مفتح باب اول از خزینه اول سبق ذکر یافت و از بعضی از روایات
ظاهر میشود که در ایام سابقه نیز روزه اینماه فضیلت داشته چنانچه احمد بن محمد عیسی در کتاب نوادر
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود که رسول خدا صلی الله علیه
و آله در ماه شعبان بسیار روزه میداشت و میفرمود که اهل کتاب روزه اینماه را ضایع کرده اند
پس شما مخالفت کنید ایشانرا و احادیث فضیلت این ماه بسیار است و بعضی بتقریب در بیان فضیلت
ماه سابق مذکور شد و ابن بابویه در کتاب امالی و ثواب الاعمال از ابن عباس روایت کرده است
که صحابه که در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله فضایل ماه شعبان مذکور ساختند پس آنحضرت
فرمود که آن ماهی است شریف و آن ماه منست و حاملان عرش الهی آنرا تعظیم مینمایند و حق
آنرا میشناسند و آن ماهی است که روزیهای مؤمنان در آن زیاد میشود برای ماه مبارک
رمضان و زینت میکنند بهشت را در این ماه و بدرستی که آنرا شعبان مینامند برای آنکه منشعب
و فراخ میگردد در آن روزیهای مؤمنان و آن ماه عمل است بدرستی که حسنات در این ماه
تا بهفتاد برابر مضاعف میگردد و سیئات کم میگردد و گناهان آمرزیده میشود و اعمال
حسنه مقبول میگردد و خداوند جبار جل جلاله در این ماه به بندگان خود مباهات مینماید و
از عرش عظمت و جلال خود بر روزه داران و عبادت کنندگان آن نظر میالتفات میفرماید پس
حاملان عرش الهی با ایشان مباهات میکنند پس برخاست حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
و فرمود که فدای تو باد پدر و مادرم یا رسول الله قدری از فضایل آنرا برای ما بیان فرما
تا رغبت ما در روزه داشتن و عبادت کردن آن زیاد گردد و از روی جد و اهتمام عبادت
خداوند جلیل نمائیم در آن پس جناب مقدس نبوی صلی الله علیه و آله فرمود که هر که روزه
دارد روز اول ماه شعبان را بنویسد حق تعالی برای او هفتاد حسنه که هر حسنه برابر باشد

باعبادات

با عبادات یکساله و هر که روزه دارد از این ماه دو روز دفع کند حق تعالی از او گناهان مهلکه او را
و هر که سه روز از اینماه را روزه دارد بلند گرداند حق تعالی برای او هفتاد درجه در بهشت از در و
یاقوت و هر که چهار روز از این ماه را روزه دارد فراخ کند حق تعالی روزی او را و هر که پنج روز از
اینماه را روزه دارد محبوب و مرضی گردد و هر که شش روز از اینماه را روزه دارد دفع کند حق تعالی
از او هفتاد نوع بلا را و هر که هفت روز از اینماه را روزه دارد حفظ کند حق تعالی او را در تمام عمر
از شر شیطان و لشکرهای او و هر که هشت روز اینماه را روزه دارد بیرون نرود از دنیا تا آنکه از
حوضهای قدس سیراب گردد و هر که نه روز از اینماه را روزه دارد منکر و نکیر مهربانی کنند با او در
قبر چون از او سؤال نمایند و هر که ده روز این ماه را روزه دارد حق تعالی بازده مناره از نور در قبر
او بنا کند و هر که دوازده روز از این ماه را روزه بدارد زیارت نمایند او را در قبر او هر روز
نود هزار ملک تا نفخ صور و هر که سیزده روز از این ماه را روزه بدارد استغفار کنند برای او
ملائکهای آسمانهای هفتگانه و هر که چهارده روز از این ماه را روزه دارد حق تعالی الهام فرماید
بجمیع حیوانات و درندگان حتی ماهیان دریاها که استغفار نمایند برای او و هر که پانزده روز از
این ماه را روزه دارد خداوند رب العزت او را ندا کند که بعزت و جلال خود سوگند یاد کردم
که ترا با تش جهنم نسوزانم و هر که شانزده روز از این ماه را روزه بدارد خاموش گرداند حق تعالی
از او هفتاد دریا از آتش جهنم را و هر که هفده روز از این ماه را روزه دارد بسته شود بر او
درهای جهنم و هر که هیجده روز از این ماه را روزه دارد گشوده شود بر او همه درهای بهشت
و هر که نوزده روز از این ماه را روزه دارد عطا کنند با و در بهشت هفتاد هزار قصر از در و یاقوت
و هر که بیست روز از این ماه را روزه دارد هفتاد هزار زن از حور العین را باو تزویج کنند و هر
که بیست و یک روز از اینماه را روزه دارد مرحبا گویند باو ملائکه و بال خود را باو بمالند برای
برکت و هر که بیست و دو روز از این ماه را روزه دارد بپوشانند باو هفتاد هزار حله از سندس
و استبرق بهشت و هر که بیست و سه روز از این ماه را روزه دارد برای او بیاورند در وقت
بیرون آمدن از قبر چهارپائی از نور که او سوار شود و پرواز کند تا داخل بهشت شود و هر که
بیست و چهار روز از این ماه را روزه دارد قبول کنند شفاعت او را در حق هفتاد هزار کس

که خدا را بیگانگی پرستیده باشند و هر که بیست و پنج روز از این ماه را روزه دارد برات بیزاری
از نفاق فرا با وی عطا کنند و هر که بیست و شش روز از این ماه را روزه دارد گذشتن از پل صراط را
حق تعالی برای او بنویسد و هر که بیست و هفت روز از این ماه را روزه دارد برات سلامتی از آتش جهنم را
حق تعالی برای او بنویسد و هر که بیست و هشت روز از این ماه روزه دارد روی او در روز قیامت
مانند ماه نورانی شود و هر که بیست و نه روز از این ماه را روزه دارد روی در روز قیامت
مانند ماه نورانی شود و برسد برضوان اکبر حق تعالی و هر که سی روز از این ماه را روزه بدارد
ندا کند او را جبرئیل از پیش عرش که فلان عمل را از سر گیر بدرستی که آمرزیده شد گناهان گذشته تو پس
وردگار جلیل میفرماید که اگر گناهان تو بعدد ستارهای آسمان و قطرهای باران و برگ درختان
و ریگ بیابانها و ایام دنیا باشد که هر آینه همه آنها را آمرزیدم برای تو پس حضرت فرمود که این عجبی
از خداوند عالمیان عجیب نیست بعد از آنکه ماه شعبان را روزه داشته باشی و شیخ طوسی طاب
ثراه در مصباح و سید بن طاوس رحمه الله در اقبال از صفوان بن مهران جمال روایت کرده اند که
گفت حضرت صادق صلوات الله و سلامه علیه بمن فرمود که ترغیب کن جماعتی را که در ناحیه تو می
باشند بروزه داشتن ماه شعبان پس عرض کردم که فدای تو شوم آیا فضیلتی میدانی در آن فرمود
بلی بدرستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله چون هلال شعبان را میدید منادی را امر میفرمود که
در مدینه ندا کند که ای اهل یثرب بدرستی که من از جانب رسول خدا صلی الله علیه و آله بسوی شما
رسولم و میفرماید که شعبان ماه من است خدا رحمت کند کسی را که یاری کند بر ماه من پس حضرت
صادق علیه السلام فرمود که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که از روزی که منادی
منادی آنحضرت را شنیدم فوت نشد از من روزه این ماه و نخواهد شد انشاء الله تعالی
پس حضرت صادق علیه السلام فرمود که روزه دو ماه پی در پی توبه ایست از جانب حق تعالی
و شیخ مفید قدس الله روحه در کتاب مقنعه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت
کرده است که هر که روزه بدارد ماه شعبان را پاک گرداند این روزه او را از هر لغزش و هر
وصمه و هر بادره پس حضرت فرمود که روزه ماه شعبان روزه پیغمبران و پیروان ایشانست
پس کسی که روزه دارد این ماه را پس بدرستی یافته است او را دعوت رسول خدا صلی الله علیه و آله

زیرا

زیرا که آنحضرت فرموده که رحمت کند خدا کسی را که یاری کند مرا بر ماه من و ابن بابویه رضی
الله عنه در کتاب من لا یحضره الفقیه از ابی حمزه ثمالی روایت کرده است که گفت که آنحضرت
فرموده که هر که ماه شعبان را روزه بدارد این روزه پاک گرداند او را از لغزش و هر وصمه
و هر بادره پس عرض کردند که چیست وصمه فرمود که سوگند یاد نمودن و نذر کردن در معصیت
پس عرض کردند که چیست بادره فرمود که سوگند خوردن در وقت غضب و توبه از آن پشیمان شدن
از آنست و در کتاب فضایل شهر شعبان از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که آن
حضرت از پدران بزرگوارش از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت فرموده که هر که روزه
بدارد ماه شعبان را از برای محبت رسول خدا صلی الله علیه و آله و تقرب جستن بحق تعالی او را حق
خود گردانند و او را در روز قیامت بکرامت خود نزدیک گرداند و بهشت را برای او واجب گرداند و
ایضا در کتاب مذکور باسانید متعدده از عایشه روایت کرده است که گفت من ندیدم رسول
خدا صلی الله علیه و آله را که روزه دارد ماهی زیاده از ماه شعبان و ایضا در کتاب مذکور از حضرت
امام رضا صلوات الله علیه روایت کرده است که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله بسیار روزه
میداشت در ماه شعبان و میفرمود که ماه شعبان ماه من است آن بهترین ماههاست بعد از ماه مبارک
رمضان پس هر که یکروز از این ماه مرا روزه بدارد من شفیع او خواهم بود در روز قیامت و سید بن
طاوس رحمه الله در اقبال از حضرت صادق صلوات الله علیه روایت نموده است که آنحضرت
از پدران بزرگوارش روایت فرموده که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله فرمود که شعبان ماه
من است و رمضان ماه خداست و هر که یکروز از این ماه مرا روزه دارد در قیامت شفیع او باشم
و هر که دو روز از آن را روزه دارد گناهان گذشته او آمرزیده شود و هر که سه روز از آن روزه
دارد با او گویند که عمل را از سر گیر مؤلف گوید که احادیث بسیار وارد شده است که ماه شعبان
منسوب بحضرت رسالت صلی الله علیه و آله و ماه رمضان بخداوند عالمیان منسوب است و ماه
رجب بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام منسوب است و در بعضی روایات ماه رجب بحق تعالی
نسبت دارد و در بعضی ماه رمضان بامت حضرت رسالت صلی الله علیه و آله منسوب گردیده است
و شیخ جمع بین الاخبار در باب اول از خزینه اول مذکور شد و ابن بابویه رحمه الله در کتاب

ثواب الاعمال از انس بن مالک روایت کرده است که از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم
که کدام روزه افضل است حضرت فرمود که روزه ماه شعبان از جهت تعظیم ماه رمضان **و ایضاً**
در کتاب مذکور از ابی سعید روایت کرده است که گفت از اسامه بن زید شنیدم که گفت حضرت
رسالت صلی الله علیه و آله گاهی آنقدر روزه میداشت که مردم میگفتند که دیگر افطار نخواهد فرمود
و گاهی آنقدر افطار میفرمود که مردم میگفتند که دیگر روزه نخواهد داشت پس از او پرسیدم که هیچ یک
از ماهها را آنقدر روزه میداشت آنقدر که در باقی ماههای دیگر بقدر آن روزه ندارد گفت بلی گفتم
آن کدام ماهست گفت ماه شعبان و آن ماهی است که غافلند مردم از فضیلت آن و آن ماه میان
ماه رجب و ماه مبارک رمضان است و آن ماهی است که بالا میرود در آن عملهای مردم بسوی خداوند
عالمیان پس دوست میدارم که عمل من بالا رود در حالتی که من روزه باشم **و ایضاً در کتاب**
مذکور از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که در خدمت آنحضرت مذکور شد فضیلت
ماه شعبان پس حضرت فضیلت و ثواب بسیار برای آن فرمود و در آخر فرمود که اگر کسی در خون ناحق
داخل شده باشد و روزه بدارد ماه شعبان را این روزه نفع میرساند باو و آمرزیده میشود ببرکت
این روزه و در کتاب مجالس از آنحضرت روایت کرده است که روزه ماه شعبان و ماه رمضان توبه است
بدرگاه خداوند عالمیان از گناهان هر چند خون حرام باشد **و ایضاً در کتاب مذکور** از آنحضرت
روایت کرده است که روزه شعبان ذخیره است برای بنده در روز قیامت و هیچ بنده نیست که بسیار
روزه بدارد در ماه شعبان مگر آنکه حق تعالی باصلاح آورد امر معیشت او را و کفایت نماید شر دشمن او را
و کمتر چیزی که میباشد برای کسی که یک روز آن ماه را روزه دارد آنست که بهشت برای او واجب شود
و شیخ مفید رحمه الله در کتاب مقنعه از زید شحام روایت کرده است که گفت بخدمت حضرت
صادق علیه السلام عرض کردم که آیا احدی از پدران بزرگوارت ماه شعبان را روزه داشته است
فرمود که بلی پدران بزرگوارم روزه میداشتند و من نیز روزه میدارم آن را و امر میکنم
شیعیان خود را بروزه داشتن آن پس هر که از شما روزه دارد ماه شعبان را تا آنکه وصل کند آن را
بماه مبارک رمضان سزاوار است بر حق تعالی که عطا فرماید باو در بهشت و بنا کند او را ملکی از
زیر عرش در وقت افطار او در هر شب که ای فلان بدرستی که تو خشنود نمودی رسول خدا را صلی

الله

الله علیه و آله را بعد از رحلت آنحضرت از دنیا و محمد بن یعقوب کلینی و ابن بابویه و شیخ
مفید قدس الله اسرارهم و دیگران بسندهای معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده
است که بعضی از اصحاب آنحضرت از آنحضرت پرسیدند که هیچ یک از پدران بزرگوارت ماه
شعبان را روزه داشته اند فرمود که بهتر از پدرانم رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را روزه
داشته است **مؤلف گوید که کلینی و شیخ طوسی طاب ثراهما** بعد از ذکر این روایت گفته اند که
در بعضی از روایات وارد شده است که از آنحضرت پرسیدند که پدران بزرگوارت آیا ماه شعبان
را روزه داشته اند حضرت فرمود که نه رسول خدا صلی الله علیه و آله این ماه را روزه نداشته
است و هیچ یک از پدرانم آن را روزه نداشته اند و بعد از آن در جمع بین الاخبار گفته اند
که مراد از حدیث آخر آنست که رسول خدا و ائمه علیهم السلام ماه شعبان را بقصد وجوب روزه
نداشته اند بلکه بقصد استحباب روزه داشته اند و منظور حضرت رد بر ابی الخطاب
و اتباع اوست چون ایشان قایل شده اند که روزه تمام ماه شعبان واجب است و اگر کسی یک روز
از آن را افطار نماید کفاره بر او واجب است و شیخ طوسی قدس الله روحه در کتاب تهذیب الاحکام
از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده است که حضرت امام زین العابدین
علیه السلام وصل میفرمود روزه شعبان را بماه مبارک رمضان و روزه دو ماه پی در پی
توبه ایست از جانب حق تعالی و ابن بابویه رضی الله عنه در کتاب خصال از حضرت صادق علیه
السلام روایت کرده است که روزه ماه شعبان نیکوست برای کسی که آن را روزه بدارد زیرا که
نیکوکاران روزه داشته اند آن را و رغبت بروزه داشتن آن نموده اند و رسول خدا صلی الله
علیه و آله وصل میفرمود روزه ماه شعبان را بماه مبارک رمضان و در کتاب ثواب الاعمال
از ابی حمزه روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله از ماههای سال هیچ ماهی را
تمام روزه نمیداشت مگر ماه شعبان را که تمام آن را روزه میداشت و وصل میفرمود روزه آن را
بماه مبارک رمضان و شیخ طوسی طیب الله ثراه در کتاب تهذیب الاحکام و ابن بابویه در
کتاب من لا یحضره الفقیه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده اند که رسول
خدا صلی الله علیه و آله ماه شعبان و ماه مبارک رمضان را روزه میداشت و هر دو را بیکدیگر

وصل میفرمود و مردم را نهی میکرد از اینکه ماه شعبان را بماه مبارک رمضان وصل نمایند و
میفرمود که این دو ماه ماه خداوند عالمیانند و روزه این دو ماه کفاره گناهانیست که پیش
از این دو ماه واقع شده باشد و بعد از آن واقع شود **تحقیق بدانکه** آنچه در آخر این حدیث
شریف مذکور است که رسول خدا صلی الله علیه و آله نهی میفرمود مردم را از وصل نمودن روزه
ماه شعبان بماه مبارک رمضان مخالف است با چند امر **اول آنچه در صدر** حدیث اول
مذکور شد که روزه تمام ماه شعبان از جمله سنن است و تاکید زیاد در آن واقع شده است
دویم مخالف است با اکثر روایات که در فضیلت روزه تمام ماه شعبان و فضیلت وصل
نمودن روزه این ماه بماه مبارک رمضان چنانچه مذکور شد **سیم** مخالف است با روایاتی
که وارد شده است در خصوص فضیلت روزه سه روز آخر این ماه چنانچه بعد از این در محل
خود مذکور میشود انشاء الله تعالی و علمای ما رضوان الله علیهم در بیان جمع بین الروایات چند
وجه گفته اند **اول** ابن بابویه رضی الله عنه در کتاب من لا یحضره الفقیه گفته که مراد از
نهی کردن رسول خدا صلی الله علیه و آله مردم را از وصل نمودن معنی حقیقی نهی نیست بلکه کلام
محمول بر استفهام انکاری است و مراد آنست که هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله خود
هر دو ماه را بیکدیگر وصل مینموده باشد چگونه مردم را نهی از وصل نمودن میفرماید و این
توجیه بسیار بعید است **دویم** شیخ طوسی طاب ثراه گفته که مراد از وصل نمودن ماه
شعبان بماه مبارک رمضان آنست که در روز آخر ماه شعبان افطار واقع شود و بماه مبارک
رمضان وصل شود این روزه را روزه وصال میدانند و گویند آن حرام است و لهذا رسول
خدا صلی الله علیه و آله نهی از آن فرمود و این توجیه اگرچه مانند توجیه سابق بعید است
لیکن موید این توجیه است حدیثی که شیخ طوسی و شیخ مفید و دیگران روایت کرده اند از
سلیمان که گفت عرض کردم بخدمت حضرت صادق علیه السلام که چه میفرمائی در باب
کسی که ماه شعبان و ماه مبارک رمضان را روزه بدارد و بگوید که این دو ماه همان دو ماهست
که حق تعالی در باره آنها فرموده که روزه دو ماه پی در پی توبه ایست از جانب خدا پس عرض
کردم که میان این دو ماه فصل نکند حضرت فرمود که هرگاه شب افطار نماید پس آن فصل است

و بدرستی

و بدرستیکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که وصال در روزه حرام است و مراد
حضرت آنست که کسی که دو روز و شب روزه بدارد که در میان دو روز افطار نکند و چون
مستحب است که سحری بخورد پس ماه شعبان را بماه رمضان وصل نکرده است **سیم**
سید بن طاوس قدس الله روحه در کتاب اقبال گفته که رسول خدا صلی الله علیه و آله تمام
ماه شعبان را روزه میداشته است و نهی آنحضرت مخصوص امت است جهت آنکه مردم را از وصل تسهیل
امر و تخفیف بر مردم و گفته است که روایاتی که دلالت بر فضیلت روزه سه روز آخر این ماه میکند
نسبت بکسی است که تمام ماه شعبان را روزه نداشته باشد در این صورت نظر بآن سه روز آخر فضیلت
عظیم دارد و موید این چند حدیث نقل نموده **اول حدیثی** از حضرت صادق علیه السلام روایت
کرده است که فرمود که پدرم فصل میفرمود میان ماه شعبان و ماه مبارک رمضان بیک روز **دویم**
ایضاً از آنحضرت روایت نموده که علی میفرمود که روزه ماه شعبان نیکوست و لیکن فصل کردن
میان این دو ماه بیک روز باید و این توجیه ظاهراً مناسبت ندارد با احادیثی که دلالت میکند
بر فضیلت روزه تمام این ماه عموماً و آنکه ائمه علیهم السلام تمام این ماه را روزه داشته اند و
در آخر حدیث اولی که ذکر نموده این تتمه نیز هست که حضرت امام زین العابدین علیه السلام تمام
این ماه را روزه میداشت و میفرمود که روزه دو ماه پی در پی توبه ایست از جانب حق تعالی و سید
از جهت عدم ملایمت این جزء با مدعای خود آن را نقل ننموده است و بعضی از متاخرین علما این دو حدیث
را بر تخییر حمل کرده اند و گفته اند که وصل نمودن این دو ماه بیکدیگر و فصل نمودن میان آنها بافطار
نمودن یک روز یا دو روز هر دو فضیلت دارد و آدمی مخیر است میان این دو شق هر یک را که عمل نماید
نیکوست و در فصل نمودن احتمال تقیه نیز داده است بجهت آنکه اهل سنت روزه یوم الشک را
حرام میدانند و این دو احتمال ظاهراً منافات ندارد با آنچه در حدیث سابق مذکور است که رسول
خدا صلی الله علیه و آله خود وصل میفرمود و مردم را نهی میفرمود از وصل کردن و تحقیق این مقام
چنانچه بخاطر قاصر این شکسته میرسد آنست که رسول خدا صلی الله علیه و آله عامه مردم را نهی
از وصل نفرموده باشد بلکه نهی آنحضرت صلی الله علیه و آله نظر بجمعی باشد که روزه بر ایشان
شاق باشد و مانع حضور قلب و خلوص نیت ایشان شود و باین سبب ائمه علیهم السلام هر یک

از اصحاب در مقام جواب آنچه مناسب حال ایشان بوده فرموده اند اگر ایشان طاقت روزه داشتن
دو ماه پی در پی را داشته اند و آنچه مانع رغبت ایشان میشده فضیلت و ثواب آنرا بیان
فرموده اند و اگر بعلت ضعف مزاج یا امثال آن طاقت روزه گرفتن دو ماه را نداشته اند امر بفصل
و افطار فرموده اند و لهذا در بعضی از روایات امر بفصل در آخر ماه واقع شده چنانچه در روایتی
که سید نقل نموده و آن نظر بحال کسی است که طاقت روزه داشتن اکثر ماه را داشته باشد
و در بعضی از روایات امر بفصل بعد از پانزدهم واقع شده است و آن نظر بکسی است که طاقت
او کمتر باشد و چنانچه در کتاب نوادر احمد بن محمد بن عیسی از محمد بن سماعه روایت کرده است
که گفت سؤال کردم از حضرت صادق علیه السلام از ماه شعبان که آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله
از او روزه داشته است یا نه حضرت فرمود بلی و لیکن تمام آنرا روزه نداشت عرض کردم که چه قدر
آنرا افطار مینمود فرمود که افطار مینمود و بیان نفرمود که چه قدر آنرا افطار فرموده پس سؤال کردم
و سه مرتبه اعاده نمودم و حضرت همان جواب مجمل را فرمود پس سال آینده باز همین سؤال را از آن
حضرت کردم و حضرت بهمان نحو جواب فرمود پس پرسیدم که آیا وصل کنم ماه شعبان را بماه رمضان
یا فصل نمایم فرمود که فصل کن عرض کردم که چه وقت فصل کنم فرمود که چون نیمه ماه بگذرد و بعد از
آن بگیری آنرا از افطار نمائی پس فصل کرده و در کتاب قرب الاسناد از بکر بن محمد روایت کرده
است که گفت عرض کردم بخدمت حضرت صادق علیه السلام که چه میفرمائی در روزه ماه
شعبان فرمود که روزه بدار آنرا عرض کردم که آیا فصل کنم در روزه این ماه را با افطار فرمود که
بگذار بعد از نیمه را افطار کن و بعد از آن وصل کن و در بعضی از روایات امر بفصل مطلقا واقع
شده خواه در اول و خواه در وسط و خواه در آخر چنانچه سماعه از حضرت امام موسی کاظم
صلوات الله علیه روایت کرده است که با ما فرمود که هرگاه افطار کنی از ماه شعبان بگذار را
خواه در اول و خواه در وسط و خواه در آخر پس فصل کرده خواهی بود و همچنین ائمه علیهم السلام
اگر بایشان صعوبت نداشته تمام دو ماه را روزه داشته اند و اگر بجهتی صعوبت داشته افطار
فرموده اند و اینست سر آنچه از بعضی احادیث سابقه ظاهر میشود که حضرت امام محمد باقر
علیه السلام میفرمودند و بگذار آخر را افطار میفرموده نیز آنکه آنحضرت جسیم و بطین بوده
ودر

و در هواهای گرم مانند مدینه طیبه روزه بر آن حضرت شاق بوده لهذا در بعضی از سنوات
فصل با افطار میفرموده و گاهی که مزاج شریف آن بزرگوار طاقت روزه داشت تمام ماه را روزه
میداشته چنانچه ابن بابویه رحمه الله در کتاب ثواب الاعمال از عنبسه عابد روایت کرده است
که حضرت امام محمد باقر علیه السلام و حضرت امام جعفر صادق علیهما السلام تمام ماه شعبان را
روزه میداشتند و چون این عذر در باقی ائمه علیهم السلام مانند حضرت سید الساجدین و حضرت
صادق علیهما السلام نبوده همیشه وصل میفرموده اند و اما رسول خدا صلی الله علیه
و آله پس از روایات چنین ظاهر میشود که در اوایل حال تمام ماه شعبان را روزه نمیداشته
بلکه بعضی از آنرا روزه میداشته و بر این معنی محمول است حدیثی که از کتاب نوادر احمد بن
محمد بن عیسی نقل شده که آنحضرت تمام ماه شعبان را زیاده از ماههای دیگر بوده است
و در اواخر عمر شریف تمام ماه را روزه میداشته و وصل میفرموده است چنانچه ابن
بابویه در کتاب ثواب الاعمال از عنبسه عابد روایت کرده است که رسول خدا صلی الله
علیه و آله از دنیا رفت در حالتی که تمام ماه شعبان و ماه رمضان را و سه روز از هر ماه دیگر
که پنجشنبه اول و آخر و چهارشنبه وسط بود روزه میداشت و بعضی احادیث دال بر این معنی
در باب اول از خزینه اول مذکور شد و الله تعالی هو الموفق **تتمه بدانکه** نظر بزن شوهر
افضل آنست که روزه را که در ماه مبارک رمضان بعلت حیض افطار نموده قضای آنرا
تا ماه شعبان تاخیر نماید که مبادا اگر شوهر اراده مقاربت با او داشته باشد و روزه مانع
چنانچه محمد بن یعقوب کلینی و شیخ طوسی و ابن بابویه رضی الله عنهم از حضرت امام جعفر
صادق صلوات الله علیه روایت کرده اند که زنان رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگاه
قضای روزه داشتند تاخیر مینمودند تا ماه شعبان که مبادا مانع آنحضرت شوند
پس چون ماه شعبان داخل میشد ایشان روزه میداشتند و آنحضرت نیز با ایشان روزه
میداشت و میفرمود که ماه شعبان ماه من است و بعضی روایات دیگر در باب فضیلت
این ماه واقع شده و بعد از این در ضمن بیان اعمال مذکور خواهد شد انشاء الله
تعالی **ختام قطب راوندی** در کتاب قصص الانبیاء بسند خود از ابن بابویه رضی الله

عنه روایت کرده است که او سند را بحضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه متصل
گردانیده که آنحضرت فرمود که در کتاب دانیال پیغمبر علیه السلام نوشته است که هر سالی
که در ماه شعبان آفتاب بگیرد همگی مردم از شر پادشاه سالم باشند و پادشاه ظفر یابد بر
دشمن خود در مغرب و آخر سال در کوهستانها طاعون و وبا بهم رسد و بیم فتنه از طرف
شود و هر سالی که در ماه شعبان ماه بگیرد پادشاه کشته شود یا بمیرد و پسرش پادشاه
شود و نرخها گران شود و این سبب جوع بر مردم غالب شود والله یعلم **باب دویم**
در بیان آداب دیدن هلال ماه شعبان و آن چند چیز است **اول سید جلیل** نبیل امیر محمد
باقر داماد قدس الله روحه در بعضی از مؤلفات خود گفته است که هلال ماه شعبان را
بروی صالحان و نیکان به بینند **دویم سید بن طاوس طاب ثراه** در کتاب اقبال گفته
که اگر در وقت دیدن هلال شعبان دعاهای منقوله حاضر نباشد **این دعا را بخوان** اللهم
هذا هلال شهر شعبان قد ورد من الاحسان فاجعله اللهم هلال برکات وسعادات کاملة
الامان والغفران والرضوان ومانحیة الاخطار فی الادیان والابدان وحامیة
من اذی اهل العصیان والبهتان وشرفنا بامتثال مراسمه واحیاء مواسمه و
الحقنا بشمول مراحمه ومکارمه وطهرنا فیه تطهیرا نصلح به للدخول علی شهر
رمضان مظفرین بافضل ما ظفر به احد من اهل الاسلام والایمان برحمتک یا ارحم
الراحمین **مؤلف گوید که این دعا را** سید داماد نقل نموده در رواشح و حدیثی بنظر نرسید
در دعائی را که ابن طاوس ذکر نموده منقول نیست و چنانچه عادت سید است که خود تالیف
ادعیه مینماید این دعا را نیز خود تالیف نموده هیچ است که ادعیه منقوله مطلقه که در
هر ماه باید خوانده شود و در خاتمه کتاب بتفصیل مذکور شد و بعد از این انشاء الله تعالی
بعضی از آنها را بعینه دیدن هلال ماه مبارک رمضان مذکور میشود خوانده شود
والله تعالی هو الموفق **باب سیم در بیان اعمالی که** در همه اوقات این ماه میتوان بجا آورد
و اختصاص بروز و شب مخصوصی ندارد و اعمال مذکوره چند چیز است **اول تصدق نمودن**
سید بن طاوس رضی الله عنه در کتاب اقبال بسند خود از داود رقی روایت کرده است

که گفت

که گفت سؤال نمودم از حضرت صادق علیه السلام از روزه ماه رجب فرمود که کجائید شما از روزه
ماه شعبان پس گفتم یا ابن رسول الله چه چیز است ثواب کسی که یک روز از ماه شعبان را روزه بدارد فرمود
بخدا قسم که ثواب او بهشت است پس گفتم که یا ابن رسول الله بهترین چیزی که در این ماه کرده شود چه چیز است
فرمود صدقه و استغفار و هر چه تصدق کند در ماه شعبان بصدقه حق تعالی زیاد فرماید آن صدقه را
باو در روز قیامت و حال آنکه آن صدقه را بزرگی کوه احد شده باشد و ابن بابویه رحمه الله در
کتاب خصال و عیون اخبار الرضا از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که آنحضرت
در حدیث طولانی فرمود که هر که تصدق کند در ماه شعبان بصدقه اگرچه بنصف دانه خرما باشد حق
تعالی جسد او را بر آتش جهنم حرام گرداند **دویم صلوات فرستادن** در کتاب حسین بن سعید و
نوادر احمد بن محمد بن عیسی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که رسول خدا صلی الله
علیه و آله فرمود که شعبان ماه من است پس در این ماه بسیار بفرستید صلوات بر من و آل من و شعبان
را ماه شفاعت میگویند زیرا که پیغمبر شما شفاعت میکند کسی را که در این ماه صلوات بر او
و بر آل او بفرستد **سیم سید بن طاوس رحمه الله** در کتاب اقبال از رسول خدا صلی الله علیه
و آله روایت کرده است که هر که در ماه شعبان **هزار مرتبه بگوید** لا اله الا الله ولا نعبد الا ایاه
مخلصین له الدین ولو کره المشرکون حق تعالی برای او ثواب عبادت هزار سال را بنویسد و گناه هزار
سال را محو فرماید و بیرون آید از قبر در روز قیامت و حال آنکه روی او مانند ماه شب چهارده
درخشان باشد و نزد حق تعالی از جمله صدیقان نوشته شود **چهارم سید طاب ثراه** در اقبال نقل نموده
ابن خالویه که از اعاظم علمای و محدثین شیعه است و در شهر حلب ساکن بوده است و از اطراف و نواحی
آفاق مردم بدیدن او می آمده و حدیث از او فرا میگرفتند روایت نموده که او میگفته است که این دعا
از جمله مناجاتهای حضرت امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب و امامان از فرزندان او است علیهم السلام
که در ماه شعبان میخواندند **و دعا این است** اللهم صل علی محمد وآل محمد واسمع دعائی اذا دعوتک
واسمع ندائی اذا نادیتک واقبل علی اذا ناجیتک فقد هربت الیک ووقفت بین یدیک مستکینا
لک متضرعا الیک راجیا لما لدیک ثوابی وتعلم ما فی نفسی وتخبر حاجتی وتعرف ضمیری
ولا یخفی علیک امر منقلبی ومثوای وما ارید ان ابدی به واتفوه به من طلبتی وارجوه لعاقبتی

وقد جرت مقاديرك علي يا سيدي فيما يكون مني الى اخر عمري من سريرتي وعلانيتي
وبيدك لا بيد غيرك زيادتي ونقصي ونفعي وضري الهي ان حرمتني فمن ذا الذي ير
زقني وان خذلتني فمن ذا الذي ينصرني الهي اعوذ بك من غضبك وحلول سخطك الهي ان
كنت غير مستاهل لرحمتك فانت اهل ان تجود علي بفضل سعتك الهي كاني بنفسي واقفة
بين يديك وقد اظلها حسن توكلي عليك فقلت ما انت اهله وتغمدتني بعفوك
الهي ان عفوت فمن اولى منك بذلك وان كان قد دنا اجلي ولم يدنني منك عملي فقد
جعلت الاقرار بالذنب اليك وسيلتي الهي قد جرت على نفسي في النظر لها فلها الويل ان لم
تغفر لها الهي لم يزل برك علي ايام حياتي فلا تقطع برك عني في مماتي الهي كيف ايس من حسن
نظرك لي بعد مماتي وانت لم تولني الا الجميل في حياتي الهي تول من امري ما انت اهله
وعد بفضلك على مذنب قد غمره جهله الهي قد سترت علي ذنوبا في الدنيا وانا احوج الى
سترها علي منك في الاخرة الاخرى الهي احسنت الي اذ لم تظهرها لاحد من عبادك الصالحين
فلا تفضحني يوم القيمة على رؤس الاشهاد الهي جودك بسط املي وعفوك افضل من عملي الهي
فسرني بلقائك يوم تقضي فيه بين عبادك الهي اعتذاري اليك اعتذار من لم يستغن عن
قبول عذره فاقبل عذري يا اكرم من اعتذر اليه المسيئون الهي لا ترد حاجتي ولا
تخيب طمعي ولا تقطع منك رجائي واملي الهي لو اردت هواني لم تهدني ولو اردت فضيحتي
لم تعافني الهي ما اظنك تردني في حاجة قد افنيت عمري في طلبها منك الهي فلك الحمد
ابدا ابدا دائما سرمدا يزيد ولا يبيد كما تحب وترضى الهي ان اخذتني بجرمي اخذتك بعفوك
وان اخذتني بذنوبي اخذتك بمغفرتك وان ادخلتني النار اعلمت اهلها اني احبك الهي
ان كان صغر في جنب طاعتك عملي فقد كبر في جنب رجائك املي الهي كيف انقلب من عندك
بالخيبة محروما وقد كان حسن ظني بجودك ان تقلبني بالنجاة مرحوما الهي وقد افنيت
عمري في شرة السهو عنك وابليت شبابي في سكرة التباعد منك الهي فلم استيقظ
ايام اغتراري بك وركوني الى سبيل سخطك الهي وانا عبدك وابن عبدك قائم بين يديك
ومتوسل بكرمك به اليك الهي انا عبد اتنصل اليك مما كنت اواجهك من قلة استحيائي

من نظرك

من نظرك واطلب العفو منك اذ العفو نعت لكرمك الهي لم يكن لي حول فانتقل به
عن معصيتك الا في وقت ايقظتني لمحبتك وكما اردت ان اكون كنت فشكرتك بادخالي في
كرمك ولتطهير قلبي من اوساخ الغفلة عنك الهي انظر الي نظر من ناديته فاجابك واستعملته
بمعونتك فاطاعك يا قريبا لا يبعد عن المغتر به ويا جوادا لا يبخل عمن رجا ثوابه الهي هب لي
قلبا يدنيه منك شوقه ولسانا يرفع اليك صدقه ونظرا يقربه منك حقه الهي ان من تعرف
بك غير مجهول ومن لاذ بك غير مخذول ومن اقبلت عليه غير مملول الهي ان من انتهج بك
لمستنير وان من اعتصم بك لمستجير وقد لذت بك يا الهي فلا تخيب ظني من رحمتك سيدي
ولا تحجبني عن رأفتك الهي اقمني في اهل ولايتك مقام من رجا الزيادة من محبتك الهي
والهمني ولها بذكرك الى ذكرك واجعل همتي الى روح نجاح اسمائك ومحل قدسك الهي بك
عليك الا الحقتني بمحل اهل طاعتك والمثوى الصالح من مرضاتك فاني لا اقدر لنفسي دفعا
ولا املك لها نفعا الهي انا عبدك الضعيف المذنب ومملوكك المنيب المصيب فلا تجعلني
ممن صرفت عنه وجهك وحجبه سهوه عن عفوك الهي هب لي كمال الانقطاع اليك وانر
ابصار قلوبنا بضياء نظرها اليك حتى تخرق ابصار القلوب حجب النور فتصل الى معدن
العظمة وتصير ارواحنا معلقة بعز قدسك الهي واجعلني ممن ناديته فاجابك ولاحظته
فصعق لجلالك فناجيته سرا وعمل لك جهرا الهي لم اسلط على حسن ظني قنوط الاياس
ولا انقطع رجائي من جميل كرمك الهي ان كانت الخطايا قد اسقطتني لديك فاصفح عني
بحسن توكلي عليك الهي ان حطتني الذنوب من مكارم لطفك فقد نبهني اليقين الى كرم
عطفك الهي ان انامتني الغفلة عن الاستعداد للقائك فقد نبهتني المعرفة بكرم آلائك
الهي ان دعاني الى النار عظيم عقابك فقد دعاني الى الجنة جزيل ثوابك فلك اسئل واسئلك
واليك ابتهل وارغب ان تصلي على محمد وال محمد وان تجعلني ممن يديم ذكرك ولا ينقض
عهدك ولا يغفل عن شكرك ولا يستخف بامرك الهي والحقني بنور عزك الابهج
فاكون لك عارفا وعن سواك منحرفا ومنك خائفا مراقبا يا ذا الجلال والاكرام وصلى الله
على محمد رسوله واله الطاهرين وسلم تسليما كثيرا **باب چهارم در بيان** اعمالي كه در هر روز

یا هر روز و هر شب از ایام ماه باید کرده شود و اعمال مذکوره چند چیز است اول استغفار ابن بابویه
رضی الله عنه در کتاب خصال و عیون اخبار الرضا از حضرت امام رضا صلوات الله علیه
روایت کرده است که آنحضرت در حدیث طولانی فرمود که هر که در هر روز از ماه شعبان شصت
مرتبه استغفار نماید محشور شود در روز قیامت در زمره رسول خدا صلی الله علیه و آله و واجب
شود برای او اکرام حق تعالی او را مؤلف گوید که بقرینه احادیثی که بعد از این مذکور میشود
ظاهر آنست که حضرت استغفار را هفتاد مرتبه فرموده باشد و چون صورت شصت و هفتاد
در عربی نزدیک بیکدیگر است نساخ کتاب شصت مرتبه ضبط نموده باشند والله یعلم وایضا
ابن بابویه در کتاب امالی از آنحضرت علیه السلام روایت کرده است که هر که در ماه شعبان
هفتاد مرتبه استغفار نماید بیامرزد حق تعالی گناهان او را هر چند بعدد ستارهای آسمان باشد
مؤلف گوید که در این حدیث نیز گویا سهوی از کتاب واقع شده زیرا که در احادیثی که بعد از این
مذکور میشود استغفار در هر روز از این ماه هفتاد مرتبه واقع شده و لفظ هر روز از این حدیث
ساقط شده است والله یعلم وایضا ابن بابویه در کتاب امالی و عیون اخبار الرضا از
آنحضرت علیه السلام روایت کرده است که هر که در هر روز از ماه شعبان هفتاد نوبت بگوید که
استغفر الله واسئله التوبة حق تعالی برای او برات بیزاری از آتش جهنم و گذشتن بر صراط را
بنویسد و او را در دار القرار بهشت جا دهد وایضا ابن بابویه در کتاب خصال و ثواب الاعمال
و شیخ طوسی در مصباح از حضرت صادق ع روایت نموده اند که هر که در هر روز از ماه شعبان هفتاد
نوبت بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم الحی القیوم و اتوب الیه بنویسد حق تعالی
نامه او را در افق مبین راوی پرسید که کدام است افق مبین فرمود که صحرایی هموار است در پیش
روی عرش که در آن صحرا نهرها جاری شده و بر لب آن نهرها قدحها نهاده شده است بعدد
ستارها و سید در اقبال نیز این روایت را از کتاب محمد بن الحسن الصفار روایت نموده و در
روایت او نیز چنین است که استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم الرحمن الرحیم و اتوب
الیه دوم شیخ طوسی در مصباح و سید بن طاوس در اقبال و کفعمی در جنة الامان و بلد
الامین و علامه حلی در منهاج الصلاح و سید بن باقی در مصباح بسند معتبر روایت نموده اند که

حضرت

حضرت امام زین العابدین علیه السلام در هر روز از ماه شعبان در وقت زوال آفتاب و در شب
نیمه آن دعا میفرمود و صلوات بر رسول خدا و آل او صلی الله علیه و آله و علیهم باین صلوات میفرستاد
اللهم صل علی محمد و آل محمد شجرة النبوة و موضع الرسالة و مختلف الملائکة و معدن العلم و اهل
بیت الوحی اللهم صل علی محمد و آل محمد الفلک الجاریة فی اللجج الغامرة یأمن من رکبها و یغرق من ترکها
المتقدم لهم مارق والمتأخر عنهم زاهق واللازم لهم لاحق اللهم صل علی محمد و آل محمد الکهف
الحصین و غیاث المضطر المضطرین والمساکین المستکین و ملجأ الهاربین و منجا الخائفین
و عصمة المعتصمین اللهم صل علی محمد و آل محمد صلوة کثیرة طیبة تکون لهم رضی و لحق محمد
و آل محمد اداء و قضاء بحول منک و قوة یا رب العالمین اللهم صل علی محمد و آل محمد الطیبین
الابرار الاخیار الذین اوجبت حقوقهم و فرضت طاعتهم و ولایتهم اللهم صل علی
محمد و آل محمد و اعمر قلبی بطاعتک و لا تخزنی بمعصیتک و ارزقنی مواساة من قترت علیه
من رزقک بما وسعت علی من فضلک و نشرت علی من عدلک و احییتنی تحت ظلک و هذا شهر
نبیک سید رسلک صلواتک علیه و آله شعبان الذی حففته منک بالرحمة و الرضوان
الذی کان رسول الله صلی الله علیه و آله یدأب فی صیامه و قیامه فی لیالیه و ایامه
بخوعا لک فی اکرامه و اعظامه الی محل حمامه اللهم فاعنا علی الاستنان بسنته فیه و نیل
الشفاعة لدیه اللهم و اجعله لی شفیعا مشفعا و طریقا الیک مهیعا و اجعلنی له متبعا حتی
القاک یوم القیمة عنی راضیا و عن ذنوبی غاضیا قد اوجبت لی منک الرحمة و الرضوان
و انزلتنی دار القرار و محل الاخیار سیم در هر روز و هر شب این ماه هر یک از سوره حمد
و آیة الکرسی و قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد و معوذتین را صد نوبت بخواند پس صد نوبت
بگوید سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
و صد نوبت اللهم صل علی محمد و آل محمد و صد نوبت اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات و چهار
صد نوبت استغفر الله و اتوب الیه بگوید تا ابن عمل فضیلت و ثواب عظیم دارد چنانچه در باب
سیم از اعمال ماه رجب که در بیان اعمال مشترکه رجب و شعبان و ماه رمضان مذکور شد چهارم
هر روز ما بین نماز عصر و نماز شام این استغفار را بخواند استغفر الله الذی لا اله الا هو

هو الحی القیوم غفار الذنوب و اتوب الیه توبة عبد ظالم لا یملك لنفسه موتا و لا حیوة و لا نشورا
و روایت این عمل نیز در باب ستم از خزینه اول مذکور شد **باب پنجم در بیان** فضیلت روزه پنجشنبه
و روز دوشنبه ماه شعبان و اعمال آنها سید بن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که زینت میکنند پاکرده میشود آسمانها
در هر روز پنجشنبه ماه شعبان پس ملائکه میگویند که ای خداوند ما بیامرز روزه داران این
روزها و دعای ایشان را مستجاب کن پس هر که در این روز دو رکعت نماز بجا آورد در هر رکعت
حمد یک نوبت و سوره قل هو الله احد صد نوبت بخواند و چون سلام گوید صد مرتبه بخواند و چون سلام
گوید صد مرتبه صلوات بر رسول خدا و آل او صلی الله علیه و علیهم بفرستد حق تعالی همه حاجات و آخرت
او را بر آورد و کسی که روزه دارد در اینجا بگوید حق تعالی حرام کرد اند جسد او را از آتش **مؤلف گوید که**
والد علامه رحمه الله در کتاب ذریعة النجاة ذکر نموده که گویا مراد حضرت از روزه داشتن روزی
از این ماه روز مخصوصی باشد و احتمال دارد که مراد خصوص پنجشنبه باشد **و ایضا** سید از رسول
خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده است که فرمود که بدرستی که هر که روزه دارد دوشنبه و پنجشنبه
ماه شعبان را حق تعالی نصیب بهره کاملی باو عطا فرماید پس کسی که این روز را روزه دارد بیست حاجت
از حوائج دنیا و بیست حاجت از حوائج آخرت او بر آورده شود **باب ششم در بیان** اعمال شبها
و روزهاست از این ماه بترتیب **شب اول** و اعمال آن چند چیز است **اول سید بن طاوس طاب ثراه**
در کتاب اقبال از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله روایت نموده که هر که در این شب صد رکعت
نماز بگذارد در هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعتی بعد از حمد سوره قل هو الله احد را یک نوبت بخواند
و چون فارغ شود سوره حمد را پنجاه نوبت بخواند قسم بآن خداوندی که مرا بحق و راستی پیغمبری
فرستاده است که هر گاه بنده این نماز را بجا آورد و روزه بدارد حق تعالی دفع نماید از او شر اهل
آسمان و زمین و شر شیاطین و ستمکاران را و هفتاد هزار گناه کبیره او را بیامرزد و عذاب قبر را از
از او بردارد و نترساند او را منکر و نکیر و بیرون آید از قبر و حال آنکه روشن باشد مانند ماه شب چهار
ده باشد و مانند برق از صراط بگذرد و نامه عمل او را بدست راست او دهند **مؤلف گوید که**
ظاهرا مراد آنکه روزه در این حدیث روزه روز اول این ماه است اگرچه محتمل است که روزه
تمام

تمام ماه مراد باشد و بدانکه این حدیث حدیث طویلی است مشتمل بر سی نماز هر نماز برای شبی
از شبهای این ماه و سید در اقبال این حدیث را متفرق نقل نموده و برای عمل هر شبی جزو مغازی آن را
که مشتمل بر نمازهای آن شب است نقل نموده و کفعمی در جنة الامان تمام حدیث را یکجا نقل نموده و نقل
کفعمی با نقل سید در بعضی از مواضع مخالفت دارد چنانچه در هر مقام اشاره بآن میشود و
بخط جد علامه مولانا محمد تقی طاب ثراه نیز تمام این حدیث را دیدم و ظاهر حال آنست که او
از جنة الامان نقل نموده باشد ولیکن در بعضی از مواضع با او مخالف است و در زاد المعاد جد
علامه ام مولانا محمد باقر مجلسی قدس الله روحه نیز تمام این صلوة مذکور است و با نقل
والدش مطابق است مگر در این موضع که سوره حمد را بعد از نماز هفتاد مرتبه نقل نموده و ظاهرا
سهو در نقل واقع شده است والله تعالی یعلم **دویم ایضا** سید در کتاب مذکور از رسول
خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که هر که در این شب دوازده رکعت نماز بکند و در
هر رکعت حمد یک نوبت و سوره قل هو الله احد پانزده نوبت حق تعالی ثواب هزار شهید را باو عطا
فرماید و ثواب عبادت دوازده سال را برای او بنویسد و بیرون آید از گناهان مانند
روزی که از مادر متولد شده باشد و عطا فرماید باو بعدد هر آیه از قرآن مجید قصری در
بهشت **سیم ایضا** سید در کتاب مذکور از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله روایت
کرده است که هر که در این شب دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعتی سوره حمد یک مرتبه و سوره
قل هو الله احد سی مرتبه و چون سلام دهد بگوید محفوظ گردد از شر شیطان و لشکرهای او و
حق تعالی عطا فرماید باو ثواب صدیقان را اللهم هذا عهدی عندك الی یوم القیمة **چهارم**
ایضا سید در کتاب مذکور از سید کائنات صلی الله علیه و آله روایت نموده است که هر که روزه
بدارد سه روز اول ماه شعبان را و شبهای آن سه روز را بعبادت بر پا دارد و در هر یک از
سه شب دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی حمد یک نوبت و سوره قل هو الله احد یازده نوبت
بخواند حق تعالی دفع نماید از او شر اهل آسمانها و زمین و شر شیطان و لشکرهای او و شر
هر پادشاه جباری را و سوگند بآن خداوندی که مرا بحق و راستی به پیغمبری مبعوث نموده است
که بیامرزد حق تعالی هفتاد هزار گناه کبیره او را که ما بین او و حق تعالی باشد و دفع نماید از او

عذاب قبر و جان کندن و شدتهای آن را مؤلف گوید که این حدیث شریف دلالت بر استحباب احیا
داشتن سه شب اول اینماه میکند و بدانکه اگر در شب اول کسی صد رکعت نماز بجا آورد و در هر
دو رکعت اول بعد از حمد سی نوبت سوره قل هو الله احد را بخواند و چون سلام گوید بگوید اللهم
هذا هدیتی عندک الی یوم القیمة و در هر رکعت بعد از آن بعد از حمد سوره قل هو الله احد را
یازده مرتبه بخواند و در باقی رکعات بعد از حمد سوره قل هو الله احد را یکنوبت بخواند و چون از
همگی فارغ شود پنجاه نوبت سوره قل هو الله احد را بخواند ظاهر حال آنست که عمل همه روایات مذکور نموده
باشد والله تعالی یعلم روز اول روزه این روز و روز دویم و روز سیم این ماه فضیلت عظیم
دارد چنانچه در حدیث سابق مذکور شد در باب خصوص روزه روز اول ماه بعض روایات وارد
شده است چنانچه بعضی از آنها در باب اول مذکور شد و ابن بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه
و ثواب الاعمال از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که هرکه روزه بدارد روز اول
ماه شعبان را بهشت برای او واجب شود البته و هرکه دو روز از این ماه را روزه بدارد حق تعالی
در دنیا در هر روز و هر شب نظر رحمت باو نماید و در بهشت پیوسته نظر رحمت باو کند و هرکه
سه روز از اینماه را روزه بدارد در بهشت همه روزه زیارت حق تعالی را در عرش نماید مؤلف گوید که
آنچه در این حدیث شریف وارد شده از زیارت حق تعالی در عرش بحسب ظاهر منطبق است بر قول طایفه
مشبهه از اهل سنت که حق تعالی را جسم میدانند و میگویند که در عرش میباشد و باین جهت علمای شیعه
متوجه حل این حدیث شده چند وجه گفته اند اول ابن بابویه رحمه الله بعد از نقل این حدیث
گفته که مراد از زیارت حق تعالی زیارت انبیا و اوصیا علیهم التحیة والثنا است و هرکه ایشان را
زیارت کند گویا حق تعالی را زیارت کرده و مراد زیارت حق تعالی نیست چنانچه مشبهه میگویند و این
توجیه بعید است از آنکه انبیا و اوصیا در بهشت میباشند نه در عرش مگر آنکه گوئیم گاهی بالا میروند
بعرش و مؤید اینست احادیثی که وارد شده که ارواح مقدسه رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله
علیهم اجمعین پیش از خلق دنیا بعرش او بجهه بودند و تسبیح و تقدیس خداوند عالمیان مینمودند
دویم سید جلیل ابن طاوس طاب ثراه در اقبال بعد از نقل این روایت گفته که ممکن است که طایفه
از اهل بهشت در عرش جا داشته باشند و مراد این باشد که هرکه سه روز از این ماه را روزه دارد
حق تعالی

حق تعالی او را از جمله این طایفه میگرداند و در عرش خود جا میدهد او را و عرش چون مزید اختصاصی
بحق تعالی دارد مانند خانه کعبه پس هرکه در آن داخل شود گویا حق تعالی را زیارت کرده است سیم
وجهی که بخاطر این شکسته میرسد آنست که کلام محمول بر تشبیه باشد و مراد این باشد که هرکه
این عمل را بجا آورد که انقدر سعادت و کرامت برای او هست که گویا حق تعالی را در عرش زیارت
نموده است و این معنی مستلزم این نیست که حق تعالی را عیاذا بالله جسم باشد و در عرش قرار
گرفته باشد بلکه مقصود این است که اگر حق تعالی را مکانی میبود و در عرش قرار میداشت
زیارت او ممکن میبود هر آینه این عمل در ثواب مستلزم آن مرتبه میبود والله تعالی یعلم
و بدانکه معصیت خداوند عالمیان در این روز گناه عظیم دارد چنانچه در بعضی از روایات
از سید کاینات صلی الله علیه و آله منقولست که فرمود که بحق آن خداوندی که مرا به پیغمبری
فرستاده است که هرکه در روز اول ماه شعبان دری از درهای شر و معصیت را بگشاید بدرستی
که بشاخی از شاخهای درخت زقوم چسبیده و آن شاخ البته او را بجهنم میرساند و سید
جلیل نبیل امیر محمد باقر داماد طاب ثراه در بعضی از مؤلفات خود عمل طولانی بجهت طلب روزی
نقل نموده که از روز اول ماه رجب باید شروع نمود تا سی روز تمام و اگر ماه رجب سلخ نداشته
باشد روز اول ماه شعبان نیز این عمل را باید بجا آورد تا سی روز تمام شود و کیفیت این عمل
در باب پنجم از خزینه اول مذکور شد شب دویم سید در کتاب مذکور از حضرت
رسالت صلی الله علیه و آله روایت کرده که هرکه در این شب پنجاه رکعت نماز بکند در
هر رکعتی سوره حمد و سوره قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس
هر یک را یکنوبت بخواند حق تعالی امر فرماید کرام کاتبان اعمال را که ننویسند بر این بنده من
گناهی تا آنکه سال بر او بگذرد و بگذراند حق تعالی برای او نصیبی در عبادت اهل آسمان و زمین
پس فرمود بآن خدائی که بحق و راستی مرا به پیغمبری فرستاده است سوگند که ترک نمیکند
بر پا داشتن این شب را بعبادت مگر شقی و منافق یا فاجر و فضایل بسیار دیگر نیز
برای این شب بیان فرمود مؤلف گوید که در این شب دو رکعت نماز در هر رکعتی حمد
یکنوبت و سوره قل هو الله احد را یازده نوبت سنت است چنانچه در حدیث سابق گذ

در عمل چهارم از شب اول گذشت مذکور است و احیا داشتن این شب بعبادت نیز فضیلت
عظیم دارد چنانچه از حدیث سابق و از این حدیث مفهوم میشود **روز دویم** این روز چون
از جمله سه روز اول این ماه است روزه داشتن آن فضیلت عظیم دارد چنانچه در ضمن
عمل چهارم از شب اول مذکور است **شب سیم سید در کتاب مذکور** از رسول خدا صلی
الله علیه و آله روایت نموده که هر که در این شب دو رکعت نماز بجا آورد در هر رکعتی
حمد یکنوبت و سوره قل هو الله احد پنجاه نوبت حق تعالی برای او در قیامت هشت در
بهشت را بگشاید و هفت در جهنم را بر روی او ببندد و بپوشاند باو هزار حله و هزار تاج
مؤلف گوید که احیای این شب نیز فضیلت دارد چنانچه در حدیث عمل چهارم از شب اول
مذکور است **روز سیم** این روز چون از سه روز اول این ماه است روزه آن فضیلت
عظیم دارد و بخصوص این روز تاکید بسیار وارد است زیرا که اشهر میان علمای شیعه مطا
بق روایات معتبر بسیار آنست که ولادت باسعادت حضرت سید الشهدا ابی عبد الله
الحسین صلوات الله علیه و علی آبائه و ابنائه الطاهرین در این روز و در روز پنجشنبه
سال چهارم از هجرت واقع شده و بعضی سه شنبه گفته اند و اول اقوی است و در
بعضی از روایات پنجم ماه شعبان واقع شده و این قول خلاف مشهور است و شیخ طوسی و
ابن طاوس و دیگران روایت نموده اند که فرمان حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه
بیرون آمد بنزد قاسم بن علاء همدانی وکیل حضرت امام حسن عسکری علیه السلام که مولای
ما حضرت امام حسین علیه السلام در روز پنجشنبه سیم ماه شعبان متولد شد پس روزه بدار
آنرا **و این دعا را بخوان** اللهم انی اسئلک بحق هذا المولود فی هذا الیوم الموعود
بشهادته قبل استهلاله و ولادته بکته السماء ملائکة السماء و من فیها و الارض
و من علیها و لما یطا لابتیها قتیل العبرة و سید الاسرة الممدود بالنصرة یوم الکرة
المعوض من قتله ان الائمة من نسله و الشفاء فی تربته و الفوز معه فی اوبته
و الاوصیاء من عترته بعد قائمهم و غیبته حتی یدرکوا الاوتار و یثاروا الثار
و یرضوا الجبار و یکونوا خیر انصار صلی الله علیهم مع اختلاف اللیل و النهار اللهم

فبحقهم

فبحقهم الیک اتوسل و اسئل سؤال معترف مسیء الی نفسه مما فرط فی یومه و امسه
یسئلک العصمة الی محل رمسه اللهم فصل علی محمد و عترته و احشرنا فی زمرته و بوئنا
معه دار الکرامة و محل الاقامة اللهم کما اکرمتنا بمعرفته فاکرمنا بزلفته و ارزقنا
مرافقته و سابقته و اجعلنا ممن یسلم لامره و یکثر الصلوة علیه عند ذکره و علی جمیع
اوصیائه و اهل اصطفائه الممدودین منک بالعدد الاثنی عشر النجوم الزهر و الحجج علی جمیع
البشر اللهم هب لنا فی هذا الیوم خیر موهبة و انجح لنا فیه کل طلبة کما وهبت الحسین
لمحمد صلی الله جده و عاذ فطرس بمهده فنحن عائذون بقبره من بعده نشهد تربته و
ننتظر اوبته آمین رب العالمین **پس شیخ شهید و سید گفته اند که** مستحب است بعد از این دعا دعای
حضرت امام حسین علیه السلام را و این آخر دعاست که آنحضرت علیه السلام خواند در روزی که محاط
کافران گردیده بود اللهم انت متعالی المکان عظیم الجبروت شدید المحال غنی عن الخلائق
عریض الشأن الکبریاء قادر علی ما تشاء قریب الرحمة صادق الوعد سابغ النعمة حسن
البلاء قریب اذا دعیت محیط بما خلقت قابل التوبة لمن تاب الیک قادر علی ما اردت
و بیدک من مدرک ما طلبت و شکور اذا شکرت و ذاکر اذا ذکرت ادعوک
محتاجا و ارغب الیک فقیرا و افزع الیک خائفا و ابکی الیک مکروبا و استعین بک ضعیفا
و اتوکل الیک کافیا احکم بیننا و بین قومنا بالحق فانهم غرونا و خذلونا و خدعونا و غدروا
بنا و قتلونا و نحن عترة نبیک و ولد حبیبک محمد بن عبد الله الذی اصطفیته بالرسالة
و ائتمنته علی وحیک فاجعل لنا من امرنا فرجا و مخرجا برحمتک یا ارحم الراحمین **پس گفته اند**
که ابن عباس گفته که شنیدم از حسین بن علی بن و فرمود که گفت شنیدم از حضرت صادق علیه السلام
که در این روز این دعا را میخواند و میفرمود که از دعاهای روز سیم ماه شعبان است که روز مولد
حضرت امام حسین علیه السلام **مؤلف گوید که** ظاهر آنست که دعای اول به تنهائی از ناحیه
مقدسه بیرون آمده و دعای ثانی را به تنهائی ابن عباس روایت کرده لیکن اکثر علما آن دعاها
به تنهائی خوانده شود چنانچه شیخ و سید گفته اند و مؤید این آنکه علامه رحمه الله در منهاج
الصلاح اکتفا به دعای اول نموده و دعای ثانی را نقل نکرده **و بدانکه** فقرات آخر دعای ثانی مخصوص

باهل بیت رسالت صلوات الله علیهم اجمعین نزد الله تعالی امام ادام الله ظلاله در حاشیه ذریعة النجاة
گفته که بنابر این دور نیست که هرگاه غیر ایشان این دعا را بخوانند و باین نحو بخوانند فانهم غرّوا
ائمّتنا وخدعوهم وغدروا بهم وقتلوهم وهم عترة نبیّك ودراحش فاجعل لهم من
امرهم فرجاً بخوانند و محتمل است که بعضی گویند که ایشان میخوانند دیگران نیز تعبداً بخوانند و چون
آن بزرگواران پدر حقیقی این امت رحمه و بمنزله جان و نفس شیعیانند و مصایبی که بر ایشان
واقع شده چنانچه فی الحقیقه بر شیعیان وارد شده باشد پس اینها میتوانند بگویند که بر ما ظلم
کرده اند و ما را کشته اند و بخاطر این ناصر چنان میرسد که اگر یکی از سادات خصوصاً سادات
حسینی این دعا را بخوانند بتغییر فقرات احتیاج نباشد و الله تعالی یعلم و سید جلیل نبیل امیر محمد باقر
داماد قدس الله روحه در بعضی از مؤلفات خود گفته که در روز سیم ماه شعبان این دعا را بخوانند
بَشّارُوا النّادَ وَبَشّارُوا النّادَ وَبِحَضُوهُ وایضاً گفته که روز سیم این ماه نحس است چنانچه هر طفلی
که در این روز بوجود آید نماند و هر که بیمار شود معالجه نشود و درختی که بنشانند خشک شود
و اگر کسی در این روز بجنگ رود کشته شود و اگر کسی غریب شود بر نگردد و هر کاری که بکند با تمام نرسد
مؤلف گوید که الفاظ دعا مذکوره مشتبه و سندی برای آن و برای نحوست این روز هیچ جا
بنظر نرسیده و الله تعالی یعلم تکمیل بدانکه در حدیقه اول مذکور شد که هر روزی که ولادت
یا وفات یکی از ائمه علیهم السلام در آن روز واقع شده باشد یا فضیلتی از فضایل ایشان در آن
روز واقع شده باشد زیارت ایشان از نزدیک و دور مناسبست لهذا این روز چون مولد حضرت
سید الشهداست زیارت آن حضرت در آن مناسبست و دعائی که مذکور شد اگرچه خواندن
آن بمنزله زیارتست لیکن اگر این دعا را با زیارت که جمع نماید اتمّ و افضلست پس اگر در نزد
مرقد مطهر حاضر باشد بزیارت مطلقه زیارت نماید و اگر دور باشد بیام خانه یا بصحرا رود
و نظر بجانب آن حضرت کند و بعد از آن باسمان نظر کند و رو بقبر مبارک نماید و بگوید که السّلام
علیك یا ابا عبد الله السّلام علیك یا بن رسول الله السّلام علیك ورحمة الله وبرکاته
شب چهارم سید در کتاب مذکور از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله روایت نموده است
که هر که در این شب چهار رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی حمد یکنوبت و سوره قل هو الله احد بیست

شبحرت

و بیست و پنج نوبت بنویسد حق تعالی برای او بعوض هر رکعتی ثواب عبادت هزار هزار سال و بنا کند برای
او بعوض هر سوره هزار هزار شهر و عطا فرماید باو ثواب هزار هزار شهید شب پنجم سید
در کتاب مذکور از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده که هر که در این شب دو رکعت
نماز بکند در هر رکعتی حمد یکنوبت و قل هو الله احد پانصد نوبت و چون سلام دهد هفتاد نوبت
صلوات بر رسول خدا و آل او صلوات الله علیهم اجمعین بفرستد حق تعالی هزار حاجت از حوائج دنیا
و آخرت او را بر آورد و عطا فرماید باو بعدد ستارهای آسمان شهری در بهشت روز پنجم بدانکه
شیخ طوسی در تهذیب و مصباح ولادت حضرت امام حسین علیه السلام در این روز واقع شده
و این قول خلاف مشهور و اقوی سیم این ماهست چنانچه گذشت و شیخ طوسی در مصباح روایاتی
قول را ذکر نموده و متوجه ترجیح احدی از روایتین نشده است و شیخ شهید رحمه الله گفته است که حضرت
سید الساجدین صلوات الله علیه نیز در روز شنبه پنجم این ماه متولد شده و اشهر آنست که در
ماه جمادی الاولی است و اقوال دیگر نیز هست که در محل خود مذکور میشود و چون احتمال ولادت این دو
بزرگوار در این روز میرود زیارت ایشان از نزدیک و دور مناسبست شب ششم سید در کتاب
مذکور از حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله روایت نموده که هر که در این شب چهار رکعت
نماز بگذارد در هر رکعتی حمد یکنوبت و سوره قل هو الله احد پنجاه نوبت حق تعالی قبض روح او فرماید در
حالتی که سعادتمند و نیکوکار باشد و قبر او را وسیع گرداند و بیرون آید از قبر خود و حال آنکه
روی او مانند ماه باشد و میگفته باشد اشهد ان لا اله الا الله وانّ محمداً عبده ورسوله یعنی
گواهی میدهم که خدائی نیست بغیر حق تعالی و آنکه محمد صلی الله علیه و آله بنده او و پیغمبر اوست مؤلف
گوید که کفعمی در جنة الامان سوره قل هو الله احد را ده نوبت نقل نموده و اگر عمل بروایت امثال شود
شاید بهتر و بطریق عمل شده باشد و الله تعالی یعلم روز ششم سید جلیل نبیل امیر محمد باقر داماد
طاب ثراه در بعضی از مؤلفات خود گفته که روز ششم این ماه نیز نحس است چنانچه هر طفلی که در
آن روز متولد شود بمیرد و هر که بیمار شود معالجه نشود و درختی که بنشانند خشک شود
و کسی که بجنگ رود کشته شود و هر که بسفری رود بر نگردد و کاری که در این روز شروع
کند با تمام نرسد مؤلف گوید که این معنی در روایت بنظر نرسید شب هفتم سید طاب ثراه

در کتاب مذکور از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که هر که در این شب دو رکعت نماز کند و در رکعت اول حمد یکنوبت و قل هو الله احد صد نوبت و در رکعت دوم حمد یکنوبت و آیة الکرسی صد نوبت بخواند بدرستی که هر مؤمن و مؤمنه که این نماز را بجا آورد حق تعالی دعای او را مستجاب گرداند و حوایج او را بر آورد و نوشته شود برای او هر روز ثواب شهیدی و او را در کا خدا گناهی نباشد **مؤلف گوید که** کفعمی در جنة الامان در هر رکعت دوم بعد از حمد آیة الکرسی را یکنوبت نقل نموده است و بخط جد علامه ام مولانا محمد تقی طاب ثراه در هر دو رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله احد صد مرتبه است و روایت اول اصح است و الله تعالی یعلم **روز هفتم شیخ طوسی رضی الله عنه** در مصباح از صفوان جمال روایت کرده است که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله و سلامه علیه فرمود که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در روز یکشنبه هفتم ماه شعبان متولد شد و اشهر سیزدهم ماه رجب است چنانکه گذشت لیکن سند این روایت چون صحیح است اگر هر دو روز را احترام نمایند بهتر است و باین جهت زیارت آنحضرت در این روز مناسب است از نزدیک و دور و الله تعالی یعلم **شب هفتم سید طاب ثراه** در کتاب مذکور از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت نموده که هر که در این شب دو رکعت نماز بجا آورد در رکعت اول حمد یکنوبت و آیه آمن الرسول تا آخر سوره یکنوبت و سوره قل هو الله احد را پانزده نوبت و در رکعت دوم حمد یکنوبت و آیه قل انما انا بشر مثلکم تا آخر یکنوبت و سوره قل هو الله احد را پانزده نوبت بخواند پس اگر گناهان او مانند کف دریاها باشد حق تعالی او را از دنیا بیرون نبرد مگر طاهر و پاک و چنان باشد که خوانده باشد توریة و انجیل و زبور و فرقان را **مؤلف گوید که** در آن موضع کفعمی در جنة الامان در رکعت اول آیه آمن الرسول را نقل نکرده و ظاهرا سهو نموده باشد یا از قلم نساخ ساقط شده و آیه آمن الرسول در آخر سوره بقره است **و آیات اینست** آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ

مولانا

مولانا فانصرنا علی القوم الکافرین و آیه قل انما انا بشر آخر سوره کهف است **و آن اینست که** قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا **روز هشتم شعبان** ولادت کثیر السعادت حضرت صاحب الامر علیه السلام در این روز نقل نموده اند و اشهر و اقوی شب پانزدهم این ماه است و لیکن باعتبار رعایت این قول زیارت آن بزرگوار از نزدیک و دور بکیفیتی که در اعمال شب نیمه انشاء الله مذکور خواهد شد مناسب است **شب نهم سید در کتاب مذکور** از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله روایت نموده که هر که در این شب چهار رکعت نماز کند و در هر رکعتی حمد یکنوبت و سوره اذا جاء نصر الله و الفتح ده نوبت حق تعالی بدن او را بر آتش جهنم حرام گرداند و عطا فرماید باو بعوض هر آیه ثواب دوازده شهید از شهدای بدر و ثواب علما **روز نهم** بعضی از علما ولادت موفور السعادت حضرت امام زین العابدین علیه السلام را در این روز نقل نموده و این قول اگر چه خلاف مشهور است لیکن چون احتمال میرود زیارت آنحضرت در این روز نقل نموده از نزدیک و دور مناسب است **شب دهم سید در کتاب مذکور** از جناب حضرت سید الانبیاء صلی الله علیه و آله روایت نموده که هر که در این شب چهار رکعت نماز بکند و در هر رکعتی حمد یک نوبت و آیة الکرسی یک نوبت و سوره انا اعطیناک الکوثر سه نوبت بخواند حق تعالی بملائکه امر نماید که بنویسند برای او صد هزار درجه بگشاید برای او هزار در و هر کس این در جهان بر روی او نبندند و بیامرزند او را و پدر و مادر او را و همسایگان او را **مؤلف گوید که کفعمی در جنة الامان** آیة الکرسی نیز سه نوبت نقل نموده و ظاهرا سهو در نقل او نموده لیکن متابعت او شاید ملحوظ باشد **و بدانکه** مراد از گشودن هزار در بهشت است و این منافات ندارد با آنچه در بعضی روایات معتبره مستفیض وارد شده است که برای بهشت هشت در است زیرا که ممکن است که هر یک از درها منقسم به هشت ابواب متعدده داشته باشد و الله تعالی یعلم **شب یازدهم سید در کتاب مذکور** از سید کاینات صلی الله علیه و آله روایت نموده که هر که در این شب هشت رکعت نماز بگذارد هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی حمد یکنوبت و سوره قل یا ایها الکافرون ده نوبت سوگند بخداوندی که مرا بحق و راستی مبعوث گردانیده است که بجا نیاورد این نماز را مگر مؤمنی که ایمان او کامل باشد و حق تعالی عطا فرماید باو

بعوض هر رکعتی روضه از روضهای بهشت را **شب دوازدهم** سید در کتاب مذکور از رسول
خدا صلی الله علیه و اله روایت نموده که هر که در این شب دوازده رکعت نماز بکند هر دو رکعت
بیک سلام و در هر رکعتی حمد یکنوبت و سوره الهیکم التکاثر ده نوبت حق تعالی بیامرزد گناهان
چهل ساله او را و بلند گرداند برای او چهل درجه و استغفار کنند برای او چهل هزار ملک و از
برای او ثواب کسی باشد که شب قدر را در یافته باشد **شب سیزدهم** بدانکه این شب اول
لیالی بیض این ماه و ماه رجب و فضیلت لیالی بیض عموما در روایات بسیار وارد شده بخصوص لیالی
بیض این ماه و ماه رجب و ماه مبارک رمضان بخصوص نیز وارد شده که در باب سیم اعمال ماه
رجب گذشت و اعمال مخصوصه این چند چیز است **اول سید در کتاب** مذکور از رسول
خدا صلی الله علیه و اله روایت نموده که هر که در این شب دو رکعت نماز بگذارد در هر رکعتی حمد یک
نوبت و سوره والتین والزیتون یک نوبت بخواند چنان باشد که وقتیکه بنده از فرزندان حضرت
اسمعیل علیه السلام را آزاد کرده باشد و بیرون آید از گناهان مانند روزی که از مادر متولد
شده باشد و حق تعالی برات آزادی از آتش باو عطا فرماید و با حضرت رسالت صلی الله علیه
و اله و حضرت ابرهیم علیه السلام مرافقت نماید **دویم دو رکعت نماز** در هر رکعتی بعد از حمد
سوره یس و تبارک و قل هو الله احد هر یک یکنوبت و فضیلت آن عظیم و ثواب آن بسیار است و در باب
سیم از اعمال ماه رجب مذکور شد **شب چهاردهم** شب دویم لیالی بیض و فضیلت عظیم
دارد و اعمال آن چند چیز است **اول** سید در کتاب مذکور از حضرت رسالت صلی الله علیه و اله
روایت کرده است که هر که در این شب چهار رکعت نماز بکند در هر رکعتی حمد یکنوبت و سوره والعصر
پنج نوبت حق تعالی بنویسد برای او ثواب نماز گذارندگان از زمان آدم علیه السلام تا روز قیامت
را و مبعوث گرداند او را در حالتی که روی او روشن تر از آفتاب و ماه باشد و او را بیامرزد
دویم چهار رکعت نماز هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی بعد از حمد هر یک از سوره یس
و تبارک و قل هو الله احد یکنوبت و فضیلت عظیم دارد و در باب سیم اعمال ماه رجب گذشت
شب پانزدهم این شب شب سیم لیالی بیض این ماه و افضل از دو شب سابق است بلکه
بعد از شب قدر افضل از سایر شبهای سال است و از جمله لیالی اربع و ثواب عبادت و نماز

و تلاوت

و تلاوت و ذکر و زیارت در آن در احادیث بسیار وارد شده است چنانچه در ضمن بیان اعمال مذکور
میشود و اشهر میان علمای شیعه رضوان الله علیهم مطابق روایات معتبره که بعد از این مذکور
میشود آنست که ولادت موفور السعادت حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه در این شب
که مصادف شب جمعه بود از سال دویست و پنجاه و پنجم از هجرت واقع شده و بعضی پنجاه و شش
و بعضی پنجاه و هفت نیز گفته اند و باین جهت زیارت آن بزرگوار در این شب از زیادتی و در
مناسبت و کیفیت بعد از آن مذکور میشود و اعمال این شب بر دو قسم است **قسم اول** اعمالی که مخصوص
کربلای معلی نیست و در سایر بلاد میتوان بعمل آورد و اعمال مذکوره چند چیز است **اول احیا**
داشتن آن بعبادت شیخ طوسی رضی الله عنه در کتاب مصباح از حضرت صادق از پدر بزرگوارش
صلوات الله علیهما روایت کرده است که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه میفرمود که خوش
می آید مرا از فارغ گردانیدن برای عبادت در سالی چهار شب شب عید ماه رمضان و شب عید قربان
و شب نیمه شعبان و شب اول رجب **و ایضا** از حضرت امام رضا صلوات الله علیه روایت نموده است
که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه در سه شب نمیخوابید شب بیست و سیم ماه رمضان و شب
عید رمضان و شب نیمه شعبان و در آن قسمت میکرد روزیها و اجلها و آنچه در عرض سال میشود واقع **مولف
گوید که** این حدیث منافی است با احادیث بسیار که تقدیر آجال و وقایع سال در شب قدر واقع میشود
و وجه جمع بین الروایات بعد از این مذکور خواهد شد و سید بن طاوس رحمه الله در کتاب اقبال
از رسول خدا صلی الله علیه و اله روایت کرده است که هر که احیا دارد شب عید و شب نیمه
شعبان را نمیرد دل او در روزی که دلها در آن روز مرده باشد **مولف گوید که** گویا مراد از شب عید
شب عید رمضان است والله تعالی یعلم **و احادیث دیگر در باب** فضیلت احیای این شب بسیار
و بعد از این بتقریب ذکر سایر اعمال مذکور میشود **دویم** غسل کردن شیخ طوسی رضی الله عنه در
مصباح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده است که روزه بدارید شعبان
و غسل کنید در شب نیمه آن بدرستی که این تحقیقی است از جانب پروردگار شما و رحمتی است برای شما
مولف گوید که در حدیث مذکور نیست که در چه وقت شب غسل واقع شود پس در همه اوقات
این شب غسل مجزی خواهد بود و دور نیست که اگر در اول شب واقع شود افضل باشد چون تمام

عبادات این شب باعثِ واقع خواهد شد ان شاء الله تعالی بکلّم **سیّم تلاوت قرآن** شیخ طوسی قدّس الله
روحه در مصباح از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت نموده است که آنحضرت بجابر بن
عبد الله فرموده که اگر توانی محافظت نمائی در شب عید فطر و شب عید قربان و شب اوّل محرّم و شب
عاشورا و شب اوّل رجب و شب نیمهٔ شعبان پس محافظت نمائید و در این شبها دعا و نماز و تلاوت
قرآن بسیار بکن **مؤلّف گوید که** مراد دعا و نمازی که در این حدیث وارد شده بهتر آنست که با دعیه و صلوات
مخصوصه که در این شب وارد شده و بعد از این بتفصیل مذکور میشود عمل شود **چهارم استغفار**
شیخ طوسی رحمه الله روحه در مصباح از زید پسر حضرت امام زین العابدین علیه السلام روایت
کرده است که گفت پدرم حضرت سیّد الساجدین علیه السلام جمع میکرد همگی ما را در شب نیمهٔ شعبان
و شب را به جزو قسمت میکرد در یک حصه با ما نماز میکرد و در حصه دیگر با ما دعا میکرد و ما آمین
میگفتیم و در حصه دیگر استغفار میکرد و ما هم و بهشت را از حق تعالی سؤال مینمود تا صبح طالع میشد
مؤلّف گوید که آنچه در این حدیث وارد شده که در یک حصه شب با ما نماز میفرمود ظاهرا مراد در فقرات
در اصل نماز کردن است آنکه کردن نماز بجماعت میتوان کرد و از این حدیث شریف مفهوم میشود که جمع
نمودن اتباع و اولاد و ترغیب نمودن ایشان بعبادات در این شب فضیلت عظیم دارد و آنکه عبادات
مؤظفه در این شب در مجامع بهتر است از خلوات زیرا که باعث استجابت دعا میشود و الله تعالی
یعلم **پنجم سیّد در کتاب** اقبال از رسول خدا صلّی الله علیه و آله روایت نموده است که هر که در
این شب میان نماز شام و خفتن چهار رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت
بعد از حمد سوره قل هو الله احد را ده مرتبه بخواند و چون فارغ شود ده نوبت یا ربّ اغفر لنا
و ده نوبت یا ربّ ارحمنا **و ده نوبت** یا ربّ تب علینا و بعد از آن سوره قل هو الله احد را بیست
و یکنوبت بخواند **و ده مرتبه** سُبْحَانَ اللّٰهِ الَّذِیْ یُحْیِی الْمَوْتٰی وَیُمِیْتُ الْاَحْیَاءَ وَهُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ
قَدِیْرٌ بگوید بحق تعالی دعای او را مستجاب گرداند و حوائج دنیا و آخرت او را بر آورد و نامه او را بدست
راست او دهد و در حفظ الهی باشد تا سال آینده **مؤلّف گوید که سیّد در کتاب** مذکور روایت
کرده است روایت دیگر نقل نموده که در آن روایت بعد از حمد سوره قل هو الله احد یازده نوبت
وارد شده و کفعمی رحمه الله در جنة الامان بعوض یا ربّ اغفر لنا اللّهمّ اغفر لنا نقل نموده ده

نوبت

و ده نوبت یا ربّ تب لنا یا حبیب و یکنوبت قل هو الله را نقل نموده است **ششم شش رکعت نماز**
هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعتی بعد از حمد هر یک از سوره یس و تبارک و قل هو الله
احد یک نوبت و این نماز ثواب عظیم دارد و در باب سیّم اعمال ماه رجب گذشت **هفتم دعائی**
که حضرت سیّد الساجدین صلوات الله در هر روز در زوال آفتاب و در شب نیمه این ماه میخواند
و آن دعا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ شَجَرَةِ النُّبُوَّةِ است تا آخر و در باب چهارم در اعمال هر روز
و هر شب این ماه گذشت **هشتم سیّد رضی الله عنه** در اقبال بسند خود از هرون بن موسی
تلعکبری رضی الله عنه روایت کرده است که در شب نیمه ماه شعبان چهار رکعت نماز بکن هر دو رکعت
بیک سلام و در هر رکعتی حمد یکنوبت و قل هو الله احد صد نوبت بخوان و چون فارغ شوی این
دعا را بخوان اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اِلَیْكَ فَقِیْرٌ وَمِنْ عَذَابِكَ خَائِفٌ وَبِكَ مُسْتَجِیْرٌ اَللّٰهُمَّ رَبِّ لَا تُبَدِّلْ
اِسْمِیْ وَلَا تُغَیِّرْ جِسْمِیْ رَبِّ وَلَا تَجْهَدْ بَلَائِیْ رَبِّ وَلَا تُشْمِتْ بِیْ اَعْدَائِیْ اَعُوْذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عِقَابِكَ
وَاَعُوْذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِكَ وَاَعُوْذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْكَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ
اَنْتَ كَمَا اَثْنَیْتَ عَلٰی نَفْسِكَ وَفَوْقَ مَا یَقُوْلُ الْقَائِلُوْنَ فِیْكَ **پس دعا کن** با آنچه خواهی **مؤلّف
گوید که** این نماز و دعا را شیخ اعمال وارده این شب است و شیخ طوسی قدّس سرّه در مصباح و علامه رحمه الله
در کتاب منهاج الصلاح و ابن باقی در مصباح و ابن ابی عمیر را نقل نموده اند از ابو یحیی صنعانی روایت
کرده که او از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهم السلام این عمل را روایت کرده اند
و بعد از آن گفته که سی نفر از ثقات اصحاب این دو بزرگوار این عمل را از ایشان روایت نموده اند
نهم سیّد بن طاوس قدّس الله روحه در کتاب اقبال از کتاب محمد بن علی طرازی نقل نموده است
که در شب نیمه شعبان چهار رکعت نماز بکن هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعتی حمد یکنوبت و
قل هو الله احد پنجاه نوبت و اگر خواهی قل هو الله احد را صد نوبت بخوان و اگر خواهی دویست و پنجاه
نوبت بخوان و چون سلام گوئی **این دعا بخوان** اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اِلَیْكَ فَقِیْرٌ وَمِنْ عَذَابِكَ خَائِفٌ وَبِكَ
مُسْتَجِیْرٌ رَبِّ لَا تُبَدِّلْ اِسْمِیْ رَبِّ لَا تُغَیِّرْ جِسْمِیْ وَلَا تَجْهَدْ بَلَائِیْ وَلَا تُشْمِتْ بِیْ اَعْدَائِیْ اَللّٰهُمَّ
اِنِّیْ اَعُوْذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوْبَتِكَ وَاَعُوْذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَاَعُوْذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِكَ وَاَعُوْذُ
بِكَ مِنْكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ لَا اُحْصِیْ مِدْحَتَكَ وَلَا الثَّنَاءَ عَلَیْكَ كَمَا اَثْنَیْتَ عَلٰی

نفسك وفوق ما يقول القائلون ان تصلي على محمد وآل محمد وان تفعل بي كذا وكذا وبجاى كذا وكذا
حاجات خود را طلب کند بدانکه شیخ طوسی طیب الله ثراه در مصباح نسبت داده این دعا را بحضرت امام موسی
کاظم علیه السلام این عمل را روایت نموده و در روایت او سوره قل هو الله احد دویست و پنجاه در آن
مذکور نیست و جد علامه امام مولانا محمد باقر مجلسی قدس الله روحه در کتاب زاد المعاد گفته که اگر
پنجاه مرتبه را اختیار نماید موافق میشود با نماز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و در فضیلت آن
احادیث بسیار است و بدانکه ظاهر کلام شیخ و سید آنست که این عمل غیر عمل سابق است و ظاهر
حال چنانچه از توافق عدد رکعات نماز و تطابق عبارات دعای بعد ظاهر میشود آنست که این
عمل با عمل سابق متحد باشد و آدمی در سوره قل هو الله احد مخیر میان پنجاه و صد و دویست و پنجاه
بوده باشد و اگر دویست و پنجاه را اختیار نماید افضل و شاید بجمیع روایات عمل نموده باشد
والله تعالى يعلم **دهم سید بن طاوس** رفع الله درجته الامام در اقبال ذکر نموده که در کتاب
محمد بن علی طرازی بعد از ذکر عمل سابق مذکور است که از جمله دعاهای شب نیمه شعبان این دعاست
اللهم انت الحي القيوم العلي العظيم الخالق البارئ المحيي المميت البدئ البديع لك الكرم
ولك الفضل ولك الحمد ولك المن ولك الجود ولك الامر وحدك لا شريك لك يا واحد
يا احد يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد اللهم صل على محمد وآل محمد وار
حمني واغفر لي واكفني ما اهمني واقض ديني ووسع علي وارزقني فانك في هذه الليلة
كل امر يفرق من تشاء من خلقك ترزق فارزقني وانت خير الرازقين فانك قلت وانت
خير القائلين الناطقين واسألوا الله من فضله فمن فضلك اسأل واياك قصدت وابن
نبيك اعتمدت ولك رجوت فارحمني يا ارحم الراحمين **مؤلف گوید که** شیخ و علامه ابن
باقی و کفعمی قدس الله اسرارهم نیز این دعا را نقل نموده اند و هیچ یک از ادعیه مطلقه این شب
ذکر نموده اند و ظاهر حال آنست که این دعا برای کسی است که در کربلای معلی حاضر باشد چنانچه
از فقره این دعا که و ابن نبیک اعتمدت است ظاهر میشود والله تعالی یعلم **یازدهم و دوازدهم**
شیخ طوسی و سید ابن طاوس قدس الله روحهما در مصباح و اقبال بسند معتبر از حضرت
امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده اند که فرمود از پدرم امام محمد باقر علیه السلم

پرسیدند

پرسیدند از فضیلت شب نصف شعبان فرمود که این شب بعد از شب قدر افضل شبهاست
و حق تعالی فضل خود را در این شب به بندگان عطا میفرماید و باحسان خود گناهان ایشان را می آمرزد
پس سعی کنید در تقرب جستن بسوی خدا و ندعا لیان در این شب که این شبی است که حق تعالی
بذات مقدس خود سوگند یاد کرده که سایلی را از درگاه خود رد نکند مگر آنکه معصیتی
از خدا طلب نماید و این شب را خدا برای ما اهل بیت قرار داده است بازای شب قدر که از برای پیغمبر
ما قرار داده است پس اهتمام نماید در این شب در دعا و ثنا گفتن بر خدا بدرستی که هر که در
این شب صد مرتبه سبحان الله و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه لا
اله الا الله بگوید حق تعالی گناهان گذشته او را بیامرزد و حاجتهای دنیا و آخرت او را بر آورد
آنچه را طلب نماید و آنچه حق تعالی داند که او احتیاج دارد اگرچه طلب نکرده باشد راوی گوید
که عرض کردم که بهترین دعاها در این شب کدام است فرمود که چون از نماز عشا فارغ شدی دو رکعت
نماز بکن و در رکعت اول حمد و سوره قل یا ایها الکافرون و در رکعت دوم حمد و سوره
قل هو الله احد بخوان و چون سلام گفتی سی و سه نوبت سبحان الله و سی و سه نوبت الحمد
لله و سی و چهار نوبت الله اکبر بگو پس این دعا را بخوان یا من الیه یلجأ العباد في المهمات
والیه یفزع الخلق في الملمات یا عالم الجهر والخفیات ویا من لا یخفی علیه خواطر الا
وهام وتصرف الخطرات یا رب الخلائق والبریات یا من بیده ملکوت الارضین
والسموات انت الله لا اله الا انت امت اليك بلا اله الا انت فيا لا اله الا
انت اجعلني في هذه الليلة ممن نظرت اليه فرحمته وسمعت دعاءه فاجبته
وعلمت استقالته فاقلته وتجاوزت عن سالف خطيئته وعظيم جريرته فقد استجرت
بك من ذنوبي ولجأت اليك في ستر عيوبي اللهم فجد علي بكرمك وفضلك واحطط
خطاياي بحلمك وعفوك وتغمدني في هذه الليلة بسابغ كرامتك واجعلني فيها من
اوليائك الذين اجتبيتهم لطاعتك واخترتهم لعبادتك وجعلتهم خالصتك
وصفوتك اللهم اجعلني في هذه الليلة ممن سعد جده وتوفر من الخيرات حظه
واجعلني ممن سلم فنعم وفاز فغنم واكفني شر ما اسلفت واعصمني من الازدياد

پس مرتبه یا رب هفت مرتبه یا الله ده مرتبه لا قوة الا بالله نقل نموده و ظاهر حال آنست که اختلاف
مذکوره از راه عدم اعتنا در ضبط ناشی شده باشد زیرا که همگی یک روایت را که روایت ابو یحیی صنعانی
است نقل نموده اند و بعد آنکه سید در اقبال نیز بعد از آنکه این روایت را ذکر نموده گفته است که محمد بن علی
طرازی در کتابش این عمل را بطریق دیگر که فی الجمله مخالف با این طریق باشد ذکر نموده است
اول آنکه در سجده بیست مرتبه یا رب هفت مرتبه یا رب محمد صل علی محمد و آل محمد هفت مرتبه
لا حول و لا قوة الا بالله هفت مرتبه ما شاء الله ده مرتبه لا قوة الا بالله میگوئی پس صلوات
بر رسول خدا و اهل بیت او صلی الله علیه و علیهم میفرستی هر چه که خواهی پس بعد از این نماز [illegible]
از نماز شب چهار رکعت نماز میکنی که بعد از قل هو الله احد کرده مثبوت میکنی و کنیا مراد طرازی
چهار رکعت نماز با هزار قل هو الله احد نماز است که در عمل نیمه رجب و ابن طرازی و شیخ طوسی
مذکور شد و روایت طرازی اگر چه مشتمل بر تخییر میان پنجاه مرتبه و صد مرتبه و دویست مرتبه و پنجاه
مرتبه قل هو الله است لیکن طرازی در این مقام بنا را بر دویست و پنجاه مرتبه که در اکمل تخییرات است
گذاشته است و چون طرازی از اعاظم محدثین شیعه است و ظاهر حال آنست که در باب تقدیم و تأخیر
این دو عمل نظر بکیفیت حدیثی دیده شده باشد لهذا اولی آنست که این عمل را قبل از عمل هفتم چنانچه
او گفته است بجا آورند دوم طرازی در کتابش روایت کرده است که مولای ما حضرت امام جعفر
صادق صلوات الله علیه ابن نعمان را در شب نیمه شعبان بجا آورد و بعد از آن خواند دعائی را که مذکور
شد پس بسجده رفت و در سجده بیست مرتبه یا رب هفت مرتبه یا الله هفت مرتبه یا رب بمحمد
ده مرتبه لا حول و لا قوة الا بالله فرمود و چون روایت اول سید با روایت طرازی بحسب
سند مختلف است اظهر حال آنست که اختلاف میان آنها محمول بر تخییر باشد و اگر در سجده بیست مرتبه
یا رب یا رب هفت مرتبه یا الله و هفت مرتبه یا رب محمد صل علی محمد و آل محمد ده مرتبه لا حول
و لا قوة الا بالله ده مرتبه ما شاء الله لا قوة الا بالله ده مرتبه ما شاء الله ده مرتبه لا قوة
الا بالله گفته شود شاید عمل بهمه طرق شده باشد سیوم شیخ طوسی در مصباح و علامه
حلی در منهاج الصلاح بعد از آنکه عمل سابق را ذکر نموده اند گفته اند این دعا را میخوانی الهی تعرض
لك في هذا الليل المتعرضون وقصدك القاصدون وأمل فضلك ومعروفك الطالبون

في معصيتك وحبب إلي طاعتك وما يقربني منك ويزلفني عندك سيدي
إليك ملجأ الهارب ومنك ملتمس الطالب وعلى كرمك يعول المستقيل التائب
أدبت عبادك بالتكرم وأنت أكرم الأكرمين وأمرت بالعفو عبادك وأنت الغفور
الرحيم اللهم فلا تحرمني ما رجوت من كرمك ولا تؤيسني من سابغ نعمك ولا تخيبني
من جزيل قسمك في هذه الليلة لأهل طاعتك واجعلني في جنة من شرار خلقك رب
إن لم أكن من أهل ذلك فأنت أهل الكرم والعفو والمغفرة وجد علي بما
أنت أهله لا بما أستحقه فقد حسن ظني بك وتحقق رجائي لك وعلقت نفسي بكرمك
فأنت أرحم الراحمين وأكرم الأكرمين اللهم واخصصني من كرمك بجزيل قسمك و
أعوذ بعفوك من عقوبتك واغفر لي الذنب الذي يحبس علي الخلق ويضيق علي
الرزق حتى أقوم بصالح رضاك وأنعم بجزيل عطائك وأسعد بسابغ نعمائك
فقد لذت بحرمك وتعرضت لكرمك واستعذت بعفوك من عقوبتك وبحلمك
من غضبك فجد بما سألتك وأنل ما التمست منك أسألك بك لا بشيء هو أعظم منك
پس بسجده میرود و میگوید یا رب بیست مرتبه یا الله هفت مرتبه لا حول ولا قوة الا بالله
هفت مرتبه ما شاء الله لا قوة الا بالله ده مرتبه پس صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه
و آله میفرستی و حاجت خود را از حق تعالی سؤال میکنی پس بخدا سوگند که اگر بعدد قطرات
باران حاجت بطلبی حق تعالی آنها را بسانند بکرم و فضل خود مؤلف گوید که این روایت
را شیخ طوسی طاب ثراه در مصباح کبیر و مصباح صغیر و علامه در منهاج الصلاح و کفعمی
در جنة الامان ذکر نموده اند لیکن اذکار سجده مختلف ضبط نموده اند و نقل علامه با روایت
اقبال امعنی است زیرا که از مطابق اقبال نقل کرده مگر آنکه در ما شاء الله لا قوة الا
بالله که باید ده مرتبه گفته شود و لا قوة الا بالله را نقل نموده و اکتفا بما شاء الله
کرده است و کفعمی بیست مرتبه یا رب یا رب هفت مرتبه لا حول و لا قوة الا بالله هفت مرتبه
ما شاء الله لا قوة الا بالله و ده مرتبه لا قوة الا بالله نقل کرده و شیخ طوسی در
مصباح کبیر مطابق نسخه که بخط علامه ام مولانا محمد تقی طاب ثراه مقابله و تصحیح نموده

جعفر بنه

لك في هذا الليل نفحات وجوائز وعطايا ومواهب تمنّ بها على من تشاء من عبادك وتمنعها من لم تسبق له العناية منك وها انا ذا عبيدك عبدك الفقير اليك المؤمّل فضلك ومعروفك فان كنت يا مولاي تفضّلت في هذه الليلة على احد من خلقك وعدت عليه بعائدة من عطفك فصلّ على محمد وآل محمد الطيبين الطاهرين الخيّرين الفاضلين وجد عليّ بطولك ومعروفك يا ربّ العالمين وصلّى الله على محمد خاتم النبيين وآله الطاهرين وسلّم تسليما انّ الله حميد مجيد اللهمّ انّي ادعوك كما امرتني امرت فاستجب لي كما وعدت انّك لا تخلف الميعاد **مؤلف گوید که** سید بن طاوس در اقبال این دعا را از شیخ در مصباح نقل نموده است

از کلام شیخ فهمیده است که این دعا متمّم عمل سابق است و ظاهر حال آنست که عمل برأسه باشد چنانچه جدّ علّامه قدّس الله روحه در زاد المعاد گفته که این دعای لیبار خوبی است و از دعاهای این شب است اما ظاهراً جزء عمل سابق نیست و از غرایب آنست که سید بن باقی رحمه الله در مصباح عمل سابق را نقل کرده است و گفته است که بعد از دعای یا من الیه یلجأ العباد بسجده میروی و در سجده دعای الهی لک تعرّض را نقل نموده و میخوانی و مطلقا اذکار سابقه را نقل نکرده است با آنکه این اعمال را از کتاب مصباح متهجّد شیخ طوسی نقل نموده و شیخ اذکار را نقل نموده بلکه سایر علما همگی در این عمل اذکار را نقل نموده اند هر چند در کیفیت با یکدیگر مختلف است چنانکه دانستی والله تعالی یعلم **چهارم سید بن طاوس رضی الله عنه** در کتاب اقبال از حضرت رسالت صلّی الله علیه وآله روایت کرده است که هر که در شب نیمه شعبان وضو بسازد و اعمال وضو را نیکو بجا آورد و جامه پاک بپوشد و بجای نماز خود رود و نماز خفتن را بجا آورد و بعد از آن دو رکعت نماز بکند و در رکعت اوّل حمد یکمرتبه و سه آیه از اول سوره بقره و بعد از آن آیة الکرسی و بعد از آن سه آیه از آخر سوره بقره بخواند و در رکعت دوم حمد یکمرتبه و قل اعوذ برب الفلق هفت مرتبه و قل اعوذ برب الناس هفت مرتبه و قل هو الله احد هفت مرتبه بخواند چون سلام بگوید چهار رکعت دیگر بکند که هر دو رکعت بیک سلام و در رکعت اوّل بعد از حمد سوره یس و در رکعت دوم بعد از حمد حم دخان و در رکعت سیم بعد از حمد الم سجده و در رکعت چهارم بعد از حمد تبارک الذی بیده الملک بخواند پس بعد از آن صد رکعت نماز بکند

نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی حمد یکمرتبه و سوره قل هو الله احد ده مرتبه بخواند خواب سه خصلت او را در دنیا با دست آخرت بر آورد پس اگر از خدا سؤال نماید که مرا در آن شب در خواب ببیند خواهد دید **مؤلف گوید که** مراد از نیکو بجا آوردن اعمال وضو آنست که رعایت مقدمات وضو مانند مسواک و مضمضه و استنشاق و شستن دستها و ادعیه وارده در هر یک بکند و مراد از دو جامه پوشیدن یکی پیراهن و یکی ردا چون در میان عرب شایع بوده است که همین دو جامه را می پوشیده اند و در بلاد عجم اگر چنانچه همین جامه های پاک متعارف را بپوشد شاید مجزی باشد و اگر ردائی بر روی اینها بر دوش بگیرند افضل است و مراد از سه آیه اول سوره بقره بغیر بسم الله است و احوط آنست که بسم الله بعد از حمد بگوید و بعد از آن آیات را بخواند و آیات اینست الٓمٓ ذٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلٰوةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ أُولٰئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ و سه آیه آخر سوره بقره این آیات است آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللّٰهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ لَا يُكَلِّفُ اللّٰهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ **و بدانکه شیخ طوسی طاب ثراه** نیز این روایت را در مصباح نقل نموده و در رکعت دوم در رکعت اوّل سوره قل اعوذ برب الناس را مقدم بر قل اعوذ برب الفلق نقل نموده و اعتماد بر نقل سید بیشتر است و صد رکعت نمازی که در آخر این روایت مذکور است بعد از این بروایات متعدده معتبره مذکور میشود **پانزدهم سید بن طاوس قدّس الله روحه** در کتاب اقبال از حضرت رسول صلّی الله علیه وآله روایت نموده است که حضرت فرمود که در شب نیمه شعبان در خواب بودم که جبرئیل علیه السلام بر من نازل شد و گفت ای محمد آیا بخواب میروی در این شب گفتم این چه شب است گفت شب نیمه شعبان است برخیز ای محمد پس برخیزانید مرا و با خود به بقیع برد و گفت بالا

کن سر خود را بدرستی که این شبی است که درهای آسمان گشوده میشود پس باز میشود درهای رحمت
و درگاه خشنودی خدا و درگاه آمرزش و درگاه تفضل و درگاه توبه و درگاه نعمت و درگاه جود
و بخشش و درگاه احسان حق تعالی در این شب از آتش جهنم آزاد میفرماید از بندگان بعدد موهای چهار
پایان و پشمهای ایشان و اعلفهای مردم و میفرماید روزیهای ایشان را تا سال آینده و حوادثی که در آن
سال میشود همه را در این شب تقدیر میفرماید ای محمد هر که احیا کند این شب را بگفتن الله اکبر
و سبحان الله و لا اله الا الله و دعا خواندن و نماز کردن و تلاوت قرآن و طلب آمرزش از گناهان
بهشت محل استراحت او باشد و گناهان گذشته و آینده او آمرزیده شود ای محمد هر که در این شب
صد رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعتی حمد بگوید و سوره قل هو الله احد را ده
نوبت بخواند و چون از همه فارغ شود ده مرتبه آیة الکرسی و ده مرتبه سوره حمد بخواند و صد مرتبه سبحان
الله بگوید حق تعالی صد گناه کبیره هلاک کننده او را که بسبب آنها مستوجب جهنم شده باشد بیامرزد
و بعدد هر سوره و تسبیحی قصری در بهشت باو عطا فرماید و شفاعت او را در حق صد نفر از اهل بیت
او قبول کند و او را در ثواب شهیدان و ثواب روزه داران این ماه و عبادت کنندگان این شب شریک
گرداند بی آنکه از ثواب ایشان چیزی کم گردد پس احیا کن این را ای محمد و امر کن امت خود را که احیا کنند
آن را و تقرب جویند بسوی خدا بعبادت آن بدرستی که این شبی است بسیار شریف و بدرستی که من
آمدم بنزد تو و حال آنکه در آسمان ملکی نبود مگر آنکه قدمهای خود را صف کرده بود پس بعضی در رکوع
و بعضی ایستاده و بعضی در سجود و بعضی مشغول بودند بدعا و بعضی بتکبیر و بعضی باستغفار و
بعضی بتسبیح ای محمد بدرستی که حق تعالی در این شب بسوی بندگان خود نظر رحمت می افکند و می آمرزد
هر مؤمنی را که ایستاده مشغول نماز باشد یا نشسته تسبیح کند یا در رکوع رفته باشد یا در سجود
باشد یا مشغول ذکر باشد و این شبی است که دعا نمیکند احدی مگر آنکه مستجاب میشود و سؤال
نمیکند احدی مگر آنکه البته قبول میشود محروم کسی است که از خیر این شب محروم گردد و ایضا
سید در کتاب مذکور روایتی دیگر ذکر کرده در باب فضیلت این صد رکعت نقل نموده که راوی گوید که
سی نفر از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله حدیث کردند مرا که آنحضرت فرمود که هر که این صد
رکعت نماز را بکیفیتی که گذشت بجا آورد حق تعالی هفتاد نظر رحمت باو بیندازد و در هر نظری هفتاد

حاجت

حاجت او را برآورد که کمترین آنها آمرزش گناهان او باشد و اگر از جمله اشقیا باشد و طلب
سعادت نماید هر آینه او را حق تعالی سعادتمند نماید پس این را تلاوت فرمود یمحو الله ما
یشاء و یثبت و عنده ام الکتاب یعنی محو میفرماید حق تعالی آنچه را خواهد نزد اوست ام
الکتاب و اگر پدر و مادر او از اهل جهنم باشند و دعا کند برای ایشان از جهنم بیرون آیند اگر
شرک بخدا نیاورده باشند و کسی که این نماز را بگذارد حق تعالی برآورد برای او هر حاجتی را
که طلب کند و مهیا فرماید برای او در بهشت چیزی چند را که هیچ چشمی ندیده باشد و هیچ گوشی
نشنیده باشد سوگند بان خدائی که مرا بحق مبعوث فرموده است که هر که این نماز را برای محض رضای
خدا بجا آورد حق تعالی قرار دهد برای او بهره از ثواب و هر که عبادت کند خدا را در این شب
امر فرماید ملائکه کرام کاتبین اعمال را که حسنات را برای او بنویسند و سیئات را از نامه او
محو نمایند تا آنکه هیچ سیئه باقی نماند و از دنیا بیرون نرود تا منزل خود را در بهشت ببیند و
حق تعالی ملکی چند را بفرستد که با او مصافحه نمایند و سلام کنند بر او و در قیامت محشور شود
با کریمان نیکوکار پس اگر بمیرد پیش از سال آینده شهید مرده باشد و شفاعت او در حق هفتاد
هزار کس از اهل توحید مقبول شود و تقصیر نمیکند از احیا داشتن این شب بعبادت مگر کسی که
شقی باشد مؤلف گوید که این حدیث و حدیثی که سابق که فضیلت احیای این شب مذکور شد و
بعضی از احادیث که بعد از این مذکور خواهد شد ظاهر میشود که تقدیر آجال و ارزاق و وقایع
سال در این شب واقع میشود و در احادیث متواتره و روایات متظاهره وارد شده است که همه
تقدیرات در شب قدر واقع میشود و سید در جمع بین الاخبار چند وجه گفته است اول آنکه تقدیرات
محتوم در شب قدر مقدر میشود و غیر محتوم که بدا در آنها واقع تواند شد در این شب مقدر
میگردد دوم آنکه تقدیر این امور و قسمت آنها در علم الهی در این شب و قسمت در میان
بندگان در شب قدر میشود و مقدر میشود سیم آنکه تقدیرات آنها در لوح محفوظ در این شب
و اعلام آنها بامام زمان در شب قدر میشود چهارم آنکه وعده تقدیرات در این شب و حصول تقدیر
در شب قدر میشود و الله تعالی یعلم و ایضا سید در کتاب مذکور از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
روایت کرده است که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله فرمود که در شب نیمه شعبان حضرت

نماز کند هزار قل هو الله احد یعنی در هر رکعتی ده مرتبه غیر حمد او در روزی که دلها از
ترس مرده باشند نمیرد تا آنکه صد ملک را ببیند که او را ایمن کنند از عذاب الهی سی نفر ایشان
بشارت دهند او را ببهشت و سی نفر ایشان باشند که نگاه میدارند او را در دنیا از شر شیطان
و سی نفر ایشان باشند که در ساعات شب و روز برای او استغفار میکنند و ده نفر ایشان باشند
که او را حفظ میکنند از شر دشمنان و شیخ طوسی در مصباح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود که هر که در شب نیمه شعبان صد رکعت نماز
بکند هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی حمد یکمرتبه سوره قل هو الله احد ده مرتبه بخواند تا جای خود را در
بهشت ببیند مؤلف گوید که چون روایات صد رکعت نماز بسیار روایتهای عظیم بر آن وارد شده
بهتر آنست که ترک نشود و اگر کسی بعد از عمل چهارده همه سوره و اذکار که در روایت اول عمل بیاورد هم
مذکور است بجا آورد عمل بجمیع روایات صد رکعت کرده خواهد بود والله تعالی یعلم شانزدهم
سید علیه الرحمة در اقبال در طی ذکر روایت عمل این دهه گفته که حضرت رسالت صلی الله علیه و اله
در این شب این دعا را میخواندند اللهم اقسم لنا من خشیتك ما یحول بیننا وبین معصیتك
ومن طاعتك ما تبلغنا به رضوانك ومن الیقین ما یهون علینا به مصیبات الدنیا اللهم
امتعنا باسماعنا وابصارنا وقوتنا ما احییتنا واجعله الوارث منا واجعل ثارنا
علی من ظلمنا وانصرنا علی من عادانا ولا تجعل مصیبتنا فی دیننا ولا تجعل الدنیا اکبر همنا
ولا مبلغ علمنا ولا تسلط علینا من لا یرحمنا برحمتك یا ارحم الراحمین مؤلف گوید که این دعای
جامع کاملی است و متضمن مطالب دنیا و آخرت است چنانچه از فقرات آن ظاهر میشود و لایق آنست
که ترک نشود والله الموفق هفدهم شیخ طوسی قدس الله روحه در کتاب مصباح از حسن بصری
روایت کرده است که او از عائشه در حدیث طولانی در باب شب نیمه شعبان روایت نموده است
که رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود که جبرئیل در این شب بر من نازل شد و گفت یا محمد صلی الله
علیه و اله امر کن امت خود را که در شب نیمه شعبان ده رکعت نماز بکنند هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی
حمد بگویند و سوره قل هو الله احد ده نوبت پس بسجده روند و در سجده بگویند اللهم لك سجد
سوادی وخیالی وبیاضی یا عظیم کل عظیم اغفر لی ذنبی العظیم فانه لا یغفره غیرك پس هر که
این

این عمل را بجا آورد محو کند حق تعالی از او هفتاد و دو هزار سیئه و مثل آن حسنه در نامه عمل او بنویسد
و محو فرماید از پدر و مادر او هفتاد هزار سیئه را هجدهم شیخ طوسی و سید بن طاوس قدس الله
روحهما در مصباح و اقبال از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که رسول خدا صلی الله
علیه و اله در شب نیمه شعبان در حجره عائشه تشریف داشت و چون نصف شب شد حضرت برخاست
از فراش او و چون عائشه بیدار شد و حضرت را ندید گمان کرد که حضرت بحجره زن دیگر تشریف برده
و غیرت زنان او را گرفت پس برخاست و جامه خود را بر خود پیچید و بخدا سوگند که آن جامه از کج و کتان
و پنبه نبود بلکه تار آن از موی بود و پود آن از پشم شتر بود و بطلب حضرت در سایر حجرهای زنان میگردید
تا گاه نظرش بر حضرت افتاد که مانند جامه که بر زمین افتاده باشد بسجده در آمده پس بنزدیک
حضرت رفت و شنید که حضرت در سجود این دعا را میخواند سجد لك سوادی وخیالی وامن بك
فؤادی هذه یدای وما جنیته علی نفسی یا عظیم یرجی لکل عظیم اغفر لی العظیم فانه لا یغفر
الذنب العظیم الا الرب العظیم پس سر از سجده برداشت و باز دیگر بسجده رفت و این دعا را خواند
اعوذ بنور وجهك الذی اضاءت له السموات والارضون وانکشفت له الظلمات وصلح علیه
امر الاولین والآخرین من فجاة نقمتك ومن تحویل عافیتك ومن زوال نعمتك اللهم ارزقنی
قلبا تقیا نقیا ومن الشرك بریا لا کافرا ولا شقیا پس گونهای مبارک را بر خاک گذاشت و فرمود
عفرت وجهی فی التراب وحق لی ان اسجد لك و چون حضرت اراده فرمود که برگردد عائشه
تند آمد بفراش خود و حضرت بفراش او تشریف برد و دید که او تند نفس میزند فرمود که چه
میشود ترا آیا نمیدانی که این چه شبی است این شب نیمه شعبان است در این شب روزیها قسمت
میشود و اجلها نوشته میشود و حاجیان بیت الله نوشته میشوند و حق تعالی در این شب بیامرزد
از خلایق زیاده از عدد موی بزهای قبیله کلب و فرو میفرستد ملائکه خود را از آسمان بر زمین
در مکه معظمه و بدانکه شیخ و سید در کتاب مذکور ایضا از عائشه روایت کرده اند که او گفت
که رسول خدا صلی الله علیه و اله در شبی که آن شب نوبت من افتاده بود در حجره من تشریف داشت
که ناگاه از لحاف من بیرون آمد و من بیدار شدم و گمان کردم که بحجره زن دیگر رفته و غیرتی که
بر زنان غالب است مرا گرفت پس برخاستم و بطلب حضرت رفتم دیدم که مانند جامه که بر زمین

افاده باشد حضرت بسجود در آمد و اطراف انگشتان قدمهای مبارک را بر زمین گذاشته این عبارا
میخواند اصبحت الیک فقیرا خائفا مستجیرا فلا تبدل اسمی ولا تجهد بلائی ولا تغیر لی پس روی مبارک را
از سجود برداشت و بسجده دیگر رفت و این دعا را خواند سجد لک سوادی وخیالی وآمن بک فؤادی
هذه یدای بما جنیت علی نفسی یا عظیم ترجی لکل عظیم اغفر لی ذنبی العظیم فانه لا یغفر
الذنب العظیم الا العظیم پس سر برداشت و بسجود سیم رفت و این دعا را خواند اعوذ بعفوک من عقابک
واعوذ برضاک من سخطک واعوذ بمعافاتک من عقوبتک واعوذ بک منک انت کما اثنیت
علی نفسک وفوق ما یقول القائلون پس سر برداشت و بسجده چهارم رفت و این دعا را خواند اللهم انی
اعوذ بنور وجهک الذی اشرقت له السموات والارض وانقشعت به الظلمات وصلح به امر
الاولین والآخرین ان یحل علی غضبک او ینزل علی سخطک اعوذ بک من زوال نعمتک
وفجاءة نقمتک وتحول عافیتک وجمیع سخطک لک العتبی فیما استطعت ولا حول ولا قوة
الا بک بالله عایشه گوید که چون این را دیدم بمنزل خود برگشتم و تند نفس میزدم پس حضرت از عقب
من آمد و فرمود که چرا اینقدر نفس میزنی گفتم که در خدمت تو بودم یا رسول الله فرمود که آیا میدانی که
این چه شبی است این شب نیمه شعبان است که نسخ اعمال و قسمت ارزاق و کتابت اجلها در این شب میشود
وحق تعالی امرزد همه کس را مگر کسی که مشرک بخدا یا دشمن خدا باشد یا قطع رحم کرده باشد یا شراب
خورده یا مصر گناه باشد یا شاعر یا کاهن باشد مؤلف گوید که ظاهر حال آنست که این حدیث
با حدیث سابق یک واقعه باشد و اختلاف الفاظ و زیاده و کمی بعضی از ادعیه از اشتباه رواة
ناشی شده باشد و چون سند روایت اولی اصح است عمل کردن بان نیکوست ولیکن چون روایت ثانیه
اتم و مشتمل بر ثنا است اولی است بان بیاورد اگر بان عمل شود افضل باشد و اختلاف قلیلی که در بعضی
از الفاظ ادعیه مشترکست شاید مخل نباشد و اگر این سجدات بعد از ده رکعت که در عمل سابق
مذکور شد یا بعد از صد رکعت که در عمل یازدهم گذشت اولی و عمل بجمیع روایت شده خواهد بود
با آنکه در نیت که حضرت رسالت صلی الله علیه وآله که پیش قبل از سجدات مذکوره دو رکعت نماز را
بکیفیتی که گذشت بجا آورده باشد و عایشه مطلع نشده باشد والله تعالی یعلم نوزدهم دعای مشهور
بدعای کمیل شیخ طوسی در مصباح و علامه حلی در منهاج الصلاح از کمیل بن زیاد نخعی که از اصحاب اسرار
حضرت

حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه است روایت کرده اند که گفت دیدم آنحضرت را در شب نیمه
شعبان که بسجود در آمده این دعا را میخواند و سید بن طاوس در اقبال بعد از ذکر این روایت گفته که
من در این باب روایتی دیگر نیز یافتم منقول از کمیل بن زیاد که گفت من با جماعتی از اصحاب امیر المؤمنین
علیه السلام در خدمت آنحضرت در مسجد بصره نشسته بودیم که یکی از ما از آنحضرت سئوال کرد از
معنی این آیه که فیها یفرق کل امر حکیم یعنی هر امر محکمی در آن شب مفروق میگردد پس فرمود که این
شب نیمه شعبانست و بآن خدائی که جان من در قبضه قدرت اوست سوگند که هیچ بنده نیست مگر
آنکه هر امر خیری و شری که بر او جاری گردد تا سال آینده در این شب تقدیر میشود و هیچ بنده نیست که
احیا کند این شب را و بخواند دعای خضر علیه السلام را مگر آنکه دعای او مستجاب است و چون حضرت
بمنزل رفت فرمود شب بخدمت آن حضرت رفتم چون مرا دید فرمود که بچه کار آمده ای کمیل عرض کردم
که یا امیر المؤمنین بطلب دعای خضر آمده ام فرمود که بنشین ای کمیل چون این دعا را حفظ نمائی در هر
شب جمعه یا در ماهی یکمرتبه یا در سالی یکبار بخوان تا کفایت شر دشمنان از تو بشود و یاری کرده
شوی و روزی داده شوی والبته آمرزیده شوی ای کمیل طول صحبت و خدمت تو باعث آنست که
عطا کنیم بتو آنچه را خواهی پس فرمود که بنویس این دعا را فرادت فرمود و دعا اینست که بسم الله الرحمن
الرحیم اللهم انی اسئلک برحمتک التی وسعت کل شیء وبقوتک التی قهرت بها کل شیء
وخضع لها کل شیء وذل لها کل شیء وبجبروتک التی غلبت بها کل شیء وبعزتک التی لا یقوم
لها شیء وبعظمتک التی ملأت کل شیء وبسلطانک الذی علا کل شیء وبوجهک الباقی
بعد فناء کل شیء وباسمائک التی غلبت بها کل شیء وبعلمک الذی احاط بکل شیء وبنور وجهک
الذی اضاء له کل شیء یا نور یا قدوس یا اول الاولین ویا آخر الآخرین اللهم اغفر لی الذنوب
التی تهتک العصم اللهم اغفر لی الذنوب التی تنزل النقم اللهم اغفر لی الذنوب التی تغیر
النعم اللهم اغفر لی الذنوب التی تحبس الدعاء اللهم اغفر لی الذنوب التی تنزل البلاء اللهم
اغفر لی الذنوب التی تقطع الرجاء اللهم اغفر لی کل ذنب اذنبته وکل خطیئة اخطأتها اللهم
انی اتقرب الیک بذکرک واستشفع بک الی نفسک واسئلک بجودک ان تدنینی من قربک وان
توزعنی شکرک وان تلهمنی ذکرک اللهم انی اسئلک سؤال خاضع متذلل ذلیل خاشع ان

تسامحني وترحمني وتجعلني بقسمك راضيا قانعا وفي جميع الاحوال متواضعا اللهم واسألك
سؤال من اشتدت فاقته وانزل بك عند الشدائد حاجته وعظم فيما عندك رغبته
اللهم عظم سلطانك وعلا مكانك وخفي مكرك وظهر امرك وغلب جندك وقهرك
وجرت قدرتك ولا يمكن الفرار من حكومتك اللهم لا اجد لذنوبي غافرا ولا لقبائحي
ساترا ولا لشيء من عملي القبيح بالحسن مبدلا غيرك لا اله الا انت سبحانك وبحمدك ظلمت
نفسي وتجرأت بجهلي وسكنت الى تدبير قديم ذكرك لي ومنك علي اللهم مولاي كم من
قبيح سترته وكم من فادح من البلاء اقلته وكم من عثار وقيته وكم من مكروه دفعته
وكم من ثناء جميل لست اهلا له نشرته اللهم عظم بلائي وافرط بي سوء حالي وقصرت
بي اعمالي وقعدت بي اغلالي وحبسني عن نفعي نفسي بعد امالي وخدعتني الدنيا بغرورها
ونفسي بجنايتها ومطالي يا سيدي فاسألك بعزتك ان لا يحجب عنك دعائي سوء
عملي وفعالي ولا تفضحني بخفي ما اطلعت عليه من سري ولا تعاجلني بالعقوبة
على ما عملته في خلواتي من سوء فعلي واسائتي ودوام تفريطي وجهالتي وكثرة شهواتي
وغفلتي وكن اللهم بعزتك لي في كل الحالات في الاحوال كلها وفي كل الاحوال رؤفا رفيقا
وعلي في جميع الامور عطوفا الهي وربي من لي غيرك اسأله كشف ضري والنظر في امري الهي
ومولاي اجريت علي حكما اتبعت فيه هوى نفسي ولم احترس فيه من تزيين عدوي فغرني
بما اهوى وساعده اسعده على ذلك القضاء فتجاوزت بما جرى علي من ذلك من بعض
بعض حدودك وخالفت بعض اوامرك فلك الحجة الحمد علي في جميع ذلك ولا حجة لي
فيما جرى علي فيه قضاؤك والزمني حكمك وبلاؤك وقد اتيتك يا الهي بعد تقصيري
واسرافي على نفسي معتذرا نادما منكسرا مستقيلا مستغفرا منيبا مقرا مذعنا معترفا لا اجد مفرا
مما كان مني ولا مفزعا اتوجه اليه في امري غير قبولك عذري وادخالك اياي في سعة من رحمتك
اللهم فاقبل عذري وارحم شدة ضري تضرعي الهي وفكني من شد وثاقي يا رب ارحم ضعف بدني
ورقة جلدي ودقة عظمي يا من بدأ خلقي وذكري وتربيتي وبري وتغذيتي هبني لابتداء كرمك
وسالف برك بي يا الهي وسيدي وربي ومولاي اتراك معذبي بنارك بعد توحيدك وبعد

ما انطوى

ما انطوى عليه قلبي من معرفتك ولهج به لساني من ذكرك واعتقده ضميري من حبك و
بعد صدق اعترافي ودعائي خاضعا لربوبيتك هيهات انت اكرم من ان تضيع من ربيته
او تبعد من ادنيته او تشرد من اويته او تسلم الى البلاء من كفيته ورحمته وليت شعري
يا سيدي والهي ومولاي اتسلط النار على وجوه خرت لعظمتك ساجدة وعلى السن نطقت بتوحيدك
صادقة وبشكرك مادحة وعلى قلوب اعترفت بالهيتك محققة وعلى ضمائر حوت من العلم بك
حتى صارت خاشعة وعلى جوارح سعت الى اوطان تعبدك طائعة واشارت باستغفارك مذعنة
ما هكذا الظن بك ولا اخبرنا بفضلك عنك يا كريم يا رب وانت تعلم ضعفي عن قليل من بلاء
الدنيا وعقوباتها وما يجري فيها من المكاره على اهلها على ان ذلك بلاء ومكروه قليل مكثه يسير
بقاؤه قصير مدته فكيف احتمالي لبلاء الاخرة وجليل وقوع المكاره فيها وهو بلاء تطول مدته
ويدوم مقامه ولا يخفف عن اهله لانه لا يكون الا عن غضبك وانتقامك وسخطك و
هذا ما لا تقوم له السموات والارض يا سيدي فكيف بي وانا عبدك الضعيف الذليل
الحقير المسكين المستكين يا الهي وربي وسيدي ومولاي لاي الامور اليك اشكو ولما منها اضج وابكي
لاليم العذاب وشدته ام لطول البلاء ومدته فلئن صيرتني في العقوبات مع اعدائك وجمعت
بيني وبين اهل بلائك وفرقت بيني وبين احبائك واوليائك فهبني يا الهي وسيدي ومولاي
وربي صبرت على عذابك فكيف اصبر على فراقك وهبني صبرت على حر نارك فكيف اصبر عن
النظر الى كرامتك ام كيف اسكن في النار ورجائي عفوك فبعزتك يا سيدي ومولاي اقسم
صادقا لئن تركتني ناطقا لاضجن اليك بين اهلها ضجيج الاملين ولاصرخن اليك صراخ
المستصرخين ولابكين عليك بكاء الفاقدين ولاناديك اين كنت يا ولي المؤمنين
يا غاية امال العارفين يا غياث المستغيثين يا حبيب قلوب الصادقين ويا اله العالمين افتراك
سبحانك يا الهي وبحمدك تسمع فيها صوت عبد مسلم سجن فيها بمخالفته وذاق طعم
عذابها بمعصيته وحبس بين اطباقها بجرمه وجريرته وهو يضج اليك ضجيج مؤمل لرحمتك
ويناديك بلسان اهل توحيدك ويتوسل اليك بربوبيتك يا مولاي فكيف يبقى في العذاب
وهو يرجو ما سلف من حلمك ورحمتك ورأفتك ورحمتك ام كيف تؤلمه النار وهو يأمل

فضلك ورحمتك ام كيف يحرقه لهيبها وانت تسمع صوته وترى مكانه ام كيف يشتمل عليه
زفيرها وانت تعلم ضعفه ام كيف يتقلقل بين اطباقها وانت تعلم صدقه ام كيف
تزجره زبانيتها وهو يناديك يا ربه ام كيف يرجو فضلك في عتقه منها فتتركه فيها
هيهات ما ذلك الظن بك ولا المعروف من فضلك ولا مشبه لما عاملت به
الموحدين من برك واحسانك فباليقين اقطع لولا ما حكمت به من تعذيب جاحديك
وقضيت به من اخلاد معانديك لجعلت النار كلها بردا وسلاما وما كانت لاحد فيها
مقرا ولا مقاما لكنك تقدست اسماؤك اقسمت ان تملأها من الكافرين من الجنة
والناس اجمعين وان تخلد فيها المعاندين وانت جل ثناؤك قلت مبتدئا وتطولت با
لانعام متكرما افمن كان مؤمنا كمن كان فاسقا لا يستوون الهي وسيدي فاسئلك بالقدرة
التي قدرتها وبالقضية التي حتمتها وحكمتها وغلبت من عليه اجريتها ان تهب لي في هذه
الليلة وفي هذه الساعة كل جرم اجرمته وكل ذنب اذنبته وكل قبيح اسررته وكل جهل
عملته كتمته او اعلنته اخفيته او اظهرته وكل سيئة امرت باثباتها الكرام الكاتبين
الذين وكلتهم بحفظ ما يكون مني وجعلتهم شهودا علي مع جوارحي وكنت انت الرقيب
علي من ورائهم والشاهد لما خفي عنهم وبرحمتك اخفيته وبفضلك
سترته وان توفر حظي من كل خير تنزله او احسان تفضله او بر تنشره
او رزق تبسطه او ذنب تغفره او خطاء تستره يا رب يا رب يا رب يا الهي
وسيدي ومولاي ومالك رقي يا من بيده ناصيتي يا عليما بضري ومسكنتي
يا خبيرا بفقري وفاقتي يا رب يا رب يا رب اسئلك بحقك وقدسك واعظم صفاتك
واسمائك ان تجعل اوقاتي في الليل والنهار بذكرك معمورة وبخدمتك موصولة واعما
واورادي كلها وردا واحدا وحالي في خدمتك سرمدا يا سيدي يا من اليه عليه معولي
يا من اليه شكوت احوالي يا رب يا رب يا رب قو على خدمتك جوارحي واشدد على العزيمة
جوانحي وهب لي الجد في خشيتك والدوام في الاتصال بخدمتك حتى اسرح اليك في
ميادين السابقين واسرع اليك في المبادرين البارزين واشتاق الى قربك

المشتاقين وادنو منك دنو المخلصين واخافك مخافة الموقنين واجتمع في جوارك مع
المؤمنين اللهم ومن ارادني بسوء فارده ومن كادني فكده واجعلني من احسن عبادك
نصيبا عندك واقربهم منزلة منك واخصهم زلفة لديك فانه لا ينال ذلك
الا بفضلك وجد لي بجودك واعطف علي بمجدك واحفظني برحمتك واجعل لساني بذكرك
لهجا وقلبي بحبك متيما ومن علي بحسن اجابتك واقلني عثرتي واغفر لي زلتي فانك قضيت
على عبادك بعبادتك وامرتهم بدعائك وضمنت لهم الاجابة فاليك يا رب نصبت و
جهي واليك يا رب مددت يدي فبعزتك استجب لي دعائي وبلغني مناي ولا تقطع من
فضلك رجائي واكفني شر الجن والانس من اعدائي يا سريع الرضا اغفر لمن لا يملك الا
الدعاء فانك فعال لما تشاء يا من اسمه دواء وذكره شفاء وطاعته غنى ارحم من راس
ماله الرجاء وسلاحه البكاء يا سابغ النعم يا دافع النقم يا نور المستوحشين في الظلم
يا عالما لا يعلم صل على محمد وآل محمد وافعل بي ما انت اهله وصلى الله على محمد رسوله والائمة
الميامين من آله وسلم تسليما كثيرا بيستم نماز جعفر بن ابي طالب عليهما السلام شيخ طوسي
قدس الله روحه در مصباح و ديگران از ابن فضايل روايت كرده اند كه پرسيدم از حضرت امام رضا
عليه السلام از فضيلت شب نيمه شعبان فرمود كه اين شبي است كه حق تعالى بندگان را از آتش جهنم آزاد ميفرمايد
و گناهان بزرگ را مي‌آمرزد عرض كردم كه آيا در اين شب نمازي زياده بر شبهاي ديگر هست فرمود امر موظفي در
اين شب نيست وليكن اگر خواهي كه تطوع بكني پس نماز جعفر بن ابي طالب عليهما السلام بكن و ذكر
الهي و استغفار و دعا را در اين شب مستجاب است عرض كردم كه مردم يعني اهل سنت ميگويند اين شب
ليلة الصكاك است يعني شب نوشتن تقديرات است فرمود كه آن شب قدر است كه در ماه مبارك رمضان باشد
مؤلف گويد كه والله العالم رحمه الله در ربيع النجاة ذكر نموده كه ممكن است مراد از آنكه در
اين شب امر موظفي نيست اين باشد كه نماز چنين با سنت معين نيست و آنچه وارده در اين
شب كه اكثر آنها گذشت و بعضي بعد از اين مذكور ميشود از جمله تطوعات باشد و بخاطر
اين قاصر شكسته چنان ميرسد كه محتمل است كه مراد اين باشد كه در اين شب امر موظفي نيست كه
مخصوص آن باشد و در غير آن نتوان بجا آورد مانند نماز عيدين كه نماز عيد غدير كه

انها در غیر اوقات مخصوصه بدعت است بنابر این محتمل است که نمازها و دعاهای که در این شب وارد
شده است بلکه نمازهای این شب را نیز در سایر اوقات بتمام اوقات میتوان بجا آورد و موید اینست
آنچه در شرح دعای کمیل وارد شده که در هر شب یا در ماهی یا در سالی یکمرتبه است اخوان بلکه در
بسیاری از ادعیه و غیر آن وارد شده است که در غیر آن وقت نیز میتوان کرد و خواند بنابر این محتمل است
که اکثر اعمال وارده در اوقات مخصوصه از این قبیل بوده باشد والله تعالی یعلم باید چون نماز
جعفر از عبادات جمیله و مشتمل بر روایات عدیده و مثوبات جزیله بر آن وارد شده است لهذا ما در این مقام
بعضی از فضایل و کیفیت آن را مذکور میسازیم بدانکه این نماز از جمله متواترات است و عامه
و خاصه سندهای بسیار از او روایت کرده اند و اهل سنت نیز این نماز را مستحب میدانند مکر نادری
از ایشان اما اکثر ایشان باعتبار عداوت باطنی که با حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و اولاد
آنحضرت دارند این نماز را بعباس عم پیغمبر صلی الله علیه وآله منسوب نموده اند و بعد از نوافل
شبانه روزی نمازی بحسب صحت سند و کثرت ثواب باین نماز نمیرسد و بسند معتبر از حضرت امام
زین العابدین علیه السلام منقولست که چون جعفر طیار برادر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
از هجرت حبشه مراجعت نمود در روزی آمد که فتح خیبر بدست معجزنمای حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام شده بود حضرت رسول خدا صلی الله علیه وآله بقدر مسافت یک تیر پرتاب
باستقبال او شتافت تا نظرش بر جمال عدیم المثال آنحضرت افتاد مشتاقانه بجانب
آنحضرت شتافت حضرت او را در بر گرفت و دست در گردن او در آورد و ساعتی با او سخن
گفت پس بر ناقه غضبا سوار شد و جعفر را ردیف خود ساخت و چون ناقه براه افتاد حضرت
فرمود که ای جعفر ای برادر میخواهی که بخشش بزرگی کنم بتو میخواهی ترا عطیه گران بهائی بدهم
میخواهی ترا گرامی کنم مردم گمان کردند که مال جزیلی از غنایم خیبر را عطا خواهد فرمود جعفر
گفت بلی پدر و مادرم فدای تو باد پس حضرت نماز و تسبیح را باو تعلیم فرمود و از حضرت
امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست که در روز فتح خیبر خبر قدوم جعفر را برای حضرت
خیر البشر صلی الله علیه وآله آوردند پس حضرت فرمود بخدا سوگند که نمیدانم بکدام یک خوشحال
ترگردیده ام آیا بقدوم جعفر یا بفتح قلعه خیبر اندک زمانی نگذشت که جعفر آمد پس حضرت

رسالت

رسالت صلی الله علیه وآله برخاست و دوازده گام استقبال فرمود و چون خود را بوی رسانید
او را تنگ در بغل گرفت و میان دو چشمهای او را بوسید پس فرمود که ای جعفر میخواهی که بخشش
بزرگی کنم بتو تا آخر روایت سابق و بروایت دیگر حضرت صادق علیه السلام فرمود که صفت
این نماز اینست که آن چهار رکعت است بدو سلام و در رکعت اول بعد از سوره حمد سوره اذا
زلزلت میخواند و در رکعت دویم سوره و العادیات و در رکعت سیم سوره اذا جاء نصر الله
و در رکعت چهارم سوره قل هو الله احد و در باب سورهائی که در این نماز باید خواند اقوال
دیگر هست که مذکور خواهد شد و در هر رکعت بعد از فراغ از قرائت پانزده مرتبه میگوید
سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر و در رکوع همین تسبیحات را ده مرتبه
میگوید و چون سر از رکوع بر میدارد ده مرتبه و در سجده اولی ده مرتبه و بعد از سر برداشتن
ده مرتبه و در سجده دویم ده مرتبه و در سر برداشتن پیش از آنکه برخیزد ده مرتبه و در
هر چهار رکعت چنین میکند که در هر رکعتی هفتاد و پنج تسبیح میخواند پس در مجموع چهار رکعت
سیصد مرتبه میشود و چون هر یک از آن تسبیحات چهار است هزار و دویست تسبیح میشود هر
تسبیحی را ده حسنه میدهد که مجموع دوازده هزار حسنه باشد که هر حسنه از کوه احد بزرگتر
باشد و این ثواب برای شیعیان ماست و در روایتی وارد شده که راوی از حضرت صادق علیه السلام
پرسید که آیا این ثوابی که رسول خدا صلی الله علیه وآله بیان فرمود از برای نماز جعفر حال
نیز هست حضرت فرمود که آری والله و بروایت معتبر دیگر حضرت رسول صلی الله علیه وآله
فرمود که اگر هر روز بکنی بهتر است از برای تو از دنیا و آنچه در آن هست و اگر هر روز بکنی
گناهی که در میان دو نماز کرده آمرزیده شود و اگر در هر جمعه بکنی یا در هر ماهی یکمرتبه یا در
سالی یکمرتبه بکنی هر گناهی که در میان دو نماز کرده آمرزیده شود و بروایات معتبره دیگر
اگر بقدر کف دریاها و ریگ بیابان بر تو گناه باشد خدا بیامرزد و اگر چه از جنگ گریخته
باشی که بدترین گناهان است و بروایت دیگر اگر توانی هر روز بکن و اگر نتوانی هفته یکبار
و اگر نتوانی ماهی یکبار و اگر نتوانی سالی یکبار و اگر نتوانی در عمر خود یکبار بکن تا خدا گناهان
صغیره و کبیره و تازه و کهنه و عمد و خطای ترا بیامرزد و اما دعاهائی که در این نماز مستحب

دعای در سجده آخر این نماز کلینی به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که
در سجده آخر نماز جعفر چون از تسبیحات فارغ شوی بگو سُبْحانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَالْوَقارَ سُبْحانَ
مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ سُبْحانَ مَنْ لا يَنْبَغِي التَّسْبيحُ إِلّا لَهُ سُبْحانَ مَنْ أَحْصى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ
سُبْحانَ ذِي الْمَنِّ وَالنِّعَمِ سُبْحانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْأَمْرِ سُبْحانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ سُبْحانَ
ذِي الْعِزَّةِ وَالْفَضْلِ سُبْحانَ ذِي الْقُوَّةِ وَالطَّوْلِ اللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَ
مُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتابِكَ وَاسْمِكَ الْأَعْظَمِ وَكَلِماتِكَ التّامَّةِ الَّتي تَمَّتْ صِدْقاً وَعَدْلاً صَلِّ عَلى
مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ پس حاجت خود را ذکر کند و شیخ در مصباح این دعا را ذکر و روایت کرده که منتهی
شد سُبْحانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ تا آخر دعا و دعای دیگر در سجده آخر سید بن طاوس به سند معتبر
از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که در آخر رکعت نماز جعفر این دعا بخوان یعنی در سجده
آخر نماز سُبْحانَ اللهِ الْواحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ سُبْحانَ اللهِ الَّذي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ
كُفُواً أَحَدٌ سُبْحانَ اللهِ الَّذي لَمْ يَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا وَلَداً سُبْحانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَالْوَقارَ سُبْحانَ
مَنْ تَعَظَّمَ وَتَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ سُبْحانَ مَنْ أَحْصى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ سُبْحانَ ذِي الْفَضْلِ
وَالطَّوْلِ سُبْحانَ ذِي الْمَنِّ وَالنِّعَمِ سُبْحانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْأَمْرِ سُبْحانَ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ
سُبْحانَ ذِي الْعِزَّةِ وَالْجَبَرُوتِ سُبْحانَ الْحَيِّ الَّذي لا يَمُوتُ سُبْحانَ مَنْ تُسَبِّحُ لَهُ السَّماءُ بِأَ
كْنافِها سُبْحانَ مَنْ تُسَبِّحُ لَهُ الْأَرَضُونَ وَمَنْ عَلَيْها سُبْحانَ مَنْ تُسَبِّحُ لَهُ الطَّيْرُ
فِي أَوْكارِها سُبْحانَ مَنْ تُسَبِّحُ لَهُ السِّباعُ فِي آكامِها آجامِها سُبْحانَ مَنْ تُسَبِّحُ لَهُ حِيتانُ
الْبَحْرِ وَهَوامُّهُ سُبْحانَ مَنْ لا يَنْبَغِي التَّسْبيحُ إِلّا لَهُ سُبْحانَ مَنْ أَحْصى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ يا ذَا النِّعْمَةِ
وَالطَّوْلِ يا ذَا الْمَنِّ وَالْفَضْلِ يا ذَا الْقُوَّةِ وَالْكَرَمِ أَسْأَلُكَ بِمَعاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ
مِنْ كِتابِكَ وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْلى وَكَلِماتِكَ التّامّاتِ كُلِّها أَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
پس حاجات خود را از حق تعالی طلب نماید دعای دیگر بعد از این نماز شیخ و سید از مفضل بن عمر
روایت کرده اند که گفت دیدم روزی حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نماز جعفر را بجا آورد
پس این دعا را خواندند یا رَبِّ یا رَبِّ بقدر که یکنفس وفا کند یا رَبّاهُ یا رَبّاهُ بقدر یکنفس رَبِّ رَبِّ
بقدر یکنفس یا حَيُّ یا حَيُّ بقدر یکنفس یا اللهُ یا اللهُ بقدر یکنفس یا رَحيمُ یا رَحيمُ بقدر یکنفس
یا رحمن

یا رَحْمنُ یا رَحْمنُ هفت مرتبه یا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ هفت مرتبه پس این دعا را خواندند اللّهُمَّ إِنِّي أَفْتَتِحُ
الْقَوْلَ بِحَمْدِكَ وَأَنْطِقُ بِالثَّناءِ عَلَيْكَ وَأُمَجِّدُكَ وَلا غايَةَ لِمَدْحِكَ وَأُثْني عَلَيْكَ وَمَنْ يَبْلُغُ
غايَةَ ثَنائِكَ وَأَمَدَ مَجْدِكَ وَأَنّى لِخَليقَتِكَ كُنْهُ مَعْرِفَةِ مَجْدِكَ وَأَيَّ زَمَنٍ لَمْ تَكُنْ مَمْدُوحاً
بِفَضْلِكَ مَوْصُوفاً بِمَجْدِكَ عَوّاداً عَلَى الْمُذْنِبينَ بِحِلْمِكَ تَخَلَّفَ سُكّانُ أَرْضِكَ عَنْ طاعَتِكَ فَكُنْتَ
عَلَيْهِمْ عَطُوفاً بِجُودِكَ جَواداً بِفَضْلِكَ عَوّاداً بِكَرَمِكَ يا لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ الْمَنّانُ ذُو الْجَلالِ
وَالْإِكْرامِ پس حضرت فرمود که ای مفضل هرگاه ترا حاجتی ضروری بوده باشد نماز جعفر را
بکن و این دعا را بخوان و حوائج خود را از خدا طلب کن که بر آورده میشود ان شاء الله تعالی دعای دیگر
بعد از این نماز روایت شیخ و سید رحمه الله علیهما سُبْحانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَتَرَدّى بِهِ سُبْحانَ
مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ سُبْحانَ مَنْ لا يَنْبَغِي التَّسْبيحُ إِلّا لَهُ جَلَّ جَلالُهُ سُبْحانَ مَنْ أَحْصى
كُلَّ شَيْءٍ بِعِلْمِهِ وَخَلَقَهُ بِقُدْرَتِهِ سُبْحانَ ذَا الْمَنِّ وَالنِّعَمِ سُبْحانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ
اللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتابِكَ وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ
وَكَلِماتِكَ التّامّاتِ الَّتي تَمَّتْ صِدْقاً وَعَدْلاً أَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ
وَأَنْ تَجْمَعَ لي خَيْرَ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ بَعْدَ عُمْرٍ طَويلٍ اللّهُمَّ أَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْعَلِيُّ الْعَظيمُ الْخالِقُ
الرّازِقُ الْمُحْيِي الْمُميتُ الْبَدِيءُ الْبَديعُ لَكَ الْكَرَمُ وَلَكَ الْمَجْدُ وَلَكَ الْمَنُّ وَلَكَ الْجُودُ وَلَكَ الْأَمْرُ
وَحْدَكَ لا شَريكَ لَكَ يا واحِدُ يا أَحَدُ يا صَمَدُ يا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ يا
أَهْلَ التَّقْوى وَيا أَهْلَ الْمَغْفِرَةِ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ يا عَفُوُّ يا غَفُورُ يا وَدُودُ يا شَكُورُ أَنْتَ أَبَرُّ
بي مِنْ أَبي وَأُمّي وَأَرْحَمُ بي مِنْ نَفْسي وَمِنَ النّاسِ أَجْمَعينَ يا كَريمُ يا جَوادُ اللّهُمَّ إِنّي صَلَّيْتُ
هذِهِ الصَّلاةَ ابْتِغاءَ مَرْضاتِكَ وَطَلَبَ نائِلِكَ وَمَعْرُوفِكَ وَرَجاءَ رِفْدِكَ وَجائِزَتِكَ وَ
عَظيمِ عَفْوِكَ وَقَديمِ غُفْرانِكَ اللّهُمَّ فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْفَعْها في عِلِّيّينَ وَتَقَبَّلْها
مِنّي وَاجْعَلْ نائِلَكَ وَمَعْرُوفَكَ وَرَجاءَ ما أَرْجُوا مِنْكَ فَكاكَ رَقَبَتي مِنَ النّارِ وَالْفَوْزَ بِا
لْجَنَّةِ وَما جَمَعْتَ مِنْ أَنْواعِ النَّعيمِ وَمِنْ حُسْنِ الْحُورِ الْعينِ وَاجْعَلْ جائِزَتي مِنْكَ الْعِتْقَ مِنَ
النّارِ وَغُفْرانَ ذُنُوبي وَوالِدَيَّ وَما وَلَدا وَجَميعِ إِخْواني وَأَخَواتِيَ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ وَ
الْمُسْلِمينَ وَالْمُسْلِماتِ الْأَحْياءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْواتِ وَأَنْ تَسْتَجيبَ دُعائي وَتَرْحَمَ تَضَرُّعي وَنِدائي

ولا تردنی خائبا خاسرا واقلبنی منجحا مفلحا مرحوما مستجابا دعائی مغفورا لی یا ارحم
الراحمین یا عظیم یا عظیم یا عظیم قد عظم الذنب من عبدک فلیحسن العفو منک من عندک
یا حسن التجاوز یا واسع المغفرة یا باسط الیدین بالرحمة یا نفاحا بالخیرات یا معطی المسئلات
السؤلات یا فکاک الرقاب من النار صل علی محمد وآل محمد وفک رقبتی من النار واعطنی
سؤلی واستجب دعائی وارحم صرختی ونفّس عنی ببلائی واقض لی حوائجی کلها للدنیا والاخرة
ما ذکرت منها وما لم اذکر واجعل لی فی ذلک الخیرة ولا تردنی خائبا خاسرا واقلبنی مفلحا
منجحا مستجابا لی دعائی مغفورا لی مرحوما یا ارحم الراحمین یا محمد یا ابا القاسم یا رسول
الله یا علی یا امیر المؤمنین یا ابا الحسن انا عبدکما ومولاکما غیر مستنکف ولا مستکبر بل خاضع
خاشع ذلیل عبد معترف متمسک متمسک بحبلکما معتصم اتضرع من ذنوبی بولایتکما اتقرب
الی الله تعالی بکما واتوسل الی الله بکما واقدمکما بین یدی حوائجی الی الله جل وعز فاشفعا لی
فی فکاک رقبتی من النار وغفران ذنوبی واجابة دعائی اللهم فصل علی محمد وآل محمد
وتقبل دعائی واغفر لی یا ارحم الراحمین دعای دیگر بعد از این نماز یا نوری فی کل
ظلمة ویا انیسی فی کل وحشة ویا ثقتی فی کل شدة ویا رجائی فی کل کربة ویا دلیلی فی الضلالة
اذا انقطعت دلالة الادلاء فان دلالتک لا تنقطع عند کل خیر ولا یضل من هدیت انعمت علی
فاسبغت ورزقتنی فوفرت ووعدتنی فاحسنت واعطیتنی فاجزلت بلا استحقاق
منی لذلک بفعل ولکن ابتداء منک بکرمک وجودک وانفقت رزقک فی معاصیک وتقویت
بنعمتک علی سخطک وافنیت عمری فیما لا تحب ولم یمنعک جرأتی علیک وترکی ما نهیتنی
عنه ودخولی فیما حرمت علی ان عدت علی بفضلک واظهرت منی الجمیل وسترت علی
القبیح ولم یمنعنی عودک علی بفضلک ان عدت فی معاصیک فانت العواد بالفضل
وانا العواد بالمعاصی فیا اکرم من اقر له بذنب واعز من خضع له بذل لکرمک
اقررت بذنبی ولعزک خضعت بذلی فما انت صانع بی فی کرمک باقراری بذنبی
ولعزک وفی خضوعی بذلی صل علی محمد وآل محمد وافعل بی ما انت اهله یا ارحم الراحمین
دعای دیگر که بعد از این نماز خوانده شود سید بن طاوس از حسن بن قاسم روایت کرده که گفت دیدم

حضرت

حضرت امام موسی علیه السلام در بغداد در اجابت روز جمعه دیدم حضرت نماز جعفر میکرد
چون از نماز فارغ شد دست بجانب آسمان برداشت واین دعا خواند یا من لا یخفی علیه
اللغات ولا تتشابه علیه الاصوات ویا من هو کل یوم فی شان یا من لا یشغله شان
عن شان یا مدبر الامور یا باعث من فی القبور یا محیی العظام وهی رمیم یا باطش
یا ذا البطش الشدید یا فعالا لما یرید یا رازق من یشاء بغیر حساب یا رازق الجنین
والطفل الصغیر ویا راحم الشیخ الکبیر ویا جابر العظم الکسیر یا مدرک الهاربین
یا غایة الطالبین یا من یعلم ما فی الضمیر وما تکن الصدور یا رب الارباب وسید
السادات واله الالهة وجبار الجبابرة وملک مالک الدنیا والاخرة یا مجری الماء
فی النبات ویا مکون طعم الثمار اسئلک باسمک الذی لا یقوم لها شیء ولا تقوم
له ارض ولا سماء واسئلک باسمک الذی اشتققته من عظمتک واسئلک بعظمتک
التی اشتققتها من کبریائک واسئلک بکبریائک التی اشتققتها من کینونیتک و
اسئلک بکینونیتک اشتققتها من جودک واسئلک بجودک الذی اشتققته من
عزک واسئلک بعزک الذی اشتققته من کرمک واسئلک بکرمک الذی اشتققته
من رحمتک واسئلک برحمتک التی اشتققتها من رافتک واسئلک برافتک التی
اشتققتها من حلمک واسئلک بحلمک الذی اشتققته من لطفک واسئلک بلطفک
الذی اشتققته من قدرتک واسئلک باسمائک کلها واسئلک باسمک المهیمن
العزیز القدیر علی ما تشاء من امرک یا من سمک السماء بغیر عمد واقام الارض
بغیر سند وخلق الخلق من غیر حاجة به الیهم الا افاضة لاحسانه ونعمه وابانة
لحکمته واظهارا لقدرته اشهد یا سیدی انک لم تانس باتباعهم لاجل وحشة
بتفردک ولم تستعن بغیرک علی شیء من امرک اسئلک بغناک عن خلقک وبحاجتهم
الیک وفقرهم وفاقتهم الیک ان تصلی علی محمد خیرتک من خلقک واهل بیته
الطیبین الائمة الراشدین وان تجعل لعبدک الذلیل بین یدیک من امره فرجا و
مخرجا یا سیدی صل علی محمد وآله وارزقنی الخوف منک والخشیة لک ایام حیوتی

سيدي ارحم عبدك الاسير بين يديك سيدي ارحم عبدك المرتهن بعمله يا
سيدي انقذ عبدك الغريق في بحر الخطايا يا سيدي ارحم عبدك المقر بذنبه وجرائه
عليك يا سيدي الويل متعجل لي ان لم ترحمني يا سيدي هذا مقام المستجير بعفوك من
عقوبتك هذا مقام المسكين المستكين هذا مقام الفقير البائس الحقير المحتاج الى ملك كريم
رحيم يا ويلي ويلي ما اغفلني عما يراد مني في يا سيدي وهذا مقام المذنب المستجير بعفوك
من عقوبتك هذا مقام من انقطعت حيلته وخاب رجاؤه الا منك هذا مقام العاني
الاسير هذا مقام الطريد الشريد يا سيدي اقلني عثرتي يا مقيل عثرات يا سيدي اعطني
سؤلي سيدي ارحم بدني الضعيف وجلدي الرقيق الذي لا قوة له على حر النار يا سيدي
ارحمني فاني عبدك وابن عبدك وابن امتك بين يديك وفي قبضتك لا طاقة لي بالخروج
من سلطانك سيدي وكيف لي بالنجاة ولا تنال الا لديك وكيف لي بالرحمة ولا تصاب
الا من عندك يا اله الانبياء وولي الاتقياء وبديع مزيد مزيد الكرامة الى الك قصدت
وبك انزلت حاجتي والى لك شكوت اسرافي على نفسي وبك استغثت فاغثني وانقذني
برحمتك مما اجترت عليك يا سيدي يا ويلتا ابن اهرب ممن الخلائق كلهم في قبضته
النواصي كلها بيده يا سيدي منك هربت اليك ووقفت بين يديك متضرعا اليك راجيا
لما عندك لديك يا الهي وسيدي حاجتي حاجتي التي ان اعطيتنيها لم يضرني ما منعتني وان
منعتنيها لم ينفعني سائر ما اعطيتني اسالك فكاك رقبتي من النار سيدي قد علمت
وايقنت بانك اله الخلق والملك الحق الذي لا شبيه له ولا شريك له يا سيدي انا عبدك
مقر لك بوحدانيتك وبوجود ربوبيتك انت الله الذي خلقت خلقك بلا مثال ولا
تعب ولا نصب انت المعبود وباطل كل معبود غيرك اسالك باسمك الذي تحشر به الموتى
الى المحشر يا من لا يقدر على ذلك احد غيرك اسالك باسمك الذي تحيي به العظام وهي
رميم ان تغفر لي وترحمني وتعافيني وتعطيني وتكفيني ما اهمني اشهد انه لا يقدر على ذلك
احد غيرك يا من امره اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون يا من احاط بكل شيء علما
واحصى كل شيء عددا اسالك ان تصلي على محمد عبدك ورسولك ونبيك وخاصتك

وخاصتك

وخالصتك وصفيك وخيرتك من خلقك وامينك على وحيك وموضع سرك ورسولك
الذي ارسلته الى عبادك وجعلته رحمة للعالمين ونورا استضاء به المؤمنون فبشر
بالجزيل من ثوابك وانذر بالاليم من عقابك اللهم فصل عليه بكل فضيلة من فضائله
وبكل منقبة من مناقبه وبكل حال من حالاته وبكل موقف من مواقفه صلاة تكرم بها
وجهه واعطه الدرجة والوسيلة والرفعة والفضيلة اللهم شرف في القيمة مقامه
وعظم بنيانه واعل درجته وتقبل شفاعته في امته وارفعه في الفضيلة الى غايتها
اللهم صل على اهل بيته ائمة الهدى ومصابيح الدجى وامنائك من في خلقك واصفيائك
من في عبادك وحججك في ارضك ومنارك في بلادك الصابرين على بلائك الطالبين
رضاك الموفين الموقنين بعهدك غير شاكين فيك ولا جاحدين عبادتك واوليائك
وسلائل اوليائك وخزان علمك الذين جعلتهم مصابيح مفاتيح الهدى ونور الدجى
عليهم صلواتك ورحمتك ورضوانك اللهم صل على محمد وال محمد وعلى منارك في عبادك
الداعي اليك باذنك القائم بامرك المؤدي عن رسولك عليه واله السلام اللهم انا
اظهرته فانجز له ما وعدته وسق اليه اصحابه وانصره وقو ناصريه وبلغه ان يصل
افضل امله واعطه سؤله وجدد به عز محمد واهل بيته بعد الذل الذي قد نزل بهم بعد
نبيك فصاروا مقتولين مطرودين مشردين خائفين غير امنين لقوا في جنبك الاذى
ابتغاء مرضاتك وطاعتك الاذى والتكذيب فصبروا على ما اصابهم فيك راضين
بذلك مسلمين لك ما ورد عليهم في جميع وما يرد اليهم اللهم عجل فرج قائمهم بامرك
وانصره وانصر به دينك الذي غير وبدل وجدد به ما امتحي منه وبدل بعد نبيك
صلى الله عليه واله اللهم صل على جميع النبيين والمرسلين الذين بلغوا عنك الهدى و
واعتقدوا لك المواثيق بالطاعة اللهم صل عليهم وعلى ارواحهم واجسادهم والسلام
عليهم ورحمة الله وبركاته اللهم صل على محمد وعلى ملائكتك المقربين واولي العزم من
انبيائك المرسلين وعبادك الصالحين اجمعين واعطني حجتي في دنياي واخرتي يا ارحم
الراحمين اللهم كما دعوتك لنفسي لعاجل الدنيا واجل الاخرة فاعطه جميع اهلي واخواني

فيك وتجمع شيعة آل محمد المستضعفين في ارضك بين عبادك الخائفين منك الذين
صبروا على الاذى والتكذيب فيك وفي رسولك واهل بيته عليهم السلام افضل ما يأملون
واكفهم ما اهمهم يا ارحم الراحمين اللهم اجزعنا جنات النعيم واجمع بيننا وبينهم
برحمتك يا ارحم الراحمين دعای دیگر که بروایت دیگر اضافه دعاء اول اللهم انی اسألك
توفيق اهل الهدى واعمال اهل التقوى ومناصحة اهل التوبة وعزم اهل الصبر وحذر اهل الخشية
وطلب اهل الرغبة وعرفان اهل العلم وفقه اهل الورع حتى اخافك اللهم مخافة تحجزني
عن معاصيك وحتى اعمل بطاعتك عملا استحق به كريم كرامتك وحتى اناصحك في التوبة
خوفا لك وحتى اخلص لك في النصيحة حبا لك وحتى اتوكل عليك في الامور كلها بحسن
ظني بك سبحان خالق النور سبحان الله وبحمده اللهم صل على محمد وآله وتفضل علي في اموري
كلها بما لا يملكه غيرك ولا يقف عليه سواك واسمع ندائي واجب دعائي واجعله من
شانك فانه عليك يسير وهو عندي عظيم يا ارحم الراحمين وشیخ رحمه الله در مصباح هر دو
دعا را روایت کرده است اما احکام این نماز را هرچند مقصد ایراد مهمات است اول آنکه بعضی
گفته اند که چهار رکعت را بیک سلام میکنند چون در اکثر اخبار تصریح بدو سلام نشده لیکن
مشهور است که این نماز را بدو سلام باید کرد چنانچه در روایت ابی حمزه ثمالی از حضرت امام محمد
باقر علیه السلام و حدیث رجاء بن ابی ضحاک از حضرت امام رضا علیه السلام مذکور است
و در فقه رضوی نیز تصریح بدو سلام شده و از حدیث صحیحی که بعد از این مذکور میشود در
جواز تفریق این نماز معلوم میشود که این دو نماز است با آنکه در احادیث وارد شده که نوافل
هر دو رکعت بیک سلام است پس اقوی و احوط عمل بمشهور است بلکه متعین است دوم خلاف است در
تعیین سورهائی که مستحب است در این نماز خوانده شود و مشهور آنست که در رکعت اول اذا
زلزلت و در دوم والعادیات و در سیم اذا جاء و در چهارم قل هو الله احد میخوانند و
ابن بابویه و پدرش در رکعت اول والعادیات و در رکعت دوم اذا زلزلت گفته اند و در
روایتی در اول اذا زلزلت و در دوم اذا جاء و در سیم انا انزلناه و در چهارم توحید وارد
شده است و در روایت صحیحی وارد شده است که در هر رکعت قل یا ایها الکافرون و قل هو الله

احد

احد هر دو را بخواند و در روایتی وارد شده است که هر که سوره که خواهند بخوانند و ابن بابویه
گفته است که همه را با سوره توحید میتوان خواند و ظاهرا همه خوب است اگر چه اول و سیم افضل است
سیم مشهور در ترتیب تسبیح این نماز آنست که بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا
الله والله اکبر چنانچه در روایات صحیحه معتبره وارد شده است و ابن بابویه رحمه الله گفته که مصلی
اختیار دارد میخواهد بترتیب مذکور بگوید الله اکبر و سبحان الله والحمد لله ولا اله الا
الله چنانچه در روایت ابی حمزه وارد است و هر دو جایز است و عمل بمشهور اولی است بلکه
متعین است چون روایات قول مشهور بیشتر و صحیحتر است و مخالف مذهب عامه است چهارم مشهور
آنست که در رکعت دوم و رکعت چهارم پانزده تسبیح را بعد از قراءت میخوانند چنانچه روایات
معتبره دلالت بر آن میکند ولیکن در روایت ابی حمزه مذکور است که تسبیح را قبل از قراءت
بخوانند و ابن بابویه قائل بتخییر شده و عمل بهر دو را نیکو میدانند و اولی عمل بمشهور است هر چند
تخییر خالی از قوتی نیست پنجم مشهور آنست که تسبیحات بعد از سجده دوم را در رکعت اول
و سیم نشسته میخوانند و عمل بمشهور اولی است ششم اکثر از اصحاب متعرض قنوت این نماز نشده
اند و در بیشتر از روایات نیز مذکور نیست لیکن شیخ طبرسی در کتاب احتجاج حدیثی ذکر کرده است
که حضرت صاحب الامر علیه السلام در جواب عریضه حمیری نوشتند که در نماز جعفر دو قنوت
مقرر است یکی در رکعت دوم قبل از آنکه برکوع رود و یکی در رکعت چهارم بعد از رکوع و در
حدیث رجاء بن ابی ضحاک مذکور است که حضرت امام رضا علیه السلام چون نماز جعفر را
بجا می آوردند بعد از هر دو رکعت سلام میکردند و در رکعت دوم و چهارم قنوت میخواندند
بعد از تسبیح پیش از آنکه برکوع میرفتند و عمل بهر یک از این دو روایت که بکند خوب است هفتم
روایت معتبره از حضرت صادق صلوات الله علیه وارد شده که کسی که تسبیحات نماز جعفر
فراموش کند در هر وقت که بخاطرش آید بجا آورد و در فقه رضوی نیز تصریح باین شده و اکثر
علما کسی متعرض این حکم نشده و اگر باین روایت عمل کنند ظاهرا بد نباشد هشتم اکثر علما گفته اند
و در روایات نیز وارد شده است که کسی که ضرورتی و تعجیلی داشته باشد میتواند نماز جعفر را
بدون تسبیحات بجا آورد و بعد از آن قضا کند تسبیحات را و در راه بخواند نهم در حدیث

صحیح وارد شده اگر کسی که دو رکعت نماز جعفر را بکند و او را امری ضروری رو دهد میتواند که
آن کار بکند و دو رکعت دیگر را در وقت دیگر بکند و اگر بدون عذر چنین نکند و همه را با هم
بکند بهتر است دهم بدانکه مشهور میان علما و اقوی آنست که در نماز جعفر را بجای نوافل شبانروزی
میتوان کرد که بعوض حساب شود و همچنین به نیت قضای نافله میتوان کرد و احادیث بر این
مضامین وارد شده است و بعضی تجویز کرده اند که نماز فریضه را اداء و قضاء بکیفیت نماز جعفر بکند
و خالی از قوتی نیست و لیکن احوط ترک است یازدهم شیخ شهید در کتاب ذکری نقل کرده اند
که نماز جعفر را در سفر و حضر هردو میتوان کرد و در سفر در محمل و کجاوه جایز است و حدیثی از حضرت
امام کاظم علیه السلام مرویست که این نماز در سفر جایز است و در حدیثی صحیح وارد شده که هرگاه
در سفر باشی این نماز را در محمل بجا آور و محقق و علامه عمل باین روایت کرده اند و این اولی است
با آنکه در روایات روایت شده که مطلق نافله را در سفر و حضر پیاده و سواره میتوان کرد
پس این حدیث محمول بر فضیلت این نماز است که بر هر حال که باشد ترک نشود اگرچه مسافر در کجاوه
باشد دوازدهم بدانکه نماز جعفر را در جمیع اوقات سال در شب و روز بلکه در هر شب
و هر روز میتوان بجا آورد و از حضرت صادق علیه السلام مرویست که این نماز را بکن در هر
وقت که خواهی در شب یا روز مادامی که در وقت نماز واجب نباشد و نیز در همین حدیث مذکور است
که آنحضرت فرمود به ابوبصیر که اگر در هر روز نتوانی بجا آوری این نماز را پس در هر جمعه بعمل آور
و اگر نتوانی در هر ماه و اگر نه در هر سال و ایضا شیخ شهید در کتاب اربعین روایت کرده
است که در حدیث طویلی وارد شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله بجعفر فرمودند که عطا میکنم
چیزیرا که اگر هر روز بجا آوری بهتر باشد از برای تو از دنیا و آنچه در آنست و اگر در هر روز
یکبار بکنی آمرزیده شود گناهانی که در میانه این دو روز کرده باشی و اگر در هر جمعه یا در هر ماه
یا در هر سال بجا آوری آمرزیده شود گناهانی که مابین اینها بجا آورده این نماز در اوقات شریفه
افضل است مانند شب نیمه شعبان که بخصوص وارد شده است چنانکه گذشت و در شب جمعه و روز
جمعه بخصوص فضیلت دارد و اول روز جمعه افضل است از سایر اوقات روز چنانچه حمیری عریضه
بحضرت قائم علیه السلام نوشت و سؤال چند در باب نماز جعفر نمود و از آن جمله آنکه
نماز

نماز جعفر در کدام وقت افضل است جواب فرمودند اول روز جمعه افضل است از سایر اوقات بعد از
آن هر روزی از روزها و هر وقت از اوقات از شب و روز که خواهی بکنی خوب است و جمعی
از اصحاب نقل کرده اند و در روایات نیز وارد شده است که هرگاه نوافل یومیه را بلکه مطلق نوافل
را بطریق نماز جعفر بجا آورند بهره و عوض بیشتر و هردو ثواب را می برند خصوصا نماز شب که
در حدیث رجاء مذکور است که حضرت امام رضا علیه السلام هرگاه دو رکعت از نماز شب را می
فرمودند چهار رکعت را بکیفیت بطریق نماز جعفر بجا می آوردند و ایضا مرویست که هرگاه نماز
زیارت ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین را بطریق نماز جعفر بجا آورند افضل و هر دو ثواب
برای او خواهد بود بیست و یکم شیخ طوسی و دیگران و سید بن طاوس طاب ثراه در مصباح و اقبال
ذکر نموده اند که در شب نیمه شعبان هرگاه خواهی نماز شب بکنی پس دو رکعت اول را بکن و بعد از آن
این دعا را بخوان اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ شَجَرَةِ النُّبُوَّةِ وَ مَوْضِعِ الرِّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَائِکَةِ
وَ مَعْدِنِ الْعِلْمِ وَ اَهْلِ بَیْتِ الْوَحْیِ وَ اَعْطِنِی فِی هٰذِهِ اللَّیْلَةِ اُمْنِیَّتِی وَ تَقَبَّلْ وَسِیلَتِی فَاِنِّی بِمُحَمَّدٍ
وَ عَلِیٍّ وَ اَوْصِیَائِهِمَا اِلَیْکَ اَتَوَسَّلُ وَ عَلَیْکَ اَتَوَکَّلُ وَ لَکَ اَسْئَلُ یَا مُجِیبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّینَ
یَا مَلْجَاَ الْهَارِبِینَ وَ مُنْتَهٰی رَغْبَةِ الرَّاغِبِینَ وَ نَیْلِ الطَّالِبِینَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلٰوةً کَثِیرَةً
طَیِّبَةً تَکُونُ لَکَ رِضًا وَ لِحَقِّهِمْ قَضَاءً اَللّٰهُمَّ اعْمُرْ قَلْبِی بِطَاعَتِکَ وَ لَا تُخْزِنِی بِمَعْصِیَتِکَ وَ
ارْزُقْنِی مُوَاسَاةَ مَنْ قَتَّرْتَ عَلَیْهِ مِنْ رِزْقِکَ بِمَا وَسَّعْتَ عَلَیَّ مِنْ فَضْلِکَ فَاِنَّکَ وَاسِعُ الْفَضْلِ
وَ رَابِغُ الْعَدْلِ لِکُلِّ خَیْرٍ اَهْلٌ پس دو رکعت دیگر را بکن و بعد از آن این دعا را بخوان اَللّٰهُمَّ اَنْتَ
الْمَدْعُوُّ وَ اَنْتَ الْمَرْجُوُّ وَ بَارِئُ الْخَیْرِ وَ کَاشِفُ السُّوءِ الْغَفَّارُ ذُو الْعَفْوِ الرَّفِیعِ وَ الدُّعَاءِ السَّمِیعِ
اَسْئَلُکَ فِی هٰذِهِ اللَّیْلَةِ الْاِجَابَةَ وَ حُسْنَ الْاِنَابَةِ وَ التَّوْبَةَ وَ الْاَوْبَةَ وَ خَیْرَ مَا قَسَمْتَ فِیهَا وَ فَرَقْتَ
مِنْ کُلِّ اَمْرٍ حَکِیمٍ فَاَنْتَ بِحَالِی عَلِیمٌ وَ لِی رَحِیمٌ اُمْنُنْ عَلَیَّ بِمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَی الْمُسْتَضْعَفِینَ
مِنْ عِبَادِکَ وَ اجْعَلْنِی مِنَ الْوَارِثِینَ فِی جِوَارِکَ مِنَ اللَّاحِقِینَ فِی دَارِ الْقَرَارِ بِمَحَلِّ الْاَخْیَارِ پس
دو رکعت دیگر را بکن و بعد از آن این دعا را بخوان سُبْحَانَ الْوَاحِدِ الَّذِی لَا اِلٰهَ غَیْرُهُ الْقَدِیمِ
الَّذِی لَا بَدْءَ لَهُ الدَّائِمِ الَّذِی لَا نَفَادَ لَهُ الدَّائِبِ الَّذِی لَا فَرَاغَ لَهُ الْحَیِّ الَّذِی لَا یَمُوتُ خَالِقِ
مَا یُرٰی وَ مَا لَا یُرٰی عَالِمِ کُلِّ شَیْءٍ بِغَیْرِ تَعْلِیمٍ السَّابِقِ فِی عِلْمِهِ مَا لَا یَعْلَمُ الْمَرْءُ فِی وَهْمِهِ سُبْحَانَ

وتعالى عما يشركون اللهم اني اسئلك سؤال معترف بذنوبك القديم ونعمائك ان تصلي على
محمد خير انبيائك واهل بيته اصفيائك واحبائك وان تبارك لي في لقائك پس دو رکعت
دیگر بگذار بعد از آن این دعا بخوان يا كاشف الكروب ومذلل كل صعب ومبتدئ النعم
قبل استحقاقها ويا من مفزع الخلق اليه وتوكلهم عليه امرت بالدعاء وضمنت الاجابة
فصل على محمد وآل محمد وابدأ بهم في كل خير وافرج همي وغمي وارزقني برد عفوك وحلاوة
ذكرك وشكرك وانتظار امرك انظر الي نظرة رحيمة رحمة من نظراتك واحيني
ما احييتني موفورا مستورا واجعل الموت لي جدلا وسرورا وافد لي ولا تفقرني في حياتي الى
حين تاتي حتى الفاك من العيش سئما والى الآخرة قرما انك على كل شيء قدير پس دو رکعت
دیگر بکن و بعد از این دو رکعت بخوان که نماز وتر بجهت ادا بخوان و این دعا بخوان اللهم رب الشفع والوتر
والليل اذا يسر بحق الليلة المقسوم فيها عبادك ما تقسم والمحتوم فيها ما تحتم اجزل
فيها قسمي ولا تبدل اسمي ولا تغير جسمي ولا تجعلني ممن عن الرشد عمي ولا عن الرشد عمي
غمي واختم لي بالسعادة والقبول باخير مرغوب اليه ومسئول پس نماز وتر و دعای حزن
فارغ شد و بعد از نماز ... که بر کوع رود و این دعا را که ایستاده این دعا بخوان اللهم يا من شانه
الكفاية وسرادقه الرعاية يا من هو الرجاء والامل وعليه في الشدائد المتكل سنى
الظن وانت ارحم الراحمين وضاقت على المذاهب وانت خير الرازقين كيف اخاف وانت
رجائي وكيف اضيع وانت لسيدي ورجائي اللهم اني اسئلك بما واريت الحجب من جلالك
وجمالك وبما اطاف العرش من بهاء كمالك وبما تعزز به العز من عرشك الثابت الاركان
وبما تحيط به قدرتك من ملكوت السلطان يا من لا راد لامره ولا معقب لحكمه اضرب
بيني وبين اعدائي سترا من سترك وكافية من امرك يا من لا تخرق قدرته عواصف
الرياح ولا تقطعه بواتر الصفاح ولا تنفذ فيه عوامل الرماح يا شديد البطش يا عالي
العرش اكشف عني يا كاشف ضر ايوب واضرب بيني وبين من يقصدني ببوائقه وتبرئ
الى طوارقه بكافية من كوافيك وواقية من دواعيك ودوابعك وفرج همي وغمي يا فالج
غم هم يعقوب واغلب لي من غلبني يا غالبا غير مغلوب ورد الله الذين كفروا بغيظهم لم

ينالوا

خيرا وكفى الله المؤمنين القتال وكان الله قويا عزيزا فايد نا الذين آمنوا على عدوهم فاصبحوا ظاهرين
يا من نجى نوحا من القوم الظالمين يا من نجى لوطا من القوم الفاسقين يا من نجى هودا من القوم العادين
يا من نجى محمدا صلى الله عليه وآله من القوم المستهزئين اسئلك بحق شهرنا هذا وايامه الذي
كان رسولك صلى الله عليه وآله يتاب في صيامه وقيامه مدى سنيه واعوامه ان تجعلني
فيه من المقبولين اعمالهم البالغين آمالهم القاضين في طاعتك آجالهم وان تدرك
بي صيام الشهر المفترض شهر الصيام على الكملة والتمام واسلخها واسلخه عني بانسلاخي
من الآثام فاني متحصن بك دون اعتصام باسمائك العظام وعلاة اوليائك الكرام
اهل النقض والابرام امام امام منهم بعد امام مصابيح الظلام وحجج الله على جميع الانام عليهم
منك افضل الصلوة والسلام اللهم واني اسئلك بحق البيت الحرام والركن المقام والمشاعر
العظام ان تهب لي الليلة الجزيلة من عطائك والاعاذة من بلائك اللهم صل على محمد
وآل محمد واهل بيته الاوصياء الهداة الرعاة الدعاة وان لا تجعل حظي من هذا الدعاء
تلاوته وتجعل حظي منه اجابته انك على كل شيء قدير مؤلف گوید که نماز وتر که ماهی بر
معروف و ترکه بکر کرت بعد از شفع است الحلال میکند وکامی بر مجموع شفع و وتر که تمام سه رکعت
است الحلال میکند و سید طاب ثراه در اقبال گفته است و مراد در این حدیث معنی ثانی است و اما
دعای وتر دعاهائی است که در قنوت وتر وارد شده و این دعای اخیر در قنوت مفرده وتر بعد
از فراغ از ادعیه وارده در آن با بد خوانده شود و سید طاب ثراه در اقبال گفته که در کتاب
کهنه در صحف اشرف دیدم حدیثی که نماز شب مطلقا خواه در شب جمعه و خواه غیر آن با این
کیفیت از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقول بود لیکن دعای اخیر در آن حدیث بعد
از فراغ از مفرده وتر وارد شده بود والله تعالی اعلم بیست و هفتم شیخ طوسی و سید بن طاوس رحمهما
در مصباح واقبال ذکر نموده اند که چون در این شب ولادت با سعادت حضرت صاحب الامر صلوات
الله علیه واقع شده مستحب است که این دعا خوانده شود اللهم بحق ليلتنا هذه ومولودها وحجتك
وموعودها التي قرنت الى فضلها فضلا فتمت كلمتك صدقا وعدلا لا مبدل لكلماتك
ولا معقب لآياتك نورك المتألق وضياؤك المشرق والعلم النور في طخياء الديجور

الغائب المستور عجل معاده وكرم محتده والملائكة شهده والله ناصره ومؤيده اذا آن
ميعاده والملائكة امداده سيف الله الذي لا ينبو ونوره الذي لا يخبو وذو العلم
الحلم الذي لا يصبو مدار الدهر ونواميس العصر وولاة الامر والمنزل عليهم الذكر وما
يتنزل في ليلة القدر واصحاب الحشر والنشر تراجمة وحيه وولاة امره ونهيه اللهم فصل
على خاتمهم وقائمهم المستور عن عوالمهم وادرك بنا ايامه وظهوره وقيامه واجعلنا
من انصاره واقرن ثارنا بثاره واكتبنا في اعوانه وخلصائه واحينا في دولته ناعمين
وبصحبته غانمين وبحقه قائمين ومن السوء سالمين يا ارحم الراحمين والحمد لله رب العالمين
وصلى الله على محمد خاتم النبيين والمرسلين وعلى اهل بيته الصادقين وعترته النا
طقين والعن جميع الظالمين واحكم بيننا وبينهم يا احكم الحاكمين مؤلف گوید که کفعمی در
جنة الامان بعد از ایراد ادعیه دیگر بی نقل نموده که بعضی از انها از اصحاب ما روایات از
جمله زیادات بعیده نقل نموده اند و بعضی از ادعیه مطلقه که متضمن لعن و برائت از اعادی
اهل بیت رسالت و غاصبین حقوق خاندان عصمت و جلالت است و اگرچه هیچ یک از این ادعیه
در خصوص این شب وارد نشده لیکن چون خواندن انها در این شب مناسب بود و کفعمی
نیز از جمله اعمال این شب نقل نموده و غرض اصلی از تالیف این کتاب استیفاء تمام اعمال است
لهذا بذکر انها بر ترتیب مبادرت نموده و انها چند دعاست اول کفعمی در کتاب مذکور و در
مصباح گفته اند که بعد از دعای سابق صلوات بفرست بر رسول خدا و ائمه علیهم السلام
باین صلوات که از حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه منقول است و صلوات این است
بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم صل على سيد المرسلين وخاتم النبيين وحجة رب العالمين المنتجب في
الميثاق المصطفى في الظلال المطهر من كل آفة البريء من كل عيب المؤمل للنجاة
المرتجى للشفاعة المفوض اليه دين الله اللهم شرف بنيانه وعظم برهانه وافلج
حجته واضئ نوره وبيض وجهه واعطه الفضل والفضيلة والوسيلة والدرجة
الرفيعة وابعثه مقاما محمودا يغبطه به الاولون والاخرون وصل على امير المؤمنين
ووارث

ووارث المرسلين وقائد الغر المحجلين وسيد الوصيين وحجة رب العالمين وصل
على الحسن بن علي امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين وصل على الحسين
بن علي امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين وصل على علي بن الحسين امام
المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين وصل على محمد بن علي امام المؤمنين ووارث
المرسلين وحجة رب العالمين وصل على جعفر بن محمد امام المؤمنين ووارث المرسلين
وحجة رب العالمين وصل على موسى بن جعفر امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة
رب العالمين وصل على علي بن موسى امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين
وصل على محمد بن علي امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين وصل على علي
بن محمد امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين وصل على الحسن بن علي امام
المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين وصل اللهم على الخلف الهادي المهدي
امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين اللهم صل على محمد واهل بيته الا
ئمة الهادين العلماء الصادقين الابرار المتقين دعائم دينك واركان
توحيدك وتراجمة وحيك وحججك على خلقك وخلفائك في ارضك الذين اخترتهم لنفسك واصطفيتهم
على عبادك وارتضيتهم لدينك وخصصتهم بمعرفتك وجللتهم بكرامتك وغشيتهم برحمتك
وربيتهم بنعمتك وغذيتهم بحكمتك والبستهم نورك ورفعتهم في ملكوتك وحففتهم
بملائكتك وشرفتهم بنبيك صلواتك عليه وآله اللهم صل عليه وعليهم صلاة كثيرة
دائمة طيبة لا يحيط بها الا انت ولا يسعها الا علمك ولا يحصيها احد غيرك اللهم
صل على وليك المحيي سنتك القائم بامرك الداعي اليك الدليل عليك حجتك على خلقك
وخليفتك في ارضك وشاهدك على عبادك اللهم اعز نصره ومد في عمره وزين
الارض بطول بقائه اللهم اكفه بغي الحاسدين واعذه من شر الكائدين وازجر عنه
ارادة الظالمين وخلصه من ايدي الجبارين اللهم اعطه في نفسه وذريته وشيعته
ورعيته وخاصته وعامته وعدوه وجميع اهل الدنيا ما تقر به عينه وتسر به نفسه و
بلغه ما بدل من كتابك واظهر ما غير من حكمك حتى يعود دينك به وعلى يديه غضا

جديدا خالصا لا شك فيه ولا شبهة معه ولا باطل عنده ولا لدنيه اللهم نور بنوره كل
ظلمة وهد بركنه كل بدعة واهدم بعزته كل ضلالة واقصم به كل جبار واخمد بسيفه كل
نار واهلك بعدله كل جور واجر حكمه على كل حكم واذل بسلطانه كل سلطان اللهم اذل
كل من ناواه واهلك كل من عاداه وامكر بمن كاده واستاصل من جحد حقه واستهان
بامره وسعى في اطفاء نوره واراد اخماد ذكره اللهم صل على محمد المصطفى وعلي المرتضى
وفاطمة الزهراء والحسن الرضا والحسين المصفى وجميع الاوصياء مصابيح الدجى و
اعلام الهدى ومنار التقى والعروة الوثقى والحبل المتين والصراط المستقيم وصل على
وليك وولاة عهده والائمة من ولده ومد في اعمارهم وزد في اجالهم وبلغهم اقصى
امالهم دنيا واخرة انك على كل شيء قدير مؤلف گويد كه اين دعا اگرچه در خصوص اين شب
وارد نشده ليكن چون در طلب ظهور واستدعاى خروج آن امام عالى مقام و رفع بدع و دفع ظلمها
كه در زمان غيبت بنيت تلك امامت در تحت ادنى احتفاد بن شيعيان وموالیان واقع شده مشتمل
است خواندن آن در اين شب نهايت مناسبت دارد و ديگر بعد از دعا سابق گفته اند كه يونس
بن عبد الرحمن از حضرت امام رضا عليه السلام روايت كرده است كه آنحضرت پيوسته امر
ميفرمود كه براى صاحب الامر عليه السلام دعا نمايند باين دعا اللهم ادفع عن وليك وخليفتك
وحجتك على خلقك ولسانك المعبر عنك الناطق بحكمتك وعينك الناظرة باذنك
وشاهدك على عبادك الجحجاح المجاهد العائذ بك العابد لك عندك واعذه من شر جميع
ما خلقت وبرأت وانشأت وصورت واحفظه من بين يديه ومن خلفه وعن يمينه وعن
شماله ومن فوقه ومن تحته بحفظك الذي لا يضيع من حفظته به واحفظ فيه رسولك
وآبائه السادات ائمتك ودعائم آبا ائمتك ودعائم دينك واجعله في ودايعك
التي لا تضيع وفي جوارك الذي لا يخفر وفي منعك وعزك الذي لا يقهر وآمنه بامانك
الوثيق الذي لا يخذل من امنته به واجعله في كنفك الذي لا يرام من كان فيه وانصره
بنصرك العزيز وايده بجندك الغالب وقوه بقوتك واردفه بملائكتك ووال من والاه
وعاد من عاداه والبسه درعك الحصينة وحفه بالملائكة حفا اللهم اشعب به الصدع

وارتق

وارتق به الفتق وامت به الجور واظهر به العدل وزين بطول بقائه الارض وايده بالنصر
وانصره بالرعب وقو ناصريه واخذل خاذليه ودمدم على من نصب له ودمر على من غشه
واقتل به جبابرة الكفر وعمده ودعائمه واقصم به رؤس الضلالة وشارعة
البدع ومميتة السنة ومقوية الباطل وذلل به الجبارين وابر به الكافرين وجميع الملحدين
في مشارق الارض ومغاربها وبرها وبحرها وسهلها وجبلها حتى لا تدع منهم ديارا ولا تبقي
لهم آثارا اللهم طهر منهم بلادك واشف منهم صدور عبادك واعز به المؤمنين واحي به
سنن المرسلين ودارس حكم النبيين وجدد به ما امتحى من دينك وبدل من حكمك حتى تعيد
دينك به وعلى يديه جديدا غضا محضا صحيحا لا عوج فيه ولا بدعة معه وحتى تنير
بعدله ظلم الجور وتطفئ به نيران الكفر وتوضح به معاقد الحق ومجهول العدل فانه عبدك
الذي استخلصته لنفسك واصطفيته على غيبك وعصمته من الذنوب وبراته من العيوب
وطهرته من الرجس وسلمته من الدنس اللهم فانا نشهد له يوم القيمة ويوم حلول الطامة
انه لم يذنب ذنبا ولا اتى حوبا ولم يرتكب معصية ولم يضيع لك طاعة ولم يهتك لك
حرمة ولم يبدل لك فريضة ولم يغير لك شريعة وانه الهادي المهدي الطاهر التقي
النقي الرضي المرضي الزكي اللهم اعطه في نفسه واهله وولده وذريته وامته وجميع
رعيته ما تقر به عينه وتسر به نفسه وتجمع له ملك الممالك قريبها وبعيدها وذليلها
حتى يجري حكمه على كل حكم ويغلب بحقه على كل باطل اللهم اسلك بنا على يديه منهاج
الهدى والمحجة العظمى والطريقة الوسطى التي يرجع اليها الغالي ويلحق بها التالي وقونا
على طاعته وثبتنا على متابعته وامنن علينا بمتابعته واجعلنا في حزبه والقوامين
بامره والصابرين معه الطالبين رضاك بمناصحته حتى تحشرنا يوم القيمة في انصاره
واعوانه ومقوية سلطانه اللهم واجعل ذلك لنا خالصا من كل شك وشبهة ورياء
وسمعة حتى لا نعتمد به غيرك ولا نطلب به الا وجهك وحتى تحلنا محله وتجعلنا
في الجنة معه واعذنا من السامة والكسل والفترة واجعلنا ممن تنتصر به لدينك
وتعز به نصر وليك ولا تستبدل بنا غيرنا فان استبدالك بنا غيرنا عليك يسير وهو علينا

كبير اللهم صل على ولاة عهده والائمة من بعده وبلغهم آمالهم وزد في آجالهم واعز نصرهم
وتمم لهم ما اسندت اليهم من امرك لهم وثبت دعائمهم واجعلنا لهم اعوانا وعلى
دينك انصارا فانهم معادن كلماتك وخزان علمك واركان توحيدك ودعائم دينك
وولاة امرك وخالصتك من عبادك وصفوتك من خلقك واوليائك وسلائل اوليائك
وصفوة اولاد نبيك والسلام عليهم ورحمة الله وبركاته مؤلف گوید که سید [ابن طاوس] رحمه الله در
کتاب مصباح الزائر گفته که هرگاه خواهی از سر من رای بیرون آیی پس بر در باب مشور آن حضرت
عود کن و هرگاه که خواهی نماز بکن پس رو بقبله بایست و این دعا را بخوان و همین دعا را نقل نموده
اللهم نور به كل ظلمة وفرج به كل بدعة تا آخره و هو علینا کبیر و بعد از آن ابن طاوس
را نقل نموده واهدم بعزته كل ضلالة واقصم به كل جبار واخمد بسيفه كل نار واهلك بعدله
جور كل جائر واجر حكمه على كل حاكم واذل بسلطانه كل من ناواه واهلك كل من عاداه
وامكر بمن كاده واستأصل من جحد حقه واستهان بامره وسعى في اطفاء نوره واراد اخماد
ذكره اللهم صل على محمد المصطفى وعلي المرتضى وفاطمة الزهراء وخديجة الكبرى والحسن
الرضي الزكي والحسين المصفى وجميع الاوصياء مصابيح الدجى واعلام الهدى ومنار التقى
والعروة الوثقى والحبل المتين والصراط المستقيم وصل على وليك وولاة عهدك والائمة
من ولده ومد في اعمارهم وزد في آجالهم وبلغهم اقصى آمالهم دينا ودنيا وآخرة
انك على كل شيء قدير و گفته که پس دعای بسیار بکن و برگرد در حالتی که سعادتمند باشی ان شاء الله
تعالى و از کلام سید مفهوم میشود که این دعا مخصوص سرداب مقدس باشد و ظاهر عبارت کفعمی
آنست که در هر مکان بعد از این دعا را میتوان خواند و ممکن است که در این باب دو روایت وارد
شده باشد و اختلاف تتمه آخر این دعا موید این معنی است و بر هر تقدیر خصوص این شب وارد نشده
لیکن چون مشتمل بر طلب ظهور و نصرت آن بزرگوار بر اعادی و استدعای تشرف بشرف بیعت
و قرب ساحت خدمت و ادراک صحابت آن حضرت است در این شب که مولد آن جناب است
انسب آنست که در این اوقات اتیان نماید و در روایت کفعمی که بحسب ظاهر اشکالی هست زیرا که این دعا را
حضرت امام رضا علیه السلام که امام هشتم است بشیعیان خود تعلیم فرموده و چگونه میتواند

بود

بود که در زمان امام هشتم شیعیان انتظار ظهور و خروج امام دوازدهم را داشته باشند با آنکه
زمان طولانی در میان فاصله است و جواب این اشکال آنست که چون در زمان ائمه ما علیهم السلام
تقیه شدید بود و شیعیان پیوسته در شدت و تعب و خوف بوده منتظر فرج و خروج قائم آل محمد
صلى الله عليه وآله میبوده اند و حضرات ائمه علیهم السلام استدعای خروج بیشتر نمیدادند آن بزرگواران
از ضعف یقین اکثر اصحاب و مصالح دیگر هیچ کس صریح عرض نمیکردند که امام دوازدهم قائم آل
محمد صلى الله علیه وآله خواهد بود و بخواص اصحاب که تقویت ایمان و یقین ایشان بوده اند گاهی اظهار
میفرموده اند که قائم ما امام دوازدهم ما و مدتی بس غایب خواهد بود و هر وقت که مشیت
الهی اقتضا نماید ظاهر خواهد شد و باین سبب بسیاری از شیعیان امید فرج از امام زمان خود
میداشته اند و منتظر خروج او میبوده اند بنا بر این ممکن است که حضرت امام رضا علیه السلام
این دعا را بجمعی از اصحاب که کاملتر بوده اند که آن حضرت قائم آل محمد صلى الله علیه وآله است تعلیم فرموده
باشند و محتمل است که بخواص اصحاب این تعلیم فرموده باشند و چون در زمان حضرت صاحب الامر
علیه السلام مطابق روایت معتبر مؤمنان خالص زنده میشوند و در خدمت آن حضرت جهاد
مینمایند لهذا این دعا طلب ادراک خدمت آن حضرت را در زمان رجعت نموده باشند والله
تعالى یعلم سیم آنکه میخوانی دعای عهد را که از حضرت صادق علیه السلام منقول است و
دعا این است اللهم رب النور العظيم ورب الكرسي الرفيع ورب البحر المسجور ومنزل
التوراة والانجيل والزبور ورب الظل والحرور ومنزل القرآن العظيم ورب الملائكة
المقربين والانبياء والمرسلين اللهم اني اسألك بوجهك الكريم ونور
وجهك المنير وملكك القديم يا حي يا قيوم اسألك باسمك الذي اشرقت به السموات
والارضون وباسمك الذي يصلح به الاولون والآخرون يا حيا قبل كل حي ويا حيا بعد كل
حي ويا حيا حين لا حي يا محيي الموتى ومميت الاحياء لا اله الا انت يا حيا قبل كل حي
يا حيا بعد كل حي يا حي لا اله الا انت اللهم بلغ مولانا الامام الهادي المهدي القائم
بامرك صلوات الله عليه وعلى آبائه الطاهرين عني وعن جميع المؤمنين والمؤمنات
في مشارق الارض ومغاربها سهلها وجبلها برها وبحرها وعني وعن والدي وولدي

واضعاف من الصلوات زنة عرشك عرش الله ومداد كلماته وما احصاه علمه واحاط به
كتابه ومداد كلماتك وما احصاه كتابك واحاط به علمك اللهم اني اجدد له في صبيحة يومي
هذا وما عشت من ايام حياتي عهدا وعقدا وبيعة له في عنقي لا احول عنها ولا ازول ابدا
اللهم اجعلني من انصاره واعوانه والذابين عنه والمسارعين اليه في قضاء حوائجه والسارعين
في حوائجه والممتثلين لاوامره ونواهيه والسابقين الى ارادته والمحامين عنه والمستشهدين
بين يديه اللهم ان حال بيني وبينه الموت الذي جعلته على عبادك حتما مقضيا فاخرجني
من قبري مؤتزرا كفني شاهرا سيفي مجردا قناتي ملبيا دعوة الداعي في الحاضر والبادي اللهم
ارني الطلعة الرشيدة والغرة الحميدة واكحل مرهي ناظري بنظرة مني اليه وعجل فرجه
وسهل مخرجه واوسع منهجه واسلك بي محجته وانفذ امره واشدد ازره وقو ظهره و
اعمر اللهم به بلادك واحي به عبادك فانك قلت وقولك الحق ظهر الفساد في البر والبحر
بما كسبت ايدي الناس فاظهر اللهم لنا وليك وابن وليك وابن بنت نبيك المسمى باسم
رسولك صلواتك عليه وآله في الدنيا والآخرة حتى لا يظفر بشيء من الباطل الا مزقه ويحق
الله به الحق ويحققه اللهم اجعله مفزعا للمظلوم من عبادك لمظلوم عبادك وناصرا لمن
لا يجد له ناصرا غيرك ومجددا لما عطل من احكام كتابك ومشيدا لما ورد من اعلام دينك و
سنن نبيك صلى الله عليه وآله واجعله اللهم ممن حصنته من بأس المعتدين اللهم وسر
نبيك صلى الله عليه وآله واجعله برؤيته ومن تبعه على دعوته وارحم استكانتنا من بعده
اللهم اكشف هذه الغمة عن هذه الامة بحضوره وعجل لنا اللهم ظهوره انهم يرونه بعيدا
ونريه قريبا برحمتك يا ارحم الراحمين **پس سه مرتبه دست بر ران راست خود میزند و میگوید** العجل
العجل یا مولای یا صاحب الزمان **مؤلف گوید که** سید ره مصباح الزائر از حضرت صادق علیه
السلام این دعا را روایت کرده و روایت او چنین است که حضرت فرمود که هر که چهل صباح این دعا
بخواند از انصار قائم ما میگردد و اگر قبل از خروج قائم علیه السلام بمیرد حق تعالی او را در زمان
آن حضرت زنده میگرداند و از قبرش بیرون میاورد و بهر کلمه از این دعا هزار حسنه باو عطا میفرماید و هزار
سیئه را از او محو مینماید و مخفی نماند که اشکال سابق با دو جواب که مذکور شد در این حدیث
نیز

جاریست و آنچه در این روایت مذکور است که اگر قبل از خروج بمیرد حق تعالی او را زنده میگرداند
مؤید جواب ثانی است **چهارم ایضا** در کتاب مذکور گفته که پس بخوان این دعا را که از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه و آله منقول است اللهم صل على محمد وآل محمد والعن صنمي قريش وجبتيهما وطاغو
تيهما وافكيهما وابنتيهما اللذين خالفا امرك وانكرا وحيك وجحدا انعامك وعصيا رسولك
وقلبا دينك وحرفا كتابك واحبا اعداءك وجحدا آلاءك وعطلا احكامك وابطلا فرا
ئضك والحدا في آياتك وعاديا اولياءك ووالیا اعداءك وخربا بلادك وافسدا عبادك
اللهم العنهما واتباعهما واولياءهما واشياعهما ومحبيهما فقد اخربا بيت النبوة وردما
بابه ونقضا سقفه والحقا سماءه بارضه وعاليه بسافله وظاهره بباطنه واستأصلا
اهله وابادا انصاره وقتلا اطفاله واخليا منبره من وصيه ووارث علمه وجحدا اما
مته واشركا بربهما فعظم ذنبهما وخلدهما في سقر وما ادراك ما سقر لا تبقي ولا تذر
اللهم العنهم بعدد كل منكر اتوه وحق اخفوه ومنبر علوه ومؤمن ارجوه ومنافق ولوه وولي
آذوه وطريد آووه وصادق طردوه وكافر نصروه وامام قهروه وفرض غيروه واثر انكروه
وشر آثروه ودم اراقوه وخبر بدلوه وكفر نصبوه وارث غصبوه وفيء اقتطعوه وسحت اكلوه
وخمس استحلوه وباطل اسسوه وجور بسطوه ونفاق اسروه وغدر اضمروه وظلم نشروه ووعد
اخلفوه وامان خانوه وعهد نقضوه وحلال حرموه وحرام احلوه وبطن فتقوه وضلع
دقوه وصك مزقوه وشمل بددوه وعزيز اذلوه وذليل اعزوه وحق منعوه وكذب دلسوه
وحكم قلبوه اللهم العنهم بكل آية حرفوها وفريضة تركوها وسنة غيروها ورسوم منعوها
واحكام عطلوها وبيعة نكثوها ودعوى ابطلوها وبينة انكروها وحيلة احدثوها وخيانة
اوردوها وعقبة ارتقوها ودباب دحرجوها وازياف لزموها وشهادات كتموها ووصية
ضيعوها اللهم العنهما في مكنون السر وظاهر العلانية لعنا كثيرا ابدا دائما دائبا سرمدا
لا انقطاع لامده ولا نفاد لعدده لعنا يعود اوله ولا يروح آخره لهم ولاعوانهم وانصارهم
ومحبيهم ومواليهم والمسلمين لهم والمائلين اليهم والناهضين باحتجاجهم والمقتدين بكلا
مهم والمصدقين باحكامهم **پس چهار مرتبه بگوید** اللهم عذبهم عذابا يستغيث منه اهل

النار آمین رب العالمین مؤلف گوید که این دعا بدعای صنمی قریش مشهور و ذکر آن در کتب دعوات مذکور
و کفعمی در حاشیه کتاب مذکور گفته که این دعا از غوامض اسرار و کرایم اذکار است و حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام در اکثر اوقات لیل و نهار خصوصاً اسحار که محل استجابت دعوات است بر این دعا مواظبت
می‌نموده و در روایتی وارد شده که هر که این دعا را از روی اخلاص بخواند حق تعالی حاجت او را برآورد
بنا بر خواندن این دعا اگر چه در همه اوقات نیکوست لیکن چون مشتمل بر لعن بر اعدای ائمه علیهم السلام
خصوصاً ابو بکر و عمر و آنکه ایشان غصب حقوق آن بزرگواران و تحریف کتاب خدا و شریعت نموده‌اند
فی الحقیقه این معنی باعث غیبت امام زمان گردیده پس خواندن این دعا در این شب که مولد قائم آل
محمد علیهم السلام است انسب از سایر اوقات است پنجم ایضاً سید در کتاب مذکور گفته که از جمله
ادعیه که بعد از این مذکور خواهند آن مناسب دعائی است که سید بن طاوس رحمه الله در کتاب مهج الدعوات
از حضرت امام رضا صلوات الله علیه روایت کرده است که هر که این دعا را در سجده شکر بخواند مانند
کسی است که در جنگ بدر و احد و حنین با رسول خدا صلی الله علیه و آله هزار تیر بر اعادی دین انداخته
باشد و دعا این است اللهم العن اللذین بدلا دینک و کتابک و غیرا نعمتک و اتهما رسولک
صلی الله علیه و آله و خالفا ملتک و صدا عن سبیلک و کفرا آلائک و ردا علیک کلامک
و استهزءا برسولک و قتلا ابن نبیک و حرفا کتابک و جحدا آیاتک و سخرا بآیاتک [illegible]
و حملا الناس علی اکتاف آل محمد اللهم العنهما لعنا یتلو بعضه بعضا و احشرهما الی جهنم
زرقا اللهم انا نتقرب الیک باللعنة علیهما و البراءة منهما فی الدنیا و الآخرة اللهم العن
قتلة امیر المؤمنین و قتلة الحسین بن علی علیهما السلام ابن بنت رسول الله صلی الله علیه
و آله اللهم زدهما عذابا فوق العذاب و هوانا فوق هوان و ذلا فوق ذل و خزیا فوق خزی
اللهم دعهما الی النار دعا و ارکسهما فی الیم عقابک رکسا اللهم احشرهما و اتباعهما
الی جهنم زمرا اللهم فرق جمعهم و شتت امرهم و خالف بین کلمتهم و بدد جماعتهم
و العن ائمتهم و اقتل قادتهم و سادتهم و العن رؤساءهم و کبراءهم و اکسر رایتهم
و الق البأس بینهم و لا تبق منهم دیارا اللهم العن ابا جهل و الولید لعنا یتلو بعضه بعضا و یتبع
بعضه بعضا اللهم العنهما لعنا یلعنهما به کل ملک مقرب و کل نبی مرسل و کل مؤمن امتحن
قلبه

قلبه للایمان اللهم العنهما لعنا یتعوذ اهل النار منه و من عذابهما اللهم العنهما لعنا
لم یخطر لاحد ببال اللهم العنهما فی مستسر سرک و ظاهر علانیتک و عذبهما عذابا فی التقدیر
و فوق التقدیر و شارک معهما ابنتیهما و اشیاعهما و محبیهما و من شایعهما انک سمیع
الدعاء و صلی الله علی محمد و آله اجمعین مؤلف گوید که این دعا نیز مانند دعای سابق مشتمل بر لعن
اعادی و قاتلین ائمه علیهم السلام است و باین جهت خواندن در این شب انسب از سایر اوقات است
ششم در حاشیه کتاب مذکور گفته که ابن بابویه رضی الله عنه در کتاب غیبت از عبد الله بن
سنان روایت کرده است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که زود باشد که شما
مبتلا شوید بشبهه‌ای که نمانید بی پیشوائی که ظاهر باشد و امام رهنمائی که شما را هدایت نماید
و در آن زمان نجات نیابد مگر کسی که دعای غریق را بخواند عرض کردم کدام است فرمود که میگوئی
یا الله یا رحمن یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک عرض کردم که یا مقلب القلوب و
الابصار فرمود که حق تعالی مقلب القلوب و الابصار است و لیکن چنان بخوان که من گفتم و ایضاً
در حاشیه کتاب مذکور گفته که سید بن طاوس قدس الله تربته در مهج الدعوات گفته که در خواب
دیدم کسی را که بمن تعلیم نمود این دعا را در زمان غیبت امام علیه السلام خوانده شود یا من
فضل آل ابراهیم و آل اسرائیل علی العالمین باختیاره و اظهر فی ملکوت السموات و الارض
عزة اقتداره و اودع محمدا صلی الله علیه و آله و اهل بیته غرائب اسراره صل علی محمد
و اجعلنی من اعوان حجتک علی عبادک و انصاره مؤلف گوید که این دعا نیز مانند دعای سابق
چون مشتمل بر طلب ظهور آنحضرت و ادراک سعادت خدمت اوست خواندن آن در این شب انسب
از سایر اوقات و بدانکه زیارت آنحضرت در این شب اگر چه مخصوص وارد نشده لیکن چون زیارت
ائمه علیهم السلام در اوقات مخصوصه با ثواب فضیلت دارد پس اگر کسی در سر من رای باشد در
سرداب مقدس بزیارت منقوله مبسوطه که در کتب مزارات مذکور است زیارت نماید و اگر در
سایر بلاد باشد با دعیه مذکوره که بعضی از آنها را علما از جمله زیارات بعیده آنحضرت نقل نموده
اند مانند دعای دوم و سیم اکتفا نماید و اگر بر بام خانه خود برآید و دو رکعت نماز کند و بر آن
حضرت سلام کند بهر لفظی که خود انشا نماید انسب و افضل است و الله تعالی هو الموفق قسم دویم

زیارتهائی که در خصوص کربلای معلی است و آنها چند چیز است **اول زیارت مخصوص امام حسین ع**
صلوات الله و سلامه علیه شیخ بزرگوار ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی و ابن بابویه و شیخ مفید و شیخ
طوسی قدس الله اسرارهم از حضرت صادق صلوات الله و سلامه علیه روایت کرده اند که چون شب
نیمه شعبان شود منادی از افق اعلی ندا کند که ای زیارت کنندگان حسین برگردید که گناهان شما آمرزیده
و ثواب شما بر پروردگار شما و پیغمبر شماست و سید بن طاوس بسند معتبر از آنحضرت روایت کرده است
که چون روز اول ماه شعبان داخل شود منادی از زیر عرش ندا کند که ای گروه مهمانان حسین ع مگذارید شب
نیمه این ماه را از زیارت آنحضرت و اگر بدانید که چه قدر ثواب در آن هست هر آینه آرزو بسیاری سال
بر شما دیر بگذرد تا شب نیمه شعبان در آید **و ایضاً** سید از ابو حمزه ثمالی روایت کرده است که گفت شنیدم
از حضرت امام زین العابدین علیه السلام که فرمود که هر که خواهد که مصافحه کند با صد و بیست و چهار
هزار پیغمبر پس باید که زیارت کند قبر حضرت امام حسین علیه السلام را در شب نیمه شعبان بدرستی
که ملائکه و پیغمبران علیهم السلام رخصت میطلبند در زیارت آنحضرت و رخصت می یابند پس خوشا
حال کسی که مصافحه کند با ایشان و ایشان با او مصافحه کنند و از جمله آن پیغمبران پنج نفر اولی العزم اند
که آنها حضرت نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد صلی الله علیه و آله و علیهم اجمعین اند راوی عرض
کرد که پس سید چرا ایشان را اولی العزم مینامند فرمود جهت آنکه ایشان بشرق و مغرب و جن و انس
مبعوث گردیده اند **و ایضاً** سید از یونس بن یعقوب روایت کرده است که حضرت صادق علیه
السلام با او فرمود که ای یونس در شب نیمه شعبان آمرزیده میشود گناهان گذشته هر که زیارت کند
حضرت امام حسین ع را از مؤمنین و بایشان میگویند که عمل را از سر گیرید یونس گوید که گفتم که این همه
ثواب برای کسی است که آنحضرت را در نیمه شعبان زیارت کند فرمود که ای یونس اگر خبر دهم مردم را
بثواب زیارت آنحضرت در این شب هر آینه بسیاری از مردم را بر دار خواهند کشید **مؤلف گوید**
سید در اقبال گفته که ظاهر مراد آنحضرت آنست که مردم را بر دار خواهند کشید از جهت آنکه فضیلت
زیارت آنحضرت را بسیار خواهند نمود و ظاهر آنست که مردم چون رغبت زیاد خواهند نمود بر
زیارت آنحضرت باین جهت ایشان را بر دار خواهند کشید و بعضی گفته اند که مراد آنست که از راه
زیادتی ثواب این زیارت را مردم بر چوب سوار خواهند شد و بزیارت خواهند رفت اگر چه دار
بالا شده

بالا شده باشد و این وجه بعید است و وجه دیگر بعضی گفته اند والله تعالی یعلم **و ایضاً** سید
از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که پرسیدند از آنحضرت از ثواب زیارت امام
حسین علیه السلام در نیمه شعبان حضرت فرمود که هر که زیارت قبر آنحضرت نماید در نیمه شعبان
از برای رضای حق تعالی و ثوابهای خدا نه از برای مردم حق تعالی گناهانش را بیامرزد هر چند بعدد
موی بزهای قبیله کلب باشد راوی تعجب کرد که گناهانش آمرزیده میشود فرمود که آیا این
ثواب برای زیارت کننده حسین علیه السلام بسیار می نمائی چگونه خدا او را نیامرزد و او بمنزله کسی
که خدا را در عرش زیارت کرده باشد و بروایت دیگر خدا امر فرمود برای زیارت کنندگان حسین علیه
السلام در نیمه شعبان گناهان گذشته و آینده او را و ابن بابویه رحمه الله در کتاب امالی از حضرت
صادق علیه السلام روایت کرده است که هر که زیارت کند قبر حسین بن علی علیهما السلام
را در یکی از سه شب حق تعالی گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد راوی گوید که عرض کردم که آن
سه شب کدام است فرمود شب عید رمضان و شب عید قربان و شب نیمه شعبان و بیان آنکه اگر در سال
یعنی یکسال در این شب و شب عید رمضان و شب عرفه کسی بزیارت آنحضرت نایل شود ثواب عظیم
دارد چنانچه ابن بابویه رضی الله عنه در امالی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده
است که آنحضرت فرمود که هر که زیارت حسین بن علی علیهما السلام را در شب نیمه شعبان
و شب عید رمضان و شب عرفه در یک سال کند حق تعالی برای او ثواب هزار حج مبرور و هزار عمره مقبول
بنویسد و هزار حاجت از حوائج دنیا و آخرت او را بر آورد و اگر در سه سال متوالی کسی بزیارت
آنحضرت مشرف شود نیز ثواب عظیم دارد و اگر سه سال متوالی او را این نعمت عظمی میسر شود
ثواب اعظم است چنانچه در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است
که زیارت کننده حسین علیه السلام در نصف شعبان گناهانش آمرزیده میشود و در آن
سال گناهی بر او نوشته نمیشود پس اگر در سال دیگر زیارت کند باز گناهانش آمرزیده
شود و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که سه سال متوالی
نصف شعبان آنحضرت را زیارت کند گناهانش آمرزیده میشود البته و از بعضی روایات ظاهر
میشود که زیارت آنحضرت در نیمه رجب و نیمه شعبان افضل از سایر اوقات است چنانچه
سید

طاوس و دیگران نسخه های صحیح و غیر صحیح از ابن ابی نصر روایت کرده است که گفت عرض کردم بخدمت
حضرت امام رضا علیه السلام که کدام وقت افضل است که ما زیارت کنیم در آن حضرت امام حسین
علیه السلام فرمود که در نصف رجب و نصف شعبان و بدانکه بعضی از روایات که بلفظ نصف
وارد شده احتمال شب نیمه و روز نیمه را هر دو دارد بهتر آنست که در روز و شب هر دو زیارت کرده
شود اما کیفیت زیارت آنحضرت پس در ضمن اعمال روز اول رجب سبق ذکر یافت
که شیخ مفید و سید بن طاوس قدس الله روحهما زیارت مخصوصه برای اول رجب و نیمه شعبان
ذکر کرده اند و جد علامه ام مولانا محمد باقر مجلسی طاب ثراه گفته که ظاهر حال آنست که زیارت مخصوصه
مخصوص این وقت نباشد و لهذا در کتاب تحفة الزائر بهیچیک از آنها اکتفا ننموده ولیکن چون
ظاهر عبارات شیخ مفید و سید آنست که این زیارات در این اوقات وارد شده باشد متابعت
ایشان اولی است پس بهتر آنست که از این باین زیارات زیارت نماید و چون در ضمن اعمال مذکور
شد در این مقام ایراد ننمودیم و بدانکه کفعمی رحمه الله در جنة الامان و بلد الامین گفته که زیارت
شب نیمه شعبان بعد از آنکه غسل کرده باشی این دعا را بخوان که از حضرت صادق علیه السلام
منقول است الحمد لله العلی العظیم والسلام علیک ایها العبد الصالح الزکی اودعک شهادة
منی لک تقربنی الیک فی یوم شفاعتک اشهد انک قتلت ولم تمت بل برجاء حیاتک حییت قلوب
شیعتک وبضیاء نورک اهتدی الطالبون الیک واشهد انک نور الله الذی لم یطفأ
ولا یطفأ ابدا وانک وجه الله الذی لم یهلک ولا یهلک ابدا واشهد ان هذه التربة تربتک
وهذا الحرم حرمک وهذا المصرع مصرع بدنک لا ذلیل والله معزک ولا مغلوب و
الله ناصرک هذه شهادة لی عندک الی یوم قبض روحی بحضرتک والسلام علیک ورحمة الله
وبرکاته پس این زیارت را بخوان که از حضرت امام علی النقی علیه السلام منقولست السلام علیک
یا اباعبدالله السلام علیک یا حجة الله فی ارضه وشاهده علی خلقه السلام علیک یابن
رسول الله السلام علیک یابن علی المرتضی السلام علیک یابن فاطمة الزهراء اشهد انک
اقمت الصلوة وآتیت الزکوة وامرت بالمعروف ونهیت عن المنکر وجاهدت فی الله سبیل الله
حتی اتیک الیقین فصلی الله علیک حیا ومیتا پس رو بقبر کن و دو رکعت نماز بگذار و بگو که

اشهد

اشهد انک علی بینة من ربک جئتک مقرا بالذنوب لتشفع لی عند ربک یابن رسول الله
پس بر ائمه یک یک سلام بکن و بگو که اشهد انکم حجة الله فاکتب لی یا مولای عندک میثا
قا وعهدا انی اتیتک اجدد المیثاق فاشهد لی عند ربک انک انت الشاهد پس بعد از آن علی
زیارت کن آنحضرت را بنحوی که در اول رجب گذشت پس بعد از آن زیارت کن علی بن الحسین و
شهدا و عباس را بنحوی که برای ایشان در روز عرفه وارد شده و ما در این مقام ایراد
خواهیم نمود پس نزد سر مبارک حضرت امام حسین علیه السلام دو رکعت نماز بکن و بعد از نماز
بگو آنچه را در زیارت عاشورا بعد از نماز زیارت باید خواند و در محل خود مذکور خواهد شد این
عبارت کفعمی و ظاهر آنست که این اعمال زائده را که در این وقت نقل نموده از اعمال مطلقه باشد
وخصوصیت به نیمه شعبان نداشته باشد و چون نقل کفعمی متضمن نقل سید و شیخ مفید نیز هست اگر بآن
عمل شود متابعت همگی شده خواهد بود و بدانکه همه این زیارات بسبب تقریبات و در بلاد بعیده نیز ز
یارت بعید آنحضرت که سابق مذکور شد یا باین زیارات بعیده از این زیارت نماید والله تعالی
هو الموفق دیگر سید بن طاوس رحمه الله در اقبال از محمد بن علی طرازی نقل کرده است که او از خط
محمد بن هرون نقل کرده است که از نماز شب نیمه شعبان نزد قبر سید ما ابی عبدالله الحسین صلوات
الله علیه چهار رکعت است که در هر رکعت پنجاه مرتبه فاتحة الکتاب و پنجاه مرتبه قل هو الله احد
بخواند و هر یک از حمد و قل هو الله احد را در رکوع ده مرتبه و بعد از سر برداشتن از رکوع
ده مرتبه و در هر یک از سجدها و در میان دو سجده ده مرتبه بجا آورد مانند نماز جعفر
و بعد از نماز این دعا بخواند انت الله الذی استجبت لآدم وحوا حین قالا ربنا ظلمنا انفسنا
وان لم تغفر لنا وترحمنا لنکونن من الخاسرین وناداک نوح فاستجبت له ونجیته
واهله من الکرب العظیم واطفأت نار نمرود عن خلیلک ابرهیم فجعلتها علیه بردا وسلا
ما وانت استجبت لایوب حین ناداک انی مسنی الضر وانت ارحم الراحمین فکشفت
ما به من ضر واتیته اهله ومثلهم معهم رحمة من عندک وذکری لاولی الالباب
وانت الذی استجبت لذی النون حین ناداک فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک انی
کنت من الظالمین فنجیته من الغم وانت الذی استجبت لموسی وهرون دعوتهما

حين قلت قد اجيبت دعوتكما واغرقت فرعون وقومه وغفرت لداود ذنبه وتبت
عليه وارضيت خصمه منك وانت الذي فديت الذبيح بذبح عظيم حين
اسلما وتله للجبين فناديته بالفرج والروح وانت الذي ناداك زكريا نداء خفيا
فقال رب اني وهن العظم مني واشتعل الراس شيبا ولم اكن بدعائك رب شقيا و
قلت يدعوننا رغبا ورهبا وكانوا لنا خاشعين وانت الذي استجبت للذين امنوا و
عملوا الصالحات ليزيدهم من فضلك رب فلا تجعلني اهون الراغبين اليك واستجب لي كما
استجبت لهم بحقهم عليك فطهرني وتقبل صلواتي وحسناتي وطيب بقية حياتي و
طيب وفاتي واخلفني فيمن اخلف واحفظهم رب بدعائي واجعل ذريتي ذرية طيبة تحو
طها بحياطتك من كل ما حطت منه ذرية اوليائك برحمتك يا رحيم يا من هو على
كل شيء قدير وعلى كل شيء رقيب وعن كل سائل قريب ولكل داع من خلقه مجيب انت الله
الذي لا اله الا انت الحي القيوم الاحد الصمد لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد علك
القدرة التي علوت بها فوق عرشك وتفتقت بها سماواتك وارسيت بها جبالك و
فرشت بها ارضك واجريت بها الانهار وسخرت بها السحاب والشمس والقمر
والليل والنهار وخلقت بها الخلائق اسالك بعظمة وجهك الكريم الذي اشرقت
به السموات واضاءت به الظلمات ان تصلي على محمد وال محمد وان تكفيني امر من يعاديني
وامر معادي ومعاشي واصلح يا رب شاني ولا تكلني الى نفسي طرفة عين واصلح
امر ولدي وعيالي واغنني واياهم من خزائنك وسعة رزقك وفضلك وارزقني
الفقه العفة في دينك وانفعني بما نفعت به من ارتضيت من عبادك واجعلني للمتقين
اماما كما جعلت ابرهيم فان بتوفيقك يفوز المتفوزون ويتوب التائبون ويعبدك
العابدون وبتسديدك وارشادك نجى الصالحون من النار اللهم ات نفسي تقواها
وانت وليها ومولاها وانت خير من زكاها اللهم بين لها رشادها وتقويها وزلها
من الجنان اعلاها وطيب وفاتها ومحياها واكرم منقلبها ومثواها ومستقرها وما
واها انت وليها ومولاها اللهم استمع واستجب برحمتك وبمنزلة محمد وعلي وفاطمة

والحسن

والحسن والحسين وعلي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلي بن
موسى ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن بن علي والحجة القائم صلوات الله عليه وعليهم
عندك وبمنزلتهم لديك يا ارحم الراحمين مؤلف گويد كه ظاهر عبارت حديث انست كه اين
نماز در اصل روضه مطهره كرده شود نه غير روضه از ساير مواضع كربلاى معلى والله تعالى
يعلم سيم ابن قولويه بسند معتبر از حضرت صادق عليه السلام روايت كرده است كه هر كه
در شب نيمه شعبان از اول شب تا اخر شب در زمين كربلا بماند و هزار مرتبه قل هو الله احد را
بخواند و هزار مرتبه استغفار كند و هزار مرتبه الحمد لله بگويد پس برخيزد و چهار ركعت نماز
بگذارد هر دو ركعت بيك سلام و در هر ركعتى بعد از حمد هزار مرتبه اية الكرسي بخواند حق
تعالى موكل گرداند باو دو ملك را كه حفظ نمايند او را از هر بدى و از هر شر شيطانى و سلطانى
و حسنات او را براى او بنويسند و گناهى براى او ننويسند و تا با او باشند براى او استغفار كنند
مؤلف گويد كه ظاهر عبارت اين حديث انست كه هر كه در اصل بلده طيبه كربلاى معلى باشد
تواند اين عمل را بجا اورد و لازم نباشد كه در اصل روضه مطهره واقع شود وليكن منوره
اشرف بقاع روى زمين است بهتر انست كه در روضه واقع شود والله تعالى هو الموفق دويم
روزه روزه اين روز بخصوص فضيلت دارد سيد بن طاوس طاب ثراه در اقبال از حضرت
امير المؤمنين عليه السلام روايت كرده است كه رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود كه چون
شب نيمه شعبان شود شب را بيدار باشيد بعبادت و روز او را روزه بداريد بدرستى كه از اول
ماه تا اخر اين شب از جانب حق تعالى ندا ميرسد كه ايا استغفار كننده هست كه بيامرزم او را ايا
طلب كننده روزى هست كه روزى او را فراخ گردانم و از اعمال مخصوصه اين روز غير زيارت
حضرت امام حسين عليه السلام بفضيلتي كه گذشت چيزى بنظر نرسيد شب شانزدهم سيد بن
طاوس طاب ثراه در كتاب مذكور از حضرت رسول خدا صلى الله عليه وآله روايت كرده است
كه هر كه در اين شب دو ركعت نماز بكند در هر ركعتى حمد يك مرتبه واية الكرسي يك مرتبه قل هو الله
احد پانزده مرتبه بدرستى كه حق تعالى فرمود كه من عطا ميكنم باو مثل انچه بتو عطا كرده ام
در عوض پيغمبرى و بنا ميشود براى او هزار قصر در بهشت مؤلف گويد كه شايد مراد از مثل

آنچه به پیغمبر عطا فرموده است در عوض پیغمبری چیزی باشد که فی الجمله شباهتی بآن داشته
باشد و آن عالم باشد والله تعالی یعلم مولف گوید که شب هفدهم سید در کتاب مذکور از
حضرت رسالت صلی الله علیه و آله روایت نموده است که هر که در این شب دو رکعت نماز بکند
و در هر رکعتی حمد یکمرتبه و سوره قل هو الله احد هفتاد یکمرتبه بخواند و چون فارغ شود هفتاد
مرتبه استغفار نماید برنخیزد از جای خود تا حق تعالی او را بیامرزد و گناهی بر او نوشته نشود
مولف گوید که کفعمی در جنة الامان سوره قل هو الله احد را هفتاد مرتبه نقل نموده و ظاهر
آنست که سید در نقل سهو نموده باشد لیکن متابعت روایت سید احوط است والله یعلم شب
هجدهم سید در کتاب مذکور از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله روایت نموده است
که هر که در این شب ده رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعتی حمد یکنوبت و سوره
قل هو الله احد بیست و پنج نوبت بخواند حق تعالی بر آورد هر حاجتی را که در این شب بطلبد و اگر شقی باشد
او را سعادتمند گرداند و اگر در آن سال بمیرد شهید مرده باشد مولف گوید که کفعمی در
جنة الامان سوره قل هو الله احد را پنجاه مرتبه نقل نموده و ظاهرا سهو نموده باشد والله تعالی
یعلم شب نوزدهم سید در کتاب مذکور از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده که
هر که در این شب دو رکعت نماز بکند و در هر رکعتی حمد یکمرتبه و آیه قل اللهم مالک الملک را
تا آخر پنج مرتبه بخواند حق تعالی گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد و قبول فرماید هر نمازی را
که بعد از این بکند و اگر پدر و مادر او در آتش باشند ایشان را از آتش بیرون آورد مولف
گوید که آیه ملک این آیه است قُلِ اللّٰهُمَّ مالِکَ الْمُلْکِ تُؤْتِی الْمُلْکَ مَنْ تَشاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْکَ
مِمَّنْ تَشاءُ وَ تُعِزُّ مَنْ تَشاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشاءُ بِیَدِکَ الْخَیْرُ اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ تُولِجُ اللَّیْلَ
فِی النَّهارِ وَ تُولِجُ النَّهارَ فِی اللَّیْلِ وَ تُخْرِجُ الْحَیَّ مِنَ الْمَیِّتِ وَ تُخْرِجُ الْمَیِّتَ مِنَ الْحَیِّ وَ تَرْزُقُ مَنْ
تَشاءُ بِغَیْرِ حِسابٍ شب بیستم سید در کتاب مذکور از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله
روایت کرده است که هر که در این شب چهار رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر
رکعت حمد یکنوبت و سوره اذا جاء نصر الله پانزده مرتبه بخواند بحق قسم بخداوندیکه مرا
بحق و راستی مبعوث گردانیده است که از دنیا بیرون نرود تا آنکه در خواب منزل خود را در
بهشت

بهشت به بیند و با گریبان و نیکوکاران محشور گردد و سید جلیل نبیل امیر محمد باقر داماد در
بعضی از مولفات خود گفته که اگر کسی خواهد و خشیت الهی در دل او بهم رسد و اشک از چشم او
آید از شب بیستم ماه شعبان تا آخر ماه مبارک رمضان که چهل شب باشد هر شب در وقت سحر بعد
از نماز شب در ده شب شعبان و بعد از دعای سحر در ماه مبارک رمضان قبل از طلوع فجر صادق
بگوید یا الله یا رب یا بار و صد نوبت یا مختبی البطش و العقاب یا مطموع الفضل و الرحمة بگوید مولف
گوید که این معنی در روایتی و حدیثی بنظر نرسید والله تعالی یعلم شب بیست و یکم سید در کتاب مذ
کور از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله روایت نموده است که هر که در این شب هشت رکعت نماز بکند
هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعت حمد یکنوبت و هر یک از سوره قل هو الله احد و معوذتین را
یکنوبت بخواند حق تعالی بعدد ستارههای آسمان برای او حسنات بنویسد بهمین عدد درجات او را
بلند گرداند و بهمین عدد سیئات را از او محو فرماید شب بیست و دوم سید در کتاب مذکور
از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله روایت نموده که هر که در این شب دو رکعت نماز بکند در
هر رکعتی حمد یکنوبت و سوره قل یا ایها الکافرون یکمرتبه و قل هو الله احد پانزده مرتبه بنویسد
حق تعالی نام او را در جریده نامهای صدیقان و محشور شود در قیامت در زمره مرسلین و در حفظ
و پناه حق تعالی باشد مولف گوید که کفعمی در جنة الامان سوره قل یا ایها الکافرون را دو مرتبه نقل
نموده و ظاهرا سهو نموده باشد شب بیست و سوم سید در کتاب مذکور از رسول خدا صلی الله
علیه و آله روایت کرده که هر که در این شب سی رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام در هر
رکعتی حمد یکمرتبه و سوره اذا زلزلت یکمرتبه بخواند حق تعالی غل و غش را از دل او دور گرداند و از
گروهی باشد که حق تعالی سینه ایشان برای اسلام شکافته باشد و مبعوث گرداند او را و حال آنکه
روی او مانند ماه شب چهارده باشد مولف گوید که کفعمی در جنة الامان اکتفا بذکر سی رکعت
نموده و سوره مخصوصی نقل نکرده و ظاهرا آن از قلم نساخ ساقط شده است و عمل بروایت سید مستلزم
عمل بروایت کفعمی نیز هست والله یعلم شب بیست و چهارم سید در کتاب مذکور از حضرت رسالت
صلی الله علیه و آله روایت کرده که هر که در این شب دو رکعت نماز بکند در هر رکعتی حمد یکمرتبه
و سوره اذا جاء نصر الله ده نوبت حق تعالی او را گرامی دارد بآزادی از آتش جهنم و نجات از عذاب

آخرت و عقاب قبر و آسانی حساب و زیارت آدم و نوح و سایر پیغمبران و شفاعت در روز
قیامت او را روزی شود **شب بیست و پنجم** سید در کتاب مذکور از رسول خدا صلی الله علیه
و آله روایت کرده که هر که در این شب ده رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی حمد یک مرتبه
سوره الهیکم التکاثر یک مرتبه حق تعالی عطا فرماید باو ثواب آنهائی که امر بمعروف و نهی کنند از منکر را
و ثواب هفتاد پیغمبر **شب بیست و ششم** سید در کتاب مذکور از حضرت رسالت صلی الله علیه
و آله روایت کرده که هر که در این شب ده رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی حمد
یک مرتبه و آمن الرسول تا آخر سوره ده مرتبه حق تعالی عافیت دهد او را از آفات دنیا و آخرت
و در روز قیامت شش نور باو عطا فرماید **روز بیست و ششم** جد علامه ام مولانا محمد باقر مجلسی
قدس الله روحه در کتاب بحار الانوار ذکر نموده که در بعضی از کتب از حضرت امام حسن عسکری
علیه السلام روایت شده که روز بیست و ششم ماه شعبان روز نصب منبر نکب شد اعمال بر نبی
در آن روز نیکو نیست مگر خلوت گزیدن از خلق و عبادت نمودن خالق و روزه داشتن **شب بیست و هفتم**
سید در کتاب مذکور از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که هر که در این شب دو رکعت
نماز بکند در هر رکعتی حمد یک مرتبه و سوره سبح اسم ربک الاعلی ده مرتبه بنویسد حق تعالی برای او هزار
هزار حسنه و محو فرماید از او هزار هزار سیئه و رفیع گرداند برای او هزار هزار درجه تبرک او
تا بجائی نور بگذارد **شب بیست و هشتم** سید در کتاب مذکور از حضرت رسالت صلی الله علیه
و آله روایت کرده که هر که در این شب چهار رکعت نماز بگذارد بدو سلام در هر رکعتی حمد یک مرتبه
و هر یک از سوره قل هو الله احد و معوذتین یک مرتبه مبعوث گرداند خدا او را از قبر و حال آنکه
روی او مانند شب چهارده باشد و دفع کند از او اهوال روز قیامت را **روز بیست و هشتم**
روزه این روز و دو روز بعد از این که سه روز آخر ماه باشد بخصوص فضیلت عظیم دارد
ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود هر که سه روز آخر شعبان
را روزه دارد و وصل نماید او را بماه رمضان حق تعالی ثواب روزه دو ماه پی در پی برای او بنویسد
مؤلف گوید که سید گفته است که ظاهر اگر وصل این سه روز نسبت بکسی است که تمام ماه را روزه
نداشته باشد و آنچه در احادیث دیگر وارد شده از نهی از وصل نمودن ماه شعبان بماه رمضان
نکرد

و اگر فصل بکند بدو روز نسبت بکسی است که تمام ماه را روزه داشته باشد و در بعضی روایات
را یعنی گفته که کسی که تمام ماه را روزه نداشته هرگاه سه روز آخر را روزه بدارد تدارکی
از فوت کند گناهان پاک میشود و مستعد و قابل دخول ماه رمضان میگردد و کسی که تمام ماه را روزه داشته
باطن خود را قدری صفا داده و مستعد و قابل شده لهذا اصلح آنست که بکوشد یا دو روز آخر را افطار
نماید تا او را برای روزه ماه مبارک رمضان قوتی بهم رسد و تحقیق این مقام و جمع این روایات
با روایات داله بر فضیلت روزه تمام این ماه بتفصیل در باب اول سبق ذکر یافت **شب بیست و نهم**
سید در اقبال از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده است که هر که در این شب ده رکعت
نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی حمد یک مرتبه و سوره الهیکم التکاثر و معوذتین
و قل هو الله احد هر یک ده نوبت حق تعالی باو ثواب مجتهدین را عطا فرماید و میزان عمل او سنگین
شود و حساب بر او آسان گردد و بگذرد بر صراط مانند برق جهنده **مؤلف گوید که کفعمی در**
جنة الامان سوره قل هو الله احد را مقدم بر معوذتین نقل نموده است و هر یک عمل شود شاید نیکو
باشد و الله یعلم **شب سی ام اعمال** این شب دو چیز است **اول سید در کتاب مذکور از**
حضرت رسالت صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که هر که در این شب دو رکعت نماز کند
در هر رکعتی حمد یک مرتبه و سوره سبح اسم ربک الاعلی ده مرتبه و چون فارغ شود صد مرتبه
صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و علیهم اجمعین بفرستد عطا کرده شود باو هزار شهر
در جنة المأوی و هزار شهر در جنة النعیم و اگر جمع شوند خلایق در احصاء ثواب آن عاجز
شوند **دوم شیخ طوسی** و سید بن طاوس قدس الله روحهما از حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه روایت کرده اند که آنحضرت در شب آخر شعبان و شب اول ماه رمضان
این دعا را میخواند اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا الشَّهْرَ الْمُبَارَكَ الَّذِیْ اَنْزَلْتَ فِیْهِ الْقُرْاٰنَ وَجَعَلْتَهُ
هُدًی لِلنَّاسِ وَبَیِّنَاتٍ مِنَ الْهُدٰی وَالْفُرْقَانِ قَدْ حَضَرَ فَسَلِّمْنَا فِیْهِ وَسَلِّمْنَا مِنْهُ وَسَلِّمْهُ لَنَا
وَتَسَلَّمْهُ مِنَّا فِیْ یُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِیَةٍ یَا مَنْ اَخَذَ الْقَلِیْلَ وَشَكَرَهُ وَسَتَرَ الْكَثِیْرَ وَغَفَرَهُ اِغْفِرْ لِیَ
الْكَثِیْرَ مِنْ مَعْصِیَتِكَ وَاقْبَلْ مِنِّی الْیَسِیْرَ مِنْ طَاعَتِكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ اَنْ تَجْعَلَ لِیْ اِلٰی
كُلِّ خَیْرٍ سَبِیْلًا وَمِنْ كُلِّ مَا لَا تُحِبُّ مَانِعًا یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ یَا مَنْ عَفٰی عَنِّیْ وَعَمَّا خَلَوْتُ بِهِ مِنَ

السیئات یا من لا تؤاخذنی بارتکاب المعاصی عفوك عفوك عفوك یا کریم الهی
وعظتنی فلم اتعظ وزجرتنی عن المعاصی عن محارمك فلم انزجر فما عذری فاعف عنی یا
کریم عفوك عفوك اللهم انی اسئلك الراحة عند الموت والعفو عند الحساب عظم
الذنب من عبدك فلیحسن العفو من عندك یا اهل التقوی ویا اهل المغفرة عفوك عفوك
اللهم انی عبدك وابن عبدك ابن امتك ضعیف فقیر الی رحمتك وانت منزل الغنی
والبرکة علی العباد قاهر مقتدر احصیت اعمالهم وقسمت ارزاقهم وجعلتهم
مختلفة السنتهم والوانهم خلقا من بعد خلق لا یعلم العباد علمك ولا یقدر العباد
قدرك وکلنا فقیر الی رحمتك فلا تصرف وجهك عنی واجعلنی من صالح خلقك
فی العمل والامل والقضاء والقدر الهی اللهم ابقنی خیر البقاء وافننی خیر الفناء علی
موالاة اولیائك ومعاداة اعدائك والرغبة الیك والرهبة منك والخشوع والوفاء
والتسلیم لك والتصدیق بکتابك واتباع سنة نبیك رسولك صلواتك علیه
وآله اللهم ما کان فی قلبی من شك او ریبة او جحود او قنوط او فرح او مرح او بذخ او بطر
او خیلاء او ریاء او سمعة او شقاق او نفاق او کفر او فسوق او عصیان او
عظمة او شیء لا تحب فاسئلك یا رب ان تبدلنی مکانه ایمانا بوعدك ووفاء بعهدك
ورضی بقضائك وزهدا فی الدنیا ورغبة فیما عندك واثرة وطمأنینة وتوبة نصوحا
اسئلك ذلك یا رب بمنك ورحمتك یا ارحم الراحمین ویا رب العالمین الهی انت من حلمك
تعصی فکانك لم تر ومن کرمك وجودك تطاع فکانك لم تعص وانا ومن لم یعصك سکان
ارضك فکن علینا بالفضل جوادا وبالخیر عوادا یا ارحم الراحمین وصلی الله علی محمد وآله
وصل علی محمد صلوة دائمة لا تحصی ولا تعد ولا یقدر قدرها غیرك یا ارحم الراحمین
مؤلف گوید که احوط آنست که این دعا در شب بیست و نهم نیز خوانده شود چون ممکن است که ماه ناقص
باشد و آن شب شب آخر ماه باشد روز سیوم این روز چون از جمله سه روز آخر ماه است
روزه آن فضیلت عظیم دارد و بخصوص این روز نیز ثواب عظیم وارد شده چنانچه ابن بابویه
رحمه الله در کتاب امالی و ثواب الاعمال از حضرت رسالت صلی الله علیه وآله روایت

کرده است که هر که روز سیوم ماه شعبان را روزه بدارد جبرئیل علیه السلام از پیش عرش او را ندا
کند که عمل از سر گیر که گناهان گذشته همه آمرزیده شد و خداوند جلیل میفرماید که اگر گناهان
تو بقدر عدد ستارهای آسمان و قطرهای باران و برگ درختان و ریگ بیابان و ذرهای خاك و عدد
روزهای دنیا باشد که همه را بیامرزد از اینها بر خداوند عالمیان دشوار نیست بعد از
آنکه ماه شعبان را روزه داشته باشی تتمه بدانکه شیخ بزرگوار عالیمقدار محمد بن بابویه
رحمه الله در کتاب عیون اخبار الرضا بسند خود از عبد الله بن صالح روایت کرده که داخل
شدم بر حضرت ابی الحسن علی بن موسی الرضا صلوات الله علیهما در جمعه آخر ماه شعبان پس آن
حضرت فرمود که ای ابا الصلت بدرستیکه شعبان گذشته و این جمعه آخر آن است پس تدارك کن
در بقیه این ماه تقصیری را که کرده در آنچه گذشته از این ماه و بر تو باد اقبال نمودن و نیکو
متوجه شدن بر آنچه ترا اعانت و یاری کند از طاعات و عبادات و بسیار بکن در بقیه این
ماه از دعا و استغفار و تلاوت قرآن و از همه گناهان توبه کن تا آنکه داخل شود بر تو ماه رمضان
در حالتی که خود را برای حق تعالی خالص کرده باشی و نباید که نباشد بر گردن تو امانتی
مگر آنکه رد کرده باشد و نباشد در سینه تو کینه از شخص مومنی مگر آنکه از
سینه خود بیرون کرده باشی و نباشد گناهی که از مرتکب بوده مگر آنکه از آن استغفار کرده
باشی و پرهیزکار باش ای ابا الصلت توکل کن بر حق تعالی در امور پنهان و آشکار خود زیرا که هر که
بر خدا توکل کند پس بس است او را خدا بدرستیکه حق تعالی امر خود را کامل و تمام میگرداند و برای هر
چیز قدری و اندازه قرار داده و بسیار بگو ای ابا الصلت اللهم ان لم تکن غفرت لنا فیما مضی
من شعبان فاغفر لنا فیما بقی منه بدرستیکه حق تعالی در این ماه بسیاری را از آتش جهنم آزاد میگر
داند برای حرمت ماه مبارك رمضان مؤلف گوید که از فحوای این حدیث چنانچه بر متأمل
خبیر پوشیده نیست مفهوم میشود که این دعا را در اکثر اوقات نصف آخر ماه شعبان توان خواند
که قبل از جمعه آخر بوده باشد وفقنا الله وسائر المؤمنین لاتیان تلك الاعمال بحرمة
محمد وآله الطاهرین خیر آل مرتبه سیم در کتاب خزینة الجواهر سلطانی در فضایل و اعمال
ماه مبارك رمضان است و این خزینه بچند باب مفتوح میشود باب اول در بیان

حقیقت روزه و شرایط آن و در آن دو فصل است **فصل اول در بیان حقیقت صوم بدانکه**
روزه عبارت است از باز داشتن خود از چیزی چند که روزه را باطل میکند از صبح تا شام
از برای خدا و مراد از صبح صبح صادق است نه صبح کاذب باجماع علمای شیعه و حقیقت
صبح کاذب و صبح صادق آنست که اول سفیدی از جانب مشرق ظاهر میشود که شبیه بدم گرگ
که طولانی و دراز است و این را صبح کاذب میگویند زیرا که واقع هنوز صبح نشده است و آدمی را
بخیال الصبح می نماید و بعد از زمانی اندک این سفیدی پهن میشود و عرض افق را فرو میگیرد
و این را صبح صادق میگویند و در این وقت واقعا صبح شده است **دوم در باب وقت شام میان**
علمای شیعه رضوان الله علیهم خلاف است مشهور میان ایشان آنست که وقتی که سرخی آفتاب
از جانب مشرق بالا رود بسمت الرأس و بجانب مغرب برسد شام شده است و بعضی از علما گفته اند
که وقتی که قرص آفتاب غروب کند شام شده است و غروب قرص باین معلوم میشود که شعاع
آفتاب از کوهها و عمارات مرتفعه زایل گردد و برطرف شود و قول اول احوط است و چیزهایی که
روزه را باطل میکند چند چیز است **اول داخل شدن** در جوف و این بر چهار نوع است **نوع اول**
خوردن و آشامیدن چیزی چند که حلال باشد و عادت بخوردن آنها شده باشد
مانند نان و گوشت و میوه ها و امثال آن و آب و گلاب و سایر عرقها و امثال آن و در این
باب در میان علما خلافی نیست که این ها روزه را باطل میکند و بفعل آن عمدا قضا و کفاره
واجب میشود و این نوع فرع بسیار دارد که تنبیه بر آنها ضرور است و اگر سهوا باشد بر آن
چیزی نیست از قضا و کفاره و روزه از آن باطل نمیشود و فرقی نیست میان روزه واجب و سنت
و قضا و نذر و کفاره و غیر آنها خواه یک مرتبه و خواه چند مرتبه خورده و آشامیده باشد بلی اگر
روزه ماه مبارک رمضان یا واجب معین باشد واجب است که او را تمام کند بنا بر حدیثی
که حضرت امام محمد باقر علیه السلام از جناب امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده است
و نگوید که حالا که خوردم یا بخورم بلکه بعد از این چیزی نخورد بلکه لقمه که در دهان
او است می باید که فرو نبرد که اگر عمدا فرو برد قضا و کفاره باید داد و اگر جاهلا فرو
برد بگمان آنکه ضرر ندارد مشهور آنست که در این صورت قضا و کفاره باید داد و دیگر

قضا

قضا بر او نیست اگر بکند و در کفاره خلاف است و اگر واجب غیر معین باشد قبل از ظهر
خلاف است مشهور آنست که مبطل است اگر در روز نیت کرده باشد و اگر در شب نیت
کرده باشد احتیاط آنست که نخورد بنا بر حدیثی که از حضرت صادق علیه السلام مطلق روزه
وارد شده است و ابن ابی عقیل همه جا تجویز کرده اند افطار قضای ماه رمضان را قبل از ظهر
و ابو الصلاح در جمیع روزهای واجبی خواه قضای ماه رمضان باشد و خواه غیر آن بعد از
طلوع صبح افطار را حرام میداند و بعد از ظهر موجب قضا و کفاره میداند و اگر روزه سنت
باشد در بعد از ظهر خوردن آن مخیر است و احوط گرفتن است بنا بر حدیث مطلق که از حضرت
صادق علیه السلام در گذشت در ماه رجب و اختلاف بسیاری از احادیث است و اقوال علما
در این مسئله وارد شده است که این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد و چون در نظر این فقیر
تحقیقات انواع بود باین قدر اکتفا نمود والله تعالی یعلم **اول جایز است خوردن و آشامیدن**
تا صبح مشخص شود و اگر معلوم شود که آن وقتی که خورده یا آشامیده صبح بوده است
اگر ملاحظه کرده باشد و خورده باشد قضا واجب نیست و اگر ملاحظه نکرده بگمان
اینکه شب باقی است خورده باشد قضا واجب است و کفاره واجب نیست موافق مشهور
میان اصحاب و اگر دیگری خبر دهد که صبح نشده و چیزی بخورد و در واقع صبح شده باشد
در این صورت نیز موافق مشهور قضا واجب است و کفاره لازم نیست و بعضی از متأخرین
گفته اند که اگر دو عادل خبر دهند قضا ساقط است و بعضی سقوط قضا را بقول یک عادل
نیز قوی دانسته اند و هرگاه معلوم شود که صبح طالع شده است و در دهان او چیزی باشد
واجب است که بیندازد و اگر فرو برد عمدا قضا و کفاره هر دو واجب است **دوم آنکه بعد از**
چیزی خوردن در میان دندانها باقی باشد اگر کسی از خلال یا غیر آن بیرون آورد و عمدا
بخورد قضا و کفاره هر دو واجب میشود و بعضی بوجوب قضای تنها قایل شده اند و اگر
خود بخود فرو رود و تقصیر در ضبط آن کرده باشد قضا و کفاره هر دو واجب دانسته اند
سیم چشیدن مرق طعام و مضغ نمودن چیزی و نرم کردن بدندان بوضعی که چیزی فرو نرود
اکثر علما جایز دانسته اند و شیخ طوسی رحمه الله چشیدن مرق را نسبت بطباخی که خوف فساد

طعام داشته باشد و نرم کردن طعام را بدندان در باره زنی که برای طفلی که تربیت می نماید
یا کسی که دایه بچه یا مرغی دهد و خوف هلاک آن را داشته باشد اگر ندهد تجویز نموده و
در غیر این دو صورت منع نموده است و قول شیخ احوط است و اگر چیزی از خلال بحلق فرو برد بعضی
گفته اند که مطلقا ضرری ندارد و بعضی گفته اند که اگر غرض صحیحی در جویدن و مضغ کردن داشته
ضرری ندارد و اگر بعبث جویده یا مضغ کرده قضا واجبست نه کفاره و قول اخیر احوط است
خصوصا اگر تقصیری در ضبط آن کرده باشد چهارم خاییدن انگشتری و امثال آنکه چیزی
که از آن جدا نشود جایز است و خاییدن قند و مصطکی و امثال آن اگر آب آن فرو نبرد
مکروهست و اگر فرو برد حرام دانسته اند و بعضی موجب قضا دانسته اند و اقوی نزد جمعی
از محققین جواز است و احوط آنست که تا ضرورتی نباشد بعمل نیاورد و در باب خاییدن
هست خرما مشهور کراهتست و احوط ترکست چنانچه در روایتی وارد شده است پنجم مضمضه
و استنشاق در حال روزه جایز است و مبالغه نمودن در آنها مکروهست چنانچه از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که از آنحضرت سؤال نمودند از مضمضه و استنشاق
برای روزه دار فرمودند بلی جایز است ولیکن مبالغه در آنها ننمایند و در روایتی وارد
شده که افضل برای صایم ترک مضمضه است و علما باین حدیث عمل ننموده اند زیرا که در
چند حدیث استحباب آن وارد شده و کمال احتیاط آنست که در وضوی نماز واجب اکتفا بمضمضه
و استنشاق خفیفی بکند و مبالغه ننماید و بعد از مضمضه سه مرتبه آب دهان را بیندازد
چنانچه در روایتی مذکور است یا یکمرتبه چنانچه در روایتی دیگر مذکور است بیندازد
و در غیر وضوی نماز واجب خواه نماز سنت یا بقصد تبرید یا غیر آن اصلا مضمضه و استنشاق
نکند و اگر بکند مبالغه نکند و در مضمضه سه مرتبه یا یکمرتبه آب دهان را بیندازد
و اگر بی اختیار در مضمضه آب بحلق او رود اقوی نزد جمعی از محققین آنست که اگر
مضمضه برای وضوی نماز واجب کرده قضا بر او لازم نیست و اگر برای وضوی نماز سنت
است بعضی قضا را واجب دانسته اند و اگر بعبث مضمضه کرده باشد جمعی قضا را واجب
دانسته اند و احوط در هر صورت اخذ قضاست ششم مشهور میان فقها آنست که شیاف
کردن

کردن بچوب خشک یا تر در اول روز و آخر روز جایز است و در بعضی از روایات نهی از چوب تر
وارد شده و جمعی از علما حمل بر کراهت نموده اند و احوط ترکست و اگر آب دهان را بیندازند بد نیست
و باید ملاحظه نماید که مسواک تر را که از دهان چون بیرون آورد باز داخل دهان نکند که
اگر آب از او فرو برد دغدغه قضا و کفاره جمع میشود نیز اگر آب دهان چون از دهان بیرون آید
حرام است موافق مشهور میان فقها نوع دویم خوردن و آشامیدن چیزی چند است که
حرام باشد مانند شراب انگور و امثال آن و فعل اینها عمدا موجب قضا و کفاره جمع است
نوع سیم خوردن و آشامیدن چیزهای غیر معتاد است مانند سنگ و چوب و گیاههای غیر
معتاد و آب فشرده شده از آنها و امثال آن و در این باب خلاف است مشهور میان علما آنست
که مبطل و موجب قضا و کفاره است و بعضی موجب قضای تنها دانسته اند و بعضی گفته اند
که اصلا مبطل نیست ولیکن باعث نقص روزه میشود و قول مشهور اقوی و احوط است و این نوع نیز
چند فرع دارد که تنبیه بر آنها ضرور است اول رسانیدن غبار غلیظ بحلق و در آن خلافست
جمعی آن را مفسد روزه و موجب قضا و کفاره میدانند و جمعی موجب قضای تنها میدانند و ظاهر
کلام محقق رحمه الله در کتاب شرایع آنست که مطلق غبار خواه غلیظ و خواه رقیق موجب قضاست
و جمعی از محققین اصلا مبطل نمیدانند و قول اول احوط است و مشهور آنست که رفتن بمکانی که در
آن غبار غلیظ بوده باشد عمدا جایز است و بعضی موجب قضا دانسته اند و احوط ترکست
دویم جمعی از متاخرین علما ملحق ساخته اند بغبار غلیظ دود غلیظ و بخار غلیظی را که اجزاء
از آن منفصل شود مانند دود تنور و بخار دیگ و امثال آن نه مثل دود عود و امثال آن که رقیق
باشد و در این مسئله نیز مانند مسایل سابق رسانیدن آن بحلق احوط قضا و کفاره است و رفتن
بچنین مکانی احوط ترکست و اقل احتیاط در قضا است سیم بلغمی که از سینه کنده شود یا از
دماغ فرود آید و در آن سه قول است قول اول جایز است فرو بردن آنچه از سینه بدهان
آید مادام که از فضای دهان بیرون نرفته باشد و حرام است فرو بردن آنچه از دماغ فرود
آید هر چند باصل دهان چیزی نرفته باشد و حرام است فرو بردن چیزی نرسیده باشد قول دویم
حرام است فرو بردن هر دو اگر بدهان رسیده باشد و جایز است اگر باصل دهان نرسیده

باشد **قول سیم** جایز است فرو بردن هر دو ما دام که از دهان منفصل نشده باشد و جمعی که حکم
بفساد کرده اند بعضی قضای تنها و بعضی کفاره را نیز واجب دانسته اند و بعضی بکفاره جمع قایل
شده اند و احتیاط آنست که بعد از آنکه بفضای دهان آمده باشد فرو نبرد **چهارم** فرو بردن
آب دهان ما دام که در دهان است ضرر ندارد و اگر از دهان جدا شود خوردن آن حرام و مفسد است
بلکه بعضی بکفاره جمع میشود و هر گاه با زبان بیرون آید و باندرون برد و بخورد ظاهر آنست ضرر نداشته
باشد و احوط ترک است و همچنین خوردن آب دهان دیگری حرام و مفسد است و در روایتی جواز مکیدن
شوهر زبان زن را و بر عکس وارد شده اند و علما حمل بر صورت فرو نرفتن آب دهان نموده اند
و در روایتی دیگر جواز داخل شدن آب دهان دختر کوچک در جوف پدر در هنگام بوسیدن وارد
شده و علما حمل بر حالت عدم اختیار نموده اند و احوط ترک است **پنجم اگر** بینه و عکس و امثال آن
بی اختیار و بدون تقصیر بحلق رسد ضرر ندارد و روزه اش صحیح است **نوع چهارم** داخل شدن چیزی
در جوف از غیر راه دهان و این نوع اقسام بسیار دارد **قسم اول** چکانیدن دوا در گوش و
بینی هر گاه تعدی بحلق نکند و اقوی نزد جمعی از محققین کراهت و عدم افساد است و بعضی
موجب قضا و کفاره دانسته اند و احوط ترک است با عدم ضرورت و با وجود ضرورت و تعدی
بحلق احتیاط در قضاست و در باب بوییدن رایحه غلیظ اشهر بین علما و اقوی نزد ان محققین
آنست که مفطر نیست و بعضی گفته اند که بوییدن رایحه غلیظی که بجوف و دماغ رسد موجب قضا و
کفاره است و احتیاط در ترک است و همچنین بوی خوشی که سائیده باشد و بدماغ بالا رود و احتیاط
در ترک است چنانچه در روایتی وارد شده است **دویم** بچشم کشیدن چیزی که طعمی داشته باشد
که بحلق رسد یا مشک داخل آن باشد مشهور در این باب کراهت است بلکه قول بحرمت یا افساد
بنظر نمیرسد و لیکن در بعضی روایات نهی از آن وارد شده بلکه نهی از مطلق سرمه کشیدن وارد
شده است و باین جهت احتیاط در ترک است **سیم هر گاه** جراحتی در بدن باشد و دوا بر آن
بنهد و داخل جوف شود اکثر قایل بعدم فساد شده اند و بعضی مفسد روزه دانسته اند و در
این جا نیز مانند سابق احوط با عدم ضرورت ترک است و با وجود ضرورت قضاست **چهارم حقنه**
و بعضی موجب قضا و کفاره هر دو و بعضی موجب قضا تنها دانسته اند و بعضی گفته اند که حرام است

و موجب

و موجب هیچیک نیست و بعضی حقنه مایع را موجب قضا و حقنه جامد را مانند شیاف
مکروه دانسته اند و بعضی مطلقا بکراهت قایل شده اند و اقوی نزد جمعی از محققین قول اخیر است
و احوط در این باب نیز ترک است با عدم ضرورت و با وجود ضرورت احتیاط در قضاست **پنجم اگر**
دوا بذکر بچکاند و داخل جوف شود اشهر و اقوی نزد جمعی از محققین عدم فساد صوم است و بعضی
قایل بفساد شده اند و احوط با عدم ضرورت ترک و با ضرورت قضاست **دویم از مبطلات**
روزه وطی است بدانکه جماع در قبل زن مطلقا خواه انزال بشود و خواه نه مبطل روزه است
و فعل آن موجب قضا و کفاره است باجماع اصحاب و همچنین جماع در دبر خواه مرد و خواه زن
هر گاه انزال شود مفسد و موجب قضا و کفاره است و اگر انزال نشود خلافی است و بعضی
مبطل نمیدانند و مشهور میان علما در این صورت نیز ابطال روزه و وجوب قضا و کفاره است
و این قول نزد جمعی از محققین اقوی است و رعایت آن احوط است و بر این مسئله نیز بعضی از فروع
متفرع میشود **اول جایز است** جماع کردن از اول شب تا آن مقدار که چون از جماع فارغ شود و
غسل کند صبح نشده باشد و اگر گمانش این باشد که وقت وفا بجماع و غسل هر دو میکند و در
واقع انبقدر بصبح نمانده باشد غسل میکند و روزه اش صحیح است اگر خود ملاحظه وقت کرده
باشد و اگر خود ملاحظه نکرده باشد و چون از جماع فارغ شود و صبح شود احوط قضاست
و اگر گمان کند که شب باقی است و در واقع صبح شده باشد چنانچه تمام زمان جماع بعد از
صبح شده موافق مشهور میان علما قضا واجب است و احتیاط نیز در این است **دویم اگر** جماع برضا
و خواهش مرد و زن هر دو واقع شود بر هر دو کفاره واجب است و هر یک را بیست و پنج تازیانه میزنند
و اگر مرد زن را جبر نماید بر جماع کفاره زن را نیز مرد میدهد و پنجاه تازیانه بر مرد میزنند و اما فی
مشهور میان علما و احتیاط نیز در این است و اگر زن اول مجبور باشد و در اثنای جماع راضی
شود مرد دو کفاره و زن یک کفاره میدهد و اگر با زن اجنبیه زنا کند یک کفاره میدهد و احوط
تعدد است و در جمیع صورت اکراه روزه زن صحیح است مگر در صورتی که زن در اثنای جماع راضی
شود **سیم اگر جاهل** مسئله باشد و مجامعت نماید اولی آنست که قضا و کفاره هر دو را به
نیت احتیاط بعمل آورد **چهارم وطی کردن** بابهایم با انزال موجب قضا و کفاره است باجماع علما

وبا عدم انزال خلافست بعضی موجب قضا و کفاره هر دو و بعضی موجب قضا به تنهائی دانسته اند و قول
اول احوط است سیم از مبطلات روزه استمناست یعنی طلب منی کردن بغیر طریق جماع بالحصول آن و خلافی
در این باب بنظر نرسید که این مفسد روزه و موجب قضا و کفاره است و بر این مسئله نیز بعضی از فروع متفرع
میشود اول مشهور میان علما آنست که هرگاه ملاعبه و ملامسه کند و قصد انزال نداشته باشد و انزال
شود قضا و کفاره لازم میشود و بعضی در این باب تامل نموده اند خصوصا وقتی که نسبت بحلال
خود باشد و عادت او انزال نباشد و اقوی نزد جمعی از محققین قضا و کفاره است مطلقا و این
احوط است دوم هرگاه نظر کند بزن حلال یا حرام یا پسران امرد یا صدای ایشان را شنیدن
یا بخیال خود در آورد هرگاه باعث آمدن منی شود و قصد انزال نداشته باشد و بان معتاد
نباشد و انزال شود خلاف بعضی قضا و کفاره را لازم دانسته اند و اظهر نزد جمعی از محققین عدم
وجوب قضا و کفاره است و احوط رعایت قول اول است سیم اگر با زن ملاعبه کند و مذی بیاید
در روایتی وارد شده که استغفار نماید و روزه را قضا کند و بعضی این حدیث را طرح کرده اند
و بعضی بر استحباب و بعضی بر تقیه حمل کرده اند و عمل بانچه بعضی از متاخرین کرده اند احوط است
چهارم جمعی از علما اصل بوسیدن زنان و ملامسه و ملاعبه با ایشان را مطلقا مکروه دانسته اند
و اظهر آنست که کراهت مخصوص در صورتیست که اینها محرک شهوت او و خوف وقوع در جماع باشد
و کراهت در پیر و جوانان با این جهت است پنجم اگر در روز محتلم شود روزه اش باطل نمیشود
و در روز غسل میکند و بجهت استبرا بول میکند و اگر منی در مجرای بول بوده باشد و بسبب بول
کردن دفع شود بروزه ضرر ندارد و این را استمنا در عرف نمیگویند و اگر گویند دلیلی قایم
نیست بر آنکه هر استمنائی مفسد روزه است و اگر مشکل نباشد بول را تا شام تاخیر نماید
شاید احوط باشد چنانچه از استاد الکل فی الکل مولانا احمد اردبیلی قدس الله روحه منقولست که در
ماه مبارک رمضان هرگاه محتلم میشده بول نمیکرده غسل مینموده و بعد از شام بول میکرده و غسل را
احتیاطا اعاده میکرده است و این نهایت احتیاط در این باب است ششم بعد از احتلام در
روز و خواه در شب مستحب است که خواب نکند تا غسل کند چهارم از مبطلات روزه باقی
ماندن بر جنابت است تا صبح و اشهر میان علما و اقوی نزد جمعی از محققین آنست که موجب قضا

و کفاره است

و کفاره است و بعضی قضا به تنهائی را واجب دانسته اند و بعضی مبطل نمیدانند و قول اول
احوط است و این مسئله نیز بعضی از فروع دارد اول خوابیدن بعد از جنابت جایز است اگر نیت
غسل داشته باشد و احتمال بیدار شدن بعد از صبح در خود دهد و اگر تا صبح بیدار نشود مشهور
آنست که قضای آن روز بر او واجب نیست و بعضی واجب دانسته اند و این احوط است و اگر
و اگر بعد از جنابت بخوابد و نیت غسل نداشته باشد و تا صبح در خواب باشد موافق مشهور
قضا و کفاره هر دو لازم میشود و مجدد العلام مولانا محمد باقر مجلسی رفع الله درجته در این باب
تامل نموده و احوط رعایت مشهور است و اگر نیت غسل داشته باشد و بعد از بیدار شدن از خواب
اول مرتبه دوم بار بخواب رود و تا صبح بیدار نشود مشهور وجوب قضاست بلکه خلاف در آن
ظاهر نیست و اگر از خواب دوم بیدار شود و مرتبه سیم نیز بخوابد تا صبح با نیت غسل جمعی
قضا و کفاره هر دو را واجب دانسته اند و بعضی قضای تنها را و قول اول احوط است دوم
در باب خواب بعد از بیدار شدن از خوابی که در آن خواب احتلام واقع شده اختلافست جمعی در
حکم خواب اول و بعضی از متاخرین در حکم خواب ثانی میدانند و احوط قول دویم است
سیم اگر جنب را غسل میسر نشود احوط آنست که تیمم کند و تیمم را نکند تا صبح طالع شود
چهارم احوط آنست که اگر زن از حیض پاک شود پیش از صبح غسل کند و اگر نکند احوط آنست
که بعد از صبح غسل کند و آن روز را روزه بدارد و قضا نیز بکند پنجم در روزه غیر ماه
مبارک رمضان خلافست که آیا باید صبح را پاک دریابد یا نه و اقوی نزد جمعی از محققین
اینست که در قضای ماه مبارک رمضان میباید صبح جنب نباشد و در غیر قضا اگر صبح جنب
باشد خواه عمدا بر جنابت باقی مانده باشد تا صبح یا نسیانا اگر آن روزه واجب معین نباشد
احوط آنست که آن روز را روزه ندارد و اگر معین باشد و تعمد بقا بر جنابت نموده
باشد و احوط آنست که آن روز را روزه بدارد و قضا نیز بکند و اگر عمدا بر جنابت باقی مانده
باشد تا صبح بعضی از محققین کفاره را نیز لازم میدانند و اگر بدهد احوط است و اگر
روزه سنت باشد و عمدا بر جنابت باقی بماند تا صبح و قبل از زوال غسل کند و نیت
روزه بکند بزعم جمعی از محققین روزه اش صحیح است پنجم از مبطلات روزه ارتماس است

یعنی سر فرو بردن در آب و جمعی آن را موجب کفاره و بعضی موجب قضا تنها میدانند و بعضی گفته‌اند
حرام است و موجب هیچیک نیست و بعضی مکروه دانسته‌اند و اظهر نزد جمعی از محققین حرمت است
و قول اول احوط است و بنابر این مسئله بنابر بعضی از فروع متفرع میشود اول اگر منافذ سر
مانند دهان و گوش و چشم را دفعة در آب فرو برد و منابت موی که اصل کاسه سر است بیرون
باشد آیا حکم ارتماس دارد یا نه جمعی آن را در حکم ارتماس میدانند و بعضی نمیدانند و قول
اخیر احوط است دوم اگر سر را بابی فرو برد تا گردن و بدن بیرون آب باشد این را نیز مانند
سابق جمعی در حکم ارتماس میدانند و بعضی نمیدانند و این احوط است سیم در روزه سنت
بعضی ارتماس را تجویز نموده‌اند و احوط ترک است چهارم مشهور میان علما آنست که مکروه است که زنان
در میان آب بنشینند و بعضی گفته‌اند که هر گاه تا کمر در آب بنشینند قضا لازم است و بعضی کفاره را
نیز واجب دانسته‌اند و جمعی از محققین قول اول را اقوی میدانند و قول اخیر احوط و احتیاط در
ترک است ششم از مبطلات روزه قی کردنست از روی عمد و اکثر اصحاب موجب قضای تنها
و بعضی کفاره را نیز لازم دانسته‌اند و بعضی موجب هیچیک نمیدانند و مسئله محل اشکال است
و نزد جمعی از محققین قول مشهور قوی است و احوط ترک است و اگر بی اختیار قی کند موافق مشهور
قضا لازم نیست و بعضی قضا را متعذر دانسته‌اند و این قول اگرچه ضعیف است و لیکن احوط است
هفتم از مبطلات دروغ گفتن بر خدا و رسول خدا و ائمه هدی علیه و علیهم التحیة و الثناست
یا آنکه حدیثی دروغ نقل کند یا مسئله غلطی بگوید بلکه اگر درست بگوید و اهلیت مسئله گفتن
نداشته باشد و در حرمت آن شکی نیست و بعضی در حالت روزه موجب قضا و کفاره میدانند
و بعضی مفسد روزه اصلا نمیدانند و مسئله خالی از اشکالی نیست و احوط رعایت قول اول است
و بنا بر آنکه احادیث ضعیفه بلکه احادیث صحیحه نیز ممکن است که از معصوم صادر نشده باشد
و مضمون آن خلاف واقع باشد و همچنین فتوای مجتهد نیز ممکن است که مطابق حکم
الله واقعی نباشد و لیکن این معنی داخل در کذب بر خدا و ائمه علیهم السلام نیست زیرا که بعنوان
جزم و قطع احادیث را نقل نمیکنند بلکه حقیقت روایت احادیث خصوصا در این ازمنه که
عهد بعیدی میان ما و ائمه علیهم السلام فاصل شده باین راجع میشود که محتمل است که امام

علیه

علیه السلام این حدیث را فرموده باشد و فتوای مجتهد اگرچه در بعضی از موارد بعنوان جزم
و قطع است و لیکن حقیقتا نیز راجع باین میشود که من از ادله شرعیه این مسئله را چنین
فهمیده‌ام و ممکن است که حکم الله در واقع و نفس الامر چنین نباشد و غیر این باشد و باین جهت
نقل احادیث و گفتن فتاوی علما از روی دقت و احتیاط ضرر ندارد و الله تعالی یعلم حقایق
الامور تتمه بدانکه بسیاری از مکروهات روزه بتقریبات مناسبه در این باب مذکور
شد و تتمه مکروهات که اشاره بآنها نشده چند امر است اول بوئیدن گلها خصوصا نرگس
و در بعضی روایات نهی از آن وارد شده و بر کراهت حمل نموده‌اند و جهت کراهت چنانچه از اخبار
ظاهر میشود دو چیز است اول لذت بردن چنانچه ابن بابویه بسند خود از حضرت صادق
علیه السلام روایت کرده است که آنحضرت در حالت روزه هیچ گلی را نمیبوئید پس جهت این را
از آنحضرت پرسیدند فرمودند که من کراهت دارم که روزه خود را مخلوط بلذت بسازم دوم
در خصوص نرگس است ابن بابویه رضی الله عنه از ابن رئاب روایت کرده است که گفت شنیدم
از حضرت صادق علیه السلام که نهی فرمود بوئیدن نرگس را برای روزه دار پس من عرض
کردم فدای تو شوم جهت این چیست فرمود بجهت آنکه نرگس گل عجمان است مؤلف گوید که اینکه آن
حضرت فرمود که نرگس گل عجمان است اشاره است برسمی قدیم که در میان عجم شایع بوده است
چنانچه شیخ مفید قدس الله روحه در کتاب مقنعه ذکر نموده که پادشاهان عجم در سالی یک روز
مخصوصی را روزه میداشته‌اند و در آن روز نرگس بسیار مهیا مینموده‌اند و میبوئیده‌اند و
میگفته‌اند که بوئیدن نرگس رفع گرسنگی و تشنگی میکند پس شیخ مفید گفته که این معنی چون
در میان ایشان سنت گردیده بود لهذا آل محمد صلی الله علیه و علیهم نهی از آن فرمودند بجهت
رد بر ایشان هرچند مفسد روزه نباشد دوم بوئیدن مشک و ممکن است که ترک این
باب لذت باشد چنانچه در باب بوئیدن گلها مذکور شد والله تعالی یعلم و بدانکه بوی خوش
مالیدن ضرر ندارد بلکه سنت است چنانچه بعد از این انشاء الله تعالی مذکور خواهد شد
سیم شعر خواندن هرچند مضمون آن حق باشد یا در مدح ائمه علیهم السلام بوده باشد چنانچه
شیخ طوسی رضی الله عنه بسند خود از حماد بن عثمان روایت کرده است که از حضرت صادق

علیه السلام شنیدم که مکروه است خواندن شعر برای روزه دار و محرم و در حرم و در
روز جمعه و در شب مطلقا این عرض کردم که اگرچه شعر حقی باشد فرمود بلی اگرچه مضمون آن
شعر حق باشد **وایضاً** از حماد بن عثمان و غیر آن روایت کرده است که آنحضرت فرمود که انشاد
شعر مکنید در شب جمعه و نه در ماه رمضان در شب آن و نه در روز آن پس اسمعیل فرزند
آنحضرت عرض کرد که ای پدر هر چند در شان ما اهل بیت باشد حضرت فرمود بلی هرچند
در شان ما بوده باشد **مؤلف گوید که** از این دو حدیث مفهوم میشود که کراهت شعر خواندن
در شبهای ماه رمضان زیاده از روزها باشد زیرا که از دو جهت کراهت بهم رسانید
بلکه در شب جمعهای آن ماه زیاده از دو جهت کراهت دارد و در شبهای جمعه آن ماه از سه جهت
و اگر کسی در مکه معظمه بوده باشد از چهار جهت کراهت دارد والله تعالی اعلم **چهارم حجامت**
کردن و در روایات بسیار نهی از آن وارد شده و بعضی از روایات دلالت بر تجویز آن میکند بلکه
در روایتی وارد شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالت روزه حجامت فرمود و وجه
جمع بین الاخبار چنانچه از بعضی روایات ظاهر میشود آنست که هرگاه خوف ضعفی باشد
مکروه است زیرا که ممکن است که باعث اذیتی شود و افطار نماید و اگر خوف ضعف نباشد
کراهت ندارد خصوصاً هرگاه احتیاج بآن شده باشد و از بعضی روایات ظاهر میشود که
در ماه رمضان بهتر آنست که در شب حجامت واقع شود و ائمه علیهم السلام هرگاه در آن
ماه محتاج میشده اند در شب حجامت میکرده اند و این روایات محمول است بر صورتی
که اگر تاخیر شود تا شب ضرر نکند و اگر فوراً ضرور شود و تاخیر آن ضرر داشته باشد البته
در روز واقع باید شود والله تعالی اعلم **پنجم دندان کندن** چنانچه کلینی رضی الله عنه بسند
موثق از عمار بن موسی ساباطی روایت کرده است که از حضرت صادق علیه السلام سؤال
نمود از آنکه صایم دندان خود را میتواند کند حضرت فرمود و همانا خود را بخون نیندازد
و سؤال بجوب ترتیب نکند و علما این حدیث را بر حمل نموده اند در صورتی که کندن دندان
باعث ضعف شود و تعمیم این حکم نموده اند در هر چیزی که از بدن بیرون آید و باعث ضعف
شود مانند فصد کردن و غیر آن و در همه اینها قایل بکراهت شده اند **ششم حمام رفتن**
که باعث

که باعث ضعف شود چنانچه کلینی رضی الله عنه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت
کرده است که پرسیدند از آنحضرت از مردی که داخل حمام میشود در حالت روزه فرمود که باکی نیست
مادامی که خوف ضعف نداشته باشد و در بعضی از روایات تجویز آن وارد شده و آن محمول است
بر صورت اباحت یا صورتی که خوف ضعف نباشد یا ضرور شده باشد والله تعالی اعلم **تذییل**
بدانکه اشهر میان علمای شیعه رضوان الله علیهم در باب کفاره افطار روزه ماه مبارک رمضان
آنست که مخیر است میان بنده آزاد کردن و دو ماه روزه داشتن و شصت مسکین طعام دادن
و بعضی بترتیب قایل شده اند یعنی واجب است اولاً بنده آزاد کردن و اگر قادر بر آن نباشد
دو ماه روزه بگیرد و اگر بر آن قدرت نداشته باشد شصت مسکین را طعام دهد و قول
اول نزد جمعی از محققین اقوی و احتیاط در مراعات قول ثانی است و مراد از بنده آزاد کردن
مطلق بنده است و شامل غلام و کنیز و بالغ و نابالغ همه هست و اما ایمان در او شرط هست یا نه آزاد
کردن بنده غیر مؤمن نیز مجزیست و در این باب خلافست و احوط رعایت ایمانست و مشهور
آنست که غلام و کنیزک بچه را آزاد میتوان کرد تا علم بمرکبی بهم نرسد و بعضی شرط کرده اند
که باید چیزی از او بپرسد و بعضی طی نحیات را شرط کرده اند و باید که آن بنده کور و شل
خوره و پیسی و زمینگیر نباشد و مولی جراحتی که موجب عتق او باشد باو نرسانیده باشد
و بعضی گفته اند که باید خصی و کال و گنگ نباشد و ولد الزنا نیز نباشد و مراد از دو ماه روزه
داشتن آنست که متوالی و پی در پی باشد و توالی یکماه و یکروز که متصل بگیرد بعمل آید با بعضی
که اگر بعد از آن بدون عذر افطار کند نباید از سر بگیرد و اما تفریق بعد از سی و یکروز بدون
عذر جایز است یا حرام در این باب خلافست و احوط توالی رعایت در مجموع است بی عذر
و اگر پیش از یکماه و یکروز بی عذری افطار کند از سر میگیرد و اگر بجهت عذری باشد مثل
حیض و نفاس و بیهوشی و دیوانگی و بیماری و سفر ضروری بعد از زایل شدن عذر بنا میگذارد
و تمام میکند و مراد از طعام دادن شصت مسکین موافق مشهور میان علما آنست که هر یک را آنقدر
طعام بخورانند که سیر شود و ظاهر اینست که نان گندم و جو و خرما و طعام و برنج همه مجزی باشد
و احوط آنست که نان خورش با نان ضم کند مانند خرما یا گوشت یا سرکه و بعضی گفته اند

چاشت و شام هر یک باید بمسکین بخورانند انقدر که سیر شود و این احوط است و اگر خواهد
طعام را بمسکین میتواند داد و در مقدار آن خلافست بعضی یکمد گفته اند و بعضی دو مد
و احوط دو مد است و احوط انست که با آن نان خورشی بدهد چنانچه بعضی واجب دانسته
اند در طعام دادن کوچک و بزرگ تفاوت نمیکند و احوط انست که حصه طفل را بولی
شرعی ایشان بدهد و اگر طعام خورانند ظاهرا صغیر و کبیر را با هم تواند ضم کند و اگر
دو طفل را بجای یکی حساب کند احوط است و در یک کفاره دو حصه را بیک مسکین نمیتوان
داد مگر انکه مستحق یافت نشود و احوط انست که ممکن باشد فقیر مؤمن بدهد و به پیشتاه
بسیار پیشتاه بدهد که مسکین بناوضادق باشد و مد چهار یک صاع است و صاعی
یکمن تبریزی و چهار ده مثقال و ربع است بنا بر مشهور و چون در احادیث در تحدید صاع
و مد اختلافی هست احوط انست که بجای دو مد نیم من شاه تقریبا بدهد و بدانکه اگر کسی
از این سه چیز یعنی بنده ازاد کردن و دو ماه روزه داشتن و شصت مسکین طعام دادن
عاجز باشد هجده روز روزه میگیرد و احوط انست که پی در پی بگیرد و اگر از این عاجز
باشد مشهور اینست که واجبست استغفار نماید و از روی توبه بقصد وجوب و در
استغفار لفظ استغفر الله کافیست و اگر بعد از عجز و اتیان به بدل قدرت بر یکی از
کفارات ثلث بهم رساند احوط انست که انرا بعمل آورد و در باب افطار قضای ماه
رمضان اگر پیش از ظهر افطار نماید جایز است و کفاره ندارد و اگر زمان بسیار قلیلی بظهر
مانده باشد افطار حرام است و لیکن کفاره ندارد بنا بر مشهور چنانکه تفصیل در
اول در مقصد اول گذشت و اگر بعد از ظهر افطار نماید مشهور میان اصحاب حرمت
و وجوب کفاره است و کفاره ان انست که ده مسکین را طعام دهد و اگر عاجز شود
سه روز روزه بگیرد و اگر از ان نیز عاجز شود استغفار بنا بر مشهور والله تعالی
یعلم حقایق الامور مقصد دویم در بیان شرایط صحت روزه ماه مبارک رمضان
است بدانکه شرایط روزه چند امر است اول بلوغ و بلوغ پسر بچند چیز حاصل میشود
اول بتمام شدن پانزده سال دویم باحتلام سیم بروییدن موی درشت در

پشت ظهار و بلوغ دختر بدو علامت اخر پسر حاصل میشود و بچند چیز دیگر اول تمام شدن
نه سال دویم دیدن خون حیض سیم حامله شدن و سنت است که ولی طفل در هفت ساله
گی او را بروزه داشتن باز دارد هر قدر که تواند گرفت اگر بعضی از روز باشد و در باب پسر در نه
سالگی مبالغه بیشتر بکند و در سیزده سالگی بیشتر و احوط در سیزده سالگی انست که ترک
نکند بلکه تمام را بگیرد دویم عقل پس صحیح نیست روزه دیوانه و مغمی علیه یعنی کسی که بیهوش
شده باشد بلکه بر ایشان واجب نیست و بعد از انکه دیوانه عاقل شود یا مغمی علیه بهوش
اید قضا بر ایشان واجب نیست و مغمی علیه مستحب است که روزه ایام اغما را قضا کند اگر بی اختیار
بیهوش شده باشد و اگر عمدا چیزی خورده باشد و بیهوش شده باشد قضا بر او لازم است
سیم اسلام پس صحیح نیست روزه کافر هر چند بر او واجب است و لیکن بعد از اسلام قضا بر او
واجب نیست ببرکت اسلام چهارم انکه صحیح باشد پس صحیح نیست روزه بیمار هرگاه ضرر
رساند به بیماری او یا انکه سبب زیادتی مرض او شود یا سبب ان از طول بهم رساند و لیکن
واجب است که بعد از صحت روزه ایام مرض را قضا نماید و در مرض رجوع بنفس خود میکند
اگر خود یابد که روزه مضر است افطار میکند و اگر خود نیابد رجوع باطبای حاذق عادل
میکند پس اگر دو طبیب حاذق عادل تصدیق ضرر نمایند افطار میکند و اگر ایشان اختلاف
نمایند یا حاذق نباشند یا عادل نباشند احوط انست که روزه را بگیرد و اگر ضرر بیابد
افطار کند و الا روزه را بگیرد و قضا بکند و اگر یک طبیب حاذق عادل تصدیق کند
ضرر را جمعی گفته اند که افطار میکند و احوط در این صورت گرفتن روزه و قضاست پنجم انکه
مسافر بسفر شرعی نباشد پس اگر بسفر واجب یا مستحب یا مباح رفته باشد افطار مینماید و بعد
از انقضای سفر قضا میکند و لیکن سنت است که چیزی بسیار نخورد و آب بسیار ننیاشامد
و با زنان در روز مقاربت نکند و بعضی جماع را حرام دانسته اند و اگر سفر او سفر معصیت
باشد یا برای صید لهو باشد یا کثیر السفر باشد مانند مکاری و ملاح و مثل اینها که طالب
علف اند روزه را میگیرند و جمعی از علما گفته اند که هرگاه بر شخصی طلب علم واجب باشد و در
سفر ممکن نباشد هرگاه این شخص بسفر رود اگر چه بقصد زیارت قبور ائمه معصومین علیهم

السلام باشد باید که نماز را تمام کند و روزه را بگیرد و منقولست که فاضل جلیل متقی مولانا احمد
اردبیلی قدس الله روحه هرگاه از نجف اشرف بکربلای معلی بعزم زیارت می آمد در اثنای سواری
مطالعه میکرده و مع هذا احتیاطا جمع میان قصر و اتمام مینمود که مبادا سفر معصیت باشد چون
در حضر مطالعه را بهتر میتوان کرد و این نهایت احتیاط است در این باب و بدانکه مسافر
بسفر شرعی اگر جاهل مسئله باشد و روزه بدارد روزه اش صحیح است و قضا نمیکند بنابر مشهور
میان علما و اگر در اثنای روز عالم بمسئله وجوب افطار شود افطار میکند و قضا میکند
و اگر پیشتر مسئله را داند و فراموش کند روزه را بگیرد و احوط آنست که قضا کند ششم خالی
بودن از جنابت و حیض و نفاس بلکه بودن استحاضه با اخلال باعمال استحاضه بنابر بعضی
از اقوال مفسد است چنانچه مذکور میشود بدانکه حکم جنابت بتفصیل در مقصد اول مذکور
شد و حایض و نفسا در حالت حیض و نفاس روزه ایشان صحیح نیست و افطار میکنند و بعد
از ماه رمضان قضا میکنند و اگر پیش از صبح پاک شوند واجب است که آن روز را روزه بدارند
و احوط آنست که اگر ممکن شود پیش از صبح غسل کنند و الا تیمم کنند احتیاطا و بیدار باشند
تا صبح و اما مستحاضه پس اگر استحاضه او قلیله باشد از برای هر نمازی وضو میسازد و احوط
آنست که در نیت وضو صحت روزه نیز بکند یا آنکه قصد کند که وضو میسازم برای مباح بودن
نماز و هرچه مباح میشود بوضو قربة الی الله تعالی و اگر مستحاضه متوسطه باشد احوط آنست
که برای هر نماز وضو بقصدی که مذکور شد بسازد و پیش از صبح قریب بصبح غسل را واقع سازد
اگر ممکن باشد و الا تیمم کند و بیدار باشد تا صبح را به تیمم دریابد و برای نماز صبح نیز
غسل احتیاطا بکند و اگر ممکن نشود تیمم بکند و اگر کثیره باشد اعمال قلیله و متوسطه را
بنحوی که متضمن احتیاط باشد چنانچه مذکور شد میکند و غسلی را که برای نماز ظهر و عصر
میکند احوط آنست که در نیت آن صحت روزه را نیز ضم کند یا آنکه قصد کند که غسل میکنم برای
مباح بودن نماز و آنچه بغسل مباح میشود قربة الی الله تعالی و همچنین احوط آنست که در نیت
غسلی که برای نماز شام و خفتن میکند صحت روزه را بطریقی که در غسل نماز ظهر و عصر مذکور
شد ضم کند و نهایت احتیاط آنست که متوسطه نیز در غسل کثیره را بطریقی که مذکور شد بکند و
این مسئله

این مسئله در غایت اشکال و اقوال متعارضه در آن هست و بنابر قول بعضی از اقوال اگر اخلال
نماید بآنچه مذکور شد روزه اش فاسد بلکه موجب قضا و کفاره میشود و لهذا نهایت احتیاط
در این باب مذکور کردیم و الله تعالی یعلم و بدانکه اگر طفل بالغ شود یا دیوانه عاقل شود یا
مغمی علیه بهوش آید یا کافر مسلمان شود پیش از صبح آن روز را واجب است که روزه بدارد و اگر
بعد از صبح واقع شود پس اگر قبل از ظهر واقع شده و هنوز فعل مفطری بجا نیاورده است احوط
آنست که بقیه آن روز را امساک نماید و نیت از جنبی کند که امساک میکنم این روز را که اگر
بعنوان صوم مطلوب شارع بوده باشد صوم باشد و الا امساک مستحب قربة الی الله تعالی
و اگر بعد از ظهر موانع ایشان رفع شود یا قبل از ظهر و مفطری بعمل آمده باشد مستحب است امساک
بقیه آن روز و همچنین هرگاه مریض صحت یابد بعد از ظهر یا قبل از ظهر و افطار کرده باشد
سنت است که بقیه آن روز را امساک نماید و اگر پیش از ظهر صحیح شود و چیزی نخورده باشد
واجب است که روزه بدارد و همچنین مسافر اگر قبل از ظهر بحد ترخص خانه رسد یا بحد ترخص
شهری که در آن شهر قصد اقامت ده روز داشته باشد یا بحد ترخص مکانی که در آنجا سی
ماه اقامت داشته باشد برسد و مفطری بعمل نیاورده باشد واجب است که آن روز را روزه
بدارد و اگر بعد از ظهر باشد یا قبل از آن و افطار کرده باشد امساک میکند استحبابا و هم
چنین حایض و نفسا هرگاه پاک شوند در اثنای روز امساک میکنند بقیه آن روز را استحبابا
اگر بعد از صبح یک لحظه پاک شوند روزه از ایشان جایز نیست و الله تعالی یعلم

باب دویم در بیان آداب روزه و بعضی از فضایل آن شیخ بزرگوار عالی مقدار محمد بن
یعقوب کلینی و شیخ طوسی رضی الله عنهما و دیگران بسندهای معتبر از محمد بن مسلم روایت
کرده اند که حضرت صادق علیه السلام با او فرمود که هرگاه روزه باشی پس باید که گوش تو
و چشم تو و موی تو و پوست تو و تمام چیزی چند غیر اینها را و فرمود که باید که روز روزه
مانند روز افطارش نباشد و ایضا از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت
نموده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله بجابر بن عبد الله انصاری فرمود که ای جابر
اینک ماه مبارک رمضان است هر که روزه بدارد روزش را و بپا دارد قدری از شبش را بعبادت

و بعفت نگاه دارد شکم و فرج خود را و زبانش را نگاه دارد بیرون آید از گناهانش
مانند بیرون آمدن او از ابن ماه جابر عرض نمود که یا رسول الله چه نیکو حدیثی است این حدیث
پس حضرت فرمود که بسیار شدید است این شرطها و از ابن بابویه رحمه الله علیه در کتاب مجالس
از حضرت صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش از رسول خدا صلی الله علیه و علیهم
روایت کرده است که آن بزرگوار فرمود که هر که ماه رمضان را روزه بدارد و حفظ نماید
فرج و زبان خود را و ترک نماید از اذیت مردم را حق تعالی گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد
و آزاد کند او را از آتش جهنم و او را در دار القرار ساکن گرداند و قبول شفاعت او
کند در باره گناهکاران که خدا را بسیار بی بسته باشند بعدد ریگ بیابان عالج
و در کتاب عقاب الاعمال بسند خود روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در
خطبه فرمود که هر که ماه رمضان را روزه دارد با خاموشی و سکوت و گوش و چشم و زبان
و فرج و سایر جوارح خود را از دروغ و حرام و غیبت نگاه دارد برای رضای الهی حق تعالی
او را مقرب درگاه خود گرداند در بهشت تا آنکه زانوهای او بر زانوهای حضرت ابراهیم
برسد و شیخ جلیل سعید شیخ مفید رفع الله درجته در کتاب مقنعه از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه روایت نموده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر که روزه
دارد ماه رمضان را از روی ایمان و توقع اجر و ثواب نگاه دارد گوش خود و چشم خود را
و زبان خود را از مردم حق تعالی روزه او را قبول نماید و بیامرزد گناهان گذشته و آینده
او را و عطا کند باو ثواب صابرین را پس فرمود که آن حضرت فرمود که بدرستی که گفتن چیزی
که حق تعالی بصابرین عطا نموده در روزه اش و اجر عمده ترک طعام و شراب است و سید بن طاوس رحمه الله
در کتاب اقبال از محمد بن عجلان روایت کرده است که حضرت صادق علیه السلام فرمود
که روزه همین از طعام و شراب نیست که انسان همین چیزی نخورد و نیاشامد و لیکن هر
گاه روزه بداری پس باید که دست و گوش و چشم و زبان روزه باشد و شکم و فرج
خود را از محارم الهی محافظت نما و اکثر اوقات ساکت باش مگر از حرف خیر و با خادم
خود بهموار سلوک کنی و احمد بن محمد بن عیسی در کتاب نوادر از آنحضرت روایت کرده
که جراح

رمضان

که جراح مدائنی فرمود که هرگاه روزه بداری پس باید که گوش و چشمت از حرام و جمیع
اعضا و جوارح تو از قبیح روزه باشد و ترک کن هذی و اذیت رسانیدن بخادم را و باید
با وقار باشی و نباید روزه و بی‌خود لازم گردان هر قدر که توانی از صمت و سکوت مگر
از ذکر الهی و مگردان روز روزه ات مانند روز افطارت و زنهار که با زنان مباشرت
مکن و مبوس ایشان را و خنده قهقهه مکن که اینها حق تعالی را بغضب که رفته است می آورد
و کلینی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود که صیام
همین امساک از طعام و شراب تنها نباید بکند بدرستی که مریم دختر عمران علیها السلام
فرمود انی نذرت للرحمن صوما یعنی بدرستی که من نذر کردم که برای حق تعالی روزه بدارم
فرمود که مراد او از روزه سکوت بود پس نگاه دارید زبانهای خود را و بپوشید چشمها
خود را و بر یکدیگر حسد مبرید و با هم نزاع مکنید بدرستی که حسد ایمان را میخورد چنانچه
آتش هیزم را میخورد و ایضا از آنحضرت روایت نموده اند که فرمود که صایم همین از
طعام و شراب روزه نمیدارد پس فرمود که مریم دختر عمران فرمود انی نذرت للرحمن صوما
و مراد او از روزه سکوت بود پس هرگاه روزه بدارید پس حفظ کنید زبانهای خود را
و بپوشانید چشمهای خود را و منازعه مکنید و حسد بر هم مبرید پس فرمود که رسول
خدا صلی الله علیه و آله روزی شنید زنی را که دشنام بکنیز خود میداد و روزه بود پس
طعامی طلب فرمود و بآن زن گفت که بخور این طعام را زن گفت که روزه ام حضرت فرمود
چگونه روزه و حال آنکه دشنام دادی کنیز خود را بدرستی که روزه از طعام و شراب
تنها نمیباشد راوی گوید که پس حضرت صادق علیه السلام فرمود که هرگاه روزه
بگیری پس باید که گوش و چشمت از حرام و قبیح روزه باشد و ترک کن جدال و اذیت
رسانیدن را بخادم و باید که با وقار باشی و قرار روزه و مگردان روز روزه ات را مانند
روز افطارت و احمد بن محمد بن عیسی در کتاب نوادر از آنحضرت روایت نموده است که فرمود
که صایم از طعام و شراب تنها روزه نمیدارد بلکه از برای روزه شرط دیگر هست که باید
آنرا محافظت نمود تا روزه تمام شود و آن صمت است که داخل در حقیقت صوم است آیا نشنیدی

قول مریم دختر عمران را که گفت إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَٰنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا یعنی من
برای خدا نذر کرده ام که روزه بدارم پس با هیچ انسانی سخن نگویم و مراد از روزه سکوت
بود پس هر گاه روزه بدارید حفظ کنید زبانهای خود را از دروغ و بپوشانید چشمهای
خود را و منازعه مکنید و حسد مبرید بر همه و غیبت مکنید و مراء و جدال مکنید و دروغ
مگوئید و مباشرت با زنان مکنید و قسم یاد مکنید و بر یکدیگر غضب مکنید و دشنام
و فحش مگوئید و بلفظهای بد با یکدیگر خطاب مکنید و مجادله با هم منمائید و از بیت
یکدیگر مرسانید و ظلم مکنید و دلتنگ مشوید و غافل از ذکر الهی و از نماز و بدارید خود
را بر صمت و سکوت و برد باری و صبر و راست گوئی و از اهل شر دوری بگزینید و اجتناب
کنید از گفتن ناحق و دروغ و افترا و خصومت و گمان بد بردن و غیبت کردن و سخن
چینی کردن و مشرف بر آخرت باشید در حالتی که مشتاق روزهای خود باشید که
آن آخرت است و انتظار برید آن چیزهائی را که خدا وعده فرموده است شما را و خواهش بلقای
حق تعالی داشته باشید و بر شما باد بآرام دل و آرام تن و خضوع و خشوع و تذلل مانند
تذلل بنده که از آقای خود خایف باشد حال گوئی که خوف و رجا و رغبت و رهبت داشته
باشید و پاک کرده باشید دلهای خود را از عیوب و سینهای خود را از غل و غش و جسد
های خود را از نجاسات و پاکیزه برائت جسته باشی از دشمنان خدا و دوست باشی خدا
را و دوستان خدا را در حالت روزه و ساکت و صامت باشی از جمیع جهات از چیزهائی
که حق تعالی نهی فرموده است از کردن آنها در پنهان و آشکار و در این دو حالت کمال خشیت
الهی در دل تو باشد و نفس خود را بحق تعالی بخشیده باشی در ایام روزه و خواطر خود را برای
خدا فارغ کرده باشی و نصب کرده باشی دل خود را در آنچه خدا بآن امر فرموده و تو را بآن
خوانده است پس هر گاه همه اینها را بجا آوردی روزه حقیقی را برای خدا گرفته خواهی بود
و بامر الهی عمل کرده و هر قدر که خلل رسانی بآنها روزه تو بآن قدر ناقص شده است پس
فرمود که روزه همین از طعام و شراب نیست بلکه حق تعالی امساک از طعام و شراب را حجابی
برای سایر منهیات کرد اینده است پس فرمود چه کند روزه داران و بسیارند گرسنگان

دهم حوبر

و محمد یعقوب کلینی بسند خود از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که رسول
خدا صلی الله علیه و آله فرمود که صایم پیوسته در عبادت الهی است هر چند که فراش
خود خوابیده باشد مادام که غیبت مسلمانی نکند **و ایضاً** کلینی و ابن بابویه قدس الله
روحهما از آنحضرت روایت کرده اند و آنحضرت از پدران بزرگوار خود روایت فرمود
که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر که روزه باشد و باو دشنام دهند پس
او بگوید که سلام علیک من روزه ام نمیتوانم دشنام بدهم چنانچه تو دشنام دادی
مرا حق تعالی فرماید که بنده پناه برد به روزه من از شر بنده دیگر بدرستی که ایمن
ساختم او را از آتش جهنم **و ایضاً** کلینی و شیخ طوسی عظمهما الله بسند خود از
آنحضرت روایت کرده اند که فرمود که هر گاه یکی از شما روزه بدارد پس مجادله با کسی نکند و جهل نورزد و منازعت ننماید و سوگند بخدا نخورد
و اگر کسی با او جدال کند و جهل بورزد پس متحمل شود و حلم کند و سید بن طاوس
طاب ثراه در کتاب اقبال از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده
که پاک دروغ و نظر بعد از نظر بنامحرم و نظلم کردن خواه اندک و خواه بسیار روزه
را باطل میکنند **مؤلف گوید که مراد از نظر بعد از نظر در ترجمه** در وقتی
که نظر اول از روی عمد بنامحرم اتفاق نظر او بنامحرم افتاده باشد و آنچه وارد شده
که این ها روزه را میشکند بر سبیل مبالغه است و مراد اینست که از بسکه ثواب روزه
را ناقص میکنند گویا میشکند انشاء الله تعالی بعلم **و بعضی دیگر از آداب در ضمن روایات**
دیگر نیز مذکور است و در ابواب آینده مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی
باب سیم در بیان تکلیف بصوم و سبب تعیین عدد آن و بعضی از فضایل او بدانکه
از اخبار و احادیث در باب علت و سبب تکلیف باصل عبادت صوم چند وجه
ظاهر میشود و چنانچه شیخ بزرگوار عالیمقدار از محمد بن یعقوب کلینی رفع الله درجته
بسند خود از حمزه ابن محمد روایت کرده است که او عریضه بخدمت حضرت امام حسن
عسکری علیه السلام نوشت که بچه جهت حق تعالی روزه را بر مردم واجب گردانید حضرت

در جواب نوشت که از برای انکه غنی وفقرا الم کرسنکی بیابد وبر فقیر رحم ومهربانی نماید
وابن بابویه رضی الله عنه در کتاب من لا یحضره الفقیه بسند صحیح روایت کرده است که هشام
ابن حکم از حضرت امام جعفر صادق سؤال نمود از علت واجب شدن روزه حضرت فرمود
که حق تعالی روزه را واجب کردانید برای انکه بسبب ان غنی وفقیر با یکدیکر مساوی شوند زیرا
که اغنیا چون هر چه خواهند بر ان قدرت دارند وبرای ایشان میسر است نمی یابند الم
کرسنکی را که بر فقیر رحم کنند پس حق تعالی خواست که همه خلایق را با یکدیکر مساوی کند والم
کرسنکی بتوانکران بچشاند تا رافت کنند بر ضعیفان وبر کرسنکان رحم نمایند **وایضا**
در کتاب مذکور بسند خود از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که انحضرت
در جواب مسایل محمد بن سنان نوشت که علت روزه داشتن انست که ادمی تعب کرسنکی وتشنکی
را بیابد تا ذلیل وخاکسار ومحتاج کردد ومزد بر نفع بر دارد وصبر کند بر مشقت وازاد باشد واین
دلیلی وراهنمائی باشد او را بر سختیهای اخرت با انکه بسبب روزه داشتن صورت شهوات
وخواهش نفسانی شکسته میشود وروزه پند دهنده اوست در دنیا که شدت کرسنکی
فقرا را بداند وراه نمائی است بر کرسنکی روز قیامت و شیخ طوسی طیب الله تربته در
کتاب تهذیب بسند خود از عثمان بن مظعون روایت کرده است که کفت عرض کردم بخدمت
رسول خدا صلی الله علیه واله انکه یا رسول الله میخواهم چند چیز را از خدمت تو سؤال
نمایم فرمود چه چیز است انها ای عثمان عرض کردم که میخواهم رهبانیت را اختیار نمایم
فرمود مکن ای عثمان بدرستی که رهبانیت امت من انست که در مساجد بنشینند وانتظار
نماز بکشند بعد از انکه نماز پیشین را کرده باشند پس عرض کردم که یا رسول الله میخواهم
که خود را خصی کنم فرمود مکن ای عثمان بدرستی که خصی کردن امت من در روزه است
مؤلف کوید که چون روزه باعث کسر شهوات میشود چنانچه در حدیث سابق اشاره بان
شده بود پس بمنزله اینست که ادمی خود را خصی نماید وچنانچه در بعضی از امم سابقه مردم
مکلف بودند که برای دفع قوة شهوی خود را خصی نمایند حق تعالی تفضل ورحمت بر این امت
وتسهیل امر بر ایشان بعوض اختصا یعنی خصی کردن روزه را برای کسر قوای شهوانی بایشان

تکلیف

تکلیف فرموده است **وایضا** شیخ در کتاب مذکور بسند خود از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام از پدر بزرکوارش از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیهم روایت کرده است
که ان حضرت فرمود که سه چیز است که بلغم را بر طرف میکند وحافظه را زیاد میکند مسواک
کردن وروزه داشتن وقراءت قران **مؤلف کوید که** چون روزه باعث تخفیف رطوبات
بدن میشود لهذا بلغم را بر طرف میکند وبر طرف بلغم باعث زیادتی حافظه میشود واما
سبب تعیین عدد ان پس ابن بابویه رحمه الله در کتاب من لا یحضره الفقیه بسند خود از حضرت
امام حسن مجتبی علیه السلام روایت کرده است که جماعتی از یهود بخدمت رسول خدا صلی
الله علیه واله امدند پس دانا ترین ایشان از انحضرت سؤال نمود از مسئله چند واز
جمله انها این بود که چرا حق تعالی بر امت تو روزه سی روز را واجب کردانیده وحال انکه بر امتهای
دیکر زیاده از این را واجب کرده است حضرت فرمود بدرستی که ادم علیه السلام چون از
شجره منهیه تناول نمود سی روز در شکم او باقی ماند پس حق تعالی بر فرزندان او کرسنکی
وتشنکی سی روز را واجب کردانید وانچه را در شب تناول مینمایند تفضلی است از جانب
حق تعالی بر ایشان وبر ادم نیز سی روز واجب بود پس حق تعالی همان سی روز را بر امت من
واجب کردانید پس حضرت این ایه را تلاوت فرمود كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ
مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ که ترجمه ظاهرش انیست که نوشته شده وواجب
کردیده است بر شما روزه چنانچه واجب شده است بر جماعتی که پیش از شما بودند شاید
که پرهیزکار شوند وروزه در چند روز معدود بر شما واجب شده است یهودی کفت
راست کفتی یا محمد صلی الله علیه واله پس چه جزای کسیکه این سی روز را روزه بدارد فرمود
که هیچ مؤمنی نیست که روزه دارد ماه رمضان را با نیت خالص مکر انکه حق تعالی بر او هفت
خصلت را واجب میکرداند **اول** میکدازد کوشت حرامی که در جسد او روئیده است
دویم انکه نزدیک میشود برحمت الهی **سیم** کفاره کناهان پدر خود ادم علیه السلام
را داده است **چهارم** سکرات مرک را برای او اسان میسازد **پنجم** از الم کرسنکی و
تشنکی روز قیامت ایمن میشود **ششم** حق تعالی برات نجات از اتش جهنم را با و عطا

میفرماید **هفتم الطعام** میفرماید او را از طیبات بهشت بخوراند گفتم ای محمد صلی الله
علیه و آله **مؤلف گوید که** از این حدیث شریف بعضی از وجوه دیگر غیر وجوه سابقه
برای تکلیف اصل روزه ظاهر میشود چنانچه بر متامل پوشیده نیست **و ایضا در کتاب**
مذکور بسند خود از حفص بن غیاث روایت کرده است که گفت شنیدم از حضرت صادق علیه
السلام که میفرمود حق تعالی روزه ماه مبارک رمضان را بر هیچ امتی قبل از ما واجب نکرده است
من عرض کردم چه میفرمائی در این ایه کریمه که یا ایها الذین امنوا کتب علیکم الصیام کما
کتب علی الذین من قبلکم فرمود که حق تعالی روزه ماه رمضان را بر پیغمبران گذشته واجب
کرده بود نه امتهای ایشان را و این امت را با امتهای دیگر فضیلت داد و روزه ماه رمضان
را بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و امتش واجب گردانید چنانچه بر پیغمبران گذشته واجب
کرده بود و شیخ طوسی طاب ثراه در کتاب تهذیب بسند خود از آنحضرت روایت کرده است
که حق تعالی به بندگان خود زیاده از طاقت ایشان تکلیف نفرموده و فرموده که در سالی روزه
یکماه را بر ایشان واجب ساخت وحال آنکه ایشان زیاده از آن طاقت دارند **باب چهارم**
در بیان فضیلت صوم و ثواب آن شیخ بزرگوار عالی مقدار محمد بن یعقوب کلینی احله الله
علی غرف الجنان بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود
که بنا گذاشته شده اسلام بر پنج چیز **اول** نماز **دویم** زکوة **سیم** حج **چهارم** روزه
پنجم ولایت ما اهل بیت **و ایضا** بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله با اصحاب خود فرمود که ایا میخواهید
خبر دهم شما را بچیزی که اگر آن را بجا اورید شیطان از شما دوری کند بقدر دوری
مشرق از مغرب ایشان گفتند بلی فرمود که روزه روی شیطان را سیاه میکند و صدقه
پشت او را میشکند و محبت در راه خدا و مداومت بر عمل صالح عقب او را قطع میکند و استغفار
بقتل میرساند او را و از برای هر چیزی زکوتی هست و زکوة بدنها روزه است **و ایضا**
از آنحضرت روایت کرده است که بعلی بن عبد العزیز فرمود که ایا میخواهی ترا خبر دهم
بدرهای خیر و نیکی بدرستی که روزه سپری است از آتش جهنم **و ایضا** از آنحضرت روایت
کرده است

رمضان

کرده است که فرمود که پدرم میفرمود که کاهست که کسی روزه سنت میگیرد برای انچه از ثواب
نزد خدا تعالی هست پس حق تعالی بآن سبب او را داخل بهشت میکند و ابن بابویه رضی الله عنه در
کتاب مجالس از آنحضرت از پدران بزرگوارش علیهم السلام روایت نموده که رسول خدا
صلی الله علیه و آله فرمود که هر که یک روزه سنت بگیرد برای طلب ثواب الهی واجب شود
برای او مغفرت و کلینی رضی الله عنه بسند خود از آنحضرت روایت کرده است که هر که از
از برای خدا بگوید در روز شدت گرما روزه دارد و برسد باو تشنگی حق تعالی موکل گرداند
باو هزار ملک را که روی او را پاک کنند و بشارت دهند او را تا چون افطار کند حق تعالی
باو فرماید که چه طیب و پاکیزه است بوی تو و نسیم تو ای ملائکه من گواه باشید که من
امرزیدم او را و شیخ مفید رفع الله درجته در کتاب مقنعه بسند خود از آنحضرت از پدران
بزرگوارش علیهم السلام روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که خوشا
حال کسی که تشنه و گرسنه شود در راه خدا ایشانند که در روز قیامت سیر میگردند
و کلینی رضی الله علیه از آنحضرت روایت کرده است که هر که روزه خود را کتمان کند و اظهار
ننماید حق تعالی فرماید بملائکه که بنده من پناه اورده است بمن از عذاب من بکی پناه
او را و موکل فرموده است ملائکه خود را بدعا کردن برای روزه داران و حق تعالی امر نفرموده
ملائکه را بدعا کردن برای روزه داران برای کسی مگر آنکه مستجاب میفرماید و ابن بابویه
رحمه الله در کتاب فضایل شهر رمضان بسند خود از حضرت امام رضا علیه السلام روایت
کرده است که از برای خدا ملکی چند هست که موکلند بصایمین و صایمات و بالهای خود را
بر ایشان میمالند و گناهان را از ایشان فرو میریزند و از برای خدا ملکی چند هست که
ایشان را موکل نموده است بدعا برای صایمین و صایمات که عدد ایشان را کسی نمیداند غیر
از خدا **و ایضا کلینی** رضی الله عنه از حضرت صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش
صلوات الله علیهم روایت نموده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که حق تعالی جمعی
از ملائکه را موکل فرموده است بدعا کردن برای صایمین و فرمود که جبرئیل مرا خبر داد
از جانب حق تعالی که فرموده است که من امر نکرده ام ملائکه خود را بدعا کردن از برای احدی

از خلق مگر آنکه دعای ایشان را در باره او مستجاب نموده ام **وایضاً** از آن حضرت
روایت نموده است که خواب صایم عبادت است و نفس او تسبیح و ابن بابویه رحمه الله
در کتاب ثواب الاعمال از آنحضرت روایت کرده است که خواب صایم عبادت است و سکوت
او تسبیح است و عمل او مقبول است و دعای او مستجاب است و کلینی رضی الله عنه بسند
خود از آنحضرت روایت نموده است که حق تعالی وحی فرمود بحضرت موسی علیه السلام
که چه مانع شده است ترا از مناجات من گفت که پروردگارا ترا بزرگ تر میدانم از آنکه
مناجات کنم با وجود بوی بد دهان روزه دار پس حق تعالی وحی نمود که ای موسی بوی بد دهان
روزه دار خوش تر است نزد من از بوی مشک **وایضاً** از آنحضرت روایت نموده است
که صایم هرگاه به بیند جماعتی را که چیزی می آشامند تسبیح مینمایند برای او هر موئی
که در بدن او ست **مؤلف گوید که** ظاهر آن مراد اینست که بعدد هر موئی که در بدن او
هست ثواب تسبیح میدهند والله یعلم **و ابن بابویه رضی الله عنه** در کتاب مجالس
بسند خود از زید پسر حضرت امام زین العابدین از پدر بزرگوارش از جدش صلوات
الله علیهم روایت کرده است که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که در بهشت
درختی است که از بالای آن بیرون می آید حلی و زیورها و از پائین آن بیرون می آید
اسبهای ابلق زین کرده و لجام کرده صاحب بال سرگین نمی اندازند و بول نمیکنند
پس سوار میشوند بر آن اسبان دوستان خدا و طیران میکنند در بهشت هر جا که
خواهند پس جمعی که در جه ایشان در بهشت پست تر است میگویند که پروردگارا چه
چیز این بندگان ترا باین کرامت رسانیده حق تعالی میفرماید که ایشان شبها را
بعبادت بر پا میداشتند و خواب نمیکردند و روزها را روزه میداشتند و چیزی
نمیخوردند و با دشمنان خدا جهاد میکردند و نمیترسیدند و تصدق میکردند و بخل نمیورزیدند
و صاحب کتاب صفات الشیعه بسند خود از حضرت صادق از پدران بزرگوارش علیهم
الصلوة والسلام روایت کرده است که حضرت رسالت صلی الله علیه وآله فرمود که قوت
مؤمن در دل او ست آیا نمی بینید که شما بدن مؤمن را ضعیف و جسد او لاغر و نحیف میابید

و او شب را بعبادت بر پا داشته و روز را روزه داشته است و ابن بابویه رضی الله عنه
در کتاب فضایل شهر شعبان بسند خود از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است
که قلم بر صایم جاری نمیشود تا افطار نماید و شیخ مفید رفع الله درجته در کتاب مقنعه از
حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که صایم سیر میکند در باغهای بهشت و ملائکه
برای او استغفار میکنند تا افطار کند **مؤلف گوید که** ظاهر عبارت چنانست که سیر کردن در
باغهای بهشت در حالت روزه باشد و مراد این باشد که باندازه ثواب باو میدهند که گویا در
باغهای بهشت سیر میکند و محتمل است که سیر کردن در باغهای بهشت در آخرت باشد و استغفار
ملائکه در دنیا باشد و کلینی رضی الله عنه بسند مرسل از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
روایت کرده است که هرگاه حادثه بکسی نازل شود روزه بدارد بدرستی که حق تعالی میفرماید
وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ یعنی استعانت جوئید بصبر و نماز و مراد از صبر روزه است
وایضاً علی بن سوید روایت نموده است که گفت شکایت کردم بحضرت امام موسی کاظم صلوات
الله علیه از تنگی حضرت فرمود که روزه بدار و تصدق بکن و کلینی رضی الله عنه بسند خود
از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه
وآله فرمود که حق تعالی میفرماید روزه از برای من است و من جزای او را میدهم و ابن
بابویه در کتاب خصال بسند خود از ابن عباس روایت کرده است که حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه وآله فرمود که حق تعالی میفرماید که همه عملهای فرزندان آدم برای اوست مگر
روزه که از برای من است و من جزا میدهم او را و روزه سپر بنده مؤمن است از آتش جهنم
در روز قیامت چنانچه سلاح در دست در دنیا نگاه میدارد شما را و بوی دهان صایم نزد
خدا خوشتر است از بوی مشک و از برای صایم دو فرحت و خوشحالی است یکی در وقت
افطار که طعام و شراب تناول میکند و دیگری وقتی که مرا ملاقات میکند پس او را داخل
بهشت میکنم **تحقیق بدانکه** آنچه در این دو روایت وارد شده که روزه از برای من است
و من جزا میدهم او را در روایات بسیار باسانید معتبره وارد شده است و در بعضی از
آنها چنانچه در روایات ثانی مذکور است این تتمه نیز هست که همه عملهای فرزندان آدم

برای اوست بغیر روزه که برای من است و در این مقام دو اشکال متوجه میشود **اشکال**
اول انکه همه عملها از جنبه نفع ثواب و جزای در دنیا و اخرت از برای صاحب عمل است
و از جهت خلوص نیت و خلو از شوایب ریا از برای خداست پس چگونه میفرماید که همه اعمال
فرزند ادم برای اوست بغیر روزه که از برای من است و جواب حق از این اشکال این است
که روزه از جمله اعمال باطنه است و محتاج باستعمال جوارح و اعضا نیست و باین سبب مخفی
و مستور از نظرهاست و بغیر جناب مقدس حق تعالی احدی بر او اطلاعی نیست چه حقیقت روزه
عبادت است از کف نفس از مفطرات و این امر عدمی است و اکل و شرب و سایر مفطرات
چیزی چند حاصل است که در خلوت میتوان مرتکب انها شد که احدی مطلع بر ان نگردد و سایر
اعمال چون باستعمال جوارح و الات بدن و افعال و اعمال ظاهری موقوف است البته جمعی را
بر انها اطلاع حاصل میشود باین سبب سایر اعمال از طاعات و عبادات اگرچه بحسب باطن
و خلوص نیت نیز مخصوص حق تعالی است ولیکن بحسب ظاهر و استعمال جوارح و اعضا بصاحب عمل
منسوب است پس در هر عملی دو جهت است که بیک جهت بصاحب عمل منسوب و بجهت دیگر
بحق تعالی منسوب است بغیر روزه که جهت اول در ان مفقود و جهت ثانی به تنهائی در ان
موجود است و باین جهت حق تعالی فرموده که همه اعمال فرزند ادم برای اوست یعنی بحسب ظاهر بغیر
عمل روزه که ان از برای اوست یعنی بحسب ظاهر که ان از برای من است **اشکال دویم انکه**
جزای همه اعمال خیر بلکه اعمال شر را نیز حق تعالی میدهد پس در خصوص روزه چگونه میفرماید
که من جزای ان خود میدهم و جواب این اشکال انست که مراد از جزا دادن حق تعالی انست که جزای
عمل روزه را بملائکه نمیگذارم بلکه خود جزای ان را میدهم زیرا که این عمل مستحق جزای بسیار
است که ملائکه اطلاع بر کمیت ان ندارند چنانچه ابن بابویه رحمه الله در کتاب معانی الاخبار
بسند خود از حضرت رسالت صلی الله علیه و اله روایت کرده است که حق تعالی فرموده که همه
جزای اعمال فرزند ادم بالا میرود باضعاف انها از ده برابر تا هفتصد برابر مگر صبر که از
برای من است و من جزا میدهم انرا پس ثواب صبر در علم الهی مخزونست و مراد از صبر روزه است
و مخفی نماند که این معنی باعتبار مزید شرافت و کرامت روزه است در میان اعمال و بعضی

ازعلما

از علما در بیان وجه شرافت ان گفته اند که چون روزه مخفی و مستور است از خلایق چنانچه مذکور شد
باین جهت از ریا دور است از سایر اعمال است و باین جهت بمزید کرامت ممتاز است و جمعی
دیگر گفته اند **اول انکه** روزه متضمن ترک شبهات و مستلذات نفسانی است از اکل و شرب
و مباشرت زنان و سایر محرمات و مکروهات و باین جهت بمزید کرامت ممتاز است **دویم**
انکه روزه متضمن خلو جوف از کثافات و فضلات ظاهری و صفای باطن از صفات ذمیمه
نفسانی است و این صفت شبیه بصفت صمدیت حق تعالی است **سیم انکه** بسبب روزه قوی شهوی
ضعیف و شکسته میگردد و قوت عاقله غالب و مستقل میشود و باین جهت استحقاق ادراک
حقایق و معارف استعداد و حکمت بهم میرساند و لهذا در حدیث وارد شده که حکمت
داخل نمیشود در دلی که پر از طعام باشد **چهارم انکه** جماعت مشرکین سایر اعمال را برای
غیر خدا از الهه که انها را می پرستند میکردند بغیر روزه که هیچ فرقه از فرق کفار این
عبادت را برای خدایان خود بجا نیاورند مگر طایفه قلیلی از جماعتی که کواکب را عبادت
میکردند و بعضی از متاخرین کرامت روزه را مستند بجمیع وجوه مذکوره نموده اند و ظاهر
فقیر انست که این وجوه اگرچه باعث امتیاز روزه و مزید کرامت ان هست لیکن علت زیاده
بودن ثواب ان از سایر اعمال انست که روزه متضمن صبر است و ثواب صبر در نظر حق تعالی عظیم است
و لهذا ثواب ان زیاده از ده برابر و هفتصد برابر میدهد و در قران مجید میفرماید انما
یوفی الصابرون اجرهم بغیر حساب یعنی اجر و جزای صبر کنندگان داده میشود بی حساب
و این معنی از حدیث که از معانی الاخبار نقل شده ظاهر میشود چنانچه بر متامل خبیر پوشیده
نیست بلکه ظاهر میشود در ایه کریمه نیز مراد این است که جزای صابرین بی حساب یعنی زیاده
از ده برابر و هفتصد برابر است و کسی بغیر حق تعالی مقدار ان را نمیداند و الله تعالی یعلم **شیخ مفید**
رفع الله درجته در کتاب مقنعه بسند خود از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت
نموده است که مومن هرگاه شب را بعبادت بپا دارد و روز را روزه بدارد گناهی بر او
نوشته نمیشود و گامی بر نمیدارد مگر انکه حق تعالی برای او حسنه مینویسد و بکلمه تکلم نمیکند
مگر انکه برای او حسنه ثبت میفرماید و اگر در ان روز بمیرد روح او را بعلیین بالا میبرد

و اگر زنده باشد تا افطار نماید اورا اقدر مزد از این میشود و بدانکه بعضی از فضایل روزه
و ثواب آن در ضمن احادیث باب سابق مذکور شد و بعضی در ضمن اخبار ابواب آتیه
مذکور میشود ان شاء الله تعالی والله تعالی یعلم هو الموفق **باب پنجم در بیان فضایل ماه**
مبارک رمضان بدانکه این ماه در میان ماههای سال اشرف و افضل و اکمل آنهاست
و باین جهت حق تعالی روزه آنرا واجب گردانیده و آنرا محل عبادت و دعا و مناجات و ثنای خود قرار
داده و بیان سر این معنی بر سبیل اجمال آنست که چون غرض اصلی و مقصد کلی از ایجاد عالم امکان
و تکلیف بنی نوع انسان معرفت حق تعالی و عبادت ایزد جل و علاست پس تمام اوقات زندگانی
که سرمایه تجارت معارف ربانی است باید در تحصیل این موهب عظمی مصروف گردد و چون
حکمت بالغه حکیم علی الاطلاق و مصلحت شامله معبود باستحقاق چنان اقتضا مینماید که
هر فردی از افراد این نوع در امر معاش بیکدیگر محتاج و سرانجام زندگانی هر یک بسعی و
تلاش باقی افراد منوط باشد لاجرم صرف تمام اوقات عمر در تحصیل معرفت و اشتغال بعبادت
متعذر است لهذا در میان ماههای سال چند ماه را ممتاز و در میان آنها یکی را اشرف
و افضل از همه گردانیده و روزه آنرا واجب گردانیده و ثواب عبادت در آنرا مضاعف و در
ماه قبل از این که ماه رجب و شعبان است نیز در میان باقی ماهها مزید کرامت ممتاز و مرتبط
بماه مبارک رمضان نموده از قبیل ربطی که نوافل را بافرایض هست پس این دو ماه گویا از مقدمات
ماه مبارک رمضان و بمنزله نافله اتمام است و بسبب عبادت در این دو ماه صفای باطن
و خلوص نیتی حاصل میشود و استعداد عبادت ماه رمضان تمام میشود و اگر مساهل و مسامحه
در اعمال ماه رمضان واقع شود جبران بعبادت این دو ماه واقع میشود جبران بنوافل میشود
و چنانچه نوافل در همه موارد ضعف فرایض میباشد همچنین این دو ماه که در حکم نافله ماه
رمضان است ضعف ماه مبارک رمضانست و سر این باب در صدر احادیث اول
مذکور شد و از این تحقیق ظاهر میشود سر آنکه حق تعالی در میان اوقات ماه لیالی بیض و ایام
بیض را بمزید فضلیت امتیاز داده و همچنین در میان اوقات هفته شب جمعه و روز آنرا
ممتاز و در میان اجزاء شبان روز اوقات صلوات را امتیاز داده است و این تحقیق از

٧٠

جمله افادات والد ماجد علامه ام ادام الله تعالی تاییده است که در بعضی از مؤلفات خود ذکر
نموده **و بدانکه تسمیه این ماه مبارک برمضان** بر مضامین بجهت آنست که رمضان مشتق از رمض است
و رمض بمعنی شدت گرمی و حرارت است و چون روزه باعث گرمی و حرارت دلهای صائمین
از آتش جوع و عطش میشود باین جهت باین نام نامیده اند و بعضی گفته اند که بجهت سوختن
گناهان روزه داران و برطرف شدن آنها باین نام نامیده اند و بعضی دیگر گفته اند که در
وقت تسمیه این ماه باین اسم عین شدت گرمای تابستان بوده و باین جهت باین اسم نامیده اند
و از احادیث و اخبار ظاهر میشود که رمضان اسم جناب مقدس الهی است و باین جهت نهی
از گفتن رمضان به تنهائی وارد شده است چنانچه کلینی رضی الله عنه از سعد روایت کرده است
که گفت ما هشت نفر در خدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام بودیم و رمضان را مذکور
ساختیم حضرت فرمود مگوئید که این رمضان است و نه رمضان رفت و نه رمضان آمد زیرا
که رمضان اسمی از اسمای مقدس خداست **و ایضا** از حضرت صادق از پدر بزرگوارش صلوات
الله علیهما روایت کرده است که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که رمضان مگوئید
ولیکن ماه رمضان بگوئید بدرستی که شما نمیدانید که رمضان چه چیز است و اکثر علما این را نهی
بر کراهت حمل نموده اند زیرا که در روایات بسیار لفظ رمضان به تنهائی بدون لفظ شهر مستعمل
شده است و احوط رعایت این معنی است و ممکن است که استعمال لفظ رمضان تنهائی در اخبار
از عدم ضبط و اهتمام روات حدیث ناشی شده باشد والله تعالی یعلم **و بدانکه احادیث و روایات**
در باب فضیلت و ثواب عبادت در این ماه زیاده از حد و عدد و احصاست چنانچه
بعضی از آنها در ابواب سابقه مذکور شد و بعضی بخصوصیات اعمال در ابواب آتیه
مذکور میشود ان شاء الله تعالی و معظم آنها را بجهت مزید رغبت مؤمنان در این ماه بطاعات
و قربات در این باب مذکور میسازیم شیخ جلیل نبیل محمد بن بابویه قمی رضی الله عنه در کتاب عیون
اخبار الرضا بسند خود از حضرت امام رضا از آبا طاهرین آنحضرت از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین روایت کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی
برای ما خطبه ادا نمود و فرمود که ایها الناس بدرستی که رو کرده است بجانب شما ماه خدا با

برکت و رحمت و مغفرت ماهیکه نزد حق تعالی افضل ماههاست و روزهای آن افضل روزها
و شبهای آن افضل شبهاست و ساعات آن افضل ساعات است ماهی که خوانده شده اید در
آن ماه بضیافت خدا و گردیده اید از اهل کرامت خدا نفسهای شما در این ماه تسبیح است و خواب
شما در این ماه عبادت است و عمل شما در این ماه مقبول است و دعای شما در این ماه
مستجاب است پس سؤال کنید از حق تعالی بانیتهای صادقه و دلهای پاکیزه تا آنکه توفیق دهد
شما را برای روزه داشتن این ماه و تلاوت نمودن قرآن در این ماه بدرستی که شقی کسی است
که محروم باشد از آمرزش حق تعالی در این ماه بزرگ و بیاد آورید بگرسنگی و تشنگی خود در
این ماه گرسنگی و تشنگی روز قیامت را و تصدق کنید بر فقرا و مساکین خود و توقیر و
تعظیم نمائید بزرگان خود را و ترحم کنید بر خوردسالان خود و با ارحام و خویشان صله و
مهربانی کنید و نگاه دارید زبانهای خود را از آنچه روا نباشد گفتن آن و بپوشید دیده
های خود را از آنچه حلال نباشد نظر کردن بسوی آن و محافظت کنید گوشهای خود را از
آنچه جایز نباشد شنیدن آن و ترحم کنید بر یتیمان تا حق تعالی بر یتیمان شما ترحم کند و
توبه کنید در درگاه حق تعالی از گناهان خود و بلند کنید دستهای خود را بدعا در اوقات
نمازها بدرستی که اوقات صلوات بهترین ساعات است و حق تعالی در آن اوقات نظر رحمت
میکند بر بندگان خود و جواب میگوید ایشان را هرگاه مناجات کنند او را و لبیک میگوید
هرگاه ندا کنند او را و اجابت دعای ایشان میکند هرگاه دعا کنند او را ایها الناس بدرستی
که جانهای شما در گرو عملهای شماست پس آزاد کنید و بدر آورید جانهای خود را باستغفار
نمودن و پشتهای شما گران از بار گناهان شما پس سبک گردانید پشتهای خود را بطول
دادن سجود و بدانید که حق تعالی بعزت خود سوگند یاد نموده که عذاب نکند نمازگذارندگان
و سجده کنندگان را و نترساند ایشان را باتش جهنم در روزی که ایستاده باشند بندگان
در برابر پروردگار عالمیان ایها الناس هرکه افطار فرماید از شما مؤمن روزه داری
در این ماه او را ثواب آزاد کردن بنده باشد و آمرزشی برای گناهان گذشته او صحابه گفتند
یا رسول الله همه کس از ما چنین نیست که قدرت بر این داشته باشد فرمود که بپرهیزید از
منا

خدا و اگرچه بنصف خرما باشد بپرهیزید از خدا اگرچه بشربت آبی باشد ایها الناس هرکه
در این ماه خلق خود را نیکو کند آسان گذرد از صراط روزی که بلغزد از آن قدمها و هرکه در
این ماه تخفیف نماید بر بندگان خود خدمت را حق تعالی تخفیف نماید حساب او را و هرکه در این
ماه باز دارد از مردمان شر خود را حق تعالی از او باز دارد غضب خود را در روزی که خدا ملاقات
کند او را و هرکه در این ماه یتیمی را بنوازد حق تعالی او را بنوازد در روزی که ملاقات کند او را
و هرکه در این ماه صله کند رحم خود را حق تعالی صله کند با او در روزی که ملاقات کند او را
و هرکه در این ماه قطع کند رحم خود را حق تعالی قطع نماید از او رحمت خود را در روزی که ملاقات
کند او را و هرکه در این ماه سنتی بجا آورد حق تعالی برای او برات آزادی از آتش جهنم بنویسد و هرکه
در این ماه فریضه ادا کند او را ثواب کسی باشد که در غیر این ماه هفتاد فریضه ادا کرده باشد
و هرکه در این ماه بسیار صلوات بفرستد بر من حق تعالی میزان عمل صالح او را گران گرداند
در روزی که میزانها سبک باشد و هرکه در این ماه آیه از قرآن مجید بخواند او را ثواب
کسی باشد که ختم قرآن در غیر این ماه کرده باشد ایها الناس بدرستی که درهای بهشت در
این ماه گشوده است پس از حق تعالی سؤال کنید که نبندد آن درها را بر روی شما و درهای جهنم در
این ماه بسته است پس از پروردگار خود طلب کنید که نگشاید آن درها را بر شما و شیاطین
در این ماه غل کرده شده اند پس از خداوند خود مسألت نمائید که مسلط نگرداند ایشان را بر
شما پس حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه برخواست و گفت یا رسول الله افضل اعمال
در این ماه چیست فرمود که یا ابا الحسن بهترین اعمال در این ماه پرهیزکاری از محرمات خداست
و کلینی رضی الله عنه بسند معتبر از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که رسول
خدا صلی الله علیه و آله چون نظر میکرد بهلال ماه رمضان رو بجانب قبله میکرد و دعائی میخواند
پس رو بمردم میکرد و میفرمود که ای گروه مسلمانان بدانید که هرگاه طلوع میکند هلال ماه
رمضان غل کرده میشوند متمردان شیاطین و گشوده میشود درهای آسمان و درهای بهشت
و درهای رحمت و بسته میشود درهای جهنم و مستجاب میشود دعا و حق تعالی را هر شب آزاد
کردها از آتش جهنم میباشد و هر شب منادی ندا میکند که آیا هست سؤال کننده تا مطلبش را

بر او بسیار باشد استغفار کننده تا گناهانش را بیامرزد خداوندا عطا کن هر که را انفاق
کند در راه تو خلفی و عوضی و هر که امساک کند و انفاق نکند مالش را تلف کن و پیوسته
این ندا در هر شب میکند تا طلوع کند ماه شوال پس ندا میکند در شب عید مومنان را که صباح
زود بیایید بسوی جایزههای خود که این روز جایزه است پس حضرت امام محمد باقر ع
فرمود بحق آن خداوندی که جان من در قبضه قدرت اوست که نیست آن جایزه مانند جایزه درهم
و دینار و ابن بابویه رضی الله عنه در کتاب ثواب الاعمال از آنحضرت روایت کرده است
که رسول خدا صلی الله علیه و آله در جمعه آخر ماه شعبان خطبه فرمود و فضایل بسیار برای
ماه مبارک رمضان ذکر نمود پس فرمود که این ماهی است که اولش رحمت است و وسطش مغفرت
گناهان است و آخرش اجابت دعوات است و آزادی از جهنم و شما را در این ماه ناچار است
از چهار خصلت دو خصلت که خداوند خود را بآن راضی کنید و دو خصلت که خود محتاجید
بآن **واما آن** دو خصلت **اول پس آنکه** گواهی دهید که خداوندی نیست بجز خدا و یگانه است و آنکه
منم رسول و فرستاده او پس و اما دو خصلت دیگر پس آنکه از حق تعالی حاجات خود را و بهشت
و عافیت را طلب کنید و از جهنم و عقوبات آن بخدا پناه برید **و ایضا** در کتاب مذکور از
آنحضرت روایت کرده است که حضرت امیرالمومنین علیه السلام فرمود که چون ماه
رمضان میشد رسول خدا صلی الله علیه و آله بر میخواست و حمد و ثنای الهی را بجا می
آورد و میفرمود ایها الناس حق تعالی کفایت کرده است از شما شر دشمن شما را از جن
و انس و فرموده است ادعونی استجب لکم یعنی دعا کنید تا مستجاب نمایم برای شما
و وعده اجابت دعا بشما داده است و بدرستی که بر هر شیطان مردی هفت ملک موکل
ساخته که رها نمیکنند او را تا این ماه تا آخر آن تمام شود و درهای آسمان گشوده است
در شب اول ماه تا آخر آن و دعا در آن مقبول است و در کتاب عیون اخبار الرضا از حضرت
امام رضا علیه السلام روایت کرده است که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله فرمود
که ماه رمضان ماه بزرگی است حسنات در آن مضاعف میشود و سیئات در آن محو
میشود و درجهها در آن بلند میشود هر که تصدق کند در این ماه بصدقه حق تعالی او را
بیامرزد

بیامرزد و هر که به بنده خود نیکی کند خدا او را بیامرزد و کسی که خلق خود را در آن نیکو کند
او را بیامرزد و کسی که خشم خود را در آن فرو خورد او را بیامرزد و هر کسی که صله رحم
کند در آن خدا او را بیامرزد پس فرمود که این ماه شما مانند سایر ماهها نیست هرگاه
رو کند بشما رو میکند با برکت و رحمت و چون پشت میکند با آمرزش گناهان این ماهی است
که حسنات در آن مضاعف است و اعمال خیر در آن مقبول است هرکه از شما در این ماه
نماز کند و گناهان او آمرزیده نشود زیانکار خواهد بود در هنگامی که نیکوکاران جایزه
های پروردگار خود را گرفته باشند **مولف گوید که** نماز گذاردن در آخر حدیث
کنایه از اسلام و ایمان است یعنی کسی که مومن باشد و نماز گذارده باشد و آمرزیده نشود
زیانکار است و احتمال دارد که مراد نماز عید باشد یعنی کسی که تمام ماه را درک نماید
و نماز عید را بکند و گناه او آمرزیده نشود زیانکار و خاسر خواهد بود والله تعالی
یعلم **و در کتاب امالی و ثواب الاعمال** از ابن عباس روایت کرده است که حضرت رسالت
پناه صلی الله علیه و آله چون ماه رمضان داخل میشد همگی اسیران را از حبس رهائی میداد
و هر سائلی که از آنحضرت سؤال مینمود چیزی باو عطا میفرمود و کلینی رضی الله عنه
بسند خود از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله روایت کرده است که ماه رمضان
ماه خداست و روزه آن بر شما واجب است پس هر که آنرا روزه دارد با ایمان و نیت
صحیح از گناهان خود بیرون رود مانند روزی که از مادر متولد شده باشد و ابن
بابویه رحمه الله در کتاب مجالس از ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا صلی الله
علیه و آله فرمود که اگر بدانید آنچه را برای شما مقرر شده در ماه رمضان هر آینه
شکر حق تعالی را زیاده میکردید پس فرمود که چون شب اول ماه رمضان شود بیامرزد
حق تعالی همه گناهان پنهان و آشکار امت مرا و بلند گرداند برای شما دو هزار هزار
درجه و بنا کند برای شما پنجاه هزار هزار مدینه و در روز دویم بنویسد برای شما
بهر گامی که بر میدارید در آن روز عبادت یکساله را با ثواب پیغمبری و بنویسد برای شما
روزه یکساله را و در روز سیم عطا فرماید بهر موئی که بر بدنهای شما باشد قبه

در فردوس از در سفید که در بالای آن قبه دوازده هزار خانه باشد از نور و دیگر پایین
آن دوازده هزار خانه باشد از نور و در هر خانه هزار سریر باشد و در هر سریری حوری نشسته
شد و بر شما داخل شود در هر روز هزار ملک و با هر ملکی هدیه باشد برای شما و دیگر روز
چهارم عطا نماید بشما در جنة الخلد هفتاد هزار قصر و در هر قصری هفتاد هزار خانه و در هر
خانه پنجاه هزار سریر که بر هر سریری حوری نشسته باشد و با هر حوری هزار کنیزک بوده باشد
که یکی از آنها بهتر باشد از دنیا و آنچه در دنیاست و دیگر روز پنجم عطا کند بشما در جنة المأوی
هزار هزار مدینه و در هر مدینه هفتاد هزار خانه و در هر خانه هفتاد هزار مائده و بر هر
مائده هفتاد هزار ظرف و در هر ظرفی شصت هزار لون طعام که بعضی بعضی شبیه نباشد و دیگر
روز ششم کرامت فرماید بشما در دار السلام صد هزار مدینه در هر مدینه صد هزار سرا
در هر سرای صد هزار خانه در هر خانه صد هزار سریر طلا که طول هر سریری هزار ذراع باشد
و در هر سریری زنی نشسته باشد از حور عین که برای او سی هزار گیسو باشد بافته شده بدر و یاقوت
و هر گیسوی را صد کنیزک برداشته باشد و دیگر روز هفتم عطا فرماید بشما در جنة النعیم
ثواب چهل هزار شهید و چهل هزار صدیق و دیگر روز هشتم عطا کند بشما آنچه عطا فرماید بهزار
عالم و ثواب عمل شصت هزار عابد و شصت هزار زاهد و دیگر روز نهم عطا کند آنچه عطا فرماید
بهزار عالم و هزار معتکف و هزار مرابط و دیگر روز دهم بر آورد هفتاد هزار حاجت شما را و
استغفار کند برای شما آفتاب و ماه و ستارگان و چهارپایان و مرغان و درندگان و هر
سنگی و کلوخی و هر تر و خشکی و همه ماهیان دریا و برگهای درختان و دیگر روز یازدهم کرامت
فرماید بشما ثواب چهار حج و چهار عمره هر حجی با پیغمبری از پیغمبران و هر عمره با صدیقی یا شهیدی
کرده باشند و دیگر روز دوازدهم سیئات شما را بحسنات مبدل سازد و حسنات شما را باضعاف
مضاعف گرداند و بهر حسنه برای شما هزار هزار حسنه بنویسد و دیگر روز سیزدهم بنویسد برای
شما مثل عبادت اهل مکه و مدینه و عطا کند بشما بعدد هر سنگ و کلوخی که در ما بین مکه و مدینه
است شفاعتی و دیگر روز چهاردهم چنان باشید که گویا ملاقات کرده باشید آدم و نوح و ابراهیم
و موسی و داود و سلیمان را و گویا عبادت کرده باشید حق تعالی را با هر پیغمبری دویست سال
ودیگر روز

و دیگر روز پانزدهم قضا نماید حق تعالی پانزده حاجت از حوائج دنیا و آخرت شما را و عطا
فرماید بشما آنچه عطا نموده باشد بایوب علیه السلام و دعای شما را مستجاب گرداند و حاملان
عرش برای شما استغفار کنند و دیگر روز قیامت عطا فرماید بشما چهل نور ده نور از جانب
راست و ده نور از جانب چپ و ده نور از پیش رو و ده نور از پس سر شما و دیگر روز شانز
دهم عطا کند بشما شصت حله که چون از قبر بیرون آیید بپوشید و ناقه که سوار شوید و ابری
بفرستد برای شما که سایه افکند بر سر شما از حرارت آن روز و دیگر روز هفدهم فرماید
که بدرستی که آمرزیدم شما را و پدران شما را و دفع کردم از شما شداید روز قیامت را و دیگر
روز هجدهم امر نماید جبرئیل و میکائیل و اسرافیل علیهم السلام را و حاملان عرش و کروبیان را
که استغفار کنند برای امت محمد صلی الله علیه و آله تا سال آینده و عطا کند بشما در روز قیامت
ثواب اهل بدر را و دیگر روز نوزدهم این کرامت را بشما عطا کند که چون از دنیا بروید هیچ
ملکی در آسمانها و زمین نماند مگر آنکه هر روز طلب رخصت کنند از پروردگار عالمیان
در زیارت کردن قبور شما و چون بزیارت شما آیند هر ملکی با خود هدیه و شرابی برای شما
آورده باشند و دیگر روز بیستم بفرستد برای شما هفتاد هزار ملک که محافظت نمایند
شما را از هر شیطان رجیمی و بنویسند برای شما هر روزی که روزه داشته باشید روزه صد
سال و بگردانند میان شما و آتش جهنم خندقی و عطا کند بشما ثواب کسی که خوانده باشد توریة
و انجیل و زبور و فرقان را و بنویسد برای شما بعدد هر پری که جبرئیل امین دارد عبادت
سالی و عطا کند بشما ثواب تسبیح عرش و کرسی را و تزویج نماید بشما بعدد هر آیه از قرآن
هزار حوری و دیگر روز بیست و یکم این کرامت فرماید که چون در قبر قرار گیرید فراخ گرداند
از برای شما هزار فرسخ را و رفع کند از شما ظلمت و وحشت آنرا و بگرداند قبور شما را
مانند قبور شهدا و بگرداند روهای شما را مانند روی حضرت یوسف علیه السلام
و روز بیست و دوم تفضل کند بر شما که چون ملک موت را بقبض روح شما بفرستد با
او چنانچه برای قبض روح پیغمبران می آمده و رفع کند از شما هول منکر و نکیر را و دفع نماید
از شما هم دنیا و عذاب آخرت را و دیگر روز بیست و سیم تفضل نماید بر شما آنکه عبور

کنند از صراط با پیغمبران و صدیقان و شهدا و چنان باشید که سیر کرده باشید هر
یکی از امت من را و پوشانیده باشید هر عریانی از امت مرا و در روز بیست و چهارم
کرامت فرماید بشما آنکه بیرون نرود از دنیا تا به بیند مکان خود را در بهشت و عطا
نماید هر یک از شما را ثواب هزار مریض و هزار غریب که در طاعت خدا از منزل خود بیرون
رفته باشند و عطا کند بشما ثواب آزاد کردن هزار بنده از فرزندان اسمعیل را و در روز
بیست و پنجم بنا کند حق تعالی برای شما در زیر عرش خود هزار ... سبز و بر سر هر قبه خیمه از نور
و حق تعالی فرماید که ای امت احمد من پروردگار شمایم و شما بندگان و کنیزان منید در سایه
عرش من در آئید در این قبه‌ها بخورید و بیاشامید گوارا باد شما را ابد رسنی که نیست بر
شما خوفی و نه اندوهی ای امت احمد بجلال و عزت خود سوگند که شما را بسوی بهشت میفرستم
که تعجب کنید از شما اولین و آخرین و بهر یک از شما تاجی از نور عطا فرمایم و سوار کنم
هر یک از شما را بر ناقه که او را از نور خلق کرده باشم و افسار آن ناقه از نور باشد و در
آن افسار هزار حلقه باشد از طلا بر هر حلقه ملکی از ملائکه ایستاده باشد و بدست هر
ملکی عمودی از نور باشد تا آنکه داخل بهشت شوید بی‌حساب و در روز بیست و ششم حق تعالی
نظر رحمت کند بسوی شما و بیامرزد همه گناهان شما را مگر خون کسی یا مال کسی که در ذمه شما
باشد و نگاه دارد شما را هر روز هفتاد مرتبه از غیبت و دروغ و بهتان و در روز بیست
و هفتم چنان باشد که گویا هر مؤمن و مؤمنه را نصرت و یاری نموده باشد و هفتاد هزار
عریان را کسوه داده باشید و هزار مرابط را خدمت کرده باشید و خوانده باشید هر کتابی را
که حق تعالی فرستاده است بر پیغمبران خود و در روز بیست و هشتم کرامت فرماید در جنة
الخلد صد هزار مدینه از نور و در جنة المأوی صد هزار قصر از نقره و در جنة النعیم صد
هزار خانه از عنبر خشبو در جنة الفردوس صد هزار شهری در هر شهری صد هزار حجره
و در جنة الخلد صد هزار منبر از مشک در جوف هر منبری هزار خانه از زعفران و در هر
خانه هزار سریر از در و یاقوت و بر هر سریری زنی باشد از حور العین و در روز بیست
و نهم عطا فرماید بشما هزار هزار حله که در جوف هر حله قبه سفیدی باشد و در هر

بخته

قبه سریست از کافور سفید باشد و بر هر سریری هزار فرش کستریه باشد از سندس
سبز و بر بالای هر فرشی حوری باشد و آن حوری هفتاد هزار حله پوشیده باشد و هشتاد
هزار گیسو داشته باشد که هر گیسو مکلل بدر و یاقوت باشد پس چون روز سی‌ام شود بنویسد
برای شما بعدد هر روزی که گذشته است بر شما ثواب هزار شهید و هزار صدیق و بنویسد
برای شما عبادت پنجاه ساله را و باز بنویسد برای شما بعدد هر روزی روزه دو هزار روز را
و بلند گرداند درجات شما بعدد آنچه رسانیده است در رمضان از آب نیل و بنویسد برای شما
خلاصی از آتش جهنم و گذشتن بر صراط با آسانی و ایمن بودن از عذاب الهی و برای بهشت
دری هست که او را ریان گویند و آن گشوده نمیشود تا روز قیامت و آن را بگشاید برای رمضان
روزه دار و بنا رزق روزه دار امت محمد صلی الله علیه و آله و رضوان خازن بهشت گوید که
ای امت محمد صلی الله علیه و آله بیائید بسوی ریان پس امتان من داخل شوند از آن در
بسوی بهشت و ابن بابویه رضی الله عنه در کتاب من لا یحضره الفقیه از حضرت صادق علیه
السلام روایت کرده است که برای حق تعالی در هر شب از شبهای ماه رمضان آزاد کردهاست
از آتش جهنم مگر کسی که بمسکری افطار کرده باشد یا عداوت با علما و سوی داشته باشد
یا صاحب شاهین یعنی شطرنج بازی کند و چون شب آخر ماه شود بقدر آنچه در تمام ماه
آزاد کرده در آن شب آزاد کند و سید بن طاوس نور الله مضجعه در کتاب اقبال از آن
حضرت روایت کرده است که چون شب اول ماه رمضان شود حق تعالی بیامرزد هر که را خواهد
از خلایق و چون شب دوم شود مثل شب گذشته را بیامرزد و همچنین هر شب از رمضان عفو
نماید تا چون شب آخر ماه شود در برابر تمام شبهای گذشته را در آن شب بیامرزد و ابن
بابویه رحمه الله در کتاب ثواب الاعمال از آن حضرت روایت نموده است که هر که آمرزیده نشود
در ماه رمضان آمرزیده نشود تا سال آینده مگر آنکه موقف عرفات را دریابد و ایضا در کتاب
مذکور از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که از برای خدا ملکی
چند هست موکل بر روزه داران و استغفار میکنند برای ایشان در روزهای ماه رمضان
تا آخر آن و در هر وقت افطار ندا میکنند ایشان را که ای بندگان خدا بشارت باد شما

تا بدرستی که گرسنه شده اید اندکی رنجه باشد که بسیار سیر شوید تا برکت شدید و برکت
در رمضان شما بهم رسید و بیرون نحوس شود ندا کند ایشان که ای بندگان خدا حق تعالی ازاد
شما را امرزید و توبه شما را قبول نمود پس نظر کنید که بعد از این چگونه خواهد بود و احمد بن
عیسی در کتاب نوادر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در حدیث طولانی روایت
کرده است که ماه رمضان ماه حق تعالی است و تهلیل و تکبیر و تحمید و تسبیح را در این ماه بسیار
بکنید و این ماه بهار فقراست چنانچه حق تعالی عید قربان را برای سیری مساکین از گوشت
مقرر فرموده است پس طعام کنید از آنچه زیاد آید از نعمتهای الهی بر عیال خود و همسایگان
خود و نیکو مجاورت نمائید با نعمتهای الهی و با برادران خود صله و مهربانی کنید و فقرا و
مساکین از برادران خود را اطعام کنید بدرستی که هر که افطار نماید صائمی را برای اوست
ثواب روزه آن صائم بی آنکه از ثواب او چیزی کم شود و ماه رمضان ماه عتق نامیده میشود
زیرا که برای خدا در هر شب از شبها ششصد عتیق از آتش جهنم هست و در آخر ماه بقدر آنچه
در تمام ماه آزاد کرده آزاد مینماید و شیخ طوسی قدس الله روحه در کتاب امالی از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که حق تعالی بعد از نماز واجب از هیچ عبادتی سؤال
نمیکند و بعد از دادن زکوة از هیچ صدقه سؤال نمیکند و بعد از گرفتن روزه ماه رمضان
از هیچ روزه سؤال نمیکند و ابن بابویه رحمه الله در کتاب خصال از حضرت امام حسن مجتبی
صلوات الله علیه روایت کرده است که هر که ده ماه رمضان را متوالی روزه دارد داخل
بهشت میشود و در این مقام چند فایده را تنبیه بر آنها ضرور است مذکور میسازیم **فایده اول**
بدانکه در بسیاری از روایات سابقه مذکور است که شیاطین را در این ماه در غل و زنجیر
میکنند و بر این اشکالی متوجه میشود که فایده حبس شیاطین آنست که مردم ترک متابعت
شیاطین کنند و معاصی را مرتکب نشوند و خلاف این معنی بحسب ظاهر از احوال بعضی از مردم مشاهده
میشود چه معصیت کفار و ارباب ملل فاسده و عقاید باطله ثابت و محکوم بها است و همچنین
متابعت شهوات نفسانی بسیار فساق فرقه ناجیه امامیه معلوم است بلکه از غیر معصومین
صلوات الله علیهم اجمعین معصیت و خطا در این ماه در رضا در میشود و از معصوم اگرچه صادر
نمیشود

نمیشود لیکن اختصاصی با این ماه ندارد و سید بن طاوس قدس الله روحه در کتاب اقبال بعد از
ذکر اخبار داله بر این مطلب گفته است که یکی از اهل دین این شبهه را از من پرسید و گفت
من تفاوتی در حال خود در ماه رمضان و پیش از آن نمی‌یابم بلکه همان غفلتی را که قبل
از ماه رمضان برای من بود در ماه رمضان نیز بود و در خود می‌بینم پس سید گفت که من چند
جواب با او گفتم اول آنکه ممکن است که در حبس نیز قدری از اذیت ایشان برسد و اگر شیاطین
محبوس و مغلول نباشند ضرر اخروی و دنیوی ایشان بیشتر باشد پس ثمره حبس ایشان
رفع زیادتی ضرر ایشان است نه اصل ضرر **دویم آنکه** ممکن است که حبس ماهی طایفه از شیاطین
اختصاص داشته باشد و شیاطین این ماه غل کنند و شیاطین دیگر ماهها مطلق العنان
باشند و آزار ایشان از بعض مردم رسد **سیم آنکه** ممکن است که شیاطین را از اذیت و اغوای
مؤمنین منع کرده باشند و از اغوای کفار و فسقه ممنوع نباشند **چهارم آنکه** ممکن است
که شیاطین را همگی در غل کرده باشند یعنی ابلیس که شیطان بزرگ و پدر همه است و اغوائی که بمردم میرسد
از او باشد **پنجم آنکه** همگی شیاطین محبوس و مغلول باشند و نفس اماره و شیاطین انس
باعث اغوای مردم شوند **ششم آنکه** همگی شیاطین محبوس باشند و گناهی که بندگان
قبل از ماه رمضان کرده‌اند باعث غفلت ایشان شود و بر متدبر فطن پوشیده نیست که بعضی
از این جوابها دفع اشکال اصلا نمیکند و بعضی در نهایت ضعف است بغیر جواب پنجم که بحسب
ظاهر صحیح است و اشکال را بر این دفع میکند و جد علامه ام مولانا محمد باقر مجلسی رحمه الله نیز
از برای دفع این شبهه اختیار نموده است و آنچه در دفع این اشکال بخاطر این حقیر شکسته میرسد
آنست که الطاف خاصه حق تعالی و توفیقات و تأییدات که بجهت جل و علا در این ماه زیاده از ماهها
دیگر است چنانچه در هر شب چندین هزار کس را از آتش جهنم آزاد میکند و ثواب
طاعات و عبادات در این ماه نیز بچندین برابر مضاعف است و هر که توفیق یک عمل خالص
در این ماه بیابد هرچند بسیار قلیل باشد البته آمرزیده میشود و جزای معاصی نیز اگر
چه در این ماه مضاعف است و لیکن بسیار نادر است که عمل خیری از اهل معاصی صادر
نشود و بسبب آن آمرزیده نشود لااقل توفیق اصل روزه را می‌یابد و باین سبب مستحق

ثوابهای نامتناهی میشود و اذیت و اغوای شیاطین اگرچه کار را بمعصیت می اندازد لیکن ثمره
بآن مترتب نمیشود چه فیوضات خاصه الهی و الطاف مخصوصه غیر متناهی تدارک آن میکند
زیرا که بآن سبب توفیق اعمال خیر می یابد هرچند بسیار قلیل باشد و امرزیده میشود پس غل
کردن شیاطین کنایه است از عدم تاثیر آن و فقدان حصول ثمره اغوای ایشان والله تعالی
یعلم **فایده دویم آنکه** در روایات بسیار وارد شده است که ماه مبارک رمضان
اول سال است چنانچه بعضی از آنها گذشت و بعضی بعد از این بتقریب ذکر اعمال مذکور میشود
و ایضا سید بن طاوس قدس الله روحه در کتاب اقبال بسند خود از حضرت امام جعفر
صادق صلوات الله علیه روایت کرده است که ماه رمضان اول سال است و در بعضی
از روایات وارد شده است که اول سال شب قدر است چنانچه بعد از این مذکور میشود
انشاء الله تعالی و در بعضی از روایات مذکور است که روز عید رمضان اول سال است چنانچه
در حرز بیست و چهارم مذکور خواهد شد و مشهور میان عرب و مفهوم از بعضی روایات آن
است که اول سال محرم است و وجه جمع میان این روایات آنست که این امور باعتبار اختلاف
اعتبارات مختلف میشود لیکن اول سال شرعی از حیثیت اشتغال بطاعات و عبادات ماه
مبارک رمضانست که نکته در این باب چنانچه سید بن طاوس قدس الله نفسه در کتاب اقبال
ذکر نموده این باشد که شواهد عقلی و نقلی شهادت میدهد بآنکه ابتدای دخول در هر کاری
نمونه آن کار است چنانچه اگر اول آن شغل در ساعت نیک اتفاق افتد و بخیر و خوبی
محفوف باشد آن شغل به نیکی باتمام میرسد و بقیه آن بخیر و خوبی منتهی میگردد و چون
ماه مبارک رمضان اشرف و افضل ماههای سال و محل عبادت خداوند کریم متعال و
فیوضات نامتناهی در این ماه آنا فانا بر مردم افاضه میشود لهذا آنرا اول سال عبادات
گردانیده که اول سال بخیر و خوبی و عبادت و طاعت محفوف باشد و این معنی باعث آن
شود که بقیه سال نیز بطاعت ایزد کریم و عبادت خداوند واجب التعظیم طی شود و اول
سال تقدیرات ارزاق و آجال و وقایع سالست در آن سال شب قدر است و اول سال
بجا آوردن اکل و شرب بعد روز عید ماه مبارک رمضان است و اول سال عرفی بجهت تشخیص
اعمال

رمضان

اعمال معاملات و ضبط تواریخ و وقایع سالست و امثال آنها محرم است والله تعالی یعلم **فایده
سیم آنکه** این ماه چنانکه در میان ماهها افضل از همه است همچنین در میان اوقات
این ماه بعضی نسبت ببعضی اوقات اشرف و افضل است مانند شب نوزدهم و بیست و یکم
و بیست و سیم و مانند عشر آخر نظر بدو عشر اول و مانند شبهای طاق نسبت بشبهای جفت و
و تفصیل هر یک در محل مناسب انشاء الله تعالی مذکور میشود و مانند جمعهای این ماه
نظر بسایر اوقات چنانچه ابن بابویه رضی الله علیه در کتاب ثواب الاعمال از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است بدرستی که برای جمعهای ماه مبارک
رمضان فضیلت و زیادتی هست بر جمعهای ماههای دیگر مانند فضیلت ماه رمضان
ماه رمضان بر ماههای دیگر و در نسخه دیگر چنین است که مانند فضیلت حضرت رسالت
صلی الله علیه و آله بر پیغمبران دیگر **ختام شیخ جلیل نبیل قطب راوندی رضی الله عنه**
در کتاب قصص الانبیاء بسند خود از رئیس المحدثین شیخ الصدوق ابن بابویه رحمه الله
روایت کرده و سند را متصل نموده به معراج حقایق حضرت امام جعفر صادق صلوات
الله علیه و علی آبائه الطاهرین و ابنائه المطهرین که آن حضرت فرمود که در کتاب
حضرت دانیال نبی علیه السلام نوشته است که هر سالی که در ماه مبارک رمضان آفتاب
بگیرد مردمان همگی پادشاه فارس را اطاعت کنند و روم از عرب و ترک غلبه عظیمی بهم
رسد و تابعان ایشان بر روم غالب شوند و غنیمت و اسیران بسیار از ایشان بگیرند و هر
سالی که در ماه رمضان ماه بگیرد در بلاد جبل سرماهای سخت شود و برف و باران بسیار
بیارد و آب بسیار باشد و در زمین فارس درندگان بسیار بهم رسند و در شهر
بوسه ماه مرگ اطفال و زنان بسیار باشد والله تعالی یعلم حقایق الامور **باب ششم
در بیان بعضی از فواید و احکام متعلقه** بماه مبارک رمضان و در آن چند لمعه است
لمعه اول در بیان کیفیت دخول ماه مبارک رمضان بدانکه مشهور میان علماء شیعه رضوان
الله علیهم آنست که مناط دخول ماه مبارک رمضان و خروج آن مانند سایر ماههای
دیگر از رؤیت هلال است و هر شبی که هلال ماه مبارک رمضان مرئی شود روز آن

روزان شب غره ماه مبارك رمضان است خواه از غره شعبان بیست ونه روز گذشته باشد
یا سی روز وهم چنین هر شبی که هلال شوال نمودار شود روز آن عید وغره ماه شوال است
خواه از غره ماه رمضان بیست ونه روز گذشته باشد یا سی روز وبر این مذهب شواهد بسیار
هست مثل ظاهر آیات کریمه وصریح اخبار متکثره متظافره وکلام لغویین وارباب محاورات
واهل لسان نیز بر این قول دلالت دارند وجمعی دیگر از قدمای علمای ما مانند جعفر بن
محمد بن قولویه ومحمد بن علی بن بابویه وشیخ سعید وشیخ مفید قدس الله ارواحهم
وبعضی دیگر از قدما قایل شده اند که ماه شعبان همیشه ناقص بیست ونه روز است
وماه رمضان همیشه تمام سی روز است ومیگویند که ابتدای سال قمری از ماه محرم است
وبماه ذی الحجه تمام میشود وماه اول سال تمام است وماه دوم ناقص است وسیوم
تمام وچهارم ناقص وهم چنین یك درمیان تمام وناقص می باشد تا آنکه ماه آخر که ذی الحجه
است ناقص است پس شش ماه تمام است که آن محرم وربیع الاول وجمادی الاولی ورجب
وماه رمضان وذی القعده است وشش ماه همیشه ناقص است که آن صفر وربیع الثانی
وجمادی الثانی وشعبان وشوال وذی الحجه است واین طایفه را اصحاب عدد میگویند
وظاهر بسیاری از احادیث واخبار بر این قول نیز دلالت دارد ولیکن بعضی از آنها مقدوح
السند وبرخی مقدوح الدلاله است چنانچه شیخ طایفه شیخ طوسی رفع الله درجته
در کتاب تهذیب اکثر آنها را تاویل نموده وبعضی را بالمره طرح کرده است وذکر روایات
طرفین وجرح وتعدیل آنها مناسب این کتاب نیست وقول اول اقوی واشهر بلکه مجمع
علیه میان متاخرین علماست حتی آنکه شیخ طوسی در کتاب تهذیب گفته که اصحاب عدد
فرقه‌ای از شذاذ مسلمین اند وقریب به پنجاه حدیث بر رد آن که هر یك از آنها صریح در
رد مذهب مشهور است ذکر نموده گفته است که اخبار این مطلب زیاده از این است واین
قدر کفایت اثبات مدعا مینماید وسید بن طاوس قدس الله روحه در کتاب اقبال گفته
که این اختلاف قبل از زمان ما بوده والحال اصلا در میان نیست وجماعتی از علما را که
من دیده‌ام یا قول ایشان را شنیده‌ام قایل بمذهب مشهور اند وگفته که کتابی تالیف محمد بن

علی کراجکی

رمضان

علی کراجکی دیدم که او نیز در اول حال از جمله اصحاب عدد بوده وبعد از آن کتابی دیگر تالیف
نموده مسمی بکافی ودر آن کتاب رجوع از قول اول نموده بمذهب مشهور قایل شده ودر آن کتاب گفته
که شیخ مفید رحمه الله در کتاب لمح البرهان از جمله اصحاب عدد بوده ومبالغه زیاد در آن باب
نموده وثانیا کتابی تالیف نموده مسمی بمصابیح النور ودر آن کتاب رجوع از مذهب اهل عدد نموده
قایل بمذهب مشهور شده است واز غرایب آنست که ابن بابویه رضی الله عنه در کتاب من لا یحضر اولا
بابی عقد نموده واحادیث داله بر مذهب مشهور را نقل نموده وتاویلی نکرده است وبعد از آن
در ابواب بعد آن دو سه حدیث که دلالت بر عدد میکند ذکر نموده ونهایت مبالغه در حقیقت
عدد نموده است وبالجمله متابعت قول مشهور متحتم ولازم است ومناط روزه داشتن وافطار
نمودن بر دیدن هلال است یا گذشتن سی روز تمام از غره ماه شعبان یا ماه رمضان پس اگر
خود دیده باشد هر چند تنها باشد اگر ماه رمضان باشد روزه واجب میشود واگر ماه شوال
باشد افطار واجب است وآن روز عید است واگر خود ندیده باشد شرعا باید رویت دیگران
ثابت شود یکی شهادت شهود بحد شیاع رسد وعلم از شهادت ایشان حاصل شود بلا
خلاف رویت شرعا ثابت است واگر بحد شیاع نرسد جمعی از علما بشهادت دو عادل
اکتفا نموده اند خواه ایشان از اهل آن بلد باشند یا خارج آن وخواه هوا ابر باشد یا صاف باشد
وبعضی گفته اند که اگر هوا صاف باشد وابر وغباری ونحو آن نباشد بکمتر از پنجاه شاهد
یا دو شاهد عادل از خارج بلد ثابت نمیشود وقول اول اقوی وموافق روایات معتبره صحیحه
واگر نزد حاکم شرع بثبوت شرعی برسد آیا برای دیگران کافی است وحکم حاکم شرع عمل
نموده یا نزد هر کس باید ثابت شود وحکم حاکم شرع بیفایده است ودر این باب خلاف است
شیخ شهید وبعضی از اعاظم متاخرین قول اول را اختیار نموده اند ووالد علامه‌ام ادام
الله ظلاله قول ثانی را ترجیح نموده ودر آن باب رساله مبسوطه مشتمل بر تحقیقات جلیله تالیف
فرموده است واین قول اقوی واحوط است واگر کسی ماه را قبل از ظهر ببیند یا نزد او ثبوت
رسد آیا آن روز غره آن ماه است یا آن رویت اعتبار ندارد واین روز سلخ ماه سابق است
در این باب نیز خلاف است واقوی نزد جمعی از محققین قول اول است ومسئله محل تامل واشکال است

والله تعالی یعلم دویم آنکه بعضی از قراین اوصاف هلال برای دانستن غره ماه در کتب علما مسطور است
که اکثر علما بانها عمل نموده اند ولیکن چون بعضی از انها در روایات وارد شده و نادری از علما
بینخا از انها عمل نموده اند لهذا در این کتاب ذکر انها مبادرت مینمائیم اول اخبار منجمین بانکه
اول ماه فلان روز است چنانچه در تقاویم مینویسند و علمای شیعه بان عمل ننموده اند مگر در
شاذی که اسم قایل آن بر من معلوم نیست چنانچه شیخ طوسی در کتاب خلاف از شاذ نادر از شیعه
علامه در منتهی از بعضی از اهل سنت قول بثبوت ماه از تقویم را نقل نموده و این قول بسیار
ضعیف و فاسد است دویم غایب شدن هلال بعد از زوال شفق سیم باران طوق زدن
هلال و این دو علامت در روایات وارد شده است چنانچه بسند صحیح از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام منقولست که هلال هرگاه پیش از شفق غایب شود یکشبه است و اگر بعد از
شفق غایب شود دو شب است و ایضا بسند معتبر از آنحضرت صلوات الله علیه مرویست
که هرگاه هلال طوق زند دو شبه است و هرگاه سایه سر را در روشنائی آن ببینی پس آن
سه شبه است و ابن بابویه در کتاب مقنع بعلامت اول عمل نموده و شیخ طوسی قدس الله روحه
در کتاب تهذیب در حالتی که هوا صاف نباشد و ابر یا غباری باشد بهر دو علامت عمل نموده
و باقی علما هیچ یک از این دو علامت را اصلا مناط اعتبار ندانسته و این دو روایت را طرح
نموده اند و بگمان فقیر طرح این دو حدیث ضرور نیست و ممکن است که این دو علامت علامت
دخول ماه در واقع و نفس الامر باشد ولیکن شارع آن را اعتبار ننموده بلکه مناط تکلیف
روزه و افطار بر رؤیت هلال است نه علامات و انتهی والله تعالی یعلم چهارم سید بن
طاوس قدس الله نفسه در کتاب اقبال نقل کرده از ابو الهیثم محمد بن ابرهیم روایت
کرده که او از پدرش روایت نموده که داخل شدم بر حضرت امام حسن عسکری صلوات الله
علیه در روزی که مردم شک داشتند که آن روز از ماه مبارک رمضان بود یا نه پس چون
نظر حضرت بر من افتاد فرمود که ای ابرهیم تو از کدام طایفه امروز را روزه داشته یا نه
عرض کردم فدای تو شوم برای تحقیق این معنی خدمت تو آمدم فرمود که من بتو تعلیم مینمایم
اصلی را که هرگاه ضبط نمائی آن را هرگز شک برای تو حاصل نشود عرض کردم که ای مولای من

منت

رمضان

منت گذار بر من باین ضابطه فرمود که هرگاه در اول ماه محرم را بدانی کافی است برای
دانستن اول ماه رمضان عرض کردم چگونه روز اول ماه رمضان را از اول ماه محرم
طلب نمایم فرمود که اول ماه محرم را ببین که چه روز است پس اگر یکشنبه اول محرم باشد یکی
را ضبط کن و اگر دوشنبه باشد دو را ضبط کن و عدد ماههای خود که دوازده است بگذار
زیاد کن و از مجموع این عدد هفت هفت طرح کن و ببین که چه قدر باقی مانده و میماند اگر
هفت باقی مانده شنبه را روزه بدار و اگر شش باقی مانده جمعه را روزه بدار و اگر پنج
باقی مانده پنجشنبه و هم چنین تا اگر یک باقی مانده یکشنبه را روزه بدار و علما باین
روایت عمل ننموده اند و سید بن طاوس گفته که شاید این روایت مخصوص وقتی دون وقتی
و حالی دون حالی و انسانی دون انسانی بوده باشد و ظاهر است سید نخواسته که روایت
را بالمره طرح نماید لهذا این کلام مجمل مبهم را ذکر نموده و مراد او ظاهرا اینست که شاید این
روایت مخصوص بعضی اوقات یا بعضی احوال یا بعضی اشخاص باشد و حقیقت آن بر ما معلوم
نباشد و جد علامه ام مولانا محمد تقی رفع الله درجته گفته که ضابطه که در این روایت
مذکور است بطریقه اصحاب عدد که یکماه از سال را تمام و یکی را ناقص میدانند چنانچه
در صدر فصل اشاره بان شد موافق است زیرا که موافق این قاعده هرگاه اول محرم
روز یکشنبه باشد عدد یک را ضبط مینمائیم و دوازده را بر آن اضافه میکنیم سیزده میشود
و چون هفت را و چون از او اسقاط نمائیم شش باقی میماند و روز غره ماه مبارک رمضان
جمعه خواهد بود و این قاعده با قاعده اصحاب عدد که ابتدا از ماه محرم مینمایند و آن را
تمام و صفر را ناقص و هم چنین یکی را تمام و یکی را ناقص حساب میکنند مطابق است زیرا
که اول محرم هرگاه یکشنبه باشد و ماه محرم را سی تمام حساب کنیم اول ماه صفر روز
سه شنبه میشود و ماه صفر چون ناقص است و بیست و نه است اول ماه ربیع الاول چهار
شنبه میشود و ماه ربیع الاول چون تمام است اول ماه ربیع الثانی جمعه میشود و چون
ماه ربیع الثانی ناقص است اول ماه جمادی الاولی شنبه میشود و ماه جمادی الاولی چون
تمام است اول ماه جمادی الثانیه دوشنبه میشود و ماه جمادی الثانیه چون ناقص است

ظاهر میگردد که کی ماه چه روز را روزه بداریم فرموده که ملاحظه کن که در سال گذشته چه
روز را روزه گرفته و ابتدا بشمار روز پنجم را روزه بدار و بر این مضمون چند حدیث دیگر
نیز وارد شده است چنانچه سید بن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال ذکر نموده و شیخ طوسی
رضی الله عنه در کتاب تهذیب این حدیث را حمل نموده بر آنکه روز پنجم را به نیت سنت
روزه میدارد که اگر آخر ظاهر شود که از ماه رمضان نبوده ثواب روزه سنت برای او خواهد بود
زیرا که این روز یوم الشک است و روزه یوم الشک مستحب است نه واجب و اگر آخر ظاهر
شود که از ماه رمضان بوده بر روزه واجب محسوب میشود چنانچه بعد از این حکم آن بتفصیل مذکور
میشود و عبارت حدیث ابا دارد از این معنی زیرا که در حدیث مذکور نیست که روز پنجم از
رمضان است بلکه فرموده است که آن را روزه بدار و مخفی نماند که این تاویل در روایت
سابق نیز جاری میشود چنانچه بر متامل خبیر پوشیده نیست و جد علامه ام مولانا محمد تقی
قدس الله سره این حدیث را نیز مانند دو روایت سابقه بر طریقه اصحاب عدد حمل نموده
زیرا که هرگاه فرض کنیم که غره ماه رمضان گذشته شنبه باشد و ماه رمضان بنابر طریقه
ایشان از شهور تامه است پس اول شوال دوشنبه میشود و چون شوال از شهور ناقصه است
اول ذی قعده سه شنبه میشود و ذی القعده از شهور تامه است و اول ذی الحجه پنجشنبه و ذی الحجه
ناقص و اول محرم جمعه و محرم تمام و اول صفر یکشنبه و صفر ناقص و اول ربیع الاول دوشنبه
و ربیع الاول تمام و اول ربیع الثانی چهارشنبه و ربیع الثانی ناقص و اول جمادی الاول
پنجشنبه و جمادی الاولی تمام و اول جمادی الثانیه شنبه و جمادی الثانیه ناقص و اول
رجب یکشنبه و رجب تمام و اول شعبان سه شنبه و شعبان ناقص و اول ماه مبارک رمضان
چهارشنبه میشود و چون اول ماه مبارک رمضان گذشته شنبه بوده چون از آن روز
بشماریم پنجم از چهارشنبه میشود پس این حدیث نیز مانند سایر احادیث دلالت بر طریقه
اصحاب عدد و دلالت بر مذهب ایشان میکند و باین جهت علما بمضمون آن عمل ننموده اند
و بنا بآنکه ماه ذی الحجه موافق طریقه اصحاب عدد در اکثر سنوات از شهور ناقصه است
ممکن در بعضی از سنوات که ببعضی از جهات اینها از شهور تامه و سی روز تمام اعتبار

اول ماه رجب سه شنبه میشود و ماه رجب چون تمام است اول ماه شعبان پنجشنبه میشود
و ماه شعبان چون ناقص است اول ماه مبارک رمضان جمعه میشود و همچنین اول محرم
اگر دوشنبه باشد موافق ضابطه که در روایت مذکور است اول ماه مبارک رمضان
شنبه میشود و مطابق ضابطه اصحاب عدد نیز چنین است و همچنین سایر ایام هفته هر
روزی که اول محرم باشد مطابق این دو ضابطه اول ماه رمضان استخراج میشود و
هر دو قاعده با یکدیگر مطابق است و اختلافی ندارد و ضابطه آسان تر در این باب
آنست که هر روزی که اول محرم است اول ماه رمضان قبل از آن روز بدو روز خواهد
بود پس اگر اول محرم یکشنبه باشد اول رمضان جمعه است و علی هذا القیاس و مخفی نماند
که این روایت موافق این تحقیق اگرچه صحیح است لیکن مانند سایر روایات داله بر مذهب
اصحاب عدد این روایت نیز دلالت بر مذهب ایشان میکند و لهذا علما بآن عمل ننموده اند
والله تعالی یعلم شیخ کلینی رضی الله عنه و سید بن طاوس قدس الله روحه در کتاب
اقبال از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده اند که با ابو بصیر فرمود
که هرگاه که روز اول ماه رجب را بدانی پس از آن روز پنجاه روز بشمار و روز شصتم
را روزه بدار و سید گفته که این روایت مبنی است بر آنکه ماه رجب یا ماه شعبان
یک کدام ناقص باشد و ممکن است که در آن سالی که حضرت این حدیث را با ابو بصیر فرموده
چنین اتفاق افتاده باشد و منظور حضرت خصوص آن سال باشد نه ضابطه کلیه که در جمیع
سنوات جاری شود و جد علامه ام مولانا محمد تقی رفع الله درجته این روایت را نیز
مانند روایت سابق بطریقه اصحاب عدد حمل نموده زیرا که موافق طریقه ایشان ماه
رجب از شهور تامه و ماه شعبان از شهور ناقصه است پس البته روز شصتم از اول
ماه رجب غره ماه رمضان خواهد بود پس این روایت نیز دلالت بر مذهب اصحاب عدد میکند
و باین جهت علما بآن عمل نکرده اند شیخ کلینی و شیخ طوسی قدس الله روحهما و دیگران
از عمران زعفرانی روایت نموده اند که گفت بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم
که در عراق گاه هست که یک شب و دو شب و سه شب ابر میشود و آسمان گرفته میشود و هلال

طلوع

میکنند و آن سال را سال کبیسه مینامند و تحقیق معنی کبیسه و ذکر جهت اعتبار آن در بعضی
از سنوات تطویلی میخواهد که مناسب این کتاب نیست و این علامت که در این حدیث مذکور است
در سال غیر کبیسه بنا بر طریقه ارباب عدد مستقیم است چنانچه دانستی و در سال کبیسه صحیح
نیست زیرا که ماه ذی الحجه در آن سال تمام است بلکه در سال کبیسه روز ششم از غره ماه
رمضان گذشته غره ماه رمضان آن سال خواهد بود چنانچه بعد از تامل در حساب ظاهر میشود
والله تعالی یعلم تحقیق این روایت آنکه سید بن طاوس طیب الله رمسه در کتاب اقبال گفته که
مذاکره از شیوخ بمن رسیده و سند او را ندیده ام که از یکی از ائمه علیهم السلام مرویست که
فرموده که روز روزه شما روز نحر شماست یعنی روز غره ماه رمضان و روز عید قربان یکی است زیرا
وجد علامه ام مولانا محمد تقی مجلسی قدس الله روحه این حدیث را بر طریقه اصحاب عدد تنزیل نموده
است زیرا که هرگاه غره ماه رمضان روز شنبه باشد بر طریقه اصحاب عدد روز اول ماه ذی الحجه
پنجشنبه میشود چنانچه در شرح حدیث سابق مذکور شد و هرگاه پنجشنبه غره ذی الحجه باشد
عید قربان روز شنبه میشود و با غره ماه رمضان موافق میشود و جد علامه ام مولانا محمد
باقر مجلسی قدس الله روحه در مجلد سماء عالم از کتاب بحار الانوار ذکر نموده که در بعضی نسخه
بجای این حدیث مذکور است که روز عاشورا و روز عید رمضان یکی است و این معنی در
سال غیر کبیسه صحیح نیست زیرا که در صورت مفروضه هرگاه اول ذی الحجه پنجشنبه و ذی الحجه
از شهور ناقصه و در غیر سال کبیسه است غره محرم جمعه میشود و عاشورا روز یکشنبه میشود
و چون غره ماه رمضان در این سال شنبه بوده و ماه رمضان از شهور ناقصه است یکی روز
عید دوشنبه میشود و با عاشورا مطابق نمیشود و در سال کبیسه صحیح است زیرا که ذی الحجه در آن
سال تمام است و غره محرم شنبه میشود و عاشورا دوشنبه میشود و با روز عید رمضان
مطابق میشود و بدانکه سید بن طاوس در این مقام اشتباه غریبی نموده است زیرا که این حدیث
را از جمله امارات و علامات غره ماه مبارک رمضان نقل نموده است و بر متفکر خبیر مستور
نیست که علامت غره ماه رمضان از این حدیث معلوم نمیشود بلکه علامات غره ماه ذی الحجه
و عید قربان از آن مفهوم میشود و لهذا امام علیه السلام فرموده که روز روزه شما روز نحر

شماست

شماست و نفرموده که روز نحر شما روز روزه شماست و بیان این معنی آنست که هرگاه
اول ماه رمضان شنبه باشد اول ذی الحجه پنجشنبه میشود چنانچه دانستی پس از غره ماه
رمضان غره ذی الحجه و عید قربان معلوم میشود و از غره ذی الحجه غره ماه رمضان با این
طریق معلوم نخواهد شد زیرا که هرگاه غره ذی الحجه پنجشنبه باشد و عید قربان شنبه
باشد غره ماه رمضان اینکه چهارشنبه میشود چنانچه در شرح حدیث سابق بتفصیل مذکور شد
و روز عید قربان با روز غره ماه رمضان مطابق نمیشود والله تعالی یعلم مرقوم سید بن طاوس
نور الله تربته در کتاب اقبال گفته که بعد از این تالیف کتاب اقبال کتاب عتیق کهنه دیدم
که در پشت آن کتاب ضابطه برای معرفت غره هلال هر ماه نوشته بود و ضابطه مذکور
اینست که هرگاه خواهی که روز عرفه را که روز نهم ذی الحجه است و روز اول هر ماه رمضان
را از هر سال بدانی پس ملاحظه کن هلال ماه محرم را و غره ماه محرم را ضبط کن و از آن روز
بشمار پنجم آن روز را عرفه و ششم آن روز غره ماه رمضان است مثلا هرگاه غره ماه محرم
شنبه باشد چهارشنبه عرفه و پنجشنبه غره ماه رمضان خواهد بود و اگر هلال ماه محرم از
تو مخفی و مستور شود پس ملاحظه هلال ماه صفر بکن و از غره ماه صفر بشمار سیم آن عرفه
و چهارم آن غره ماه رمضان است پس هرگاه غره صفر شنبه باشد دوشنبه عرفه و سه
شنبه غره ماه رمضان است و اگر هلال ماه صفر بر تو مستور شود هلال ماه ربیع الاول را
ضبط کن و از روز اول آن بشمار روز دوم آن عرفه و سیم آن غره ماه رمضان است
و اگر هلال ربیع الاول را ندانی اول ماه ربیع الثانی را ضبط کن و از آن روز بشمار هفتم آن
عرفه و هشتم آن غره ماه رمضان است و اگر اول ربیع الثانی را ندانی از اول جمادی
الاولی بشمار ششم آن عرفه و هفتم آن غره ماه رمضان است و اگر اول جمادی الاولی را ندانی
از اول جمادی الثانیه بشمار چهارم آن عرفه و پنجم آن غره ماه رمضان است و اگر اول
جمادی الثانیه را ندانی از اول ماه رجب بشمار سیم آن عرفه و چهارم آن اول ماه رمضان است
و اگر اول ماه رجب را ندانی از اول ماه شعبان بشمار اول آن عرفه و دوم آن غره ماه
رمضان است و اگر اول ماه شعبان را ندانی هلال ماه مبارک رمضان را بر سی و از آن

روز چهارم هفتم از عرفه و پنجم از غره ماه مبارک رمضان بوده است و اگر غره ماه رمضان یکشنبه شود هلال شوال را ببین و از آن روز شمار پنجم از عرفه و ششم از غره ماه رمضان است و اگر اول شوال شنبه شود از اول ذی القعده بشمار چهارم از عرفه و پنجم از اول ماه رمضان است و اگر اول ذی القعده را نیابی از اول ذی الحجه بشمار نهم از عرفه و هفتم از غره ماه رمضان است و جد علامه ام مولانا محمد تقی قدس الله روحه این ضابطه را بتبع طریقه اصحاب عدد تذییل نموده است و ذکرش با آن موجب المثاب و از کلمات سابقه بر متدبر بصیر پوشیده و مستور نیست والله تعالی هو الموفق للحق والصواب فی کل باب

صد و بیست و سیم در بیان حکم روزه یوم الشک بدانکه یوم الشک روزه سی ام ماه شعبان است هرگاه در شب آن ماه دیده نشود و برای مردم شک حاصل شود که این روز سلخ ماه شعبان است یا غره ماه مبارک رمضان و موافق طریقه اصحاب عدد و طریقه جمعی که با امارات سابقه عمل نموده اند چنانچه در لمعه سابق مذکور شد روزه این روز واجب است و موافق طریقه مشهور میان علما که من حیث الدلیل اقوی و معمول به اعاظم علما در اکثر اعصار است که مدار وجوب صوم و افطار بر رؤیت هلال است چنانچه تفصیل این قول نیز در صدر لمعه سابق مذکور شد روزه این روز واجب نیست و در میان ایشان خلافی نیست که اگر این روز را به نیت ماه شعبان روزه بدارند و اخر ثابت شود که از ماه رمضان بوده است این روزه هر چند به نیت سنت واقع شده از روزه ماه رمضان مجزی است و قضا در کار نیست و بر طبق این روایات بسیار وارد شده است چنانچه بسند صحیح از سعید اعرج منقول است که گفت بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم که من یوم الشک را روزه داشتم و ظاهر شد که از ماه رمضان بوده آیا آن روز را قضا کنم حضرت فرمود بلکه روزی است که توفیق یافته بروزه داشتن آن و در روایت دیگر از محمد بن حکیم منقول است که گفت سؤال کردم از حضرت ابی الحسن علیه السلام از روزه یوم الشک و گفتم که مردم یعنی اهل سنت میگویند که هر که روزه باشد در این روز مانند کسی است که افطار کرده باشد در ماه مبارک رمضان فرمود که دروغ میگویند اگر از ماه رمضان است پس روزی است که توفیق یافته بروزه داشتن آن و اگر از ماه رمضان نیست بمنزله روزهای گذشته ماه

شعبان

شعبانست و در روایت دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که روزه یوم الشک را باید روزه داشت به نیت ماه شعبان نه به نیت ماه رمضان زیرا که نهی از آن وارد شده است پس اگر ظاهر شود که از ماه رمضان بوده است مجزی است از روزه ماه رمضان بتفضل حق تعالی نه بنیت قریب و نه بنیت دیگر زیرا که اگر یقین باشد که از ماه رمضان است نیت قریب کافی نیست و نیت قریب در جائی کافی است که مستند ظاهری نداشته باشد و در یوم الشک سندش معلوم است و احادیث بر این مضمون بسیار و معمول به است و بالجمله در باب اجزاء روزه این روز به نیت شعبان از روزه ماه رمضان اگر ظاهر شود که از ماه رمضان بوده خلافی بنظر نرسید و لیکن آیا مستحب است روزه داشتن این روز به نیت ماه شعبان یا نه در این باب خلاف است اکثر علما مطلقا باستحباب قایل شده اند و محقق در معتبر از شیخ مفید نقل نموده است که مستحب است روزه این روز هرگاه هوا ابر باشد و شک در دیدن هلال بهم رسد و اگر هوا صاف باشد و ماه دیده نشود و شکی حاصل نشود مستحب نیست بلکه مکروه است مگر کسی که قبل از این روز را روزه داشته باشد که نسبت باو مستحب است و این قول بسیار ضعیف و مستند ظاهری برای آن بنظر نرسید و اگر این روز را بنیت واجب و اینکه از ماه مبارک رمضان است روزه بدارند مشهور میان علما آن است که مجزی نیست آن روزه نه از ماه شعبان و نه از ماه رمضان و اگر ظاهر شود که از ماه رمضان بوده واجب است که آن روز را قضا کنند و ابن بابویه و ابن ابی عقیل و ابن جنید و شیخ طوسی ببعضی از کتب خود در این صورت مجزی دانسته اند و قول اول اقوی و احوط و موافق روایات معتبر است چنانچه بسند صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که فرمود که در باب کسی که یوم الشک را روزه دارد بقصد ماه رمضان آنکه قضا بر او لازم است هر چند ظاهر شود که از ماه رمضان بوده و از حضرت امام زین العابدین صلوات الله علیه منقول است که ما شما را در باب روزه یوم الشک امر میکنیم و نهی میکنیم امر میکنیم که روزه بدارید آن را بقصد ماه شعبان و نهی میکنیم که روزه ندارید آن را به نیت ماه رمضان و اگر کسی قضای ماه رمضان یا روزه نذر یا عهد یا یمین بر او لازم شده باشد و این روز را به نیت یکی

از انعقاد روزه دارد مشهور میان اصحاب آنست که مجزی نیست نه از روزه ماه رمضان و نه از آن
واجبی که نیت کرده هرچند آخر ظاهر شود که از ماه رمضان بوده و اگر کسی روزه دارد این
روز را و در نیت تردید کند که اگر از ماه رمضان باشد روزه واجب داشته باشد و الا سنت
بعضی گفته‌اند که مجزی است و مشهور عدم اجزا است بلکه اگر ظاهر شود که از ماه رمضان بوده واجب
است که قضا کند والله تعالی یعلم حقایق الاحکام و حججه الکرام علیهم التحیة والاکرام **لمعة سیم در**
در باب نیت روزه ماه مبارک بدانکه در هر عبادتی واجب است که نیت مقارن جزو اول آن
عبادت واقع شود یعنی روزه که مقارنت نیت با جزو اول آن شرط نیست بلکه هر جزوی از اجزاء
شب پیش صلاحیت دارد که نیت در آن واقع شود و خلاف واضحی در این باب بنظر نرسیده مگر آنچه
جمعی از سید مرتضی نقل کرده‌اند که او گفته وقت نیت روزه واجب قبل از طلوع صبح تا زوال
آفتاب است و علی کل حال او در حالت اضطرار عمل نموده‌اند نه حالت اختیار چنانچه بعد از این
انشاء الله تعالی مذکور خواهد شد پس اگر کسی در اول شب نیت روزه بکند و بخوابد و روز
بعد از طلوع صبح بیدار شود روزه اش صحیح است و سر در این باب دو چیز میتواند بود **اول**
آنکه جزو اول وقت روزه ابتدای طلوع صبح است و آن معلوم نمیتواند شد مگر بعد از انقضا
قدری از زمان طلوع پس دانستن جزو اول حقیقی از اجزاء زمان روزه متعذر است لهذا
شارع در روزه مقارنت نیت را با جزو اول آن اعتبار نفرموده است بخلاف سایر
عبادات که مقارنت با جزو اول آنها فی نهایت سهولت دارد **دوم آنکه وقت** نیت
روزه شب است و شب محل استراحت و خواب است و اکثر ممکن است که در آخر شب در
خواب باشند لهذا از راه تسهیل امر بر مردم شارع طرف نیت روزه را تمام شب قرار داده
که در هر جزوی از اجزاء آن تواند نیت کند و اگر در زمان مقارن طلوع در خواب بوده
باشند ضرر نداشته باشد و در این باب بین خلافی نیست و اگر بعد از نیت در شب فعل
منافی روزه از او صادر شود مانند اکل و شرب و مباشرت زنان آن نیت فاسد نمیشود
و احتیاج بتجدید نیت بعد از آن فعل نیست مگر شیخ شهید رحمه الله در کتاب بیان در
مباشرت زنان و امثال آن مانند استمناء و احتلام که موجب جنابت است تامل نموده

واحتمال

و احتمال وجوب تجدید نیت بعد از آن را و این احتمال هرچند بنابر ضعیف است ولیکن
تجدید نیت بعد از غسل در این صورت احوط است و همچنین خلافی نیست در آنکه جایز نیست
از جزو آخر شب در حالت اختیار مگر ظاهر کلام سید مرتضی طاب ثراه چنانچه مذکور شد
و ابن جنید گفته است که در روزه واجب و سنت تجدید نیت بعد از زوال نیز میتوان
کرد خواه در شب بخاطرش باشد یا فراموش کرده باشد و اگر نیت در شب فراموش کند مشهور
میان علما آنست که تا قبل از زوال میتواند نیت کرد اگر مفطری بعمل نیاورده باشد ولیکن
در هر وقت که بخاطرش آید واجب است که فی الفور نیت کند و تاخیر ننماید بلکه ظاهر کلام
محقق در معتبر و علامه در منتهی و تذکره آنست که اجماع علما بر این معنی منعقد شده است
ولیکن بعضی از علما از ابن ابی عقیل نقل کرده‌اند که در میان عامد و ناسی فرقی نکرده و در
هر دو صورت اگر نیت در شب واقع نشده باشد ببطلان روزه قایل شده و بعضی از محققین
متاخرین نیز در این مقام تامل نموده‌اند لهذا احوط در این صورت قضا است و اگر عمدا نیت
در شب ترک نماید بعد از طلوع صبح قبل از زوال نیت کند پس اگر واجب معین است مانند
ماه رمضان یا نذر معین مشهور میان علما آنست که روزه اش باطل است و قضا میکند و کفاره
لازم نیست و بعضی هم کفاره را لازم دانسته‌اند و این احوط است و اگر واجب غیر معین باشد مانند
قضای ماه مبارک رمضان و نذر مطلق پس بالاجماع ضرر ندارد و آن روزه صحیح است و تا
قبل از ظهر نیت میتواند کرد و در ظهر و بعد از ظهر خلاف است و مشهور میان علما آنست
که وقت نیت گذشته است و آن روزه صحیح نیست و ظاهر کلام ابن جنید استمرار وقت
نیت است مادام که قدری از روز باقی مانده باشد در این صورت و این قول نزد بعضی از
محققین متاخرین قوی و قول مشهور احوط است و اگر روزه سنت باشد پس خلافی نیست
که قبل زوال نیت میتواند کرد و در ما بعد زوال خلاف است بعضی گفته‌اند که تا نزدیک
بشام نیت میتواند کرد و این قول مختار جد علامه مولانا محمد باقر مجلسی رفع الله درجته
و جمعی از محققین است و بعضی گفته‌اند که اگر قبل از زوال نیت کند ثواب روزه تمام
روز را دارد و اگر بعد از زوال نیت کند ثواب روزه بعد از نیت تا شام را دارد و بدانکه

که روزه هر روزی از روزهای ماه مبارک رمضان به تنهائی عبادت مستقلی است و محتاج
بنیت جدیدی است ولیکن سید مرتضی و شیخ مفید و شیخ طوسی قدس الله ارواحهم و جمعی
دیگر از فقها قایل شده اند که یک نیت برای تمام ماه رمضان در اول آن کافی است و سید بر این
معنی دعوای اجماع نموده است و احوط تجدید نیت است برای هر روزی به تنهائی و اگر قبل از ماه
رمضان نیت روزه کل ماه را بکند و بعد از دخول ماه سهواً تجدید نیت نکند موافق مشهور
مجزی نیست و شیخ طوسی رضی الله عنه باجزا قایل شده است و این قول ضعیف است از احتیاط بعید
است گفتن و آداب نیت در شب **و اما روزه باید که صایم فعلی که منافی روزه باشد در اثنای**
روزه بعمل نیاورد مثل خوردن و آشامیدن و جماع کردن و مانند آن پس اگر شخصی در اثنای
روزه قصد آن چند فعل کند گناه کار است اگر چه آن را بفعل نیاورد و میان مجتهدین خلاف
است که آیا بمجرد این قصد روزه باطل میشود یا نه مشهور عدم ابطال آن است و استدلال
کرده اند بر آن بانکه نواقض صوم را که فقها اعتداد کرده اند قصد افطار را از آن جمله نشمرده اند
و بانکه نیت افطار منافی نیت صوم است نه منافی بقای حکم صوم که بنیت متحقق میشود
لهذا بجواب و غفلت از آن باطل نمیشود باجماع و همه علی الاتفاق کرده اند که اگر خواب کند
یا غفلتی دست دهد تجدید نیت در کار نیست و همان نیت اول کافی است و از ابو الصلاح
نقل شده که او حکم بفساد صوم با آن کرده است و گفته است که موجب قضاست نه کفاره
چنانچه در کتاب است و استدلال کرده است بانکه در حکم نیت بودن تا آخر روزه را شرط
کرده اند و آن با نیت افطار جمع نمیشود و اصل آن است که با نیت باشد در جمیع اجزای روزه
و چون آن نهایت تعسر دارد در حکم آن بودن را بدل آن قرار داده اند و در حکم نیت
بودن غیر این معنی ندارد که قطع آن نیت منافی نکند چه نیت منافی حکم نیت باقی نمی ماند
و با انتفاء شرط که در حکم نیت بودن است مشروط که صوم است منتفی میشود با آنکه در آن جزو
از روزه که در آن نیت افطار واقع میشود و به یقین نیت صوم متحقق نیست نه حقیقتاً و نه
حکماً و چون عبادت بی نیت نمیباشد صوم او در آن جزو مستلزم انتفاء کل است در ادله
جانبین جای حرف است و حق آن است که مرجع خلاف در این مسئله آن است که بر حکم نیت بودن در

جمیع اجزاء صوم شرط است یا نه شیخ طوسی و سید مرتضی و شیخ ابو القاسم در معتبر بر
اشتراط رفته اند و از سید در مدارک رجحان این قول مفهوم میشود بواسطه آنکه اصل
براءت ذمه است از اشتراط آن و نفی حرج در این باب وارد نیست فی الجمله مسئله جای تردد است
و جمعی که روزه را بآن باطل میدانند بعضی گفته اند که بعد از آن تجدید نیت لازم است چنانچه
علامه در منتهی تصریح بآن کرده است و گفته است اگر تجدید نیت نکند تا آخر روز روزه
او صحیح نخواهد بود و قضای آن بر او واجب است و سید در مدارک این رای را پسندیده
است و گفته است که نزاع بر سر آن است که قصد افطار مفسد صوم است یا نه اگر هست روزه
باطل است و قضا باید کرد و اگر نیست مبطل صوم نیست بفعل نیامده است روزه صحیح است و تجدید نیت
روزه باطل را صحیح نمیکند و بر تقدیر بطلان آیا همین قضا لازم است یا کفاره نیز لازم میشود
در این جا نیز خلاف است و اشهر آن است که قضا لازم است اما کفاره لازم نیست و الله تعالی اعلم
و اما کیفیت نیت روزه پس در ماه مبارک رمضان نیت میکنم که فردا روزه میدارم قربة الی
الله تعالی و اکثر محققین همین قدر اکتفا داشته اند و تقیید بوجوب و خصوص روزه
معین را در کار ندانسته اند و بعضی باستحباب تعیین و وجوب قایل شده اند و در روزه
نذر معین خلاف است جمعی از فقها خصوصاً بعضی از متاخرین در این صورت نیز مانند
روزه ماه رمضان تعیین و وجوب را لازم نمیدانند و شیخ طوسی و جماعتی قید تعیین را
و بعضی قید وجوب را نیز ضرور دانسته اند و قول اول اقوی و قول دوم احوط است
و در روزه واجب غیر معین اکثر فقها بلکه همگی قصد تعیین را واجب میدانند و در قصد
وجوب خلاف است و اقوی آن است که در کار نیست و احتیاط در تقیید است و همچنین در
روزهای سنتی قصد تعیین لازم نیست و تقیید باستحباب علی الاقوی ضرور نیست و احوط
تقیید است و الله تعالی اعلم **و اما تحقیق حقیقت نیت و بیان معنی آن** پس در این باب اشتباه
بسیار واقع شده و اکثر حقیقت آن را حسب الواقع نفهمیده اند و چون تحقیق این مسئله از
مهمات است زیرا که نیت بمنزله روح عبادت است و عبادات به نیت از عادات امتیاز
می یابد و شرط عمده همگی اعمال نیت است لهذا در این کتاب کشف قناع از حقیقت آن مینمائیم

در تحقیق نیت و بیان معنی آن

بدانکه تفصیل قول در این باب آنست که بعضی از عوام و اوساط الناس را گمان اینست
که نیت آن لفظی است که در هنگام شروع در اعمال مانند وضو و نماز و غیر آن بان تلفظ
مینمایند هر چند در خاطر ایشان معنی نیت نباشد و این باجماع علما و شهادت عقل بی
فایده و لغو است و بعضی که از این مرتبه ترقی نموده اند نیت را بخاطر گذرانیدن آن الفاظ
و تصور معانی آنها میدانند و این نیز خطاست زیرا که ثمره نیت اخلاص در عمل است و عمل
از ریا و شرک بجدا بدر می برد و ظاهر است که این تصور و تعقل این ثمره را نمی بخشد مثلا
اگر کسی تارک الصلوة باشد و هرگز نماز نکند و روزی بشنود که بزرگی بمسجد آمده و وزری
بصلحا قسمت میکند از برای همین غرض وضو بسازد و بمسجد آید و در برابر آن بزرگ بهمین
قصد متوجه نماز شود و لیکن در خاطر بگذراند که نماز واجب پیشین میکنم قربة الی الله تعالی
و همه اعمال نماز را بجا آورد البته نماز او باطل است با آنکه معانی آن الفاظ را تعقل و تصور نموده
است پس معلوم شد که تعقل و تخیل آن الفاظ و احضار معانی آنها در خاطر نیت نیست
بلکه تحقیق در این باب آنست که نیت بر دو معنی اطلاق میشود اول آنکه مقارن فعل
قصد و عزم بر اتیان آن فعل داشته باشد و آن فعل از روی غفلت و سهو از او صادر
نشود مثلا هرگاه کسی بقصد غسل جنابت داخل حمام شود و جنابت را فراموش کند و بقصد
تطهیر و تنظیف سر در آب فرو برد و بیرون آید این شخص نیت غسل نکرده و این فرو رفتن
در آب بغسل او محسوب نیست بالاجماع و باید یکمرتبه دیگر نیت کند و غسل نماید و اگر
جنابت را در خاطر داشته و باین جهت سر در آب فرو برد غسل کرده و نیت داشته هر
چند تلفظ بلفظی نکند و آن معانی را نیز در خاطر نگذراند و تحصیل نیت باین معنی در
نهایت آسانی است و بسیار نادر است که کسی از آن غافل باشد و لهذا بعضی از محققین
گفته اند که اگر ما را تکلیف مینمودند که عبادات را بی نیت بجا آوریم این تکلیف ما لا یطاق
بود دویم علت غائی و غرض و باعث بر ارتکاب آن عمل چه افعال اختیاریه عقلا
خالی از غرض و داعی نمیباشد و این معنی غیر معنی اول است مثلا هرگاه شخصی متوجه بنماز
شود و از او سؤال کنی که بکجا میروی در جواب میگوید که بنماز میروم این نیت بمعنی اولست

که در نفس

که در نفس اوست و اگر بگوید که بجای دیگر میروم دروغ گفته است و از خلاف نیت خود خبر
داده است و اگر از او بپرسی که چرا بنماز میروی میگوید که میروم که مطاع بگیرم این نیت بمعنی دویم
است زیرا که باعث حرکت او بهمین اثر شده است و چون هیچ فعلی بدون باعثی و محرکی و سببی در
نفس الامر نمیباشد لاجرم عبادات و طاعات را نیز محرکی و سببی در نفس میباشد که آن نیت
بمعنی دویم است و اصل این نیت مشکل نیست و لیکن اخلاص در آن نهایت اشکال است و مدار
کمال و لبّ عبادت بر اخلاص در این نیت است و این اخلاص را در وقت نماز بچشم بر هم
گذاشتن و حرکات و سواس آسیا نه کردن تحصیل نمیتوان نمود بلکه در مدتهای مدید بریاضت
و مجاهدات تفکرات صحیح بعد از توفیق الهی بتدریج از آن ممکن است تحصیل شود زیرا که این نیت
تابع حالت آدمی است و تا حال خود را مبدل نسازی این نیت مبدل نمیشود و توضیح و تفصیل
این معنی موقوف بر ذکر بعضی از مراتب نیات است بدانکه بنای این عالم بر عشق و محبت است
و هر کس را معشوقی و مقصودی میباشد که مطمح نظر اوست و باقی چیزها را بتبعیت آن طلب
میکند و در جمیع اعمال و افعال و طاعات و عبادات نیت او تحصیل آن مطلوب میباشد و آن
مطلوب بر دو قسمست قسم اول مطلوب فاسد و این قسم افراد بسیار دارد و در این مقام بذکر
دو فرد که طالب مردم مفتون بانها گردیده اند اکتفا مینمائیم اول محبت مال و چنین کسی سعی
فکر و خیال او متوجه تحصیل مال است و در میان عبادات هر عبادتی که موجب زیادتی مال
شود بر آن مواظبت می نماید و نهایت اهتمام در باره آن میکند و عباداتی که ثمرات اخرویه
مانند رفع درجات و قرب درگاه قاضی الحاجات را داشته باشد اصلا متوجه نمیشود و
اقدام بانها نمیکند و عبادات واجبه را مانند نماز شبانروزی و امثال آنکه بجا می آورد
نیز باین قصد میکند که مبادا مردم باو بی اعتقاد شوند و مال او را بگیرند یا حق تعالی مال را
از او سلب نماید و فقیر شود و چنین کسی تا این حالت با اوست مال پرست است و معبود
حقیقی او مال است و نیت او در جمیع افعال و اعمال و عبادات و طاعات تحصیل و ابقای
مال است و باین مرتبه در حدیث نبوی صلی الله علیه و آله اشاره شده که ملعون ملعون
عبد الدینار و الدرهم یعنی ملعون و دور از رحمت الهی است هر که دینار و درهم را پرستش کند

زیرا که هیچکس را دینار و درهم را اختفای خود قرار نداده و اظهار سجده نکرده است بلکه مراد
از پرستیدن بهمین معنی هست که بیان شد دویم محبت جاه و اعتبار و چنین شخصی
مال چندان اعتباری در نظر او ندارد و چون طالب جاه و اعتبار میباشد و در جمیع اعمال
خود ملاحظه مینماید که اگر مؤید اعتبار و جاه او هست میکند و الا ترک میکند و در میان
عبادات هم عبادتی را که در ثوابهای نوشته‌اند که در نظرها غریب میشود و تفحص مینماید و او
را بجا می‌آورد و باقی عبادات که ثواب آن رفع درجات اخرویست هرچند بحسب سند صحیح
باشد اصلا رغبت نمیکند و لهذا اگر صاحب منصبی را ببیند با و میل مینماید و آن صاحب
منصب نیز فریب میخورد و گمان میکند که این شخص از راه کمالات او با او محشور و مختلط است
و اگر اعتبار او زایل شود و بدیگری بپیوندد بجانب آن میل میکند و مطلوب و معشوق خود را
با هر که ببیند با و مربوط میگردد و این فرد منشعب بشعبهای بسیار میشود مثل آنکه یکی مجرد
عزت میان مردم را خواهش دارد و دیگری حب ریاست و سرکردگی دارد و دیگری میخواهد
که میان مردم معروف بصلاح و سداد باشد و هریک مطلب باطلی را پیش نهاد خاطر کرده
در میان عبادات آنچه معین بر آن باشد انتخاب میکند و باقی را ترک مینماید و افراد دیگر
نیز برای مطلوب فاسد هست که حال آنها از حال این دو فرد ظاهر میشود و شکی نیست که اگر
غرض و باعث او بر عبادت محض این اغراض فاسده مذکوره باشد عبادات باطل است
و اگر اغراض مذکوره استقرار تمامی در نفس او بهم رسانیده و مطلب اخروی نیز منظور
او هست مرائی است و در بطلان عبادتش اشکالی هست و مشهور بطلان است و بالجمله
اعظم آفات دل و عبادات این نیات فاسده است و در مرتبه شرک بخدا چنانچه ابن بابویه
بسند معتبر از حضرت صادق صلوات الله علیه روایت کرده است که حضرت رسالت صلی
الله علیه و آله فرموده که اجتناب کنید از ریا بدرستی که آن شرک بخداست و مرائی را در روز
قیامت بچهار نوع ندا میکنند که ای کافر ای بدکردار ای مکار وای زیانکار ثواب عمل تو
بتلف شد و مزد تو باطل شد و تو را در این روز بهره نیست بس مزد خود را از آن
کسی که برای او کار کرده طلب کن وایضا بسند صحیح روایت کرده از حضرت امام موسی کاظم

علیه

علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که روز قیامت حق تعالی جماعتی را امر
فرماید که بجهنم برند پس خطاب فرماید بمالک که بگو باتش که قدمهای ایشان را نسوزاند
که ایشان بپای خود بمساجد میرفتند و روهای ایشان را نسوزاند که وضوی تمام و کامل
میساختند و دستهای ایشان را نسوزاند که بدعا بدرگاه من بر میداشتند و زبانهای
ایشان را نسوزان که قرآن بسیار میخواندند پس خازن جهنم بایشان گوید که ای شقیان چه
کرده اید با وجود این اعمال مستحق جهنم شده اید ایشان در جواب گویند که ما عبادت را
برای غیر خدا میکردیم در این روز بما گفتند که مزد خود را از کسی بگیرید که عبادت برای
او میکردید وایضا بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که
که لقمان پسر خود را وصیت نمود که مرائی را سه علامت است چون تنهاست در عبادت
سستی میکند و در حضور مردم مردانه بعبادت قیام مینماید و هر کاری که میکند توقع
دارد که او را بر آن کار ستایش کنند و علی بن ابراهیم از حضرت امام محمد باقر علیه
السلام روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر که برای مردم
نماز کند مشرک است و هر که زکوة برای مردم دهد مشرک است و هر که برای مردم
روزه بدارد مشرک است و هر که برای مردم حج کند مشرک است و هر که امر الهی
را برای مردم بجا آورد مشرک است و خدا قبول نمی‌فرماید عمل ریا کننده را و روایات
و اخبار در این باب بسیار است و معالجه ریا باین نحو میشود که شجره ملعونه
حب دنیا را که منشأ اغراض فاسده و مطالب باطله است از کشتزار دل خود قطع نماید
بلکه ریشه آن را از دل بیرون آورد که مبادا بعد از آن دیگر سبز شود چنانچه نقل
کرده اند که شخصی در پای درختی نشسته بود و میخواست که مشغول ذکر باشد و با
حضور قلب عبادت کند جانوری چند بر درخت شدند و آوازها بلند کردند از
حضور قلب باز ماند برخاست و ایشان را دفع کرد و نشست و چون مشغول شد باز
جمع شدند و آوازها بلند کردند و چندان که آنها را میراند فایده نمیکرد شخصی رسید
و گفت ای برادر تا این درخت باقی است از آن جانوران خلاصی ممکن نیست اگر میخواهی

که خلاص شوی درخت را برکن چنین کرد فارغ شد و این سخن فی الحقیقه تنبیهی است بر این معنی که
تا در دل آدمی درخت محبت دنیا ریشه دارد مرغان خواهشها و خیالات را دفع نمی توان
کرد و برای خلاصی از آنها قطع و قلع آن درخت ضرور است و قلع آن بریاضات شرعیه
و تفکرات صحیحه میشود که تفصیل آنها از اخبار و احادیث مفهوم میشود و سرمایه آن
توسل بجناب اقدس ربانی و تفکر در فنای این نشأه فانی و بی اعتباری جاه و مال و سرعت
زوال مشتهیات و آمال و تامل در عدم حصول نفع و ضرر از اهل دنیا بدون اعانت و
مشیت خالق البرایا و تدبر در عظمت عقوبات و وسعت رحمت و مثوبات خداوند مفیض
الخیر و البرکات است تا آنکه آن مطالب در نظرش عظیم شود و مطالب سهل دنیا و حقارت
آنها بر او منکشف گردد **تتمیم در نیت مطلوب صحیح** و این قسم نیز افراد بسیار دارد **اول**
درجه اوساط ناس که از راه خوف عقاب یا طمع در ثواب عبادت میکنند و این جماعت
عمل خود را از اغراض فاسده مذکوره و نیات باطله مذمومه که تفصیل یافت مبرا ساخته
اند و غرض ایشان تحصیل آخرت است و گاه خوف عظیم بر ایشان غالب و عبادات را از
ترس جهنم بجای می آورند و گاه رجا بر ایشان غالب و برای طمع بهشت عبادت میکنند و بعضی
از علما اگرچه گفته اند که عبادات باین نیت صحیح نیست اما اکثر بصحت قایل شده اند و حق
هم بر صحت است اگرچه صحیح نباشد عبادات غالب مردم صحیح نخواهد بود بلکه نسبت
بایشان تکلیف ما لا یطاق خواهد بود و ظاهر آیات کریمه بسیار که از تخویف از عقوبات
و تطمیع در مثوبات است با اخباری که متضمن شرح فواید اعمال از رفع درجات صوری
بهشت و تخلیص از شدت و اهوال قبر و محشر و جهنم است شاهد صدق این معنی است
و لیکن این عبادات در درجه نقص است و ادنی مراتب نیات صحیحه است زیرا که این
مرد فی الحقیقه خود را پرستیده نه خدا را چه مطلب او دفع ضرر از خود و جلب نفع بسوی
خود است و لهذا چنین کسی باعمالی که باعث قرب و خشنودی خداست رغبت زیادی
نمیکند و اگر بشنود که فلان عمل باعث آنست که حق تعالی در بهشت باو حوریه عطا
میفرماید یا کاسه‌ای عطا میکند که چندین هزار لون طعام در او هست و از روی

جد

جد و اهتمام تمام متوجه آن عمل میشود **درجه سیم عبادت شاکران** که از راه شکر منعم عبادت
میکنند چه عقل حکم میکند که شکر منعم واجب است خصوصا چنین منعمی که نعمای او غیر
متناهی و نعمای دیگران نیز باو منتهی میشود و اصل نعمتها که وجود است از او و جمیع قوی
و جوارح و اعضا عطایای اوست و در هر نفسی که بر بدن هر فردی از افراد آن حفظ و تر
بیت و تغذیه و تنمیه چندین هزار نعمت دارد و بر انواع مخلصان در هر لحظه صد هزار
نوع لطف و مرحمت از افاضات و هدایات و توفیقات میفرماید و در عین کفران این
نعمای غیر متناهی منع لطف خود نمی فرماید چنانچه در حدیث وارد شده است که حق تعالی با هر
یک از بندگان بنوعی لطف میفرماید که گویا بغیر این بنده بنده دیگری ندارد و هر گونه
احتیاج باو دارد با آنکه خالق بندگان و بی نیاز از عالمیان است و بنده با خداوند
خود بنوعی سلوک مینماید که گویا خدایان دیگری دارد و باو هیچ احتیاج ندارد با آنکه خلاصی
بجز او ندارد و مالک ضرر و نفع بغیر او نیست و این درجه اکمل از درجه سابق و خلافی
در صحت و کمال آن نیست و مستلزم حصول درجات عالیه که بعد از این مذکور خواهد
شد ان شاء الله تعالی نیز میشود پس بسند معتبر از حضرت امام رضا علیه التحیة و الثناء
منقولست که اگر خدا مردم را امیدوار نگردانید به بهشت و نترسانید از دوزخ هر
آینه بر مردم واجب بود که او را اطاعت کنند و عصیان ننمایند بجهة تفضل و احسانها
که نسبت بایشان کرده است و نعمتها که قبل از استحقاق بایشان کرامت کرده
و تفکر در آلاء و نعمای الهی نهایت ندارد چنانچه حق تعالی میفرماید و ان تعدوا نعمت
الله لا تحصوها یعنی اگر خواهید که نعمتهای الهی را بشماره در آورید نمی توانید که همه را بشما
رید و این تفکر از اعظم عبادات است چنانچه وارد شده است که تفکر ساعة خیر من عبادة
سنة عبادت یعنی تامل نمودن در نعمتهای خدا و تفکر در آیات آفاقی و انفسی در ظرف
یکساعت بهتر است از عبادت یکسال و این معنی موجب قرب و محبت و باعث حصول
درجات عالیه میشود و بکمال این مرتبه و فضل بر مرتبه سابق حضرت امیر المؤمنین صلوات
الله علیه اشاره فرموده است در حدیثی که فرموده است که جمعی عبادت الهی کردند برای

برغبت در ثواب واین عبادت تاجران است وجمعی عبادت الهی کردند از ترس عذاب
واین عبادت غلامان است وجمعی عبادت الهی کردند برای شکر او واین عبادات ازادان است
سیم عبادت مقربان یعنی جمعی که باعث ایشان بر عبادت تحصیل قرب حضرت باری جل
شانه است ومراد از قرب نزدیکی مکانی وزمانی نیست زیرا که خداوند عالمیان از زمان
ومکان منزه است بلکه قرب حق تعالی معانی بسیار دارد ودر این مقام بذکر دو معنی از
انها اکتفا مینمائیم اول تشبیه بجناب اقدس حق تعالی که تعبیر از ان تخلق باخلاق الله
میکنند واین معنی عبادت از ان است که پیوسته ادمی در مقام تخلیه نفس از اوصاف
رذیله وتحلیه ان باخلاق جمیله باشد وچون جناب حق تعالی کامل بالذات است ونقص
در ذات وصفات او راه ندارد بالضروره همه اتصاف بصفات کمال است وممکن تمام
نقص وعجز واحتیاج پس نهایت تباین میان ممکن وواجب میباشد نقصی از نقایص خود را
ازاله میکند واز فیاض مطلق صفت کمالی بر او فایض میگردد او را فی الجمله قرب معنوی
بهم میرسد واین مانند انست که دو کس هرگاه بایکدیگر در اخلاق تباین وتضاد داشته
باشند میگویند که از یکدیگر بسیار دورند واگر یکی از ایشان اخلاق دیگری را کسب
نماید میگویند که نزدیک باو نزدیک شده است واگرچه صفات ممکن وواجب را بیکدیگر
دخلی نیست وممکن هر چند تحصیل کمال نماید بصد هزار نقص امیخته است ولیکن یک
نوع اشنائی وارتباطی بهم میرساند که از او بقرب تعبیر میتوان نمود وچون عبادات
را در تصفیه باطن تاثیری میباشد وهر عبادتی موجب تکمیل کمال وخلقتی در
نفس پس ممکن است که منظور ومقصود از عبادت تحصیل این امر باشد ودرجات
ومراتب این قرب غیر متناهی است وبیان انها علی التفصیل مناسب این مقام نیست
دویم محبت ودوستی معنوی وقرب را باین معنی اطلاق کرده ومیکنند ولهذا اگر
کسی در مشرق باشد ودوستی از او در مغرب پیوسته در ذکر وخیال او باشد و
بزبان نشر محامد وکمالات او نماید وباعضا وجوارح مشغول کارهای او باشد
میگویند که این شخص بدوست خود نزدیک تر است از بیگانه یا دشمنی که در بر
بغلوی

پهلوی او نشسته باشد وظاهر است که از کثرت عبادت وذکر این معنی حاصل میشود قسم چهارم
عبادت جمعی است که باعث ایشان حیای از حق تعالی وتحصیل این معنی باین میشود که یقین نماید بانکه
خداوند او در همه جا حاضر ودر پنهان واشکار بر حال او مطلع است وحسن طاعات وقبح سیئات
گاهی بر او ظاهر ودل او بنور ایمان منور شود ودر مقام معرفت بدرجه کمال رسیده پیوسته در یاد
خداوند عالم السرائر بود ودقایق ضمایر ونیات همه خلایق مطلع است وعظمت وجلال الهی ونعما
والای غیر متناهی او هیبت در ساحت دل او جا نماید وچنین کسی در اشکار وپنهان از خداوند عالمیان
شرم وحیا میکند وطبع او از معاصی متنفر میگردد وپیوسته در یاد خدا میباشد ولهذا در حضور
مردم وپنهانی عبادت او اصلا تفاوت نمیکند وباین جهت عبادت او نهایت خلوص بهم
میرساند ودیگری را اصلا باخدای خود در عبادت شریک نمیکند چه اگر کسی غلامی وملازمی داشته
باشد در حضور او از ارتکاب قبایح احتراز مینماید پس هرگاه از خداوند خود بااین همه نعمتها شرم
نکند البته می پندارد که خدا بر او مطلع نیست ولهذا در حدیث وارد شده است که حضرت لقمان
بفرزند خود وصیت نمود که ای فرزند اگر خواهی معصیت خدا کنی مکانی را پیدا کن که خدا در انجا نباشد
وباسانید معتبره از حضرت رسالت صلی الله علیه واله منقول است که فرمود از خداوند خود
حیا نمائید چنانچه حق شرم وحیا است صحابه گفتند که چه کار کنیم که حیا بعمل امده باشد فرمود
اگر خواهید که چنین باشد باید که اجل شما در برابر دیده های شما باشد وسر وچشم وگوش
وزبان وغیر اینها را از معصیت الهی باز دارید وشکم را از حرام وفرج را از محرمات نگاه دارید ویاد
کنید قبر وپوسیدن وخاک شدن در قبر را وکسی که اخرت را خواهد باید زینت زندگانی دنیا را
ترک کند واین مرتبه درجه بزرگان است ولهذا رسول خدا صلی الله علیه واله در وصیت ابوذر رضی
الله عنه باو امر فرمود که اعبد الله کانک تراه فان لم تکن تراه فانه یراک یعنی ای ابوذر
عبادت کن خدا را که گویا تو او را می بینی پس اگر تو او را نمی بینی او ترا می بیند پنجم عبادت جمعی است که
لذت عبادت را چشیده اند وعبادت پروردگار معشوق ومحبوب ایشان است وطاعت وفرمان
برداری الهی را دوست میدارند ومعصیت الهی در نظر ایشان قبیح گردیده وباین جهت طبع ایشان از
معاصی متنفر وپیوسته در مقام اطاعت وانقیاد حق تعالی میباشند ومنفعت عبادت بر

ایشان نمی‌نماید بلکه نهایت لذت از تعب عبادت میبرند و از هر قطره اشک چندین بهره می‌یابند از
قطره لذت شوق و از قطره لذت ذوق و از قطره لذت خوف و از قطره لذت رجا و امید بجا اشتها میبرند
و بحال ایشان کسی را فهمیده اند و هیچ لذتی را بر طاعت و عبادت ترجیح نمیدهند و هیچ المی نزد ایشان بدتر از
ارتکاب معصیت نیست و باین جهت قوای شهوانی ایشان را منکسر و قوت عاقله مستقل گردیده است
و مدح این درجه در روایات بسیار وارد شده است چنانچه بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام منقول است که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله فرمود که بهترین مردم کسی است که عاشق عبادت
شده باشد و دست در گردن آن درآورده باشد و بجان او را دوست داشته باشد و محبتش بدل که در دل
او جا کرده باشد و بجمیع بدن و اعضا و جوارح مباشر آن شده باشد و بسبب عبادت خود را از جمیع مشاغل
دنیا فارغ ساخته باشد و پروا نکند که دنیا کار او بآسانی گذرد یا بدشواری و طلب این درجه را
از لذت جسمانی چندان لذتی نباشد بلکه در بهشت نیز عمده لذت او از عبادت و قرب رب العزة
باشد چنانچه از آنحضرت مرویست که خداوند عالم میفرماید که ای بندگان صدیق من که بسیار تصدیق کننده اید
بنعمت من چنانچه باید کرده اید و فرمان مرا قبول نموده اید تنعم نمائید و لذت برید از عبادت
من در دنیا بدرستی که بعبادت تنعم خواهید کرد در آخرت **ششم عبادت محبان است** یعنی جمعی که
محبت الهی در دل ایشان جا کرده و هرگاه محبت کسی در دل قرار گرفت و کارفرمای بدن او شد دیگر
باعث او در افعال و اعمال بغیر از محبت چیزی نیست و بغیر رضای محبوب مطلبی ندارد چنانچه جاهل
در عشق مجازی می‌بینی که اگر عبادت میکند معشوق را میخواهد و اگر معصیت میکند برای معشوق
میکند و اگر بیازار میرود برای این میرود که او را ببیند و اگر بباغ میرود برای آن میرود که بیاد او میرود
و در خدمت معشوق هرگز بخاطرش نمیرسد که از او نفعی بمن خواهد رسید یا نفعی بمن خواهد بخشید
و بعزل او در جمیع کارها همان محبت باعث است هم چنین محب محبوب حقیقی که غالب شد جمیع کارهای
او منوط بهمان محبت است و بهشت و دوزخ در آن مقام منظور نیست بلکه بهشت را برای آن میخواهد که
که دوست در آنجا میخواهد و جهنم را برای آن نمیخواهد که دشمن آنکه دوست از او اعراض خواهد و این درجه اعظم
از درجات سابقه و درجه انبیا و اوصیا علیهم التحیه و الثنا است چنانچه حضرت امیر المؤمنین صلوات
الله و سلامه علیه در دعای کمیل نقل چند میفرماید که مضمونش اینست که الهی اگر مرا بجهنم درآوری

و از دوستی

و از دوستان خود جدا کنی اگر بر عذاب صبر کنم چگونه بر فراق تو صبر نمایم و اگر بر گرمی آتش شکیبائی
نمایم چگونه تاب آورم جدائی از کرامتها و لطفهای ترا و صاحب این مرتبه عشق بمرتبه معصیت نمیشود
که پسندیده محبوب نیست و محبت خواب و غفلت را بر او حرام میگرداند چنانکه از حضرت صادق علیه
السلام منقول است که دوست خدا نیست آنکه معصیت خدا میکند بعد از آن شعری خواندند که مضمونش
اینست که معصیت الهی میکنی و محبت او را اظهار مینمائی بسیار دور است کار تو از گفتار تو اگر در محبت
او صادق بودی اطاعت او را ترک نمیکردی بدرستی که دوست مطیع دوست خود می‌باشد **و ایضا**
بسند معتبر از آنحضرت منقول است که فرمود که مردم عبادت الهی را بر سه وجه میکنند جمعی عبادت را برای
طمع ثواب میکنند و این عبادت حریصان است که حرص و خواهش لذات موجب بندگی ایشان شده و طایفه
دیگر عبادت را از ترس آتش میکنند این عبادت غلامان است که از خوف سیاست آقا کار میکنند
و لیکن من عبادت را برای محبت او میکنم و این عبادت کرام و بزرگواران است و این مرتبه ایمنی است چنانچه
حق تعالی میفرماید وَهُمْ مِنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ یعنی ایشان از ترس روز قیامت ایمن اند و میفرماید
که بگو ای محمد که اگر خدا را دوست میدارید پیروی من کنید تا خدا شما را دوست دارد و گناهان
شما را بیامرزد پس فرمود که کسی که خدا را دوست میدارد خدا او را دوست میدارد و هر که خدا او را
دوست دارد او از ایمنان است یعنی از شر شیاطین و هواهای نفسانی ایمن و در روز قیامت
از خوف و بیم عذاب الهی نجات دارد **و ایضا** از آنحضرت مرویست که خداوند عالمیان بحضرت موسی
بن عمران علی نبینا و آله و علیه السلام وحی نمود که ای پسر عمران دروغ میگوید کسی که گمان میکند که
مرا دوست میدارد و چون شب شد بخواب میرود و از من غافل میشود آیا هر دوستی نمیخواهد که با
محبوب خود در خلوت کند اینک من ای پسر عمران مطلعم بر احوال دوستان خود و نظر لطف
بسوی ایشان میکنم چون پرده شب ایشان را فرو گرفت دیده دل ایشان را میگشایم و عقوبتهای خود را
در برابر دیده های ایشان میدارم و با من مخاطبه میکنند که گویا رو برو با من سخن میگویند و گویا
مرا می بینند و حاضرانه با من سخن میگویند ای پسر عمران از دل خود خشوع و رقت برای من بیاور
و بدن خود را برای من شکسته و خاضع گردان و از دیده های خود در تاریکی شب اشک بریز و مرا بخوان
که من بتو بسیار نزدیکم و بدانکه از احادیث مذکوره چند معنی مفهوم میشود که از لوازم این

درجه ست اول آنکه محبت خداوند عالمیان سبب محبت حق تعالی نیز بآن شخص میشود چنانچه در این آیه
مذکور است و لهذا حق تعالی در وصف حضرت امیر المؤمنین و اولاد اطهار او علیهم السلام میفرماید
که یحبهم و یحبونه یعنی خدا ایشان را دوست میدارد و ایشان نیز خدا را دوست میدارند ه
دوم آنکه محبت الهی مستلزم محبت دوستان او نیز هست زیرا که دوستی مقتضی آنست که دوست دوست
بلکه دوست دوست دوست را نیز دوست داشته باشی و هم چنین و لهذا رسول خدا صلی الله علیه
و آله در شأن امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که خدا و رسول را دوست میدارد و خدا و رسول او
نیز او را دوست میدارند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که رسول خدا صلی الله
علیه و آله باصحاب خود فرمود که خدا را دوست دارید برای نعمتهائی که روزی شما کرده است و مرا
دوست دارید که از برای خدا و اهل بیت مرا دوست دارید برای من بلکه باید دشمنان دوست و دشمنان
دشمنان دوست را نیز دشمن داشت و این معنی نیز در روایات بسیار وارد شده است سیم آنکه این
درجه هرگاه برای کسی حاصل شد که با حق تعالی برای العین مشاهده مینماید و این مرتبه اعظم
از آنکه باشد که حق تعالی او را میبیند چنانچه در حدیث ابوذر است که حضرت رسالت صلی الله
علیه و آله اولا این درجه را با ابوذر رضی الله عنه تعلیم فرمود که عبادت الهی کن بنوعی که گویا تو
او را میبینی و چون تحصیل این رتبه در نهایت اشکال و غالبا برای غیر انبیا و اوصیا حاصل نمیشود
لهذا ثانیا فرمود که اگر تو نمیبینی پس او ترا میبیند و بدانکه تحصیل این مرتبه بتفکر در آلاء و نعماء
غیر متناهی حاصل میشود چه محبتهای بشری چنانچه بتجربه رسیده به بسیار بجا آوردن الطاف و هدایا
محبوب چنانچه در تزاید میباشد هم چنین عشق حقیقی نیز بتذکر نعمتها و لطفهای معشوق حقیقی
که در هر لحظه صد هزار نوع از آن بهر فردی از افراد مخلوقات دارد زیاد میگردد و چنانچه
بسند معتبر از حضرت امام رضا علیه التحیة و الثناء مرویست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
فرمود که خداوند عالمیان وحی نمود بموسی بن عمران فرمود که ای موسی مرا دوست دار و مرا
دوست خلق گردان موسی گفت خداوندا من ترا محبتم و دوست میدارم تو میدانی که بنده توام و لیکن مردم
را چگونه دوست تو گردانم فرمود که نعمتهای مرا بر ایشان بخوان و احسانهای نامتناهی مرا بیاد
ایشان آور چون بدانستند که جمیع نعمتها و کمالات از من است و از جانب من بایشان رسیده است

بغیر

بغیر مرا یاد نکنند و پیوسته در یاد من باشند چهارم و پنجم عبادت عارفانست که باعث ایشان
بر عبادت کمال معبود است و آنکه او سزاوار عبادت است چنانکه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود
که ما عبدتک خوفا من نارک و لا طمعا فی جنتک و لکن وجدتک اهلا للعبادة فعبدتک یعنی
نپرستیدم ترا از ترس آتش تو و نه از برای طمع بهشت و لیکن ترا سزاوار پرستیدن یافتم پس عبادت
کردم ترا و این درجه اعلای درجات مقربانست و کسی این دعوی را میتواند کرد که مرتبه آن نفس
خود نفس و هو باشد و یقین داند که اگر نام بهشت و دوزخ نشنیده بود هم چنین عبادت را که الحال
میکند میکرد بلکه العیاذ بالله عبادت کننده را بجهنم برند چون معبود را سزاوار عبادت
میداند ترک نمیکرد تذنیب بدانکه بالاتر از مرتبه اخیر درجه علیا شد و پست تر از درجه
اولی مرتبه علیا شد و درجاتی که در میانه متوسط است هر یک فرقی دیگر و مشتمل این مراتب
غیر متناهیست و صاحب هر مرتبه در خور مرتبه خود نتیجه یابد که اعمال منوط بآن نیت است
و هر درجه شاهد و گواهی چند از اطوار و اخلاق او دارد که مدعی دعوی کمال واقعی بآنها
ممتاز میشود لهذا نیت هر عملی بر بدن نیت آن لب است و لهذا در حدیث وارد شده است که انما
الاعمال بالنیات یعنی بدرستی که هر عملی منوط به نیت آن است اگر نیت آن مشوب بریا و فاسد
یا اگر نیت صحیح است هر مرتبه که هست عمل نیز بآن رتبه دارد و کلینی بسند معتبر از حضرت صادق
علیه السلام روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که نیت مؤمن بهتر است از عمل
او و نیت کافر بدتر است از عمل او و هر کسی عمل کند موافق نیت خود عمل میکند و ایضا از آنحضرت
روایت نموده که در تفسیر ایه لیبلوکم ایکم احسن عملا یعنی تا بیازماید که کدام یک از شما نیکو
کارترید حضرت فرمود که مراد این نیست که هر که بیشتر عمل کرده باشد بلکه مراد اینست که هر که عمل
درست تر و بصواب و حق نزدیکتر باشد و عمل درست آن است که با خوف الهی و نیت صادق و درست
باشد و باقی ماندن بر یک عمل و سعی نمودن که از برای خدا خالص گردد بهتر است از اصل عمل و عمل
خالص آنست که نخواهی که کسی غیر خدا ترا بر آن کار مدح و ستایش نماید و نیت بهتر از عمل بلکه همین
نیت عمل است پس آن آیه را خواند قل کل یعمل علی شاکلته یعنی بگو ای محمد صلی الله علیه و آله که هر
کس کار میکند بر شاکله خود و حضرت فرمود که شاکله یعنی نیت است پس معلوم شد که در نیت

باب هفتم در مطالب متعلقه بشب قدر است

روزه ماه رمضان همین قدر کافی است که بداند که ماه رمضان داخل شده است و قصد روزه داشته باشد
و دیگر احتیاج بتلفظ لفظ نیت و لیکن سعی در خلوص این نیت بکند و برای تحصیل مال و جاه یا انکه در
اوراد اصلاح و تنقیه بنشانکند و سایر اغراض باطله روزه ندارد بلکه منظور او در روزه داشتن تحصیل یکی
از درجات عالیه بقا بوده باشد والله تعالی هو الموفق و المعین الوصول الی اعلی درجات السالکین
باب هفتم در بیان مطالب متعلقه بشب قدر و در این چند معراج است معراج اول در بیان وجه تسمیه این شب
بقدر بدانکه از کلام علما و عامه و خاصه برای تسمیه این شب باین اسم چند وجه ظاهر میشود اول انکه
قدر بمعنی تقدیر باشد و چون حق تعالی در این شب آجال و ارزاق و سایر حوائج در این سال را تقدیر میفرماید
لهذا این شب را باین اسم نامیده اند دویم بعضی گفته اند که لفظ قدر بمعنی جاه و منزلت است چنانچه
عرب شایع است که فلانی صاحب قدر و منزلت است و چون هر که این شب را بعبادت احیا کند نزد حق تعالی صاحب
قدر و منزلت میگردد هر چند بیقدر و منزلت باشد لهذا این شب را اضافه بلفظ قدر نموده باین اسم مسمی
نموده اند و بعضی بنا بر آن تقریر گفته اند که چون نفس عبادت در این شب قدر و منزلت عظیم دارد مسمی
باین اسم گردیده او بعضی دیگر گفته اند که چون کتاب با قدر و منزلت که قرآن مجید است بسوی پیغمبر با قدر
و منزلت که حضرت خاتم الانبیا علیه و علی آله التحیه و الثنا بجهت امت با قدر و منزلت که امت
آن بزرگوار است بدست ملک با قدر و منزلت که جبرئیل امین علیه السلام است در این شب نازل
شده لهذا باین اسم مسمی شده است سیم بعضی دیگر گفته اند که لفظ قدر بمعنی تنگی است چون افواج ملائکه
بسیار در این شب بر امام زمان نازل میشوند و عرصه زمین بر ایشان تنگی مینماید لهذا از آن باین اسم
نامیده اند والله تعالی یعلم معراج دویم در بیان شرافت و فضیلت این شب بدانکه در میان شبها
و روزهای سال اشرف و افضل و اجل از همه است و قرآن مجید و اخبار متکثره متظافره بر این معنی
دلالت دارد اما قرآن مجید پس در چند موضع از آن فضیلت آن نازل شده است چنانچه میفرماید
انا انزلناه فی لیلة القدر یعنی بدرستیکه ما نازل کردانیدیم قرآن را در شب قدر وما ادریک ما
لیلة القدر و چه چیز فهمانیده است ترا که چه چیز است شب قدر لیلة القدر خیر من الف شهر یعنی
شب قدر بهتر است از هزار ماه تنزل الملائکة و الروح فیها باذن ربهم من کل امر نازل میشوند
ملائکه و روح باذن پروردگار ایشان در این شب از برای تقدیر هر امری که در آن سال واقع
میشود

میشود و در حقیقت روح چند قول است بعضی گفته اند که مراد جبرئیل علیه السلام است و بعضی گفته اند
که ملکی است اعظم از جبرئیل و سایر ملائکه و بعضی گفته اند که از جنس ملک نیست بلکه خلقی است اعظم
از ملک و این قول اقوی است و در اخبار بسیار از طریق ما بر این مضمون وارد شده که ائمه علیهم
السلام باین آیه استدلال کرده اند یوم یقوم الروح و الملائکة صفا استدلال بر مغایرت روح و ملک نموده اند
زیرا که واو عطف در این دو آیه میان ملک و روح فاصل شده و عطف دلالت بر مغایرت میان
معطوف علیه و معطوف میکند و بدانکه از احادیث بسیار که بعد از این مذکور خواهد شد ان شاء الله
تعالی مفهوم میشود که ملائکه و روح در این شب بخدمت امام زمان نازل میشوند و بر او عرض میکنند و بر
او سلام میکنند تا صبح و تقدیرات سال را بر او معروض میدارند و این یکی از طرق علم ائمه علیهم السلام
است سلام هی حتی مطلع الفجر یا اهل سلامت است این شب از جمیع آفات و شرور یا برکت و فضیلت است از
اول آن تا آخر آن که وقت طلوع فجر است و بعضی از علمای عامه که شب بیست و هفتم ماه مبارک
را شب قدر دانسته اند متمسک شده اند بانکه حق تعالی کلمات این سوره را بر شبهای ماه مبارک رمضان
تقسیم نموده چنانچه بازاء هر شبی کلمه از این سوره افتاده و بازاء شب بیست و هفتم کلمه هی افتاده
است که راجع بشب قدر میشود و باین جهت این شب قدر است و گویا تقسیم آن کلمات بر شبهای بر این عنوان نموده
انا انزلناه فی لیلة القدر وما ادریک ما لیلة القدر لیلة القدر خیر
من الف شهر تنزل الملائکة والروح فیها باذن ربهم من کل امر سلام
هی حتی مطلع الفجر و این خیالات از غرایب دیگر ضعف وهنش بسیار ظاهر است و بدانکه
در این مقام ذکر بعضی از تحقیقات و رفع اشکالات ضرور است و چون فهم آنها موقوف بر بعضی از
تحقیقات مذکوره در معراج ابتدا است لهذا در این مقام بذکر ترجمه ظاهر این سوره مبارکه اکتفا
نموده تفصیل آن مراتب را در معراج آخر این باب بیان خواهیم نمود ان شاء الله تعالی دویم
در سوره حم والکتاب المبین میفرماید انا انزلناه فی لیلة مبارکة انا کنا منذرین
فیها یفرق کل امر حکیم یعنی بدرستیکه ما نازل کردیم قرآن مجید را در شبی که با برکت است
بدرستیکه ما ترسانندیم بندگان را از عذاب خود و در این شب جدا میشود و تقدیر میشود
هر امر محکمی و بدانکه از این آیه و آیه تنزل الملائکة والروح فیها باذن ربهم من کل امر استدلال

بر مذهب شیعه ثابت نمود که در هر عصری از اعصار حجت حق تعالی بر روی زمین باید باشد و باید عالم
بعلوم ما یحتاج امت و معصوم از سهو و خطا و معصیت بوده باشد و بیان این معنی آنست که کلمهٔ تنزل
در آیهٔ اولی و کلمهٔ یفرق در آیهٔ ثانیه صیغهٔ مضارع استقبالی است که دلالت بر استمرار تجددی
میکند پس باید که در هر سال در شب قدر تا آخر دهر ملائکه و روح برای تقدیرات سال از آسمان بزمین نزول
نمایند و اگر در زمین کسی نباشد که ملائکه و روح بر او نازل شوند و تقدیرات را عرض نمایند پس
تنزل ایشان از آسمان بزمین بیفایده و عبث خواهد بود و معلوم است که بر خلفای جور که باعتقاد اهل سنت
اولو الامرند ملائکه و روح نازل نمیشوند و ایشان نیز در هیچ عصری از اعصار این ادعا نکرده اند که
مبادا احدی از ایشان امر بسلسلت نماید و ایشان در جواب عاجز شوند زیرا که اگر ایشان بر
هیچ امری از امور واقعه علم و اطلاع نداشتند چه جای امور مستقبله که در ظرف تمام سال واقع خواهد
شد پس باید که در هر عصری امام زمان که حجت خداوند عالمیان است بروی زمین باشد و معصوم
از جمیع خطاها و گناهان باشد که قابلیت تنزل ملائکه و روح داشته باشد و ملائکه و روح بر او
نازل شوند و تقدیرات و وقایع سال را بخدمت او عرض نمایند و هر کس که از ایشان از عمر کسی یا وقایع
ساعت دیگر آن سال سؤال نماید از عهدهٔ جواب آن بیرون تواند آمد و ائمهٔ ما علیهم السلام بر این
منوال بوده اند چنانچه از تتبع احوال و اقوال ایشان که در کتب احادیث و سیر مضبوط است معلوم میشود
و باین جهت است که در احادیث ما وارد شده است که شیعیان را امر فرموده اند که مخاصمه کنید با اهل سنت بسوره
کریمهٔ انا انزلناه فی لیلة القدر و بآیهٔ کریمهٔ انا انزلناه فی لیلة مبارکة انا کنا منذرین فیها یفرق
کل امر حکیم که بر اثبات مطلوب ما بسیار واضح است و اما اخبار وارده در فضیلت این شب بر دو نوع است نوع اول
اخباری که مشتمل است بر فضیلت این شب و تعیین شب مخصوصی با ذکر عمل مخصوصی در آن شب و آنها
بعد از این در باب اعمال شبها مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی نوع دویم اخباری که تعیین
شب خاصی با عملی در آنها مذکور نیست بلکه اصل فضیلت شب قدر در آنها مذکور گشته و بعضی از
آنها در ضمن روایات داله بر فضیلت این ماه مذکور شد و شیخ طبرسی رضی الله عنه در تفسیر
مجمع البیان از ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که چون
شب قدر در آید ملائکه سکان سدرة المنتهی فرود آیند و از جمله ایشان جبرئیل علیه السلام

و با جبرئیل

و با جبرئیل لوائی چند باشد پس یک لوا را بر قبر من نصب کند و لوای دیگر را در بیت المقدس
و لوای دیگر را در مسجد الحرام و لوای دیگر را در طور سینا نصب کند و هیچ مؤمن و مؤمنه را در این
مواضع نگذارد مگر آنکه سلام بر وی کند مگر کسی که شراب خوار باشد یا گوشت خوک خورد یا زعفران
بر بدن خود مالد وایضاً در کتاب مذکور از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است
که در شب قدر شیطان لعین بیرون نمی آید تا صبح و قادر نیست بر آنکه مبتلا سازد احدی را بدیوانگی
یا آزاری یا فسادی در زمین کند و سحر هیچ ساحری در او اثر نمیکند وایضاً از حضرت رسول
منقول است که بهشت را هر سال از برای داخل شدن ماه مبارک رمضان زینت میکنند چون شب اول
ماه میشود نسیمی از زیر عرش میوزد که آن را مثیره میگویند و صدائی از برگ درختان و حلقههای درهای
بهشت را بی نغمه از آن میشود که هرگز شنوندگان از آن آوازی خوشتر نشنیده اند پس حوریان
از غرفههای بهشت بیرون می آیند و ندا میکنند که آیا کسی هست که ما را خواستگاری کند از خدا با عمل
صالح خود پس از رضوان خازن بهشت می پرسند که این چه شب است رضوان میگوید لبیک ای نیکو
رویان نیکوکاران این شب اول ماه رمضان است درهای بهشت گشوده شده است برای روزه داران
امت محمد صلی الله علیه و آله پس حق تعالی میفرماید که ای رضوان بگشا درهای بهشت را و ای مالک
ببند درهای جهنم را از روزه داران امت محمد صلی الله علیه و آله و ای جبرئیل برو بسوی زمین
و در زنجیر کن شیاطین متمرد را و غلها در گردن ایشان کن و ایشان را در لجههای دریا بینداز
تا فاسد نکنند بر امت حبیب من صلی الله علیه و آله روزههای ایشان را و حضرت فرمود که حق تعالی
در هر شب از شبهای ماه رمضان سه مرتبه ندا میفرماید که آیا سؤال کننده هست که سؤال او را عطا
کنم آیا توبه کننده هست که توبه او را قبول کنم آیا استغفار کننده هست که گناهان او را بیامرزم کیست
که قرض دهد بخداوند مالداری که هرگز پریشان نمیشود و وفا کننده است بوعدههای خود و ستم نمیکند
و فرمود که در آخر هر روز از روزهای ماه رمضان در وقت افطار حق تعالی هزار هزار کس را از
آتش جهنم آزاد میکند و چون شب جمعه و روز جمعه میشود در هر ساعتی هزار هزار کس را از
آتش جهنم آزاد میکند که همه مستوجب عذاب شده باشند و در شب آخر و روز آخر بعدد
آنچه در تمام ماه آزاد کرده است آزاد میکند و چون شب قدر میشود حق تعالی جبرئیل را امر میکند

که بزمین می‌آید با لشکر عظیمی از ملائکه و با خود علم سبزی می‌آورد و بر بالای کعبه معظمه نصب میکند و او ششصد بال دارد و دو بال او را نمیگشاید مگر در شب قدر آن دو بال را میگشاید از مشرق و مغرب میگذرد و پهن میکند جبرئیل آن ملائکه را در این شب در اطراف زمین پس سلام میکنند بهر ایستاده و نشسته که مشغول نماز و ذکر خدا باشد و با ایشان مصافحه میکنند و چون ایشان دعا میکنند آن ملائکه آمین میگویند و پیوسته مشغول این کارند تا طلوع صبح پس چون صبح طالع میشود ندا میکند جبرئیل که ای گروه ملائکه روانه جانب آسمان شوید پس ملائکه میگویند ای جبرئیل خدا چه کرد در حوائج مؤمنان از امت محمد صلی الله علیه و آله جبرئیل میگوید خدا گناهان همه را آمرزید مگر کسی که همیشه شراب خورد یا عاق پدر و مادر باشد یا قطع رحم کند یا با مؤمنان عداوت کند و چون شب عید فطر میشود آن را شب جوائز میگویند که خدا مزد میدهد عمل کنندگان را در ماه رمضان بی‌حساب و چون بامداد روز عید میشود حق تعالی ملائکه بسیار در جمیع شهرها میفرستد که بزمین می‌آیند و بر سر کوچها و بازارها و راهها می‌ایستند و میگویند ای امت محمد صلی الله علیه و آله بیرون روید بسوی درگاه پروردگار کریمی که عطاهای بزرگ میبخشد و گناهان عظیم را می‌آمرزد پس چون بمصلا میروند برای نماز عید حق تعالی بملائکه میگوید ای ملائکه چیست جزای مزدوری که عمل خود را بکند ملائکه میگویند ای خداوند ما و آقای ما جزای او آنست که مزدش تمام داده شود و حق تعالی میفرماید ای ملائکه من شما را گواه میگیرم که ثواب ایشان را از روزه روزهای ماه رمضان و عبادت شبهای آن عطا کردم و از ایشان راضی شدم و گناهان را آمرزیدم پس ندا میفرماید مؤمنان را که در آن مجمع حاضر شده اند که ای بندگان من هر چه خواهید از من سؤال کنید بعزت و جلال خود سوگند یاد میکنم که در این مجمع شما هر حاجت که برای آخرت و دنیای خود سؤال کنید البته عطا میکنم و عیبهای شما را میپوشانم تا از من روگردان نشوید و مزدهای شما را مضاعف میدهم و شما را در میان گناهکاران رسوا نمیکنم برگردید آمرزیده بسوی خانه‌ها که خشنود گردانیدید مرا و خشنود شدم از شما پس ملائکه مسرور و شاد میگردند و یکدیگر را مبارکباد میگویند با نچه حق تعالی بامت محمد صلی الله علیه و آله عطا کرده و ابن بابویه رضی الله عنه در کتاب من لا یحضره الفقیه بسند خود از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت بفرزندان خود وصیت
میفرمود

میکرد و میفرمود که هرگاه ماه مبارک رمضان داخل شود پس تعب اندازید نفسهای خود را بعبادت بدرستیکه درین ماه روزیها قسمت میشود و اجلها نوشته میشود و درین ماه حجاج بیت الله الحرام که مهمان خداوند عالمیان اند و بخانه او نزول می نمایند نوشته میشوند و درین ماه شبی هست که عمل در آن بهتر است از هزار ماه تنویر بدانکه از آیات مذکوره مستفاد میگردد که بعضی برای شب قدر دو فضیلت مقرر داده است اول آنکه در این شب تقدیر اعمار و ارزاق و سایر وقایع سالیانه که در طول آن سال واقع میشود و ملائکه و روح در این شب بخدمت امام زمان نازل میشوند و آن تقدیرات را بر او عرض مینمایند و لهذا فرموده تنزل الملائکة و الروح فیها باذن ربهم من کل امر و در آیه دیگر فرموده فیها یفرق کل امر حکیم دوم آنکه عبادت این شب بهتر است از هزار ماه چنانچه فرموده لیلة القدر خیر من الف شهر

معراج سیم در بیان تعیین این شب بدانکه قاطبه علمای شیعه رضوان الله علیهم قایل شده اند بانکه شب قدر بزمان حضرت با برکات سید کاینات علیه افضل الصلوات و التحیات اختصاص نداشته بلکه تا انقطاع زمان دنیا مستمر و در هر سال یک شب از شبهای آن شب قدر است و علمای عامه نیز در این معنی با شیعه موافقت کرده اند مگر نادری از ایشان که شب قدر را مخصوص زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله میدانند و میگویند که بعد از ارتحال آن بزرگوار بعالم بقا برطرف شد و این قول بسیار ضعیف است و فاسد است حتی آنکه بعضی از اعاظم علمای ایشان نیز گفته اند که جماعتی که اعتنا بشان ایشان هست اجماع نموده اند بر وجود شب قدر و دوام آن تا آخر دهر زیرا که احادیث بسیار بر آن دلالت دارد و صالحان هر عصر آن را مشاهده نموده اند و از جمله روایات دالّه بر این معنی از طریق اهل سنت حدیثی است که از ابوذر رضی الله عنه منقول است که گفت بخدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض نمودم که شب قدر آیا مخصوص زمان پیغمبران است و بعد از رحلت ایشان بعالم بقا از ما بالا میرود حضرت فرمود که نه بلکه شب قدر تا روز قیامت مستمر است و در طریق شیعه نیز احادیث دالّه بر این معنی وارد شده است چنانچه کلینی رضی الله عنه بسند خود از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که شخصی از آنحضرت سؤال نمود که شب قدر آیا بیشتر بود و برطرف شد یا بعد از آن نیز در هر سال خواهد بود حضرت فرمود که اگر شب قدر رفع شده باشد باید که قرآن مجید نیز رفع شده باشد و گویا

مراد اختصاص است که بعض قرآن مجید چنانچه در معراج دویم مذکور شد ملائکه و روح در این
شب نازل میشوند چنانچه فرموده تنزل الملائکة والروح فیها باذن ربهم من کل امر و در آیه دیگر
فرموده فیها یفرق کل امر حکیم و کلمه تنزل در آیه اولی و کلمه یفرق در آیه ثانیه دلالت بر استمرار
تجددی میکند چنانچه سابق بر این مذکور شد پس این دو آیه دلالت بر استمرار شب قدر میکند
و اگر شب قدر رفع شده باشد باید این دو آیه نیز رفع شده باشد والله تعالی یعلم و از آنچه گفتیم
معلوم شد که استمرار این شب تا آخر زمان تکلیف از ضروریات محکوم به و ثابت و لیکن در تعیین آن میان
علمای عامه و خاصه خلاف است اما علمای عامه پس بعضی از ایشان گفته اند که این شب شب مخصوصی نیست
بلکه حق تعالی در هر سالی یک شب از شبهای آن سال را شب قدر میگرداند و این طایفه احادیث مختلفه را
که در باب خصوص شب قدر وارد شده بر این معنی حمل مینمایند و ابو حنیفه گفته که شب قدر مخصوصی
است و لیکن در میان شبهای سال منتشر است و بعضی گفته اند که در میان شبهای ماه شعبان و ماه
مبارک رمضان منتشر است و از بعضی روایات وارده در طریق شیعه معلوم میشود که بعضی
از اهل سنت شب پانزدهم شعبان را شب قدر میدانسته اند و اکثر محققین ایشان قایل شده اند
که از ماه مبارک رمضان بیرون نیست چنانچه بعضی از این طایفه شب اول ماه رمضان را و بعضی
دیگر شب هفدهم و بعضی دیگر شب بیست و هفتم را گفته اند و اکثر گفته اند که آن شب نوزدهم
و بیست و یکم و بیست و سیم بیرون نیست و بعضی منحصر در دو شب اخیر دانسته اند و بعضی از اقوال
نادره و شاذه دیگر نیز در میان ایشان هست و هر یک بر طبق مدعای خود بروایتی یا اماراتی
یا علامتی متمسک گردیده اند چنانچه بعضی از آنها قبل از این مذکور شد و اما علمای شیعه رضوان
الله علیهم پس خلافی ظاهر در میان ایشان نیست از این که شب قدر بیرون نیست از کلام شیخ طوسی ره در کتاب
تبیان اجماع علما بر دو شب اخیر ظاهر میشود و احادیث طریق شیعه در این باب نیز نهایت اختلاف
دارد چنانچه در بعضی ابهام و اجمال شده و هر چند سایلان الحاح در باب تعیین آن نموده
تصریح نفرموده اند و در بعضی دیگر وارد شده که از ماه مبارک رمضان یا از عشر اخیر
آن ماه بیرون نیست و در بعضی دیگر انحصار در شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم وارد
شده و بعضی از روایات بر خصوص شب اول از این سه شب و بعضی بر شب ثانی و بعضی بر شب
ثالث

ثالث دلالت میکند و لیکن روایات شب ثالث زیاده از شب ثانی و روایات شب ثانی از
شب زیاده از روایات شب اول است و در روایتی شب بیست و چهارم نیز مذکور است و فقرات
ادعیه لیالی عشر آخر ماه مبارک رمضان دلالت بر هر یک از لیالی عشر آخر میکند زیرا که هر یک
از آن دعاها مشتمل بر این فقره هست ان کنت قضیت فی هذه اللیلة تنزل الملائکة والروح من کل
امر حکیم فصل علی محمد و آله و اجعل اسمی فی السعداء و روحی مع الشهداء تا آخر دعا یعنی خداوندا اگر تقدیر
کرده در این شب نزول ملائکه و روح برای هر امر محکمی پس صلوات فرست بر محمد و آل محمد و بگردان اسم مرا
در زمره سعدا و روح مرا در جمله شهدا و در آخر این فقره هست بنابر ادعیه لیلة القدر علی الفضل
ما اولها الحجا یعنی کرامت کن بمن توفیق دریافتن شب قدر را به نیکوترین وضعی که دریافته باشد
آنرا احدی بلکه دعای هر روز ماه مبارک رمضان نیز بر این فقره مشتمل است و دلالت بر احتمال کون
قدر در هر شب میکند بالجمله روایات در این باب ابهام و اجمال و تشویش و اختلاف زیادی دارد
و حکمت و سر این اختلاف چنانچه از تتبع اقوال علمای شیعه ظاهر میشود چند چیز میتواند بود اول شیخ
جلیل نبیل شیخ ابو علی طبرسی ره در تفسیر مجمع البیان گفته که ممکن است که غرض از اختلاف و اجمال
روایات اخفاء این شب باشد بجهت آنکه مردمان شبهای بسیار را بعبادت احیا نمایند تا شب قدر
را در میان آنها بیقین دریابند و بثواب آن فایز شوند و تفصیل این سخن آنست که هرگاه کسی شب
شب قدر را در نظر او در تمام ماه رمضان محتمل باشد چون خواهد که بیقین شب قدر را دریابد
باید تمام شبهای این ماه مبارک را بعبادت بر پا دارد تا بجا و معلوم شود که شب قدر را دریافته
و بثواب و فایز گشته و کسی که در نظر او عشر اخر این ماه محتمل باشد تمام لیالی این عشر را برای در
یافتن شب قدر احیا مینماید و کسی که شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم را احتمال دهد هر
یک از این سه شب را احیا مینماید و چون طبقات و اصناف مردم بحسب استعداد و مواد و قوت
ایمان و یقین با یکدیگر نهایت اختلاف دارند لهذا ائمه علیهم السلام در این باب در مقام جواب
بغایت حال سایل فرموده اند چنانچه سایل اگر مردی بوده که شب قدر را اگر بخصوص میدانسته دیگر
شبهای دیگر را اصلا عبادت نمی نموده و اقتصار بر شب قدر میکرده بچنین مردی اصل ماه را مبهم نموده
اند تا آنکه تمام ماه را برای دریافتن این سعادت عظمی عبادت کند و اگر سایل قوت ایمان و یقینش

زیاده بوده و گاهی اوقات خود را بعبادت صرف مینموده در جواب او فرموده اند که ان عمر اخوی بودن
نیست یا آنکه اهتمام در عبادت بیشتر نماید و اگر یقینش بیکی زیاده بوده شب را باز فرموده اند و اگر
در مراتب ایمان و یقین بحد کمال رسیده بوده اند نسبت خصوص شب قدر در زیاده او تفاوتی نمیکرده
خصوص یک شب را میفرموده اند لهذا بخواص اصحاب شب بیست و سیم و بجمعی که در مرتبه پستتر بوده اند
سه شب را فرموده اند و اگر ایشان الحاح در سوال تعیین یکی از این سه شب بخصوص نموده اند در جواب
فرموده اند که چه سهل است که کسی سه شب یا دو شب را احیا نماید برای دریافتن چنین فضیلتی و جد
علامه ام مولانا محمد باقر مجلسی رفع الله درجته در بعضی از مولفاتش در بیان سر اخفاء این شب
گفته که اگر شب قدر بخصوص معلوم باشد ممکن است که اکثر مردم خصوصا اوساط ناس که معرفت زیادی
ندارند برای مطالب دنیه دنیویه که مصلحت در انجام آنها نیست و عداوتها و خصومتهای بیجا که
حصول انها منافی حکمت کامله باری تعالی است و در آن شب دعا کنند و بالضروره مستجاب شود
و مفاسد عظیمه بر آن مترتب و این معنی باعث اختلال نظام عالم شود و احتمال چون در میان چند شب
منشعب است و احیای همه معتبر است لهذا جمعی که معرفت ایشان کم باشد انقدر اهتمام در عبادت نمی
نمایند که اهتمام ایشان در عبادات بسیار است غالب ایشان در مراتب معرفت کامل اند و برای امور دنیویه
باطله دعا نمینمایند بلکه مطمح نظر ایشان امور اخروی است و از امور دنیا انچه معین بر تحصیل اخرت باشد
از او مسئلت مینمایند لهذا این شب مستور و مخفی شده و موید این وجه نیز میشود آنچه بر سبیل
مذکور شد که ائمه ما علیهم السلام در تعیین این شب نظر بحال سائل میفرموده اند و هر چند معرفت
سائل بیشتر بوده کمتر ابهام مینموده اند لهذا برای جمعی که معرفت ایشان کامل بوده خصوص شب بیست
و سیم را تعیین فرموده اند و بجمعی که معرفت شان کمتر بوده سه شب یا دو شب را و بجمعی که دیگر پست
تر بوده اند عشر اخر یا تمام ماه را فرموده اند و بدانکه این درجه در اخفاء بعضی بیکی از مخفیات
مانند اخفاء اسم اعظم الهی در میان اسماء حسنی و اخفاء ان از ساعت استجابت دعا در میان ساعات
روز جمعه و شبهان بلکه در هر شبی چنانچه در بعضی از روایات است جاری میشود چنانچه
بر متدبر بصیر پوشیده نیست دو نهم ایضا جد علامه اکرم طاب ثراه در بعضی از مولفاتش گفته است
که ممکن است که هر یک از این سه شب را کتب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم است در شب

قدر

قدر و علی باشد چنانچه از بعضی روایات ظاهر میشود که تقدیر در شب اول و ابرام در شب دویم
و امضا در شب سیم است چنانچه بسند معتبر از اسحق بن عمار منقول است که جمعی در خدمت حضرت صادق علیه السلام
حاضر بودند پس یکی از ایشان گفت که فهمت از ان در شب نیمه شعبان واقع میشود حضرت فرمود
که نه والله این واقع نمیشود مگر در شب ۱۹ و ۲۱ و ۲۳ ماه رمضان بدرستیکه در شب نوزدهم
التقاء جمعین میشود و در شب بیست و یکم هر امر محکمی مفروق میگردد و در شب بیست و سیم انچه
را حق تعالی اراده نموده امضا مینماید و این شب قدری است که فرموده بهتر از هزار ماه است
راوی میگوید که پرسیدم از اسحق بن عمار که مراد از التقاء جمعین که در شب نوزدهم واقع میشود
چیست گفت یعنی آنکه حق تعالی جمع مینماید در این شب انچه را اراده نموده از تقدیم و تاخیر و اراده
و قضای خود پرسیدم که مراد از امضا نمودن در شب بیست و سیم چیست گفت انچه در شب بیست و یکم
مفروق شده در آن احتمال بدا میباشد و چون شب بیست و سیم شود بحد امضا میرسد و محتوم
میگردد و بعد از آن بدا راه نمی یابد و توضیح این معنی آنست که چنانچه بلا تشبیه در افعال و احکام
ملوک و پادشاهان که ظل الله و بحسب ظاهر مراتب فیض و بسط ایشان اند کیف اهتمام و بر امر و نهی
ایشان قرار گرفته چند مرتبه میباشد چه اولا تعلیقه نوشته میشود ثانیا بر طبق تعلیقه فرمان
صادر میگردد و ثالثا بمهر ایشان مزین میگردد و تغییر این حکم در حالت اولی که تعلیقه نوشته
است و یکی و زیاتی ممکن است و چون رقم نوشته شود آن تغییر دور تر و چون بمهر رسید تغییر
ان در نهایت اشکال است هم چنین الله تعالی سبحانه عن المشاکلة و المشابهة در تقدیرات الهی
نیز مراتب بسیار میباشد نیز انکه حکمت بالغه او مقتضی انست که پیوسته بندگان بجناب
اقدس او متوجه باشند و بدرگاه او تضرع نمایند و در همه امور با و توسل جویند لهذا برای
هر امری اسباب و تقدیرات چند قرار داده و برای تقدیرات مراتب مختلفه مقرر فرموده تغییر
مرتبه اولی که مرتبه تقدیر و وظیفه شب اول است بدعا و تضرع میتواند شد و چون بمرتبه
ابرام رسد که وظیفه شب دویم است باز تغییر آن بتضرعات و دعوات و عبادات و صدقات
میتوان نمود ولیکن این تغییر اصعب است از مرتبه اولی و چون بمرتبه امضا رسد که وظیفه شب
سیم است محتوم و حتم میشود و مخفی نماند که باین وجه توفیق میان روایات این سه شب

عجب و لطیفه اولی شب قدر که حکایات تقدیرات است میشود و لیکن تعارض روایات عجب و لطیفه
دو بیتم که افضلیت عبادت آن از هزار ماه است باقی میماند چنانچه بر متدبر پوشیده نیست و الله
و رسوله اعلم اعلم الله الکرام ادام الله ظلاله در بعضی از مؤلفات در مقام جمع بین الروایات عجب و لطیفه در غایت
تحقیق و لطافت منتقل شده و گفته است که اما لطیفه دو بیتم که فضیلت عبادت آن کی ممکن است
که گوییم که شب قدر در حقیقت شب بیست و سیم است و شب نوزدهم و شب بیست و یکم ارتباط‌شان با شب
قدر هست مانند ارتباط نافله بفریضه و متمم و مکمل شب قدر است چنانچه نافله متمم و مکمل فریضه
است و غرض از اینکه حق تعالی این دو شب را بمنزله نافله برای شب قدر قرار داده است اینست که اگر تقصیری
در عبادات یا در شرایط آنها از حضور قلب و سایر شرایط در آن شب واقع شود و باین سبب
عبادات شب قدر ناقص باشد تدارک آن نقص حاصل شود بعبادات با شرایط که در این دو شب
واقع شود چنانچه هر نافله را ضعف فریضه قرار داده اند زیرا که اکثر مکلفین حال ایشان
چنین است که بعد از مجاهده و سعی تمام یک ثلث عبادات را با شرایط و حضور قلب بجا می آورند
پس هر گاه نافله که مربوط است با فریضه ضعف فریضه باشد و در آن نیز مراعات حضور قلب
واقع شود از مجموع فریضه و نافله بقدر فریضه که یک ثلث مجموع است عبادتی مستجمع شرایط قبول
و خالی از جهات نقص بعمل می آید و از این تحقیق معلوم میشود که این دو شب نیز حکم شب قدر
دارد و عبادات در آنها مرغوب و مطلوب است مانند شب قدر و بنابراینکه بعضی از نوافل گاهی
موکد و در بعضی بفریضه بیشتر میباشد و بعضی بکثرت چنین است و لهذا بعضی نوافل آن موکد
شده مانند نافله ظهر که هشت رکعت است و چهار رکعت از آن هشت رکعت دیگر موکد است
و ترکش روا نیست و چهار رکعت دیگر اگر چه از جمله نافله ظهر است اما در مرتبه چهار رکعت
نیست و ترکش رواست و لهذا در بعضی احادیث نافله ظهر چهار رکعت وارد شده است و کانه
این مقدمه معلوم شد که گوییم که شب بیست و یکم در حکم نافله موکد است و شب نوزدهم در حکم
نافله غیر موکد و از اینجا که گفتیم ظاهر میشود سر اختلاف روایات در باب شب قدر و اینکه در بعضی
روایات خصوص شب بیست و سیم و در بعضی این شب تا شب بیست و یکم و در بعضی این
شب تا شب نوزدهم وارد شده است و پوشیده نیست که این تحقیق در نهایت متانت

واکثر

واکثر روایات متعارضه این مطلب باین سخن با یکدیگر متوافق و ملایم میگردد و لیکن بقیه
از اشکالات منحصر میشود در اینکه روایتی که دلالت بر شب بیست و چهارم میکند و عبارات ادعیه لیالی عشر
اخر که دلالت بر نزول ملائکه و روح بسوی امام زمان در هر یک از شبهای این ماه عشر اخیر میکند
و فقره دعاهای هر روزه این ماه که دلالت بر هر یک از شبهای این ماه میکند بر اشکال باقی و باین
سخن رفع نمیشود و تمام تحقیق این مدعا بوضعی که جمیع ادله با یکدیگر موافقت نماید چنانچه بخاطر
قاصر این شکسته میرسد آنست که چنانچه برای هر عبادتی نافله مقرر گردیده که اگر نقصی بفعل
در آداب این عبادت از حضور قلب و غیر آن واقع شده باشد جبر آن نقص بفعل آن نافله بشود
هم چنین حق تعالی برای هر عبادتی مقدماتی که قبل از نافله و فریضه باید بعمل آید و متمماتی که
بعد از آنها باید بعمل آید نیز مقرر فرموده که آنها نیز مانند نافله باعث تکمیل آن عمل میگردد
مثلا نماز که اشرف عبادات است فریضه آن در شبانروزی هفده رکعت است و نافله آن سی و چهار
رکعت و مقدمات آن اذان و اقامه و تکبیرات است قبل از تکبیرة الافتتاح و ادعیه وارده در خلال
آنهاست بلکه ادعیه وارده در وقت برخاستن از خواب برای نماز و در وقت خلا رفتن و مسواک
کردن و وضو ساختن و امثال آنها نیز از جمله مقدمات نماز است و متممات آن تعقیبات و اذکار
و تسبیحات وارده بعد از صلوات است که مشتمل بر دعا و تضرع و توسل بجناب حق تعالی و مسئلت حوائج
دین و دنیاست و چنانچه ترغیب و تحریص در باب فرایض و نوافل صلوات وارد شده هم
چنین ترغیب و تحریص در باب مقدمه و متمم نیز در روایات و احادیث بسیار وارد شده است
و چنانچه روزه واجب در سال یکماه است و نافله آن در ماه دیگر که ماه شعبان و از ده ماه بقیه
ماهی سه روز است هم چنین روزه ماه رجب از مقدمات و باقی روزه های مستحب مانند
شش شوال بنا بر قول باستحباب آن و روز دحو الارض و نه روز اول ذی الحجه و غدیر و صیام
مولود و باقی ایام متبرکه متمم و مکمل روزه واجب است و گویا سر در این باب آنست که چون بنی نوع
انسان بر وفق حکمت کامله ربانی مبتلا بقوای شهوی و غضبی گردیده و عقل که سرمایه تحصیل
سعادات جاودانی باین سبب از تحصیل معارف ربانی استقلال ندارند لهذا غالب افراد
این بنی نوع پیوسته بزخارف دنیای فانی چشم دوخته در اکثر احوال در فکر و خیال تحصیل جاه

واعتبار و اولاد و اموال یا کسب مستلذات جسمانی که مقتضای قوای شهوانی است یا در مقام
انتقام از احدی که مقتضای قوای غضبی است میباشد و باین جهت در وقت اشتغال بعبادات
از شرط عمده آن که حضور قلب است غافل و از روح آن عبادت که توجه تمام بجناب احدیت و انقطاع
از ماسوی و توسل بجناب عالم السر و الخفیات و امل میباشد و این قسم عمل هرچند وظائف عبادت
چه این صورت عملی است نه اصل عمل و چون جناب اقدس باری تعالی فیاض مطلق و رحمتش بر غضب
سبقت گرفته سفره انعام مائده عامش بر همه خواص و عوام گسترده لهذا وقتی همچنین را بعرض
عریضی و زمان طولانی گردانیده و برای هر عبادتی مقدمه و نافله و متمم قرار داده پس اگر کسی
بر همه آن فایده توفیق الهی ایشان بعلاوه نافله و فریضه و متمم همگی کما هی نموده از یاد خدا غافل
نباشد و توسل و توکل او بخداوند خود تمام و کامل باشد و از ماسوای او قطع تعلق بالمره نموده
باشد و آنچه را بزبان گوید در دل از این نفهمد و بداند که با که سخن میگوید و چه حاجت از او
طلب میکند البته چنین کسی بمجرد این عبادت مقرب درگاه رب العزت میگردد و این حالت در
همه اوقات میسر نمیشود مگر برای انبیا و اوصیا و صدیقان که ایشان قوای شهوی و غضبی را
از نسیم لطف خاص الهی فرو نشانیده اند و در مراتب فوق ایمان بمرتبه حق الیقین رسیده و لهذا
در حدیث وارد شده است که تعقیب کردن علوی که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله بجا می آورد
از تمام عبادت ثقلین افضل بود و اگر این حالت برای کسی میسر نشود همگی اجزاء آن عبادت را
از مقدمه و نافله و فریضه و متمم نتواند با حضور قلب بجا آورد بلکه در بعضی از اجزاء آن
با حضور قلب باشد بالمره از ثمره آن عبادت محروم نمیگردد بلکه رحمت الهی شامل حال او شده
مثلا در نمازی هر گاه کسی در جزوی از اجزای مقدمات یا نوافل آن یا اصل فریضه یا در متممات آن
که تعقیبات است با حضور قلب باشد و معترف بگناهان خود بوده متوجه درگاه حق تعالی گردد البته
لطف و رحمت بی انتهای ارحم الراحمین شامل حال او میگردد و بسبب این قدر از تنقیط و اکمال هم
هرچند بسیار کم باشد امرزیده میشود و بهره خود را از آن نماز می یابد و در سایر اجزاء آن
نماز غافل و غافل از حضور قلب بوده باشد پس اگر در جزوی از اجزاء مقدمه منتبه و متیقظ و آگاه
باشد و از روی خلوص آن دعا را بجا آورد اصل نماز با نوافل و تعقیبات او همگی بدرجه قبول

مرکب

واگر در مقدمه و نافله و فریضه غافل باشد و در تعقیب تنبهی برای او بهم رسد و یک
دعا را از روی اخلاص و توجه تمام بجا آورد نیز رحمت الهی شامل حال او میشود و این معنی باعث
آن میشود که افعال سابقه او از فریضه و نافله و سایر مقدمات نیز مقبول میشود و لیکن این
عبادت بحسب رتبه پست تر است از عبادت کسی که مقدمات و نوافل و فرایض و متمم را
همگی با آداب و شرایط بعمل آورده باشد و مؤیدات این سخن در روایات و اخبار بسیار است
و بعد از این تمهید این مقدمه گوئیم که شب قدر واقعی شب بیست و سیم ماه مبارک رمضان است
و شب نوزدهم و بیست و یکم بمنزله نافله آن شب است چنانچه سابق تفصیل یافت و لیکن تمام
اهتمام چون با برکت و فضیلت است که با هر را فی الجمله مدخلیتی در شب قدر هست پس بیجهة شب
اول بمنزله مقدمات شب قدر است و شب نوزدهم و بیست و یکم بمنزله نافله شب قدر است و شب بیست
و بیست و دویم شب استراحت است و هفت شب بعد از شب بیست و سیم متمم و مکمل شب قدر است
و در شب بیست و سیم ملائکه و روح بخدمت امام زمان نازل میشوند و تقدیرات را بخدمت
او معروض میدارند و لیکن چون محتمل است که احدی در شب قدر تکاهل در باب عبادت
نموده باشد و اسم او در دیوان سعدا مرقوم نگشته باشد و لیکن بعد از آن شب متیقظ و
آگاه شود و تدارک ما فات را در باقی لیالی عشر اخیر نماید و حق تعالی اجل و اکرم از آنست که
چنین شخصی را ناامید کند و او را در زمره سعدا داخل نکند پس ممکن است که ملائکه و روح
در هر شب از لیالی عشر اخیر نیز بخدمت امام زمان نازل شوند و اسم چنین شخصی را از دیوان
اشقیا محو نمایند و در زمره سعداء نویسند و اگر کسی گوید که در شب قدر جمیع امور از سعادت
و شقاوت بندگان و غیر آن تقدیر میشود و بجا امضا میرسد و محتوم و مختوم میگردد چنانچه
از روایت اسحق بن عمار که سابق مذکور شد مفهوم میشود جواب گوییم که از بعضی روایات
دیگر ظاهر میشود که تغییر آن معتبر است نه منعقد و بعد از این مرتبه گاهی بر وفق حکمت کامله
الهی در بعضی از امور تغییر واقع میشود با آنکه لیالی عشر اخیر چنانکه گفتیم متمم و مکمل شب
قدر است و میتواند بود که در شب قدر ملائکه و روح بخدمت امام علیه السلام عرض نمایند
که فلان شخص اهتمام در عبادت تکاهل ورزیده و اسم او را حال در دیوان اشقیاست و لیکن

در فلان شب رحمت الهی شامل حال او خواهد شد و تدارك ما فات خواهد نمود و اسم او از
دیوان اشقیا محو خواهد شد و در دیوان سعدا ثبت خواهد شد و چون این شب در آید و این
شخص تدارك تقصیر خود را بکند با نزول ملائکه و روح نازل شوند و اسم او را از دیوان اشقیا
محو و در دیوان سعدا ثبت نمایند و لهذا در ادعیه دهه آخر از لیالی عشر اخیر واقع شده که اگر
در این شب تقدیر فرموده نزول ملائکه و روح را پس اسم مرا در دیوان سعدا ثبت فرما و همچنین
اگر کسی در هجده شب اول این ماه که بمنزله مقدمه شب قدر است توفیق عبادت کاملی یافته از روی
تیقظ و آگاهی بدرگاه الهی متوجه شود رحمت حق تعالی شامل حال او میشود و در همان شب ملائکه و روح
بخدمت امام زمان نازل میشوند و عرض مینمایند که فلان شخص امشب توفیق چنان عبادتی یافته
و حق تعالی اسم او را از جمله سعدا در شب قدر خواهد نوشت و چون شب قدر در آید که هرچند این
مردان شب را بغفلت بسر برد که با نزول ملائکه و روح باعتبار عمل سابق که از او صادر شده اسم
او را در دیوان سعدا ثبت مینمایند و بنا بر آنکه چنانچه نوافل بعضی مؤکد است و افضل از بعضی میباشد
چنانچه قبل از این مذکور شد همچنین مقدمه و متمم نیز بعضی مؤکد و افضل از بعضی میباشد و
لهذا شبهای طاق هجده شب اول افضل از شبهای زوج است و در میان شبهای طاق نیز بعضی افضل است
از بعضی دیگر مانند شب نهم و شب هفدهم و همچنین بعضی از شبهای هفت شب آخر بعضی افضل است از بعضی
مانند شب بیست و چهارم زیرا که این شب شب اول از شبهای متمم و اقرب شب قدر از سایر شبهاست
و مانند شب بیست و هفتم بجهتی که بعد از این مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی و مانند شب آخر زیرا
که بعد از آن این شب قدر منقطع میشود و لهذا در بعضی از روایات خصوص شب بیست و چهارم و شب
آخر نیز مذکور است و همچنین عبارات ادعیه شب بیست و هفتم زیاده از سایر شبهای عشر اخر
دلالت بر خواص شب قدر میکند و از آنچه گفتیم معلوم میشود که تمام ماه رمضان فی الجمله مدخلیتی
در شب قدر هست و اگر کسی خواهد که ثواب شب قدر حسب الواقع دریابد باید که تمام این ماه را با
خلوص نیت و اعتقاد و مراعات آداب و شرایط بعبادت بسر برد و کار قیام نماید و مؤید این معنی است
حدیثی که ابن بابویه رضی الله عنه در کتاب من لا یحضره الفقیه بسند خود از حفص از امام محمد باقر ع
روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله چون از عرفات مراجعت فرمود بجانب منی داخل مسجد شد
پس گروه

پس گروه مردم بگرد آن بزرگوار در آمدند و از شب قدر مسئلت نمودند پس حضرت برخواست و خطبه
ادا فرمود و بعد از حمد و ثنای الهی فرمود که بدرستی که شما از من از شب قدر مسئلت نمودید از
برای شما بیان نمودم نه از راه آنکه علم بآن نداشته باشم بلکه بدانید ای گروه مردم که هر که
ماه مبارک رمضان بر او بگذرد و بدن او صحیح و سالم باشد و روزهای آن ماه را روزه بدارد
و بعضی از شبهای آنرا بعبادت بپا دارد و بر نمازهای آن مواظبت نماید و در جمعهای آن بنماز جمعه حاضر
نماید و صبح عید بنماز عید حاضر شود پس شب قدر را دریافته و بجایزه پروردگار خود فایز
شده است و دلالت این حدیث شریف بر آنچه مذکور شد ظاهر و واضح است بلکه دلالت میکند
بر آنکه شب عید و روز عید را نیز در باب شب قدر مدخلیتی هست چنانچه پوشیده نیست و لهذا
در فضیلت شب عید وارد شده که در آن شب نیز جمع کثیری آمرزیده میشوند و آزاد از جهنم
آزاد میشوند و مخفی نماند که باین سخن جمیع احادیث متعارضه وارده در باب شب قدر با یکدیگر
ملایم میشود و عبارات ادعیه عشر اخیر و حدیثی که دلالت بر شب بیست و چهارم میکند و
عبارت دعای هر روز مبین محتاج بتاویل نیست بلکه ممکن است که گوییم ماه رجب که از مقدمات
ماه رمضانست و ماه شعبان از جمله نوافل آنست انها را نیز در شب قدر دخلی هست و لهذا بعضی از
روایات دلالت میکند بر آنکه در شب نیمه شعبان تقدیرات واقع میشود و مراد آنست که آن شب
فی الجمله دخلی در باب تقدیرات هست چنانچه شیخ طبرسی طاب ثراه در تفسیر مجمع البیان از ابن عباس روایت
کرده است که حق تعالی در شب نیمه شعبان قضایا و وقایع سال آینده را تقضیا میفرماید و در شب قدر
انها را با رباب آنها تسلیم مینماید و گویا مراد ابن عباس آنست که در شب نیمه شعبان خداوند عالمیان
در علم کامل خود تقدیر امور میفرماید و ملائکه و روح که ارباب تقدیرات اند اطلاع از انها
ندارند و در شب قدر ایشان مطلع میشوند و بخدمت امام زمان نازل میشوند و همگی آنها را بخدمت
او عرض مینمایند و همچنین شهور متبرکه که بعد از ماه رمضانست چون بمنزله متمم و مکمل ماه
رمضانست ایام و لیالی متبرکه آنها را نیز فی الجمله دخلی در شب قدر هست و گاه هست که جمعی که در
ماه مبارک رمضان اصلا توفیق عمل الصالح نیافته اند در ایام و لیالی متبرکه و بعد از ماه مبارک رمضان
توفیق عمل نیکو مثل شکوری مانند حج مبرور پیدا میکنند البته آمرزیده میشوند و لهذا در حدیث

وارد شده است که هر که در ماه مبارک رمضان آمرزیده نشود دیگر آمرزیده نمی‌شود مگر آنکه در
موقف عرفات حاضر باشد پس حقیقت همه لیالی و ایام متبرکه تمام سال را در شب قدر فی الجمله
مدخلیتی هست و ابتدای آن از شب غره ماه رجب است و در آن شب شروع بتمهید شب قدر می‌شود
هر چند بماه رمضان نزدیکتر می‌شود دخل آن بیشتر می‌شود و چون ماه مبارک رمضان داخل می‌شود دخل
آن زیاده می‌شود تا شب بیست و سیم و بعد از آن شروع بتتمیم می‌شود تا آخر ماه رمضان و بعد از ماه رمضان
نیز متمم ماه رمضان است و لیالی و ایام متبرکه اعیاد آن نیز از آن دخلی هست بتفصیلی که مذکور شد
والله تعالی یعلم وبدانکه در باب اینکه چرا خصوص شب بیست و سیم شب قدر گردیده است نکته‌ای بخاطر
می‌رسد و بیان آن نکته بر تمهید مقدمه‌ای است و آن مقدمه آن است که بعضی از افراد عدد را
بر سایر افراد مرتبه و اعتباری می‌باشد و لهذا اکثر ادعیه و اذکار در احادیث و اخبار بعددهای
خاص وارد شده و بعضی گفته‌اند که اگر دعا یا ذکری که بعدد خاصی وارد شده اگر از آن عدد تجاوز
نماید اثری که برای آن وارد شده بر آن مترتب نمی‌شود و تمثیل برای آن زده‌اند که این بمنزله آن است که
گنجی را بکسی نشان داده باشند که از فلان موضع مثلاً چهل گام بفلان جانب اگر بر داری بگنج
می‌رسی پس اگر گفته او را مخالفت نمائی و سی گام یا پنجاه گام بر داری بگنج ظفر نخواهی یافت
همچنین در تاثیر دعا آن عدد مخصوص معتبر است و اگر از آن تجاوز کند از آن گذشته است و بر
آن ظفر نیافته است و از جمله عددهای ممتاز عدد چهل است کما اکثر احوال مولود از حالت نطفه
بودن و علقه بودن و مضغه بودن و غیر اینها در مدت چهل روز حاصل می‌شود و علما در
تفسیر حدیث من اخلص لله اربعین صباحاً تفجر ینابیع الحکمة من قلبه الی لسانه خواص و
مزایای بسیار برای عدد چهل گفته‌اند و عدد دوازده نیز از آن جمله است و لهذا عدد ائمه علیهم السلم
و عدد نقبای بنی اسرائیل و عدد بروج آسمان و بعضی امور دیگر که به تتبع معلوم می‌شود نیز
بر دوازده گذاشته شده و همچنین عدد هفت نیز از جمله عددهای ممتاز است و لهذا عدد ایام هفته
و سموات و طبقات ارض و اقالیم روی زمین و مساجد سبع در حالت نماز و غیر اینها از آنچه بخبر
بعد از تتبع معلوم می‌گردد باین عدد مقرر گردیده و شیخ جلیل نبیل شیخ بهاء الدین محمد عاملی
قدس الله روحه الشریف در بعضی از مولفاتش گفته که در میان اعداد آحاد عددی اکمل

از عدد هفت

از عدد هفت نیست زیرا که طاق است و عدد طاق اکمل است از عدد زوج و لهذا در حدیث وارد
شده است که ان الله وتر یحب الوتر یعنی بدرستی که حق تعالی طاق است و دوست می‌دارد طاق را
همچنین عدد را وایضاً عدد هفت اقل طاق است که مشتمل است بر اکثر انواع عدد زیرا که عدد یا زوج است
یا فرد اول یا فرد ثانی و یا منطق است یا اصم و یا مجذور است و یا غیر مجذور و یا تام است یا زائد یا
ناقص یا زوج زوج است یا زوج فرد و عدد هفت بر جمیع این اقسام مشتمل است مگر عدد زاید و بیان
معانی این اعداد مناسب این مقام نیست و بالجمله عدد هفت اکمل اعداد آحاد بلکه بمرتبه در
میان جمیع اعداد ممتاز است و چون این مقدمه تمهید یافت گوئیم که بیست و یک شب که مشتمل بر سه هفته
شب است مقدمه شب قدر است و شب بیست و یکم بمنزله تأمل و تتمه شب قدر است در آخر
مقدمه و اقرب است بسایر اجزاء مقدمه بنی المقدمة است و چون این تأمل و تتمه نیز در شرافت تالی شب
قدر است و حب للقدر بعبادت و احیا فان تا بد قیام نمود لهذا شب بیست و دوم شب استراحت
گردیده و بعد از حصول این استراحت چون بعد از آن مقدمات و عبادت در شب تأمل شب قدر است
استعداد دخول شب قدر بکمال رسیده شب بیست و سیم را شب قدر گردانیده و بعد از آن شب
قدر هفت شب دیگر را متمم و مکمل شب قدر گردانیده بلکه هفت شب از ماه شوال که آن
شب عید و شش شب بعد از آن که لیالی ایام سته تتبع است نیز متمم دیگر است برای شب
قدر یکی در مقدمه و متمم هر دو در غایت عدد هفت که اکمل اعداد است واقع شده و مؤید این
معنی چند حدیث وارد شده است اول شیخ بزرگوار ابی علی طبرسی در تفسیر مجمع البیان روایت
کرده است که روزی عمر بن الخطاب علیه اللعنه از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال
نمود که شما میدانید که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله در باب شب قدر فرموده که طلب
کنید آن را در شبهای طاق عشر آخر ماه مبارک رمضان پس شما آن را در کدام یک از شبهای طاق
می‌یابید پس هر یک سخنی گفتند ابن عباس گوید که من نیز در میان ایشان بودم پس عمر بمن گفت
که چرا در این باب سخنی نمیگوئی من گفتم که من چنین دیده‌ام که حق تعالی در قرآن مجید عدد هفت را
بسیار ذکر نموده چنانچه آسمانها را هفت و زمینها را هفت و عدد شوطهای طواف را هفت
و عدد رمی جمار را هفت مقرر فرموده و از آن چیزهای که حق تعالی اینها را بعدد هفت بنا گذاشته

انسان آنکه خلقت او را بر هفت چیز قرار داده و روزی او را نیز در هفت چیز قرار داده پس عمر گفت که همه را
فهمیدم نیز از خلقت و روزی انسان که چگونه است اینها بر هفت منقسم گردیده پس گفتم که حق تعالی میفرماید
وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ
عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا
آخَرَ یعنی بدرستی که خلق کرده ایم انسان را از طعام و شراب پاکیزه که اصل آن از خلال است
پس گردانیده ایم او را نطفه که در رحم قرار گرفت پس خلق کردیم نطفه را علقه یعنی خون غلیظ منجمد
پس خلق کردیم علقه را مضغه یعنی قطعه گوشت پس خلق کردیم مضغه را استخوان پس پوشانیدیم
بر روی استخوان گوشت را پس او را گردانیدیم خلق دیگر که روح در آن دمانیدیم پس معلوم شد
که خلقت انسان در هفت حالت است و در جای دیگر میفرماید أَنَّا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا ثُمَّ شَقَقْنَا
الْأَرْضَ شَقًّا فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا وَعِنَبًا وَقَضْبًا وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا وَحَدَائِقَ غُلْبًا وَفَاكِهَةً وَأَبًّا
مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ یعنی بدرستی که فرو ریختیم ما آب را یعنی باران را فرو ریختنی پس شکافتیم
زمین را برای بیرون آمدن گیاه شکافتنی پس رویانیدیم در زمین دانه‌ها را که گندم و جو
و سایر حبوبات است و انگور و نیشکر و زیتون و درخت خرما و باغستانهای عظیم و میوه
و علف را از برای تمتع شما و چهارپایان شما پس روزی انسان نیز در هفت چیز است که آنها
حبوبات و انگور و نیشکر و زیتون و خرما و میوه و علف است پس ابن عباس گفت که می بینم
شب قدر را مگر در شب بیست و سیم که هفت شب از ماه مبارک رمضان مانده است پس عمر
بن الخطاب گفت که شما عاجز شدید از آنچه فهمیده بود از این جوانی که هنوز موهای سرش
بیرون نیامده است پس عمر گفت که رای من با رای تو مطابق است و دست بر منکب من زد
و گفت علم تو کمتر از علم قوم تو نیست دویم آنکه شیخ طبرسی رحمه الله در کتاب مذکور از عبد الله
بن عمر روایت کرده است که مردی بخدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض نمود که من در خواب
دیدم که شب قدر شبی است که بعد از آن شب هفت شب از ماه رمضان باقی مانده بود
باشد پس حضرت فرمود که خواب تو دلالت میکند بر آنکه شب قدر شب بیست و سیم بوده
باشد پس هر یک از شما که خواهد بعضی از ماه رمضان را احیا بدارد باید که شب بیست و سیم را احیا کنید

ودلالت

و دلالت این دو حدیث بر آنچه مذکور شد ظاهر و واضح است و بنا بر آنکه بعد از شب قدر هفت
در میان اعداد آحاد شب قدر شب بیست و هفتم فی الجمله در میان هفت شب آخر ظاهر میشود و جمله از بعضی
از روایات و ادعیه دلالت میکند بر آنکه آن شب شب قدر است چنانچه سابق بر این مذکور شد والله تعالی
و رسوله و عترته الکرام یعلمون حقایق الاحکام تذنیب بدانکه در بعضی احادیث بعضی آثار و علامات
برای شب قدر وارد شده است و بعضی از آنها بعد از این ان شاء الله تعالی در ضمن ذکر اعمال بیان خواهد
شد و بعضی را در این مقام مذکور میسازیم محمد بن یعقوب کلینی رضی الله عنه از محمد بن مسلم روایت
نموده است که از حضرت امام محمد باقر یا امام جعفر صادق صلوات الله علیهما سؤال نمودم از علامت
شب قدر فرمود علامت آن اینست که آن شب طیب و خوشبو است و اگر در فصل زمستان باشد گرم است
و اگر در تابستان باشد سرد و خوش هوا است و شیخ طبرسی در کتاب مجمع البیان از طریق اهل سنت
از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله روایت کرده است که فرمود که شب قدر شبی است با برکت
و عطا نه بسیار گرم است و نه بسیار سرد و طلوع میکند آفتاب در صبح آن در حالتی که گویا شعاع
ندارد و ایضا در کتاب مذکور از آن حضرت روایت کرده است که فرمود آفتاب طلوع میکند در صبح
شب قدر همچو طشتی که شعاع ندارد مطلع چهارم در بیان جواب اشکالات وارده در
در این مقام بدانکه در این مقام چند اشکال بحسب ظاهر متوجه میشود اشکال اول آنکه در آیات
سابقه و احادیث ماضیه وارد شده که قرآن مجید در شب قدر نازل شده چنانچه آیه کریمه انا انزلناه
فی لیلة القدر صریح در این معنی است با آنکه ظاهر است که آیات و سوره قرآنی بر وفق مصالح
و وقایع متفرقه نازل میشد چنانچه اکثر مفسرین گفته اند که در بیست سال تمام قرآن مجید نازل
شد و بعضی بیست و سه سال گفته اند و علما از این اشکال چند جواب گفته اند اول بعضی گفته اند
که ابتدای نزول قرآن مجید در این شب بوده است دویم بعضی گفته اند که آیات نازله در هر سال
اولا در شب قدر بر حضرت رسالت صلی الله علیه و آله نازل میشد و بعد از آن در طول سال
بر طبق وقایع و مصالح نازل میشد سیم فاضل کامل مولانا محسن کاشی کاشانی طاب ثراه در تفسیر صافی
گفته که از بعضی روایات مستفاد میشود که قرآن در هر سالی در شب قدر بر حجج حق تعالی در زمین
که رسول خدا و ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین اند نازل میشود و مراد از این آنست که در هر

سال ملائکه و روح در این شب بر امام علیه السلام نازل میشوند و اجمال آیات قرآن که
متعلق بوقایع و سوانح آن سال است برای او بیان مینمایند و مجملات آن آیات را تفصیل و متشا
بهات را تاویل و مطلقات را مقید میسازند و محکمات را از متشابهات جدا میکنند و لهذا
حق تعالی میفرماید شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَىٰ
وَالْفُرْقَانِ یعنی ماه رمضان که نازل شده است در آن قرآن یعنی در شب قدر از آن ماه حال که راه
نمائی میکند مردم را به راه راست و ظاهر و هویدا میکند هدایت و فرقان را و مراد از فرقان
آیات محکمه است که عمل بانها واجب است و در آیه دیگر میفرماید فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ
یعنی جدا میشود در شب قدر هر امر حکیمی یعنی هر آیه محکمه از آیه متشابهه و در موضع دیگر خطاب بر
رسول خدا صلی الله علیه و آله میفرماید که إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ یعنی بدرستی که بر ماست
جمع قرآن در سینه تو و اثبات قراءت آن بر زبان تو یعنی در آن متفرقه نزول آیات فَإِذَا قَرَأْنَاهُ
فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ پس هرگاه خواندیم آیات را بر تو در حین نزول آیات پس پیروی کن همه آنها را و ثُمَّ
إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ پس بدرستی که بر ماست بیان آن یعنی در هر شب قدر بر ملائکه و روح را میفرستیم
بسوی تو و اهل بیت تو بعد از تو که محکمات را از متشابهات جدا کنند و تقدیر اشیا و احکام خصوص
و وقایعی که در هر سالی واقع میشود بیان نمایند پس مراد از نزول قرآن در شب قدر اینست که اجمال
و اتمام نزول آن در شب اینست که کلام این فاضل و مراد از این حدیثی که دلالت بر تکرار نزول
قرآن در شب قدر میکند حدیثی است که از حمران بن اعین منقولست که گفت از حضرت امام محمد باقر
علیه السلام سؤال نمودم از قول حق تعالی إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ حضرت فرمود که لیله مبارکه
شب قدر است و آن در هر سال در عشر آخر ماه مبارک رمضان است و نازل نشده است قرآن مگر
در شب قدر حق تعالی میفرماید فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ یعنی تقدیر میشود در این شب هر چیز از اول
سال تا آخر سال واقع میشود از خیر و شر و طاعت و معصیت و ولادت مولود و اجال و ارزاق
مردم و این روایت اگرچه بحسب ظاهر دلالت بر این مدعا میکند لیکن صریح در این معنی نیست چنانچه
بعد از تامل در عبارت حدیث معلوم میشود والله تعالی یعلم **چهارم جد علام اکرم مولانا محمد
باقر مجلسی طاب ثراه** در بعضی از مؤلفات خود گفته که ممکن است که تمام قرآن مجید اولا بر رسول

خدا صلی الله علیه و آله نازل شده باشد و ثانیا بر طبق وقایع منجما بتدریج نازل شده باشد **پنجم بعضی
دیگر گفته اند که** در شب قدر از لوح محفوظ بر ملائکه سفره که کاتبان و ضابطان وحی اند نازل
شد و بعد از آن منجما نازل شد **ششم بعضی دیگر گفته اند که** در شب قدر به بیت المعمور نازل شد و بعد از
آن نجوما نازل شد و این معنی در بعضی از روایات بتواتر وارد شده است چنانچه کلینی رضی الله عنه از
حفص بن غیاث روایت کرده است که گفت بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض نمودم که چگونه
حق تعالی میفرماید شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ با آنکه قرآن مجید در مدت بیست سال نازل شد
حضرت فرمود که تمام قرآن مجید در ماه مبارک رمضان در بیت المعمور نازل شد و بعد از آن در مدت
بیست سال متفرق نازل شد پس حضرت فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که در شب اول
ماه مبارک رمضان صحف بر حضرت ابراهیم علیه السلام نازل شد و در ششم ماه رمضان تورات بر حضرت
موسی علیه السلام نازل شد و در چهاردهم آن انجیل بر حضرت عیسی علیه السلام نازل شد و در نوزدهم
آن زبور نازل شد و در شب بیست و سیم آن قرآن مجید نازل شد و مولانا محسن کاشانی طاب ثراه
گفته که مراد از بیت المعمور در این حدیث قلب مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله است و پوشیده نیست که
متن روایت داعی بر این معنی نیست والله تعالی یعلم **هفتم بعضی دیگر گفته اند که** در شب قدر از بیت المعمور
بسماء دنیا که فلک قمر است نازل شد و بعد از آن نجوما نازل شد و این وجه نیز در بعضی روایات وارد شده
است کما ینبغی وجهی که علما در رفع این اشکال گفته اند و ابن بابویه رضی الله عنه در کتاب من لا یحضره الفقیه
و الامالی بسند مرسل از حضرت صادق علیه السلام روایت نموده است که فرمود که عدد ماهها
نزد حق تعالی دوازده ماه است در کتاب خدا روزی که آسمانها و زمین را خلق کرد پس بهترین ماهها
ماه خداوند عالمیان است و آن ماه رمضان است و قلب ماه رمضان شب قدر است و قرآن در شب اول ماه
رمضان نازل شد و باستقبال این ماه قرآن آمد و بعد از ذکر این روایت گفته است که کامل شد نزول
قرآن در شب قدر و این کلام نهایت ابهام و اجمال دارد و مولانا محسن کاشانی رحمه الله از این وجهی
که در رفع اشکال گفته و تفصیل آن مذکور شد تنزیل نموده است و صاحب کتاب فواید مدنیه مولانا محمد امین
استرابادی قدس الله روحه الشریف گفته که چون از احادیث دیگر مفهوم میشود که قرآن در شب قدر
از لوح محفوظ بسماء دنیا و از آنجا بزمین در مدت بیست و سه سال بتدریج نازل شد لهذا صدوق رحمه الله

در مقام رفع تناقض میان احادیث این کلام را ذکر نموده‌اند و مراد او از تکامل نزول وصول بسماء دنیا است
و ظاهر این توجیه آنست که تمام قرآن مجید در شب اول ماه از لوح محفوظ فرود آمده و در شب قدر بسماء
دنیا رسیده باشد و این معنی بسیار بعید است چنانچه بر متدبر پوشیده نیست و جد علامه‌ام مولانا محمد تقی
طاب ثراه در مقام جمع میان روایات مختلفه این مطلب و تصحیح قول صدوق گفته است که در شب اول ماه از
لوح محفوظ به بیت المعمور و در شب قدر از بیت المعمور بسماء دنیا نازل شد و بعد از آن متفرقا نازل شد و این نیز
بعید است زیرا که در روایت حفص بن غیاث که مذکور شد اگرچه مذکور نیست که در شب قدر تمام قرآن به بیت المعمور
نازل شده باشد و محتمل است که در شب اول ماه نازل شده باشد ولیکن جزو اخیر روایت دلالت میکند بر آنکه
نزول به بیت المعمور در شب قدر است و ظاهر آنست که مراد صدوق رحمه الله چنانچه فاضل مبرور خلیفه سلطان
رحمه الله گفته آن باشد که ابتدای نزول قرآن مجید بسماء دنیا در شب قدر بوده است و تمام نزول قرآن بسماء
دنیا و کمال آن در شب قدر است و تحقیق این مقام بوضعی که جمیع روایات متعارضه با یکدیگر منطبق
شود چنانچه بخاطر قاصر این شکسته قاصر میرسد آنست که نزول قرآن مجید بر دو قسم متصور است اول آنکه
معانی و مضامین قرآن مجید بر قلب مطهر سید کاینات علیه و آله افضل التحیات و الصلوات القا شود
و آنحضرت را علم بجمیع آنها از راه الهام ربانی و وحی سبحانی حاصل شود دوم آنکه الفاظ و کلمات آیات
بر آنحضرت خوانده شود بنا بر این ممکن است که گوییم در شب اول ماه رمضان تمام قرآن مجید بطریق اول
بر آنحضرت نازل شد چنانچه سیاق مابعد نزل به الروح الامین علی قلبک یعنی نازل شده است
بقرآن مجید روح الامین بر قلب تو و در شب قدر بطریق دوم مجموع الفاظ قرآن مجید از لوح محفوظ
اولا به بیت المعمور و از بیت المعمور بسماء دنیا نازل شده باشد و بعد از آن تدریجا در مدت بیست سال بطریق
دوم نازل شده باشد بلکه ممکن است که در شب قدر از سماء دنیا بطریق دوم بر آنحضرت
نازل شده باشد و بعد از آن متفرقه نیز نازل شده باشد پس مراد از نزول در آیه کریمه نزل به
الروح الامین علی قلبک نزول بمعنی اول است و در آیه انا انزلناه فی لیلة مبارکة و انا انزلناه فی لیلة
القدر نزول بمعنی دوم است و در آیه شهر رمضان الذی انزل فیه القرآن اگرچه هر دو محتمل است ولیکن حدیث
حفص بن غیاث دلالت بر معنی ثانی میکند و سر در این باب ممکن است این باشد که چون تمام ماه مبارک
رمضان با برکت و فضیلت و محل عبادت است لهذا در شب اول ماه رمضان از سال بعثت معانی و مضامین

قرآن

قرآن مجید بر آنحضرت الهام و القا شد که از اول آن ماه تا آخر آن معرفت آنجناب و علم او بما کان
و یکون الی یوم القیمة کامل و تمام شد و در شب قدر که اشرف اوقات آن ماه است تمام قرآن بطریق
ثانی با ملک بزرگی که از بیت المعمور که معبد ملائکه مقربان است و سماء دنیا که محل نجوم و کواکب
شریفه است نازل شده باشد و اکثر تا ثالث آن شب بر بعضی فرود آمده باشد ممکن است که در مسجد
الحرام که اشرف بقاع روی زمین است بر رسول خدا صلی الله علیه و آله فرود آمده باشد و محتمل است
که گوییم بنا بر آنچه از مرتبه قرآن مجید نازل شده و حکایت نزول آنهم در چهار موضع از قرآن مذکور است
و ممکن است که هر آیه اشاره بنزول بطریقی از آن در شب اول ماه باشد و آیه شهر رمضان الذی انزل فیه
القرآن اشاره بنزول به بیت المعمور و آیه فیها یفرق کل امر حکیم و آیه انا انزلناه فی لیلة القدر اشاره
به نزول دیگر باشد والله تعالی اعلم بحقایق الامور اشکال دیگر آنکه وظیفه اول شب قدر چنانچه
در معراج دوم مذکور است آنست که عبادت در آن بهتر است از هزار ماه چنانچه منصوص است آنکه
لیلة القدر خیر من الف شهر و هزار ماه هشتاد و سه سال و چهار ماه است و در هر سالی یک شب
قدر است و این معنی مستلزم تفضیل شب قدر است بر هشتاد و سه سال شب قدر و علما در مقام
جواب این اشکال دو مسلک اختیار نموده‌اند مسلک اول مسلک شیخ طبرسی رضی الله عنه در
کتاب مجمع البیان که بطریق اهل سنت از ابن عباس روایت نموده که روزی در خدمت رسول خدا صلی الله
علیه و آله مذکور شد که شخصی از بنی اسرائیل در مدت هزار ماه شمشیر بر دوش خود گرفته در راه خدا
جهاد نموده آنحضرت تعجب عظیم نمود و آرزو کرد که کاش این سعادت در امت آنحضرت نیز میبود
پس در مقام مناجات فرمود که بارخدایا عمرهای امت مرا از سایر امتها کوتاه تر و عملهای ایشان را
باین سبب کمتر گردانیده پس حق تعالی شب قدر را باو کرامت فرمود و فرمود که شب قدر بهتر است از هزار
ماه که آن اسرائیلی سلاح بر دوش گرفته در راه خدا جهاد کرده است و این شب را برای تو و امت
تو مقرر فرموده‌ام در هر ماه رمضان تا روز قیامت و خلاصه جواب بنا بر این راجع میشود بآنکه مراد
از هزار ماه خصوص هزار ماه زمان جهاد اسرائیلی است که شب قدر در آن نبوده بلکه شب قدر در زمان
رسالت پیغمبر آخر الزمان صلی الله علیه و آله بهم رسید و مستمر خواهد بود تا آخر الزمان دنیا
مسلک دوم مسلک جمعی از علما گفته‌اند که مراد از هزار ماه مدت پادشاهی خلفای بنی امیه

لعنهم الله تعالی است و این معنی در روایات بسیار وارد شده آنچنانچه در حدیث صحیح است صحیفهٔ کامله
سجادیه صلوات الله علی من الهمها مذکور است و ایضا کلینی رضی الله عنه از حضرت صادق علیه السلام
روایت کرده که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله در خواب دید که بنی امیه لعنهم الله تعالی بعد از آنحضرت
بر منبر آنحضرت بالا رفته اند و مردم را از راه راست بقهقری میگردانند و آنحضرت صبح کرد با حزن
و اندوه پس جبرئیل علیه السلام فرود آمد و عرض نمود که یا رسول الله چه میشود که ترا اندوهناک
و حزین می بینم حضرت فرمود که ای جبرئیل در خواب دیدم دیشب که بنی امیه لعنهم الله بعد از من
بر منبر من بالا رفته اند و مردم را از راه راست بقهقری بر میگردانند جبرئیل عرض نمود که سوگند باد
خدائی که ترا بحق مبعوث به نبوت نموده است که من بر این مطلع نگردیده ام و باسمان عروج نموده
زمانی بگذشت که فرود آمد این آیه را آورد که آنحضرت را از اندوه و غم برهاند افرأیت ان متعناهم
سنین ثم جاءهم ما کانوا یوعدون ما اغنی عنهم ما کانوا یمتعون یعنی گردیدی که ما بهره ور
گردانیدیم بنی امیه را در چند سالی پس در خواهد یافت ایشان را آن چیزها که با ایشان وعده شده
یعنی در آخرت از عذابهای الیم و سوره انا انزلناه را نیز آورد پس حضرت صادق ع فرمود که حق تعالی شب
قدر را از برای پیغمبرش بهتر گردانید از هزار ماه ملک بنی امیه لعنهم الله و علی بن ابراهیم قمی رضی الله
عنه در تفسیر خود بچندان روایت کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله در خواب دید که میمونهای
بسیار بر منبر آنحضرت بالا میروند و این سبب غمگینی شد پس حق تعالی برای تسلی آنحضرت سوره انا انزلناه
را فرستاد و شب قدر را بآنحضرت عطا فرمود و شب قدر بهتر است از هزار ماه پادشاهی بنی امیه
لعنهم الله که در آن مدت شب قدر نباشد و آنچه از طریق اهل سنت قاضی میر حسین میبدی در شرح
دیوان از ترمذی روایت نموده است که امام حسن علیه السلام چون با معویه ملعون مصالحه فرمود
شخصی بر خاست و گفت روهای مؤمنین را سیاه کردی پس حضرت فرمود که رسول خدا صلی الله علیه
و آله در خواب دید که بنی امیه بر منبر او بر آمدند و آنحضرت اندوهناک گردید پس این آیه نازل شد
انا اعطیناک الکوثر یعنی عطا کردیم ما بتو کوثر را و کوثر نهری است در بهشت و سوره انا انزلناه
فی لیلة القدر نیز نازل شد و مراد از هزار ماه پادشاهی بنی امیه لعنهم الله است و بغیر این احادیث
از طریق خاصه و عامه روایات دیگر نیز در این باب وارد شده است و بنا بر این مسلک جواب این

شبهه را

شبهه را بجهت این وجه تقریر میتوان نمود اول آنکه ممکن است که حق تعالی بسبب ظلم و طغیان ملاعین
بنی امیه لعنهم الله بجهت ایشان غضب فرموده فضیلت شب قدر را در مدت پادشاهی ایشان از همه کس
سلب فرموده باشد بغیر ائمه علیهم السلام پس مراد این است این شب قبل از پادشاهی ایشان است
و بعد از پادشاهی ایشان بهتر است از عبادت هزار ماه ملک ایشان و این وجه خالی از بعدی نیست وجه دوم
محتمل است که شب قدر در آن مدت از شیعیان نیز سلب نشده باشد بلکه از فراعنه و اتباع ایشان
به تنهائی مسلوب شده باشد بنا بر این مراد این است که اگر بالفرض عبادتهای ایشان صحیح باشد
بآن عبادت یک شب قدر که احدی از شیعیان بعمل آورد بهتر است از عبادت هزار ماه مدت ملک آن
ملاعین اگر عبادت میکردند صحیح میبود این اظهر وجوه است وجه سیم ممکن است مراد این باشد که ثواب
عبادت شب قدر بهتر است از پادشاهی بنی امیه در مدت هزار ماه و اگر کسی گوید که این معنی چندان
خوبی ندارد بلکه همه عبادات هر چند بسیار قلیل باشد بهتر است از پادشاهی بنی امیه لعنهم الله
بلکه پادشاهی تمام روی زمین در همه اوقات دنیا است چه ثواب عمل در آخرت امری است دائمی و پادشاهی
دنیا هر چند زمان آن بسیار طویل باشد منقطع است و امر قلیل دائم بهتر از کثیر منقطع است
جواب گوئیم که مراد این است که امتیاز ثواب عبادت شب قدر در میان مثوبات اخروی زیاده از
امتیاز پادشاهی بنی امیه لعنهم الله است در میان پادشاهیها و سلطنتهای دنیا و این وجه اگرچه بلفظ
آیه کریمه نهایت موافقت دارد لیکن با احادیث سابقه مخالف است چنانچه بعد از تامل ظاهر
میشود والله تعالی یعلم اشکال سیم آنکه تعیین شب قدر چنانچه سابق بر این معلوم شد آنست که
ملائکه و روح در این شب بخدمت امام زمان علیه السلام نازل میشوند و تقدیرات سال را بخدمت
او عرض مینمایند چنانچه میفرماید تنزل الملائکة والروح فیها باذن ربهم من کل امر و در اخبار
بسیار و احادیث بیشمار وارد شده که رسول خدا و ائمه هدی علیه و علیهم التحیة والثناء در همه
اوقات امامت و خلافت بما کان و ما یکون الی یوم القیمة عالم بوده اند و با وجود علم ایشان
بوقایع و تقدیرات نزول ملائکه و روح بنا بر چه و خالی از غموض است و جد علامه مولانا محمد
باقر مجلسی طاب ثراه در بعضی از مؤلفات خود چند جواب از این اشکال گفته است اول آنکه ممکن است
که علم ایشان بوقایع و تقدیرات بنحوی که باشد که در لوح محو و اثبات ثبت شده و احتمال بداء در آنها

میرسند و آنچه در شب قدر بایشان عرض میشود مطابق لوح محفوظ است و بدا در آن راه ندارد و این
و این وجه مخالف است با آنچه سابق بر این مذکور شد که بعد از تقدیر شب قدر بعض تغییر محتمل است
هر چند معتبر باشد **دویم** محتمل است که علم ایشان بما کان و ما یکون بطریق اجمال باشد و در شب قدر
وقایع و تقدیرات سال را بعنوان تفصیل بایشان عرض نمایند و اگر کسی گوید که بنابر این لازم می
آید که تفاصیل وقایع سالهای بعد از آن سال را نتوانند اخبار نمود جواب گوییم که نزول ملائکه در
این شب و اخبار ایشان یکی از طرق علم آن بزرگوارانست و بغیر این طریق طرق دیگر برای علم آن بزرگوار
ایشان بسیار است مثل الهام و رؤیا و دیدن مصحف فاطمه و کتاب علی صلوات الله علیهما و غیر
اینها که از احادیث و اخبار ظاهر میشود و تفصیل اینها در کتاب حدائق المقربین تالیف و تحریر والد
علامه ام ادام الله ظلاله الی یوم القیام مذکور است بلکه بسیار از وقایع از منه لاحقه را که
ایشان خبر میداده اند یکی از این طرق علم بایشان بهم میرسانیده **سیم احتمال دارد که در علم**
ایشان اصلا زیاده و نقصانی واقع نشود ولیکن ایشان در اظهار و اخبار اینها ماذون نباشند
و چون در این شب بان امور علوم شانکه بر ایشان عرض شود در اظهار و اخبار رخصت یابند و این
و این وجه بعینه منافی بار خبار بسیار است که ایشان بوقایع از منه بعیده اخبار نموده اند ٥
چهارم ممکن است که غرض از نزول ملائکه تعلیم و رخصت نباشد بلکه برای تعظیم و تکریم امام عصر
نازل شوند و برای آنکه بخدمت آن بزرگواران مشرف شوند و اقتباس از انوار ایشان نمایند
و عقد ولایت و امامت و مودت ایشان را تجدید نمایند و این معنی اگرچه خوب احتمال است و روایت
بسیار دلالت بر آن میکند ولیکن اظهر در جواب اشکال وجه ثالث است و الله تعالی یعلم **جواب اشکال**
آنکه بسبب اختلاف اقالیم و بلدان هلال ماه مختلف میشود و باین سبب شب قدر مختلف میشود
و در این صورت خواص و وظایف شب قدر باقی است بهر دو شب است یا یکی و جواب این اشکال
آنست که وظیفه اولی شب قدر که فضیلت عبادت است در هر بلدی تابع شب قدر آن بلد است و در
افقی و ناحیه آن فضیلت برای شب قدر آن ناحیه میباشد و اما وظیفه ثانی که نزول ملائکه
و روح است محتمل است که در شب قدر بلد امام علیه السلام باشد یا آنکه امام زمان در شب قدر هر
بلدی در آن بلد حاضر شود و تقدیرات آن بلد را بخدمت او عرض نمایند یا وجوه آنکه در لیلة
کند

خود باشد در شب قدر هر بلدی احکام آن بلد را باو عرض نمایند والله تعالی یعلم حقایق الاحکام
و رسوله و خلفاؤه صلی الله علیه و علیهم السلام **باب هشتم در بیان ادعیه و آداب ماه مبارک رمضان**
و انها چنانچه از تتبع روایات ظاهر میشود چند امر است **اول استکبار طلوع هلال** در کتاب
اقبال از محمد بن حنفیه رضی الله عنه روایت کرده است که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود
که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله چون هلال ماه مبارک رمضان را میدید رو بقبله مبارک خود را
بقبله میکرد **و این دعا را میخواند** اللّهمّ اهلّه علینا بالامن والایمان والسّلامة والاسلام
والعافیة المجلّلة ودفاع الاسقام والعون علی الصّلوة والصّیام والقیام وتلاوة القرآن
اللّهمّ سلّمنا لشهر رمضان وتسلّمه منّا وسلّمنا فیه حتّی ینقضی عنّا شهر رمضان وقد
عفوت عنّا وغفرت لنا ورحمتنا **مؤلف گوید که** کلینی رضی الله عنه در کتاب کافی و شیخ
طوسی طاب ثراه در تهذیب سند خود از حضرت امام محمد باقر علیه السلام و ابن بابویه در کتاب
من لا یحضره الفقیه مرسلا از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده اند که رسول خدا صلی الله
علیه و آله چون هلال ماه مبارک رمضان را میدید روی مبارک خود را بجانب قبله میکرد و
دستهای را بلند میکرد **و این دعا میخواند** اللّهمّ اهلّه علینا بالامن والایمان والسّلامة
والاسلام والعافیة المجلّلة والرّزق الواسع ودفع الاسقام اللّهمّ ارزقنا صیامه وقیامه
وتلاوة القرآن فیه اللّهمّ سلّمه لنا وتسلّمه منّا وسلّمنا فیه و کلینی و شیخ طوسی طاب ثراهما
از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
هرگاه هلال ماه رمضان را میدید رو بقبله میکرد و این دعا را میخواند و همین دعا را نقل نموده اند
ولیکن در این روایت کلمه والرّزق الواسع ودفع الاسقام موجود نیست و ابن بابویه در
موضع دیگر از کتاب من لا یحضره و در کتاب امالی و ثواب الاعمال از حضرت امام محمد باقر علیه
السلام روایت کرده است که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله چون هلال ماه رمضان را میدید
رو بمبارک خود بجانب قبله میکرد **و این دعا میخواند** اللّهمّ اهلّه علینا بالامن والایمان و
السّلامة والاسلام والعافیة المجلّلة والرّزق الواسع ودفع الاسقام وتلاوة القرآن
والعون علی الصّلوة والصّیام اللّهمّ سلّمنا لشهر رمضان وسلّمه لنا وتسلّمه منّا حتّی

بنقضی شهر رمضان وقد غفرت لنا و ظاهر انست که دعا در بعضی روایات متعدد است و اختلاف کلمات
و زیاده و نقصان فقرات از عدم ضبط نساخ یا روات ناشی شده است و اکثر جمع میان همه نموده اند
باشند و الله تعالی یعلم دویم ایضا در کتاب اقبال از حضرت صادق علیه السلام روایت نموده است
رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگاه هلال را میدید این دعا را میخواند الحمد لله الذی خلقنی
وخلقك وقدرك وجعلك مواقيت للناس اللهم اهله علينا اهلالا مباركا مؤلف گوید که
در این روایت خصوص ماه رمضان مذکور نیست و ظاهر انست که در دیدن هلال هر ماهی این دعا
توان خواند والله تعالی یعلم سیم ایضا در کتاب مذکور از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
روایت کرده است که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه در وقتی که اعتکاف میکرد هرگاه از
خانه بیرون می آمد برای دیدن هلال ماه مبارک رمضان مردم با آنحضرت می آمدند و چون هلال
را میدید این دعا را میخواند اللهم اهله علينا بالامن والايمان والسلامة والاسلام
وصحة من السقم وفراغ لطاعتك من الشغل واكفنا بالقليل من النوم يا رحيم چهارم
ایضا سید در کتاب مذکور از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت کرده است که هرگاه
هلال را ببینی از جای خود حرکت مکن و این دعا را بخوان اللهم اني اسئلك خير هذا الشهر وفتحه
ونوره ونصره وبركته وطهوره ورزقه اللهم اسئلك خير ما فيه وخير ما بعده واعوذ
بك من شر ما فيه وشر ما بعده اللهم ادخله علينا بالامن والايمان والسلامة والاسلام
والبركة والتقوى والتوفيق لما تحب وترضى مؤلف گوید که کلینی و شیخ طوسی قدس الله روحهما
در کافی و تهذیب نیز این روایت را در باب ادعیه هلال ماه رمضان نقل نموده اند و در روایت
خصوص ماه رمضان مذکور نیست بنا بر این در وقت دیدن هلال هر ماهی این دعا را میتوان خواند
والله تعالی یعلم پنجم ابن بابویه رحمه الله در کتاب من لا یحضره الفقیه در باب ادعیه هلال
ماه رمضان ذکر نموده که دعای حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه در وقت دیدن هلال این
دعا است ايها الخلق المطيع الدائب السريع المتردد في فلك التدبير المتصرف في منازل
التقدير امنت بمن نور بك الظلم واضاء بك البهم وجعلك آية من آيات سلطانه
وامتحنك بالزيادة والنقصان والطلوع والافول والانارة والكسوف في كل ذلك
انت

انت له مطيع والى ارادته سريع سبحانه ما احسن ما دبر واتقن ما صنع في ملكه وجعلك
الله هلال شهر حادث لامر حادث جعلك الله هلال امن وايمان وسلامة واسلام هلال
امن من العاهات وسلامة من السيئات اللهم اجعلنا اهدى من طلع عليه وازكى من نظر
اليه وصل على محمد وآله وافعل بي كذا وكذا يا ارحم الراحمين و بجای افعل بی کذا و کذا حاجات خود را
طلب میکند ششم سید ابن طاوس رحمه الله در کتاب اقبال از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه روایت
کرده است که آنحضرت از پدران بزرگوار خود تا حضرت امام حسن علیهم السلام روایت فرموده که حضرت سید الساجدین
صلوات الله علیه روزی با براهیم بن طلحه نظر کرد بهلال ماه مبارک رمضان افتاد پس ایستاد
و این دعا را خواند ايها الخلق المطيع الدائب السريع المتردد في فلك التقدير المتصرف في منازل
التدبير امنت بمن نور بك الظلم واوضح بك البهم وجعلك آية من آيات ملكه وعلامة
من علامات سلطانه فحد بك الزمان وامتهنك بالكمال والنقصان والطلوع والافول
والانارة والكسوف في كل ذلك انت له مطيع والى ارادته سريع سبحانه ما اعجب ما دبر
ما اظهر من امرك والطف ما صنع في شانك جعلك مفتاح شهر حادث لامر حادث جعلك
الله هلال بركة لا تمحقها الايام وطهارة لا تدنسها الآثام هلال امن من الآفات وسلامة
من السيئات هلال سعد لا نحس فيه ويمن لا نكد فيه ويسر لا يمازجه عسر وخير لا يشوبه
شر هلال امن وايمان ونعمة واحسان اللهم صل على محمد وآل محمد واجعلنا من ارضى من طلع
عليه وازكى من نظر اليه واسعد من تعبد لك فيه ووفقنا اللهم فيه للطاعة والتوبة
واعصمنا من الآثام واوزعنا فيه شكر النعمة والبسنا فيه جنن العافية واتمم
علينا باستكمال طاعتك فيه المنة فاكمل توفيقنا لاداء فرائضك باسبغ النعم الكريمة
واخصصنا باعظم المنة الجسيمة فانك انت المنان الحميد ولا حول ولا قوة الا بالله
العلي العظيم وصلى الله على محمد خاتم النبيين وآله اجمعين انك المنان الحميد وصلى الله
على محمد وآله الطيبين واجعل لنا فيه عونا مما ندبتنا اليه من مفترض طاعتك وتقبلها
انك الاكرم من كل كريم وارحم من كل رحيم امين رب العالمين مؤلف گوید که ظاهر انست
که این دعا و دعای سابق یا دعای هلال صحیفه کامله متحد باشند و اختلاف بعضی از کلمات و

وزیاده ونقصان بعضی آن حضرت از عدم ضبط ناسخ یا رواة ناشی باشد بنابر این از ادعیه مطلقه است
ودر وقت دیدن هلال هر ماه میتوان خواند وبر این که عنوان این دعا در صحیفه کامله مطلق است ومقید
بماه رمضان نیست وهم چنین روایت من لا یحضره اگر چه از عنوان باب آن ظاهر میشود که این دعا مانند
سایر ادعیه مخصوص هلال ماه رمضان باشد لیکن کلام صدوق در مقام ذکر دعا مطلق است ومقید
بماه رمضان نیست وروایت سید اگرچه مشتمل است بر آنکه حضرت سید الساجدین علیه السلام چون
هلال ماه رمضان را دیدند این دعا را خواندند ولیکن این منافات ندارد با آنکه این دعا را در هلال ماههای
دیگر نیز توان خواند وعلی ای تقدیر اگر این دعا را در هلال هر ماهی بعد از سه طریق خوانده شود بهتر است
مؤلف کلینی رحمه الله منه بسند خود از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت نموده که هر گاه هلال
ماه مبارک رمضان طالع میشد این دعا را میخواند اللهم ادخله علینا بالسلامة والاسلام والیقین
والایمان والبر والتوفیق لما تحب وترضی مؤلف سید ابن طاوس ره در کتاب اقبال از کتاب ابن بابویه ره
در کتاب من لا یحضره الفقیه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که هر گاه هلال ماه رمضان را ببینی اشاره
بآن مکن ورو بقبله کن ودستهای خود را بجانب حق تعالی بلند کن وبا هلال خطاب کن وبگو ربی وربک
الله رب العالمین اللهم اهله علینا بالامن والایمان والسلامة والمسارعة الی ما تحب وترضی
اللهم بارک لنا فی شهرنا هذا وارزقنا خیره وعونه واصرف عنا ضره وشره وبلاءه وفتنته
مؤلف گوید که سید در این مقام اشتباه در نقل نموده است زیرا که این دعا در کتاب من لا یحضره از حضرت
صادق علیه السلام منقول نیست بلکه در رساله والد شیخ علی بن بابویه رضی الله دیده شد چنانچه از ملاحظه
کتاب مذکور ظاهر میشود ونیز ایضا در کتاب مذکور از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه روایت
نموده که هر گاه هلال ماه رمضان را ببینی بگو اللهم قد حضر شهر رمضان وقد افترضت علینا
صیامه وقیامه فاعنا علی صیامه وقیامه وتقبله منا وسلمنا منه وسلمه لنا فی یسر منک
ومعافاة انک علی کل شیء قدیر یا ارحم الراحمین ونیز ایضا سید طاب ثراه در کتاب مذکور ذکر
نموده که این دعا را در کتابی کهنه از کتب اصول شیعه یافتم که میخوانی ربی وربک الله رب العالمین اللهم
صل علی محمد وآل محمد واهله علینا وعلی اهل بیوتنا واشیاعنا بامن وایمان وسلامة واسلام
وبر وتقوی وعافیة مجللة ورزق واسع حسن وفراغ من الشغل واکفنا بالقلیل من النوم

والمسارعة

والمسارعة فیما تحب وترضی وثبتنا علیه اللهم بارک لنا فی شهرنا هذا وارزقنا برکته
وخیره وعونه وغنمه ونوره ویمنه ورحمته ومغفرته واصرف عنا شره وضره وبلاءه وفتنته
اللهم ما قسمت فیه من رزق او خیر او عافیة او فضل او مغفرة او رحمة فاجعل نصیبنا فیه الاکبر
وحظنا فیه الاوفر مؤلف گوید که از عبارت سید ظاهر میشود که این دعا مخصوص هلال ماه رمضان
باشد لیکن از الفاظ دعا ظاهر میشود که مخصوص ماه رمضان نیست ونیز ایضا سید در کتاب مذکور ذکر
نموده که در کتاب کهنه که مشتمل بر دعوات بسیار منقوله از طرق شیعه بود وگویا آن کتاب از کتب اصول
شیعه است دیدم که هر گاه ماه را ببینی این دعا را بخوان الله اکبر الله اکبر الله اکبر ربی وربک
الله لا اله الا هو رب العالمین الحمد لله الذی خلقنی وخلقک وقدرک منازل وجعلک آیة
للعالمین یباهی الله بک الملائکة اللهم اهله علینا بالامن والایمان والسلامة والاسلام و
الغبطة والسرور والبهجة والحبور وثبتنا علی طاعتک والمسارعة فیما یرضیک اللهم
بارک لنا فی شهرنا وارزقنا خیره وبرکته ویمنه وعونه وقوته واصرف عنا شره وبلاءه
وفتنته برحمتک یا ارحم الراحمین مؤلف گوید که در این مقام نیز از عنوان دعا ظاهر میشود که مخصوص
ماه مبارک رمضان باشد وظاهر آنست که در هر ماهی این دعا را توان خواند ونیز ایضا سید طاب
ثراه در کتاب مذکور ذکر نموده که بعنوان این دعا را که یافتم اثر در نسخه کهنه که بعضی میگفتند که بخط
سید مرتضی رضی الله عنه اللهم انی اسئلک یا مبدئ البدایا ویا خالق الارض والسماء ویا اله
من بقی واله من مضی ویا من رفع السماء وسطح الارض الهی اسئلک بانک تبعث ارواح
اهل البلی بقدرتک وامرک وسلطانک علی عبادک وامانتک الاذلاء الهی اسئلک بانک
تبعث الموتی وتمیت الاحیاء وانت رب الشعری ومناة الثالثة الاخری ان تصلی علی محمد وعلی
اهل بیت محمد عدد الحصی والثری وصل علی محمد وعلی اهل بیت محمد صلوة تکون لک رضی وارزقنی
فی هذا الشهر التقی والنهی والصبر علی البلاء والعون عند القضاء واجعلنی الهی من اهل العافیة
والمعافاة وهب لی یقین اهل التقی واعمال اهل النهی وصبر اهل البلوی فانک تعلم یا الهی
ضعفی عند البلاء وقلة صبری فی الشدة والرخاء لا تبتلنی ببلاء وارحم ضعفی
واکشف کربی وفرج همی وارحمنی رحمة تطفئ بها سخطک عنی واعف عنی وجد علی بعفوک

وجودك لبعثى واستجب لي في شهرك المبارك الذي عظمت حرمته وبركته واجعلني الهي ممن
امن واتقى في الدين والدنيا والآخرة مع آوالي وآولي ولا تلحقني بمن عصى من اهل الجحود في امر
الدنيا واجعلني الهي مع محمد واهل بيت محمد عليه وعليهم السلام في كل عافية وبلاء وكل شدة ورخاء
واحشرني معهم لا مع غيرهم في الدين والدنيا الآن وفي الآخرة غدا يوم يحشر الناس حتى وكجعل
الآخرة خيرا لي من الاولى واسرع حتى بيني لهم عذاب الآخرة وخزي الدنيا وحقرها وسكنتها
ومعاينها يا رباه يا رباه يا رباه يا من لا اله ياولي نعماه امين امين اختم لي ذلك على ما اقول
يا رباه بحق صلوات بيغمبر رسول خدا وآل او صلوات الله عليه وعليهم اجمعين وحاجات خود را سؤال
كن كه برآورده ميشود ان شاء الله تعالى مؤلف گويد كه از عنوان اين دعا اين ظاهر نميشود كه مخصوص ماه رمضان
باشد ليكن از بعضي فقرات آن اختصاص بماه مبارك رمضان ظاهر ميشود سيزدهم ابن ابي عقيل رحمه الله عليه
كه از قدماي علماي شيعه رضوان الله عليهم است گفته كه واجبست در وقت ديدن هلال ماه رمضان
خواندن اين دعا الحمد لله الذي خلقني وخلقك وقدر منازلك وجعلك مواقيت للناس اللهم
اهله علينا اهلالا مباركا اللهم ادخله علينا بالسلامة والاسلام واليقين والايمان والبر
والتقوى والتوفيق لما تحب وترضى مؤلف گويد كه سيد جليل نبيل امير محمد باقر داماد قدس الله
روحه در بعضي از مؤلفاتش اين دعا را از ابن ابي عقيل نقل نموده وگفته كه بوجوب آن قائل شده است
الحمد لله الذي خلقني وخلقك وقدر منازلك اللهم سلمه لنا وسلمنا فيه وتسلمه منا
الله اكبر الله اكبر الله اكبر ربي وربك الله الحمد لله الذي ذهب بشهر شعبان
وجاء بشهر رمضان اللهم ارزقنا صيامه وقيامه وتلاوة القرآن فيه برحمتك يا ارحم
الراحمين وظاهرا سيد اشتباه در نقل نموده است زيرا كه اكثر علما اين قول را از ابن ابي عقيل نقل
نموده اند دعاي اول ذكر نموده اند وبا آنكه ابن ابي عقيل در اين قول منفرد است وشيخ بهاء الدين
محمد عاملي رحمه الله در بعضي از مؤلفاتش گفته است كه ظاهرا ابن ابي عقيل حديثي ديده كه امر بخواندن
اين دعا در آن شده وامر را بوجوب حمل نموده است وبعضي از علما وجوب را در كلام او بر تأكيد استحباب
حمل نموده اند چهارم سيد جليل امير محمد باقر داماد رفع الله درجته در بعضي از مؤلفاتش
گفته كه هلال ماه رمضان را سنت است اهل وعيال خود بايد ديد مؤلف گويد كه اين معنى در روايتي وحكى
بنظر نرسيد

بنظر نرسيد والله تعالى اعلم باب نهم در بيان آداب واعمال كه در هلال وفات اين ماه ميتوان خواند
وبجا آورد واختصاص به شب يا روز مخصوصي ندارد بدانكه بعضي از روايات آداب واعمال مانند
تصدق كردن وغير آن در اين ماه ثواب عظيم دارد وروايات داله بر آن در ابواب سابقه مذكور شد
وبقيه اعمال مذكوره چنانچه از تتبع احاديث وروايات ظاهر ميشود چند چيز است اول تلاوت
قرآن مجيد بدانكه قرآن مجيد حبل المتين رحمت يزدان وعروة الوثقى فيض واحسان خداوند عالميان
است كه گمگشتگان بوادي ضلالت وتابهان في غوايت بدلالت رهنمائي تلاوت وتدبر وخوض
در آيات آن بطريق قويم دين داري ووصول مستقيم الطاعت وفرمان برداري ميرسند ولهذا حضرت
مقدس خاتم الانبياء عليه وآله التحية والثناء آن را با عترت طاهره ثاني اثنين اهل بيت اطهار
خود گردانيده چنانچه در فقهاء كرام ما از اصدقا اين در اخبار نموده كه اني تارك فيكم الثقلين كتاب
الله وعترتي اهل بيتي لن يفترقا حتى يردا علي الحوض يعني بدرستيكه من ميگذارم در ميان شما دو
چيز بزرگ عظيم كه آن كتاب خدا وعترت من كه اهل بيت من اند واز يكديگر جدا نميشوند تا به پيش من
آيند در نزد حوض كوثر واز انجا كه خوان انعام بر روي خواص وعوام گسترده در حديث هدايت
موارد نبوي على قائله وآله الصلوة والسلام وارد شده است كه القرآن مائدة الله يعني قرآن
مجيد مائده خداوند حميد است كه هر يك از بندگان از اين سفره بي پايان در خور استعداد وقدر
قابليت مواد بهره ميبرند چون جمعي بتلاوت فقرات وبعضي بتفكر در آيات وبرخي باستنباط علوم
واحكام وحزبي بعبرت گرفتن از احوال امم ماضيه هلاكت انجام وچون براي تلاوت قرآن در
اخبار مرويه مثوبات جزيله وآداب جميله وارد شده لاجرم مطالب اينجا در ضمن سه سوره
بيان ميشود سوره اولى در بيان ثواب تلاوت قرآن عموما شيخ بزرگوار عالي مقدار ابو علي طبرسي رضي الله
عنه در كتاب مجمع البيان از رسول خدا صلى الله عليه وآله روايت كرده است كه فرمود هر كه قرائت
قرآن نمايد گويا كه نبوت در ميان جنبين او جا گرفته است ليكن وحي باو نميشود [ابن بابويه؟]
وكليني رضي الله عنه بسند خود از رسول خدا صلى الله عليه وآله روايت نموده است كه [اشراف؟]
فرموده كه مشغول كنيد خانهاي خود را بتلاوت قرآن ومباشيد مانند يهودي ونصارا كه همه
عبادات را در بيع وكنايس ميكنند وخانهاي خود را معطل ميگذارند بدرستيكه خانه هر گاه

تلاوت قرآن در آن بسیار شود خیر آن بسیار میشود و اهل آن خانه را بسیار وافر نعمت و زندگانی میکنند
و آن خانه در نظر اهل آسمان میدرخشد چنانچه ستارهای آسمان برای اهل زمین میدرخشند وایضا
از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که خانه که مرد مسلمانی در آن تلاوت قرآن
کند اهل آسمان آن خانه را بیکدیگر نشان میدهند چنانچه اهل زمین ستارهای درخشنده را
بیکدیگر نشان میدهند وایضا از آن حضرت روایت کرده است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود
که خانه که قرآن در آن خانه خوانده شود و ذکر حق تعالی در آن شود برکت آن بسیار میشود و ملائکه
حاضر میشوند در آن و شیاطین بیرون میروند از آن وایضا از آن حضرت روایت نموده است
که فرمود که پدرم حضرت امام محمد باقر علیه السلام کثیر الذکر بود جمع میکرد ما همگی را و امر بذکر
میفرمود تا طلوع آفتاب و هر یک از ما که قرآن میتوانست خواند او را امر بخواندن قرآن میفرمود
و هر کدام که قرآن نمیتوانست خواند او را امر بذکر میفرمود و میگفت که خانه که قرآن در آن خوانده
میشود و ذکر حق تعالی بسیار میشود برکت آن خانه زیاد میشود و ملائکه در آن خانه حاضر میشوند
و شیاطین از آن بیرون میروند و شیخ جلیل نبیل احمد بن فهد حلی قدس الله روحه در کتاب عدة الداعی
از حضرت امام رضا صلوات الله علیه روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود
که بگذارید برای خانهای خود نصیبی از قرآن بدرستی که هر خانه که قرآن در آن خوانده شود اهل
آن خانه غنی شوند و خیر آن خانه بسیار شود و [illegible] باشد و خانه که در آن
قرآن خوانده نشود تنگ گردد بر اهل آن و خیر آن کم شود و [illegible] باشد و شیخ
کشی از کتاب رجال از ابی حمزه روایت کرده است که گفت من در خانه حسن بن حسین سکنی نموده
بودم و چون او دانست که من از موالیان و محبان حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق
علیهما السلام هستم مرا از خانه خود بیرون کرد پس به حضرت صادق علیه السلام عرض نمودم فرمود
که ای ابی حمزه من رسیده آگاه این مرد ترا از خانه خود بیرون کرده عرض کردم که بلی فرمود که
من رسیده که اگر تو در آن خانه تلاوت کتاب خدا بسیار مینمودی و هر خانه که در آن کتاب خدا تلاوت
کرده شود برای آن نوری هست که درخشنده باشد در آسمان و در میان خانها معروفست و کلینی
رضی الله عنه بسند خود از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت رسالت پناه
صلی

صلی الله علیه و آله فرمود که اهل قرآن در اعلای درجات بهشت اند بعد از پیغمبران پس سبک مشمارید
حقوق ایشان را که از برای ایشان نزد حق تعالی منزلت است وایضا از آن حضرت روایت نموده است
که فرمود قرآن را یاد گیرید بدرستیکه قرآن در روز قیامت بصورت جوان خوش روئی می آید
بنزد حامل خود و میگوید که منم قرآنی که بیخواب میکردم شبهای ترا در گرمی و روزها خود را به
تشنگی میداشتی و بسبب کثرت تلاوت من آب دهانت خشک میشد و آب دیدهات جاری میشد امروز
من با توام هرجا که میروی و هرکه تجارتی کرده امروز از پی تجارت خود میرود و من بعوض همه تاجران
برای تو و نزد حق کرامت پروردگار عالمیان میرسد پس خوشحال باش پس تاجی بیاورند و بر سر او بگذارند
و نامه امان از عذاب را بدست راستش میدهند و نامه مخلد بودن در بهشت را بدست چپش میدهند
و دو حله باو میپوشانند و میگویند که قرآن بخوان و بالا برو پس هر آیه که میخواند بدرجه بالا میرود
و به پدر و مادرش دو حله میپوشانند اگر مؤمن باشند و میگویند باینها که این از برای آنست که
بفرزند خود قرآن را تعلیم نمودید وایضا از آنحضرت روایت نموده که هر مؤمنی که در جوانی قرآن
بخواند قرآن با گوشت و خون او مخلوط شود و حق تعالی او را با رسولان و نیکوکاران محشور گرداند و قرآن
مانع از عذاب است در قیامت تا آنکه میگوید پروردگارا هر عمل کننده اجر خود را گرفت بغیر
این شخص که بمن عمل کرده است پس برسان باو گرامی ترین عطای خود را پس حق تعالی دو حله از حلهای
بهشت بپوشاند باین شخص و تاج کرامت بر سر او بگذارد و بقرآن فرماید که آیا راضی شدی قرآن
گوید که پروردگارا زیاده از این میخواهم پس برات امان از جهنم را بدست راستش دهند
و برات مخلد بودن در بهشت را بدست چپش دهند و او را داخل بهشت کنند و باو گویند که آیه بخوان
و بدرجه بالا برو پس بقرآن خطاب رسد که آیا راضی شدی جواب گوید که بلی پس حضرت فرمود که
هر که قرآن را بسیار بخواند و بمشقت آنرا حفظ کند حق تعالی اجر او را دو مرتبه کرامت فرماید ٥
وایضا از حضرت امام محمد باقر یا امام جعفر صادق علیهما السلام روایت کرده است که قرآن
در روز قیامت ببهترین صورتی می آید و بگروه مسلمین میرسد ایشان میگویند که این شخص از فرقه
ماست پس میگذرد از ایشان و بپیغمبران میرسد ایشان میگویند که از ماست پس از ایشان نیز
میگذرد تا بنزد خداوند عالمیان میرسد و میگوید پروردگارا من فلان بن فلان را در روزهای گرمی

روزه انداختم و شب به بیداری در دادم دنیا و فلان پسر فلان را نه در روز به تعب تشنگی و نه در شب
بتعب بیداری انداختم پس حق تعالی او فرماید که قاریان خود را داخل بهشت کن بقدر منازل ایشان
پس خبر کند و قاریان از عقب او روان شوند پس بهر یک از ایشان اگر مؤمن باشند گوید که بخوان و بالا رو
تا هر یک بمنازل خود برسند و در آن ساکن گردند و ایضاً از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است
که دیوانهای قیامت سه دیوان است دیوان نعمتها و دیوان حسنات و دیوان سیئات پس دیوان
نعمت و دیوان حسنات را با یکدیگر مقابله مینمایند و دیوان نعمت زیادتی میکند بر دیوان حسنات
و دیوان سیئات میماند پس فرزند آدم را بحساب می طلبند در این حال قرآن به بهترین صورتی
می آید و در پیش روی او می ایستد و میگوید پروردگارا منم قرآن و این بنده مؤمن تو است که خود را
بتعب می انداخت بتلاوت من در شبهای دراز مرا بترتیل میخواند و چون مرا در وقت تهجد میخواند
آب از دیده اش میریخت پس او را راضی کن چنانچه او مرا راضی کرد پس خداوند عزیز جبار فرماید
که ای بنده من دست راست خود را بگشا پس پر کند حق تعالی آن را از رضا و خوشنودی خود و دست
چپ اش را پر کند از رحمت الهی پس با و گویند که اینک بهشت برای تو مباح است پس بخوان
قرآن را و بالا رو پس هر یک آیه که بخواند بدرجه بالا رود و از حضرت امام زین العابدین صلوات
صلوات الله علیه منقول است که فرمود بر شما باد بقرآن بدرستی که حق تعالی بهشت را بخشت از
طلا و بخشت از نقره خلق فرموده و بجای گل مشک خوشبو و بعوض خاک زعفران و بعوض سنگ
زبرجد مروارید مقرر کرده اند و درجاتش را بعدد آیات قرآن قرار داد پس کسی که قرآن خوانده
باشد با و گویند بخوان و بالا رو و از او هیچکس در بهشت درجه اش بالاتر نیست مگر پیغمبران
و صدیقان و ایضاً از آنحضرت روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که کسی را که
حق تعالی با و قرآن عطا فرموده باشد و گمان کند که حق تعالی بدیگری زیاده از آن عطا فرموده است
پس بدرستی که حقیر شمرده است چیزی را که حق تعالی او را عظیم شمرده و عظیم شمرده آنچه را خدا حقیر
شمرده است و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که هر که قرآن را در نماز ایستاده
بخواند حق تعالی بعوض هر حرفی از آن صد حسنه برای او بنویسد و هر که در نماز نشسته بخواند
بعوض هر حرفی پنجاه حسنه برای او بنویسد و هر که در غیر نماز بخواند بهر حرفی ده حسنه برای

او بنویسد

او بنویسد و از حضرت امام حسین صلوات الله علیه روایت شده است که هر که یک آیه از قرآن مجید در
نماز ایستاده بخواند حق تعالی بهر حرفی از آن برای او صد حسنه بنویسد و اگر در غیر نماز بخواند بهر
حرفی ده حسنه برای او بنویسد و اگر بصدای قرآن گوش دهد بهر حرفی یک حسنه برای او بنویسد و اگر
قرآن را در شب ختم نماید ملائکه تا صبح بر او صلوات فرستند و اگر در روز ختم کند ملائکه کاتبان
اعمال بر او صلوات فرستند تا شام و برای او بعد از ختم قرآن یک دعا مستجاب باشد و این عمل برای
او بهتر است از ما بین آسمان و زمین راوی گوید که عرض کردم که این ثوابها که فرمودی برای کسی میسر است
که قرآن تواند خواند پس کسی که نتواند بخواند چه کند فرمود که حق تعالی بخشنده و کریم است هر که بخواند
از قرآن مجید آنچه را داند حق تعالی این ثواب را با و کرامت فرماید و از حضرت صادق علیه السلام
روایت کرده است که بضاعف مثلاً تغنی و کسی که ذاکر باشد راوی گوید که از آنحضرت پرسیدم
که ذاکر چه کس است فرمود کسی که صد آیه بخواند و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام روایت
شده است که هر که گوش دهد بحرفی از کتاب خدا بی آنکه آن را بخواند حق تعالی برای او یک حسنه بنویسد
و یک سیئه او را محو کند و یک درجه برای او بلند گرداند و هر که حرفی از قرآن را یاد گیرد حق تعالی
فرماید برای او ده حسنه بنویسد و ده سیئه او را محو فرماید و ده درجه برای او بلند گرداند
پس فرمود که نمیگویم که هر آیه باو این ثوابها را امید دهد بلکه بهر حرفی مانند باء و تاء یا امثال اینها
و هر که حرفی از قرآن را نشسته بخواند حق تعالی برای او پنجاه حسنه بنویسد و پنجاه سیئه محو فرماید
و پنجاه درجه بلند سازد و هر که حرفی از آن را در نماز ایستاده بخواند حق تعالی برای او صد حسنه
بنویسد و صد سیئه محو فرماید و صد درجه بلند گرداند و کسی که قرآن را ختم نماید برای او یک دعا
مستجاب باشد یا در دنیا یا در آخرت و شیخ طبرسی رضی الله عنه در مجمع البیان از حضرت رسالت
صلی الله علیه و آله روایت کرده است که قرآن مجید حبل الله است و آن نور مبین و شفاء نافع است
پس فرمود که تلاوت کنید آن را بدرستی که حق تعالی بعوض هر حرفی از آن ده حسنه شما کرامت میفرماید
و نمیگویم که الف لام میم یک حرف است بلکه بالف ده حسنه و بلام ده حسنه و بمیم ده حسنه عطا میفرماید
و احادیث این مطلب بسیار است و این مقام رساله گنجایش ذکر زیاده از این ندارد و بعضی در
ضمن مطلب لاحقه بعنوان مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی تکمیل بدانکه از آیات و اخبار ظاهر

میشود که در هر روز و هر شب قدری از قران باید خوانده شود اما هر شب پس کلینی از حضرت امام محمد
باقر علیه السلام روایت کرده است که هر که در هر شبی ده آیه از قران مجید بخواند از جمله غافلان نوشته
نشود و اگر پنجاه آیه بخواند در زمره ذاکران نوشته شود و اگر صد آیه بخواند در زمره قانتان نوشته شود
و اگر دویست آیه بخواند در زمره فایزان نوشته شود و اگر سیصد آیه بخواند از جمله خاشعان نوشته شود
و اگر پانصد آیه بخواند از جمله مجتهدان نوشته شود و اگر هزار آیه بخواند نوشته شود برای او قنطاری
که پانزده هزار مثقال طلا است و هر مثقالی بیست و چهار قیراط است و کوچکترین اینها مثل کوه احد
و بزرگترین آنها مابین آسمان و زمین است وایضاً از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت
کرده است که بفضیل بن یسار فرمود که چه مانع است تاجری از شما را وکسی که در بازار مشغول کسبی باشد
از شما و بخانه مراجعت نماید آنکه نخوابد تا سوره از قران مجید را بخواند تا آنکه بنویسد خدا برای
او بعوض هر آیه حسنه و محو کند سیئه اورا و محو فرماید و از این حدیث ظاهر میشود که کمتر از ده آیه نیز
مجزیست نیز آنکه سوره گاهی کمتر از ده آیه میباشد مانند سوره انا اعطیناک الکوثر که سه آیه است و ممکن
است که رعایت اول بیست یکی باشد که کسبی و شغلی نداشته باشد و روایت ثانی نظر بتجار و اهل کسب
باشد که بسیار تعب کشیده باشند و در شب خواب بر ایشان غالب شود در اینصورت باید که قبل
از خواب سوره قرانی را بخواند هر چند سوره کوچکی مثل سوره قل هو الله احد یا انا اعطیناک الکوثر باشد
ومحتمل است که رعایت محمول بر اختلاف مراتب فضیلت و ثواب باشد یا اگر کسی از ابتدای قران شروع بتلاوت
نموده باشد در هر شبی بهتر است که ده آیه بخواند و اگر از ابتدا شروع نکرده باشد در هر وقت بخود
که اراده تلاوت نماید که سوره از سور قرانی را تلاوت نماید بهتر است که در هر شبی یک سوره تلاوت
نماید والله تعالی یعلم واما هر روز یکی از روایات واخبار ظاهر میشود که کمتر از پنجاه آیه قران نخواند
چنانچه کلینی بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود که
قران عهد و پیمان خداوند عالمیان است بسوی بندگان و برای مرد مسلمان سزاوار است که نظر
کند در عهد خدا و بخواند هر روز از قران پنجاه آیه و شیخ طوسی رضی الله عنه بسند معتبر از حضرت
صادق امام رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود سزاوار است برای آدمی که چون صبح کند
بعد از تعقیب نماز پنجاه آیه از قران بخواند و ابن بابویه رضی الله عنه در کتاب من لا یحضره الفقیه
بنده

بسند خود از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت نموده که بفرزند خود محمد بن الحنفیه وصیت
طولانی فرموده از آن جمله این است که بر تو باد بتلاوت قران و عمل کردن بمضامین آن و ملازمت فرایض
و شرایع آن و متابعت حلال و حرام و امر و نهی را و ادامه قران و تهجد بآن و تلاوت آن
و در شب و روز زیرا که قران عهد و پیمان خداوند عالمیان است بسوی بندگانش بر هر مسلمانی واجب
است که هر روز در این عهد نظر کند هر چند بتلاوت پنجاه آیه بوده باشد و پوشیده نماند که از
این حدیث شریف نهایت تاکید در این باب ظاهر میشود زیرا که بلفظ وجوب وارد شده است و لهذا بعضی از
اخباریین باعتبار این حدیث بوجوب آن قایل شده اند و این معنی اگر چه خالی از قوتی نیست ولفظ
وجوب محمول بر تاکید استحباب است چنانچه اکثر علما بر آن حمل نموده اند لیکن رعایت آن اولی است
سوم در بیان روایات داله بر فضیلت تلاوت در خصوص ماه مبارک رمضان کلینی رضی الله
عنه بسند خود از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که بر هر چیزی بهاری هست
و بهار قران ماه مبارک رمضان است و ابن بابویه رضی الله عنه در کتاب عیون اخبار الرضا بسند
خود از حضرت امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش صلوات الله علیهم اجمعین روایت کرده
است که رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی خطبه طولانی در وصف ماه مبارک رمضان ادا فرمود از
آن جمله این بود که پس سؤال کنید از خدای تعالی بانیتهای صادقه و دلهای پاکیزه آنکه توفیق دهد شما را برای
روزه داشتن این ماه و تلاوت نمودن قران در این ماه بدرستی که شقی کسی است که محروم باشد
از آمرزش خدای تعالی در این ماه وایضاً از حضرت در این حدیث فرمود که هر که در این ماه آیه از
قران مجید بخواند او را ثواب کسی باشد که تمام قران را در غیر این ماه ختم نموده باشد وایضاً
در کتاب اقبال بسند خود از ابن عباس روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در
حدیث طویلی فضیلت بسیار برای روزه هر روزی از روزهای ماه مبارک رمضان بیان فرمود
و در ثواب روزه روز پنجم فرمود که حق تعالی در روز پنجم این ماه بفرستد بسوی شما هفتاد هزار
ملک را که محافظت کنند شما را از شر هر شیطان رجیمی و بنویسد برای شما بعدد روزی که روزه داشته
باشید روزه صد ساله را و بگذارند میان شما و آتش جهنم خندقی و عطا کنند بشما ثواب کسی که خوانده
باشد توریه و انجیل و زبور و فرقان را و بنویسد برای شما بعدد هر پری که جبرئیل دارد عبادت

عبادت سالی و عطا فرماید بشما ثواب تسبیح عرش وکرسی را وتفریح نماید بشما عدد هر آیه از
قرآن مجید هفتاد حسنه را وکلینی وابن بابویه رضوان الله علیهما بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام روایت کرده اند که بدرستیکه عدد ماهها نزد حق تعالی دوازده ماه است در کتاب خدا
از آن روزی که آسمانها وزمین را خلق کرده اند واول ماهها وبافضیلت ماهها ماه خداست که آن ماه
مبارک رمضان است وقلب آن شب قدر است وقرآن در شب اول ماه رمضان نازل شده است پس استقبال
کنید ماه رمضان را بتلاوت قرآن ولیکن باید که بترتیل بخوانی وچون بآیه بگذری که در آن یاد بهشت
باشد توقف کن واز خدا بهشت را سؤال کن وچون بآیه بگذری که در آن ذکر آتش باشد توقف کن وپناه
ببر بخدا از آتش جهنم **اضاءت بدانکه** از این حدیث شریف ظاهر میشود که در شب اول ماه رمضان
بلکه در ابتدای این شب شروع بتلاوت بشود **وایضا** از این روایت دو چیز برای تأکد استحباب
تلاوت قرآن در ماه مبارک رمضان ظاهر میشود **اول آنکه** قرآن مجید در این ماه نازل شده است
پس تلاوت آن در این ماه اولی است از سایر ماهها **دویم آنکه** چون این ماه اشرف وافضل از سایر ماهها
پس مطلق عبادت در این ماه افضل است وباین جهت تلاوت قرآن نیز در این ماه افضل از سایر ماهها است
وبدانکه چون فضیلت تلاوت در این ماه بسیار است وتأکید زیاده از سایر ماهها پس باید که
اکثر اوقات این ماه بتلاوت مصروف گردد وباین جهت اگر تند تند خوانده شود ضرر ندارد ولیکن
بحدی نرسد که حروف وکلمات از یکدیگر متمیز نشود لهذا در حدیث سابق مذکور است که باید
بترتیل بخوانی ودر هر آیه رحمت رحمت طلبی وبآیه عذاب استعاذه از عذاب بکنی وبعد از این در ضمن آداب وشرایط
تلاوت بعمل آوردن **تحقیق معنی ترتیل** بتفصیل وبیان سؤال رحمت واستعاذه از عذاب وسایر آنچه در
حین تلاوت آن مستحب است مذکور میشود انشاء الله تعالی ولیکن در قدر تلاوت در ماه رمضان وغیر آن احادیث
اختلافی دارد چنانچه سید بن طاوس رحمه الله در کتاب اقبال از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
روایت نموده که فرمود خوش نمی آید مرا که خوانده شود قرآن در کمتر از یکماه وکلینی رضی الله عنه بسند خود
از آن حضرت روایت نموده که ابو علی از آن حضرت پرسید که قرآن را در یکشب بخوانم فرمود که مرا خوش نمی آید
که کمتر از یکماه خوانده شود **وایضا** بسند خود از حسین بن خالد روایت کرده است که گفت بخدمت
آن حضرت عرض کردم که در چند روز قرآن را ختم نمایم فرمود که در پنج روز یا هفت روز بخوان بدرستیکه

قرانی نزد

قرآنی نزد من هست که بچهار حصه قسمت شده است **مؤلف گوید که** این حدیث دلالت میکند بر آنکه آن
حضرت گاهی از این قرآن تلاوت میفرموده در چهار روز بختم میرسانیده است وابن طاوس قدس الله
روحه در کتاب اقبال بسند خود از وهب بن حفص روایت نموده است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم
که در چند شب قرآن را بخوانم فرمود که در شش روز وبیشتر عرض نمودم که در ماه مبارک رمضان در
چند روز بخوانم فرمود که در سه روز وبیشتر وکلینی رضی الله عنه بسند خود از علی بن ابی حمزه
روایت کرده است که گفت ابو بصیر از حضرت صادق علیه السلام پرسید ومن حاضر بودم که فدای
تو شوم قرآن را در یکشب بخوانم فرمودند پس گفت در دو شب بخوانم فرمودند تا آنکه به شش شب
رسید پس بدست مبارک اشاره فرمود که بلی پس فرمود که ای ابو محمد بدرستیکه جماعتی که پیش از
شما بودند از اصحاب رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم قرآن را در یکماه یا کمتر ختم مینمودند وبدرستی
که قرآن را تند نباید خواند وکلمات وحروف آنرا داخل یکدیگر نباید کرد بلکه باید بترتیل بخوانند
شود وهرگاه بآیه رسی که در آن یاد بهشت شده باشد توقف کن واز خدا بهشت را سؤال کن وهرگاه
بآیه رسی که در آن ذکر آتش شده باشد در آنجا توقف کن وپناه بر بخدا از آتش پس ابو بصیر پرسید
که در ماه رمضان در یکشب قرآن را بخوانم فرمودند پس در دو شب پس پرسید فرمودند پس در سه شب
پرسید فرمود بلی پس فرمود ماه رمضان ماهی است که شبیه نیست بان ماهی دیگر بدرستیکه آنرا حقی
وحرمت زیادی است پس هر قدر نماز که توانی در این ماه بکن وابن بابویه رضی الله عنه در کتاب
عیون اخبار الرضا از حضرت امام رضا علیه التحیة والثنا روایت کرده است که آن حضرت قرآن
مجید را در هر سه روز ختم میکرد ومیفرمود که اگر خواهم در کمتر از سه روز نیز ختم میتوانم کرد
ولیکن نمیکردم تا بهر آیه که میگذشتم فکر میکنم در آن ودر اینکه در چه چیز ودر چه وقت نازل شده پس
باین جهت در هر سه روز یکختم مینمایم وکلینی وغیر آن از علی بن مغیره روایت کرده اند که گفت
بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام عرض کردم که پدرم از جدت سؤال نموده بود از ختم کردن
قرآن در هر شب آنحضرت فرموده بود که در هر شب پدرم در ماه مبارک رمضان چهل ختم میکرد ومن گاهی چهل ختم
وگاهی زیاده وگاهی کمتر میکنم بقدر فراغ وشغل ونشاط وکسالت خود وچون روز عید میشود یکختم
را برای رسول خدا صلی الله علیه وآله ویکی را برای حضرت امیر المؤمنین علیه السلام ویکی را برای حضرت

فاطمه صلوات الله علیها و برای هر یک از ائمه یکی تا ایشان رسد برای شما این یکی قرار میدهم و پس
چنین کرده ام تا ما الحجه ثواب ذاید برای من خواهد بود بسبب اینعمل که فرمود که بسبب این عمل حق تعالی
چنین خواهد کرد که در قیامت با ایشان باشی راوی گفت الله اکبر چنین ثوابی برای من خواهد
بود بسبب این عمل حضرت سه مرتبه فرمود بلی اینست در روایات مختلفه این مطلب و سبب این اختلاف
چند چیز میتواند بود اول اختلاف احوال از فراغ بال و وفور اشتغال و حالت تعب و اندوه و کسالت و
نشاط و رغبت و میل بعبادت و امثال اینها زیرا که در حالت فراغ و نشاط و میل بعبادت تلاوت
بیشتر میسر است و ثواب آن بیشتر مضاعف است و در حالت تعب و اندوه رغبت کمتر و ثواب آن اندک است
چنانچه در احادیث وارد شده است که هرگاه کسالت داشته باشی و در خود اقبال بعبادت نیابی فمتجه
آن فتنکی دویم اختلاف اشخاص زیرا که اشخاص بحسب بعضی از اوصاف در این باب متفاوت میباشند
چه بسیار است که کسی باعتبار طلاقت لسان یا حفظ داشتن قرآن در مدت قلیلی قدر زیادی تلاوت
میکند و یکی باعتبار ثقل لسان یا عدم ربط تام بقرآن که از آن سبب در خواندن تکلفات محتاج
بتأمل است و امثال اینها در مدت زیادی قلیلی تلاوت میکند و ظاهر آنست که مختص حضرت امام
رضا علیه السلام نسبت بعلی بن مغیره و رخصت حضرت امام محمد باقر علیه السلام نسبت بغیره باین
جهات مذکوره بوده باشد و ایضا از خواص اصحاب ائمه علیهم السلام در این باب نقل نموده اند که بعضی از
این قبیل اجنا بهم از ابو اسحق سبیعی از خواص اصحاب حضرت سید الساجدین صلوات الله علیه است
نقل نموده اند که در مدت چهل سال روزها روزه داشت و شبها قرآن را ختم نمود و چندی قبل از
این مرد متعبد زاهدی بود که این حقیر نیز او را مشاهده نموده بودم که در هر ماه مبارک رمضان در
هر روزی یکختم مینمود و این معنی برای کثیری میسر است و بعون تایید الهی و توفیق غیر متناهی
میسر میگردد وَذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ و بسا مردم که این قدر طلاقت لسان و شوق
عبادت و نشاط و فراغ را در خود نیابند بهتر آنست که غیر ماه مبارک رمضان در کمتر از شش روز
و در ماه رمضان در کمتر از سه روز یکختم نکنند والله تعالی هو الموفق سوم در بیان وظایف
و آداب تلاوت و امثال اینها آنچه از تتبع روایات و اخبار ظاهر میشود چند چیز است اول آنکه با طهارت
باشد چنانچه ابن بابویه رضی الله عنه در کتاب خصال از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
روایت

روایت کرده است که فرمود قرائت نکند جنب سجده قرآن را تا آنکه وضو بسازد و حمیری در کتاب قرب
الاسناد بسند معتبر از محمد بن الفضیل روایت کرده است که گفت بخدمت حضرت امام رضا علیه التحیة
والثناء عرض نمودم که گاه هست که قرآن میخوانم و بول بر من غلبه میکند بر میخیزم و بول میکنم و
استنجا مینمایم و بر میگردم و مشغول تلاوت میشوم فرمود چنین مکن تا وضو نسازی مؤلف گوید
نهی در این دو روایت بر کراهت محمول است و مراد اینست که وضو در حالت تلاوت سنت است و بدون آن
مکروه است و مؤید این معنی است آنچه ابن فهد رحمه الله در کتاب عدة الداعی از ائمه طاهرین صلوات الله
علیهم اجمعین روایت نموده که فرمودند برای قاری قرآن بهر حرفی که میخواند در غیر نماز ایستاده صد حسنه
و نشسته پنجاه حسنه میشود و چون در غیر نماز بخواند با وضو بیست و پنج حسنه و بی وضو ده حسنه
میشود پس معلوم شد که مکروه است کما اینکه الف لام میم الحروف است بلکه بالف ده ثواب و بلام ده ثواب
و بمیم ده ثواب و برا ده ثواب با و میدهند و در این مقام تنبیه ضرور است بر چند امر اول آنکه
ظاهر آنست که در حین تلاوت قاری باید که با طهارت باشد پس اگر وضو داشته باشد تجدید آن
ضرور نیست هر چند موافق مشهور میان علماء سنت است و غسل جنابت در این باب حکم
وضو دارد بلکه با اغسال دیگر نیز خواه واجب و خواه مستحب موافق احادیث معتبره وضو ساختن
ضرور نیست دویم مشهور میان علماء آنست که حرام است بر جنب و حایض خواندن چهار سوره
سجده واجب و جایز است خواندن سوای آن دیگر خواه اصلا سجده نداشته باشد یا سجده مستحب
داشته باشد ولیکن زیاده از هفتاد آیه مکروه است تا هفتاد آیه و چون به هفتاد آیه رسد کراهت
شدید میشود و بخط جد علامه ام مولانا محمد باقر مجلسی قدس الله روحه القدوسی در بعضی از
فتاوی ایشان ملاحظه شده که زن در حالت حیض و نفاس میتواند غیر جمیع اذکار و ادعیه
و قرآن مجید را میتواند خواند مگر چهار سوره که سجده واجب دارد یعنی الم سجده و حم
سجده و والنجم و اقرأ که این چهار سوره حرام است بر ایشان خواندن و سایر قرآن را هم
تواند خواند و دیگر آنست که در وقت خواندن دست بحاشیه قرآن و جلد آن نگذارند و بدست
مالی بلجام بکنند و موافق مشهور دست بر رسمی نوشته قرآن و نام خدا و رسول و ائمه علیهم
السلام نگذارند و والد علامه ام ادام الله ظلاله در رساله وظایف الثلاثه ذکر نموده که

احادیث صحیحه دلالت میکند انکه غیر سوره سجده را میتوان خواند هر قدر خواهند و سنت است
و کراهت ندارد دویم انکه رو بقبله باشد چنانچه در حدیث وارد شده اکر بهترین مجالس
انست که رو بقبله باشد و این شرط در صورتی است که در محل معینی قرار داشته باشد خواه ایستاده
و خواه نشسته پس اکر راه میرفته باشد سواره یا پیاده این شرط معتبر نیست سیم انکه مادام که
مشغول تلاوت باشد مراعی نباشد ملاحظه چنانچه از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله منقول
است که فرمود که هر که قرآن بخواند و بلحن نخواند قرآن را مراعی باشد یا محبت دنیا و زینتهای دنیا
را بر قرآن اختیار نماید مستوجب غضب الهی کردد مکر توبه کند و اکر بی توبه بمیرد در قیامت قرآن
خصم خود را ... تمام کند و او را هیچ عذری نباشد چهارم انکه از مصحف تلاوت نماید هر
چند از حفظ داشته باشد چنانچه کلینی و ابن بابویه باسانید بسیار از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام روایت کرده اند که فرمود هر که قرائت کند قرآن را از مصحف از دیده خود تمتع ببرد
و تخفیف دهند عذاب را از پدر و مادر او هرچند کافر باشند و ابن بابویه بسند دیکر از
اسحق بن عمار روایت کرده است که کفت عرض نمودم بخدمت انحضرت که فدای تو شوم من قرآن را
حفظ دارم ایا افضل انست که از حفظ بخوانم یا از روی مصحف فرمود بلکه از روی مصحف افضل است
ایا نمیدانی که نظر کردن بمصحف عبادت است و در حدیث وارد شده است که سه چیز است که شکایت
خواهند کرد نزد خدا مسجد خرابی که اهلش در ان نماز نکنند و عالمی که در میان جهال باشد و
حرمت او را نکاه ندارند و مصحفی که او بحسب باشد و غبار بران نشسته باشد و از ان تلاوت
ننمایند پنجم انکه ادعیه ماثوره در حین تلاوت و انتها بخواند و انها بر دو نوع است نوع اول دعائی
که قبل از شروع باید خواند که شود و انچه از این باب در روایات بنظر رسیده چند دعاست
اول کلینی رضی الله عنه بسند مرسل از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت
نموده است که انحضرت نزد قرائت قرآن مجید این دعا را میخواند اللهم ربنا لک الحمد انت
المتوحد بالقدرة والسلطان المتین و لک الحمد انت المتعالی بالعز والکبریاء و فوق
السموات والعرش العظیم ربنا و لک الحمد انت المکتفی بعلمک والمحتاج الیک کل ذی علم
علیم ربنا و لک الحمد یا منزل الآیات والذکر العظیم ربنا فلک الحمد بما علمتنا من الحکمة
والقرآن

والقرآن العظیم المبین اللهم انت علمتناه قبل رغبتنا فی تعلمه واختصصتنا به قبل رغبتنا
بنفعه اللهم اذا کان ذلک منّا منک وفضلا فضلک وجودا ولطفا بنا ورحمة
لنا وامتنانا علینا من غیر حولنا ولا حیلتنا ولا قوتنا اللهم حبّب الینا حسن تلاوته
وحفظ آیاته وایمانا بمتشابهه وعملا بمحکمه وسببا فی تأویله وهدی فی تدبیره و
بصیرة بنوره اللهم وکما انزلته شفاء لاولیائک وشقاء علی اعدائک وعمی علی اهل معصیتک
ونورا لاهل طاعتک اللهم فاجعله لنا حصنا من عذابک وحرزا من غضبک وحاجزا عن معصیتک
وعصمة من سخطک ودلیلا علی طاعتک ونورا یوم نلقاک نستضیء به فی خلقک ونجوز به علی
صراطک ونهتدی به الی جنتک اللهم انا نعوذ بک من الشقوة فی حمله والعمی عن عمله والجور
عن حکمه والعلو عن قصده والتقصیر دون حقه اللهم احمل عنا ثقله واوجب لنا اجره واوزعنا
شکره واجعلنا نراعیه ونحفظه اللهم اجعلنا نتبع حلاله ونجتنب حرامه ونقیم حدوده
ونؤدی فرائضه اللهم ارزقنا حلاوة فی تلاوته ونشاطا فی قیامه ووجلا فی ترتیله وقوة فی
استعماله فی آناء اللیل واطراف النهار اللهم واشفنا من النوم بالیسیر وایقظنا فی ساعة اللیل من
رقاد الراقدین ونبهنا عند الاحایین التی یستجاب فیها الدعاء من سنة الوسنانین اللهم
اجعل لقلوبنا ذکاء عند عجائبه التی لا تنقضی ولذاذة عند تردیده وعبرة عند ترجیعه ونفعا
بینا عند استفهامه اللهم انا نعوذ بک من تخلفه فی قلوبنا وتوسده عند رقادنا ونبذه
وراء ظهورنا ونعوذ بک من قساوة قلوبنا لما به وعظتنا اللهم انفعنا بما صرفت فیه من
الآیات وذکرنا بما ضربت فیه من الامثال المثلات وکفر عنا بتأویله السیئات وضاعف لنا
به جزاء من فی الحسنات وارفعنا به ثوابا فی الدرجات ولقنا به البشری بعد الممات
اللهم اجعله لنا زادا تقوینا فی الموقف وفی الوقوف بین یدیک وطریقا واضحا نسلک به
الیک وعلما نافعا نشکر به نعماءک وتخشعا صادقا نسبح به اسماءک اللهم فانک اتخذت
به علینا حجة قطعت به عذرنا واصطنعت به عندنا نعمة قصر عنها شکرنا اللهم اجعله
لنا ولیا یثبتنا من الزلل ودلیلا یهدینا لصالح العمل وعونا هادیا یقومنا من المیل وعونا
یقوینا من الملل حتی یبلغ بنا افضل الامل اللهم اجعله لنا شافعا یوم اللقاء وسلاحا

یوم الابتلاء وحجابًا یوم الفضیحة ونورًا یوم الظلماء یوم لا ارض ولا سماء یوم یجزی کل ساع بما
سعی اللهم اجعله لنا ریًا یوم الظماء وفوزًا یوم الجزاء من نار حامیة قلیلة البقیا علی من
بها اصطلی وبحرها تلظی اللهم اجعله لنا برهانًا علی رؤس الملاء یوم یجمع فیه اهل الارض و
اهل السماء اللهم ارزقنا منازل الشهداء وعیش السعداء ومرافقة الانبیاء انک سمیع الدعاء
مؤلف گوید که ظاهر لفظ این روایت آنست که این دعا قبل از تلاوت باید خوانده شود و محتمل است که مراد خواندن
آن بعد از تلاوت باشد و اگر در هر دو وقت خوانده شود اولی است دویم سید بن طاوس رحمه الله
در کتاب اقبال بسند معتبر روایت کرده است که چون حضرت امام جعفر صادق علیه السلام اراده می‌نمود
مصحف را بدست مبارک میگرفت پیش از آنکه بگشاید ابتدا این دعا میخواند بسم الله اللهم انی اشهد ان
هذا کتابک المنزل من عندک علی رسولک محمد صلی الله علیه وآله وکتابک کلامک الناطق
علی لسان رسولک فیه حکمک وشرائع دینک انزلته علی نبیک وجعلته عهدًا منک الی خلقک
وحبلاً متصلاً فیما بینک وبین عبادک اللهم انی نشرت عهدک وکتابک اللهم فاجعل نظری
فیه عبادة وقراءتی فیه تفکرًا وفکری فیه اعتبارًا واجعلنی ممن اتعظ ببیان مواعظک فیه
واجتنب معاصیک ولا تطبع عند قراءتی کتابک علی قلبی ولا علی سمعی ولا تجعل علی بصری غشاوة
ولا تجعل قراءتی قراءة لا تدبر فیها بل اجعلنی اتدبر آیاته واحکامه آخذًا بشرائع دینک ولا
تجعل نظری فیه غفلة ولا قراءتی هذرمة انک انت الرؤف الرحیم مؤلف گوید که ظاهر عبارت
حدیث بلکه ظاهر فقرات دعا آنست که این دعا مخصوص کسی باشد که از روی مصحف تلاوت نماید
نه آنکه از حفظ بخواند اگر مطلقا قبل از تلاوت این دعا خوانده شود شاید بهتر باشد سیم از رسول خدا
صلی الله علیه وآله منقول است که هر که مصحف را در دست گیرد با اراده تلاوت و اول این دعا را بخواند حق تعالی
بعوض هر حرفی به او ده حسنه عطا فرماید و دعا این است اللهم بالحق انزلته وبالحق نزل
اللهم عظم فیه رغبتی واجعله نورًا لبصری وشفاء لصدری وذهابًا لهمی وحزنی اللهم
زین به لسانی وجمل به وجهی وقو به جسدی وارزقنی تلاوته علی طاعتک آناء اللیل واطراف
النهار واحشرنی مع النبی محمد وآله الاخیار مؤلف گوید که ابتدا فیما بین قراء مشهور و معروف است
ولیکن در کتب شیعه تا حال بنظر نرسیده و چون بحضرت رسالت صلی الله علیه وآله منسوب است و در

اعمال

اعمال مستحبه باحادیث ضعیفه عمل میتوان نمود لهذا عمل نمودن بآن نیکوست نوع دویم دعائی که بعد از
فراغ از تلاوت بعضی از قرآن باید خوانده شود و در این باب چند دعا بنظر رسیده اول سید بن
طاوس رضی الله عنه در کتاب اقبال ذکر نموده که در روایت سابق که از حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه در باب دعای قبل از تلاوت منقول شد مذکور است که آنحضرت چون از تلاوت فارغ
میشد ابتدا این دعا میخواند اللهم انی قد قرأت ما قضیت لی من کتابک الذی انزلته علی نبیک محمد صلواتک
علیه ورحمتک فلک الحمد ربنا ولک الشکر والمنة علی ما قدرت ووفقت اللهم اجعلنی
ممن یحل حلالک ویحرم حرامک ویجتنب معاصیک ویؤمن بمحکمه ومتشابهه وناسخه
ومنسوخه واجعله لی شفاء ورحمة وحرزًا اللهم اجعله لی انسًا فی قبری وانسًا فی حشری وانسًا
فی نشری واجعله لی برکة بکل آیة قرأتها وارفع لی بکل حرف درسته درجة فی اعلی علیین
آمین رب العالمین اللهم صل علی محمد نبیک وصفیک ونجیک ودلیلک والداعی الی سبیلک
وعلی امیر المؤمنین ولیک وخلیفتک من بعد رسولک وعلی اوصیائهما المستحفظین دینک
المستودعین حقک وعلیهم اجمعین السلام ورحمة الله وبرکاته دویم در کتاب مکارم الاخلاق
ابتدا را بعد از فراغ از تلاوت ذکر نموده و دعا این است اللهم انی قد قرأت ما قضیت من کتابک
الذی انزلت علی نبیک الصادق صلی الله علیه وآله فلک الحمد ربنا اللهم اجعلنی ممن یحل حلاله
ویحرم حرامه ویؤمن بمحکمه ومتشابهه واجعله انسًا فی قبری وانسًا فی حشری واجعلنی ممن
ترقیه بکل آیة قرأها درجة فی اعلی علیین آمین یا رب العالمین و بدانکه اگر تلاوت قاری
قرآن تمام شود مستحب است که ادعیه ختم قرآن نیز بخواند که انها بعد از این مذکور میشود انشاء الله
تعالی نوع سیم آنکه در ابتدای قرائت تلفظ باستعاذه نماید یعنی تلفظ نماید بدعائی که او را از شر شیطان و سایر
آن پناه دهد و از شر آن ملعون ایمن گرداند و بلفظ و قلب متوجه آن حضرت شود چنانچه حق تعالی
میفرماید فاذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشیطان الرجیم یعنی هرگاه اراده کنی قرائت قرآن را
پس پناه بر بخدا از شر شیطان رجیم و کیفیت آن در روایات مختلفه وارد شده است اول اعوذ
بالله من الشیطان الرجیم دویم اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم سیم اعوذ بالله
من الشیطان الرجیم ان الله هو السمیع العلیم چهارم اعوذ بالله من الشیطان الرجیم ان الله

هو الفتاح العليم پنجم اعوذ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم واعوذ بالله ان يحضرون
ششم استعيذ بالله من الشيطان الرجيم ان الله هو السميع العليم و انسب و اولى دو قسم اول است
و بدانکه اولى و افضل انست که در اثنای قرآت بحسب ظاهر ابات اگر با کسی سخن گوید یا سکوت طولانی
کند استعاذه را اعاده کند بلکه در غیر حال تلاوت بهتر هر گاه اراده قرآن خواندن کند بدون استعاذه نباید بکند
هفتم انکه در قرآت رعایت ترتیل نماید چنانچه حق تعالی میفرماید و رتل القرآن ترتیلا یعنی ترتیل کن
ای محمد صلی الله علیه وآله در قرآت قرآن ترتیل کردنی و علما برای ترتیل دو معنی گفته اند اول اداء
حروف از مخارج و محافظت احکام وقف و وصل یعنی هر حرف از مخرج خود ادا کند و ثا را از مخرج
سین و ثا از مخرج صاد و ضاد را از مخرج ظاء ادا نماید و بالجمله حرفی که مخارج انها با هم
متقارب است در اداء ان حروف احتیاط تمام نماید و در باب وقف و وصل این ضابطه را مرعی دارد
که اگر وصل کند و کلمات را با یکدیگر متصل خواند و فاصله نماید بقطع نفس یا سکت طویل کلمات را با
حرکات بخواند و وصل بسکون ننماید و اگر وقف کند بقطع نفس یا سکت طویل کلمه را که بر ان وقف
مینماید ساکن گرداند و وقف بحرکت ننماید و ترتیل باین معنی موافق مشهور میان علما واجب است
دویم بیانی و شمرده خواندن کلمات بوضعی که حروف انها از یکدیگر ممتاز شوند و لیکن بحدی نرسد
که از یکدیگر جدا شود و کلام از اتصال بیفتد و همچنین صفات حروف و مدها و اقسام وقفها که قرا
ضبط نموده اند همگی را مرعی دارد و ترتیل باین معنی مستحب است و در حدیث وارد شده است که
از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله و سلامه علیه پرسیدند که ترتیل چه معنی دارد فرمود که حروف را
نیکو ظاهر و هویدا گردان و انرا مپاش مانند ریگ که پاشیده شود و تند مخوان بنحوی که عربان شعر را میخوانند
بلکه بخوف و فزع اندازید بخوانید قرآن دلهای سخت را و چنان مباشید که همت بر اخر
سوره گماشته باشید و تند بخوانید که زود تمام شود و در حدیث دیگر از انحضرت سؤال نمودند
از معنی ترتیل فرمود که ترتیل حفظ وقفها و اداء حرفها است از مخارج و پوشیده نماند که حدیث
اول اشاره است بمعنی ثانی و ظاهر حدیث ثانی معنی اول است و محتمل است که ناظر هر دو معنی باشد و الله
تعالی یعلم و بدانکه از اخبار و احادیث مفهوم میشود که ترتیل در قرآت یعنی اقل ثانی در سوره
مرغب و منظور است که قدر تدبر ان داشته باشند و بوضع ترتیل توان خواند پس اگر قادر باشد
او بنحوی

او بنحوی باشد که خوب تواند حروف را از مخارج تلفظ نماید ترتیل از او ساقط است و بر وی مقدور است
میتواند نمود و حق تعالی بکرم خود ثواب تمام و کمال با و عطا میفرماید و در حدیث وارد شده است
که حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود بسا باشد که عجمی قرائت می کند قرآن بخواند بروش عجمی خود نه
بر روش عربان و ملائکه بالا برند تلاوت او را بروش عربان هشتم انکه بخضوع و خشوع و رقت
و حزن و اندوه قرآت نماید چنانچه از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقول است که
قرآن بحزن نازل شده است پس انرا بحزن و اندوه بخوانید و در حدیث دیگر از حفص مرویست که حضرت
امام موسی کاظم صلوات الله علیه بشخصی فرمود که در دنیا میخواهی بمانی گفت بلی فرمود برای چه چیز
میخواهی گفت برای انکه سوره قل هو الله احد را بسیار بخوانم پس انحضرت بعد از زمانی خطاب بمن کرده
و فرمود که ای حفص هر که از دوستان و شیعیان ما بمیرد و قرآن نداند تعلیم میکنند او را در قبر قرآن را تا بان تعلیم
میفرماید تا درجات او را باین سبب بلند گردانند زیرا که درجات بهشت بعدد ایات قرآنی است و بقاری
قرآن میگویند که بخوان و بالا رو هر ایه که میخوانند بدرجه بالا میروند پس حفص گفت کسی را ندیدم که
خوفش با امیدش زیاده از انحضرت باشد و چون قرآن میخواند بحزن و اندوه میخواند و بنحوی
میخواند که گویا مشافهه خطاب میفرماید نهم انکه بصوت حسن و اواز خوش بخواند و چنانچه بسند
معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود برای هر چیزی زینتی است و زینت قرآن اواز خوش است
و در حدیث دیگر مرویست که انحضرت فرمود که قرآن را با اواز خوش بخوانید که اواز خوش زیاده میکند
حسن قرآن را و در حدیث معتبر دیگر مرویست که ابو بصیر گفت پرسیدم از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام از تفسیر ایه کریمه و رتل القرآن ترتیلا فرمود که یعنی قرآن را بیانی بخوان و باواز خوش
بخوان و در حدیث دیگر وارد شده است که نوفلی گفت عرض کردم بخدمت حضرت امام موسی کاظم صلوات
الله علیه اواز خوش را ذکر نمود پس فرمود بدرستی که حضرت امام زین العابدین علیه السلام قرآت قرآن
مینمود و گاه بود که راه گذاران میگذشتند و از حسن صدای انحضرت بیهوش میگشتند و بدرستی که
امام زمان اگر ظاهر سازد چیزی را از خوبی اواز خود را هر اینه تاب نمیاورند از او مردم از زیادتی حسن
صوت او را و گفت عرض کردم که حضرت رسول صلی الله علیه وآله نماز میگذارد با مردم
اواز را بلند نمیکرد بخواندن قرآن فرمود بدرستی که انحضرت تحمیل میکرد بر مردم انچه را طاقت داشتند

ثواب می‌آورند مؤلف گوید که والد محقق علامه‌ام رفع الله فی الجنان مقامه در رساله وظایف
التلاوه ذکر نموده که احادیث در باب تحسین صوت و تزیین آن در تلاوت قرآن بسیار است و لهذا
بعضی از متاخرین علما غنا را در قرآن تجویز نموده‌اند زیرا که تزیین و تحسین آن در غالب اوقات چنانچه
از کلام اهل لغت و غیر ایشان مستفاد می‌شود بدون غنا نمی‌باشد و شیخ طبرسی قدس الله روحه در
تفسیر مجمع البیان در بیان آداب قرائت قرآن گفته فصل سابع در بیان انچه سنت آمده از ترجیع و آواز
از تحسین لفظ و تزیین صوت در قرائت قرآن و احادیث بسیار از طرق عامه در این باب نقل نموده
از جمله آنها حدیث عبد الرحمن بن سایب است که گفت بر سعد بن وقاص رفتم و سلام کردم گفت مرحبا به
برادرزاده من پس گفت به من رسیده که تو خوش آوازی در خواندن قرآن گفتم بلی الحمد لله گفت من شنیدم
از رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود که قرآن بحزن نازل شده است چون قرآن می‌خوانید بگریید
و اگر گریه نیاید شما را خود را بگریه بدارید و تغنی کنید بقرآن بدرستی که هر که تغنی نکند بقرآن
از ما نیست و شیخ رضی الله عنه بعد از ایراد این حدیث گفته که بعضی از علما تاویل کرده‌اند این حدیث
را و گفته‌اند که تغنی بمعنی استغناست یعنی هر که مستغنی نشود بقرآن از ما نیست و اکثر علما بر آن اعتقاد
اند که تغنی بمعنی زینت دادن آواز و بحزن خواندن قرآن است و می‌نماید که ظاهر این کلام
آنست که غنای در قرآن نزد او جایز است بلکه مستحب بوده آنچنانکه اکثر علمای سلف نیز
میدانسته‌اند و کلام سید مرتضی علم الهدی رضی الله عنه در کتاب غرر و درر نیز اشعار بر این معنی
دارد و کلینی قدس الله روحه در کتاب کافی بابی منعقد کرده است در بیان ترتیل قرآن بصوت حسن و اکثر
احادیث که سند را در آن روایت کرده‌است در آن باب ایراد نموده است اینست آنچه بعضی علمای متقدمین
قدس الله ارواحهم در باب جواز غنا در تلاوت قرآن و لیکن شیخ ابو القاسم محقق و جمع کثیری از
علمای متاخرین اتفاق نموده‌اند بر حرمت غنا مطلقا هر چند در قرآن مجید بوده باشد انتهی
کلام والد علامه‌ام ادام الله ظلاله الی یوم القیمه و ایضا در این باب بخاطر قاصر این شکسته میرسد
که احادیث حرمت غنا مطلقا بسیار است و روایات در باب جواز اینکه قرآن مجید بصوت حسن
بسیار است و بعضی از آنها بلفظ غنا وارد شده است و در جمع بین الروایات می‌توان
گفت که صوت حسن غیر غناست زیرا که غنا آنست که صدا از مخرج طبیعی بیرون رود و بیرون آن

بیز

بسیار در آواز بهم رسد و حروف و کلمات باعتبار کشش‌ها بسیار که در میان آنها درآمده از هم
بپاشد و صوت حسن عبارت از آنست که صدا از موضع حلقی اصلا بیرون نرود و حروف و کلمات
از هم نپاشد و لیکن بنوعی قرائت و تلاوت را بکند که حسن صوتی آن او ظاهر شود و مستمعان از طور
خواندن او محظوظ شوند بی آنکه تحریر و کشش زیادی در صدا بهم رسد و حروف و کلمات از هم بپاشد
و مراد از غنا در احادیث حرمت غنا معنی اول و مراد از صوت حسن و در احادیث جواز تغنی در قرآن
معنی دویم است و مؤید این معنی است در آنکه اگر مراد از تغنی در قرآن معنی اول باشد مخالف می‌شود با
روایاتی که در باب ترتیل قرآن وارد شده است چنانچه مذکور شد و اگر کسی گوید که معنی صوت حسن این
مستلزم غناست زیرا که خارج از مقامات نخواهد بود که بالضرورت بایکی از مقامات دوازده
گانه مطابق خواهد بود جواب گوییم که در علم موسیقی ثابت شده که دوازده مقام و بیست و چهار گوشه
و چهل و هشت شعبه می‌باشد که هیچ صدائی و آوازی از آنها بیرون نیست بلکه اصوات حیوانات نیز
بالضروره بایکی از آنها موافق است و در این صورت نهی از تغنی و استماع غنا المستلزم نهی از
جمیع انواع تکلم و تنطق و استماع خواهد بود و فساد آن ظاهر و لایح است پس معلوم می‌شود
که مراد از غنا صدائی است که تحریر آن زیاده و مد و کشش بسیار داشته باشد و حسن صوت لازم
نماید که بدین گونه بوده باشد و بالجمله شکی نیست که ترک غنا یعنی که مذکور شد در قرآن مجید
احوط است والله تعالی یعلم و بدانکه متوسط بخوانید و بسیار آهسته و بسیار بلند نخوانید چنانچه
بسند معتبر از ابو بصیر منقول است که گفت بخدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام عرض کردم که هرگاه
قرآن میخوانم اگر آواز خود را بلند میکنم شیطان می‌آید بنزد من و میگوید که ریا کن برای اهل خانه
خود و برای مردم پس آن حضرت فرمود که ای ابو محمد بوضعی بخوان که میانه قرائت بلند و قرائت
تو آهسته باشد که اهل خانه تو بشنوند که ترجیع کن بخواندن قرآن آواز خود را زیرا که حق تعالی دوست
میدارد آواز خوش را که ترجیع کنند در آواز ترجیع کردنی و بسند صحیح از معویة بن عمار مرویست که
گفت عرض نمودم بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که آدمی چنین می‌بیند در خواب که هیچ کاره
نکرده است در وقت خواندن دعا و وقت خواندن قرآن تا آنکه صدای خود را بلند نسازد پس
آن حضرت فرمود باکی نیست که صدا بلند سازی بدرستی که حضرت امام زین العابدین علیه السلام خوش

اوازترین مردم بود بقرآن و آواز خود را بلند میکرد بخواندن قرآن تا حدی که همگی اهل خانه می‌شنیدند
و حضرت امام محمد باقر علیه السلام نیز خوش آوازترین مردم بود بخواندن قرآن و چون آخر شب بعبادة
برمیخاست و قرآن تلاوت میفرمود آواز خود را بلند میکرد و راه گذاران از سقایان و غیر ایشان
می‌ایستادند و گوش بقرآءت آنحضرت میدادند و بروایت دیگر فرمود که هرگاه حضرت امام زین
العابدین علیه السلام تلاوت میفرمود سقایان بر در خانه مکرمه آنحضرت گوش بر قرائت آنحضرت
میدادند و بروایت دیگر فرمود از صوت آنحضرت مدهوش میشدند مؤلف گوید که حدیث اول دال
بر قرآءت وسط و احادیث اخیره شاهد بلند خواندن است و هرچند که مراتب قرائت بر حسب حال مردم
متفاوت باشد میانه نظر حال کسی باشد که در بلند خواندن ریا کند و بلند خواندن سبب یکی گرامی
باشد از ریا مانند ائمه علیهم السلام و کسی که مثل آنها اهل تقوی که جهاد نفس نموده خود را از ریا که بمنزله
شرک باجناب اقدس حق تعالی است بری و عری ساخته باشد والله تعالی یعلم یازدهم آنکه
بتدبر و تفکر قراءت نماید و متوجه معانی و مضامین الفاظ و عبارات آن باشد چنانچه باسانید
بسیار از حضرت امیرالمؤمنین و سایر ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین منقول است که فرموده‌اند
چیزی نیست در قرائتی که در آن تدبر نباشد و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام مرویست که
فرمودند که آیات قرآن خزینه‌های حکمت ربانی است پس در هر خزینه را که میگشائی باید که در آن
نظر نمائی و بتفکر جواهر معانی و حکمتها را از آن خزاین بیرون آوری مؤلف گوید که حقیقت تدبر
در قراءت آنست که قاری اقتصار ننماید بر قراءت الفاظ و عبارات قرآن بلکه هرچه میخواند در
آن ایشان تدبر و تفکر نماید و بداند که خداوند کریم مهربان در قراءت قرآن مجید و فرقان حمید چراغهای
هدایت برای او افروخته است و انوار حکمت در آن هویدا گردانیده و چنانچه دیده ظاهر را
در آن جولان میدهد دیده دل را نیز بمطالعه انوار آن روشنا بدهد و بداند که با خداوند خود در
مقام مناجات است و سخن میگوید و مانند بیاد در میان ناید که گاهی خدا با او خطاب میفرماید
باید از دل و جان لبیک در جواب گوید و گاهی پیغمبر از خدا با او سخن میگوید چنان داند که او مخاطب
بخطاب ایشان است و گاهی حق تعالی او را بوعده خود حور و قصور و طعام و شراب بهشت تطمیع میفرماید
باید که از آنها طلب نماید و گاهی بوعید انواع زجر و عذاب تهدید میفرماید باید که از آنها استعاذه

پناه

پناه جوید و گاهی مانند پدر مشفق و ادیب مهربان او را موعظه و نصیحت میفرماید باید آنها را بپذیرد
و گاهی برای او قصص احوال گذشتگان را نقل میفرماید باید که از آنها عبرت گیرد و گاهی خوانهای الوان
نعیم بهشت را برای او میگشاید و گاهی اوصاف جمال و جلال خود را برای او بیان میفرماید و او را
در گلستان صفات کمالیه خود سیر میفرماید و گاهی ابواب گنجهای علوم و معارف نامتناهی را بر روی
او میگشاید و از انواع جواهر حقایق آنچه دیده اش تاب آورد در نظرش جلوه میدهد و گاهی
احوال دوستان خود را و کمالات ایشان را برای او نقل میفرماید و نعمتهائی که بایشان عطا فرموده
ایشان را بآنها میستاید و مشقتهائی که در راه او کشیده اند و تلافی و تدارک آن را که نسبت بایشان
بعمل آورده بیان میفرماید و از بیان وسعت حلم و مزید کرم خود در حق گذشتگان دستگاه
امید و بیمگاه و جا را برای مؤمنان وسیع میگرداند فی الجمله هرکه از روی تنبیه و آگاهی و تفکر
در قرآن نظر نماید درهای گلستان فیوض ربانی بر روی عقل او مفتوح و دیده دلش بانوار
ادراک حقایق و معارف منور باشد و در هر صفحه از صفحات قرآن گلستانی از شقایق حقایق
نظرش جلوه گر گردد و چراغهائی از الوان انوار معارف پیش دیده اش جلوه مینماید محفلی میبیند مملو از
دوستان و برگزیدگان با ایشان انس و الفت میگیرد و مجلسی مشاهده میکند اهل مجلس پیغمبران
و اوصیا و صدیقان با ایشان همنشینی و مصاحبت مینماید میبیند که خداوند مهربان و مصا
حبانش بزرگواران عالیشان نعمای محفل ما آنده سبحانی در بین بالوانهای نعمتهای روحانی و
لذتهای عقلانی و از اینجاست که در حدیث وارد شده است که جناب اقدس امام الزاهدین
و سید الساجدین امام زین العابدین سلام الله علیه و علی آبائه و اولاده الطاهرین میفرمود
که اگر جمیع کسیکه در مابین مشرق و مغرب اند همگی بمیرند و در دنیا تنها بمانم بعد از آنکه
قرآن با من باشد وحشت بهم نرسانم دوازدهم آنکه بعد از آیات رحمت طلب و بعد از آیات
عذاب طلب نجات از عذاب نماید و در هنگام خواندن بعضی از آیات الفاظ و اذکاری که در حدیث
وارد شده بآنها اتیان نماید چنانچه بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که فرمود که سزاوار است کسی را که قرآن خواند چون بگذرد بآیه که در آن محل سؤالی یا بیمی باشد
سؤال کند از خدا بهترین آنچه امید دارد و سؤال نماید عافیت از آتش جهنم و عذاب او در

حدیث دیگر از جابر بن ابی الضحاک که در سفر خراسان ملازم رکاب حضرت امام رضا علیه السلام
بود و طریق سلوک آنحضرت را در آن سفر در حدیث طولانی نقل نموده مرویست که گفت چون آنحضرت
بیان رخت خواب میرفت تلاوت بسیار میفرمود و چون بآیه میرسید که یاد بهشت و دوزخ بود می گریست
و از حق تعالی طلب بهشت و استعاذه از جهنم مینمود و چون سوره قل هو الله احد را میخواند بعد از احد
آهسته میفرمود کذلک الله احد و بعد از فراغ از سوره سه مرتبه میفرمود کذلک الله ربنا و چون سوره
قل یا ایها الکافرون را میخواند بعد از لفظ الکافرون آهسته میفرمود یا ایها الکافرون و بعد از فراغ
سوره سه مرتبه میفرمود ربی الله و دینی و دین الاسلام و چون از سوره والتین فارغ میشد میفرمود
بلی و انا علی ذلک من الشاهدین و چون سوره لا اقسم را میخواند بعد از تمام سوره میفرمود سبحانک
اللهم بلی بعد از اتمام سوره حمد میفرمود الحمد لله رب العالمین و چون سوره سبح اسم ربک الاعلی
را میخواند بعد از اعلی آهسته میفرمود سبحان ربی الاعلی و در هر جا در قرآن یا ایها الذین آمنوا
را میخواند آهسته میفرمود که لبیک اللهم لبیک مؤلف گوید که در این حدیث شریف بعد از سوره
توحید سه مرتبه کذلک الله ربنا وارد شده و در حدیث دیگر کذلک الله ربی سه مرتبه و در حدیث
دیگر کذلک الله ربی یا کذلک الله ربنا یک مرتبه واقع شده و بهر یک از این احادیث که عمل نمایند خوبست
و در باب سوره قل یا ایها الکافرون در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
بداود بن الحصین فرمود که چون بخوانی قل یا ایها الکافرون بگو یا ایها الکافرون و چون بخوانی لا اعبد
ما تعبدون بگو اعبد الله وحده و چون بخوانی لکم دینکم ولی دین بگو ربی الله و دینی الاسلام و در
حدیث دیگر وارد شده که چون آنحضرت این سوره مبارکه را میخواند بعد از لا اعبد ما تعبدون
میفرمود اعبد ربی و بعد از اتمام سوره میفرمود دینی الاسلام علیه احیا و علیه اموت ان شاء الله
و در حدیث دیگر از آنحضرت مرویست که فرمود که هرگاه سوره الرحمن را بخوانید و چون آیه فبای
آلاء ربکما تکذبان را تمام کند بگوید لا بشیء من آلائک رب اکذب اگر در شب خوانده باشد و در آن
شب بمیرد شهید مرده باشد و اگر در روز خوانده باشد شهید مرده باشد و در حدیث دیگر فرمود
که هرگاه بخواند سوره تبت را نفرین کند بر ابولهب که از کسانی بود که تکذیب کرد پیغمبر صلی الله علیه و آله
و تکذیب کرد آنچه را آنحضرت از جانب حق تعالی آورده بود و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امیر المؤمنین

صلوات الله

صلوات الله علیه منقولست که فرمود چون سوره مسبحات را بخوانید بگوئید سبحان الله الاعلی و چون
بخوانید ان الله و ملائکته یصلون علی النبی صلوات فرستید خواه در نماز و خواه در غیر نماز و چون سوره
والتین را بخوانید در آخر آن بگوئید و نحن علی ذلک من الشاهدین و چون بخوانید قولوا آمنا بگوئید
آمنا بالله و اشهد بانا مسلمون مؤلف گوید که مراد از مسبحات سوره هائیست که در اول آنها
تسبیح واقع است یا بلفظ سبح مانند سوره حدید و سوره حشر و سوره صف یا بلفظ یسبح مانند
سوره جمعه و سوره تغابن یا بلفظ سبح مانند سوره اعلی و سند معتبر دیگر از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام منقولست که فرمود که چون کسی سوره والشمس بخواند بعد از اتمام سوره بگوید صدق
الله و صدق رسوله و چون بخواند آلله خیر اما یشرکون بگوید الله خیر الله خیر اکبر و چون بخواند
ثم الذین کفروا بربهم یعدلون بگوید کذب العادلون بالله و چون بخواند الحمد لله الذی لم یتخذ
ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا بگوید سه مرتبه الله اکبر
روای سؤال نمود که اگر چیزی از اینها که فرمودید نگوید چون است فرمود که بر او چیزی نیست و قصوری
ندارد و در حدیث دیگر از آنحضرت مرویست که فرمود که هرگاه آیه شهد الله بخواند و بعد از آن بگوید
اشهد بما شهد الله به و استودع الله هذه الشهادة و هی لی عند الله ودیعة چون روز قیامت
شود حق تعالی گوید صاحب این را این و من عهدی عهد اوراد اخل بهشت کنید سیزدهم آنکه هرگاه آیه
سجده بشنود واجب است که سجده کند اگر از سجده های عزائم باشد و سنت است اگر از غیر عزائم باشد
و مراد از عزائم چهار سجده واجب است که در چهار سوره است اول سوره الم سجده دوم حم سجده سیم
والنجم چهارم اقرأ باسم ربک و سجده های سنت موافق مشهور یازده است اول سوره اعراف
و آیه سجده آیه آخر آنست دوم سوره رعد و آیه سجده و ظلالهم بالغدو و الآصال است سیم سوره
نحل و آیه سجده و یفعلون ما یؤمرون است چهارم سوره بنی اسرائیل و آیه سجده آیه و یزیدهم
خشوعا است پنجم سوره مریم و آیه سجده آیه خروا سجدا و بکیا است ششم سوره حج و آیه سجده
در این سوره دو آیه است یکی ان الله یفعل ما یشاء و دیگری وافعلوا الخیر لعلکم تفلحون است هفتم
سوره فرقان و آیه سجده آیه و زادهم نفورا است هشتم سوره نمل و آیه سجده رب العرش العظیم
نهم سوره ص و آیه سجده آیه و خر راکعا و اناب است دهم سوره اذا السماء انشقت و آیه

سجده آیه و اذا قرئ علیهم القرآن لا یسجدون است و ابن بابویه رضوان الله علیه گفته است که سنت است
که سجده کنند در هر سوره که در آن سجده باشد و در کتاب علل الشرایع از جابر بن روایت نموده که حضرت امام
محمد باقر علیه السلام میفرمود که پدرم حضرت امام زین العابدین علیه السلام یاد نمیکرد نعمتی از نعمتهای
حق تعالی را مگر آنکه سجده میکرد و نمیخواند آیه از کتاب خدا را که در آن آیه حرف سجده بود مگر آنکه
سجده مینمود و نیز میفرمود که بعد از کلامی که از این جهت آنحضرت سجاد میباشند و ابن ادریس در کتاب
سرائر بسند صحیح روایت کرده است که حضرت امام زین العابدین علیه السلام را خوش می آمد که سجده کند
در هر سوره که در آن سوره آیه سجده بوده باشد و بنا بر این قول و این دو حدیث شریف استحباب سجده
بآن دو آیه سابق که مذکور شد اختصاص ندارد بلکه در هر آیه که سجده مذکور باشد سجده کردن سنت است
مانند آیه یا مریم اقنتی لربک واسجدی در سوره آل عمران و امثال آن در سوره دیگر و لیکن شیخ شهید
علیه الرحمه نقل اجماع نموده است بر آنکه سجدات واجبه و مستحبه غیر از پانزده نیست و محتمل است که مراد شیخ
شهید و سایر علما از استحباب سجده در پانزده موضع مذکور تاکد استحباب باشد و مراد صدوق و علی علیه الرحمه
مطلق استحباب باشد چنانچه در روایت وارد شده است بنا بر آن دعوای اجماع با قول صدوق و مضمون
دو روایت مذکور منافات ندارد و بالجمله متابعت قول صدوق و مضمون این دو روایت اولی است
والله تعالی اعلم و بدانکه آداب و وظایف این سجده چند چیز است اول مشهور میان علما آنست که این سجده
واجب فوری است بانمعنی که بعد از اتمام سجده بی فاصله باید بسجود رود و ظاهر آنست که اتصال عرفی کافیست
و اتصال حقیقی در کار نیست و اگر تاخیر کند معاقب است و قضا نمیشود بمذهب محقق و اما بقول
شیخ شهید داخل در این صورت ترک تعیین ادا و قضا است در نیت دویم وقت نیت هنگام رفتن
بسجود است و بعضی وقت گذاشتن پیشانی بر موضع سجود است سیم احوط آنست که در این سجود مانند
سجود نماز پیشانی را بچیزی دیگر نگذارد مگر بر خاک یا غیر خاک از چیزهائی که سجود بر آنها صحیح است
و بعضی از علما در این سجود بر همه چیز را تجویز نموده اند چهارم احوط آنست که غیر پیشانی از
اعضای سبعه را که کف دستها و زانوها و ابهامان پاهاست چنانچه در سجود نماز بر زمین میگذارد
در این سجده نیز بر زمین گذارد هر چند دلیلی بر وجوب در اینجا نیست پنجم مشهور میان علما آنست که ستر
عورت و طهارت بدن و لباس و استقبال قبله در این سجده شرط نیست و والد علامه ام ادام الله

ظلاله

ظلاله در رساله وظایف اثنا عشریه گفته که این قول اقوی است بلکه اقرب بطلان حدیث معتبر آنست که وضو و طهارت
نیز در این سجده شرط نیست و لیکن بعضی از علما شرط دانسته اند و در باب سجده حایض احادیث بسیار
مختلف واقع شده اند که مذکور شده است و احوط آنست که سجده کند و بعد از آنکه از حیض پاک شود غسل کند
و باز سجده را قضا کند ششم بعضی گفته اند که واجب است که چون سر از سجده بردارد الله اکبر بگوید و بعضی
باستحباب آن قایل شده اند و احوط آنست که ترک نکند هفتم مشهور میان علما آنست که در این سجده ذکر
و دعا واجب نیست بلکه سنت است که ذکری در آن بخوانند و صورت ذکر در کتب علما و متون احادیث چند نوع
مذکور است اول ابن جنید علیه الرحمه گفته و در حدیث موثق از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نیز
مرویست و آن اینست که بگوید سبحان ربی الاعلی و بحمده بنحوی که در سجود نماز میگوید دویم کلینی رضی الله
عنه بسند صحیح از آنحضرت روایت کرده است که فرمودند که هر گاه یکی از شما آیه سجده را از سوره عزایم
را بخواند در سجده آن این ذکر را بخواند سجدت لک تعبدا و رقا لا مستکبرا عن عبادتک و لا مستنکفا
و لا متعظما بل انا عبد ذلیل خائف مستجیر سیم ابن بابویه رضی الله بسند مرسل روایت کرده است که در
سجده عزایم این ذکر را بخوانند لا اله الا الله حقا حقا لا اله الا الله ایمانا و تصدیقا لا اله الا الله
عبودیة و رقا سجدت لک یا رب تعبدا و رقا لا مستنکفا و لا مستکبرا بل انا عبد ذلیل خائف مستجیر
و شیخ شهید قدس الله روحه در کتاب بیان بی سند مرسل این روایت را ذکر نموده و لیکن بعد از لا مستنکفا
تا آخر در روایت او مذکور نیست چهارم ابن جمهور احسائی رحمه الله در کتاب عوالی اللئالی بسند مرسل
روایت کرده که چون آیه آخر سوره اقرا نازل شد حضرت رسول صلی الله علیه و آله بسجود در آمد و این
ذکر را خواند اعوذ برضاک من سخطک و بمعافاتک من عقوبتک و اعوذ بک منک لا احصی
ثناء علیک انت کما اثنیت علی نفسک پنجم ایضا شیخ شهید قدس الله روحه در کتاب بیان
از کتاب معتبر راوندی بسند مرسل نقل نموده که هر که در [illegible] سوره اقرا بخواند سجده کند و این
ذکر را بگوید الهی آمنا بما کفروا و عرفنا منک ما انکروا و اجبناک الی ما دعوا الهی العفو العفو
و شهید ثانی طاب ثراه در کتاب شرح نفلیه همین ذکر را بی سند مرسل روایت کرده است و در بعضی نسخ
او حکایتی تا آخر مذکور نیست مگر همچنین است که در سجده سوره اقرا این ذکر را بخواند و علامه علیه
الرحمه در کتاب منتهی گفته که مستحب است در این سجده این ذکر و این ذکر را نقل نموده و لیکن تا العفو العفو

بجای الهی العفو العفو نقل نموده است و اینجا از اختلاف روایات در این باب مفهوم میشود است که در این
سجده ذکر مخصوصی لازم نیست بلکه مطلق ذکر و دعا مجزیست و لهذا ائمه علیهم السلام در هر وقتی ذکری
را در این سجود اختیار فرموده و بنحوی که از ایشان مسئلت نموده اند اذکار مختلفه فرموده اند و لیکن
شکی نیست که متابعت یکی از روایات مذکوره اولی و احوطست و چون روایت ثانی که کلینی رضی الله
عنه نقل نموده صحیحست متابعت اولی است از سایر روایات و اگر در سجده سوره اقرا دو ذکر
را که در روایت چهارم و پنجم مذکور است با ذکر روایت ثانی ضم نماید بهتر است و اگر خواهد که بجمیع روایات
مذکوره عمل شده باشد باین طریق بخواند سبحان ربی الاعلی و بحمده لا اله الا الله حقا حقا لا اله
الا الله ایمانا و تصدیقا لا اله الا الله عبودیة و رقا سجدت لک یا رب تعبدا و رقا لا مستنکفا
و لا مستکبرا بل انا عبد ذلیل خائف مستجیر سجدت لک تعبدا و رقا لا مستکبرا عن عبادتک و لا
مستنکفا و لا مستعظما بل انا عبد ذلیل خائف مستجیر اعوذ برضاک من سخطک و بمعافاتک
من عقوبتک و اعوذ بک منک لا احصی ثناء علیک انت کما اثنیت علی نفسک الهی آمنا بما کفروا
و عرفنا منک ما انکروا و اجبنا الی ما دعوا الهی العفو العفو **هشتم این سجده** چنانچه واجبست بر
کسی که آیه سجده را بخواند همچنین واجبست بر مستمع یعنی کسی که دانسته گوش دهد و آیه سجده را بشنود و در باب
سامع یعنی کسی که قصد شنیدن نداشته باشد و این سجده بگوشش رسد خلافست شیخ طوسی رضی الله
عنه گفته که در این صورت سجده واجب نیست و ابن ادریس علیه الرحمه بوجوب قایل شده است و هریک دعوی
اجماع بر مذهب خود نموده اند و روایات و اخبار در این باب مختلفست و شاید جمع بین الروایات
دو وجه میتوان گفت **اول آنکه** روایاتی که دلالت بر عدم وجوب میکند محمول بر جواز و روایاتی که دلالت بر وجوب
محمول بر استحباب باشد **دویم آنکه** چون عامه بعدم وجوب قایلند پس محتمل است که روایات
عدم وجوب محمول بر تقیه باشد و احوط سجده کردنست به نیت قربت **نهم بعضی از علما از**
بعضی از روایات گفته اند که هرگاه کسی سواره یا پیاده براهی رود و سجده کردن ممکن و میسر باشد
واجبست و اگر ممکن نباشد بعوض سجود ایما و اشاره کند **دهم بعضی از علما** گفته اند که واجبست
تکرار سجده بتکرار خواندن یا شنیدن آیه سجده هر چند در یک مجلس باشد و والد مغفور خلد الله
ظلاله در رساله وظایف الثلاثه ذکر نموده که اقرب و اقوی نظر بعموم ادله بر تداخل است که هرگاه

بخوانند

بخوانند یا بشنوند فوراً سجده نکرده باشد و در آخر یک سجده کند کافیست لیکن احتیاط در تکرار
سجده است و الله تعالی اعلم بحقایق الاحکام **چهاردهم** در احادیث بسیار وارد شده که سزاوارست متصل
گردانیدن ختم قرآن با افتتاح قرآن و ظاهر مراد اینست که فاصله عرفیه در میان واقع نشود پس خواندن دعا
های ختم قرآن که بعد از این ان شاء الله تعالی مذکور میشود و در مابین اختتام و افتتاح ضرر ندارد
پانزدهم در حدیث وارد شده که هرگاه تو را حاجتی باشد ختم نما قرآن را بعد از آن نماز عصر و قرآن را
بدست خود بگیر و از اول تا آخر آن را باز کن و بعد از آن هر دو دست خود را بلند کن بسوی آسمان به قدری
که توانی و بخوان این دعا را اللهم انی اتوجه الیک بالقرآن العظیم من فاتحته الی خاتمته و فیه
اسمک الاکبر و کلماتک التامات کلها و اسالک بما نخاف منه و نرجوا یا سامع کل صوت
و یا باری النفوس بعد الموت یا من لا تغشاه الظلمات و لا تشتبه علیه الاصوات ان تصلی علی محمد و آل
محمد و ان تعطیه محمدا افضل ما سئلت له و افضل ما انت مسئول له الی یوم القیمة یا ذا الجلال
و الاکرام و ان تغفرلی و ترحمنی و ترزقنی الجنة و حوایج خود را مسئلت نماید **شانزدهم** مستحبست
که بعد از تمام شدن کل قرآن بغیر یا بعقب بعد از فراغ از تلاوت که سابق مذکور شد دعای ختم قرآن را
بخواند و اینجا آنچه بنظر رسیده چند دعاست **اول دعای ختم قرآن** صحیفه کامله که دعای چهل و دویم است
دویم چون سید بن طاوس قدس الله روحه در کتاب اقبال ذکر نموده و روایت سید با روایت صحیفه فی
الجمله مخالفتی دارد لهذا روایت سید را مذکور میسازیم سید بسند صحیح از ابی المفضل محمد بن عبد الله
بن المطلب الشیبانی روایت نموده که او بسند خود از حضرت سید الساجدین صلوات الله علیه و علی
آبائه و ابنائه روایت کرده که از جمله دعاهای آن حضرت این دعاست که بعد از ختم قران مجید میخوانده اند
اللهم انک اعنتنی علی ختم کتابک الذی انزلته نورا و هدی و جعلته مهیمنا علی کل کتاب
انزلته و فضلته علی کل حدیث قصصته و فرقانا فرقت به بین حلالک و حرامک و قرآنا اعربت
به عن شرایع احکامک و کتابا فصلته لعبادک تفصیلا و وحیا انزلته علی نبیک محمد صلی الله
علیه و آله تنزیلا و جعلته نورا نهتدی من ظلم الضلالة و الجهالة باتباعه و شفاء
لمن انصت بفهم التصدیق الی استماعه و میزان قسط لا یحیف عن الحق لسانه و نور هدی لا یطفی
عن الشاهدین برهانه و علم نجاة لا یضل من ام قصد سنته و لا تنال ایدی الهلکات من

تعلق بعروة عصمته اللهم واذ قد افدتنا المعونة على تلاوته وسهلت جواسي السنتنا
بحسن عبارته فاجعلنا ممن يرعاه حق رعايته ويدين لك باعتقاد التسليم لمحكم اياته ويفزع
الى الاقرار بمتشابهه وموضحات بيناته اللهم انك انزلته على نبيك محمد صلى الله عليه واله مجملا
والهمته علم عجائبه مكملا وورثتنا علمه مفسرا وفضلتنا على من جهل علمه وقويتنا عليه
لترفعنا فوق من لم يطق حمله اللهم فاذ قد جعلت قلوبنا له حملة وعرفتنا برحمتك شرفه وفضله
فصل على محمد الخطيب به وعلى اله الخزان له واجعلنا ممن يعترف بانه من عندك حتى لا يعارضنا
الشك في تصديقه ولا يختلجنا الزيغ عن قصد طريقه اللهم واجعلنا ممن يعتصم بحبله ويأوي
من المتشابهات الى حرز معقله ويسكن في ظل جناحه ويهتدي بضوء صباحه ويقتدي بتبلج
اسفاره ويستصبح بمصباحه ولا يلتمس الهدى في غيره اللهم وكما نصبت به محمدا صلى الله عليه
واله علما للدلالة عليك وانهجت باله عليهم السلام سبل الرضا اليك فصل على محمد واله
واجعل القران وسيلة لنا الى اشرف منازل الكرامة وسلما نعرج فيه الى محل السلامة وسببا
نجزى به النجاة في عرصة القيمة وذريعة نقدم بها على نعيم دار المقامة اللهم صل على محمد و
اله واحطط بالقران عنا ثقل الاوزار وهب لنا حسن شمائل الابرار واقف بنا اثار الذين قاموا
لك به اناء الليل واطراف النهار حتى تطهرنا من كل دنس بتطهيره وتقفو بنا اثار الذين استضاؤا
بنوره ولم يلههم الامل عن العمل فيقطعهم بخدع غروره اللهم صل على محمد وال محمد واجعل القران
لنا في ظلم الليالي مونسا ومن نزغات الشيطان وخطرات الوساوس حارسا ولاقدامنا عن
نقلها الى المعاصي حابسا ولالسنتنا عن الخوض في الباطل من غير ما افة مخرسا ولجوارحنا عن اقتراف
الاثام زاجرا ولما طوت الغفلة عنا من تصفح الاعتبار ناشرا حتى توصل الى قلوبنا فهم عجائبه
وزواجر امثاله التي ضعفت الجبال الرواسي على صلابتها عن احتماله اللهم صل على محمد واله
وادم بالقران صلاح ظاهرنا واحجب به خطرات الوساوس عن صحة ضمائرنا واغسل به درن
قلوبنا وعلائق اوزارنا واجمع به منتشر امورنا وارو به في موقف العرض عليك ظمأ هواجرنا
واكسنا به حلل الامان يوم الفزع الاكبر في نشورنا اللهم صل على محمد واله واجبر بالقران خلتنا من
عدم الاملاق وسق الينا به رغد العيش وخصب سعة الارزاق وجنبنا به الضرائب المذمومة
ومداني

ومداني الاخلاق واعصمنا به من هوة الكفر ودواعي النفاق حتى يكون لنا في القيمة الى رضوانك
وجنانك قائدا ولنا في الدنيا عن سخطك وتعدي حدودك ذائدا ولما عندك بتحليل حلاله
وتحريم حرامه شاهدا اللهم صل على محمد واله وهون بالقران عند الموت على انفسنا كرب
السياق وجهد الانين وترادف الحشارج اذا بلغت النفوس التراقي وقيل من راق وتجلى ملك
الموت لقبضها من حجب الغيوب ورماها عن قوس المنايا باسهم وحشة الفراق ودنا منا الى
الاخرة رحيل وانطلاق وكانت القبور هي الماوى الى ميعاد يوم التلاق اللهم صل على محمد واله
وبارك لنا في حلول دار البلى وطول المقامة بين اطباق الثرى واجعل القبور بعد فراق الدنيا
خير منازلنا وافسح لنا برحمتك في ضيق ملاحدنا ولا تفضحنا في حاضري القيمة بموبقات اثامنا
وارحم بالقران في موقف العرض عليك ذل مقامنا وثبت به عند اضطراب جسر جهنم يوم المجاز
عليها زلل اقدامنا ونجنا من كل كرب يوم القيمة وشدائد اهوال يوم الطامة وبيض وجوهنا
يوم تسود وجوه الظلمة في يوم الحسرة والندامة واجعل لنا في صدور المؤمنين ودا ولا تجعل
الحيوة علينا نكدا اللهم صل على محمد عبدك ورسولك كما بلغ رسالتك وصدع بامرك ونصح لعبادك
اللهم اجعل نبينا محمدا صلواتك عليه واله يوم القيمة اقرب النبيين منك مجلسا وامكنهم منك
شفاعة واجلهم عندك قدرا واوجههم عندك جاها اللهم صل على محمد وال محمد وشرف
بنيانه وعظم برهانه وثقل ميزانه وتقبل شفاعته وقرب وسيلته وبيض وجهه واتم نوره
وارفع درجته واحينا على سنته وتوفنا على ملته وخذ بنا منهاجه واسلك بنا سبيله و
اجعلنا من اهل طاعته واحشرنا في زمرته واوردنا حوضه واسقنا بكاسه وصل على محمد واله
صلوة تبلغه بها افضل ما يامل من خيرك وفضلك وكرامتك انك ذو رحمة واسعة وفضل
كريم اللهم اجزه بما بلغ من رسالاتك وادى من اياتك ونصح لعبادك وجاهد في سبيلك
افضل ما جزيت احدا من ملائكتك المقربين وانبيائك المرسلين المصطفين والسلام عليه وعلى اله
الطيبين الطاهرين ورحمة الله وبركاته [illegible] اقبال الكفعمي اكثر فقره و ورثتنا
علمه مفسرا تا فقره فصل على محمد الخطيب به حضرت سيد الساجدين و ابائه طاهرين و اولاد طيبين
[illegible]

بچیزی که مناسب حال ایشان باشد مثل آنکه باین عنوان بخوانند و رزقت ائمتنا علیه مفترضا وفضلتهم
علی من جهل علمه وفوّضتهم علیه ولزمتهم فوق من لم یطق حمله اللهم فاذ قد جعلت قلوبهم له حملة
وعرفتهم بها انبیائک شرفه وفضله فصل علی محمد الخطیب به تا آخر والله تعالی یعلم **دویم تنبیه**
طوسی رفع الله درجته در مصباح مرسلا از آنحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت کرده است که آنحضرت
هرگاه قرآن مجید را ختم میفرمود باین دعا میخواند اللهم اشرح بالقرآن صدری واستعمل بالقرآن بدنی ونوّر
بالقرآن بصری واطلق بالقرآن لسانی واعنّی علیه ما ابقیتنی فانه لا حول ولا قوة الا بک **سیم**
از طرق عامه در کتاب مناقب خوارزمی از عاصم قاری منقول است از زر بن حبیش روایت کرده است که گفت
در مسجد جامع کوفه قرآن مجید را از اول تا آخر بر حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه خواندم و چون
بسورهای حم رسیدم بنزدیک بعد از قرآن رسیده و چون از عشر دوم از سوره حمعسق باین آیه
رسیدم والذین آمنوا وعملوا الصالحات فی روضات الجنات لهم ما یشاؤن عند ربهم ذلک
هو الفضل الکبیر حضرت گریان شد تا صدای او بگریه بلند شد پس سر مبارک باسمان بلند کرده فرمودند
که ای زر آمین بر دعای من بگو این دعا را خواند اللهم انی اسئلک اخبات المخبتین واخلاص الموقنین
ومرافقة الابرار واستحقاق حقائق الایمان والغنیمة من کل بر والسلامة من کل اثم ووجوب
رحمتک وعزائم مغفرتک والفوز بالجنة والنجاة من النار پس فرمود که ای زر هرگاه قرآن را ختم
نمائی این دعا را بخوان که حبیب من رسول خدا صلی الله علیه وآله مرا امر فرمود که این دعا را در ختم قرآن
بخوانم **مؤلف گوید که** خواندن آنحضرت این دعا را نزد این آیه کریمه ظاهرا از جهت مناسبت دعا با مضمون
آیه است و منافاتی نیست میان آنکه این دعا بعد از ختم قرآن و نزد این آیه هر دو خوانده شود که محتمل است
که دستور هم این بوده که این دعا خوانده شود بلکه باشد **ختم کردن بعضی از روایات مذکور است** که آیاتی
که مذکور میشود کفاره مجالس است یعنی هرگاه در آخر مجلس خوانده شود کفاره گناهان آن مجلس خواهد
بود و ختم تعقیب نمازها باین آیات وارد شده چنانچه ابن بابویه و شیخ طوسی و کفعمی و دیگران از حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده اند که هر که خواهد ثواب دهد بکیال الکه اوفی ترین مکیالها
پس بعد از تعقیب نماز این آیات را بخواند و در بعضی احادیث بنظر رسیده که بعد از تلاوت قرآن نیز
باید خوانده شود ولیکن چندان مشهور میان خواص و عوام بلکه دایر میان سلف و خلف از علمای اعلام

چنین بوده

چنین بوده که بعد از تلاوت خواه بعضی از قرآن یا کل آن بوده این آیات را میخوانده اند اگر خوانده شود
نیکو است و آیات اینست سبحان ربک رب العزة عما یصفون وسلام علی المرسلین والحمد لله
رب العالمین **تکمیل بدانکه** در بعضی از کتب معتبره بخط بعضی از علما و ثقات مثل الخط شد طریق ختم
قرآن مجید که منقول است از ابن عباس بکیفیتی که بعد از این مذکور میشود و مشهور است بختم احزاب و این
حقیر بخط والد علامه ام طاب ثراه دیدم مروی از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که هر
کامکی حاجتی شرعی داشته باشد از حوائج دنیا یا آخرت باید که از روز جمعه تا روز پنجشنبه
بخواند در هفت روز یعنی روزهای ایام هفته سورهای که در این روز مقرر است و مذکور خواهد شد
و بعد از تمام شدن هر سوره این دعا بخواند اللهم لک الحمد والیک المشتکی وبک المستغاث
وانت المستعان ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم **وکیفیت** تقسیم سورها در ایام هفته
نیز چنانکه باین نحو است **روز جمعه** از سوره حمد تا سوره انعام تلاوت نماید **و روز شنبه** از سوره
انعام تا سوره یونس **و روز یکشنبه** از سوره یونس تا سوره طه **و روز دوشنبه** از سوره طه
تا سوره عنکبوت **و روز سه شنبه** از سوره عنکبوت تا سوره زمر **و روز چهارشنبه** از سوره
زمر تا سوره واقعه **و روز پنجشنبه** از سوره واقعه تا آخر قرآن قرائت نماید و بعد از آن حوائج
خود را از حق تعالی مسئلت نماید که برآورده میشود انشاء الله **تحقیق بدانکه** ثواب تلاوت قرآن
مجید را هدیه ارواح مقدس رسول خدا و ائمه هدی و فاطمه زهرا صلوات الله علیهم نمودن ثواب
عظیم دارد چنانچه گذشت و در روایت علی بن مغیره از حضرت امام رضا صلوات الله علیه که در
ماه رمضان چهل ختم با زیادتر یا کمتر میکرده و ثواب آن را در روز عید بارواح مطهره هر یک از حضرت
رسول و اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین هدیه مینموده و مخفی نماند که فایده بخشیدن ثواب
بایشان آنست که روز قیامت با ایشان محشور خواهی بود بلکه بخشیدن ثواب طاعات و عبادات بائمه معصومین
ظاهرا خوب باشد چنانچه در باب حج و غیره وارد شده هر چند ایشان را احتیاج بعبادت ما نیست
و فی الحقیقه مثل صلوات بر ایشان است که ثوابش بما عاید میشود نه بایشان چنانچه در موضعش بیان
شده و همچنین است جایز است تلاوت قرآن و سایر عبادات و خیرات و مبرات برای مردگان و زندگان
خصوصا والدین و خویشان و صاحب حقوق بانواع اعمال خیر و حج و عمره و ثواب تبرع الذین و احسان

بمؤمنان و ثواب صله رحم و سایر امور خیر را به احیا نیز قرار میتوان داد بلکه بعضی از ارباب عمل را میتوان
شریک نمود و از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه مرویست که اسحق بن عمار از آنحضرت سؤال کرد از
شخصی که حج کند و حج خود را یا عمره خود را یا بعضی از طواف را یا آنکه نصف یا ثلث مراد باشد یا طواف عمره
یا طواف حج را از برای بعضی از اهل خود قرار دهد و آن شخص که در شهری دیگر باشد خوبست حضرت فرمودند
بلی اسحق عرض کرد که از اجر او چیزی کم میشود حضرت فرمودند نه هم از برای او خواهد بود و هم از برای شخصی که از برای او
او قرار داده است و ثواب دیگر دارد که احسان به برادر مؤمن کرده اسحق عرض کرد که اگر آن کس که برای او میکند
مرده باشد آیا این باو میرسد حضرت فرمودند بلی یا آنکه گاه باشد که مستوجب عذاب الهی شده باشد او را از آن
یا در تنگی باشد از او برطرف می نماید عرض کرد که میت میداند که این عمل را برای او کرده اند فرمود بلی عرض کرد
اگر ناصبی باشد نفع باو میرسد حضرت فرمودند که عذابش سبک میشود و بدانکه شریک در عمل ثواب میتوان
قرار داد چنانچه از حضرت امام رضا صلوات الله علیه در حدیث صحیح روایت کرده اند عرض کرد که چند کس

میتوان شریک کرد در حج یا ثواب حج حضرت فرمودند که هر قدر که خواهی و از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
علیه و علی آبائه الطاهرین و ابنائه منقول است که اگر هزار کس را شریک گردانی در حج خود حق تعالی هر یکی را ثواب
حجی میدهد بی آنکه از ثواب تو چیزی کم شود و فرق میان اعمال خیر در شریک یکی با دادن و هبه نمودن آنها
است یا شریک با ثواب دادن و از غیر یا حی یا میت و تفصیل این مطلب و ذکر اخبار مناسب این مقام نیست
و ختم کردن را در ابتدای فعل شریک بکند و در هبه شریک ثواب اعمال خیر واجب و غیر آن است قصد میکند
که مثلا این نماز یا روزه یا حج یا ختم قرآن را میکنم و میدهم یا مادرم مثلا و در این شریک میکنم قربة الی الله
تعالی اما هبه است که امثال این عبادات بجا آورد و در ابتدای فعل شریک نکند بلکه بعد از فعل شریک کند
مثل آنکه بعد از نماز مثلا بگوید که خدایا ثواب نصف نماز خود را یا نصف این قرآن را که ختم نمودم بپدر یا مادر
خود یا غیر ایشان بخشیدم خوبست و اگر همه را ببخشد ظاهرا ضرر نداشته باشد اما بهتر است که در
سنتها هر چه خواهد ببخشد و در واجبی ها همه را ببخشد و همچنین ثواب تلاوت قرآن را اولا با رواح مقدسه
چهارده معصوم یا یکی از ایشان هدیه نماید و بعد از آن این ثواب عظیم برای پدر یا مادر یا غیر ایشان هر که
را خواهد قرار نماید یعنی ثواب بیشتر خواهد بود والله تعالی یعلم و حججه الکرام علیهم السلام **دوم بسیار خواندن**
سوره انا انزلناه فی لیلة القدر بنابر احتمالی چنانچه شیخ طوسی طاب ثراه در کتاب تهذیب نقل نموده

روایت

روایت کرده است که مردی بخدمت حضرت صادق صلوات الله علیه عرض نمود که آیا از نوافل ماه مبارک
رمضان زیاده بر سایر اوقات سؤال نمود که حضرت در جواب فرمودند که در هر شب از شبهای ماه
مبارک رمضان زیاده بیست رکعت نماز بکن هشت رکعت میانه نماز شام و خفتن و دوازده رکعت بعد
از نماز خفتن و در دهه آخر در هر شب سی رکعت و دو رکعت بعد از نماز خفتن مکرر در هر شب بیست و یکم که در آن
شب صد رکعت نماز که در آن یاد کرده شود تکرار است این نماز هم غیر بیست رکعت نماز است که در هر شب از شبها
باید کرده شود و بسیار خواندن سوره انا انزلناه را **مؤلف گوید که** این حدیث از جمله بنا با فرست که در باب هزار
رکعت نماز نافله ماه رمضان وارد شده است و تفصیل آن بعد از این مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی **و آنچه**
در آخر این حدیث وارد شده است از بسیار خواندن سوره انا انزلناه ممکن است که مراد خواندن آن در تمام
ماه باشد و محتمل است که در خصوص شب بیست و یکم بوده باشد والله تعالی یعلم **سیم معرفت دعاء جوشن کبیر**
چنانچه شیخ عظیم الشان ابرهیم بن علی کفعمی علیه الرحمة و الرضوان در کتاب بلد الامین از حضرت سید الساجدین
امام زین العابدین صلوات الله علیه از پدر بزرگوارش سید الشهدا از جد عالی مقدارش حضرت امیر
المؤمنین علی مرتضی صلوات الله علیهما روایت کرده است از حضرت سید انبیاء محمد مصطفی صلی الله علیه و آله
در یکی از جنگها که زرهی سنگین پوشیده بودند ثقل آن زره آنجناب را مشقت داد در این حال حضرت جبرئیل علیه السلام
بر آنحضرت نازل شد و گفت یا محمد صلی الله علیه و آله پروردگارت سلام میرساند و میفرماید که
این جوشن را از تن بکن و این دعای عظیم الشان را بخوان که این دعا امانیست برای تو و امت تو از
بلاها و شدتها و هر که در هنگام بیرون آمدن از خانه خود این دعا را بخواند حق تعالی او را از بلاها حفظ
نماید و بهشت را برای او واجب گرداند و اعلا توفیق اعمال شایسته کرامت فرماید و چنان باشد که قرآن
مجید و توریة و انجیل و زبور را خوانده باشد و بعدد هر حرفی خدا او را [illegible] در بهشت
باو عطا فرماید و باو ثواب بعضی از اعمال ابرهیم و موسی و عیسی علیهم السلام و ثواب جمعی که در عقب [illegible]
آفتاب سالکند و بکشته شوند معصیت خدا نکرده اند و چندان از بیم عذاب الهی گریسته اند و دلهای
ایشان پاره پاره شده است و عدد ایشان را بغیر از خدا کسی نمیداند باو تفضل نماید و بدرستی که بیت
المعمور را ستون چهارم است که هر روز هفتاد هزار ملک بزیارت او میروند و داخل میشوند و بیرون می آیند
و یکی هر کدام [illegible] میکنند و در دیگر [illegible] حق تعالی ثواب ملائکه را بخواننده

این دعا عطا کند و ثواب مؤمنین و مؤمنات را باو عطا فرماید و هر که این دعا را بنویسد و در خانه خود
بگذارد دزد آن خانه چیزی نبرد و آتش در آن خانه نیفتد و هر که این دعا را بر پوست آهو یا بر کاغذی
بنویسد و با خود نگاه دارد از همه چیز ایمن گردد و هر که این دعا را بخواند در این روز یعنی که شهید مرده
باشد و ثواب شهیدان شهدای جنگ بدر برای او نوشته شود و بعد از آن حق تعالی این دعا هر حاجتی که از
حق تعالی طلبد بر آورده شود و هر که هفتاد مرتبه به نیت خالص بر بیماری بخواند البته شفا یابد اگر چه
بیماری او دیوانگی یا لقوه یا پیسی بوده باشد و هر که این دعا را با کافور در جامی بنویسد و با آب بشوید
و آن آب را بر کفن مرده بپاشد حق تعالی در قبر او هزار نور فرو فرستد و او را از هول منکر و نکیر که در قبر از
او سؤال بکنند ایمن گرداند و عذاب قبر را از او بردارد و هر روز هفتاد هزار ملک در قبر او بروند و او را
بشارت دهند به بهشت و در قبر مونس او باشند و دری از بهشت بسوی قبر او بگشایند و قبر او را گشاده
گردانند و هر که این دعا را بر کفن خود بنویسد خدا شرم کند او را از آتش جهنم عذاب کند و خداوند عالم
این دعا را بر ستونهای عرش نقش کرده پنجاه هزار سال پیش از آنکه دنیا را بیافریند و هر که این دعا را
به نیت خالص در اول ماه مبارک رمضان بخواند خدای تعالی هفتاد هزار فرشته بیافریند که تسبیح و تقدیس
خدا و تحمید کنند و ثوابش برای او باشد یا محمد صلی الله علیه و آله هر که این دعا را بخواند میان او و خدا حجاب
نماند و هر حاجتی بطلبد روا گردد و چون از قبر بیرون آید خداوند کریم هفتاد هزار ملک نزد
قبر او فرستد و هر یک از ایشان طبقهای نور در دست داشته باشند که شکم آن از مروارید
باشد و پشت آن از زبرجد و پایهای آن از یاقوت و بر پشت هر طبقی از نور باشد که آن قبهها چند درگاه
داشته باشد و بر هر درگاهی پرده از سندس و استبرق بهشت آویخته باشد و در هر قبه هزار کنیز از
کنیزان بهشت باشند و هر کنیزی تاجی از طلا بر سر داشته باشد و از ایشان بوی مشک سالم باشد و حق تعالی
هم انبها را باو عطا فرماید بی ... هفتاد هزار ملک دیگر باستقبال او فرستد که هر یک کاسه از
مروارید سفید در دست داشته باشد و مملو از شراب بهشت و بر هر یک از آن کاسهها ... سبحانی
نوشته باشد لا اله الا الله وحده لا شریک له که این هدیه ایست از نزد عالم عز و جل برای فلان بن فلان
... ای بنده من داخل شو در بهشت بی حساب یا محمد صلی الله علیه و آله هر که این
دعا را در ماه مبارک رمضان ... خداوند عالم آمرزنده بود او را از آتش جهنم حرام کند

و بهشت را برای او واجب گرداند و موکل گرداند باو دو ملک که حفظ نمایند او را از شر ... ایام حیات
و بعد از وفات در زمان خالق ارضین و سموات بوده باشد یا محمد صلی الله علیه و آله تعلیم مکن مگر مؤمن
پرهیزکاری و بکافران میاموز که اگر انها مطلع گردند ... ایشان بر آورده میشود پس حضرت امام
حسین صلوات الله علیه فرمود که پدرم مرا وصیت کرد که این دعا را محافظت نمایم و تعلیم کنم او را و بر
کفنش بنویسیم و مخصوصان از خویشان و شیعیان خود تعلیم نمایم و این دعا مشتمل بر هزار نام است از نام
های جمیل خداوند جلیل و اسم اعظم خداوند در اینها داخل است و این دعا صد فصل است و هر فصلی ده نام است
و بعد از هر فصلی بگوید سبحانک یا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب و بروایت
دیگر در اول هر فصل بسم الله الرحمن الرحیم بگوید و در آخر فصل این دعا را بخواند سبحانک یا لا اله الا
انت الغوث الغوث صل علی محمد و آل محمد و خلصنا من النار یا رب یا ذا الجلال و الاکرام یا ارحم الراحمین
و اگر بغیر از خلاصی جهنم که اعظم و اهم حاجات است اگر حاجتی داشته باشد و بعد از هر فصل آن
را یاد کند بهتر است و اگر بعد از اتمام دعا حاجت خود را یاد کند بسیار خوب است و دعا این است که

اول

بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم انی اسئلک باسمک یا الله یا رحمن یا رحیم یا کریم یا مقیم یا عظیم یا قدیم یا علیم یا حلیم
یا حکیم دویم یا سید السادات یا مجیب الدعوات یا رافع الدرجات یا ولی الحسنات یا غافر الخطیئات
یا معطی المسئلات یا قابل التوبات یا سامع الاصوات یا عالم الخفیات یا دافع البلیات سیم
یا خیر الغافرین یا خیر الفاتحین یا خیر الناصرین یا خیر الحاکمین یا خیر الرازقین یا خیر الوارثین
یا خیر الحامدین یا خیر الذاکرین یا خیر المنزلین یا خیر المحسنین چهارم یا من له العزة و الجمال یا من له
القدرة و الکمال یا من له الملک و الجلال یا من هو الکبیر المتعال یا منشئ السحاب الثقال یا من
هو شدید المحال یا من هو سریع الحساب یا من هو شدید العقاب یا من عنده حسن الثواب
یا من عنده ام الکتاب پنجم اللهم انی اسئلک باسمک یا حنان یا منان یا دیان یا برهان
یا سلطان یا رضوان یا غفران یا سبحان یا مستعان یا ذا المن و البیان ششم یا من تواضع کل شیء
لعظمته یا من استسلم کل شیء لقدرته یا من ذل کل شیء لعزته یا من خضع کل شیء لهیبته یا من
انقاد کل شیء من خشیته یا من تشققت الجبال من مخافته یا من قامت السموات بامره یا من استقرت

الاوصول باذنه يا من يسبح الرعد بحمده يا من لا يعتدي على اهل مملكته هفتم يا غافر الخطايا يا كاشف يا كريم
البلايا يا منتهى الرجايا يا مجزل العطايا يا واهب الهدايا يا رازق البرايا يا قاضي المنايا يا سامع الشكايا
يا باعث البرايا يا مطلق الاسارى هشتم يا ذا الحمد والثناء يا ذا الفخر والبهاء يا ذا المجد والسناء يا
ذا العهد والوفاء يا ذا العفو والرضاء يا ذا المن والعطاء يا ذا الفضل والقضاء يا ذا العز والبقاء والرضا
يا ذا الجود والسخاء يا ذا الآلاء والنعماء نهم اللهم اني اسئلك باسمك يا مانع يا دافع يا رافع
يا صانع يا نافع يا سامع يا جامع يا شافع يا واسع يا موسع دهم يا صانع كل مصنوع يا خالق كل مخلوق یا موسع
يا رازق كل مرزوق يا مالك كل مملوك يا كاشف كل مكروب يا فارج كل مهموم يا راحم كل مرحوم يا ناصر
كل مخذول يا ساتر كل معيوب يا ملجا كل مطرود يازدهم يا عدتي في شدتي يا رجائي عند مصيبتي
يا مونسي عند وحشتي يا صاحبي عند غربتي يا وليي عند نعمتي يا غياثي عند كربتي يا دليلي عند حيرتي
يا غنائي عند افتقاري يا ملجاي عند اضطراري يا معيني عند مفزعي دوازدهم يا علام الغيوب یا غنای یا ملجای معینی
يا غفار الذنوب يا ستار العيوب يا كاشف الكروب يا مقلب القلوب يا منور القلوب يا انيس القلوب
يا مفرج الهموم يا منفس الغموم سيزدهم اللهم اني اسئلك باسمك يا جليل يا جميل يا وكيل يا
كفيل يا دليل يا قبيل يا مديل يا منيل يا مقيل يا محيل چهاردهم يا دليل المتحيرين يا غياث
المستغيثين يا صريخ المستصرخين يا جار المستجيرين يا امان الخائفين يا عون المؤمنين يا راحم
المساكين يا ملجا العاصين يا غافر المذنبين يا مجيب دعوة المضطرين پانزدهم يا ذا الجود والا
حسان يا ذا الفضل والامتنان يا ذا الامن والامان يا ذا القدس والسبحان يا ذا الحكمة والبيان
يا ذا الرحمة والرضوان يا ذا الحجة والبرهان يا ذا العظمة والسلطان يا ذا الرافة والمستعان يا الرافة
ذا العفو والغفران شانزدهم يا من هو رب كل شيء يا من هو اله كل شيء يا من هو خالق كل شيء
يا من هو صانع كل شيء يا من هو قبل كل شيء يا من هو بعد كل شيء يا من هو فوق كل شيء يا من هو عالم
بكل شيء يا من هو قادر على كل شيء يا من هو يبقى ويفنى كل شيء هفدهم اللهم اني اسئلك باسمك
يا مؤمن يا مهيمن يا مكون يا ملقن يا مبين يا مهون يا ممكن يا مزين يا معلن يا مقسم هجدهم يا من
هو في ملكه مقيم يا من هو في سلطانه قديم يا من هو في جلاله عظيم يا من هو على عباده رحيم يا من
هو بكل شيء عليم يا من هو بمن عصاه حليم يا من هو بمن رجاه كريم يا من هو في صنعه حكيم يا من هو
في حكمته

في حكمته لطيف يا من هو في لطفه قديم نوزدهم يا من لا يرجى الا فضله يا من لا يسئل الا عفوه
يا من لا ينظر الا بره يا من لا يخاف الا عدله يا من لا يدوم الا ملكه يا من لا سلطان الا سلطانه يا من
وسعت كل شيء رحمته يا من سبقت رحمته غضبه يا من احاط بكل شيء علمه يا من ليس احد مثله
بیستم يا فارج الهم يا كاشف الغم يا غافر الذنب يا قابل التوب يا خالق الخلق يا صادق الوعد يا
موفي العهد يا عالم السر يا فالق الحب يا رازق الانام بيست ويكم اللهم اني اسئلك باسمك يا علي
يا وفي يا غني يا ملي يا حفي يا رضي يا زكي يا بدي يا قوي يا ولي بيست ودوم يا من اظهر الجميل يا من ستر
القبيح يا من لم يؤاخذ بالجريرة يا من لم يهتك الستر يا عظيم العفو يا حسن التجاوز يا واسع المغفرة
يا باسط اليدين بالرحمة يا صاحب كل نجوى يا منتهى كل شكوى بيست وسيم يا ذا النعمة السابغة يا
ذا الرحمة الواسعة يا ذا المنة السابقة يا ذا الحكمة البالغة يا ذا القدرة الكاملة يا ذا الحجة القاطعة
يا ذا الكرامة الظاهرة يا ذا العزة الدائمة يا ذا القوة المتينة يا ذا العظمة المنيعة بيست وچهارم
يا بديع السموات يا جاعل الظلمات يا راحم العبرات يا مقيل العثرات يا ساتر العورات يا محيي الاموات
يا منزل الآيات يا مضعف الحسنات يا ماحي السيئات يا شديد النقمات بيست وپنجم اللهم
اني اسئلك باسمك يا مصور يا مقدر يا مدبر يا مطهر يا منور يا ميسر يا مبشر يا منذر يا مقدم
يا مؤخر بيست وششم يا رب البيت الحرام يا رب الشهر الحرام يا رب البلد الحرام يا رب الركن
والمقام يا رب المشعر الحرام يا رب المسجد الحرام يا رب الحل والحرام يا رب النور والظلام يا رب
التحية والسلام يا رب القدرة في الانام بيست وهفتم يا احكم الحاكمين يا اعدل العادلين
يا اصدق الصادقين يا اطهر الطاهرين يا احسن الخالقين يا اسرع الحاسبين يا اسمع السامعين
يا ابصر الناظرين يا اشفع الشافعين يا اكرم الاكرمين بيست وهشتم يا عماد من لا عماد له يا
سند من لا سند له يا ذخر من لا ذخر له يا حرز من لا حرز له يا غياث من لا غياث له يا فخر من لا
فخر له يا عز من لا عز له يا معين من لا معين له يا انيس من لا انيس له يا امان من لا امان له بيست ونهم
اللهم اني اسئلك باسمك يا عاصم يا قائم يا دائم يا راحم يا سالم يا حاكم يا عالم يا قاسم
يا قابض يا باسط سيم يا عاصم من استعصمه يا راحم من استرحمه يا غافر من استغفره يا
ناصر من استنصره يا حافظ من استحفظه يا مكرم من استكرمه يا مرشد من استرشده يا صريخ

من استصرخه يا معين من استعانه يا مغيث من استغاثه سی و یکم یا عزیزاً لا یضام یا لطیفاً
لا یرام یا قیوماً لا ینام یا دائماً لا یفوت یا حیاً لا یموت یا ملکاً لا یزول یا باقیاً لا یفنی یا عالماً
لا یجهل یا صمداً لا یطعم یا قویاً لا یضعف سی و دوم اللهم انی اسألك باسمك يا احد
يا واحد يا شاهد يا ماجد يا حامد يا راشد يا باعث يا وارث يا ضار يا نافع سی و سیم يا اعظم
من كل عظيم يا اكرم من كل كريم يا ارحم من كل رحيم يا اعلم من كل عليم يا احكم من كل حكيم يا اقدم
من كل قديم يا اكبر من كل كبير يا الطف من كل لطيف يا اجل من كل جليل يا اعز من كل عزيز سی و چهارم
يا كريم الصفح يا عظيم المن يا كثير الخير يا قديم الفضل يا دائم اللطف يا لطيف الصنع يا منفس الكرب
يا كاشف الضر يا مالك الملك يا قاضي الحق سی و پنجم يا من هو في عهده وفي يا من هو في وفائه
قوي يا من هو في قوته علي يا من هو في علوه قريب يا من هو في قربه لطيف يا من هو في لطفه شريف
يا من هو في شرفه عزيز يا من هو في عزه عظيم يا من هو في عظمته مجيد يا من هو في مجده حميد
سی و ششم اللهم اني اسألك باسمك يا كافي يا شافي يا معافي يا وافي يا هادي يا قاضي يا راضي
يا عالي يا باقي يا داعي سی و هفتم يا من هو كل شيء خاضع له يا من كل شيء خاشع له يا من كل شيء
كائن له يا من كل شيء موجود به يا من كل شيء منيب اليه يا من كل شيء خائف منه يا من كل شيء قائم
به يا من كل شيء صائر اليه يا من كل شيء يسبح بحمده يا من كل شيء هالك الا وجهه سی و هشتم يا من
لا مفر الا اليه يا من لا مفزع الا اليه يا من لا مقصد الا اليه يا من لا منجا منه الا اليه يا من
لا يرغب الا اليه يا من لا حول ولا قوة الا به يا من لا يستعان الا به يا من لا يتوكل الا عليه يا من
لا يرجى الا هو يا من لا يعبد الا اياه سی و نهم يا خير المرهوبين يا خير المرغوبين يا خير المطلوبين يا خير
المسؤولين يا خير المقصودين يا خير المذكورين يا خير المشكورين يا خير المحبوبين يا خير المدعوين يا خير
المستأنسين چهلم اللهم اني اسألك باسمك يا غافر يا ساتر يا قادر يا قاهر يا فاطر يا كاسر يا جابر
يا ناظر يا ذاكر يا ناصر چهل و یکم يا من خلق فسوى يا من قدر فهدى يا من يكشف البلوى يا من يسمع
النجوى يا من ينقذ الغرقى يا من ينجي الهلكى يا من يشفي المرضى يا من اضحك وابكى يا من امات واحيى
يا من خلق الزوجين الذكر والانثى چهل و دوم يا من في البر والبحر سبيله يا من في الآفاق آياته يا من
في الآيات برهانه يا من في الممات قدرته يا من في القبور عبرته يا من في القيامة ملكه يا من في
هبد

الحساب هيبته يا من في الميزان قضاؤه يا من في الجنة ثوابه يا من في النار عقابه چهل و سیم
يا من اليه يهرب الخائفون يا من اليه يفزع المذنبون يا من اليه يقصد المنيبون يا من اليه
يرغب الزاهدون يا من اليه يلجأ المتحيرون يا من به يستأنس المريدون يا من به يفتخر المحبون
يا من في عفوه يطمع الخاطئون يا من اليه يسكن الموقنون يا من عليه يتوكل المتوكلون
چهل و چهارم اللهم اني اسألك باسمك يا حبيب يا طبيب يا قريب يا رقيب يا حسيب يا
مهيب يا مثيب يا مجيب يا خبير يا بصير چهل و پنجم يا اقرب من كل قريب يا احب من كل
حبيب يا ابصر من كل بصير يا اخبر من كل خبير يا اشرف من كل شريف يا ارفع من كل رفيع يا
اقوى من كل قوي يا اغنى من كل غني يا اجود من كل جواد يا ارأف من كل رؤوف چهل و ششم يا غا
لباً غير مغلوب يا صانعاً غير مصنوع يا مالكاً غير مملوك يا قاهراً غير مقهور يا رافعاً غير مرفوع يا
حافظاً غير محفوظ يا ناصراً غير منصور يا شاهداً غير غائب يا قريباً غير بعيد چهل و هفتم يا نور
النور يا منور النور يا خالق النور يا مدبر النور يا مقدر النور يا نور كل نور يا نوراً قبل كل نور يا نوراً
بعد كل نور يا نوراً فوق كل نور يا نوراً ليس كمثله نور چهل و هشتم يا من عطاؤه شريف يا من فعله
لطيف يا من لطفه مقيم يا من احسانه قديم يا من قوله حق يا من وعده صدق يا من عفوه فضل يا من
عذابه عدل يا من ذكره حلو يا من فضله عميم چهل و نهم اللهم اني اسألك باسمك يا مسهل يا مفصل
يا مبدل يا مذلل يا منزل يا منول يا مفضل يا مجزل يا ممهل يا مجمل پنجاهم يا من يرى ولا يرى
يا من يخلق ولا يخلق يا من يهدي ولا يهدى يا من يحيي ولا يحيى يا من يسأل ولا يسأل يا من يطعم
ولا يطعم يا من يجير ولا يجار عليه يا من يقضي ولا يقضى عليه يا من يحكم ولا يحكم عليه يا من لم
يلد ولم يولد ولم يكن له كفواً احد پنجاه و یکم يا نعم الحسيب يا نعم الطبيب يا نعم الرقيب يا نعم القريب
يا نعم المجيب يا نعم الحبيب يا نعم الكفيل يا نعم الوكيل يا نعم المولى يا نعم النصير پنجاه و دوم
يا سرور العارفين يا منى المحبين يا انيس المريدين يا حبيب التوابين يا رازق المقلين يا رجاء المذنبين
يا قرة عين العابدين يا منفس عن المكروبين يا مفرج عن المغمومين يا اله الاولين والآخرين پنجاه و سیم
اللهم اني اسألك باسمك يا ربنا يا الهنا يا سيدنا يا مولانا يا ناصرنا يا حافظنا يا دليلنا يا
معيننا يا حبيبنا يا طبيبنا پنجاه و چهارم يا رب النبيين والابرار يا رب الصديقين والاخيار

يا رب الجنة والنار يا رب الصغار والكبار يا رب الحبوب والثمار يا رب الانهار والاشجار يا
رب الصحاري والقفار يا رب البراري والبحار يا رب الليل والنهار يا رب الاعلان والاسرار پنجاه و پنجم
يا من نفذ في كل شيء امره يا من لحق بكل شيء علمه يا من بلغت الى كل شيء قدرته يا من لا تحصي العباد
نعمه يا من لا تبلغ الخلائق شكره يا من لا تدرك الافهام جلاله يا من لا تنال الاوهام كنهه يا من
العظمة والكبرياء رداؤه يا من لا ترد العباد قضاؤه يا من لا ملك الا ملكه يا من لا عطاء الا عطاؤه
پنجاه و ششم يا من له المثل الاعلى يا من له الصفات العليا يا من له الآخرة والاولى يا من له الجنة
المأوى يا من له الآيات الكبرى يا من له الاسماء الحسنى يا من له الحكم والقضاء يا من له الهواء
والفضاء يا من له العرش والثرى يا من له السموات العلى پنجاه و هفتم اللهم اني اسئلك باسمك
يا عفو يا غفور يا صبور يا شكور يا رؤوف يا عطوف يا مسؤول يا ودود يا سبوح يا قدوس پنجاه و هشتم
يا من في السماء عظمته يا من في الارض آياته يا من في كل شيء دلائله يا من في البحار عجائبه يا من في
الجبال خزائنه يا من يبدء الخلق ثم يعيده يا من اليه يرجع الامر كله يا من اظهر في كل شيء لطفه يا من احسن
يا من تصرف في الخلائق قدرته پنجاه و نهم يا حبيب من لا حبيب له يا طبيب من لا طبيب له يا مجيب
من لا مجيب له يا شفيق من لا شفيق له يا رفيق من لا رفيق له يا مغيث من لا مغيث له يا دليل من لا
دليل له يا انيس من لا انيس له يا راحم من لا راحم له يا صاحب من لا صاحب له شصتم يا كافي
من استكفاه يا هادي من استهداه يا كالي من استكلاه يا راعي من استرعاه يا شافي من استشفاه
يا قاضي من استقضاه يا مغني من استغناه يا موفي من استوفاه يا مقوي من استقواه يا ولي
من استولاه شصت و یکم اللهم اني اسئلك باسمك يا خالق يا رازق يا ناطق يا صادق يا فالق
يا فارق يا فاتق يا راتق يا سابق يا سامق فصل شصت و دوم يا من يقلب الليل والنهار يا من جعل الظلمات
والانوار يا من خلق الظل والحرور يا من سخر الشمس والقمر يا من قدر الخير والشر يا من خلق
الموت والحياة يا من له الخلق والامر يا من لم يتخذ صاحبة ولا ولدا يا من ليس له شريك في الملك
يا من لم يكن له ولي من الذل شصت و سیم يا من يعلم مراد المريدين يا من يعلم ضمير الصامتين
يا من يسمع انين الواهنين يا من يرى بكاء الخائفين يا من يملك حوائج السائلين يا من يقبل عذر التا
ئبين يا من لا يصلح عمل المفسدين يا من لا يضيع اجر المحسنين يا من لا يبعد عن قلوب العارفين
يا اجود

يا اجود الاجودين شصت و چهارم يا دائم البقاء يا سامع الدعاء يا واسع العطاء يا غافر الخطاء
يا بديع السماء يا حسن البلاء يا جميل الثناء يا قديم السناء يا كثير الوفاء يا شريف الجزاء شصت و پنجم
اللهم اني اسئلك باسمك يا ستار يا غفار يا قهار يا جبار يا صبار يا بار يا مختار يا فتاح
يا نفاح يا مرتاح شصت و ششم يا من خلقني وسواني يا من رزقني ورباني يا من اطعمني وسقاني
يا من قربني وادناني يا من عصمني وكفاني يا من حفظني وكلاني يا من اعزني واغناني يا من وفقني
وهداني يا من آنسني وآواني يا من اماتني واحياني شصت و هفتم يا من يحق الحق بكلماته يا من
يقبل التوبة عن عباده يا من يحول بين المرء وقلبه يا من لا تنفع الشفاعة الا باذنه يا من هو اعلم بمن
ضل عن سبيله يا من لا معقب لحكمه يا من لا راد لقضائه يا من انقاد كل شيء لامره يا من السموات
مطويات بيمينه يا من يرسل الرياح بشرا بين يدي رحمته شصت و هشتم يا من جعل الارض مهادا
يا من جعل الجبال اوتادا يا من جعل الشمس سراجا يا من جعل القمر نورا يا من جعل الليل لباسا يا من
جعل النهار معاشا يا من جعل النوم سباتا يا من جعل السماء بناء يا من جعل الاشياء ازواجا يا من
جعل النار مرصادا شصت و نهم اللهم اني اسئلك باسمك يا سميع يا شفيع يا رفيع يا منيع يا سريع يا بديع
يا كبير يا قدير يا خبير يا مجير هفتادم يا حيا قبل كل حي يا حيا بعد كل حي يا حي الذي ليس كمثله حي
يا حي الذي لا يشاركه حي يا حي الذي لا يحتاج الى حي يا حي الذي يميت كل حي يا حي الذي يرزق كل حي
يا حيا لم يرث الحيوة من حي يا حي الذي يحيي الموتى يا حي يا قيوم لا تاخذه سنة ولا نوم هفتاد و یکم
يا من له ذكر لا ينسى يا من له نور لا يطفى يا من له نعم لا تعد يا من له ملك لا يزول يا من له ثناء
لا يحصى يا من له جلال لا يكيف يا من له كمال لا يدرك يا من له قضاء لا يرد يا من له صفات لا تبدل
يا من له نعوت لا تغير هفتاد و دوم يا رب العالمين يا مالك يوم الدين يا غاية الطالبين يا ظهر
اللاجين يا مدرك الهاربين يا من يحب الصابرين يا من يحب التوابين يا من يحب المتطهرين يا من
يحب المحسنين يا من هو اعلم بالمهتدين هفتاد و سیم اللهم اني اسألك باسمك يا شفيق يا رفيق
يا حفيظ يا محيط يا مقيت يا مغيث يا معز يا مذل يا مبدئ يا معيد هفتاد و چهارم يا من هو احد
بلا ضد يا من هو فرد بلا ند يا من هو صمد بلا عيب يا من هو وتر بلا كيف يا من هو قاض بلا حيف يا
من هو رب بلا وزير يا من هو عزيز بلا ذل يا من هو غني بلا فقر يا من هو ملك بلا عزل يا من

هو موصوف بلا شبيه هفتاد و پنجم يا من ذكره شرف للذاكرين يا من شكره فوز للشاكرين يا من حمده عز للحامدين يا من طاعته نجاة للمطيعين يا من بابه مفتوح للطالبين يا من سبيله واضح للمنيبين يا من آياته برهان للناظرين يا من كتابه تذكرة للمتقين يا من رزقه عموم للطائعين و العاصين يا من رحمته قريب من المحسنين هفتاد و ششم يا من تبارك اسمه يا من تعالى جده يا من لا اله غيره يا من جل ثناؤه يا من تقدست اسماؤه يا من يدوم بقاؤه يا من العظمة بهاؤه يا من الكبرياء رداؤه يا من لا تحصى آلاؤه يا من لا تعد نعماؤه هفتاد و هفتم اللهم اني اسئلك باسمك يا معين يا امين يا مبين يا متين يا مكين يا رشيد يا حميد يا مجيد يا شديد يا شهيد هفتاد و هشتم يا ذا العرش المجيد يا ذا القول السديد يا ذا الفعل الرشيد يا ذا البطش الشديد يا ذا الوعد و الوعيد يا من هو الولي الحميد يا من هو فعال لما يريد يا من هو قريب غير بعيد يا من هو على كل شيء شهيد يا من هو ليس بظلام للعبيد هفتاد و نهم يا من لا شريك له و لا وزير يا من لا شبيه له و لا نظير يا خالق الشمس و القمر المنير يا مغني البائس الفقير يا رازق الطفل الصغير يا راحم الشيخ الكبير يا جابر العظم الكسير يا عصمة الخائف المستجير يا من هو بعباده خبير بصير يا من على كل شيء قدير هشتادم يا ذا الجود و النعم يا ذا الفضل و الكرم يا خالق اللوح و القلم يا بارئ الذر و النسم يا ذا البأس و النقم يا ملهم العرب و العجم يا كاشف الضر و الالم يا عالم السر و الهمم يا رب البيت و الحرم يا من خلق الاشياء من العدم هشتاد و یکم اللهم اني اسئلك باسمك يا فاعل يا جاعل يا قابل يا كامل يا فاصل يا واصل يا عادل يا غالب يا طالب يا واهب هشتاد و دوم يا من انعم بطوله يا من اكرم بجوده يا من جاد بلطفه يا من تعزز بقدرته يا من قدر بحكمته يا من حكم بتدبيره يا من دبر بعلمه يا من تجاوز بحلمه يا من دنا في علوه يا من علا في دنوه هشتاد و سوم يا من يخلق ما يشاء يا من يفعل ما يشاء يا من يهدي من يشاء يا من يضل من يشاء يا من يعذب من يشاء يا من يغفر لمن يشاء يا من يعز من يشاء يا من يذل من يشاء يا من يصور في الارحام ما يشاء يا من يختص برحمته من يشاء هشتاد و چهارم يا من لم يتخذ صاحبة و لا ولدا يا من جعل لكل شيء قدرا يا من لا يشرك في حكمه احدا يا من جعل الملائكة رسلا يا من جعل في السماء بروجا يا من جعل الارض قرارا يا من خلق من الماء بشرا يا من جعل لكل شيء امدا يا من احاط بكل شيء علما يا من احصى كل شيء عددا

هشتاد و پنجم

هشتاد و پنجم اللهم اني اسئلك باسمك يا اول يا آخر يا ظاهر يا باطن يا بر يا حق يا فرد يا وتر يا صمد يا سرمد هشتاد و ششم يا خير معروف عرف يا افضل معبود عبد يا اجل مشكور شكر يا اعز مذكور ذكر يا اعلى محمود حمد يا اقدم موجود طلب يا ارفع موصوف وصف يا اكبر مقصود قصد يا اكرم مسئول سئل يا اشرف محبوب علم هشتاد و هفتم يا حبيب الباكين يا سيد المتوكلين يا هادي المضلين يا ولي المؤمنين يا انيس الذاكرين يا مفزع الملهوفين يا منجي الصادقين يا اقدر القادرين يا اعلم العالمين يا اله الخلق اجمعين هشتاد و هشتم يا من علا فقهر يا من ملك فقدر يا من بطن فخبر يا من عبد فشكر يا من عصي فغفر يا من لا تحويه الفكر يا من لا يدركه بصر يا من لا يخفى عليه اثر يا رازق البشر يا مقدر كل قدر هشتاد و نهم اللهم اني اسئلك باسمك يا حافظ يا بارئ يا ذارئ يا باذخ يا فارج يا فاتح يا كاشف يا ضامن يا آمر يا ناهي نودم يا من لا يعلم الغيب الا هو يا من لا يصرف السوء الا هو يا من لا يخلق الخلق الا هو يا من لا يغفر الذنب الا هو يا من لا يتم النعمة الا هو يا من لا يقلب القلوب الا هو يا من لا يدبر الامر الا هو يا من لا ينزل الغيث الا هو يا من لا يبسط الرزق الا هو يا من لا يحيي الموتى الا هو نود و یکم يا معين الضعفاء يا صاحب الغرباء يا ناصر الاولياء يا قاهر الاعداء يا رافع السماء يا انيس الاصفياء يا حبيب الاتقياء يا كنز الفقراء يا اله الاغنياء يا اكرم الكرماء نود و دوم يا كافيا من كل شيء يا قائما على كل شيء يا من لا يشبهه شيء يا من لا يزيد في ملكه شيء يا من لا يخفى عليه شيء يا من لا ينقص من خزائنه شيء يا من ليس كمثله شيء يا من لا يعزب عن علمه شيء يا من هو خبير بكل شيء يا من وسعت رحمته كل شيء نود و سوم اللهم اني اسئلك باسمك يا مكرم يا مطعم يا منعم يا معطي يا مغني يا مقني يا مفني يا محيي يا مرضي يا منجي نود و چهارم يا اول كل شيء و آخره يا اله كل شيء و مليكه يا رب كل شيء و صانعه يا بارئ كل شيء و خالقه يا قابض كل شيء و باسطه يا مبدئ كل شيء و معيده يا منشئ كل شيء و مقدره يا مكون كل شيء و محوله يا محيي كل شيء و مميته يا خالق كل شيء و وارثه نود و پنجم يا خير ذاكر و مذكور يا خير شاكر و مشكور يا خير حامد و محمود يا خير شاهد و مشهود يا خير داع و مدعو يا خير مجيب و مجاب يا خير مونس و انيس يا خير صاحب و جليس يا خير مقصود و مطلوب يا خير حبيب و محبوب نود و ششم يا من هو لمن دعاه مجيب

يا من هو لمن اطاعه حبيب يا من هو الى من احبه قريب يا من هو بمن استحفظه رقيب يا من هو بمن رجاه
كريم يا من هو بمن عصاه حليم يا من هو في عظمته رحيم يا من هو في احسانه قديم يا من هو في حكمه عظيم
يا من هو بمن اراده عليم نود و هفتم اللهم اني اسألك باسمك يا مسبب يا مرغب يا مقلب يا معقب
يا مرتب يا مخوف يا مذكر يا محذر يا مسخر يا مغير نود و هشتم يا من علمه سابق يا من وعده صادق
يا من لطفه ظاهر يا من امره غالب يا من كتابه محكم يا من قضاؤه كائن يا من قرآنه مجيد يا من ملكه
قديم يا من فضله عميم يا من عرشه عظيم نود و نهم يا من لا يشغله سمع عن سمع يا من لا يمنعه فعل
عن فعل يا من لا يلهيه قول عن قول يا من لا يغلطه سؤال عن سؤال يا من لا يحجبه شيء عن شيء يا
من لا يبرمه الحاح الملحين يا من هو غاية مراد المريدين يا من هو منتهى همم العارفين يا من هو منتهى
طلب الطالبين يا من لا يخفى عليه ذرة في العالمين صدم يا حليما لا يعجل يا جوادا لا يبخل يا صادقا
لا يخلف يا وهابا لا يمل يا قاهرا لا يغلب يا عظيما لا يوصف يا عدلا لا يحيف يا غنيا لا يفتقر يا كبيرا
لا يصغر يا حافظا لا يغفل سبحانك يا لا اله الا انت الغوث الغوث صل على محمد و آله وخلصنا من النار
يا رب يا ذا الجلال والاكرام يا ارحم الراحمين مؤلف گويد كه كفعمي عليه الرحمه در كتاب جنة الامان اين
روايت را باختصار قليلي و تغييري نقل نموده است و اين دعا بسيار عظيم الشان و جليل القدر است
و در اكثر اعصار رواة و علما و اتقيا بر آن مداومت مي نموده اند و در اكثر مطالب مهمه رو بدان مي آورده اند
و اثر استجابت بزودي مي يافته اند و اكثر علما آن را دعاي مطلقه كه اختصاص بوقت معيني ندارد ايراد
نموده اند و چون اين روايت كه مذكور شد در خصوص ايام ماه مبارك خواند ان ثواب عظيم دارد لهذا آن را
در اين مقام مذكور نموديم و ايضا در اين روايت وارد شده كه در اول اين ماه خوانده شود شامل است
اول و وسط را و اگر در هر شب خوانده شود اولى است چهارم دعاي جوشن صغير است كه سيد بن
طاوس قدس الله روحه در كتاب مهج الدعوات اين دعا را با روايت مشهور آن ذكر نموده و بعد از آن در
اكثر نسخهاي آن كتاب مذكور است كه شيخ جليل نبيل ابو طالب ابن رجب گفته كه يافتم در كتابي از كتب جدم تقي
الدين حسن بن طاوس روايت ديگر از براي جوشن صغير و روايتي كه در باب جوشن كبير مذكور شد با اندك
تغييري از حضرت امام موسى كاظم صلوات الله عليه روايت نموده است و اين تتمه از كلام ابن طاوس نيست
بلكه ابو طالب ابن رجب رحمه الله الحاق نموده و ممكن است كه باعتبار اطلاق لفظ جوشن بر هر يك از

اين

از اين دو دعا سهوي از كفعمي يا از ابو طالب ابن رجب واقع شده باشد يا آنكه اين دو دعا هر يك مرتبه
بر رسول خدا صلى الله عليه و آله نازل شده باشد و بر هر تقدير بر خواندن اين دعا نيز در شب اول و روز
اول و ساير اوقات اين ماه سه مرتبه يا يك مرتبه مناسب دعاي سابق اولى و افضل است و دعا اين است كه

بسم الله الرحمن الرحيم

الهي كم من عدو انتضى علي سيف عداوته وشحذ لي ظبة مديته وارهف لي شبا حده — شفا ن‌د
وداف لي قواتل سمومه وسدد نحوي صوائب سهامه ولم تنم عني عين حراسته واضمر — الي ن‌د
ان يسومني المكروه ويجرعني زعاق مرارته فنظرت الى ضعفي عن احتمال الفوادح وعجزي عن — يا الهي ن‌د
ملمات الجوائح وقصوري عن الانتصار ممن قصدني بمحاربته ووحدتي في كثير ممن ناواني وارصد
وتحدي في كثير من ناوئني وارصادهم لي فيما لم اعمل فيه فكري في الارصاد لهم بمثله فايدتني بقوتك
وشددت ازري بنصرك وفللت لي شبا حده وخذلته بعد جمع عديده وحشد عدده
وحشده واعليت كعبي عليه ووجهت ما سدده الي من مكائده ورددته عليه ولم يشف غليله
ولم يبرد حرارات غيظه وقد عض على انامله وادبر موليا وقد اخفقت سراياه فلك الحمد يا رب — اخلفت ن‌د
من مقتدر لا يغلب وذي اناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد واجعلني لانعمك من الشاكرين ولآلائك — لنعمائك ن‌د
من الذاكرين الهي وكم من باغ بغاني بمكائده ونصب لي اشراك مصائده ووكل بي تفقد رعايته
واضبأ الي اضباء السبع لطريدته انتظارا لانتهاز فرصته وهو يظهر لي بشاشة الملق — وضبا الي ضبوء ن‌د / فريسته ن‌د
ويبسط لي وجها غير طلق فلما رأيت دغل سريرته وقبح ما انطوى عليه لشريكه في ملته واصبح — ملتي ن‌د
مجلبا الي في بغيه اركسته لام رأسه واتيت بنيانه من اساسه فصرعته في زبيته ورديته
في مهوى حفيرته وجعلت خده طبقا للتراب رجله وشغلته في بدنه ورزقه ورميته بحجره
وخنقته بوتره وذكيته بمشاقصه وكببته لمنخره ورددت كيده في نحره وربقته بندامته — وربقته ن‌د
وفتته بحسرته فاستخذل واستخذأ وتضاءل بعد نخوته وانقمع بعد استطالته ذليلا
مأسورا في ربق حبائله التي كان يؤمل ان يراني فيها يوم سطوته وقد كدت يا رب لولا رحمتك — حبائله ن‌د
يحل بي ما حل بساحته فلك الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب وذي اناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد — ان يحل ن‌د
واجعلني لانعمك من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين الهي وكم من حاسد شرق بحسده وشجي — بحسرته ن‌د

بغيظه وسلقني بحدّ لسانه ووخزني بقرف عينه وجعلني غرضاً لمراميه وقلّدني خلالاً
لم تزل فيه فناديتك يا رب مستجيراً بك واثقاً بسرعة اجابتك متوكلاً على ما لم ازل اعرفه
من حسن دفاعك عالماً انه لن يضطهد من اوى الى ظل كنفك وان لا تقرع الفوادح من لجأ الى
معقل الانتصار بك فحصنتني من بأسه بقدرتك فلك الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب وذي
اناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد واجعلني لانعمك من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين الهي و
كم من سحائب مكروه جليتها وسماء نعمة امطرتها وجداول كرامة اجريتها واعين احداث
طمستها وناشية رحمة نشرتها وجنّة عافية ألبستها وغوامر كربات كشفتها وامور جارية
قدرتها لم تعجزك اذ طلبتها ولم تمتنع عليك اذ اردتها فلك الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب
وذي اناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد واجعلني لانعمك من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين
الهي وكم من ظن حسن حققت ومن عدم املاق جبرت ومن مسكنة فادحة حولت ومن صرعة
مهلكة انعشت ومن مشقة ارحت لا تسأل يا سيدي عما تفعل وهم يسألون ولا ينقصك ما
انفقت ولقد سئلت فاعطيت ولم تسأل فابتدأت واستميح باب فضلك فما اكديت ابيت
الا انعاماً وامتناناً والا تطوّلاً يا رب واحساناً وابيت يا رب الا انتهاكاً لحرماتك واجتراءً
على معاصيك وتعدياً لحدودك وغفلة من وعيدك وطاعة لعدوّي وعدوّك لم يمنعك
يا الهي وناصري اخلالي بالشكر عن اتمام احسانك ولا حجزني ذلك عن ارتكاب مساخطك
اللهم وهذا مقام عبد ذليل اعترف لك بالتوحيد واقرّ على نفسه بالتقصير في اداء حقك
وشهد لك بسبوغ نعمتك عليه وجميل عادتك عنده واحسانك اليه فهب لي يا الهي وسيدي
من فضلك ما اريد الى رحمتك واتخذ سلّماً اعرج فيه الى مرضاتك وآمن به من سخطك بعزتك
وطولك وبحق محمد نبيك والائمة صلوات الله عليه وعليهم اجمعين فلك الحمد يا رب من
مقتدر لا يغلب وذي اناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد واجعلني لانعمك من الشاكرين ولآلائك
من الذاكرين الهي وكم من عبد امسى واصبح في كرب الموت وحشرجة الصدر والنظر الى ما
تقشعر منه الجلود وتفزع له القلوب وانا في عافية من كل ذلك فلك الحمد يا رب
من مقتدر لا يغلب وذي اناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد واجعلني لانعمك من الشاكرين

ولآلائك

ولآلائك من الذاكرين الهي وسيدي وكم من عبد امسى واصبح سقيماً موجعاً مدنفاً في انين
وعويل يتقلب في غمه لا يجد محيصاً ولا يسيغ طعاماً ولا يستعذب شراباً ولا يستطيع ضراً ولا
نفعاً في حسرة وندامة وانا في صحة من البدن وسلامة من العيش كل ذلك منك فلك الحمد
يا رب من مقتدر لا يغلب وذي اناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد واجعلني لانعمك من الشاكرين
ولآلائك من الذاكرين الهي وكم من عبد امسى واصبح خائفاً مرعوباً مسهداً مشفقاً وجلاً
هارباً طريداً منجحراً في مضيق او مخبأة من المخابي قد ضاقت عليه الارض برحبها لا يجد حيلة ولا
منجى ولا مأوى ولا مهرباً وانا في امن وطمأنينة وعافية من ذلك كله فلك الحمد يا رب من
مقتدر لا يغلب وذي اناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد واجعلني لانعمك من الشاكرين ولآلائك
من الذاكرين الهي وسيدي وكم من عبد امسى واصبح مغلولاً مكبلاً بالحديد بايدي العداة لا
يرحمونه فقيداً من اهله وولده منقطعاً عن اخوانه وبلده يتوقع كل ساعة بأية قتلة يقتل
وبأي مثلة يمثل به وانا في عافية من ذلك كله فلك الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب وذي
اناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد واجعلني لانعمك من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين الهي و
سيدي وكم من عبد امسى واصبح يقاسي الحرب ومباشرة القتال بنفسه قد غشيته الاعداء
من كل جانب والسيوف وآلة الحرب تتقعقع في الحديد قد بلغ مجهوده ولا يعرف حيلة ولا يجد
مهرباً قد ادنف بالجراحات او متشحطاً بدمه تحت السنابك والارجل يتمنى شربة من
ماء او نظرة الى اهله وولده ولا يقدر عليها وقد شربت الارض من دمه واكلت السباع
والطير من لحمه وانا في عافية من ذلك كله فلك الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب وذي اناة
لا يعجل صل على محمد وآل محمد واجعلني لانعمك من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين الهي وكم
من عبد امسى واصبح في ظلمات البحار وعواصف الرياح والاهوال والامواج يتوقع الغرق
والهلاك لا يقدر على حيلة او مبتلى بصاعقة او هدم او غرق او شرق او حرق او خسف
او مسخ او قذف وانا في عافية من ذلك كله فلك الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب وذي
اناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد واجعلني لانعمك من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين الهي
وكم من عبد امسى واصبح عن اهله ووطنه وولده متحيراً في المفاوز تائهاً مع الوحوش

مسافراً شاخصاً

والبهائم والهوام وحيداً فريداً لا يعرف حيلة ولا يهتدي سبيلاً أو صادياً ببرد أو حرّ أو جوع
أو عري أو غيره من الشدائد مما أنا منه في خلو وفي عافية من ذلك كله فلك الحمد يا رب من
مقتدر لا يغلب وذي أناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد واجعلني لأنعمك من الشاكرين ولآلائك
من الذاكرين إلهي وسيدي وكم من عبد أمسى وأصبح فقيراً عائلاً عارياً مملقاً مخفقاً مهجوراً مجهوراً
خائفاً جائعاً ظمآناً ينتظر من يعود عليه بفضل أو عبد وجيه هو أوجه مني عندك وأشدّ
عبادة لك مغلولاً مقهوراً قد حمل ثقلاً من تعب العناء وشدة العبودية وكلفة الرق وثقل الضريبة
أو مبتلى ببلاء شديد لا قبل له به إلا بمنّك عليه وأنا المخدوم المنعم المعافى المكرّم في عافية مما
هو فيه فلك الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب وذي أناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد واجعلني لأنعمك
من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين إلهي ومولاي وسيدي وكم من عبد أمسى وأصبح شريداً طريداً حيراناً
متحيراً جائعاً خائفاً خاسراً في الصحاري والبراري قد أحرقه الحر والبرد وهو في ضر من العيش وضنك
من الجوع وذل من المقام ينظر إلى نفسه حسرة لا يقدر لها على ضر ولا نفع وأنا خلو من ذلك كله
بجودك وكرمك فلا إله إلا أنت سبحانك من مقتدر لا يغلب وذي أناة لا يعجل صل على محمد وآل
محمد واجعلني لأنعمك من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين وارحمني برحمتك يا أرحم الراحمين
إلهي ومولاي وسيدي وكم من عبد أمسى وأصبح عليلاً مريضاً سقيماً مدنفاً على فرش العلة وفي
لباسها يتقلب يميناً وشمالاً لا يعرف شيئاً من لذة الطعام ولا من لذة الشراب ينظر إلى
نفسه حسرة لا يستطيع لها ضراً ولا نفعاً وأنا خلو من ذلك كله بجودك وكرمك فلا إله إلا
أنت سبحانك من مقتدر لا يغلب وذي أناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد واجعلني لك من
العابدين ولأنعمك من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين وارحمني برحمتك يا أرحم الراحمين
إلهي ومولاي وسيدي وكم من عبد أمسى وأصبح قد دنا يومه من حتفه وقد أحدق به ملك الموت
في أعوانه يعالج سكرات الموت وحياضه تدور عيناه يميناً وشمالاً ينظر إلى أحبائه وأودائه
وأخلائه قد منع من الكلام وحجب عن الخطاب ينظر إلى نفسه حسرة فلا يستطيع لها ضراً ولا نفعاً
وأنا خلو من ذلك كله بجودك وكرمك فلا إله إلا أنت سبحانك من مقتدر لا يغلب وذي
أناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد واجعلني لك من العابدين ولنعمائك من الشاكرين ولآلائك

من الذاكرين

ولآلائك من الذاكرين وارحمني برحمتك يا أرحم الراحمين إلهي ومولاي وسيدي وكم من عبد
أمسى وأصبح في مضائق الحبوس والسجون وكربها وذلها وحديدها يتداوله أعوانها وزبانيتها
فلا يدري أي حال يفعل به وأي مثلة يمثل به فهو في ضر من العيش وضنك من الحياة ينظر إلى
نفسه حسرة لا يستطيع لها ضراً ولا نفعاً وأنا خلو من ذلك كله بجودك وكرمك فلا إله إلا أنت
سبحانك من مقتدر لا يغلب وذي أناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد واجعلني لك من العابدين
ولأنعمك من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين وارحمني برحمتك يا أرحم الراحمين إلهي ومولاي
وسيدي وكم من عبد أمسى وأصبح قد استمر عليه القضاء وأحدق به البلاء وفارق أوداءه وأحباءه
وأخلاءه وأمسى حقيراً أسيراً ذليلاً في أيدي الكفار والأعداء يتداولونه يميناً وشمالاً قد حصر في
المطامير وثقل بالحديد لا يرى شيئاً من ضياء الدنيا ولا من روحها ينظر إلى نفسه حسرة لا
يستطيع لها ضراً ولا نفعاً وأنا خلو من ذلك كله بجودك وكرمك فلا إله إلا أنت سبحانك من
مقتدر لا يغلب وذي أناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد واجعلني من العابدين ولنعمائك من الشاكرين
ولآلائك من الذاكرين وارحمني برحمتك يا أرحم الراحمين مولاي وسيدي وكم من عبد أمسى
وأصبح قد اشتاق إلى الدنيا للرغبة فيها إلى أن خاطر بنفسه وماله حرصاً منه عليها قد
ركب الفلك وكسرت به وهو في آفاق البحار وظلمها ينظر إلى نفسه حسرة لا يقدر لها على ضر ولا
نفع وأنا خلو من ذلك كله بجودك وكرمك فلا إله إلا أنت سبحانك من مقتدر لا يغلب وذي
أناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد واجعلني لك من العابدين ولنعمائك من الشاكرين ولآلائك
من الذاكرين وارحمني برحمتك يا أرحم الراحمين مولاي وسيدي وكم من عبد أمسى وأصبح قد استمر
عليه القضاء وأحدق به البلاء والكفار والأعداء وأخذته الرماح والسيوف والسهام
وجدّل صريعاً وقد شربت الأرض من دمه وأكلت السباع والطير من لحمه وأنا خلو من ذلك
كله بجودك وكرمك لا باستحقاق مني يا لا إله إلا أنت سبحانك من مقتدر لا يغلب وذي أناة
لا يعجل صل على محمد وآل محمد واجعلني لنعمائك من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين وارحمني
برحمتك يا أرحم الراحمين وعزتك يا كريم لأطلبن مما لديك ولألحن عليك ولألجأن إليك
ولأمدن يدي نحوك مع جرمها إليك فبمن أعوذ يا رب ومن ألوذ لا أحد لي إلا أنت أفتردني

وانت معولی وعلیک متکلی واسألک باسمک الذی وضعته علی السماء فاستقلت وعلی الارض
فاستقرت وعلی الجبال فرست وعلی اللیل فاظلم وعلی النهار فاستنار ان تصلی علی محمد وآل محمد
وان تقضی لی جمیع حوائجی وتغفر لی ذنوبی کلها صغیرها وکبیرها وتوسع علی من الرزق ما تبلغنی
به شرف الدنیا والآخرة یا ارحم الراحمین مولای بک استعنت فصل علی محمد وآل محمد واعنی واغننی
بطاعتک عن طاعة عبادک وبمسألتک عن مسألة خلقک وانقلنی من ذل الفقر الی عز الغنی ومن
ذل المعاصی الی عز الطاعة فقد فضلتنی علی کثیر من خلقک جودا منک وکرما لا باستحقاق منی الهی
فلک الحمد علی ذلک کله صل علی محمد وآل محمد واجعلنی لنعمائک من الشاکرین ولآلائک من الذاکرین
وارحمنی برحمتک یا ارحم الراحمین **مؤلف گوید که** کفعمی در کتاب بلد الامین از ابن زیاد نقل نموده که کسی
بعد از نماز وتر بگوید سجد وجهی الذلیل لوجهک العزیز الجلیل سجد وجهی البالی الفانی لوجهک
الدائم الباقی سجد وجهی الفقیر لوجهک الغنی الکبیر سجد وجهی وسمعی وبصری ولحمی ودمی و
جلدی وعظمی وما اقلت الارض منی لله رب العالمین اللهم عد علی جهلی بحلمک وعلی فقری بغناک
وعلی ذلی بعزک وسلطانک وعلی ضعفی بقوتک وعلی خوفی بامنک وعلی ذنوبی وخطایای بعفوک
ورحمتک یا رحمن یا رحیم اللهم انی ادرأ بک فی نحر فلان بن فلان واعوذ بک من شره فاکفنیه
بما کفیت به انبیائک واولیائک من خلقک وصالحی عبادک من فراعنة خلقک وطغاة عداتک
وشر جمیع خلقک برحمتک یا ارحم الراحمین انک علی کل شیء قدیر وحسبنا الله ونعم الوکیل
نعم المولی ونعم النصیر **بخش خواندن دعای جبرئیل** چنانچه کفعمی رضی الله عنه در کتاب بلد الامین
از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت کرده است که فرمود که جبرئیل این دعا را از جانب خداوند
جلیل برای من آورد و گفت این دعا بر قائمه عرش نوشته شده است پیش از خلق مخلوقات بصد هزار سال
وکسی که این دعا را بخواند حق تعالی نظر لطف بسوی او کند و نجات دهد او را از آتش و هر که بنویسد از این در شیشه
و بیاشامد زیاد شود فهم وحفظ او و شفا یابد از بیماری و کسی که بنویسد از این در کفن خود تا
حق تعالی قبر او را روضه از روضه های بهشت گرداند و مونس او باشد در قبر او و آسان گرداند بر او هول منکر
ونکیر را و بسوی قبر او هفتاد هزار ملک فرستد که با هر ملکی طبقی باشد از میوه های بهشت و او را بشارت
دهند به بهشت و برای او دری بگشایند بسوی بهشت و قبر او را وسیع و فراخ گردانند بقدر آنکه چشم او

تواند دید

تواند دید و او را عذاب نفرماید و هر که او را با نیت صحیح در شبهای ماه رمضان بخواند ثواب بقدر او را
یابد و خلق کند حق تعالی برای او در آسمانها هفتاد هزار ملک و در مکه معظمه هفتاد هزار ملک و در روضه
حضرت رسالت صلی الله علیه وآله هفتاد هزار ملک و در مشرق هفتاد هزار ملک و همچنین در
مغرب نیز هفتاد هزار ملک که تسبیح حق تعالی کنند بلغتهای مختلف و حق تعالی ثواب همه را بخواننده این دعا
کرامت فرماید و حوائج او را بر آورد و عطا فرماید باو در بهشت جنتی چند که چشمی ندیده باشد و گوشی
نشنیده باشد و بر دل بشری خطور نکرده باشد و استقبال کنند او را در وقت بیرون آمدن از قبر هفتاد
هزار ملک که با هر ملکی غلامی از نور باشد و بدست هر غلامی شتری ببلر نعیمی باشد که شکمهای ایشان
از مروارید سفید و پشتهای ایشان از زمرد سبز و چشمهای ایشان از یاقوت سرخ باشد و بر هر یک از ایشان
قبه باشد و بر هر قبه چهار صد پرده از سندس و استبرق باشد و در هر قبه حوریه باشد که هر حوریه
هزار گیسو از مشک و مانند آن از کافور داشته باشد و بدست هر ملکی قدحی از مروارید سفید باشد
و بر هر قدحی چهار چشمه باشد از عسل و شیر و شراب که لذت برند آشامندگان از ایشان و بر هر قدحی
نوشته باشد لا اله الا الله این فتح است از فلان بن فلان تا داخل شود و حال آنکه روی او مانند
ماه بدر چنانکه گمان کنند اهل موقف که او از پیغمبران است و هر که در عمر خود یکمرتبه این دعا را بخواند
بهشت برای او واجب شود و کسی که صبح او را بخواند دو ملک را حق تعالی موکل گرداند باو که او را محافظت
نمایند تا شام و همچنین اگر در شام بخواند تا صبح او را محافظت نمایند و کسی که این دعا را در
ماه مبارک رمضان سه نوبت بخواند درهای بهشت برای او گشوده شود و درهای جهنم بر روی او بسته
شود و در امان الهی باشد تا سال آینده و عطا کنند باو ثواب هفتاد ضعف از عبادت ملائکه را که
هر ضعفی بعدد هزار سال و صرف میکند حق تعالی از خواننده این دعا هر بلائی و کشف نماید از او اندوهها دعای
تهلیل نامیده میشود و دعا این است لا اله الا الله لا اله الا الله لا اله الا الله بعدد کل تهلیل هلله
المهللون والله اکبر والله اکبر والله اکبر بعدد کل تکبیر کبره المکبرون والحمد لله والحمد لله والحمد
لله بعدد کل تحمید حمده الحامدون وسبحان الله وسبحان الله وسبحان الله بعدد کل تسبیح سبحه
المسبحون واستغفر الله واستغفر الله واستغفر الله بعدد کل استغفار استغفره المستغفرون
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم ولا حول ولا قوة

إلا بالله العلي العظيم بعدد ما قاله القائلون اللهم صل على محمد وآل محمد اللهم صل على
محمد وآل محمد اللهم صل على محمد وآل محمد بعدد ما صلى عليه المصلون وحسبنا الله ونعم
الوكيل ما شاء الله كان وما لم يشأ لم يكن أشهد أن الله على كل شيء قدير وأن الله قد أحاط بكل
شيء علماً وأحصى كل شيء عدداً والحمد لله على كل حال والحمد لله عند انقطاع الأحوال والحمد
لله بعدد كل من حمده والحمد لله بعدد من لم يحمده وسبحان من ليس كمثله شيء سبحان من لا
يغادره شيء سبحان الله الحكيم الكبير الخالق سبحان الحنان المنان سبحان الحليم الكريم
سبحان الخالق البارئ سبحان الصادق البارئ سبحان المصور الكافي سبحان الشافي
المعافي سبحان من لا يعادله شيء سبحان من لا يضاده شيء سبحان من لا يعجزه شيء سبحان
من لا يغيره شيء سبحان من لا يقهره شيء في ملكه سبحان من لا يحده الحادون سبحان من لا
يصفه الواصفون سبحان من لا يشبهه المشبهون سبحان من لا أب له سبحان من لا قرين له
سبحان من لا شبيه له سبحان القادر المقتدر سبحان العلي المتعال سبحان من لا يفوته شيء
سبحان من لا يخفى عليه شيء سبحان من لا يدركه العيون سبحان من لا تخالطه الظنون سبحان
منشئ الأشياء بمشيته سبحان المدبر بتدبيره سبحان من جل عن الأشباه والعرش بإنشائه
سبحان من أنشأ الليل والنهار بقدرته سبحان من أنشأ السماوات العلى سبحان من قدر
الحجب من غير أن يستعين بأحد سبحان خالق سورة النور سبحان من أقام السماوات بغير عمد
ولا معين سبحان من خلق العرش وانفرد بتقدير الأشياء سبحان من خلق عجائب خلقه
من غير شريك معه جل عن الأشباه فلا يدركه شيء سبحان الخالق المصور له الأسماء الحسنى
يسبح له ما في السماوات والأرض وهو العزيز الحكيم سبحان من أثبت الأرض بقدرته سبحان
من خلق الخلق بعظمته سبحان من أنشأ الرياح يرسلها حيث يشاء سبحان من لم يقطع
رزقه عن أحد من خلقه سبحان من يسبح له الملائكة بأنواع اللغات سبحان من يسبح له الحيتان
بغرائب التسبيح سبحان من يسبح له النبات بأغلالها سبحان من يسبح له الجبال بأكنافها
سبحان من يسبح له الأشجار عند نور بدو أوراقها سبحانه وتعالى عما أشركوا يا رب يا رب يا رب
يا رب الأرباب ويا مسبب الأسباب ويا معتق الرقاب من العذاب سبحان من يسبح له البحار

عند

عند تلاطم أمواجها سبحان من يسبح له الذر في مساكنها سبحان من يسبح له الرياح عند
هبوب جريانها سبحان من يسبح له الحيتان في قرار بحارها سبحان من يسبح له الجن بلغاتها
سبحان من يسبح له بنو آدم على اختلاف لغاتها سبحان الفاتح الدائم سبحان الجليل الجميل
يا علام الغيوب يا غفار الذنوب يا ستار العيوب يا من لا يخفى عليه مكان يا من هو كل يوم
في شأن يا عظيم الشأن يا من لا يشغله شأن عن شأن يا ذا الجلال والإكرام يا دائم يا قائم
يا قديم يا ملك يا قدوس يا سلام يا مؤمن يا مهيمن يا عزيز يا جبار يا متكبر يا خالق يا بارئ يا
مصور يا من ليس كمثله شيء وهو السميع البصير لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين
شيخ سيد بن طاوس قدس الله روحه در كتاب اقبال از كتاب ابن ابي قرة رضي الله عنه نقل نموده كه
او از ائمه طاهرين صلوات الله عليهم اجمعين روايت كرده است كه مكرر بخوان در هر شب ماه مبارك
رمضان باسناده و نشست بعضى از احوال و در تمام اوقات اين ماه مبارك و در غير اين ماه
از ساير اوقات عمر بعد از تمجيد الهى و صلوات بر حضرت رسالت پناهى و آل امجاد او اين دعا را
بخوان و دعا اين است اللهم كن لوليك القائم بأمرك الحجة محمد بن الحسن المهدي عليه وعلى
آبائه أفضل الصلاة والسلام في هذه الساعة وفي كل ساعة ولياً وحافظاً وقائداً وناصراً
ودليلاً ومؤيداً حتى تسكنه أرضك طوعاً وتمتعه فيها طويلاً وتجعله وذريته من الأئمة الوارثين اللهم
انصره وانتصر به واجعل النصر منك له وعلى يده واجعل النصر له والفتح على وجهه ولا
توجه الأمر إلى غيره اللهم أظهر به دينك وسنة نبيك حتى لا يستخفي بشيء من الحق مخافة
أحد من الخلق اللهم إني أرغب إليك في دولة كريمة تعز بها الإسلام وأهله وتذل بها
النفاق وأهله وتجعلنا فيها من الدعاة إلى طاعتك والقادة إلى سبيلك وآتنا في الدنيا
حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار واجمع لنا خير الدارين واقض عنا جميع ما تحب
فيها واجعل لنا في ذلك الخيرة برحمتك ومنك في عافية آمين رب العالمين وزدنا من
باب دهم در بيان فضلك ويدك الملأى فإن كل معط ينقص من ملكه وعطاؤك يزيد في ملكك
ادعيه دخول ماه مبارك رمضان بدانكه مراد از ادعيه دخول دعاى چند است كه در روايات از
وارد شده باشد كه چون ماه رمضان داخل شود يا داخل شود ابتدا بايد يا در اول ماه رمضان

ابتدا بخوان با امثال آن از دعاهایی که مفاد آن این باشد که در ابتدای ماه رمضان باید خواند که
واکثر علما مانند ابن بابویه و شیخ طوسی قدس الله روحهما و بعضی دیگر از این عبارات چنین فهمیده اند
که در شب اول باید خوانده شود و سید بن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال گفته که در شب اول با
بخواند شود بنا بر آنکه شب غره هر ماهی اول آن ماه است و دخول در آن ماه بداخل شدن شب اول
متحقق میشود و بنا بر این خواندن این دعا در ابتدای شب اول خواهد بود از اوان آن و اگر در
شب در روز هم خوانده شود اولی است و این دعا چنانچه از تتبع روایات ظاهر میشود چند دعا است
اول دعا حضرت سید الساجدین صلوات الله علیه و آن دعای چهل چهارم از صحیفه کامله است
و چون شیخ طوسی در مصباح و کفعمی در جنة الامان و بلد الامین و سید در اقبال بی نقل نموده اند و
روایت ابان با روایت صحیفه کامله اختلافی دارد و ما آن را ایراد میکنیم الحمد لله الذی هدانا
لحمده وجعلنا من اهله لنكون لاحسانه من الشاكرين وليجزينا على ذلك جزاء المحسنين
والحمد لله الذي حبانا بدينه واختصنا بملته وسبلنا في سبل احسانه لنسلكها بمنه الى
رضوانه حمدا يتقبله منا ويرضى به عنا والحمد لله الذي جعل من تلك السبل شهره شهر رمضان
شهر الصيام وشهر الطهور وشهر الاسلام وشهر التمحيص وشهر القيام الذي انزل فيه القرآن
هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان فابان فضيلته على سائر الشهور والايام بما جعل
له من الحرمات الموفورة والفضائل المشهورة فحرم فيه ما احل في غيره اعظاما وحجر فيه
المطاعم والمشارب اكراما له وجعل له وقتا بينا لا يجوز ان يقدم ولا يجوز ان يوخر عنه ثم
ليلة واحدة من لياليه على ليالي الف شهر وسماها ليلة القدر تنزل الملائكة والروح فيها
باذن ربهم من كل امر سلام دائم البركة الى طلوع الفجر على من يشاء من عباده بما احكم
من قضائه اللهم صل على محمد وآله والهمنا فضل معرفته واجلال حرمته والتحفظ مما حظرت فيه
واعنا على صيامه بكف الجوارح عن معاصيك واستعمالها فيه بما يرضيك حتى لا نصغي باسماعنا
الى لغو ولا نسرع بابصارنا الى لهو ولا نبسط ايدينا الى محظور ولا نخطو باقدامنا الى محجور وحتى
لا تعي بطوننا الا ما احللت ولا تنطق السنتنا الا بما مثلت ولا نتكلف الا ما يدني من ثوابك ولا
نتعاطى الا الذي يقي من عقابك ثم خلص ذلك كله من رياء المرائين وسمعة

المسمعين

المسمعين حتى لا نشرك فيه احدا دونك ولا نبتغي به مرادا سواك اللهم وقفنا فيه على مواقيت
الصلوات الخمس بحدودها التي حددت وفرائضها التي فرضت واوقاتها التي وقت وانزلنا فيه
منزلة المصيبين لاوقاتها على سنة محمد عبدك ورسولك صلى الله عليه وآله في ركوعها وسجودها
وجميع فواضلها على اتم الطهور واسبغه وابين الخشوع وابلغه ووفقنا فيه لان نصل
ارحامنا بالبر والصلة وان نتعاهد جيراننا بالافضال والعطية وان نخلص اموالنا من
التبعات وان نطهرها باخراج الزكوات وان تميل بنا الى ان نراجع من هجرنا وان ننصف من ظلمنا
وان نسالم من عادانا حاشا من عودي فيك ولك فانه العدو الذي لا نواليه والحزب الذي
لا نصافيه وان نتقرب اليك فيه من الاعمال الزاكية بما تطهرنا به من الذنوب وتعصمنا فيما
نستانف من العيوب حتى لا يورد عليك احد من ملائكتك الا دون ما نورد من انواع القربة
وابواب الطاعة لك اللهم اني اسالك بحق هذا الشهر وبحق من تعبد لك فيه من ابتدائه الى
وقت فنائه من ملك قربته او نبي ارسلته او عبد صالح اختصصته ان تجنبنا الالحاد في توحيدك
والتقصير في تمجيدك والشك في دينك والعمى عن سبيلك والكسل عن خدمتك والتواني
في العمل بمحبتك والمسارعة الى سخطك والانخداع لعدوك الشيطان الرجيم اللهم اهلنا
فيه لما وعدت اولياءك من كرامتك واوجب لنا ما اوجبت لاهل الاستقصاء لطاعتك
واجعلنا في نظم من استحق الرفيع الاعلى برحمتك اللهم وان لك في كل ليلة من ليالي شهرنا
هذا رقابا يعتقها عفوك ويهبها صفحك فاجعل رقابنا من تلك الرقاب واجعلنا لشهرنا هذا
من خير اهل واصحاب وامحق ذنوبنا مع امحاق هلاله واسلخ عنا تبعاتنا مع انسلاخ ايامه
حتى ينقضي عنا وقد صفيتنا من الخطيئات وخلصتنا من التبعات اللهم وان ملنا فيه فعدلنا
وان زغنا عنه فقومنا وان اشتمل علينا عدوك الشيطان الرجيم فاستنقذنا منه اللهم
صل على محمد وآله واشحنه بعبادتنا وزين اوقاته بطاعتنا واعنا في نهاره على صيامه و
في ليله على قيامه بالصلاة لك والتضرع اليك والخشوع والذلة بين يديك حتى لا تشهد نهاره
علينا بغفلة ولا ليله بتفريط اللهم واجعلنا في سائر الشهور والايام وما بنا الف من السنين
والاعوام كذلك ما عمرتنا واجعلنا من عبادك المخلصين الذين يؤتون ما آتوا وقلوبهم وجلة

اللهم صلّ علی محمد وآل محمد فی کل وقت وکل اوان وعلی کل حال وفی کل زمان عدد ما صلّیت علی من صلّیت علیه واضعاف ذلک کله بالاضعاف التی لا یحصیها غیرک انک فعّال لما ترید

انّهم الی ربّهم راجعون اولئک یسارعون فی الخیرات وهم لها سابقون الذین یرثون الفردوس هم
فیها خالدون اللهم صلّ علی محمد وآله الطیبین وسلّم کثیرا دویم سید بن طاوس رضی الله عنه روایت
در کتاب اقبال از حضرت صادق صلوات الله علیه روایت نموده است که فرمود رسول خدا صلی الله علیه وآله
چون ماه رمضان داخل میشد این دعا را میخواند اللهم انه قد دخل شهر رمضان الذی انزلت فیه
القرآن وجعلته بینات من الهدی والفرقان اللهم فبارک لنا فی شهر رمضان واعنّا علی صیامه
وصلواته وتقبّله منّا سیم محمد بن یعقوب کلینی طاب ثراه در کتاب کافی بسند خود از حضرت
صادق علیه السلام روایت نموده است که چون ماه رمضان حاضر شود این دعا را بخوان اللهم قد حضر شهر
رمضان وقد افترضت علینا صیامه وانزلت فیه القرآن هدی للناس وبینات من الهدی
والفرقان اللهم اعنّا علی صیامه اللهم تقبّله منّا وسلّمنا فیه وسلّمه منّا فی یسر منک ومعافیة
انّک علی کل شیء قدیر یا ارحم الراحمین چهارم سید در کتاب اقبال گفته که یافتم در کتابی که در آن
دعاهای بسیار نوشته شده بود و نوشته شده بود که کاتب آن سید رضی موسوی رضی الله عنه است
واز جمله دعاهای آن این دعا بود که چون ماه رمضان داخل شود بخوان اللهم انّ هذا شهر رمضان
الذی انزلت فیه القرآن هدی للناس وبینات من الهدی والفرقان قد حضر یا ربّ اعوذ
بک فیه من الشیطان الرجیم ومن مکره وحیله وخدعه وحبائله وجنوده وخیله ورجله
وحبائله ووساوسه ومن الضلال بعد الهدی ومن الکفر بعد الایمان ومن النفاق والریاء
والجنایات ومن شرّ الوسواس الخنّاس الذی یوسوس فی صدور الناس من الجنّة والناس اللهم
ارزقنی صیامه وقیامه والعمل فیه بطاعتک وطاعة رسولک واولی الامر علیه وعلیهم
السلام وما قرّب منک وجنّبنی معاصیک وارزقنی فیه التوبة والانابة والاجابة واعذنی
فیه من الغیبة والکسل والفشل واستجب لی فیه الدعاء واصحّ لی فیه جسمی وعقلی وفرّغنی
فیه لطاعتک وما قرّب منک یا اکرم یا اجود یا اکرم صلّ علی محمد وعلی اهل بیت محمد علیه
وعلیهم السلام وکذلک فافعل بنا یا ارحم الراحمین پنجم سید بن باقی طاب ثراه در کتاب اختیار
از جمله دعاهای شب قدر این دعا را از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده وآن لفظ
دعا ظاهر میشود که از ادعیه دخول ماه مبارک رمضان باشد و دعا این است اللهم قد حضر شهر

رمضان

رمضان فاذا بلغتنیه فاعنّی علی صیامه وتقبّله منّی فی یسر منک وعافیة یا کریم
ششم کلینی رحمه الله در کتاب کافی وابن بابویه رضوان الله در کتاب من لا یحضره الفقیه وسید بن
طاوس در کتاب اقبال وشیخ طوسی در مصباح باختلاف بسیار در بعض کلمات بسند صحیح از حضرت امام
موسی کاظم صلوات الله علیه روایت نموده اند که آن حضرت بعلی بن رئاب فرمود که بخوان این دعا را
در ماه مبارک رمضان در اول سال وهر که این دعا را برای رضای حق تعالی از روی اخلاص بخواند
در آن سال نرسد باو فتنه وآفتی در دین او و نه در دنیای او وحق تعالی حفظ نماید او را از شرّ آنچه در
آن سال واقع شود از بلاها ودعا این است اللهم انی اسئلک باسمک الذی دان له کل شیء
وبرحمتک التی وسعت کل شیء وبعزّتک التی قهرت کل شیء وبعظمتک التی تواضع لها کل شیء و
بقوّتک التی خضع لها کل شیء وبجبروتک التی غلبت کل شیء وبعلمک الذی احاط بکل شیء یا نور
یا قدّوس یا اوّل قبل کل شیء ویا باقیا بعد کل شیء یا الله یا رحمن صلّ علی محمد وآل محمد واغفر لی الذنوب
التی تغیّر النعم واغفر لی الذنوب التی تنزل النقم واغفر لی الذنوب التی تقطع الرجاء واغفر لی
الذنوب التی تدیل الاعداء واغفر لی الذنوب التی تردّ الدعاء واغفر لی الذنوب التی یستحقّ بها
نزول البلاء واغفر لی الذنوب التی تحبس غیث السماء واغفر لی الذنوب التی تکشف الغطاء
واغفر لی الذنوب التی تعجّل الفناء واغفر لی الذنوب التی تورث الندم واغفر لی الذنوب التی
تهتک العصم والبسنی درعک الحصینة التی لا ترام وعافنی من شرّ ما اخاف باللیل والنهار
فی مستقبل سنتی هذه اللهم ربّ السموات السبع وربّ الارضین السبع وما فیهنّ وما بینهنّ
وربّ العرش العظیم وربّ السبع المثانی والقرآن العظیم وربّ اسرافیل ومیکائیل وجبرئیل
وربّ محمد خاتم النبیین وسیّد المرسلین اسئلک بک وبما سمّیت به یا عظیم انت الذی تمنّ
بالعظیم وتدفع کل محذور وتعطی کل جزیل وتضاعف من الحسنات الکثیر بالقلیل وتفعل ما تشاء
یا قدیر یا الله یا رحمن صلّ علی محمد وآل محمد واهل بیته والبسنی فی مستقبل سنتی سترک واضیء
وجهی بنورک واحببنی بمحبّتک وبلّغنی رضوانک وشریف کرامتک وجسیم عطیّتک واعطنی
من خیر ما عندک ومن خیر ما انت معطیه احدا من خلقک والبسنی مع ذلک عافیتک یا موضع
کل شکوی ویا شاهد کل نجوی ویا عالم کل خفیّة ویا دافع ما تشاء من بلیّة یا کریم العفو

سیّد المرسلین وخاتم النبیین

الحسنات بالقلیل والکثیر بالکثیر

سوی عندی من لا یحتاج احد ... الدنیا والآخرة

يا حسن التجاوز توفني على ملة ابراهيم وفطرته وعلى دين محمد صلى الله عليه وآله وسنته وعلى
خير الوفاة فتوفني موالياً لاوليائك ومعادياً لاعدائك اللهم وجنبني في هذه السنة كل عمل
او فعل او قول يباعدني منك واجلبني الى كل عمل او فعل او قول يقربني منك في هذه السنة يا ارحم
الراحمين وامنعني من كل عمل او فعل او قول يكون مني اخاف ضرر عاقبته واخاف مقتك اياي عليه
حذاراً ان تصرف وجهك الكريم عني فاستوجب به نقصاً من حظ لي عندك يا رؤوف يا رحيم
اللهم اجعلني في مستقبل هذه السنة في حفظك وفي جوارك وفي كنفك وجللني عافيتك وهب
لي كرامتك عز جارك وجل ثناؤك ولا اله غيرك اللهم اجعلني تابعاً لصالحي من مضى من
اوليائك والحقني بهم واجعلني مسلماً لمن قال بالصدق عليك منهم واعوذ بك يا الهي ان
تحيط بي خطيئتي وظلمي واسرافي على نفسي واتباعي لهواي واشتغالي بشهواتي فيحول ذلك بيني
وبين رحمتك ورضوانك فاكون منسياً عندك متعرضاً لسخطك ونقمتك اللهم وفقني
لكل عمل ترضى به عني وقربني اليك زلفى اللهم كما كفيت نبيك محمداً صلى الله عليه وآله هول
عدوه وفرجت همه وكشفت كربه وصدقته وعدك وانجزت له عهدك اللهم فبذلك فا
كفني هول هذه السنة وآفاتها واسقامها وفتنتها وشرورها واحزانها وضيق المعاش فيها
وبلغني برحمتك كمال العافية بتمام دوام النعمة عندي الى منتهى اجلي اسألك سؤال من اساء
وظلم واستكان واعترف واسألك ان تغفر لي ما مضى من الذنوب التي حصرتها حفظتك و
احصتها كرام ملائكتك علي وان تعصمني الهي من الذنوب فيما بقي من عمري الى منتهى اجلي يا الله
يا رحمن يا رحيم صل على محمد واهل بيت محمد وآتني كل ما سألتك ورغبت اليك فيه فانك امرتني
بالدعاء وتكفلت لي بالاجابة يا ارحم الراحمين مؤلف گويد كه ممكن است كه مراد حضرت امام موسى
كاظم عليه السلام در شرح ابتدا اين باشد كه اين دعا را در ماه رمضان مكرر قبل سال كه بخوانند
بنابر اين اختصاص نيست قبل و بعد قبل ندارد بلكه در همه اوقات اين ماه خوانده ميتوانند
ومحتمل است كه در هر شب و هر روز اين ماه بايد خوانده شود وليكن اين احتمال بعيد است والله تعالى يعلم
هفتم سيد بن طاوس طاب ثراه در كتاب اقبال از حضرت صادق عليه السلام روايت كرده است كه
چون ماه رمضان حاضر شود اين دعا را بخوان اللهم قد حضر شهر رمضان وقد افترضت علينا

صيامه

صيامه وانزلت فيه القرآن هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان اللهم فصل على محمد وآله
واعنا على صيامه وتقبله منا وسلمنا فيه وتسلمه منا في يسر منك وعافية انك على كل شيء
قدير يا ارحم الراحمين مؤلف گويد كه ابتداى اين دعا اشاره است بآيه قبل تمام ماه و ظاهر لفظ
روايت آن است كه اين دعا بعد دخول باشد والله تعالى يعلم هشتم سيد بن طاوس طاب ثراه در كتاب اقبال
از حضرت صادق صلوات الله عليه روايت كرده است كه آنحضرت فرمود كه در اول ماه مبارك رمضان
اين دعا بخوانيد اللهم هذا شهر رمضان المبارك الذي انزلت فيه القرآن وجعلته هدى للناس
وبينات من الهدى والفرقان قد حضر فسلمنا فيه وسلمه لنا وتسلمه منا في يسر منك وعافية و
اسألك اللهم ان تغفر لي في شهري هذا وترحمني فيه وتعتق رقبتي من النار وتعطيني فيه خير
ما اعطيت احداً من خلقك وخير ما انت معطيه ولا تجعله آخر شهر رمضان صمته لك منذ
اسكنتني ارضك الى يومي هذا واجعله علي اتمه نعمة واعمه عافية واوسعه رزقاً واجزله
واهناه اللهم اني اعوذ بك وبوجهك الكريم وملكك العظيم ان تغرب الشمس من يومي
هذا او ينقضي بقية هذا اليوم او يطلع الفجر من ليلتي هذه او يخرج هذا الشهر ولك قبلي
معه تبعة او ذنب او خطيئة تريد ان تقايسني بذلك او تؤاخذني به او تقفني موقف خزي تقايسني
في الدنيا والآخرة او تعذبني به يوم القاك يا ارحم الراحمين اللهم اني ادعوك لهم لا يفرجه
غيرك ولرحمة لا تنال الا بك ولكرب لا يكشفه الا انت ولرغبة لا تبلغ الا بك ولحاجة
لا يقضيها دونك اللهم فكما كان من شأنك ما اردتني به من مسألتك ورحمتني به من ذكرك
فليكن من شأنك سيدي الاجابة لي فيما دعوتك والنجاة لي فيما فزعت اليك منه اللهم
صل على محمد وآل محمد وافتح لي من خزائن رحمتك رحمة لا تعذبني بعدها ابداً في الدنيا والآخرة
وارزقني من فضلك الواسع رزقاً حلالاً طيباً لا تفقرني بعده الى احد سواك ابداً تزيدني بذلك
لك شكراً واليك فاقة وفقراً وبك عمن سواك غنى وتعففاً اللهم اني اعوذ بك ان يكون جزاء
احسانك الاساءة مني اللهم اني اعوذ بك ان اصلح عملي فيما بيني وبين الناس وافسده فيما بيني
وبينك اللهم اني اعوذ بك ان تحول سريرتي بيني وبينك ان تكون مخالفة لطاعتك اللهم
اني اعوذ بك ان يكون شيء من الاشياء آثر عندي من طاعتك اللهم اني اعوذ بك ان اعمل

من طاعتك قليلاً او كثيراً واريد به احداً غيرك او اعمل عملاً يخالطه رياء اللهم اني اعوذ
بك من هوى يردي من يركبه اللهم اني اعوذ بك ان اجعل شيئاً من شكري فيما انعمت به علي
لغيرك اطلب به رضا مخلوق اللهم اني اعوذ بك ان اتعدى حداً من حدودك اتزين بذلك
للناس واركن به الى الدنيا اللهم اني اعوذ بعفوك من عقوبتك واعوذ برضاك
من سخطك واعوذ بطاعتك من معصيتك واعوذ منك جل ثناؤك وجهك لا احصي
الثناء عليك ولو حرصت وانت كما اثنيت على نفسك سبحانك وبحمدك اللهم اني استغفرك
واتوب اليك من مظالم كثيرة لعبادك عندي فايما عبد من عبادك او امة من امائك
كانت له قبلي مظلمة ظلمته اياها في ماله او بدنه او عرضه لا استطيع اداء ذلك اليه ولا
اتحللها منه فصل على محمد وآل محمد وارضه انت عني بما شئت وكيف شئت وهبها لي وما
تصنع يا سيدي بعذابي وقد وسعت رحمتك كل شيء وما عليك يا رب ان تكرمني برحمتك
ولا تهينني بعذابك ولا ينقصك يا رب ان تفعل بي ما سألتك فانت واجد لكل شيء اللهم
اني استغفرك واتوب اليك من كل ذنب تبت اليك منه ثم عدت فيه ومما ضيعت من فرائضك
واداء حقك من الصلاة والزكاة والصيام والجهاد والحج والعمرة واسباغ الوضوء والغسل
من الجنابة وقيام الليل وكثرة الذكر وكفارة اليمين والاسترجاع في المصيبة والصدود في كل
شيء قصرت فيه من فريضة او سنة فاني استغفرك واتوب اليك منه ومما ركبت
من الكبائر واتيت من المعاصي وعملت من الذنوب واجترحت من السيئات واصبت من
الشهوات وباشرت من الخطايا مما عملته من ذلك عمداً او خطأ سراً او علانية فاني اتوب
اليك منه ومن سفك الدم وعقوق الوالدين وقطيعة الرحم والفرار من الزحف وقذف
المحصنات واكل اموال اليتامى ظلماً وشهادة الزور وكتمان الشهادة وان اشتري بعهدك
في نفسي ثمناً قليلاً واكل الربا والغلول والسحت والسحر والكهانة والطيرة والشرك والرياء
والسرقة وشرب الخمر ونقص المكيال وبخس الميزان والشقاق والنفاق ونقض العهد والفرية
والخيانة والغدر واخفار الذمة والحلف والغيبة والنميمة والبهتان والهمز واللمز والتنابز
بالالقاب واذى الجار ودخول بيت بغير اذن والفخر والكبر والاشراك والاصرار والاستكبار

والمشي في الارض مرحاً والجور في الحكم والاعتداء في الغضب وركوب الحمية وتعضد الظالم وعون
على الاثم والعدوان وقلة العدد في الاهل والمال والولد وركوب الظن واتباع الهوى والعمل بالشهوة
والامر بالمعروف والنهي عن المنكر وفساد في الارض وجحود الحق والادلال الى الحكام بغير حق والمكر بالمنكر من المعروف
والخديعة والبخل وقول بما لا اعلم واكل الميتة والدم ولحم الخنزير وما اهل لغير الله به والحسد
والبغي والدعاء الى الفاحشة والتمني بما فضل والاعجاب بالنفس والمن بالعطية والارتكاب
الى الظلم وجحود القرآن وقهر اليتيم وانتهار السائل والحنث في الايمان وكل يمين كاذبة فاجرة الفرقان
وظلم احد من خلقك في اموالهم واشعارهم وابشارهم واعراضهم وما رآه بصري وسمعه
سمعي ونطق به لساني وبسطت اليه يدي ونقلت اليه قدمي وباشره جلدي وحدثت به
نفسي مما هو لك معصية وكل يمين زور ومن كل فاحشة وذنب وخطيئة عملتها في سواد
الليل وبياض النهار في ملأ او خلاء مما علمته او لم اعلمه ذكرته او لم اذكره سمعته او لم
اسمعه عصيتك فيه ربي طرفة عين وفيما سواها من حل او حرام تعديت فيه او قصرت عنه
منذ يوم خلقتني الى يوم جلست مجلسي هذا فاني اتوب اليك منه وانت الكريم تواب رحيم
اللهم يا ذا المن والفضل والمحامد التي لا تحصى صل على محمد وآل محمد واقبل توبتي ولا تردها
لكثرة ذنوبي وما اسرفت على نفسي حتى ارجع في ذنب تبت اليك منه فاجعلها يا عزيز توبة
نصوحاً صادقة مبرورة لديك مقبولة مرفوعة عندك في خزائنك التي ذخرتها لاوليائك
حين قبلتها منهم ورضيت بها عنهم اللهم ان هذه النفس نفس عبدك واسألك ان تصلي على
محمد وآل محمد وان تحصنها من الذنوب وتمنعها من الخطايا وتحرزها من السيئات وتجعلها في
حصن حصين منيع لا يصل اليها ذنب ولا خطيئة ولا يفسدها عيب ولا معصية حتى القاك
يوم القيمة وانت عني راض وانا مسرور تغبطني ملائكتك وانبياؤك ورسلك وجميع خلقك
وقد قبلتني وجعلتني تائباً طاهراً زاكياً عندك من الصادقين اللهم اني اعترف لك بذنوبي
فصل على محمد وآله واجعلها ذنوباً لا يغفرها لاحد من خلقك يا غفار الذنوب يا ارحم الراحمين
سبحانك اللهم وبحمدك عملت سوءاً وظلمت نفسي فصل على محمد وآل محمد واغفر لي انك انت
الغفور الرحيم اللهم ان كان من عطائك ومنك وفضلك وعلمك وقضائك ان ترزقني

التوبة تصل على محمد وآله واعصمني بقية عمري واحسن معونتي في الجد والاجتهاد والمسارعة
الى ما تحب وترضى والنشاط والفرح والصحة حتى ابلغ في عبادتك وطاعتك التي يحق لك
على رضاك وان ترزقني برحمتك ما اقيم به حدود دينك وحتى اعمل في ذلك بسنن نبيك
صلواتك عليه وآله وافعل ذلك بجميع المؤمنين والمؤمنات في مشارق الارض ومغاربها
اللهم انك تشكر اليسير وتغفر الكثير وانت الغفور الرحيم میگوئی این فقره را چهار مرتبه اللهم
انك تشكر وانا اخر وانت الغفور الرحيم ... میگوئی اللهم انسني لي كلما نطق به عني
نائرة كل جاهل وتخمد عني شعلة كل نائل واعطني هدى من كل ضلالة وغنى من كل فقر وقوة
من كل ضعف وعزا من كل ذل ورفعة من كل ضعة وامنا من كل خوف وعافية من كل بلاء اللهم
ارزقني عملا يفتح لي باب كل يقين ويقينا يسد عني باب كل شبهة ودعاء تبسط به الاجابة
وخوفا تيسر لي به كل رحمة وعصمة تحول بيني وبين الذنوب برحمتك يا ارحم الراحمين پس فرع
... میگوئی يا من نهاني عن المعصية فعصيته فلم يهتك ستري
عند معصيته يا من البسني عافيته فعصيته ولم يسلبني عند ذلك عافيته يا من اكرمني واسبغ
علي نعمه فعصيته فلم يزل عني نعمته يا من نصح لي فتركت نصيحته فلم يبعدني عند ترك
نصيحته يا من اوصاني بوصايا كثيرة لا احصى اشياء منها على رحمة منه لي فتركت وصيته
يا من كتم سيئتي واظهر محاسني حتى كأني لم ازل اعمل بطاعته يا من ارضيته عباده بسخطه
فلم يكلني اليهم ويفني من سعيه يا من دعاني الى جنته فاخترت النار فلم يمنعه ذلك
ان فتح لي باب توبته يا من اقالني عظيم العثرات وامرني بالدعاء وضمن لي اجابته يا من
اعصيه فيستر علي ويغضب لي ان عيرت بمعصيته يا من نهى خلقه عن انتهاك محارمي وانا
مقيم على انتهاك محارمه يا من اثبت ما اعطاني في معصيته فلم يحبس عني عطيته يا من
وثبت على المعاصي بكفايته فلم يخذلني ولم يخرجني من كفايته يا من بارزته بالخطايا فلم
يمثل بي عند جرأتي على مبارزته يا من امهلني حتى استغنيت من لذاتي ثم وعدني على تركها
مغفرته يا من ادعوه وانا على معصيته فيجيبني ويقضي حاجتي بقدرته يا من عصيته بالليل
والنهار فتوكل بالاستغفار لي ملائكته يا من عصيته في الشباب والشيب وهو يتأنى

ويغفر له

ويفتح لي باب رحمته يا من يشكر اليسير من عملي ويعفي الكثير من كرامته يا من خلصني بعد نزول
نجاتي بلطفه يا من اسند رجائي حتى جانبت محبته يا من فرض الكثير لي من اجابته على الحال السالفة
وتضييعي فريضته يغفر ظلمنا وحوبنا وجرائمنا وهو لا يجور علينا في قضيته يا من يتطاول فلا يؤاخذ
بعلمه ويمهل حتى يحضر المظلوم بنيته يا من يشرك به عبده وهو خلقه فلا يقطع طمعه ان يغفر
له جريرته يا من من علي بتوحيده واحصى على الذنوب وارجوا ان يغفرها الى مشيته يا من اعذر
وانذر ثم عدلت بعد الاعذار والانذار في معصيته يا من يعلم ان حسناتي لا تكون ثمنا لاصغر
نعمه يا من افنيت عمري في معصيته فلم يغلق عني باب توبته يا ويلي ما اقل حيائي ويا سجاه
مدا الويل ما اعظم هيبته ويا ويلي ما اقطع لساني عند الاعذار وما عذري وقد اظهرت
على حجته ما انا الا بائح بجرمي مقر بذنبي لربي ليرحمني ويتعمدني بمغفرته يا من الارضون
والسموات جميعا في قبضته يا من استخففت عقوبته ما انا الا مقر بذنبي يا من وسع كل شيء
برحمته ما انا الا عبدك الحسير الخاطئ اغفر له خطيئته يا من يجيرني في محياي ومماتي يا من
هو عدتي لظلمة القبر ووحشته يا من هو يثبتني ويعافي وعدتي لعذاب القبر وضغطته يا من
هو غياثي ومفزعي وعدتي للحساب ودقته يا من عظم عفوه وكرم صفحه واشتدت
نقمته الهي لا تعذبني يوم القيمة فانك عدتي للميزان وخفته ما انا الا بائح بجرمي مقر بذنبي
معترف بخطيئتي الهي وخالقي ومولاي صل على محمد وآل محمد واختم لي بالشهادة والرحمة اللهم
اني اسألك بكل اسم هو لك بحق عليك فيه اجابة الدعاء اذا دعيت به واسألك بحق كل
ذي حق عليك وبحقك على جميع من دونك ان تصلي على محمد عبدك ورسولك وآل محمد
عبدك النجباء والمبالين ومن اراد في فخذ بسمعه وبصره ومن بين يديه ومن خلفه وامنعه
عني بحولك وقوتك انك على كل شيء قدير اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمة تعز بها الاسلام
واهله وتذل بها النفاق واهله وتجعلنا من الدعاة الى طاعتك والقادة الى سبيلك و
ترزقنا بها كرامة الدنيا والآخرة برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم انا نشكوا اليك غيبة
نبينا عنا وكثرة عدونا وقلة عددنا وشدة الفتن بنا وتظاهر الزمان علينا فصل على محمد
وآل محمد واعنا على ذلك يا رب بفتح منك تعجله ونصر تعزه وسلطان حق تظهره ورحمة منك

تحملناها وعافيتك فالبسناها برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم اني لم اعمل الحسنة حتى
اعطيتنيها ولم اعمل السيئة الا بعد ان نبهتها الى الشيطان الرجيم اللهم فصل على محمد وال محمد والديه
وعد علي بعطائك ودوائي بدعائك فان دائي الذنوب القبيحة ودوائك وعد عفوك
وحلاوة رحمتك اللهم لا تهتك ستري ولا تبد عورتي وآمن روعتي واقلني عثرتي ونفس كربتي
واقض عني ديني وامانتي واجر علي ذلك وعلى ال محمد وعلي وعلى المؤمنين من الجن والانس في
مشارق الارض ومغاربها اللهم حاجتي حاجتي التي ان اعطيتنيها لم يضرني ما منعتني وان
منعتنيها لم ينفعني ما اعطيتني وهي فكاك رقبتي من النار فصل على محمد وال محمد وارض عني وارض
وارض عني ونفره وارض عني را مكرر ميكوئي تا نفس قطع شود بس بكوئي اللهم اياك تعمدت بحاجتي
وبك انزلت مسكنتي فلتسعني رحمتك يا وهاب الجنة يا وهاب المغفرة لا حول ولا قوة الا بك
اين الملك يا مسجود في كل مكان في القفار مرة وفي الغار اخرى لعلك تسمع مني الندا فقد
عظم جرمي وقل حيائي مع تقلقل قلبي وبعد مطلبي وكثرة اهوالي رب اي اهوالي اتذكر ايها
انسى فلو لم يكن الا الموت لكفى فكيف وما بعد الموت اعظم وادهى باثقالي ودماري وسوء سلفي
وقلة نظري لنفسي حتى متى والى متى اقول لك العتبى مرة بعد اخرى ثم لا تجد عندي صدقا ولا
وفاء اسالك بحق الذي كنت له انيسا في الظلمات وبحق الذين لم يرضوا بصيام النهار ومكابدة
الليل حتى مضوا على الاسنة مقطعة فخضبوا اللحى بالدماء وعفروا الوجوه بالثرى الا عفوت عمن
ظلم واساء يا غوثاه بالله يا رباه اعوذ بك من هوى قد غلبني ومن عدو قد استكلب علي ومن
دنيا قد تزينت لي ومن نفس امارة بالسوء الا ما رحم ربي فان كنت سيدي قد رحمت مثلي فارحمني
وان كنت سيدي قد قبلت مثلي فاقبلني يا من قبل السحرة اقبلني يا من يغذينا بالنعم صباحا
ومساء قد تراني فريدا وحيدا شاخصا بصري مقلدا عملي قد تبرأ جميع الخلق مني نعم وابي وامي
ومن كان له كدي وسعيي الهي فمن يقبلني ويسمع ندائي ومن يؤنس وحشتي ومن ينطق لساني اذا غبت
في الثرى وحدي ثم سألتني بما انت اعلم به مني فان قلت فعلت فاين المهرب من عدلك وان غيبت
قلت لم افعل قلت الم اكن شاهدون واذال يا الله يا كريم العفو من لي غيرك لم يعطني وان دعوت غيرك
لم يجبني رضاك يا رب قبل لقائك رضاك يا رب قبل نزول النيران رضاك يا رب قبل
ان

ان تغل الايدي الى الاعناق رضاك يا رب قبل ان انادي فلا اجاب النداء يا الحي من تجاوزت عفي
وعزتك لا انقطع منك الرجاء وان عظم جرمي وقل حيائي فقد لزمني بالقلب داء ليس له دواء
يا من لم يلذ اللائذون بمثله يا من لم يتعرض المتعرضون لاكرم منه ويا من لم يشد الرحال
الى مثله صل على محمد وال محمد واشغل قلبي بعظيم شانك وارسل محبتك اليه حتى القاك و
اوداجي تشخب دما واجد بالجود المتمنين المتكبرين المتعال صل على محمد وال محمد وافكك رقبتي من
النار برحمتك يا ارحم الراحمين الهي قل شكري سيدي فلم تحرمني وعظمت خطيئتي سيدي فلم
تفضحني ورايتني على المعاصي سيدي فلم تمنعني ولم تهتك ستري وامرتني سيدي بالطاعة
فضيعت ما به امرتني فاي فقر فقري سيدي ان لم تغنني واي شقي اشقى مني ان لم ترحمني
فنعم الرب انت يا سيدي ونعم المولى وبئس العبد انا يا سيدي وجدتني اي رباه ها انا
ذا بين يديك معترف بذنوبي مقر بالاساءة والظلم على نفسي من انا يا رب فتقصد لعذابي
ام يدخل في مسالتك ان انت رحمتني اللهم اني اسالك من الدنيا ما اسد به لساني و
احصن به فرجي وادوي به عن اماناتي واصل به رحمي واتجر به لآخرتي ويكون لي عونا
على الحج والعمرة فانه لا حول ولا قوة الا بك وعزتك يا كريم ولا الحن عليك ولا الملبن
اليك ولا انضرع اليك ولا ابسطها اليك مع ما اقترفنا من الاثام يا سيدي فمن ولا ابسط يدي
لعوذ ويعن الود كل من اتيته في حاجة وسالته فائدة فاليك يرشدني وعليك يدلني
وفيما عندك يرغبني فاسالك بحق محمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين وعلي بن الحسين
ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلي بن موسى ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن
بن علي والحجة القائم بالحق صلواتك يا رب عليهم اجمعين وبالشان الذي لهم عندك
فان لهم عندك شانا من الشان ان تصلي على محمد وال محمد وان تفعل بي كذا وكذا وبجاي كذا وكذا
حوايج دنيا واخرت خود را سؤال كن كه بر آورده ميشود ان شاء الله تعالى پس بكو اللهم ربنا ورب
كل شيء منزل التوراة والانجيل والزبور والفرقان العظيم فالق الحب والنوى اعوذ بك من
شر كل دابة انت اخذ بناصيتها انت الاول فليس قبلك شيء وانت الاخر فليس بعدك شيء و
وانت الظاهر فليس فوقك شيء وانت الباطن فليس دونك شيء فصل على محمد واله واقض

عني الدين واغنني من الفقر يا خير من عبد ويا اشكر من حمد ويا احلم من قهر ويا اكرم
من قدر ويا اسمع من نودي ويا اقرب من نوجي ويا آمن من استجير ويا ارحم من استغيث
ويا اكرم من سئل ويا اجود من اعطى ويا ارحم من استرحم صل على محمد وآل محمد وارحم قلة
حيلتي وامنن علي بالجنة طولا منك وفك رقبتي من النار تفضلا اللهم اني اسئلك في
احب الاشياء اليك وهو التوحيد ولم اعصك من اكره الاشياء اليك وهو الشرك فصل
على محمد وآل محمد واكفني امر عدوي اللهم ان لك عدوا لا يألوني خبالا بصير بعيوبي
حريصا على غوايتي يراني هو وقبيله من حيث لا اراهم اللهم فصل على محمد وآل محمد واعذ
من شره شياطين الجن والانس انفسنا واموالنا واهالينا واولادنا وما اغلقت عليه ابوابنا
وما احاطت به عوراتنا اللهم وحرمني عليه كما حرمت عليه الجنة وباعد بيني وبينه
كما باعدت بين السماء والارض وابعد من ذلك اللهم اني اعوذ بك من الشيطان الرجيم
ومن رجله وخيله وهمزه ولمزه ونفخه وكيده ومكره وسحره ونزغه وفتنته وغوائله
اللهم اني اعوذ بك منهم في الدنيا والآخرة وفي المحيا والممات يا من سمى نفسه بالاسم
الذي يقضي ان حاجة من يدعوه به مقضية اسألك به اذ لا شفيع لي عندك اوثق منه ان
تصلي على محمد وآل محمد وان تفعل بي كذا وكذا ويحاجي كذا وكذا حاجات خود را سؤال كن كه بر آورده
ميشود انشاء الله تعالى بكوا اللهم ان ادخلتني الجنة فانت محمود وان عذبتني فانت محمود
يا من هو محمود في كل خصاله صل على محمد وآل محمد وافعل بي ما تشاء وانت محمود الهي ان كنت
معذبي فقد عفرت لك في التراب خدي وان كنت معذبي وحبك في قلبي اما انك ان فعلت
ذلك بي جمعت بيني وبين قوم طالما عاديتهم فيك اللهم اني اسئلك بكل اسم هو لك يحق
عليك فيه الاجابة للدعاء اذا دعيت به واسألك بحق كل ذي حق عليك وبحقك على جميع
من هو دونك ان تصلي على محمد عبدك ورسولك وآله الطاهرين ومن ارادني او اراد احدا
من اخواني بسوء فخذ بسمعه وبصره ومن بين يديه ومن خلفه وامنعني منه بحولك وقوتك
اللهم ما غاب عني من امري وحضرني ولم ينطق به لساني ولم تبلغه مسألتي انت اعلم به
مني فصل على محمد وآل محمد واصلحه وسهله يا رب العالمين ربنا لا تؤاخذنا ان نسينا او

اخطأنا

اخطأنا ربنا ولا تحمل علينا اصرا كما حملته على الذين من قبلنا ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا
به واعف عنا واغفر لنا وارحمنا انت مولينا فانصرنا على القوم الكافرين ماذا عليك يا
رب لو ارضيت عني كل من له قبلي تبعة وادخلتني الجنة برحمتك وغفرت لي ذنوبي فان
مغفرتك للخاطئين وانا منهم فاغفر لي خطاياي يا رب العالمين اللهم عفوك عن المذنبين
وتعفو عن الخاطئين وانا عبدك الخاطئ المذنب المحسن الشقي الذي قد افزعتني ذنوبي
وأوبقتني خطاياي ولم اجد لها ساترا ولا غافرا غيرك يا ذا الجلال والاكرام الهي استعبدتني
الدنيا واستخدمتني فصرت حيران بين الحبائل فيا من احصى القليل فشكره وتجاوز عن
الكثير فغفره وبعد ان ستره ضاعف لي القليل من طاعتك وتقبله وتجاوز عني الكثير من معصيتك
فاغفره فانه لا يغفر العظيم الا العظيم يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد وآل محمد واعني
على صلوة الليل وصيام النهار وارزقني من الورع ما يحجزني عن معاصيك واجعل عبادتي
لك ايام حياتي واستعملني ايام عمري بعمل ترضى به عني وزودني من الدنيا التقوى
واجعل لي في لقائك خلفا من جميع الدنيا واجعل ما بقي من عمري دركا لما مضى من اجلي ايقنت
انك انت ارحم الراحمين في موضع العفو والرحمة واشد المعاقبين في موضع النكال والنقمة مواضع ود
واعظم المتجبرين في موضع الكبرياء والعظمة فاسمع يا سميع مدحتي واجب يا رحيم
دعوتي واقل بالعفو عثرتي فكم يا الهي من كربة قد فرجتها وغمرة قد كشفتها وعثرة قد اقلتها
ورحمة قد نشرتها وحلقة بلاء قد فككتها الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي
لولا ان هدينا الله اللهم اني اشهدك وكفى بك شهيدا فاشهد لي باني اشهد انك انت الله
لا اله الا انت ربي وان محمدا رسولك نبيي وان الذي شرعت له ديني وان الكتاب الذي انزلت
عليه كتابي وان علي بن ابي طالب امامي وان الائمة من آل محمد صلواتك عليهم ائمتي اللهم اني
اشهدك وكفى بك شهيدا فاشهد لي بانك انت الله المنعم علي لا غيرك لك الحمد بنعمتك
تتم الصالحات لا اله الا الله والله اكبر وسبحان الله وبحمده وتبارك الله وتعالى ولا حول ولا
قوة الا بالله العلي العظيم ولا ملجأ ولا منجا من الله الا اليه عدد الشفع والوتر وعدد كلمات
ربي الطيبات المباركات صدق الله وبلغ المرسلون ونحن على ذلك من الشاهدين اللهم

صل على محمد وآل محمد واجعل النور في بصري والنصيحة في صدري وذكرك بالليل والنهار
على لساني ومن طيب رزقك الحلال غير ممنون ولا محظور فارزقني اللهم اني اسالك خير المعيشة
اقوى بها على جميع حاجاتي واتوصل بها في الحيوة الى الآخرة ان تترفني فيها فاطغى واوسع علي من
حلال رزقك وافض علي من سيب فضلك نعمة منك سابغة وعطاء غير ممنون ولا تشغلني
عن شكر نعمتك علي باكثار منها تلهيني عجائب بهجته وتفتنني زهرات زهرته ولا باقلال
منها يقصر بعملي كده ويملأ صدري همه بل اعطني من ذلك غنى عن شرار خلقك وبلاغا انال به رضوانك
يا ارحم الراحمين اللهم اني اعوذ بك من شر الدنيا وشر اهلها وشر ما فيها ولا تجعل الدنيا علي
سجنا ولا تجعل فراقها علي حزنا اجرني من فتنتها واجعل عملي فيها مقبولا وسعيي فيها مشكورا
حتى اصل بذلك الى دار الحيوان ومساكن الاخيار اللهم واني اعوذ بك من ازلها وزلزالها
وسطوات سلطانها ومن شر شياطينها وبغي من بغى علي فيها فصل على محمد وآله واعصمني با
السكينة والبسني درعك الحصينة واخبأني في سترك الواقي واصلح لي وبارك لي في اهلي وولدي
تعالى اللهم صل على محمد وآل محمد وطهر قلبي وجسدي وزك عملي واقبل سعيي واجعل ما عندك
خيرا لي سيدي انا من حبك جائع لا اشبع انا من حبك ظمآن لا اروى واشوقاه الى من يراني
ولا اراه يا حبيب من تحبب اليه يا قرة عين من لاذ به وانقطع اليه قد ترى وحدتي من
الآدميين ووحشتي فصل على محمد وآله واغفر لي وآنس وحشتي وارحم وحدتي وغربتي اللهم
انك عالم بحوائجي غير معلم واسع لها غير متكلف فصل على محمد وآله وافعل بي ما انت اهله
مني من امر دنياي وآخرتي اللهم عظم الذنب من عبدك فليحسن العفو من عندك يا اهل
التقوى واهل المغفرة اللهم ان عفوك عن ذنبي وتجاوزك عن خطيئتي وصفحك عن ظلمي
وسترك على قبيح عملي وحلمك عن كبير جرمي عندما كان من خطأي وعمدي اطمعني في ان
اسألك ما لا استوجبه منك الذي رزقتني من رحمتك واريتني من قدرتك وعرفتني من
اجابتك فصرت ادعوك آمنا واسألك مستأنسا لا خائفا ولا وجلا مدلا عليك فيما
قصدت فيه اليك فان ابطأ عني عتبت بجهلي ولعل الذي ابطأ عني هو خير لي لعلمك بعاقبة
الامور فلم ار مولى كريما اصبر على عبد لئيم منك علي يا رب انك تدعوني فاولي عنك و

تتحبب

وتتحبب الي فاتبغض اليك وتتودد الي فلا اقبل منك كان لي التطول عليك فلم يمنعك
ذلك من الرحمة لي والاحسان الي والتفضل علي بجودك وكرمك فصل على محمد وآله وارحم
عبدك الجاهل وجد عليه بفضل احسانك انك جواد كريم اي جواد اي كريم بعد از ان بكو
بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله بسم الله بسم الله عالم الغيب بسم من ليس في وحدانيته شك
ولا ريب بسم من لا فوت عليه ولا رقبة الا اليه بسم المعلوم غير المحدود والمعروف غير الموصوف — في فانه ل
بسم من امات واحيى بسم من له الآخرة والاولى بسم العزيز الاعز بسم الجليل الاجل بسم
المحمود غير المحدود المستحق له على السراء والضراء بسم المذكور في الشدة والرخاء بسم المهيمن — لهما ل
الجبار بسم الحنان المنان بسم العزيز من غير تعزز والقدير من غير تقادير بسم من لم يزل ولا يزال — التقدير ل
بسم الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم بعد از ان بكو اللهم صل على محمد
وآله واصلحني قبل الموت وارحمني عند الموت واغفر لي بعد الموت اللهم صل على محمد وآله والحظ
عثراتنا بالرحمة وانبعث بنا الى التوبة اللهم ان ذنوبي قد كثرت وجلت عن الصفة و
انها صغيرة في جنب عفوك فصل على محمد وآله واعف عني اللهم ان كنت ابتليتني فصبرني
والعافية احب الي اللهم صل على محمد وآله وحسن ظني بك وحققه ويسر نيلي واعطني
من عفوك بمقدار املي ولا تجازني بسوء عملي فتهلكني فان كرمك يجل عن مجازاة من اذنب
وقصر وعاند واتاك عائذا بفضلك هاربا منك اليك مستنجزا ما وعدت من الصفح عمن
احسن بك ظنا اللهم صل على محمد وآله واغفر لي والجلد بارد والنفس دائرة واللسان منطلق
والصحف منشرة والاقلام جارية والتوبة مقبولة والتضرع مرجو ان لا اقدر على استغفارك
حين يفنى الاجل وينقطع العمل اللهم صل على محمد وآله وتولنا ولا تولنا غيرك استغفر الله
استغفارا لا يقدر قدره ولا يبلغ امده الا الله المستغفر به ولا يدري ما وراءه ولا وراء
ما وراءه والمراد به احد سواه اللهم صل على محمد وآله اللهم اني استغفرك لما وعدتك من
نفسي ثم اخلفتك واستغفرك لما تبت اليك منه ثم عدت فيه واستغفرك لكل خير اردت
به وجهك ثم خالطني فيه ما ليس لك واستغفرك لكل نعمة انعمت بها علي ثم قويت بها
على معصيتك مولف كويد كه اين دعا را سيد از ابي محمد هرون بن موسى تلعكبري رحمه الله تعالى نقل

نموده است و ظاهر آن است که از کتاب او نقل نموده باشد و این مجموع یک دعا نباشد بلکه چندین دعا بر روایات
مختلفه باشد و تلعکبری سند آنها را نقل ننموده مجموع را متصل یکدیگر نقل نموده باشد و بدانکه
سید در این مقام گفته که این دعا را اگر در شب اول بخوانی بنحوی که در دعا مذکور است بخوان و اگر
در شب اول بخوانی بجای لفظ یومی هذا اللیلتی هذه بخوان پس سید گفته که آنچه در خاطر من ترجیح
یافته آن است که این دعا در روز باید خوانده شود و سبب این ترجیح ظاهرا عدم احتیاج لفظ دعاست
بنا بر این تغییر و اگر در روز و شب هر دو خوانده شود اولی است و باید دانست که در این شب درود
دعاهای هر شبه و هر جمعه و دعاهای مخصوص شب اول سنت است و اول را که بعد از این در ابواب آینده
مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی با دعای جوشن صغیر و کبیر که سابق بر این مذکور شد نیز باید خوانده
شود والله الموفق **باب پانزدهم در بیان** اعمال هر شب این ماه است و در آن چند مقصد است **مقصد**
اول در بیان نمازهای هر شبه و در روایات و اخبار آنچه مذکور است چند نماز است **اول مشهور میان**
علمای شیعه رضوان الله علیهم آن است که در ماه مبارک رمضان هزار رکعت نافله سنت است و احادیث
متعدده بلکه مستفیضه نیز بر آن دلالت میکند و اکثر آن روایات را شیخ طوسی علیه الرحمة در کتاب
تهذیب ذکر نموده و ما جمیع در شرح الکتاب ایراد نموده‌ایم و لیکن سند اکثر آن روایات ضعیف است
و از بعضی اخبار دیگر خلاف این نیز ظاهر میشود چنانچه شیخ طوسی رضی الله عنه بسند صحیح از حلبی
روایت نموده است که از حضرت صادق صلوات الله علیه سؤال نمود از نافله ماه رمضان حضرت
فرمود که سیزده رکعت است یازده رکعت نافله شب و دو رکعت نافله صبح و رسول خدا صلی الله
علیه و آله چنین میکرد و من نیز چنین میکنم و اگر غیر این نیکو بود و فضیلتی میداشت رسول خدا صلی الله
علیه و آله از آن ترک نمیفرمود و بروایت صحیح دیگر نیز همین مضمون را از آنحضرت روایت نموده
و این تتمه در آخر آن مذکور است که اگر فضیلتی میداشت رسول خدا صلی الله علیه و آله زیاده از سیزده
رکعت نماز نافله میگذارد و بگویند آن را بی تعصبا و از تقیه بود و شیخ این دو روایت را حمل بر این
نموده که مراد این است که آنحضرت این نافله را بجماعت ادا نکرده و من نیز بجماعت ادا نمیکنم و مقصود رد
بر اهل سنت است که این نافله را بجماعت میکنند و علامه طاب ثراه گفته که مراد این است که نافله راتبه
در این ماه زیاده نمی باشد و اگر زیاده میبود آنحضرت بگزاردن آن اولی بود پس منافات ندارد که

نافله

نافله غیر راتبه در این ماه زیاده از سایر اوقات باشد و این هر دو وجه خالی از بعدی نیست و لیکن
و لیکن چون روایات دالّه بر آن از حدّ عدد احصا است طرح همه آنها جرئت و در نهایت اشکال است
بنا بر این اقوی استحباب آن است و چون این دو روایت بر خلاف آن ظاهر الدلالت دارد و بعضی از علما
نیز بعدم شرعیت آن قایل شده اند و لهذا احوط آن است که این نماز را به نیت قربت به شهادت واقع سازد
که اگر نافله در خصوص این ماه سنت باشد بآن محسوب شود و الا بنافله مطلقا محسوب خواهد
شد زیرا که نماز نافله مطلقا مطلوب شارع افتاده و لهذا در حدیث وارد شده که نماز خیر موضوع
شده است هر که خواهد کم بجا آورد و هر که خواهد بیشتر بکند و بنا بر این مفسده بر این نماز مترتب
نیست و دغدغه بدعت اصلا ندارد و نزاع بین الفریقین با این معنی مرتفع میگردد والله تعالی یعلم
و کیفیت تقسیم این نمازها بر شبهای این ماه موافق مشهور میان علما و مطابق اکثر روایات و اخبار آن است که
که هر شب از اول این ماه بیست رکعت نماز بکنند هشت رکعت بعد از نماز مغرب و دوازده رکعت بعد از
نماز عشا یا بر عکس بنا بر بعضی از روایات و در دهه شب عشر آخر هر شب ده رکعت اضافه نمایند
که سی رکعت شود هشت رکعت بعد از نماز مغرب و بیست و دو رکعت بعد از نماز عشا موافق
اکثر روایات یا بر عکس موافق بعضی از روایات و در هر یک از شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست
و سیم صد رکعت اضافه نماید که در شب نوزدهم صد و بیست رکعت و در هر یک از بیست و یکم و
بیست و سیم صد و سی رکعت بکنند تا هزار رکعت تمام شود و از روایات مفضل بن عمر ظاهر میشود
که در این سه شب تنها زاید بر صد رکعت را که آن بیست رکعت شب نوزدهم و سی رکعت شب
بیست و یکم و بیست و سیم است که مجموع هشتاد رکعت بوده باشد توزیع و تقسیم نماید بر جمعهای
این ماه باین طریق که در هر روز جمعه ده رکعت بکنند چهار رکعت بطریق نماز حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه و دو رکعت بطریق نماز فاطمه صلوات الله علیها و چهار رکعت بطریق نماز
جعفر طیار علیه السلم و در شب جمعه که در عشر آخر این ماه اتفاق افتد بیست رکعت بطریق نماز حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه و بیست رکعت دیگر که بماند در شب آخر همین جمعه که شب شنبه بوده
باشد بعنوان نماز حضرت فاطمه صلوات الله علیها بکنند و در این مقام تنبیه بر چند امر ضرور لازم است
اوّل آنکه متابعت ظاهر لفظ این روایت مقتضی آن است که اگر در عشر آخر روز جمعه اتفاق افتد

عزلت در میان این دو جمعه هر یک را که اختیار نماید در شب آن و عشیه آن این چهار رکعت را بکند
و شیخ جلیل نبیل شیخ زین الدین علیه الرحمه مضمون این روایت را نقل نموده و ذکر نقل او چنین است که این چهل رکعت
را در شب آخر این ماه و عشیه آن بکند و این اشتباه است بلکه در روایت چنانچه در کتاب تهذیب مذکور است
شب جمعه عشر آخر و عشیه آن وارد شده است و بنا بر این اگر دو جمعه اتفاق افتد میان این دو جمعه مخیر خواهد
بود چنانچه دانستی دوم اگر در اصل ماه مبارک رمضان پنج جمعه اتفاق افتد بنا بر مقتضای ظاهر
لفظ این روایت نیز باید که در تعیین چهار جمعه در میان پنج جمعه مخیر باشد و یک جمعه خالی از این نماز
می ماند و قسطی برای آن نخواهد بود و شیخ زین الدین علیه الرحمه گفته که محتمل است که برای جمعه آخر
قسطی قرار دهد بلکه اکتفا به بیست رکعت که در شب و بیست رکعت که در عشیه آن بجا می آورد میکند
و محتمل است که ده رکعت از آن چهل رکعت را در روز جمعه آخر و سی رکعت دیگر را در شب آن و عشیه آن
بکند یا بر این طریق که چهارده رکعت در شب آن و شانزده رکعت در عشیه آن یا بر عکس بکند و مخفی نماند
که بنای کلام شیخ رحمه الله در این مقام بر آن اشتباه سابق است که در روایت جمعه آخر و عشیه آن مذکور
شد و چنین نیست بلکه شب جمعه عشر آخر وارد شده است چنانچه دانستی با آنکه مستندی بر این توجیه ذکر نموده
اصلا مذکور نیست نه در این روایت و نه در غیر آن سیم آنکه مقتضای جمع میان این روایت و روایات دیگر
آنست که آدمی مخیر باشد در این هشتاد رکعت که در این شب از باب اضافه صد رکعت بکند یا توزیع بر
جمعات نماید بتفصیل مذکور و شق ثانی ظاهرا افضل است زیرا که از روایات بسیار ظاهر میشود که رسول
خدا صلی الله علیه و آله در هر یک از این شب اکتفا بصد رکعت میفرمود چهارم مجموع این هزار رکعت هر
دو رکعت بیک سلام است چنانچه در نافله چنین است مگر که بنص مخصوص جدا شود و در هر رکعت بعد از حمد
سوره قل هو الله احد اقلا یکنوبت است و اگر زیاده از یکنوبت بخواند تا ده نوبت افضل است و لیکن
بطریقی که در روایت مفضل بن عمر وارد شده است که حضرت صادق علیه السلام با او فرمود که در همه
این نمازها یعنی نافله ماه رمضان میخوانی حمد و قل هو الله احد اگر خواهی یکنوبت و اگر خواهی سه نوبت و اگر
خواهی پنج نوبت و اگر خواهی هفت نوبت و اگر خواهی ده نوبت و اگر هشتاد رکعت را توزیع بر جمعات
نماید بطریق مسطور مضمون این روایت مخصوص خواهد بود به هشتاد رکعت مذکور زیرا که اینها بطریق
نماز حضرت امیر المؤمنین و حضرت فاطمه و حضرت جعفر صلوات الله علیهم باید کرده شود و در بعضی
از آنها

از آنها سورههای دیگر غیر قل هو الله احد باید خوانده شود و در بعضی قل هو الله احد زیاده بر ده
بار خوانده میشود و چون نماز طریق نماز جعفر در اعمال ماه شعبان بتفصیل مذکور شد در این مقام
بذکر کیفیت نماز حضرت امیر المؤمنین و حضرت فاطمه صلوات الله علیهما اکتفا مینمائیم اما کیفیت
نماز حضرت رسول صلی الله علیه و آله سید بن طاوس قدس الله روحه بسند معتبر از حضرت امام رضا
علیه السلام روایت کرده اند که از آنحضرت سؤال کردند از نماز حضرت جعفر طیار رضی
فرمودند که چرا غافلی از نماز حضرت رسول صلی الله علیه و آله و اگر شاید حضرت صلی الله علیه و آله
نماز جعفر را نکرده باشد و شاید که جعفر نماز آنحضرت را کرده باشد راوی گفت بیاموز نماز را تعلیم
کن پس حضرت فرمود که دو رکعت نماز میکنی و در هر رکعت بعد از فاتحه پانزده مرتبه سوره انا
انزلناه میخوانی پس در رکوع و بعد از سر برداشتن و در سجده اول و سر برداشتن و در سجده
دوم و سر برداشتن هر یک پانزده مرتبه سوره قدر را میخوانی پس تشهد میخوانی و سلام
میگوئی و چون فارغ شوی میان تو و خدا گناهی نمی ماند مگر آنکه آمرزیده شده است و هر حاجت
که طلبیده روا است و بعد از آن بگو لا اله الا الله ربنا و رب آبائنا الاولین لا اله الا الله الها
واحدا و نحن له مسلمون لا اله الا الله لا نعبد الا ایاه مخلصین له الدین و لو کره الکافرون
لا اله الا الله وحده وحده وحده انجز وعده و نصر عبده و هزم الاحزاب وحده فله الملک و له
الحمد و هو علی کل شیء قدیر اللهم انت نور السموات و الارض و من فیهن فلک الحمد و انت قیام
السموات و الارض و من فیهن فلک الحمد و انت الحق و وعدک الحق و قولک الحق و انجازک حق
و الجنة حق و النار حق اللهم لک اسلمت و بک آمنت و علیک توکلت و بک خاصمت و الیک
حاکمت یا رب یا رب یا رب اغفر لی ما قدمت و ما اخرت و اسررت و اعلنت و انت الهی لا اله الا
انت صل علی محمد و آل محمد و اغفر لی و ارحمنی و تب علی انک انت التواب الرحیم مؤلف گوید که این نماز
از نمازهای مشهور است و خاصه و عامه در کتب خود روایت کرده اند و بعضی این نماز را از نمازهای
روز جمعه شمرده اند و لیکن روایت اختصاصی معلوم نمیشود و ظاهر آنست که در سایر ایام توان کرد و اما کیفیت
نماز حضرت امیر المؤمنین پس ابن بابویه و عیاشی و شیخ طوسی و دیگران رضی الله عنهم بسندهای صحیح و حسن
و معتبر بسیار از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که هر که چهار رکعت نماز بگذارد یعنی دو

هر دو رکعت بدو سلام و در هر رکعت بعد از حمد پنجاه مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند چون
فارغ گردد میان او و حق تعالی گناهی نماند مگر آنکه آمرزیده شده باشد و سید و شیخ از حضرت صادق
علیه السلام روایت کرده اند که هر که چهار رکعت نماز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بجا آورد از
گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد شده باشد و حاجتهای او برآورده شود و در هر
رکعتی یکمرتبه سوره حمد و پنجاه مرتبه سوره توحید و چون فارغ شود این دعا بخواند که تسبیح آنحضرت
است سبحان من لا تبید معالمه سبحان من لا تنقص خزائنه سبحان من لا اضمحلال لفخره
سبحان من لا ینفد ما عنده سبحان من لا انقطاع لمدته سبحان من لا یشارک احدا فی امره
سبحان من لا اله غیره پس این دعا را بخواند یا من عفی عن السیئات و لم یجاز بها ارحم عبدک
یا الله یا الله نفسی نفسی انا عبدک یا سیداه انا عبدک بین یدیک یا رباه بک الهی بکینونیتک بکینونیتک ده
یا املاه یا رحماناه یا غیاثاه عبدک عبدک لا حیلة له یا منتهی رغبتاه یا مجری الدم فی عروق یا غیاثاه ده
عبدک یا سیداه یا مالکاه ایا هو ایا هو ایا هو عبدک لا حیلة لی و لا غنی بی عن نفسی و لا استطیع یا رباه ده
لها ضرا و لا نفعا و لا اجد من اصانعه تقطعت اسباب الخدائع عنی و اضمحل کل مظنون عنی
افردنی الدهر الیک فقمت بین یدیک هذا المقام یا الهی بعلمک هذا کان کله فکیف انت صانع
بی و لیت شعری کیف تقول لدعائی اتقول نعم ام تقول لا فیا ویلی یا ویلی یا ویلی یا عولی یا عولی
یا عولی یا شقوتی یا شقوتی یا شقوتی یا ذلی یا ذلی یا ذلی الی من و ممن او عند من او کیف او ماذا
او الی ای شیء الجأ و من ارجو و من یجود علی بفضله حین ترفضنی یا واسع المغفرة و ان قلت نعم
کما هو الظن بک و الرجاء لک فطوبی لی انا السعید و انا المسعود فطوبی لی و انا المرحوم یا مترحم
یا مترئف یا متحنن یا متملک یا مقسط لا عمل لی مع نجاح حاجتی اسئلک باسمک الذی جعلته فی مکنون متحنن ده
غیبک و استقر عندک فلا یخرج منک الی شیء سواک اسئلک به و بک و به فانه اجل و اشرف
اسمائک لا شیء لی غیر هذا و لا احد اعود علی منک یا کینون یا مکون یا من عرفنی نفسه یا من ابدا اعود ده
امرنی بطاعته یا من نهانی عن معصیته و یا مدعو یا مسئول یا مطلوبا الیه رفضت وصیتک
التی اوصیتنی بها و لم اطعک و لو اطعتک فیما امرتنی لکفیتنی ما قمت الیک فیه و انا مع معصیتی
لک راج فلا تحل بینی و بین ما رجوت یا مترحما لی اعذنی من بین یدی و من خلفی و من فوقی و من تحتی
و من

و من کل جهات الاحاطة بی اللهم بمحمد صلی الله علیه و آله سیدی و بعلی صلوات الله علیه ولیی
و بالائمة الراشدین علیهم السلام اجعل علینا صلواتک و رأفتک و رحمتک و اوسع علینا من رزقک
و اقض عنا الدین و جمیع حوائجنا یا الله یا الله یا الله انک علی کل شیء قدیر پس حضرت فرمود که هر که
این نماز را بکند و این دعا را بخواند هیچ گناهی میان او و حق تعالی نماند مگر آنکه آمرزیده شود و بدانکه در
روایت مفضل بن عمر که توزیع(?) هشتاد رکعت بر جمیع ایام که کیفیت این نماز نیز مذکور است و این دعا
نیز و لیکن چون در روایات دیگر مذکور است همین است که خوانده شود و اما کیفیت نماز حضرت فاطمه صلوات الله
علیها پس سید بن طاوس قدس سره بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود که نماز
فاطمه صلوات الله علیها دو رکعت نماز بود که جبرئیل علیه السلام تعلیم او کرده بود و در رکعت اول بعد از
حمد صد مرتبه سوره قدر و در رکعت دویم صد مرتبه سوره توحید میخواند و چون سلام میگفت این
دعا را میخواند سبحان ذی العز الشامخ المنیف سبحان ذی الجلال الباذخ العظیم سبحان ذی
الملک الفاخر القدیم سبحان من لبس البهجة و الجمال سبحان من تردی بالنور و الوقار سبحان
من یری اثر النمل فی الصفا سبحان من یری وقع الطیر فی الهواء سبحان من هو هکذا لا هکذا غیره
و سید گفته است که در روایت دیگر وارد شده است که بعد از این نماز تسبیح مشهور حضرت فاطمه علیها
السلام که بعد از هر نماز خوانده میشود بخواند و بعد از آن صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه
و علیهم بفرستد و شیخ رحمه الله در مصباح این نماز را مرسل روایت کرده است و گفته است که چون سلام
بگوئی تسبیح حضرت فاطمه را بخوان و این دعا را بخوان یعنی دعائی که پیش مذکور شد پس گفته است که سزا
وار است برای کسی که این نماز را بکند و از این دعا فارغ شود آنکه زانوها و ذراعهای خود را برهنه
کند و بسجده رود و جمیع مساجد سبعه را بخاک برساند که جامه در میان مانع نباشد و دعا کند
و حاجت خود را از خدا طلب نماید و در سجده این دعا بخواند یا من لیس غیره رب یدعی یا من
لیس فوقه اله یخشی یا من لیس دونه ملک یتقی یا من لیس له وزیر یؤتی یا من لیس له حاجب
یرشی یا من لیس له بواب یغشی یا من لا یزداد علی کثرة السؤال الا کرما و جودا و علی کثرة
الذنوب الا عفوا و صفحا صل علی محمد و آل محمد و افعل بی کذا و کذا و بجای و افعل بی کذا و کذا حاجتهای
خود را یاد کند و در روایت مفضل نیز کیفیت این نماز مذکور است و بعد از نماز بغیر تسبیح فاطمه

صلوات الله علیها چیزی دیگر مذکور نیست بجز ظاهرا و گفتن تسبیح در آن روایت باین نحو است الله اکبر
سی و چهار مرتبه و سبحان الله سی و سه مرتبه و الحمد لله سی و سه مرتبه و ظاهر عبارت مقتضی آنست که
ترتیب همین نحو باشد و این مخالف ترتیب مشهور است که بعد از تکبیر حمد خوانده میشود و بعضی از اکثر
علما بجهه این روایات و کلام سید و شیخ مذکور است بعمل آورد **و بدانکه** بیست رکعتی که در شب جمعه
اخر بطریق نماز حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه میکنند به پنج نماز ایشان محسوب میشود و بیست رکعت
دیگر را که در شب این جمعه بعنوان نماز حضرت فاطمه صلوات الله علیها میکنند بدو نماز آنحضرت بر
میگردد پس باید بعد از هر یک از آنها ادعیه و سایر اعمال مذکوره را بجا آورد والله تعالی هو الموفق
پنجم تاکید در باب سیصد رکعت که در سه شب کرده میشود زیاده از باقی در روایات وارد شده
است و همچنین تاکید در باب دویست رکعت در شب آخر زیاده از صد رکعت شب اول است چنانچه
بعد از این مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی **ششم** شیخ شهید طاب ثراه در کتاب ذکری گفته است که
اگر چیزی از این نوافل در شب فوت شود مستحب است که آن را در روز قضا کند و ظاهر آنست که روایتی در
این باب بنظر او رسیده باشد **هفتم** ظاهر اقوال علما آنست که این نافله مستحب است مطلقا نسبت به همه کس خواه
روزه باشد و خواه بسبب عذری افطار کرده باشد و مستندی بر این اگر چه بنظر نرسید و لیکن اگر
بقصد قربت واقع سازد مثاب و ماجور خواهد بود **هشتم** بدانکه این نماز را بعنوان فرادی باید
کرد و بجماعت کردن بدعت است و اهل سنت آن را بجماعت میکنند و آن را صلوات تراویح مینامند و تمام
قران مجید را تقسیم بر این نماز میکنند چنانچه تمام قران در این نماز ختم میشود و این بدعت حرام
است چنانچه شیخ طوسی رضی الله عنه در حدیث طولانی از حضرت امام رضا صلوات الله علیه
روایت کرده است که چون شب اول ماه مبارک رمضان داخل شد رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز
مغرب را گذارد پس چهار رکعتی را که هر شب بعد از نماز مغرب میگذارد ادا فرمود پس بعد از آن
هشت رکعت نماز بجا آورد پس چون نماز عشا را ادا فرمود دو رکعت نشسته بعد از آن را گذارد پس
خواست و دوازده رکعت نماز دیگر گذارد و بعد از فراغ داخل خانه مقدسه گردید پس مردم چون این را
دیدند از آنحضرت سؤال نمودند از این نماز فرمودند که این نماز را بجهة فضیلت ماه مبارک رمضان
بر سایر ماهها کردم پس چون شب دیگر شد و حضرت مشغول این نماز گردید مردم در عقب سر آنحضرت
صف

صف کشیدند که این نماز را با آنحضرت بجماعت بکنند پس حضرت روی مبارک بجانب ایشان
کردانیدند و فرمودند ایها الناس این نماز نافله است و بجماعت نباید کرد از برای هر یک از شما این نماز
را بتنهائی بکنید و نباید که نافله بجماعت بجا باشد پس مردم متفرق شدند و هر یک به تنهائی این
نماز را کردند و احادیث بر این مضمون بسیار است **نهم** از حدیث سابق مفهوم میشود که دوازده
ده رکعت بعد از عشا باید بعد از نماز وتیره باشد و این معنی مخالف است با آنچه شیخ رحمه الله در
کتاب مصباح ذکر نموده که در بیست رکعت شب اول که اکتفا باین بیست رکعت میکنی بعد از آن دو رکعت نشسته
را بکن و متابعت این روایت شاید اولی باشد و بدانکه این حدیث منافی است با روایات دیگر که دلالت
میکند بر آنکه رسول خدا صلی الله علیه وتیره نمیکرده و بنماز شب اکتفا میفرموده است شاید که
وجه جمع میان آنها این باشد **و ایضا** از این حدیث مفهوم میشود که کردن این نوافل در مسجد افضل
باشد والله تعالی یعلم **دهم** آنکه بعد از هر دو رکعت از این نماز دعای مختصری و دعاهای طولانی
در اخبار وارد شده اما دعای مختصر پس سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال از جد او
ابن یحیی بن سامان نقل نموده که گفت بیرون آمد از خانه سید ما امام حسن عسکری علیه السلام
بسوی من [illegible] از هر دو رکعت نافله این دعا را بخوان اللهم اجعل فیما تقضی و تقدر من الامر
المحتوم و فیما تفرق من الامر الحکیم فی لیلة القدر ان تجعلنی من حجاج بیتک الحرام المبرور حجهم
المشکور سعیهم المغفور ذنوبهم و اسألک ان تطیل عمری فی طاعتک و توسع لی فی رزقی
یا ارحم الراحمین اما دعاهای طولانی پس در این مقام ادعیه بعد از هر رکعت هر شب را مذکور میسازیم
سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال و شیخ طوسی قدس الله روحه در کتاب تهذیب الاحکام
و مصباح نقل کرده از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که دو رکعت اول را
بکن و بعد از آن این دعا را بخوان اللهم انت الاول فلیس قبلک شیء و انت الآخر فلیس بعدک
شیء و انت الظاهر فلیس فوقک شیء و انت الباطن فلیس دونک شیء و انت العزیز الحکیم
اللهم صل علی محمد و آل محمد و ادخلنی فی کل خیر ادخلت فیه محمدا و آل محمد و اخرجنی من کل سوء
اخرجت منه محمدا و آل محمد و السلام علیه و علیهم و رحمة الله و برکاته و سید ابن طاوس طاب
ثراه در کتاب اقبال از کتاب علی بن شهر رضا ابن ابی قره رضی الله عنه نقل نموده که بعد از این دو رکعت

ابدعا بحوان اللهم هذا شهر رمضان وهذا شهر الصيام وهذا شهر القيام وهذا شهر الانابة و
هذا شهر التوبة وهذا شهر الرحمة وهذا شهر المغفرة وهذا شهر الفوز بالجنة وهذا شهر العتق
من النار وهذا شهر رمضان الذي انزلت فيه القرآن اللهم صل على محمد وآل محمد واعني على صيامه و
قيامه وسلمه لي وتسلمه مني وسلمني فيه واعني فيه بافضل عونك ووفقني فيه لطاعتك وطاعة
رسولك عليه السلام وفرغني فيه لعبادتك ودعائك وتلاوة كتابك واعظم لي فيه البركة
وارزقني فيه العافية واصح فيه بدني واوسع في رزقي واكفني فيه ما اهمني واستجب فيه دعائي
وبلغني فيه رجائي اللهم صل على محمد وآل محمد واذهب عني فيه النعاس والكسل والسامة و
الفترة والقسوة والغفلة والغرة اللهم صل على محمد وآل محمد وجنبني فيه العلل والاسقام والاوجاع والاسقام بدل
والهموم والاحزان والاعراض والامراض والخطايا والذنوب واصرف عني فيه السوء والفحشاء
والجهد والبلاء والتعب والعناء انك سميع الدعاء اللهم صل على محمد وآل محمد واعذني فيه من
الشيطان وهمزه ولمزه ونفثه ونفخه ووسوسته وتثبيطه ومكره وحبائله وخدعه و وحبائله بدل
امانيه وغروره وخيله ورجله وشركائه واعوانه واخوانه واشياعه واتباعه واوليائه وجميع
مكائده اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقني فيه صيامه وبلوغ الامل فيه وفي قيامه واستكمال تمام صيامه بدل
ما يرضيك عني صبرا واحتسابا ويقينا وايمانا ثم تقبل ذلك مني بالاضعاف الكثيرة والاجر
العظيم اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقني فيه الصحة والفراغ والحج والعمرة والجد والاجتهاد
والتوبة والقربة والنشاط والانابة والرغبة والرهبة والرقة والخشوع والتضرع وصدق مع صالح بدل
النية والوجل منك والرجاء لك والتوكل عليك والثقة بك والورع عن محارمك وصالح القول
ومقبول السعي ومرفوع العمل ومستجاب الدعاء ولا تحل بيني وبين شيء من ذلك بعرض ولا مرض
ولا سقم ولا غفلة ولا نسيان بل بالتعهد والتحفظ لك وفيك والرعاية لحقك والوفاء بعهدك
ووعدك يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد وآل محمد واقسم لي فيه افضل ما تقسمه لعبادك
الصالحين واعطني فيه افضل ما تعطي اولياءك المؤمنين من الهدى والرحمة والمغفرة والخير للمقربين بدل
والتحنن والاجابة والعفو والنعيم والعمر والعافية والمعافاة الدائمة والعتق من النار و
الفوز بالجنة وخير الدنيا والآخرة واصرف عني شر الدنيا والآخرة برحمتك يا ارحم الراحمين

اللهم

اللهم صل على محمد وآل محمد واجعل دعائي اليك فيه واصلا وخيرك الي فيه نازلا وعملي فيه
مقبولا وسعيي فيه مشكورا وذنبي فيه مغفورا حتى يكون نصيبي فيه الاكثر وحظي فيه الاوفر
اللهم صل على محمد وآل محمد ووفقني فيه لليلة القدر على افضل حال تحب ان يكون عليها احد
من اوليائك وارضاها لك ثم اجعلها لي خيرا من الف شهر وارزقني فيها افضل ما رزقت
احدا ممن بلغته اياه واكرمته بها واجعلني فيها من عتقائك وطلقائك من النار وسعداء
خلقك الذين اغنيتهم واوسعت عليهم في الرزق وصنتهم من بين خلقك ولم تبتلهم
وممن مننت عليه برحمتك ومغفرتك ورأفتك وتحننك واجابتك ورضاك ومحبتك وعفوك
وعافيتك وطولك وقدرتك لا اله الا انت برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم رب الفجر وليال
عشر ورب شهر رمضان وما انزلت من القرآن ورب جبرئيل وميكائيل واسرافيل ورب
ابرهيم واسمعيل واسحق ويعقوب ورب موسى وعيسى ورب محمد خاتم النبيين صل على
محمد وآل محمد واجعلهم ائمة يهدون بالحق وبه يعدلون وانصرهم وانتصر بهم واجعلني من
انصاره رسولك عليه وعليهم السلام واتباعهم في الدنيا والآخرة واسالك بحقهم
عليك وبحقك العظيم لما نظرت الي نظرة منك رحيمة ترضى بها عني رضا لا تسخط علي بعده
ابدا واعطني جميع سؤلي ورغبتي وامنيتي وارادتي واصرف عني جميع ما اكره واحذر واخاف
على نفسي وما لا اخاف وعن اهلي ومالي وذريتي الجا اليك فررت من ذنوبي فآوني تائبا
وتب علي مستغفرا فاغفر لي متعوذا فاعذني مستجيرا فاجرني مستسلما فلا تخذلني راهبا
فامني راغبا فشفعني سائلا فاعطني مصدقا فتصدق علي متضرعا اليك فلا تخيبني يا قريب
يا مجيب عظمت ذنوبي وجلت فصل على محمد وآل محمد وافعل بي ما انت اهله ولا تفعل بي ما انا
اهله اللهم صل على محمد وآل محمد وانزل علي وعلى والدي واهل بيتي واهل حزانتي واخواني المؤمنين
من رزقك ورحمتك وسكينتك ومحبتك وتحننك ورزقك الواسع الهني المري ما تجعله
صلاحا لدنيانا وآخرتنا يا ارحم الراحمين اللهم وما كانت لي اليك من حاجة انا في طلبها و
التماسها شرعت فيها او لم اشرع سالتكها او لم اسالكها نطقت انا بها او لم انطق وانت
اعلم بها مني فاسالك بحق نبيك محمد وعترته الا قربت قضاءها الساعة الساعة وقضاء

جميع حوائجي كلها صغيرها وكبيرها انك على كل شيء قدير واسألك بالله بعزتك التي
انت اهلها وبرحمتك التي انت اهلها ان تصلي على محمد وال محمد وان تغفر لي ذنوبي كلها
قديمها وحديثها ومن ارادني بخير فارده ومن ارادني بسوء فاردد بسوءه في نحره واعوذ بك
من شره واستعين بك عليه اللهم احفظني من بين يدي ومن خلفي وعن يميني وعن شمالي و
اجعلني في حفظك وفي جوارك وكنفك عز جارك وجل ثناؤك ولا اله غيرك پس دو ركعت بگزار
بكن و شيخ طوسي قدس سره در كتاب مذكور از حضرت امام جعفر صادق عليه السلام روايت كرده است
كه بعد از اين دو ركعت اين دعا بخواند الحمد لله الذي علا فقهر والحمد لله الذي ملك فقدر والحمد
لله الذي بطن فخبر والحمد لله الذي يحيي الموتى وهو على كل شيء قدير الحمد لله الذي تواضع كل شيء — ويميت الاحياء د
لعظمته والحمد لله الذي ذل كل شيء لعزته والحمد لله الذي استسلم كل شيء لقدرته والحمد
لله الذي خضع كل شيء لملكته والحمد لله الذي يفعل ما يشاء ولا يفعل ما يشاء غيره اللهم
اللهم صل على محمد وال محمد وادخلني في كل خير ادخلت فيه محمدا وال محمد واخرجني من كل سوء اخرجت
منه محمدا وال محمد صلى الله عليه وعليهم السلام ورحمة الله وبركاته وسلم كثيرا و سيد در كتاب
مذكور از كتاب عمل شهر رمضان ابن ابي قرة رضي الله عنه نقل نموده است كه بعد از اين دو ركعت
اين دعا بخوان يا موضع كل شكوى السائلين ويا منتهى رغبة الراغبين ويا غياث المستغيثين
ويا ملجأ المستجيرين ويا خير من رفعت اليه ايدي السائلين ومدت اليه اعناق الطالبين
انت مولاي وانا عبدك واحق من سأل العبد ربه ولم يسأل العباد مثلك كرما وجودا انت
غايتي في رغبتي وكالئي في وحدتي وحافظي في غربتي وغنيي في طلبتي وناجي في حلقتي ومجيبي
في دعوتي ومصرخي في ورطتي وملجأي عند انقطاع حيلتي اسألك ان تصلي على محمد وال محمد
وان تغفر لي وتنصرني وترفعني ولا تضعني وعلى طاعتك فقوني وبالقول الثابت تثبتني — تغفر لي د
وقربني اليك وادنني واحبني واستصفني واستخلصني وانعشني واصطنعني وذكني
وارزقني من فضلك ورحمتك فانه لا يملكها غيرك واجعل غناي فيما رزقتني وما الذي لي — واحيني غنيا د
بحق فلا تذهب اليه نفسي وكفلني من فضلك واثبني ولا تحرمني ولا تذلني ولا تستبدل
بي غيري وخير الزائرين فاجعل سريرتي وخير المعاد فاجعل معادي ونضرة من وجهك الكريم
فانلني

فانلني ومن ثياب الجنة فالبسني ومن الحور العين فزوجني وتولني ياسيدي ولا تولني غيرك واعف
عني كلما سلف مني واعصمني فيما بقي من عمري واستر علي وعلى والدي وقرابتي ومن كان مني
بسبيل في الدنيا والاخرة فان ذلك كله بيدك وانت واسع المغفرة ولا تخيبني ياسيدي ولا
تردني الى نحري حتى تفعل ذلك بي وتستجيب لي ما سألتك وصل على محمد عبدك ورسولك
وال محمد الهي انت رب شهر رمضان الذي انزلت فيه القرآن وافترضت فيه على عبادك الصيام
فصل على محمد وال محمد وارزقني حج بيتك الحرام في عامنا هذا وفي كل عام واغفر لي
تلك الامور العظام فانه لا يغفرها غيرك يا رحمن يا علام پس دو ركعت ديگر را و شيخ طوسي رضي
الله عنه در كتاب مذكور از حضرت امام جعفر صادق عليه السلام روايت كرده است كه بعد از اين
دو ركعت اين دعا بخوان اللهم اني اسألك بمعاني جميع ما دعاك به عبادك الذين اصطفيتهم
لنفسك المأمونون على سرك المحتجبون بغيبك المستترون بدينك المعلنون به الواصفون
لعظمتك المتزهدون عن معاصيك الداعون الى سبيلك السابقون في علمك الفائزون — المتنزهون د
بكرامتك ادعوك على مواضع حدودك وكمال طاعتك وبما يدعوك به ولاة امرك ان تصلي
على محمد وال محمد وان تفعل بي ما انت اهله ولا تفعل بي ما انا اهله وسيد در كتاب مذكور از
كتاب عمل شهر رمضان اين دعا را بعد از اين دو ركعت نقل نموده است اللهم اني اسألك برحمتك
التي وسعت كل شيء وبعزتك التي قهرت كل شيء وبجبروتك التي غلبت كل شيء وبقدرتك
التي لا يقوم لها شيء وبعظمتك التي ملأت كل شيء وبعلمك الذي احاط بكل شيء وبنور وجهك
الذي اضاء له كل شيء يا اقدم قديم في العز والجبروت ويا رحيم كل مسترحم ويا راحة كل
محزون ومفرج كل ملهوف اسألك باسمائك التي دعاك بها حملة عرشك ومن حول عرشك — باسمك د
وباسمائك التي دعاك بها جبرئيل وميكائيل واسرافيل ان تصلي على محمد وال محمد وان ترضى
عني رضا لا تسخط علي من بعده ابدا وان تمد لي في عمري وان توسع في رزقي وان تصح لي جسمي
وان تبلغني املي وتقويني على طاعتك وعبادتك وتلهمني شكرك فقد ضعف عن نعمائك
شكري وقل على بلائك صبري وضعف عن اداء حقك عملي وانا من قد عرفت سيدي الضعيف
عن اداء حقك المقصر في عبادتك الراكب لمعصيتك فان تعذبني فاهل ذلك انا وان

تعف عني فاهل العفو الهي الهي ظلمت نفسي وعظم عليها اسرافي وطال لمعاصيك
انهماكي وتكاثف ذنوبي وتظاهرت سيئاتي وطال بك اغتراري ودام لشهواتي
اتباعي الهي الهي غرتني الدنيا بغرورها فاغتررت ودعتني الى الغي بشهواتها فاجبت و
صرفتني عن رشدي فانصرفت الى المهالك بقليل حلاوتها ورغبت لي لاركن اليها فركنت
الهي الهي قد اقترفت ذنوبا عظاما موبقات وجنيت على نفسي بالذنوب المهلكات وتتابعت
مني السيئات وقلت مني الحسنات وركبت من الامور عظيما واخطات خطا جسيما واسات
الى نفسي حديثا وقديما وكنت في معاصيك ساهيا لاهيا وعن طاعتك نواما ناسيا فقد نواما ن
طال عن ذكرك سهوي وقد اسرعت الى ما كرهت بجميع جوارحي الهي قد انعمت علي فلم اشكر
ونصرتني فلم اصبر واريتني العبر فلم اعتبر واقلتني العثرات فلم اقصر وسترت مني العورات
فلم استتر وابتليتني فلم اصبر وعصمتني فلم اعتصم ودعوتني الى النجاة فلم اجب وحذرتني
المهالك فلم الهي الهي خلقتني سميعا فطال لما كرهت سماعي وانطقتني فكثر في معاصيك
منطقي وبصرتني فعمي عن الرشد بصري وجعلتني سميعا بصيرا فكثر فيما بعدني سمعي وبصري
وجعلتني قبوضا بسوطا فدام فيما نهيتني عنه قبضي وبسطي وجعلتني ساعيا متقلبا فطال
بعدي سعيي وتقلبي وغلبت على شهواتي وعصيتك بجميع جوارحي فقد اشتدت اليك
فاقتي وعظمت اليك حاجتي فاشكو اليك فقري وفاقتي وحده اشكوا اليك امري وباي
لساني اسالك حوائجي وباي يد ارفع اليك رغبتي وباية نفس انزل اليك فاقتي وباي عمل الت
اليك حزني وفقري ابوجهي الذي قل حياؤه منك يا سيدي ام بقلبي الذي قل اكتراثه منك
مولاي ام بلساني الناطق كثيرا بما كرهت يا رب ام بيدي الشاكي فيه حب معاصيك يا الهي
ام بعملي المخالف لمحبتك يا خالقي ام بنفسي التاركة لطاعتك يا رازقي فانا الهالك ان لم
ترحمني وانا الهالك اذ كنت غضبت علي يا ويلي والعول لي من ذنوبي وخطيئتي واسرافي
على نفسي فبمن استغيث فيغيثني اذ لم تغثني يا سيدي والى من اشكوا فيرحمني اذ كنت اعرضت
عني يا سيدي ومن ادعوا فيشفع لي اذ صرفت وجهك الكريم عني يا سيدي والى من افزع
فيحببني اذ كنت سخطت علي فلم تحببني يا سيدي ومن اسئل فيعطيني اذ لم يعطني وضعفني
يا سيدي

يا سيدي ومن استجير فيجيرني اذ خذلتني يا سيدي ولم تجرني ومن اعتصم فيعصمني
يا سيدي ان لم تعصمني وعلى من اتوكل فيحفظني ويكفيني ان خذلتني يا سيدي ومن استشفع
فيشفع لي اذ كنت قد ابغضتني يا سيدي والى من التجي والى اين افر ان كنت قد غضبت علي
يا سيدي الهي الهي ليس الا اليك منك فراري وليس الا بك منك منجاي واليك ملجاي و فراري مد
ليس الا بك اعتصامي وليس الا عليك توكلي وفيك رجائي وليس الا رحمتك وعفوك ينقذني
وليس الا املك ومغفرتك تنجيني انت يا سيدي اماني مما اخاف ومما لا اخاف برحمتك فامني
فانت يا سيدي رجائي مما احذر ومما لا احذر بمغفرتك فنجني وانت يا سيدي مستغاثي
مما تورطت فيه من ذنوبي فاغثني وانت يا سيدي مشتكاي مما تضرعت اليك فارحمني وانت
يا سيدي مستجاري من عذابك الاليم فاجرني وانت يا سيدي كهفي وناصري ورازقي
فلا تضيعني وانت يا سيدي الحافظ لي والذاب عني والرحيم بي فلا تبتليني سيدي فمنك
اطلب حاجتي فاعطني سيدي واياك اسئلك رزقا واسعا فلا تحرمني سيدي وبك استهدي
فاهدني ولا تضلني سيدي ومنك استقبل فاقلني عثرتي سيدي واياك استغفر فاغفر لي
ذنوبي سيدي وقد رجوت غناك برحمتك فاغنني سيدي وقد رجوت رحمتك لي بمنك فارحمني
سيدي وقد رجوت عطاياك بفضلك فاعطني سيدي وقد رجوت اجارتك لي بفضلك فا
جرني سيدي وقد رجوت عفوك عني بحلمك فاعف عني سيدي وقد رجوت تجاوزك عني
برحمتك فتجاوز عني سيدي وقد رجوت تخليصك اياي من النار فخلصني سيدي وقد
رجوت ادخالك اياي الجنة بجودك فادخلني سيدي وقد رجوت اعطائك املي ورغبتي
وطلبتي في امر دنياي واخرتي بكرمك وجودك فلا تخيبني الهي ان لم اكن اهل ذلك منك
فانك اهله وانت لا تخيب من دعاك ولا تضيع من وثق بك ولا تخذل من توكل عليك فلا
تجعلني اخيب من سئلك في هذه الليلة ولا تجعلني اخسر من سئلك في هذا الشهر ومن
علي بالاجابة والقبول والعتق من النار والفوز بالجنة واجمع لي خير الدنيا والاخرة و
اغفر لي ذنوبي وعيوبي واسائتي وظلمي وتفريطي واسرافي على نفسي واعذني من كل ذنب
يحبس عني الرزق ويحجب دعائي عنك او يرد مسئلتي دونك ويقصر بي عن بلوغ املي او ويقصر بي

بعرض بوجهك الكريم عني فقد اشتدت بك نقمتي يا سيدي واشتد لك دعائي وانطلق
بدعائك لساني فاشرح لمسائلتك صدري لما رحمتني ووعدتني على لسان نبيك الصادق
عليه السلام وفي كتابك فلا تحرمني يا سيدي لقلة شكري ولا تضيعني يا سيدي لقلة
صبري واعطني يا سيدي لفاقتي وفقري فارحمني يا سيدي لذلي وضعفي وتمم يا سيدي
احسانك لي ونعمك علي واعطني يا سيدي الكثير من خزائنك وادخلني يا سيدي الجنة
برحمتك واسكني يا سيدي الارض بخشيتك وادفع عني يا سيدي بذمتك فارزقني يا سيدي
ودك ومحبتك ومودتك والراحة عند الموت والمعافات عند الحساب وارزقني الغنا
والعفو والعافية وحسن الخلق واداء الامانة وتقبل صومي وصلواتي واستجب دعائي
وارزقني الحج والعمرة من عامي هذا وابدا ما ابقيتني فصل على خير خلقك محمد وال محمد و طلب
كن حاجت خود را پس دو رکعت دیگر را بکن وشیخ طوسی قدس الله سره روحه در کتاب مذکور از
حضرت صادق علیه السلام روایت نموده است که بعد از این دو رکعت این دعا را بخوان یا ذا المن لا من
علیك یا ذا الطول لا اله الا انت ظهر اللاجین ومامن الخائفین وجار المستجیرین ان کان في ام
الکتاب عندك اني شقي او محروم او مقتر علي رزقي فامح من ام الکتاب شقاي وحرماني
واقتار رزقي واکتبني عندك سعیدا موفقا للخیر موسعا علي رزقك فانك قلت في کتابك
المنزل علی نبیك المرسل صلواتك علیه واله یمحوا الله ما یشاء ویثبت وعنده ام الکتاب
وقلت ورحمتي وسعت کل شيء وانا شيء فلتسعني رحمتك یا ارحم الراحمین وصل علی محمد وال
محمد ودعا کن هرچه خواهی وسید در کتاب مذکور از کتاب ابن ابي قره رحمه الله این دعا را بعد از
این دو رکعت نقل نموده است الهي الهي ان تعلبني ذنوبي وارتهنت بعملي وابتلیت بخطیئتي فیا ویلي
والعول لي مما خفت علی نفسي مما ارتکبت بجوارحي والویل والعول لي ام کیف امنت عقوبة
ربي فیما اجترات به علی خالقي فیا ویلي والعول لي نعصیت ربي بجمیع جوارحي فیا ویلي والعول
لي اسرفت علی نفسي واثقلت ظهري بجرائري ویا ویلي نغضبت نفسي الی خالقي بعظیم ذنوبي
ویا ویلي صرت کاني لا اعقل ام لیس اعقل ینفعني ویا ویلي اما تفکرت فیما اکتسبت وجنت
مما عملت یداي ویا ویلي عمیت عن النظر في امري وعن التفکر في ظلمي ویا ویلي ان کان عقابي

مقتی
علی رزقك الیوم

مدخورا لي الی اخرتي فیا ویلي ویا عولي ان اوقف یوم القیمة مغلولة یدي الی عنقي یا ویلي ویا
ویلي ویا عولي ان بدت للناس جسدي وتحرکت مفاصلي ویا ویلي ان تعلم بي ما استوجبه بذنوبي
ویا ویلي ان لم ترحمني سیدي وتعف عني الهي ویا ویلي لو علمت الارض بذنوبي لساخت بي یا ویلي
لو علمت البحار بذنوبي لغرقتني ویا ویلي لو علمت الجبال بذنوبي لهدمتني ویا ویلي من فعل القبیح
وعملي الخبیث وفضائح جریرتي ویا ویلي لو ذکرت للارض ذنوبي لابتلعتني ویا ویلي لیت الذي
کان خفت ترابي ولم اسخط الهي ویا ویلي المفتضح یوم القیمة بعظیم ذنوبي ویا ویلي اذا اسود
یوم القیمة في موقف وجهي ویا ویلي ان فضح علی رؤس الخلائق ظهري ویا ویلي ان نوبیت
او حوسبت او جوزیت بعملي فیا ویلي والعول لي ان لم یرحمني ربي یا مولای قد حسن ظني بك لما
اخوفت من عقابي یا مولای فاعف عني واغفر لي وتب علي واصلحني یا مولای وتقبل مني صومي
وصلواتي واستجب لي دعائي یا مولای وارحم تضرعي وتلویذي وبؤسي ومسکنتي یا مولای
ولا تخیبني ولا تقطع رجائي ولا تضرب بدعائي وجهي وصل علی محمد وال محمد وارزقني الحج والعمرة
في عامي هذا وابدا ما ابقیتني وشیخ طوسی رحمه الله در کتاب مذکور گفته که پس سجده کن ودر سجده این
دعا را بخوان اللهم اغنني بالعلم وزیني بالحلم وکرمني بالتقوی وجملني بالعافیة یا ولي العافیة
عفوك عفوك من النار وچون سر از سجده بر داری این دعا را بخوان یا الله یا الله یا الله اسالك بانه لا
اله الا انت یا اسمك بسم الله الرحمن الرحیم یا رحمن یا الله یا رب یا قریب یا مجیب یا بدیع السموات والارض
یا ذا الجلال والاکرام یا حنان یا منان یا حي یا قیوم اسالك بکل اسم هو لك تحب ان تدعی به وبکل
دعوة دعاك بها احد من الاولین والاخرین فاستجبت له ان تصلي علی محمد وال محمد وان تصرف
قلبي الی خشیتك ورهبتك وان تجعلني من المخلصین وتقوي بها ارکاني کلها بعبادتك وتشرح صدري
للخیر والتقی وتطلق لساني لتلاوة کتابك یا ولي المؤمنین وصل علی محمد وال محمد و دعا کن با هرچه خواهی
پس نماز عشا را بکن وچون فارغ شدی از این دو رکعت نماز را بکن وشیخ طوسی نور الله تربته در کتاب
مذکور گفته که بعد از این دو رکعت این دعا را بخوان اللهم اني اسالك ببهائك وجلالك وجمالك و
عظمتك ونورك وسعة رحمتك وباسمائك وعزتك وقدرتك ومشیتك ونفاذ امرك و
منتهی رضاك وشرفك وکرمك ودوام عزك وسلطانك وفخرك وعلو شانك وقدیم منك

وتجنب ابائك وفضلك ومحوك وعموم رزقك وعطائك وخيرك واحسانك وتفضلك
وامتنانك وشانك وجبروتك واسئلك بجميع مسائلك ان تصلي على محمد وال محمد وتنجيني
من النار وتمن علي بالجنة وتوسع علي من الرزق الحلال الطيب وتدرا عني شر فسقة العرب
والعجم وتمنع لساني من الكذب وقلبي من الحسد وعيني من الخيانة فانك تعلم خائنة الاعين
وما تخفي الصدور وترزقني في عامي هذا وفي كل عام الحج والعمرة وتغض بصري وتحصن فرجي
وتوسع رزقي وتعصمني من كل سوء يا ارحم الراحمين وسيد در كتاب مذكور از كتاب ابن ابي قره
نقل از ابن دويك ابدعا از نقل عنوه اللهم اني اسالك من بهائك بابهاه وكل بهائك
بهي اللهم اني واسئلك ببهائك كله اللهم اني اسالك من جمالك باجمله وكل جمالك جميل
اللهم اني واسئلك بجمالك كله اللهم اني اسئلك من جلالك باجله وكل جلالك جليل اللهم
اني واسالك بجلالك كله اللهم اني اسالك من عظمتك باعظمها وكل عظمتك عظيمة اللهم
واسئلك بعظمتك كلها اللهم اني اسئلك من نورك بانوره وكل نورك نير اللهم واسالك
بنورك كله اللهم اني اسئلك من رحمتك باوسعها وكل رحمتك واسعة اللهم اسئلك
برحمتك كلها اللهم اني اسئلك من كمالك باكمله وكل كمالك كامل اللهم واسئلك بكمالك
كله اللهم اني اسئلك من كلماتك باتمها وكل كلماتك تامة اللهم اسئلك بكلماتك
كلها اللهم اني اسالك من اسمائك باكبرها وكل اسمائك كبيرة اللهم اسئلك باسمائك
كلها اللهم اني اسئلك من عزتك باعزها وكل عزتك عزيزة اللهم واسالك بعزتك
كلها اللهم اني اسئلك من مشيتك بامضاها وكل مشيتك ماضية اللهم واسئلك بمشيتك
كلها اللهم اني اسالك بالقدرة التي استطلت بها على كل شيء وكل قدرتك مستطيلة اللهم
واسالك بقدرتك كلها اللهم اني اسئلك من علمك بانفذه وكل علمك نافذ اللهم
واسالك بعلمك كله اللهم اني اسئلك من قولك بارضاه وكل قولك رضي اللهم واسئلك
بقولك كله اللهم اني اسئلك من مسائلك باحبها اليك وكل مسائلك اليك حبيبة وكلها اليك حبيبة
اللهم واسئلك بمسائلك كلها اللهم اني اسئلك من شرفك باشرفه وكل شرفك شريف
اللهم اسالك بشرفك كله اللهم اني اسئلك من سلطانك بادومه وكل سلطانك

دائمة

دائمة اللهم واسالك بسلطانك كله اللهم اني اسالك من ملكك بافخره وكل ملكك فاخر
اللهم واسالك بملكك كله اللهم اني اسالك من منك باقدمه وكل منك قديم اللهم واسئلك
بمنك كله اللهم اني اسئلك من اياتك باعجبها وكل اياتك عجيبة اللهم واسئلك باياتك كلها
اللهم اني اسئلك من فضلك بافضله وكل فضلك فاضل اللهم واسئلك بفضلك كله اللهم
اني اسئلك من رزقك باعمه وكل رزقك عام اللهم واسئلك برزقك كله اللهم اني اسئلك
من عطائك باهنائها وكل عطائك هنية اللهم واسئلك بعطائك كلها اللهم اني اسئلك
من خيرك باعجله وكل خيرك عاجل اللهم اسئلك بخيرك كله اللهم اني اسئلك من احسانك
باحسنه وكل احسانك حسن اللهم واسئلك باحسانك كله اللهم اني اسئلك بما انت فيه
من الشئون والجبروت اللهم اسئلك بكل شانه وحده وبكل جبروت وحدها اللهم اني اسئلك
بما تجيبني حين اسالك يا الله يا الله يا الله يا رحمن يا رحيم يا ذا الجلال والاكرام ان تصلي على محمد وال
محمد وان ترزقني حج بيتك الحرام في عامي هذا وفي كل عام وزيارة قبر نبيك عليه السلام وتختم
لي بخير يا ارحم الراحمين اللهم اني اسئلك ان تصلي على محمد عبدك المجتبى وامينك المصطفى
ورسولك المصطفى وحبيبك دون خلقك ونجيبك من عبادك ونبيك بالصدق وحبيبك
المفضل على رسلك وخيرتك من العالمين النذير البشير السراج المنير وعلى اهل بيته الابرار المطهرين
الاخيار وعلى ملائكتك الذين استخلصتهم لنفسك وحجبتهم عن خلقك وعلى انبيائك الذين
ينبئون بالصدق عنك وعلى رسلك الذين خصصتهم بوحيك وفضلتهم على العالمين برسالاتك
وعلى عبادك الصالحين الذين ادخلتهم في رحمتك وعلى جبرئيل وميكائيل واسرافيل وملك
الموت ومالك خازن النار ورضوان خازن الجنة وروح القدس والروح الامين وحملة عرشك
المقربين وعلى منكر ونكير وعلى الملكين الحافظين علي وعلى الكرام الكاتبين بالصلوات التي
تحب ان تصلي عليهم بها عليهم اهل السموات والارضين صلوة كثيرة طيبة مباركة زاكية ظاهرة
نامية كريمة فاضلة تبين بها فضلهم على الاولين والاخرين اللهم اعط محمدا صلى الله
عليه واله واهل بيته الطيبين الوسيلة والشرف والفضيلة والدرجة الكبيرة واجزه مع كل
زلفة زلفة ومع كل كرامة كرامة ومع كل وسيلة وسيلة ومع كل فضيلة فضيلة ومع كل

شرف شرفاً حتی لا یبقی ملکاً مقرباً ولا نبیاً مرسلاً الا دون ما تعطی محمداً وآل محمد یوم القیمة
اللهم اجعل محمداً ادنی المرسلین منک مجلساً وافسحهم فی الجنة منزلاً واقربهم وسیلة واتمهم
فضیلة واجعله اول شافع ومشفع واول قائل وانجح سائل وابعثه المقام المحمود الذی یغبطه
به الاولون والآخرون یا ارحم الراحمین اللهم انی اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تسمع
صوتی وتجیب دعوتی وتنجح طلبتی وتقضی حاجتی وتقبل توبتی وتنجز لی ما وعدتنی وتقیلنی
عثرتی وتغفر ذنبی وتتجاوز عن خطیئتی وتصفح عن ظلمی وتعفو عن جرمی وتقبل علی ولا تعرض
عنی وترحمنی ولا تعذبنی وتعافینی ولا تبتلینی وترزقنی من الطیب الرزق واوسعه ولا
تحرمنی وتقضی عنی دینی وتمحق عنی وتضع عنی وزری ولا تحملنی ما لا طاقة لی به سیدی
وتدخلنی فی کل خیر ادخلت فیه محمداً وآل محمد وتخرجنی من کل سوء اخرجت منه محمداً وآل محمد
وتجعلنی واهل بیتی وذریتی واخوانی معهم فی الدنیا والآخرة اللهم انی ادعوک کما امرتنی
فصل علی محمد وآل محمد واستجب لی کما وعدتنی انک سمیع الدعاء قریب مجیب اللهم انی اسئلک
یا الله یا الله یا رحمن یا رحیم یا ذا الجلال والاکرام ان تصلی علی محمد وآل محمد وتجعلنی
من حجاج بیتک الحرام وزوار قبر نبیک علیه السلام فی عامی هذا وفی کل عام وتختم لی
بخیر یا ارحم الراحمین اللهم انی اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجمع لی فی مقعدی
هذا ما املته فی هذا الشهر للدین والدنیا وتمن علی بالزیادة من فضلک بما لا یخطر ببالی ولا
ارجوه مما تصلح به امر دینی ودنیای وتجعل ذلک کله فی عافیة وتصرف عنی انواع البلاء یا ارحم
الراحمین وحوائج خود را سؤال میکنی پس دو رکعت دیگر را میکنی و شیخ طوسی قدس سره در کتاب مذکور از
حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که بعد از این دو رکعت این دعا بخوان اللهم انی اسئلک
حسن الظن بک والصدق فی التوکل علیک واعوذ بک ان تبتلینی ببلیة تحملنی ضرورتها علی
التعوذ لشیء من معاصیک واعوذ بک ان تدخلنی فی حال کنت اکون منها فی عسر او یسر اظن — علی المعرض لشیء / علی التعرض لشیء
ان معاصیک انجح لی من طاعتک واعوذ بک ان اقول قولاً حقاً من طاعتک التمس به سواک و
اعوذ بک ان تجعلنی عظة لغیری واعوذ بک ان یکون احد اسعد بما آتیتنی به منی واعوذ بک ان
اتکلف طلب ما لم تقسمه لی وما قسمت لی من قسم او رزقتنی من رزق فآتنی به فی یسر منک
وعافیة

وعافیة حلالاً طیباً واعوذ بک من کل شیء زحزح بینی وبینک او باعد بینی وبینک او نقص
به حظی عندک او صرف بوجهک الکریم عنی واعوذ بک ان تحول خطیئتی او ظلمی او جرمی او اسرافی
علی نفسی واتباع هوای واستعجال شهوتی دون مغفرتک ورضوانک وثوابک ونائلک وبرکاتک
وموعودک الحسن الجمیل علی نفسک و سید در کتاب مذکور از کتاب ابن ابی قرة رحمه الله علیه این دعا
را بعد از این دو رکعت نقل نموده است اللهم انی اسئلک بلا اله الا انت وبهاء لا اله الا انت یا لا
اله الا انت واسئلک بجلال لا اله الا انت یا لا اله الا انت واسئلک بجمال لا اله الا انت یا لا اله الا
انت واسئلک بعظمة لا اله الا انت یا لا اله الا انت واسئلک بنور لا اله الا انت یا لا اله الا انت
واسئلک بحمد لا اله الا انت یا لا اله الا انت واسئلک بکمال لا اله الا انت یا لا اله الا انت و
اسئلک بکلمات لا اله الا انت یا لا اله الا انت واسئلک باسماء لا اله الا انت یا لا اله الا انت
واسئلک بعزة لا اله الا انت یا لا اله الا انت واسئلک بقدرة لا اله الا انت یا لا اله الا انت واسئلک
بسلطان لا اله الا انت یا لا اله الا انت واسئلک بعلو لا اله الا انت یا لا اله الا انت واسئلک بآلاء
لا اله الا انت یا لا اله الا انت واسئلک بمشیة لا اله الا انت یا لا اله الا انت واسئلک بعلم
لا اله الا انت یا لا اله الا انت واسئلک بشرف لا اله الا انت یا لا اله الا انت واسئلک بملک لا اله
الا انت یا لا اله الا انت واسئلک بفضل لا اله الا انت یا لا اله الا انت واسئلک بکرم لا اله الا
انت یا لا اله الا انت واسئلک بنعمة لا اله الا انت یا لا اله الا انت ان تصلی علی محمد وآل محمد و
ان تمد لی فی عمری وتوسع علی فی رزقی وتصح لی جسمی وتبلغنی املی اللهم ان کنت عندک من
الاشقیاء فامحنی واکتبنی من السعداء فانک قلت یمحو الله ما یشاء ویثبت وعنده ام الکتاب
وحوائج خود را طلب نمی پس دو رکعت دیگر را میکنی و شیخ طوسی رضی الله عنه در کتاب مذکور گفته که بعد
موجبات — از این دو رکعت این دعا بخوان اللهم انی اسئلک بعزائم مغفرتک وبواجب رحمتک السلامة
الفوز — من کل اثم والغنیمة من کل بر والفوز بالجنة والنجاة من النار اللهم دعاک الداعون ودعوتک
وسألک السائلون وسئلتک وطلب الطالبون وطلبت الیک اللهم انت الثقة والرجاء و
الیک منتهی الرغبة والدعاء فی الشدة والرخاء اللهم صل علی محمد وآل محمد واجعل الیقین فی قلبی
والنور فی بصری والنصیحة فی صدری وذکرک باللیل والنهار علی لسانی ورزقاً واسعاً غیر ممنون

مخطور فارزقنی وبارك لی فیما رزقتنی واجعل غنای فی نفسی ورغبتی فیما عندك برحمتك
یا ارحم الراحمین وسید در کتاب مذکور از کتاب ابن ابی قره این دعا را بعد از دو رکعت نقل نموده
یا لا اله الا انت رب کل شیء ووارثه یا اله الآلهة الرفیع جلاله یا الله المعبود المحمود فی کل
فعاله یا الله الرحمن بکل شیء والرئوف به ورحیمه یا الله یا قیوم فلا یفوته شیء ولا یؤده
یا الله الواحد الاحد انت قبل کل شیء وآخره یا الله الدائم بلا زوال ولا یفنی ملکه یا الله الصمد
شبهه د د فی شبهه فلا شیء کمثله یا الله الباری لکل شیء فلا شیء یکون کفوه یا الله الکبیر الذی لا یهتدی
القلوب لکنه عظمته یا الله البدیء البدیع المنشیء الخالق لکل شیء علی غیر مثال امثلته یا الله
الزاکی الطاهر من کل آفة بقدسه یا الله الکافی الرازق لکل ما خلق من عطایا فضله یا الله النقی
من کل جور لم یرضه ولم یخالطه فعاله یا الله المنان ذو الاحسان والجود وقد عم الخلائق منه
یا الله الحنان الذی وسعت کل شیء رحمته یا الله الذی خضع العباد کلهم رهبة منه یا الله
الخالق لمن فی السموات والارض وکل الیه معاده یا الله الرحمن بکل مستصرخ ومکروب ومغیثه
یا الله لا تصف الالسن کنه جلاله وعزه یا الله المبدیء الاسباء لم یستعن فی انشائها باحد
من خلقه یا الله العلام الغیوب الذی لا یؤده شیء من خلقه یا الله المعید الباعث الوارث
لجمیع خلائقه یا الله الحکیم ذو الآلاء فلا شیء یعدله من خلقه یا الله الفعال لما یرید العواد بفضله
علی جمیع خلقه یا الله العزیز ذو البطش الشدید الذی لا یطاق انتقامه یا الله القریب فی ارتفاعه
العالی فی دنوه الذی ذل کل شیء لعظمته یا الله نور کل شیء وهداه الذی فلق الظلمات نوره یا الله
القدوس الطاهر من کل شیء فلا شیء یعادله یا الله القریب المجیب العالی المتدانی دون کل شیء قربه
المبدئ د د یا الله الشامخ فوق کل شیء علوه وارتفاعه یا الله المبدیء الاشیاء ومعیدها ولا یبلغ الاوائل
ثنائه د د ثنائه یا الله الماجد الکریم العفو الذی وسع کل شیء عدله یا الله العظیم ذو العزة والکبریاء
فلا یذل استکباره یا الله ذا السلطان الفاخر الذی لا یطیق الالسن وصف آلائه وثنائه صل
علی محمد وآل محمد واجعل فیما تقضی وتقدر من الامر المحتوم وفیما تفرق من الامر الحکیم فی لیلة القدر
من القضاء الذی لا یرد ولا یبدل ان تجعلنی من حجاج بیتك الحرام المبرور حجهم المکفر عنهم
سیئاتهم المغفور ذنوبهم المشکور سعیهم واجعل فیما تقضی وتقدر ان تطیل عمری وتوسع فی
رزقی

رزقی وان تؤدی عنی امانتی اللهم ارزقنی حج بیتك الحرام وزیارة قبر نبیك علیه السلام فی
عامی هذا فی یسر منك وعافیة وحوائج خود را سؤال کن و دو رکعت بگزار و شیخ طوسی طیب الله مضجعه
در کتاب مذکور گفته که بعد از این دو رکعت این دعا بخوان اللهم صل علی محمد وآل محمد وفرغنی لما خلقتنی
له ولا تشغلنی بما قد تکفلت لی به اللهم انی اسئلك ایمانا لا یرتد ونعیما لا ینفد ومرافقة نبیك
محمد صلواتك علیه وآله فی اعلی جنة الخلد اللهم انی اسئلك رزقا یوما بیوم لا قلیلا فاشقی
ولا کثیرا فاطغی اللهم صل علی محمد وآل محمد وارزقنی من فضلك ما ترزقنی به الحج والعمرة فی
عامی هذا وتقوینی به علی الصوم والصلوة فانك انت ربی ورجائی وعصمتی لیس لی معتصم الا
انت ولا رجاء غیرك ولا منجا منك الا الیك فصل علی محمد وآل محمد وآتنی فی الدنیا حسنة وفی الآخرة
حسنة وقنی برحمتك عذاب النار وسید در کتاب مذکور از کتاب ابن ابی قره رضی الله عنه بعد از
این دو رکعت این دعا را نقل نموده اللهم انی بك ومنك اطلب حاجتی ومن طلب حاجته الی احد
فانی لا اطلب حاجتی الا منك وحدك لا شریك لك واسئلك بفضلك ورضوانك
ان تصلی علی محمد وآل محمد واهل بیته وان تجعل لی فی عامی هذا الی بیتك الحرام سبیلا حجة مبرورة مقبولة د د
مقبولة زاکیة خالصة لك تقر بها عینی وترفع بها درجتی وتکفر بها سیئاتی وترزقنی ان اغض
بصری وان احفظ فرجی عن جمیع محارمك ومعاصیك حتی لا یکون شیء آثر عندی من طاعتك
وخشیتك والعمل بما احببت والترك لما کرهت ونهیت عنه فاجعل ذلك فی یسر ویسار وعافیة
فی دینی وجسدی ومالی وولدی واهل بیتی واخوانی وما انعمت به علی وخولتنی فاسئلك ان
تجعل وفاتی قتلا فی سبیلك مع اولیائك تحت رایة نبیك صلواتك علیه وآله واسئلك ان
تقتل بی اعدائك واعداء رسولك واسئلك ان تکرمنی بهوان من شئت من خلقك ولا تهنی بکرامة
احد من اولیائك واجعل لی مع الرسول سبیلا حسبی الله ما شاء الله توکلت علی الله ولا حول ولا
قوة الا بالله پس دو رکعت دیگر بکن و شیخ طوسی طاب ثراه در کتاب مذکور گفته که بعد از آن این دعا را
بخوان اللهم لك الحمد کله ولك الملك کله والیك یرجع الامر کله علانیته وسره وانت منتهی
الشأن کله بیدك الخیر کله اللهم انی اسئلك من الخیر کله واعوذ بك من الشر کله اللهم
صل علی محمد وآل محمد ورضنی بقضائك وبارك لی فی قدرك حتی لا احب تعجیل ما اخرت ولا تاخیر وآله د د

ما عجلت اللهم واوسع علي من فضلك وارزقني بركتك واستعملني في طاعتك وتوفني عند
انقضاء اجلي على سبيلك ولا تول امري غيرك ولا تزغ قلبي بعد اذ هديتني وهب لي من لدنك رحمة
انك انت الوهاب و سيد در كتاب مذكور از كتاب ابن ابي قره رحمه الله اين دعا را بعد از اين دو ركعت نقل
موده اللهم رب شهر رمضان الذي انزلت فيه القرآن وافترضت على عبادك فيه الصيام صل
على محمد واهل بيته وارزقني حج بيتك الحرام في عامي هذا وفي كل عام واغفر لي الذنوب العظام
فانه لا يغفرها غيرك يا رحمن يا علام اللهم صل على محمد واهل بيته وافتح مسامع قلبي لذكرك
واجعلني اصدق بكتابك واومن بوعدك واوفي بعهدك وارزقني من خشيتك ما اهرب به
منك اليك اللهم صل على محمد واهل بيته وارحمني رحمة تنعشني وعافني عافية تجللني وارزقني
رزقا يغنيني وفرج عني فرجا يعجلني يا اجود من سئل ويا اكرم من دعي ويا ارحم من استرحم ويا
اراف من عفى ويا خير من اعتمد ادعوك لحاجة لا يفرجها غيرك ولكرب لا يكشفه سواك ولغم
لا ينفسه الا انت ولرحمة لا تنال الا منك ولحاجة لا تقضى الا بك اللهم فكما كان من شانك ما
اذنت لي فيه من مسألتك ورحمتني به من ذكرك فصل على محمد وآل محمد وفرج عني الشلعة الشاغة
وخلصني من كل ما اخاف على نفسي فانك ان لم تدركني منك برحمة تخلصني بها لم اجد لها غيرك
يخلصني ومن لي سواك انت انت لي انت يا مولاي العواد بالمغفرة وانا العواد بالمعصية
وانا الذي لم اراقبك قبل معصيتي فلم اوثرك على شهوتي فلا تمنعك من اجابتي شر عملي وقبيح فعلي
وعظيم جرمي بل تفضل علي برحمتك ومن علي بمغفرتك وتجاوز عني بعفوك واستجب لي دعائي
وعرفني الاجابة في جميع ذلك برحمتك واسألك سيدي السداد في امري والنجح في طلبتي و
الصلاح لنفسي والفلاح لديني والسعة في رزقي والرأفة على عيالي والافضال علي والقنوع بما
قسمت لي اللهم اقسم لي الكثير من فضلك والجزيل من عطائك ورضني بما قضيت علي وانفض لي با
لحسنى وقوني على صيام شهري وقيامه انك على كل شيء قدير يا ارحم الراحمين صلى الله على خير
خلقه محمد وآل محمد و صاحب جواهر در اساس الكافي بعد در ركعت ديگر اكنون شيخ طوسي رضي الله عنه در كتاب
مذكور گفته است كه بعد از اين دو ركعت اين دعا را بخوان كه از ابو عمرو منقول است كه گفت اين دعا را از
حضرت امام محمد باقر عليه السلام اخذ نمودم و آن حضرت اين دعا را بعد از جامع مي‌خواند و دعا اين است كه

اللهم اني

بسم الله الرحمن الرحيم اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد ان محمدا عبده ورسوله
آمنت بالله وبجميع ما انزلت به جميع رسل الله وان وعد الله حق ولقاءه حق وصدق الله وبلغ
المرسلون والحمد لله رب العالمين وسبحان الله كلما سبح الله شيء وكما يحب الله ان يسبح والحمد
لله كلما حمد الله شيء وكما يحب الله ان يحمد ولا اله الا الله كلما هلل الله شيء وكما يحب الله ان
يهلل والله اكبر كلما كبر الله شيء وكما يحب الله ان يكبر اللهم اني اسألك مفاتيح الخير وخواتيمه
ماءل وشرايعه وسوابغه وفوائده وبركاته مما بلغ علمه علمي وما قصر عن احصائه حفظي اللهم صل
على محمد وآل محمد وانهج لي اسباب معرفته وافتح لي ابوابه وغشني بركات رحمتك ومن علي
بعصمة عن الازالة عن دينك وطهر قلبي من الشك ولا تشغل قلبي بدنياي وعاجل معاشي عن آجل
والتمعنه ل ثواب آخرتي واشغل قلبي بحفظ ما لا تقبل مني جهله وذلل لكل خير لساني وطهر قلبي من الرياء ولا
تجره في مفاصلي واجعل عملي خالصا لك اللهم اني اعوذ بك من الشر وانواع الفواحش كلها ظاهرها
وباطنها وغفلاتها وجميع ما يريدني به الشيطان الرجيم وما يريدني به السلطان العنيد مما احطت
وزوابعهم ل / وتوابعهم ل بعلمه وانت القادر على صرفه عني اللهم اني اعوذ بك من طوارق الجن والانس وزوابعهم
وبوائقهم ومكائدهم ومشاهد الفسقة من الجن والانس وان استزل عن ديني فتفسد علي آخرتي وان يكون
ذلك منهم ضررا علي في معاشي او يعرض بلاء يصيبني منهم لا قوة لي به ولا صبر لي على احتماله فلا تبتليني
يا الهي بمقاساته فيمنعني ذلك من ذكرك ويشغلني عن عبادتك انت العاصم المانع والدافع الواقي من
ذلك كله اسألك اللهم الرفاهية في معيشتي ما ابقيتني معيشة اقوى بها على طاعتك وابلغ بها
رضوانك واصير بها منك الى دار الحيوان غدا ولا ترزقني رزقا يطغيني ولا تبتليني بفقر اشقى به
مضيقا علي اعطني حظا وافرا في آخرتي ومعاشا واسعا هنيئا مريئا في دنياي ولا تجعل الدنيا
علي سخ علي سجنا ولا تجعل فراقها علي حزنا اجرني من فتنتها سليما واجعل عملي فيها مقبولا وسعيي فيها مشكورا
اللهم من ارادني بسوء فاردده ومن كادني فكده واصرف عني هم من ادخل علي همه وامكر
بمن مكر بي فانك خير الماكرين وافقأ عني عيون الكفرة الظلمة الطغاة الحسدة اللهم صل على
محمد وآله وانزل علي منك سكينة والبسني درعك الحصينة واحفظني بسترك الواقي
وجللني عافيتك النافعة وصدق قولي وفعالي وبارك لي في اهلي وولدي وما لي وما قدمت وما

وما اخرت وما اغفلت وما تعمدت وما توانيت وما اعلنت وما اسررت فاغفرلي يا ارحم
الراحمين وصل على محمد وال محمد الطيبين الطاهرين كما انت اهله يا ولي المؤمنين و سيد در كتاب مذكور از
كتاب ابن ابي قره رضوان الله عليه اين دعا را بعد از اين دو ركعت نقل نموده اللهم اني اسئلك مسألة
المسكين المستكين وابتغي اليك ابتغاء البائس الفقير واتضرع اليك تضرع المظلوم الضرير
وابتهل اليك ابتهال المذنب الذليل الضعيف واسئلك مسألة من خضعت لك نفسه وذلت
لك رقبته ورغم لك انفه وعفر لك وجهه وسقطت لك ناصيته وهملت لك دموعه
واضمحلت عنه حيلته وانقطعت عنه حجته وضعفت قوته واشتدت حسرته وعظمت ندامته
فصل على محمد وال محمد وارحم المضطر اليك المحتاج الى رحمتك بحقك العظيم يا عظيم يا عظيم
يا عظيم صل على محمد وال محمد واغفرلي ولوالدي ولجميع المؤمنين والمؤمنات واعطني في مجلسي هذا
فكاك رقبتي من النار واوسع علي من رزقك الحلال المفضل واعطني من خزائنك وبارك لي
في اهلي ومالي وولدي وجميع ما رزقتني وارزقني الحج والعمرة في عامي هذا في ايسر النفقة
واوسع السعة واجعل ذلك مقبولا مبرورا خالصا لوجهك الكريم يا كريم يا كريم يا كريم اكفني
مؤنة اهلي ونفسي وعيالي وغرمائي وبغاتي وجميع ما اخاف عسره ومؤنة خلقك اجمعين
واكفني شر فسقة العرب والعجم وشر الصواعق والبرد وشر كل دابة انت اخذ بناصيتها
انك على صراط مستقيم يا كريم يا كريم يا كريم افعل بي ذلك برحمتك وهب لي حقك وتغمد ذنبي
بمغفرتك ولا تزغ قلبي بعد اذ هديتني وهب لي من لدنك رحمة انك انت الوهاب وصل على محمد و
ال محمد و طلب كن حوائج خود را و شيخ طوسي در كتاب مذكور گفته كه پس سجده كن و در سجده بخوان اين
دعائي را كه سابق مذكور شد **مولف كتاب گويد** در اين مقام تنبيه بر چند امر ضرور است **اول** سيد در كتاب
مذكور گفته كه چون سر از سجده برداري اين دعائي كه سابق مذكور شد بخوان و شيخ طوسي در تهذيب و
مصباح بر دعاي سجده اقتصار نموده است و محتمل كه مراد شيخ نيز همين دعا باشد كه چنانچه سيد نقل نموده است
از راه اختصار اكتفا بيكي نموده باشد **دويم** شيخ طاب ثراه در مصباح بعد از دو ركعت اول و دو ركعت
دويم گفته كه بعد از سلام تسبيح فاطمه زهرا صلوات الله عليها را بگو و بعد از آن دعا را بخوان و سيد
در اقبال گفته است كه شيخ طوسي در كتاب تهذيب از حضرت صادق عليه السلام روايت كرده است كه بعد از
سلام

سلام هر دو ركعت تسبيح فاطمه صلوات الله عليها را بخوان و مخفي نماناد كه در احاديث تهذيب اصلا
اين تسبيح مذكور نيست مگر در فقره اي از هشتاد ركعت كه بطريق نماز حضرت فاطمه عليها السلام كرده ميشود كه
در روايت مفضل بن عمر وارد شده كه بعد از سلام تسبيح آنحضرت را بگو بلكه در غير از اين روايت اين
نماز دليلي و سندي براي تسبيح آنحضرت اصلا بنظر نرسيد وليكن علما در بعضي از مواضع مانند
نماز شب و غير آن ذكر نموده اند و شايد ترك آن احوط باشد والله تعالى اعلم **شيخ كفعمي رضي الله عنه** در جنة
الامان گفته كه در هر شب از شبهاي ماه رمضان مستحب است كه دو ركعت نماز بكني در هر ركعتي بعد از حمد
سوره قل هو الله احد سه مرتبه و چون سلام بگوئي اين دعا را بخوان سبحان من هو حفيظ لا يغفل
سبحان من هو رحيم لا يعجل سبحان من هو قائم لا يسهو سبحان من هو دائم لا يلهو پس تسبيحات
اربع را هفت نوبت بگو و بعد از آن اين دعا را سه مرتبه بخوان سبحانك سبحانك يا عظيم اغفرلي الذنب
العظيم پس ده مرتبه صلوات بر رسول خدا و آل او صلى الله عليه وعليهم بفرست پس گفته كه هر كه اين نماز را
بكند حق تعالى هفتاد هزار گناه او را بيامرزد **ونيز ايضا** صاحب كتاب صراط الزاهدين روايت كرده
است از حضرت امير المؤمنين عليه السلام كه حضرت رسالت پناه صلى الله عليه وآله گفت كه هر كه در هر شب از شبهاي
ماه مبارك رمضان بعد از نماز خفتن دو ركعت نماز بكند در هر ركعت الحمد يكبار و قل هو الله احد سه بار
و در بعضي روايات وارد شده كه چون از نماز فارغ شود هفتاد مرتبه استغفار كند حق تعالى ...
كه را حق بخلق فرستاده واين قسم اتش نوبت مكرر فرمود كه خدا تعالى هفت هزار فرشته را امر كند كه
براي او حسنات بنويسند و سيئات محو كنند و درجات بلند گردانند تا آمدن ماه رمضان ديگر و قصر خانها
و اگر بنشانند و قصرها بنا كنند در بهشت و بنويسند براي او هفتاد هزار حج و ثواب آزادي هفتاد هزار
بنده و بدانكه سيد بن طاوس طاب ثراه در كتاب اقبال گفته كه نمازهاي بسيار كه در هر شب از شبهاي اين ماه
وارد شده است و چون اعتماد و وثوق بر سند آنها نداشتم ذكر ننمودم **تتمه** شيخ طوسي قدس الله روحه
در كتاب تهذيب از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه روايت كرده است كه با محمد بن جميل بن
صالح فرمود كه اگر تواني در ماه رمضان و غير آن از ماههاي ديگر در هر شبانروزي هزار ركعت نماز بجا آوري
بكن بدرستي كه حضرت امير المؤمنين صلوات الله عليه در هر شبانروزي هزار ركعت نماز ميكرد **و ايضا**
از آنحضرت روايت كرده است كه به ابو بصير فرمود كه ماه رمضان را حرمت زيادي هست كه ماههاي ديگر آن

شباهت نماز دیگر ندارد پس هر که تواند نماز تطوع در شب و در روز بکند واگر نتواند در هر شبانه روزی هزار
رکعت نماز بکند بدرستی که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه در اواخر عمر در هر شبانه روزی هزار رکعت
نماز میگذارد والله تعالی هو الموفق **مقصد دویم در بیان** ادعیه هر شب این ماه و آن مشتمل است بر **اول**
سید بن طاوس رحمه الله در کتاب اقبال از بعضی از آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین روایت کرده است
که هر که این دعا را در هر شب از ماه رمضان بخواند گناهان چهل ساله او آمرزیده شود **و دعا اینست** اللهم
رب شهر رمضان الذی انزلت فیه القرآن وافترضت علی عبادک فیه الصیام صل علی محمد وآل
محمد وارزقنی حج بیتک الحرام فی عامی هذا وفی کل عام واغفر لی تلک الذنوب العظام فانه لا
یغفرها غیرک یا رحمن یا علام **دویم** ابن بابویه علیه الرحمه بسند معتبر و سید از او در کتاب اقبال نقل نموده
از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که از دعای هر شب ماه رمضان این دعا است اللهم انی
اسألک فیما تقضی وتقدر من الامر المحتوم فی الامر الحکیم فی القضاء الذی لا یرد ولا یبدل ان تکتبنی
من حجاج بیتک الحرام المبرور حجهم المشکور سعیهم المغفور ذنوبهم المکفر عنهم سیئاتهم واجعل
فیما تقضی وتقدر فی الامر الحکیم فی القضاء الذی لا یرد ولا یبدل ان تصلی علی محمد وآل محمد وان
تطیل عمری **سیم ایضا** سید در کتاب مذکور بسند خود از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که از
جمله دعاهای هر شب ماه رمضان این دعا است اللهم انی اسألک ان تجعل فیما تقضی وتقدر من الامر
المحتوم فی الامر الحکیم من القضاء الذی لا یرد ولا یبدل ان تکتبنی من حجاج بیتک الحرام المبرور
حجهم المشکور سعیهم المغفور ذنوبهم المکفر عنهم سیئاتهم وان تجعل فیما تقضی وتقدر ان
تطیل عمری فی خیر وعافیة وتوسع فی رزقی وتجعلنی ممن تنتصر به لدینک ولا تستبدل بی غیری
مؤلف گوید که ممکن است که این دعا با دعای سابق متحد باشد و اختلاف از نقل روات ناشی شده باشد
والله تعالی یعلم **چهارم ایضا** سید در کتاب مذکور گفته که از جمله دعاها هر شب این ماه این دعا است اللهم
برحمتک فی الصالحین فادخلنا وفی علیین فارفعنا وبکأس من معین من عین سلسبیل فاسقنا
من الحور العین برحمتک فزوجنا ومن الولدان المخلدین کأنهم لؤلؤ مکنون فاخدمنا ومن ثمار
الجنة ولحوم الطیر فاطعمنا ومن ثیاب السندس والحریر والاستبرق فالبسنا ولیلة القدر وحج
بیتک الحرام وقتلا فی سبیلک فوفق لنا وصالح الدعاء والمسألة فاستجب لنا واذا جمعت بین

[ما کسبناه یا ما الفتنا السمع واستجب لنا]

الاولین والآخرین یوم القیامة فارحمنا وبراءة من النار فاکتب لنا وفی جهنم فلا تغلنا وفی
عذابک وهوانک فلا تبتلنا ومن الزقوم والضریع فلا تطعمنا ومع الشیاطین فلا تجعلنا وفی النار
علی وجوهنا فلا تکبنا ومن ثیاب النار وسرابیل القطران فلا تلبسنا ومن کل سوء یا لا اله الا انت
بحق لا اله الا انت فنجنا **پنجم ایضا** سید و شیخ و دیگران در کتابها مذکور از کتاب
محمد بن ابی قرة نقل نموده اند که او بسند خود از ابو عمرو سکونی روایت کرده است که گفت از احمد بن محمد بن
عثمان بغدادی سؤال کردم که بمن بنماید کتاب ادعیه ماه رمضان را که عمویم محمد بن عثمان عمری رضی الله عنه
که از نواب حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه است میخوانده پس او کتابی که جلدش سرخ بود بنزد من آورد
و من دعای بسیار را از آن کتاب نوشتم و از جمله این دعا بود و در عنوان آن دعا چنین بود که بخوان این دعا
را در هر شبی از شبهای ماه رمضان بدرستی که دعای در این ماه را ملائکه میشنوند و استغفار مینمایند
برای صاحبش **و دعا اینست** اللهم انی افتتح الثناء بحمدک وانت مسدد للصواب بمنک
ایقنت انک انت ارحم الراحمین فی موضع العفو والرحمة واشد المعاقبین فی موضع النکال
والنقمة واعظم المتجبرین فی موضع الکبریاء والعظمة اللهم اذنت لی فی دعائک ومسألتک
فاسمع یا سمیع مدحتی واجب یا رحیم دعوتی واقل یا غفور عثرتی فکم یا الهی من کربة قد فرجتها
وهموم قد کشفتها وعثرة قد اقلتها ورحمة قد نشرتها وحلقة بلاء قد فککتها الحمد لله الذی
لم یتخذ صاحبة ولا ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا
الحمد لله بجمیع محامده کلها علی جمیع نعمه کلها الحمد لله الذی لا مضاد له فی ملکه ولا منازع له فی امره
الحمد لله الذی لا شریک له فی خلقه ولا شبیه له فی عظمته الحمد لله الفاشی فی الخلق امره وحمده [شبیه له]
الظاهر بالکرم مجده الباسط بالجود یده الذی لا تنقص خزائنه ولا تزیده کثرة العطاء الا
جودا وکرما انه هو العزیز الوهاب اللهم انی اسألک قلیلا من کثیر مع حاجة بی الیه
عظیمة وغناک عنه قدیم وهو عندی کثیر وهو علیک سهل یسیر اللهم ان عفوک عن ذنبی
وتجاوزک عن خطیئتی وصفحک عن ظلمی وسترک علی قبیح عملی وحلمک عن کثیر جرمی عندما کان [عن]
من خطائی وعمدی اطمعنی فی ان اسألک ما لا استوجبه منک الذی رزقتنی من رحمتک واریتنی
من قدرتک وعرفتنی من اجابتک فصرت ادعوک آمنا واسألک مستأنسا لا خائفا ولا وجلا

مدلاً عليك فيما قصدت فيه اليك فان ابطا عني عتبت بجهلي عليك ولعل الذي ابطا عني عليّ خ ل
هو خير لي لعلمك بعاقبة الامور فلم ار مولى كريما اصبر على عبد لئيم منك عليّ يا رب انك [illegible] خ ل
تدعوني فاولي عنك وتتحبب الي فاتبغض اليك وتتودد الي فلا اقبل منك كان لي التطول عليك
ثم لم يمنعك ذلك من الرحمة بي والاحسان الي والتفضل علي بجودك وكرمك فارحم عبدك ثم لم خ ل
الجاهل وجد عليه بفضل احسانك انك جواد كريم الحمد لله مالك الملك مجري الفلك مسخر
الرياح فالق الاصباح ديان الدين رب العالمين الحمد لله على حلمه بعد علمه والحمد لله على عفوه
بعد قدرته والحمد لله على طول اناته في غضبه وهو قادر على ما يريد الحمد لله خالق الخلق باسط الرزق القادر خ ل
فالق الاصباح ذي الجلال والاكرام والفضل والانعام الذي بعد فلا يرى وقرب فشهد النجوى والاحسان خ ل
تبارك وتعالى الحمد لله الذي ليس له منازع يعادله ولا شبيه يشاكله ولا ظهير يعاضده قهر شبيه خ ل
بعزته الاعزاء وتواضع لعظمته العظماء فبلغ بقدرته ما يشاء الحمد لله الذي يجيبني حين
اناديه ويستر علي كل عورة وانا اعصيه ويعظم النعمة علي فلا اجازيه فكم من موهبة هنيئة
قد اعطاني وعظيمة مخوفة قد كفاني وبهجة مونقة قد اراني فاثني عليه حامدا واذكره مسبحا
الحمد لله الذي لا يهتك حجابه ولا يغلق بابه ولا يرد سائله ولا يخيب امله الحمد لله الذي يؤمن
الخائفين وينجي الصالحين ويرفع المستضعفين ويضع المستكبرين ويهلك ملوكا ويستخلف وينجي الصادقين خ ل
آخرين والحمد لله قاصم الجبارين مبير الظالمين مدرك الهاربين نكال الظالمين صريخ المستصرخين الظلمة خ ل
موضع حاجات الطالبين معتمد المؤمنين الحمد لله الذي من خشيته ترعد السماء وسكانها وترجف
الارض وعمارها وتموج البحار ومن يسبح في غمراتها الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي
لولا ان هدانا الله الحمد لله الذي يخلق ولم يخلق ويرزق ولا يرزق ويطعم ولا يطعم ويميت
الاحياء ويحيي الموتى وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير اللهم صل على محمد عبدك
ورسولك ونبيك وامينك وصفيك وحبيبك وخيرتك من خلقك وحافظ سرك ومبلغ
رسالاتك افضل واحسن واجمل واكمل وازكى وانمى واطيب واطهر واسنى واكثر ما صليت
وباركت وترحمت وتحننت وسلمت على احد من عبادك وانبيائك ورسلك وصفوتك
واهل الكرامة عليك من خلقك اللهم صل على علي امير المؤمنين ووصي رسول رب العالمين
عبدك

عبدك ووليك واخي رسولك وحجتك على خلقك وآيتك الكبرى والنبا العظيم وصل
على الصديقة الطاهرة فاطمة الزهراء سيدة نساء العالمين وصل على سبطي الرحمة وامامي الهدى
الحسن والحسين سيدي شباب اهل الجنة وصل على ائمة المسلمين علي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر
بن محمد وموسى بن جعفر وعلي بن موسى ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن بن علي والخلف الهادي
المهدي حججك على عبادك وامنائك في بلادك صلاة كثيرة دائمة اللهم صل على ولي امرك
القائم المؤمل والعدل المنتظر وحفه بملائكتك المقربين وايده بروح القدس يا رب العالمين احففه خ ل
اللهم اجعله الداعي الى كتابك والقائم بدينك واستخلفه في الارض كما استخلفت الذين
من قبله مكن له دينه الذي ارتضيته له ابدله من بعد خوفه امنا يعبدك لا يشرك بك شيئا
اللهم اعزه واعزز به وانصره وانتصر به وانصره نصرا عزيزا وافتح له فتحا يسيرا واجعل له من فاعزز به خ ل
لدنك سلطانا نصيرا اللهم اظهر به دينك وسنة نبيك حتى لا يستخفي بشيء من الحق مخافة ملة خ ل
احد من الخلق اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمة تعز بها الاسلام واهله وتذل بها النفاق
واهله وتجعلنا فيها من الدعاة الى طاعتك والقادة الى سبيلك وترزقنا بها كرامة الدنيا
والآخرة اللهم ما عرفتنا من الحق فحملناه وما قصرنا عنه فبلغناه اللهم المم به شعثنا واشعب
به صدعنا وارتق به فتقنا وكثر به قلتنا واعزز به ذلتنا واغن به عائلنا واقض به عن [illegible] خ ل
مغرمنا واجبر به فقرنا وسد به خلتنا ويسر به عسرنا وبيض به وجوهنا وفك به اسرنا و
انجح به طلبتنا وانجز به مواعيدنا واستجب به دعوتنا واعطنا به سؤلنا وبلغنا به من الدنيا
والآخرة امالنا واعطنا به فوق رغبتنا يا خير المسؤولين واوسع المعطين اشف به صدورنا
واذهب به غيظ قلوبنا واهدنا به لما اختلف فيه من الحق باذنك انك تهدي من تشاء الى
صراط مستقيم وانصرنا به على عدوك وعدونا اله الحق آمين اللهم انا نشكو اليك فقد نبينا
صلواتك عليه وآله وغيبة امامنا وكثرة عدونا وقلة عددنا وشدة الفتن بنا وتظاهر وليك خ ل
الزمان علينا فصل على محمد وآل محمد واعنا على ذلك كله بفتح منك تعجله وبضر تكشفه ونصر وآله خ ل
تعزه وسلطان حق تظهره ورحمة منك تجللناها وعافية منك تلبسناها برحمتك يا ارحم
الراحمين شيخ كليني وابن بابويه وسيد بن طاوس قدس الله ارواحهم وديگران نسبتها معتبر از

حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت نموده اند که یکی از اصحاب آنحضرت بخدمت او عرض نمود که چگونه
بدانم که شب قدر در هر سالی میباشد فرمود که چون ماه مبارک رمضان داخل شود در هر شبی سورهٔ دخان را
صد نوبت بخوان پس چون شب بیست و سیم شود نظر خواهی کرد که بآنچه سؤال نموده و تصدیق آن خواهی نمود
مفتم ایضاً از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که شخصی فرمود که هرگاه ماه رمضان داخل شود هر شب
سورهٔ انا انزلناه را هزار مرتبه بخوان و چون شب بیست و سیم داخل شود دل خود را محکم کن و گوشهای خود را
بگشا العجایب بسیار ببینی **مؤلف گوید که** سید و بعضی دیگر از علما از این دو حدیث چنین فهمیده
اند که این دو سوره بعد از شب بیست و سیم نیز تا آخر ماه در هر شبی باید خوانده شود و محتمل است که مراد
این باشد که تا شب بیست و سیم خوانده شود و بعد از آن ضرور نباشد والله تعالی یعلم وهو الموفق
تذنیب بدانکه بعضی از ادعیه هر شبه چیزی چند است که در هر شب هر روز باید خوانده شود و افضل تجدید
جزان است **اول** سید بن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال از حضرت امام جعفر صادق و امام موسی کاظم صلوات
الله علیهما روایت کرده که ایشان فرمودند که در تمام ماه مبارک رمضان بعد از هر نماز واجب این دعا
باید خوانده شود اللّهمّ ارزقنی حجّ بیتک الحرام فی عامی هذا وفی کلّ عام ما ابقیتنی فی یسر منک
وعافیة وسعة رزق ولا تخلنی من تلک المواقف الکریمة والمشاهد الشریفة وزیارة قبر نبیک
صلواتک علیه وآله وفی جمیع حوائج الدنیا والآخرة فکن لی اللّهم انّی اسئلک فیما تقضی وتقدّر من الامر
المحتوم فی لیلة القدر من القضاء الّذی لا یردّ ولا یبدّل ان تکتبنی من حجّاج بیتک الحرام المبرور
حجّهم المشکور سعیهم المغفور ذنوبهم المکفّر عنهم سیّئاتهم واجعل فیما تقضی وتقدّر ان
تطیل عمری وتوسّع علیّ فی رزقی وتؤدّی عنّی امانتی ودینی آمین ربّ العالمین **دوم ایضاً**
سید در کتاب مذکور گفته که میخوانی در عقب هر نماز خواه نماز جهری و خواه اخفاتی این دعا را
یا علیّ یا عظیم یا غفور یا رحیم انت الرّبّ العظیم الّذی لیس کمثله شیء وهو السّمیع البصیر — العلیم ن ل
هذا شهر عظّمته وکرّمته وشرّفته وفضّلته علی الشّهور وهو الشّهر الّذی فرضت صیامه
علیّ وهو شهر رمضان الّذی انزلت فیه القرآن هدًی للنّاس وبیّنات من الهدی والفرقان
وجعلت فیه لیلة القدر وجعلتها خیرًا من الف شهر فیا ذا المنّ ولا یمنّ علیک منّ علیّ بفکاک
رقبتی من النّار فیمن تمنّ علیه وادخلنی الجنّة برحمتک یا ارحم الرّاحمین **مؤلف گوید که کفعمی**

علیکم

علیه الرحمه در کتاب جنة الامان این دعا را از کتاب فردوس بجای هو السمیع البصیر نقل نموده وچون
ضبط سید زیاده از کفعمی اعتماد بر نقل سید بیشتر است والله تعالی یعلم **سیم** کفعمی علیه الرحمه در جنة
الامان از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت کرده است که هر که در هر روز ماه رمضان بعد از نماز
فریضه این دعا را بخواند حق تعالی گناهان او را بیامرزد تا روز قیامت **و دعا این است** اللّهمّ ادخل علی
اهل القبور السّرور اللّهمّ اغن کلّ فقیر اللّهمّ اشبع کلّ جائع اللّهمّ اکس کلّ عریان اللّهمّ اقض — الکبیر ن د
دین کلّ مدین اللّهمّ فرّج عن کلّ مکروب اللّهمّ ردّ کلّ غریب اللّهمّ فکّ کلّ اسیر اللّهمّ اصلح کلّ
فاسد من امور المسلمین اللّهمّ اشف کلّ مریض اللّهمّ سدّ فقرنا بغناک اللّهمّ غیّر سوء حالنا بحسن
حالک اللّهمّ اقض عنّا الدّین واغننا من الفقر انّک علی کلّ شیء قدیر **چهارم کلینی رضی الله عنه** بسند
خود از ابو بصیر روایت کرده است که حضرت صادق علیه السلام در ماه مبارک رمضان این دعا را میخواند
اللّهمّ انّی بک ومنک اطلب حاجتی ومن طلب حاجته الی النّاس فانّی لا اطلب حاجتی الّا
منک وحدک لا شریک لک واسئلک بفضلک ورضوانک ان تصلّی علی محمّد واهل بیته وان تجعل
لی فی عامی هذا الی بیتک الحرام سبیلا حجّة مبرورة متقبّلة زاکیة خالصة لک تقرّ بها عینی
وترفع بها درجتی وترزقنی ان اغضّ بصری وان احفظ فرجی وان اکفّ بها عن جمیع محارمک
حتّی لا یکون شیء آثر عندی من طاعتک وخشیتک والعمل بما احببت والتّرک
لما کرهت ونهیت عنه واجعل ذلک فی یسر ویسار وعافیة وما انعمت به علیّ واسئلک
ان تجعل وفاتی قتلا فی سبیلک تحت رایة نبیّک مع اولیائک واسئلک ان تقتل بی اعدائک واعداء
رسولک واسئلک ان تکرمنی بهوان من شئت من خلقک ولا تهنّی بکرامة
احد من اولیائک اللّهمّ اجعل لی مع الرّسول سبیلا حسبی الله ما شاء الله **مؤلف گوید که** سید
در کتاب اقبال این دعا را از آنحضرت روایت کرده است که با ابو بصیر فرمود که در شبهای ماه مبارک
رمضان بعد از نماز مغرب برای طلب حج بیت الله الحرام این دعا را بخوان و کفعمی در جنة الامان گفته که
ابو الفتوح کراجکی در کتاب روضة العابدین گفته که مستحب است که در هر روز از ماه مبارک رمضان
و در هر شب قبل این دعا باید خوانده شود و این دعا بدعای حج نامیده میشود وچون روایت کلینی معتبرتر
خاصی نیست که این دعا را در هر روز و هر شب بعد از مغرب خوانده شود عمل بهمه وارد شده است

اللّهمّ من طلب حاجته الی احد من المخلوقین ... فانّی لا اطلب حاجتی الّا منک ... [illegible]

والله تعالی اعلم پنجم در عمل ... هر شب بعد از مغرب ابتدا هر یک از سوره حمد و آیة الکرسی و قل یا ایها
الکافرون و قل هو الله احد و معوذتین را سه نوبت بخواند پس سه مرتبه بگوید سبحان الله و الحمد لله و لا اله
الا الله اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم سه نوبت اللهم صل علی محمد و آل محمد و سه نوبت
اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات و چهار صد نوبت استغفر الله و اتوب الیه بگوید و این عمل فضیلت عظیم
و ثواب بسیار دارد چنانچه در باب سیم از اعمال ماه رجب که در بیان اعمال مشترکه ماه رجب و ماه شعبان
و ماه رمضان است مذکور شد منه روایت این عمل چنانچه در جزو اقل سابق ذکر یافت حدیثی است
که دیلمی رحمه الله در کتاب اعلام الدین و کفعمی علیه الرحمه در کتاب بلد الامین از حضرت امیر المؤمنین صلوات
الله علیه روایت کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که در هر روز و هر شب از ماه رجب
و ماه شعبان و ماه رمضان این عمل را بجا آورد بحق آنکه نفس من در قبضه قدرت اوست که هر گاه این
اعمال را بجا آورد و چیزی از آنها از او فوت نشود حق تعالی گناهان او را بیامرزد اگر چه مانند قطرات
باران و برگ درختان و کف دریاها باشد و در روز عید فطر از جانب حق تعالی منادی ندا کند که ای
بنده من تو ولی منی و دوست منی حقا و از برای تو است نزد من کیسب کرامت فی جنتی من بهر حرفی عنقا
در برادران و خواهران خود بحق آنکه مرا براستی مبعوث گردانیده است که هر که بخواند این سوره ها را
و بعمل آورد این عمل را در روزها و شبهای این سه ماه اگر چه در تمام عمر یک مرتبه باشد حق تعالی باو عطا
فرماید بهر حرفی هفتاد هزار حسنه که هر حسنه سنگین تر باشد نزد خدا از کوههای دنیا و بیاورد برای
او هفتصد حاجت و در وقت قبض روح او هفتصد حاجت در وقت بیرون آمدن از قبر و وقت نامهای عمل و هفتصد
حاجت در وقت گذشتن از صراط و هفتصد حاجت در وقت بر پا شدن میزان و او را در سایه عرش
خود جا دهد و حساب او را آسان گرداند و او را هفتاد هزار ملک مشایعت نمایند تا بهشت داخل
شود و در آنجا مهیا شده باشد برای او چیزی چند که هیچ دیده ندیده باشد و هیچ گوشی نشنیده باشد
و دیگر از دعاهای مکرر ادعیه عشر آخر شهر رمضان المبارک است که باید در هر شب از شبهای عشر سیم
ماه مبارک رمضان خوانده شود چنانچه سید بن طاوس نور الله مرقده در کتاب اقبال از
حضرت صادق علیه السلام روایت نموده است که آنحضرت در هر شب از شبهای عشر سیم ماه رمضان این دعا
را میخواند اللهم انک قلت فی کتابک شهر رمضان الذی انزل فیه القرآن هدی للناس و بینات
من الهدی

من الهدی و الفرقان فعظمت حرمة شهر رمضان بما انزلت فیه القرآن و خصصته بلیلة القدر
و جعلتها خیرا من الف شهر اللهم هذا شهر رمضان قد انقضی و لیالیه قد تصرمت و قد صرت
یا الهی ما انت اعلم به منی و احصی لعدده من الخلق اجمعین فاسئلک بما سئلک به ملائکتک
المقربون و انبیاؤک المرسلون و عبادک الصالحون ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تفک رقبتی
من النار و تدخلنی الجنة برحمتک و ان تتفضل علی بالامن یوم الخوف من کل هول اعددته
لیوم القیمة الهی و اعوذ بوجهک الکریم و بجلالک العظیم ان ینقضی ایام شهر رمضان
و لیالیه و لک قبلی تبعة او ذنب تؤاخذنی به او خطیئة ترید ان تقتصها منی لم تغفرها لی
سیدی سیدی سیدی اسئلک یا لا اله الا انت اذ لا اله الا انت ان کنت رضیت عنی فی هذا الشهر
فازدد عنی رضا و ان لم تکن رضیت عنی فمن الآن فارض عنی یا ارحم الراحمین یا الله یا احد یا صمد
یا من لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد و پس بگوید یا ملین الحدید لداود علیه السلام یا کاشف
الضر و الکرب العظام عن ایوب علیه السلام ای مفرج هم یعقوب علیه السلام ای منفس غم
یوسف علیه السلام صل علی محمد و آل محمد کما انت اهله ان تصلی علیهم اجمعین و افعل بی ما انت
اهله و لا تفعل بی ما انا اهله مؤلف گوید که اگر یا ملین الحدید را تا آخر سه مرتبه بگوید که شاید
کافی باشد و اگر زیاده بگوید بهتر است سیم ایضا سید در کتاب مذکور از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
علیه روایت کرده است که آنحضرت در هر شب از شبهای عشر آخر ماه رمضان این دعا را میخواند اعوذ
بوجهک الکریم ان ینقضی عنی شهر رمضان او یطلع الفجر من لیلتی هذه و یبقی لک عندی
تبعة او ذنب تعذبنی علیه یوم القاک چهارم سید بن باقی رحمه الله در کتاب اختیار از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که در هر شب از شبهای عشر آخر ماه رمضان بعد از هر یک
از نمازها و اجبی و سنتی این دعا را بخوان اللهم اد عنا حق ما مضی من شهر رمضان و اغفر لنا تقصیرنا
فیه و تسلمه منا مقبولا و لا تؤاخذنا باسرافنا علی انفسنا و اجعلنا من المرحومین و لا تجعلنا
من المحرومین پس بدانکه هر که این عمل را بجا آورد حق تعالی بیامرزد هر گناهی را که در این ماه کرده
باشد و او را در بقیه ایام از گناه نگاه دارد مقصد سیم در بیان آداب سحر و طلب آن بشرحی که
بیان میشود مطلب اول در بیان فضیلت سحری محمد بن یعقوب کلینی و ابن بابویه و شیخ طوسی رضی الله

عنهم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده اند که مستحب است از برای بنده که سحور را ترک نکند **وایضاً** از آنحضرت روایت کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که یاری کنید بخوردن سحور بر روزه داشتن در روز و بخواب قیلوله بر عبادت کردن شب **وایضاً** از آنحضرت از پدران بزرگوارش روایت کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که سحور سبب برکت است پس فرمود که آن بزرگوار میفرمود که امت من ترک مکنید سحور را هر چند بجرعهء آب باشد و کلینی و شیخ طوسی و شیخ مفید قدس الله ارواحهم از آنحضرت روایت کرده اند که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله فرمود که سحور کنید هر چند بشربت آبی باشد بدرستی که صلوات الهی برای سحور خورنده کان است و ابن بابویه و شیخ مفید رحمه الله علیهما از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که بدرستی که حق تعالی و ملائکه صلوات میفرستند بر سحور کنندگان و استغفار کنندگان در سحرها پس هر یک از شما سحور کنند هر چند بشربت آبی باشد **وایضاً** از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که اگر مردم سحور کنند و بغیر از آب چیزی دیگر افطار نمایند قسم بخدا که قادر میباشند بروزه تمام عمر **تنبیه بدانکه** فضیلت سحور در ماه مبارک رمضان زیاده از سایر اوقات است و ترک آن مکروهست و در غیر آن ایام جایز است و عضوی بنا رد چنانچه کلینی رضی الله عنه از یحیی بن القاسم روایت کرده است که گفت پرسیدم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از سحور کردن برای کسی که اراده روزه داشته باشد که آیا بر او واجب است یا نه فرمود باکی نیست که سحور نخورد اگر خواهد اما در روزه در ماه مبارک رمضان افضل است که سحور بخورد و من دوست میدارم که آنرا ترک نکند **وایضاً** از سماعه روایت کرده است که گفت از آنحضرت پرسیدم از سحور کردن کسی که روزه خواهد بدارد فرمود که اما در ماه رمضان پس فضیلت در خوردن سحور است هر چند بشربت آبی باشد و در روزه تطوع پس هر که خواهد سحور بخورد و هر که سحور نکند باکی نیست **مؤلف گوید که** حکمت در این با ظاهراً اینست که در ماه مبارک رمضان چون سی روز متعاقب روزه گرفته میشود ضعف در مزاج بیشتر بهم میرسد لهذا تاکید زیاد در باب سحور که باعث تقویت مزاج و بدن است وارد شده است و در روزه تطوع چون غالب است که یکروز یا دو روز بیشتر نیست و بسبب آن اینقدر ضعف بهم نمیرسد پس اگر

سحور

سحور نخورد قصوری ندارد و در روایت که در روزه سنت ماه شعبان هر گاه کسی ماه شعبان را تمام روزه بدارد تاکید خوردن سحر زیاده از تطوعات باشد و الله تعالی اعلم **فائده در بیان** آنچه سحور را بکنند و آنچه اینجا از روایات ظاهر میشود چند چیز است **اول** آب چنانچه در احادیث سابقه مذکور شد **دویم** خرما چنانچه سابق مذکور شد و بعد از این مذکور میشود **سیم** نان و قاووت چنانچه شیخ طوسی رضی الله عنه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که بهترین سحور شما خرما و قاووت است و شیخ طوسی طاب ثراه در کتاب مقنعه گفته است که در روایت وارد شده است که بهترین سحور خرما و قاووت است برای آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله با اینها سحور میفرموده اند و مخفی نماند که از احادیث مذکوره که خرما از همه افضل است و بعد از آن قاووت و بعد از آن آب و اگر همه را جمع نماید افضل است و الله تعالی اعلم **مقصد چهارم در بیان** ادعیه وقت سحر و آنچه اینجا از تتبع روایات ظاهر میشود چند دعاست **اول** سید بن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال الاعمال از کتاب علی بن حسن فضال و کتاب ابن ابی قره روایت کرده است که ایوب بن یقطین بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام عریضه نوشت و التماس نمود که آنحضرت این دعا را برای او بنویسد حضرت قبول فرموده و دعا را نوشت و در جواب نوشت که این دعای حضرت امام محمد باقر علیه السلام است در سحرهای ماه مبارک رمضان و پدرم بمن خبر داد که آن حضرت میفرمود که اگر مردم بدانند عظمت این دعا را نزد حق تعالی و سرعت اجابت آن را هر آینه بر سر این دعا با یکدیگر مقاتله نمایند بشمشیرها ولیکن حق تعالی مخصوص میگرداند برحمت خود هر که را میخواهد و جدم میفرمود که اگر سوگند یاد کنم که اسم اعظم الهی در این دعا داخل است هر آینه راست گفته ام پس هر گاه این دعا را بخوانید سعی کنید در دعا و گریه کنید که این دعا از مکنون علم ماست و کتمان کنید آنرا مگر از اهلش که منافقین و مکذبین و جاحدین از اهل این دعا نیستند و این دعا مسمی بدعای مباهله است **و دعا اینست** اللهم انی اسألک من بهائک بابهاه و کل بهائک بهی اللهم انی اسألک ببهائک کله اللهم انی اسألک من جمالک باجمله و کل جمالک جمیل اللهم انی اسألک بجمالک کله اللهم انی اسئلک من جلالک باجله و کل جلالک جلیل اللهم انی اسئلک بجلالک کله اللهم انی اسألک من عظمتک باعظمها و کل عظمتک عظیمة اللهم انی اسئلک بعظمتک کلها اللهم انی اسألک من نورک بانوره و کل نورک نیر اللهم انی اسئلک بنورک کله اللهم انی اسألک من رحمتک

باوسعها وكل رحمتك واسعة اللهم اني اسألك برحمتك كلها اللهم اني اسألك من
كلماتك باتمها وكل كلماتك تامة اللهم اني اسألك بكلماتك كلها اللهم اني اسألك من
كمالك باكمله وكل كمالك كامل اللهم اني اسألك بكمالك كله اللهم اني اسألك من
اسمائك باكبرها وكل اسمائك كبيرة اللهم اني اسألك باسمائك كلها اللهم اني اسألك
من عزتك باعزها وكل عزتك عزيزة اللهم اني اسألك بعزتك كلها اللهم اني اسألك
من مشيتك بامضاها وكل مشيتك ماضية اللهم اني اسألك بمشيتك كلها اللهم اني اسألك
من قدرتك بالقدرة التي استطلت بها على كل شيء وكل قدرتك مستطيلة اللهم اني اسألك
بقدرتك كلها اللهم اني اسألك من علمك بانفذه وكل علمك نافذ اللهم اني اسألك
بعلمك كله اللهم اني اسألك من قولك بارضاه وكل قولك رضي اللهم اني اسألك بقولك
كله اللهم اني اسألك من مسائلك باحبها اليك وكل مسائلك اليك حبيبة اللهم اني
اسألك بمسائلك كلها اللهم اني اسألك من شرفك باشرفه وكل شرفك شريف اللهم اني
اسألك بشرفك كله اللهم اني اسألك من سلطانك بادومه وكل سلطانك دائم اللهم
اني اسألك بسلطانك كله اللهم اني اسألك من ملكك بافخره وكل ملكك فاخر اللهم
اني اسألك بملكك كله اللهم اني اسألك من علوك باعلاه وكل علوك عال اللهم اني اسألك
بعلوك كله اللهم اني اسألك من منك باقدمه وكل منك قديم اللهم اني اسألك بمنك
كله اللهم اني اسألك من اياتك باكرمها وكل اياتك كريمة اللهم اني اسألك باياتك كلها
اللهم اني اسألك بما انت فيه من الشأن والجبروت واسألك بكل شأن وحده وجبروت
وحدها اللهم اني اسألك بما تجيبني حين اسألك فاجبني يا الله وافعل بي كذا وكذا وبجاى كذا وكذا
حاجات خود را طلب نمايد اكبر ... انشاء الله تعالى دوم سيد بن طاوس طاب ثراه
در كتاب اقبال گفته كه در اصل كتابى از اصول اصحاب ما رضي الله عنهم اين دعا را براى سحرهاى ماه مبارك
رمضان ديدم يا مفزعي عند كربتي ويا غوثي عند شدتي اليك فزعت وبك استغثت وبك
لذت لا الوذ بسواك ولا اطلب الفرج الا منك فاغثني وفرج عني يا من يقبل اليسير ويعفو عن
الكثير اقبل مني اليسير واعف عني الكثير انك انت الغفور الرحيم اللهم اني اسألك ايمانا تباشر

به قلبي

به قلبي ويقينا حتى اعلم انه لن يصيبني الا ما كتبت لي ورضني من العيش بما قسمت لي يا ارحم الراحمين
يا عدتي في كربتي ويا صاحبي في شدتي ويا وليي في نعمتي ويا غايتي في رغبتي انت الساتر عورتي
والآمن روعتي والمقيل عثرتي فاغفر لي خطيئتي يا ارحم الراحمين سيم ايضا سيد در كتاب اقبال
از ان اصل عتيق ابن تبيح را براى سحرهاى ماه مبارك رمضان نقل نموده سبحان من يعلم جوارح القلوب
سبحان من يحصي عدد الذنوب سبحان من لا يخفى عليه خافية في السموات والارضين سبحان
الرب الودود سبحان الفرد الوتر سبحان العظيم الاعظم سبحان من لا يعتدي على اهل مملكته
سبحان من لا يؤاخذ اهل الارض بالوان العذاب سبحان الحنان المنان سبحان الرؤوف الرحيم
سبحان الجبار الجواد سبحان الكريم الحليم سبحان البصير العليم سبحان البصير الواسع سبحان الله
على اقبال النهار سبحان الله على ادبار الليل واقبال النهار وله الحمد والمجد والعظمة والكبرياء
مع كل نفس وكل طرفة عين وكل لمحة سبق في علمه سبحانك ملء ما احصى كتابك سبحانك زنة
عرشك سبحانك سبحانك چهارم شيخ طوسي در كتاب مصباح و سيد بن طاوس رضي الله
عنه در كتاب اقبال نقل نموده اند از ابو حمزه ثمالى روايت كرده اند كه حضرت سيد الساجدين صلوات الله
وسلامه عليه در اكثر اوقات شبهاى ماه مبارك رمضان مشغول نماز ميبود وچون سحر ميشد اين دعا
را ميخواند و ديگر آن نيز اين دعا را از آن حضرت براى سحرهاى ماه مبارك رمضان روايت نموده اند و دعا
اللهم
اينست الهي لا تؤدبني بعقوبتك ولا تمكر بي في حيلتك من اين لي الخير يا رب ولا يوجد الا من
عندك ومن اين لي النجاة ولا تستطاع الا بك لا الذي احسن استغنى عن عونك ورحمتك و
لا الذي اساء واجترأ عليك ولم يرضك خرج عن قدرتك يا رب يا رب يا رب انقدر بگويد كه قطع
نفس شود و بعد بگويد بك عرفتك وانت دللتني عليك ودعوتني اليك ولولا انت لم ادر ما
انت الحمد لله الذي ادعوه فيجيبني وان كنت بطيئا حين يدعوني والحمد لله الذي اسأله فيعطيني
وان كنت بخيلا حين يستقرضني والحمد لله الذي اناديه كلما شئت لحاجتي واخلو به حيث شئت
لسري بغير شفيع فيقضي لي حاجتي والحمد لله الذي ادعوه ولا ادعو غيره ولو دعوت غيره لم يستجب
لي دعائي والحمد لله الذي ارجوه ولا ارجو غيره ولو رجوت غيره لاخلف رجائي والحمد لله الذي و
كلني اليه فاكرمني ولم يكلني الى الناس فيهينوني والحمد لله الذي تحبب الي وهو غني عني

والحمد لله الذي يحلم عني حتى كأني لا ذنب لي فربي أحمد شيء عندي وأحق بحمدي اللهم إني أجد
سبل المطالب إليك مشرعة ومناهل الرجاء إليك مترعة والاستعانة بفضلك لمن أملك مباحة
وأبواب الدعاء إليك للصارخين مفتوحة وأعلم أنك للراجي بموضع إجابة وللملهوفين بمرصد
إغاثة وأن في اللهف إلى جودك والرضا بقضائك عوضا عن منع الباخلين ومندوحة عما
في أيدي المستأثرين وأن الراحل إليك قريب المسافة وأنك لا تحتجب عن خلقك إلا أن تحجبهم
الآمال دونك وقد قصدت إليك بطلبتي وتوجهت إليك بحاجتي وجعلت بك استغاثتي
وبدعائك توسلي من غير استحقاق لاستماعك مني ولا استيجاب لعفوك عني بل لثقتي بكرمك
وسكوني إلى صدق وعدك ولجائي إلى الإيمان بتوحيدك ويقيني بمعرفتك مني أن لا رب لي
غيرك ولا إله لي إلا أنت وحدك لا شريك لك اللهم أنت القائل وقولك حق ووعدك صدق
واسألوا الله من فضله إن الله كان بكم رحيما وليس من صفاتك يا سيدي أن تأمر بالسؤال
وتمنع العطية وأنت المنان بالعطيات على أهل مملكتك والعائد عليهم بتحنن رأفتك إلهي
ربيتني في نعمك وإحسانك صغيرا ونوهت باسمي كبيرا فيا من رباني في الدنيا بإحسانه
وتفضله ونعمه وأشار لي في الآخرة إلى عفوه وكرمه معرفتي يا مولاي دليلي دلني
عليك وحبي لك شفيعي إليك وأنا واثق من دليلي بدلالتك وساكن من شفيعي إلى شفاعتك
أدعوك يا سيدي بلسان قد أخرسه ذنبه رب أناجيك بقلب قد أوبقه جرمه أدعوك يا رب
راهبا راغبا راجيا خائفا إذا رأيت مولاي ذنوبي فزعت وإذا رأيت كرمك طمعت فإن عفوت
فخير راحم وإن عذبت فغير ظالم حجتي يا الله في جرأتي على مسألتك مع إتياني ما تكره جودك
وكرمك وعدتي في شدتي مع قلة حيائي رأفتك ورحمتك وقد رجوت أن لا تخيب بين
ذين وذين منيتي فحقق رجائي واسمع دعائي يا خير من دعاه داع وأفضل من رجاه راج عظم
يا سيدي أملي وساء عملي فأعطني من عفوك بمقدار أملي ولا تؤاخذني بأسوء عملي فإن كرمك
يجل عن مجازاة المذنبين وحلمك يكبر عن مكافاة المقصرين وأنا يا سيدي عائذ بفضلك
هارب منك إليك ومتنجز ما وعدت من الصفح عمن أحسن بك ظنا وما أنا يا رب وما خطري
هبني بفضلك وتصدق علي بعفوك أي رب جللني بسترك واعف عن توبيخي بكرم وجهك

فلو اطلع

فلو اطلع اليوم على ذنبي غيرك ما فعلته ولو خفت تعجيل العقوبة لاجتنبته لا لأنك أهون الناظرين
إلي وأخف المطلعين علي بل لأنك يا رب خير الساترين وأحلم الأحلمين وأكرم الأكرمين
ستار العيوب غفار الذنوب علام الغيوب تستر الذنب بكرمك وتؤخر العقوبة بحلمك فلك
الحمد على حلمك بعد علمك وعلى عفوك بعد قدرتك ويحملني ويجرئني على معصيتك حلمك عني ويدعوني
إلى قلة الحياء سترك علي ويسرعني على التوثب على محارمك معرفتي بسعة رحمتك وعظيم
عفوك يا حليم يا كريم يا حي يا قيوم يا غافر الذنب يا قابل التوب يا عظيم المن يا قديم الإحسان
يا موصوفا بالإحسان أين سترك الجميل أين عفوك الجليل أين فرجك القريب أين غياثك السريع
أين رحمتك الواسعة أين عطاياك الفاضلة أين مواهبك الهنيئة أين صنائعك السنية أين
فضلك العظيم أين منك الجسيم أين إحسانك القديم أين كرمك يا كريم به وبمحمد وآل محمد عليهم
السلام فاستنقذني وبه وبهم برحمتك فخلصني يا محسن يا مجمل يا منعم يا مفضل لست
أتكل في النجاة من عقابك على أعمالنا بل بفضلك علينا لأنك أهل التقوى وأهل المغفرة
تبدئ بالإحسان نعما وتعفو عن الذنب كرما فما ندري ما نشكر أجميل ما تنشر أم قبيح ما تستر
أم عظيم ما أبليت وأوليت أم كثير ما منه نجيت وعافيت يا حبيب من تحبب إليك ويا
قرة عين من لاذ بك وانقطع إليك أنت المحسن ونحن المسيئون فتجاوز يا رب عن قبيح ما عندنا
بجميل ما عندك وأي جهل يا رب يسعه جودك أو أي زمان أطول من أناتك وما قدر أعمالنا
في جنب نعمك وكيف نستكثر أعمالا نقابل بها كرمك بل كيف يضيق على المذنبين ما وسعهم
من رحمتك يا واسع المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة فوعزتك يا سيدي لو انتهرتني ما برحت من
بابك ولا كففت عن تملقك لما انتهى إلي يا سيدي من المعرفة بجودك وكرمك وأنت الفاعل
لما تشاء تعذب من تشاء بما تشاء كيف تشاء وترحم من تشاء بما تشاء ولا تسأل عن فعلك
ولا تنازع في ملكك ولا تشارك في أمرك ولا تضاد في حكمك ولا يعترض عليك أحد في تدبيرك
لك الخلق والأمر تبارك رب العالمين أنت أحسن الخالقين ورب العالمين يا رب هذا مقام من لا
ذ بك واستجار بكرمك وألف إحسانك ونعمك وأنت الجواد الذي لا يضيق عفوك ولا ينقص
فضلك ولا تقل رحمتك وقد توثقنا منك بالصفح القديم والفضل العظيم والرحمة الواسعة أفتراك

يا رب تخلف ظنوننا او تخيب امالنا كلا يا كريم ليس هذا ظننا بك ولا هذا طمعنا فيك يا رب
ان لنا فيك املا طويلا كثيرا ان لنا فيك رجاء عظيما عصيناك ونحن نرجو ان تستر
علينا ودعوناك ونحن نرجو ان تستجيب لنا فحقق رجاءنا مولانا فقد علمنا ما نستوجب باعمالنا
ولكن علمك فينا وعلمنا بانك لا تصرفنا عنك حثنا على الرغبة اليك وان كنا غير مستوجبين
لرحمتك فانت اهل ان تجود علينا وعلى المذنبين بفضل سعتك فامنن علينا بما انت اهله
وجد علينا فانا محتاجون الى نيلك يا غفار بنورك اهتدينا وبفضلك استغنينا وبنعمتك
اصبحنا وامسينا ذنوبنا بين يديك نستغفرك اللهم منها ونتوب اليك تتحبب الينا بالنعم
ونعارضك بالذنوب خيرك الينا نازل وشرنا اليك صاعد ولم يزل ولا يزال ملك كريم
ياتيك عنا في كل يوم بعمل قبيح فلا يمنعك ذلك ما ياتي منا من ذلك ان تحوطنا برحمتك وتتفضل
علينا بآلائك فسبحانك ما احلمك واعظمك واكرمك مبدئا ومعيدا تقدست اسماؤك
وجل ثناؤك وكرم صنائعك وفعالك انت الهي اوسع فضلا واعظم حلما من ان
تقايسني بفعلي وخطيئتي فالعفو العفو العفو سيدي سيدي سيدي اللهم اشغلنا
بذكرك واعذنا من سخطك واجرنا من عذابك وارزقنا من مواهبك وانعم علينا
من فضلك وارزقنا حج بيتك وزيارة قبر نبيك صلواتك ورحمتك ومغفرتك وبركاتك
ورضوانك عليه وعلى اهل بيته انك قريب مجيب اللهم ارزقنا عملا بطاعتك وتوفنا
على ملتك وسنة نبيك صلى الله عليه وآله اللهم صل على محمد وآله واغفر لي ولوالدي
وارحمهما كما ربياني صغيرا واجزهما بالاحسان احسانا وبالسيئات غفرانا اللهم
اغفر للمؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات الاحياء منهم والاموات وتابع بيننا وبينهم
بالخيرات اللهم اغفر لحينا وميتنا وشاهدنا وغائبنا وذكرنا وانثانا صغيرنا وكبيرنا
حرنا وعبدنا كذب العادلون بالله وضلوا ضلالا بعيدا وخسروا خسرانا مبينا اللهم صل على
محمد وآل محمد واختم لي بخير واكفني ما اهمني من امر دنياي وآخرتي ولا تسلط علي من لا
يرحمني واجعل علي منك واقية باقية ولا تسلبني صالح ما انعمت به علي وارزقني من
فضلك رزقا واسعا حلالا طيبا اللهم احرسني بحراستك واحفظني بحفظك واكلأني

بكلائتك

بكلائتك وارزقني حج بيتك الحرام في عامنا هذا وفي كل عام ما ابقيتنا وارزقني وزيارة
قبر نبيك والائمة عليهم السلام ولا تخلني يا رب من تلك المشاهد الشريفة والمواقف الكريمة
اللهم تب علي حتى لا اعصيك والهمني الخير والعمل به وخشيتك بالليل والنهار ابدا ما ابقيتني
يا رب العالمين اللهم اني كلما قلت قد تهيأت وتعبأت وقمت للصلاة بين يديك وناجيتك
مالي كلما قلت قد صلحت سريرتي وقرب من مجالس التوابين مجلسي عرضت لي بلية ازالت
قدمي وحالت بيني وبين خدمتك سيدي لعلك عن بابك طردتني وعن خدمتك نحيتني
او لعلك رايتني مستخفا بحقك فاقصيتني او لعلك رايتني معرضا عنك فقليتني او لعلك
وجدتني في مقام الكاذبين فرفضتني او لعلك رايتني غير شاكر لنعمائك فحرمتني او لعلك
فقدتني من مجالس العلماء فخذلتني او لعلك رايتني في الغافلين فمن رحمتك آيستني او لعلك
رايتني في الف مجالس البطالين فبيني وبينهم خليتني او لعلك لم تحب ان تسمع دعائي فبا
عدتني او لعلك بجرمي وجريرتي كافيتني او لعلك بقلة حيائي منك جازيتني فان عفوت
يا رب فطالما عفوت عن المذنبين قبلي لان كرمك اي رب يجل عن مجازات المذنبين
وحلمك يكبر عن مكافات المقصرين وانا عائذ بفضلك هارب منك اليك متنجز ما وعدت
من الصفح عمن احسن بك ظنا الهي انت اوسع فضلا واعظم حلما من ان تقايسني بعملي
او ان تستزلني بخطيئتي وما انا يا سيدي وما خطري هبني بفضلك يا سيدي وتصدق
علي بعفوك وجللني بسترك واعف عن توبيخي بكرم وجهك سيدي انا الصغير الذي
ربيته وانا الجاهل الذي علمته وانا الضال الذي هديته وانا الوضيع الذي رفعته وانا
الخائف الذي آمنته وانا الجائع الذي اشبعته والعطشان الذي ارويته والعاري الذي
كسوته والفقير الذي اغنيته والضعيف الذي قويته والذليل الذي اعززته والسقيم
الذي شفيته والسائل الذي اعطيته والمذنب الذي سترته والخاطئ الذي اقلته وانا
القليل الذي كثرته والمستضعف الذي نصرته وانا الطريد الذي آويته انا يا رب الذي
لم استحيك في الخلاء ولم اراقبك في الملاء وانا صاحب الدواهي العظمى انا الذي على
سيده اجترى انا الذي عصيت جبار السماء انا الذي اعطيت على المعاصي الجليل الرشا

انا الذي حين بشرت بها خرجت اليها اسعى انا الذي امهلتني فما ارعويت وسترت علي فما
استحييت وعملت بالمعاصي فتعديت واسقطتني من عينك فما باليت فبحلمك امهلتني وبسترك
سترتني حتى كانك اغفلتني ومن عقوبات المعاصي جنبتني حتى كانك استحييتني الهي لم
اعصك حين عصيتك وانا بربوبيتك جاحد ولا بامرك مستخف ولا لعقوبتك متعرض
ولا لوعيدك متهاون ولكن خطيئة عرضت وسولت لي نفسي وغلبني هواي واعانني عليها
شقوتي وغرني سترك المرخى علي فقد عصيتك وخالفتك بجهدي فالان من عذابك من
يستنقذني ومن ايدي الخصماء غدا من يخلصني وبحبل من اتصل ان انت قطعت حبلك
عني فوا سوأتا على ما احصى كتابك من عملي الذي لولا ما ارجو من كرمك وسعة رحمتك
ونهيك اياي عن القنوط لقنطت عند ما اتذكرها يا خير من دعاه داع وافضل من رجاه
راج اللهم بذمة الاسلام اتوسل اليك وبحرمة القران اعتمد عليك وبحبي النبي الامي
القرشي الهاشمي العربي التهامي المكي المدني ارجو الزلفة لديك فلا توحش استيناس ايماني
ولا تجعل ثوابي ثواب من عبد سواك فان قوما امنوا بالسنتهم ليحقنوا به دماءهم فادركوا
ما املوا وانا امنا بك بالسنتنا وقلوبنا لتعفو عنا فادرك بنا ما املنا وثبت رجاءك
في صدورنا ولا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب فوعزتك
لو انتهرتني ما برحت من بابك ولا كففت عن تملقك لما الهم قلبي يا سيدي من المعرفة
بكرمك وسعة رحمتك الى من يذهب العبد الا الى مولاه والى من يلتجئ المخلوق الا
الى خالقه الهي لو قرنتني بالاصفاد ومنعتني سيبك من بين الاشهاد ودللت على فضائحي
عيون العباد وامرت بي الى النار وحلت بيني وبين الابرار ما قطعت رجائي منك
وما صرفت وجه تاميلي للعفو عنك ولا خرج حبك من قلبي انا لا انسى اياديك
عندي وسترك علي في دار الدنيا يا سيدي صل على محمد وال محمد واخرج حب الدنيا من
قلبي واجمع بيني وبين المصطفى واله خيرتك من خلقك وخاتم النبيين محمد صلى الله عليه
واله وانقلني الى درجة التوبة اليك واعني بالبكاء على نفسي فقد افنيت بالتسويف و
الامال عمري وقد نزلت منزلة الايسين من خيري فمن يكون اسوء حالا مني ان انا نقلت على
مثل

مثل حالي الى قبر لم امهده لرقدتي ولم افرشه بالعمل الصالح لضجعتي وما لي لا ابكي ولا
ادري الى ما يكون مصيري وارى نفسي تخادعني وايامي تخاتلني وقد خفقت عند راسي اجنحة الموت
فما لي لا ابكي ابكي لخروج نفسي ابكي لظلمة قبري ابكي لضيق لحدي ابكي لسؤال منكر ونكير اياي
ابكي لخروجي من قبري عريانا ذليلا حاملا ثقلي على ظهري انظر مرة عن يميني واخرى عن شمالي
اذ الخلائق في شان غير شاني لكل امرئ منهم يومئذ شان يغنيه وجوه يومئذ مسفرة ضاحكة
مستبشرة ووجوه يومئذ عليها غبرة ترهقها قترة وذلة سيدي عليك معولي ومعتمدي ورجائي
وتوكلي وبرحمتك تعلقي تصيب برحمتك من تشاء وتهدي بكرامتك من تحب فلك الحمد
على ما نقيت من الشرك قلبي ولك الحمد على بسط لساني افبلساني هذا الكال اشكرك ام بغاية
جهدي في عملي ارضيك وما قدر لساني يا رب في جنب شكرك وما قدر عملي في جنب نعمك
واحسانك الهي الا ان جودك بسط املي وشكرك قبل عملي سيدي اليك رغبتي ومنك رهبتي
واليك تاميلي وقد ساقني اليك املي وعليك يا واحدي عكفت همتي وفيما عندك انبسطت
رغبتي ولك خالص رجائي وخوفي وبك انست محبتي واليك القيت بيدي وبحبل طاعتك
مددت رهبتي يا مولاي بذكرك عاش قلبي وبمناجاتك بردت الم الخوف عني فيا مولاي
ويا مؤملي ويا منتهى سؤلي صل على محمد وال محمد وفرق بيني وبين ذنبي المانع لي من لزوم
طاعتك فانما اسالك لقديم الرجاء منك وخوفي اليك وعظيم الطمع منك الذي اوجبته
على نفسك من الرافة والرحمة والامر لك وحدك لا شريك لك والخلق كلهم عيالك وفي
قبضتك وكل شيء خاضع لك تباركت يا رب العالمين الهي ارحمني اذا انقطعت حجتي وكل
عن جوابك لساني وطاش عند سؤالك اياي لبي فيا عظيم رجائي ولا تخيبني اذا اشتدت
فاقتي اليك ولا تردني لجهلي ولا تمنعني لقلة صبري واعطني لفقري وارحمني لضعفي سيدي
عليك معتمدي ومعولي ورجائي وتوكلي وبرحمتك تعلقي وبفنائك احط رحلي وبجودك اقصد
طلبتي وبكرمك اي رب استفتح دعائي ولديك ارجو فاقتي وبغناك اجبر عيلتي وتحت
ظل عفوك قيامي والى جودك وكرمك ارفع بصري والى معروفك اديم نظري فلا تحرقني بالنار
وانت موضع املي ولا تسكني الهاوية فانك قرة عيني يا سيدي لا تكذب ظني باحسانك و

ومعونتك فانك نفسي ونجاتي ولا تحرمني ثوابك فانك العارف بفقري الهي ان
كان قد دنا اجلي ولم يقربني منك عملي فقد جعلت الاعتراف اليك بذنبي وسائل عللي الهي
ان عفوت فمن اولى منك بالعفو وان عذبت فمن اعدل منك في الحكم ارحم في هذه الدنيا
غربتي وعند الموت كربتي وفي القبر وحدتي وفي اللحد وحشتي واذا نشرت للحساب بين
يديك ذل موقفي واغفر لي ما خفي على الآدميين من عملي وادم لي ما به سترتني وارحمني
صريعا على الفراش تقلبني ايدي احبتي وتفضل علي ممدودا على المغتسل يقلبني صالح جيرتي
وتحنن علي محمولا قد تناول الاقرباء اطراف جنازتي وجد علي منقولا قد نزلت بك وحيدا
في حفرتي وارحم في ذلك البيت الجديد غربتي حتى لا استانس بغيرك يا سيدي فانك ان
وكلتني الى نفسي هلكت سيدي فبمن استغيث ان لم تقلني عثرتي والى من افزع ان فقدت
عنايتك في ضجعتي والى من التجي ان لم تنفس كربتي سيدي من لي ومن يرحمني ان
لم ترحمني وفضل من اؤمل ان عدمت فضلك يوم فاقتي والى من الفرار من الذنوب اذا انقضى
اجلي سيدي لا تعذبني وانا ارجوك اللهم حقق رجائي وآمن خوفي فان كثرة ذنوبي لا ارجو
فيها الا عفوك سيدي انا اسئلك ما لا استحق وانت اهل التقوى واهل المغفرة فاغفر لي
والبسني من نظرك ثوبا يغطي على التبعات وتغفرها لي ولا اطالب بها انك ذو من قديم وصفح
عظيم وتجاوز كريم الهي انت الذي تفيض سيبك على من لا يسئلك وعلى الجاحدين بربو
بيتك فكيف سيدي بمن سالك وايقن ان الخلق لك والامر اليك تباركت وتعاليت يا رب
العالمين الهي وسيدي عبدك ببابك اقامته الخصاصة بين يديك يقرع باب احسانك
بدعائه ويستعطف جميل نظرك بمكنون رجائه فلا تعرض بوجهك الكريم عني واقبل مني
ما اقول فقد دعوت بهذا الدعاء وانا ارجو ان لا تردني معرفة مني برافتك ورحمتك الهي
انت الذي لا يحفيك سائل ولا ينقصك نائل انت كما تقول وفوق ما نقول اللهم اني اسئلك
صبرا جميلا وفرجا قريبا وقولا صادقا واجرا عظيما واسئلك يا رب من الخير كله ما علمت منه
وما لم اعلم اسئلك اللهم من خير ما سالك منه عبادك الصالحون يا خير من سئل و
اجود من اعطى اعطني سؤلي في نفسي واهلي ووالدي وولدي واهل حزانتي واخواني فيك
وارغد

وارغد عيشي واظهر مروتي واصلح جميع احوالي واجعلني ممن اطلت عمره وحسنت عمله و
اتممت عليه نعمتك ورضيت عنه واحييته حيوة طيبة في ادوم السرور واسبغ الكرامة
واتم العيش انك تفعل ما تشاء ولا يفعل ما يشاء غيرك اللهم خصني منك بخاصة
ذكرك ولا تجعل شيئا مما اتقرب به في اناء الليل واطراف النهار رياء ولا سمعة ولا اشرا
ولا بطرا واجعلني لك من الخاشعين اللهم اعطني السعة في الرزق والامن في الوطن و
قرة العين في الاهل والمال والولد والمقام في نعمك عندي والصحة في الجسم والقوة في
البدن والسلامة في الدين واستعملني بطاعتك وطاعة رسولك محمد واهل بيته صلواتك عليه
وآله وسلم ابدا ما استعمرتني واجعلني من اوفر عبادك عندك نصيبا في كل خير انزلته و
تنزله في ليلة القدر وما انت منزله في كل سنة من رحمتك تنشرها وعافية تلبسها وبلية
تدفعها وحسنات تتقبلها وسيئات تتجاوز عنها وارزقني حج بيتك الحرام في عامنا هذا
وفي كل عام وارزقني رزقا واسعا من فضلك الواسع الطيب واصرف عني يا سيدي الاسواء
واقض عني الدين والظلامات حتى لا اتاذى بشيء منه وخذ عني باسماع وابصار اعدائي وحسادي
والباغين علي وانصرني عليهم واقرر عيني وفرح قلبي واجعل لي من همي وكربي فرجا ومخرجا واجعل
من ارادني بسوء من جميع خلقك تحت قدمي واكفني شر الشيطان وشر السلطان وسيئات
عملي وطهرني من الذنوب كلها واجرني من النار بعفوك وادخلني الجنة برحمتك وزوجني
من الحور العين بفضلك والحقني باوليائك الصالحين محمد وآله الابرار الطيبين الطاهرين
الاخيار صلواتك عليه وعليهم وعلى ارواحهم واجسادهم ورحمة الله وبركاته الهي وسيدي
وعزتك وجلالك لئن طالبتني بذنوبي لاطالبنك بكرمك ولئن ادخلتني النار لاخبرن اهل
النار بحبي لك الهي وسيدي ان كنت لا تغفر الا لاوليائك واهل طاعتك فالى من يفزع
المذنبون وان كنت لا تكرم الا اهل الوفاء بك فبمن يستغيث المسيئون الهي ان ادخلتني النار
ففي ذلك سرور عدوك وان ادخلتني الجنة ففي ذلك سرور نبيك وانا والله اعلم ان
سرور نبيك احب اليك من سرور عدوك اللهم اني اسئلك ان تملأ قلبي حبا لك وخشية
منك وتصديقا بكتابك وايمانا بك وفرقا منك وشوقا اليك يا ذا الجلال والاكرام حبب الي

لقائك واحبب لقائي واجعل لي من لقائك الراحة والفرج والكرامة اللهم الحقني
بصالح من مضى واجعلني من صالح من بقي وخذ بي سبيل الصالحين واعني على نفسي بما
تعين به الصالحين على انفسهم واختم لي عملي باحسنه واجعل ثوابي عليه الجنة برحمتك
يا رب العالمين واعني على صالح ما اعطيتني وثبتني يا رب ولا تردني في سوء استنقذتني منه
يا رب العالمين اللهم اني اسئلك ايمانا لا اجل له دون لقائك احيني اذا ما احييتني عليه
وتوفني اذا توفيتني عليه وابعثني اذا بعثتني عليه وابرئ قلبي من الرياء والشك والسمعة
في دينك حتى يكون عملي خالصا لك اللهم اعطني بصيرة في دينك وفهما في حكمك وفقها
في علمك وكفلين من رحمتك وورعا يحجزني عن معصيتك وبيض وجهي بنورك واجعل رغبتي
فيما عندك وتوفني في سبيلك وعلى ملة رسولك صلى الله عليه وآله اللهم اني اعوذ بك
من الكسل والفشل والهم والغم والحزن والجبن والبخل والغفلة والقسوة والذلة
والمسكنة والفقر والفاقة وكل بلية والفواحش ما ظهر منها وما بطن واعوذ بك من
نفس لا تقنع ومن بطن لا يشبع وقلب لا يخشع ودعاء لا يسمع وعمل لا ينفع وصلاة لا ترفع
واعوذ بك يا رب على نفسي وولدي وديني ومالي وعلى جميع ما رزقتني من الشيطان
الرجيم انك انت السميع العليم اللهم انه لا يجيرني منك احد ولا اجد من دونك ملتحدا
فلا تجعل نفسي في شيء من عذابك ولا تردني بهلكة ولا تردني بعذاب اليم اللهم تقبل مني
واعل ذكري وارفع درجتي وحط وزري ولا تذكرني بخطيئتي واجعل ثواب مجلسي وثواب منطقي
وثواب دعائي رضاك عني والجنة واعطني يا رب جميع ما سألتك وزدني من فضلك
اني اليك راغب يا رب العالمين اللهم انك انزلت في كتابك العفو وامرتنا ان نعفو
عمن ظلمنا وقد ظلمنا انفسنا فاعف عنا فانك اولى بذلك منا وامرتنا ان لا نرد سائلا
عن ابوابنا وقد جئتك سائلا فلا تردني الا بقضاء حاجتي وامرتنا بالاحسان الى ما ملكت
ايماننا ونحن ارقاؤك فاعتق رقابنا من النار يا مفزعي عند كربتي ويا غوثي عند شدتي
اليك فزعت وبك استغثت ولذت لا الوذ بسواك ولا اطلب الفرج الا منك فاغثني وفرج
عني يا من يقبل اليسير ويعفو عن الكثير اقبل مني اليسير واعف عني الكثير انك انت الرحيم الغفور

اللهم

اللهم اني اسئلك ايمانا تباشر به قلبي ويقينا صادقا حتى اعلم انه لن يصيبني الا ما كتبت لي
ورضني من العيش بما قسمت لي يا ارحم الراحمين بخط شيخ طوسي رحمة الله عليه در مصباح سيد بن
طاوس طاب ثراه در اقبال وكفعمي در جنة الامان ودر مكان در كتب تعقيب گفته اند كه در سحرهاى ماه
مبارك رمضان اين دعا را بخوان يا عدتي في كربتي ويا صاحبي في شدتي ويا وليي في نعمتي و
يا غياثي في رغبتي انت الساتر عورتي والمؤمن روعتي والمقيل عثرتي فاغفر لي خطيئتي اللهم
اني اسئلك خشوع الايمان قبل خشوع الذل في النار يا واحد يا احد يا صمد يا من لم يلد ولم يولد
ولم يكن له كفوا احد يا من يعطي من سأله تحننا منه ورحمة ويبتدئ بالخير من لم يسأله تفضلا
منه وكرما بكرمك الدائم صل على محمد وآل واهل بيته وهب لي رحمة واسعة ابلغ بها خير
الدنيا والآخرة اللهم اني استغفرك لما تبت اليك منه ثم عدت فيه واستغفرك لكل خير
اردت به وجهك فخالطني فيه ما ليس لك اللهم صل على محمد وآل محمد واعف عني ظلمي وجرمي
بحلمك وجودك يا كريم يا من لا يخيب سائله ولا ينفد نائله يا من علا فلا شيء فوقه ودنا
فلا شيء دونه صل على محمد وآل محمد وارحمني يا فالق البحر لموسى الليلة الليلة الليلة الساعة
الساعة الساعة اللهم طهر قلبي من النفاق وعملي من الرياء ولساني من الكذب وعيني من
الخيانة فانك تعلم خائنة الاعين وما تخفي الصدور يا رب هذا مقام العائذ بك من
النار هذا مقام المستجير بك من النار هذا مقام المستغيث بك من النار هذا مقام الهارب
اليك من النار هذا مقام من يبوء بخطيئته ويعترف بذنبه ويتوب الى ربه هذا مقام
البائس الفقير هذا مقام الخائف المستجير هذا مقام المحزون المكروب هذا مقام المحزون
المغموم المهموم هذا مقام الغريب الغريق هذا مقام المستوحش الفرق هذا مقام من
لا يجد لذنبه غافرا غيرك ولا لضعفه مقويا سواك يا الله يا كريم لا تحرق وجهي بالنار بعد
سجودي وتعفيري بغير من مني عليك بل لك الحمد والمن والفضل علي ارحم اي رب اي
رب ارحم ضعفي وقلة حيلتي ورقة جلدي وتبدد اوصالي وتناثر لحمي وجسمي و
جسدي ووحدتي ووحشتي في قبري وجزعي من صغير البلاء اسألك يا رب قرة العين والا
غتباط يوم الحسرة والندامة بيض وجهي يا رب يوم تسود فيه الوجوه وآمني من الفزع

صلى الله على خير خلقه محمد وآله اجمعين

فراغ خ ل

الا اكبرا أسألك البشرى يوم تقلب فيه القلوب والابصار والبشرى عند فراق الدنيا
الحمد لله الذي ارجوه عونا في حوائجي واعده ذخرا ليوم فاقتي الحمد لله الذي ادعوه ولا
ادعوا غيره ولو دعوت غيره لخيب دعائي الحمد لله الذي ارجوه ولا ارجوا غيره ولو رجوت
غيره لاخلف رجائي الحمد لله المنعم المحسن المجمل المفضل ذي الجلال والاكرام ولي كل
نعمة وصاحب كل حسنة ومنتهى كل رغبة وقاضي كل حاجة اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقني
اليقين وحسن الظن بك واثبت رجاءك في قلبي واقطع رجائي عمن سواك حتى لا ارجوا
غيرك ولا اثق الا بك يا لطيفا لما يشاء الطف لي في جميع احوالي بما تحب وترضى يا رب
اني ضعيف على النار فلا تعذبني بالنار يا رب ارحم دعائي وتضرعي وخوفي وذلي و
مسكنتي وتعوذي وتلوذي يا رب اني ضعيف عن طلب الدنيا وانت واسع كريم
واسألك يا رب بقوتك على ذلك وقدرتك عليه وغناك عنه وحاجتي اليه ان ترزقني
في عامي هذا وشهري هذا ويومي هذا وساعتي هذه رزقا تغنيني به عن تكلف ما في ايدي
الناس من رزقك الحلال الطيب اي رب منك اطلب واليك ارغب واياك ارجو وانت اهل
ذلك لا ارجو غيرك ولا اثق الا بك يا ارحم الراحمين اي رب ظلمت نفسي فاغفر لي وارحمني
وعافني يا سامع كل صوت ويا جامع كل فوت ويا بارئ النفوس بعد الموت يا من لا تغشاه
الظلمات ولا تشتبه عليه الاصوات ولا يشغله شيء عن شيء اعط محمدا صلى الله عليه

سألتك خ ل

وآله افضل ما سألك وافضل ما سألت له وانت مسؤول له الى يوم القيامة وهب لي
العافية حتى تهنيني المعيشة واختم لي بخير حتى لا تضرني الذنوب اللهم رضني بما قسمت
لي حتى لا اسأل احدا شيئا اللهم صل على محمد وآل محمد وافتح لي خزائن رحمتك وارحمني
رحمة لا تعذبني بعدها ابدا في الدنيا والآخرة وارزقني من فضلك الواسع رزقا حلالا
طيبا لا تفقرني الى احد بعده سواك تزيدني بذلك شكرا واليك فاقة وفقرا وبك عمن
سواك غنى وتعففا يا محسن يا مجمل يا منعم يا مفضل يا مليك يا مقتدر صل على محمد و
آل محمد واكفني المهم كله واقض لي بالحسنى وبارك لي في جميع اموري واقض لي جميع حوائجي
اللهم يسر لي ما اخاف تعسره فان تيسير ما اخاف تعسره عليك يسير وسهل لي ما اخاف

حزونته

حزونته ونفس عني ما اخاف ضيقه وكف عني ما اخاف غمه واصرف عني ما اخاف

اليك خ ل

بليته يا ارحم الراحمين اللهم املأ قلبي حبا لك وخشية منك وتصديقا بكتابك وايمانا
بك وفرقا منك وشوقا اليك يا ذا الجلال والاكرام اللهم ان لك حقوقا فتصدق بها علي
وللناس قبلي تبعات فتحملها عني وقد اوجبت لكل ضيف قرى وانا ضيفك فاجعل
قراي الليلة الجنة يا وهاب الجنة ويا وهاب المغفرة ولا حول ولا قوة الا بك تمت
شيخ رضوان الله عليه در كتاب مصباح گفته كه بخوان در سحر اين دعاى ادريس عليه السلام را وسيد ابن
طاوس رضي الله عنه در كتاب اقبال گفته كه در شرح سند اين دعا ديدم كه اين دعائيست كه حق
تعالى بحضرت ادريس عليه السلام عطا فرمود و اين دعا افضل دعاهاست و دعا اينست سبحانك لا
اله الا انت يا رب كل شيء ووارثه يا اله الآلهة الرفيع جلاله يا الله المحمود في كل فعاله
يا رحمن كل شيء وراحمه يا حي حين لا حي في ديمومة ملكه وبقائه يا قيوم فلا يفوت شيئا
علمه ولا يؤوده يا واحد الباقي اول كل شيء وآخره يا دائم بغير فناء ولا زوال لملكه

من غير شبيه خ ل

يا صمد في غير شبيه فلا شيء كمثله يا بارئ فلا شيء كفوه ولا مداني لوصفه يا كبير
انت الذي لا تهتدي القلوب لعظمته يا بارئ النفوس بلا مثال خلا من غيره يا زاكي الطاهر
من كل آفة بقدسه يا كافي الموسع لما خلق من عطايا فضله يا نقي من كل جور لم يرضه ولم
يخالطه فعاله يا حنان الذي وسعت كل شيء رحمته يا منان يا ذا الجلال والاكرام

والافضال نعمته
الجلال التي منه خ ل

نعمة الجلال التي منه يا ديان العباد فكل يقوم خاضعا لرهبته يا خالق من في السموات
والارضين فكل اليه معاده يا رحمن ورحيم كل صريخ ومكروب وغياثه ومعاذه

بجلاله خ ل

يا بارئ فلا تصف الالسن كنه جلال ملكه وعزه يا مبدئ البدايا لم يبغ في انشائها

معيد ذا قدرة خ ل

اعوانا من خلقه يا علام الغيوب فلا يؤوده من شيء حفظه يا معيد ما افناه اذا برز
الخلائق لدعوته من مخافته يا حليم ذا الاناة فلا شيء يعدله من خلقه يا محمود الفعال
ذا المن على جميع خلقه بلطفه يا عزيز المنيع الغالب على امره فلا شيء يعدله يا قاهر
ذا البطش الشديد انت الذي لا يطاق انتقامه يا متعالي القريب في علو ارتفاع دنوه
يا جبار المذلل كل شيء بقهر عزيز سلطانه يا نور كل شيء انت الذي فلق الظلمات

نوره ما اقدس الطاهر من كل شيء ولا شيء يعدله يا قريب المجيب المتداني دون كل شيء قربه
يا عالي الشامخ في السماء فوق كل شيء علو ارتفاعه يا بديع ومبدعها بعد فنائها بقدرته يا
جليل المتكبر على كل شيء فالعدل امره والصدق وعده يا مجيد فلا يبلغ الاوهام كل ثنائه ومجده ثنایه تمجیده
يا كريم العفو والعدل انت الذي ملأ كل شيء عدله يا عظيم ذا الثناء الفاخر والعز والكبرياء فلا
يذل عزه يا عجيب فلا تنطق الالسن بكل آلائه وثنائه اسألك يا معتمدي عند كل كربة وغياثي
عند كل شدة بهذه الاسماء امانا من عقوبات الدنيا والآخرة واسألك ان تصرف عني بهن
كل سوء ومخوف ومحذور وتصرف عني ابصار الظلمة المريدين بي السوء الذي نهيت عنه من
شر ما يضمرون الى خير ما لا يملكون ولا يملكه غيرك يا كريم اللهم لا تكلني الى نفسي فاعجز عنها
ولا الى الناس فيرفضوني ولا تخيبني وانا ارجوك ولا تعذبني وانا ادعوك اللهم اني ادعوك فیطردونی
كما امرتني فاجبني كما وعدتني اللهم اجعل خير عمري ما بقي لي اللهم لا تغير جسدي ولا
ترسل حظي ولا تسوء صديقي اعوذ بك من سقم مضرع وفقر مدقع ومن الذل وبئس الخليل
اللهم سل قلبي عن كل شيء لا ازوده اليك ولا انتفع به يوم القاك من حلال او حرام
ثم اعطني قوة عليه وعزا وقناعة ومقتا له ورضا بك يا ارحم الراحمين اللهم لك الحمد مقتا معینا
على عطاياك الجزيلة ذلك الحمد منك المتواترة التي بها دافعت عني مكاره الامور وبها
اتيتني مواهب السرور مع تمادي في الغفلة وما بقي في من القسوة فلم يمنعك ذلك من فعلي
ان عفوت عني وسترت ذلك علي وسوغتني ما في يدي من نعمك وتابعت علي من احسانك
وصفحت لي عن قبيح ما افضيت به اليك وانتهكته من معاصيك اللهم اني اسألك بكل افضیت
اسم هو لك يحق عليك فيه اجابة الدعاء اذا دعيت به واسألك بكل ذي حق عليك ويحقك
على جميع من هو دونك ان تصلي على محمد عبدك ورسولك وآل محمد من ارادني بسوء فخذ وعلی الهوا
بسمعه وبصره ومن بين يديه ومن خلفه وعن يمينه وعن شماله وامنعه مني بحولك و
قوتك يا من ليس معه رب يدعى ويا من ليس فوقه خالق يخشى ويا من ليس دونه اله يتقى
ويا من ليس له وزير يؤتى ويا من ليس له حاجب يرشى ويا من ليس له بواب ينادى ويا من
لا يزداد على كثرة العطاء الا كرما وجودا وعلى تتابع الذنوب الا مغفرة وعفوا صل على محمد
وآله

وآل محمد وافعل بي ما انت اهله ولا تفعل بي ما انا اهله فانك اهل التقوى واهل المغفرة اللهم انك
هذا الدعاء ومنك الاجابة وهذا الجهد وعليك التكلان ولا حول ولا قوة الا بالله العلي
العظيم كفعمی رحمه الله علیه این زیادتی را در جنة الامان نقل نموده ودر اقبال ومصباح نیز **باب دوازدهم**
در بیان اعمال متفرقه ماه رمضان مبارك ومضاف فضیلتها از تتبع احادیث واخبار ظاهر میشود چند
امر است **اول قیلوله** کردن وان عبارتست از خواب کردن در چاشت قریب بظهر محمد بن یعقوب
کلینی رفع الله درجته الامان ودیگران از حضرت ابی الحسن علیه السلام روایت کرده است که
فرمود که قیلوله کنید بدرستیکه خدا تعالی طعام میکند صایم را وشراب میخوراند او را در خواب **مؤلف**
گوید که مراد از اطعام صایم در خواب انست که چون بسبب خواب توقف بر او بهم میرسد چنانچه از طعام
وشراب بنحو بهم میرسد پس گویا که طعام وشراب خورده است **دویم** بوی خوش بکار بردن ابن بابویه رحمه الله
علیه در کتاب علل الشرایع وثواب الاعمال از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که هر که بوی خوش
بکار برد در اول روز در حال روزه عقل او هرگز زایل نگردد وکلینی رضی الله عنه نیز بسند حسن
روایت کرده است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام هرگاه روزه میداشت خود را خوش
بو میکرد ومیفرمود بوی خوش تحفه صایم است **وایضا** در کتاب خصال از محمد بن میمون روایت
کرده است که حضرت امام حسن علیه السلام در حالت روزه بوی خوش بکار میبرد ومیفرمود بوی
خوش تحفه صایم است **مؤلف گوید که** در حدیث آخر چون مقید بوقت خاصی نیست دلالت میکند بر انکه
بکار بردن بوی خوش در همه اوقات روزه نیکوست وحدیث اول دلالت بر خصوص اول روز
میکند وشاید مراد حدیث اول افضل باشد زیرا که اثر آن تا شب باقی میماند ودر تمام اوقات روزه
با بوی خوش میباشد بنا بر انکه در اینجا اشکالی متوجه میشود که چه جهت بوی خوش سنت گردیده
وبوئیدن گلها وریاحین خصوصا نرگس مکروه شده با انکه هر دو از یك باب اند وبوئیدن ریاحین
بنا بر او را خوش میکند وجواب این شبهه چنانچه بخاطر فاتر این قاصر میرسد انست که چون
بسبب روزه دهان صایم بدبو میشود باین سبب بوی خوش سنت گردیده تا انکه مردم از بکنند بکر
تنفس نمایند وبوئیدن ریاحین وگلها انقدر تاثیر در رفع ابخره ندارد وانسان در رائحه باقی
نمیماند بلکه بعض بقرار لذات عاجله که از ان حاصل میشود دیگر ثمره ندارد واجتناب از اکثر لذات

در حالت روزه مطلوبست چنانچه در باب اول از این خزینه مذکور شد که حضرت صادق علیه
السلام در حالت روزه هیچ گلی را نمیبوئید و میفرمود که کراهت دارم که روزه خود را بلذت مخلوط
سازم و در خصوص نرگس در علتش وارد شده است که آن گل عجمانست و شیخ مفید علیه الرحمه گفته که
پادشاهان عجم در هر سال روز مخصوصی را روزه میداشته اند و در آن روز نرگس بسیار میبوئیده اند
و میگفته اند که دفع گرسنگی و تشنگی میکند لهذا آل محمد صلی الله علیه وعلیهم عجمه رد بر ایشان نهی از آن
فرموده اند با آنکه ممکن است که بعضی از اجزای منبعه از آن منفصل شود و بدماغ بالا رود یکی بنا بر
این جهات بوئیدن ریاحین مکروه و نعطّر بو دهنها و امثال آن سنت کرده است و الله تعالی یعلم وبدانکه
هفتم در تعظیم آنست که روغن خوشبو را بر محاسن بمالند و جامهها را بتن خوشبو کنند چنانکه ابن
بابویه رضوان الله علیه در کتاب خصال از محمد بن میمون روایت نموده است که حضرت امام حسن مجتبی
صلوات الله علیه میفرمود که تحفه صائم آنست که ریش خود را بروغن خوشبو معطر سازد و
جامههای خود را بمجمره با ندارد که خوشبو شود و تحفه زن صائم آنست که گیس خود را شانه کند سیم
تصدق چنانچه سید بن طاوس قدس الله روحه در کتاب اقبال از علی بن اسمعیل میثمی نقل نموده است که چون
ماه رمضان داخل میشد آنحضرت در هر روز از روزهای آن ماه یک درهم تصدق میفرمود چهارم در هر روز
ما بین نماز عصر و نماز شام این دعا را بخوانند که استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم غفار
الذنوب و اتوب الیه توبة عبد ظالم لا یملک لنفسه موتا و لا حیوة و لا نشورا و این دعا در روزهای
ماه رجب و شعبان نیز باید خوانده شود و روایت آن در خزینه اول در اعمال مشترکه ماه رجب و شعبان
و ماه رمضان گذشت پنجم شیخ طوسی رحمه الله علیه و سید بن طاوس نور الله مرقده در کتاب مصباح
و اقبال گفته اند که از جمله دعاها هر روز این ماه این دعاست اللهم انی اسئلک من فضلک بافضله
و کل فضلک فاضل اللهم انی اسئلک بفضلک کله اللهم انی اسئلک من رزقک باعمه و
کل رزقک عام اللهم انی اسئلک برزقک کله اللهم انی اسالک من عطائک باهنئه
و کل عطائک هنیئة اللهم انی اسالک بعطائک کلها اللهم انی اسالک من خیرک باعجله
و کل خیرک عاجل اللهم انی اسالک بخیرک کله اللهم انی اسئلک من احسانک باحسنه
و کل احسانک حسن اللهم انی اسالک باحسانک کله اللهم انی اسالک بما تجیبنی به حین

عطائک ن
عطائک ن
هنیئ ن

اسالک

اسالک فاجبنی یا الله و صل علی محمد عبدک المرتضی و رسولک المصطفی و امینک و نجیبک
دون خلقک و نجیبک من عبادک و نبیک و من جاء بالصدق من عندک و حبیبک المفضل
علی رسلک و خیرتک من العالمین البشیر النذیر السراج المنیر و علی اهل بیته الابرار الطاهرین
و علی ملائکتک الذین استخلصتهم لنفسک و حجبتهم عن خلقک و علی انبیائک الذین ینبؤن
عنک بالصدق و علی رسلک الذین اختصصتهم لوحیک و فضلتهم علی العالمین برسالاتک
و علی عبادک الصالحین الذین ادخلتهم فی رحمتک الائمة المهتدین الراشدین و اولیائک
المطهرین و علی جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و ملک الموت و رضوان خازن الجنان و مالک
خازن النیران و روح القدس و الروح الامین و حملة عرشک المقربین و علی الملکین الحافظین
علی بالصلوة التی تحب ان تصلی بها علیهم اهل السموات و اهل الارضین صلوة طیبة کثیرة
زاکیة مبارکة نامیة ظاهرة باطنة شریفة فاضلة تبین بها فضلهم علی الاولین و الاخرین
اللهم اعط محمدا الوسیلة و الشرف و الفضیلة و اجزه عنا ما جزیت نبیا عن امته اللهم
اعط محمدا صلی الله علیه و آله مع کل زلفة زلفة و مع کل وسیلة وسیلة و مع کل فضیلة
فضیلة و مع کل شرف شرفا اللهم اعط محمدا و آله یوم القیمة افضل ما اعطیت احدا من
الاولین و الاخرین اللهم اجعل محمدا صلی الله علیه و آله ادنی المرسلین منک مجلسا و
افسحهم فی الجنة عندک منزلا و اقربهم الیک وسیلة و اجعله اول شافع و اول مشفع و
اول قائل و انجح سائل و ابعثه المقام المحمود الذی یغبطه به الاولون و الاخرون یا ارحم
الراحمین و اسالک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تسمع صوتی و تجیب دعوتی و تجاوز
عن خطیئتی و تصفح عن ظلمی و تنجح طلبتی و تقضی حاجتی و تنجز لی ما وعدتنی و تقیل عثرتی
و تقبل منی و تغفر ذنوبی و تعفو عن جرمی و تقبل علی و لا تعرض عنی و ترحمنی و لا تعذبنی
و تعافینی و لا تبتلینی و ترزقنی یا ارحم الراحمین من الطیب رزقک و اوسعه و لا تحرمنی
حسنک یا رب و اقض عنی دینی و ضع عنی وزری و لا تحملنی ما لا طاقة لی به یا مولای و ادخلنی
فی کل خیر ادخلت فیه محمدا و آل محمد و اخرجنی من کل سوء اخرجت منه محمدا و آل محمد صلواتک
علیه و علیهم اجمعین و السلام علیهم و رحمة الله و برکاته اللهم انی ادعوک کما امرتنی

و علیها الاسلام و الناس خ ل
خازن الجنان و الشفیع خ ل
و علی ملائکتک المقربین خ ل

تعطی خ ل

طیب رزقک خ ل

من الرزق الطیب و اوسعه برحمتک خ ل

فاستجب لي كما وعدتني يا كريم و غیره امور را عرضه کن و بعد از ان بکو اللهم اني اسئلك
قليلا من كثير مع حاجة بي اليه عظيمة وغناك عنه قديم وهو عندي كثير وهو عليك
سهل يسير فامنن علي به انك على كل شيء قدير امين يا رب العالمين مؤلف کوید که این دعا را شیخ
طوسی رحمه الله در مصباح و سید بن باقی در کتاب اختیار و کفعمی در کتاب جنة الامان نیز ذکر نموده الا
ولیکن کفعمی در حواشی جنة الامان ذکر نموده که سید بن طاوس این دعا را در کتاب عمل شهر رمضان نیز ذکر
نموده و گفته که در صحیفه که در هر وقت از اوقات این ماه خواه شب و خواه روز و اگر خواهی این دعا را بخوان و این
مخالف است با نسخه خود در اقبال و دیگران در کتب خود مذکور نموده اند والله تعالی یعلم شیخ سید بن
باقی طاب ثراه در کتاب اختیار گفته که روایت وارد شده که هر که این دعا را در هر روز از ماه مبارک
رمضان بخواند حق تعالی گناهان چهل ساله او را بیامرزد و دعا این است اللهم رب شهر رمضان الذي انزلت
فيه القرآن وافترضت على عبادك فيه الصيام وارزقني حج بيتك الحرام في هذا العام و
في كل عام واغفر لي الذنوب العظام فانه لا يغفرها غيرك يا ذا الجلال والاكرام مؤلف کوید که
که در غیر کتاب اختیار از کتب ادعیه این دعا را برای روزهای این ماه بنظر نرسید و سید بن طاوس
این دعا را برای هر شب با همین ثواب روایت کرده چنانچه سابق مذکور شد و ظاهرا ابن باقی شب
را بروز اشتباه نموده باشد والله تعالی یعلم مغتنم علامه سقی الله ثراه در کتاب منهاج الصلاح
گفته که مستحب است که در هر روز از این ماه مبارک رمضان هفتاد نوبت این دعا خوانده شود سبحان
الضار النافع سبحان القابض الباسط سبحان القاضي بالحق سبحان ربي الودود
سبحان الفرد الوتر سبحان العلي الاعلى سبحانه وبحمده وتعالى مؤلف کوید که اگر چه این دعا
را بنمایت ثبت نداده و لیکن ظاهر حال آنست که حدیثی در این باب بنظر او رسیده باشد مغتنم
سید بن طاوس رضی الله عنه در کتاب اقبال گفته که این دعا را یافتم در روایات ادعیه هر روز ماه
مبارک رمضان بسند و تعقیب عظیم الشأن و در آن کتاب که این ادعیه در آن نوشته بود که این
دعا از اسرار دعوات و مضمون اجابات است و دعا این است پس بکو اللهم اني ادعوك كما امرتني
فاستجب لي كما وعدتني سه مرتبه پس بکو اللهم اني اسالك من بهائك بابهاه وكل بهائك
بهي اللهم اني اسالك ببهائك كله اللهم اني اسالك من جلالك باجله وكل جلالك

جليل

جليل اللهم اني اسالك بجلالك كله اللهم اني اسالك من جمالك باجمله وكل جمالك جميل
اللهم اني اسالك بجمالك كله پس سه نوبت اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني
پس بکو اللهم اني اسالك من عظمتك باعظمها وكل عظمتك عظيمة اللهم اني اسالك بعظمتك
كلها اللهم اني اسالك من نورك بانوره وكل نورك نير اللهم اني اسالك بنورك كله
اللهم اني اسالك من رحمتك باوسعها وكل رحمتك واسعة اللهم اني اسالك برحمتك كلها
پس سه نوبت بکو اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بکو اللهم اني
اسالك من كمالك باكمله وكل كمالك كامل اللهم اني اسالك بكمالك كله اللهم اني اسالك
من كلماتك باتمها وكل كلماتك تامة اللهم اني اسالك بكلماتك كلها اللهم اني اسئلك
من اسمائك باكبرها وكل اسمائك كبيرة اللهم اني اسالك باسمائك كلها سه نوبت اللهم
اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بکو اللهم اني اسالك من عزتك باعزها
وكل عزتك عزيزة اللهم اني اسالك بعزتك كلها اللهم اني اسالك من مشيتك بامضاها
وكل مشيتك ماضية اللهم اني اسالك بمشيتك كلها اللهم اني اسالك بقدرتك التي
استطلت بها على كل شيء وكل قدرتك مستطيلة اللهم اني اسالك بقدرتك كلها سه نوبت
اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بکو اللهم اني اسالك من علمك بانفذه
وكل علمك نافذ اللهم اني اسالك بعلمك كله اللهم اني اسالك من قولك بارضاه وكل
قولك رضي اللهم اني اسالك بقولك كله اللهم اني اسالك من مسائلك باحبها اليك و
كل مسائلك اليك حبيبة اللهم اني اسالك بمسائلك كلها سه نوبت اللهم اني اسالك كما
امرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بکو اللهم اني اسالك من شرفك باشرفه وكل شرفك شريف
اللهم اني اسالك بشرفك كله اللهم اني اسالك من سلطانك بادومه وكل سلطانك دائم
اللهم اني اسالك بسلطانك كله اللهم اني اسالك من ملكك بافخره وكل ملكك فاخر اللهم
اني اسالك بملكك كله سه نوبت اللهم اني اسالك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بکو
اللهم اني اسالك من علائك باعلاه وكل علائك عال اللهم اني اسالك بعلائك كله اللهم
اني اسالك من منك باقدمه وكل منك قديم اللهم اني اسالك بمنك كله اللهم اني اسئلك

من آياتك بأعجبها وكل آياتك عجيبة اللهم إني أسألك بآياتك كلها سر بر نيت بگو اللهم
إني أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگو اللهم إني أسألك من فضلك بأفضله وكل
فضلك فاضل اللهم إني أسألك بفضلك كله اللهم إني أسألك من رزقك بأعمه وكل رزقك
عام اللهم إني أسألك برزقك كله اللهم إني أسألك من عطائك بأهنئه وكل عطائك
هنيء اللهم إني أسألك بعطائك كله اللهم إني أسألك من خيرك بأعجله وكل خيرك عاجل
اللهم إني أسألك بخيرك كله اللهم إني أسألك من إحسانك بأحسنه وكل إحسانك حسن — من خيرك
اللهم إني أسألك بإحسانك كله اللهم إني أسألك بما تجيبني به حين أدعوك فأجبني يا الله
نعم دعوتك يا الله اللهم إني أسألك بما أنت فيه من الشئون والجبروت اللهم إني أسألك
بكل شأن وجبروت اللهم إني أسألك بشأنك وجبروتك كلها اللهم إني أسألك بما تجيبني
به حين أسألك فأجبني يا الله صل على محمد وآل محمد وطلب كن هر حاجتي كه داري پس بگو
اللهم صل على محمد وآل محمد واثبتني على الإيمان بك والتصديق برسولك والولاية لعلي بن
أبي طالب عليه السلام والائتمام بالأئمة من آل محمد والبراءة من أعدائهم فإني قد رضيت
بذلك يا رب اللهم صل على محمد وآل محمد وأسألك خير الخير رضوانك والجنة وأعوذ بك
من شر الشر سخطك والنار اللهم صل على محمد وآل محمد واحفظني من كل مصيبة ومن كل
بلية ومن كل عقوبة ومن كل فتنة ومن كل بلاء ومن كل شر ومن كل مكروه ومن كل
مصيبة ومن كل آفة نزلت أو تنزل من السماء إلى الأرض في هذه الساعة وفي هذه الليلة
وفي هذا اليوم وفي هذا الشهر وفي هذه السنة اللهم صل على محمد وآل محمد واقسم لي من
كل سرور ومن كل بهجة ومن كل استقامة ومن كل فرج ومن كل عافية ومن كل سلامة
ومن كل كرامة ومن كل رزق واسع حلال طيب ومن كل نعمة ومن كل حسنة نزلت أو تنزل
من السماء إلى الأرض في هذه الساعة وفي هذه الليلة وفي هذا اليوم وفي هذا الشهر وفي
هذه السنة اللهم إن كانت ذنوبي قد أخلقت وجهي عندك وحالت بيني وبينك أو غيرت
حالي عندك فإني أسألك بنور وجهك الكريم الذي لم يطفأ وبوجه حبيبك محمد المصطفى
وبوجه وليك علي المرتضى وبحق أوليائك الذين انتجبتهم أن تصلي على محمد وآل محمد وأن

تغفر لي

تغفر لي ولوالدي وما ولدا وللمؤمنين والمؤمنات وما توالدوا ذنوبنا كلها صغيرها وكبيرها
وأن تختم لنا بالصالحات وأن تقضي لنا الحاجات والمهمات وصالح الدعوات والمسألة فاستجب
لنا بحق محمد آمين آمين آمين ما شاء الله كان لا حول ولا قوة إلا بالله سبحان ربك رب العزة
عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين ودست خود را دراز كن وگردن را بطرف
دوش چپ ميل ده وگريه كن واگر گريه ات نيايد خود را بگريه بدار بگو يا لا إله إلا أنت أسألك
بحق من حقه عليك عظيم يا لا إله إلا أنت أسألك ببهائك لا إله إلا أنت يا لا إله إلا أنت
بجلالك لا إله إلا أنت يا لا إله إلا أنت أسألك بجمالك لا إله إلا أنت يا لا إله إلا أنت أسألك
بنورك لا إله إلا أنت يا لا إله إلا أنت أسألك بكمالك لا إله إلا أنت يا لا إله إلا أنت أسألك
بعظمتك ن — بعزتك لا إله إلا أنت يا لا إله إلا أنت أسألك بعظمتك لا إله إلا أنت يا لا إله إلا أنت أسألك
بقولك لا إله إلا أنت يا لا إله إلا أنت أسألك بشرفك لا إله إلا أنت يا لا إله إلا أنت أسألك بعلائك
لا إله إلا أنت يا لا إله إلا أنت أسألك يا لا إله إلا أنت يا رباه يا رباه وكلمه يا رباه را مكرر
بگو تا نفس منقطع شود پس دستهاى خود را بلند كن وگردن را بدوش چپ ميل بده وبگو أسألك
يا سيدي يا الله يا رباه وكلمه يا الله يا رباه را مكرر بگو تا نفس منقطع شود پس بگو يا سيداه يا مولاه
يا غياثاه يا ملجاه يا منتهى غاية رغبتاه يا أرحم الراحمين أسألك فليس كمثله شيء وأسألك
بكل دعوة مستجابة دعاك بها نبي مرسل أو ملك مقرب أو عبد مؤمن امتحنت قلبه
للإيمان واستجبت دعوته منه وأتوجه إليك بمحمد نبيك نبي الرحمة صلى الله عليه وآله
وأقدمه بين يدي حوائجي يا محمد يا رسول الله صلى الله عليه وآله بأبي أنت وأمي أتوجه
بك إلى ربك وربي وأقدمك بين يدي حوائجي يا رباه يا رباه يا رباه أسألك بك فليس
كمثلك شيء وأتوجه إليك بمحمد صلى الله عليه وآله حبيبك وبعترته الهادية وأقدمهم
بين يدي حوائجي وأسألك اللهم بحياتك التي لا تموت وبنور وجهك الذي لا يطفأ و
بعينك التي لا تنام وأسألك بحق من حقه عليك عظيم أن تصلي على محمد وآل محمد
قبل كل شيء وبعد كل شيء وعدد كل شيء وزنة كل شيء وملء كل شيء اللهم إني
أسألك أن تصلي على محمد عبدك المصطفى ورسولك المرتضى وأمينك المصطفى و

ونجيبك دون خلقك وحبيبك وخيرتك من خلقك اجمعين النذير البشير السراج
المنير وعلى اهل بيته الطيبين الطاهرين المطهرين الاخيار الابرار وعلى ملائكتك
الذين استخلصتهم لنفسك وحجبتهم عن خلقك وعلى انبيائك الذين ينبئون
بالصدق عنك وعلى عبادك الصالحين الذين ادخلتهم في رحمتك الائمة المهتدين
الراشدين المطهرين وعلى جبرئيل وميكائيل واسرافيل وملك الموت ورضوان
خازن الجنة ومالك خازن النار والروح القدس وحملة العرش ومنكر ونكير
وعلى الملكين الحافظين علي بالصلوة التي تحب ان تصلي بها عليهم صلوة كثيرة طيبة
مباركة زاكية نامية ظاهرة شريفة فاضلة تبين بها فضلهم على الاولين والاخرين تبين ن
اللهم اني اسالك ان تسمع صوتي وتجيب دعوتي وتغفر ذنبي وتنجح طلبتي وتقضي
حاجاتي وتقبل توبتي وتنجز لي ما وعدتني وتقيلني عثرتي وتجاوز عن خطيئتي وتصفح
عن ظلمي وتعفو عن جرمي وتقبل علي ولا تعرض عني وترحمني ولا تعذبني وتعافيني ولا
تبتليني وترزقني من الطيب الرزق واوسعه واهنائه وامرائه واسبغه واكثره
ولا تحرمني يا رب النظر الى وجهك الكريم والفوز بالجنة والعتق من النار واقض
عني يا رب ديني وامانتي وضع عني وزري ولا تحملني ما لا طاقة لي به يا مولاي و
ادخلني في كل خير ادخلت فيه محمدا وآل محمد واخرجني من كل سوء اخرجتهم منه ولا
تفرق بيني وبينهم طرفة عين ابدا في الدنيا والاخرة اللهم اني ادعوك كما امرتني
فاستجب لي كما وعدتني سه نوبت بگويد اللهم اني اسالك قليلا من كثير
مع حاجة بي اليه عظيمة وغناك عنه قديم وهو عندي كثير وهو عليك سهل يسير
فامنن به علي انك على كل شيء قدير اللهم برحمتك في الصالحين فادخلنا وفي
عليين فارفعنا وبكاس من معين من عين سلسبيل فاسقنا ومن الحور العين برحمتك
فزوجنا ومن الولدان المخلدين كانهم لؤلؤ مكنون فاخدمنا ومن ثمار الجنة ولحوم
الطير فاطعمنا ومن ثياب السندس والحرير والاستبرق فالبسنا وليلة القدر وحج
بيتك الحرام وقتلا في سبيلك مع وليك فوفق لنا وصالح الدعاء والمسئلة فا

ستجب

فاستجب لنا يا خالقنا واسمع واستجب لنا اذا جمعت الاولين والاخرين يوم القيمة فارحمنا
وبراءة من النار وامانا من العذاب فاكتب لنا وفي جهنم فلا تجعلنا ومع الشياطين في النار
فلا تقرنا وفي هوانك وعذابك فلا تقلبنا والزقوم والضريع فلا تطعمنا وفي النار على وجوهنا فلا تقلبنا ن
تكبنا ومن ثياب النار وسرابيل القطران فلا تلبسنا ومن كل سوء يا لا اله الا انت بحق لا اله الا
فنجنا اللهم اني اسالك ولم يسئل مثلك وارغب اليك ولم يرغب الى مثلك يا رب انت موضع
مسئلة السائلين ومنتهى رغبة الراغبين اسالك اللهم بافضل اسمائك كلها وانجحها
يا الله يا رحمن وباسمك المخزون المكنون الاعز الاجل الاعظم الذي تحبه وتهواه وترضى
عمن دعاك به وتستجيب له دعاءه وحق عليك يا رب ان لا تحرم سائلك اللهم اني اسئلك
بكل اسم هو لك دعاك به عبد هو لك في بر او بحر او سهل او جبل او عند بيتك الحرام او في شهر
من سبلك فادعوك يا رب دعاء من قد اشتدت فاقته وعظم جرمه وضعف كدحه واشرفت
على الهلكة نفسه ولم يثق بشيء من عمله ولم يجد لما هو فيه سادا ولا لذنبه غافرا ولا لعثرته
مقيلا غيرك هاربا اليك متعوذا بك متعبدا لك غير مستنكف ولا مستكبر ولا مستحسر ولا متجبر
ولا مستعظم بل بائس فقير خائف مستجير اسالك يا الله يا رحمن يا حنان يا منان يا بديع السموات
والارض يا ذا الجلال والاكرام ان تصلي على محمد وآل محمد صلوة كثيرة طيبة مباركة زاكية شريفة
اسالك اللهم ان تغفر لي في شهري هذا وترحمني وتعتق رقبتي من النار وتعطيني فيه خير ما
اعطيت احدا من خلقك وخير ما انت معطيه ولا تجعله اخر شهر رمضان صمته لك منذ
اسكنتني ارضك الى يومي هذا بل اجعله علي اتمه نعمة واعمه عافية واوسعه رزقا واجزله
واهناه اللهم اني اعوذ بك وبوجهك الكريم وملكك العظيم ان تغرب الشمس من يومي
هذا او ينقضي بقية هذا اليوم او يطلع الفجر من ليلتي هذه او يخرج هذا الشهر ولك قبلي تبعة
او ذنب او خطيئة تريد ان تعاقبني بها او تواخذني بها او توقفني بها موقف خزي في الدنيا
والاخرة او تعذبني يوم القاك يا ارحم الراحمين اللهم اني ادعوك لهم لا تفرجه غيرك
ولرحمة لا تنال الا بك ولكرب لا يكشفه الا انت ولرغبة لا تبلغ الا بك ولحاجة لا يقضي
دونك اللهم فكما كان من شانك ما اردتني به من مسئلتك ورحمتني به من ذكرك فلكن اردتني ن

من شانك الاستجابة لي فيما دعوتك والنجاح لي فيما رغبت اليك منه يا ملين الحديد لداود
اى كاشف الضر والكرب العظام عن ايوب ومفرج غم يعقوب ومنفس كرب يوسف صل
على محمد وال محمد وافعل بي ما انت اهله فانك اهل التقوى واهل المغفرة اللهم انت ثقتي
في كل كرب ورجائي في كل شدة وانت لي في كل امر نزل بي ثقة وعدة كم من كرب يضعف
منه الفؤاد وتقل فيه الحيلة ويخذل فيه الصديق ويشمت فيه العدو وانزلته بك و
شكوته اليك رغبة مني فيه اليك عمن سواك ففرجته وكشفته وكفيتنيه فانت ولي كل نعمة
وصاحب كل حسنة ومنتهى كل رغبة اعوذ بكلمات الله التامات من شر ما خلق من شيء اللهم
عافني في يومي هذا حتى امسي اللهم اني اسالك بركة يومي هذا وما نزل فيه من عافية و
مغفرة ورحمة ورضوان ورزق واسع حلال تبسطه علي وعلى والدي وولدي واهلي وعيالي
واهل حزانتي ومن احببت واحبني وولدت وولدني اللهم اني اعوذ بك من الشك والزلل
والحسد والبغي والحمية والغضب اللهم رب السموات السبع ورب الارضين السبع وما
فيهن وما بينهن ورب العرش العظيم صل على محمد وال محمد واكفني المهم من امري بما شئت
وكيف شئت پس بخوان سوره محمد واية الكرسي را و بگو اللهم انك قلت لنبيك صلى الله عليه
واله ولسوف يعطيك ربك فترضى اللهم ان نبيك ورسولك وحبيبك وخيرتك من خلقك
لا يرضى بان تعذب احدا من امته دانت بموالاته وموالات الائمة من اهل بيته وان كان
مذنبا خاطئا في نار جهنم فاجرني يا رب من جهنم وعذابها وهب لي محمد وال محمد يا ارحم
الراحمين يا جامعا بين اهل الجنة على تالف من القلوب وشدة المحبة ونازع الغل من صدورهم
وجاعلهم اخوانا على سرر متقابلين يا جامعا بين اهل طاعته وبين من خلقها له ويا مفرج
حزن كل محزون ويا مسهل كل عسير يا راحمي في غربتي وفي كل احوالي بحسن الحفظ والكلاءة
لي يا مفرج ما بي من الضيق والخوف صل على محمد وال محمد واجمع بيني وبين احبتي وفادني
وسادتي وهداتي وموالي يا مولفا بين الاحباء صل على محمد وال محمد ولا تفجعني بانقطاع
ذرية محمد وال محمد ولا بانقطاع دعوتي عنهم فبكل مسائلك يا رب ادعوك الهي فاستجب
دعائي اياك يا ارحم الراحمين اللهم اني اسالك بانقطاع محبتي ووجوب محبتك ان تغفر لي

اللهم

اللهم اني اعوذ بك من خزي يوم المحشر ومن شر ما يجي من الدهر ومن شر الاعداء وصغير الفناء
وعضال الداء وخيبة الرجاء وزوال النعمة وفجاة النقمة اللهم اجعل لي قلبا يخشاك كانه
يراك الى يوم القاك نعمه سيد بن طاوس قدس الله نفسه در كتاب اقبال بسند خود از حضرت صادق
عليه السلام روايت كرده است كه آنحضرت عليه السلام با ابو بصير فرمود كه در هر روز از روزهاى
ماه مبارك رمضان اين تسبيح را بخوان و شيخ طوسى رحمه الله در كتاب مصباح و سيد بن باقى طاب
ثراه در كتاب اختيار و كفعمى رضى الله عنه در جنة الامان نيز اين تسبيح را براى هر روز ايشان نقل
نموده اند وليكن سيد در اقبال گفته كه روايت شيخ طوسى در مصباح مشتمل بر بعضى از زيادتيها
هست كه در روايت ابو بصير مذكور نيست و روايت ابن باقى و كفعمى با روايت شيخ مطابق است
و تسبيح اينست و ده جزو دارد جزو اول سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور
سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب
والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد
كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله السميع الذي ليس شيء اسمع منه يسمع من
فوق عرشه ما تحت سبع ارضين ويسمع ما في ظلمات البر والبحر ويسمع الانين والشكوى
ويسمع السر واخفى ويسمع وساوس الصدور ولا يصم سمعه صوت جزو دويم سبحان
بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات
والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى
وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله البصير الذي ليس
شيء ابصر منه يبصر من فوق عرشه ما تحت سبع ارضين ويبصر ما في ظلمات البر و
البحر لا تدركه الابصار وهو يدرك الابصار وهو اللطيف الخبير لا يغشى بصره الظلمة
ولا يستتر منه بستر ولا يوارى منه جدار ولا يغيب منه بر ولا بحر ولا يكن منه جبل
ما في اصله ولا قلب ما فيه ولا جنب ما في قلبه ولا يستتر منه صغير ولا كبير ولا يستخفي
منه صغير لصغره ولا يخفى عليه شيء في الارض ولا في السماء هو الذي يصوركم في الارحام
كيف يشاء لا اله الا هو العزيز الحكيم جزو سيم سبحان الله بارئ النسم سبحان الله

تغشى ن د
تغيب ن د
ولا يستخفي منه صغير و كبير ولا يخفى ن د

سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان
الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى
سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله الذي ينشئ السحاب الثقال
ويسبح الرعد بحمده والملائكة من خيفته ويرسل الصواعق فيصيب بها من يشاء ويرسل
الرياح بشرا بين يدي رحمته وينزل الماء من السماء بكلماته وينبت النبات بقدرته
ويسقط الورق بعلمه سبحان الله الذي لا يعزب عنه مثقال ذرة في الارض ولا في السماء
ولا اصغر من ذلك ولا اكبر الا في كتاب مبين جزو چهارم سبحان الله بارئ النسم سبحان
الله المصور سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان
الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان
الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الذي يعلم ما تحمل كل انثى وما تغيض
الارحام وما تزداد وكل شيء عنده بمقدار عالم الغيب والشهادة الكبير المتعال سواء منكم
من اسر القول ومن جهر به ومن هو مستخف بالليل وسارب بالنهار له معقبات من بين
يديه ومن خلفه يحفظونه من امر الله سبحان الله الذي يميت الاحياء ويحيي الموتى ويعلم ما
تنقص الارض منهم ويقر في الارحام ما يشاء الى اجل مسمى جزو پنجم سبحان الله بارئ
سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور
سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا
يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله مالك الملك تؤتي
الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء بيدك الخير
انك على كل شيء قدير تولج الليل في النهار وتولج النهار في الليل وتخرج الحي من الميت
وتخرج الميت من الحي وترزق من تشاء بغير حساب جزو ششم سبحان الله بارئ النسم
سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور
سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما
وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله الذي عنده مفاتح

ويرسل ن
يبسط الرزق لمن يشاء ن

الغيب

الغيب لا يعلمها الا هو ويعلم ما في البر والبحر وما تسقط من ورقة الا يعلمها ولا حبة في
ظلمات الارض ولا رطب ولا يابس الا في كتاب مبين جزو هفتم سبحان الله بارئ النسم
سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور
سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا
يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله الذي مدحته القائلون
ولا يجزي بآلائه الشاكرون والعابدون سبحان الله الذي لا يحصي مدحته القائلون ولا
يجزي بآلائه الشاكرون والعابدون وهو كما قال وفوق ما نقول والله كما اثنى على
نفسه ولا يحيطون بشيء من علمه الا بما شاء وسع كرسيه السموات والارض ولا يؤده حفظهما
وهو العلي العظيم جزو هشتم سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله
خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى
سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته
سبحان الله رب العالمين سبحان الله الذي يعلم ما يلج في الارض وما يخرج منها وما ينزل من
السماء وما يعرج فيها ولا يشغله ما ينزل من السماء وما يعرج فيها عما يلج في الارض وما يخرج
منها ولا يشغله علم شيء ولا يشغله خلق شيء عن خلق شيء ولا حفظ شيء عن حفظ شيء ولا يساويه
شيء ولا يعدله شيء ليس كمثله شيء وهو السميع العليم جزو نهم سبحان الله بارئ النسم سبحان
الله المصور سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فا
لق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله
مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله فاطر السموات والارض جاعل الملائكة رسلا اولي
اجنحة مثنى وثلاث ورباع يزيد في الخلق ما يشاء ان الله على كل شيء قدير ما يفتح الله للناس
من رحمة فلا ممسك لها وما يمسك فلا مرسل له من بعده وهو العزيز الحكيم جزو دهم سبحان الله
بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات
والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا
يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله الذي يعلم ما في السموات

يقول القائلون ن

ما يلج في الارض وما يخرج منها وما ينزل من السماء وما يعرج فيها لا يشغله

البصير ن

تعالى في الارض ما يكون من نجوى ثلثة الا هو رابعهم ولا خمسة الا هو سادسهم ولا ادنى من
ذلك ولا اكثر الا هو معهم اين ما كانوا ثم ينبئهم بما عملوا يوم القيمة ان الله بكل شيء عليم
سبحان الله الذي بنعمته تتم الصالحات و نيز ايضا سيد در كتاب اقبال گفته است كه صلوات
بر رسول خدا واهل بيت طاهرين او صلوات الله عليه وعليهم اجمعين در هر روز از ماه مبارك رمضان
اينست و شيخ طوسى در كتاب مصباح و سيد بن باقى در كتاب اختيار و كفعمى در جنة الامان گفته اند كه
در عقب تسبيحاتى كه سابق مذكور شد اين صلوات را بخوان صلوات اينست ان الله وملائكته
يصلون على النبي يا ايها الذين امنوا صلوا عليه وسلموا تسليما لبيك يا رب وسعديك اللهم
صل على محمد وال محمد وبارك على محمد وال محمد كما صليت وباركت على ابراهيم وال ابراهيم انك
حميد مجيد اللهم سلم على محمد وال محمد كما سلمت على نوح في العالمين اللهم صل على محمد وال
محمد كما شرفتنا به اللهم صل على محمد وال محمد كما هديتنا به اللهم صل على محمد وال محمد وابعثه
مقاما محمودا يغبطه به الاولون والاخرون وعلى محمد وآله السلام كلما طلعت شمس او غربت على محمد
وآله السلام كلما طرفت عين او برقت على محمد وآله السلام كلما ذكر السلام على محمد وآله
السلام كلما ذكر السلام السلام على محمد وآله السلام كلما سبح الله ملك مقرب او قدسه السلام
على محمد وآله في الاولين والسلام على محمد في الاخرين والسلام على محمد وآله في الدنيا والاخرة
اللهم رب البلد الحرام ورب الركن والمقام ورب الحل والحرام ابلغ محمدا نبيك وآله عنا السلام
اللهم اعط محمدا من البهاء والنضرة والسرور والكرامة والغبطة والوسيلة والمنزلة والمقام
والشرف والرفعة والشفاعة عندك يوم القيمة افضل ما تعطي احدا من خلقك واعط محمدا
وآله فوق ما تعطي الخلائق من الخير اضعافا كثيرة لا يحصيها غيرك اللهم صل على محمد وال محمد
الطيب الطاهر ازكى وانمى وافضل ما صليت على احد من الاولين والاخرين وعلى احد من خلقك
يا ارحم الراحمين اللهم صل على علي امير المؤمنين صلوات الله عليه ووال من والاه وعاد من عاداه
وضاعف العذاب على من شرك في دمه اللهم صل على فاطمة بنت نبيك محمد صلى الله عليه وآله
والعن من اذى نبيك فيها اللهم صل على الحسن والحسين امامي المسلمين ووال من والاهما وعاد
من عاداهما وضاعف العذاب على من شرك في دمهما اللهم صل على علي بن الحسين امام
المسلمين

المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من شرك في دمه اللهم صل على محمد بن
علي امام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من شرك في دمه وهو
ابرهيم الوليد اللهم صل على جعفر بن محمد امام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف
العذاب على من شرك في دمه وهو منصور اللهم صل على موسى بن جعفر امام المسلمين ووال من
والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من شرك في دمه وهو الرشيد اللهم صل على علي بن
موسى الرضا امام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من شرك في
دمه وهو المامون اللهم صل على محمد بن علي امام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف
العذاب على من شرك في دمه وهو المعتصم اللهم صل على علي بن محمد امام المسلمين ووال من والاه
وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من شرك في دمه وهو المتوكل اللهم صل على الحسن بن
علي امام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من شرك في دمه وهو المعتمد
اللهم صل على الخلف من بعده امام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه وعجل فرجه اللهم
صل على ام كلثوم ابنة نبيك والعن من اذى نبيك فيها اللهم صل على رقية بنت نبيك والعن
من اذى نبيك فيها اللهم صل على ذرية نبيك اللهم اخلف نبيك في اهل بيته اللهم مكن
لهم في الارض اللهم اجعلنا من عددهم ومددهم وانصارهم على الحق في السر والعلانية اللهم
اطلب بذحلهم ووترهم ودمائهم وكف عنا وعنهم وعن كل مؤمن ومؤمنة بأس كل باغ
وطاغ وكل دابة انت اخذ بناصيتها انك انت اشد بأسا واشد تنكيلا تمام شد عبارت شيخ
وابن باقى و كفعمى و اما در اقبال ابن زياد نيز اينها هست پس بعد از ان ميگويى يا الهى يا عدتي في كربتي
ويا صاحبي في شدتي ويا وليي في نعمتي ويا غايتي في رغبتي انت الساتر عورتي والمؤمن روعتي
والمقيل عثرتي فاغفر لي خطيئتي يا ارحم الراحمين و بعد از ان ميگويى اللهم اني ادعوك لهم
لا يفرجه غيرك ولرحمة لا تنال الا بك ولكرب لا يكشفه الا انت ولرغبة لا تبلغ الا بك
ولحاجة لا يقضيها دونك اللهم فكما كان من شانك ما اذنت لي به من مسئلتك ورحمتني
من ذكرك فليكن من شانك سيدي الاجابة لي فيما دعوتك وعوائد الافضال فيما رجوتك
والنجاة مما فزعت اليك فيه فان لم اكن اهلا ان ابلغ رحمتك فان رحمتك اهل ان تبلغني

وتسعني وان لا اكن للاجابة اهلاً فانت اهل الفضل ورحمتك وسعت كل شيء فلتسعني
رحمتك يا الهي يا كريم اسئلك بوجهك الكريم ان تصلي على محمد واهل بيته وان تفرج همي و
تكشف كربي وغمي وترحمني برحمتك وتغنيني من فضلك انك سميع الدعاء قريب مجيب **باندم**
سيد بن طاوس طاب ثراه در كتاب اقبال گفته كه محمد بن يعقوب كليني وعلى بن عبد الواحد نهدى رضى الله
عنهما از حضرت سيد الساجدين صلوات الله عليه روايت نموده است كه آنحضرت اين دعا را مىخواند
و حضرت امام محمد باقر عليه السلام در هر روز از ماه مبارك رمضان اين دعا مىخواندند پس سيد گفته كه در بعضى روايات
اين دعا بعضى از الفاظ و فقرات زياده و در بعضى كم است و ليكن ما آنچه را ما ذكر كرديم و مثل آنچه بكنى از آن روايات
است اين است كلام سيد در اين باب و تفصيل اين مقام آنست كه بغير كلينى و سيد بن طاوس اين دعا را
ديگران نيز نقل نموده اند مثل ابن بابويه رحمة الله عليه در كتاب من لا يحضره و شيخ طوسى رحمه الله در كتاب
مصباح و سيد بن باقى طاب ثراه در كتاب اختيار و كفعمى رضى الله عنه در جنة الامان و كلينى قدس سره
از اين دعا اذكر نموده و مع ذلك با روايات ديگران در بعضى از مواضع مخالفت دارد ابن بابويه اگر چه
بعضى از آن را روايت نموده ليكن در چند موضع با روايت كلينى مخالفت دارد و روايت ابن باقى و كفعمى
با روايت شيخ مطابق است چون اكثر ادعيه را از مصباح شيخ نقل نموده اند و ابن باقى اگر چه
تمام دعا را نقل نموده اند ليكن روايت ايشان با روايت سيد نهايت مخالفت دارد چون روايت
شيخ بنقل سيد رسيده و مع ذلك از آن بروايت ديگر عدول نموده با اين جهت ظاهر آنست كه روايت
سيد اصح باشد لهذا ما نيز در اين كتاب روايت سيد را مذكور مىسازيم **وآن اينست** اللهم هذا
شهر رمضان الذي انزلت فيه القرآن هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان وهذا شهر الصيام وهذا شهر القيام وهذا شهر الانابة وهذا شهر التوبة وهذا
شهر المغفرة والرحمة وهذا شهر العتق من النار والفوز بالجنة وهذا شهر فيه ليلة القدر
التي هي خير من الف شهر اللهم فصل على محمد وآل محمد واعني على صيامه وقيامه وسلمه لي وتسلمه مني واعني عليه
بافضل عونك ووفقني فيه لطاعتك وطاعة رسولك واوليائك صلى الله عليهم وفرغني فيه لعبادتك ودعائك وتلاوة كتابك
واعظم لي فيه البركة وعظيمه وارزقني فيه التوبة واحسن لي فيه العافية واصح لي فيه بدني واوسع
لي فيه رزقي واكفني فيه ما اهمني واستجب فيه دعائي وبلغني فيه رجائي اللهم صل على محمد وآل
محمد واذهب عني فيه النعاس والكسل والسامة والفترة والقسوة والغفلة والغرة اللهم

صل

صل على محمد وآل محمد وجنبني فيه الملل والاسقام والهموم والاحزان والاعراض والامراض
والخطايا والذنوب واصرف عني فيه السوء والفحشاء والجهد والبلاء والتعب والعناء
انك سميع الدعاء اللهم صل على محمد وآل محمد واعذني فيه من الشيطان الرجيم وهمزه ولمزه ونفثه
ونفخه ووسواسه وتثبيطه وبطشه وكيده ومكره وحيله وخدعه وامانيه وغروره وفتنته وخيله ورجله وشركه وجميع مكائده
وخيله ورجله واعوانه وشركه واتباعه واخوانه واشياعه واوليائه وجميع شركائه ومكائده
اللهم صل على محمد وآله وارزقني تمام صيامه وقيامه وبلوغ الامل واستكمال ما يرضيك عني صبراً و
ايماناً ويقيناً واحتساباً ثم تقبل ذلك مني بالاضعاف الكثيرة والاجر العظيم يا رب واحتساباً وايماناً ويقيناً
العالمين اللهم صل على محمد وآله وارزقني فيه الحج والعمرة والجد والاجتهاد والقوة والنشاط
والانابة والتوبة والقربة والعمل المقبول والرغبة والرهبة والتضرع والخشوع والرقة
والنية الصادقة وصدق اللسان والوجل منك والرجاء لك والتوكل عليك والثقة بك والورع
عن محارمك مع صالح القول ومقبول السعي ومرفوع العمل ومستجاب الدعاء ولا تحل بيني وبين
شيء من ذلك بعرض ولا مرض ولا هم ولا غم ولا سقم ولا غفلة ولا نسيان بل بالتعاهد والتحفظ لك ولك
والرعاية لحقك والوفاء بعهدك ووعدك برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد وآل
محمد واقسم لي فيه افضل ما تقسمه لعبادك الصالحين واعطني فيه افضل ما تعطي اوليائك
المقربين من الرحمة والمغفرة والتحنن والاجابة والعفو والمغفرة الدائمة والعافية والمعافاة
والعتق من النار والفوز بالجنة وخير الدنيا والآخرة اللهم صل على محمد وآله واجعل
دعائي فيه اليك واصلاً ورحمتك وخيرك فيه الي نازلاً وعملي فيه مقبولاً وسعيي فيه
مشكوراً وذنبي فيه مغفوراً حتى يكون نصيبي فيه الاكثر وحظي فيه الاوفر اللهم صل
على محمد وآله ووفقني فيه لليلة القدر على افضل حال تحب ان يكون عليها احد من اوليائك
وارضاها لك ثم اجعلها لي خيراً من الف شهر وارزقني فيها افضل ما رزقت احداً ممن
بلغته اياها واكرمته بها واجعلني فيها من عتقائك من جهنم وطلقائك من النار
وسعداء خلقك بمغفرتك ورضوانك يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد وآله وارزقنا
في شهرنا هذا الجد والاجتهاد والقوة والنشاط وما تحب وترضى اللهم رب الفجر

حبائله وشركائه وجميع مكائده
وارزقنا قيامه وصيامه
واحتساباً وايماناً ويقيناً
اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقني
والتوبة والرهبة والرغبة
الدعوة نسخه
بعرض ولا مرض ولا هم ولا غم ولا سقم نسخه
آل محمد نسخه
آل محمد نسخه
بمغفرتك في آل محمد نسخه

وَاللَّيَالِي الْعَشْرِ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ وَرَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ وَمَا انْزَلْتَ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَرَبَّ
جَبْرَئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَاسْرَافِيلَ وَجَمِيعِ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَرَبَّ ابْرَهِيمَ وَاسْمَعِيلَ وَاسْحَقَ وَيَعْقُوبَ
وَرَبَّ مُوسَى وَعِيسَى وَرَبَّ جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَرَبَّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ
صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ اجْمَعِينَ وَاسْأَلُكَ بِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ وَبِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ وَبِحَقِّكَ الْعَظِيمِ
عَلَيْهِمْ لَمَّا صَلَّيْتَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ اجْمَعِينَ وَنَظَرْتَ إِلَيَّ نَظْرَةً رَحِيمَةً تَرْضَى بِهَا عَنِّي رِضًا لَا
تَسْخَطُ عَلَيَّ بَعْدَهُ ابَدًا وَاعْطَيْتَنِي جَمِيعَ سُؤْلِي وَرَغْبَتِي وَامْنِيَّتِي وَارَادَتِي وَصَرَفْتَ عَنِّي مَا
اكْرَهُ وَاحْذَرُ وَاخَافُ عَلَى نَفْسِي وَمَا لَا اخَافُ وَعَنْ اهْلِي وَمَالِي وَاخْوَانِي وَذُرِّيَّتِي اللَّهُمَّ
إِلَيْكَ فَرَرْنَا مِنْ ذُنُوبِنَا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَآوِنَا تَائِبِينَ وَتُبْ عَلَيْنَا مُسْتَغْفِرِينَ وَصَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لَنَا مُتَعَوِّذِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعِذْنَا مُسْتَجِيرِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجِرْنَا مُسْتَسْلِمِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَخْذُلْنَا رَاهِبِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ
آمِنَّا رَاغِبِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَشَفِّعْنَا سَائِلِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْطِنَا إِنَّكَ
سَمِيعُ الدُّعَاءِ قَرِيبٌ مُجِيبٌ اللَّهُمَّ انْتَ رَبِّي وَانَا عَبْدُكَ وَاحَقُّ مَنْ سَأَلَ الْعَبْدُ رَبَّهُ وَلَمْ
يَسْأَلِ الْعِبَادُ مِثْلَكَ كَرَمًا وَجُودًا يَا مَوْضِعَ شَكْوَى السَّائِلِينَ وَيَا مُنْتَهَى حَاجَةِ الرَّاغِبِينَ
وَيَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ وَيَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ وَيَا كَاشِفَ كَرْبِ الْمَكْرُوبِينَ وَيَا كَاشِفَ
الْكَرْبِ الْعَظِيمِ يَا اللهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ يَا ارْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَيَا اللهُ الْمَكْنُونُ مِنْ كُلِّ عَيْنٍ الْمُرْتَدِي
بِالْكِبْرِيَاءِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَعُيُوبِي وَاسَاءَتِي وَظُلْمِي وَجُرْمِي وَاسْرَافِي
عَلَى نَفْسِي وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ فَإِنَّهُ لَا يَمْلِكُهَا غَيْرُكَ وَاعْفُ عَنِّي وَاغْفِرْ لِي كُلَّمَا
قَدْ سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي وَاعْصِمْنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي وَاسْتُرْ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَوَلَدِي وَقَرَابَاتِي
وَاهْلِ حُزَانَتِي وَمَنْ كَانَ مِنِّي بِسَبِيلٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَإِنَّ جَمِيعَ ذَلِكَ
كُلِّهِ بِيَدِكَ وَانْتَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ فَلَا تُخَيِّبْنِي يَا سَيِّدِي وَلَا تَرُدَّ دُعَائِي وَلَا تَرُدَّ يَدِي إِلَى
نَحْرِي حَتَّى تَفْعَلَ ذَلِكَ بِي وَتَسْتَجِيبَ لِي جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ وَتَزِيدَنِي مِنْ فَضْلِكَ فَإِنَّكَ عَلَى كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيرٌ وَنَحْنُ إِلَيْكَ رَاغِبُونَ اللَّهُمَّ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ
وَالْآلَاءُ اسْأَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ إِنْ كُنْتَ قَضَيْتَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ تَنَزُّلَ

الملائكة

الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا أَنْ تُسَائِلَكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي
مَعَ الشُّهَدَاءِ وَاحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَاسَاءَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَايمَانًا لَا
يَشُوبُهُ شَكٌّ وَرِضًى بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنِي فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنِي عَذَابَ النَّارِ
وَإِنْ لَمْ تَكُنْ قَضَيْتَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ تَنَزُّلَ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاخِّرْنِي إِلَى
ذَلِكَ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَطَاعَتَكَ وَحُسْنَ عِبَادَتِكَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِأَفْضَلِ
صَلَوَاتِكَ يَا ارْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا احَدُ يَا صَمَدُ يَا رَبَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اغْضَبِ الْيَوْمَ لِمُحَمَّدٍ وَلِأَبْرَارِ
عِتْرَتِهِ وَاقْتُلْ اعْدَاءَهُمْ بَدَدًا وَاحْصِهِمْ عَدَدًا وَلَا تَدَعْ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ مِنْهُمْ احَدًا وَلَا تَغْفِرْ لَهُمْ
ابَدًا يَا حَسَنَ الصُّحْبَةِ يَا خَلِيفَةَ النَّبِيِّينَ انْتَ ارْحَمُ الرَّاحِمِينَ الْبَدِيُّ الْبَدِيعُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ
شَيْءٌ وَلَا مِثْلَكَ شَيْءٌ وَالدَّائِمُ غَيْرُ الْغَافِلِ وَالْحَيُّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَانْتَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ انْتَ
خَلِيفَةُ مُحَمَّدٍ وَنَاصِرُ مُحَمَّدٍ وَمُفَضِّلُ مُحَمَّدٍ اسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَنْصُرَ خَلِيفَةَ مُحَمَّدٍ
وَوَصِيَّ مُحَمَّدٍ وَالْقَائِمَ بِالْقِسْطِ مِنْ اوْصِيَاءِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ اعْطِفْ عَلَيْهِمْ نَصْرَكَ يَا لَا إِلٰهَ إِلَّا انْتَ
بِحَقِّ لَا إِلٰهَ إِلَّا انْتَ وَاجْعَلْنِي مَعَهُمْ وَحَسْبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاجْعَلْ عَاقِبَةَ امْرِي إِلَى غُفْرَانِكَ
وَرَحْمَتِكَ يَا ارْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَكَذَلِكَ نَسَبْتَ نَفْسَكَ يَا سَيِّدِي بِاللُّطْفِ بَلَى إِنَّكَ لَطِيفٌ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَالْطُفْ لِي إِنَّكَ لَطِيفٌ لِمَا تَشَاءُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْزُقْنِي الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ فِي عَامِي
هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ وَتَطَوَّلْ عَلَيَّ بِقَضَاءِ حَوَائِجِي لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يبكي بكي اسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي وَاتُوبُ
إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ اسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي وَاتُوبُ إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ اسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي
وَاتُوبُ إِلَيْهِ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا رَبِّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَانْتَ ارْحَمُ الرَّاحِمِينَ رَبِّ إِنِّي عَمِلْتُ سُوءًا وَظَلَمْتُ
نَفْسِي فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاغْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا انْتَ اسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا انْتَ
هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَاتُوبُ إِلَيْهِ وَابْنِ اسْتِغْفَارُ الْحِزْ اسْ نُوبُ بِكِي بكي اسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا
إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْعَظِيمُ الْغَافِرُ لِلذَّنْبِ الْعَظِيمِ وَاتُوبُ إِلَيْهِ وَابْنِ اسْتَغْفِرُ اللهَ رَاهِمْ سه بالحي
يبكي بكي اسْتَغْفِرُ اللهَ إِنَّ اللهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا وَابْنِ اسْتِغْفَارَ ابْنِ سه نُوبُ بكو يبكي بكي
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ فِي الْأَمْرِ الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ
الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ

خَوَائِجِي لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ بِجَمِيعِ
اسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي وَاتُوبُ إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ
اسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي وَاتُوبُ إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ اسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي وَاتُوبُ إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ
الْعَلِيمُ الْحَلِيمُ وَيَذْكُرُهُ الْكَرِيمُ غَفَّارًا الْغَفَّارُ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ مِنَ الْأَمْرِ الْعَظِيمِ الْمَحْتُومِ

سعیهم المغفور ذنوبهم المکفور عنهم سیئاتهم ان تجعل فیما تقضی و تقدر ان تصلی علی محمد و
آل محمد و ان تطیل عمری و توسع رزقی و تؤدی عنی امانتی و دینی آمین یا رب العالمین اللهم
اجعل لی من امری فرجا و مخرجا و ارزقنی من حیث احتسب و من حیث لا احتسب و احرسنی من حیث
احترس و من حیث لا احترس اللهم صل علی محمد و آل محمد و سلم تسلیما کثیرا کثیرا مؤلف گوید که
سید ابن باقی رضی الله عنه در کتاب اختیار و کفعمی در کتاب جنة الامان بعد از انکه این دعا را ذکر کرده اند
گفته اند که بگوید یا ذا الذی کان قبل کل شیء ثم خلق کل شیء ثم یبقی و یفنی کل شیء یا ذا الذی لیس فی
السموات العلی و لا فی الارضین السفلی و لا فوقهن و لا بینهن و لا تحتهن اله یعبد غیره لک الحمد
حمدا لا یقوی علی احصائه الا انت فصل علی محمد و آل محمد صلاة لا یقوی علی احصائها الا انت و معلوم
نیست که این بقیه را در بعضی از روایات نقل کرده اند یا دعا را یافته اند یا دعای علیحده است که در هر روز باید خوانده
شود والله تعالی یعلم و هو الموفق باب سیزدهم در بیان احکام متعلقه بافطار و الوان نعمتهای
به بسط چهار سفره بیان میشود سفره اول در بیان وقت افطار بدانکه در مبداء این خزینه مذکور
شد که وقت افطار مغرب است و دخول مغرب بنابر اقوی بپنهان شدن قرص آفتاب است و بنابر مشهور
زوال حمره از طرف مشرق و ظهور آن در سمت مغرب و احوط رعایت قول مشهور است و بهتر آنست که
نماز را مقدم دارد مگر در دو صورت اول آنکه جمعی انتظار او کشند چنانکه کلینی و ابن بابویه و شیخ
طوسی قدس الله اسرارهم بسندهای معتبر از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده اند که
شخصی از آنحضرت از وقت افطار پرسید که پیش از نماز است یا بعد از آن فرمود که اگر جمعی انتظار
او برند و ترسد که مانع افطار ایشان شود با ایشان افطار کند و اگر نه اول نماز کند و بعد از آن
افطار کند و شیخ طوسی بسند خود از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که اول نماز
کن و بعد از آن افطار کن و اگر با جمعی اراده افطار داشته باشی مخالفت ایشان مکن و اول افطار کن
و آخر نماز کن و اگر ابتدا بنماز کنی راوی گوید که از سبب این پرسیدم فرمود برای آنکه دو واجب در این
وقت جمع شده اند پس بافضل آنها که نماز است ابتدا کن پس فرمود که اگر نماز کنی در حالتیکه روزه باشی
ثواب آن برای تو نوشته شود و عمل تو بروزه ختم شود نزد من بهتر است دوم آنکه گرسنگی یا تشنگی
بر او غالب شده باشد و مانع حضور قلب او در نماز باشد چنانچه شیخ طوسی و سید ابن طاوس

طاب ثراهما

وصلی الله علی محمد و آله و سلم کثیرا

طاب ثراهما بسند خود از حضرت صادق صلوات الله علیه روایت نموده اند که مستحب است برای صایم که
اول نماز کند اگر قدرت بر آن داشته باشد و شیخ مفید رضی الله عنه در کتاب مقنعه ذکر نموده که
در بعضی از روایات وارد شده است که اگر متمکن از نماز باشی و توافق کنی نماز را با حدودش و از روی حضور قلب
اداء نمائی نماز را بر افطار مقدم دار و اگر نفس تو معارضه کند و خواهش بافطار نماید و مانع حضور
قلب تو گردد اول افطار کن مؤلف گوید که شیخ مفید بعد از ذکر این حدیث گفته که تقدیم افطار بر نماز
در این صورت مشروط است بانکه افطار بطول نکشد که وقت نماز بگذرد و پوشیده نماند که در صورت
اول نیز هرگاه موافقت رفقا یا گزاردن نماز در وقت فضیلت جمع شود بهتر آنست که تعجیل در نماز کنند و
اگر در هر دو صورت بعد انقضاء وقت فضیلت میسر شود افضل تاخیر نماز است از وقت فضیلت
و بدانکه مراد از نماز نماز مغرب است و تقدیم نماز عشا نیز بر ترتیب بهتر اگر وقت آن وسیع است و نوافل
مغرب را نیز اگر با حضور قلب تواند کرد و انتظار رفقا مانع نباشد مقدم بدارد و الا بعد از
افطار اگر وقت باقی است بکند و الا قضا بکند و بدانکه اگر شخصی نذر افطاری کرده باشد یا
شخصی وعده افطار از کسی گرفته باشد و آن چنان نقل می باید که او را بخانه برد و طعامی حاضر
کند و در حضور او بخورد یا در جای خارج چیزی با او بدهد در حضور او بخورد بی دغدغه بری
الذمه میشود و انکه وعده افطار با کسی کرده باشد می باید که در خانه او یا در خارج در حضور او قبل
شام از مال او افطار نماید اگرچه شربتی [illegible] یا دانه از خرما باشد تا خلف وعده نشود و این
احوط است و میباید افطار نکند مگر از مال آنکس که با او وعده افطار کرده است و اگر افطار کرده بجای
او برود اگرچه شربتی از آب باشد دغدغه خلف وعده میشود خلاف است که خلف وعده حرام
باشد و ظاهر آیه و احادیث حرمت است و از هشام ابن سالم منقول است که شنیدم که حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام میفرمودند که وعده که مؤمن با برادر مؤمن میکند بمنزله نذریست که کفاره
ندارد و منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند که هر که ایمان دارد بخدا و بروز قیامت
باید که بوعده خود وفا کند و منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند که علامت منافق
سه چیز است هرچه گوید دروغ گوید و امانت خیانت میکند و خلف وعده میکند والله تعالی
یعلم سفره دوم در بیان چیزی که افطار بان کنند بدانکه در افطار ابتدا نمودن بچند چیز فضیلت

دارد **اوّل** خرما چنانچه سید بن طاوس قدس الله روحه در کتاب اقبال از رسول خدا صلی الله علیه
و آله روایت کرده است که هر که بر خرمای حلال افطار نماید ثواب نمازش چهار صد برابر مضاعف
میشود و کلینی رضی الله عنه و دیگران بسندهای معتبر بسیار از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت
کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله در فصل رطب برطب و در فصل خرما بخرما افطار میفرمود
و احادیث دیگر نیز در باب فضیلت افطار بخرما وارد شده و بعد از این مذکور میشود ان شاء الله تعالی
دویم حلوی و مراد از حلوا چیزی است که با شیرینی پخته شده باشد و شیخ مفید قدس الله روحه
در کتاب مقنعه از حضرت صادق صلوات الله علیه روایت نموده است که آدمی چون روزه میدارد
چشمهایش از جای خود حرکت میکند پس چون افطار کند بحلوا بجای خود عود میکند و بعضی از روایات
آن بعد از این مذکور میشود ان شاء الله تعالی **سیم** مویز انگور چنانچه شیخ طوسی رحمه الله از جابر
انصاری روایت کرده است که گفت از حضرت امام محمد باقر علیه السلام شنیدم که رسول خدا صلعم
افطار میفرمود بدو سیاه که آن خرما و آب و مویز و آبست **چهارم** شکر چنانچه شیخ طبرسی
رحمه الله در کتاب مکارم الاخلاق گفته است که در حدیث وارد شده است که رسول خدا صلی الله
علیه و آله بخرما افطار میفرمود و اگر شکر یافت میشد با آن نیز افطار میفرمود و بعضی از احادیث
دیگر بعد از این مذکور میشود ان شاء الله تعالی **پنجم** شیر چنانچه شیخ طوسی و دیگران بسندهای
بسیار از حضرت صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش صلوات الله علیهم اجمعین روایت کرده اند
که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را خوش می آمد و سنت کرده بود افطار نمودن بشیر را **ششم**
آب نیم گرم چنانچه ابن بابویه رحمه الله علیه در کتاب ثواب الاعمال بسند خود از حضرت صادق علیه السلام
روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در وقت افطار ابتدا بحلوا میفرمود و اگر آن را
نمی یافت بشکر یا خرما ابتدا مینمود و اگر هیچ یک از اینها نمی یافت باب نیم گرم افطار میکرد و میفرمود
که آب نیم گرم پاک میکند معده و جگر را و دندانها را خوشبو میکند و بصر را محکم میکند و قوت میدهد
حدقه را و بینائی آن را زیاده میکند و گناهان را میشوید و عروق را ساکن میکند و صفرای غالب را
فرو مینشاند و قطع میکند بلغم را و اطفاء حرارت معده میکند و صداع را بر طرف میکند **و ایضاً**
بسندهای بسیار از آن حضرت منقول است که افطار کردن باب گناهان را میشوید و شیخ مفید رحمه الله

عنه

عنه در کتاب مقنعه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت بشخصی فرمود که بحلوا
افطار کن و اگر آن را نیابی بآب افطار کن که آب پاک کننده است و از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است
که اگر گرده مردم عجوه برند و بغیر آن چیزی دیگر افطار نکنند تمام عمر را بروزه میتوانند داشت ابن
طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال از جابر انصاری روایت کرده است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام
فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله بدو سیاه افطار میفرمود راوی گوید که پرسیدم که دو سیاه
کدام است فرمود که خرما و آب و رطب و آب **هفتم** آب سرد چنانچه شیخ مفید طاب ثراه در کتاب مقنعه
ذکر نموده که در روایتی وارد شده است که افطار نمودن باب سرد فضیلت زیاده هست زیرا که صفرا را
ساکن میگرداند **هشتم** قاووت چنانچه از حضرت صادق صلوات الله علیه منقول است که فرمود روزی
قنبر غلام حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه برای افطار آن حضرت انبانی سر بمهر حاضر کرد
میان آن قاووت بود دلیل مردی عرض نمود که یا امیر المؤمنین صلوات الله علیه این چه بخل است که بر طعام
خود مهر میزنی حضرت تبسم فرمود و گفت نمیخواهم که در شکم من داخل شود طعامی که ندانم از کجا
بهم رسیده است **مؤلف گوید که** از روایات مذکوره ظاهر میشود که افطار نمودن بخرما و حلوا افضل
از سایر چیزها است و تفضیل خرما بر حلوا یا حلوا بر خرما محل اشکال است چه بعضی از روایات بر اول
و بعضی بر ثانی دلالت دارد چنانچه بر متأمل پوشیده نیست و همچنین ظاهر میشود که افطار نمودن
بشیرینی مطلقا افضل است از غیر آن و بعد از آن آب نیم گرم و شیر و شاید که آب نیم گرم افضل از شیر باشد
و بعد از آن آب سرد و تفاوت محتمل است که اختلاف روایات باعتبار اختلاف احوال امزاج بوده باشد
هر گاه صفرا مشتعل بر مزاج غالب بوده باشد افطار بآب گرم اولی باشد و اگر صفرای غالبی نباشد
افطار بشیرینی افضل باشد و اگر صفرای مزاج بیشتر باشد اول افطار بشیرینی قلیلی که صفرا بآن منزجر نشود
ابتدا نماید و بعد از آن بآب گرم ابتدا نماید شاید بهتر باشد والله تعالی یعلم **تتمه بدانکه** تصدق نمودن
در وقت افطار ثواب عظیم دارد چنانچه از حضرت امام رضا صلوات الله علیه منقول است که هر که در وقت
افطار یک گرده نان تصدق کند بر مسکینی حق تعالی گناهانش را بیامرزد و ثواب بنده آزاد کردن از
فرزندان اسمعیل در نامه عملش نوشته شود از حضرت امام زین العابدین صلوات الله علیه منقول است
که روزی آن حضرت روزه میداشت امر فرمود که گوسفندی را ذبح کنند و بپزند چون شام

میشد روزی مبارک رمضان ذلک میکائیل و ان بوی ان فوته می یافت پس کاسه‌ها بسیار میطلبید
مبغوض و ذکر میکند برای آل فلان و آل فلان و آن بر فقرا تصدق کرد منعمت مصروف شود و خود نان و خرما
می طلبید و نان افطار میفرمود و بدانکه در باب ثواب افطار فرمودن مؤمنین احادیث بسیار وارد
شده است که در سفره چهارم از این باب ان شاء الله تعالی مذکور خواهد شد **سفره سیم در بیان**
تعقیب افطار و انها چند دعا است **اول** سید بن طاوس قدس الله روحه در کتاب اقبال از حضرت
صادق صلوات الله علیه و آله روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه و آله فرمود که ای ابو الحسن اینک ماه مبارک رمضان رو کرده است پس بعد از افطار
این دعا را بخوان بدرستی که جبرئیل علیه السلام بر من نازل شد و گفت که ای محمد صلی الله علیه و آله هر که
در ماه مبارک رمضان بعد از آنکه افطار کند این دعا را بخواند حق تعالی دعای او را مستجاب نماید و روزه
و نماز او را قبول کند و ده دعای او را حق اجابت مقرون سازد و گناه او را بیامرزد و اندوه و شدت
را از او زایل گرداند و حوائج او را بر آورد و او را بمطلوب خود برساند و عمل او را با عمال پیغمبران و صدیقان
بالا برد و در روز قیامت بیاید و روی او نورانی تر از ماه شب چهارده بوده باشد پس از جبرئیل
پرسیدم که آن دعا کدام است گفت بگو اللهم رب النور العظیم ورب الکرسی الرفیع ورب
البحر المسجور ورب الشفع الکبیر والنور العزیز ورب التوریة والانجیل والزبور والفرقان
العظیم انت اله من فی السماوات واله من فی الارض لا اله فیهما غیرک وانت جبار من فی السماوات
وجبار من فی الارض لا جبار فیهما غیرک وانت ملک من فی السماوات وملک من فی الارض لا ملک فیهما
غیرک اسألک باسمک الکبیر ونور وجهک المنیر وبملکک القدیم یا حی یا قیوم یا حی یا قیوم
یا حی یا قیوم اسألک باسمک الذی اشرق به کل شیء وباسمک الذی اشرقت به السماوات والارض
وباسمک الذی صلح به الاولون وبه یصلح الآخرون یا حیا قبل کل حی ویا حیا بعد کل حی ویا حی
لا اله الا انت صل علی محمد وآل محمد واغفر لی ذنوبی واجعل لی من امری یسرا وفرجا قریبا وثبتنی
علی دین محمد وآل محمد وعلی هدی محمد وآل محمد وعلی سنة محمد وآل محمد علیه وعلیهم السلام واجعل
عملی فی المرفوع المتقبل وهب لی کما وهبت لاولیائک واهل طاعتک فانی مؤمن بک ومتوکل علیک
منیب الیک مع مصیری الیک وتجمع لی ولاهلی وولدی الخیر کله وتصرف عنی وعن والدی

وامی

وامی الشر کله انت الحنان المنان بدیع السماوات والارض وتعطی الخیر من تشاء وتصرفه
عمن تشاء فامنن علی برحمتک یا ارحم الراحمین **دویم ایضا** سید در کتاب مذکور از حضرت
امام زین العابدین صلوات الله علیه وآله روایت کرده است که هر که سوره انا انزلناه را در وقت
افطار و در وقت سحور بخواند اگر برای او ما بین شام و سحر ثوابی باشد مانند ثواب کسی که در خون خود
غلطیده باشد در راه خدا **سیم ایضا** سید در کتاب مذکور گفته که در بعضی از کتب اصحاب ما یافتیم
این حدیث را که از حضرت رسالت صلی الله علیه وآله منقول است که هیچ بنده نیست که روزه بدارد و در
نزد افطار این دعا را بخواند مگر آنکه بیرون میرود از گناهان مانند روزی که از مادر متولد
شده باشد **و دعا اینست** یا عظیم یا عظیم انت الهی لا اله لی غیرک اغفر لی الذنب العظیم انه لا — الذی لا اله غیرک
یغفر الذنب العظیم الا العظیم **چهارم ایضا** سید در کتاب مذکور نقل نموده از حضرت صادق
علیه السلام از پدران بزرگوارش علیهم السلام روایت نموده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله هر گاه
افطار میفرمود این دعا را میخواند اللهم لک صمنا وعلی رزقک افطرنا فتقبله منا ذهب الظماء
وابتلت العروق وبقی الاجر **پنجم ایضا** سید در کتاب مذکور نقل نموده از آن حضرت روایت کرده است
که بابو بصیر فرمود که هر روزی از ماه مبارک رمضان را که روزه میداری در نزد افطار این دعا را
بخوان الحمد لله الذی اعاننا فصمنا ورزقنا فافطرنا اللهم تقبله منا واعنا علیه وسلمنا
فیه وتسلمه منا فی یسر منک وعافیة الحمد لله الذی قضی عنی یوما من شهر رمضان **ششم ایضا**
سید در کتاب مذکور از حضرت امام موسی کاظم از پدران بزرگوارش صلوات الله علیهم روایت
کرده اند که چون روزه باشی و شام شود در نزد افطار بگو اللهم لک صمت وعلی رزقک افطرت
وعلیک توکلت که نوشته میشود برای تو ثواب هر که آن روز را روزه داشته باشد **هفتم ایضا**
سید در کتاب مذکور از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه روایت کرده است که حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه هر گاه خوان طعام را نزد آنحضرت میگذاشتند بدو زانو می نشستند
و این دعا را میخواندند اللهم لک صمنا وعلی رزقک افطرنا فتقبله منا انک انت السمیع العلیم
هشتم ایضا سید در کتاب مذکور نقل نموده از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه از پدر بزرگوار
از جد عالیمقدارش از حضرت امام حسن صلوات الله علیهم اجمعین روایت کرده است که از برای

هر صباحی نزد افطارش دعای مستجابی هست پس چون لقمه اول را که میخواهی تناول نمائی بگو
بسم الله یا واسع المغفرة اغفر لی پس سید گفته که در روایت دیگر چنین وارد شده بسم الله
الرحمن الرحیم یا واسع المغفرة اغفر لی بدرستی که هر که این دعا را نزد افطار بخواند آمرزیده شود
نهم ایضا سید در کتاب مذکور از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله روایت نموده که آنحضرت
هرگاه بعضی از لقمه را تناول میفرمود این دعا را میخواند اللهم لک الحمد اطعمت و سقیت و ارویت
فلک الحمد غیر مکفور و لا مودع و لا مستغنی عنک دهم ایضا سید در کتاب مذکور از یکی از
از ائمه علیهم السلام روایت کرده است که نزد فراغ از طعام این دعا را میخواند الحمد لله الذی
اطعمنی فاشبعنی و سقانی فاروانی و صاننی و حمانی الحمد لله الذی عرفنی البرکة و الیمن بما
اصبته و ترکته منه اللهم اجعله هنیئا مریئا لا وبیا و لا ردیا و ابقنی بعده سویا قائما
بشکرک محافظا علی طاعتک و ارزقنی رزقا دارا و اغننی غنیا تاما و اجعلنی بارا و اجعل ما یتلقانی
فی المعاد مبهجا سارا برحمتک مؤلف گوید که در دو روایت اخر اگرچه مطلق اکل وارد شده خصوص
افطار مذکور نیست لکن از ظاهر عبارت دعا اختصاص آن با افطار ظاهر میشود و بدانکه سید در کتاب
مذکور گفته که لفظ دعای چهارم و پنجم و ششم و هفتم اقتضا میکند که اینها بعد از افطار خوانده
شود و گویا از لفظ لک صمنا و امثال آن از الفاظی که بصیغه ماضی در این چهار دعا وارد شده
دلالت بر انقضاء روزه و افطار باکل و شرب میکند این معنی را استنباط نموده و بگمان
شکسته این ادعیه پیش از افطار باید خوانده شود و الفاظ مذکوره دلالت بر تاخر اینها از وقت
افطار نمیکند چه لفظ صمنا و امثال آن انقضاء روزه روز دلالت میکند نه انقضاء افطار و لفظ
افطرنا و امثال آن محمول بر مجاز مشارفه است و چون وقت افطار بسیار نزدیک شده است
فرموده است که بمعنی تو افطار نمودیم و تشنگی رفت و رگها تر شد و اجر باقی ماند و باقی
فقرات دلالت بر تحقق افطار ندارند یعنی محتملات است و چگونه چنین نباشد و حال آنکه در روایت
اول از این چهار دعا مذکور بود که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله افطار میفرمود این دعا را
میخواند و در روایت دوم و سیم فرمود که در نزد افطار این دعا را بخوان و این عبارت ظاهر
در آنست که این ادعیه قبل از افطار متصل با افطار خوانده شود و روایت آخر در اینمعنی ظاهر نیست

بصورت

چه در آن مذکور است که چون خوان طعام را میگذاشتند حضرت بدو زانو می‌نشست و آن دعا را میخواند
و اینمعنی مقتضی آنست که اختصاص قبل از افطار متصل باین ابتدا آن میخوانده آورده اند که نوبت
آخر را شیخ طوسی نیز نقل نمود و از حضرت صادق صلوات الله علیه از پدر بزرگوارش علیهما السلام
روایت کرده است که قنبر آزادکرده حضرت امیر المؤمنین صلوات الله و سلامه علیه انبانی که قاووت
در آن بود برای افطار آنحضرت آورد چون آنحضرت اراده فرمود که از آن تناول فرماید ابتدا این دعا را
خواند و دعای آخر را ذکر نموده و بر خبیر بصیر پوشیده نیست که لفظ این دو روایت صریح است در آنکه
ابتدا باید که قبل از افطار متصل بان خوانده شود و تحقیق اینمقام آنست که الفاظ روایات در تعقیب
افطار مختلف آمده بعضی صریحا مذکور است که قبل از افطار خوانده شود مانند دعای اول از ادعیه
افطار پس آن باید که البته قبل از همه ادعیه خوانده شود مانند این چهار دعا و دو دعا قبل از اینها
و این قسم باید متصل با افطار قبل از آن خوانده شود و فاصل عرفی واقع نشود لیکن اگر دعای دیگر
بعد از آن خوانده شود خصوصا هرگاه کوچک باشد ضرر ندارد و در دعای هشتم وارد شده که چون
لقمه اول را خواهی تناول نمائی این دعا بخوان پس باید این دعا بعد از همه ادعیه خوانده شود و
فاصله اصلا واقع نشود اما دعای نهم پس بعد از خوردن لقمه و دعای آخر بعد از فراغ از مجموع
طعام باید خوانده شود چنانچه در روایت اینها مذکور است والله تعالی یعلم تتمه بدانکه آداب
و ادعیه بسیار برای مطلق چیزی خوردن در تعداد آیات و اخبار وارد شده است چنانچه اکثر اینها
در کتاب حلیة المتقین تألیف جد علامه ام مولانا محمد باقر مجلسی قدس الله روحه مذکور است
و سید بن طاوس طاب ثراه در این موضع از کتاب اقبال بعضی از اینها را ذکر نموده و اینها اگرچه
مخصوص افطار نیست لیکن ماه مبارک رمضان چون بمزید فضیلت ممتاز است و مراعات آداب
حسنه و اعمال مستحسنه در آن ثوابش زیاده از سایر ماههاست و ما نیز در اینجا م
انجمله را سید ذکر نموده ذکر مینمائیم سید بسند خود از حضرت امام حسن مجتبی علیه افضل التحیة
والثناء روایت کرده است که در مائده دوازده خصلت است که بر هر مسلمانی واجبست که آنها
را بداند چهار از آنها واجبست و چهار سنت و چهار ادب اما آن چهار واجب پس
دانستن آنکه این طعام از جمله آلاء است و راضی بودن بقسمت حق تعالی و گفتن بسم الله

و شکر حق تعالی بر آن آنت و آن چهار سنت و ضو ساختن قبل از اکل و نشستن بر جانب چپ و چیزی خوردن
به انگشت و پاک کردن انگشتان بدهان است و اما چهار تادیب بچیزی خوردن از پیش خود و
کوچک برداشتن لقمه و نیکو خائیدن آن و کم نظر کردن بروی اهل مجلس است **و ایضاً** به سند معتبر
از یکی از ائمه علیهم السلام روایت کرده است که در وقت تناول طعام این دعا را بخوان الحمد لله الذی یطعم
ولا یطعم ویجیر ولا یجار علیه ویستغنی ویفتقر الیه اللهم لک الحمد ما رزقتنی من الطعام — طعام و ادام ر د
والادام فی یسر وعافیة من غیر کد منی ومشقة بسم الله خیر الاسماء بسم الله رب الارض
والسماء بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض ولا فی السماء وهو السمیع العلیم
اللهم اسعدنی من مطعمی هذا بخیره واعذنی من شره وامتعنی بنفعه وسلمنی من ضرره
و بدانکه سید برای تناول نمودن طعام دعائی خود تالیف نموده و در کتاب اقبال ذکر کرده
است و چون ادعیه منقوله در این باب بسیار است ما از ذکر نساختیم **سفره چهارم**
در بیان ثواب افطار فرمودن روزه داران کلینی و ابن بابویه و شیخ طوسی قدس الله ارواحهم
و دیگران سندهای بسیار روایت کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر که
افطار فرماید در ماه مبارک رمضان مومن روزه داری را برای او نزد حق تعالی باشد ثواب
آزاد کردن بنده و آمرزش گناهان گذشته او پس شخصی عرض کرد که یا رسول الله صلی الله
علیه و آله همه ما بر آن قادر نیستیم فرمود که حق تعالی کریم است و این ثواب عطا میفرماید بکسی که
قادر نباشد مگر بر چشانیدن اندک شیری که بآن صائمی را افطار فرماید یا شربتی از آب
شیرین یا چند دانه خرما اگر چه بیک دانه خرمای ضعیفی باشد چه هر گاه قادر بر زیاده
از آن نباشد و در حدیث دیگر وارد شده که هر که در ماه مبارک رمضان بخوراند روزه
داری را تا سیر شود حق تعالی از حوض کوثر شربتی باو بیاشامد که بعد از آن هرگز تشنه
نشود تا داخل بهشت شود و مانند کسی باشد که بنده آزاد کرده باشد و کلینی و ابن بابویه
و شیخ مفید و شیخ طوسی رضوان الله علیهم و دیگران رحمهما الله از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش صلوات الله علیهما روایت کرده اند که آن
حضرت به سدیر فرمود که ای سدیر آیا میدانی چه شبهاست این شبها گفت بلی فدای تو باد پدر

و مادرم

و مادرم این شبها ماه مبارک رمضان است پس در این شبها باید که فرمود که ای سدیر آیا میتوانی در هر شب
از شبهای این ماه ده بنده از فرزندان اسمعیل را آزاد کنی گفت پدر و مادرم فدای تو باد مال
من بآن وفا نمیکند پس آنحضرت کم میفرمود تا اینکه به یک بنده رسید و در هر مرتبه سدیر میگفت که
قادر نیستم پس حضرت فرمود که آیا قادر نیستی که افطار فرمائی هر شب مرد مسلمانی را عرض
نمود که بلی صد نفر و بنده کسی نیز قادرم فرمود که منهم بتو نیز این امر میفرمودم ای سدیر افطار
فرمودن تو برادر مسلم را برابری میکند با آزاد کردن بنده از فرزندان اسمعیل علیه
السلام و شیخ مفید و ابن بابویه رضی الله عنهما از حضرت صادق علیه السلام روایت
نموده اند که ثواب افطار فرمودن برادر مومن و خوشحال ساختن او عظیم تر است از ثواب
روزه تو پس فرمود که حضرت امام محمد باقر علیه السلام میفرمود که هر بنده مومنی که
افطار فرماید مومن دیگر را در ماه مبارک رمضان حق تعالی بنویسد برای او ثواب
کسی را که سی بنده آزاد کرده باشد و کسی که در تمام این ماه هر شبی مومنی را افطار فرماید
بنویسد حق تعالی برای او ثواب کسی را که سی بنده آزاد کرده باشد و باین سبب برای
او یک دعای مستجاب باشد و کلینی و شیخ طوسی رحمهما الله و دیگران از حضرت
امام موسی کاظم صلوات الله علیه روایت کرده اند که افطار فرمودن برادر مومن
روزه دار را افضل است از آنکه خود روزه بداری و شیخ طوسی رحمه الله بسند خود
از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت رسالت صلی الله علیه
و آله فرمود که هر که افطار فرماید روزه داری را برای او باشد ثواب آن صائم
باشد بی آنکه از ثواب او چیزی کم شود و ثواب اعمال خیری که بسبب قوت آن طعام
کند برای او نیز باشد و ابن بابویه رحمه الله علیه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
روایت کرده است که افطار فرمودن من مرد مومنی را در خانه خود محبوب تر است
نزد من از آنکه آزاد کنم چنین و چنین بنده از فرزندان اسمعیل علیه السلام **و ایضاً** از
حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله بحضرت
امیر المومنین علیه السلام فرمود که یا علی برای مومن در دنیا سه فرح و شادی هست

ملاقات نمودن برادر مؤمن و افطار فرمودن روزه داران و مشغول تهجد بودن در آخر
شب والله تعالی هو الموفق باب چهاردهم در بیان اعمال شبها و روزهای این ماه بترتیب
است شب اول این شبی است در نهایت برکت و فضیلت و در روایت معتبر وارد شده است
که صحف ابراهیم علیه السلام در این شب نازل شد و ظاهر آنست که در اوایل این شب
شروع بتلاوت قرآن مجید بشود چنانچه در احکام تلاوت قرآن مذکور شد و اعمال این
شب چند چیز است اول مقاربت نمودن با زنان ابن بابویه رضوان الله علیه در کتاب
من لا یحضره الفقیه از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت نموده است که مستحب است از برای مرد
که در شب اول ماه رمضان با اهل خود مقاربت نماید مؤلف گوید که سید بن طاوس این روایت را
در اقبال نقل نموده و گفته است که حکمت در این باب ممکن است که این باشد که در اول
ماه قوة شهوانی منکسر شود و خلوص نیت کامل شود تا از روی فراغ بالی متوجه طاعات
و عبادات تواند شد یا از راه آن باشد که در صدر اسلام مقاربت با زنان در روز
و شب ماه رمضان در هر دو حرام بود و بعد از چندگاه که بدین منوال گذشت حق تعالی
از روی لطف و رحمت با این امت مقاربت در شبهای این ماه را حلال گردانیده و حق تعالی دوست
میدارد که بندگان مبادرت در رخصها و تعجیل نمایند در چیزی چند که حق تعالی رخصت
در آن نهاده چنانچه دوست میدارد که مبادرت در واجبات نمایند لهذا در شب اول این معنی
مستحب گردیده یا از راه آنکه شب جمعه شب عید است و مقاربت با زنان از سنن رسول
خدا صلی الله علیه و آله است پس ظاهر آنست که احیای سنت آنحضرت در این شب عید واقع
شود مخفی نماند که وجه آخر بنظر بعید است و وجه اول محتمل است و وجه اوسط اقرب است
والله تعالی یعلم دوم غسل کردن چنانچه سید ابن طاوس رحمه الله مصحح در کتاب اقبال
از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود غسل مستحب است که در شب اول
ماه رمضان و ایضا سید رحمه در کتاب اقبال گفته که دیدم در کتابی که بخط من تالیف
جعفر بن احمد قمی رحمه الله علیه است حدیثی منقول از حضرت صادق علیه السلام که هر که
خواهد از حکه و خارش بدن محفوظ ماند باید که در شب اول ماه غسل کند تا آنکه تا ماه

رمضان

رمضان آینده ایمن گردد از آن و ایضا از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که غسل کند در شب
اول ماه رمضان در نهر جاری و سی کف آب بر سر بریزد با طهارت معنوی باشد تا ماه رمضان
آینده و ایضا سید در کتاب مذکور نقل نموده که در حدیث وارد شده که در هر شب از شبهای طاق ماه رمضان
غسل مستحب است و در بعضی از آنها بخصوص نیز غسل وارد شده چنانچه در این شب ذکر شد و در موضع
خود مذکور میشود انشاء الله تعالی و در دهه آخر این ماه در جمیع شبهای آن غسل سنت است و وقت
آن در شب بحث دیگر مذکور میشود و در شبهای طاق این دهه نیز غسل سنت مؤکد است چنانچه آیة الله
علامه طاب ثراه در کتاب ذریعة النجاح نقل نموده و در بعضی از آنها بخصوص سنت مؤکد است
شده است و انشاء الله اشاره بآن خواهد شد و جد علامه ام مولانا محمد باقر مجلسی قدس الله روحه
در کتاب زاد المعاد ذکر نموده که در روایتی وارد شده که در جمیع ایام در هر شب غسل مستحب است
مؤلف گوید که سید در کتاب مذکور گفته است که وقت این غسل اول شب است یا قبل از نماز مغرب
چنانچه در روایتی وارد شده یا میان نماز مغرب و عشا چنانچه در روایت دیگر وارد شده
و کافی است این غسل برای تمام شب و شیخ مفید قدس الله روحه در کتاب مسار الشیعه
گفته است که بعد از غروب آفتاب و در پیش نماید این غسل کرده شود سیم شیخ شهید طاب
ثراه در کتاب اربعین از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که هر که در این شب
چهار رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی حمد یکنوبت و سوره قل هو الله احد
پانزده نوبت حق تعالی ثواب صدیقان و شهیدان را باو عطا فرماید و گناهان او آمرزیده شود
و در روز قیامت از تائبان و رستگاران باشد مؤلف گوید که این حدیث طویلی است مشتمل
بر سی نماز برای نماز هر شبی نمازی و کفعمی در جنة الامان نیز تمام این حدیث را نقل نموده
و در بعضی از مواضع سهو در نقل نموده است و اما اشاره بمواضع سهو و تفصیل آن
اجمالا در این موضع کفعمی سوره قل هو الله احد را بیست و پنج نوبت نقل نموده و این سهو است
چنانچه از رجوع بکتاب اربعین ظاهر میشود و از غرایب آنست که در حاشیه جنة الامان
از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده که هر که در شب اول ماه چهار رکعت نماز بکند
هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی حمد یکنوبت و سوره قل هو الله احد پانزده نوبت ثواب

اين را احصا نكند مكر حق تعالى و محقق نماناد كه همان نمازاست كه در اربعين مذكور است وليكن كفعمى چون سوره توحيد را بيست و پنج نوبت بذاشته اين نماز را مغايران نماز دانسته ثانيا نقل نموده است **چهارم** سيد بن طاوس قدس الله روحه در كتاب اقبال از بلد خود از امام زاده عبد العظيم روايت كرده است كه گفت در شبى كه هلال ماه رمضان ديدم با حضرت امام محمد تقى صلوات الله عليه نماز را كذاردم و چون آن حضرت از نماز فارغ شد و نيت روزه كرده دستها مبارك را بلند كرده و اين دعا را خواند اللهم يا من يملك التدبير وهو على كل شيء قدير يا من يعلم خائنة الاعين وما تخفي الصدور وتجن الضمير وهو اللطيف الخبير اللهم اجعلنا ممن نوى فعمل ولا تجعلنا ممن شقي فكسل ولا من هو على غير عمل يتكل اللهم صحح ابداننا من العلل واعنا على ما افترضت علينا من العمل حتى ينقضي عنا شهرك هذا وقد ادينا مفروضك فيه علينا اللهم اعنا على صيامه ووفقنا لقيامه ونشطنا فيه للصلوة ولا تحجبنا من القراءة وسهل لنا ايتاء الزكوة اللهم لا تسلط علينا وصبا ولا تعبا ولا سقما ولا عطبا اللهم ارزقنا الافطار من رزقك الحلال اللهم سهل لنا ما قسمته من رزقك ويسر ما قدرته من امرك واجعله حلالا طيبا نقيا من الآثام خالصا من الآصار والاجرام اللهم لا تطعمنا الا طيبا غير خبيث ولا حرام واجعل رزقك لنا حلالا لا يشوبه دنس ولا اسقام يا من علمه بالسر كعلمه بالاعلان يا متفضلا على عباده بالاحسان يا من هو على كل شيء قدير وبكل شيء عليم خبير الهمنا ذكرك وجنبنا عسرك وانلنا يسرك واهدنا للرشاد ووفقنا للسداد واعصمنا من البلايا وصنا من الاوزار والخطايا يا من لا يغفر عظيم الذنوب غيره ولا يكشف السوء الا هو يا ارحم الراحمين واكرم الاكرمين صل على محمد واهل بيته الطيبين واجعل صيامنا مقبولا وبالبر والتقوى موصولا وكذلك فاجعل سعينا مشكورا وقيامنا مبرورا وقراءتنا مرفوعا ودعاءنا مسموعا واهدنا للحسنى وجنبنا العسرى ويسرنا لليسرى واعل لنا الدرجات وضاعف لنا الحسنات واقبل منا الصوم والصلوة واسمع منا الدعوات واغفر لنا الخطيئات وتجاوز عنا السيئات واجعلنا من العاملين الفائزين ولا تجعلنا

من المغضوب

من المغضوب عليهم ولا الضالين حتى ينقضي شهر رمضان عنا وقد تقبلت فيه صيامنا وقيامنا وزكيت فيه اعمالنا وغفرت فيه ذنوبنا واجزلت فيه من كل خير نصيبنا فانك الاله المجيب والرب القريب وانت بكل شيء محيط **مولف كويد كه** محتمل است كه آن حضرت اين دعا را بعد از نماز شام پيش از نافله خوانده باشد يا بعد از تعقيبات و نوافل خوانده باشد و شايد احتمال ثاني اظهر باشد **پنجم** شيخ طوسى و ابن طاوس طاب ثراهما در كتاب مصباح و اقبال بسند خود از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه روايت كرده اند كه آن حضرت در شب آخر ماه شعبان و شب اول ماه رمضان اين دعا را ميخواندند اللهم ان هذا الشهر المبارك الذي انزلت فيه القرآن وجعلته هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان قد حضر فسلمنا فيه وسلمه لنا وتسلمه منا في يسر منك وعافية يا من اخذ القليل وشكره وستر الكثير وغفره اغفر لي الكثير من معصيتك واقبل مني اليسير من طاعتك اللهم اني اسئلك ان تجعل لي الى كل خير سبيلا ومن كل ما لا تحب مانعا يا ارحم الراحمين يا من عفى عني وعما خلوت به من السيئات يا من لم يؤاخذني بارتكاب المعاصي عفوك عفوك يا كريم الهي وعظتني فلم اتعظ وزجرتني فلم انزجر فما عذري فاعف عني يا كريم عفوك عفوك اللهم اني اسئلك الراحة عند الموت والعفو عند الحساب عظم الذنب من عبدك فليحسن العفو من عندك يا اهل التقوى ويا اهل المغفرة عفوك عفوك اللهم اني عبدك وابن عبدك وابن امتك ضعيف فقير الى رحمتك وانت منزل الغنى والبركة على العباد قاهر قادر مقتدر احصيت اعمالهم وقسمت ارزاقهم وجعلتهم مختلفة السنتهم والوانهم خلقا من بعد خلق لا يعلم العباد علمك ولا يقدر العباد قدرك وكلنا فقير الى رحمتك فلا تصرف وجهك عني واجعلني من صالح خلقك في العمل والامل والقضاء والقدر الهي ابقني خير البقاء وافنني خير الفناء على موالاة اوليائك ومعاداة اعدائك والرغبة اليك والرهبة منك والخشوع والوفاء والتسليم لك والتصديق بكتابك واتباع سنة نبيك رسولك صلواتك عليه وآله اللهم ما كان في قلبي من شك او ريبة او جحود او قنوط او فرح او مرح او بذخ او بطر او فخر او خيلاء او رياء او سمعة او شقاق او نفاق او كبر او فسوق او عصيان او عظمة او شيء لا تحب فاسئلك يا رب ان تبدلني مكانه

فقمصنا ن
وسلمنا منه ن
اقبل مني اليسير ن
يا من لم يؤاخذني ن
عن المعاصي ن
التجاوز ن
فقراء ن
عني وجهك واجعلني
اللهم ن
كفعمي ن تبدلني ن

ایمانا بوعدک ووفاء بعهدک ویقینا بقضائک وزهدا فی الدنیا ورغبة فیما عندک واثرة — واثرة ن
وطمانینة وتوبة نصوحا اسالک ذلک یا رب بمنک ورحمتک یا ارحم الراحمین ویا رب
العالمین الهی انت من حلمک تعصی فکانک لم تر ومن کرمک وجودک تطاع فکانک لم تعص
وانا ومن لم یعصک سکان ارضک فکن علینا بالفضل جوادا وبالخیر عوادا یا ارحم الراحمین — نعص ن
وصل علی محمد صلوة دائمة لا تحصی ولا تعد ولا یقدر قدرها غیرک یا ارحم الراحمین **ششم** کلینی — وصلی الله علی محمد ن
رضی الله عنه در کتاب کافی وسید طاب ثراه در کتاب اقبال از حضرت صادق علیه السلام روایت
کرده اند که چون شب اول ماه رمضان داخل شد این دعا را بخوان اللهم رب شهر رمضان منزل
القرآن هذا شهر رمضان الذی انزلت فیه القرآن وانزلت فیه آیات بینات من الهدی والفرقان — القرآن ن
اللهم ارزقنا صیامه واعنا علی قیامه اللهم سلمه لنا وسلمنا منه وتسلمه منا فی — وجعلت ن / منه ن
یسر منک ومعافاة واجعل فیما تقضی وتقدر من الامر المحتوم وفیما تفرق من الامر الحکیم فی لیلة — وعافیة برزقک ن / تفرق
القدر من القضاء الذی لا یرد ولا یبدل ان تکتبنی من حجاج بیتک الحرام المبرور حجهم المشکور — فی ن
سعیهم المغفور ذنوبهم المکفر عنهم سیئاتهم واجعل فیما تقضی وتقدر ان تطیل لی فی — تطیل ن
عمری وتوسع علی من الرزق الحلال **هفتم ایضا** سید در کتاب اقبال از حضرت رسالت صلی الله
علیه وآله روایت کرده است که آنحضرت در شب اول ماه رمضان این دعا میخواند الحمد لله الذی
اکرمنا بک ایها الشهر المبارک اللهم قونا علی صیامنا وقیامنا وثبت اقدامنا وانصرنا علی
القوم الکافرین اللهم انت الواحد فلا ولد لک وانت الصمد فلا شبه لک وانت العزیز فلا
یعزک شیء وانت الغنی وانا الفقیر وانت المولی وانا العبد وانت الغفور وانا المذنب وانت
الرحیم وانا المخطی وانت الخالق وانا المخلوق وانت الحی وانا المیت اسالک برحمتک ان
تغفرلی وترحمنی وتجاوز عنی انک علی کل شیء قدیر **هشتم ایضا** سید در کتاب مذکور گفته که در
بعضی از کتب دعوات اینمعنا را یافتم که باید در شب اول ابنماه خوانده شود اللهم انی اسالک
سؤال المسکین المستکین وابتغی الیک ابتغاء البائس الفقیر واتضرع الیک تضرع الضعیف
الضریر وابتهل الیک ابتهال المذنب الذلیل الضعیف واسالک مسالة من خضعت لک
نفسه وذلت لک رقبته ورغم انفه وعفر لک وجهه وسقطت لک ناصیته وهملت

لک

لک دموعه واضمحلت عنه حیلته وانقطعت عنه حجته وضعفت عنه قوته واشتدت فاقته
وعظمت ندامته فصل علی محمد وآل محمد وارحم المضطر الیک المحتاج الی رحمتک بحقک العظیم
یا عظیم یا عظیم صل علی محمد وآل محمد واغفرلی ولوالدی ولکافة المؤمنین والمؤمنات واعطنی فی
مجلسی هذا فکاک رقبتی من النار واوسع علی من رزقک الحلال المفضل واعطنی من خزائنک
وبارک لی فی اهلی ومالی وجمیع ما رزقتنی وارزقنی الحج والعمرة فی عامی هذا فی اوسع السعة و
اسبغ النفقة واجعل ذلک ماضیا ثم الی سالما یا کریم یا کریم یا کریم ثم ارزقنی — مرزوقا ن
الحج والعمرة فی کل عام ما ابقیتنی وادر علی من رزقک الحلال الذی سعة من فضلک وزیادة
من رحمتک وتمام من نعمتک وکمال من معافاتک یا کریم یا کریم یا کریم اکفنی مؤنة نفسی
واهلی وعیالی ومؤنة من یؤذینی ویجاورنی وغرمائی وجمیع ما احاذر واکفنی مؤنة خلقک
اجمعین واکفنی شر فسقة الجن والانس وشر فسقة العرب والعجم وشر الشیاطین والبرد
وشر کل دابة انت آخذ بناصیتها انک علی صراط مستقیم یا کریم یا کریم صل علی محمد
وآل محمد وهب لی حقک وصل علی محمد وآل محمد وبارک لی فیما اتیتنی وهب لی من لدنک رحمة انک
انت الوهاب وصلی الله علی محمد وعلی اهل بیته وسلم ودعا کن وحاجت عمدة المطلب **نهم**
کفعمی طاب ثراه در کتاب جنة الامان گفته که در هر روز و شب از اول ابنماه این دعا را باید خواند که اثر
جمله دعاهای هر روزه و هر شبه مذکور شد نقل نموده است **دهم ایضا** سید بن باقی قدس الله روحه در
کتاب لمعة المقیم وزاد المسافر من معالم الدین که تالیف ابو عبد الله سفوانی رضوان الله عنه است نقل
نموده که رسول خدا صلی الله علیه وآله این دعا را در شب اول ابنماه میخواند اللهم انت الواحد فلا ولد
لک وانت الصمد فلا شبه لک وانت العزیز فلا اعز منک وانت الغفور فلا شبه لک وانت
الرحیم وانا المخطی وانت الخالق وانا المخلوق وانت الحی وانا المیت اسالک برحمتک ان
تصلی علی محمد وآله وان تغفرلی وترحمنی وتجاوز عنی انک علی کل شیء قدیر **مؤلف گوید که** این
حدیث طویلی است مشتمل بر سی دعا برای هر شبی دعای مخصوص چنانچه هر یک در محل خود مذکور خواهد
وسید بن طاوس نیز در بعضی از نسخ این دعا را در اقبال ذکر نموده است چنانچه اشاره بآن نیز میشود
یازدهم زیارت حضرت امام حسین علیه السلام سید بن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال نقل نموده

از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که از آنحضرت پرسیدند که آیا برای زیارت حضرت امام
حسین علیه السلام وقتی هست که افضل از سایر اوقات باشد فرمود که زیارت کنید آنحضرت را در هر وقتی
که خواهید بدرستیکه زیارت آنحضرت چیزی است بهتر شده هر که بسیار زیارت کند خیر بسیار یافته است
و هر که کم کند کم یافته است و قصد کنید زیارت آنحضرت را در اوقات شریفه بدرستیکه ثواب اعمال
صالحه در آنها مضاعف است و در آن اوقات شریفه ملائکه از آسمان نازل میشوند برای زیارت
آنحضرت در ماه مبارک رمضان فرمود که از روی خشوع و پشیمانی از گناهان و استغفار و توقع اجر و
ثواب نزد قبر آنحضرت حاضر شود و یکی از شبهای از سه شب ماه مبارک رمضان است که آن شب
اول و شب نیمه و شب آخر است گناهان و خطاهای او بریزد چنانچه برگ خشک بسبب باد تند از
درخت میریزد و مانند روزی شود که از مادر متولد شده باشد و با وجود این مانند ثواب
کسی که در آن سال حج و عمره کرده باشد برای او باشد و دو ملک که صدای ایشان را همه صاحب حیاتی
بغیر انس و جن میشنوند او را ندا کنند یکی گوید که ای بنده خدا پاک شدی عمل را از سر گیر و یکی گوید که ای
بنده خدا اجابت دعوت خدا کردی پس بشارت باد ترا بمغفرت و تفضل الهی **مؤلف گوید که** اگرچه
این روایت مخصوص کسی است که نزد مرقد مطهر آن بزرگوار حاضر شود و لیکن ظاهر آنست که اگر کسی در
بلاد بعیده باشد نیز از آن فضیلت عظمی محروم نگردد و چون زیارت مخصوصی در این شب وارد نشده
پس اگر توفیق حضور مشهد مشرف آنحضرت را در این شب بیابد زیارت مطلقه زیارت نماید و اگر
دور باشد بزیارت بعیده منقوله که یکی از آنها در اعمال ماه رجب مذکور شد زیارت نماید و بنا نکهم
در این شب ادعیه دخول و دعای جوشن کبیر و صغیر از اعمال هر شبه و هر روزه که همگی مذکور شد باید
خواند والله تعالی یعلم هو الموفق **در زیارات** و اعمال این روز چند امر است **اول** شیخ مفید رضی الله عنه
در کتاب مقنعه چنانچه سید در اقبال از او نقل نموده است گفته که چون فجر اول ماه رمضان طالع شود
ابتدا را بخوان اللّهمّ قد حضر شهر رمضان وقد افترضت علینا صیامه وانزلت فیه القرآن
هدیً للناس وبیّنات من الهدی والفرقان اللّهمّ اعنّا علی صیامه وقیامه وتقبّله منّا وسلّمه
منّا وسلّمه لنا فی یسر منک وعافیة انّک علی کلّ شیء قدیر **مؤلف گوید که** شیخ مفید علیه الرحمه در کتاب
مسار الشیعه گفته است که در روز اول ماه رمضان بعد از نماز صبح دعای مخصوص موظف مشهوری

که از ائمه

که از ائمه از آل محمد علیهم السلام روایت شده باید خوانده شود و دعا را ذکر نموده و ظاهر آنست
که مراد او ابتدای مذکور باشد والله تعالی یعلم **دو دعای ایضا** سید در کتاب مذکور نقل نموده است
که در روز اول ابتدا ابتدا را بخوان اللّهمّ یا ربّ اصبحت لا ارجو غیرک ولا ادعو سواک ولا
ارغب الّا الیک ولا اتضرّع الّا عندک ولا الوذ الّا بفنائک اذ لو دعوت غیرک لم یجبنی ولو رجوت
غیرک لاخلف رجائی وانت ثقتی ورجائی ومولای وخالقی وبارئی ومصوّری ناصیتی بیدک
تحکم فیّ کیف تشاء لا املک لنفسی ما ارجو ولا استطیع دفع ما احذر اصبحت مرتهنا بعملی
واصبح الامر بید غیری اللّهمّ انّی اصبحت اشهدک وکفی بک شهیدا واشهد ملائکتک وحملة
عرشک وانبیائک ورسلک علی انّی اتولّی من تولّیته واتبرّأ ممّن تبرّأت منه وامن بما انزلت
علی انبیائک ورسلک فافتح مسامع قلبی لذکرک حتّی اتّبع کتابک واصدّق رسلک وامن رسولک خ ل
بوعدک واوفی بعهدک فانّ امر القلب بیدک اللّهمّ انّی اعوذ من القنوط من رحمتک والیأس
من روحک فاعذنی من الشکّ والزلزال والریب والنفاق والریاء والسمعة واجعلنی فی
جوارک الذی لا یرام واحفظنی من الشکّ الذی سبحانک اللّهمّ کلّ ما قصر عنه استغفاری سبحانک خ ل
من سوء لا یعلمه غیرک فعافنی منه واغفره لی فانّک کاشف الغمّ مفرّج الهمّ رحمن الدنیا
والآخرة ورحیمهما فامنن علیّ بالرحمة التی رحمت بها ملائکتک ورسلک واولیائک من
المؤمنین والمؤمنات اللّهمّ ربّ هذا الیوم وما انزلت فیه من البلاء او مصیبة او غمّ او همّ
فاصرفه عنّی وعن اهل بیتی ووالدی واخوانی ومعارفی ومن کان منّی بسبیل من المؤمنین والمؤمنات
اللّهمّ انّی اصبحت علی کلمة الاخلاص وفطرة الاسلام وملّة ابراهیم ودین محمّد صلواتک
علیه وآله اللّهمّ احفظنی واحینی علی ذلک وتوفّنی علیه وابعثنی یوم تبعث الخلائق فیه
واجعل اوّل یومی هذا صلاحا واوسطه فلاحا وآخره نجاحا برحمتک فانّی اسألک خیره وخیر
اهله واعوذ بک من شرّه وشرّ اهله ومن سمعه وتبعه وبکه وزجله کن لی منه حاجزا عن
جارک وجلّ ثناؤک ولا اله غیرک اللّهمّ انّی اسألک ان تنفعنی مواهب الدعاء فی دبر
کلّ صلوة واسألک خیر یومی هذا وفتحه ونصره ونوره وهداه وبرکته وبشراه اصبحت
بالله الذی لیس کمثله شیء ممتنعا وبعزّة الله التی لا ترام ولا تضام معتصما وبسلطان الله

الذی لا یقهر و لا یغلب عائذاً من شر ما خلق و ذرء و برء و من شر ما یکن باللیل و یخرج بالنهار ومن شر الجن و الانس و من شر کل ذی سلطان او غیره و من شر کل دابة انت آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم مؤلف گوید که سید در عنوان این دعا گفته که این فصل از دعا از جمله سی فصل دعاهاست که برای هر روزی دعایی است اگرچه بروایت نسبت نداده ولیکن ظاهر آنست که منقول باشد و ما هو یکی از محل خود مذکور میسازیم سیم سید بن باقی طاب ثراه در کتاب اختیار این دعا را برای روز اول ماه نقل نموده است اللهم انی اسئلک یا من لیس کمثله شیء و یا من لیس فی السموات العلی و لا فی الارضین السفلی و لا فوقهن و لا تحتهن و لا بینهن اله یعبد غیرک وحدک لا شریک لک یا واحد بغیر تشبیه یا باقیاً الی غیر غایة یا جباراً فی سلطانه یا کبیراً فی کبریائه یا متعالیاً فی اسمائه یا کریماً فی عطائه یا جلیلاً فی بهائه یا حمیداً فی فعاله یا ملکاً فی ابتدائه و اقتداره یا عالماً فی احصائه یا عالیاً فی ارتفاعه یا عزیزاً فی امتناعه یا جاهاً فی افضاله یا ذا السلطان الشامخ یا ذا العز الباذخ العالی یا ذا الملک الفاخر یا ذا البهاء الزاهر یا من به یحسن الظنون یا ذا الجود و الکرم و المن و الکبریاء یا باقیاً لا یموت یا صمداً لا یطعم یا قیوماً لا ینام یا بصیراً لا یرتاب یا حافظاً لا یجهل یا واسعاً لا یتکلف یا غنیاً لا یفتقر یا منیعاً لا یرام یا عزیزاً لا یضام یا قویاً لا یغلب یا حلیماً لا یعجل یا محتجباً لا یری یا جبار السموات و الارض یا نور السموات و الارض یا بدیع السموات و الارض یا اکرم الاکرمین یا اجود الاجودین یا ارحم الراحمین یا غیاث المستغیثین یا ولی المؤمنین یا عز الناصرین و الذاکرین یا سبیل الصالحین یا مفرج عن المکروبین یا کنز الراغبین الیه یا غوث الملهوفین یا مجیب دعاء الداعین اسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تجعلنی غیثک من اعظم عبادک الیوم فیما یقسمه من نور تهدی به و نعمة تنشرها و رزق تبسطه و ضر تکشفه و بلاء تصرفه و فتنة تکفیها و ثواب تکتبه و امر تسهله انک علی کل شیء قدیر برحمتک یا ارحم الراحمین مؤلف گوید که سید بن باقی در عنوان این دعا گفته است که این دعا یک فصل از جمله سی فصل دعاهاست که برای هر روزی دعای علاحده هست و او نیز اگرچه بروایت نسبت نداده ولیکن ظاهر آنست که منقول باشد و ما هر یک را در محل خود مذکور میسازیم چهارم صاحب کتاب ذخیره ذکر نموده که ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده است که هر که در روز اول ماه رمضان

استغفار

این دعا را بخواند حق تعالی او را هزار هزار حسنه عطا فرماید و هزار هزار درجه برای او بلند گرداند و هزار هزار گناه از او محو فرماید و دعا اینست اللهم اجعل صیامی فیه صیام الصائمین و قیامی فیه قیام القائمین و نبهنی فیه عن نومة الغافلین و هب لی جرمی فیه یا اله العالمین مؤلف گوید که این حدیث طویل است مشتمل بر سی دعا برای هر یک روزی دعای مخصوصی چنانچه هر یک مذکور میشود و سند آن خبر معتبر و از تألیف و ترصیف فقرات آن ظاهر میشود که از معصوم منقول نباشد و لیکن چون ماه مبارک رمضان وقت دعا و ادعیه خود نیز در تألیف ادعیه رخص است خواندن بد نیست پنجم غسل نمودن سید بن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت نموده است که آن حضرت از پدران بزرگوارش از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیهم روایت فرموده که هر که در روز اول سال در آب جاری غسل کند و سی کف آب بر سر بریزد دوای دردهای آن سال او شود و بدرستی که هر سالی روز اول ماه مبارک رمضان است مؤلف گوید که آنچه در اخبار مذکور شده که اول هر سالی روز اول ماه مبارک رمضان است اگر از تتمه حدیث باشد دلالت بر مدعا دارد ولیکن محتمل است که این کلام سید باشد بنابراین محتمل است که این عمل در روز اول المحرم یا روز نوروز باید واقع شود و اگر در هر سه روز کرده شود بهتر است و بدانکه سید در این مقام گفته که ممکن است که بخاطر کسی خطور کند و استبعاد نماید که چگونه ریختن سی کف آب بر سر این ثمره میتواند بخشید که در تمام سال از شخص مبتلا بآزاری نشود و گفته که جواب از این اشکال آنست که در لطف و کرم بی منتهای حق تعالی چنان اقتضا میکند که جزاهای عظیم مانند خلود بهشت و لذات عظیم از برای اعمال قلیل بندگان کرامت فرماید پس ممکن است که در دار دنیا نیز جزای این عمل قلیل را عافیت در تمام سال کرامت فرموده باشد و الله تعالی یعلم ششم استعمال کلاب سید در کتاب مذکور از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که هر که یک کف گلاب بر صورت خود بزند در آن روز از مذلت و فقر ایمن گردد و هر که قدری از گلاب بر سر خود بریزد در آن سال از مرض سرسام ایمن باشد پس ترک مکنید آنچه را امید و صبت نمودم بنما مؤلف گوید که سید علیه الرحمه و اکثر علما این حدیث را بر استعمال گلاب در روز اول ماه رمضان حمل نموده اند و بیجا این نکته فی وجه اصحیته آنکه روز اول ماه رمضان در روایت اول مذکور شد بنابراین ظاهر آنست که مراد این باشد که در هر روزی هر که گلاب بر صورت زند از مذلت و فقر

ایمن باشد واگر بر سر بیرون در بیشتر ان سال یا از آن روز تا مثل آن از سال آینده که مجموع یک سال
شود از مرض سرسام ایمن باشد والله تعالی اعلم شب دوم و اعمال آن چند چیز است اول شیخ شهید قدس
الله سره در کتاب اربعین از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت نموده که هر که در این شب چهار رکعت
نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی حمد یکبار و بیست مرتبه سوره انا انزلناه فی لیلة القدر بخواند
حق تعالی جمیع گناهان او را بیامرزد و روزی او را وسیع گرداند و کفایت کند از او بدی اهل آن را دوم
سید بن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال از کتاب علی شهر رمضان ابن ابی قره این دعا را برای این
شب نقل نموده اللهم انت الرب وانا العبد کتبت علی نفسک الرحمة و للنبی و انت الصادق
البار یداک مبسوطتان تنفق کیف تشاء لا یلحفک سائل ولا ینقصک نائل ولا یزیدک
کثرة السؤال الا عطاء وجودا اسالک قلبا وجلا من مخافتک ادرک به جنة رضوانک
وامضی به فی سبیل من احببت وارضاک عمله وارضیته فی ثوابک حتی تبلغنی بذلک ثقة — ... ذ
المؤمنین بک وامان الخائفین منک اللهم ما اعطیتنی من عطاء فاجعله شغلا فیما تحب وما
زویت عنی فاجعله فراغا فیما تحب اللهم انک قصمت الجبابرة بجبروتک وبسطت کنفک
علی الخلائق واقسمت انک حی قیوم وکذلک انت تقطع حبل المبطلین ومکرهم دونک اللهم
صل علی محمد وآله وارزقنی موالاة من والیت ومعاداة من عادیت وحبا لمن احببت وبغضا
لمن ابغضت حتی لا اوالی لک عدوا ولا اعادی لک ولیا اشکو الیک یا رب خطیئة اعشت بصری
واظلت علی قلبی نفی طریق الخاطئین صرعتنی فهذه یدی رهینة فی وثاقک بما جنیت علی
نفسی وهذه رجلی موثقة فی حبالک بالکسائی فلو کان هرب الحیل یجمعنی او مغارة تواربنی
او بحر یغیبنی لکنت العائذ بک من ذنوبی استعیذ لک عیاذ مهموم حزین کئیب یوقف
نار التموم اللهم یا مجلی عظائم الهموم حل عنی همة الهموم واجرنی من نار تقصم عظامی
وتحرق احشائی وتفری فوادی اللهم ارزقنی نصر آل محمد واجعلنی انتظر امرهم واجعلنی
من انصارهم واعوانهم فی الدنیا والآخرة اللهم احینی محیاهم وامتنی مماتهم اللهم
اعطهم سؤلهم فی ولیهم وعدوهم اللهم رب السبع المثانی والقرآن العظیم ورب
جبرئیل ومیکائیل اسالک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تقبل صومی وصلواتی در ساعت خود

سؤال کن ... اللهم انی اعوذ بک فی هذا الشهر العظیم من کل ذنب یحبس رزقی او یحجب
مسئلتی او یبطل صومی او یصد بوجهک الکریم عنی اللهم صل علی محمد وآله واغفر لی ما لا یضرک
واعطنی ما لا ینقصک فی هذه اللیلة فانی فقیر الی رحمتک سیم ایضا سید در اقبال و ابن باقی
در انتساب از رسول خدا صلی الله علیه وآله این دعا را برای این شب روایت نموده اند یا اله الآخرین
والاخرین یا اله من بقی واله من مضی رب السموات السبع ومن فیهن فالق الاصباح وجاعل
اللیل سکنا والشمس والقمر حسبانا لک الحمد ولک الشکر ولک المن ولک الطول وانت الواحد
الاحد الصمد اسالک بجلالک سیدی وجمالک مولای ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تغفر لی — دو ...
وترحمنی وتتجاوز عنی انک انت الغفور الرحیم روز دوم و اعمال آن چند چیز است اول سید بن
طاوس رحمه الله در اقبال گفته که از جمله دعاها روز دوم ماه مبارک رمضان این دعاست اللهم
الیک غدوت بحاجتی وبک انزلت الیوم فقری ومسکنتی فانی لمغفرتک ورحمتک ارجی
منی لعملی ومغفرتک ورحمتک اوسع لی من ذنوبی کلها اللهم فصل علی محمد وآل محمد وتول
قضاء کل حاجة لی بقدرتک علیها وتیسیر ذلک علیک وفقری الیک فانی لم اصب خیرا قط الا
منک ولم یصرف عنی سوء قط غیرک ولا ارجو لامر آخرتی ودنیای سواک یوم یفردنی
الناس فی حفرتی وافضی الیک بالکریم اللهم من تهیأ وتعبأ واعد واستعد لوفادة الی — افضی ...
مخلوق رجاء رفده وطلب نائله وجائزته فالیک یا رب تعبئتی واستعدادی رجاء فضلک
وطلب نائلک وجائزتک فلا تخیب دعائی یا من لا یخیب علیه السائل ولا ینقصه نائل فانی
لم آتک ثقة بعمل صالح عملته ولا لوفادة الی مخلوق رجوته اتیتک مقرا بالاساءة وعلی
نفسی والظلم لها معترفا بان لا حجة لی ولا عذر اتیتک ارجو عظیم عفوک الذی عفوت به علی — علوت ...
الخاطئین فلم یمنعک طول عکوفهم علی عظیم الجرم ان عدت علیهم بالرحمة فیا من رحمته
واسعة وعفوه عظیم یا عظیم یا عظیم یا رب لیس یرد غضبک الا حلمک ولا ینجینی من سخطک — تنجی ...
الا التضرع الیک فهب لی یا الهی فرجا بالقدرة التی تحیی بها میت البلاد ولا تهلکنی غما حتی
تستجیب لی دعائی وتعرفنی الاجابة واذقنی طعم العافیة الی منتهی اجلی ولا تشمت بی عدوی — تمکنه ...
ولا تسلطه علی ولا تمکنه من عنقی الهی ان وضعتنی فمن ذا الذی یرفعنی وان رفعتنی فمن ذا الذی

يضعني وان املكتني فمن ذا الذي يعرض لك في عبدك او يسئلك عن امره وقد علمت
انه ليس في حكمك ظلم ولا في نقمتك عجلة وانما يعجل من يخاف الفوت وانما يحتاج الى الظلم
الضعيف وقد تعاليت عن ذلك علواً كبيراً فصل على محمد وآل محمد وانصرني واهدني وارحمني
وأثبني وارزقني واعني واغفر لي وتب علي واعصمني واستجب لي في جميع ما سألتك وارزقه
لي وقدّره لي ويسّره وامضه وبارك لي فيه وتفضل علي به واسعدني بما اعطيتني منه
وزدني من فضلك الواسع سعة من نعمك الدائمة وواصل لي ذلك كله بخير الآخرة و
نعيمها يا ارحم الراحمين دو یم سید بن باقی قدس الله روحه در اختیار ابتدعا را برای روز اعلموا ن
دویم نقل نموده اعلم ان الله على كل شيء قدير لا اله الا الله رب العرش العظيم اللهم اني
اسألك في يومي هذا وفيما قبله وفيما بعده العفو يا خير من اعتمد عليه المعتمدون ويا خير
من قصده القاصدون ويا خير من هرب اليه الهاربون يا خير من سأله السائلون يا خير
من رجاه في المجتهدين يا خير الرازقين يا ذا القوة المتين يا ولي الذاكرين يا خير المسؤولين المجتهدين ن
يا منقذ الغرقى يا منجي الهلكى يا اسمع السامعين يا ابصر الناظرين يا امان الخائفين يا صريخ الهلكى ن
المستصرخين يا ملجأ اللاجئين يا رازق المقلين يا غافر ذنوب المذنبين يا مطلق المسجونين
يا من يعفو عن المسيئين يا زائد الشاكرين يا معذب الكافرين يا سبيل الصالحين يا اعلم العالمين
يا احكم الحاكمين يا من لا تغيّره الدهور والسنون يا امان المؤمنين يا جار المتوكلين يا مقدساً يا باراً بالمغفرة ن
في السموات ويا مقدساً في الارضين يا عظيماً في العالمين يا من لا يعرف البليات يا من هو عالم
الخفيات يا من يضاعف في الحسنات يا منزل البركات يا رب السموات يا مفرج الكربات يا محيي
الاموات يا باعث النسمات يا من لا تشتبه عليه اللغات يا معطي المسألات يا قابل التوبات
يا رافع الدرجات يا من خضعت لامره الامواج المتلاطمات يا من تسبحه الحيتان السابحات
يا من اطاعته الرياح العاصفات يا من بقدرته تجري البحار المنشآت يا من يسمع ويرى
المناجاة يا من بنعمته تتم الصالحات يا ذا المن والعطيات يا من جل عن الصفات وعظم
وتعالى عن الشبهات يا من يعلم ما في البر والبحر والفلوات يا ذا الفضل والكرامات اسئلك
ان تصلي على محمد وآل محمد الطاهرين وتغفر لي مغفرة عزماً جزماً لا يغادر لي ذنباً ولا تكتب

بعدما

بعد ما علي حساباً وان ترضى عني في يومي هذا رضاً لا تغضب علي بعده وان تغفر لي ما
تقدم من ذنبي وما تأخر وان تنجيني من العذاب الادنى ومن العذاب الاكبر وان تعطيني
قوة في عبادتك وبصراً في كتابك وفقهاً في حكمك وتبيض وجهي بنورك وتجعل رغبتي في لقائك
وغناي في عطائك وتغنيني فيما عندك انك على كل شيء قدير وصلى الله على محمد وآله الطاهرين
وسلم سیم صاحب کتاب ذخیره از ابن عباس روایت نموده که رسول خدا صلى الله عليه وآله فرموده دعای روز دویم
که هر که ابتدعا را در روز دویم ماه مبارک رمضان بخواند حق تعالی عطا فرماید باو بعدد هر کافری
که در تمام عمر خود برداشته باشد ثواب عبادت یک ساله که در روز ها ان روزه باشد و شبها ان را
بعبادت بر پا داشته باشد و دعا اینست اللهم قربني فيه الى مرضاتك وجنبني فيه من سخطك
ونقماتك ووفقني فيه لقرائة كتابك برحمتك يا ارحم الراحمين شب سیم اعمال ان چند چیز است
اول احیا داشتن ان بعبادت چنانچه بعد از این خبر ان مذکور میشود دویم غسل زیرا که لازمه
شبهای طاق است چنانچه سید بن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال گفته که در خبر وارد شده
که در هر شبی از شبهای طاق ماه رمضان غسل مستحب است سیم شیخ شهید طاب ثراه در کتاب اربعین
از رسول خدا صلى الله عليه وآله روایت کرده است که هر که در این شب ده رکعت نماز بکند که در هر رکعت
بعد الحمد ... سوره قل هو الله احد پنجاه نوبت منادی از جانب حق تعالی او را
ندا کند که بدرستی که فلان پسر فلان آزاد کرده خدا است از آتش جهنم و درها اسمان برای او گشوده
شود تا هر دعائی که کند باجابت مقرون گردد و هر که این شب را بعبادت احیا کند حق تعالی جمیع گناهان
او را بیامرزد چهارم سید بن طاوس قدس الله روحه در کتاب اقبال از کتاب عمل شهر رمضان
ابن ابی قره ابتدعا را برای این شب نقل نموده اللهم صل على محمد وآل محمد وافتح قلبي لذكرك
واجعلني اتبع كتابك واؤمن برسولك واوفي بعهدك والبي دعوتك وتقبل صومي اللهم
اني اتقرب اليك في هذا الشهر الشريف العظيم بجودك وكرمك واتقرب اليك بملائكتك
وانبيائك ورسلك واتقرب اليك بالمستغفرين اوليائك واحبائك واسئلك ان تصلي على
محمد وآل محمد وتغفر لي الذنوب جميعاً الساعة الساعة الليلة الليلة و دستهای خود را بلند
بلند کن و سعی کن که اشک از چشمهایت جاری شود پنجم سید در اقبال و ابن باقی در اختیار ابتدعا را

دعای روز دویم

سخطك
آلائك يا اله العالمين ويا خير الناصرين برحمتك يا ارحم الراحمين

از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله بوی رسانیده شب بیست و دوم روایت کرده اند یا اله ابراهیم و اله اسحق
و اله یعقوب و الاسباط رب الملائکة و الروح السمیع العلیم العلیم الکریم العلی العظیم لک
صمت و علی رزقک افطرت و الی کنفک اویت و الیک انبت و الیک المصیر و انت الرؤف الرحیم
قوّنی علی الصلوة و الصیام و لا تخزنی یوم القیمة انک لا تخلف المیعاد روز بیستم سید بن طاوس — روز بیستم
رحمه الله در اقبال گفته که در روایتی وارد شده که در این روز انجیل بر حضرت عیسی علیه السلام نازل
شد و این معنی سبب زیادتی احترام این روز گردد و اعمال چند امر است اول سید در کتاب مذکور از
جمله دعاها این روز این دعا را نقل نموده یا من تحل به عقد المکاره و یا من تفثا به حد الشدائد
و یا من یلتمس منه المخرج الی محل الفرج ذلت لقدرتک الصعاب و تسببت بلطفک الاسباب و
جری بطاعتک القضاء و مضت علی ارادتک الاشیاء فهی بمشیتک دون قولک مؤتمرة و با
رادتک دون نهیک منزجرة انت المدعو للمهمات و انت المفزع فی الملمات لا یندفع منها
الا ما دفعت و لا ینکشف الا ما کشفت و قد نزل بی یا رب ما قد تکادنی ثقله و الم بی ما قد بهظنی
حمله و بقدرتک اوردته علی و بسلطانک وجهته الی و لا مصدر لما اوردت و لا مورد لما
اصدرت و لا صارف لما وجهت و لا فاتح لما اغلقت و لا مغلق لما فتحت و لا میسر لما عسرت
و لا معسر لما یسرت و لا ناصر لمن خذلت و لا خاذل لمن نصرت فصل علی محمد و آل محمد و افتح لی
یا رب باب الفرج بطولک و اکسر عنی سلطان الهم بحولک و انلنی حسن النظر فیما شکوت
و اذقنی حلاوة الصنع فیما سئلت و هب لی من لدنک فرجا هنیئا و اجعل لی من عندک مخرجا وحیا
و لا تشغلنی بالاهتمام عن تعاهد فروضک و استعمال سنتک فقد ضقت لما نزل بی ذرعا
و امتلأت بما حدث علی هما و انت القادر علی کشف ما منیت به و دفع ما وقعت فیه فصل
علی محمد و آل محمد و افعل بی ذلک و ان لم استوجبه منک یا ذا العرش الکریم و السلطان العظیم
یا خیر من خلونا به وحدنا و یا خیر من اشرنا الیه بکفینا نسئلک اللهم ان تلهمنا الخیر و تعطینا
و ان تصرف عنا الشر و تکفیناه و ان تدحر عنا الشیطان و تبعده و ان ترزقنا الفردوس
و تحلناه و ان تسقینا من حوض محمد و آل محمد صلوات الله علیه و آله و تروینا ندعوک یا ربنا تضرعا
و خیفة و رغبة و رهبة و خوفا و طمعا انک سمیع الدعاء و صلی الله علی محمد و آله اللهم انی

اسئلك

اسئلك من عاذ بك منك و لجأ الی حرزك و استظل بفیئك و اعتصم بحبلك و لم یثق الا بك
یا جزیل العطایا و یا فکاک الاساری انت المفزع فی الملمات و انت المدعو للمهمات صل علی محمد و
و اجعل لی — آل محمد و اجعل لی فرجا و مخرجا و رزقا واسعا بما شئت انی شئت کیف شئت یا ارحم الراحمین دوم
سید بن باقی در اختیار این دعا را برای این روز نقل نموده اللهم انی اسئلك یا میسر کل عسیر و یا من
هو حسن التدبیر یا من لا یحتاج الی التفسیر و یا من هو اکبر من کل کبیر یا من لا شریك — تفسیر
له و لا وزیر یا من لا صاحبة له و لا ضد و لا ند و لا معین و لا ظهیر یا جابر العظم الکسیر یا معین
البائس الفقیر یا خالق الشمس و القمر المنیر یا سالك الفلك المدیر یا رازق الطفل الصغیر اسئلك
ان تفتح مسامع قلبی لذکرك و اتباع کتبك و التصدیق بانبیائك و الوفاء بعهدك و الایمان
بوعدك فانی یا الهی بنورك اهتدیت و بفضلك استغنیت بك اصبحت و امسیت الهی ذنوبی
بین یدیك استغفرك منها و اتوب الیك اللهم لا تخزنی فی الاشرار و لا تکتبنی فی اهل النار
و احبنی حبوة طیبة کریمة و الحقنی بالابرار اللهم انی استغفرك لذنوبی و اعرض علیك حوائجی
و اسئلك فوق رغبتی و انتسب الی کرمك فی التجاوز عن ظلمی لنفسی و ان تجعل غنای و هدای و ان
تتقبله منی و تبلغنی تمامه و تسلمه لی و تسلمنی من الاثم فیه لعزك العظیم برحمتك یا ارحم — تتقبله
الراحمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین سیم صاحب کتاب ذخیره از ابن عباس روایت کرده است — روز بیستم
که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله فرمود که هر که روز بیستم ماه رمضان این دعا را بخواند حق تعالی برای
او در جنة الفردوس خانه بنا کند از در سفید که در بالای آن هفتاد هزار هزار غرفه باشد از نور
ساطع و در میان آن خانه نهرها باشد از غرفها باشد و در هر غرفه هزار هزار سریر باشد بر
هر سریری حوریه نشسته باشد و داخل شود بر او هر روز هزار ملك از جانب حق تعالی با هدیه ها — یا عزیز
تحفها و دعا اینست اللهم اکفنی فیه الیمن و التیه و اعذنی فیه عن الشماتة و النقوبة — منّ
و اجعل لی نصیبا من کل خیر تنزل فیه بجودك یا اجود الاجودین شب بیست و یکم و اعمال آن چند امر است اول — انزلتها بجودك یا احکم الحاکمین برحمتك یا ارحم الراحمین
شیخ شهید قدس الله روحه در کتاب اربعین از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که
هر که در این شب هشت رکعت نماز کند در هر رکعت یک سلام و در هر رکعتی حمد یک مرتبه و سوره
انا انزلناه فی لیلة القدر بیست مرتبه حق تعالی عمل او را در این شب با الابد با عمل هفت بنده کریم

مسالت بیست و دوم دعا که خوانده شود باشد دو پنجم سید طاب ثراه در کتاب اقبال از کتاب عمل شهر رمضان
ابن ابی قره روایت کرده این دعا را برای این شب نقل نموده الهي ما عملت من حسنة او ارتكبت ما لا عذر لي فيه الهي اعوذ بك
ان اتكل على ما لا احمد لي فيه او ارتكب ما لا عذر لي فيه الهي استغفرك مما تبت اليك منه ثم
عدت فيه واستغفرك مما وعدتك من نفسي ثم اخلفتك فيه واستغفرك مما اردت به
وجهك الكريم فخالطني ما ليس لك فيه واستغفرك لكل نعمة انعمت بها علي فقويت بها
على معاصيك واستغفرك لكل ذنب اذنبته ولكل خطيئة ارتكبتها ولكل سوء اتيته يا الهي
واسالك ان تصلي على محمد وال محمد وتهب لي تبعتك كل ذنب فيما بيني وبينك وان ترضي عني
من خلقك وتستنقذني منهم ولا تجعل حسناتي في موازين من ظلمته واسات اليه فانك
على ذلك قادر يا عزيز وكل ذنب انا عليه مقيم فانقلني عنه الى طاعتك يا الهي وكل ذنب
اريد ان اعمله فاصرفه عني وانقلني الى طاعتك يا ارحم الراحمين اللهم اني اسالك باسمائك
التي لا يسع فيها شيء يا الله الرحمن الرحيم الذي لا يعلم كنه ما هو الا انت ان تصلي على محمد وال
محمد وان تغفر لي ما سلف من ذنوبي وتعصمني فيما بقي من عمري وتعطيني جميع سؤلي في ديني
ودنياي وآخرتي ومثواي يا ارحم الراحمين بیست ایضا سید بن طاوس و ابن باقی قدس الله ر
وحهما در اقبال و اختیار این دعا را برای این شب از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده
اند يا رب الدنيا والآخرة ورحيمهما ويا جبار الدنيا ويا مالك الملوك ويا رازق العباد
هذا شهر التوبة وهذا شهر الثواب وشهر النجاة وانت السميع العليم اسالك ان تجعلني
في عبادك الصالحين الذين لا خوف عليهم ولا هم يحزنون وان تسترني بالستر الذي
لا يهتك وتجللني بعافيتك التي لا ترام وتعطيني سؤلي وتدخلني الجنة برحمتك وان
لا تدع لي ذنبا الا غفرته ولا هما الا فرجته ولا كربة الا كشفتها ولا حاجة الا قضيتها
بحق محمد وال محمد انك انت الاجل الاعظم بیست و هفتم در اعمال آن چند چیز است اول سید بن دو پنجاه
طاوس طاب ثراه در اقبال این دعا را برای این شب نقل نموده است یا کهفی حين تعييني المذاهب
ويا ملجاي حين تضلني الحيل ويا بارئ خلقي رحمة بي وكنت عن خلقي غنيا يا مؤيدي
بالنصر على اعدائي ولولا نصرك اياي لكنت من المغلوبين ويا مقيل عثرتي ولولا سترك
عورتي

عورتي لكنت من المفضوحين ويا مرسل الرياح من معادنها ويا ناشر البركات من مواضعها
ويا من خص نفسه بالشموخ والرفعة فاولياؤه بعزته يتعززون ويا من وضع نير المذلة
على اعناق الملوك فهم من سطواته خائفون اسالك باسمك الذي هو من نورك واسالك
بنورك الذي هو من كينونتك واسالك بكينونتك التي هي من كبريائك واسالك بكبريائك
التي من عظمتك واسالك بعظمتك التي هي من عزتك واسالك بعزتك التي لا ترام
وبقدرتك التي خلقت بها خلقك فهم لك مذعنون وباسمك الاجل الاعظم المبين
ان تصلي على محمد وآله وان تقضي عني ديني وتغنيني من الفقر وتمتعني بسمعي وبصري وتجعلهما
الوارثين مني وان ترزقني من فضلك الواسع من حيث احتسب ومن حيث لا احتسب فانه
لا حول ولا قوة الا بك يا الله يا رب صل على محمد وال محمد واغفر لي ولكل مؤمن ومؤمنة
يا ارحم الراحمين دو ششم سید بن باقی در اختیار این دعا را برای این روز نقل نموده است
اخبر اله و خبر اله اللهم اني اسالك يا من هو اكبر وابصر واخبر واقدم واقدر واظهر وانور واشكر
واستر وافخر وانصر واعز واكبر واسمع واقنع واعلى وارفع واخلف واعطف وادنى
وامجد واحمد واكمل وافضل واشفق وارفق واصدق وارحم واجل واعظم واحكم
واقوم واقدم واملك وارزق واقبض وابسط واسبغ واحفظ واغنى واقنى و
اعلى واوفى وابلى واعطى وانمى واكلى واسخى واهدى وارشد واعز واجل واقرب
واغلب واهيب وبحقك الواجب على من صام لوجهك الكريم في هذا اليوم وفي
هذا الشهر منذ فرضته وعلى محمد صلى الله عليه وآله وسلم وعلى امته ان لا تدع
لي ذنبا الا غفرته ولا هما الا فرجته ولا غما الا نفسته ولا عسرا الا يسرته ولا املا
الا اصلحته ولا دينا الا قضيته ولا مرضا الا شفيته ولا عيبا الا سترته اللهم اصرف
عني فتنة الآفات والعاهات والبلوى والبليات واغفر لي الموبقات وانجح لي الطلبات
وارفع لي الدرجات ووفقني للصالحات وادخلني الجنات مع المؤمنين والمؤمنات والقائلين
عني مخلصا لا اله الا الله وحده لا شريك له اللهم اني اسالك يا من اياديه لا تحصى و
يا من ذكره لا ينسى ويا من نعمه لا تفنى يا من علا فاستعلى يا من علا فتعالى يا اهل الفضل

والآلاء يا من العرش من نوره يتلألأ اسألك بما مدحتك به من اسمائك في يومي هذا
وناجيتك به في هذا الشهر الميمون المفروض المبارك وبما مننت به على اوليائك وانبيائك
ورسلك واهل طاعتك ان تعتق رقبتي من النار وتصلح لي الشأن وتهب لي حوائج الدنيا
والآخرة والامن والعافية والغنى والمغفرة انك على كل شيء قدير وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

سیم صاحب ذخیره از ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود که هر که در
روز چهارم ماه مبارک رمضان این دعا را بخواند حق تعالی در جنة الخلد عطا کند هزار سریر یاقوت و عطا نماید
که بر هر سریری حوریه نشسته باشد و دعا اینست اللهم قوني فيه على اقامة امرك وارزقني
فيه حلاوة ذكرك واوزعني فيه لاداء شكرك بكرمك يا خير الناصرين شب پنجم واعمال آن چند چیز است
اول غسل زیرا که از شبهای طاق است دویم شیخ شهید طاب ثراه در کتاب اربعین از رسول خدا صلی
الله علیه وآله روایت کرده است که هر که در این شب دو رکعت نماز بکند و در هر رکعتی حمد یکنوبت
و سوره قل هو الله احد پنجاه نوبت و چون از نماز فارغ شود صد نوبت اللهم صل على محمد وآل محمد
بگوید در بهشت عنبرسرشت فردای روز قیامت رفیق و مصاحب من که محمدم صلی الله علیه وآله و علی بن
ابی طالب علیه السلام خواهد بود سیم سید ابن طاوس رضی الله عنه در کتاب اقبال از کتاب عمل شهر رمضان
ابن ابی قره رضوان الله علیه این دعا را برای این شب نقل نموده اللهم اني اسألك باسمائك خير
الاسماء التي تنزل بها الشفاء وتكشف بها الاذى ان تصلي على محمد وآل محمد وان تنزل
بي عافية وشفاء وتمنع عني باسمك كل سقم وبلاء وتقبل صومي وتجعلني ممن
صام وقام وترضيت عمله وتجعلني ممن صامت جوارحه وحفظ لسانه وفرجه وترزقني
عملا ترضاه ومن علي بالعصمة والسكينة وورعا يحجزني عن معصيتك يا ارحم الراحمين چهارم
سید ابن طاوس در اقبال و سید ابن باقی در اختیار این دعا را از ابن عباس از رسول خدا صلعم روایت
کرده است يا صانع كل مصنوع ويا جابر كل كسير ويا شاهد كل نجوى ويا بارئ ويا سيداه انت النور
وفوق النور ونور كل نور فيا نور كل نور اسألك ان تغفر لي ذنوب الليل وذنوب النهار و
ذنوب السر وذنوب العلانية يا قادر يا مجيب يا واحد يا احد يا صمد يا ودود يا غفور يا رحيم
يا غافر الذنب وقابل التوب شديد العقاب ذا الطول لا اله الا انت وحدك لا شريك لك تحييني
ويميت

دویم

اوزعني نسخه
لاداء شكرك بكرمك واحفظني فيه بحفظك وسترك يا ابصر الناظرين

ويميت وتميت وتحيي وانت الواحد القهار صل على محمد وآل محمد واغفر لي وارحمني واعف عني وارحمني
انك انت الرحمن الرحيم روز پنجم واعمال آن چند چیز است اول سید ابن طاوس در اقبال این دعا را برای
این روز نقل نموده است اللهم صل على محمد وآل محمد وانزع ما في قلبي من حسد او غل او غش او بغي
او فرح او مرح او بطر او اشر او خيلاء او شك او ريبة او نفاق او شقاق او غفلة او قطيعة
او جفاء او ما تكرهه مما هو في قلبي اللهم ارزقني التثبت في امري والمشاورة مع اهل
النصيحة والمودة لي والتواضع في قلبي والتماس البركة في ما انعمت به علي اللهم ارزقني سلامة
الصدر والسكينة الى ما تحب وترضى اللهم ارزقني شرح الصدر وانفتاحه لما تحب و
ترضى ونور القلب وتفهمه لما تحب وترضى وذكاء القلب وتمتعه لما تحب وترضى و
ضياء القلب وتوقده فيما تحب وترضى وحسن الامن وامانه بما تحب وترضى يا من بيده
صلاح القلب اصلحه لي يا من بيده سلامة القلب فاجعله سالما لي وارزقني ما سألتك وتفضل
علي بما لم اسأل اللهم ارزقني من فضلك وسعتك وجودك وكثرة نائلك ما انت اهله
اللهم اغنني عن طلب ما لم تقدره لي وسهل سبيل ما رزقتني منه وسقه الي في عافية و
يسر ورحمة ولطف ولا تعسره لي اللهم لا تنزع مني صالحا اعطيتنيه ولا توقفني في شر استنقذتني
منه واكفني برزقك من جميع خلقك اللهم صل على محمد وآل محمد ومتعنا باسماعنا وابصارنا
واجعلهما الوارثين منا فانه لا حول ولا قوة الا بك دویم سید ابن باقی رحمه الله در اختیار
این دعا را نقل نموده برای این روز اللهم اني اسألك بلا اله الا انت يا لا اله الا انت ان تصلي على
محمد وآل محمد واهل بيته الاخيار وان تتوب علي في هذا الشهر كما تبت على ابينا آدم عليه السلام
وان تنجيني من كربات الدنيا كما نجيت نوحا عليه السلام من الكرب العظيم وان تبارك لي في
هذا الشهر كما باركت على ابراهيم وآل ابراهيم انك حميد مجيد وان ترضى عني فيه كما رضيت عن
اسماعيل عليه السلام وان تصرف عني الفحشاء كما صرفت عن يوسف عليه السلام وان تمن
علي بالفضل كما مننت على موسى عليه السلام وان تتقبل مني كما تقبلت من داود عليه السلام وان
تستجيب دعائي كما استجبت لزكريا عليه السلام وان تكشف عني الضر كما كشفته عن ايوب
عليه السلام وان تنجيني من الآفات كما نجيت ذا النون من بطن الحوت عليه السلام وان

روز پنجم

تكشفه نسخه

تنفع لی فتحا مبارکا کما نفعت لادریس علیه السلام مکانا علیا وان توفقنی للصالحات کما وفقت شعیبا علیه السلام وان تسلمه لی سلمت الیاس علیه السلام وان تهب لی برکته وتعینه من لدنک سلطانا نصیرا کما وهبت لسلیمان ملکا عظیما علیه السلام وان تکرمنی کما اکرمت عیسی بن مریم علیهما السلام وان تهدینی کما هدیت نبینا محمدا صلی الله علیه واله وان تعتقنی فیه من النار وتسلبنی ایاک برحمتک وان تجعلنی کما تحب وترضی فی جمیع الصور انک علی کل شیء قدیر وصلی الله علی محمد واله الطاهرین **سیم** صاحب کتاب ذخیره از ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه واله فرمود که هر که این دعا را در روز پنجم ماه مبارک رمضان بخواند حق تعالی در جنة المأوی هزار هزار کاسه باو عطا فرماید که در هر کاسه هزار هزار رنگ از طعام باشد و دعا اینست اللهم اجعلنی فیه من عبادک الصالحین القانتین واجعلنی فیه من اولیائک المقربین المتقین برأفتک یا اکرم الاکرمین **شب ششم** و اعمال آن چند چیز است **اول** شیخ شهید طاب ثراه در کتاب اربعین از رسول خدا صلی الله علیه واله روایت کرده است که هر که در این چهار رکعت نماز بکند که در هر رکعت بیک سلام و در هر رکعتی حمد بکوید و سوره تبارک الذی بیده الملک بکوید پس کویا که شب قدر را دریافته است **دویم** سید ابن طاوس رحمه الله در اقبال از کتاب عمل شهر رمضان ابن ابی قره رضی الله عنه این دعا را برای این شب نقل نموده است اللهم لک الحمد والیک المشتکی اللهم انت الواحد القدیم والآخر الدائم والرب الخالق والدیان الذی تفعل ما تشاء بلا مغالبة وتعطی من تشاء بلا منّ وتمنع ما تشاء بلا ظلم وتداول الایام بین الناس ویرکبون طبقا عن طبق اسألک یا ذا الجلال والاکرام والعزة التی لا ترام واسألک بالله واسألک یا رحمن اسألک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تعجل فرج آل محمد وفرجنا بفرجهم وتقبل صومی واسألک خیر ما ارجو واعوذ بک من شر ما احذر ان انت خذلت فبعد الجحد وان انت عصمت فتمام النعمة یا صاحب محمد صلی الله علیه واله یوم حنین وصاحبه ومؤیده یوم بدر وخیبر والمواطن التی نصرت فیها نبیک علیه واله السلام یا مبیر الجبارین ویا عاصم النبیین اسألک واقسم واعزم علیک بحق یس والقرآن الحکیم وبحق طه وسایر القرآن العظیم ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تحصرنی عن الذنوب والخطایا وان تزیدنی فی هذا الشهر العظیم تأییدا تربط به علی جاشی

المستغفرین واجعلنی فیه

ارحم الراحمین

دنه

وتندیه علی خلقی اللهم انی ادرءک فی نحور اعدائی لا اجد لی غیرک ما انا بین یدیک فاصنع بی ما شئت لا یصیبنی الا ما کتبت لی انت حسبی ونعم الوکیل **سیم** سید ابن باقی رحمه الله علیه در اختیار این دعا را برای این شب از حضرت رسالت صلی الله علیه واله روایت نموده است اللهم انت السمیع العلیم وانت الواحد الکریم وانت الاله الصمد رفعت السموات بقدرتک ودحوت الارض بعزتک وانشات السحاب بوحدانیتک واجریت البحار بسلطانک یا من سبحت له الحیتان فی البحور والسباع فی الفلوات یا من لا یخفی علیه خافیة فی السموات السبع والارضین السبع یا من تسبح له السموات السبع والارضون السبع ومن فیهن یا من لا یموت ولا یموت ویبقی الا وجهه الجلیل الجبار صل علی محمد واله واغفر لی وارحمنی واعف عنی انک انت الغفور الرحیم **دوم نهم** شیخ مفید قدس الله روحه السعید در کتاب مسار الشیعه گفته که در این روز توبه بر حضرت موسی علیه السلام نازل شد و در این روز در سال دویست و یک هجری مامون ملعون با حضرت امام رضا صلوات الله علیه بخلافت بیعت نمود و این روز شریف است که سرور مؤمنین در آن متجدد شده و مستحب است در آن صدقه و اعانت مساکین و بسیار شکر کردن حق تعالی جهة آنکه حق تعالی آل محمد علیهم السلام را در این روز ظاهر کردانید و بینی منافقین را بر خاک مالید و در کتاب تواریخ شرعیه بیعت آنحضرت را به تنهائی در این روز نقل نموده و ظاهر آنست که در باب صدقه حدیثی بخصوص وارد نشده باشد و چون نصدق و شکر الهی در ایام متبرکه عموما فضیلت دارد شیخ هم در این روز ذکر نموده و چون این روز از بد اختصاص به آنحضرت است زیارت آنحضرت اگر نزدیک و ... بمنزله ... واعمال آن چند امر است **اول** سید در اقبال گفته که روایتی وارد شده که در این روز دوازده رکعت نماز باید کرده شود در هر رکعتی حمد بگوید و سوره قل هو الله احد بیست و پنج مرتبه بجهة آنکه در این روز فضیلت حضرت امام رضا صلوات الله علیه ظاهر شده **دویم** سید در اقبال این دعا را برای این روز نقل نموده است یا خیر من وجهت الیه وجهی یا خیر من شکوت الیه وحدتی یا خیر من شخصت الیه بصری یا خیر من نلجأته فی سرّی یا خیر من بسطت الیه یدی یا خیر من رجوته فی حاجتی یا خیر من نکرت فیه بقلبی یا خیر من اشرت الیه بکفی اجعل افضل صلواتک علی افضل خلقک محمد واله علیه وعلیهم السلام

واجعلهم وایانا وما تفضلت به علیهم وعلینا فی کنفک وحرزک وکفایتک وکلائتک
وسترک الواقی من کل سوء ومخوف فی الدنیا والاخرة فانا بک استغثنا واعتصمنا وتعززنا
بک وانت الغالب غیر المغلوب ومن بغانا کل من اراد اهل بیت محمد واشیاعهم واحبائهم
بسوء او بخوف او باذی بلا اله الا الله الحلیم الکریم بلا اله الا الله العلی العظیم بلا اله
الا الله رب السموات السبع وما فیهن ورب الارضین وما فیهن وما بینهن ورب العرش
العظیم **سیم** سید ابن باقی قدس الله روحه در اختیار این دعا را برای این روز نقل نموده است
اللهم ربی والهی وسیدی وثقتی ورجائی واملی وموضع شکوای ومن الیه ملجای ومن هو
ثقتی فی کل احوالی انی اصبحت ربی الیک فاقة ولی الیک حاجات ولک عندی طلبات وانا
مرتهن بما اجترمت فیها بارزتک به من المعاصی ومخالفة ما امرتنی به وتائب الیک
منها فاغفرها لی من لدنک بعظیم عفوک وبسعة رزقک ورحمتک وجودک وکرمک ومغفرتک
کلها قدیمها وحدیثها خطاها وعمدها مغفرة عزما جزما لا اکتسب بعدها خطأ ولا اکتسب علی
بعدها ذنبا ولا اثما یا ثقتی فی شدتی ومونسی فی وحدتی وکالئی فی وحشتی یا قدیم العفو
یا حسن البلاء یا الهی واله الخلق اجمعین اللهم انی عبدک العلیل الذلیل الخائف المستجیر الخاضع
الیک المضطر فی کل احواله الی خالقه باحتمال الخطایا سرا وعلانیة انا شر عبید وانت خیر رب
ومولی انت العواد بالمغفرة وانا العواد بالمعصیة وانا المستوجب لبوائق سخطک ولزوال
نعمک اسالک یا الهی بضیائک وبهائک وآلائک وکبریائک واسمائک الحسنی کلها وکلما
تک التامات کلها وایادیک القدیمة عندک ان تصلی علی محمد وآل محمد الاخیار وان تعتق
رقبتی من النار انک علی کل شیء قدیر وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین وسلم **چهارم** صاحب
کتاب دخیره از ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود که هر که در این
روز فاینده را اصلا بکند حق تعالی در بهشت با وجهل هزار شهر عطا فرماید که در هر شهری هزار هزار
خانه باشد که در هر خانه هزار هزار تخت بوده باشد که بر هر تختی هزار فرع باشد که بر هر
تختی حوری نشسته باشد که او را هزار گیسو باشد که هر گیسوی او را ایک کنیز برداشته و نعالیت
اللهم لا تخذلنی فیه بتعرض معصیتک ولا تقرعنی باسیاط نقمتک وزحزحنی فیه من موجبات
سخطک

وحفظنی فیه وحشتی فیه
القلیل فیه

معاملة التعرض
من سیاط نقمتک
وتعالیت
فی حفظک

متطلبا بمنک وایادیک یا منتهی رغبة الراغبین **شب ششم** واعمال آن چند چیز است **اول**
غسل زیرا که از شبهای طاقات **دویم** شیخ شهید قدس الله نفسه در کتاب اربعین از رسول
خدا صلی الله علیه وآله روایت کرده است که هر که در این شب چهار رکعت نماز بکند که هر دو رکعت
بیک سلام در هر رکعتی حمد بکوید و سوره انا انزلناه سیزده نوبت حق تعالی در جنة عدن قصری
از طلا برای او بنا کند و در امان الهی باشد تا ماه رمضان آینده **سیم** سید ابن طاوس رضوان الله
علیه در اقبال از کتاب عمل شهر رمضان ابن ابی قره رحمه الله این دعا را برای این شب نقل نموده است
یا صریخ المستصرخین ویا فارج کرب المکروبین ویا مجیب دعوة المضطرین ویا کاشف
الکرب العظیم یا ارحم الراحمین صل علی محمد وآل محمد واکشف کربی وهمی وغمی فانه لا یکشف
ذلک غیرک وتقبل صومی واقض لی حوائجی وابعثنی علی الایمان بک والتصدیق بکتابک
ورسولک وحب الائمة المهدیین اولی الامر الذین امرت بطاعتهم فانی قد رضیت
بهم ائمة اللهم صل علی محمد وآل محمد وادخلنی فی کل خیر ادخلت فیه محمدا وآل محمد
واجعلنی معهم فی الدنیا والاخرة ومن المقربین اللهم صل علی محمد وآل محمد وتقبل
صومی وصلواتی ونسکی فی هذا الشهر الرمضان المفترض علینا صیامه وارزقنی
فیه مغفرتک ورحمتک یا ارحم الراحمین **چهارم ایضا** سید ابن طاوس روح الله
روحه در اقبال از ابن باقی طاب ثراه در اختیار از رسول خدا صلی الله علیه وآله این دعا را
برای این شب نقل کرده اند یا من کان ویکون ولیس کمثله شیء یا من لا یموت ولا یبقی
الا وجهه الجبار یا من یسبح الرعد بحمده والملائکة من خیفته یا من اذا دعی اجاب یا
من اذا استرحم رحم یا من لا یدرک الواصفون صفته عن عظمته یا من لا تدرکه
الابصار وهو یدرک الابصار وهو اللطیف الخبیر یا من یری ولا یری وهو بالمنظر
الاعلی یا من لا یعجزه شیء ولا فوقه احد یا من بیده نواصی العباد اسالک بحق محمد صلی
الله علیه وآله علیک وحقک علی محمد ان تصلی علی محمد وآل محمد وان ترحم محمدا وآل
محمد کما صلیت وبارکت وترحمت علی ابراهیم وآل ابراهیم فی العالمین انک حمید مجید
مؤلف گوید که بعضی از فقرات این دعا را در اختیار ابن باقی موجود نیست و ظاهر آنست که

برحمتک
یا ارحم الراحمین

امرتهم بطاعتک

روز هفتم

سا قطع شده باشد روز هفتم و اعمال آن چند چیز است اول سید در اقبال استغفار از برای امروز نقل
نموده اللهم انت ثقتی حین یسوء ظنی باعمالی وانت املی عند انقطاع الحیل منی وانت
رجائی عند تضایق حلول البلاء علی وانت عدتی فی کل شدیدة نزلت بی وفی کل مصیبة
دخلت علی وفی کل کلفة صارت علی وانت موضع کل شکوی ومفرج کل بلوی انت
لکل غرغة ترجی ولکل شدیدة تدعی الیک المشتکی وانت المرتجی للآخرة والاولی اللهم
ما اکبر همی ان لم تفرجه واطول حزنی ان لم تخلصنی واعظم حسرتی واخف میزانی ان
تثقله وازل لسانی اذ لم تثبته واوضع جدی ان لم تقل عثرتی انا صاحب الذنب الکبیر
والجرم العظیم انا الذی بلغت بی سوء تی وکشف قبائحی ولم یکن بینی وبینک حجاب یواری
بینی منک فلو عاقبتنی علی قدر جرمی لما فرجت عنی طرفة عین ابدا اللهم انا الذلیل
الذی اعززت وانا الضعیف الذی قویت وانا المعتر الذی سترت فما شکرت نعمتک
ولا ادیت حقک ولا ترکت معصیتک یا کاشف کرب ایوب وسامع صوت یونس
المکروب وفالق البحر لبنی اسرائیل ومنجی موسی ومن معه اجمعین اسالک ان تصلی علی محمد
وآل محمد وان تجعل لی من امری فرجا ومخرجا ویسرا برحمتک یا ارحم الراحمین دوم سید
ابن باقی طاب ثراه در اختیار استغفار از برای امروز نقل نموده لا اله الا الله وحده لا شریک
له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت ویمیت ویحیی وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل
شیء قدیر لا اله الا الله وحده لا شریک له ولا نعبد الا الله الا ایاه لا اله لا اله وحده
لا شریک له سبحان الله وبحمده لا اله الا الله الها واحدا ونحن له مسلمون اللهم انت العالم
بما ظهر منی وخفی عن خلقک ولولا سترک لی وتحننک علی لکنت من المفضوحین سیدی
اوقرتنی بالنعم واوقرت صحیفتی ذنوبا نظرت لی بکرمک ولم انظر لنفسی بسوء
وابتی کم من ذنب عظیم وخطیئة موبقة احصیت علی فی سواد اللیل وضوء
النهار استحیی من ذکرها نسیته بین یدیک فبئس العبد انا لنفسی ونعم الرب
انت لی تدعونی فاولی عنک کأن لی التطول علیک فاسالک بالحق بقدرتک التی
قدرت بها علی ذنوبی باحصائها وبالرحمة التی سترت بها ما قبح من ذنوبی ان

اعسر د د / ان لم تیسرها د د

الله الا ایاه د د

یا مولای د د

احصائها د د

تصلی

تصلی علی محمد واهل بیته الاخیار وتعتقنی من النار فی یومی هذا من شهرک المیمون المعصوم
وان تختم لی فی هذا الیوم بخیر مع المؤمنین والمؤمنات الاحیاء منهم والاموات یا الله اهله
حتی افوز یا مولای بحبی فی کلی عملک ولما جرت عادتک مع امثالی من خلقک وان ترزقنی
الامن والعافیة والغنی والمغفرة انک علی کل شیء قدیر یا ارحم الراحمین وصلی الله علی
محمد وآله الطاهرین وسلم کثیرا سیم صاحب کتاب ذخیره از ابن عباس روایت کرده است
که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود که هر که در روز هفتم ماه رمضان این دعا را بخواند حق تعالی
او را بهشت عطا کند اینجا را بنهد او وسعدا واوابله عطا فرماید و دعا اینست اللهم اعنی علی
صیامه وقیامه وجنبنی فیه من هفواته واثامه وارزقنی فیه ذکرک وشکرک بدوامه
بتوفیقک یا هادی المؤمنین شب هشتم و اعمال آن چند امر است اول شهید طیب الله تربته در کتاب اربعین
از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت نموده است که هر که در این شب هشت رکعت نماز بکند در هر رکعتی حمد
یک نوبت و سوره قل هو الله احد پانزده نوبت و بعد از نماز هزار مرتبه سبحان الله بگوید بهشت در
برو برای او مفتوح شود و داخل بهشت شود از هر دری که خواهد دوم آنکه بکند در این موضع سهو
کفعمی در جنة الامان سهو نموده و سوره قل هو الله احد را یازده نوبت نقل نموده است و کویا منشا سهو آنست
که لفظ احد در قل هو الله احد را متصل بلفظ عشر خوانده است و احد عشر گمان نموده است و نظیر این سهو
از او در صلوات لیالی رجب در جزء اول کذشت والله تعالی یعلم دوم سید ابن طاوس
قدس الله روحه در اقبال از کتاب عمل شهر رمضان ابن ابی قره استغفار از برای این شب نقل نموده است
اللهم انی اسالک الصلوة علی محمد وآل محمد والغناء من العیلة والامن من الخوف
اللهم انی اسالک النعیم المقیم الذی لا یحول ولا یزول یا الله یا نور النور لک التسبیح
سبحانک لا اله الا انت لک الکبریاء سبحانک بسم الله الرحمن الرحیم سبحان الله
وبحمده محمد رسول الله صلی الله علیه وآله اللهم صل علی محمد وآل محمد وتقبل صومی
ولا تنکس برأسی بین یدی محمد وآله صلواتک علیهم فقد بلغوا ونصحوا اللهم صل علی
محمد وآل محمد وابعثنی علی الایمان بک والتصدیق بکتابک ورسولک اللهم انی اسالک برکة
شهرنا هذا ولیلتنا هذه واسالک من کل خیر انزلته وانت منزل منها مغفرة ورضوانا

بحرام / هدایتک یا / هادی المضلین / واحفظنی / وآثامه د د

ورزقا واسعا وابسط علی وعلی عیالی وولدی واهلی وجمیع المؤمنین والمؤمنات انک علی
کل شیء قدیر اللهم انی اعوذ بک من زوال نعمتک واعوذ بک من شر کتاب قد سبق **سیم**
سید ابن طاوس وسید ابن باقی طاب ثراهما در اقبال و اختیار از رسول خدا صلی الله علیه و آله
ابن دعا را برای این شب روایت کرده‌اند اللهم هذا شهرک الذی امرت فیه عبادک بالدعاء و
ضمنت لهم الاجابة والرحمة وقلت واذا سألک عبادی عنی فانی قریب اجیب دعوة
الداع اذا دعان فادعوک یا مجیب دعوة المضطرین ویا کاشف السوء عن المکروبین ویا جاعل
اللیل سکنا ویا من لا یموت اغفر لمن یموت حقدرت وخلقت وسویت فلک الحمد انعمت
وسبغت واثبت ورزقت فلک الحمد اسألک ان تصلی علی محمد وآل محمد فی اللیل اذا یغشی
وفی النهار اذا تجلی وفی الآخرة والاولی وان تکفینی ما اهمنی وتغفر لی انک انت الغفور
الرحیم **مؤلف گوید که** روایت ابن باقی با روایت ابن طاوس اندک تفاوتی دارد و بعضی از فقرات
بین دو روایت موجود نیست و ظاهرا ساقط شده باشد **روز هشتم** و اعمال آن چند امر است
اول سید در اقبال برای این روز این دعا را نقل نموده اللهم انی لا اجد من اعمالی عملا اعتمد
علیه و اتقرب به الیک افضل من ولایتک و ولایة رسولک وآل رسولک الطیبین
صلواتک علیه وعلیهم اجمعین اللهم انی اتقرب الیک بمحمد وآل محمد واتوجه بهم الیک
فاجعلنی عندک یا الهی بک وبهم وجیها فی الدنیا والآخرة ومن المقربین فانی قد رضیت
بذلک منک تحفة وکرامة فانه لا تحفة ولا کرامة افضل من رضوانک والتنعم فی
دارک مع اولیائک واهل طاعتک اللهم اکرمنی بولایتک واحشرنی فی زمرة اهل ولایتک
اللهم اجعلنی فی ودائعک التی لا تضیع ولا ترد فی خائبا بحقک وحق من اوجبت حقه
علیک واسألک ان تصلی علی محمد وآل محمد وتعجل فرج آل محمد وفرجی معهم وفرج کل مؤمن
ومؤمنة برحمتک یا ارحم الراحمین **دوم** سید ابن باقی در اختیار این دعا را برای این روز
نقل نموده الحمد لله الفاشی فی الخلق حمده الظاهر بالکرم مجده الباسط بالجود یده الذی
لا تنقص خزائنه لسعة فضله وکرم عطایاه ولا یزیده العطایا الا جودا وکرما وتفضلا
واحسانا وهو العزیز الحکیم الکریم الوهاب العظیم اللهم لک الحمد کنت ربنا کائنا

غیر مکنون

غیر مکنون وحدک لا احد معک یبقی کبقائک بل تبقی ابدا ویفنی ما سواک ولک الخلق
والامر تبارک الله رب العالمین الحمد لله الذی لا مضاد له فی ملکه ولا شبیه له فی صفته
ولا منازع له فی امره ولا نظیر له فی سلطانه ولا شریک له فی خلقه برئت الارض ومن علیها
بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر الهی انا الذی بارزتک بخطیئاتی وکشفت قبائحی ولم یکن
بینی وبینک ستر یواربنی ولا حجاب یحجبنی الهی فما احسن بلائک عندی واظهر نعمائک
علی واکثر ایادیک لدی ان شکرتها عرفت واجب حقها الهی خلقتنی بقدرتک وصورتنی
فاحسنت وانعمت فاسبغت ورزقتنی فوفرت واعطیت فاجزلت بلا استحقاق منی لذلک
بعمل ولکن ابتدأت بالکرم والجود فلک الحمد لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین
یا عفو اللهم انک عفو تحب العفو فاعف عنی یا عفو فی هذه الدنیا وتکرم علی وارزقنی
الامن والعافیة والغنی والمغفرة انک علی کل شیء قدیر وصلی الله محمد وآله الطاهرین **سیم**
صاحب کتاب ذخیره از ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر که
این دعا را در این روز بخواند عمل او با عمل هزار صدیق با الاسناد و دعا این است اللهم اننقنی فیه
رحمة الایتام واطعام الطعام وافشاء السلام وصحبة الکرام بطولک
یا ملجأ الآملین **شب نهم** و اعمال آن چند امر است **اول** اول غسل زیرا که ان شبها طاق است **دوم** شیخ
شهید قدس الله روحه در کتاب بعضی از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده که هر که در
این شب میان نماز شام و خفتن شش رکعت نماز بکند در هر رکعت یک سلام در هر رکعت حمد یک نوبت
وآیة الکرسی هفت نوبت و بعد از نماز پنجاه نوبت اللهم صل علی محمد وآل محمد بگوید ملائکه عمل
او را با عمل صدیقان و شهیدان و صالحان بالا برند **سیم** سید ابن طاوس قدس الله روحه در
کتاب اقبال از کتاب عمل شهر رمضان ابن ابی قره رضی الله عنه این دعا را برای این شب نقل نموده
اللهم لک الحمد لا اله الا انت ربی وانا عبدک آمنت بک مخلصا لک دینی اصبحت علی عهدک
ووعدک ما استطعت اتوب الیک من سوء عملی واستغفرک لذنوبی التی لا یغفرها الا انت
صل علی محمد وآل محمد وتقبل صومی وتفضل علی وبلغنی انسلاخ هذا الشهر یا خیر المولی یا موضع
کل شکوی یا سامع کل نجوی ویا شاهد کل ملاء ویا عالم کل خفیة ویا کاشف ما یشاء من بلیته

وارزقنی فیه الامل برحمتک یا ارحم الراحمین

خليل ابرهيم ونجي موسى ومصطفى محمد صلى الله عليهم ادعوك دعاء من اشتدت فاقته
وضعف قوته وقلت حيلته دعاء الغريب الغريق المضطر البائس الفقير الذي لا يجد
لكشف ما هو فيه من الذنوب الا انت فصل على محمد وال محمد وفرج عني واكشف ما بي من ضر
وتقبل صومي وصلواتي في هذا الشهر العظيم وصلى الله على محمد واله الطاهرين چهارم سيد ابن
طاوس طاب ثراه در كتاب اقبال و سيد ابن باقي در كتاب اختيار از رسول خدا صلى الله عليه واله
اين دعا را براى اين شب روايت نموده اند يا سيداه يا ذا تاه ويا ذا الجلال والاكرام يا ذا العرش
الذي لا ينام ويا ذا العز الذي لا يرام يا قاضي الامور يا شافي الصدور واجعل لي من امري فرجا
ومخرجا واقذف رجاءك في قلبي حتى لا ارجو احدا سواك عليك سيدي توكلت واليك
مولاي انبت واليك المصير اسالك يا اله الالهة ويا جبار الجبابرة ويا كبير الاكابر
الذي من توكل عليه كفاه وكان حسبه وبالغ امره عليك توكلت فاكفني واليك انبت
فارحمني واليك المصير فاغفر لي ولا تسود وجهي يوم تسود وجوه وتبيض وجوه انك انت
العزيز الحكيم فصل على محمد وال محمد وارحمني وتجاوز عني انك انت الغفور الرحيم روز نهم
واعمال ان چند چيز است اول سيد ابن طاوس طاب ثراه در كتاب اقبال اين دعا را براى اين روز نقل نموده است
اللهم اغفر ذنبي واعصم علي واهد قلبي واشرح صدري ويسر لي امري وجود نفسي و
خفف ثقلي وامن خوفي وثبت حجتي وارفع حاجتي وبيض وجهي وارفع جاهي وصدق
قولي وبلغ حديثي وعافني في عمري وبارك لي في منقلبي واعصمني في جميع احوالي واوسع
علي في رزقي وسهل علي مطالبي واعطني من جزيل عطائك وافضل ما اعطيت احدا من
خلقك وتجاوز عن جميع ما عندي بحسن لطفك الذي عندك اللهم لا تشمت بي عدوي
ولا تمكنه من عنقي ولا تفضحني في نفسي ولا تفجعني في جاري وهب لي يا الهي عطية كريمة
رحمة من عطائك الذي لا ينفد فقد ضعفت قوتي وانقطع عن الخلق رجائي فقدرتك
يا رب ان ترحمني وتعافيني كقدرتك على ان تعذبني وتبليني فاجعل يا مولاي فيما قضيت
تعجيل خلاصي من جميع ما انا فيه من المكروه والمحذور والمشقة وعافني منه كله لا ارجو
لنفع ذلك عني احدا من خلقك فكن يا ذا الجلال والاكرام عند احسن ظني بك وامن
علی

على بذلك وعلى كل داع دعاك به يا مولاي من المؤمنين وانت سيدي امرت بالدعاء وضمنت
لمن شئت الاجابة ووعدك الحق الذي لا خلف له دوم سيد ابن باقي طاب ثراه در كتاب اختيار
اين دعا را براى اين روز نقل نموده است اللهم صل على محمد واله الطاهرين وافتح لي في يومي هذا ابواب
ابواب الرحمة اللهم فانك تستجيب الصلاة على محمد وقد سالتك الصلاة عليه في يومي
هذا فاستجب لي في نفسي صالح ما ادعو به في يومي هذا وما قبله وما بعده وفي شهري هذا
كما استجبت لي في محمد صلى الله عليه واله اللهم اعل على البنيان واتمه منزلته وذكره
واجعله مقبول الشهادة مرضي المقالة كما حكم وعدل وجهد ولم يقصر ونصح لامته و
جاهد في سبيلك وصبر على حسن بلائك حتى اتاه اليقين صلى الله عليه واله انا الذي لم ازل
اذنب وتغفر لي واخطا وتحسن الي انا الذي حملت الذنب انا الاسير ببليتي انا المجدد
خطيئتي انا المنقطع بي وقد وقفت نفسي بين يديك موقف الاذلاء موقف المذنبين المتحيرين
عليك المستخفين بحقك وعدك الناقضين لعهدك موقف من اسلمته ذنوبه وتبرء
منه خليله وغريبه الهي فارحم اليوم ضرعتي وعبرتي واقلني ذلتي واجعل بعد البلاء وصوح
المنقلب حسن الظن بك ثم وقوفي بين يديك يا مالك رقي ارحمني انك على كل شيء قدير
وصلى الله على سيدنا محمد واله الطاهرين سيم صاحب كتاب ذخيره از ابن عباس روايت كرده است
كه رسول خدا صلى الله عليه واله فرمود كه هر كه اين دعا را در اين روز بخواند ثواب پيغمبران بني اسرائيل
با كرامت شود و دعا اينست اللهم اجعل لي فيه نصيبا من رحمتك الواسعة واهدني فيه
لبراهينك الساطعة وخذ بناصيتي الى مرضاتك الجامعة بمحبتك يا امل المشتاقين ششم
واعمال ان چند چيز است اول شيخ شهيد طاب ثراه در كتاب اربعين از رسول خدا صلى الله عليه
واله روايت نموده است كه هر كه در اين شب چهار ركعت نماز بكند در هر ركعت بيك سلام در هر ركعتي حمد
يكنوبت و سوره قل هو الله احد سي نوبت حق تعالى شفاعت او را قبول گرداند و از جمله رستگاران
و فائزان باشد در روز قيامت مؤلف گويد كه كفعمي عليه الرحمه در جنة الامان در اين موضع
نين سهو در نقل كرده و سوره قل هو الله احد را سي يكنوبت نقل نموده و شايد اشتباه شده معلوم است
كه گذشت كه لفظ احد در قل هو الله احد را متصل بلفظ ثلثين خوانده است والله تعالى يعلم روز دهم

تنجح نسخه بدل
فاستجب لي فيه نسخه
رضيتي نسخه بدل
وخطيئتي اخطئي نسخه بدل
القلب نسخه بدل
۳ اوقفت نفسي موقف الاذلاء المذنبين موقف الاشقياء المتجرين عليك نسخه
عبرتي نسخه بدل
احفظني نسخه بدل
ببراهينك القاطعة نسخه
بمحبتك بمنك نسخه

سید ابن طاوس رحمه الله در کتاب اقبال از کتاب عمل شهر رمضان ابن ابی قره رضوان الله علیه
این دعا را برای این شب نقل نموده است یا خیر من سئل و یا اوسع من اعطی و یا خیر من تفاضل علی
محمد و آل محمد و اوسع علی من فضلک و افتح لی باب رزقی من عندک انک علی کل شیء قدیر
و تقبل صومی و تفضل علی اللهم رب شهر رمضان و ما انزلت فیه من القرآن و الرکات
اسألک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان ترزقنی حب الصلوة و الصیام و الحج و العمرة و صلة — انفقت ی د
الرحم و تحبب الی کلما احببت و تبغض الی کلما سخطت اللهم انک تکفلت برزقی و رزق
کل دابة یا خیر مدعو و یا خیر مسئول و خیر من عا و اوسع من اعطی صل علی محمد و آل محمد و ارزقنی
السعة و الدعة و العافیة فی هذا الشهر العظیم یا ارحم الراحمین سیم سید ابن طاوس در کتاب اقبال
و سید ابن باقی در کتاب اختیار این دعا را از رسول خدا صلی الله علیه و آله برای این شب روایت کرده اند که
اللهم یا سلام یا مؤمن یا مهیمن یا جبار یا متکبر یا احد یا صمد یا واحد یا فرد یا غفور یا رحیم
یا ودود یا حلیم مضی من الشهر المبارک الثلث و لست ادری سیدی ما صنعت فی حاجتی هل غفرت
لی ان انت غفرت لی فطوبی لی و ان لم تکن غفرت لی فواسوأتاه فمن الآن سیدی فاغفر لی
و ارحمنی و تب علی و لا تعذبنی و اقلنی عثرتی و استرنی بسترک و اعف عنی بعفوک و تجاوز — روز دهم
عنی بقدرتک انک تقضی و لا یقضی علیک و انت علی کل شیء قدیر روز دهم شیخ مفید قدس الله
روحه در کتاب مسار الشیعه ذکر نموده که در این روز از سال دهم بعثت سه سال پیش از هجرت خدیجه
کبری صلوات الله علیها رحلت نمود و اعمال این چند امر است اول سید ابن طاوس رضوان الله علیه در
کتاب اقبال این دعا را برای این روز نقل نموده است اللهم یا من بطشه شدید و عفوه قدیم و ملکه مستقیم
و لطفه شدید یا من ستر علی القبیح و ظهر الجمیل لم یعجل بالعقوبة و یا من اذن للعاد بالتوبة
یا من لم یهتک الستر الذی الفضیحة یا من لا یعلم ما فی غد غیره یا جابر کل کسیر یا ماوی کل هارب
یا غاذی ما فی بطون الامهات یا سیدی انت لی فی کل حاجة تلت فصل علی محمد و آل محمد و اکفنی
ما اهمنی و ارزقنی من رزقک الواسع رزقا حلالا طیبا یا حی یا قیوم برحمتک استغیث فک
اسری و اصلح لی شانی کله و لا تکلنی الی نفسی طرفة عین ابدا ما ابقیتنی برحمتک یا ارحم الراحمین
دوم سید باقی قدس الله نفسه در کتاب اختیار این دعا را برای این روز نقل نموده است الحمد لله الذی

من توکل علیه کفاه الهی انعمت علی فلم اشکر و ابتلیتنی فلم اصبر و عافیتنی فلم اذکره و اقلت العثرات
فلم اقصر و سترت العورات فلم استر و هذا شهر رمضان شهر الصیام فیا من عجت الیه الاصوات
فی المحافل بصنوف اللغات یسئلونک العفو بالمناجات اللهم حاجتی الیوم الیک عتق رقبتی
من النار و ان تقبلنی علی ما کان منی یا ملجا کل لاج و منجی کل ناج من احسن یا مولای فبرحمتک
فاز و من اساء فبخطیئته هلک الهی فلا تهلکنی و انت مولای و منک کان رجائی یا ملجائی
الهی قد برحم عبدک مخلوقک لمخلوق اللهم انی اسئلک ان تصلی علی محمد و آله و ان تحط خطیئتی
و تاخذ الی الخیر بناصیتی اللهم اعطنی فی یومی هذا افضل ما اعطیت احدا من عبادک الصالحین
و حجاج بیتک الکرام و المعتمرین انک ارحم الراحمین الهی و سیدی انی منک احسن الثناء و لان
بلاءک عندی احسن البلاء الهی کانی بنفسی و انا واقف بین یدیک و قد اظلنی حسن التوکل
علیک فنظرت الی برحمتک فی ذلک الوقت نظرة افوز بها من بین یدیک مغفورا لی اللهم و هذا
الدعاء الذی امرتنا به و علیک الاجابة کما ضمنت یا عدل یا وفی علینا المسئلة و علیک العطیة
و هذا الطلب و علیک النجاح و هذا الجهد و علیک التکلان یا ارحم الراحمین یا اکرم الاکرمین
یا منتهی رغبة الراغبین و الطالبین و التائبین انک علی کل شیء قدیر و صلی الله علی محمد و آله
الطاهرین سیم صاحب کتاب ذخیره از ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه
و آله فرمود که هر که در این روز این دعا را بخواند همچنین باشد که او استغفار نماید حتی آفتاب و ماه
تاب و ستاره کان و کوهها و درختان و جمیع موجودات و دعا این است اللهم اجعلنی من المتوکلین
علیک و اجعلنی من الفائزین الیک و اجعلنی من المقربین لدیک باحسانک یا غایة الطالبین
شب یازدهم و اعمال آن چند امر است اول غسل زیرا که از شبهای طاق است دوم شیخ شهید روح الله
روحه در کتاب اربعین از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده است که هر که در این شب دو رکعت
نماز بکند و در هر رکعتی حمد یک نوبت و سوره انا اعطیناک الکوثر بیست نوبت گناهان او را در نزد او
ننویسند یعنی در آن هیچ گناهی از او صادر نشود هر چند که شیطان نهایت سعی نماید در صدد
گناه سیم سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال گفته که در کتب عتیقه اصحاب ما رضوان الله
علیهم ادعیه شبهای ماه رمضان را دیدم و چند دعا از او ساقط شده بود و نقیه را نقل نمودم

النقیق الیک
فیه ... فیه ...
فی هذا الیوم ...
الفائزین لدیک ...
برحمتک یا ارحم
الراحمین ...

از جمله دعای شب پانزدهم دعا این است سبحانك لا اله الا انت البارئ الواحد القهار الذی
خلقنی ولم اك شیئا بمشیته واراني في نفسي وفي كل شيء من مخلوقاته وصنعه الدلائل
البينة النيرة على قدرته الذي فرض الصيام على عبدا يصلح به شاني ويزيل عني اوزاري
ويذكرني ويذكرني بما الهوت عنه من ذكره ويوجب لي الزلفى بطاعة امره اللهم سيدي
انت مولاي ان كنت جدت على بصالح فيما مضى منه او تغمدته فزدني وان كنت اقترفت ما
اسخطك فاقلني اللهم ملكني من نفسي في الهدى ما انت له املك وقدرني من العدو اهيا
الى ارادتك على ما انت عليه اقدر وكن مختارا لعبدك ما يسعده بطاعتك ويجنبه الشقوة
بمعصيتك حتى يفوز في المعصومين وينجي في المقبولين ويرافق الفائزين الذين لا خوف عليهم
ولا هم يحزنون وصلى الله على محمد واله وسلم تسليما كثيرا چهار ركعتا سيد در كتاب مذكور
از كتاب عمل شهر رمضان ابن ابي قره رضي الله عنه اين دعا را براى اين شب نقل نموده يا من يكفي كل
مؤنة بلا مؤنة يا جواد يا ماجد يا احد يا واحد يا صمد يا من لم يتخذ صاحبة ولا ولدا ولم يكن
له كفوا احد يا من لم يلد ولم يولد صل على محمد وال محمد وتقبل صومي واعني عليه على ما بقي
من شهري اللهم اني اصبحت لا املك ما ارجو ولا استطيع دفع ما احاذر الا بك واصبحت
مرتهنا بعملي وامسى الامر والقضاء بيدك يا رب ولا فقير افقر مني فصل على محمد وال محمد
واغفر لي يا رب ظلمي وجرمي وجهلي وجدي وهزلي وكل ذنب ارتكبته وبلغني واوفني
خير الدنيا والاخرة في هذا الشهر العظيم في غير مشقة مني ولا تهلك روحي وجسدي في طلب
ما لم تقدر لي برحمتك يا ارحم الراحمين پنجم سيد در كتاب اقبال وابن باقي در كتاب اختيار
از رسول صلى الله عليه واله اين دعا را براى اين شب نقل نموده اللهم اني استانف العمل
وارجو العفو وهذه اول ليلة من ليالي الثلثين ادعوك باسمائك الحسنى واستجير بك من
نارك التي لا تطفأ واسئلك ان تقويني على قيامه وصيامه وان تغفر لي وترحمني
انك لا تخلف الميعاد اللهم برحمتك التي وسعت كل شيء تتم الصالحات وعليها اتكل
وانت الصمد الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد صل على محمد وال محمد واغفر لي
وارحمني وتجاوز عني انك انت التواب الرحيم روز پانزدهم واعمال ان چند چيز است اول

بيست ما

بفعره دال

سيد ابن طاوس رحمه الله عليه در كتاب اقبال اين دعا را براى روز نقل نموده اللهم بيدك
مقادير الدنيا والاخرة وبيدك مقادير الغنى والفقر وبيدك مقادير الخذلان والنصر
اللهم بارك لي في ديني ودنياي وبارك لي في اخرتي واولاي وبارك لي في اهلي ومالي
وولدي وبارك لي في سمعي وبصري وبدني ورجلي وجميع جسدي وبارك لي في عقلي وذهني
وفهمي وعلى جميع ما خولتني اللهم اوسع علي من رزقك الحلال وفك رقبتي من النار
وادخلني برحمتك دار القرار اللهم اني اعوذ بك من اهوال الدنيا والاخرة وبوائق الدهر
ومصيبات الليالي والايام اللهم ان كنت غضبت علي وانت ربي فلا تخذلني يا رب
المستضعفين ومن شر الجن والانس فسلمني وانت ربي فلا تكلني الى عدوي ولا الى صديقي
وان لم تكن غضبت علي فما ابالي غير ان عافيتك اوسع لي واهنا لي الهي اعوذ بنور
وجهك الذي اشرقت به السموات والارض وكشفت به الظلمة عبادك من ان
تحل بي سخطك لك العتبى حتى ترضى واذا رضيت وبعد الرضا لا حول ولا قوة الا بك
دوم سيد ابن باقي طاب ثراه در كتاب اختيار اين دعا را براى اين روز نقل نموده الحمد لله
رب العالمين والعاقبة للمتقين اللهم اني اسئلك بكل اسم هو لك سميت به نفسك
واسئلك باسمك المكنون المخزون في علم الغيب عندك واسئلك باسمك الاعظم
العظيم الذي حقا عليك ان تستجيب لمن دعاك به واسئلك بكل حرف انزلته على موسى
كليمك وبكل حرف انزلته على عيسى روحك وكلمتك وبكل حرف انزلته على محمد صلى الله
عليه واله صفيك وبكل دعوة دعاك بها احد من ملائكتك ورسلك وسائر خلقك
واستجبت لهم ان تجعل فرجي ونشاطي وانبساطي وعدوي ورواحي ومنقلبي ومثواي
وصباحي ومسائي فيما تحب من قول وعمل واسئلك اللهم يا رب ان تجعل في قلبي خشوع
المتقبلين وخوف الخائفين ورهبة الراهبين وصدق الصادقين ويقين المؤمنين
حتى تبلغني بها درجة الاحياء المرزوقين في الدرجات العلى من جنات النعيم اللهم
وكما فرضت هذا الشهر الشريف على متقبله مني يا مولاي بالحسن قبول وزيني فيه
بزينة الايمان واجعلني فيه من الانقياء الاخيار الهداة الابرار وفك رقبتي من النار

فرجي الدعا صحيح دال

فارزقنی رضاک والجنة وجنبنی سخطک والنار بدار رحمتی فانت اهل الرحمة وتفضل واعطنی خ ل
علیّ فانت اهل الفضل والتفضل واعطنی حوائج الدنیا والآخرة والامن والعافیة و
الغنی والمغفرة وخلصنی من مظالم العباد واجعلنی من الزهاد والعباد الکارهین
للدنیا الراغبین فی الآخرة انک علی کل شیء قدیر وانت ارحم الراحمین وصلی الله علی محمد
وآله الطاهرین سیم صاحب کتاب ذخیره از ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا صلی الله
علیه وآله فرمود که هر که این دعا را در این روز بخواند نوشته شود برای او ثواب حج مقبولی که
با رسول خدا صلی الله علیه وآله کرده باشد که برابری میکند با هفتاد هزار حج که با غیر پیغمبر جا آورده
باشند و هفتاد عمره که با اهل بیت اصحاب کرده باشد که برابری میکند با هفتاد هزار عمره
که با غیر ایشان کرده باشند و دعا اینست اللهم حبب الیّ فیه الاحسان وکرّه الیّ فیه بعونک خ ل
الفسوق والعصیان وحرّم علیّ فیه السخط والنیران بعونک یا غوث المستغیثین بفضلک، غیاث خ ل، برحمتک یا ارحم الراحمین خ ل
اللهم صل علی محمد وآل محمد شب دوازدهم واعمال آن چند چیز است اول شیخ شهید طاب ثراه در
کتاب اربعین از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت کرده است که هر که در این شب هشت رکعت
نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی حمد یکبار و سوره انا انزلناه فی لیلة القدر سی
مرتبه حق تعالی ثواب شاکرین را باو عطا فرماید و در روز قیامت در زمره صابرین محشور شود
دوم سید ابن طاوس در اقبال از آن کتاب عتیق که بعضی از ادعیه آن ساقط شده این دعا
برای این شب نقل نموده است سبحانک انها الملک القدیر الذی بیده الامور ولا یعجزه ما یرید
ولا ینقصه العطاء والمزید اللهم ان کانت صحیفتی مسودة بالذنوب الیک فانی مسودة خ ل
اعول فی محوها فی هذه اللیالی البیض علیک وارجو من الغفران والعفو ما هو بیدک
فان جدت به علیّ لم ینقصک وفزت وان حرمتنیه لم یزدک وعطبت اللهم
فوفقنی بما سبق لی من الحسنی شهادة الاخلاص بک وبما جدت به علیّ من ذلک وما فوفقنی خ ل
کنت لا اعرف لولا تفضلک سخطک وانجنی به رضاک وعصمتک ووفقنی الاستباق انلنی خ ل
ما یزکو کذلک من العمل وجنبنی الهفوات والزلل فانک تمحو ما تشاء وتثبت وعندک یزکو خ ل
ام الکتاب وصلی الله علی محمد النبی وآله وسلم کثیرا سیم ایضا سید در کتاب اقبال از

کتاب عمل

کتاب عمل شهر رمضان ابن ابی قره این دعا را برای این شب نقل کرده است اللهم انی اسألک بمعاقد العز
من عرشک ومنتهی الرحمة من کتابک وباسمک الاعظم وکلماتک التامة التی لا یجاوزهن
بر ولا فاجر فانک لا تبید ولا تنفد ان تصلی علی محمد وآل محمد وتقبل منی ومن جمیع المؤمنین
والمؤمنات صیام شهر رمضان وقیامه وتفک رقابنا من النار اللهم صل علی محمد و
آل محمد واجعل قلبی بارا وعملی سارا ورزقی دارا وحوض نبیک علیه وآله السلام لی قرارا و
مستقرا وتعجل فرج آل محمد یا ارحم الراحمین چهارم ایضا سید در کتاب اقبال و ابن باقی در
اختیار این دعا را برای این شب از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت کرده اند اللهم انت
العزیز الحکیم وانت الغفور الرحیم وانت العلی العظیم لک الحمد حمدا یبقی ولا یفنی ولک الشکر
شکرا یبقی ولا یفنی وانت الحی الحلیم اسألک بنورک وجهک الکریم وجلالک الذی روز دوازدهم
لا یرام وبعزتک التی لا تقهر ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تغفر لی وترحمنی انک انت ارحم
الراحمین روز دوازدهم شیخ مفید قدس الله سره در کتاب مسار الشیعه نقل نموده است که در
این روز انجیل بر حضرت عیسی علیه السلام نازل شد و در این روز رسول خدا صلی الله علیه
وآله عقد اخوت فیما بین هر دو نفر از صحابه بست و خود با حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه صیغه اخوت خواند واعمال آن چند امر است اول سید ابن طاوس نور الله مضجعه در کتاب اقبال
این دعا را برای این روز نقل نموده است اللهم غارت نجوم سمائک [illegible] اللهم انی استودعک
واستحفظک بان لا اله الا انت الحی القیوم والنور القدوس نفسی ودینی ودنیای ومحیای
ومماتی وانفس اهل بیت محمد وانفس اتباع محمد وجمیع ما تفضلت به علیّ وعلیهم حیا و
میتا وشاهدا وغائبا ونائما ویقظانا وقائما وقاعدا ومستخفا ومتمادیا بنورک وجهک
الکریم الجلیل الرفیع العظیم القائم بالقسط لا اله الا الله العزیز الحکیم وبمحمد وآله الطیبین
الطاهرین صلواتک علیه وعلیهم اجمعین وبآباء النبیین والمرسلین وملائکتک المقربین
صلواتک علیهم یا رب العالمین وبیتک المعمور والسبع المثانی والقرآن العظیم وبکل من وبیتک المعمور خ ل
یکرم علیک من جمیع خلقک یا سیدی مع ما تفضلت علیهم وعلینا فاجعلنا فی جوارک الذی
لا یستباح برحمتک یا ارحم الراحمین سوم کفعمی گوید که ظاهرا مراد سید از دعای اللهم غارت

نجوم سماءک دعاییست که حضرت سید الساجدین صلوات الله علیه از ادر جوف شبها میخوانده و آن
دعا اینست الهی غارت نجوم سماواتک و نامت عیون انامک وهدات اصوات عبادک و انعامک
وغلقت الملوک علیها ابوابها وطاف علیها حراسها واحتجبوا عمن یسألهم حاجة او ینتجع
منهم فائدة وانت الهی حی قیوم لا تأخذک سنة ولا نوم ولا یشغلک شیء عن شیء ابواب
سماواتک لمن دعاک مفتحات وخزائنک غیر مغلقات وابواب رحمتک غیر محجوبات وفوائدک
لمن سألک غیر محظورات بل هی مبذولات انت الهی الکریم الذی لا ترد سائلا من المؤمنین
سألک ولا تحتجب عن احد منهم اراد کلا وعزتک وجلالک لا تختزل حوائجهم دونک
ولا یقضیها احد غیرک اللهم وقد ترانی ووقوفی وذل مقامی بین یدیک وتعلم سریرتی
وتطلع علی ما فی قلبی وما یصلح به امر آخرتی ودنیای اللهم ان ذکر الموت واهوال
المطلع والوقوف بین یدیک نغصنی مطعمی ومشربی واغصنی بریقی واقلقنی عن وسادی
ومنعنی رقادی کیف ینام من یخاف ملک الموت فی طوارق اللیل وطوارق النهار بل کیف
ینام العاقل وملک الموت لا ینام لا باللیل ولا بالنهار ویطلب روحه بالبیات وفی
آناء الساعات **دویم** سید ابن باقی رضی الله عنه در اختیار این دعا را برای این شب نقل نموده
اللهم انی اسألک وارغب الیک ان ترزقنی الثبات علی دینک الذی ارتضیته وتبصرنی
فیه وتوفقنی له وتأخذ بقلبی الیه وتعذنی عما سواه وتعصمنی عصمة الابرار وتجعلنی من
المستمسکین بکتابک المتمسکین بسنة نبیک محمد واهل بیته الطاهرین صلی الله علیه
وعلیهم اجمعین اللهم لا تخذلنی ابدا ولا تشمت بی عدوا ولا حاسدا ولا تنزع منی صالحا
اعطیتنی وافتح مسامع قلبی لذکرک واجعلنی اومن بوعدک واوفی بعهدک واسألک یا
رب قبوله والوفاء به اللهم انی اسألک برکته ویمنه وخواتیم الخیر فیه واسألک
ان تهیئ لی من امری یسرا ورشدا ومرفقا وان تهدینی الی التی هی اقوم وخیرا ثوابا
وخیرا عقابا وخیرا مردا وخیرا املا وخیرا اجلا وخیرا عاجلا وان تختم لی بالخیر وترزقنی
رضاک والجنة وتعیذنی من سخطک والنار وتعطینی حوائج الدنیا والآخرة والامن
والعافیة والغنی والمغفرة انک علی کل شیء قدیر وانا الی ذلک یا رب فقیر وهو

علیک

ساکنها. ل
الهی. ل
هدأت الهی. ل
نغصنی ونغصنی. ل
شرقی. ل
وانتعلی. ل
تهب. ل

علیک خبیر وعندک تیسیر تفضل علی به یا ارحم الراحمین ولا حول ولا قوة
الا بالله العلی العظیم علیه توکلت وبه استعین وهو نعم المعین وصلی الله علی
سیدنا محمد وآله الطاهرین **سیم** صاحب کتاب ذخیره از ابن عباس روایت نموده که رسول
خدا صلی الله علیه وآله فرمود که هر که این دعا را در این شب بخواند گناهان گذشته وآینده او
آمرزیده شود وحق تعالی سیئات او را بحسنات مبدل گرداند ودعا اینست اللهم هب لی
فیه البشر والعفاف واسترنی فیه بلباس القنوع والکفاف وحلنی فیه بحلی الفضل
والانصاف بعصمتک بالعصمة الخائفین **شب بیست و هفتم** این شب از لیالی بیض ماه با برکت
مزید فضیلت و برکت مخارات واعمال آن چند امر است **اول** غسل زیرا که از شبهای طاق است **دویم**
دو رکعت نماز بکند و در هر رکعتی بعد از حمد سوره یس و تبارک الذی بیده الملک و قل هو الله
احد را بخواند و ابن علی ثواب عظیم داده و روایت آن در باب سیم از حزب اول که در بیان اعمال مشترکه
ماه رجب وشعبان و ماه مبارک رمضان آمد گذشت **سیم** شیخ شهید طاب ثراه در کتاب
اربعین از حضرت رسالت صلی الله علیه وآله روایت نموده که هر که در این شب چهار رکعت
نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعتی حمد یک مرتبه و سوره قل هو الله احد بیست و پنج مرتبه
بکند در صراط مانند برق جهنده **چهارم** سید ابن طاوس قدس الله سره در کتاب اقبال از
از کتاب عتیق بعضی از اصحاب که ذکر نمیکنیم بعضی از شبها آن ساقط شده این دعا را برای
این شب نقل نموده الحمد لله الذی یجود فلا یبخل ویحلم فلا یعجل الذی منّ علی من توحیده
باعظم المنة وندبنی من صالح العمل الی خیر المهنة وامرنی بالدعاء فدعوته ووحدته
فیما ناعند شدائدی وادرکته لم یعدنی بالاجابة حین بعد مداه ولا حرمنی الانتیاش
لما علت ما لا برضاه اما لبنی عثرتی وقضائی حاجتی وتدارک فنائی وعجل معونتی فزادنی
خیره بقدرته وعلما بنفوذ مشیته اللهم ان کل ما جدت به علی بعد التوحید دونه وان
کثر وغیر موازله وان کبر لان جمیعه نعم دار الفناء المرتجعة وهو النعمة لدار البقاء
التی لیست بمنقطعة فیا من جاد بذلک علی ممتنا الی برحمته ووفقنی للعمل بما تقتضی حق
یدک فی صنیعه اللهم بهض اعمالی بنور الهدی ولا تردنا بتخلیتی ورکوب الهوی فاطغی

فيمن لقى واثابنى ما نبسطك بعد الرضا انت على كل شىء قدير وصلى الله على محمد واله وسلم
تسليما كثيرا **پنجم ايضا** سيد در كتاب مذكور اين دعا را براى اين شب ذكر نموده يا الله يا رحمن
يا رب يا الله يا مهيمن يا الله يا رب يا متكبر يا الله يا رب يا متعال يا الله يا رب يا معبود يا الله
يا رب يا ذا الطول لا اله الا انت يا الله يا رب يا ذا الجلال والاكرام يا الله يا رب يا من اظهر الجميل
وستر القبيح يا من لا يؤاخذ بالجريرة ولم يهتك الستر يا كريم العفو يا حسن التجاوز يا واسع
المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة يا خليل ابراهيم ونجى موسى ومصطفى محمد صلى الله على محمد و
اله واعتقنى من النار فى هذا الشهر العظيم ولا تجعله اخر شهر رمضان صمته لك يا ارحم
الراحمين وسؤال كن هرچه خواهى و گمان كن كه حق تعالى براى تو مستجاب ميكرداند ان شاء الله تعالى
مؤلف گويد كه ظاهر انست كه اين دعا را نيز سيد از كتاب عمل شهر رمضان ابن ابى قره رضى الله عنه
نقل نموده است وليكن در اين مقام تصريح باين معنى نكرده است والله تعالى اعلم **ششم ايضا** سيد در كتاب مذكور
وابن باقى در كتاب اختيار از رسول خدا صلى الله عليه واله اين دعا را براى اين شب روايت نموده است
يا جبار السموات والارضين وملكوت السموات وملكوت الارضين وغفار الذنوب والسميع
العليم الغفور الحليم الرحيم الصمد الفرد الذى لا شبيه لك ولا ولى لك العلى الاعلى والقدير
القادر وانت التواب الرحيم اسالك ان تصلى على محمد وال محمد وان تغفر لى وترحمنى انك انت
ارحم الراحمين **روز بيستم** ***روز بيستم*** اين روز چون اول ايام بيض است بعضى از بعض از اعمال
ان چند چيز است **اول** سيد ابن طاوس نور الله مضجعه در كتاب اقبال اين دعا را براى اين روز نقل
ذكر كرده است اللهم انى اسالك ان تدنيك بطاعتك وبولايتك وولاية امير المؤمنين حبيب
نبيك وولاية الحسن والحسين سبطى نبيك وسيدى شباب اهل جنتك وادينك يا رب
بولاية على بن الحسين ومحمد بن على وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلى بن موسى ومحمد بن
على وعلى بن محمد والحسن بن على وسيدى ومولاى صاحب الزمان ادينك يا رب بطاعتهم
وولايتهم وبالتسليم بما فضلتهم راضيا غير منكر ولا مستكبر على معنى ما انزلت فى كتابك اللهم
صل على محمد وال محمد وادفع عن وليك وخليفتك ولسانك والقائم بقسطك والمعظم لحرمتك
والمعبر عنك والناطق بحكمك وعينك الناظرة واذنك السامعة وشاهد

بجلالك

عبادك وحجتك على خلقك والمجاهد فى سبيلك والمجتهد فى طاعتك واجعله فى وديعتك
التى لا تضيع وايده بجندك الغالب واعنه واعن عنه واجعلنى ووالدى وما ولدا و
ولدى من الذين ينصرونه وينتصرون به فى الدنيا والاخرة اشعب به صدعنا وارتق به فتقنا
اللهم امت به الجور ودمدم بمن نصب له واقصم رؤس الضلالة حتى لا تدع على الارض
منهم ديارا **مؤلف گويد كه** اين دعا چون مشتمل بر اسامى مباركه ائمه عليهم السلام است بحسب ظاهر است
كه اين دعا و ساير ادعيه كه سيد در اين سياق ايراد نموده است از حضرت صاحب الامر عليه السلام منقول باشد
ويحتمل است كه تاليف يكى از علماء رضوان الله عليهم بوده باشد چنانچه عادت ايشان بوده كه ادعيه را
خود تاليف مينموده اند والله تعالى اعلم **دويم** سيد ابن باقى نور الله مرقده در كتاب اختيار اين
دعا را براى اين روز ذكر نموده است بسم الله الرحمن الرحيم والحمد لله رب العالمين وصلى الله
على انبيائه وملائكته اللهم رب هذا اليوم الكريم من الشهر الشريف العظيم انى اسالك
ان تعود على اساءتى باحسانك وعلى سفهى برحمتك وعلى ذنوبى بمغفرتك وعلى سيئاتى
بتجاوزك وعلى افراطى بصفحك وعلى ضعفى بمعونتك وعلى فقرى بغناك وسعتك و
على بؤسى بفضلك وعلى فقرى بعبادتك وعلى عسرى بيسرك فانك يا رب ذو الفضل
العظيم والبلاء الحسن الجميل والفعل الكريم يا ارحم الراحمين وصلى الله على سيدنا محمد
واله الطاهرين **سيم** صاحب ذخيره از ابن عباس روايت نموده كه حضرت رسالت پناه
صلى الله عليه واله وسلم فرمود كه هر كه در اين روز اين دعا را بخواند حق تعالى بعدد هر سنگ وهر
كلوخى حسنه ودرجه در بهشت باو عطا فرمايد و دعا اينست اللهم طهرنى فيه من الدنس
والاقذار وصبرنى فيه على كائنات الاقدار ووفقنى فيه على التقى وصحبة الابرار
بعونك يا قرة عين المساكين **چهارم** خواند دعاى حجب كفعمى رضى الله عنه در كتاب جنة الامان
وكتاب بلد الامين روايت نموده است كه جبرئيل عليه السلام نازل شد بر رسول خدا صلى الله عليه
واله در وقتى كه انحضرت در مقام ابرهيم عليه السلام مشغول نماز بود و اين دعا را براى انحضرت اورد
وگفت اين دعا را هر كه در روز سيزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه مبارك رمضان بخواند
گناهان او امرزيده شود هر چند بعدد قطرهاى باران و برگ درختان و ريگ بيابان بوده باشد

من الذنوب ن د
فى هذا الصباح ن د
للتقى ن د
بعونك يا قوة ن د
بعونك ن د
عسرى بيسرك ن د

روز سيزدهم

و این دعا بر حجره‌ها و منازل بهشت نوشته است بسبب فضیلت این دعا و حق تعالی این لسوی اسمای بالامرتبه‌ام
دین مبین فرستد محمد و هر که محافظت نماید بر خواندن این دعا ایمن خواهد بود از هولهای روز
قیامت رفیق تو خواهد بود در بهشت و روی او مانند شب چهارده نورانی خواهد بود و کسی که
سیر نشد در روزه بادرد و این دعا را هفت نوبت بخواند و بر پشت بخوابد تن از خواب می‌بیند و
کسی که ده نوبت این دعا را بخواند مبعوث میشود در روز قیامت در حالتی که سوار باشد
بر براقی از نور که زینی از زبرجد سبز بر او بوده باشد و می‌آید تا آنکه در پیش عرش حق تعالی
می‌ایستد و اهل موقف گمان میکنند که او یکی از پیغمبرانست و اگر همه دریاها مداد شود و درختان
قلم شود و همه جن و انس و ملائکه نویسنده گردند احصا نمی‌توانند نمود ثواب این دعا را و
خواندن این دعا بیمار را شفا می‌بخشد و قرض را ادا مینماید و فقیر را غنی میگرداند و بنده را آزاد
میسازد و غم را زایل میکند و اندوه را میبرد و از جور سلطان و مکر شیطان ایمن میگرداند
و هر که چیزی از او گم شود یا مال او را دزد ببرد پس چهار رکعت نماز بگذارد بدو سلام و در
هر رکعتی حمد یکنوبت و قل هو الله احد یازده نوبت بخواند و بعد از فراغ این دعا را بخواند و اگر
نتواند خواند در زیر سر خود بگذارد و بخوابد حق تعالی آن گم شده را باو برگرداند و مال او
پیدا گردد و اگر مؤمنی این دعا را از روی اخلاص بر مرده بخواند زنده شود یا بر کوه بخواند
از هم بپاشد و کسی که این دعا را برای حاجتی بخواند بر آورده میشود یا برای دشمنی بخواند منکوب
مخذول میگردد و من ضامنم برای کسی که این دعا را ده نوبت بخواند که حق تعالی او را باتش جهنم
عذاب نکند پس حفظ کن این دعا را ای محمد صلی الله علیه و آله که اسم اعظم الهی در این دعاست
و تعلیم مکن این دعا را بکسی که تقوی و پرهیزکاری نداشته باشد که مبادا این دعا را برای مطلب
باطلی بخواند و مستجاب شود پس حضرت فرمود که ای برادر من جبرئیل بدرستی که من تعجب نمودم از
بسیاری فضیلتهای این دعا پس کفعمی گفته که این دعا دعای مجیر نامیده میشود و اسمای حسنای الهی
که خلایق بآن خلق شده اند در این دعا داخل است و دعا اینست بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ
سُبْحَانَکَ یَا اَللّٰهُ تَعَالَیْتَ یَا رَحْمٰنُ اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ یَا رَحِیمُ تَعَالَیْتَ یَا کَرِیمُ
اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ یَا مَلِکُ تَعَالَیْتَ یَا مَالِکُ اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ

یا قدوس

یَا قُدُّوسُ تَعَالَیْتَ یَا سَلَامُ اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ یَا مُؤْمِنُ تَعَالَیْتَ یَا مُهَیْمِنُ
اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ یَا عَزِیزُ تَعَالَیْتَ یَا جَبَّارُ اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ
یَا مُتَکَبِّرُ تَعَالَیْتَ یَا مُتَجَبِّرُ اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ یَا خَالِقُ تَعَالَیْتَ یَا بَارِئُ اَجِرْنَا
مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ یَا مُصَوِّرُ تَعَالَیْتَ یَا مُقَدِّرُ اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ یَا هَادِی
تَعَالَیْتَ یَا بَاقِی اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ یَا وَهَّابُ تَعَالَیْتَ یَا تَوَّابُ اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ
یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ یَا فَتَّاحُ تَعَالَیْتَ یَا مُرْتَاحُ اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ یَا سَیِّدِی تَعَالَیْتَ
یَا مَوْلَایَ اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ یَا قَرِیبُ تَعَالَیْتَ یَا رَقِیبُ اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ
سُبْحَانَکَ یَا مُبْدِئُ تَعَالَیْتَ یَا مُعِیدُ اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ یَا حَمِیدُ تَعَالَیْتَ یَا مَجِیدُ
اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ یَا قَدِیمُ تَعَالَیْتَ یَا عَظِیمُ اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ
یَا غَفُورُ تَعَالَیْتَ یَا شَکُورُ اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ یَا شَاهِدُ تَعَالَیْتَ یَا شَهِیدُ
اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ یَا حَنَّانُ تَعَالَیْتَ یَا مَنَّانُ اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ
یَا بَاعِثُ تَعَالَیْتَ یَا وَارِثُ اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ یَا مُحْیِی تَعَالَیْتَ یَا مُمِیتُ اَجِرْنَا
مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ یَا شَفِیقُ تَعَالَیْتَ یَا رَفِیقُ اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ یَا اَنِیسُ
تَعَالَیْتَ یَا مُونِسُ اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ یَا جَلِیلُ تَعَالَیْتَ یَا جَمِیلُ اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ
یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ یَا خَبِیرُ تَعَالَیْتَ یَا بَصِیرُ اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ یَا حَفِیُّ تَعَالَیْتَ
یَا مَلِیُّ اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ یَا مَعْبُودُ تَعَالَیْتَ یَا مَوْجُودُ اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ
سُبْحَانَکَ یَا غَفَّارُ تَعَالَیْتَ یَا قَهَّارُ اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ یَا مَذْکُورُ تَعَالَیْتَ
یَا مَشْکُورُ اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ یَا جَوَادُ تَعَالَیْتَ یَا مَعَاذُ اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ
یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ یَا جَمَالُ تَعَالَیْتَ یَا جَلَالُ اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ یَا سَابِقُ
تَعَالَیْتَ یَا رَازِقُ اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ یَا صَادِقُ تَعَالَیْتَ یَا فَالِقُ اَجِرْنَا
مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ یَا سَمِیعُ تَعَالَیْتَ یَا سَرِیعُ اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ
یَا رَفِیعُ تَعَالَیْتَ یَا بَدِیعُ اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ یَا فَعَّالُ تَعَالَیْتَ یَا مُتَعَالُ
اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ سُبْحَانَکَ یَا قَاضِی تَعَالَیْتَ یَا رَاضِی اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یَا مُجِیرُ

سبحانك يا قاهر تعاليت يا ظاهر اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا عالم تعاليت يا حاكم
اجرنا يا مجير سبحانك يا دائم تعاليت يا قائم اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا عاصم
تعاليت يا قاسم اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا غني تعاليت يا مغني اجرنا من النار
يا مجير سبحانك يا وفي تعاليت يا قوي اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا كافي تعاليت
يا شافي اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا مقدم تعاليت يا مؤخر اجرنا من النار سبحانك
يا اول تعاليت يا آخر اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا ظاهر تعاليت يا باطن اجرنا من
النار يا مجير سبحانك يا رجاء تعاليت يا مرتجى اجرنا من النار سبحانك يا ذا المن
تعاليت يا ذا الطول اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا حي تعاليت يا قيوم اجرنا من
النار يا مجير سبحانك يا واحد تعاليت يا احد اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا سيد
تعاليت يا صمد اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا قدير تعاليت يا كبير اجرنا من النار
يا مجير سبحانك يا والي تعاليت يا عالي اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا علي تعاليت
يا اعلى اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا ولي تعاليت يا مولى اجرنا من النار يا مجير
سبحانك يا ذارئ تعاليت يا بارئ اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا مقسط تعاليت يا
مع اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا معز تعاليت يا مذل اجرنا من النار يا مجير سبحا
نك يا حافظ تعاليت يا حفيظ اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا قادر تعاليت يا مقتدر
اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا عليم تعاليت يا حليم اجرنا من النار يا مجير سبحانك
يا حكم تعاليت يا حكيم اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا معطي تعاليت يا مانع اجرنا
من النار يا مجير سبحانك يا ضار تعاليت يا نافع اجرنا من النار يا مجير سبحانك
يا مجيب تعاليت يا حسيب اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا عادل تعاليت يا فاضل
اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا لطيف تعاليت يا شريف اجرنا من النار يا مجير
سبحانك يا رب تعاليت يا حق اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا ماجد تعاليت
يا واحد اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا عفو تعاليت يا منتقم اجرنا من النار
يا مجير سبحانك يا واسع تعاليت يا موسع اجرنا من النار يا مجير سبحانك

يا رؤف

يا رؤف تعاليت يا عطوف اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا فرد تعاليت يا وتر اجرنا
من النار يا مجير سبحانك يا مقيت تعاليت يا محيط اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا و
كيل تعاليت يا عدل اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا مبين تعاليت يا متين اجرنا
من النار يا مجير سبحانك يا بر تعاليت يا ودود اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا
رشيد تعاليت يا مرشد اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا نور تعاليت يا منور اجرنا من
النار يا مجير سبحانك يا نصير تعاليت يا ناصر اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا صبور
تعاليت يا صابر اجرنا يا مجير سبحانك يا محصي تعاليت يا منشئ اجرنا من النار يا مجير
سبحانك يا سبحان تعاليت يا ديان اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا مغيث تعاليت يا
غياث اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا فاطر تعاليت يا حاضر اجرنا من النار يا مجير
سبحانك يا ذا العز والجمال تباركت يا ذا الجبروت والجلال سبحانك يا لا اله الا انت سبحا
نك اني كنت من الظالمين فاستجبنا له ونجيناه من الغم وكذلك ننجي المؤمنين وصلى الله على
محمد وآله اجمعين والحمد لله رب العالمين وحسبنا الله ونعم الوكيل ولا حول ولا قوة الا بالله
العلي العظيم مؤلف گويد كه ظاهر مراد از سر اينجا در وقت خواب است كه كاغذي كه از براو
نوشته باشند در زير سر گذارند و بخوابند شب چهاردهم اين شب دوم از ليالي بيض و افضل
از شب سابق است و اعمال آن چند چيز است اول چهار ركعت نماز هر دو ركعت به يك سلام در هر ركعتي
بعد از حمد سوره يس و تبارك و قل هو الله احد و روايت آن در باب سيم از خزينه اول مذكور
شد دوم شيخ شهيد قدس الله روحه در كتاب اربعين از رسول خدا صلى الله عليه وآله
وسلم روايت نموده كه هر كه در اين شب شش ركعت نماز بكند هر دو ركعت به يك سلام در هر
ركعتي حمد يك نوبت و سوره اذا زلزلت سه نوبت حق تعالى سكرات مرگ و هول منكر و نكير را بر او
آسان نمايد سيم سيد بن طاوس عطر الله تربته در كتاب اقبال از كتاب عتيقي كه بعضي ادعيه
آن ساقط شده ابتدا از براي اين شب نقل نموده سبحان من يجود على رعيته فيوسعها بفيضه
ثم يقبضها الى نعمه وايابه وليبين منها للناظرين آثار صنعه للمتأملين دقائق حكمته
اشهد ان لا اله الا هو وحده لا شريك له متفردا بغير معين وجاعل الجميع اخوانه واحدا بلا

لمهجرٍ عرفته القلوب بغمائرها والأفكار بخواطرها والنفوس بسرائرها وطلبته التحصيلات
فغاياتها وأعرضته المفعولات فأطاحها فهو القريب السميع والحاضر المرتفع اللهم هذه
أضوء وأنور ليلة من شهرك وأدنتها وأحصاها بضوء بدرك تبلت بها الوامعة وأر
تعجت في أرضك شعاعه وهي الليلة سبعين من مضامين من صيام وأول سبعين بقيام من
عدد الأيام اللهم فوسع لي فيما نور عفوك وابسطه وامحص عني ظلمة سخطك واقبضه اللهم
إن جودك ونعمك يصلحان رجائي وإن حسناتك ومحاسنك يكشفان بالي وما أنت نعمك ظ
بضري منتفع فألهمك بالتوفر على ما ضيعتك ولا بما ينفعني مضرورنا ستحيل من البنا
بن مضرتك فكيف يبخل من لا حاجة به إلى عفو معبود على عبده مضطر إلى عفوه أم كيف
يشح وقد جاد له بعد ابتدائه أن يخليه ويمحو سبل ضلالته كلا إنك الأكرم يا مولاي من
ذلك وأرأف وأحنى وأعطف اللهم اطو هذه الليلة بعمل صالح ترضى مطاويه وتعجبني
في أخرتي بمناشره وأمضاها بالعفو عني في أول الشهر وآخره يا أرحم الراحمين يا رحمن
يا رحيم وصلى الله على محمد النبي وآله وسلم كثيرا [red: چهارم ایضا] در کتاب مذکور از کتاب عمل شهر
رمضان ابن ابی قره ابتداءً از برای این شب نقل نموده یا الله یا رحمن یا رحیم یا علیم یا حی
یا قیوم اللهم إني لا أسألك بعملي شيئا إني من عملي خائف إنما أسألك برحمتك ما أسألك
فصل على محمد وآله وهب لي من طاعتك ما يرضيك عني وتقبل صومي وتفضل علي برحمتك
يا أرحم الراحمين وارحمني برحمتك اللهم إني ادعوك وأسألك بأسمائك الحسنى وباسمك
العظيم ووجهك الكريم ووحيك القدس وكلامك الطيب وملكك الدائم العظيم
وسلطانك المنير وقرآنك الحكيم وعطاياك الجليل الجزيل وباسمك الذي إذا دعيت به
أجبت وإذا سئلت به أعطيت أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تعتقني من النار في هذا الشهر
المبارك فإني فقير مسكين إلى رحمتك يا أرحم الراحمين [red: پنجم ایضا] سید در کتاب مذکور سید
باقی در اختیار ابتداء از برای این شب از رسول خدا صلى الله عليه وآله روایت نموده الهي رب
الأولياء وحبيب الجبابرة ويا إله الأولين أنت خلقتني ولم أك شيئا إنك أمرتني
بالطاعة فأطعت سيدي بجهدي فإن كنت توانيت أو أخطأت أو نسيت فتفضل على سيدي
وا

[red: روز چهارم]
ولا تقطع رجائي وامنن علي بالرحمة واجمع بيني وبين النبي الرحمة محمد بن عبد الله صلى الله
عليه وآله واغفر لي إنك أنت التواب الرحيم [red: روز چهارم] این روز دو دعا از ایام بیض وباین
جهة بمزید فضیلت اختصاص یافته واعمال آن چند امر است [red: اول] سید بن طاوس طاب ثراه در
کتاب اقبال این دعا از برای این روز ذکر نموده اللهم لا تؤدبني بعقوبتك ولا تمكر بي من حيلتك
من أين لي الخير ولا يوجد إلا من عندك ومن أين لي النجاة ولا تستطاع إلا بك لا الذي
أحسن استغنى عنك ولا الذي أساء خرج من قدرتك يا رب بك عرفتك وأنت د
للتني ولولا أنت ما دريت من أنت الحمد لله الذي أدعوه فيجيبني وإن كنت بطيئا حين يد
عوني والحمد لله الذي أسأله فيعطيني وإن كنت بخيلا حين يستقرضني والحمد لله الذي
وكلني إليه فأكرمني ولم يكلني إلى الناس فيهينوني والحمد لله الذي تحبب إلي وهو غني
عني اللهم لا أجد شافعا إليك إلا معرفتي بأنك أفضل من قصد إليه المضطرون
أسألك مقرا بأن لك الطول والقوة والحول والقدرة وأن تحط عني وزر الذنب
تمحق ظهري وتعصمني من الهوى المسلط على عقلي وتجعلني من الذين انتجبتهم لطاعتك
[red: دوم] سید بن باقی رفع الله درجته در کتاب اختیار این دعا را برای این روز ذکر نموده
اللهم إن رحمتك خير من عملي وعطيتك أفضل من مسئلتي فبرحمتك يا إلهي وبكرمك ورزقك
وارتفاع مكانك وجلال وجهك وقدرتك وعظمتك وسعة فضلك أعطني خير
الدنيا والآخرة في هذا الشهر الكريم وارزقني فيه شكرا واستعملني فيه بطاعتك حتى
أكون يوم ألقاك غنيا في محدى وإذا أفرزت فيه آمنا من هول المطلع وأكون قبل موتي
المغبوط في دار الدنيا بسعة الرزق وصلاح الشأن اللهم بك أرجو بلوغ رضاك
لا بعملي وأنت يا إلهي من كل شيء حسبي فأنت يا إلهي لا شريك لك وأنت بي رؤوف يا رب
فلك أسلمت وجهي فلك الحمد والشكر على ذلك اللهم أنت ثقتي ورجائي وإليك
رغبتي ودعائي وأنت صاحبي غالبي غير معلم وأسألك يا الله أن تجعلني في هذا اليوم
من عتقائك من النار وأن تجعل اسمي في الأسماء الأبرار والأخيار إنك على كل شيء
وذلك عليك سهل يسير يا أرحم الراحمين صلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين

روز نوزدهم

سیم صاحب ذخیره از ابن عباس روایت نموده است که رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود که هر که
در این روز این دعا را بخواند پس گویا با پیغمبران و شهیدان و صالحان روزه داشته است و دعا
این است اللهم لا تؤاخذنی فیه بالعثرات واقلنی فیه من الخطایا والهفوات ولا تجعلنی
غرضا للبلایا والآفات بعزتک یا عز المسلمین چهارم خواندن دعای مجیر چنانچه در روز
سیزدهم مذکور شد شب بیستم این شب اخر لیالی بیض و شب نیمه ماه و بانی جهت
بمزید فضیلت و برکت ممتاز و افضل از دو شب سابق است و اعمال وارده در این چنانچه از
تتبع روایات ظاهر میشود چند چیز است اول غسل زیرا که از شبهای طاق است بخصوص
این شب نیز وارد شده چنانچه در شب اول گذشت و ایضا شیخ مفید و دیگران نقل کرده اند
که در این شب غسل مستحب است و نیز روایتی و سید ابن طاوس قدس الله روحه در کتاب اقبال
از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که در این شب غسل مستحب است و نیز دعا نمی
شد در اعمال شب اول مذکور نموده که در این شب و شب اول ماه مستحب است دوم شش
رکعت نماز هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی بعد از حمد سوره یس و تبارک و قل هو الله احد
را هر یک یک نوبت بخوان و روایت آن در مفتح حزب اول مذکور شد مولف گوید که سید ابن طاوس
طاب ثراه در کتاب اقبال در این موضع سهو نموده و سوره تبارک را در لیالی بیض نقل نموده با آنکه
در عمل ماه رجب هر سه سوره را نقل نموده است والله تعالی اعلم سیم ایضا در کتاب مذکور گفته که در
کتب از اصول اصحاب ما رضوان الله علیهم دیدم که از حضرت صادق علیه السلام از پدر
بزرگوارش از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه و علیهم اجمعین روایت نموده که رسول خدا
صلی الله علیه و اله فرمود که هر که در شب نیمه ماه مبارک رمضان صد رکعت نماز بکند هر
دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی حمد یکبار و سوره قل هو الله احد ده نوبت حق تعالی ده ملک را
فرو فرستد که شر دشمنان او را از جن و انس از او دفع نماید و سی ملک فرو فرستد در هنگام
وفات او که او را بشارت به بهشت دهند و سی ملک دیگر او را از آتش جهنم ایمن گردانند
پس سید گوید که این که این نماز را ابن ابی قره رحمه الله نیز در کتاب خود ذکر نموده و روایت
او چنین است که هر که این نماز را بکند نمیرد تا در خواب به بیند صد ملک را که سی نفر از ایشان

او را

الخطیئات
فیه غرضا عرضة
بموت المسلمین یا
ارحم
الراحمین

او را بشارت به بهشت دهند و سی نفر ایمن گردانند او را از آتش جهنم و سی نفر که او را نگاه
دارند از خطایا و معاصی و ده نفر که دفع کید اعادی از او بکنند و شیخ طوسی رضی الله عنه
در کتاب تهذیب نیز نقل نموده است چهارم شیخ شهید طهر الله تربته الزکیة در کتاب اربعین
از رسول خدا صلی الله علیه واله روایت نموده است که هر که در این شب چهار رکعت نماز بکند هر
دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت اول بعد از حمد سوره قل هو الله احد را صد نوبت و در دو رکعت
بعد از حمد سوره قل هو الله احد را پنجاه نوبت بخواند حق تعالی گناهان او را بیامرزد هر چند بعدد
ریگ بیابان عالج و کف دریاها و ستارههای آسمان و برگ درختان باشد پنجم سید ابن
طاوس رحمه الله در جنه در کتاب اقبال از کتاب عتیقی که بعضی اجزا در عنوان ساقط شده این
دعا را برای این شب نقل نموده سبحان مقلب القلوب والابصار سبحان مقلب
اللیل والنهار وخالق الازمنة والاعصار مجری علی مشیته الاقدار الذی لا بقاء
لشیء سواه وکل شیء یعتوره الفناء غیره فهو الحی الباقی الدائم تبارک الله رب العالمین
اللهم قد انتصفت شهر الصیام بما مضی من ایامه وانجذب الی تمامه واختتامه ومالی
عدة اعتد بها ولا اعمال من الصالحات اعول علیها سوی ایمانی بک ورجائی لک فاما
رجائی فبکدره علی صفوة الخوف منک واما ایمانی فلا یضیع عندک وهو بتوفیقک اللهم
فلک الحمد حین لم تفکک یدی عند التماسک بالعروة الوثقی ولم تشفنی بمفارقتها
فمن اعتوره الشقاء اللهم فانصفنی من شهواتی فالیک منها الشکوی ومنک علیها
اقبل العدوی فانک تشاء وتقدر واشاء ولا اقدر ولست الجی بسیدی محجوجا لکن
مشی لا نجی ومحو نا شی غصص نفسی بیدک حلو ومر القضاء اللهم فاذقنی حلاوة
عفوک ولا تجرعنی غصص سخطک وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین یا ارحم الراحمین
ششم ایضا سید در کتاب مذکور از کتاب عمال شهر رمضان ابن ابی قره رضی الله عنه این دعا را
برای این شب نقل نموده است یا من اظهر الجمیل وستر القبیح یا من لم یؤاخذ بالجریرة ولم
یهتک الستر یا عظیم العفو یا حسن التجاوز یا واسع المغفرة یا باسط الیدین بالرحمة
یا صاحب کل نجوی ومنتهی کل شکوی یا مقیل العثرات یا مجیب الدعوات یا مبتدئا

بالنعم قبل استحقاقها یا رباه یا سیداه یا مولاه یا غایة رغبتاه اسألك ان تصلی
علی محمد وآل محمد ولا تشوه خلقی فی النار پس حاجت خود را سؤال کن که برآورده میشود ان شا
الله تعالی پس سید گفته زیادة وابن زیادتی را ذکر نموده اللهم یا مفرج کل هم یا منفس
کل کرب ویا صاحب کل وحید ویا کاشف ضر ایوب وسامع صوت یونس المکروب وفالق
البحر لموسی وبنی اسرائیل ومنجی موسی ومن معه اجمعین اسألك ان تصلی علی محمد وآل محمد
وان تیسر لی فی هذا الشهر العظیم الذی یعتق فیه الرقاب وتغفر فیه الذنوب ما اخاف عاقبته
عسره وتسهل لی ما اخاف حزونته یا غیاثی عند کربتی ویا صاحبی عند شدتی یا عصمة
الخائف المستجیر یا رازق البائس الفقیر یا مغیث المقهور الضریر یا مطلق الکبل عن الاسیر
ومخلص المسجون المکروب اسألك ان تصلی علی محمد وآل محمد وتجعل لی من جمیع امری فرجا
ومخرجا ویسرا عاجلا یا ارحم الراحمین مولف گوید که معلوم نمیشود از کلام سید که این
زیادتی در روایت ابن ابی قره بوده که این زیاده تتمه دعای سابق باشد یا آنکه این زیادتی
دعای دیگر است وبهر تقدیر بهتر است که بعد از دعای سابق این دعا خوانده شود هفتم سید ابن
طاوس در کتاب اقبال وسید ابن باقی در کتاب اختیار این دعا را برای این شب از رسول خدا
صلی الله علیه وآله روایت نموده اند اللهم انت سیدی الحنان انت سیدی المنان انت مولای الکریم
انت سیدی العفو انت مولای الحلیم انت سیدی الوهاب انت مولای العزیز انت سیدی
القریب انت مولای الواحد انت سیدی القاهر انت مولای الصمد انت سیدی العزیز
انت مولای صل علی محمد وآله واغفر لی وارحمنی وتجاوز عنی انک انت الاجل الاعظم
هشتم زیارت حضرت امام حسین علیه السلام وروایات آن در اعمال شب اول مذکور شد
وآن روایت اگرچه مخصوص کسی است که نزد مرقد منور آن امام مطهر حاضر باشد ولیکن
بهتر آنست که ساکنین بلاد بعیده نیز از فضیلت محروم نباشند وچون زیارت مخصوصی در
روایت ذکر نشده از نزدیک ودور زیارت مطلقه منقوله زیارت نمایند نهم سید ابن
طاوس قدس الله روحه در کتاب اقبال بسند خود از حضرت امام جعفر صادق ع درحدیث
طولانی روایت کرده است که کسی بخدمت آن بزرگوار عرض کرد که چه میفرمائی در باره
کسی

کسی که در نزد قبر شریف حضرت امام حسین علیه السلام حاضر باشد در شب نیمه ماه مبارک رمضان
پس حضرت فرمود به به کسی که نزد قبر مبارک آن امام رفیع الشان در شب نیمه ماه رمضان
بعد از نماز عشا غیر از نماز شب ده رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی حمد
یکنوبت وسوره قل هو الله احد ده نوبت وپناه برد بحق تعالی از آتش جهنم حق تعالی او را از جمله
آزاد شدگان از آتش جهنم بنویسد ونمیرد تا در خواب ببیند ملکی چند را که او را به بهشت
بشارت می دهند وملکی چند را که او را از آتش جهنم ایمن میگردانند مولف گوید که این عمل
مخصوص کسی است در کربلای معلی حاضر باشد روز پانزدهم این روز آخر ایام بیض وروز
نیمه این ماهست وباین جهة فضیلت عظیم دارد وشیخ مفید رضی الله عنه در کتاب مسار
الشیعه ذکر نموده است که در این روز در سال سیم از هجرت حضرت امام حسن مجتبی صلوات
الله علیه متولد شد ودر سال صد ونود وپنج از هجرت حضرت امام محمد تقی صلوات الله علیه
متولد شد واین روز سرور مومنانست ومستحب است در آن تصدق کردن وبعمل آوردن
خیرات وبسیار شکر حق تعالی بجهت ظاهر شدن حجت خداوند عالمیان خلیفه مومنان وفرزند
پیغمبر آخر الزمان وظاهر آنست که روایتی در این باب بنظر او نرسیده باشد بلکه بجهت برکت
اعمال این روز همه اعمال خیر در آن فضیلت دارد واین روز بآن دو بزرگوار منسوب است زیارت
ایشان نیز در آن مناسب است واعمال آن چند امر است اول سید ابن طاوس رحمه الله در کتاب اقبال
این دعا را برای این روز ذکر نموده است یا ذا المن والاحسان یا ذا الجلال والاکرام یا ذا الجود والا
فضال یا لا اله الا انت ظهر اللاجین وامان الخائفین ان کنت کتبتنی فی ام الکتاب شقیا
فاکتبنی عندك سعیدا موفقا للخیر وامح اسم الشقاء عنی فانك قلت فی الکتاب الذی انزلت
علی نبیك صلواتك علیه وآله یمحو الله ما یشاء ویثبت وعنده ام الکتاب اللهم
ارزقنی طیبا واستعملنی صالحا اللهم امنن علی بالرزق الواسع الحلال الطیب برحمتك
تکون لك المنة علی وتکون لی غنی عن خلقك منه من غیرك واجعلنا منه من الشاکرین
ولا تفضحنی یوم التلاقی اللهم انی اسألك السعة فی الدنیا واعوذ بك من الترف
فیها واسألك الزهد فی الدنیا واعوذ بك من الحرص علیها واسألك الغنی فی الدنیا

واعوذ بك من الفقر منها اللهم ان بسطت علي في الدنيا فزهدني فيها وان قترت علي رزقي
فلا ترغبني فيها دویم سید بن باقی رفع الله درجته در کتاب اختیار این دعا را برای این روز
ذکر نموده است اللهم يا واهب الخيرات هب لي شوقا الى لقائك من عذابك وحبا لك واجلالا
لذكرك وتوفيقا لوجهك الحي ما كان من امر هو اقرب الى طاعتك وابعد من معصيتك وارضى
لنفسك واقضى لحقك واوفى بعهدك وابلغ لمحبتك واقرب للخلود في جنتك وخير في المعاد بحقك ...
اليك وامن لي من فزع يوم القيمة فافتحه لي بخير منك واعني عليه وادللني اليه وخذني
له وخذ بناصيتي ويدي وقلبي اليه اللهم وهذا يوم النصف من شهرك المكرم المشرف العظيم
فخص نبينا محمدا صلى الله عليه واله بكرامة الدنيا والاخرة واعتقني من النار واعط نفسي
تقواها في كل يوم ما يرضيك عني واعط محمدا وال محمد وشيعتهم والمسلمين والمسلمات خير
الدنيا والاخرة اللهم اغفر لي وارحمني وتب علي واقبله مني واعصمني وفكني فيه عن
انقلهم الاوزار وسيئات الاعمال وتسبغ علي من فضلك وتحلني وزينني وحببني واصلح كل
فاسد مني وصل على ملائكتك المقربين وانبيائك المرسلين واغفر لي ولوالدي وولدي
والمؤمنين من عبادك الصالحين والمسلمين والمسلمات الاحياء منهم والاموات واختم
لنا في هذا اليوم بما ختمت به لاهل طاعتك وانبيائك ورسلك وخيار خلقك ونجنا
من النار بعفوك ورافتك ورحمتك التي وسعت كل شيء واقض لي حوائج الدنيا والاخرة
والامن والعافية والغنى والمغفرة واصلح لي ديني واجعلني كما تحب وترضى وخلصني
من مظالم الدنيا واهلها انك على كل شيء قدير وصلى الله على محمد واله الطاهرين سیم
صاحب کتاب ذخیره از ابن عباس روایت نموده است که هر که در این روز این دعا را بخواند حق تعالی
هشتاد حاجت از حاجات اخرت او را بر اورد و در جنة الفردوس هزار شهر رفیع در جوار پیغمبر
از نور درخشنده برای او بنا کند که در هر شهری هزار هزار غرفه باشد و در هر غرفه هزار هزار
حجره باشد و در هر حجره چیزی چند باشد که نفس ها بان خواهش داشته باشد و چشمها
از ان لذت برد و ان شخص در ان شهرها مخلد شود و دعا این است اللهم ارزقني فيه
طاعة الخاشعين واشعر فيه قلبي انابة المخبتين بامنك يا امان الخائفين چهارم

انجا
شعین العابدین
وامکانیه قلبی ضیق
خشوع
الخاشعین واشرح فیه
صدری بانابة المخبتین
بامانك
العابدین واشرح فیه صدر
ی بانابة المخبتین یا
امانك
...

خواندن

خواندن دعای مجیر در روز سیزدهم مذکور شد شب شانزدهم واعمال ان چند امر است اول
شیخ شهید رحمه الله بغفرانه در کتاب اربعین از حضرت رسالت صلی الله علیه واله روایت
نموده است که هر که در این شب دوازده رکعت نماز بگذارد در هر رکعت بیک سلام در هر رکعتی حمد
یکنوبت و سوره الهیکم التکاثر یکنوبت چون از نماز بپردازد ایستد و باواز بلند ندا کند
کما شهد ان لا اله الا الله واشهد ان محمدا رسول الله تا داخل بهشت شود بی حساب مولف
گوید که کفعمی در اینموضع در جنة الامان نیز سهو در نقل نموده است و سوره الهیکم التکاثر را
دوازده نوبت نقل نموده است دویم سید بن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال از کتاب عتیقی که دعا
های بعضی از شبهای انجاه از ان ساقط شده این دعا را برای اللهم سبحانك لا اله الا انت
تعبد بتوفيقك وتحمد بمجدك لانك اولى بت غيرك وظهرت غيرك وبقيت اثار الماضين
عظة للباقين والشهوات غالبة واللذات جاذبة تعرض امرك ونهيك يوم الاخبار
والعاملين الاستبصار تغفل عن الرشاد وتنافر طرق السداد فلو عجلت لانتقمت وما
ظلمت لكنك تمهل عودا على بدء بالاحسان وتنتظر تعمدا للرافة والامتنان فكم من انعمت
عليه ومكنته ان يتوب كفو الحوب وارشدته الطريق بعد ان توغل في المضيق فكان
ضالا لولا هدايتك وطائعا حتى تخلصه دلالتك وكم من وسعت له فطغى وراحبت
له فاستشرى فاخذته اخذة الانتقام وجددته جداد الصرام اللهم فاجعلني في هذه
الليلة ممن رضيت عمله وغفرت زلله ورحمت غفلته واخذت الى طاعتك ناصيته
وجعلت الى جنتك اوبته والى جوارك رجعته وصلى الله على محمد واله وسلم يا ارحم
الراحمين سیم ایضا سید در کتاب اقبال از کتاب عمل شهر رمضان ابن ابی قره رحمه الله تعالی
این دعا را برای این شب نقل نموده است اللهم انت الهي ولي اليك حاجة وبي اليك فاقة ولا
اجد اليك شافعا ولا متقربا اوجه في نفسي ولا اعظم رجاء عندي منك في تعظيم ذكرك
وتفخيم اسمائك واني اقدم اليك بين يدي حوائجي بعد ذكري نعماك علي باقراري لك
ومدحي اياك وثنائي عليك وتقديسي مجدك وتسبيحي نسك الحمد لك بما اوجبت
علي من شكرك وعرفتني من نعماك والبستني من عافيتك وافضلت علي من جزيل عطيتك

فانك قلت سيدي انت لئن شكرتم لازيدنكم ولئن كفرتم ان عذابي لشديد وقولك
صدق ووعدك حق وقلت سيدي وان تعدوا نعمة الله لا تحصوها وقلت ادعوا ربكم تضرعا
وخفية وقلت ادعوه خوفا وطمعا ان رحمت الله قريب من المحسنين اللهم اني اسالك
قليلا من كثير مع حاجة بي اليه عظيمة وغناك عنه قديم وهو عندي كثير وهو عليك
سهل يسير اللهم ان عفوك عن ذنبي وتجاوزك عن خطيئتي وصفحك عن ظلمي وسترك
على قبيح عملي وحلمك عن كبير جرمي عند ما كان من خطائي وعمدي اطمعني في ان اسالك
ما لا استوجبه منك فصرت ادعوك امنا واسالك مستانسا لا خائفا ولا وجلا مدلا
عليك فيما قصدت فيه اليك فان ابطا عني عتبت بجهلي عليك ولعل الذي ابطا عني
عتبت بجهلي ولعل الذي ابطا عني هو خير لي لعلمك بعاقبة الامور فلم ار مولى كريما
اصبر على عبد لئيم منك علي يا رب انك تدعوني فاولي عنك وتتحبب الي فاتبغض
اليك وتتودد الي فلا اقبل منك كان لي التطول عليك ثم لا يمنعك ذلك من الرحمة
لي والاحسان الي والتفضل علي بجودك وكرمك فصل على محمد وال محمد وارحم عبدك
الجاهل وعد عليه بفضل احسانك وجودك انك جواد كريم **چهارم** سيد ابن طاوس طاب
ثراه در كتاب اقبال و سيد ابن باقي قدس الله روحه در كتاب اختيار اين دعا را براى اين
شب از رسول خدا صلى الله عليه و آله روايت نموده اند يا الله يا الله يا الله يا الله
يا الله يا الله يا الله يا رحمن يا رحمن يا رحمن يا رحمن يا رحمن يا رحمن يا رحمن
يا رحيم يا رحيم يا رحيم يا رحيم يا رحيم يا رحيم يا رحيم يا غفور يا غفور
يا غفور يا غفور يا غفور يا غفور يا غفور يا رؤف يا رؤف يا رؤف يا رؤف
يا رؤف يا رؤف يا رؤف يا حنان يا حنان يا حنان يا حنان يا حنان
يا حنان يا حنان يا علي يا علي يا علي يا علي يا علي يا علي يا علي صل على محمد وآله
انك انت الغفور الرحيم **روز شانزدهم** و اعمال آن چند امر است **اول** سيد ابن طاوس
رفع الله درجته در كتاب اقبال اين دعا را براى آن روز ذكر نموده اللهم اغفر لي
ذنبي واوسع علي رزقي وبارك لي فيما رزقتني ولا تحوجني الى احد سواك اللهم

ارزقنا

ارزقنا من فضلك وبارك لنا في رزقك واغننا عن خلقك ولا تحرمنا رفدك اللهم
انا نسالك السعة من طيب والعون على طاعتك والقوة على عبادتك اللهم عافنا
من بلائك وارزقنا من فضلك واكفنا شر خلقك **دويم** سيد ابن باقي در كتاب
اختيار اين دعا را براى اين روز ذكر نموده است اللهم يا من انزل القرآن مصدقا لما بين يديه
وانزل التورية والانجيل من قبل هدى للناس وانزل الفرقان يا من يصوركم في الارحام
ما يشاء كيف يشاء لا اله الا هو العزيز الحكيم يا مالك الملك تؤتي الملك من تشاء
وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء بيدك الخير انك على كل شيء قدير
تولج الليل في النهار وتولج النهار في الليل وتخرج الحي من الميت وتخرج الميت من الحي
وترزق من تشاء بغير حساب يا من اصطفى ادم ونوحا وال ابرهيم وال عمران على العالمين
ذرية بعضها من بعض والله سميع عليم يا من ان تك حسنة يضاعفها ويؤت من لدنه
اجرا عظيما يا من له ما في السموات وما في الارض وما بينهما وما تحت الثرى وكان
الله غنيا حميدا يا من يشهد بما انزل اليك انزله بعلمه والملائكة يشهدون وكفى بالله
شهيدا يا من يداه مبسوطتان ينفق كيف يشاء لا اله الا هو الحي العزيز الحكيم اللهم
اني اسالك بما مدحت به نفسك وبعظيم اسمائك ان تتقبل صلاتي ونسكي وقيامي و
صدقتي وتضرعي اليك وخضوعي بين يديك في يومي هذا وفي شهري هذا وفيما قبله
وفيما بعده وترزقني خير ما رزقت عبادك الصالحين برحمتك يا ارحم الراحمين و
صلى الله على سيدنا محمد واله الطاهرين **سيم** صاحب كتاب ذخيره از ابن عباس روايت
نموده است كه رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود كه هر كه در اين روز اين دعا را بخواند
حق تعالى باو عطا فرمايد در روزى كه از قبر بيرون آيد نورى درخشنده كه بروشنى آن راه
رود و حله كه بپوشد و شتري كه سوار شود و از شراب بهشت سيراب شود و دعا اين
اللهم وفقني فيه لعمل الابرار وجنبني فيه مرافقة الاشرار واوني فيه برحمتك
الى دار القرار بالهيتك يا اله العالمين **شب هفدهم** اين شب بمزيد فضيلت
مخصوص است زيرا كه اين شب مسلمانان و كفار بيكديگر رسيدند در بدر و در صبح بعد از

اهدني
فيه لموافقة ...
وادخلني فيه في دار ...
آمين ...
برحمتك يا ارحم الراحمين
بالجنتك يا اله
العالمين

آن در میان ایشان جنگ واقع شد وحق تعالی به پیغمبرش فتح ونصرت کرامت فرمود واعمال آن
چند امر است اوّل غسل زیرا که از شبهای طاق است وبخصوص این شب بمزید فضیلت دارد دوم
شیخ شهید قدس الله روحه در کتاب اربعین از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت نموده است
که هر که در این شب دو رکعت نماز بکند ودر هر رکعت الحمد وهر سوره که خواهد بخواند ودر
رکعت دویم حمد وسوره قل هو الله احد صد نوبت بخواند وچون سلام گوید صد نوبت لا اله
الا الله بگوید حق تعالی ثواب هزار هزار حج وهزار هزار عمره وهزار هزار جهاد باو کرامت فرماید
سیم سید ابن طاوس در کتاب اقبال از بعضی از ائمه علیهم السلام روایت کرده است که فرمود که
در این شب گروه مسلمانان وکفار در بدر بیکدیگر رسیدند وحق تعالی نعمتهای عظیمه خود را درباره
دوستان خود ظاهر گردانید ودعای این شب این دعاست یا صاحب محمد صلی الله علیه وآله
یوم حنین ویا مبیر الجبارین ویا عاصم النبیین اسألک بیس والقرآن الحکیم وبطه
وسائر القرآن العظیم ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تهب لی اللیلة تأییدا تشد به عضدی
وتسد به خلتی یا کریم انا المقر بالذنوب فافعل بی ما تشاء لن یصیبنی الا ما کتبت لی
علیک توکلت وانت حسبی وانت رب العرش الکریم اللهم انی اسألک خیر المعیشة ابدا
ما ابقیتنی بلغة الی انقضاء اجلی اتقوی بها علی جمیع حوائجی واتوسل بها الیک من
غیر ان تفتنی باکثار فاطغی او بتقتیر علی فاشقی ولا تشغلنی عن شکر نعمتک واعطنی
غنی عن شرار خلقک واعوذ بک من شر الدنیا وشر ما فیها اللهم لا تجعل الدنیا لی سجنا
ولا تجعل فراقها لی حزنا اخرجنی عن فتنتها اذا کانت الوفاة خیرا لی من حیاتی مقبولا
عملی الی دار الحیوان ومساکن الاخیار واعوذ بک من ازلها وزلزالها وسطوات سلطانها
وبغی بغاتها اللهم من ارادنی فارده ومن کادنی فکده واکفنی هم من ادخل علی همه
وصدق قولی بفعلی واصلح لی حالی وبارک لی فی اهلی ومالی وولدی واخوانی اللهم
اغفر لی ما مضی من ذنوبی واعصمنی فیما بقی من عمری حتی القاک وانت عنی راض و
حوائج خود را سؤال کند وبعد از آن بسجده برود ودر سجده این دعا را بخواند سجد وجهی الفانی
البالی الموقوف المحاسب المذنب الخاطی لوجهک الکریم الباقی الدائم الغفور الرحیم

سبحن

سبحان ربی الاعلی وبحمده استغفر الله واتوب الیه پس سید گفته زیادة وابن زیادتی
زاد کرده است اللهم رب هذه اللیلة العظیمة لک الحمد کما عصمتنی من مهاوی الهلکة
والتمسک بحبال الظلمة والجحود لطاعتک والرد علیک امرک والتوجه الی غیرک والزهد
فیما عندک والرغبة فیما غیرک مما مننت به علی ورحمة رحمتنی بها من غیر عمل سالف
ولا استحقاق لما صنعت بی واستوجب منی الحمد علی الدلالة علی الحمد واتباع اهل الفضل
والمعونة والنصر بابواب الهدی ولولاک ما اهتدیت الی طاعتک ولا عرفت امرک ولا
سلکت سبیلک فلک الحمد کثیرا ولک المن فاضلا وبنعمتک تتم الصالحات مؤلف گوید که
از کلام سید معلوم نمیشود که ابن زیادتی تتمه روایت سابق یا دعای دیگر است که بروایت دیگر
وارد شده یا ما الحق سید یا غیر او از علما است ونیز معلوم نمیشود که در سجده باید خوانده شود
یا نه وبهتر آنست که در سجده بعد از دعای سابق خوانده شود تا عمل بجمیع احتمالات شده باشد
چهارم ایضا سید در کتاب اقبال از کتاب عتیقی که ادعیه بعضی از شبها از آن ساقط شده این
دعا را برای این شب نقل نموده است سبحان العزیز بعد ربه المالک بغلبته الذی لا یخرج شیء عن
قبضته ولا امر الا بیده الذی یجود مبتدئا وصولا ویتعمد معبدا هو الحمید المجید نحمده
بتوفیقه ونعمه بذلک جدد لا یحصی تعبده بالایة تتلو الایة فیادیه لا نکافی والحمد
فهو الذی لا یملک المالکین یعز الاعزاء ویذل الاذلین اللهم ان هذه اللیلة لیلة سبع
عشرة وهی اول عقود الاعداد وسبع وهی شریفة الاعداد لاحقة بعشر سابقة ویلی من
امضاها من هو بغیر حق لک یا مولاه قضاک ولا یقرب الیک ارضاک وانا احد اهل الویل
صدتنی عنک بطنة الماکل والمشارب تقرب بک المسارب وسعة المذاهب واجتذ
بتنی الی لذاتها سنتی وترکت الولحة اللذیذة من غفلتی فاطرد عنی الاغترار وانقذ
وایقظ بی علی الاستبصار وحفظنی من ید الغفلة وسلمنی الی الیقظة بسعادة وتلک نفسها
وتفضها الی وتیقظ وجهی لذلک وتلبسنی عملک یا ارحم الراحمین وصلی الله علی محمد
النبی وآله وسلم پنجم سید ابن طاوس نور الله مرقده در کتاب اقبال وسید ابن باقی رفع
الله درجته در کتاب اختیار این دعا را برای این شب از حضرت رسالت صلی الله علیه وآله

دعا ثبت نموده اند اللهم هذا شهر رمضان الذی انزلت فیه القرآن وامرت بعمارة المساجد
والدعاء والصیام والقیام وحثثت وضمنت لنا فیه الاستجابة فقد اجتهدنا وانت اعنتنا
فاغفر لنا فیه ولا تجعله آخر العهد منا واعف عنا فانک ربنا وارحمنا فانک سیدنا واجعلنا
ممن ینقلب الی مغفرتک ورضوانک انک انت الاجل الاعظم روز هفدهم واعمال آن چند
امراست اول سید ابن طاوس اسکنه الله جنة الفردوس در کتاب اقبال این دعا را برای این روز
نقل نموده اللهم لا تکلنی الی نفسی طرفة عین ابدا ولا تحوجنی الی احد من خلقک واثبت قلبی
علی طاعتک اللهم اعصمنی بحبلک وارزقنی من فضلک ونجنی من النار بعفوک اللهم
انی اسألک تعجیل ما تعجیله خیر لی وتاخیر ما تاخیره خیر لی اللهم ما رزقتنی من رزق فاجعله
حلالا طیبا فی یسر منک وعافیة اللهم سددنی فی الدنیا واجعل غنای فی نفسی واجعل رغبتی
فیما عندک اللهم ثبت رجاءک فی قلبی واقطع رجائی عن خلقک حتی لا ارجو احدا غیرک
یا رب العالمین اللهم وفی سفری وفی اهلی فاخلفنی وفیما رزقتنی فبارک لی وفی نفسی
فذللنی وفی اعین الناس فعظمنی والیک یا رب فحببنی وفی صالح الاعمال فقونی وبسوء
عملی فلا تبسلنی وبسریرتی فلا تفضحنی وبقدر ذنوبی فلا تخذلنی والیک یا رب اشکوا
غربتی وبعد داری وقلة معرفتی وهوانی علی الناس یا ارحم الراحمین دوم سید ابن باقی
حشره الله مع الابرار در کتاب اختیار این دعا را برای این روز ذکر کرده اللهم جنبنی عذابک
یوم تبعث عبادک واعذنی من عقابک وسوء حسابک اللهم انی اسألک حسن المآب
وحسن الثواب والامن یوم العقاب والنجاح یوم الحساب یا من خلق السموات والارض
وجعل الظلمات والنور یا من یعلم السر والجهر ویعلم ما تکتمون یا من یسکن له ما فی اللیل
والنهار وهو السمیع العلیم یا من یقضی بالحق وهو خیر الفاصلین یا من عنده مفاتح الغیب
لا یعلمها الا هو ویعلم ما فی البر والبحر یا من له الملک وهو اسرع الحاسبین اللهم انی
اسألک بما مدحت به نفسک وسألتک به ان لا تدع لی ذنبا الا غفرته ولا عیبا الا سترته
ولا غما الا فرجته ولا هما الا کشفته ولا امرا الا اصلحته ولا حزنا الا اذهبته ولا سقما
الا شفیته ولا حاجة الا قضیتها ولا امانة الا اديتها ولا فاقة الا سددتها ولا عورة

الا سترتها

الا سترتها ولا ضیعة الا حفظتها ولا کربة الا فرجتها ولا عثرة الا اقلتها واجعلنی
من عتقائک فی هذا الیوم من النار برحمتک یا ارحم الراحمین وصلی الله علی سیدنا محمد
واله الطاهرین سیم صاحب کتاب ذخیره از ابن عباس روایت نموده است که رسول خدا صلی الله
علیه واله فرموده که هر که در این روز این دعا را بخواند کم زیده شود هر چند از شاسران و زبانکاران
باشد ودعا اینست اللهم اهدنی فیه لصالح الاعمال واقض لی فیه الحوائج والآمال یا من — اهدنی فی هذا الیوم یا [رب] العالمین یا [دلیل] المضطرین برحمتک یا ارحم الراحمین
لا یحتاج الی التفسیر والسؤال یا عالما بما فی صدور العالمین صل علی محمد واله الطاهرین
شب هجدهم واعمال آن چند چیز است اول شیخ شهید احله الله علی غرف الجنان در کتاب اربعین
از حضرت رسالت صلی الله علیه واله روایت نموده است که هر که در این شب چهار رکعت نماز بکند
هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی حمد یکنوبت و سوره انا اعطیناک الکوثر بیست و پنج نوبت ملک
موت در هنگام قبض روح او را بشارت دهد که حق تعالی از او راضی و خشنود است دوم سید ابن طاوس
رحمه الله در کتاب اقبال از کتاب عتیقی که ادعیه بعضی از شبها از آن ساقط شده این دعا را برای
این شب نقل نموده است لا اله الا الله وحده لا شریک له فی ملکه ولا منازع فی قدرته احصی
کل شیء عددا وخلقه وجعل له امدا فکل ما یری ویری هالک الا وجهه له الحکم
والیه ترجعون وسبحان الله الذی قهر کل شیء بجبروته واستولی علیه بقدرته وملکه
بعزته سبحان خالقی ولم اک شیئا الذی کفلنی برحمته وغذانی بنعمته وانسح لی فی عطیته
ومن علی بهدایته بما الهمنی من وحدانیته والتصدیق بانبیائه وحاملی رسالته وکتبه
المنزلة علی بریته الموجبة بحجته الذی لم یخذلنی بجوده ولم یسلمنی الی عدوه وجعل من
اکارم انبیائه صلی الله علیهم ارومتی ومن اماثلهم نبعتی وخاتمهم صلی الله علیه — واله عوننی
عوننی اللهم لا تذلل منی ما اعززت ولا تضعنی بعد ان رفعت ولا تخذلنی بعد ان نصرت
واطونی مطاوی هذه اللیلة ذنوبی مغفورة وادعیتی مسموعة وقرباتی مقبولة فانک
علی کل شیء قدیر وصلی الله علی محمد النبی واله وسلم تسلیما سیم ایضا سید در کتاب
مذکور از کتاب عمل شهر رمضان ابن ابی قره رحمه الله این دعا را برای این شب نقل نموده است اللهم
لک الحمد کما حمدت نفسک وافضل ما حمدک الحامدون من خلقک حمدا یکون ارضی الحمد

لك واحق الحمد عنك واوجب الحمد اليك وافضل الحمد لديك واقرب الحمد منك واوجب
الحمد جزاء عليك حمداً لا يبلغه وصف واصف ولا يدركه نعت ناعت ولا وهم
متوهم ولا فكر متفكر حمداً تضعف عنه كل ابكم من نحو السموات والارضين ويقصر
عنه وعن حدوده ومنتهاه جميع المعصومين المؤيدين الذين اخذت ميثاقهم في كتابك
الذي لا يغير ولا يبدل حمداً ينبغي لك ويدوم معك ولا يصلح الا لك حمداً يعلو حمد كل
حامد وشكراً يحيط بشكر كل شاكر حمداً يبقى مع بقائك ويزيد اذا رضيت وينمى كلما
شئت حمداً خالداً مع خلودك ودائماً مع دوامك كما فضلتنا على كثيرة من خلقك ولما
وهبت من معرفتك وصيام شهر رمضان اللهم اني اسالك بمقام محمد وبمقام انبيائك
عليه وعليهم السلام ان تصلي على محمد وال محمد وتقبل صومي وتصرفني الي والى اهلي وولدي
واهل بيتي ومن يعنيني امره والى جميع المؤمنين والمؤمنات من فضلك ورحمتك وعافيتك
ونعمك ورزقك الحسن المريح لنا تجعله صالحاً لديننا وقواماً لاخرتنا چهارم سيد ابن
طاوس رضي الله عنه در كتاب اقبال وسيد ابن باقي در كتاب اختيار اين دعا را براى اين شب
از حضرت رسالت صلى الله عليه واله روايت نموده اند الحمد لله الذي اكرمنا بشهرنا هذا
وانزل علينا فيه القرآن وعرفنا حقه والحمد لله على البصيرة فيه نور نحمدك يا الهنا
واله اباءنا الاولين وارزقنا فيه التوبة ولا تخذلنا ولا تخلف ظننا انك انت الجليل
الجبار روز هجدهم واعمال ان چند امر است اول سيد ابن طاوس رضوان الله عليه در
كتاب اقبال اين دعا را براى اين شب ذكر نموده است اللهم ان الظلمة كفروا بكتابك وجحدوا
اياتك فكذبوا رسلك وشرعوا غير دينك وسعوا بالفساد في ارضك وتعاونوا على
اطفاء نورك وشاقوا ولاة امرك ووالوا اعدائك وعادوا اوليائك وظلموا اهل بيت
نبيك اللهم فانتقم منهم واصبب عليهم عذابك واستاصل شافتهم اللهم انهم
اتخذوا دينك دغلاً ومالك دولاً وعبادك خولاً فاكفف باسهم واوهن كيدهم واشف
منهم صدور المؤمنين وخالف بين قلوبهم وشتت امرهم واجعل باسهم بينهم واشغل
بايدي المؤمنين دماءهم وخذهم من حيث لا يشعرون اللهم صل على محمد وال محمد
اللهم

اللهم انا نشهد يوم القيمة ويوم حلول الطامة انهم لم يذنبوا لك ذنباً ولم يرتكبوا لك
معصية ولم يضيعوا لك طاعة وان مولانا وسيدنا صاحب الزمان الهادي المهدي
التقي النقي الزكي الرضي فاسالك بنا على يديه منهاج الهدى والحجة العظمى وقونا على
متابعته واداء حقه واحشرنا في اعوانه وانصاره انك سميع الدعاء دوم شب سيد ابن
باقي حشره الله مع الائمة الاطهار در كتاب اختيار اين دعا را براى اين روز ذكر نموده است اللهم اني
اسالك اذ وفقتنا لصيام هذا الشهر لعظيم ودعوتنا فاجبناك بتوفيق منك لنا وامرتنا
بالصلاة على نبيك فقلت ان الله وملائكته يصلون على النبي يا ايها الذين امنوا صلوا عليه
وسلموا تسليما اللهم فصل عليه ازهد بنا به من الهلكة اللهم اجزه خير ما جزيت نبياً
عن امته وخير ما جزيت رغيبا عن رعيته وصل اللهم عليه وملائكتك وانبيائك و
رسلك وعبادك واهل طاعتك من اهل السموات والارض اللهم ابعثه مقاماً محموداً
يغبطه به الاولون والاخرون اللهم بيض وجهه واوضح حجته وتقبل شفاعته وعظم
برهانه اللهم اقر في القيمة عينه وعين ذريته واهل بيته وامته اللهم ارزقني في
سنتي هذه النظر الى بيتك الحرام واري الركن والمقام واثار انبيائك عليهم السلام
والزيارة الى خير نبيك محمد المصطفى عليه واله السلام اللهم اجعل اقرب النبيين محمداً صلى الله عليه واله
منك منزلاً واعظمهم عندك رجاً وشرفاً واعلاهم لديك درجة وعرفنا اللهم اياه في
القيمة وجهه النضر الاظهر سيد المرسلين وعلي المؤمنين وامام المتقين نبي الرحمة
اتى بالحق بشيراً ونذيراً وداعياً الى الله باذنه وسراجاً منيراً اللهم استعملني على
طاعتك في سنته وتوفني مغفوراً لي على ملته وابعثني على شريعته واحشرني في
زمرته وارزقني مرافقته وادخلني الجنة في شفاعته اللهم وكما جعلتني من امته
ولم تضلني ومننت على بنبيه دين ابيهم خليلك وعلى ملته صلى الله عليه واله
وسلم وبلغتني هذا الشهر وفرضته على رافة ورحمة منك فاسالك بتشريفك
محمداً صلى الله عليه واله يوم تجمع الخلائق لفصل القضاء ان تعتقني في يومي هذا
من النار وتغفر لي مغفرة عزماً جزماً وترزقني خير الدنيا والاخرة والامن والعافية

والغنی والمغفرة برحمتك یا ارحم الراحمین انك علی كل شیء قدیر وصلی الله علی سیدنا
محمد وآله الطاهرین **ستم** صاحب کتاب ذخیره از ابن عباس روایت نموده که رسول خدا
صلی الله علیه وآله فرمود که هرکه در این شب این دعا را بخواند حق تعالی باو ثواب هزار پیغمبر
کرامت فرماید و دعا این است اللهم متعنی فیه لبرکات اسحاره ونور قلبی فیه بضیاء
انواره وخذ بکل اعضائی الی اتباع آثاره یا منور قلوب العارفین **شب نوزدهم** اول
لیالی قدر و بعد از آن شب بیست و یکم و بیست و سیم اشرف از سایر شبهاست و در
ابواب سابقه مذکور شد که شب قدر از این سه شب بیرون نیست و احادیث بسیار در باب
فضیلت شب قدر عموما و فضیلت هریك از لیالی ثلثه خصوصا وارد شده است اما اعمال
عامه پس بعضی از آنها در ابواب سابقه مذکور شد و برخی بعد از این در ضمن اعمال
مذکور میشود انشاء الله تعالی **وایضا** سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال از منصور
حازم روایت کرده است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که شبی هست که در آن شب
هر امر حکیمی جدا میگردد و مقدر میشود و در آن شب نازل میشود آنچه در آن سال تا مثل
آن شب واقع خواهد شد از خیر و شر و روزی و موت و حیات و در آن شب نوشته میشوند
حاجیان مکه پس هرکه در آن شب نوشته شود البته بحج میرود هرچند فقیر و بیمال باشد
وکسی که نوشته نشده است نمیتواند که بحج رود هرچند مالدار و صحیح باشد و اما احادیث
وارده در خصوص این شب پس بعضی از آنها پیشتر در ابواب سابقه گذشت و بعضی بعد از این
مذکور میشود انشاء الله تعالی **وایضا** سید طاب ثراه در کتاب مذکور بسند خود از حضرت
امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده است که چون شب نوزدهم ماه مبارك
رمضان در آید نوشته شوند حاجیان و نوشته شود اجلها و روزیها و حق تعالی
مشرف شود بر بندگان پس بیامرزد هر مؤمنی را مگر کسی را که مسکر آشامیده باشد
یا رحم مؤمنی را قطع نموده باشد **وایضا** در کتاب مذکور از عبد الله بن سنان روایت
کرده است که گفت از حضرت صادق علیه السلام سؤال نمودم شب نیمه شعبان را حضرت فرمود که
چیزی در این باب در نزد من نیست ولیکن هرگاه شب نوزدهم ماه رمضان داخل شود
در آن شب

عضوی عضو
بنورك یا منور
برحمتك یا ارحم
الراحمین

در آن شب روزیها تقسیم میشود واجلها نوشته میشود و نوشته میشود حاجیان بیت الله بعد از
می آید حق تعالی مشرف میشود بر حال بندگان پس می آمرزد هرکه را میخواهد مگر شراب خوار را پس
چون شب بیست و سیم داخل شود جدا میشود هر امر محکمی و منتهی و مبرم میشود راوی گوید که عرض
کردم که این امور بسوی که نازل میشود فرمود که بسوی صاحب شما نازل میشود واگر نزول
در این شب نباشد صاحب شما این امور را نخواهد دانست **مؤلف گوید که** سید بعد از نقل
این دو روایت گفته است که این حدیث مخالفت با حدیثی که در باب شب نیمه شعبان وارد شده
است که تقدیرات در آن شب واقع میشود و در بیان رفع منافات دو وجه گفته است **اول**
آنکه بشارت تقدیرات در شب نیمه شعبان و اصل تقدیرات در این شب واقع میشود **دوم**
آنکه تقدیرات امور بعضی از مردم در شب نیمه شعبان و تقدیرات همه مردم در این شب واقع
شود و این دو وجه بعید است و تحقیق این مقام و دفع این اشکال و سایر اشکالات
وارده در این مقام در مفاتیح متعلقه به شب قدر بتفصیل سابق ذکر یافت و شیخ طبرسی
رضی الله عنه در کتاب مجمع البیان از حسان ابن ابی علی روایت کرده است که گفت از
آنحضرت پرسیدم از شب قدر فرمود طلب کن آنرا در شب نوزدهم و شب بیست و یکم
و شب بیست و سیم و اما اعمال این شب پس بر دو قسم است **قسم اول** اعمال مشترکه
فیمابین این سه شب و آنچه در شب قدر وارد شده که آنها بین در هر سه شب باید کرده
شود و آنها چند چیز است **اول** احیا داشتن سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال
از کتاب کنز الیواقیت که تألیف ابی الفضل هروی است نقل نموده که از رسول خدا صلی الله علیه
وآله روایت کرده است که هرکه شب قدر را احیا کند حق تعالی بگرداند از او عذاب را
تا سال آینده **وایضا** از کتاب مذکور نقل نموده که از حضرت امام محمد باقر علیه
السلام منقول است که هرکه شب قدر را احیا نماید گناهان او آمرزیده شود هرچند
بعدد ستارگان آسمان و سنگینی کوهها و کیل دریاها باشد و بعضی از احادیث
این مطلب بعد از این مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی **دوم** غسل نیز که هریك
از لیالی افراد است و در این سه شب نیز تأکید شده بیشتر است چون غسل در شب قدر

فضیلت بسیار دارد و در هر یک از این سه شب احتمال شب قدر داده میرود چنانچه
ابن بابویه رحمه الله در کتاب عمل شهر رمضان بسند خود از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله
علیه روایت کرده است که هر که غسل کند در شب قدر و احیا بدارد آنرا تا طلوع فجر از گناهان
خود بیرون آید و بخصوص هر یک از این شب بر غسل وارد شده چنانچه حمیری در قرب الاسناد
از عبد الله ابن بکیر روایت کرده است که گفت سؤال کردم از حضرت صادق علیه السلام از غسل
در ماه مبارک رمضان در اول شب فرمود غسل بکن در شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست
وسیم این ماه مبارک و در این روایت مذکور است که اول وقت غسل اول شب است و این معنی
بتفصیل در شب اول ماه گذشت وایضا سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال بسند
خود از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که آنحضرت فرمود که پدرم صلوات
الله علیه غسل میکرد در شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست وسیم و بیست و پنجم وایضا
سید رحمه الله در کتاب مذکور بسند خود از ابن ابی یعفور روایت کرده است که گفت از حضرت
صادق علیه السلام پرسیدم که از غسل در ماه مبارک رمضان فرمود که غسل بکن در شب
نوزدهم و بیست و یکم و بیست وسیم و بیست و هفتم و بیست و نهم سیم تصدق کردن
و بعضی احادیث آن در ابواب سابقه مذکور شد وایضا سید در کتاب اقبال از کتاب
کنز الیواقیت نقل نموده که از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله منقول است که حضرت موسی
علیه السلام با جناب حق تعالی مناجات نمود که خداوندا قرب و نزدیکی ترا میخواهم حق تعالی
فرمود که قرب من برای کسی حاصل است که در شب قدر بیدار باشد پس حضرت موسی
علیه السلام گفت خداوندا رحمت ترا میخواهم فرمود که رحمت من برای کسی است که رحم
بمساکین نماید در شب قدر حضرت موسی علیه السلام گفت خداوندا گذر کردن بر صراط
را میخواهم فرمود که این برای کسی میسر است که تصدق کند بصدقه در شب قدر حضرت
موسی علیه السلام گفت که بار خدایا درختهای بهشت و میوه های آنرا میخواهم فرمود که این
برای کسی است که سبحان الله در شب قدر بگوید موسی علیه السلام گفت پروردگارا نجات
از آتش جهنم را میخواهم فرمود این برای کسی است که در شب قدر استغفار نماید موسی

علیه

علیه السلام گفت خداوندا رضا و خشنودی ترا میخواهم فرمود که این برای کسی است که دو رکعت نماز
کند در شب قدر چهارم صد رکعت نماز از جمله هزار رکعت نافله ماه رمضان که در هر یک
از این سه شب باید کرده شود چنانچه در باب یازدهم از این نسخه مذکور شد و در
باب خصوص صد رکعت در هر یک از این سه شب تاکیدش زیاده از سایر شبها وارد شده
بلکه باید که اگر ایستاده نتواند نشسته بکند و اگر نشسته نتواند خوابیده بکند چنانچه
شیخ طوسی قدس الله روحه در کتاب تهذیب از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
علیه و آله روایت کرده است که با ابو بصیر فرمود که بیست شب از ماه مبارک رمضان هر شبی
هشت رکعت بعد از نماز مغرب و دوازده رکعت بعد از نماز عشا بکند پس چون در آید
شبی که در آن امید هست آنچه امید هست یعنی شب قدر پس صد رکعت نماز بکن و در هر رکعتی
بعد از حمد سوره قل هو الله احد ده نوبت بخوان ابو بصیر گفت فدای تو شوم اگر ایستاده
نتوانم چکنم فرمود که نشسته بکن ابو بصیر گفت اگر نشسته نتوانم چکنم فرمود که در بستر خوابیده
در فراش خود بکن و در این نماز در هر رکعت بیک مرتبه قل هو الله احد اکتفا میتوان کرد و سه
مرتبه و پنج مرتبه و هفت مرتبه نیز وارد شده چنانچه روایات آن در اول باب یازدهم
در بیان نماز هزار رکعت و کیفیت تقسیم آن بر شبها مذکور شد و بنا بآنکه در سابق مذکور
شد که آدمی مخیر است میان آنکه هشتاد رکعت وظیفه این سه شب را در این شبها بانضمام
صد رکعت بکند چنانچه در شب نوزدهم صد و بیست رکعت و در هر یک از بیست و یکم و بیست
وسیم صد و سی رکعت بکند یا در این سه شب اکتفا بصد رکعت نماید و هشتاد رکعت را
توزیع بر جمعها نماید و بتفصیل مذکور در سابق دیگر گذشت که شق ثانی افضل است پس
لیکن اگر شق ثانی را اختیار نماید تمام این صد رکعت را بعد از فراغ از نماز عشا و نیز
میکند و بعد از هر دو رکعت از این صد رکعت اول دعائی که شیخ طوسی علیه الرحمه برای بیست
رکعت هر شب روایت کرده است و در باب یازدهم بتفصیل گذشت میخواند و بعد از
هر دو رکعت از هشتاد رکعت بقیه دعا که شیخ روایت کرده و نیز مذکور خواهد شد
انشاء الله تعالی میخواند و اگر شق اول را اختیار نماید که در شب نوزدهم صد و بیست رکعت

و در هر یک از بیست و یکم و بیست و سیم صد و سی رکعت را بکند پس از احادیث و اخبار
ظاهر میشود که بیست رکعت شب اول و سی رکعت دو شب دیگر را بخصوص چه وقت
باید کرده شود آیا بعد از مغرب و عشا مثل سنوات سایر شبها باید کرده شود یا آنکه بیست
مانند سه رکعت بعد از فراغ از عشا باید کرده شود و دعای بین رکعتی این شبها در روا
یات مذکور نیست سوای دعای مختصری که بعد از هر دو رکعت از مجموع هزار رکعت باید
خوانده شود و پیشتر گذشت لهذا اولی اختیار شق ثانی است که افضل است و اما دعاهای
هشتاد رکعت پس بعد از فراغ از نماز عشا و نیره بر میخیزی و بیست رکعت را با دعاها
که سابق گذشت بجا می آوری پس دو رکعت دیگر را میکنی و بعد از آن این دعا را که شیخ طوسی
طاب ثراه در کتاب تهذیب نقل نموده است میخوانی یا حسن البلاء عندی یا قدیم العفو
عنی یا من لا غناء لشیء عنه یا من لا بد لشیء منه یا من مرد کل شیء الیه یا من مصیر لکل خ ل
کل شیء الیه لا تخذلنی سیدی ولا تولّ امری شرار خلقک انت خالقی و رازقی یا مولای فلا
تضیعنی پس دو رکعت دیگر را میکنی و بعد از آن این دعا را که شیخ طوسی در کتاب تهذیب
ذکر نموده است میخوانی اللهم صل علی محمد و آل محمد واجعلنی من اوفر عبادک نصیبا من
کل خیر انزلته فی هذه اللیلة او انت منزله من نور تهدی به او رحمة تنشرها او رزق تنشر خ ل
تبسطه او ضر تکشفه او بلاء تدفعه او سوء تدفعه او فتنة تصرفها واکتب
لی ما کتبت لاولیائک الصالحین الذین استوجبوا منک الثواب وامنوا برضاک والدمع خ ل
عنهم منک العذاب یا کریم یا کریم صل علی محمد و آل محمد وعجل فرجهم
واغفر لی ذنوبی و بارک لی فی کسبی وقنعنی بما رزقتنی ولا تفتنی بما زویت عنی پس دو
رکعت دیگر را میکنی و بعد از آن این دعا را که شیخ طوسی رحمه الله در کتاب تهذیب نقل نموده
است میخوانی اللهم الیک نصبت یدی وفیما عندک عظمت رغبتی فاقبل یا سیدی ومولای خ ل
توبتی وارحم ضعفی وارحمنی واجعل لی فی کل خیر نصیبا والی کل خیر سبیلا اللهم انی رغبتی خ ل
اعوذ بک من الکبر والعجب ومواقف الخزی فی الدنیا والآخرة اللهم صل علی محمد وآل محمد
واغفر لی ما سلف من ذنوبی واعصمنی فیما بقی من عمری واورد علی اسباب طاعتک
واستعملنی

واستعملنی بها واصرف عنی اسباب معصیتک وحل بینی وبینها واجعلنی واهلی وولدی
فی ودائعک التی لا تضیع واعصمنی من النار واصرف عنی شر فسقة الجن والانس وشر کل ذی
شر وشر کل ضعیف او شدید من خلقک وشر کل دابة انت آخذ بناصیتها انک علی کل شیء
قدیر پس دو رکعت دیگر میکنی و بعد از آن این دعا را که شیخ طوسی رضی الله عنه در کتاب تهذیب
ذکر نموده میخوانی اللهم انت متعالی الشان عظیم الجبروت شدید المحال عظیم الکبریاء
قادر قاهر قریب الرحمة صادق الوعد وفی العهد قریب مجیب سامع الدعاء قابل التوبة
محص لما خلقت قادر علی ما اردت مدرک من طلبت رازق من خلقت شکور ان شکرت
ذاکر ان ذکرت فاسئلک یا الهی محتاجا وارغب الیک فقیرا واتضرع الیک خائفا وابکی
لک مکروبا وارجوک ناصرا واستغفرک ضعیفا واتوکل علیک محتسبا واسترزقک متو الیک خ ل
سعا واسئلک یا الهی ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تغفر لی ذنوبی وتتقبل عملی وتیسر
منقلبی وتفرج قلبی اسئلک ان تصدق ظنی وتعفو عن خطیئتی وتعصمنی من المعاصی الهی
ضعفت فلا قوة لی وعجزت فلا حول لی الهی جئتک مسرفا علی نفسی مقرا بسوء عملی قد ذکرت
غفلتی واشفقت مما کان منی فصل علی محمد وآل محمد وارض عنی واقض جمیع حوائجی للدنیا منی لی خ ل
والآخرة یا ارحم الراحمین پس دو رکعت دیگر را میکنی و بعد از آن این دعا را که شیخ طوسی رفع
الله درجته در کتاب تهذیب نقل نموده میخوانی اللهم انی اسئلک العافیة من جهد البلاء
وشماتة الاعداء وسوء القضاء ودرک الشقاء ومن الضرر فی المعیشة وان تبتلینی ببلاء
لا طاقة لی به او تسلط علی طاغیا او تهتک لی سترا او تبدی لی عورة او تحاسبنی یوم
القیمة مقاصا احوج ما اکون الی عفوک وتجاوزک عنی فاسئلک بوجهک الکریم
وکلماتک التامة ان تصلی علی محمد وآل محمد واجعلنی من عتقائک وطلقائک من النار
اللهم صل علی محمد وآل محمد وادخلنی الجنة واجعلنی من سکانها وعمارها اللهم انی واله خ ل
اعوذ بک من سفعات النار اللهم صل علی محمد واله وارزقنی الحج والعمرة والصیام
والصدقة لوجهک پس سجده میروی و در سجود این دعا را که شیخ طوسی قدس الله روحه
القدوسی در کتاب تهذیب ذکر کرده است یا سامع کل صوت یا باری النفوس بعد الموت

يا مَنْ لا تَغشاهُ الظُّلُماتُ ويا مَنْ لا تَتَشابَهُ عَلَيهِ الاصواتُ ولا تغلِطُهُ الحاجاتُ يا مَنْ
لا يَنسى شَيئاً لِشَيءٍ ويا مَنْ لا يَشغَلُهُ شَيءٌ عَن شَيءٍ اعطِ مُحمّداً صلّى الله عليه وآله ما سألَكَ و
افضلَ ما سُئِلتَ لَهُ وافضَلَ ما انتَ مَسؤولٌ لَهُ واسئَلُكَ اَن تَجعَلَني مِن عُتَقائِكَ وطُلَقا
ئِكَ مِنَ النّارِ اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحمّدٍ وآلِهِ واجعَلِ العافِيَةَ شِعاري ودِثاري ونَجاةً لي مِن
كُلِّ سُوءٍ يَومَ القِيمَةِ پس دو رکعت دیگر را میکنی و بعد از آن این دعا را که شیخ طوسی در کتاب تهذیب
ذکر نموده است میخوانی اَنتَ اللهُ لا اِلهَ اِلّا انتَ رَبُّ العالَمينَ واَنتَ اللهُ لا اِلهَ اِلّا اَنتَ العَلِيُّ العَظيمُ
واَنتَ اللهُ لا اِلهَ اِلّا انتَ العَزيزُ الحَكيمُ واَنتَ اللهُ لا اِلهَ اِلّا انتَ الغَفورُ الرَّحيمُ واَنتَ اللهُ
لا اِلهَ اِلّا انتَ الرَّحمنُ الرَّحيمُ واَنتَ اللهُ لا اِلهَ اِلّا انتَ مالِكُ يَومِ الدّينِ واَنتَ اللهُ لا اِلهَ — مالك يوم الدين
اِلّا انتَ مِنكَ بَدَءَ الخَلقُ واِلَيكَ يَعودُ واَنتَ اللهُ لا اِلهَ اِلّا انتَ خالِقُ الجَنَّةِ والنّارِ
واَنتَ اللهُ لا اِلهَ اِلّا انتَ خالِقُ الخَيرِ والشَّرِّ واَنتَ اللهُ لا اِلهَ اِلّا انتَ لَم تَزَل ولا تَزالُ
واَنتَ اللهُ لا اِلهَ اِلّا انتَ الواحِدُ الاَحَدُ الصَّمَدُ الَّذي لَم يَلِد ولَم يولَد ولَم يَكُن لَهُ كُفُواً اَحَدٌ
واَنتَ اللهُ لا اِلهَ اِلّا انتَ عالِمُ الغَيبِ والشَّهادَةِ الرَّحمنُ الرَّحيمُ واَنتَ اللهُ لا اِلهَ اِلّا
انتَ المَلِكُ القُدّوسُ السَّلامُ المُؤمِنُ المُهَيمِنُ العَزيزُ الجَبّارُ المُتَكَبِّرُ سُبحانَ اللهِ عَمّا
يُشرِكونَ واَنتَ اللهُ لا اِلهَ اِلّا انتَ الخالِقُ البارِئُ المُصَوِّرُ لَكَ الاَسماءُ الحُسنى يُسَبِّحُ
لَكَ ما فِي السَّمواتِ والاَرضِ واَنتَ العَزيزُ الحَكيمُ واَنتَ اللهُ لا اِلهَ اِلّا انتَ والكِبرِياءُ — الكبير المتعال
رِداؤُكَ پس صلوات میفرستی بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و دعا میکنی با نچه دوست
میداری پس شیخ گفته که این از حضرت صادق علیه السلام منقول است و آنحضرت فرموده که
هیچ مؤمنی نیست که این دعا را بخواند و حاجت خود را سؤال کند و روی دل خود را بحق
تعالی نماید مگر آنکه حق تعالی حاجت او را بر میآورد و اگر شقی باشد امید دارم که سعادتمند
شود و این کلام شیخ دو احتمال دارد اول آنکه تمام از آنحضرت منقول باشد
و بنا بر این دعاهای پیش از این دعا باین روایت منقول نخواهد بود دوم آنکه همه دعا
های سابق از آنحضرت منقول باشد و احتمال ثانی اظهر است و سید ابن طاوس قدس الله
روحه در کتاب اقبال نیز این دعا را از شیخ نقل نموده و در شرح این دعا گفته که من
در روایت

در روایت دیگر از غیر ادعیه ماه رمضان این دعا را دیدم و در آن دو روایت ما لِکَ الخَیرِ والشَّرِّ
بدل خالِقِ الخَیرِ والشَّرِّ بود پس دو رکعت دیگر را میکنی و بعد از آن این دعا را که شیخ طوسی رحمه الله
در تهذیب از حضرت امام محمد صلوات الله علیه روایت نموده است میخوانی لا اِلهَ اِلّا اللهُ
الحَليمُ الكَريمُ لا اِلهَ اِلّا اللهُ العَلِيُّ العَظيمُ سُبحانَ اللهِ رَبِّ السَّمواتِ السَّبعِ ورَبِّ الاَرَضينَ
السَّبعِ ورَبِّ العَرشِ العَظيمِ والحَمدُ للهِ رَبِّ العالَمينَ اللّهُمَّ اِنّي اَسئَلُكَ بِدِرعِكَ الحَصينَةِ
وبِقُوَّتِكَ وعَظَمَتِكَ وسُلطانِكَ اَن تُجيرَني مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ ومِن شَرِّ كُلِّ جَبّارٍ
عَنيدٍ اللّهُمَّ اِنّي اَسئَلُكَ بِحَقّي اِيّاكَ وبِحُبّي رَسولَكَ وبِحُبّي اَهلَ بَيتِ رَسولِكَ صَلَواتُكَ
عَلَيهِ وعَلَيهِم بِالخَيرِ لي عَن اَبي واُمّي ومِنَ النّاسِ جَميعاً اَقدِر لي مَن قَدَّرتَ لِنَفسي وخَيراً لي
مِمّا يَقدِرُ لي اَبي واُمّي واَنتَ جَوادٌ لا تَبخَلُ وحَليمٌ لا تَجهَلُ وعَزيزٌ لا تُستَذَلُّ اللّهُمَّ مَن كانَ
النّاسُ ثِقَتَهُ ورَجاءَهُ فَاَنتَ ثِقَتي ورَجائي اَقدِر لي خَيرَها عاقِبَةً ورَضِّني بِما قَسَمتَ لي
اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحمّدٍ وآلِ مُحمّدٍ واَلبِسني عافِيَتَكَ الحَصينَةَ واِن اَبتَلَيتَني فَصَبِّرني والعافِيَةُ
اَحَبُّ اِلَيَّ و سید بن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال این دعا را بروایت شیخ نقل نموده و بعد
از آنکه گفته است که من در کتاب عتیقی از مؤلفات بعضی از علما دیدم که حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه در دعای خود میفرموده که اللّهُمَّ اِن اَبتَلَيتَني فَصَبِّرني والعافِيَةُ اَحَبُّ اِلَيَّ
و ظاهر اراده سید دفع اشکالی هست که بر فقره اخیر متوجه میشود زیرا که معنی فقره وَاِن اَبتَلَيتَني
تا آخر اینست که اگر مرا ببلائی مبتلا فرمائی پس صبر عنایت فرما ولیکن من عافیت را دوست
تر میدارم و این معنی منافات دارد با رضا داشتن بقضای الهی زیرا که رضا بقضای حق تعالی
مقتضی اینست که اگر حق تعالی بلا را برای آدمی خواهد آدمی نیز بلا را دوست تر از عافیت بدارد و
جواب این اشکال اینست که رضا بقضای الهی مقتضی اینست که آدمی دست از خواهش طبع بر دارد
و خواهش الهی را بر خواهش خود ترجیح دهد و این معنی منافات ندارد با آنکه عافیت بالذات
محبوب آدمی بوده باشد و لهذا این فقره شریفه در کلام حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
که تمام اوقات عمر شریف خود دست از عافیت و خواهش نفس خود بر داشته بود نیز وارد شده
است والله تعالی یعلم پس دو رکعت دیگر را میکنی و بعد از آن این دعا را که شیخ طوسی قدس الله روحه

تمنيتهن بما نسيتهن بما تمنيتهن

خيراً لي من اجمعين بما قدرته اقديته وارضني

در کتاب تهذیب از حضرت صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش علیهم السلام از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه روایت کرده است بخوان اللهم انک اعلمت سبیلاً من سبلک فجعلت فیه
رضاک وندبت الیه اولیائک وجعلته اشرف سبلک عندک ثواباً واکرمها لدیک
مآباً واحبها الیک مسلکاً ثم اشتریت فیه من المؤمنین انفسهم واموالهم بان لهم الجنة
یقاتلون فی سبیلک فیقتلون ویقتلون وعداً علیک حقاً فاجعلنی ممن اشتری فیه منک نفسه
ثم وفی لک ببیعته الذی بایعک علیه غیر ناکث ولا ناقض عهدک ولا مبدلاً تبدیلاً الا
استنجازاً لوعدک واستیجاباً لمحبتک وتقرباً به الیک فصل علی محمد وآله واجعله خاتمة عملی
وارزقنی فیه لک وفاءً وبه شهداً توجب لی به الرضا وتحط به الخطایا فی الاحیاء المرزوقین
بایدی العداة العصاة تحت لواء الحق ورایة الهدی ماضیاً علی نصرتهم قدماً غیر مولٍ
دبراً ولا محدث شکاً اعوذ بک عند ذلک من الذنب المحبط للاعمال یکی دیگر دعای دیگر را میکنی
وبعد از آن ابتداء الکه شیخ طوسی قدس الله سره در کتاب تهذیب از حضرت صادق علیه السلام
از پدران بزرگوارش صلوات الله علیهم روایت کرده است بخوان اللهم انی اسالک برحمتک
التی لا تنال منک الا بالرضا والخروج من معاصیک والدخول فی کل ما یرضیک والنجاة من کل
ورطة والمخرج من کل کبیرة والعفو عن کل سیئة یاتی بها منی عمد او زل بها منی خطاء ثبت
ان اسالک خوفاً تعیننی بها علی حدود رضاک واسالک بالحسن الاخذ مما اعلم والترک لشر
ما اعلم والعصمة ان اعصی وانا اعلم واخطی من حیث لا اعلم واسالک السعة فی الرزق
والزهد فیما هو وبال واسالک المخرج بالبیان من کل شبهة والفلج بالصواب فی کل حجة
والصدق فیما علی ولی وذلل باعطاء النصف من نفسی فی جمیع المواطن کلها فی الرضا والسخط
والتواضع والفضل وترک قلیل البغی وکثیره فی القول منی والفعل وتمام النعمة فی جمیع الاشیاء
والشکر بها حتی ترضی وبعد الرضا والخیرة فیما یکون فیه الخیرة بمیسور جمیع الامور لا بمعسورها
بالکریم یکی دیگر دعای دیگر را میکنی وبعد از آن ابتداء الکه شیخ طوسی طاب الله رمسه در کتاب
تهذیب از حضرت امام حسین از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیهما روایت کرده است بخوان
الحمد لله رب العالمین وصلی الله علی سید المرسلین محمد ابن عبد الله المنتجب الفاتق الراتق

اللهم

اللهم خص محمداً صلی الله علیه وآله بالذکر المحمود والحوض المورود اللهم اعط محمداً صلواتک علیه
وآله الوسیلة والرفعة والفضیلة وفی المصطفین محبته وفی المقربین کرامته اللهم اعط
محمداً صلواتک علیه وآله من کل کرامة افضل تلک الکرامة ومن کل نعیم اوسع ذلک النعیم
ومن کل عطاء اجزل ذلک العطاء ومن کل یسر انضر ذلک الیسر ومن کل قسم اوفر ذلک القسم
حتی لا یکون احد من خلقک اقرب منه مجلساً ولا ارفع منه عندک ذکراً ومنزلة ولا اعظم علیک
حقاً ولا اقرب وسیلة من محمد صلواتک علیه وآله امام الخیر وقائده والداعی الیه والبرکة
علی جمیع العباد والبلاد ورحمة للعالمین اللهم اجمع بیننا وبین محمد وآله فی برد العیش وبرد
الروح وقرار النعمة وشهوة الانفس ومنی الشهوات ونعیم اللذات ورجاء الفضیلة وشهود
الطمانینة وسودد الکرامة وقرة العین ونضرة النعیم وبهجة لا تشبه بهجات الدنیا نشهد
انه قد بلغ الرسالة وادی النصیحة واجتهد للامة واوذی فی جنبک وجاهد فی سبیلک و
عبدک حتی اتاه الیقین فصل اللهم علیه وآله الطیبین اللهم رب البلد الحرام ورب الرکن
والمقام ورب المشعر الحرام ورب الحل والحرام بلغ روح محمد صلواتک علیه وآله عنا السلام
اللهم صل علی ملائکتک المقربین وعلی انبیائک ورسلک اجمعین وصل اللهم علی الحفظة
الکرام الکاتبین وعلی اهل طاعتک من اهل السموات السبع واهل الارضین من المؤمنین اجمعین
چون از این دعا فارغ شدی بسجده برو ودر سجود این دعا که شیخ طوسی در کتاب تهذیب نقل نموده است
بخوان اللهم الیک توجهت وبک اعتصمت وعلیک توکلت اللهم انت ثقتی وانت رجائی
اللهم اکفنی ما اهمنی وما لا یهمنی وما انت اعلم به منی عز جارک وجل ثناؤک ولا اله
غیرک صل علی محمد وآل محمد وعجل فرجهم پس سر از سجده بردار و این دعا که شیخ طوسی در کتاب
تهذیب نقل نموده است بخوان اللهم انی اعوذ بک من کل شیء زحزح بینی وبینک او صرف به عنی
وجهک الکریم او نقص من حظی عندک اللهم فصل علی محمد وآل محمد ووفقنی لکل شیء یرضیک
عنی ویقربنی الیک وارفع درجتی عندک واعظم حظی واحسن مثوای وثبتنی بالقول الثابت
فی الحیوة الدنیا وفی الآخرة ووفقنی لکل مقام محمود تحب ان تدعی فیه باسمائک وتسئل فیه
من عطائک رب لا تکشف عنی سترک ولا تبد عورتی للعالمین وصل علی محمد وآل محمد واجعل اسمی

في هذه الليلة في السعداء ودعاء امام ميكني يعني تمام اين دعا را كه در دعاهاء شبهاء عشر آخر وارد — الشهداء
شده است بخوان وان اين است وروحي مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي مغفورة
وهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب بالشك عني ورضني بما قسمت لي وآتني في الدنيا
حسنة وفي الآخرة حسنة وقني عذاب النار وارزقني يا رب فيها ذكرك وشكرك والرغبة
والانابة والتوبة والتوفيق لما وفقت له شيعة آل محمد يا ارحم الراحمين ولا تفتني بطلب
ما زويت عني بحولك وقوتك واغنني يا رب برزق منك واسع بحلالك عن حرامك وارزقني
العفة في بطني وفرجي وفرج عني كل هم وغم ولا تشمت بي عدوي ووفق لي ليلة القدر
على افضل ما رآها احد ووفقني لما وفقت له محمدا وآل محمد عليه وعليهم السلام وافعل بي
كذا وكذا بجاى وافعل بي كذا وكذا حاجات خود را بطلبد پس بكويد الساعة الساعة تا نفس منقطع
شود پس دو ركعت ديكر را ميكني وبعد از ان اين دعا را كه شيخ طوسي رضي الله عنه در كتاب تهذيب
از حضرت امام جعفر صادق عليه السلام روايت كرده است ميخواني اللهم انت ثقتي في كل
كرب وانت رجائي في كل شديدة وانت لي في كل امر نزل بي ثقة وعدة كم من كرب يضعف — كربة خ ل
عنه الفؤاد وتقل فيه الحيلة ويخذل عنه القريب ويشمت به العدو وتعييني فيه الامور — شدة خ ل
انزلته بك وشكوته اليك راغبا اليك فيه عمن سواك ففرجته وكشفته وكفيته وشكوته — اليك
وكفيتنيه فانت ولي كل نعمة وصاحب كل حاجة ومنتهى كل رغبة لك الحمد كثيرا ولك المن — حسنة خ ل
فاضلا پس شيخ كفته كه اين دعا از حضرت صادق صلوات الله وسلامه عليه منقولست وآنحضرت فرموده
كه حضرت رسالت صلى الله عليه وآله در روز جنگ احزاب اين دعا را خواند پس دو ركعت ديكر را
ميكني وبعد از ان اين دعا را كه شيخ طاب ثراه در كتاب تهذيب از حضرت صادق عليه السلام روايت كرده
ميخواني يا من اظهر الجميل وستر القبيح يا من لم يهتك الستر ولم يؤاخذ بالجريرة يا عظيم العفو — يأخذ خ ل
يا حسن التجاوز يا واسع المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة يا صاحب كل نجوى ومنتهى كل شكوى — المن خ ل
يا مقيل العثرات يا كريم الصفح يا عظيم المن يا مبتديا بالنعم قبل استحقاقها يا ربّاه يا سيداه — نعمائه خ ل
يا املاه يا غاية رغبتي اسالك بك يا الله الا تشوه خلقي بالنار وان تقضي لي حوائج آخرتي
ودنياي وتفعل بي كذا وكذا بجاى تفعل بي كذا وكذا حوائج خود را طلب كن پس صلوات بفرست بر محمد
وآل محمد

وآل محمد صلى الله عليه وعليهم و دعا كن بهر چه خواهي پس دو ركعت ديكر را ميكني وبعد از ان اين دعا
را كه شيخ طوسي رضي الله عنه در كتاب تهذيب از حضرت امام جعفر صادق روايت كرده است ميخواني
اللهم خلقتني فامرتني ونهيتني ورغبتني في ثواب ما به امرتني ورهبتني عقاب ما عنه نهيتني
وجعلت لي عدوا يكيدني وسلطته مني على ما لم تسلطني عليه منه فاسكنته صدري واجريته
منه مجرى الدم مني لا يغفل ان غفلت ولا ينسى ان نسيت يؤمنني عذابك ويخوفني بغيرك ان
هممت بفاحشة شجعني وان هممت بصالح ثبطني ينصب لي بالشهوات ويعرض لي بها وان
وعدني كذبني وان منّاني قنطني وان اتبعت هواه اضلني والا تصرف عني كيده يستزلني
والا تفلتني من حبائله يصدني والا تعصمني منه يفتني اللهم فصل على محمد وآل محمد واقهر — صل على محمد وآله خ ل
سلطانه عني بسلطانك عليه حتى تحبسه عني بكثرة الدعاء لك مني فافوز في المعصومين — عليّ خ ل
منه بك ولا حول ولا قوة الا بك پس دو ركعت ديكر را ميكني وبعد از ان اين دعا را كه شيخ طوسي
روح الله روحه القدسي در كتاب تهذيب از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله وسلامه عليه
روايت كرده است ميخواني يا اجود من اعطى ويا خير من سئل ويا ارحم من استرحم يا واحد
يا احد يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد يا من لم يتخذ صاحبة ولا ولدا يا من
يفعل ما يشاء ويحكم ما يريد ويقضي ما احب يا من يحول بين المرء وقلبه يا من هو بالمنظر
الاعلى يا من ليس كمثله شيء يا سميع يا بصير صل على محمد وآله واوسع علي من الحلال رزقك ما — يا حكيم خ ل
اكف به وجهي وأؤدي به عني امانتي واصل به رحمي ويكون عونا لي على الحج والعمرة — عن خ ل
پس دو ركعت ديكر را ميكني وبعد از ان اين دعا را كه شيخ طوسي قدس سره الشريف در كتاب تهذيب
از حضرت امام رضا صلوات الله عليه وعلى آبائه الطاهرين روايت كرده است ميخواني اللهم صل
على محمد وآله في الاولين وصل على محمد وآله في الآخرين وصل على محمد وآله في الملأ الاعلى وصل على — وآل محمد خ ل
محمد وآله في النبيين والمرسلين اللهم اعط محمدا صلى الله عليه وآله الوسيلة والشرف والفضيلة
والدرجة الكبيرة اللهم اني آمنت بمحمد صلى الله عليه وآله وسلم ولم اره فلا تحرمني يوم — عليه وآله السلام خ ل
القيامة رؤيته وارزقني صحبته وتوفني على ملته واسقني من حوضه مشربا رويا لا اظمأ
بعده ابدا انك على كل شيء قدير اللهم كما آمنت بمحمد صلواتك عليه وآله ولم اره فعرفني

في الجنان وجهه اللهم بلغ روح محمد عني تحية كثيرة وسلاما پس دعا كن بانچه خواهی پس سجده برو
و در سجود ابن دعا را که شیخ طوسی رحمه الله در کتاب تهذیب نقل نموده بخوان اللهم انی اسألك
یا سامع كل صوت ويا بارئ النفوس بعد الموت يا من لا تغشاه الظلمات ولا تتشابه عليه
الاصوات ولا تغلطه الطلبات بالاء يشغله شيء ولا يشغله شيء عن شيء اعط محمدا وال
محمد صلواتك عليه وعليهم افضل ما سألوا وخير ما سألوك وخير ما سئلت لهم وخير ما
انت مسئول لهم الى يوم القيمة پس سر از سجده بردار و دعا كن بانچه خواهی پس دو رکعت دیگر را
بکن و بعد از آن این دعا را که شیخ طوسی طاب ثراه در کتاب تهذیب از حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه از پدرش از پدران بزرگوارش از رسول خدا صلی الله علیه وآله وعلیهم روایت
کرده است بخوان اللهم لا هادي لمن اضللت ولا مضل لما هديت اللهم لا مانع لما اعطيت
ولا معطي لما منعت اللهم لا قابض لما بسطت ولا باسط لما قبضت اللهم لا مقدم لما اخرت
ولا مؤخر لما قدمت اللهم انت الحليم فلا تجهل اللهم انت الجواد فلا تبخل اللهم انت
العزيز فلا تذل اللهم انت المنيع فلا ترام اللهم انت ذو الجلال والاكرام صل على محمد
وال محمد و دعا كن بانچه خواهی پس دو رکعت دیگر را بکن و بعد از آن این دعا را که شیخ طوسی
رفع الله درجته در کتاب تهذیب از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است
بخوان اللهم اني اسألك العافية من جهد البلاء وشماتة الاعداء وسوء القضاء ودرك
الشقاء ومن الضرر في المعيشة وان تبتليني ببلاء لا طاقة لي به او تسلط علي طاغيا او
تهتك لي سترا او تبدي لي عورة او تحاسبني يوم القيمة مناقشا احوج ما اكون الى عفوك
وتجاوزك عني فيما سلف اللهم اني اسألك باسمك الكريم وكلماتك التامة ان
تصلي على محمد وال محمد وان تجعلني من عتقائك وطلقائك من النار پس دو رکعت دیگر را بکن
و بعد از آن این دعا را که شیخ طوسی رحمه الله علیه در کتاب تهذیب از حضرت امام موسی کاظم علیه
السلام روایت کرده است بخوان اللهم لا اله الا انت ولا اعبد الا اياك ولا اشرك بك
شيئا اللهم اني ظلمت نفسي فاغفر لي وارحمني انه لا يغفر الذنوب الا انت اللهم صل على
محمد وال محمد واغفر لي ما قدمت وما اخرت وما اعلنت وما اسررت وما انت اعلم
به مني

Margin: ابلغ
Margin: وخير ما سئلك
Margin: المنيع

به مني وانت المؤخر اللهم صل على محمد وال محمد ودلني على العدل والهدى والصواب وقوام
الدين اللهم واجعلني هاديا مهديا راضيا مرضيا غير ضال ولا مضل اللهم رب السموات
السبع ورب الارضين السبع ورب العرش العظيم اكفني المهم من امري بما شئت وكيف
شئت وصل على محمد وال محمد وصلوات بفرست بر محمد وال او صلی الله علیه وعلیهم و دعا کن بانچه
دوست میداری پس دو رکعت دیگر را بکن و بعد از آن این دعا را که شیخ طوسی رحمه الله در کتاب
تهذیب ذکر نموده بخوان يا الله يرد غضبك الا حلمك ولا ينجي من عذابك الا التضرع اليك
فهب لي يا الهي من لدنك رحمة تغنيني بها عن رحمة من سواك بالقدرة التي بها تحيي ميت
البلاد وبها تنشر ميت العباد ولا تهلكني غما حتى تغفر لي وترحمني وتعرفني الاستجابة
في دعائي وارزقني طعم العافية الى منتهى اجلي ولا تشمت بي عدوي ولا تمكنه من رقبتي
اللهم ان وضعتني فمن ذا الذي يرفعني وان رفعتني فمن ذا الذي يضعني وان اهلكتني
فمن ذا الذي يحول بيني وبينك او يتعرض لك في شيء من امري وقد علمت يا الهي ان ليس
في حكمك ظلم ولا في نقمتك عجلة انما يعجل من يخاف الفوت وانما يحتاج الى الظلم
الضعيف وقد تعاليت يا الهي عن ذلك علوا كبيرا فلا تجعلني للبلاء غرضا ولا لنقمتك
نصبا ومهلني ونفسني واقلني عثرتي ولا تبتليني ببلاء على اثر بلاء فقد ترى ضعفي وقلة
حيلتي استجير بك اللهم فاجرني واستعيذ بك من النار فاعذني واسألك الجنة فلا
تحرمني و شیخ در کتاب مصباح بعد از این دو رکعت دعای سابق را که آن دعای اللهم لا
اله الا انت تا آخر است نقل نموده و این دعا را بعد از آن دو رکعت سابق بر این دو رکعت نقل
نموده است و بالجمله ترتیب مصباح در این مقام بر عکس ترتیب کتاب تهذیب است و سید در اقبال
و علامه در کتاب منهاج الصلاح و ابن باقی در کتاب اختیار بر موافقت با کتاب مصباح
نموده اند جهت آنکه ایشان اعمال را از کتاب مصباح نقل نموده اند و ظاهرا شیخ در مصباح سهو
در نقل نموده باشد زیرا که ظاهر است که شیخ این اعمال را در مصباح از کتاب تهذیب نقل نموده
باشد و بالجمله متابعت کتاب تهذیب اولی است و اگر کسی بعد از هر یک از این دو رکعت هر
یک از این دو دعا را بخواند تا عمل بهر دو کتاب کرده باشد بهتر است والله تعالی یعلم

Margin: والهدى
Margin: وانت المقدم
Margin: ولا يجير من نقمتك
Margin: منه
Margin: تحيي بها
Margin: جانب
Margin: الهي
Margin: اللهم
Margin: بينك وبيني
Margin: يا الله يا الله

پس دو رکعت دیگر بگزار میکنی و بعد از آن این دعا را که شیخ طوسی رضی الله عنه در کتاب
تهذیب نقل نموده است بخوان اللهم ان عفوك عن ذنبي وتجاوزك عن خطيئتي وصفحك
عن ظلمي وسترك على قبيح عملي وحلمك عن كثير جرمي عند ما كان من خطائي وعمدي اطمعني
في ان اسألك ما لا استوجبه منك الذي رزقتني من رحمتك واريتني من قدرتك
وعرفتني من اجابتك فصرت ادعوك آمنا واسألك مستأنسا لا خائفا ولا وجلا
مدلا عليك فيما قصدت فيه اليك فان ابطأ عني عتبت بجهلي عليك ولعل الذي
ابطأ عني هو خير لي لعلمك بعاقبة الامور فلم ار مولى كريما اصبر على عبد لئيم منك
علي يا رب انك تدعوني فاولي عنك وتتحبب الي فاتبغض اليك وتتودد الي فلا اقبل
منك كان لي التطول عليك ثم لم يمنعك ذلك من الرحمة لي والاحسان الي والتفضل
بجودك وكرمك فارحم عبدك الجاهل وجد عليه بفضل احسانك انك جواد كريم
پس چون از این دعا فارغ شدی بسجده برو و در سجود این دعا را که شیخ طوسی رحمه الله در کتاب
تهذیب نقل نموده بخوان یا کائنا قبل کل شیء ویا کائنا بعد کل شیء ویا مکون کل شیء لا
تفضحني فانك بي عالم ولا تعذبني فانك علي قادر اللهم اني اعوذ بك من العديلة
عند الموت ومن سوء المرجع في القبور ومن الندامة يوم القيمة اللهم اني اسألك
عيشة هنيئة وميتة سوية ومنقلبا كريما غير مخز ولا فاضح پس سر از سجده بردار و دعا که
میخواهی بخوان پس دو رکعت دیگر بگزار میکنی و بعد از آن این دعا را که شیخ طوسی عطر الله تربته
در کتاب تهذیب از حضرت امام محمد باقر علیه السلام یا امام جعفر صادق صلوات الله
علیه روایت کرده است بخوان اللهم اني اسألك بان لك الحمد لا اله الا انت
المنان بديع السموات والارض ذو الجلال والاكرام اني سائل فقير وخائف مستجير
وتائب مستغفر اللهم صل على محمد وال محمد واغفر لي ذنوبي كلها قديمها وحديثها
وكل ذنب اذنبته اللهم لا تجهد بلائي ولا تشمت بي اعدائي فانه لا دافع ولا
مانع الا انت پس دو رکعت دیگر بجای آوری و بعد از آن این دعا را که شیخ طوسی
سقی الله ثراه در کتاب تهذیب از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است
بخوانی

بخوانی اللهم اني اسألك ايمانا تباشر به قلبي ويقينا حتى اعلم انه لن يصيبني الا ما كتبت — صادق
لي والرضا بما قسمت لي اللهم اني اسألك نفسا مطمئنة تؤمن بلقائك وتقنع بعطائك
وترضى بقضائك اللهم اني اسألك ايمانا لا اجل له دون لقائك توليني ما ابقيتني
عليه وتحييني عليه وتوفني اذا توفيتني عليه وتبعثني عليه وتبرئ به صدري من الشك
والريب في ديني پس دو رکعت دیگر بگزار میکنی و بعد از آن این دعا را که شیخ طوسی قدس الله روحه
الشریف در کتاب تهذیب از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده است بخوانی
یا حلیم یا کریم یا عالم یا علیم یا قادر یا قاهر یا خبیر یا لطیف یا الله یا رباه یا سیداه یا
مولاه یا رجاءاه فاسألك ان تصلي على محمد وال محمد واسألك نفحة من نفحاتك كريمة رحيمة
تلم بها شعثي وتصلح بها شأني وتقضي بها ديني وتغنيني بها وعيالي وتغنيني بها عن
سؤال يا من هو خير لي من ابي وامي ومن الناس اجمعين صل على محمد وال محمد وافعل ذلك
بي الساعة انك على كل شيء قدير پس دو رکعت دیگر بگزار میکنی و بعد از آن این دعا را که شیخ طوسی
رضی الله عنه در کتاب تهذیب نقل نموده است بخوانی اللهم ان الاستغفار مع الاصرار لؤم
وترك الاستغفار مع معرفتي بكرمك عجز فكم تتحبب الي بالنعم مع غناك عني واتبغض
اليك بالمعاصي مع فقري اليك يا من وعد اذا وفى واذا توعد عفا صل على محمد وال محمد وافعل
بي اولى الامرين بك فانك من شأنك العفو وانت ارحم الراحمين اللهم اني اسألك — فانه
بحرمة من عاذ بعزتك ولجأ الى عدلك عزك واستظل بفيئك واعتصم بحبلك يا جزيل
العطايا يا فكاك الاسارى يا من سمى نفسه من جوده الوهاب صل على محمد وال محمد واجعل
لي يا مولاي من امري فرجا ومخرجا ورزقا واسعا كيف شئت واني شئت وبما شئت وحيث — شئت
شئت فانه يكون ما شئت اذا شئت كيف شئت پس دو رکعت دیگر بگزار میکنی و بعد از آن این
دعا را که شیخ طاب ثراه در کتاب تهذیب از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت
نموده است بخوانی اللهم اني اسألك باسمك المكتوب في سرادق المجد واسألك باسمك
المكتوب في سرادق البهاء واسألك باسمك المكتوب في سرادق العظمة واسألك باسمك
المكتوب في سرادق الجلال واسألك باسمك المكتوب في سرادق العز واسألك باسمك

واسألك باسمك المكتوب في سرادق القدرة

المكتوب في سرادق السرائر السابق الفائق الحسن النضير ورب الملائكة الثمانية ورب
العرش العظيم وبالعين التي لا تنام وبالاسم الاكبر الاكبر الاكبر وبالاسم الاعظم
الاعظم الاعظم المحيط بملكوت السموات والارض وبالاسم الذي اشرقت له السموات و
والارض وبالاسم الذي اشرقت به الشمس واضاء به القمر وسجرت به البحار ونصبت به
الجبال وبالاسم الذي قام به العرش والكرسي وباسمائك المكرمات المقدسات المكنونات
المخزونات في علم الغيب عندك اسألك بذلك كله ان تصلي على محمد وآله ودعا بكني با هر چه خواهی
پس چون از دعا فارغ شدی بسجده برو و در سجود ابتدا از آنکه شیخ طوسی رضی الله عنه در کتاب تهذیب
نقل نموده بخوان سجد وجهي اللئيم لوجه ربي الكريم سجد وجهي الحقير لوجه ربي العزيز
الكريم يا كريم يا كريم بكرمك وجودك اغفر لي ظلمي وجرمي واسرافي على نفسي پس سر از سجده
بردار و دعا کن با هر چه دوست میداری **پس دو رکعت دیگر را میکنی** و بعد از آن ابتدا از آنکه شیخ
طوسی در کتاب تهذیب از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه روایت کرده است میخوانی اللهم
لك الحمد بمحامدك كلها على نعمائك كلها حتى ينتهي الحمد الى ما تحب وترضى اللهم اني
اسألك خيرك وخير ما ارجوك واعوذ بك من شرك وشر ما احذر وشر ما لا احذر اللهم
صل على محمد وآل محمد واوسع لي في رزقي وامدد لي في عمري واغفر لي ذنبي واجعلني ممن
تنتصر به لدينك ولا تستبدل بي غيري **پس دو رکعت دیگر را میکنی** و بعد از آن ابتدا از آنکه
شیخ طوسی طاب ثراه در کتاب تهذیب نقل نموده است میخوانی اللهم صل على محمد وآل محمد واقسم
لنا من خشيتك ما يحول بيننا وبينك وبين معاصيك ومن طاعتك ما تبلغنا به جنتك
ومن اليقين ما يهون به علينا مصيبات الدنيا ومتعنا باسماعنا وابصارنا وانصرنا على من
عادانا ولا تجعل مصيبتنا في ديننا ولا تجعل الدنيا اكبر همنا ولا تسلط علينا من لا يرحمنا
پس دو رکعت دیگر را میکنی و بعد از آن ابتدا از آنکه شیخ طوسی رضی الله عنه در کتاب تهذیب نقل
نموده است میخوانی اللهم ذنوبي تخوفني منك وجودك يبشرني عنك فاخرجني بالخوف من النجيء
الخطايا واوصلني بجودك الى العطايا حتى اكون غدا في القيمة عتيق كرمك كما كنت في الدنيا
ربيب نعمك فليس ما تبذله غدا باعظم مما قد منحته اليوم من الرجاء ومتى خاب في
فنا يرك

فثابك املي ام متى انصرف بالرد عنك سائلي الهي ما دعاك من لم تجبه لانك قلت
ادعوني استجب لكم وانت لا تخلف الميعاد فصل على محمد وآل محمد يا الهي واستجب دعائي
پس دو رکعت دیگر را میکنی و بعد از آن ابتدا از آنکه شیخ طوسی رحمه الله در کتاب تهذیب
غمرات الموت از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت نموده میخوانی اللهم بارك لي في الموت
اللهم اعني على الموت اللهم اعني على سكرات الموت اللهم اعني على غم القبر اللهم اعني على ضيق القبر اللهم
اعني على ظلمة القبر اللهم اعني على وحشة القبر اللهم اعني على اهوال القبر اللهم اعني
على اهوال يوم القيمة اللهم بارك لي في طول يوم القيمة اللهم زوجني من الحور العين **پس
دو رکعت دیگر را میکنی** و بعد از آن ابتدا از آنکه شیخ طوسی قدس الله روحه در کتاب تهذیب نقل
نموده است میخوانی اللهم لا بد من امرك ولا بد من قدرك ولا بد من قضائك ولا حول
ولا قوة الا بك اللهم فما قضيت علينا من قضاء او قدرت علينا من قدر فاعطنا معه
صبرا يقهره ويدمغه واجعله لنا صاعدا في رضوانك ينمي في حسناتنا وتفضيلنا
وشرفنا وسوددنا ومجدنا ونعمائنا وكرامتنا في الدنيا والآخرة ولا ينقص من حسناتنا اللهم
وما اعطيتنا من عطاء او فضلتنا به من فضيلة او اكرمتنا به من كرامة فاعطنا معه شكرا
وتفضلنا يقهره ويدمغه واجعله لنا صاعدا في رضوانك وفي حسناتنا وسوددنا وشرفنا ونعمائك
وكرامتك في الدنيا والآخرة اللهم لا تجعله لنا اشرا ولا بطرا ولا فتنة ولا مقتا ولا
عذابا ولا خزيا في الدنيا والآخرة اللهم انا نعوذ بك من عثرة اللسان وسوء المقام و
خفة الميزان اللهم صل على محمد وآل محمد ولقنا حسناتنا في الممات ولا ترنا اعمالنا علينا
لقائك حسرات ولا تخزنا عند قضائك ولا تفضحنا بسيئاتنا يوم نلقاك واجعل قلوبنا تذكرك
ولا تنساك وتخشاك كانها تراك حتى نلقاك وصل على محمد وآله وبدل سيئاتنا حسنات
واجعل حسناتنا درجات واجعل درجاتنا غرفات واجعل غرفاتنا عاليات اللهم
واوسع لفقيرنا من سعة ما قضيت على نفسك اللهم صل على محمد وآل محمد ومن
والمغفرة علينا بالهدى ما ابقيتنا والكرامة اذا توفيتنا والحفظ فيما بقي من عمرنا والبركة فيما
رزقتنا والعون على ما حملتنا والثبات على ما طوقتنا ولا تؤاخذنا بظلمنا ولا تقايسنا

بجهلنا ولا تستدرجنا بخطايانا واجعل احسن ما نقول ثابتا في قلوبنا واجعلنا عظماء
عندك وفي انفسنا اذلة وانفعنا بما علمتنا وزدنا علما نافعا اعوذ بك من قلب لا يخشع
ومن عين لا تدمع وصلوة لا تقبل اجرنا من سوء الفتن يا ولي الدنيا والآخرة پس هرگاه
از ابتدا فارغ شدی بسجده برو و در سجود ابتدعا اکه شیخ طوسی رضی الله عنه در کتاب
تهذیب از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده است بخوان سجدت وجهي
لك تعبدا ورقا لا اله الا انت حقا حقا الاول قبل كل شيء والآخر بعد كل شيء ها انا
ذا بين يديك ناصيتي بيدك فاغفر لي انه لا يغفر الذنوب العظام الا انت فاغفر لي
فاني مقر بذنوبي على نفسي ولا يدفع الذنب العظيم غيرك پس سر از سجده بردار و بنشین
و چون درست ایستادی دعا کن بآنچه دوست میداری پس دو رکعت دیگر را میکنی و از ان این
دعا را که شیخ طوسی رحمه الله تعالی در کتاب تهذیب از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است
میخوانی اللهم انت ثقتي في كل كربة وانت رجائي في كل شدة وانت لي في كل امر نزل
بي ثقة وعدة كم من كرب يضعف عنه الفؤاد وتقل فيه الحيلة ويخذل عنه القريب و
يشمت به العدو وتعييني فيه الامور انزلته بك وشكوته اليك راغبا اليك فيه عمن
سواك ففرجته وكشفته وكفيتنيه فانت ولي كل نعمة وصاحب كل حاجة ومنتهى
كل رغبة لك الحمد كثيرا ولك المن فاضلا پس دو رکعت دیگر را میکنی و بعد از ان ابتدعا
را که شیخ طوسی در کتاب تهذیب از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است و انحضرت امر بخواندن
ابتدعا فرموده است میخوانی اللهم انك تنزل في الليل والنهار ما شئت فصل على محمد وآله
وانزل علي وعلى اخواني واهلي وجيراني بركاتك ومغفرتك والرزق الواسع واكفنا
المؤن اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقنا من حيث نحتسب ومن حيث لا نحتسب و
احفظنا من حيث نحتفظ ومن حيث لا نحتفظ اللهم صل على محمد وآل محمد واجعلنا في
جوارك وحرزك عز جارك وجل ثناؤك ولا اله غيرك پس دو رکعت دیگر را میکنی و بعد
از ان ابتدعا را که شیخ طوسی قدس الله نفسه الزکیه در کتاب تهذیب از حضرت امام رضا
صلوات الله علیه روایت کرده است انحضرت علیه السلام فرموده است ابتدعای عافیت است

میخوان

غیرک ن د
کرب ن د
کفیتنیه ن د
وآل محمد ن د

میخوانی یا الله ولي العافية والمنان بالعافية ورازق العافية والمنعم بالعافية و
المتفضل بالعافية علي وعلى جميع خلقه رحمن الدنيا والآخرة ورحيمهما صل على محمد وآل
محمد وعجل لنا فرجا ومخرجا وارزقنا العافية ودوام العافية في الدنيا والآخرة يا ارحم
الراحمين پس دو رکعت دیگر را میکنی و بعد از ان ابتدعا را که شیخ طوسی در کتاب تهذیب
از ائمه علیهم السلام روایت نموده است میخوانی اللهم اني اسالك برحمتك التي وسعت كل شيء
وبقوتك التي قهرت كل شيء وبجبروتك التي غلبت كل شيء وبقوتك التي لا يقوم لها
شيء وبعظمتك التي ملأت كل شيء وبعلمك الذي احاط بكل شيء وبوجهك الباقي
بعد فناء كل شيء وبنور وجهك الذي اضاء له كل شيء يا نور يا قدوس يا اول الاولين
ويا آخر الآخرين ويا الله يا رحمن يا الله يا رحيم يا الله اعوذ بك من الذنوب التي
تحدث النقم واعوذ بك من الذنوب التي تورث الندم واعوذ بك من الذنوب التي
تحبس القسم واعوذ بك من الذنوب التي تهتك العصم واعوذ بك من الذنوب
التي تمنع القضاء واعوذ بك من الذنوب التي تنزل البلاء واعوذ بك من الذنوب
التي تديل الاعداء واعوذ بك من الذنوب التي تحبس الدعاء واعوذ بك من الذنوب
التي تعجل الفناء واعوذ بك من الذنوب التي تقطع الرجاء واعوذ بك من الذنوب التي
تورث الشقاء واعوذ بك من الذنوب التي تظلم الهواء واعوذ بك من الذنوب التي
تكشف الغطاء واعوذ بك من الذنوب التي تحبس غيث السماء پس دو رکعت دیگر
را میکنی و بعد از ان این دعا را که شیخ طوسی رحمه الله تعالی در کتاب تهذیب از ائمه علیهم السلام
روایت کرده است میخوانی اللهم انك حفظت الغلامين لصلاح ابويهما ودعاك
المؤمنون فقالوا ربنا لا تجعلنا فتنة للقوم الظالمين اللهم اني انشدك برحمتك
وانشدك بنبيك نبي الرحمة وانشدك بعلي وفاطمة وانشدك بحسن وحسين صلوات الله
عليه وعليهم اجمعين وانشدك باسمائك واركانك كلها وانشدك باسمك الاعظم
الاعظم الاعظم الذي اذا دعيت به لم ترد ما كان اقرب من طاعتك وابعد
من معصيتك واوفى بعهدك واقضى لحقك فاسالك ان تصلي على محمد وآل محمد

رحمن الدنيا ورحيمهما ن د
بقدرتك ن د
الغطاء ن د
لصلاح ن د

وان تسلطني له وان تجعلني لك عبداً شاكراً نجد من خلقك من تعذبه غيري ولا اجد
من يغفر لي الا انت انت عن عذابي غني وانا الى رحمتك فقير انت موضع كل شكوى
وشاهد كل نجوى ومنتهى كل حاجة ومنجي من كل عثرة وغوث كل مستغيث فاسالك
ان تصلي على محمد وال محمد وان تعصمني بطاعتك من معصيتك وبما احببت عما كرهت
وبالايمان من الكفر وبالهدى عن الضلالة وباليقين عن الريبة وبالامانة عن
الخيانة وبالصدق عن الكذب وبالحق عن الباطل وبالتقوى عن الاثم وبالمعروف
عن المنكر وبالذكر عن النسيان اللهم صل على محمد وال محمد وعافني مما احببتني
والهمني الشكر على ما اعطيتني وكن بي رحيما بسجود فارغ شدی از این دعا بسجده
بعد ذکر سجود ابتدا نما که شیخ طوسی طاب ثراه در کتاب تهذیب نقل نموده است بخوان
اللهم صل على محمد وال محمد واعف عن ظلمي وجرمي بحلمك وجودك يا رب يا كريم يا من
لا يخيب سائله ولا ينفد نائله يا من علا فلا شيء دونه صل على محمد وال محمد و دعا کن
با آنچه دوست میداری پس دو رکعت دیگر را میکنی و بعد از آن ابتدا نما که طوسی در کتاب
تهذیب ذکر نموده است میخوانی یا عماد من لا عماد له ویا ذخر من لا ذخر له ویا سند من لا
سند له یا غیاث من لا غیاث له یا حرز من لا حرز له یا کریم العفو یا حسن البلاء
یا عظیم الرجاء یا عون الضعفاء یا منقذ الغرقى یا منجي الهلكى یا مجمل یا منعم یا
مفضل انت الذي سجد لك سواد الليل ونور النهار وضوء القمر وشعاع
الشمس ودوي الماء وحفيف الشجر يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى لا شريك
لك يا رب صل على محمد وال محمد ونجنا من النار بعفوك وادخلنا الجنة برحمتك
ونجنا من الحور العين بجودك وصل على محمد وال محمد وافعل بي ما انت اهله يا
ارحم الراحمين انك على كل شيء قدير و دعا کن با آنچه دوست میداری پس دو رکعت
دیگر را میکنی و بعد از آن ابتدا کن که شیخ طوسی در کتاب تهذیب نقل نموده است بخوان
اللهم اني اسالك باسمك الحميدة الكريمة التي اذا وضعت على الاشياء ذلت
لها واذا طلبت بها الحسنات ادركت واذا ردت بها صرف السيئات صرفت اسالك
بكلماتك

يا محسن
ضياء [illegible]

بكلماتك التامات التي لو ان ما في الارض من شجرة اقلام والبحر يمده من بعده سبعة
ابحر ما نفدت كلمات الله ان الله عزيز حكيم يا حي يا قيوم يا كريم يا علي يا عظيم
يا ابصر المبصرين ويا اسمع السامعين يا اسرع الحاسبين ويا احكم الحاكمين ويا ارحم الراحمين
اسالك بعزتك واسالك بقدرتك على ما قلت واسالك بكل شيء احاط به علمك
واسالك بكل حرف انزلت في كتاب من كتبك وبكل اسم دعاك به احد من ملائكتك و
انبيائك ان تصلي على محمد وال محمد و دعا کن با آنچه خاطرت رسد پس دو رکعت دیگر را میکنی
و بعد از آن ابتدا کن که شیخ طوسی در کتاب تهذیب نقل نموده است بخوانی سبحان من اکرم محمداً
صلى الله عليه واله من انتجب محمداً صلى الله عليه واله سبحان من انتجب علياً صلوات
الله عليه سبحان الله من خص الحسن والحسين صلوات الله عليهما سبحان من فطم
بفاطمة صلوات الله عليها من احبها من النار سبحان من خلق السموات والارض باذنه
سبحان من استعبد اهل السموات والارضين بولاية محمد وال محمد صلى الله عليه وعليهم
سبحان من خلق الجنة لمحمد وال محمد صلى الله عليه وعليهم سبحان من يورثها محمداً وال محمد
صلى الله عليه وعليهم سبحان من تملكها محمداً وال محمد صلى الله عليه وعليهم وشيعتهم سبحان
من خلق النار لاجل اعداء محمد وال محمد صلى الله عليه وعليهم سبحان من يملكها محمداً وال
محمد صلى الله عليه وعليهم سبحان من خلق الدنيا والاخرة وما سكن في الليل والنهار لمحمد
وال محمد صلى الله عليه وعليهم اجمعين الحمد لله كما ينبغي لله ولا حول ولا قوة الا بالله كما
ينبغي لله وصلى الله على محمد واله وعلى جميع المرسلين حتى يرضى الله اللهم من اياديك وهي
اكثر من ان تحصى ومن نعمك وهي اجل من ان تغادر ان يكون عدو في عدوك ولا سرائي على
على انائك فتجعل مالا لهم وبوارهم و دعا کن پس دو رکعت دیگر را بجای آوری و بعد از
آن ابتدا نما که شیخ طاب ثراه در کتاب تهذیب نقل نموده است بخوانی بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم فاطر السموات والارض عالم الغيب والشهادة الرحمن الرحيم اللهم اني اعهد اليك
في دار الدنيا اني اشهد ان لا اله الا انت وحدك لا شريك لك وان محمداً عبدك ورسولك
وان الدين كما شرعت والاسلام كما وصفت والكتاب كما انزلت والقول كما حدثت وانك انت

الناظرين
وعرسلك [illegible]
نورها محمد وال
الله اكبر كما ينبغي لله لا اله الا الله كما ينبغي لله سبحان الله كما ينبغي لله

انت الله الحق المبین جزی الله محمدا صلی الله علیه وآله خیر الجزاء وحیا الله محمدا وآل محمد والتحیة
صلی الله علیه وعلیهم بالسلام پس دو رکعت دیگر بگزارد بنکی و بعد از آن این دعا را که شیخ طوسی قدس
الله روحه القدوسی در کتاب تهذیب از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله وسلامه علیه روایت
کرده است که آنحضرت علیه السلام فرموده که هرگاه فارغ شوی از این نماز این دعا را بخوان اللهم
انی ادینك بطاعتك وولایتك وولایة رسولك وولایة الائمة من اولهم وآخرهم علی علیهم
وفاطمة والحسن والحسین وعلی بن الحسین ومحمد بن علی وجعفر بن محمد وموسی بن جعفر وعلی بن موسی
ومحمد بن علی وعلی بن محمد والحسن بن علی والحجة بن الحسن صلوات الله وسلامه علیهم اجمعین
آمین ادینك بطاعتك وولایتهم والرضا بما فضلتهم به غیر منکر ولا مستکبر علی معنی ما انزلت منکر
فی کتابك علی حدود ما اتانا فیه وما لم یاتنا مؤمن مقر بذلك مسلم راض بما رضیت به یارب منه الی
ارید به وجهك والدار الآخرة مرهوبا ومرغوبا الیك فیه فاحینی ما احییتنی علیه وامتنی
اذا امتنی علیه وابعثنی اذا بعثتنی علی ذلك وان کان منی تقصیر فیما مضی فانی اتوب الیك علیه
منه وارغب الیك فیما عندك واسالك ان تعصمنی من معاصیك ولا تکلنی الی نفسی
طرفة عین ابدا ما احییتنی لا اقل من ذلك ولا اکثر ان النفس لامارة بالسوء الا ما
رحمت یا ارحم الراحمین واسالك ان تعصمنی بطاعتك حتی تتوفانی علیها وانت عنی راض
وان تختم لی بالسعادة ولا تحولنی عنها ابدا ولا قوة الا بك پس دعا کن با آنچه دوست داری
وچون از دعا فارغ شوی بسجده برو و در سجود این دعا را که شیخ طوسی طاب ثراه در کتاب تهذیب از
حضرت صادق صلوات الله علیه روایت کرده است بخوان سجد وجهی البالی الفانی لوجهك
الدائم العظیم سجد وجهی الذلیل لوجهك العظیم العزیز سجد وجهی الفقیر لوجهك الغنی
الکریم رب انی استغفرك مما کان واستغفرك مما یکون رب لا تجهد بلائی رب لا تسیء
قضائی رب لا تشمت بی اعدائی رب انه لا دافع ولا مانع الا انت رب صل علی محمد وآل محمد
بافضل صلواتك وبارك علی محمد وآل محمد بافضل برکاتك اللهم انی اعوذ بك من سطواتك
واعوذ بك من نقماتك واعوذ بك من جمیع غضبك وسخطك سبحانك انت الله رب العالمین
پس شیخ گفته که اگر میسر شود نوافل که بعد از هر دو رکعت دعای آن را بخوانی پس بعد از هر ده رکعت
هذا

دعای ان بخوان والله تعالی الموفق پنجم سید ابن طاوس قدس الله روحه در کتاب اقبال از کتاب
کنز الیواقیت نقل نموده که از رسول خدا صلی الله علیه وآله منقول است که هر که در شب قدر دو رکعت نماز
بگذارد در هر رکعتی بعد از حمد سوره قل هو الله احد هفت نوبت و چون فارغ شود هفتاد مرتبه استغفار
نماید از جای برنخیزد تا آنکه حق تعالی بیامرزد او را و پدر او را و مادر او را و ملکی چند فرو فرستد
که از برای او حسنات بنویسند تا سال آینده و بهشت ملکی چند را بفرستد که اشجار برای او
غرس نمایند و قصرها برای او بنا کنند و نهرها برای او جاری سازند و از دنیا بیرون نرود تا همه
اینها را ببیند ششم ایضا سید در کتاب مذکور از حضرت امام حسن مجتبی صلوات الله و
سلامه علیه این دعا را برای شب قدر روایت نموده است یا باطنا فی ظهوره ویا ظاهرا فی بطونه
یا باطنا لیس یخفی یا ظاهرا لیس یری یا موصوفا لا یبلغ بکینونته موصوف ولا حد محدود یا
غائبا غیر مفقود یا شاهدا غیر مشهود یطلب فیصاب لم یخل منه السموات والارض
وما بینهما طرفة عین لا یدرك بکیف ولا یؤین بأین ولا بحیث انت نور النور ورب الارباب
احطت بجمیع الامور سبحان من لیس کمثله شیء وهو السمیع البصیر سبحان من هو هکذا ولا
هکذا غیره پس دعا کن بهر چه خواهی مؤلف گوید که سید این دعا را از جمله اعمال مخصوصه شب بیست و سیم
نقل نموده ولیکن چون در سند آن وارد شده که در شب قدر خوانده شود و احتمال شب قدر در هر یك
از این سه شب میرود لهذا ما در این مقام آن را ذکر نمودیم هفتم دعای توسل بقرآن مجید بطرق
آن در روایات مختلفه وارد شده اول سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال از سند خود
از حریز بن عبدالله سجستانی روایت کرده است که حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه
فرمود که در سه شب آخر ماه مبارك رمضان مصحف را بر میداری و میگشائی و در پیش روی خود
میگذاری و میگوئی اللهم انی اسالك بکتابك المنزل وما فیه وفیه اسمك الاکبر
واسمائك الحسنی وما یخاف ویرجی ان تجعلنی من عتقائك من النار و دعا میکنی بانچه میخواهی
دوم ایضا سید در کتاب مذکور از کتاب اغاثة الداعی نقل نموده که از حضرت صادق صلوات الله
علیه منقول است که بردار مصحف را و بر سر بگذار و بگو اللهم بحق هذا القرآن وبحق من ارسلته
به وبحق کل مؤمن مدحته فیه وبحقك علیهم فلا احد اعرف بحقك منك بك یا الله

ده نوبت بمحمد صلی الله علیه واله ده نوبت بعلی ده نوبت بفاطمة ده نوبت بالحسن ده نوبت بالحسین
ده نوبت بعلی بن الحسین ده نوبت بمحمد بن علی ده نوبت بجعفر بن محمد ده نوبت بموسی بن جعفر ده نوبت بعلی بن موسی
ده نوبت بمحمد بن علی ده نوبت بعلی بن محمد ده نوبت بالحسن بن علی ده نوبت بالحجة ده نوبت پس حوائج خود را می طلبی
سیم ایضا از کتاب مذکور نقل نموده که از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه منقولست
که مصحف را بدست بگیر و بلند کن و بالای سر خود و بگو اللهم بحق من ارسلته الی خلقک و بکل
آیة هی فیه و بحق کل مؤمن مدحته فیه و بحقه علیک و لا احد اعرف بحقه منک یا سیدی یا سیدی
یا سیدی یا الله یا الله یا الله ده نوبت و بحق محمد صلی الله علیه واله ده نوبت و بحق هر امامی ده نوبت
تا بامام زمان تو منتهی شود پس بدرستیکه از جای خود بر نخواسته مگر آنکه حاجت تو برآورده
میشود و آسان میشود کار تو مؤلف گوید که کلینی رضی الله عنه طریق اول را از حریز روایت کرده است
که از او از زراره روایت کرده است و زراره نسبت بامام علیه السلام نداده و ظاهر آنست که زراره
از حضرت امام محمد باقر علیه السلام شنیده باشد ولیکن در روایت او چنانچه آنست که در ثلث ثانی ماه
رمضان این عمل را بجا بیاورند و از غرایب آنست که کفعمی رضی الله عنه در حواشی جنة الامان و بلد
الامین بغیر این طریق را از کتاب عدة الداعی ابن فهد رحمه الله تعالی نقل نموده و در روایت او ثلث
سیم ماه رمضان مذکور است و در کتاب عدة الداعی ثلث سیم مذکور نیست بلکه این سه مطابق اقبال
مذکور است و پوشیده نیست که بنابر روایت کلینی در هر ماه اوقات عشر دوم و بنابر نقل کفعمی
در دهه عشر سیم این طریق مستحب خواهد بود بلکه ممکن است که دعای توسل بقرآن مجید از ادعیه
مطلقه باشد که مخصوص بوقت معینی نباشد و مؤید این است آنچه علامه طاب ثراه در کتاب منهاج
الصلاح از حضرت صادق صلوات الله علیه روایت کرده است که شخصی بخدمت آنحضرت عرض
کرد که ای سید من شکایت میکنم بسوی تو از قرضی که دارم و از پادشاهی که بر من ظلم می نماید
و دعائی میخواهم بمن تعلیم نمائی که غنیمتی بیابم که قرض خود را ادا کنم و کفایت شر پادشاه بآن
نمایم پس حضرت فرمود که هرگاه شب فرا رسد دو رکعت نماز بکن و در رکعت اول بعد از
حمد آیة الکرسی و در دوم بعد از حمد آیات آخر سوره حشر را بخوان پس مصحف را بردار و بر
سر بگذار و بگو بحق هذا القرآن و بحق من ارسلته و بحق کل مؤمن مدحته فیه و بحقک علیهم فلا احد
اعرف

اعرف بحقک منک یا الله ده نوبت یا محمد صلی الله علیه واله ده نوبت یا علی صلوات الله
علیه ده نوبت یا فاطمة ده نوبت و هر یک از باقی ائمه علیهم السلام ده نوبت تا بکن و حاجت
خود را سؤال کن راوی گوید که آن مرد از خدمت آنحضرت رفت و این عمل را بجا آورد و بعد از زمانی
قرض او ادا شد و پادشاه با او باصلاح آمد و مخفی نماناد که جزو آخر این عمل نزدیک بطریق ثانی
و ثالث و مقید بوقت خاصی نیست و بر هر تقدیر در این سه شب نهایت اهتمام در عمل لازم است
و بهتر جمع نمودن طریق اول یا از یکی و طریق آخر است والله تعالی هو الموفق هشتم زیارت حضرت
امام حسین علیه السلام صاحب کتاب کامل الزیارة و سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال
بسند خود از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده اند که چون شب قدر شود که جدا
کرده میشود در آن هر امر محکمی منادی از بطنان عرش الهی ندا کند که بدرستی که حق تعالی آمرزیده است
هر کس را که در این شب برود بنزد قبر حضرت امام حسین علیه السلام واما کیفیت زیارت آنحضرت علیه
السلام در شب قدر پس شیخ مفید و سید ابن طاوس و شیخ شهید قدس الله ارواحهم در کتابهای
مزار خود گفته اند که از جمله زیارات مخصوصه آنحضرت زیارت شب قدر و روز عید ماه رمضان
و روز عید قربانست پس هرگاه در این اوقات اراده زیارت آنحضرت نمائی پس برو بنزد مشهد
مقدس آنحضرت بعد از آنکه غسل کرده باشی و پاکیزه ترین جامهها خود را پوشیده و چون بنزد
قبر مبارک بایستی روی خود را بجانب قبر بکن و قبله را در میان دو کتف خود بگیر و بگو السلام
علیک یا بن رسول الله السلام علیک یا بن امیر المؤمنین السلام علیک یا بن الصدیقة
الطاهرة فاطمة سیدة نساء العالمین السلام علیک یا مولای یا ابا عبد الله و رحمة الله
و برکاته اشهد انک قد اقمت الصلوة و آتیت الزکوة و امرت بالمعروف و نهیت عن
المنکر و تلوت الکتاب حق تلاوته و جاهدت فی الله حق جهاده و صبرت علی الاذی
فی جنبه محتسبا حتی اتاک الیقین اشهد ان الذین خالفوک و حاربوک و الذین خذلوک
و الذین قتلوک ملعونون علی لسان النبی الامی و قد خاب من افتری لعن الله الظالمین
لکم من الاولین و الاخرین و ضاعف علیهم العذاب الالیم اتیتک یا مولای یا بن رسول
الله زائرا عارفا بحقک موالیا لاولیائک معادیا لاعدائک مستبصرا بالهدی الذی انت

علیه عارفاً بضلالة من خالفك فاشفع لي عند ربك پس برو بروی قبر خود را بینداز و گونهٔ راست
خود را بر آن بگذار و بگردان بروی سر مبارک و بگو السلام علیك یا حجة الله في أرضه
وسمائه صلی الله علی روحك الطیب وجسدك الطاهر وعلیك السلام یا مولای ورحمة
الله وبرکاته پس باز خود را بروی قبر بینداز و گونهٔ چپ خود را بر آن بگذار و منحرف شو بسوی سر مبارک
و دو رکعت نماز بکن و بعد از آن هر قدر نماز که خواهی بکن پس برو بنزد پاهای قبر علي بن الحسین
صلوات الله علیه و زیارت کن او را بگو السلام علیك یا مولای وابن مولای ورحمة الله وبرکاته
لعن الله من ظلمك ولعن الله من قتلك وضاعف علیهم العذاب الألیم و دعا کن بانچه خواهی
پس زیارت شهدا را در حالتی که منحرف شده باشی از نزد پاهای قبر بجانب قبله پس بگو السلام
علیکم ایها الصدیقون السلام علیکم ایها الشهداء الصابرون اشهد انکم جاهدتم
في سبیل الله وصبرتم علی الأذی في جنب الله ونصحتم لله ولرسوله حتی اتاکم الیقین
اشهد انکم احیاء عند ربکم ترزقون فجزاکم الله عن الاسلام واهله افضل الجزاء
المحسنین وجمع الله بیننا وبینکم في محل النعیم پس برو نزد قبر عباس ابن امیر المؤمنین علیه السلام و
چون نزد قبر باشی بگو السلام علیك یا ابن امیر المؤمنین السلام علیك ایها العبد الصالح
المطیع لله ولرسوله اشهد انك قد جاهدت ونصحت وصبرت حتی اتاك الیقین لعن الله
الظالمین لکم من الأولین والآخرین والحقهم بدرك الجحیم مؤلف گوید که مؤلف مزار کبیر رحمه الله
روایتی که در باب این زیارت از حضرت صادق صلوات الله علیه نقل نموده از آن روایت ظاهر میشود
که این زیارت از جمله زیارات مطلقه و اختصاص باوقات مذکوره ندارد و لیکن چون شیخ
مفید و شیخ شهید از جمله زیارات مخصوصه نقل نموده اند متابعت ایشان مستحسن و بهتر آنست
که در این اوقات زائر باین عمل زیارت عمل نماید و جمعی که در بلاد بعیده باشند بزیارات مطلقه بعیده
زیارت نمایند و بهترین اعمال در این شبها طلب آمرزش و دعا از برای مطالب دنیا و آخرت خود و
پدر و مادر و خویشان خود و برادران مومن زنده و مرده و اذکار و صلوات بر محمد و آل محمد
صلی الله علیه وآله ایضا بیشتر شود و در بعضی از روایات وارد شده است که دعای جوشن کبیر را
در هر یک از این سه شب بخوانند اما قسم دوم پس در بیان اعمال مختصه باین شب و ایضا

بجنابکم

چنانچه از بعضی روایات ظاهر میشود چند چیز است اول سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال
ذکر نموده است که در روایتی وارد شده است که در شب نوزدهم ماه مبارک رمضان صد نوبت استغفار
و صد نوبت لعن بر قاتل آن حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فضیلت عظیم دارد مؤلف گوید
در استغفار استغفر الله ربی واتوب الیه کافی است و اگر واتوب الیه را ضم کند انسب است و در لعن
اللهم العن قاتل امیر المؤمنین علیه السلام کافی است و اگر بگوید اللهم العن قتلة امیر المؤمنین
بهتر است چنانچه جد علامه در زاد المعاد فرموده است دوم شیخ شهید طاب ثراه در کتاب
اربعین از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت نموده است که هر که در این شب پنجاه رکعت نماز
بکند هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی حمد یک نوبت و سوره اذا زلزلت پنجاه نوبت مثل کسی باشد
که صد حج و صد عمره کرده باشد و حق تعالی سایر اعمال او را نیز از او قبول فرماید سیم سید ابن طاوس
قدس الله روحه در کتاب اقبال از کتاب عتیقی که از عقب بعضی از شبها از آن ساقط شده این دعا را
برای این شب نقل نموده اللهم لك الحمد علی ما وهبت لي من انطواء ما طویت من شهري وانك
لم تمتني فیه اجلي ولم تقطع عمري ولم تبتلني بمرض یضطرني الی ترك الصیام ولا بسفر یحل لي
في الافطار فانا اصومه في کفایتك ووقایتك اطیع امرك واقتات رزقك وارجو واؤمل
تجاوزك فاتمم اللهم علي في ذلك نعمتك واجزل به منتك واسلخه عني بکمال
الصیام وتمحیص الآثام وبلغني آخره بخاتمة خیر وخیرة یا اجود المسؤولین ویا اسمح
الراحمین وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین چهارم ایضا سید در کتاب مذکور از کتاب عمل شهر
رمضان ابن ابي قرة وابن باقي رحمهما الله تعالی این شب نقل نموده است یا ذا الذي کان قبل کل شيء
یا ذا الذي لیس في السموات العلی ولا في الارضین السفلی ولا فوقهن ولا بینهن ولا تحتهن
اله یعبد غیره لك الحمد حمدا لا یقدر علی احصائه الا انت فصل علی محمد وآل محمد صلوة
لا یقدر علی احصائها الا انت فصل علی محمد وآل محمد صلوة لا یقدر علی احصائها الا انت
پنجم ایضا سید در کتاب مذکور از ابن عیاش از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه
برای این شب روایت نموده است اللهم اجعل فیما تقضي وتقدر من الامر المحتوم وفیما تفرق
من الامر الحکیم في لیلة القدر وفي القضاء الذي لا یرد ولا یبدل ان تکتبني من حجاج

بنبيك الحرام المبرور حجهم المشكور سعيهم المغفور ذنوبهم المكفر عنهم سيئاتهم واجعل فيما
تقضي وتقدر ان تطيل عمري وتوسع علي في رزقي وتفعل بي كذا وكذا وبجای تفعل بی كذا وكذا
حاجت خود را طلبد **مؤلف گوید** سید بعد از ذکر این دعا گفته که این دعا از جمله دعاهای هر شب
ماه است چنانچه در محل خود مذکور شد لیکن چون اندک تفاوتی در میان اینها است بهتر آنست
که هر دو طریق خوانده شود **نهم ایضا** سید در کتاب مذکور این دعا را برای این شب نقل نموده است
اللهم اني امسيت لك عبدا داخرا لا املك لنفسي ضرا ولا نفعا ولا اصرف عنها سوءا اشهد
بذلك على نفسي واعترف لك بضعف قوتي وقلة حيلتي فصل على محمد وآل محمد وانجز لي ما
وعدتني وجميع المؤمنين والمؤمنات من المغفرة في هذه الليلة واتمم علي ما آتيتني فاني
عبدك المسكين المستكين الضعيف الفقير المهين اللهم لا تجعلني ناسيا لذكرك فيما
اوليتني ولا غافلا لاحسانك فيما اعطيتني ولا آيسا من اجابتك وان ابطات عني في
سراء كنت او ضراء او شدة او رخاء او عافية او بلاء او بؤس او نعماء انك سميع الدعاء
دهم ایضا سید در کتاب مذکور از رسول خدا صلی الله علیه وآله این دعا را برای این شب روایت
نموده است سبحان من لا يموت سبحان من لا يزول ملكه سبحان من لا يخفى عليه خافية
سبحان من لا تسقط ورقة الا بعلمه ولا حبة في ظلمات الارض ولا رطب ولا يابس
الا في كتاب مبين الا بعلمه وبقدرته فسبحانه سبحانه سبحانه سبحانه سبحانه سبحانه
وسید بن باقی طاب ثراه در کتاب اختیار نیز این دعا را برای این شب نقل نموده ولیکن چون
اختلاف زیادی با روایت سید دارد نقل مینمائیم سبحان من لا يموت سبحان من لا يزول
سبحان من لا يخفى عليه خافية سبحان من لا تسقط ورقة الا بعلمها ولا حبة في
ظلمات الارض ولا رطب ولا يابس الا بعلمه وقدرته فسبحانه سبحانه سبحانه
فسبحانه ما اعظم شانه واجل سلطانه اللهم صل على محمد وآله واجعلنا من عتقائك
وسعداء خلقك بمغفرتك انك انت الغفور الرحيم **روز نوزدهم** این روز بمزید فضیلت روز نوزدهم
ممتاز است زیرا که روز قدر بمرتبه فضیلت شب قدر دارد چنانچه سید ابن طاوس رفع درجته
و نقلا در کتاب اقبال بسند بن سنان از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت
کرده است

کرده است که روز قدر مانند شب قدر است در فضیلت و اعمال آن چنانچه ان شاء الله تتبع کتب اخبار
ظاهر میشود چند امر است **اول** سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال این دعا را برای این
روز نقل نموده است اللهم اني اسالك بانك لا اله الا انت وحدك لا شريك لك وان
محمدا صلواتك عليه وآله عبدك ورسولك وبانك احد صمد لم يلد ولم يولد ولم
يكن له كفوا احد وبانك جواد ماجد رحمن الدنيا والآخرة تعطي من تشاء وتحرم
من تشاء ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل فيما تقضي وتقدر من الامر المحتوم ان
تكتبني من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم المبسوط رزقهم المحفوظين في انفسهم
واديانهم واهاليهم واولادهم وان تجعل ذلك في عامي هذا وفي كل عام ابدا ما ابقيتني
في يسر منك وعافية وصحة من جسمي ونية خالصة لك وسعة في ذات يدي وتوسع
في يدي على جميع اموري اللهم من طلب حاجة الى احد من المخلوقين فاني لا اطلب حا
جتي الا منك وحدك لا شريك لك اسالك ان تصلي على محمد وآل محمد واسالك ان
تجعل لي ان اغض بصري وان احفظ فرجي وان اكف عن محارمك وان اعمل ما احببت و
ان ادع ما سخطت سید ابن باقی طاب ثراه در کتاب اختیار این دعا را برای این روز نقل نموده است
اللهم اني اسالك يا من قوله الحق يوم ينفخ في الصور عالم الغيب والشهادة وهو الله
العليم الخبير فالق الاصباح وجاعل الليل سكنا والشمس والقمر حسبانا ذلك تقدير العزيز
العليم يا من حرم الفواحش ما ظهر منها وما بطن والاثم والبغي بغير الحق يا من خلق
السماوات والارض ثم استوى على العرش يا من له الخلق والامر تبارك الله رب العالمين
يا من تجلى للجبل فجعله دكا اسالك اللهم بما ناجيتك به من مدحتك ودعوتك
به ان ترزقني القبول والرحمة في هذا اليوم وفيما قبله وفيما بعده وتجعل عملي صالحا
مقبولا واضيا زاكيا تبيض به وجهي وتكرم به منزلتي وتحسن به مثواي وتتمم به
قوتي وتلقيني به حجتي وتعطيني به مسألتي وتغني به نفسي وتصرف به عني عدوي وتلقنی
وتجمع به شملي وتلم به شعثي وترد به الفتي وتصلح به امري وترفع به شهادتي و
تزكي به عملي وتلهمني به رشدي وتعصمني به من كل سوء في الدنيا والآخرة وترزقني

بِهِ الجَنَّةَ وَتَفُكَّ بِهِ رَقَبَتِي مِنَ النّارِ اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ يَسِيرٌ وَعِنْدَكَ حَقِيرٌ
يَسِيرٌ بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمِينَ وَصَلَّى اللهُ عَلى سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرِينَ **سیم صاحب**
کتاب ذخیره از ابن عباس روایت نموده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هرکه در
این روز این دعا را بخواند ملائکه آسمانها و زمین برای او استغفار نمایند و دعا که مذکور شد دعا
این است اَللّٰهُمَّ وَفِّرْ فِيهِ حَظِّي مِنْ بَرَكاتِهِ وَسَهِّلْ سَبِيلِي اِلى حِيازَةِ خَيْراتِهِ وَلا تَحْرِمْنِي
القَلِيلَ مِنْ حَسَناتِهِ يا هادِياً اِلَى الحَقِّ المُبِينِ **شب پنجم** و اعمال آن چند امر است **اول** شیخ
شهید قدس الله روحه در کتاب اربعین از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده است
که هرکه در این شب هشت رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعتی بعد از حمد هر
سوره که خواهد بخواند گناهان گذشته و آینده او آمرزیده شود **دویم** سید ابن طاوس رحمه
الله روحه در کتاب اقبال از کتاب عتیقی که ادعیه بعضی شبها از آن ساقط شده این دعا را برای
این شب نقل نموده است اَللّٰهُمَّ اَنْتَ رَبِّي لا اِلٰهَ لِي غَيْرُكَ اُوَحِّدُهُ وَلا رَبَّ لِي سِواكَ اَعْبُدُهُ
اَنْتَ الواحِدُ الاَحَدُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً اَحَدٌ وَكَيْفَ يَكُونُ كَهُوَ مِنَ
المَخْلُوقِينَ وَمِنَ المُرْتَدِفِينَ لِلرِّزْقِ وَمَنْ لا يَسْتَطِيعُونَ نَفْعاً وَلا ضَرّاً وَلا يَمْلِكُونَ مَوْتاً وَلا
حَيوةً وَلا نُشُوراً هُوَ مالِكُ ذٰلِكَ كُلِّهِ بِعَظَمَتِهِ وَتَجَرُّدِهِ وَتَكَبُّرِهِ وَيَتَعالى مِنْهُ لا يُسْئَلُ
عَمّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْئَلُونَ اِلٰهِي وَسَيِّدِي ما اَغَبَّ شَهْرَ الصِّيامِ اِلى جانِبِ الفَناءِ وَاَنْتَ
الباقِي وَاَذِنَ بِالاِنْقِضاءِ وَاَنْتَ الدّائِمُ وَهُوَ الَّذِي عَظَّمْتَ حَقَّهُ نُعَظِّمُهُ وَكَرَّمْتَهُ
فَكَرُمَ وَاِنِّي لِي فِيهِ الزَّلّاتُ كَثِيرَةٌ وَالهَفَواتُ عَظِيمَةٌ اِنْ فاصَصْتَنِي بِها كانَ شَهْرَ
شَقاوَتِي وَاِنْ سَمَحْتَ لِي بِها كانَ شَهْرَ سَعادَتِي اَللّٰهُمَّ وَكَما اَسْعَدْتَنِي بِالاِقْرارِ بِرُ
بُوبِيَّتِكَ مُبْتَدِئاً فَاَسْعِدْنِي بِحِلْمِكَ وَرَأْفَتِكَ وَتَخْصِيصِكَ وَسَماحَتِكَ مُعِيداً فَاِنَّكَ
عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كَثِيراً **سیم ایضا** سید در کتاب مذکور
از کتاب عمل شهر رمضان ابن ابی قره رضی الله عنه این دعا را برای این شب نقل نموده است
اَللّٰهُمَّ كَلَّفْتَنِي مِنْ نَفْسِي ما اَنْتَ اَمْلَكُ بِهِ مِنِّي وَقُدْرَتُكَ اَعْلى مِنْ قُدْرَتِي فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَعْطِنِي مِنْ نَفْسِي ما يُرْضِيكَ عَنِّي وَخُذْ لِنَفْسِكَ رِضاها مِنْ نَفْسِي اِلٰهِي لا طاقَةَ
لِي بِالجُهْدِ

تحرمنی زادی و قنی من تبول اضاعته برحمتک یا ارحم الراحمین

لک

بالخالق

لِي بِالجُهْدِ وَلا صَبْرَ لِي عَلَى البَلاءِ وَلا قُوَّةَ لِي عَلَى الفَقْرِ فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلا تَحْظُرْ
عَلَيَّ رِزْقَكَ يا سَيِّدِي هٰذَا الشَّهْرَ المُبارَكَ وَلا تُلْجِئْنِي اِلى خَلْقِكَ بَلْ تَفَرَّدْ يا سَيِّدِي بِحاجَتِي وَ
تَوَلَّ كِفايَتِي وَانْظُرْ لِي فِي اُمُورِي فَاِنَّكَ اِنْ وَكَلْتَنِي اِلى خَلْقِكَ تَجَهَّمُونِي وَاِنْ اَلْجَأْتَنِي اِلى اَهْلِي
حَرَمُونِي وَقَتَلُونِي وَاِنْ اَعْطَوا اَعْطَوا قَلِيلاً نَكِداً وَمَنُّوا عَلَيَّ كَثِيراً وَذَمُّوا طَوِيلاً فَبِفَضْلِكَ
يا سَيِّدِي فَاَغْنِنِي وَبِعَظَمَتِكَ فَانْعَشْنِي وَبِسَعَتِكَ فَابْسُطْ يَدِي وَبِما عِنْدَكَ فَاكْفِنِي يا اَرْحَمَ
الرّاحِمِينَ **چهارم ایضا** سید در کتاب مذکور از رسول خدا صلی الله علیه و آله این دعا را در این شب
روایت کرده است اَسْتَغْفِرُ اللهَ مِمّا مَضى مِنْ ذُنُوبِي فَاَنْسِيتُها وَهِيَ مُثْبَتَةٌ عَلَيَّ يُحْصِيها
عَلَيَّ الكِرامُ الكاتِبُونَ يَعْلَمُونَ ما تَفْعَلُونَ وَاَسْتَغْفِرُ اللهَ مِنْ مُوبِقاتِ الذُّنُوبِ وَاَسْتَغْفِرُهُ
مِنْ مُفْظِعاتِ الذُّنُوبِ وَاَسْتَغْفِرُهُ مِمّا فَرَضَ عَلَيَّ فَتَوانَيْتُ وَاَسْتَغْفِرُهُ مِنْ نِسْيانِ النِّعَمِ
الَّذِي باعَدَنِي مِنْ رَبِّي وَاَسْتَغْفِرُهُ مِنَ الزَّلّاتِ وَالضَّلالاتِ وَمِمّا كَسَبَتْ يَدِي وَاُومِنُ بِهِ
وَاَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ كَثِيراً وَاَسْتَغْفِرُهُ وَاَسْتَغْفِرُهُ وَاَسْتَغْفِرُهُ وَاَسْتَغْفِرُهُ وَاَسْتَغْفِرُهُ وَ
اَسْتَغْفِرُهُ وَاَسْتَغْفِرُهُ **شب ششم** و اعمال آن چند چیز است **اول** سید ابن طاوس
رحمه الله تعالی در کتاب اقبال این دعا را برای این شب نقل نموده است اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ
المَخْزُونِ الطّاهِرِ المُطَهَّرِ يا مَنِ اسْتَجابَ لِاَبْغَضِ خَلْقِهِ اِلَيْهِ اِذْ قالَ اَنْظِرْنِي اِلى يَوْمِ يُبْعَثُونَ
فَاِنِّي لا اَكُونُ اَسْوَءَ حالاً مِنْهُ فِيما سَاَلْتُكَ فَاسْتَجِبْ لِي دَعْوَتَكَ وَاَعْطِنِي يا رَبِّ ما سَاَلْتُكَ
اِنِّي اَسْاَلُكَ يا سَيِّدِي اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ وَتُقاتِلُ
بِهِ عَدُوَّكَ فِي الصَّفِّ الَّذِي ذَكَرْتَ فِي كِتابِكَ كَاَنَّهُمْ بُنْيانٌ مَرْصُوصٌ مَعَ اَحَبِّ خَلْقِكَ
اِلَيْهِ فِي اَحَبِّ المَواطِنِ لَدَيْكَ اَللّٰهُمَّ وَفِي صُدُورِ الكافِرِينَ فَعَظِّمْنِي وَفِي اَعْيُنِ المُؤْمِنِينَ
فَجَلِّلْنِي وَفِي نَفْسِي وَاَهْلِ بَيْتِي فَذَلِّلْنِي وَحَبِّبْ اِلَيَّ مَنْ اَحْبَبْتَ وَبَغِّضْ اِلَيَّ مَنْ اَبْغَضْتَ وَ
وَفِّقْنِي لِاَحَبِّ الاُمُورِ اِلَيْكَ وَاَرْضاها لَدَيْكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي مِنْكَ اَخْوَفُ وَلَيْسَ ذٰلِكَ اِلّا مِنْ
خَوْفِي عَدْلَكَ وَاِيّاكَ اَسْاَلُ بِكَ لِاَنَّهُ لَيْسَ اَحَدٌ اِلّا دُونَكَ وَلا اَقْدِرُ اَنْ اَسْتَتِرَ مِنْكَ فِي
لَيْلٍ وَلا نَهارٍ وَاَنَا عارِفٌ بِرُبُوبِيَّتِكَ مُقِرٌّ بِوَحْدانِيَّتِكَ اَحَطْتَ بِالجِنِّ خَبَراً يا اَهْلَ السَّماواتِ
وَاَهْلَ الاَرْضِ لا يَشْغَلُكَ شَيْءٌ عَنْ شَيْءٍ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ **دویم**

منی

سید ابن باقی رضی الله عنه در کتاب اختیار ابتدا دعا را برای این روز نقل نموده اللهم انی اسالك
یا من احق الحق بکلماته و قطع دابر الکافرین یا من یحول بین المرء و قلبه یا من یقبل التوبة
عن عباده و یاخذ الصدقات یا من اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم
الجنة یا من من علی النبی و المهاجرین و الانصار الذین اتبعوه باحسان یا من جعل الشمس
ضیاء و القمر نورا و قدره منازل یا من له العزة جمیعا و هو السمیع العلیم یا من یحکم بالحق
و هو خیر الحاکمین یا من یعلم ما یسرون و ما یعلنون و هو علیم بذات الصدور یا من اقام
السموات و الارض فی ستة ایام و کان عرشه علی الماء یا قریب یا مجیب یا من هو علی کل شیء
قدیر بالحفیظ یا راحم یا ودود یا من له غیب السموات و الارض و الیه یرجع الامر کله یا من
لا ییاس من رحمته و روحه الا القوم الکافرون اسالك بما تاجیك به من مدحك
یا من لا یخلف المیعاد یا من لا یضره الذنوب یا من لا ینقصه المغفرة اعطنی خیر ما سالت
و خیر ما قلت و خیر ما ظهر و خیر ما بطن و خیر ما غاب و خیر ما شهد و خیر ما تعلم و خیر
ما تقضی فی العلم من الاجل و الامل و خیر الحیاة و خیر الممات و خیر القضاء و خیر القدر و خیر
المسالة و خیر الاجابة و خیر الثواب و خیر العطاء و خیر اللیل و خیر النهار و خیر الدنیا
و خیر الآخرة و اجعل ذلك فی یسر منك و عافیة فانه لا مانع لما اعطیت و لا معطی لما منعت
اللهم و اجعلنی اطلب بما عندی رضوانك و النعیم المقیم الذی لا یزول و احشرنی علی
ولایة نبیك و اهل بیته الطاهرین یا ارحم الراحمین انك علی کل شیء قدیر و صلی الله علی
سیدنا محمد و آله الطاهرین سیوم صاحب کتاب ذخیره از ابن عباس روایت کرده است که
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر که در این روز ابتدا این دعا بخواند برای او بعدد هر که
ماه رمضان را روزه داشته باشد ثواب عبادة شصت ساله مقبول نوشته شود و دعا
این است اللهم افتح علی فیه ابواب الجنان و اغلق عنی فیه ابواب النیران و وفقنی
فیه لتلاوة القرآن یا منزل السکینة فی قلوب المؤمنین شب بیست و هفتم این شب افضل است
از شب نوزدهم و احتمال شب قدر در آن است زیاده از شب نوزدهم چنانچه سید ابن
طاوس قدس الله نفسه در کتاب اقبال بسند خود از حمران روایت کرده که گفت سؤال نمودم

حفیظ یا رحیم — نخ

انحاء

برحمتك یا ارحم الراحمین — نخ

ازحضرت

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از شب قدر فرمود که شب قدر در شب بیست و یکم ماه
رمضان است و ایضا از عبد الواحد بن مختار انصاری روایت کرده است که گفت بخدمت حضرت
امام محمد باقر علیه السلام عرض کردم که خبر ده مرا از شب قدر فرمود که طلب کن آن را در شب بیست
و یکم و بیست و سیم ماه رمضان عرض نمودم که تعیین کن آن برای من فرمود که چه میشود ترا
اگر بشغل بینداری خود را در دو شب و اعمال این سه قسمست قسم اول اعمال مشترکه میان
سه شب و آنها بتفصیل در شب نوزدهم مذکور شد و اما غسل در این شب تاکید زیاده
بر شب نوزدهم است زیرا که از جمله شبهای عشر آخر ماه است و غسل در هر شب از آنها سنت است
چنانچه در قسم سیم مذکور میشود انشاء الله تعالی و بخصوص این شب غسل نیز وارد شده
چنانچه سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
علیه روایت کرده که غسل در شب بیست و یکم سنت است و روایات دیگر در شب نوزدهم
گذشت قسم دویم اعمال مختصه باین شب و آنها چنانچه از تفحص احادیث ظاهر میشود
چند چیز است اول شیخ شهید قدس الله روحه در کتاب اربعین از حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه و آله روایت کرده است که هر که در این شب هفت رکعت نماز بگذارد هر رکعت
بیک سلام در هر رکعتی حمد یکبار و هر سوره که میسر شود آسمانهای هفتگانه گشوده
شود و دعای او مستجاب گردد دویم سید ابن طاوس رفع الله مرتبته در کتاب اقبال
از کتاب عتیق که ادعیه بعضی از شبها از آن ساقط شده است ابتدا را برای این شب نقل نموده
است لا اله الا الله مدبر الامور و مصرف الدهور و خالق الاشیاء جمیعا بحکمته دالة
علی ازلیته و قدمه جاعل الحقوق الواجبة لما یشاء رافة منه و رحمة لیسال بها
سائل و یامل اجابة دعائه امل فسبحان من خلق الاسباب الیه کثیرة و الوسائل الیه
موجودة و سبحان الله الذی لا یعتوره فاقة و لا تشتد له حاجة و لا تطیف به ضرورة
و لا یجدد ابطاء رزق رازق و لا سخط خالق فانه القدیر علی رحمة من یوجد فیه الخلال
مقهور بقی مضائقها محصور یخاف و یرجو بیده الامور و الیه المصیر و هو علی ما
یشاء قدیر اللهم صل علی محمد عبدك و رسولك و نبیك مؤدی الرسالة و موضح

الدلالة واوضح كتابك واستحق ثوابك وانهج سبيل حلالك وحرامك وكشف عن شعا
ئرك واعلامك فان هذه الليلة التي سميتها بالقدر وانزلت فيها محكم الذكر وفضلتها
على الف شهر وهي ليلة مواهب المقبولين ومصائب المردودين فيا خسران من باء فيها
بسخطه ويا ويح من حظي بفضل عفوه اللهم فارزقني قيامها والنظر الى ما عظمت
منها من غير حضور اجل ولا قربه ولا انقطاع امل ولا فوته ووفقني فيها لعمل تتبعه ودعاء
تسمعه وتضرع ترحمه وشر تصرفه وخير تهبه وغفران توجبه ورزق توسعه ودين تطهره
واثم تغسله ودين تقضيه وحق تحمله وتوبة وصحة تتمها وعافية تتمها واشعاث
تلمها وامراض تكشفها وغمة تكشفها ومواهب تكثرها ومصائب تصرفها واولاد واهل
تصلحهم واعداء تغلبهم وتقهرهم وتكفي ما اهم من امرهم وتقدر على قدرتهم وتسطوا
بسطواتهم وتصول صولاتهم وتغل ايديهم الى صدورهم وتحرس عن مكائدهم السنتهم وترد
سهامهم على صدورهم اللهم سيدي ومولاي اكفني البغي ومصارعة الغدر ومغالبة
واكفني سيدي شر عبادك وانشر عليهم الخيرات مني حتى تنزل علي في الاخرين واذكر واكف شر جميع عبادك صح
والدي وجميع المؤمنين والمؤمنات برحمتك يا ارحم الراحمين ومغفرتك ذكري
سيدي قريب لعبيد وامائه فارقوا الاحباء وخرسوا عن النجوى وصموا عن الهي النداء
وحلوا اطباقها الثرى ومزقتهم البلى اللهم انك اوجبت لي الذي علي حقا وقد ادبته
بالاستغفار لهما اليك اذ لا قدرة لي على قضائه الا من جهتك وفرضت لهما في دعائي
فرضا قد اوفدته عليك اذ جعلت لي القدرة على واجبها وانت تقدر وكنت لا املك وانت
تملك اللهم لا تضلني فيما اوجبت ولا تبلني فيما فرضت واشركني في كل صالح دعاء اوجبته
واشرك في صالح دعائي جميع المؤمنين والمؤمنات الا من عادى اوليائك وحارب اصفيائك
واعقب بسوء الخلاف انبيائك ومات على ضلالته وانتهى في غوايته فاني ابرء اليك
من دعائي لهم انت القائم على كل نفس بما كسبت غفار الصغائر والموبق بالكبائر لا
اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين فانظر علي رأفتك يا ارحم الراحمين وصلى
الله على محمد النبي وآله وسلم كثيرا **سيم** سيد بن طاوس طاب ثراه در كتاب اقبال و سيد ابن

باقی علیه

باقي عليه الرحمه در كتاب اختيار از حضرت رسالت صلى الله عليه وآله اين دعا را براى اين
شب روايت نموده اند اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد ان محمدا عبده
ورسوله واشهد ان الجنة حق والنار حق وان الساعة آتية لا ريب فيها وان الله يبعث
من في القبور واشهد ان الرب ربي لا شريك له ولا ولدا له ولا والد له واشهد انه
الفعال لما يريد والقادر على كل شيء قدير والصانع لما يريد والقاهر من يشاء والرافع
من يشاء مالك الملك ورازق العباد الغفور الرحيم العليم الحليم اشهد اشهد اشهد
اشهد اشهد اشهد اشهد **چهارم** محمد بن يعقوب كليني و شيخ طوسي و علامه حلي و سيد بن
طاوس قدس الله ارواحهم وديگران ده دعا در شبهاى عشر آخر ماه مبارك رمضان روايت
نموده و در هر شبي دعاى مخصوصى و سيد در كتاب اقبال گفته كه اين ادعيه بطرق معتمده
از ائمه عليهم السلام بمن رسيده و از آن جمله روايتى است كه ابن ابي قره رحمه الله عليه در كتاب
عمل شهر رمضان نقل نموده است و آن اتم و اكمل سائر طرق و مشتمل بر زيادتيهاى بسيار است
و باين جهت در كتاب اقبال اين طريق را ذكر نموده لهذا بنده ما در اين كتاب اين طريق را
ذكر مينمايم ابن ابي قره بسند خود از عمر بن يزيد روايت كرده كه حضرت امام جعفر صادق
عليه السلام فرمود كه در شب اول از شبهاى عشر آخر ماه رمضان اين دعا را بخوان يا مولج الليل
في النهار ويا مولج النهار في الليل ومخرج الحي من الميت ومخرج الميت من الحي يا را
زق من يشاء بغير حساب يا الله يا رحمن يا الله يا رحيم يا الله يا الله يا الله
يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والآلاء اسألك
باسمك بسم الله الرحمن الرحيم ان كنت قضيت في هذه الليلة تنزل الملائكة والروح فيها
كل امر حكيم فصل على محمد وآل محمد واجعل اسمي في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني
في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب بالشك
عني وترضيني بما قسمت لي وآتني في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقني عذاب النار الحريق
وارزقني يا رب فيها ذكرك وشكرك والرغبة والانابة اليك والتوبة والتوفيق لما
تحبه وترضاه وفيما وفقت له شيعة آل محمد عليه وعليهم السلام يا ارحم الراحمين

ولا تفتنّی بطلب ما زویت عنّی بحولك وقوّتك واغننی یا ربّ برزقٍ منك واسعٍ بحلالك
عن حرامك وارزقنی العفّة فی بطنی وفرجی وفرّج عنّی كلّ همٍّ وغمٍّ ولا تشمت
بی عدوّی ووفّق لی لیلة القدر علی افضل ما رآها احدٌ ووفّقنی لما وفّقت له محمّداً وآل
محمّدٍ صلواتك علیه وعلیهم وافعل بی كذا وكذا و بجای وافعل بی كذا وكذا حوایج خود را طلب نماید
پس بگوید الساعة الساعة تا نفس تنگ شود پس سید گفته که این زیادتی بغیر روایت
و این دعا را ذکر نموده اللّهمّ صلّ علی محمّدٍ وآل محمّدٍ واقسم لی حلماً یسدّ عنّی باب الجهل و
هدًی تمنّ به علیّ من کلّ ضلالةٍ وغنًی تسدّ به عنّی باب کلّ فقرٍ وقوّةً تردّ بها عنّی کلّ
ضعفٍ وعزًّا تکرمنی به عن کلّ ذلٍّ ورفعةً ترفعنی بها عن کلّ ضعةٍ وامناً تردّ به
عنّی کلّ خوفٍ وعافیةً تسترنی بها من کلّ بلاءٍ وعلماً تفتح لی به کلّ یقینٍ ویقیناً تذهب
به عنّی کلّ شكٍّ ودعاءً تبسط لی الاجابة فی هذه اللیلة وفی هذه الساعة الساعة
الساعة یا کریم وخوفاً تیسّر لی به کلّ رحمةٍ وعظمةً تحول بها بینی وبین الذنوب حتّی
افلح بها بین المعصومین عندك برحمتك یا ارحم الراحمین مؤلف گوید که محتملست که دعا
اخر تا الیف شده باشد و مراد او این باشد که مطالب خود را بجای وافعل بی کذا وکذا طلب میکند
بااین عبادت طلب نماید و ممکن است که مراد این باشد که در روایات دیگر غیر روایت ابن ابی
قره این تتمه نیز برای این دعا وارد شده باشد و احتمال اول اظهر است و بدانکه از کلام سید
رحمه الله درین مقام ظاهر میشود که دعائی که از کتاب ابن ابی قره رحمه الله در شبهای دهه
اول این ماه نقل نموده تا اینجا منقطع شده و در عشر سیم این دعاهای که بقیه آنها مذکور خواهد
شد انشاء الله تعالی بروایت دیگر وارد شده است قسم سیم چیزی چند که در هر شب از
شبهای عشر سیم باید کرده شود و آنها چند چیز است اول غسل چنانچه سید ابن طاوس رحمه الله
در کتاب اقبال از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده که حضرت رسول
صلی الله علیه وآله در هر شب از شبهای دهه اخر این ماه غسل میفرمودند دوم دعائیست
هر شب از شبهای عشر سیم ماه مبارك رمضان که در مقصد دوم در بیان ادعیه هر شب
این ماه گذشت فایده بدانکه بهتر آنست که در این شب و شب بیست و سیم از اول شب
شروع

شروع بخواندن دعاهای منقوله کند تا نصف شب و بعد از آن از نصف شب نمازهای مرتبه را
بجا آورد چنانچه کلینی رضی الله عنه در کتاب کافی از فضیل ابن یسار روایت کرده است که حضرت
امام محمد باقر علیه السلام چون شب بیست و یکم و شب بیست و سیم ماه رمضان میشد مشغول
دعا میشد تا نصف شب و چون شب نصف میشد مشغول نماز میشد روز بیست و یکم این روز
در فضیلت مانند شب است چنانچه در مقصد دوم مذکور شد و اعمال آن چند چیز است اول
سید ابن طاوس قدس الله نفسه در کتاب اقبال بسند خود از حماد ابن عثمان روایت کرده است
که گفت داخل شدم در شب بیست و یکم ماه مبارك رمضان بر حضرت صادق علیه السلام پس حضرت
بمن گفت ای حماد امشب غسل کرده گفتم بلی فدای تو شوم پس حصیری طلبید و نزد خود گذاشت پس
خود نماز کرد و من نماز کردم تا از جمیع نمازها فارغ شدیم پس شروع بدعا کرد و من آمین میگفتم
تا صبح طالع شد پس اذان و اقامه گفت و بعضی از غلامان خود را طلبید و خود پیش ایستاد
و ما در عقب ایستادیم و نماز صبح را ادا فرمود و در رکعت اول حمد و سوره انّا انزلناه فی
لیلة القدر و در رکعت ثانی حمد و سوره قل هو الله احد خواند پس چون از تسبیح و تحمید
و تقدیس و ثناء بر حق تعالی و صلوات بر رسول خدا صلی الله علیه وآله و دعای برای جمیع
مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات از اولین و آخرین فارغ شدیم آنحضرت بسجده
افتاد و یکساعت طولانی صدای نفس حضرت را شنیدیم و نفهمیدیم که چه چیز میفرماید
و بعد از آن شنیدیم که این دعا را در سجده میخواند لا اله الّا انت مقلّب القلوب
والابصار لا اله الّا انت خالق الخلق بلا حاجةٍ فیك الیهم لا اله الّا انت مبدء
الخلق لا ینقص من ملکك شیءٌ لا اله الّا انت باعث من فی القبور لا اله الّا انت مدبّر
الامور لا اله الّا انت دیّان الدین لا اله الّا انت وجبّار الجبابرة لا اله الّا انت مجری
الماء فی النبات لا اله الّا انت مکوّن طعم الثمار لا اله الّا انت محصی عدد القطر وما
تحمله السحاب لا اله الّا انت محصی عدد ما تجری الریاح فی الهواء لا اله الّا انت
محصی ما فی البحار من رطبٍ ولا یابسٍ لا اله الّا انت محصی ما یدبّ فی ظلمات البحار
وفی اطباق الثری اسألك باسمك الذی سمّیت به نفسك او استأثرت به فی علم الغیب

عندك واسألك بكل اسمٍ سمّاك به احدٌ من خلقك من نبيٍّ او صدّيقٍ او شهيدٍ او احدٍ
من ملائكتك واسألك باسمك الذي اذا دعيت به اجبت واذا سئلت به اعطيت و
اسألك بحقك على محمدٍ واهل بيته صلواتك عليهم وبركاتك وبحقهم الذي اوجبته
على نفسك وانلتهم به فضلك ان تصلّي على محمدٍ عبدك ورسولك الداعي اليك باذنك
وسراجك الساطع بين عبادك في ارضك وسمائك وجعلته رحمةً للعالمين ونوراً
استضاء به المؤمنون فبشّرنا بجزيل ثوابك وانذرنا الاليم من عقابك اشهد انّه قد
جاء بالحق من عند الحق وصدّق المرسلين واشهد انّ الذين كذّبوه ذائقوا العذاب الاليم
اسألك يا الله يا الله يا الله يا رباه يا رباه يا رباه يا سيدي يا سيدي يا سيدي يا مولاي
يا مولاي يا مولاي اسألك في هذه الغداة ان تصلّي على محمدٍ وآل محمدٍ وان تجعلني من اوفر
عبادك وسائليك نصيباً وان تمنّ عليّ بفكاك رقبتي من النار يا ارحم الراحمين
واسألك بجميع ما سألتك وما لم اسأل من عظيم جلالك ما لو علمته لسألتك به ان
تصلّي على محمدٍ واهل بيته وان تأذن لفرج من بفرجه فرج اوليائك واصفيائك من
خلقك وبه تبيد الظالمين وتهلكهم عجّل ذلك يا رب العالمين واعطني سؤلي يا
ذا الجلال والاكرام في جميع ما سألتك لعاجل الدنيا وآجل الآخرة يا من هو اقرب اليّ
من حبل الوريد اقلني عثرتي واقلبني بقضاء حوائجي يا خالقي ويا رازقي ويا باعثي
ويا محيي عظامي وهي رميم صلّ على محمدٍ وآل محمدٍ واستجب لي دعائي يا ارحم الراحمين
پس چون فارغ شد سر از سجده برداشت پس من عرض کردم که فدای تو شوم در این دعا
از خدا خواستی فرج کسی را که بفرج او برکت میکند حق تعالی و دوستان او خلاص میشود آیا
آنکس تو نیستی فرمود که نه آن شخص قائم آل محمد علیهم السلام است پس عرض نمودم که آیا برای
خروج او علامتی هست فرمود بلی از جمله علامات خروج او گرفتن آفتاب در وقت طلوع
آن بمقدار دو ثلث ساعت از روز و گرفتن ماه در بیست و سیم ماه و فتنه که بر اهل
مصر بلا نازل شود و راه ایشان بسته شود و باین علامات اکتفا کن و منتظر صاحب
خود باش در شب و روز پس بدرستی که حق تعالی در هر روزی در کار دیگر است و هیچ کاری
اورا باز

اورا باز نمیدارد از کاری بکار دیگر او پروردگار عالمیانست و دوستان خودرا از همه
چیز نگاه میدارد و ایشان از او خائف و ترسانند مؤلف گوید که از شرح این حدیث شریف
چند چیز ظاهر میشود که ذکر او ضرور و لازم است اول آنکه استماع قراءت مصلی بر غیر
مأموم واجب نباشد و کلیه وجوب استماع که از آیه کریمه فَاِذا قُرِئَ القُرآنُ فَاستَمِعُوا
لَهُ وَاَنصِتُوا ظاهر میشود بر عموم باقی نباشد زیرا که حضرت حمادرا امر فرمود که در جنب آن
حضرت مشغول نماز گردید و چون نماز در شب کرده شده ظاهر آنست که قراءت آن جهر
شده باشد لیکن این معنی نظر بعموم آیه کریمه و بعضی از روایات دیگر خلاف احتیاط است
و ملحوظ استماع قراءت است در هر حال دویم آنکه در این شبها نماز مقدم بر دعاها
اینها باشد و این معنی مخالف است با حدیثی که در اعمال شب این روز مذکور شد که حضرت
امام محمد باقر علیه السلام در این شب دعاها را در اول شب میخواند و بعد از نصف شب مشغول
نماز میشد و محتمل است اگر بعضی از دعاها باید در اول شب تا نصف شب خوانده شود و بعد
از نصف شب دعا و نماز هر دو کرده شود تا طلوع صبح و بعضی از دعاهای دیگر که مانده باشد
خصوصا دعاهای سحر که وقت آنها بعد از نصف شب است قریب بصبح خوانده شود و
در اینصورت رفع تنافی میان این دو حدیث میشود و عمل بهر دو میسر میشود سیم آنکه هرگاه
احدی دعاهای این شب را بلکه هر دعائی را بخواند و دیگران آمین بگویند از ایشان مجزی باشد
چهارم آنکه بعد از اقامه نماز حرف زدن قصوری نداشته باشد هرگاه متعلق بامر نماز باشد
زیرا که حضرت بعد از اقامه غلامان خودرا برای نماز طلبید و دور نیست که حضرت باشاره
و ایماء غلامان را طلبیده باشد پنجم آنکه در این روز خواندن سوره انا انزلناه در رکعت اول
نماز صبح اولی باشد هر چند در آن روز بحسب ایام هفته سوره مخصوصه مستحب باشد مانند
دوشنبه و پنجشنبه که سوره هل اتی در آنها مستحب است بلکه جمعه که سوره جمعه
صبح آن روز نیز نهایت تاکید دارد و محتمل است که سر این معنی مناسبت این سوره شریفه با این
روز بوده باشد والله تعالی یعلم حقایق الامور دعای دویم ایضا سید در کتاب مذکور این دعارا برای
این روز نقل نموده است سُبحانَ اللهِ السَّمیعِ الَّذی لَیسَ شَیءٌ اَسمَعَ مِنهُ یَسمَعُ مِن فَوقِ

عرشه ما تحت سبع ارضین ویسمع ما فی ظلمات البر والبحر ویسمع الانین والشکوی ویسمع السر
ویسمع وساوس الصدور ویعلم خائنة الاعین وما تخفی الصدور ولا یصمه سمعه صوت
سبحان الله باری النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج کلها سبحان
الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوی سبحان الله خالق کل شیء سبحان
الله خالق ما یری وما لا یری سبحان الله رب العالمین **سیم** سید ابن باقی قدس الله
نفسه در کتاب اختیار از ابن عیاش ابراهیم نقل نموده یا من رفع السماء بغیر عمد ترونها
ثم استوی علی العرش یدبر الامر ما من شفیع الا من بعد اذنه یا من یعلم ما تحمل کل انثی — باذنه
وما تغیض الارحام وما تزداد وکل شیء عنده بمقدار عالم الغیب والشهادة الکبیر المتعال
یا من یسبح له الرعد بحمده والملائکة من خیفته یا من بذکره تطمئن القلوب یا من یمحو ما یشاء
ویثبت وعنده ام الکتاب یا من لا معقب لحکمه وهو سریع الحساب یا من یعلم ما نخفی وما نعلن — تخفی و نعلن
وما یخفی علی الله من شیء فی الارض ولا فی السماء یا من جعل فی السماء بروجا وزینها للناظرین
یا من خلق الانسان من نطفة فاذا هو خصیم مبین یا من جعل اللیل والنهار خلفة لمن اراد ان
یذکر او اراد شکورا یا من یسجد له ما فی السموات والارض من دابة والملائکة وهم لا یستکبرون
یا من یامر بالعدل والاحسان وایتاء ذی القربی وینهی عن الفحشاء والمنکر والبغی یا من هو
مع الذین اتقوا والذین هم محسنون اللهم انی اسالک بما تحبک به من مدحتک فی یومی
هذا وفیما قبله وفیما بعده بما لو علمته لسالتک من اسمائک العظام ان ترزقنی خوف
العاملین وعمل الخائفین وخشوع العابدین وعبادة الخاشعین ویقین المتوکلین وتوکل
المؤمنین وانابة المخبتین وسائر ما سالک عبادک الصالحون وما اعطیته النبیین
والائمة الطاهرین والملائکة المقربین واصلح لی نفسی القاسیة وقلبی الفاسد وعقلی
الناقص وفک منی من النار وادخلنی الجنة والامن فی الدنیا والآخرة واغننی عن خلقک
کلهم بفضلک یا ارحم الراحمین وصلی الله علی سیدنا محمد وآله الطاهرین **چهارم**
صاحب کتاب ذخیره از ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود
که هر که در این روز این دعا را بخواند حق تعالی دل او را نورانی گرداند و روی او را سفید کند

شبهروی

بروی صراط بگذرد مانند برق جهنده و دعا اینست اللهم اجعل لی فیه الی مرضاتک
دلیلا ولا تجعل للشیطان فیه علی سبیلا واجعل الجنة لی منزلا ومقیلا یا قاضی حوائج — علی / فیه للشیطان
الطالبین **پنجم** محمد بن یعقوب کلینی رحمه الله علیه در کتاب کافی بسند خود از اسید بن صفوان — السائلین
که از جمله صحابه رسول خدا صلی الله علیه وآله است روایت نموده که در روزی که حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه از دنیا رحلت فرموده همه جا را گریه فرو گرفت و مردم همگی دهشت نمودند
مانند روزی که رسول خدا صلی الله علیه وآله رحلت فرموده بود پس مردی آمد گریان
و بسرعت میشتافت و میگفت انا لله وانا الیه راجعون امروز خلافت پیغمبری منقطع گردید
تا آنکه بر در حجره که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در آن حجره بود ایستاد و گفت رحمک الله
یا ابا الحسن کنت اول القوم اسلاما واخلصهم ایمانا واشدهم یقینا واخوفهم لله و
واعظمهم عناء واحوطهم علی رسول الله صلی الله علیه وآله وامنهم علی اصحابه وافضلهم
مناقب واکرمهم سوابق وارفعهم درجة واقربهم من رسول الله صلی الله علیه وآله
واشبههم به هدیا وخلقا وسمتا وفعلا واشرفهم منزلة واکرمهم علیه فجزاک الله عن
الاسلام وعن رسوله وعن المسلمین خیرا قویت حین ضعف اصحابه وبرزت حین استکانوا
ونهضت حین وهنوا ولزمت منهاج رسول الله صلی الله علیه وآله اذ هم اصحابه و
کنت خلیفته حقا لم تنازع ولم تضرع برغم المنافقین وغیظ الکافرین وکره الحاسدین
وصغر الفاسقین فقمت بالامر حین فشلوا ونطقت حین تتعتعوا ومضیت بنور الله اذ وقفوا — ولو اتبعوک لهدوا
فاتبعوک فهدوا وکنت اخفضهم صوتا واعلاهم فوتا واقلهم کلاما واصوبهم نطقا واکبرهم
رایا واشجعهم قلبا واشدهم یقینا واحسنهم عملا واعرفهم بالامور کنت والله یعسوبا للدین
اولا واخرا الاول حین تفرق الناس والآخر حین فشلوا کنت للمؤمنین ابا رحیما اذ صاروا
علیک عیالا فحملت اثقال ما عنه ضعفوا وحفظت ما اضاعوا ورعیت ما اهملوا و
شمرت اذا اجتمعوا وعلوت اذا هلعوا وصبرت اذا اسرعوا وادرکت اوتار ما طلبوا — اذ اسرعوا / اذ جزعوا
ونالوا بک ما لم یحتسبوا کنت للکافرین عذابا صبا ونهبا وللمؤمنین عمدا وحصنا فطرت والله
بنعمائها وفزت بحبائها واحرزت سوابقها وذهبت بفضائلها لم تفلل حجتک ولم — غیثا وخصبا / بنعمائها

يُبْغِ قلبك ولم تضعف بصيرتك ولم تجبن نفسك ولم تخن كنت كالجبل لا تحركه
العواصف وكنت كما قال عليه السلام امن الناس في صحبتك وذات يدك وكنت كما
قال عليه السلام ضعيفا في بدنك قويا في امر الله متواضعا في نفسك عظيما عند الله كبيرا
في الارض جليلا عند المؤمنين لم يكن لاحد فيك مهمز ولا لقائل فيك مغمز ولا لاحد فيك
مطمع ولا لاحد عندك هوادة الضعيف الذليل عندك قوي عزيز حتى تاخذ له بحقه
والقوي العزيز عندك ضعيف ذليل حتى تاخذ منه الحق والقريب والبعيد عندك في
ذلك سواء شانك الحق والصدق والرفق وقولك حكم وحتم وامرك حلم وحزم ورايك
علم وعزم فيما فعلت وقد نهج السبيل وسهل العسير واطفئت النيران واعتدل بك تعلمت ن‌د
الدين وقوي بك الاسلام وظهر امر الله ولو كره الكافرون وثبت بك الاسلام والمؤمنون
وسبقت سبقا بعيدا واتعبت من بعدك تعبا شديدا فجللت عن البكاء وعظمت رزيتك
في السماء وهدت مصيبتك الانام فانا لله وانا اليه راجعون رضينا عن الله قضائه
وسلمنا لله امره فوالله لن يصاب المسلمون بمثلك ابدا كنت للمؤمنين كهفا وحصنا وقنة
راسيا وعلى الكافرين غلظة وغيظا فالحقك الله بنبيه ولا احرمنا اجرك ولا اضلنا
بعدك شب بیست و نهم و اعمال مخصوص این شب بغیر اعمال لیالی عشر اخر وارد شده و گذشت چند جزء
اوّل غسل چنانچه گذشت که در هر شب از شبهای دهه اخر ابتداء غسل مستحب است دوم شیخ شهید
طاب ثراه در کتاب اربعین از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده است که هر که در این شب
هشت رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی حمد و هر سوره که میسر شود داخل بهشت
شود از هر دری که خواهد سیم سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال از کتاب عتیقی که
ادعیه این شبها از آن ساقط شده این دعا را برای این شب نقل نموده سبحان من ننشر قدرته
الانکار وتعلم بحجابه الابصار الذي لا ينقصه العطاء ولا يتعرض بجوده الذكاء الذي
انطق الالسن بصفاته واقتدر بالفعل على مفعولاته وادخل بوصل احدهما الفساد وعلى
مجتمعهما الشتات وعلى منتظمهما الانفصام ليدل المبصرين على انها فانية من صنعة
باقي مخلوقة من انشاء خلق لا بقاء ولا دوام الا له الواحد الغالب الذي لا يغلب والمالك
الذي

الذي لا يملك الحمد لله الذي بلغني ليلة طويت يومها على صيام ورزقت فيه اليقظة بلغتک ن‌د
من المنام وقصدت رب العزة بالقيام رحمة منه تخصني ونعمة البستني وحتى تعشني
واساله اتمام ابتدائه وزيادة لي من احتبائه انه الملك القدير وصلى الله على محمد و
اله وسلم كثيرا چهارم ايضا سيد در كتاب مذكور ذكر نموده كه ابن رحمه الله در كتاب عمل
شهر رمضان بسند خود از عمر بن يزيد روايت كرده كه حضرت امام جعفر صادق عليه السلام
باو فرمود كه در شب دويم از شبهاى عشر اخر ماه رمضان ابتداء انحوان يا سالخ الليل
من النهار فاذا نحن مظلمون ومجري الشمس لمستقرها ذلك بتقديرك يا عزيز يا عليم و
مقدر القمر منازل حتى عاد كالعرجون القديم يا نور كل نور ومنتهى كل رغبة وولي
كل نعمة يا الله يا رحمن يا رحيم يا قدوس يا واحد يا احد يا صمد يا فرد يا مدبر الامور ومجري البحور
ويا باعث من في القبور ويا ملين الحديد لداود عليه السلام يا الله يا الله يا الله يا الله
يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والالاء والنعماء
اسالك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم ان كنت قضيت في هذه الليلة تنزل
الملائكة والروح من كل امر حكيم فصل على محمد وال محمد واجعل اسمي في هذه الليلة في
السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي
يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب الشك عني وترضيني بما قسمت لي واتني في الدنيا
حسنة وفي الاخرة حسنة وقني عذاب النار وارزقني فيها يا رب ذكرك وشكرك و
الرغبة والانابة اليك والتوفيق لما وفقت له شيعة ال محمد يا ارحم الراحمين ولا
تفتني بطلب ما زويت عني بحولك وقوتك واغنني برزق منك واسع بحلالك عن
حرامك وارزقني العفة في بطني وفرجي وفرج عني كل هم وغم ولا تشمت بي عدوي
ووفق لي ليلة القدر على افضل ما رآها احد ووفقني لما وفقت له محمدا وال محمد عليه
وعليهم السلام وافعل بي كذا وكذا و بجای و افعل بی كذا وكذا حاجت خود را طلب نماید پس بگوید
الساعة الساعة تا نفس منقطع شود پس سید گفته که این زیادتی بغیر روایت است و این دعا
را نقل نموده است یا مظهر اللطف الخفي صل على محمد وال محمد وكن لي حصنا وحرزا يا كهف

المستجيرين صل على محمد وال محمد وكن لي كهفا وعضدا وناصرا ويا غياث المستغيثين صل على محمد وال محمد وكن لي غياثا ومجيرا ويا ولي المؤمنين صل على محمد وال محمد وكن لي وليا يا مجري عصص المؤمنين صل على محمد وال محمد واجر غصتي ونفس همي واسعدني في هذا اليوم العظيم سعادة لا اشقى بعدها يا ارحم الراحمين مؤلف گوید که این زیادتی محتمل است که تالیف سید باشد یا در روایت دیگر دعای سابق موجود باشد چنانچه در شب بیست و یکم بعضی از این مذکور شد بیست و دوم ایضا سید در کتاب مذکور و ابن باقی رحمه الله در کتاب اختیار از رسول خدا صلی الله علیه و اله این دعا را برای این شب روایت نموده اند که یا باعث نعمائی فاهو سميع عليم غفور رحيم غافر الذنب وقابل التوب شديد العقاب فالق الحب مولج الليل في النهار ومولج النهار في الليل ومخرج الحي من الميت ومخرج الميت من الحي ورازق العباد بغير حساب يا جبار يا جبار يا جبار يا جبار يا جبار يا جبار يا جبار يا جبار بیست و سوم و اعمال این شب چند

دو در بیست و سوم

چیز است اول سید ابن طاوس رحمه الله در کتاب اقبال این دعا را برای این روز نقل نموده است سبحان الله البصير الذي ليس شيء ابصر منه يبصر من فوق عرشه ما تحت سبع ارضين ويبصر ما في ظلمات البر والبحر لا تدركه الابصار وهو يدرك الابصار وهو اللطيف الخبير لا تغشى بصره الظلمات ولا يستتر عنه بستر ولا يواري منه جدار ولا يغيب منه بحر ولا يكن منه جبل ما في اصله ولا قلب ما فيه ولا يستتر منه صغير ولا كبير ولا يستخفي منه صغير لصغره ولا يخفى عليه شيء في الارض ولا في السماء هو الذي يصوركم في الارحام كيف يشاء لا اله الا هو العزيز الحكيم ذلك الله سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين دوم سید ابن باقی حشره الله مع الابرار در کتاب اختیار این دعا را برای این روز نقل نموده است اللهم اني اسالك يا من يسبح له الارضون السبع ومن فيهن وما بينهن وما تحتهن يا من لم يتخذ صاحبة ولا ولدا ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا يا من انزل على

عبده

عبده الكتاب ولم يجعل له عوجا قيما يا من لا يشرك في حكمه احدا يا من نادى موسى من جانب الطور الايمن وقربه نجيا يا من رفع ادريس مكانا عليا يا من له ما في السموات وما في الارض وما بينهما وما تحت الثرى يا من يعلم السر واخفى وانت الله لا اله الا انت لك الاسماء الحسنى يا من اعطى كل شيء خلقه ثم هدى يا من خشعت لك الاصوات فلا تسمع الا همسا اللهم اني اسالك بما ناجيتك به مدحتك في يومي هذا طلبا لعفوك وخوفا من عذابك ورجاء لما عندك وطمعا في احسانك ورغبة في رضاك وسعة في رزقك وتفضلك ان تصلي على محمد واله واهل بيته الطاهرين وتوثق وحشتي وتصل وحدتي وتوفر ذلتي وتستر عورتي وتجبر فاقتي اللهم انت رجائي وثقتي فاعني على من ظلمني وانصرني على من بغى علي واراد اذيتي واحفظني في نفسي ومالي وديني واهلي وولدي واعتقني من النار وارزقني الجنة والامن في الدنيا والاخرة ولا تحوجني الى غيرك بفضلك المبذول ولاحسانك المامول انك على كل شيء قدير وهو عليك يسير وصلى الله على سيدنا محمد واله الطاهرين سیم صاحب کتاب ذخیره از ابن عباس روایت نموده است که رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود که هر که این دعا را در این روز بخواند حق تعالی سکرات مرگ و سؤال منکر و نکیر را بر او آسان کند و او را ثابت بدارد بر قول ثابت و دعا این است اللهم انزل علي فيه من بركاتك ووفقني فيه لموجبات مرضاتك واسكني فيه بحبوحة جناتك يا مجيب دعوة المضطرين شب بیست و سیم این شب افضل از دو شب سابق و مدخلیت آن در شب قدر زیاده از آن دو شب است و روایت بسیار دلالت میکند بر آنکه این شب واقعا شب قدر است چنانچه سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال بسند خود از سفیان ابن السمط روایت کرده است که گفت بخدمت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه عرض نمودم که در میان شبها شب قدر را برای من جدا کن فرمود که شب بیست و سیم است و ایضا در کتاب مذکور از بدر حمزه انصاری روایت کرده است که او میگفت که از رسول خدا صلی الله علیه و اله شنیدم که میفرمود که شب قدر شب بیست و سیم است و بدانکه این شب را لیلة الجهنی مینامند و این بجهت حدیثی است که سید در کتاب اقبال بسند خود از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت

ملحاك ...

في هذا اليوم ... افتح لي فيه ابواب فضلك ... بركتك ... نعمتك يا ارحم الراحمين ...

نموده است که فرمود که یکی از صحابه رسول خدا صلی الله علیه وآله که در حوالی مدینه طیبه
سکنی داشت و جهنی معروف بود بخدمت آنحضرت علیه السلام آمد و عرض نمود که یا رسول الله
صلی الله علیه وآله بدرستی که من شتر و گوسفند فراوان و غلامان بسیار دارم و باین جهة
اشغال من بسیار و همیشه برای عبادت بمدینه نمیتوانم آمد میخواهم که یکشب را برای من در
ماه مبارک رمضان تعیین بفرمائی که در آن شب بمدینه بیایم و بنماز حاضر شوم پس حضرت
او را نزدیک خود طلبید و سخنی آهسته در گوش او گفت پس حضرت امام محمد باقر صلوات الله
وسلامه علیه فرمود که جهنی هر سال چون شب بیست و سیم ماه مبارک رمضان میشد با اهل
واولاد و غلامان و شتران و گوسفندان خود داخل مدینه و در آن شب در مدینه بعبادت
الهی مشغول بود و چون صبح میشد با اهل و متعلقان بجای خود معاودت می نمود پس حضرت فرمود
که اسم جهنی عبد الرحمن ابن انیس انصاری بود و بدانکه بهتر آنست که این شب را در مسجد احیا
بدارند و اعمال را در آن در مسجد بعمل آورند چنانچه سید بن طاوس طاب ثراه در کتاب مذکور
بسند خود از جمیل و هشام و حفص روایت کرده است که گفتند در سالی از سالها حضرت صادق
صلوات الله علیه را بیماری شدیدی عارض شد پس چون شب بیست و سیم شد غلامان خود را امر
فرمود تا آنحضرت را بمسجد بردند و تمام آن شب را در مسجد گذرانید واما اعمال این شب
پس آن نیز بر سه قسم است دو قسم آن که اعمال مشترکه میان سه شب و اعمال مشترکه لیالی عشر
آخر است بتفصیل سابق مذکور شد لهذا در این مقام بذکر یکقسم که آن اعمال مختصه این شب است
اکتفا مینمائیم و آنها چنانچه از تتبع کتب اخبار ظاهر میشود چند چیز است اول غسل بدانکه
در این شب دو غسل مستحب است یکی در اول شب و یکی در آخر شب و یک غسل آن از اعمال مشترکه
شب است چنانچه سید رحمه الله در کتاب اقبال بسند خود از برید بن معویه عجلی روایت کرده که
گفت که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله وسلامه علیه را دیدم که در شب بیست و سیم
دو غسل فرمودند یکی در اول شب و یکی در آخر شب دویم تلاوت سوره عنکبوت و سوره
روم چنانچه سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال بطرق متعدده از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام روایت نموده است که آنحضرت بابی بصیر فرمود که هر که سوره عنکبوت

ودوم

ودوم را در شب بیست و سیم بخواند پس بخدا سوگند ای ابو محمد که او از اهل بهشت است و استثنا نمیکنم
هرگز این را یعنی قسم بر این یاد نمودم و نمیترسم که حق تعالی بر این قسم بر من گناهی بنویسد و بدرستیکه
برای این دو سوره نزد حق تعالی منزلت عظیم هست سیم خواندن سوره دخان است و شد او در
اعمال هر سه شب ماه مبارک گذشت و چون از جمله اعمال وارده این شب است ما در اینجا ایراد
می نمائیم چنانچه کلینی و ابن بابویه و سید ابن طاوس قدس الله ارواحهم و دیگران بسندهای
معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت نموده اند که یکی از اصحاب آنحضرت بخدمت او عرض
نمود که چگونه بدانم که شب قدر در هر سالی میباشد فرمود که چون ماه مبارک رمضان داخل شود
در هر شبی سوره دخان را صد نوبت بخوان پس چون شب بیست و سیم شود نظر خواهی کرد بانچه
سؤال نمودی و تصدیق آن خواهی نمود چهارم خواندن سوره انا انزلناه هزار نوبت چنانچه
سید رحمه الله نیز در کتاب مذکور بطرق بسیار از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است
که اگر مردی در شب بیست و سیم ماه رمضان سوره انا انزلناه را هزار نوبت بخواند هر آینه صبح
میکند در حالتی که سخت باشد یقین او باعتراف نمودن بانچه مخصوص ما است و نمیباشد این
معنی مگر از راه چیزی که او را در خواب به بیند مؤلف گوید که خواندن این سوره هزار نوبت
در هر شب نیز وارد شده چنانچه در اعمال هر شب اجمالا سابق مذکور شد و دور نیست که
لفظ هر شب از این حدیث ساقط شده باشد زیرا که حکایت دیدن خواب با تاکید استحباب
احیای این شب منافات دارد چنانچه بر متامل خبیر پوشیده نیست مگر آنکه مراد این
باشد که بعد از این شب خوابی خواهد دید که موجب شدت یقین او گردد و هر مقدار از قرآن
که ممکن شود در این شب بخواند و دعاهای صحیفه کامله بخواند خصوصا دعای مکارم اخلاق
و دعای توبه والله تعالی یعلم پنجم شیخ شهید قدس الله روحه در کتاب اربعین از حضرت
خاتم المرسلین صلی الله علیه وآله الی یوم الدین روایت نموده است که هر که در این شب هشت
رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی بعد از حمد هر سوره که میسر شود درهای آسما
نها همگی برای او گشوده شود و دعای او مستجاب گردد ششم ایضا سید در کتاب مذکور
از کتاب عتیقی که ادعیه بعضی از شبها از آن ساقط شده اند دعا را برای این شب نقل نموده است

اللهم ان كان الشك في ان ليلة القدر فيها او فيما تقدمها واقع فانه فيك وفي وحدانيتك
تتزكيك الاعمال زائل وفي اي الليالي تقرّب منك العبد ولم تبعده وتقبله واخلص
في سؤالك لم تردّه واجبته وعمل الصالحات شكرته ورفع اليك ما يرضيك ذخرته
اللهم فامددني فيها بالعون على ما يزلف لديك وخذ بناصيتي الى ما منه القرب
اليك واسبغ من العمل في الدارين سعيي ووفّق من جودك بجزاء ما اعطيتني وابتر عنّي
من ذنوبي بالتوبة ومن خطاياي بسعة الرحمة واغفر لي في هذه الليلة ولوالديّ ولجميع
المؤمنين والمؤمنات غفران منزّه عن عقوبة الضعفاء رحيم بذوي الفاقة والفقراء
جاد على عباده شفيق بخضوعهم وذلّتهم رفيق لا تنقصه الصدقة عليهم ولا يفقره ما يغنيهم
من ضيعه الهم اللهم اقض ديني ودين كل مدين وفرّج عنّي وعن كل مكروب واصلحني
وولدي واصلح كل فاسد وانفع منّي واجعل في الحلال الطيب الهنيء الكثير السائغ من
رزقك عيشي ومنه لباسي وفيه منقلبي واقبض عن المحارم يدي من غير قطع ولا شلل ولا شكٍّ در
ولساني من غير خرس واذني من غير صمم وعيني من غير عمى ورجلي من غير زمانة وفرجي
من غير اخلال وبطني من غير وجع وسائر اعضائي من غير خلل وابعثني اليك يوم وقوفي اسبابٍ د
بين يديك خالصا من الذنوب نقيا من العيوب لا استحيي منك بكفران نعمة ولا اقرار
بشريك له في القدرة ولا بابتهاج في فتنة ولا تورّط في دماء محرّمة ولا بيعة اجتمعها
عنقي لاحد ممن فضّلته بفضيلة ولا دخولي تحت راية غدرة ولا اسودّ الوجه بالايمان
الفاجرة والعهود الخائنة وانلني من توفيقك وهداك ما نسالك به سبل طاعتك
ورضاك يا ارحم الراحمين مفتتح ايضا سيد در كتاب مذكور وسيد ابن باقي در كتاب
اختيار از حضرت رسول خدا صلى الله عليه وآله اين دعا را براى ابن شب روايت كرده اند
سبوح قدوس رب الملائكة والروح سبوح قدوس رب الروح والعرش سبوح
قدوس رب السموات والارضين سبوح قدوس رب البحار والجبال سبوح قدوس
له الحيتان والهوام والسباع والاقلام سبوح قدوس سجدت له الملائكة المقربون
سبوح قدوس علا فقهر وخلق فقدر سبوح سبوح سبوح سبوح سبوح سبوح

سبوح قدوس قدوس قدوس قدوس قدوس قدوس قدوس قدوس قدوس مفتتح ايضا سيد طاب ثراه
در كتاب مذكور ذكر نموده كه ابن ابي قره رضي الله عنه در كتاب عمل شهر رمضان بسند خود از
عمر بن يزيد روايت نموده است كه حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه با و فرمود كه
در شب سيم از شبهاى عشر آخر ماه مبارك رمضان اين دعا را بخوان يا رب ليلة القدر وجاعلها
خيرا من الف شهر ورب الليل والنهار والجبال والبحار والظلم والانوار والارض والسماء
يا بارئ يا مصور يا حنان يا منان يا الله يا رحمن يا قيوم يا بديع السموات والارض يا الله يا
الله يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء
والآلاء والنعماء اسالك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم ان كنت قضيت في
هذه الليلة تنزّل الملائكة والروح من كل امر حكيم صل على محمد وآله واجعل اسمي في السعداء
وروحي مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر
به قلبي وايمانا يذهب بالشك عنّي وترضيني بما قسمت لي وآتني في الدنيا حسنة وفي الآخرة
حسنة وقني عذاب النار وارزقني يا رب فيها ذكرك وشكرك والرغبة والانابة
والتوفيق لما وفقت له شيعة آل محمد يا ارحم الراحمين ولا تفتنّي بطلب ما زويت عنّي
بحولك وقوتك واغنني يا رب برزق منك واسع بحلالك عن حرامك وارزقني العفة
في بطني وفرجي وفرّج عنّي كل همّ وغمّ ولا تشمت بي عدوّي ووفّقني لليلة القدر على افضل
ما رآها احد ووفقني لما وفقت له محمدا وآل محمد عليه وعليهم السلام وافعل بي كذا وكذا الليلة
الليلة الساعة الساعة تا نفس تنگ شود مؤلف گويد كه بجاى وافعل بي كذا وكذا حوائج خود را طلب كند
وكلمه الساعة را مكرر بگويد تا نفس تنگ شود ومحتمل است كه كلمه الليلة والساعة هر يك را
مكرر بگويد تا نفس تنگ شود واحوط اظهر است مفتتح ايضا سيد در كتاب مذكور اين دعا
را براى اين شب نقل نموده است اللهم امدد لي في عمري واوسع لي في رزقي واصح جسمي وبلغني
املي وان كنت من الاشقياء فامحني من الاشقياء واكتبني من السعداء فانك قلت في كتابك
المنزل على نبيك صلواتك عليه وآله يمحو الله ما يشاء ويثبت وعنده ام الكتاب وهم ايضا
سيد طاب ثراه در كتاب مذكور اين دعا را براى اين شب نقل نموده است اللهم اياك تعمّدت

اللیلة بحاجتی وبك انزلت فقری ومسکنتی تسعنی اللیلة رحمتك وعفوك فانا
لرحمتك ارجی منی لعملی ورحمتك ومغفرتك اوسع من ذنوبی واقض لی کل حاجة هی لی
بقدرتك علی ذلك وتیسیره علیك فانی لم اصب خیرا الا منك ولم یصرف عنی احد سوءا
قط غیرك ولیس لی رجاء لدینی ودنیای ولا لاخرتی ولا لیوم فقری یوم ادلی فی حفرتی
وتفردنی الناس بعملی غیرك یا رب یازدهم ایضا سید در کتاب مذکور این دعا را برای این
شب نقل نموده است اللهم اجعلنی من اوفر عبادك نصیبا من کل خیر انزلته فی هذه اللیلة
وانت منزله من نور تهدی به او رحمة تنشرها او رزق تقسمه او بلاء تدفعه او ضر
تکشفه واکتب لی ما کتبت لاولیائك الصالحین الذین استوجبوا منك الثواب وامنوا
برضاك عنهم منك العذاب العقاب یا کریم یا کریم صل علی محمد وال محمد وافعل بی ذلك
برحمتك یا ارحم الراحمین دوازدهم ایضا سید در کتاب مذکور این دعا را برای این شب
نقل نموده است اسالك مسالة المسکین المستکین وابتهل الیك ابتهال المذنب الباکی
الذلیل مسالة من خشعت لك ناصیته واعترف بخطیئته ففاضت لك عبرته وهملت لك
دموعه وضلت حیلته وانقطعت حجته ان تعطینی فی لیلتی هذه مغفرة ما مضی من
ذنوبی وتعصمنی فیما بقی من عمری وان ترزقنی الحج والعمرة فی عامی هذا وتجعلها حجة
مبرورة خالصة لوجهك ذا [illegible] ابدا ما ابقیتنی ولا تخلفنی عن زیارتك وزیارة
قبر نبیك محمد صلواتك علیه واله الهی واسالك ان تکفینی مؤنة خلقك من الجن والا
نس والعرب والعجم ومن کل دابة انت اخذ بناصیتها انك علی صراط مستقیم اللهم
اجعل لی فیما تقضی وتقدر من الامر المحتوم وفیما تفرق من الامر الحکیم فی هذه اللیلة فی
القضاء الذی لا یرد ولا یبدل ان تکتبنی من حجاج بیتك الحرام فی عامی هذا المبرور
حجهم المشکور سعیهم المغفور ذنوبهم المکفر عنهم سیئاتهم وان تطیل عمری وتوسع
لی فی رزقی وتؤدی عنی امانتی ودینی انك علی کل شیء قدیر وبکل شیء محیط سیزدهم ایضا
سید در کتاب مذکور این دعا را برای این شب ذکر نموده است اللهم انی اسالك سؤال
المسکین وابتغی الیك ابتغاء البائس الفقیر واتضرع الیك تضرع الضعیف

الضریر

الضریر وابتهل الیك ابتهال المذنب الذلیل واسالك مسالة من خضع لك نفسه ورغم
لك انفه وعفر لك وجهه وخضعت لك ناصیته واعترف بخطیئته وفاضت لك عبرته
وانهملت لك دموعه وضلت عنه حیلته وانقطعت عنه حجته بحق محمد وال محمد علیك
وبحقك العظیم ان تصلی علیهم کما انت اهله ان تصلی علی نبیك وال نبیك وان تعطینی افضل
ما اعطیت السائلین من عبادك الماضین من المؤمنین وافضل ما تعطی الباقین من المؤمنین
وافضل ما تعطیه من اولیائك الی یوم الدین ممن جعلت له خیر الدنیا وخیر الاخرة یا کریم
یا کریم یا کریم واعطنی فی مجلسی هذا مغفرة ما مضی من ذنوبی واعصمنی فیما بقی من عمری
وارزقنی الحج والعمرة فی عامی هذا متقبلا مبرورا خالصا لوجهك یا کریم وارزقنیه ابدا
ما ابقیتنی یا کریم یا کریم واکفنی مؤنة نفسی واکفنی مؤنة عیالی واکفنی مؤنة خلقك
واکفنی شر فسقة العرب والعجم واکفنی شر فسقة الجن والانس واکفنی شر کل دابة انت
اخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم چهاردهم ایضا در کتاب مذکور نقل نموده که ابن ابی قره رضی
الله عنه در کتاب عمل شهر رمضان بسند خود از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که ان
حضرت بعمرو بن یزید فرموده که این دعا را از جمله دعاهاست در آن شب اللهم اجعل فیما تقضی وفیما تقدر
من الامر المحتوم فی لیلة القدر من القضاء الذی لا یرد ولا یبدل ان تکتبنی من حجاج بیتك
الحرام فی عامی هذا المبرور حجهم المشکور سعیهم المغفور ذنوبهم المکفر عنهم سیئاتهم واجعل
فیما تقضی وفیما تقدر ان تطیل عمری وتوسع لی فی رزقی مولف کتاب گوید که این دعا در هر شب از شبها
این ماه ودر خصوص شب نوزدهم نیز بسندهای دیگر وارد شده و سابق مذکور شد ولیکن
فی الجمله اختلافی در عبارات هر یك از روایات هست پس بهتر است که در این شب بهر دو
طریق خوانده میشود روز بیست و نهم این روز در فضیلت مانند ان شب است و اعمال ان
چند چیز است اول سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال این دعا را برای این روز نقل نموده است
سبحان الذی ینشئ السحاب الثقال ویسبح الرعد بحمده والملائکة من خیفته ویرسل
الصواعق فیصیب بها من یشاء ویرسل الریاح بشرا بین یدی رحمته وینزل الماء من السماء
بکلماته وینبت النبات بقدرته ویسقط الورق باذنه سبحان الله باری النسم سبحان

الله المصور سبحان الله خالق الازواج کلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان
الله فالق الحب والنوی سبحان الله خالق کل شیء سبحان الله خالق ما یری وما لا یری
سبحان الله مداد کلماته سبحان الله رب العالمین سه نوبت **دعا پنجم** سید ابن باقی حشره
الله مع موالیه الاطهار در کتاب اختیار این دعا را برای این شب نقل نموده اللهم انی
اسالک یا من جعل اللیل لباسا والنوم سباتا وجعل النهار نشورا یا من ارسل الریاح
بشرا بین یدی رحمته وانزل من السماء ماء طهورا یا من جعل فی السماء بروجا وجعل فیها
سراجا وقمرا منیرا یا من مرج البحرین وجعل بینهما برزخا وحجرا محجورا یا من جعل اللیل و
النهار خلفة لمن اراد ان یذکر او اراد شکورا یا من اوحی الی موسی ان اضرب بعصاک
البحر فانفلق فکان کل فرق کالطود العظیم یا من جعل الارض قرارا وجعل خلالها انهارا
وجعل لها رواسی وجعل بین البحرین حاجزا یا من یجیب المضطر اذا دعاه ویکشف السوء
اسالک یا الله بما ناجیتک به فی یومی هذا ان تصلی علی محمد وآله الطاهرین واجعل لی من امری
فرجا ومخرجا ومن امری یسرا ومن همی فرجا وارزقنی من حیث احتسب ومن حیث لا احتسب
فانک تاتی بالیسر بعد العسر وبالرخاء بعد الشدة وبالعافیة بعد البلاء وبالرحمة
بعد القنوط وبالغنی بعد الفقر اسالک یا رب حبک وحب من احبک واحب عملا
تقرب الی حبک برحمتک یا ارحم الراحمین انک علی کل شیء قدیر وصلی الله علی
سیدنا محمد وآله الطاهرین **ششم** صاحب کتاب ذخیره از ابن عباس روایت کرده است که
رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود که هر که در این روز این دعا را بخواند بر وی عمل ط
نگذرد مانند برگی جمعند با پیغمبران وشهیدان وصالحان ودعا این است اللهم اغسلنی
فیه من الذنوب وطهرنی فیه من العیوب وامتحن فیه قلبی بتقوی القلوب یا مقیل
عثرات المذنبین **شب بیست وچهارم** واعمال آن چند چیز است **اول** غسل وغسل اگر چه از جمله
اعمال مشترکه لیالی عشر اخر است لیکن در این شب بخصوص مؤکد است چنانچه سید ابن طاوس
طاب ثراه در کتاب اقبال بسند خود از حضرت صادق صلوات الله علیه روایت نموده است که
آنحضرت بعبد الرحمن بن ابی عبد الله فرمود که در شب بیست وچهارم ماه رمضان غسل
کن

کن چه میشود که تو درد وشب غسل کرده باشی **مؤلف گوید** که دو شب در کلام حضرت علیه السلام ظاهرا
اشاره بشب بیست وسیم وبیست وچهارم است **دوم** بسند شیخ شهید قدس الله روحه در کتاب
اربعین از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت کرده است که هر که در این شب هشت رکعت
نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از حمد هر سوره که میسر شود مانند کسی باشد
که حج وعمره کرده باشد **سیم** سید ابن طاوس قدس الله سره در کتاب اقبال از کتاب شیخی که ادعیه
بعضی از شبها از آن ساقط شده این دعا را برای این شب نقل نموده الحمد لله شفعا ووترا
الشفع والوتر من هذه اللیالی المبارکات وعلی ما منحنی واعطانی فیهن من الخیرات ونصدق
به علی ووهبه لی من الباقیات الصالحات التی ضمنتنی لیاجرنی وفطرنی علی ما رزقنی
فکل من عنده وبمشیته وحسن اختیاره ونظره بعبده سبحانه بیدی سبلا اخذ بیدی
من الورطات ومحص عنی الخطیئات وکفانی المهمات واغنانی عن المخلوقین ولم
یجعل رزقی الی المرزوقین وشهر ذکری فی العالمین واجعل اسمی فی المذکورین ولم ینفنی
بعجب یحطنی عن درجات رفیعة فیهوی بی الی ظلم غضبی ونقمته ولا بلانی باستعمال
ینزع عنی ملابس رحمته ویعوضنی لبوس الذل من سخطه اياه اشکر وله اعبد ومنه
ارجو لتمام المزید ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وصلی الله علی محمد النبی وآله وسلم
تسلیما **چهارم ایضا** سید در کتاب مذکور ذکر نموده که ابن ابی قره رضی الله عنه در کتاب عمل شهر
رمضان بسند خود از عمر بن یزید روایت نموده است که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
علیه وآله باو فرمود که در این شب این دعا را بخوان یا فالق الاصباح یا جاعل اللیل سکنا والشمس
والقمر حسبانا یا عزیز یا علیم یا ذا المن والطول والقوة والحول والفضل والانعام والاکرام
یا الله یا رحمن یا الله یا فرد یا الله یا وتر یا الله یا ظاهر یا الله یا باطن یا الله یا حی لا اله الا
انت یا الله یا الله یا الله یا الله یا الله یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی والامثال العلیا والکبریاء
والالاء والنعماء اسالک باسمک بسم الله الرحمن الرحیم ان کنت قضیت فی
هذه اللیلة تنزل الملائکة والروح من کل امر حکیم فصل علی محمد وآل محمد واجعل اسمی
فی السعداء وروحی مع الشهداء واحسانی فی علیین واسائتی مغفورة وان تهب لی یقینا

ونعتنص من الخطیئات

لا الی ف ٥٤

اللیل و

وصل علی و

برحمتک یا ارحم الراحمین

تباشر به قلبي وايمانا يذهب بالشك عني وترضيني بما قسمت لي وآتني في الدنيا حسنة
وفي الآخرة حسنة وقني عذاب النار وارزقني يا رب فيهما ذكرك وشكرك والرغبة
والانابة اليك والتوبة والتوفيق لما وفقت له شيعة آل محمد يا ارحم الراحمين ولا
تفتني بطلب ما زويت عني بحولك وقوتك واغنني يا رب برزق منك واسع
بحلالك عن حرامك وارزقني العفة في بطني وفرجي وفرج عني كل هم وغم ولا تشمت
بي عدوي ووفق لي ليلة القدر على افضل ما رآها احد ووفقني لما وفقت له محمدا وآل
محمد عليه وعليهم سلامك وافعل بي كذا وكذا الساعة الساعة تا نفس منك شود بجاى
وافعل بي كذا وكذا حوائج خود را طلبد كس سيد طاب ثراه كه اين زيادتي بغير روايات و اين دعا
را ذكر نموده است اللهم اني اسألك يا سيدي سؤال المسكين فقير اليك خائف مستجير اسألك
يا سيدي ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجيرني من خزي الدنيا ومن عذاب الآخرة وتضاعف
لي في هذه الليلة وفي هذا الشهر العظيم عملي وترحم مسكنتي وتجاوز عنا الحسنة على دخي
من خلقك وسترته على منا منك وتسلمني من شينه وفضيحته وعاده في عاجل الدنيا
فلك الحمد ذلك وعلى كل حال واسألك يا رب ان تصلي على محمد وآل محمد وتتم على ستر ذلك
في الآخرة وتسلمني من فضيحته وعاده بمنك واحسانك يا ارحم الراحمين مؤلف گويدكه
نظير اين با اندك تفاوتي از دعا در لياليى سابقه مذكور شد **بيست و پنجم** سيد در كتاب مذكور و ابن باقي
در كتاب اختيار از حضرت رسالت صلى الله عليه وآله اين دعا را براى اين شب نقل نموده است
اللهم انت امرت بالدعاء وضمنت الاجابة فدعوناك ونحن عبادك وبنوا امائك نواصينا
بيدك وانت ربنا ونحن عبادك ولم يسأل العباد مثلك وترغب اليك ولم يرغب
الخلائق الى مثلك يا موضع شكوى السائلين ومنتهى حاجة الراغبين ويا ذا الجبروت و
الملكوت ويا ذا السلطان والعز يا حي يا قيوم يا باق يا رحيم يا حنان يا منان يا بديع
السموات والارض يا ذا الجلال والاكرام يا ذا النعم والطول الذي لا يرام صل على محمد و
على آله واغفر لي انك انت الغفور الرحيم **دوم بيست و چهارم** واعمال آن چند چيز است
اول سيد ابن طاوس قدس الله روحه در كتاب اقبال اين دعا را براى اين روز نقل نموده است

سبحان

سبحان الذي يعلم ما تحمل كل انثى وما تغيض الارحام وما تزداد وكل شيء عنده بمقدار عالم
الغيب والشهادة الكبير المتعال سواء منكم من اسر القول ومن جهر به ومن هو مستخف با
الليل وسارب بالنهار يميت الاحياء ويحيي الاموات ويعلم ما تنقص الارض منهم ويقر
في الارحام ما يشاء الى اجل مسمى سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله
خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان
الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله
رب العالمين **دوم** سيد ابن باقي حشرهما الله مع الابرار در كتاب اختيار اين دعا را براى اين روز
نقل نموده است اللهم اني اسألك يا من له الحمد في الاولى والآخرة وله الحكم واليه يرجع الامر
كله يا من هو اعلم بما في الصدور من العالمين يا من يبدء الخلق ثم يعيده وهو اهون عليه وله
المثل الاعلى في السموات والارض وهو العزيز الحكيم يا من احسن كل شيء خلقه وبدء خلق
الانسان من طين يا من هو الحق ويهدي السبيل يا من رد الذين كفروا بغيظهم لم ينالوا خيرا
وكفى الله المؤمنين القتال وكان الله قويا عزيزا يا من يعلم ما في الارض وما يخرج منها
وما ينزل من السماء وما يعرج فيها وهو الغفور الرحيم اسألك ما اوجبت على نفسك لمن
سألك وباسمائك كلها وما تحب ان تسأل به في يومي هذا ان تثبتني حتى لا ازل وان تهديني
حتى لا اضل وان تمنعني ان اجهل او يجهل علي ان اشايع في سفك دم ولا تقويني على ظلم
احد ولا تجعلني من القوم الظالمين ولا تجعلني اوالي لك عدوا واعادي لك وليا او ارضى
لك بسخط او اسخط لك برضى او اقضي لك طالبا او اجيب داعيا الى ظلالة او اكذب
داعيا الى حق والجحد بآياتك او يحل بي سخطك او اتبع هواي بغير هدى منك او اقول للذين
كفروا اهواءكم اهدى من الذين آمنوا سبيلا واسألك يا رب ان تصلي على محمد وآل محمد
الاخيار وتحرم جسدي على النار وتجعلني يا رب من الابرار انك رؤف رحيم برحمتك
يا ارحم الراحمين انك على كل شيء قدير وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين **سوم**
صاحب كتاب ذخيره از ابن عباس روايت كرده است كه رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود كه هركه
روز بيست و چهارم ماه رمضان را روزه بدارد و اين دعا را بخواند حق تعالى با و عطا فرمايد بعدد

وآله واهل بيته

هر موئی که در سر و جسد او هست هزار خادم و هزار غلام که انها مانند یاقوت و مرجان
باشند و دعا اینست اللهم انی اسئلک فیه ما یرضیک واعوذ بک فیه مما یؤذیک واسئلک
التوفیق فیه لان اطیعک ولا اعصیک یا عالما یا جواد السائلین شب بیست و پنجم و اعمال
ان چند چیز است اول غسل در این شب سنت مؤکد است چنانچه سید بن طاوس طاب ثراه در کتاب
اقبال از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که انحضرت فرمود که پدرم صلوات
الله علیه غسل میکرد در شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم و بیست و پنجم دویم شیخ شهید
قدس الله روحه در کتاب اربعین از رسول خدا صلی الله علیه و اله روایت نموده است که هر که
در این شب هشت رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی بعد از حمد سوره قل هو الله
احد ده نوبت حق تعالی ثواب عبادت کنندگان را بنویسد سیم ایضا سید طاب ثراه در کتاب
مذکور از کتاب عمل شهر رمضان ابن ابی قره رحمه الله نقل نموده است که او بسند خود از عمر بن یزید
روایت نموده است که حضرت صادق علیه السلام با او فرمود که در شب پنجم از شبهای عشر اخر
ماه مبارک رمضان این دعا را بخوان یا جاعل اللیل لباسا والنهار معاشا والارض مهادا
والجبال اوتادا یا الله یا قاهر یا الله یا جبار یا الله یا سمیع یا الله یا قریب یا الله یا مجیب یا الله یا الله یا الله
یا الله یا الله یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی والامثال العلیا والکبریاء والالاء والنعماء
اسئلک باسمک بسم الله الرحمن الرحیم ان کنت قضیت فی هذه اللیلة تنزل
الملائکة والروح من کل امر حکیم ان تصلی علی محمد وال محمد وان تجعل اسمی فی السعداء
وروحی مع الشهداء واحسانی فی علیین واسائتی مغفورة وان تهب لی یقینا تباشر به
قلبی وایمانا یذهب بالشک عنی وترضینی بما قسمت لی واتنی فی الدنیا حسنة وفی الاخرة
حسنة وقنی عذاب النار وارزقنی یا رب فیها ذکرک وشکرک والرغبة والانابة الیک
والتوبة والتوفیق لما وفقت له شیعة ال محمد یا ارحم الراحمین ولا تفتنی بطلب ما زویت عنی
بحولک وقوتک واغننی یا رب برزق منک واسع بحلالک عن حرامک وارزقنی العفة
فی بطنی وفرجی وفرج عنی کل هم وغم ولا تشمت بی عدوی ووفق لی لیلة القدر علی
افضل ما رآها احد ووفقنی لما وفقت له محمدا وال محمد علیهم السلام وافعل بی کذا وکذا
الساعة

یا عالما فی صدور العالمین یا مجیب دعوات السائلین برحمتک یا ارحم الراحمین

لما وفقت

الساعة الساعة تا نفس تنگ شود بعوض وافعل بی کذا وکذا حوائج خود را طلب نماید سید
رحمه الله گفته که ابن زیاد در بعضی روایات این دعا را نقل نموده است اسئلک ان تکمل لی الثواب
بافضل ما ارجو من رحمتک وتصرف عنی کل سوء فانی لا استطیع دفع ما احاذر الا بک
فقد امسیت مرتهنا بعملی وامسی الامر والقضاء فی یدیک فلا فقیر افقر منی فصل علی
محمد وال محمد واغفر لی ظلمی وجرمی وجهلی وجدی وهزلی وکل ذنب ارتکبته وبلغنی
رزقی بغیر مشقة منی ولا تهلک روحی وجسدی فی طلب ما لم تقدر لی یا ارحم الراحمین
مؤلف گوید که شیخ ابن بابویه در لیالی سابقه مذکور شد چهارم ایضا سید در کتاب مذکور
وابن باقی در کتاب اختیار از رسول خدا صلی الله علیه و اله این دعا را برای این شب روایت
کرده اند تبارک الله احسن الخالقین خالق الخلق ومنشئ السحاب وامر الرعد ان
یسبح له تبارک الذی بیده الملک وهو علی کل شیء قدیر الذی خلق الموت والحیوة لیبلوکم
ایکم احسن عملا تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیکون للعالمین نذیرا تبارک الذی
ان شاء جعل لک خیرا من ذلک جنات تجری من تحتها الانهار ویجعل لک قصورا تبارک
الله احسن الخالقین روز بیست و پنجم و اعمال ان چند چیز است اول سید ابن طاوس طاب
ثراه در کتاب اقبال این دعا را برای این روز نقل نموده است سبحان الذی یعلم من فی السموات
ومن فی الارض ما یکون من نجوی ثلثة الا هو رابعهم ولا خمسة الا هو سادسهم ولا ادنی
من ذلک ولا اکثر الا هو معهم این ما کانوا ثم ینبئهم بما عملوا یوم القیمة ان الله بکل شیء
علیم سبحان الله باری النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج کلها سبحان
الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوی سبحان الله خالق کل شیء سبحان
الله خالق ما یری وما لا یری سبحان الله مداد کلماته سبحان الله رب العالمین دویم
سید ابن باقی حشره الله مع الصالحین الاخیار این دعا را در کتاب اختیار برای این روز
نقل نموده است اللهم انی اسئلک یا من سخر لداود الجبال والان له الحدید یا من
یمسک السموات ان تقع علی الارض الا باذنه یا من یمسک السموات والارض ان تزولا
یا محیی الموتی ونکتب ما قدموا واثارهم وکل شیء احصیناه فی امام مبین یا من خلق

الازواج کلها مما تنبت الارض ومن انفسهم ومما لا یعلمون یا من یحیی العظام وهی رمیم
یا من منّ علی موسی وهرون ونجاهما من الکرب العظیم یا من سبقت کلمته لعبادنا المرسلین
والمؤمنین یا من آتی داود الحکمة وفصل الخطاب یا من سخر لسلیمان الریح تجری بامره
رخاءً حیث اصاب یا غافر الذنب وقابل التوب شدید العقاب یا ذا الطول لا اله الا انت الیه
المصیر یا من یعلم خائنة الاعین وما تخفی الصدور اللهم انی اسألک بما ناجیتک
به فی یومی هذا رجاء عفوک ان تعفو عنی وتفتح لی ابواب الخیر کلها بکرمک والرحمة والمغفرة
بجودک وان توفقنی الی احب الاعمال الیک وان ترشدنی الی ما یزلفنی عندک ویکسبنی
رضاک وان تسددنی الی طیب القول عندک وان تحشرنی یوم القیمة مع خیر خلقک و
تجعل محمداً واهل بیته الطاهرین شفعائی وتجعلنی من حزبهم وموالیهم وترزقنی خیر
الدارین وتصرف عنی شر نفسی وسائر ما نکره من احد من خلقک انک علی کل شیء قدیر
برحمتک یا ارحم الراحمین وصلی الله علی سیدنا محمد وآله الطاهرین سیم صاحب کتاب
نخبه از ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود که هر که در این
روز دو دفعه بدارد و این دعا را بخواند حق تعالی بنا کند برای او در سایه عرش خود صد براج
و بر هر برجی خیمه باشد و با او میگوید که ای بنده من ساکن در زیر عرش من و بخور و بیاشام
بسبب اعمالی که کرده در ایام گذشته و دعا اینست اللهم اجعل سعیی فیه مشکوراً وذنبی
بعفوک فیه مغفوراً وعیبی بجودک فیه مستوراً یا سامع اصوات المبتهلین شب بیست
وششم واعمال آن چند چیز است اول غسل چنانچه گفت که در هر شب از شبهای دهه
آخر ماه غسل مستحب است دوم شیخ شهید قدس الله روحه در کتاب اربعین از ر
سول خدا صلی الله علیه وآله روایت نموده است که هر که در این شب هشت رکعت نماز
بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعتی بعد از حمد سوره قل هو الله احد را صد نوبت
بخواند آسمانهای هفتگانه برای او مفتوح شود با آنچه برای او هست نزد حق تعالی از دنیا
دنیاهای ثواب سیم سید ابن طاوس روح الله روحه در کتاب اقبال از عمل شهر رمضان ابن
ابی قره رضی الله عنه نقل نموده که او بسند خود از عمر بن یزید روایت کرده که حضرت امام جعفر

عملی فیه مقبولاً یا اسمع السامعین یا مجیب دعوة المبتهلین برحمتک یا ارحم الراحمین

صادق

صادق علیه السلام با او فرمود که در شب ششم از شبهای عشر آخر ماه مبارک رمضان این
دعا را بخوان یا جاعل اللیل والنهار آیتین یا من محی آیة اللیل وجعل آیة النهار مبصرة
لتبتغوا فضلاً منه ورضواناً یا مفصل کل شیء تفصیلاً یا الله یا واحد یا الله یا وهاب یا
الله یا جواد یا الله یا الله یا الله یا الله یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی والامثال
العلیا والکبریاء والآلاء والنعماء اسألک باسمک بسم الله الرحمن الرحیم
ان کنت قضیت فی هذه اللیلة تنزل الملائکة والروح من کل امر حکیم فصل علی محمد وآله
واجعل اسمی فی السعداء وروحی مع الشهداء واحسانی فی علیین واسائتی مغفورة
وان تهب لی یقیناً تباشر به قلبی وایماناً یذهب بالشک عنی وترضینی بما قسمت لی وآتنی
فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنی عذاب النار وارزقنی یا رب فیها ذکرک
وشکرک والرغبة والانابة الیک والتوبة والتوفیق لما وفقت له محمداً وآل محمد
علیه وعلیهم السلام وافعل بی کذا وکذا الساعة الساعة تا نفس تنگ شود و بجای وافعل
بی کذا وکذا حاجت خود را طلب کن پس سید گفته که این دعا زیاده است و ابن دعا را نقل نموده است
اللهم انک عیرت اقواماً علی لسان نبیک صلی الله علیه وآله فقلت ادعوا الذین زعمتم
من دونه لا یملکون کشف الضر عنکم ولا تحویلاً فیا من لا یملک کشف الضر عنهم ولا تحویلاً (عنکم)
غیره صل علی محمد وآل محمد واکشف ما بی من مرض وحوله عنی وانقلنی فی هذا الشهر العظیم
من ذل المعاصی الی عز طاعتک یا ارحم الراحمین مؤلف گوید که نظر این با توجیه آن سابقاً
مذکور شد چهارم ایضاً سید در کتاب مذکور و ابن باقی در کتاب اختیار از رسول خدا
این دعا را برای این شب روایت نموده اند ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا من لدنک
رحمة انک انت الوهاب ربنا اننا سمعنا منادیاً ینادی للایمان ان آمنوا بربکم
فآمنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وکفر عنا سیئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا وآتنا ما وعدتنا
علی رسلک ولا تخزنا یوم القیمة انک لا تخلف المیعاد ربنا لا تؤاخذنا ان نسینا او اخطأنا
ربنا ولا تحمل علینا اصراً کما حملته علی الذین من قبلنا ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف
عنا واغفر لنا وارحمنا انت مولانا فانصرنا علی القوم الکافرین روز بیست وششم واعمال

از چند چیز است اول سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال این دعا را برای این روز ذکر نموده
سبحان الله مالک الملک تؤتي الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من تشاء و
تذل من تشاء بيدك الخير انك على كل شيء قدير تولج الليل في النهار وتولج النهار في الليل
وتخرج الحي من الميت وتخرج الميت من الحي وترزق من تشاء بغير حساب سبحان الله بارئ
النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات
والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما
يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين دوم سید ابن
باقی حشره الله مع الاولیاء الاخیار در کتاب اختیار این دعا را برای این روز نقل نموده است
اللهم اني اسألك يا من مضى سبع سماوات طباقا واوحى في كل سماء امرها يا من ينزل
الغيث من بعد ما قنطوا وينشر رحمته وهو الولي الحميد يا من يعلم سر عباده ونجواهم ور
سله لديهم يكتبون يا من له الكبرياء في السماوات والارض وهو العزيز الحكيم يا من يحيي
ويميت ربنا ورب آبائنا الاولين يا من اهلك القرى وصرف الآيات لعلهم يرجعون
يا من رضي عن المؤمنين اذ يبايعونك تحت الشجرة فعلم ما في قلوبهم فانزل السكينة يبايعون
عليهم واثابهم فتحا قريبا يا من ارسل رسوله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله
وكفى بالله شهيدا اسألك يا الهي بما مدحتك به ان تصلي على خيرتك من خلقك و
اهل بيته الاطهار الاخيار الابرار ومن آمن بهم وصدقهم وعمل بطاعتهم وان
تعطف علي ببركاتك وتوسع علي من رزقك وفضلك وتتم علي من نعمك وتهنئني
بكرامتك وتجعلني من الشاكرين لك فهواي اليك وحسبي وتوكلي عليك وذلي لك و
خضوعي بين يديك وحوائجي كلها اليك ومقضية عندك ولديك فلا ملجأ منك الا
اليك وان تتم احسانك الي بفكاك رقبتي من النار وان تحشرني مع اهل بيت نبيك
الاخيار الابرار انك على كل شيء قدير وهو عليك يسير وانا الى احسانك فقير وصلى
الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين سوم صاحب کتاب ذخیره از ابن عباس روایت کرده است
که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر که این روز را روزه بدارد و این دعا را بخواند در کار
عالمیان

عالمیان با او سخن گوید در روز قیامت و بگوید ای بنده من مترس و دلگیر مباش بدرستیکه تو را
امروز بیم و دعا این است اللهم اجعلني فيه محبا لاوليائك ومعاديا لاعدائك مستنا ومنهاجا
بسنة خاتم انبيائك يا عاصم قلوب النبيين شب بیست و هفتم و اعمال آن چند چیز است
اول غسل بخصوص این شب زیاده از آنکه در هر شب از شبهای عشر آخر وارد شده مؤکد است
چنانچه سید ابن طاوس قدس الله روحه در کتاب اقبال بسند خود از ابن ابی یعفور روایت کرده است
که گفت از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم از غسل در ماه مبارک رمضان
فرمود که غسل کن در شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و هفتم و بیست و نهم دوم ایضا
سید در کتاب مذکور بسند خود از زید بن علی بن الحسین علیه السلام روایت کرده است که شنیدم
از پدرم حضرت سید الساجدین صلوات الله علیه که در شب بیست و هفتم ماه رمضان از اول
شب تا آخر شب مکرر این کلمات را میفرمود اللهم ارزقني التجافي عن دار الغرور والانابة
الى دار الخلود والاستعداد للموت قبل حلول الفوت سوم شیخ شهید قدس الله نفسه در کتاب
اربعین از حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله الطاهرین روایت کرده است که هر که در این شب
چهار رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعتی بعد از حمد سوره تبارک الذی بیده
الملک را یکمرتبه بخواند و اگر این سوره را در حفظ نداشته باشد سوره قل هو الله احد را بیست و
پنج مرتبه بخواند حق تعالی او را و پدر و مادر او را بیامرزد چهارم سید ابن طاوس طاب ثراه در
کتاب اقبال از کتاب عتیق بعضی از اصحاب این دعا را برای این شب نقل نموده است الحمد لله الذي
خلق بدايعه بقدرته وملك الامور بعزته وعدل فلا يجور وانصف فلا يحيف وكيف يجور
ويحيف على من سماه بالضعف وقرعه بالفقر ونبهه على الغناء الاكبر من رضوانه ودعا
الى الحظ الاوفر من غفرانه واسرع له الى ذلك السبيل وامره ان يلجها بصالح العمل لم ينههم
بالشقوة من امر بالرحمة وبالجور على العبد بل اوجب العقاب على فاسقهم والثواب لمن
نهاهم من هو اشفق عليهم من ام الفروخ على فرخها تعالى الله عما يقول الظالمون علوا
كبيرا سبحان من صومني من الطعام والشراب ومن فرقه مما يوبطني في اليم العذاب فخلصني
من العقاب بصيام واجب لي الثواب بصيام له الحمد لله على ان هداني ووفقني وكفاني

كما ينبغي لجودك الكريم يا ارحم الراحمين صلى الله على محمد وعلى اهل بيته الطيبين الطاهرين
وسلم تسليما كثيرا پنجم ايضا سيد در كتاب مذكور از كتاب عمل شهر رمضان ابن ابي قره رضي
الله عنه نقل نموده كه او بسند خود از عمر بن يزيد روايت نموده است كه حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله وسلامه عليه باو فرمود كه در شب هفتم از شبهاى عشر آخر ماه مبارك رمضان
اين دعا را بخوان يا ماد الظل ولو شئت جعلته ساكنا ثم جعلت الشمس عليه دليلا ثم
قبضته يسيرا يا ذا الجود والطول والكبرياء والآلاء لا اله الا انت عالم الغيب والشهادة
يا رحمن يا رحيم يا لا اله الا انت يا ملك يا قدوس يا سلام يا مؤمن يا مهيمن يا عزيز يا جبار
يا متكبر يا خالق يا بارئ يا مصور يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله لك الا
سماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والآلاء والنعماء اسالك باسمك بسم
الله الرحمن الرحيم ان كنت قضيت في هذه الليلة تنزل الملائكة والروح من كل امر حكيم
فصل على محمد وآله واجعل اسمي في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين
واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب بالشك عني وترضيني
بما قسمت لي وآتني في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقني عذاب النار وارزقني يا رب
فيها ذكرك وشكرك والرغبة والانابة اليك والتوبة والتوفيق لما وفقت له شيعة
آل محمد يا ارحم الراحمين ولا تفتني بطلب ما زويت عني بحولك وقوتك واغنني يا رب
برزق منك واسع بحلالك عن حرامك وارزقني العفة في بطني وفرجي وفرج عني كل هم وغم ولا تشمت
بي عدوي ووفق لي ليلة القدر على افضل ما رآها احد ووفقني لما وفقت له محمدا وآل محمد عليه
وعليهم السلام وافعل بي كذا وكذا بجاى وافعل بي كذا وكذا حوائج خود را طلب نمايد پس بگويد الساعة
الساعة تا نفس تنگ شود گفته كه اين دعا زياد نيست و اين دعا را نقل نموده است اللهم اني
اسالك واقسم عليك بكل اسم هو لك سماك به احد من خلقك او استاثرت به في علم
الغيب عندك واسالك باسمك الاعظم الذي حق عليك ان تجيب من دعاك به ان تصلي
على محمد وتسعدني في هذه الليلة سعادة لا اشقى بعدها ابدا يا ارحم الراحمين مولف گويد كه
نظر اين با توجيه آن گذشت ششم ايضا سيد در كتاب مذكور و ابن باقي در كتاب اختيار اين

دعا را

دعا را از حضرت رسول صلى الله عليه وآله وسلم براى اين شب روايت نموده اند ربنا امنا فا
غفر لنا ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا وآتنا ما وعدتنا على رسلك
ولا تخزنا يوم القيمة انك لا تخلف الميعاد ربنا امتنا اثنتين واحييتنا اثنتين فاعترفنا
بذنوبنا فهل الى خروج من سبيل ربنا اصرف عنا عذاب جهنم ان عذابها كان غراما ربنا
هب لنا من ازواجنا وذرياتنا قرة اعين واجعلنا للمتقين اماما ربنا عليك توكلنا واليك انبنا
واليك المصير ربنا لا تجعلنا فتنة للذين كفروا ربنا اغفر لنا ولاخواننا الذين سبقونا با
لايمان ولا تجعل في قلوبنا غلا للذين امنوا ربنا انك رؤف رحيم دوزيست وهفتم واعمال
آن چند چيز است اول سيد ابن طاوس طاب ثراه در كتاب اقبال اين دعا را براى اين روز نقل نموده
سبحان الذي بيده مفاتح الغيب لا يعلمها الا هو ويعلم ما في البر والبحر وما تسقط من ورقة
الا يعلمها ولا حبة في ظلمات الارض ولا رطب ولا يابس الا في كتاب مبين سبحان الله بارئ
النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات و
النور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى
وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سموت دوم ابن باقي
حشره الله في زمرة الاخيار در كتاب اختيار اين دعا را براى اين شب نقل نموده است اللهم
اني اسالك يا من خلق الزوجين الذكر والانثى من نطفة اذا تمنى يا من اهلك عادا الاولى
وثمود فما ابقى وقوم نوح من قبل انهم كانوا هم اظلم واطغى يا من فتح ابواب السماء بماء
منهمر وفجر الارض عيونا فالتقى الماء على امر قد قدر يا من يسر القرآن للذكر فهل من
مدكر يا من نجى آل لوط بسحر نعمة من عندنا يا من خلق كل شيء بقدر يا من اخذ الفرعون
اخذ عزيز مقتدر يا من رفع السماء ووضع الميزان يا من وضع الارض للانام يا من يسبح له
ما في السموات والارض وهو العزيز الحكيم يا من هو الاول والآخر والظاهر والباطن بكل
شيء عليم اللهم اني اسالك بما ناجيتك به من مدحتك في يومي هذا ان تصلي على محمد
وعترته الطاهرين وان تفك رقبتي من النار يا من اياديه ونعمه لا تحصى بعدد ولا
تكافئ بعمل والحمد لله الذي خلقني ولم اك شيئا مذكورا وفضلني على كثير ممن خلق تفضيلا

والحمد لله الذي رزقني ولم املك شيئا وفضلني على كثير ممن خلق في الرزق والحمد لله واستغفر
الله من كل ذنب واسئله في يومي هذا وساعتي هذه وتملني ان يكرم علي بالعفو من عذابه
والانقاذ من عقابه والقبول لما فرض علي وان يرزقني خير الدنيا والاخرة والامن والعافية
والغنى والمغفرة انك على كل شيء قدير وصلى الله على سيدنا محمد واله الطاهرين سيم صاحب
كتاب ذخيره از ابن عباس روايت كرده است كه رسول خدا صلى الله عليه واله فرمود كه هر كه اين
نماز را روزه نماز كه واين دعا را بخواند پس گويا الطعام نموده است هر كسى تشنه را و سيراب نموده است
هر تشنه را در دنيا و كرامى نموده باشد هر مرد مومن و زن مومنه را دعا اين است اللهم
ترزقني فيه فضل ليلة القدر وصير اموري فيه من العسر الى اليسر واقبل معاذيري وحط
عني الوزر يا رؤفا بعباده الصالحين شب بيست وهشتم و اعمال ان چند چيز است اول غسل
چنانچه گذشت كه در هر شب از شبهاى دهه اخر ماه غسل مستحب است دويم شيخ شهيد قدس الله
روحه در كتاب اربعين از حضرت رسالت صلى الله عليه واله روايت نموده است كه هر كه در اين
شب شش ركعت نماز بكند هر دو ركعت بيك سلام و در هر ركعتى بعد از حمد ده مرتبه اية الكرسي
و ده مرتبه سوره انا اعطيناك الكوثر و ده مرتبه سوره قل هو الله احد را بخواند و چون سلام
دهد صد نوبت صلوات بر رسول خدا و ال او صلى الله عليهم اجمعين بفرستد حق تعالى او را بيامرزد
مولف گويد كه محتمل است كه صلوات بعد از هر دو ركعت باشد يا بعد از تمام شش ركعت سيم
سيد ابن طاوس طاب ثراه در كتاب اقبال از كتاب عمل شهر رمضان ابن ابى قره رضى الله عنه
نقل نموده كه او بسند خود از عمر بن يزيد روايت كرده است كه حضرت امام جعفر صادق صلوات
الله عليه با و فرمود كه در شب هشتم از شبهاى عشر اخر ماه رمضان اين دعا را بخوان يا خازن
الليل في الهواء يا خازن النور في السماء يا مانع السماء ان تقع على الارض الا باذنه
وحابسهما ان تزولا يا عليم يا عظيم يا غفور يا دائم يا الله يا وارث يا باعث من في القبور يا الله
يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء
والعظمة والالاء والنعماء اسالك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم ان كنت
قضيت في هذه الليلة تنزل الملائكة والروح فيها من كل امر حكيم فصل على محمد وال محمد

واجعل

وارزقنا عبادة الصالحين بعفوك يا ارحم الراحمين ...

واجعل اسمي في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي مغفورة و
ان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب بالشك عني وترضيني بما قسمت لي واتني
في الدنيا حسنة وفي الاخرة حسنة وقني عذاب النار وارزقني يا رب فيها ذكرك و
شكرك والرغبة والانابة اليك والتوبة والتوفيق لما وفقت له شيعة ال محمد يا ارحم
الراحمين ولا تفتني بطلب ما زويت عني بحولك وقوتك واغنني يا رب برزق
واسع بحلالك عن حرامك وارزقني العفة في بطني وفرجي وفرج عني كل هم وغم
ولا تشمت بي عدوي ووفقني لليلة القدر على افضل ما راها احد ووفقني لما وفقت
له محمدا وال محمد عليهم السلام وافعل بي كذا وكذا وحاجات خود را طلب نمايد
پس بگويد الساعة الساعة تا نفس منقطع شود پس سيد گفته كه اين دعا زياده است واين دعا
را ذكر نموده است اسئلك ان تصلي على محمد وال محمد وان تهب لي قلبا خاشعا ولسانا صادقا و
جسدا صابرا وتجعل ثواب ذلك الجنة يا ارحم الراحمين مولف گويد كه نظير اين با توجيه اين سابق
مذكور شد چهارم ايضا سيد در كتاب مذكور و ابن باقى در كتاب اختيار از ابن عباس از حضرت رسول
صلى الله عليه واله براى اين شب روايت نموده اند امنا بالله وكفرنا بالطاغوت امنا بمن
لا يموت امنا بمن خلق الشمس والقمر والنجوم والجبال والشجر والدواب وخلق الجن
والانس امنا بما انزل الينا وانزل اليكم والهنا والهكم واحد ونحن له مسلمون امنا برب
هرون وموسى امنا برب الملائكة والروح امنا بالله وحده لا شريك له امنا بمن انشا
السحاب وخلق العذاب والعقاب امنا امنا امنا امنا امنا امنا بالله دوم بيست و هشتم
و اعمال ان چند چيز است اول سيد ابن طاوس قدس الله روحه در كتاب اقبال اين دعا را براى اين روز
نقل نموده است سبحان الذي لا يحصي مدحته القائلون ولا يجزي بالائه الشاكرون العابدون
وهو كما قال وفوق ما نقول والله كما اثنى على نفسه ولا يحيطون بشيء من علمه الا بما شاء
وسع كرسيه السموات والارض ولا يؤده حفظهما وهو العلي العظيم سبحان الله بارئ
النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات
والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى

وما لا یری سبحان الله مداد کلماته سبحان الله رب العالمین سه نوبت دویم سید ابن باقی
رضی الله عنه در کتاب اختیار این دعا را برای این روز نقل نموده است اللهم انی اسالک یا من
کتب لاغلبن انا ورسلی ان الله قوی عزیز یا الله الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن
العزیز الجبار المتکبر الخالق البارئ المصور لک الاسماء الحسنی یسبح لک ما فی السموات
والارض وانت العزیز الحکیم یا من اید الذین آمنوا علی عدوهم فاصبحوا ظاهرین یا من بعث
فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته ویزکیهم ویعلمهم الکتاب والحکمة یا خیر
الوارثین یا من له الملک والحمد وهو علی کل شیء قدیر یا من خلق الموت والحیوة لیبلوکم
ایکم احسن عملا وهو العزیز الغفور اللهم انی اسالک بما ناجیتک به فی یومی هذا وشهری
هذا الذی عظمته وشرفته وکرمته ان تصلی علی محمد واهل بیته الطیبین الطاهرین الاخیار
من خلقک وان تقبلنی علی ما کان منی فقد تعلم حاجتی واعطنی سؤلی ورغبتی فانت عالم
بما فی نفسی فاغفر لی ذنوبی واقض لی سائر حوائجی واصلح لی شانی وارزقنی خیر الدنیا والآخرة
وفک رقبتی من النار وهب لی رضوانک والجنة فان ذلک علیک یسیر وانت علی کل شیء
قدیر وانا الیک فقیر وصلی الله علی سیدنا محمد وآله الطاهرین سیم صاحب کتاب ذخیره از ابن
عباس روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود که هر که این روز را روزه بدارد
و این دعا را بخواند حق تعالی او را ثواب واجری از ثواب عطا فرماید که از اکل دنیا لباس کند جمیع هزار رکعت
دنیا باشد و دعا این است اللهم وفر فیه حظی من النوافل واکرمنی فیه باحضار الاحکام
فی المسائل وقرب فیه وسیلتی الیک من بین الوسائل یا من لا یشغله الحاح الملحین ۲۰

الاعراض الاعراض
بعفوک یا ارحم
الراحمین

شب بیست وپنجم واعمال آن چند چیز است اول غسل بخصوص این شب زیاده از آنکه در هر شب
از شبهای عشر آخر وارد شده مؤکد است چنانچه روایت آن در شب بیست وهفتم مذکور شد
دویم شیخ شهید قدس الله روحه در کتاب اربعین از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت
نموده است که هر که در این شب ده رکعت نماز بکند در هر رکعتی بعد از حمد سوره قل هو الله احد
ده بیت نوبت بخواند از جمله مرحومان گردد وکتاب اعمال آن بعلیین بالا برده شود سیم
سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال از کتاب عمل شهر رمضان ابن ابی قره رضی الله عنه
نقل نموده

نقل نموده که ادعیه خود را بسند خود از عمر بن یزید روایت کرده است که حضرت صادق علیه السلام با و فرمود
که در رغبت نما از شبهای عشر آخر ماه رمضان این دعا را بخوان یا مکور اللیل علی النهار ومکور
النهار علی اللیل یا علیم یا عظیم یا عظیم یا رب الارباب وسید السادات لا اله الا انت یا من
هو اقرب الی من حبل الورید یا الله یا الله یا الله یا الله یا الله یا الله یا الله لک الاسماء
الحسنی والامثال العلیا والکبریاء والآلاء والنعماء اسالک باسمک بسم الله الرحمن الرحیم
ان کنت قضیت فی هذه اللیلة تنزل الملائکة والروح من کل امر حکیم فصل علی محمد وآله
واجعل اسمی فی السعداء وروحی مع الشهداء واحسانی فی علیین واسائتی مغفورة وان
تهب لی یقینا تباشر به قلبی وایمانا یذهب بالشک عنی وترضینی بما قسمت لی وآتنی
فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنی عذاب النار وارزقنی فیها ذکرک وشکرک و
الرغبة والانابة الیک والتوبة والتوفیق لما وفقت له شیعة آل محمد یا ارحم الراحمین
لا تفتنی بطلب ما زویت عنی بحولک وقوتک واغننی یا رب برزق منک واسع بحلالک
عن حرامک وارزقنی العفة فی بطنی وفرجی وفرج عنی کل هم وغم ولا تشمت بی عدوی
ووفق لی لیلة القدر علی افضل ما رآها احد ووفقنی لما وفقت له محمدا وآل محمد علیه
وعلیهم السلام وافعل بی کذا وکذا وبجای کذا وکذا حوائج خود را طلب کند پس بگوید الساعة
الساعة تا نفس تنگ شود مؤلف گوید که سید در اتمام زیادتی بعد روایت را نقل کرده
چهارم ایضا سید در کتاب مذکور وابن باقی در کتاب اختیار از حضرت رسول صلی الله علیه
وآله این دعا را برای این شب روایت کرده اند توکلت علی السید الذی لا یغلبه احد توکلت
علی الجبار الذی لا یقهره احد توکلت علی العزیز الرحیم الذی یرانی حین اقوم وتقلبی فی
الساجدین توکلت علی الحی الذی لا یموت توکلت علی من بیده نواصی العباد توکلت علی
الحلیم الذی لا یعجل توکلت علی العدل الذی لا یجور توکلت علی الصمد الذی لم یلد ولم یولد

ولم یکن له کفوا
احد

توکلت علی القادر القاهر العلی الصمد توکلت توکلت توکلت توکلت توکلت توکلت
توکلت توکلت توکلت روز بیست وپنجم واعمال آن چند چیز است اول سید ابن طاوس طاب ثراه
در کتاب اقبال این دعا را برای این روز نقل نموده است سبحان الله الذی یحکم ما یلج فی الارض

وما یخرج منها وما ینزل من السماء وما یعرج فیها ولا یشغله ما یلج فی الارض وما یخرج منها
وما یشغله ما یلج فی الارض وما یخرج منها عما ینزل من السماء وما یعرج فیها ولا یشغله علم
شیء عن علم شیء ولا یشغله خلق شیء عن خلق شیء ولا حفظ شیء عن حفظ شیء ولا یساویه
شیء ولا یعدله شیء لیس کمثله شیء وهو السمیع البصیر سبحان الله باریء النسم سبحان الله
المصور سبحان الله خالق الازواج کلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله
فالق الحب والنوی سبحان الله خالق کل شیء سبحان الله خالق ما یری وما لا یری سبحان الله
مداد کلماته سبحان الله رب العالمین سه نوبت دوم سید ابن باقی حشره الله مع الصدیقین
الاطهار در کتاب اختیار ابتدعا از برای این روز نقل نموده است اللهم انی اسألک یا من هو اعلم
بمن اهتدی واسالک یا من خلق سبع سموات طباقا وجعل القمر فیهن نورا وجعل الشمس
سراجا یا من لا یوجد من دونه ملتحدا یا من احاط بما لدیه واحصی کل شیء عددا یا اهل التقوی
یا اهل المغفرة یا من هو قادر علی ان یحیی الموتی یا من اعد للکافرین سلاسل واغلالا وسعیرا
یا مرسل المرسلات والعاصفات والناشرات والفارقات والملقیات ذکرا یا من خلق الارض
والفالقات
کفاتا احیاء وامواتا وجعل فیها رواسی شامخات واسقی عباده ماء فراتا اسئلک بانک
انت الله الاول والآخر والظاهر والباطن وانت بکل شیء علیم وبما سئلک به السائلون
من عبادک الصالحین ان ترزقنی فعل الخیرات والعمل الصالح واجتناب الفواحش وما لا ترضی
الصالحین وارزقنی
به یا من لا یعجزه شیء اراده ویا من لا یتعاظمه غفران الذنوب العظام یا من یقبل العاثرین
ویعفو عن المذنبین ویتکرم علی المحسنین ویفتح باب التوبة للخاطئین ارحمنی فانک ارحم
الراحمین واعتقنی فی یومی هذا من النار انک علی کل شیء قدیر وصلی الله علی سیدنا محمد النبی
وآله الطاهرین سیم صاحب کتاب ذخیره از ابن عباس روایت نموده است که رسول خدا صلی الله
علیه وآله فرمود که هر که این روز را روزه بدارد و این دعا را بخواند حق تعالی در بهشت هزار شهر
از طلا و نقره و زبرجد و مروارید باو عطا فرماید و دعا این است اللهم غشنی فیه من
الرحمة وارزقنی فیه التوفیق والعصمة وطهر قلبی من غیابات التهمة یا رحیما بعباده
المؤمنین شب سی ام این شب بسیار با برکت و فضیلت است سید ابن طاوس طاب ثراه
مغلبات
غیابات
المؤمنین برحمتک
یا ارحم
الراحمین
فرموده

در کتاب اقبال بسند خود از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که آنحضرت
فرمود که حضرت سید الساجدین صلوات الله علیه چون ماه رمضان داخل میشد نمیزد هیچ غلامی
و کنیزی را بجهت تقصیراتی که از ایشان ظاهر میشد و هر گناهی که میکردند در کتابی ثبت میفرمود
و مینوشت که فلان غلام یا فلان کنیز در فلان وقت چنین گناهی کرده تا چون شب آخر ماه مبارک
رمضان میشد همگی ایشان را می طلبید و بر دور خود ایشان را جمع میفرمود و آن کتاب را با ایشان
مینمود و بهر یک میفرمود که ای فلان تو فلان گناه را کردی و ترا تادیب ننمودم آیا بخاطر داری
پس او میگفت بلی یابن رسول الله صلی الله علیه وآله تا آنکه بهمگی این سخن را میفرمود و
ایشان اعتراف بگناهان خود مینمودند پس آنحضرت در میان ایشان می ایستاد و میفرمود که
صداها خود را بلند کنید و بگوئید که یا علی بن الحسین بدرستی که پروردگار تو احصا فرموده است
بر تو هر چه کرده چنانچه تو احصا کرده بر ما هر گناهی را که کرده ایم و نزد حق تعالی کتابی هست که ناطق است
بر تو هیچ صغیره و کبیره نیست که تو آنرا کرده باشی مگر آنکه حق تعالی آنرا احصا فرموده و حاضر
خواهی یافت هر چه را کرده نزد حق تعالی چنانچه ما حاضر یافتیم هر چه را کرده ایم نزد تو پس عفو
کن و درگذر چنانچه امید عفو داری از پادشاه عفو کننده و چنانچه میخواهی که خداوند مالك
از تو عفو فرماید پس از ما عفو کن تا بیابی او را عفو کننده از تو و رحم کننده بتو و آمرزنده
برای تو و پروردگار تو هیچکس را ظلم نمیکند چنانچه نزد تو کتابی هست ناطق بحق است
بر ما و هیچ صغیره و کبیره نیست که ما کرده ایم مگر آنکه کتاب تو آنرا احصا کرده است پس
ای علی بن الحسین بیاد آور خواری و مذلت خود را در نزد پروردگار خداوند حاکم عادل تو که بقدر حبه
و خردلی ظلم نمیکند و هر چه کرده هر چند بقدر خردلی باشد آنرا در قیامت حاضر میکند
و حساب میکند و شاهد و گواهست برآنها و بس است او برای حساب خلایق و گواه
بودن کردهای ایشان پس عفو کن و درگذر ای علی بن الحسین تا عفو کند و درگذرد مالك تو
بدرستی که پروردگار تو میفرماید ولیعفوا ولیصفحوا الا تحبون ان یغفر الله لکم
یعنی باید که عفو کنید و درگذرید آیا دوست نمیدارید که خدا بیامرزد شما را و آنحضرت
باواز بلند تلقین ایشان میفرمود و ایشان باواز بلند میگفتند و خود در میان ایشان ایستاده

بود و میگریست و نوحه میکرد و میفرمود کلماتی چند که مضمونش این است که خداوندا امر فرموده
ما را که عفو کنیم و درگذریم از کسی که بر ما ظلم کرده چنانچه ما ظلم کرده ایم بر نفس خود و عفو
کرده ایم از کسی که بر ما ظلم کرده چنانچه امر کرده بودی پس تو نیز عفو کن از ما بدرستی که
تو بعفو کردن سزاوارتری از ما و از جماعتی که ایشان را امر کرده بعفو خداوندا امر فرموده ما را
که رد نکنیم سائلی را از در خانه خود و بدرستی که ما آمده ایم بدرگاه تو سؤال کنندگان و مسکین
و بیچاره و بر درگاه تو ایستاده ایم و در ساحت کرم تو فرود آمده ایم و طلب میکنیم از تو احسان
تو را و کرم و عطای تو را پس عطا کن بما و ناامید مگردان ما را بدرستی که تو اولائی بعطا کردن
و ناامید نگردانیدن از ما و از جماعتی که امر فرمودهٔ ایشان را بعطا کردن و ناامید نکردن سائلان
خداوندا پیوسته کرم کردهٔ پس کرامت کن مرا چون از سؤال کنندگان توییم و پیوسته احسان
و نیکی کردهٔ پس مرا مخلوط کن در زمره گروهی که بایشان عطا کردهٔ ای خداوند کریم پس رو با
یشان میکرد و میفرمود که من از شما عفو کردم پس آیا شما عفو کردید از من و درگذشتید از
بدی که بشما کرده ام بدرستی که من بد مالک ظالمی بودم برای شما و مالک من کریم و بخشاینده
و عادل و نیکوکار و صاحب تفضل است پس ایشان همگی میگفتند که عفو کردیم از تو ای سید ما
و هرگز بدی از تو نسبت بما صادر نگردیده پس میفرمود که بگوئید خداوندا عفو کن از علی بن الحسین
چنانچه او عفو کرد از ما و آزاد گردان او را از آتش جهنم چنانچه او ما را از بندگی آزاد گردانید پس
میگفتند خود آمین میفرمود پس بایشان میفرمود که بروید که عفو کردم از شما و آزاد کردم
شما را بامید آنکه حق تعالی عفو فرماید از من و آزاد فرماید مرا از آتش جهنم و چون روز عید فطر
میشد جایزهٔ ایشان را بایشان عطا میفرمود باندازه که غنی میشدند و بدرستی که هیچ سالی
نبود مگر آنکه در شب آخر ماه رمضان بیست بنده یا بیشتر یا کمتر آزاد میکرد و میفرمود که
حق تعالی در هر شب از ماه رمضان در وقت افطار هفتاد هزار هزار کس را که مستوجب جهنم شده
باشند از آتش جهنم آزاد میگرداند و چون شب آخر میشود مثل آنچه در تمام آن ماه آزاد کرده
از آتش جهنم آزاد میگرداند و بدرستی که من میخواهم که حق تعالی ببیند مرا که در دنیا چند بنده
آزاد کرده ام شاید که مرا از آتش جهنم آزاد گرداند پس حضرت صادق علیه السلام فرمود که آنحضرت

هر کس خادمی

هر کس خادمی را زیاده از یکسال خدمت نمیفرمود و هر کس خادمی را که در اول سال یا در میان
سال میخرید چون شب عید میشد او را آزاد میگرداند و در سال دیگر خادمان دیگر میخرید
و باز در شب عید فطر آزاد میکرد و پیوسته چنین مینمود تا بعالم قدس رحلت نمود و پیوسته
غلامان سیاه میخرید با آنکه احتیاجی بایشان نداشت و ایشان را بعرفات حاضر میکرد از برای
و چون از عرفات روانه میشد همگی ایشان را آزاد میکرد و جایزه‌ها بایشان عطا میفرمود
از مال خود مؤلف گوید که این حدیث شریف دلالت میکند بر آنکه در این شب دعا و تضرع
و استغاثه و استغفار و تصدق و بنده آزاد کردن ثواب عظیم و اجر جزیل دارد و بنا بر آنکه
سید و سایر علما از این حدیث چنین فهمیده اند که در شب آخر ماه رمضان حضرت بندگان
خود را حاضر میساخت و ایشان را بکیفیت مذکوره در این حدیث آزاد میفرموده و والد علامه
ام ادام الله ظلاله الی یوم القیمة در بعضی از تعلیقات خود نوشته که ظاهر لفظ این حدیث
دلالت میکند بر آنکه مراد شب عید بوده باشد والله تعالی یعلم و اما اعمال این شب پس چند امر است
اول بنده آزاد کردن چنانچه از حدیث سابق موافق فهم سید و سایر علما مفهوم میشود دوم
غسل چون شب آخر از عشر آخر ماه است و در هر شب از شبهای آن غسل مستحب است سیم شیخ شهید
قدس الله روحه در کتاب اربعین از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که هر که
در این شب دوازده رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعتی بعد از حمد سوره
قل هو الله احد هشت نوبت بخواند و صد نوبت صلوات بر رسول خدا و آل او صلی الله علیهم اجمعین
بفرستد حق تعالی خاتمه او را برحمت ختم نماید مؤلف گوید که محتمل است که صد نوبت صلوات را در
هر رکعتی بعد از اتمام سوره قل هو الله احد باید بخواند یا بعد از سلام هر دو رکعتی باید بخواند یا
بعد از اتمام دوازده رکعت بخواند و احتمال آخر شاید اظهر باشد چهارم سید ابن طاوس قدس الله
نفسه الزکیه در کتاب اقبال از کتاب حسنی که تالیف جعفر بن محمد دوریستی است نقل نموده است
که او بسند خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده است که هر که در شب آخر ماه مبارک
رمضان ده رکعت نماز بکند و در هر رکعتی حمد یکنوبت و سوره قل هو الله احد ده نوبت بخواند و در
هر یک از رکوع و سجود سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر ده نوبت بگوید و

بعد از

مرد و رکعت تشهد بخواند و سلام بگوید و چون سلام دهد آخر را بگوید هزار نوبت استغفار کند
و بعد از آن بسجده رود و در سجده بگوید یا حی یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام یا رحمن الدنیا
والآخرة ورحیمهما یا ارحم الراحمین یا اله الاولین والآخرین اغفر لنا ذنوبنا وتقبل
منا صلواتنا وقیامنا پس آنحضرت فرمود که بآن خدائی که مرا بحق بپیغمبری مبعوث گردانیده است
که جبرئیل خبر داد مرا از اسرافیل از خداوند عالمیان آنکه این شخص سر از سجده بر نمیدارد تا آنکه
میامرزد او را حق تعالی و قبول میفرماید از او ماه رمضان را و در میگذرد از گناهان او هر چند هفتاد
گناه کرده باشد که هر گناهی عظیم تر از جمیع گناهان بندگان باشد و قبول فرماید اعمال جمیع اهل
کوره را که این مرد در آن کوره سکنی دارد پس حضرت بجبرئیل علیه السلام فرمود که ای جبرئیل حق تعالی
قبول میفرماید از او خصوص ماه رمضان و از اهل بلاد او عموما پس جبرئیل علیه السلام گفت بلی قسم بآن
خدائی که تو را مبعوث گردانیده است که بجهت کرامت این شخص و زیادتی منزلت او نزد خدا
حق تعالی قبول میفرماید نماز او را و روزه او را و عبادت او را و میامرزد او را و دعای او را
مستجاب میگرداند زیرا که حق تعالی در کتاب خود میفرماید واستغفروا ربکم انه کان غفارا یعنی
طلب مغفرت نمائید از پروردگار خود بدرستی که او آمرزنده و غفار است و در جای دیگر میفرماید
واستغفروا ربکم ثم توبوا الیه یعنی استغفار کنید پروردگار خود را پس توبه کنید بسوی
او و در جای دیگر میفرماید والذین اذا فعلوا فاحشة او ظلموا انفسهم ذکروا الله کثیرا
فاستغفروا لذنوبهم ومن یغفر الذنوب الا الله یعنی آن جماعتی که هرگاه فاحشه و گناهی
کنند یا ظلم بر نفس خود کردند یا آنکه معصیتی مرتکب شدند خدا را بسیار یاد میاورند پس
استغفار مینمایند برای گناهان خود که میامرزد گناهان را بغیر خدا و در جای دیگر میفرماید
واستغفروا ربکم ثم توبوا الیه یمتعکم متاعا حسنا الی اجل مسمی ویؤت کل ذی فضل
فضله یعنی استغفار نمائید پروردگار خود را پس توبه کنید بسوی او تا آنکه عطا فرماید
بشما متاع نیکوئی تا هنگام اجل نام برده شده و بدهد بهر صاحب زیادتی و فضلی فضل او را و در
جای دیگر میفرماید واستغفروه انه کان توابا یعنی استغفار کنید حق تعالی را بدرستی که او
قبول کننده توبه است پس حضرت فرمود که این نماز هدیه ایست از جانب خداوند عالمیان

ببر

نبت بن به تنهائی و امت من از مردان و زنان و به پیغمبران بشارت من و غیر ایشان این را عطا
نفرموده است **پنجم ایضا** سید در کتاب مذکور گفته که در غیر اینجا وارد شده که در شب آخر ماه
مبارک رمضان سوره انعام و کهف و یس را بخواند و هزار نوبت استغفر الله ربی واتوب الیه بگوید
ششم ایضا سید رحمه الله در کتاب مذکور از کتاب عتیق بعضی از اصحاب این دعا را برای شب سی‌ام
نقل نموده است الحمد لله الذی کمل صیامی ایام شهره الشریف من غیر انقطاع واقبل بوجهی
فیه الی طاعته من غیر ادبار واستنهضنی الیه للاعتراف بذنوبی من غیر اصرار واوجب لی
بانعامه الاقالة من العثار ووفقنی للقیام فی لیالیه الیه راغبا وله منادیا استوهب
واستمنح العیوب واتقرب باسمائه واستشفع بالائه واتذلل بکبریائه وهو تبارک اسمه
فی کل ذلک یعرفنی بقوة الرجاء والتامیل عن الشک فی رحمته لتفرجی الی التفضیل نقمه
بجودک ورأفته وتعبنا لاشفاقه وعطفه اللهم هذا شهرک وقد کمل ومضی وهذا الصیام
قد تم وانقضی قدم یکره وقدومه بکل ما فی النفوس من لذاتها ونفوسها من مفارقة عادتها
فیهما وورد حتی ذلل لها بطاعته واخصها الی طلب رحمته فکان نهارها صیاما ترک
لدیک ولیلة قیاما یوفد علیک وارهف القلوب وعادک الذنوب ولخضع الخلد
ورفع الیک الراحات واستدر العبرات بالنحیب والزفرات اسفا علی الزلات واعترافا
بالهفوات واستقالة للعثرات فرحمت وعطفت وسترت وغفرت واقلت وانعمت فعاد
حبیبا مالوفا وقربه وغادرنا بکره فراقه فعلیه السلام من شهر ودعته بحرا لودعه
وتبعد منک قربه وغنیم من فضلک اجتلبه تقصانح تقدمت عندک هدرها وقبائح
محاماة تبرها وخیرات تبرها وسابع نشرها ومنن منک وفرها وعطایا اکثرها وداع
مفارق خلف خیراته واسعد برکاته وجاد بعطایاه اللهم فلک الحمد منی حمد من لا یخادع
نفسه من تقدم جزعها منه ولا یجحد نعمتک فیه الذی اقدته ومحوته عنه سائلا لک ان
تعرض عما اعتمدته فیه ولم تعمله من ذلک اعراض المتجافی العظیم وان تقبل علی لیسر ما
تقربت به اقبال الراضی الکریم ان ینظر الی بنظره البر الرؤوف الرحیم اللهم عقب
علی بغفرانک فی عقباه وامنی من عذابک ما اخشاه وقنی من سوفه ما اتوقاه واختم لی

فخاقته بجزيل عطائك عنه عظيمتي وتشفع منه ما لبي وتشد به فاقتي وتنفي به شقوتي و
تقرب به سعادتي وتملأ يدي من خيرات الدارين بأفضل ما ملأت يد سائل وترجع به
آمل أملي وتمنحني به ووالدي وجميع المؤمنين والمؤمنات الغفران والرضوان وتذكرهم
منك بإحسان تنيل أرواحهم مسرة رضوانك وتوصل اليها لذة غفرانك وترعاها في
رياض جنانك بين ظلال أشجارها وجداول أنهارها وهني ثمارها وكثير خيراتها واستواء
أفوائها وصنوف لذاتها وسوابغ بركاتها واحينا لورود هذا الشهر عائدا في قابل عامنا
بهدم أوزارنا وآثامنا الى القربات منك سبيلا وعليها دليلا والينا سبيلا يا اكرم القا
درين ويا أجود المسئولين اللهم ان كلما لفظت به اليك جل ثناؤك من تمجيد وتحميد تشريف
لقدرتك واقرار بوحدانيتك وارضاك من تضحي اليك ومن اقبالي بالثناء عليك فهو
بتوفيقك فلك الحمد يا قاضي ما رضيك وان كان من ايسر نعمك لا انكا منك ثم بهدايته
محمد نبيك صلى الله عليه وآله وسفارته وارشاده ودلالته فقد اوجبت له بذلك من
الحق عندك وعلينا ما شرفته به وادغرت فيه الينا اللهم فكما جعلته لهدايتنا علما واليك
لنا طريقا وسبيلا ومن سخطك ملجأ ومعتصما وفينا شفيعا مقدما ومشفعا مكرما وكان
لا مكافات له الا منك ولا اتكال من مجازاته الا عليك وكنا عن حقه بانفسنا واموالنا
مقصرين وكان منها من الزاهدين وعنها من الراغبين ولسنا الى تأديته بواصلين ولا
عليها بقادرين فجزاه عنا بأفضل صلواتك واطيب تحياتك اللهم صل عليه صلوة تمده
منك بشرائف حبواتك وكرائم عطياتك وموفور خيراتك ومبسوط هباتك صلوة
تكثر وتكنف حتى لا تنقطع ولا تضعف صلوة تتداك وتتصل حتى لا تحيل ولا تنفصل
صلوة تتوالى وتتسق حتى تتشعب ولا تفترق صلوة تدوم وتتواتر وتتضاعف وتتكاثر
تزن الجبال وتعاد الرمال صلوة تجاري النيران في افلاكها والقدرة التي فلكت بأسمائها
صلوة تنافي الرياح والنجوم والشموس والغيوم وورق الشجر والفاظ البشر وتسبيح جميع
المخلوقين من الماضين والباقين ومن يخلق الى يوم الدين ثم استوعبها تعارف العاملين
الذين ليس له فناء ولا حد ولا انتهاء اللهم فاوصل ذلك اليه والى اهل بيته الطاهرين

ولآبائه

والى آبائه وآباء ابراهيم واسمعيل واسحق والى جميع النبيين والشهداء والصالحين
والى جبرئيل وميكائيل وحملة عرشك والملائكة صلى الله عليه وعليهم اجمعين وحسبي الله
لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم **هفتم ايضا** سيد رحمه الله در كتاب مذكور
از كتاب عمل شهر رمضان ابن ابى قره رضى الله عنه نقل نموده كه او بسند خود از عمر بن يزيد روايت
كرده است كه حضرت صادق عليه السلام باو فرموده كه در شب دهم از شبهاى عشر آخر ماه
مبارك رمضان اين دعا را بخوان الحمد لله لا شريك له الحمد لله لا شريك له الحمد لله كما ينبغي
لكرم وجهه وعز جلاله وكما هو اهله يا قدوس يا سبوح يا منتهى التسبيح يا رحمن يا فاعل
الرحمة يا الله يا عليم يا الله يا عظيم يا الله يا كبير يا الله يا لطيف يا الله يا جليل يا الله يا
سميع يا الله يا بصير يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله لك
الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والآلاء والنعماء اسئلك باسمك
بسم الله الرحمن الرحيم ان كنت قضيت في هذه الليلة تنزل
الملائكة والروح من كل امر حكيم فصل على محمد وآله واجعل اسمي في السعداء وروحي مع
الشهداء واحساني في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا
لا يشوبه الشك مني وترضيني بما قسمت لي وآتني في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة
وقني عذاب النار وارزقني يا رب فيها ذكرك وشكرك والرغبة والانابة اليك والتوبة
والتوفيق لما تحبه وترضاه لما وفقت له شيعة آل محمد يا ارحم الراحمين ولا تفتني
بطلب ما زويت عني بحولك وقوتك واغنني يا رب برزق منك واسع بحلالك عن
حرامك وارزقني العفة في بطني وفرجي وفرج عني كل هم وغم ولا تشمت بي عدوي
ووفق لي ليلة القدر على افضل ما رآها احد ووفقني لما وفقت له محمدا وآل محمد عليه
وعليهم السلام وافعل بي كذا وكذا وبجاى را فعل بي كذا وكذا حوائج خود را سؤال نمايد
پس بگويد الساعة الساعة تا نفس منقطع شود پس سيد رحمه الله گفته كه بسيار بگو در
اين شب در حالتي كه ايستاده و نشسته باشي و در حالتي كه در قيام و در ركوع و سجود باشي
يا مدبر الامور يا باعث من في القبور يا مجري البحور يا ملين الحديد لداود عليه السلام

صل على محمد وآل محمد وافعل بي كذا وكذا وبجاى وافعل بي كذا وكذا حوائج خود را بطلب و بگو
الساعة الساعة الليلة الليلة تا نفس منقطع شود پس سيد طاب ثراه گفته كه اين زياده در غير
روايت است واين دعا را نقل نموده است اللهم صل على محمد وآل محمد واجعلني من اوفر عبادك
نصيبا من كل خير انزلته في هذه الليلة او انت منزله من نور تهدي به او رحمة تنشرها
او رزق تقسمه او بلاء ترفعه او مرض تكشفه واكتب لي بما كتبت لاوليائك الصالحين
الذين استوجبوا منك الثواب وامنوا برضاك عنهم العذاب يا كريم يا كريم صل على محمد و
آل محمد وافعل بي ذلك برحمتك وارزقني بعد انقضاء شهر رمضان العصمة والتوبة والانابة
والتمسك بولاية محمد وآل محمد ومن على ابدا ما ابقيتني بذكرك وشكرك للرغبة للثبات
والثبات على دينك والتوفيق لما وفقت له محمدا وآل محمد عليه وعليهم السلام اللهم
انك قلت في كتابك المنزل وقولك الحق شهر رمضان الذي انزل فيه القرآن وهذا
شهر رمضان وقد تصرمت لياليه وايامه فاسالك بوجهك الكريم وكلماتك التامة
وبحق محمد وآل محمد ان كان بقي على ذنب واحد لم تغفره لي او تريد ان تحاسبني عليه او تعاقبني
او تعاقبني به او يطلع فجر هذه الليلة او يتصرم هذا الشهر الا وقد غفرته لي يا ارحم
الراحمين اي ملين الحديد لداود عليه السلام اي كاشف الكرب صل على محمد وآل محمد واستجب
دعاى واعطني سؤلي واجعل جميع هواى لي سخطا الا ما رضيته واجعل جميع طاعتك لي رضا
وان خالف ما هويت على ما احببت او كرهت حتى اكون لك في جميع ما امرتني متابعا
مطيعا سامعا وعن كل ما نهيتني عنه منتهيا وفي كل ما قضيت علي ولي راضيا وعلى كل
ما انعمت به علي شاكرا وفي كل حالاتي لك ذاكرا من حال عافية او بلاء او شدة او رخاء
او سخط او رضا الهي فصل على محمد وآل محمد وانظر الي في جميع اموري نظرة رحيمة شريفة
كريمة تقويني بها على ما امرتني به وتسددني لها ولجميع ما كلفتني فعله وتزيدني لها
بصرا ويقينا في جميع ما عرفتني من آلائك عندي وانعامك علي واحسانك الي وتفضلك
اياى الهي حاجتي العظمى التي ان قضيتها لم يضرني ما منعتني وان منعتنيها لم ينفعني
ما اعطيتني اسالك فكاك رقبتي من النار يا سيدي اجرني من السلاسل والاغلال
والسعير

والسعير اجرني من الطعام الزقوم وشرب الحميم اجرني من جهنم ان عذابها كان غراما
انها ساءت مستقرا ومقاما لا تعذبني وانا استغفرك ولا تحرمني وانا اسئلك اسئلك
الجنة وما فيها واعوذ بك من النار وما جمعت اللهم فزوجني من الحور العين واجعلني
ممن يأتي آمنا يوم القيامة اني لما انزلت الي من خير فقير اللهم صل على محمد وآل محمد وابدا
بمحمد وآل محمد في كل خير من خير الدنيا والآخرة مؤلف گويد در اين مقام تنبيه بر چند امر ضرور است
اول آنكه ظاهر است كه دعاى يا مدبر الامور تا آخر جزو دعاى اول نباشد بلكه آن دعاى علا
حده باشد كه در شب آخر وارد شده باشد و چون در آخر آن دعا بجاى وافعل بي كذا وكذا واقع شده
باشد و طلب حوائج بفارسى دعا حواله شده كه بهر لفظي كه خواهد حوائج خود را بطلبد و در اصل حاجات
تفصيل بيان نشده لهذا سيد در اين مقام تغيير اسلوب سابق نموده دعاى زايد بغير روايت را بعد از
دعاى اول ذكر نموده بلكه اين هر دو دعا كه قارى انها محتاج بتاليف دعائى براى حوائجات
ذكر نموده و اين معنى مؤيد احتمال دويمى است كه در امثال اين مقام مذكور نموديم دويم آنچه
در شرح دعاى دويم ذكر نموده كه در حالت قيام و ركوع و سجود اين دعا را بسيار بخوان ظاهر
است كه مراد قيام و ركوع و سجود نماز باشد و مخفى نماناد كه در نماز واجب خواندن آن محل
اشكال است و در نمازهاى سنت نيز تا نص بخصوص وارد نشده باشد مشكل است ولكن
ظاهر است كه در اين باب روايتى بنظر سيد يا ابن ابي قره رحمهما الله تعالى رسيده باشد
سيم آنكه در شرح دعاى دويم محتمل است كه الليلة بايد مكرر گفته شود تا نفس منقطع شود
يا هر يك از الساعة والليلة بايد مكرر گفته شود والله تعالى يعلم چهارم ايضا سيد در كتاب
مذكور و سيد بن باقى در كتاب اختيار اين دعا را از رسول خدا صلى الله عليه براى اين شب روايت
نموده اند ربنا اتيتنا الشهر المبارك الذي امرتنا فيه بالصيام والقيام فلا تجعله آخر
العهد منا ربنا اغفر لنا ما تقدم من ذنوبنا وما تاخر ربنا ولا تخذلنا ولا تحرمنا
المغفرة واعف عنا واغفر لنا وارحمنا وتب علينا وارزقنا وانفعنا واجعلنا من
اوليائك المتقين برحمتك يا ارحم الراحمين شب سى ام واعمال اين چند اجزاست اول
سيد ابن طاوس طاب ثراه در كتاب اقبال از كتب معتمد از كتب دعوات اين دعا را براى

آخر ماه مبارک رمضان نقل شده اللهم انك ارحم الراحمين لا اله الا انت تفضلت
علينا فهديتنا ومننت علينا فعرفتنا واحسنت الينا فاعنتنا على اداء ما افترضت علينا
من صيام شهرك شهر رمضان فلك الحمد بمحامدك كلها على جميع نعمائك كلها حتى
ينتهي الحمد الى ما تحب وترضى وهذا آخر يوم من شهر رمضان فاذا انقضى فاختم
لنا بالسعادة والشهادة والرحمة والمغفرة والرزق الواسع الكثير الطيب الذي لا حساب
فيه ولا عذاب عليه والبركة والفوز بالجنة والعتق من النار لا تجعله آخر العهد منه
وامله علينا بافضل الخير والكرامة والسرور وعلي وعلى اهلي وولدي وذريتي يا كريم
اللهم هذا شهر رمضان الذي انزلت فيه القرآن هدى للناس وبينات من الهدى
والفرقان وقد تصرم فاعوذ بوجهك الكريم ان تغيب الشمس من هذا اليوم او يطلع الفجر
من هذه الليلة ولك قبلي ذنب او تبعة تريد ان تعذبني عليها يوم القاك اي ملين
الحديد لداود اي كاشف الكرب العظيم صل على محمد وعلى اهل بيت محمد وهب لي فكاك رقبتي
من النار وكل تبعة وذنب لك قبلي واختم لي بالرضا عني والجنة يا الله يا ارحم الراحمين
صل على محمد وعلى اهل بيته المباركين الاخيار وسلم تسليما دويم ايضا در كتاب مذكور
گفته كه در كتب دعوات اين دعا را براى روز سى ام ماه رمضان يافتم سبحان الله رب السموات
والارض جاعل الملائكة رسلا اولى اجنحة مثنى وثلاث ورباع يزيد في الخلق ما يشاء ان الله
على كل شيء قدير ما يفتح الله للناس من رحمة فلا ممسك لها وما يمسك فلا مرسل له من
بعده وهو العزيز الحكيم سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق
الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله
خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله
رب العالمين سيم سيد ابن باقي حشره الله مع الائمة الاطهار در كتاب اختيار اين دعا را براى
اين روز سى ام رمضان نقل نموده است اللهم انى اسالك بحق الاسم الذي قلت للسماء كوني
به فقامت واسالك بحق الاسم الذي به يمسك السماء ان تقع على الارض الا باذنك واسالك
بحق الاسم الذي دعاك به آدم فاقلت عثرته ورحمت عبرته واسالك بالاسم الذي
دعتك

دعتك به حواء على المرية فاستجبت لهما واسالك بالاسم الذي دعاك به نوح فنجيته
ومن معه في الفلك العظيم واسالك بالاسم الذي دعاك به شعيب فنجيته من الرجفة
واسالك بالاسم الذي دعاك به صالح فانجيته من الصيحة واسالك بالاسم الذي جعلت
به النار على ابراهيم بردا وسلاما واسالك بالاسم الذي دعاك به اسمعيل فنجيته من
الذبح واسالك بالاسم الذي دعاك به موسى فكلمته على جبل طور سيناء واسالك بالاسم
الذي به ايوب فكشفت عنه البلاء واسالك بالاسم الذي نجيت به يونس من بطن الحوت
واسالك بالاسم الذي دعاك به محمد صلى الله عليه وآله يوم الغار واسالك بحق
الكرام الكاتبين وبحق جبرئيل وميكائيل واسرافيل ان تستجيب دعائي فيما سالتك به
من اول الشهر الى هذا اليوم وان تعتق رقبتي من النار وتحرم جسدي على النار انك
ارحم الراحمين اللهم واقبلني بفضل منك على ما كان مني تفضلا منك علي اللهم
لا تقطع فيه رجائي ولا تحجب فيه سعيي ودعائي ولا تجهد فيه بلائي بعد ما سويتني له
ولا تشمت بي فيه اعدائي انك انت الله لا اله الا انت سيدي ومولاي وغاية طلبتي
ورجائي اللهم الهمني في ساعتي هذه الطمانينة بعفوك عني وقبولك لي على ما كان
مني حتى اعلم انك قد رحمتني وغفرت لي وتكرمت وتفضلت وتطولت ومننت على
عبدك الذي خلقته وانت مولاه ومنجاه وملجاه وغايته ومنتهى رغبته اللهم
اجعلني ممن قاربته من عبادك الصالحين بقبولك اياه اللهم لا تردني خائبا وانت
قادر على اجابتي وقضي حاجتي اللهم لا تجعله آخر العهد مني به اللهم واحيني
الى مثله سنين ودهورا عليك السلام يا شهر رمضان اللهم يا صادق الوعد لا
تجعله شهر رمضان آخر العهد مني به استودعك الله يا شهر رمضان ودعة راضية
مرضية مقبولة اللهم يا رب لا تخرجه عني بيأس من رحمتك لي وعفوك عني اللهم
حقق ظني الحسن فيك يا من لا تشتبه عليه الظنون يا من لا ينسى من ذكره يا جوادا في
عظمته نخ عطيته يا كريما في جائزته يا محسنا في عفوه يا واسعا في رحمته يا سمحا في تجاوزه قد ناجيتك
في ايامه كلها متوسلا برحمتك الى عفوك وبجودك الى كرمك وبطولك الى

احسانك ورزقني حلاوة الرحمة ولا تجعل عند انصرافه في قلبي منه حسرة اللهم
اذقني لذة القبول وطيب العفو اللهم اشرب قلبي لذة الاجابة حتى اعلم انك قد
رحمتني تفضلاً منك علي وامننا نا بادياه يا سيداه يا مولاياه يا من اذا توكل عليه
العبد كفاه يا قريباً اذا دعي يا مجيباً اذا نودي اللهم واجزنا شهرك العظيم عنا ما انت
اهله اللهم زده شرفاً وبهجاً وتلاليا وكرامة وزلفاً اللهم انه قد فرج عنه
قلوبنا واضاءت به ابصارنا وقلت به خطايانا اللهم فلك الحمد على حلوله ولك
الحمد عند تقدمه وقفوله وتمامه وكماله ومعونتنا عليه حتى هنيتنا برضاك
اللهم صل على خير خلقك عبدك محمد صلى الله عليه وآله رسولك واهل بيته
صفوتك وخيرتك وعلى جميع انبيائك ورسلك وحملة عرشك كما تحب الصلوة
عليهم انك حميد مجيد وانت على كل شيء قدير غفر الله في هذا العام وفي هذا الشهر وفي
هذا اليوم وفي هذه الساعة لصوام شهر رمضان من المؤمنين والمؤمنات الاحياء
منهم والاموات ولا اله الا الله والله اكبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم اللهم
واحينا الى امثاله حيوة طيبة واغفر لنا ذنوبنا وتقبل منا صالح اعمالنا وتسامح لنا
وتكرم علينا وتجاوز عنا وهب لنا رضاك والجنة واعذنا من سخطك والنار
وارزقنا الحج الى بيتك الحرام وزيارة قبر نبيك محمد صلى الله عليه وآله ومشاهد
الائمة عليهم السلام من اهل بيته واحشرنا في زمرتهم واجعلنا من شيعتهم ووفقنا
لطاعتهم وانهم الباب اليك وبهم يا رب نرجوا عفوك وارزقنا الامن والعافية
والغنى والمغفرة انك على كل شيء قدير وانت اكرم الاكرمين وخص النبي محمداً وآله
بافضل الصلوة والتسليم يا ارحم الراحمين **چهارم** صاحب کتاب ذخیره از ابن عباس روایت
کرده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود که هر که این روز را روزه بدارد واین دعا را
بخواند حق تعالی او را گرامی دارد بگرامی داشتن پیغمبران ودعا این است اللهم اجعل صیامی
بالشکر والقبول علی ما ترضاه ویرضاه الرسول محکمة فروعه بالاصول بحق محمد وآله
الطیبین الطاهرین الاخیار الابرار وصلی الله علیهم **خاتم بدانکه** تصدق کردن در آخر

ماه

ماه مبارک رمضان فضیلت عظیم دارد چنانچه ابن بابویه رضوان الله علیه در کتاب
ثواب الاعمال بسند خود از انس ابن مالک روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله
فرمود که هر که ماه رمضان را روزه بدارد وختم نماید او را بصدقه وصبح روز عید بمصلی
بیرون رود با غسل برمیگردد در حالتی که امرزیده شده باشد **مؤلف گوید که** تصدق اگر در آخر
روز واقع شود چنانچه متصل بغروب آفتاب باشد بهتر است واگر در آخر روز بیست ونهم
تصدق بکند بجهت احتیاط نقصان ماه بهتر است والله تعالی یعلم **باب پانزدهم** در بیان
دعاهای وداع ماه مبارک رمضان **بدانکه** وداع این ماه سنت مؤکدات برای اظهار آنکه
روزه وعبادت این ماه بر ما گران ودشوار نبوده وپیوسته خواهان ومشتاق او بودیم
واز مفارقت آن بسیار آزرده ومحزونیم وهر بنده که لذت عبادت الهی وفضل ورحمت
غیر متناهی او را دریافته وفواید آن را در دنیا وعقبی ولذات آن را لا تعد ولا تحصی شناخته
وچاشنی مناجات با قاضی الحاجات را چشیده وعطاهای بی منتهای معطی السؤلات رسیده
است باید همواره عاشق عبادت وبندگی خدا باشد وعبودیت وعبادت خود را برای
معبود ومعشوق حقیقی خود خالص گردانید تا بحصول درجات عالیات ووصول بمثوبات
بلا نهایات فایز وبا این وسیله محرم سرادقات قربات حضرت فایض الجود علی البریات
گردد ونعم ما قال **نظم** توجه دانی تذکر سرافکندگی که بعد از خدائی بود بندگی پس باید
این ماه کثیر البرکات را بنحوی وداع کند که عزیزترین دوستان را در هنگام مفارقت وداع
میکند ووداع او مانند وداع کسی باشد که از محبوب ومعشوق خود جدا میشود وبی از جدائی
او حزین وغمگین میباشد ومعلوم است که غلامی که از خدمت آقای خود شاد وخوشحال باشد
واز ترک خدمت دلگیر باشد مثل غلامی نیست که از ترس خدمت کند وبآن راضی نباشد ودر
وقت وداع وخواندن دعاهای وداع علما اختلاف کرده اند که آیا در شب آخر باید خوانده شود
یا روز آخر بلکه آخر روز آخر واکثر شب آخر را بهتر میدانند مانند سید ابن طاوس قدس الله
روحه در کتاب اقبال وجد علامه ام در زاد المعاد ووالد علامه ام در ربیع النجاح قدس الله
ارواحهم الشریفه هر چند بجویز خواندن در روز آخر را نیز کرده اند ومستند ایشان حدیثی است

که شیخ طبرسی رحمه الله در کتاب احتجاج و شیخ طوسی رضی الله عنه در کتاب غیبت روایت
کرده است که محمد ابن عبد الله بن جعفر حمیری عریضه بخدمت مولای خود حضرت صاحب
الامر صلوات الله علیه نوشت و از آن جناب مسئله چند سؤال نمود از آنجمله اینکه وداع
ماه مبارک رمضان در چه وقت باید واقع شود بدرستی که اصحاب ما در این باب خلاف
کرده اند بعضی میگویند که در شب آخر وداع کرده میشود و بعضی دیگر میگویند که در روز آخر
چه میفرمائید آنحضرت در جواب توقیع مبارک فرمودند که عمل در ماه رمضان در شبهای
آن میباشد و وداع در شب آخر واقع میشود و در توقیع آنحضرت این تتمه نیز بود که اگر ترسند
که ماه ناقص باشد وداع را در دو شب بعمل آورند و مؤید مضمون اینست آنچه در شرح
دعای سیم صریحا مذکور است که در شب آخر خوانده شود و در ضمن دعای سیم و بعضی از ادعیه
وداع نیز اشعاری بشب دارد و حق اینست و بهتر آنست که وداع را در شب و روز آخر هر دو بلکه
عصر روز آخر بعمل آورند و اگر ترسند که ماه ناقص باشد در دو شب و در دو روز وداع نمایند
زیرا که حقیقت وداع از شخص اظهار ندامت از مفارقت و رغبت بمصاحب اوست و این معنی
چنانچه در شب آخر حاصل است چون مکرر میشود و در روز آخر نیز بعمل می آید و آنچه در حدیث
وارد شده بنای عمل بر شب است پس باید وداع در شب واقع شود بنابر زیادتی اهتمام و
غلبه و اکثریت است چون نزاع بال در شب زیاده است اهتمام در آن بیشتر است فرموده اند
و لهذا نمازهای نافله مقرره این ماه با ادعیه آن در شب واقع شده و الا در ایام نیز اعمال بسیار
از ادعیه و غیره واقع شده پس وداع اعمال ایام نیز در روز آخر مناسب است چون قریب
بزمان مفارقت و جدائی است و در بعضی از ادعیه فی الجمله اشعاری نیز بر وداع روز دارد
و ممکن است که ادعا کنیم ظاهر بودن عنوان دعای صحیفه کامله را در وداع روز چنانچه بعضی
از محدثین از عنوان دعای صحیفه ظهور خواندن آنرا در روز فهمیده اند و الله تعالی یعلم
واما دعاهای وداع و آنها چنانچه از تتبع کتب ادعیه ظاهر میشود چند دعاست اول
سید ابن طاوس رفع الله روحه در کتاب اقبال از کتاب حسنی که تالیف جعفر بن محمد دوریستی
است نقل نموده که او بسند خود از جابر بن عبد الله انصاری روایت کرده است که گفت داخل
شدم

دعای وداع

شدم بر رسول خدا صلی الله علیه و آله در جمعه آخر ماه مبارک رمضان پس چون نظر مبارک حضرت بر
من افتاد فرمود که ای جابر این جمعه آخر ماه رمضان است پس او را وداع کن و بگو اللهم لا
تجعله آخر العهد من صیامنا ایاه فان جعلته فاجعلنی مرحوما و لا تجعلنی محروما پس بدرستی
که هر که این دعا بخواند ظفر مییابد بیکی از دو خوبی یا بماه رمضان آینده میرسد یا بمغفرت و رحمت
الهی باو میرسد دویم جعل و بحثی صحیفه کامله و شیخ طوسی در مصباح و کفعمی در جنة الامان
و بلد الامین و سید در اقبال بغیر از معارا ایراد نموده اند و روایت ایشان با روایت صحیفه کامله
اختلافی دارد و ما روایت سید را که در اقبال نقل نموده ایراد مینمائیم اللهم یا من لا یرغب
فی الجزاء و یا من لا یندم علی العطاء و یا من لا یکافی عبده علی السواء منتک ابتداء
و عطیتک تفضل و عقوبتک عدل و قضاؤک خیرة ان اعطیت لم تشب بمن و ان منعت
لم یکن منعک بتعد تشکر من شکرک و انت الهمته شکرک و تکافی من حمدک و انت
علمته حمدک تستر علی من لو شئت فضحته و تجود علی من لو اردت منعته و کلاهما منک
اهل للفضیحة و المنع غیر انک بنیت افعالک علی التفضل و اجریت قدرتک علی التجاوز
و تلقیت من عصاک بالحلم و امهلت من قصد لنفسه بالظلم تستنظرهم باناتک الی
الانابة و تترک معاجلتهم الی التوبة لکیلا یهلک علیک هالکهم و لئلا یشقی بنعمتک
شقیهم الا عن طول الاعذار الیه و بعد ترادف الحجة علیه کرما من فعلک یا کریم و عائدة
من عطفک یا حلیم انت الذی فتحت لعبادک بابا الی عفوک سمیته التوبة و جعلت
علی ذلک الباب دلیلا من وحیک لئلا یضلوا عنه فقلت توبوا الی الله توبة نصوحا
عسی ربکم ان یکفر عنکم سیئاتکم و یدخلکم جنات تجری من تحتها الانهار فما عذر من
اغفل دخول ذلک الباب یا سیدی بعد فتحه و اقامة الدلیل علیه و انت الذی زدت فی
السوم علی نفسک لعبادک ترید ربحهم فی متاجرتهم لک و فوزهم بالوفادة علیک فقلت
من جاء بالحسنة فله عشر امثالها و من جاء بالسیئة فلا یجزی الا مثلها ثم قلت مثل
الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله کمثل حبة انبتت سبع سنابل فی کل سنبلة مائة
حبة و ما انزلت من نظائرهن فی القرآن و انت الذی دللتهم بقولک الذی من غیبک

الذی فیه من حظهم علی ما لو سترته عنهم لم تدرکه ابصارهم و لم تعه اسماعهم و لم
تلحقه اوهامهم فقلت تبارکت و تعالیت اذکرونی اذکرکم و لئن شکرتم لازیدنکم
و قلت ادعونی استجب لکم و قلت من ذا الذی یقرض الله قرضا حسنا فیضاعفه له فذکروک
و شکروک و دعوک و تصدقوا لک و فیها کانت نجاتهم من غضبک و فوزهم برضاک
و لو دل مخلوق مخلوقا من نفسه علی مثل الذی دللت علیه عبادک منک کان محمودا
فلک الحمد ما وجد فی حمدک مذهب و ما بقی للحمد لفظ تحمد به و معنی ینصرف الیه یا من
تحمد الی عباده بالاحسان و الفضل و غمرهم بالمن و الطول ما افشی فینا نعمتک
نعمک و اسبغ علینا منتک منک و اخصنا ببرک هدیتنا لدینک الذی اصطفیت و ملتک
التی ارتضیت و سبیلک الذی سهلت و بصرتنا ما یوجب الزلفة لدیک الیک و الوصول
الی کرامتک اللهم و انت جعلت من صفایا تلک الوظائف و خصائص الفرائض تلک
الفروض شهر رمضان الذی اختصصته من سائر الشهور و تخیرته من جمیع الازمنة
و الدهور و آثرته علی جمیع الاوقات بما انزلت فیه من القرآن و فرضت فیه من الصیام
و اجللت فیه من لیلة القدر التی هی خیر من الف شهر ثم آثرتنا به علی سائر الامم
و اصطفیتنا بفضله دون اهل الادیان فصمنا بامرک نهاره و قمنا بعونک بعونک
لیله متعرضین بصیامه و قیامه لما عرضتنا له من رحمتک و تسببنا و تسبینا سببا
الیه من مثوبتک و انت الملی الملیء لما رغبت فیه الیک الجواد بما سئلت من فضلک
القریب الی من حاول قربک الهی و قد اقام فینا هذا الشهر مقام حمد و صحبنا صحبة
مبرور و اربحنا افضل ارباح العالمین ثم قد فارقنا عند تمام وقته و انقطاع مدته
و وفاء عدده فنحن مودعوه وداع من عز فراقه علینا و غمنا و اوحشنا انصرافه عنا
و لزمنا له الذمام المحفوظ و الحرمة المرعیة و الحق المقضی فنحن قائلون
السلام علیک یا شهر الله الاکبر و یا عید اولیائه الاعظم السلام علیک یا اکرم
مصحوب من الاوقات و یا خیر شهر فی الایام و الساعات السلام علیک من شهر قربت
فیه الامال و نشرت فیه الاعمال و السلام علیک من قرین جل قدره موجودا و فجع
فراقه

فراقه مفقودا السلام علیک من الیف آنس مقبلا فسر و اوحش منقضیا فمض
السلام علیک من ناصر اعان علی الشیطان و صاحب سهل سبیل الاحسان السلام
علیک ما اکثر عتقاء الله فیک و ما اسعد من رعی حرمته بک السلام علیک
ما کان امحاک للذنوب و استرک لانواع العیوب السلام علیک ما کان اطولک
علی المجرمین و اهیبک فی صدور المؤمنین السلام علیک من شهر لا تنافسه الایام
و من شهر هو من کل امر سلام السلام علیک غیر کریه المصاحبة و لا ذمیم
الملابسة السلام علیک کما وفدت علینا بالبرکات و غسلت عنا دنس الخطیئات
السلام علیک غیر مودع برما و لا متروک صیامه سأما السلام علیک من مطلوب
قبل وقته و محزون علیه عند فوته السلام علیک کم من سوء صرف بک عنا و کم
من خیر افیض بک علینا السلام علیک و علی لیلة القدر التی جعلها الله خیرا من الف
شهر السلام علیک و علی فضلک الذی حرمناه و علی ماض من برکاتک سلبناه
السلام علیک ما کان احرصنا بالامس علیک و اشد شوقنا غدا الیک اللهم انا
هذا الشهر الذی شرفتنا به و وفقتنا بمنک له حین جهل الاشقیاء فضله و حرموا
لشقائهم خیره و انت ولی ما آثرتنا به من معرفته و هدیتنا له من سنته و قد
تولینا بتوفیقک صیامه و قیامه علی تقصیر منا و ادینا فیه من حقک قلیلا من
کثیر اللهم فلک الحمد اقرارا بالاساءة و اعترافا بالاضاعة و لک من قلوبنا عقد
الندم و من السنتنا صدق الاعتذار فاجرنا علی ما اصابنا فیه من التفریط اجرا نستدرک
به الفضل المرغوب فیه و نعتاض به من انواع الذخر المحروص علیه و اوجب لنا
عذرک علی ما قصرنا فیه من حقک و ابلغ باعمارنا ما بین ایدینا من شهر رمضان
المقبل فاذا بلغتناه فاعنا علی تناول ما انت اهله من العبادة و ادنا الی القیام
بما تستحقه من الطاعة و اجر لنا من صالح العمل ما یکون درکا لحقک فی الشهرین
من شهور الدهر اللهم و ما الممنا به فی شهرنا هذا من لمم او اثم او واقعنا فیه من
ذنب و اکتسبنا فیه من خطیئة عن تعمد منا له او علی نسیان ظلمنا فیه انفسنا

او اتينا كنا فيه حرمة من غيرنا فاستره بسترك واعف عنا بعفوك ولا تنصبنا فيه
لاعين الشامتين ولا تبسط علينا فيه السنة الطاعنين واستعملنا بما يكون حطة
وكفارة لما انكرت منا فيه برأفتك التي لا تنفد وفضلك الذي لا ينقص اللهم صل
على محمد وآله واجبر مصيبتنا بشهرنا وبارك لنا في يوم عيدنا واجعله من خير يوم مر علينا
اجلبه للعفو وامحاه للذنب واغفر لنا فيه ما خفي من ذنوبنا وما علن اللهم صل
على محمد وآله واسلخنا بانسلاخ هذا الشهر من خطايانا واخرجنا بخروجه عن سيئاتنا
واجعلنا من اسعد اهله به واوفرهم قسما فيه اللهم ومن رعى حرمة هذا الشهر
حق رعايتها وحفظ حدوده حق حفظها واتقى ذنوبه حق تقاتها او تقرب اليك بقربة
اوجبت رضاك له وعطفت برحمتك عليه فهب لنا مثله من وجدك واحسانك
واعطنا اضعافه من فضلك لا يغيض وان خزائنك لا تنقص وان معادن احسانك
لا تفنى اللهم اكتب لنا فيه مثل اجور من صامه بنيته او تعبد لك فيه الى يوم
القيمة اللهم انا نتوب اليك في يوم فطرنا الذي جعلته للمسلمين عيدا وسرورا ولاهل
ملتك مجمعا ومحتشدا من كل ذنب اذنبناه او سوء اسلفناه سلفناه او خطرة
شر اضمرناه او عقيدة سوء اعتقدناها توبة من لا ينطوي على رجوع الى ذنب ولا عود
في خطيئة توبة نصوحا خلصت من الشك والارتياب فتقبلها منا وارض بها
عنا وثبتنا عليها اللهم ارزقنا خوف عقاب الوعيد وشوق ثواب الموعود حتى نجد لذة
ما ندعوك له به وكآبة ما نستجيرك منه واجعلنا عندك من التوابين الذين
اوجبت لهم محبتك وقبلت منهم مراجعة طاعتك يا اعدل العادلين اللهم تجاوز
عن آبائنا وامهاتنا واهل ديننا جميعا من سلف منهم ومن غبر الى يوم القيمة اللهم
وصل على نبينا وآله كما صليت على ملائكتك المقربين وانبيائك المطهرين وعبادك
الصالحين وسلم على آله كما سلمت على آل يس وصل عليهم اجمعين صلوة تبلغنا بركتها
وينالنا نفعها ويغمرنا باسرها ويستجاب بها دعاؤنا انك اكرم من رغب اليه
واعطى من سئل من فضله وانت على كل شيء قدير **سوم** سيد ابن طاوس طاب ثراه در
كتاب

او انتهكنا
فصل على محمد وآله
السن الطاعنين
وفطرنا
للذنب
من
واجزلهم قسما فيه واوفرهم حظا منه
حرمته
حق حفظها
وقام بحدوده حق
قيامها
تنفد
وان عطاءك للعطاء المهنا
صل على محمد وآله
للمؤمنين
ومجمعا
صلى الله عليه وآله
ومخرجا
ومزيلا
بعود بعدها
الاعدلين
محمد
وانبيائك المرسلين
وافضل من ذلك
يا رب العالمين
واكفى من توكل عليه

در كتاب اقبال بسند خود از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه روايت نموده است
كه هر كه وداع كند ماه رمضان را در شب آخر آن باين دعا حق تعالى او را بيامرزد پيش از آنكه صبح آن
طالع شود و او را توبه و انابه روزى ميفرمايد و دعا اين است اللهم لا تجعله آخر
العهد من صيامي لشهر رمضان واعوذ بك ان يطلع فجر هذه الليلة الا وقد غفرت
لي **چهارم ايضا** سيد در كتاب مذكور گفته كه اين دعا را براى وداع ماه رمضان در كتب عنوان
يافتم الحمد لله على نعمه المتظاهرة وآلائه الحسنة الجميلة على ما اولانا وخصنا بكرامته
ايانا وفضله وعلى ما انعم به علينا وتصرم شهرنا المبارك مقضيا عنا ما افترض
علينا من صيامه وقيامه اسالك ان تصلي على محمد وآله الطاهرين الطيبين الذين
اذهبت عنهم الرجس وطهرتهم تطهيرا وان تتقبل منا وان ترزقنا ما توسمنا من الاجر
وتعطينا ما املنا ورجونا فيه من الثواب وان تزكي اعمالنا وتتقبل احساننا
فانك ولي النعمة كلها واليك الرغبة بجودك وكرمك آمين رب العالمين **پنجم**
ايضا سيد در كتاب مذكور گفته كه از نسخه عتيقه كه بخط رضى موسوى رضى الله عنه بود اين
دعا را براى وداع ماه مبارك رمضان يافتم اللهم اني اسالك باحب ما دعيت
به وارضى ما رضيت به عن محمد وعن اهل بيت محمد عليه وعليهم السلام ان تصلي عليه
وعليهم ولا تجعل آخر وداع شهري هذا وداع خروجي من الدنيا ولا وداع آخر عبادتك
ووفقني فيه لليلة القدر واجعلها لي خيرا من الف شهر مع تضاعيف الاجر والاجابة
والعفو عن الذنب برضى الرب پس سيد گفته كه در عقب اين وداع اين دعا يافته شده
و اين دعا را نقل نموده اللهم اني اسالك يا مبدئ البلايا ويا مصور البرايا ويا خالق
السماء ويا اله من بقي ومن مضى ويا من رفع السماء وسطح الارض ويا من تبعث
ارواح اهل البلاء بقدرتك وسلطانك على عبادك واماتك الاذلاء ويا من تبعث
الموتى وتميت الاحياء وتحيي الموتى وانت رب الشعرى ومناة الثالثة الاخرى
صل على محمد وعلى اهل بيت محمد صلوة تكون لك رضى وارزقني بمنزلته ومنزلتهم
في هذا الشهر المبارك النهى والتقى والصبر عند البلاء والعون على القضاء واحيني

من اهل العافية والمعافاة وهب لي يقين اهل التقى واعمال اهل النهى فانك تعلم يا الهي
ضعفي عند البلاء فاستجب لي في شهرك الذي عظمت بركته الدعاء واجعلني الهي في الدين
والدنيا والآخرة مع من اتوالى واتولى ولا تلحقني عن محبتي من اهل الجود في هذه الدنيا
واجعلني مع محمد واهل بيته عليه وعليهم السلام في كل عافية وبلاء وكل شدة ورخاء
احشرني معهم يوم تحشر الناس ضحى وامنن علي بمنزلته ومنزلتهم عذاب الآخرة
وخزي الدنيا وفقرها وفاقتها والبلاء يا مولاياه يا ولي نعماه آمين آمين يا ربنا
پس صلوات بر محمد و اهل بيت او صلى الله عليه وعليهم بفرست وحوائج خود را بطلب كه برآورده
ميشود انشاء الله تعالى **ششم** كفعمى رضى الله عنه در كتاب جنة الامان وبلد الامين اين دعا را براى وداع
نقل نموده است الحمد لله الذي بلغنا شهر رمضان واعاننا على صيامه وقيامه حتى
اخر ليلة منه ولم يبتلنا فيه بارتكاب محرم ولا انتهاك حرمة ولا اكل ربا ولا بعقوق
والدين ولا قطع رحم ولا بشيء من البوائق والكبائر وانواع البلايا التي قد ابتلي بها
من هو خير مني اللهم فلك الحمد شكرا على ما عافيتني وحسن ما ابليتني الهي اثني
عليك احسن الثناء لان بلائك عندي احسن البلاء اوقرتني نعما واوقرت نفسي ذنوبا
كم من نعمة لك يا سيدي اسبغتها علي لم اؤد شكرها وكم من خطيئة احصيتها علي
استحيي من ذكرها واخاف جزائها واحذر معرتها ان لم تعف لي عنها اكن من الخاسرين
الهي فاني اعترف لك بذنوبي واذكر لك حاجتي واشكو اليك مسكنتي وفاقتي وقسوة
قلبي وميل نفسي فانك قلت فما استكانوا لربهم وما يتضرعون وها انا ذا استجرت
بك وقعدت بين يديك مستكينا متضرعا اليك راجيا لما اريد من الثواب بصيامي
وصلواتي وقد عرفت حاجتي ومسكنتي الى رحمتك والثبات على هداك وقد هربت
اليك هرب العبد السوء الى المولى الكريم يا مولاي وتقربت اليك فاسالك
بوحدانيتك لما صليت على محمد وآل محمد صلوة كثيرة كريمة شريفة توجب لي بها
شفاعتهم في القيمة عندك وصليت على ملائكتك المقربين وانبيائك المرسلين
واسالك بحقك عليهم اجمعين لما غفرت لي في هذا اليوم مغفرة لا اشقى بعدها
ابدا

ابدا انك على كل شيء قدير وصلى الله على محمد وآله كثيرا ورحمة الله وبركاته **هفتم** محمد
بن يعقوب كلينى در كتاب كافى بسند خود از ابى بصير روايت كرده كه او از حضرت امام جعفر
صادق عليه السلام اين دعا را براى وداع ماه مبارك رمضان روايت نموده است اللهم انك
قلت في كتابك المنزل على لسان نبيك المرسل صلواتك عليه وآله وقولك حق شهر
رمضان الذي انزل فيه القرآن هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان وهذا شهر
رمضان قد تصرم فاسالك بوجهك الكريم وكلماتك التامة وجمالك وبهائك
وعلوك وارتفاعك فوق عرشك ان تصلي على محمد وآل محمد وان كان بقي علي ذنب لم
تغفره لي او تريد ان تعذبني عليه او تقايسني به ان لا يطلع فجر هذه الليلة او يتصرم
هذا الشهر الا وقد غفرته لي يا ارحم الراحمين اللهم لك الحمد بمحامدك كلها اولها
وآخرها ما قلت لنفسك منها وما قال لك الخلائق الحامدون المجتهدون المعدودون
المؤثرون في ذكرك والشكر لك الذين اعنتهم على اداء حقك من اصناف خلقك
من الملائكة المقربين والنبيين والمرسلين واصناف الناطقين المسبحين لك من
جميع العالمين على انك قد بلغتنا شهر رمضان وعلينا من نعمك وعندنا من جزيل
قسمك واحسانك وتظاهر امتنانك فبذلك لك منتهى الحمد الخالد الدائم الراكد
المخلد السرمد الذي لا ينفد طول الابد جل ثناؤك اعنتنا عليه حتى قضيت عنا صيامه
وقيامه من صلوة وما كان منا فيه من بر او شكر او ذكر اللهم فتقبله منا باحسن
تقبلك وتجاوزك وعفوك وصفحك وغفرانك وحقيقة رضوانك حتى تظفرنا
فيه بكل خير مطلوب وجزيل عطاء موهوب وتوقينا فيه من كل امر مرهوب وذنب
مكسوب اللهم اني اسالك بعظيم ما سالك احد من خلقك من كريم اسمائك
وجزيل ثنائك وخاصة دعائك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل شهرنا هذا اعظم
شهر رمضان مر علينا منذ انزلتنا الى الدنيا بركة في عصمة ديني وخلاص نفسي
وقضاء حاجتي وتشفعني في مسائلي وتمام النعمة علي وصرف السوء عني ولباس
العافية لي وان تجعلني برحمتك ممن حزت له ليلة القدر وجعلتها له خيرا من الف شهر

بدانكه در اين دعا اختلاف بسيار در نقل شده چنانچه شيخ طوسى طاب ثراه در مصباح و سيد ابن طاوس در كتاب اقبال و كفعمى در جنة الامان و بلد الامين و سيد طاب ثراه در كتاب مصباح الصالح تمام دعا را نقل نموده اند و كلينى نصف اول را نقل نموده و سيد در اقبال نصف آخر را نقل نموده
اللهم
نظفرنا
وتشفعني

فِي اعْظَمِ الْاَجْرِ وَكَرِيمِ الذُّخْرِ وَطُولِ الْعُمْرِ وَحُسْنِ الشُّكْرِ وَدَوَامِ الْيُسْرِ اللّٰهُمَّ وَاَسْاَلُكَ
بِرَحْمَتِكَ وَطَوْلِكَ وَعَفْوِكَ وَنَعْمَائِكَ وَجَلَالِكَ وَقَدِيمِ اِحْسَانِكَ وَامْتِنَانِكَ اَنْ لَا تَجْعَلَهُ وبركاتك
اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنَّا لِشَهْرِ رَمَضَانَ حَتّٰى تُبَلِّغَنَاهُ مِنْ قَابِلٍ عَلٰى اَحْسَنِ حَالٍ وَتُعَرِّفَنِي هِلَالَهُ مَعَ النَّا
ظِرِينَ اِلَيْهِ وَالْمُتَعَرِّفِينَ لَهُ فِي اَعْفَى عَافِيَتِكَ وَاَتَمِّ نِعْمَتِكَ وَاَوْسَعِ رَحْمَتِكَ وَاَجْزَلِ قِسَمِكَ
اللّٰهُمَّ يَا رَبِّيَ الَّذِي لَيْسَ لِي رَبٌّ غَيْرُهُ لَا يَكُونُ هٰذَا الْوَدَاعُ مِنِّي وَدَاعَ فَنَاءٍ وَلَا اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنَ
اللِّقَاءِ حَتّٰى تُرِيَنِيهِ مِنْ قَابِلٍ فِي اَسْبَغِ النِّعَمِ وَاَفْضَلِ الرَّجَاءِ وَاَنَا لَكَ عَلٰى اَحْسَنِ الْوَفَاءِ اِنَّكَ
سَمِيعُ الدُّعَاءِ اللّٰهُمَّ اسْمَعْ دُعَائِي وَارْحَمْ تَضَرُّعِي وَتَذَلُّلِي لَكَ وَاسْتِكَانَتِي لَكَ وَتَوَكُّلِي
عَلَيْكَ وَاَنَا لَكَ مُسَلِّمٌ لَا اَرْجُو نَجَاحًا وَلَا مُعَافَاةً وَلَا تَشْرِيفًا وَلَا تَبْلِيغًا اِلَّا بِكَ وَمِنْكَ
فَامْنُنْ عَلَيَّ جَلَّ ثَنَاؤُكَ وَتَقَدَّسَتْ اَسْمَاؤُكَ بِتَبْلِيغِي شَهْرَ رَمَضَانَ وَاَنَا مُعَافًى فِي كُلِّ
مَكْرُوهٍ وَمَحْذُورٍ وَمِنْ جَمِيعِ الْبَوَائِقِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اَعَانَنَا عَلٰى صِيَامِ هٰذَا الشَّهْرِ وَقِيَامِهِ
حَتّٰى بَلَّغَنَا اٰخِرَ لَيْلَةٍ مِنْهُ وشیخ طوسی قدس الله روحه در کتاب تهذیب بسند دیگر نیز از ابی
ابی بصیر از انحضرت صلوات الله علیه همین دعا را روایت نموده و در روایت ابن زیاده
موجودات اللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ بِاَحَبِّ مَا دُعِيتَ بِهِ وَاَرْضٰى مَا رَضِيتَ بِهِ عَنْ مُحَمَّدٍ
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاَنْ لَا تَجْعَلَ وَدَاعِي وَدَاعَ شَهْرِ رَمَضَانَ وَدَاعَ خُرُوجِي
مِنَ الدُّنْيَا وَلَا وَدَاعَ اٰخِرِ عِبَادَتِكَ فِيهِ وَلَا اٰخِرِ صَوْمِي لَكَ وَارْزُقْنِي الْعَوْدَ فِيهِ ثُمَّ
الْعَوْدَ فِيهِ بِرَحْمَتِكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ وَوَفِّقْنِي فِيهِ لِلَيْلَةِ الْقَدْرِ وَاجْعَلْهَا لِي خَيْرًا مِنْ
اَلْفِ شَهْرٍ رَبَّ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْجِبَالِ وَالْبِحَارِ وَالظُّلَمِ وَالْاَنْوَارِ وَالْاَرْضِ وَالسَّمَاءِ
يَا بَارِئُ يَا مُصَوِّرُ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا قَيُّومُ يَا بَدِيعُ لَكَ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى السموات بالحکم خ ل
وَالْاَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْاٰلَاءُ اَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ
وَاِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَاِسَاءَتِي مَغْفُورَةً وَاَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَاِيمَانًا لَا
يَشُوبُهُ شَكٌّ وَرِضًى بِمَا قَسَمْتَ لِي وَاَنْ تُؤْتِيَنِي فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَاَنْ
تَقِيَنِي عَذَابَ النَّارِ اللّٰهُمَّ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْاَمْرِ الْمَحْتُومِ وَفِيمَا تَفْرُقُ مِنَ الْاَمْرِ
الحكيم

ذنوبهم خ ل اَلْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ وَلَا يُغَيَّرُ اَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ
بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتُهُمْ
ان تطيل عمري خ ل وَاجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ اَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللّٰهُمَّ اِنِّي
اَسْاَلُكَ وَلَمْ يُسْاَلِ الْعِبَادُ مِثْلَكَ جُودًا وَكَرَمًا وَاَرْغَبُ اِلَيْكَ وَلَمْ يُرْغَبْ اِلٰى مِثْلِكَ
اَنْتَ مَوْضِعُ مَسْاَلَةِ السَّائِلِينَ وَمُنْتَهٰى رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ اَسْاَلُكَ بِاَعْظَمِ الْمَسَائِلِ كُلِّهَا
وَاَفْضَلِهَا وَاَنْجَحِهَا الَّتِي يَنْبَغِي لِلْعِبَادِ اَنْ يَسْاَلُوكَ بِهَا يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ وَبِاَسْمَائِكَ مَا
عَلِمْتُ مِنْهَا وَمَا لَمْ اَعْلَمْ وَبِاَسْمَائِكَ الْحُسْنٰى وَاَمْثَالِكَ الْعُلْيَا وَبِنِعَمِكَ الَّتِي لَا تُحْصٰى وَ
بِاَكْرَمِ اَسْمَائِكَ عَلَيْكَ وَاَحَبِّهَا اِلَيْكَ وَاَشْرَفِهَا عِنْدَكَ مَنْزِلَةً وَاَقْرَبِهَا مِنْكَ وَسِيلَةً
وَاَجْزَلِهَا مِنْكَ ثَوَابًا وَاَسْرَعِهَا لَدَيْكَ اِجَابَةً وَبِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ
دعاه خ ل الْاَكْبَرِ الْاَجَلِّ الَّذِي تُحِبُّهُ وَتَهْوَاهُ وَتَرْضٰى بِهِ عَمَّنْ دَعَاكَ بِهِ وَتَسْتَجِيبُ لَهُ دُعَاءَهُ وَ
حَقٌّ عَلَيْكَ اَنْ لَا تُخَيِّبَ سَائِلَكَ وَاَسْاَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ فِي التَّوْرٰيةِ وَالْاِنْجِيلِ وَ
الزَّبُورِ وَالْقُرْاٰنِ وَبِكُلِّ اسْمٍ دَعَاكَ بِهِ حَمَلَةُ عَرْشِكَ وَمَلَائِكَةُ سَمٰوَاتِكَ وَجَمِيعُ الْاَصْنَافِ
للمقربين خ ل مِنْ خَلْقِكَ مِنْ نَبِيٍّ اَوْ صِدِّيقٍ اَوْ شَهِيدٍ وَبِحَقِّ الرَّاغِبِينَ الْمُقَرَّبِينَ مِنْكَ الْمُتَعَوِّذِينَ
مقربين خ ل بِكَ وَبِحَقِّ مُجَاوِرِي بَيْتِكَ الْحَرَامِ حُجَّاجًا وَمُعْتَمِرِينَ وَمُقَدِّسِينَ وَالْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِكَ
وَبِحَقِّ كُلِّ عَبْدٍ مُتَعَبِّدٍ لَكَ فِي بَرٍّ اَوْ بَحْرٍ اَوْ سَهْلٍ اَوْ جَبَلٍ اَدْعُوكَ دُعَاءَ مَنْ لَا يَجِدُ لِنَفْسِهِ
قَدِ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ وَكَثُرَتْ ذُنُوبُهُ وَعَظُمَ جُرْمُهُ وَضَعُفَ كَدْحُهُ دُعَاءَ مَنْ لَا يَجِدُ لِنَفْسِهِ
سَادًّا وَلَا لِضَعْفِهِ مُقَوِّيًا وَلَا لِذَنْبِهِ غَافِرًا غَيْرَكَ هَارِبًا مُتَعَوِّذًا بِكَ مُتَعَبِّدًا لَكَ غَيْرَ
مُسْتَكْبِرٍ وَلَا مُسْتَنْكِفٍ خَائِفًا بَائِسًا فَقِيرًا مُسْتَجِيرًا بِكَ وَاَسْاَلُكَ بِعِزَّتِكَ وَعَظَمَتِكَ وَ
جَبَرُوتِكَ وَسُلْطَانِكَ وَبِمُلْكِكَ وَبِبَهَائِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَبِاٰلَائِكَ وَحُسْنِكَ
وَجَمَالِكَ وَبِقُوَّتِكَ عَلٰى مَا اَرَدْتَ مِنْ خَلْقِكَ اَدْعُوكَ يَا رَبِّ خَوْفًا وَطَمَعًا وَرَهْبَةً
وَرَغْبَةً وَتَخَشُّعًا وَتَمَلُّقًا وَتَضَرُّعًا وَاِلْحَافًا وَاِلْحَاحًا خَاضِعًا لَكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَحْدَكَ
لَا شَرِيكَ لَكَ يَا قُدُّوسُ يَا قُدُّوسُ يَا قُدُّوسُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحْمٰنُ
يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ اَعُوذُ بِكَ يَا اَللّٰهُ الْوَاحِدُ

الْاَحَدُ الصَّمَدُ الْوِتْرُ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالُ وَاَسْاَلُكَ بِجَمِيعِ مَا دَعَوْتُكَ بِهِ وَبِاَسْمَائِكَ الَّتِي
تَمْلَاُ اَرْكَانَكَ كُلَّهَا اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَاَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ
الْعَظِيمِ وَتَقَبَّلْ مِنِّي شَهْرَ رَمَضَانَ وَصِيَامَهُ وَقِيَامَهُ وَفَرْضَهُ وَنَوَافِلَهُ وَاغْفِرْ لِي وَ
ارْحَمْنِي وَاعْفُ عَنِّي وَلَا تَجْعَلْهُ اٰخِرَ شَهْرِ رَمَضَانَ صُمْتُهُ لَكَ وَعَبَدْتُكَ فِيهِ وَلَا تَجْعَلْ
وَدَاعِي اِيَّاهُ وَدَاعَ خُرُوجٍ مِنَ الدُّنْيَا اللّٰهُمَّ اَوْجِبْ لِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ
وَخَشْيَتِكَ اَفْضَلَ مَا اَعْطَيْتَ اَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ فِيهِ اللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي اَخْسَرَ مَنْ
سَاَلَكَ فِيهِ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ اَعْتَقْتَهُ فِي هٰذَا الشَّهْرِ مِنَ النَّارِ وَغَفَرْتَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ
مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَاَخَّرَ وَاَوْجَبْتَ لَهُ اَفْضَلَ مَا رَجَاكَ وَاَمَّلَهُ مِنْكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
اللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي الْعَوْدَ فِي صِيَامِهِ لَكَ وَعِبَادَتِكَ فِيهِ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ كَتَبْتَهُ فِي هٰذَا
الشَّهْرِ مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَغْفُورِ لَهُمْ ذَنْبُهُمُ الْمُتَقَبَّلِ عَمَلُهُمْ اٰمِينَ
اٰمِينَ اٰمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ اللّٰهُمَّ لَا تَدَعْ لِي فِيهِ ذَنْبًا اِلَّا غَفَرْتَهُ وَلَا خَطِيئَةً اِلَّا مَحَوْتَهَا
وَلَا عَثْرَةً اِلَّا اَقَلْتَهَا وَلَا دَيْنًا اِلَّا قَضَيْتَهُ وَلَا عَيْلَةً اِلَّا اَغْنَيْتَهَا وَلَا هَمًّا اِلَّا فَرَّجْتَهُ
وَلَا فَاقَةً اِلَّا سَدَدْتَهَا وَلَا عُرْيَانًا اِلَّا كَسَوْتَهُ وَلَا مَرِيضًا اِلَّا شَفَيْتَهُ وَلَا دَاءً اِلَّا اَذْهَبْتَهُ
وَلَا حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ اِلَّا قَضَيْتَهَا عَلٰى اَفْضَلِ اَمَلِي وَرَجَائِي فِيكَ يَا اَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ اللّٰهُمَّ لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنَا وَلَا تُذِلَّنَا بَعْدَ اِذْ اَعْزَزْتَنَا وَلَا تَضَعْنَا
بَعْدَ اِذْ رَفَعْتَنَا وَلَا تُهِنَّا بَعْدَ اِذْ اَكْرَمْتَنَا وَلَا تُفْقِرْنَا بَعْدَ اِذْ اَغْنَيْتَنَا وَلَا تَمْنَعْنَا بَعْدَ اِذْ
اَعْطَيْتَنَا وَلَا تَحْرِمْنَا بَعْدَ اِذْ رَزَقْتَنَا وَلَا تُغَيِّرْ شَيْئًا مِنْ نِعَمِكَ عَلَيْنَا وَاِحْسَانِكَ اِلَيْنَا
كَانَ مِنْ ذُنُوبِنَا وَلَا لِمَا هُوَ كَائِنٌ مِنَّا فَاِنَّ فِي كَرَمِكَ وَعَفْوِكَ وَفَضْلِكَ سَعَةً لِمَغْفِرَةِ
ذُنُوبِنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَتَجَاوَزْ عَنَّا وَلَا تُعَاقِبْنَا عَلَيْهَا يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللّٰهُمَّ اَكْرِمْنِي
فِي مَجْلِسِي هٰذَا كَرَامَةً لَا تُهِنِّي بَعْدَهَا اَبَدًا وَاَعِزَّنِي عِزًّا لَا تُذِلُّنِي بَعْدَهُ اَبَدًا وَعَافِنِي
عَافِيَةً لَا تَبْتَلِيَنِي بَعْدَهَا اَبَدًا وَارْفَعْنِي رِفْعَةً لَا تَضَعُنِي بَعْدَهَا اَبَدًا وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّ
كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ وَشَرَّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَشَرَّ كُلِّ قَرِيبٍ اَوْ بَعِيدٍ وَشَرَّ كُلِّ صَغِيرٍ اَوْ كَبِيرٍ وَ
شَرَّ كُلِّ دَابَّةٍ اَنْتَ اٰخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا اِنَّ رَبِّي عَلٰى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ اللّٰهُمَّ مَا كَانَ فِي قَلْبِي مِنْ
شك

شَكٍّ اَوْ رِيبَةٍ اَوْ جُحُودٍ اَوْ قُنُوطٍ اَوْ فَرَحٍ اَوْ فُسُوقٍ اَوْ قَرَحٍ اَوْ مَرَحٍ اَوْ بَطَرٍ اَوْ فَرَحٍ
اَوْ بَذَخٍ اَوْ خُيَلَاءَ اَوْ رِيَاءٍ اَوْ سُمْعَةٍ اَوْ شِقَاقٍ اَوْ نِفَاقٍ اَوْ كُفْرٍ اَوْ فُسُوقٍ اَوْ مَعْصِيَةٍ
اَوْ كِبْرٍ اَوْ عُجْبٍ عَلَيْهِ وَلِيًّا لَكَ فَاَسْاَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَمْحُوَهُ مِنْ قَلْبِي
وَتُبَدِّلَنِي مَكَانَهُ اِيمَانًا بِوَعْدِكَ وَرِضًى بِقَضَائِكَ وَوَفَاءً بِعَهْدِكَ وَوَجَلًا مِنْكَ وَزُ
هْدًا فِي الدُّنْيَا وَرَغْبَةً فِيمَا عِنْدَكَ وَثِقَةً بِكَ وَطُمَاْنِينَةً اِلَيْكَ وَتَوْبَةً نَصُوحًا
اِلَيْكَ اللّٰهُمَّ اِنْ كُنْتَ بَلَّغْتَنَاهُ وَاِلَّا فَاَخِّرْ عَنَّا اٰجَالَنَا اِلٰى قَابِلٍ حَتّٰى تُبَلِّغَنَاهُ فِي
عليهم صلوة نامية لا انقطاع لها منها وصلى خ ل يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ كَثِيرًا وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَ
بَرَكَاتُهُ مؤلف گوید که محتمل است که دعای اخر جزو دعای اول باشد و از روایت کلینی
رحمه الله ساقط شده باشد و ممکن است که دعای علیحده باشد و در روایت شیخ ابی
بصیر هر دو را روایت نموده باشد والله تعالی یعلم هشتم سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب
اقبال گفته که در کتب دعوات این دعا را برای وداع ماه رمضان یافتم بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَا يُدْرِكُ الْعُلَمَاءُ عِلْمَهُ وَلَا يَسْتَخِفُّ الْجُهَّالُ حِلْمَهُ وَلَا يُحْسِنُ الْقَائِلُونَ صِفَتَهُ
وَلَا يَخْفٰى عَلَيْهِ مَا فِي الصُّدُورِ خَلَقَ خَلْقَهُ مِنْ غَيْرِ اَصْلٍ وَلَا مِثَالٍ بِلَا تَعَبٍ وَلَا نَصَبٍ وَلَا
تَعْلِيمٍ وَرَفَعَ السَّمٰوَاتِ الْمُوَطَّدَاتِ بِلَا اَصْحَابٍ وَلَا اَعْوَانٍ وَبَسَطَ الْاَرْضَ عَلَى الْهَوَاءِ
بِغَيْرِ اَرْكَانٍ عَلِمَ بِغَيْرِ تَعْلِيمٍ وَخَلَقَ بِلَا مِثَالٍ عِلْمُهُ بِخَلْقِهِ قَبْلَ اَنْ يُكَوِّنَهُمْ كَعِلْمِهِ بِهِمْ بَعْدَ
تَكْوِينِهِ لَهُمْ لَمْ يَخْلُقِ الْخَلْقَ لِتَشْدِيدِ سُلْطَانٍ وَلَا لِخَوْفٍ مِنْ زَوَالٍ وَلَا نُقْصَانٍ
وَلَا اسْتِعَانَةٍ بِخَلْقِهِ عَلٰى ضِدٍّ مُكَابِرٍ وَلَا نِدٍّ مُشَاوِرٍ وَمَا لِسُلْطَانِهِ حَدٌّ وَلَا لِمُلْكِهِ نَفَادٌ
تَقَدَّسَ بِنُورِ تَقْدِيسِهِ دَنَا فَعَلَا وَعَلَا فَدَنَا فَلَهُ الْحَمْدُ يَنْتَهِي مِنْ سَمَائِهِ اِلٰى مَا لَا نِهَايَةَ
فِي اعْتِلَائِهِ حَسُنَ ثَنَاؤُهُ وَعَظُمَ جَلَالُهُ وَاَوْضَحَ بُرْهَانُهُ فَلَهُ الْحَمْدُ زِنَةَ الْجِبَالِ ثِقْلًا
وَعَدَدَ الْمَاءِ وَالثَّرٰى وَعَدَدَ مَا يُرٰى وَمَا لَا يُرٰى الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي كَانَ اِذْ لَمْ تَكُنْ اَرْضٌ
مَدْحِيَّةٌ وَلَا سَمَاءٌ مَبْنِيَّةٌ وَلَا جِبَالٌ مُرْسِيَةٌ وَلَا شَمْسٌ تَجْرِي وَلَا قَمَرٌ يَسْرِي وَلَا لَيْلٌ
يَجِي وَلَا نَهَارٌ يُضِيءُ الْغَنِيُّ بِحَمْدِهِ عَنْ حَمْدِ غَيْرِهِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي تَفَرَّدَ بِالْحَمْدِ وَدَعَا بِهِ فَهُوَ
وَلِيُّ الْحَمْدِ وَمُنْشِئُهُ وَخَالِقُهُ وَوَاهِبُهُ فَلَكَ فَهْمٌ وَحُكْمٌ وَعَدْلٌ وَاَضَاءَ فَاسْتَنَارَ

من كمل الحمد وقراره ومنه مبداه واليه منتهاه استخلص الحمد لنفسه ورضي به من حمده فهو الواحد بلا شبه الدائم بلا مدة المنفرد بالقوة المتوحد بالقدرة لم يزل ملكه عظيما ومنه قديما وقوله رحيما واسماؤه ظاهرة رضي من عباده بعد الصنع ان قالوا الحمد لله رب العالمين والحمد لله مثل جميع ما خلق وزنته واضعاف ذلك اضعافا لا تحصى على جميع نعمه وعلى ما هدانا واتانا وقوانا به على صيام شهرنا هذا ومن علينا بقيام بعض ليله واتانا ما لم نسأله ولم نستوجبه باعمالنا فلك الحمد اللهم ربنا فانت مننت علينا في شهرنا هذا بترك لذاتنا واجتناب شهواتنا وذلك من منك علينا الامن منا عليك ربنا فليس اعظم الامرين علينا فليس نحول اجسامنا ونصب ابداننا ولكن اعظم الامرين واجل المصائب عندنا ان خرجنا من شهرنا هذا محتسبين الخيبة محرومين قد خاب طمعنا وكذب ظننا فيما من له صمنا ووعده صدقنا وامره اتبعنا واليه رغبنا لا تجعل الحرمان حظنا ولا الخيبة جزائنا فانك ان حرمتنا فاهل ذلك نحن لسوء صنيعنا وكثرة خطايانا وان تعف عنا ربنا وتقض حوائجنا فانت اهل ذلك مولانا فطال ما بالعفو عند الذنوب استقبلتنا وبالرحمة لدا استجاب عقوبتك واد بكنا وبالتجاوز والستر عند ارتكاب معاصيك كافيتنا وبالضعف والوهن وكثرة الذنوب والعود فيها عرفتنا وبالتجاوز والعفو عرفناك ربنا فمن علينا بعفوك يا كريم فقد عظمت مصيبتنا وكثر اسفنا على مفارقة شهر كبر فيه املنا فقد خفي علينا على اي الحالات فارقنا وباي الزاد منه خرجنا باخيفاب الجنة لسوء صنيعنا بجزيل عطائك بمنك مولانا وسيدنا فعلى شهر صومنا العظيم فيه رجاؤنا السلام فلو عقلنا مصيبتنا لمفارقة شهر ايام صومنا على ضعف اجتهادنا فيه لاشتد لذلك حزننا وعظم على ما فاتنا فيه من الاجتهاد تلهفنا اللهم فاجعل عوضنا من شهر صومنا مغفرتك ورحمتك ربنا وان كنت رحمتنا في شهرنا هذا فذلك ظننا واملنا وتلك حاجتنا فازددنا رضا وان كنا حرمنا ذلك بذنوبنا فمن الان ربنا لا تفرق جماعتنا حتى تشهد لنا

بعفونا

يقينا وتعطينا فوق املنا وتزيد فوق طلبتنا وتجعل شهرنا هذا امانا لنا من عذابك وعصمت لنا ما ابقيتنا وان انت بلغتنا شهر رمضان ايضا فبلغنا غير عائدين في شيء مما تكره ولا مخالفين لشيء مما تحب ثم بارك لنا فيه واجعلنا اسعد اهله به وان انت اجالنا دون ذلك فاجعل الجنة منقلبنا ومصيرنا واجعل شهرنا هذا امانا لنا من اهوال ما نرد عليه واجعل خروجنا الى مصلانا ومجتمعنا خروجا من جميع ذنوبنا ودلوجا في سابغات رحمتك واجعلنا اوجه من توجه اليك واقرب من تقرب اليك وانجح من سئلك فاعطيته ودعاك فاجبته واقلبنا من مصلانا وقد غفرت لنا ما سلف من ذنوبنا وعصمتنا في بقية اعمارنا واسعفتنا بحوائجنا واعطيتنا جميع خير الاخرة والدنيا ثم لا تعدنا في ذنب ولا معصية ابدا ولا تطعمنا رزقا نكرهه ابدا واجعل لنا في الحلال مفسحا ومتسعا اللهم وبلغ نبيك الحبيب الكريم الراسخ له في قلوب امته خالص المحبة لصفو نصيحته لهم وشدة شفقته عليهم وتبليغه رسالاتك وصبره في ذاتك وتحننه على المؤمنين من عبادك فاجزه اللهم عنا افضل ما جزيت نبيا عن امته وصل عليه عدد كلماتك التامات انت وملائكتك وارفعه الى على الدرج واشرف الغرف حيث يغبطه الاولون والاخرون وانظر وجوهنا بالنظر اليه في جنانك واقر اعيننا واسقنا من حوضه ريا لا ظما بعده ولا شقاء وبلغ روحه منك تحية وسلاما منا مستشهدا له بالبلاغ والنصيحة اللهم وصل على جميع انبيائك ورسلك وبلغ ارواحهم منا السلام وشهادتنا لهم بالنصيحة والبلاغ وصل على ملائكتك اجمعين واجز نبينا عنا افضل الجزاء اللهم اغفر لنا ولمن ولدنا من المؤمنين والمؤمنات الاحياء منهم والاموات وادخل على اسلافنا من اهل الايمان الروح والرحمة والضياء والمغفرة اللهم انصر جيوش المسلمين واستنقذ سائرهم واجعل جائزتك لهم جنات النعيم اللهم اطو للحجاج بيتك الحرام وعمار البعد وسهل لهم الحزن وارجعهم غانمين من كل بر مغفورا لهم كل ذنب ومن اوجبت عليه الحج من امة محمد صلى الله عليه واله فيسر له ذلك واقض عنه فريضتك

وتقبلها منه امين رب العالمين اللهم وفرج عن مكروب في امة احمد صلى الله عليه ومن كان منهم في غم او هم او ضنك او مرض ففرج عنه واعظم اجره اللهم وكما سالتك وافعل ذلك بنا وبجميع المؤمنين والمؤمنات واشركنا في صالح دعائهم واشركهم في صالح دعائنا اللهم لنجعل بعضنا على بعض بركة اللهم وما سالناك ولم نسئلك من جميع الخير كله فاعطناه وما نعوذ بك منه او لم نعذ من جميع الشر كله فاعذنا منه برحمتك واتنا في الدنيا حسنة وفي الاخرة حسنة وقنا عذاب النار اللهم واجمع لنا خير الاخرة والدنيا واعذنا من شرهما يا ارحم الراحمين خزينه چهارم

از كتاب خزائن الجواهر السلطاني دربيان فضايل واعمال ماه شوال است وابن خزينه

بچند باب مفتوح ميگردد باب اول دربيان فضيلت اين ماه است بدانكه اينماه در ميان شهور متوسطه اشرف از ساير ماهها است واول ماه حج است ودر بيان وجه تسميه اينماه بشوال در كتب علما دو وجه بنظر رسيده اول سيد ابن طاوس قدس الله روحه الشريف دركتاب اقبال از صاحب كتاب دستور المذكورين ومنشور المتعبدين نقل نموده كه او بسند خود از حضرت رسول خدا صلى الله عليه واله روايت نموده است كه بخدمت ان بزرگوار عرض كردند كه يا رسول الله صلى الله عليه واله شهر رمضان چه معني دارد فرمود كه حق تعالى گناهان مومنين را در اين ماه گداخته وامرزيده است همه را براى ايشان پس عرض كردند كه شوال چه معني دارد فرمود كه گناهان ايشان برطرف شد پس باقى نماند گناهى مگر انكه امرزيده شد مولف گويد كه سيد بعد از ذكر اين روايت از صاحب كتاب مذكور نقل نموده است كه بنابراين شوال مشتق از شال بمعنى ارتفع است وچون كسى كه وظايف تمام ماه مبارك رمضان را از طاعات وعبادات حسب الواقع بعمل اورد گناهان او همگى امرزيده ميشود پس بعد از انقضاء ماه رمضان كه مستلزم دخول ماه شوال است گناهان او همگى رفع شده است دويم صاحب كتاب صحاح گفته كه شوال مشتق از شول بمعنى خفت وسبكى است وچون اعمال اين ماه قليل وسبك است لهذا از اين باين اسم ناميده اند والله تعالى يعلم وبدانكه روزه اينماه نيز فضيلت عظيم دارد چنانچه سيد ابن طاوس رضى الله عنه در كتاب

اقبال

اقبال از صاحب كتاب دستور المذكرين نقل نموده كه او بسند خود از رسول خدا صلى الله عليه واله روايت نموده است كه هركه روزه بدارد ماه رمضان وماه شوال را وچهار شنبه وسط وپنجشنبه اول واخر از ده ماه ديگر را داخل بهشت شود وايضا سيد ديگر روايت كرده است كه عبيد قرشى از رسول خدا صلى الله عليه واله سؤال نمود كه يا نبي الله تمام دهر را روزه بدارم پس حضرت ساكت شد پس بار ديگر همين سؤال را نمود كه يا نبي الله تمام دهر را روزه بدارم پس حضرت ساكت شد ودر مرتبه سيم فرمود كه كى اين سؤال را از من نمود عبيد گفت يا رسول الله صلى الله عليه واله من سؤال نمودم پس حضرت فرمود كه بدرستى كه براى اهل تو حقى هست روزه بدار ماه رمضان وماه بعد از ان وچهار شنبه وسط وپنجشنبه اول واخر ماه ديگر را هرگاه چنين كنى گويا تمام سال را روزه داشته مولف گويد كه مراد از روزه اينماه بغير روز عيد است زيرا كه روزه ان حرام است باجماع مسلمانان ودر باب روزه شش روز بعد از عيد خلاف است وبعد از اين مذكور خواهد شد انشاء الله تعالى باب دويم در بيان اداب ديدن هلال اين ماه است واچه در اين باب در كتب علما بنظر رسيده دو چيز است اول سيد ابن طاوس طاب ثراه در كتاب اقبال براى ديدن هلال اين دعا را خود انشا نموده است اللهم انك قد مننت علينا بضياء البصائر والابصار حتى عرفتنا ما بلغتنا اليه من الاسرار والاعتبار وشاهدنا هلال شوال وهو من شهور التعظيم والاجلال لتفضل علينا بجودك والعفو ووفقنا للمصاحبة بما يقربنا اليك وشرفنا فيه بتمام اقبالنا عليك واجعله لنا من اهل السعود والاقبال بجميع الاحوال والاعمال والاقوال وكما خلعت علينا خلع التوفيق للظفر بنصره وخيره واجعل ساعاته وايامه علينا بركات الاحسان البالغة حتى تدرك بنا عبدك وعنايتك افضل ما ادركه احد فيه من مزيدك وعفوك ورضوانك برحمتك وابدا بكل ما تريد البداة به في الدعوات واشرك معنا من يعز علينا من الاهل وذوي المودات والمحفوظات يا ارحم الراحمين دويم سيد جليل نبيل امير محمد باقر داماد قدس الله روحه در مجموعه خود نوشته كه در وقت ديدن هلال ماه شوال در انگشترى

نیز روزه نگاه کند مؤلف گوید که چون این دو امر عجیب در روایتی و حدیثی وارد نشده
و ادعیه و ادابی که در هر ماهی بعمل توان آورد در روایات معتبره وارد شده است
بهتر آنست که بانها عمل شود و الله تعالی یعلم باب ششم در بیان اعمال شب عید فطر است
بدانکه این شب در نهایت فضیلت و کمال حرمتست و یکی از لیالی اربع سال بلکه
افضل از همه است و بعد از شب قدر دیگر شبی بفضیلت این شب نیست و نماز و دعا و تضرع
و استغاثه و عبادت در آن شب ثواب عظیم دارد چنانچه در حدیث سابق مذکور
شد این شب متمم شب قدر است و باین جهة مدخلیت تمام در ربط عظیم شب قدر دارد
و حق تعالی ثواب بندگان و روزه داران ماه مبارک رمضان را در این شب و روز آن
عطا میفرماید و احادیث و اخبار در فضیلت آن و ثواب عبادت آن بسیار است چنانچه اکثر
آنها در ضمن اعمال مذکور میشود ان شاء الله تعالی و اعمال این شب چنانچه از تتبع روایات
ظاهر میشود چند امر است اول احیا داشتن آن بعبادت چنانچه شیخ طوسی رضی الله عنه
از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از پدر بزرگوار خود علیه السلام روایت
کرده است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را خوش می آید که در سال چهار شب خود را
برای خدا فارغ سازد و بعبادت مشغول باشد شب اول رجب و شب نیمه شعبان و شب
عید قربان و ایضاً سید ابن باقی در کتاب اختیار و کفعمی در بلد الامین از حضرت
صادق علیه السلام روایت کرده اند که فرمود که سه شب است که سزاوار است که بندگان
نخوابند در آنها و مشغول عبادت حق تعالی باشند عرض کردند که کدام است آن شبها
فرمودند که شب بیست و سیم ماه رمضان و شب عید فطر و شب مزدلفه و ایضاً شیخ
صدوق ابن بابویه در ثواب الاعمال از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که هر که
احیا کند شب فطر را نمیرد دل او در روزی که دلها از ترس بمیرد و در روایتی دیگر شب
عید و شب نیمه شعبان مذکور است و بعضی از روایات این مطلب در شب اول رجب و شب
نیمه شعبان گذشت و بعد از این در شب عید قربان و در ضمن آن مذکور میشود ان شاء الله تعالی
و بدانکه بهتر آنست که این شب را بعبادت در مسجد احیا نماید چنانچه سید ابن طاوس
طاب ثراه

طاب ثراه در کتاب اقبال از حضرت صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش علیه السلام روایت کرده است
که حضرت سید الساجدین صلوات الله علیه شب عید رمضان را تمام احیا میفرمود تا صبح
و تمام این شب را در مسجد بسر میبرد و حضرت امام محمد باقر علیه السلام میفرمود که ای فرزند
این شب کمتر از شب قدر نیست دویم غسل و در این شب دو غسل مستحب است یکی در اول شب و
یکی در آخر آن چنانچه سید ابن باقی در کتاب اختیار و کفعمی در جنة الامان و بلد الامین و بعضی
دیگر تصریح آن نموده اند و شیخ طوسی در مصباح و سید ابن طاوس در کتاب اقبال و دیگران
غسل در این شب را مرسلاً روایت کرده اند و از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که راوی عرض
کرد که فدای تو شوم چه عمل سزاوار است که در شب عید بجا آورم فرمود که چون آفتاب غروب
کند غسل بکن و چون نماز شام و نافله آنرا بجا آوردی دستها را بر دار و بگو و تتمه عمل و تفصیل
روایت آن در عمل پنجم مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی مؤلف گوید که شیخ و ابن
باقی و کفعمی و دیگران همگی وقت این غسل را بعد از غروب آفتاب و قبل از نماز مغرب
نقل کرده اند چنانچه در روایت مذکوره تصریح بان شده است و ظاهراً سر این معنی آنست
که تمام اعمال این شب حتی نماز مغرب را با غسل در یابد و جمعی که تصریح بدو غسل کرده اند
گفته اند که پس غسلی دیگر در آخر شب بکن و در جای نماز خود بنشین تا صبح و سر این معنی نیز
آنست که تا صبح با غسل باشد و نماز صبح را نیز با غسل در یابد و سید در کتاب مذکور گفته
که در روایتی وارد شده است که هر گاه شب عید معلوم شود غسل پیش از غروب باید
کرد و روایت مذکوره که مستند این حکم است مقید بوقتی نیست شاید حدیثی دیگر
در این باب بایشان رسیده باشد و بدانکه حدیثی که در آن تصریح بدو غسل شده باشد
بنظر این بی بضاعت نرسیده و سید در کتاب مذکور گفته که در روایتی وارد شده
که در آخرهای این شب غسل بکند و از این نقل سید چنانچه بعضی فهمیده اند مفهوم میشود
که در این شب دو غسل مستحب باشد یکی در اول شب و یکی در آخر شب و بگمان این قاصر
نقل سید دلالت بر دو غسل ندارد چنانچه محتمل است که مراد سید آن باشد که در روایتی وقت
غسل شب عید در آخر شب وارد شده و حدیثی در این باب بنظر سید رسیده باشد و هرگاه

مراد سید همین غسل می بود می بایست بگوید که در روایتی وارد شده که در آخر شب نیز
غسل بکنند و مؤید این معنی آنکه سید استحباب غسل را نیز مطلقا نقل کرده و بعد از آن
وقت آن غسل بروایت داده که در روایتی اول شب وارد شده و در روایت دیگر آخر
آن و جد علامه ام قدس الله روحه نیز در کتاب زاد المعاد استحباب غسل را در مطلق
شب نقل کرده و وقتی برای او ذکر نکرده سیم آنکه مستحب مؤکد است و ظاهر بعضی وجوب
است که این تکبیرات را بعد از نماز شام و نماز خفتن و نماز صبح روز عید و نماز عید
بگوید و بعضی نماز ظهر و عصر را اضافه کرده اند چنانچه کلینی و ابن بابویه و شیخ طوسی
شکر الله مساعیهم الجمیله بسند خود کالصحیح از سعید نقاش روایت کرده اند که حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام بمن فرمود که بدرستی که در فطر تکبیری هست ولیکن سنت عرض
نمودم که کجا سنت است حضرت فرمود که بعد از نماز شام و خفتن شب عید و صبح
روز عید و نماز عید و بعد از آن قطع میشود عرض نمودم که چگونه بگویم فرمود که
میگوئی اَللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُ اَکْبَرُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُ اَکْبَرُ وَلِلّٰهِ
اَلْحَمْدُ اَللّٰهُ اَکْبَرُ عَلٰی مَا هَدٰینَا و در روایت ابن بابویه نیز این زیادتی هست وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
عَلٰی مَا اَبْلَانَا این است معنی قول خدای تعالی وَلِتُکْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُکَبِّرُوا اللّٰهَ عَلٰی مَا هَدٰیکُمْ
یعنی آنکه تمام و کامل گردانید عدد روزه را و تکبیر حق تعالی بگوئید برای آنکه شما را هدایت
و ثناء عالی بخشیده است و ابن بابویه بعد از ذکر این روایت نقل کرده که در روایت
غیر سعید منقول است که این تکبیر را بعد از نماز ظهر و عصر روز عید نیز میگویند که
مجموع شش نماز باشد و ظاهر مراد و فقره دوی باشد چون در اینجا مذکور است
که بعد از نماز ظهر و عصر نیز تکبیر بگوید و ایضاً کلینی در حدیث کالصحیح حسن از معویة
ابن عمار روایت کرده است که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود
که تکبیر میگوئی در شب عید فطر و صبح آن چنانچه تکبیر میگوئی در عشر و در بعضی از
نسخ بجای العشر العید است و سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال از معویة
ابن عمار روایت کرده است مثل آنچه در روایت سعید گذشت با اندک تغییری و در آن
تصریح

تصریح لیست بودن نیست این روایات وارده در این باب و در کتب اصحاب بکیفیات
دیگر نیز مذکور است و چون سندی برای آنها بنظر نرسیده نقل ننموده مؤلف گوید که در
جامع بزنطی الله اکبر در اول سه نوبت مذکور است و جد علامه ام مولانا محمد تقی
قدس الله روحه در شرح من لا یحضره الفقیه گفته که در تهذیب بخط شیخ نیز تکبیر سه مرتبه منقول است
و کیفیت تکبیری که ابن طاوس نقل نموده مطابق است با آنچه ابن بابویه روایت کرده لیکن
تکبیر قبل از عبارت علی ما هدانا در آن مذکور نیست و ظاهراً از قلم ناسخین ساقط شده
باشد و آنچه وارد شده در روایت دیگر کلینی که تکبیر میگوئی در شب فطر و صبح فطر مثل آنچه
در عشر میگوئی مراد آنست که تکبیر بگو در شب فطر بعد از دو نماز نماز مغرب و عشا و در
صبح فطر بعد از دو نماز نماز صبح روز عید و نماز عید که مجموع چهار نماز باشد چنانچه در
روایت سعید نقاش سابقه تصریح بان شده مثل آنکه تکبیر میگوئی عقب ده نماز در
عید اضحی و در شهرهای غیر منی و بنا بر نسخ عید بجای عشر مراد ظاهراً آنست و الف و لام عهد است
یعنی عید اضحی نظر باشتهار آن در میان اعیاد و تشبیه یا در اصل تکبیر است یا در کیفیت
و بنا بر ثانی منافی نیست با زیادتی عَلٰی مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِیمَةِ الْاَنْعَامِ که در عید اضحی باید
گفت زیرا که مراد آنست که تکبیر هر دو عید یک کیفیت است لیکن مراعات مناسبت
عید اضحی باید کرد بگفتن عَلٰی مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِیمَةِ الْاَنْعَامِ را در آخر و بنا بر آنچه گفتیم در
توجیه لفظ عشر منافاتی باقی نمیماند میان این خبر و خبر نقاش بهیچ وجه و ناخوشی ندارد
و جد علامه ام مولانا محمد تقی مجلسی قدس الله روحه القدوسی در شرح من لا یحضره الفقیه
این حدیث را نقل نموده و در توجیه عشر گفته که محتمل است که مراد عشر ذی الحجه باشد یا
عشر آخر ماه رمضان و همین تکبیر در آنها نیز مستحب باشد و مخفی نماند که هر دو وجه بعید است
زیرا که تکبیر در این دو موضع معهود نیست و مستندی برای استحباب تکبیر در این دو محل
بنظر نرسید و در ضمن اعمال در کتب اصحاب نیز نقل نشده و در کلام امام علیه السلام
تعقید لازم می آید و الله تعالی یعلم فائده بدانکه استحباب این تکبیرات بعد از این
چهار نماز مشهور میان اصحاب است و از سید مرتضی رضی الله عنه قول بوجوب نقل

شده و ابن بابویه نماز عصر و ظهر را اضافه نموده است و ابن جنید گفته که بعد از نوافل این چهار نماز نیز مستحب است و اقرب استحباب است بعد از چهار نماز زیرا که دلیل بر وجوب معلوم نیست و روایات مذکوره دلالت بر زیاده بر استحباب ندارد و روایت نقاش ظاهر بلکه نص در استحباب است و اگر حدیثی دال بر وجوب باشد محمول بر تاکد استحباب خواهد بود جمعاً بین الاخبار و برای قول ابن جنید از نیز ممکن حدیثی که در باب عید اضحی وارد است و در حکم خلاف اصل الکتابه و نص میباید کرد و بالجمله اصح و احوط عمل بمضمون حدیث سعید نقاش است که اصل در این باب و معمول به و نص در مدعی است هر چند عمل بهر یک از اقوال که بکند خوب است زیرا که ذکر خدا بهر وجه نیکو است و محقق در معتبر گفته که شکی نیست که این تکبیر تعظیم و ذکری است برای خدا و ذکر خدای تعالی مستحب است مطلقاً بی مضایقه نیست در زیاده و کمی آن والله تعالی یعلم **چهارم** شیخ کلینی و ابن بابویه و شیخ طوسی قدس الله ارواحهم و سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال از حسن بن راشد روایت کرده اند که گفت عرض کردم بخدمت حضرت صادق علیه السلام که مردم میگویند که مغفرت الهی نازل میشود در ماه رمضان در شب قدر پس حضرت فرمود که ای حسن کارگر مزد خود را بعد از فراغ از شغل میگیرد و فراغ روزه داران در شب عید است پس عرض نمودم که فدایت شوم برای ما چه عمل سزاوار است که در شب عید بجا آوریم فرمود که هر گاه آفتاب غروب کند غسل کن و چون نماز مغرب چهار رکعت نافله از اینجا آوری دستها را بردار و بگو یا ذا المن و الطول یا ذا الجود یا مصطفی محمد و ناصره صل علی محمد و آل محمد و اغفر لی کل ذنب احصیته و هو عندک فی کتاب مبین پس بسجده برو و صد مرتبه بگو اتوب الی الله پس حوائج خود را مسئلت کن که بر آورده میشود انشاء الله تعالی **مؤلف گوید که** دعای مذکور موافق روایت سید است و روایت کلینی و ابن بابویه و شیخ طوسی در تهذیب با روایت سید اختلافی دارد لهذا در حاشیه این را متعرض شده و شیخ در مصباح و سید ابن باقی در کتاب اختیار و کفعمی در جنة الامان و بلد الامین و علامه رحمه الله در منهاج الصلاح نیز این عمل را ذکر نموده اند و دعا را نیز مختلف نقل نموده اند و در اکثر نسخ مصباح

و جنة الامان

و جنة الامان و بلد الامین و منهاج ابن نحو است یا ذا الجلال و الاکرام یا ذا الطول یا مصطفی محمداً و ناصره صل علی محمد و آله و اغفر لی کل ذنب اذنبته و نسیته انا و هو عندک فی کتاب مبین و هم چنین ظاهر روایت سید انجح است و اگر بهر دو طریق خوانده شود بهتر است و بدانکه در روایت مذکوره واقع شده که این عمل را بعد از نافله مغرب بجا آورد و سید ابن باقی و کفعمی در جنة الامان و بلد الامین نیز چنین نقل نموده اند و در روایت کافی و ابن بابویه و شیخ وارد شده که بعد از مغرب این عمل را بجا آورد و در مصباح شیخ نیز چنین است و عمل بر روایت سید بهتر است زیرا که هر گاه این عمل را بعد از نافله بجا آورد صادق است که بعد از نماز مغرب واقع شده و عمل بهر دو روایت نموده با آنکه اگر بعد از مغرب بیفاصله این عمل کرده شود ممکن است وقت نافله مغرب بگذرد و ظاهر آنست که این عمل بلا فاصله بعد از فراغ از نافله مغرب واقع شود چنانچه از روایت ظاهر میشود والله تعالی یعلم **پنجم** سید ابن طاوس رضی الله عنه در کتاب اقبال و کفعمی رحمه الله در کتاب جنة الامان از حارث اعور روایت کرده اند که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله و سلامه علیه در شب عید فطر بعد از نماز مغرب و نافله آن دو رکعت نماز میگذارد و در رکعت اول بعد از حمد سوره قل هو الله احد صد نوبت و در رکعت دویم بعد از حمد سوره قل هو الله احد را یکنوبت میخواند و بعد از سلام بسجده می افتاد و صد نوبت اتوب الی الله میگفت و میفرمود که سوگند بآن خدائی که نفس من در قبضه قدرت اوست که این نماز را نمیکند احدی که بعد از آن از حق تعالی سؤال نماید چیزی را مگر آنکه باو عطا میفرماید هر چند گناهان او بقدر ریگ بیابان عالج بوده باشد **ششم** در کتاب اقبال از کتاب محمد بن موسی تلعکبری نقل نموده است که او از حارث اعور روایت کرده است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در شب عید فطر دو رکعت نماز میفرمود در رکعت اول بعد از حمد سوره قل هو الله احد هزار نوبت و در رکعت دویم بعد از حمد سوره قل هو الله احد یکنوبت میخواند و بعد از سلام بسجده میرفت و صد مرتبه اتوب الی الله میگفت و بعد از

ان این دعا را میخواندند یا ذا المن و الجود یا ذا المن و الطول یا مصطفی محمد صلی الله علیه و آله افعل بی کذا و کذا و بجای و افعل بی کذا و کذا حاجات خود را می طلبید و چون سر از سجده ور میداشت رو را بجانب اصحاب میکرد و میفرمود قسم بآن خدائی که جان من در قبضه قدرت اوست که نمیکند کسی این نماز را مگر آنکه حق تعالی عطا میفرماید باو آنچه را مسئلت نماید و بیامرزد او را حق تعالی هر چند گناهان او بعدد ریگ بیابان عالج بوده باشد **وایضاً** از کتاب عمل شهر رمضان محمد ابن ابی قره نقل نموده است که از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که هر که در شب عید فطر دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت اول حمد و سوره قل هو الله احد هزار نوبت و در رکعت دویم حمد و سوره قل هو الله احد یکنوبت بخواند از حق تعالی چیزی سؤال نمیکند مگر آنکه حق تعالی عطا میفرماید باو **مؤلف گوید که** دو روایت در کتاب جنة الامان کفعمی رضی الله عنه نیز مذکور است و روایت ثانی را با سید موافق نقل نموده و لیکن روایت اول را با نقل سید در دو امر مخالفت دارد **اول** آنکه دعای آخر را نقل نموده **دویم** آنکه این نماز را بعد از نافله مغرب قبل از نماز عشا نقل نموده و در نقل سید وقت آن مطلق شب عید است و چون ضبط سید در نقل بیشتر است اعتماد بر او زیاده است و مؤید نقل سید چند چیز میتواند شد **اول** آنکه مطابق بودن با روایت آخر **دویم** آنکه اگر بعد از نافله مغرب بلا فاصله واقع شود نظر بحال اکثر مردم نماز عشا از وقت فضیلت بیرون میرود **سیم** آنکه علامه رحمه الله نیز در کتاب منهاج الصلاح این نماز را نقل نموده و گفته است که بعد از آنکه نمازهای این شب را کرده باشی این نماز را بکن و ظاهراً بسبب ملاحظه ضیق وقت نماز عشا و اطلاق روایت این را ذکر نموده است و بدانکه ظاهر عبارت کفعمی آنست که این نماز با نماز سابق که صد نوبت سوره قل هو الله احد دارد متحد است و اختلاف عدد سوره از سهو راوی یا ناسی شده است و گمان این بی بضاعت آنست که سبب این اختلاف اختلاف احوال

مردم است

مردم است پس اگر کسی رغبت تمام داشته باشد و کسالت او را عارض نشده باشد طریق دویم را که هزار قل هو الله دارد اختیار نماید و اگر کسالتی بسبب مرض یا غیر آن داشته باشد طریق اول را اختیار نماید که بالمره از آن موهبت محروم نباشد و اثر این معنی در تقیید در طریق ثانی ظاهر میشود والله تعالی یعلم **هفتم** شیخ طوسی و سید ابن طاوس و علامه حلی و کفعمی قدس الله ارواحهم این دعا را برای این شب نقل نموده اند یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا الله یا ملک یا الله یا قدوس یا الله یا سلام یا الله یا مؤمن یا الله یا مهیمن یا الله یا عزیز یا الله یا جبار یا الله یا متکبر یا الله یا خالق یا الله یا باری یا الله یا مصور یا الله یا عالم یا الله یا عظیم یا الله یا کریم یا الله یا حلیم یا الله یا حکیم یا الله یا سمیع یا الله یا بصیر یا الله یا قریب یا الله یا مجیب یا الله یا ماجد یا الله یا واحد یا الله یا ولی یا الله یا وفی یا الله یا مولی یا الله یا قاضی یا الله یا سریع یا الله یا شدید یا الله یا رئوف یا الله یا رقیب یا الله یا مجید یا الله یا جواد یا الله یا ماجد یا الله یا علی یا الله یا محیط یا الله یا سید السادات یا الله یا اول یا الله یا آخر یا الله یا ظاهر یا الله یا باطن یا الله یا قاهر یا الله یا رباه یا الله یا رباه یا الله یا رباه یا الله یا رباه یا الله یا رباه یا الله یا رباه یا الله یا ودود یا الله یا نور یا الله یا دافع یا الله یا مانع یا الله یا فاتح یا الله یا نفاع یا الله یا جلیل یا الله یا جمیل یا الله یا شهید یا الله یا شاهد یا الله یا حبیب یا الله یا فاطر یا الله یا مطهر یا الله یا مالک یا الله یا مقتدر یا الله یا قابض یا الله یا باسط یا الله یا محیی یا الله یا ممیت یا الله یا مجیب یا الله یا باعث یا الله یا معطی یا الله یا مفضل یا الله یا منعم یا الله یا حق یا الله یا مبین یا الله یا طیب یا الله یا محسن یا الله یا مبدی یا الله یا معید یا الله یا باری یا الله یا بدیع یا الله یا هادی یا الله یا کافی یا الله یا شافی یا الله یا علی یا الله یا حنان یا الله یا منان یا الله یا ذا الطول یا الله یا متعالی یا الله یا عدل یا الله یا ذا المعارج یا الله یا صادق یا الله یا دیان یا الله یا باقی یا الله یا ذا الجلال یا الله یا ذا الاکرام یا الله یا معبود یا الله یا محمود یا الله یا صانع یا الله یا معین یا الله یا

یا رحیم یا الله
یا حنان
یا علیم یا الله
یا مجیب
السادات
یا رافع یا الله
یا مانع
یا نفاع یا الله
یا وارث
طیب یا الله یا مجمل
یا عظیم یا الله
یا صدیق

مُكَوِّنُ يَا اَللّٰهُ يَا فَعَّالُ يَا اَللّٰهُ يَا لَطِيفُ يَا اَللّٰهُ يَا جَلِيلُ يَا اَللّٰهُ يَا غَفُورُ يَا اَللّٰهُ يَا شَكُورُ
يَا اَللّٰهُ يَا نُورُ يَا اَللّٰهُ يَا حَنَّانُ يَا اَللّٰهُ يَا رَبَّاهُ يَا اَللّٰهُ يَا رَبَّاهُ يَا اَللّٰهُ يَا رَبَّاهُ يَا اَللّٰهُ يَا
رَبَّاهُ يَا اَللّٰهُ يَا رَبَّاهُ يَا اَللّٰهُ يَا رَبَّاهُ يَا اَللّٰهُ يَا رَبَّاهُ يَا اَللّٰهُ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَتَمُنَّ عَلَيَّ بِرِضَاكَ وَتَعْفُوَ عَنِّي بِحِلْمِكَ وَتُوَسِّعَ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ مِنْ
حَيْثُ اَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لَا اَحْتَسِبُ فَاِنِّي عَبْدُكَ لَيْسَ لِي اَحَدٌ سِوَاكَ وَلَا اَحَدٌ اَسْئَلُهُ
غَيْرَكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ پس بسجده میرود
و میگوید يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا رَبِّ يَا اَللّٰهُ يَا رَبِّ يَا اَللّٰهُ يَا مُنْزِلَ الْبَرَكَاتِ بِكَ تُنْزَلُ
كُلُّ حَاجَةٍ اَسْئَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ فِي مَخْزُونِ الْغَيْبِ وَالْاَسْمَاءِ الْمَشْهُورَاتِ عِنْدَكَ الْمَكْتُوبَةِ
عَلٰى سُرَادِقِ عَرْشِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ تَقَبَّلَ مِنِّي شَهْرَ رَمَضَانَ وَتَكْتُبَنِي مِنَ الْوَافِدِينَ
اِلٰى بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَتَصْفَحَ لِي عَنِ الذُّنُوبِ الْعِظَامِ وَتَسْتَخْرِجَ لِي يَا رَبِّ كُنُوزَكَ يَا رَحْمٰنُ

يا غفور ده — توسع ده — كاحد ده — لا حول ده — يا الله يا الله يا الله يا رب يا الله يا رب يا الله يا رب انعا لمين ده

مؤلف گوید که ظاهر عبارت ابن طاوس و کفعمی و صریح علامه آنست که این دعا بعد از نماز هزار قل هو الله احد بی فاصله باید خوانده شود و ظاهر عبارت شیخ در مصباح آنست که بعد از عمل بیجمر که بعد از مغرب کرده میشود باید پوشیده [خوانده شود] نماناد که روایت نماز هزار قل هو الله احد و روایت عمل بیجمر هیچیك منتهی بر ذکر این دعا نیست بنابراین در هر وقتی از اوقات که خوانده شود خوبست والله تعالی یعلم **هشتم** سید در کتاب اقبال از کتاب ثواب الاعمال ابن بابویه رضی الله عنه و کفعمی در جنة الامان از کتب اکثر علما نقل نموده اند که از رسول خدا صلی الله علیه و آله منقولست که هر که در شب عید رمضان ده رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی حمد یکنوبت و سوره قل هو الله احد ده نوبت و بجای تسبیح رکوع و سجود بگوید سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ و بعد از فراغ هزار مرتبه استغفار نماید و بعد از آن بسجده شکر رود و این دعا را بخواند يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ يَا رَحْمٰنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا اِلٰهَ الْاَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ اِغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَتَقَبَّلْ صَوْمِي وَصَلَوٰتِي وَقِيَامِي سر از سجده بر نمیدارد مگر آنکه آمرزیده میشود و روزه او قبول میشود و از گناهان او در میگذرند و در روایت کفعمی این

زیادتی

زیادتی نیز هست هر چند هفتاد گناه کرده باشد که از آن ها اعظم از گناهان جمیع بندگان باشد و حق تعالی قبول فرماید اعمال اهل کوره او را و قبول کند نماز و روزه و عبادت او را لیکن بر حق که این نماز هدیه و کرامتی است از جانب حق تعالی برای من و امت من از مردان و زنان و عطا نفرموده است از انبیا بکسی از پیغمبران پیش از من **مؤلف گوید** که کفعمی جمد الله تسبیحات اربع را در رکوع و سجود ده مرتبه نقل نموده و در روایت چنانچه در اقبال مذکور است یکمرتبه است و ظاهرا کفعمی اشتباه نموده و الله تعالی یعلم **نهم** ابن بابویه در کتاب ثواب الاعمال و سید ابن طاوس در کتاب اقبال و کفعمی در جنة الامان از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که هر که در شب عید رمضان شش رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی حمد یکنوبت و سوره قل هو الله احد پنجنوبت حق تعالی شفاعت او را قبول فرماید در حق اهل بیت او هر چند مستوجب آتش جهنم شده باشد و در روایت کفعمی این زیادتی هست که بخدمت آنحضرت عرض کردند که بجهت گناهکاران آمرزیده میشوند و مقصود بجهت آنکه محسن و نیکوکار بشفاعت محتاج نیست بلکه شفاعت برای گناهکاران است **مؤلف گوید** سید در کتاب مذکور گفته که این نماز و نماز سابق بلکه نماز با هزار قل هو الله و دعائی که سابق ذکر شد باید بعد از نماز عشا انها را بجا آورد و پوشیده نماناد که در روایت انها چنانچه سید نیز نقل نموده این قید مذکور نیست **دهم ایضا** سید رضی الله عنه در کتاب اقبال بسند مرسل روایت کرده است که هر که در شب عید فطر چهارده رکعت نماز بگذارد هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی حمد یکنوبت و آیة الکرسی یکنوبت و قل هو الله احد سه نوبت حق تعالی عطا فرماید باو بعدد هر رکعتی ثواب عبادت چهل سال و عبادت هر که روزه داشته باشد و نماز گذارده باشد در ماه مبارك رمضان لیکن فضیلت بسیار و یکی نیز برای این نماز بیان فرموده **یازدهم** در کتاب غیر رضوی بعد از امر بجد و جهد در دعا و بیداری در این شب و ذکر نمازی که در عمل هفتم گذشت مذکور است که در روایتی وارد شده است که در این شب چهار رکعت نماز میکنی بدو سلام در هر رکعتی سوره حمد یکنوبت و سوره قل هو الله احد

اَحَد صد نوبت **مؤلف گوید** هر چند ذکر این عمل و روایت آن در کتب اصحاب بنظر این ضعیف نرسیده لیکن چون کتاب مذکور نزد اکثر اصحاب معتبر و منسوب است بجناب امام رضا علیه السلام مشهور و منظور ایشان می باشد لهذا ذکر این عمل و روایت آن در این کتاب عزیز الرعایت است و کافیست از برای سند و فضیلت این عمل و بجا آوردن در این شب با آنکه نماز چیزیست که خدای تعالی مقرر نموده که هر گاه خواهند بسیار بکنند ثواب بسیار میبابند و هر گاه که بجا آورند ثواب بکثر خواهند یافت **دوازدهم** کفعمی در جنة الامان و صاحب کتاب انیس العابدین در کتاب مذکور و مولانا محسن کاشی در خلاصة الاذکار از جمله عمل این شب نقل نموده اند که در هر شب عید و هر شب جمعه این دعا را ده مرتبه بخوانند اَللّٰهُمَّ يَا دَائِمَ الْفَضْلِ عَلَى الْبَرِيَّةِ وَيَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالْعَطِيَّةِ وَيَا صَاحِبَ الْمَوَاهِبِ السَّنِيَّةِ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ خَيْرِ الْوَرٰى سَجِيَّةً وَاغْفِرْ لَنَا يَا ذَا الْعُلٰى فِي هٰذِهِ الْعَشِيَّةِ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و کفعمی در حاشیه بلد الامین از کتاب فردوس در شب عید ده مرتبه خواندن این دعا را نقل نموده و از صاحب کتاب مذکور نقل کرده که او گفته است که هر که بخواند این دعا را بنویسد حق تعالی از برای او در نامه عمل او هزار هزار حسنه و محو کند از او هزار هزار سیئه و بلند کند از برای او هزار هزار درجه پس چون روز قیامت شود در مجلس حضرت ابراهیم علیه السلام با او همنشین باشد **مؤلف گوید** تا حال روایتی برای خواندن این دعا در شب عید بنظر این قاصر نرسیده و لیکن ذکر ثواب در حاشیه بلد الامین دلیل بر مروی بودن آنست و با آنکه کفعمی این دعا را از اعمال شب عید فطر نقل نموده لیکن در عبارت او شب عید مطلق است و احتمال شب عید اضحی نیز دارد و اگر در شب عید اضحی هم خوانده شود خوبست چنانچه بعضی از متاخرین در عمل سنه خود ذکر نموده اند بلکه اکر در اکثر اعیاد شریفه بخوانند بنظر ظاهر لفظ عید مناسبست **سیزدهم** زیارت حضرت امام حسین صلوات الله علیه در این شب فضیلت بسیار دارد چنانچه سید ابن طاوس رضی الله عنه در کتاب مصباح الزائر از حضرت امام جعفر صادق و حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیهما روایت کرده است که فرموده اند که هر که زیارت کند حضرت امام حسین صلوات الله

علیه را

علیه را در شب نصف شعبان و شب عید فطر و شب عرفه در یکسال بنویسد حق تعالی در نامه عمل او هزار حج مقبول و هزار عمره مقبوله و برآورد هزار حاجت از حاجتهای دنیا و آخرت او را **و ایضا** سید از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام روایت کرده است که سه شب است که هر که زیارت کند حضرت امام حسین علیه السلام را در آن سه شب بیامرزد حق تعالی گناهان گذشته و آینده او را شب نیمه شعبان و شب بیست و سیم ماه رمضان و شب عید رمضان **و اما کیفیت زیارت آنحضرت در این شب** شیخ مفید و سید ابن طاوس و شیخ شهید قدس الله ارواحهم در کتابهای مزار خود گفته اند که هر گاه در شب عید فطر یا عید قربان اراده زیارت آنحضرت نمائی پس برو بنزد مشهد مقدس آنحضرت و بایست نزد روضه مقدسه و چشم خود را بجانب قبر مبارك بینداز و بگو در حالی که رخصت دخول میطلبی يَا مَوْلَايَ يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ يَا ابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ عَبْدُكَ وَابْنُ اَمَتِكَ الذَّلِيلُ بَيْنَ يَدَيْكَ وَالْمُصَغَّرُ فِي عُلُوِّ قَدْرِكَ وَالْمُعْتَرِفُ بِحَقِّكَ جَائَكَ مُسْتَجِيراً بِكَ قَاصِداً اِلٰى حَرَمِكَ مُتَوَجِّهاً اِلٰى مَقَامِكَ مُتَوَسِّلاً اِلَى اللّٰهِ تَعَالٰى بِكَ ءَاَدْخُلُ يَا مَوْلَايَ ءَاَدْخُلُ يَا وَلِيَّ اللّٰهِ ءَاَدْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ اللّٰهِ الْمُحْدِقِينَ بِهٰذَا الْحَرَمِ الْمُقِيمِينَ فِي هٰذَا الْمَشْهَدِ پس اگر دل تو خشوع بهم رساند و اشك از چشم تو بیرون آید آن علامت رخصت است پس اول پای راست را داخل روضه کن و بگو بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَفِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَعَلٰى مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اَنْزِلْنِي مُنْزَلاً مُبَارَكاً وَاَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ پس بگو اَللّٰهُ اَكْبَرُ كَبِيراً وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ كَثِيراً وَسُبْحَانَ اللّٰهِ بُكْرَةً وَاَصِيلاً وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ الْمَاجِدِ الْاَحَدِ الْمُتَفَضِّلِ الْمَنَّانِ الْمُتَطَوِّلِ الْحَنَّانِ الَّذِي مِنْ تَطَوُّلِهِ سَهَّلَ لِي زِيَارَةَ مَوْلَايَ بِاِحْسَانِهِ وَلَمْ يَجْعَلْنِي عَنْ زِيَارَتِهِ مَمْنُوعاً وَلَا عَنْ ذِمَّتِهِ مَدْفُوعاً بَلْ تَطَوَّلَ وَمَنَحَ پس پای چپ را داخل کن و برو تا وسط روضه مقدسه برسی بایست برابر قبر مقدس در حالی که با خضوع و گریه و تضرع باشی پس بگو اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صِفْوَةِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ اَمِينِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ اِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسٰى كَلِيمِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسٰى رُوحِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَبِيبِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عَلِيٍّ حُجَّةِ اللّٰهِ

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْوَصِيُّ الْبَرُّ التَّقِيُّ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا ثارَ اللهِ وَابْنَ ثارِهِ وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلوٰةَ وَاٰتَيْتَ الزَّكوٰةَ وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَجاهَدْتَ فِي اللهِ حَقَّ جِهادِهِ حَتّى اسْتُبيحَ حُرْمَتُكَ وَقُتِلْتَ مَظْلُوماً بعد از ان باید سر نزد سر ان حضرت در حالتی که دلت باخشوع و چشمت کریان باشد پس بکو اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَبا عَبْدِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ سَيِّدِ الْوَصِيّينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا بَطَلَ الْمُسْلِمينَ يا مَوْلايَ اَشْهَدُ اَنَّكَ كُنْتَ نُوراً فِي الْاَصْلابِ الشّامِخَةِ وَالْاَرْحامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجاهِلِيَّةُ بِاَنْجاسِها وَلَمْ تُلْبِسْكَ مِنْ مُدْلَهِمّاتِ ثِيابِها وَاَشْهَدُ اَنَّكَ مِنْ دَعائِمِ الدّينِ وَاَرْكانِ الْمُسْلِمينَ وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنينَ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ الْاِمامُ الْبَرُّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ الْهادِي الْمَهْدِيُّ وَاَشْهَدُ اَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوىٰ وَاَعْلامُ الْهُدىٰ وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقىٰ وَالْحُجَّةُ عَلىٰ اَهْلِ الدُّنْيا پس خود را بر قبر بینداز و بکو اِنّا لِلّٰهِ وَاِنّا اِلَيْهِ راجِعُونَ يا مَوْلايَ اَنَا مُوالٍ لِوَلِيِّكُمْ وَمُعادٍ لِعَدُوِّكُمْ وَاَنَا بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِاِيابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرائِعِ ديني وَخَواتيمِ عَمَلي وَقَلْبي لِقَلْبِكُمْ سِلْمٌ وَاَمْري لِاَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ يا مَوْلايَ اَتَيْتُكَ زائِراً خائِفاً فَآمِنّي وَاَتَيْتُكَ مُسْتَجيراً فَاَجِرْني وَاَتَيْتُكَ فَقيراً فَاَغْنِني سَيِّدي وَمَوْلايَ حُجَّةُ اللهِ عَلَى الْخَلْقِ اَجْمَعينَ اٰمَنْتُ بِسِرِّكُمْ وَعَلانِيَتِكُمْ وَظاهِرِكُمْ وَباطِنِكُمْ وَاَوَّلِكُمْ وَاٰخِرِكُمْ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ التّالي لِكِتابِ اللهِ وَاَمينُ اللهِ الدّاعي اِلَى اللهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ لَعَنَ اللهُ اُمَّةً ظَلَمَتْكَ وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً سَمِعَتْ بِذٰلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ پس دو رکعت نماز زیارت نزد سر انحضرت بکن و چون سلام کفتی بکو اَللّٰهُمَّ اِنّي صَلَّيْتُ وَلَكَ رَكَعْتُ وَلَكَ سَجَدْتُ وَحْدَكَ لا شَريكَ لَكَ فَاِنَّهُ لا تَجُوزُ الصَّلوٰةُ وَالرُّكُوعُ وَالسُّجُودُ اِلّا لَكَ لِاَنَّكَ اَنْتَ اللهُ الَّذي لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَبْلِغْهُمْ عَنّي اَفْضَلَ السَّلامِ وَالتَّحِيَّةِ وَارْدُدْ عَلَيَّ مِنْهُمُ السَّلامَ اَللّٰهُمَّ وَهاتانِ الرَّكْعَتانِ هَدِيَّةٌ مِنّي اِلىٰ سَيِّدِيَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلامُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ وَتَقَبَّلْهُما مِنّي وَاْجُرْني عَلَيْهِما اَفْضَلَ اَمَلي وَرَجائي فيكَ وَفي وَلِيِّكَ يا وَلِيَّ الْمُؤْمِنينَ پس بپایین پای خود را بروی قبر بینداز و ببوس قبر را و بکو اَلسَّلامُ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الْمَظْلُومِ الشَّهيدِ قَتيلِ الْعَبَراتِ

وَاَسيرِ الْكُرُباتِ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَشْهَدُ اَنَّهُ وَلِيُّكَ وَابْنُ وَلِيِّكَ وَصَفِيُّكَ الثّائِرُ بِحَقِّكَ اَكْرَمْتَهُ بِكَرامَتِكَ وَخَتَمْتَ لَهُ بِالشَّهادَةِ وَجَعَلْتَهُ سَيِّداً مِنَ السّاداتِ وَقائِداً مِنَ الْقاداتِ وَاَكْرَمْتَهُ بِطيبِ الْوِلادَةِ وَاَعْطَيْتَهُ مَواريثَ الْاَنْبِياءِ وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلىٰ خَلْقِكَ مِنَ الْاَوْصِياءِ فَاَعْذَرَ فِي الدُّعاءِ وَمَنَحَ النُّصْحَ وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ فيكَ حَتَّى اسْتَنْقَذَ عِبادَكَ مِنَ الْجَهالَةِ وَحَيْرَةِ الضَّلالَةِ وَقَدْ تَوازَرَ عَلَيْهِ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيا وَباعَ حَظَّهُ مِنَ الْاٰخِرَةِ بِالْاَرْذَلِ الْاَدْنىٰ وَتَرَدّىٰ فِي الْهَوىٰ وَاَسْخَطَكَ وَاَسْخَطَ نَبِيَّكَ وَاَطاعَ مِنْ عِبادِكَ اُولِي الشِّقاقِ وَالنِّفاقِ وَحَمَلَةَ الْاَوْزارِ الْمُسْتَوْجِبينَ النّارَ فَجاهَدَهُمْ فيكَ صابِراً مُحْتَسِباً مُقْبِلاً غَيْرَ مُدْبِرٍ لا تَاْخُذُهُ فِي اللهِ لَوْمَةُ لائِمٍ حَتّىٰ سُفِكَ في طاعَتِكَ دَمُهُ وَاسْتُبيحَ حَريمُهُ اَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمْ لَعْناً وَبيلاً وَعَذِّبْهُمْ عَذاباً اَليماً بعد از ان میل کن بسوی قبر علی ابن الحسین علیه السلام نزد پای پدر خود و بکو اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ خاتَمِ النَّبِيّينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْمَظْلُومُ الشَّهيدُ بِاَبي اَنْتَ وَاُمّي عِشْتَ سَعيداً وَقُتِلْتَ مَظْلُوماً شَهيداً پس زیارت کن قبور شهدا را و بکو اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ اَيُّهَا الذّائِدُونَ عَنْ تَوْحيدِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ بِما صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدّارِ بِاَبي اَنْتُمْ وَاُمّي فُزْتُمْ فَوْزاً عَظيماً بعد از ان برو بنزد قبر عباس بن امیر المؤمنین علیه السلام و بایست نزد سر قبر و بکو اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْعَبْدُ الصّالِحُ وَالصِّدّيقُ الْمُواسي اَشْهَدُ اَنَّكَ اٰمَنْتَ بِاللهِ وَنَصَرْتَ ابْنَ رَسُولِ اللهِ وَدَعَوْتَ اِلىٰ سَبيلِ اللهِ وَواسَيْتَ بِنَفْسِكَ فَعَلَيْكَ مِنَ اللهِ اَفْضَلُ التَّحِيَّةِ وَالسَّلامِ پس بینداز خود را بر روی قبر و بکو بِاَبي اَنْتَ وَاُمّي يا ناصِرَ دينِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا ناصِرَ الْحُسَيْنِ الصِّدّيقِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا ناصِرَ الْحُسَيْنِ الشَّهيدِ عَلَيْكَ مِنِّي السَّلامُ ما بَقيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ پس دو رکعت نماز نزد سر عباس بکن و بخوان دعائی که بعد از نماز زیارت حضرت امام حسین صلوات الله علیه میخوانی پس برکرد بروضه حضرت امام حسین علیه السلام و هر قدر که خواهی دعا کن لیکن مستحب است که روضه را خوابکاه خود نکردانی پس چون اراده وداع داشته باشی بایست نزد سر انحضرت و حال انکه

کریان باشی و بکو اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ مُوَدِّعٍ لا قالٍ وَلا سَئِمٍ فَاِنْ اَنْصَرِفْ فَلا عَنْ مَلالَةٍ وَاِنْ اُقِمْ فَلا عَنْ سُوءِ ظَنٍّ بِما وَعَدَ اللهُ الصّابِرينَ يا مَوْلايَ لا جَعَلَهُ اللهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنّي لِزِيارَتِكَ وَرَزَقَنِي الْعَوْدَ اِلَيْكَ وَالْمَقامَ في حَرَمِكَ وَالْكَوْنَ في مَشْهَدِكَ اٰمينَ رَبَّ الْعالَمينَ پس ببوس ضریح مقدس را و بدن خود را بان بمال که امان و حرزی خواهد بود برای تو از اتش جهنم و بیرون بیا از روضه مقدسه و پشت بقبر مکن و بکو اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا بابَ الْمَقامِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا شَريكَ الْقُرْاٰنِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ الْخِصامِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا سَفينَةَ النَّجاةِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَلائِكَةَ رَبِّيَ الْمُقيمينَ في هٰذَا الْحَرَمِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَبَداً ما بَقيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ و بکو اِنّا لِلّٰهِ وَاِنّا اِلَيْهِ راجِعُونَ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ پس برکرد در حالتی که مرحوم باشی و خطر وافری از ثواب خدا داشته باشی انشاء الله تعالی و سید رحمه الله کفته که هرکاه این زیارت را بکنی خواهی بود مثل کسی که خدا را در عرش زیارت کرده باشد مؤلف کوید که اکرچه اصحاب مزارات این زیارت را نسبت بروایت نداده اند و لیکن ظاهر انست که شیخ مفید و سید و شهید بی سند نقل نکنند و روایت ان بنظر ایشان رسیده باشد پس هرکاه در ان مکان شریف در این شبها حاضر باشی باین زیارت عمل نمایند و هرکاه در بلاد بعیده باشند بزیارت مطلقه بعیده زیارت نمایند و در اول رجب بعضی از انها کذشت چهارم در جدا کردن زکوة فطره است بدانکه زکوة فطره از واجبات اکیده و مفروضات شدیده است و ترک ان با وجود تحقق شرایط ان چنانچه بتفصیل مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی کناه کبیرست و قبول روزه ماه مبارک رمضان بان مشروط است چنانچه از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که انتمامی روزه کرفتن دادن زکوة است یعنی فطره چنانچه صلوات بر محمد و آل محمد از تمامی نماز است زیرا که هرکه روزه بدارد و زکوة فطره ندهد روزه مقبول نیست هرکاه عمدا ترک کند و اکر صلوات بر محمد و آل او صلی الله علیه و علیهم در تشهد نماز ترک نماید نمازش مقبول نیست و حق تعالی زکوة را پیش از نماز ذکر کرده است در اینجا که فرموده است قَدْ اَفْلَحَ مَنْ تَزَكّىٰ وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلّىٰ یعنی بتحقیق که رستکاری یافت کسی که زکوة
فطره

فطره داد بیاد اورد پروردکار خود را بان تکبیرات که مذکور شد پس نماز عید را بجا اورد چنانچه زکوة مال باعث پاکیزکی مال و سبب حفظ ان از تلف شدن و افت رسیدن میشود چنانچه در حدیث وارد شده است که هیچ مالی در دریا و صحرا تلف نمیشود مکر بسبب ندادن زکوة همچنین زکوة فطره زکوة بدنست و بدن از بخل و ساير کثافات معنویه پاکیزه میسازد و تا سال دیکر انها را از بلا نکاه میدارد چنانچه بسند معتبر منقولست که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه با معتب وکیل خرج خود فرمود که برو و فطره جمیع عیال ما و غلامان و کنیزان ما را بده و هیچیک از ایشان را ترک مکن که زکوة او را ندهی زیرا که اکر یکی را ترک کنی میترسم که در عرض سال بمیرد و تفصیل مباحث متعلقه بان در ضمن چهار مقصد بیان میشود مقصد اول در بیان معطی یعنی کسی که زکوة فطره بر او واجب میشود و باید که بمستحق بدهد بدانکه در وجوب زکوة فطره سه چیز شرط است اول انکه مکلف باشد پس واجب نیست بر نابالغ و دیوانه و همچنین کسی که از شام شب عید تا ظهر روز عید بیهوش شود نیز بر او واجب نیست زیرا که عقل نیز از شرایط تکلیف است و در زمان وجوب این شخص مفقود شده است و اکر پیش از ظهر بهوش اید احوط انست که بدهد دویم ازادی پس واجب نیست بر بنده و در حکم بنده است مدبر و ام ولد و مکاتب مشروط و مکاتب مطلق نیز اکر چیزی از او ازاد نشده باشد و اکر قدری از او ازاد شده باشد بقدر ازادی بر او واجب میشود و بقدر بندکی بر اقا واجب است و احوط در مکاتب مطلق انست که خود بدهد باذن اقا یا اقا بدهد و او را اعلام نماید و همچنین است حکم بنده که بسببی بیک غیر کتابت بعضی از وبات بعضی از او ازاد شده باشد و بعضی بنده باشد سیم انکه غنی و مالدار باشد پس واجب نیست بر فقیر و این شرط موافق اقوی و اشهر میان علماست و مراد از غنی بنابر مشهور انست که قوت سالیانه خود و عیال خود را داشته باشد یا قادر بر کسب باشد که وفا بعیشت او و عیال او بکند و بعضی کفته اند که اکر در شب عید باید

بقوت خود و عیال خود نیز فطره داشته باشد بر او واجب است و این احوط است اگرچه بنا بر رای اکثر محققین از متاخرین در اینصورت مستحب است نه واجب و اگر فقیر یک فطره را با عیال خود دست بدست بگرداند و بعد از آن بفقیر دیگر بدهد هم ثواب فطره را می یابند و هرگاه شرایط مذکوره متحقق شود واجبست که فطره را اخراج نماید از خود و از هر کسی که عیال او باشد خواه نفقهٔ ایشان را بر او واجب باشد مانند زن و فرزند و پدر و مادر و غلام و کنیز یا تبرعا ایشان را داخل عیال کرده باشد و متکفل احوال و اخراجات ایشان کردیده باشد خواه ایشان مکلف باشند یا غیر مکلف بنده باشند یا آزاد مسلمان باشند یا کافر که فطره همه ایشان بر آن شخص که ایشان عیال او یند واجب است و حاصل آنست که هرگاه شرایط وجوب فطره در کسی متحقق شده بر او واجب است که فطره خود و عیال خود را بدهد هرچند شرایط وجوب در عیال یافت نشود و بر فروع این مسئله چند چیز است **اول آنکه** در باب عیال بودن ضرور نیست که پیش از هلال شب عید عیال آن شخص باشند و در این باب خلافی در میان علما نیست و مشهور میان علما آنست که در نزد هلال شب عید هرگاه عیال او را باشند فطره ایشان بر آن شخص واجبست و از کلام بعضی ظاهر میشود که عیال بودن در صبح روز عید کافیست بنا بر این احوط آنست که اگر کسی در صبح عید جمعی را داخل عیال خود نماید فطره ایشان را نیز بدهد و ایشان نیز اگر شرایط وجوب فطره را داشته باشند خود نیز بدهند **دویم آنکه** مهمان نیز در حکم عیال است و فطره او بر صاحب خانه است ولیکن در تحدید مهمانی و اینکه ضیافت بچه قدر متحقق میشود چند قول است بعضی تمام ماه رمضان را و بعضی نصف آخر ماه را گفته اند و بعضی ده روز آخر را و بعضی در شب آخر ماه را گفته اند و اشهر آنست که هرگاه مهمان در آخر روز آخر ماه رمضان داخل خانه آن شخص شود فطره او بر صاحب خانه است و این قول احوط است و ابا شرط است که مهمان در خانه صاحب خانه چیزی بخورد یا نه در این باب نیز دو قول است و احوط آنست که صاحب خانه فطره مهمان را بدهد هرچند مهمان چیزی نخورده باشد بلکه غیر مهمان

نیز حکم

نیز حکم مهمان دارد و حاصل آنست که احتیاط مقتضی آنست که هر کس پیش از شام شب عید داخل خانه آدمی شود خواه مهمان و خواه غیر مهمان و خواه چیزی بخورد و خواه نخورد فطره او را صاحب خانه بدهد **سیم** اگر شخصی عیال او نباشد اما نفقه و کسوه او را دهد و در خانه دیگری باشد زکوة او بر معطی واجب نیست و هم چنین اگر در شب عید پیش از شام جهه ایشان طعامی بفرستد یا فقیر را چیزی بدهد یا شخصی در ماه رمضان مهمان باشد و در شب عید جای دیگر افطار کند یا بعد از شام افطار کرده بخانه او آید فطره بر او واجب نیست و اگر چیزی نخورده باشد و بعد از شام بیاید احوط آنست که خود و صاحب خانه هر دو بدهند **چهارم آنکه** اگر مهمان و صاحب خانه هر دو فقیر و بی‌ایشان باشند بر هیچیک فطره واجب نیست بلی در این صورت مستحب است که یک فطره را دست بدست بگردانند و در آخر بمستحق دهند چنانچه گذشت و اگر صاحب خانه غنی و مهمان فقیر باشد فطره مهمان بر صاحب خانه است چنانچه دانستی و اگر صاحب خانه فقیر و مهمان غنی باشد در اینصورت بعضی فطره را مهمان را ساقط دانسته اند و احوط آنست که مهمان فطره خود را بدهد و اگر هر دو غنی باشند باز احوط آنست که فطره مهمان را هر دو بدهند بلکه هر غنی که داخل خانه غنی شود پیش از شام شب عید این حکم دارد **پنجم** شوهر هرگاه غنی باشد و زوجه داخل عیال او باشد فطره او بر شوهر است و اگر عیال او نباشد پس اگر واجب النفقه بر شوهر نباشد مثل آنکه ناشزه باشد یا صغیره باشد یا غیر مدخوله باشد و تمکین شوهر نکند پس اشهر میان علما عدم وجوب بر شوهر است و بعضی گفته اند که هرگاه شوهر غنی باشد فطره زوجه بر او واجبست خواه زوجه دائمه و خواه منقطعه و خواه ناشزه و خواه غیر ناشزه و خواه نفقه او بر شوهر واجب باشد یا نباشد احوط رعایت این قول است و اگر واجب النفقه بر شوهر باشد و داخل عیال او نباشد مشهور میان علما وجوب بر شوهر است و بعضی بعدم وجوب قایل شده اند و در این صورت احوط آنست که اگر عیال دیگری

نباشد خود و شوهر هر دو بدهند و اگر شوهر فقیر باشد و زوجه نیز فقیره باشد بر هیچیک واجب
نیست و اگر زوجه غنی باشد در این چند قول است و احوط در این صورت آنست که اگر زوجه
عیال دیگری نباشد فطره را خود بدهد خواه داخل عیال شوهر باشد یا نباشد و خواه
واجب النفقه او باشد یا نباشد ششم زوجه مطلقه رجعیه حکم زوجه باینه دارد
در وجوب نفقه و فطره بر زوج و زوجه مطلقه بطلاق باین بر خود نفس واجب است
و هرگاه مطلقه باین حامله باشد خلافی هست میان فقها که نفقه که لازم است بر شوهر
از برای زوجه است یا از برای حمل هرگاه حکم کنیم بلزوم نفقه برای زوجه فطره واجب خواهد
بود بر شوهر و اگر قایل شویم بانکه نفقه برای حمل است فطره بر زوجه خواهد بود و احوط
آنست که هر یک که بدهند باذن دیگری بدهند هفتم پدر و مادر و جد و جده هر چند بالا
روند و فرزندان و فرزندزادگان هر چند پایین روند هرگاه فقیر باشند نفقه ایشان
بر اولاد واجب است پس اگر نفقه او را خورند فطره ایشان بر اوست و اگر عیال دیگری
باشند فطره ایشان بر آن دیگر است و اگر واجب النفقه او باشند و او بایشان نفقه
ندهد مشهور میان علما آنست که فطره ایشان بر او واجب است و این احوط است و اگر
فرزند غنی باشد و بالغ نباشد یا بالغ باشد اما دیوانه باشد و عیال هیچکس حتی پدر و مادر
نیز نباشد زکوة او بر پدر و مادر واجب نیست و بر خود نیز واجب نیست زیرا که شرط
تکلیف ندارد محقق نیست هشتم غلام و کنیز اگر از جمله عیال آقا باشند زکوة ایشان
بر آقا واجب است و اگر عیال دیگری شوند بر آن دیگر واجب است و اگر از کسب خود خورند
بر آقا واجب است اگر حاضر باشد و زوجه غلام حکم غلام دارد در باب نفقه و زکوة
فطره بتفصیل مذکور و هرگاه از کسب غلام خورد نیز ظاهر آنست که آقا بدهد و اگر غلام
و کنیز گریخته باشند یا غایب شده باشند و خبر ایشان رسد که زنده اند مشهور میان
علما آنست که بر آقاست و این احوط است و اگر خبر ایشان نرسد یا مدت مدید باشد
که غایب شده باشد جمعی گفته اند که فطره ایشان را آقا میدهد مادام که علم بموت ایشان
بهم نرسانیده است و این نیز احوط است نهم زکوة فطره بنده که مشترک باشد میان

دو نفر

دو نفر یا بیشتر مشهور آنست که فطره او بر همه شرکا است بقدر حصه هر یک هرگاه از عیال ایشان باشد
یا عیال کسی نباشد و ابن بابویه گفته است که فطره بنده بر آقا لازم نمیشود تا مالک نباشد
تمام بنده را و حجت آن روایتی است که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت و در آن
مذکور است که هرگاه یک کس تمام را مالک باشد فطره او را میدهد بنا بر این هرگاه مثلا
سه بنده میان دو کس مشترک باشد و مساوی در شرکت باشند چون هر یک از شرکا یک کس را
تمام مالک میشوند هر یک از شرکا فطره یک کس را میدهند و اگر شرکا مساوی نباشند بلکه
هر یک از ایشان کمتر از یک کس را مالک باشند هیچ چیز بر ایشان نیست و عمل باین
روایت اگر چه قوت دارد نظر بقوی بودن آن باصل و معارض نداشتن لیکن احوط قول مشهور است
با آنکه یکی از شرکا باذن سایر شرکا تمام را بدهند و اگر یکی از شرکا یا غیری تبرعا او را در
عیال خود قرار دهد فطره او بر آن شخص است که اینها در عیال او می باشند دهم هرگاه
بنده که بعضی از او آزاد شده باشد یا مولی بنا گذارد که یکروز مثلا برای آقا خدمت کند
و یکروز برای خود و هلال عید در نوبت یکی از اینها واقع شود در واجب بودن فطره بر آنکه
هلال در نوبت او طالع شده میانه فقها خلاف است احوط آنست که باذن یکدیگر بدهند
یازدهم هرگاه آقا قبل از شام عید بنده اش را بکسی ببخشد مشهور آنست که فطره غلام واجب
نمیشود بر آنکس تا قبض نکند و بر واهب یعنی بخشنده واجب است و در این صورت هرگاه
واهب بر گردد هبه باطل میشود و زکوة فطره بر عهده واهب واجب میشود و احوط آنست
که در هر صورت باذن موهوب له باشد دوازدهم اگر آقا وصیت کند که این بنده بعد از من
از فلان شخص باشد و آقا قبل از شام عید بمیرد اگر آن شخص قبول وصیت قبل از شام
کرده است فطره بنده بر اوست و اگر بعد از شام قبول کرده فطره بنده بر او واجب نیست
و آیا در این صورت فطره بنده بر وارث است یا نه اشکالی دارد و احوط آنست که هرگاه
آن شخص علم بوصیت بهم رسانیده باشد زکوة بنده را بدهد سیزدهم هرگاه مولی
بعد از شام عید فوت شود فطره بنده از مال مولی باید داده شود و اگر قبل از شام
بمیرد فطره بر وارث است در صورت اول اگر مولی قرضی داشته باشد و ترکه

وفانکند بدین نحو فطره باید از نکه قسمت شود بر دین و فطره بقدر الحصه واگر فقیر باشد که عوض گیرد تمام اموال میت را بهتر انست که وارث از مال خود فطره بنده را بدهد چهاردهم
هرگاه طفلی پیش از شام شب عید بالغ شود یا دیوانه پیش از شام عاقل شود یا بنده پیش از
شام ازاد شود یا فقیر پیش از شام غنی شود و عیال دیگری نباشد فطره بر خودشان واجب
است واگر هر یک از اینها بعد از شام تا ظهر روز واقع شود مستحب است و همچنین اگر
شخصی مالک بنده شود یا طفلی بهم رساند پیش از شام شب عید فطره بر ان شخص واجب
است و بعد از شام تا ظهر روز عید مستحب است پانزدهم کسی که فطره او بر دیگری واجب باشد
و داند که ان دیگری فطره او را نمیدهد از خودش ساقط است واگر داند که ان شخص نمیدهد
یا ان شخص فقیر باشد احوط انست که خود بدهد مقصد دویم در بیان جنس فطره و مقدار
ان بدانکه در باب جنس فطره در میان علما اختلاف است ابن بابویه رحمه الله و جمعی دیگر از
علما گفته اند که فطره باید از چهار جنس داده شود و انها گندم و جو و خرما و مویز است
و سید مرتضی رحمه الله گفته است که باید از شش جنس داده شود که انها چهار جنس مذکور
با کشک و شیر است و لیکن گفته است که بهتر انست که در هر بلدی هر یک از اینها که قوت
غالب ان بلد باشد بدهد و شیخ مفید طاب ثراه از هفت جنس گفته که انها شش جنس
سابق با برنج است و شیخ طوسی رحمه الله نیز این قول را اختیار کرده است و گفته است
که بغیر این هفت جنس چیزی دیگر مجزی نیست و اشهر میان علما انست که از شش جنس
گندم و جو و خرما و مویز و سلت و کشک باشد لازم دانسته اند و غیر اینها را جایز
ندانسته و بعضی ذرت را نیز الحاق کرده اند و بعضی دیگر برنج را در بلادی که قوت
غالب ایشان برنج باشد مانند مازندران و گیلان تجویز کرده اند و منشا این خلاف
اختلاف روایات و اخبار است و احوط قول بعضی از متاخرین است که بغیر از گندم و جو
و خرما و مویز و کشک جنس دیگر ندهند و در باب فضیلت اجناس مذکوره نیز خلاف است
و بعضی از محققین متاخرین گفته اند که خرما افضل از همه است و بعد از ان هر چه قوت
غالب باشد چنانچه مردم شهر چون قوت غالب ایشان نان گندم است بهتر است که
گندم

ومردم دهات چون که غالب نان جو میخورند جو بدهند و این قول مقرون باحتیاط
و من حیث الدلیل در غایت قوت است خصوصا افضلیت خرما که در احادیث بسیار
وارد شده است چنانچه کلینی و ابن بابویه و شیخ طوسی قدس الله ارواحهم بسندهای
معتبر از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده اند که فرمود خرما در فطره
افضل است از غیر خرما از جهت انکه منفعت ان زود بمستحق میرسد زیرا که در همان ساعت
که بدستش می اید بعد از ان میخورد و ایضا شیخ طوسی از ان حضرت روایت کرده است که
اجناس فطره را بیان فرمود پس فرمود که خرما محبوب تر است نزد من پس بدرستی که برای
تو بعوض هر دانه نخل خرمائی در بهشت خواهد بود و ایضا از ان حضرت روایت کرده است که
فرمود که اگر یکصاع از خرما بدهم در فطره محبوب تر است نزد من از انکه یکصاع طلا
بدهم و احادیث دیگر نیز در باب افضلیت خرما وارد شده است و در این مقام بهمین
قدر اکتفا شد اما مقدار جنس فطره پس ان از هر شخصی یکصاع است از اجناس مذکوره و صاع
نه رطل است و اگر شیر دهند بعضی شش رطل و بعضی چهار رطل عراقی را کافی میدانند
و بعضی چهار رطل مدنی گفته اند و احوط انست که کمتر از یکصاع ندهند و صاع موافق
حساب مشهور ظاهرا یکمن تبریز و چهار ده مثقال و ربع مثقال است و احوط یکمن
و نیم تبریز است و نهایت احتیاط انست که یکمن شاه بدهند و در این مقام چند تنبیه ضرور است
اول انکه بعضی از فقها گفته اند که ارد گندم و جو و نان گندم و جو حکم گندم و جو دارد
و انها را بفطره میتوان داد و این قول محل تامل و توقف و خلاف احتیاط است بلکه
احوط انکه گندم و جو باید داده شود دویم در مجزی بودن پنیر و دوغ و روغن بجای
شیر هر گاه شیر جایز باشد سخنی هست چه هر یک از اینها اسم خاصی دارند و شیر بر
اینها اطلاق نمیشود و اقرب و اولی انست که بازاء هر یک از اینها قیمت یکصاع از
شیر بدهند سیم جایز نیست دادن رطب و انگور عوض خرما و مویز و همچنین علما
ذکر کرده اند که جایز نیست جنس معیوب و کرم خورده بجای جنس خوب بفطره دادن
چهارم اشهر میان علما و احوط انست که از هر سری یکجنس داده شود مثلا یکمن گندم

یا غیر ان از اجناس دیگر بدهند و دو جنس را با هم ضم نکنند مثل انکه نیم گندم و نیم
جو از یک شخص بدهد که خلاف احتیاط است والله تعالی اعلم پنجم هرگاه مختلف باشد
قوت دو مالک بنده مثلاً یک مالک گندم خورد و یک مالک جو بعضی جایز دانسته اند
که مختلف بدهند بانکه یکی گندم بدهد حصه خود را و دیگری جو و بعضی جایز ندانسته اند بلکه
از یک جنس باید بدهند و اقرب انست که مطلقا اختلاف جنس جایز است خواه از یک
مالک باشد یا دو مالک و خواه مخالف جنس قوت غالبش باشد یا موافق ان و خواه از
جنس واحد باشد یا زیاده ولیکن احوط انست که یک جنس باشد و قوت غالب باشد
ششم اجماع علما منعقد است بر انکه قیمت این اجناس را میتوان داد خواه اجناس مذکوره
یافت شود یا نشود چنانچه بسند صحیح منقولست که محمد بن اسمعیل بن بزیع گفت که درهمی چند
از خود و از غیر خود فرستادم بخدمت حضرت امام رضا صلوات الله علیه و نوشتم که
اینها فطره عیال من است پس حضرت بخط مبارک خود در جواب نوشت که قبض کردم و
قبول نمودم و بسند موثق منقولست که اسحق بن عمار گفت بخدمت حضرت صادق علیه
السلام عرض کردم که فدای تو شوم چه میفرمائی در باب فطره ایا جایز است که نقره را
بقیمت اجناس بدهند حضرت فرمود بلی نفع این بیشتر است هرچه میخواهد از ان میخرد
و در روایت دیگر میشود که قیمت دادن در فطره باکی نیست و احادیث دیگر باین مضمون
بسیار است و در این باب خلافی نیست ولیکن ایا قیمت باید از طلا و نقره باشد یا غیر ان
نیز جایز است در این باب خلاف است بعضی از علما گفته اند که قیمت دادن مطلقا جایز
است خواه طلا و نقره و خواه زر فلوس و خواه جنس دیگر و این قول محل تامل است و توقف
و احوط انست که جنس ندهد بلکه زر فلوس نیز ندهد و اکتفا بزر اشرفی و نقره کند پس
نقره دادن نیز اولی و احوط باشد والله تعالی یعلم هفتم در صورتی که جایز باشد بقیمت
جنس که بر او واجب است که فطره بدهد جنس دیگر بدهد هرگاه نصف صاع از جنس
دیگری بازاء قیمت یکصاع از جنسی که بر او واجب است بدهد و مساوی باشند با هم در قیمت
ایا جایز است یا انکه چون جنس میدهد باید که یکصاع تمام باشد در این دو قول است

برنج

شهد اول در کتاب بیان مجزی نمیدانند و احوط در این صورت انست که قیمت نقد بدهند
مثل انکه بفروشند نصف صاع را بمستحق بقیمت بازار و ان قیمت را بازای یکصاع از جنسی
که بفطره باید بدهد محسوب دارد هرچند در محسوب شدن دین بر زکوة مالی سخنی
هست هشتم بعضی از علما قیمت هر صاعی را یکدرهم شرعی و بعضی چهار دانک نقره
تقدیر نموده اند و این دو قول بسیار ضعیف است و اقوی قول مشهور است که مراعات تسعیر
وقت مینماید پس در این بلاد مانند اصفهان و نواحی ان چون غالب اوقات یکمن شاه
گندم بصد دینار یا اندک زیاده بر انست باید انقدر داده شود مقصد سیم
در بیان مستحق زکوة فطره بدانکه مشهور میان علما انست که در زکوة فطره بمستحق
زکوة مال میتوان داد و ظاهر کلام شیخ مفید رحمه الله انست که مخصوص بفقراست و بغیر
ایشان از سایر اصناف مستحقین زکوة نمیتوان داد و این احوط است و از چند حدیث
ظاهر میشود که بر پریشانی مستحق فطره باید که زیاده بر پریشانی مستحق زکوة مالی بوده
باشد بنابراین احوط انست که بغایت احتیاج و اضطرار داشته باشد ولیکن باید
سایل بکف نباشد و احوط انست که متظاهر بفسوق نباشد و صالح باشد و باطفال مؤمنان
نیز میتوان داد هرگاه پریشان بوده باشد و در این مقام نیز بیان چند مسئله ضرور است
اول انکه فطره غیر سید را بسید نمیتوان داد و فطره سید را بسید و غیر سید هردو
میتوان داد زیرا که فطره از جمله اقسام زکوة است و زکوة غیر سید بر سید حرام است
دویم بدانکه شریف که مادر ان سید باشد و پدر غیر سید در سیادت ان بعضی
انکه خمس میتواند گرفت یا نه خلاف است هرچند بحسب دلیل سیادت ان قوت دارد
ولیکن احتیاط در انست که فطره از ان سادات ندهند و فطره سادات را بان بدهند
سیم بدانکه در سیادت و غیر ان ظاهر انست که حال معطی مناط است یعنی انکسی که
زکوة فطره بر او واجب میشود مثلاً هرگاه معطی سید باشد و عیال او غیر سید فطره
عیال حکم فطره سید دارد و هرگاه معطی غیر سید باشد و عیال او سید همه حکم فطره غیر
سید دارد باعتبار انکه فطره بر عیال واجب نیست و وجوب تعلق میگیرد به معطی یا و

واو از مال خود میدهد بی مراعات حال سیادت و عدم آن تابع حال معطی است و آنکه
زکوة غیر سید بر سید حرام است در صورتی است که زکوة فطره بر غیر سید تعلق بگیرد و هرگاه
معطی سید باشد و عیال غیر سید باشد چون بر معطی واجب است که از مال او اخراج میشود
بامعنی که اگر زکوة عیال را ندهد ظاهر آنست که مطلقا بر عیال وجوب ندارد و هرگاه عیال
بدهد گناهکار نخواهد بود بلکه معطی چون نداده است گناه دارد پس در اینصورت زکوة
سید خواهد بود بر سادات و غیر سادات حلال خواهد بود ولیکن چون حدیث صحیح بخصوص
در این باب بنظر نرسید و فطره یکی از اصناف زکوة است وارد شده که زکوة از چرکهای
دست مردم است و باین جهت بر بنی هاشم حرام است و در عرف میگویند که این فطره
از خود و این از عیال است و در بعضی از روایات تفصیل نیز وارد شده است و شاید که
مراد از عیال بالاصاله منظور نظر شارع بوده باشد و وجوب فطره بر ایشان تعلق گیرد و هذا
احوط آنست که در هر دو صورت مذکوره یعنی در حالی که معطی سید باشد و عیال او غیر سید
و عکس آن فطره عیال را بسادات ندهند والله یعلم **چهارم** آنکه افضل آنست که خویشانرا
بر غیر خویشان مقدم دارند اما احوط آنست که خویشان غیر واجب النفقه باشند و هم
چنین بهتر آنست که همسایگان ایشان را بر غیر همسایگان ترجیح دهند و همچنین جماعتی را
که افضل و اعلم و افقه باشند بنسبت بغیر ایشان بهتر اند و اگر در شخصی هر سه وصف جمع شده
باشد یعنی خویشی و همسایه و اعلم باشد بر همه کس مقدم است و اگر چنین نباشد اکثر گفته اند
که خویشی مقدم است و بعد از آن اعلم والله تعالی یعلم **پنجم** آنکه مشهور میان علما آنست
که جایز نیست که بفقیری کمتر از یکصاع بدهند مگر آنکه فقرا بسیار باشند که در اینصورت
جایز است کمتر از یکصاع دادن بفقیری هرگاه بهمه فقرا نرسد و سید مرتضی ادعای اجماع
کرده است و محقق در معتبر و بعضی از متاخرین روایتی که وارد شده که کمتر از یکصاع
بدهند حمل بر استحباب نموده اند و علی ای حال احوط آنست که بفقیر کمتر از یکصاع
ندهند و بیک کس چند سر میتوان داد که مستغنی شود ولیکن اگر فقیر بسیار باشند
بهتر آنست که هر کس را یکسر بدهند **ششم** میباید که مستحق زکوة فطره مومن باشد یعنی
شیعه اثنی عشری

شیعه اثنی عشری باشد و در سایر فرقه مخالفین میان فقها خلاف است اکثر گفته اند که
مانند زکوة مالی جایز نیست دادن بایشان مطلقا خواه مومن موجود باشد یا نه و در حدیثی
صحیحی وارد شده که زکوة فطره را بجماعت مذکوره میتوان داد و شیخ طوسی و بعضی دیگر
قایل شده اند که در صورتی که مومن یافت نشود بمستضعف بدهند و متمسک شده اند
بچند روایت و آن روایات محمول بر تقیه میتواند بود چنانچه بعضی حمل کرده اند و دلالت
بر منع میکند روایت ابن ابی یعفور که عرض کرد بخدمت حضرت صادق صلوات الله علیه
که فدای تو گردم چه میفرمائی در باب زکوة بکی بدهم فرمود باصحاب خود شیعیان بده
و سه مرتبه اعاده سؤال کرد و حضرت همان جواب فرمودند هر چند ممکن است حمل این
روایت بر زکوة مالی لیکن ظاهر آن عموم است و علی ای حال احوط آنست که بسایر فرق
مسلمین و مخالفین بلکه مستضعفین ندهند **هفتم** بسائلین بکف ندهند یعنی کسانی
که مضایقه از سؤال نداشته باشند و دست خود را دراز کنند و مطالبه چیزی نمایند
از جمعی که بر ایشان بگذرند و در روایت ابن ابی یعفور سابق نهی از دادن بجماعت مذکوره
وارد شده است **هشتم** تکلیف شرط نیست و باطفال مومنین فطره میتوان داد هر چند
پدر و مادر ایشان فاسق باشند و باطفال غیر ایشان نمیتوان داد بجهت آنکه حکم اولاد
حکم پدرهای ایشان است در کفر و ایمان نه در سایر احکام مانند صلاح و عدالت
و غیر آن که در مستحق فطره اکثر علما معتبر دانسته اند و در باب آنکه بطفل میتوان داد
یا بولی طفل می باید داد هرگاه وصی نداشته باشد یا بقایم مقام شرعی میان فقها
خلاف است ظاهر آنست که هرگاه مولی امر طفل امین باشد میتوان داد که صرف معیشت
طفل نماید یا بخود طفل بدهد و سعی نماید که صرف ما یحتاج شرعی خود نماید و همچنین است
حکم مجنون و سفیه و بخود سفیه میتوان داد والله تعالی یعلم و تفصیل آن مطالب
در کتب مبسوطه فقها در زکوة مالی بیان شده است **نهم** جمعی از فقها اعتبار
عدالت در مستحق کرده اند و بعضی گناه کبیره نکردن را مناط دانسته اند و بعضی
خلاف مروت را در عدالت اینجا معتبر دانسته اند و محقق و جمهور متاخرین غیر ایمان

شرط دیگر نکرده اند و این اقرب است نظر باکثر روایات و بالجمله اولی و احوط آنست که فطره را بجمعی که متظاهر بفسوق باشند ندهند بلکه بکسانی که ظاهر الصلاح باشند بدهند **دهم** مشهور بلکه اجماعیست که جایز نیست که فطره را ببرند بشهری یا جای دیگر که در آنجا بمستحقین بدهند و حال آنکه در آن شهری که فطره بر آن واجب شده مستحقین موجود باشند یعنی آنکه گناهکار خواهد بود هر چند ظاهر آنست که هر گاه بمستحقین آنجا برساند بری الذمه شده باشد و هر گاه در این صورت نقل کند و در آن بین تلف شود ضامن خواهد بود فطره را می باید که جنس فطره را یا قیمت آن بمستحقی برساند و جایز است نقل ببلد دیگر هر گاه در آن بلدی که جنس فطره تعلق گرفته مستحقی نباشد و هر گاه تلف شود ضامن نخواهد بود **یازدهم** جمعی از فقها ادعای اجماع نموده اند که مالک فطره میتواند که خود فطره را قسمت نماید بمستحقین و بایشان برساند خواه امام علیه السلم حاضر باشد یا غایب و مستحب میدانند که در صورت حضور امام علیه السلم بآنحضرت برساند یا بنایب خاصی که آن حضرت صلوات الله علیه تعیین نموده باشند و در این عصرها که امام صلوات الله علیه غایب است و دست باو نمیرسد بنایب عام ایشان که فقهای شیعه که عارف بحلال و حرام خدا تعالی باشند و عادل باشند بدهند زیرا که ایشان را نابو بمواقع آن و بهتر می شناسند مستحقین را قاضی ابن زهره در کتاب غنیة النزوع واجب دانسته بامام علیه السلم یا نایب خاص ایشان دادن در حال ظهور امام علیه السلم و با تعذر بفقهای شیعه که امین باشند برساند و احادیث بسیار دلالت بر اول دارد و وجوبی که ابن زهره ادعا نموده حمل بر تأکد استحباب میتوان نمود و مجملاً بهتر است که در این زمان بحال فقیه امامی که اعتماد تمام باو باشد بدهد که او بمستحقین میرساند چون مصارف را او بهتر میداند **دوازدهم** بعضی از متأخرین از محقق در معتبر روایت کرده اند که او در زکوة مالی تجویز کرده که بمحض ادعای فقیر فقر خود را بدون آنکه قسم بر فقر خود بخورد و حال آنکه معلوم نباشد زکوة باو میتوان داد و ادعای اتفاق فقها را نموده اند و علامه نیز حکم مذکور را ذکر نموده و گفته که فرقی میان زکوة مالی و فطره معلوم نیست و از

کلام شیخ

کلام شیخ زین الدین در شرح لمعه معلوم میشود که اکتفا بدعوای فقر میتوان کرد در صورتی که تفتیش از حال او میسر باشد ما احوط آنست که تا فقیر مستحق مظنون معلوم نشود باو ندهند و علی ای حال بعد از دادن هر گاه معلوم شود که آنکه فطره را گرفته مستحق نبوده از او پس میگیرد عین فطره را یا بدل آنرا هر گاه ممکن باشد و اگر ممکن نباشد مجزی است آنچه را داده بشرط آنکه تفتیش کامل از حال آن فقیر کرده باشد

مقصد چهارم در بیان وقت اخراج زکوة فطره بدانکه اول وقت بیرون کردن فطره بنابر مشهور میان علما اول شام شب عید است و پیش از آن نمیتوان داد مگر آنکه بفقیر قرض بدهد و آخر بفطره محسوب دارد با فقر و بعضی تجویز کرده اند باینکه از اول ماه رمضان تا آخر بعنوان فطره بدهد و این خلاف احتیاط است و در آخر وقت آن نیز میان علما خلاف است مشهور آنست که آخر وقت آن نماز عید است و بعضی تا ظهر روز عید و بعضی دیگر تا آخر روز میدانند و احوط آنست که در شب جدا کند و پیش از نماز عید بدهد و اگر صبح جدا کند نیز خوب است و اگر پیش از نماز عید جدا کند هر وقت که میخواهد بمستحقی برساند و لیکن بهتر آنست که تاخیر نکند از ظهر روز عید بلکه از ظهر آن روز مگر آنکه مستحق حاضر نباشد و انتظار او بکشد یا عذری دیگر داشته باشد و اگر جدا نکند تا ظهر روز عید بلکه احوط آنست که تا شام قصد ادا و قضا نکند و اگر از روز عید بگذرد و جدا نکرده باشد نهایت احتیاط نیز در آنست که بقصد قربت بدهد و قصد خصوص فطره بکند بلکه قصد وجوب و ندب و ادا و قضا نیز نکند یا باین قصد بدهد که اگر فطره بر من واجب باشد قضا یا ادا فطره باشد و الا صدقه باشد قربة الی الله تعالی و در این مقام نیز تبیین و تعیین چند امر ضرور است

اول نیت واجب است در وقت جدا کردن فطره از مال خود و اگر در وقت دادن بمستحقی نیز نیت کند احوط است خصوصاً هر گاه فاصله بسیار شده باشد و در نیت همین کافی است که قصدش از دادن زکوة اطاعت و فرمانبرداری امر الهی باشد و اگر نیت وجوب یا ندب و ادا یا قضا بکند بهتر است و اگر زکوة مال و زکوة فطره

هر دو در نیت او باشد همین که در خواطرش باشد که این زکوة فطره است کافی است و در جایی که وجوب و ندب ظاهر نباشد قصد قربت تنها بکند یا تردید کند که اگر واجب باشد واجب و الا سنت قربة الی الله تعالی و ظاهر آنست که اکتفا به نیت قربت در صورتی که وجوب یا ندب معلوم باشد هم توان کرد و احوط آنست که در وقتی که بمستحق میدهد نیز نیت کند و بعضی از مسائل متعلق باین مطلب گذشت دویم بدانکه در اول وقت تعلق وجوب بفطره خلاف است جمعی گفته اند که واجب میشود فطره بغروب آفتاب از روز آخر ماه رمضان که اول شب عید باشد و جمعی دیگر قایل شده اند که اول وقت وجوب طلوع صبح صادق است از روز عید و خالی از قوتی نیست و علی ای حال احوط آنست که در شب جدا کند و قبل از نماز عید بدون عذر بمستحق رساند سیم آیا جایز است دادن فطره را قبل از وقت وجوب در ایام ماه مبارک رمضان بقصد فطره یا جایز نیست بلکه اگر خواهد بدهد می باید بصیغه قرض بدهد و بعد از آن در وقت وجوب با مستحق بفطره محسوب دارد و در میان فقها در این مسئله خلاف است اکثر از ایشان که از انجمله است شیخ مفید و شیخ طوسی در کتاب انتصار و ابو الصلاح و ابن ادریس قایل شده اند که در وقت وجوب آن باید داد و پیش از آن جایز نیست دادن فطره مگر بعنوان قرض و شیخ طوسی در اکثر از کتب خود غیر کتاب مذکور و صدوق ابن بابویه علیهم الرحمه جایز دانسته اند و گفته است که فطره را در اول ماه رمضان میتوان داد و محقق در معتبر و جمعی دیگر اختیار این مذهب را نموده اند و استدلال کرده اند بروایت صحیحة الفضلا از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق صلوات الله علیهما و در آن روایت تصریح فرموده اند که از روز اول ماه تا آخر ماه میتوانند داد و در روز عید افضل است و دیگران این روایت را حمل نموده اند بر آنکه پیش از عید دادن جایز است بعنوان قرض و این توجیه نظر بلفظ این حدیث بعدی دارد و عمل بمضمون حدیث خالی از قوتی نیست لیکن احتیاط در آنست که پیش از شام عید ندهند

عید ندهند و اگر بدهند بعنوان قرض بدهند و بعد از فطره محسوب دارند چهارم بدانکه در آخر وقت وجوب فطره نیز فقها اختلاف کرده اند اکثر بر آنند که آخر وقت وجوب آن نماز عید است حتی آنکه علامه رحمه الله در منتهی گفته است که جایز نیست تاخیر فطره از نماز عید بدون عذر و اگر تاخیر کند گناهکار است و همه علما باین قایلند و ابن جنید قایل شده است که آخر وقت آن اول ظهر روز عید است و علامه رحمه الله در کتاب مختلف این قول را اقرب دانسته و کلام علامه در منتهی بچند سطر فاصل بعد از قایل شدن بقول اول دلالت میکند بر آنکه آخر وقت آخر روز عید است و سید محمد صاحب مدارک گفته است که این قول خالی از قوتی نیست و احتیاط مقتضی آنست که اخراج فطره را از نماز عید تاخیر نکند و هرگاه از وقت وجوب بگذرد نیت ادا و قضا نکند چنانچه بتفصیل گذشت پنجم هرگاه از وقت وجوب بگذرد و فطره را از مال خود جدا کرده باشد و بمستحق نرسانیده باشد ظاهر کلام فقها آنست که مطلقا خواه مستحق در وقت وجوب موجود بوده یا نبوده بعد از وقت واجب است که بدهد به نیت ادا هر وقت که بدهد ادا خواهد بود و روایات نیز دلالت بر این میکند لیکن در روایت ابن ابی عمیر مذکور است که هرگاه جدا کرده باشی و انتظار مستحق بکشی باکی نیست تاخیر فطره و این روایات اشعاری دارد باینکه بدون عذر تاخیر خوب نیست لیکن افضل آنست که از اول وقت تاخیر کند تا قبل از نماز عید و بعد از آن نتواند تاخیر نکند مگر آنکه انتظار مستحق بکشد یا غیر آن ششم هرگاه وقت وجوب بگذرد و جدا نکرده باشد فقها در این باب مسئله نیز خلاف است و لیکن بقولی قایل شده اند شیخ مفید و ابن بابویه و ابی الصلاح و ابن براج و ابن زهره و محقق در بعضی کتاب که در این صورت فطره ساقط است دیگر نمی باید داد چون عبادتیست در وقت خاص و چون از آن وقت بگذرد دیگر لازم نیست که بدهد و ابن زهره دعوای اجماع کرده است بر این و شیخ طوسی و جمعی دیگر واجب دانسته که بدهند به نیت قضا و علامه این

مذهب را اختیار کرده است و ابن ادریس در سرائر گفته که بعد از وقت هم به نیت
ادا بدهد و این قول بسیار ضعیف و قول اول اقوی و بنابر احتیاط در این داشت
که بعد از خروج وقت بدهد به نیت ادا و قضا نکند **مسئله** بعد از جدا کردن در وقت
جدا کردن و وجوب فطره هرگاه بی جهت دادن را به مستحق تأخیر کند و تلف شود ضامن خواهد
بود و اگر ممکن نبوده باشد دادن به مستحق بعلت نبودن مستحق یا غیر آن و تلف شود
ضامن نخواهد بود **باب پنجم** در بیان احکام متعلقه بروز عید این روز از جمله اعیاد
عظیمه مسلمانان و در غایت فضیلت و برکت است محمد ابن یعقوب رضی الله عنه در
کتاب کافی بسند خود از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود
که چون صبح روز عید فطر شود منادی از جانب حق تعالی ندا کند که زود بشتابید بسوی
جایزه‌های خود **و ایضا** بسند خود از جابر روایت نموده اند که حضرت امام محمد باقر علیه
السلام با او فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله میفرمود که چون روز اول ماه
شوال شود منادی ندا کند که ای گروه مؤمنان زود شتاب نمائید بسوی جایزه‌های
خود پس فرمود که ای جابر جایزه‌های خداوند عالمیان مانند جایزه‌های این پادشاهان
نیست پس فرمود که این روز روز جایزه است و شیخ مفید قدس الله روحه در کتاب امالی
بسند خود از ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله حدیث طولانی
در بیان فضایل ماه مبارک رمضان بیان نمود از آن جمله فرمود که هرگاه عید فطر
شود و آن لیلة الجوائز نامیده میشود حق تعالی اجر عمل کنندگان در این ماه را عطا فرماید
بی حساب پس چون صبح روز عید فطر شود بهمه بلاد عالم ملائکه را فرستد پس ایشان
فرود می آیند بر زمین و بر سر کوچه‌ها و بازارها می ایستند و میگویند ای امت محمد صلی الله
الله علیه و آله بیرون روید بسوی پروردگار کریمی که ثواب جزیل عطا میفرماید و گناه
عظیم را محو میکند پس چون مردم بمصلی رفتند حق تعالی بملائکه میفرماید که ای ملائکه من
چیست جزای مزدور هرگاه کار خود را کرده باشد ایشان گویند که ای پروردگار من
و سید ما جزای او آنست که مزدش را تمام بدهند پس حق تعالی فرماید که من شما را
گواه

گواه میگیرم که ثواب روزه ایشان را در ماه مبارک رمضان و عبادت ایشان را در آن
ماه خوشنودی و مغفرت خود قرار دادم پس میفرماید که ای بندگان من سؤال کنید
از من بعزت و جلال خودم سوگند که امروز در این جمع برای آخرت و دنیای خود چیزی
نطلبید مگر آنکه آن را بشما عطا میکنم و بعزت خودم قسم که می پوشانم بر شما گناهانی را
که کرده اید و رسوا نمیکنم شما را در میان جماعتی که مستحق حد زدن من شده اند برگردید
بجاهای خود آمرزیده شده بدرستی که مرا از خود راضی کردید و من از شما راضی شدم پس
ملائکه شاد و خوشحال میشوند و بعضی از ایشان بعضی تهنیت میگویند به آنچه حق تعالی
باین امت عطا میفرماید در وقت افطار روز عید و بسند معتبر منقول است که حضرت امیر
المؤمنین صلوات الله علیه در یکی از روزهای عید فطر خطبه خواندند پس فرمود که ایها
الناس بدرستی که این روزیست که نیکوکاران ثواب های خود بیابند و بدکرداران
خاسر و زیانکار میگردند و این روز شبیه‌ترین روزهاست بروز قیامت پس بیرون رفتن
این روز از منازل خود بمصلی یاد آورید بیرون رفتن از قبرها را بسوی خدای عالمیان و بر
ایستادن در مصلی یاد آورید ایستادن خود را در برابر خداوند رحیم مهربان در روز
قیامت و بمواجب نمودن و بازگشتن بمنازل خود یاد آورید بازگشتن خود را بمنازلی که برای
که برای شما در بهشت مهیا یا در جهنم مهیا نموده ام ای بندگان خدا بدانید که کمتر چیزی که برای
مردان و زنان روزه دار مهیا شده آنست که ملکی ندا میکند در روز آخر ماه مبارک
رمضان که بشارت باد شما را ای بندگان خدا که حق تعالی آمرزید گناهان شما را پس نظر کنید
که چگونه خواهید بود در ماه رمضان آینده و سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال
از کتاب محمد ابن عمران مرزبانی نقل نموده که او بسند خود از حضرت امام حسن مجتبی صلوات
الله علیه روایت نموده است که آن حضرت در روز عید فطر از خانه بیرون آمد و دید که
مردم میخندند پس فرمود که حق تعالی ماه مبارک رمضان را میدانی گردانیده است برای
خلق خود که سبقت گیرند بسوی او پس گروهی سبقت گرفتند و فایز و رستگار شدند
و جماعتی تخلف نمودند و خایب و زیانکار گشتند پس عجب است از خندنده کننده در این

روز کرو سنکار میشوند در آن سنکو کاران و زیان کار میشوند در آن مبطلات
و غدا سو کند که اگر حجاب از میان برخیزد هر آینه هر نیکوکاری مشغول شود بنیکی کرده
های خود و بد کردار به بدیهای خود مشغول گردد و موی خود را شانه نکند و جامه خود را
پاکیزه نسازد **خاتمه در بیان** اعمالی که اختصاص بماه مخصوصی از ماهها دوازده
گانه ندارد و در آن دو مقصد است **مقصد اول در بیان** نماز آیات است و در آن دو مطلب
است **مطلب اول در بیان** شرایط وجوب آن بدانکه این نماز بچند سبب واجب میشود **اول**
گرفتن قرص آفتاب یا ماه خواه تمام آنها بگیرد یا بعضی و اول وقت این نماز باجماع علما
وقت شروع کردن قرص است بگرفتن و در آخر آن خلافست اشهر میان علما آنست که آخر
وقت آن اول شروع نمودن بانجلا است چنانچه اگر کسی نماز را تاخیر نماید تا شروع بانجلا
شود وقت نماز گذشته است و باید بنیت قضا بکند و جمعی خصوصا متاخرین آخر وقت
را اتمام انجلا میدانند و قول آخر اگرچه اقوی است لیکن احوط آنست که تاخیر ننماید بلکه
قبل از شروع شدن بانجلا نماز را بکند و اگر تاخیر کند مادام که تمام آن منجلی نشده باشد
نماز را بنیت قربت واقع سازد و قصد ادا و قضا نکند و اگر زمان خسوف و کسوف
گنجایش نماز خفیف سبکی را نداشته باشد مشهور میان علما آنست که نماز واجب نیست
حتی آنکه از کلام بعضی مفهوم میشود که اگر شروع بنماز کرده باشد و در اثنای نماز بر
او معلوم شود که وقت گنجایش اتمام نماز را ندارد واجب است که نماز را قطع نماید
و بعضی گفته اند که اگر وقت گنجایش یک رکعت را نیز نداشته باشد احوط آنست که نماز
بنیت رعایت قول ثانی است بلکه وقت گنجایش یک رکعت را نیز نداشته باشد و
احوط آنست که نماز بنیت قربت کرده شود و اگر نماز تمام شود و هنوز شروع
بانجلا نشده باشد بنابر قول اول یا تمام قرص منجلی نشده باشد بنابر قول ثانی
اشهر و اقوی آنست که مکرر کردن نماز مستحب است تا انقضاء وقت و بعضی از
علما بوجوب تکرار قایل شده اند و اگر بعد از منجلی شدن مطلع شود مشهور میان علما
آنست که قضا واجب نیست مگر آنکه تمام قرص گرفته باشد که در آن صورت میان علما
قضا واجب

قضا واجب میشود و بعضی مطلقا قضا را واجب دانسته اند و این قول احوط است
و بعضی دیگر گفته اند که اگر قرص ماه تمام بگیرد و صبح مطلع شود نماز را بجماعت قضا
میکند و اگر بعضی از قرص گرفته باشد و صبح مطلع شود نماز را فرادی یعنی به تنهائی
قضا میکند و سندی برای این قول بنظر نرسید و اگر عمدا نماز را ترک کند یا فراموش
کند مشهور آنست که مطلقا قضا میکند خواه تمام قرص گرفته باشد یا بعضی و بعضی
از فقها در صورت عمد و بعضی دیگر در صورت فراموشی گفته اند که اگر تمام قرص
گرفته باشد قضا میکند و اگر بعضی گرفته باشد قضا نمیکند و عمل بمشهور احوط است
عملا بعد از وقت قضا احوط است خواه کل گرفته باشد یا بعض و خواه ترک نماز از روی
عمد یا فراموشی یا عدم علم باشد **دویم** زلزله یعنی لرزیدن زمین و مشهور میان
اصحاب آنست که وقت آن موسع است در تمام عمر و هر وقت بکند به نیت ادا میکند
و بعضی آن را واجب فوری میدانند و گفته اند که بعد از سکون زلزله بلا فاصله واجب
میشود و اگر تاخیر کند معاقب و آثم است لیکن هر وقت که بکند به نیت ادا میکند مانند
حج واجب که اگر از سال اول استطاعت تاخیر کند آثم است اما به نیت ادا میکند
و بعضی گفته اند که مطلقا به نیت قضا میکند چون وقت آن گذشته است و احوط آنست
که نیت ادا و قضا را هیچ یک نکند و به نیت قربت واقع سازد و بنا بر آنکه از کلام جمعی از
فقها ظاهر میشود که اول وقت این نماز بعد از سکون زلزله است زیرا که زمان اصل
زلزله گنجایش نماز ندارد و این سخن محل اشکالست زیرا که زمان زلزله حسب شدت
و خفت آن مختلف است و گاه هست که زمان آن زیاده از قدر نماز میشود پس اگر
کسی در حین زلزله قادر بر کردن نماز باشد اقوی و احوط آنست تاخیر نکند و اگر
در هر وقت بکند رعایت هر دو قول نموده است **سیم** اخاویف آسمانی و آن هر
امر هولناکی است که از جانب آسمان حادث شود که موجب خوف غالب مردم گردد مانند
بادهای بسیار شدید که بر خلاف عادت بوزد خواه رنگین باشد و خواه نباشد و صاعقه
های بسیار عظیم و رعدهای بسیار شدید که زیاده از قدر متعارف باشد و تاریک

شدن هوا باد سرخ یا زرد شدن هوا زیاده از قدر عادت مجملاً هر علامت آسمانی
که زیاده از قدر متعارف که موجب خوف عامه خلق است و مشهور و اقوی در همه اینها
وجوب نماز است و بعضی در خصوص باد های هولناک و تاریکی هوا و بعضی در خصوص
باد سیاه بوجوب قایل شده اند و از کلام بعضی از فقها ظاهر میشود که این نماز
مخصوص قسم اول است که کسوف و خسوف است و در زلزله و اخاویف سماویه اصلا
نماز واجب نیست و قول مشهور اقوی و احوط است و در اینجا مشهور آنست که اگر
وقت گنجایش نداشته باشد واجب نیست و بعضی مطلقا واجب دانسته اند و احوط
کردن است به نیت قربت کی وقت گذشته باشد و اگر مطلع نشود تا وقت بگذرد و
قضا واجب نیست مطلقا موافق مشهور میان علما و بعضی احتمال وجوب قضا دارد
و احوط در این صورت نیز کردن است به نیت قربت و اگر عمدا ترک کند یا فراموش کند
اشهر وجوب قضا است و بعضی در صورت فراموشی قایل بسقوط شده اند و احوط
کردن است به نیت قربت مطلب دویم در بیان کیفیت این نماز است بدانکه این نماز
بچند طریق میتوان کرد و ما بذکر دو طریق اکتفا مینمائیم طریق اول آنکه در کسوف
و خسوف اول نیت کند که نماز آفتاب گرفتن یا ماه گرفتن میکنم ادا از جهة آنکه واجب است
قربة الی الله تعالی و اگر بعد از وقت باشد بعوض ادا قضا نیت کند و اگر در صورتی
باشد که وجوب آن معلوم نباشد ادا و قضا و وجوب را هیچیک قید نکند بلکه
بقصد قربت بکند باین نحو که نماز را میکنم قربة الی الله و در زلزله احوط آنست
که ادا و قضا را نیت نکند و در همه صورتی اخاویف سماوی نیت را بقصد قربت
کند مثل آنکه نیت کند که فلان نماز را میکنم قربة الی الله تعالی ظاهرا کافی است بلکه در
همه عبادات موافق تحقیق نیت قربت کافی است و وجه در کار نیست پس تکبیر احرام
بگوید و حمد و هر سوره که خواهد بخواند پس برکوع رود پس سر بر دارد و سنت است
که در سر بر داشتن الله اکبر بگوید پس مرتبه دیگر حمد و همان سوره یا سوره دیگر را بخواند
و سنت است که در این نوبت بعد از سوره قنوت بخواند پس برکوع رود و باز سر بر
دارد

دارد و الله اکبر بگوید و حمد و سوره بخواند و بی قنوت برکوع رود و باز سر بر دارد
و الله اکبر بگوید و حمد و سوره و قنوت سنت را بخواند و برکوع رود و باز سر بر دارد
و الله اکبر بگوید و حمد و سوره بخواند و بی قنوت برکوع رود و از این رکوع که رکوع پنجم
است چون سر بر دارد سنت است که سمع الله لمن حمده بگوید و بعد از آن تکبیر سجود بگوید
و بسجود رود پس برخیزد و رکعت دویم را مانند رکعت اول بجا آورد قبل از رکوع اول قنوت
میخواند و قبل از رکوع دویم قنوت نمیخواند و باز قبل از رکوع سیم قنوت میخواند و قبل
از چهارم نمیخواند و قبل از پنجم میخواند و در این رکعت نیز الله اکبر بعد از سر بر داشتن
از چهار رکوع سنت است چنانچه سمع الله لمن حمده در سر بر داشتن از رکوع آخر
سنت است و بعد از رکوع پنجم بسجده رود و بعد از دو سجده تشهد بگوید و سلام
بگوید و این طریق اسهل و افضل طرق است طریق دویم آنکه بعد از تکبیر احرام حمد
و بعضی از سوره را بخواند و برکوع رود و چون سر بر دارد بعضی دیگر از همان سوره
را بخواند و حمد را اعاده نکند و برکوع رود و همچنین تا پنج رکوع تمام چنانچه قبل از
رکوع پنجم آن سوره تمام شود و همچنین رکعت ثانی را باین دستور بکند و در این
صورت سوره حمد در هر رکعتی یکمرتبه خوانده میشود و سوره مناسب این طریق سوره
است که کمتر از پنج آیه نباشد و اگر سوره مبارکه انا انزلناه فی لیلة القدر یا قل هو الله
احد یا اعوذ برب الفلق و امثال آنها که پنج آیه است خواند آسان تر است و در این
طریق نیز پنج قنوت بنحوی که در طریق سابق مذکور شد سنت است و همچنین در سر بر داشتن
از چهار رکوع اول هر یک از رکعت اول و دویم الله اکبر و در سر بر داشتن رکوع پنجم
هر یک سمع الله لمن حمده سنت است و این طریق سبک ترین طرق است پس اگر وقت
وسیع باشد طریق اول را و اگر تنگ باشد طریق دویم را اختیار نماید و بعضی از
از سوره بگوید که خالی از اشکالی نیست لهذا آنرا مذکور ننموده و اما مستحبات
این نماز پس چند امر است اول آنکه بجماعت کرده شود خصوصا هرگاه تمام قرص گرفته
باشد دویم آنکه اگر وقت وسعت داشته باشد نماز را طول بدهد و بهتر آنست که در اول

وقت شروع نماید و انقدر طول بدهد که در اخر وقت فارغ شود و اگر بیشتر فارغ شود ممکن
نماز را بکند تا اخر وقت سیم با وسعت وقت سورهای طولانی بخواند و اگر سورهٔ یس
و سورهٔ نور را که بخصوص در روایات وارد شده بخواند شاید بهتر باشد و بعضی گفته اند که
اگر نماز را به تنهائی بکند سورهٔ طولانی بخواند و اگر بجماعت بکند سورهٔ مختصر را بخواند
والله تعالی یعلم چهارم رکوع و سجود را بقدر قرائت طول بدهد با انکه ذکر انها را مکرر
بخواند اگر وقت وسیع باشد و بعضی از مستحبات در ضمن بیان کیفیت این نماز مذکور
شد و بدانکه اگر وقت این نماز با وقت نماز شبانروزی اتفاق افتد هرکدام که وقتش تنگ
باشد انرا مقدم دارد و اگر وقت هر دو تنگ باشد نماز شبانروزی را مقدم میدارد
و مشهور انست که این نماز در این وقت ساقط است و احوط انست که بعد از شبان
روزی این نماز را به نیت قربت بجا بکند و اگر وقت هر دو وسیع باشد مشهور انست
که در تقدیم و تاخیر مخیر است و احوط تقدیم نماز شبانروزی است و اگر در وقت
نماز شب اتفاق افتد این نماز چون واجب است البته انرا مقدم میدارد و اگر وقت
نماز شب بدر رفته باشد اخر انرا قضا میکند والله تعالی یعلم تتمه جد علامه ام
مولانا محمد باقر مجلسی قدس الله روحه در بعضی از مولفاتش گفته که اگر در اثنای زلزله
مکرر این ایه را بخواند مناسب است ان الله یمسک السموات والارض ان تزولا و لئن
زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما غفورا و از حضرت امام رضا علیه السلام
منقولست که هرکه در وقت خواب این ایه را بخواند خانه بر سرش خراب نشود والله تعالی
هو الموفق مقصد دوم در بیان فضائل و اعمال روز نوروز است و در ان نیز
دو مطلب است مطلب اول در بیان انچه در روایات معتبره در این باب
وارد شده است بدانکه در باب تعیین روز نوروز میان علما اختلافست بعضی دهم
ایار از ماههای رومی و بعضی دیگر نهم شباط گفته اند و مشهور روز
تحویل افتاب ببرج حمل است چنانچه اگر قبل از ظهر تحویل واقع شود انروز نوروز است
و اگر بعد از ظهر تحویل شود روز بعد نوروز است و این قول اقرب بصواب و اضبط

درحساب

در حساب است اگر بنای اعمال را بر این روز گذارند بهتر است و اگر هر یک بعمل اورند
عمل بهمه شده خواهد بود و تحقیق این مطلب علی التفصیل مناسب این مقام نیست و بالجمله بنا
بر همه اقوال این روز بسیار شریف و با برکت است چنانچه باسانید معتبره از معلی بن
خنیس که از خواص اصحاب حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بوده است منقولست
که گفت در روز نوروز بخدمت انحضرت رفتم فرمود ای معلی ایا میشناسی این روز را گفتم فدای
تو شوم این روزیست که عجم انرا تعظیم می نمایند و در این روز تحفها و هدیها
برای یکدیگر میفرستند حضرت فرمود که سوگند یاد میکنم بحق خانه کعبه معظمه
است که این تعظیم کردن نیست مگر برای امر قدیمی که تفسیر میکنم انرا برای تو تا بفهمی
انرا گفتم ای سید و اقای من دانستن این از برکت شما محبوب تر است نزد من از
انکه مردگان من زنده شوند و دشمنان من بمیرند حضرت فرمود که ای معلی بدرستی
که روز نوروز روزیست که حق تعالی در این روز پیمان بندگان را گرفت از ارواح ایشان
در روز الست که او را بیگانگی بپرستند و برای او شریکی قرار ندهند و در بندگی
و پرستیدن هیچ چیز را شریک او نکی دانند و ایمان بیاورند به پیغمبران و رسولان
و حجتهای او بر خلق و امامان و پیشوایان دین و ائمه معصومین صلوات الله
علیهم اجمعین و این اول روزیست که در ان افتاب طلوع کرده است و بادهای
ابستن کننده درختان وزیده است و گلها و شکوفهای زمین افریده شده است
و در این روز کشتی حضرت نوح علیه السلام بعد از طوفان بر کوه جودی قرار گرفته است
و این روزیست که حق تعالی حیات بخشید چندین هزار کسی را که از مرگ گریختند بعضی
از طاعون و بعضی بخداوند تعالی همه را میرانید پس بعد از مدتها که استخوان شده
بودند پیغمبری از پیغمبران خدا بر این استخوانها گذشت و از پروردگار خود سوال
کرد که او بنماید که چگونه این استخوانهای پوسیده را زنده میکرداند پس حق
تعالی وحی فرستاد بسوی او که اب بریز بر این استخوانهای ایشان در همان جاها
خود که هستند پس چنین کرد و همه بقدرت الهی زنده شدند و این اول سال فرس

عجوات و باین سبب سنت شد که در این روز آب بر یکدیگر بریزند یا آب بر خود بریزند
و غسل کنند و حق تعالی در قرآن مجید اشاره باین قصه نموده است در آنجا که فرموده
الم تر الی الذین خرجوا من دیارهم وهم الوف حذر الموت فقال لهم الله موتوا
ثم احیاهم و مفسران گفته اند که آن پیغمبر حضرت حزقیل علیه السلام بود و حضرت فرمود
که ایشان سی هزار کس بودند و فرمود که در این روز جبرئیل ع بر حضرت رسول صلی
الله علیه و آله بوحی نازل شد یعنی نوروز موافق روز مبعث بوده که بیست و هفتم
ماه رجب است و فرمود که این روزیست که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه
و آله بتهای کفار قریش را در مکه شکست و حضرت ابراهیم علیه السلام نیز در این روز
بتهای کافران را شکست و اول اشاره ایست بانکه سنی و شیعه روایت کرده اند
بطرق بسیار که شبی حضرت رسالت صلی الله علیه و آله حضرت امیر المؤمنین ع
را با خود بمسجد الحرام آورد و حضرت امیر را امر کرد که بر دوش آنحضرت بالا
رفت و بتهای کافران را بزیر افکند و شکست پس مراد اینست که در شب این
روز بود و فرمود که در این روز حضرت رسول صلی الله علیه و آله امر کرد اصحاب
خود را که بیعت کنند با امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله و اقرار کنند که او پا
دشاه مؤمنانست یعنی روز غدیر این روز بوده یا آن روز که سرکردهای اصحاب
را گفت بروید و بر علی سلام کنید و بگوئید السلام علیک یا امیر المؤمنین
این روز بوده و فرمود که در این روز حضرت رسول صلی الله علیه و آله حضرت امیر
المؤمنین صلوات الله علیه را بوادی جنیان فرستاد که از ایشان بیعت از
برای او بگیرد و فرمود که در این روز حق خلافت با امیر المؤمنین صلوات الله
علیه برگشت و بار دیگر بعد از کشته شدن عثمان با آنحضرت بیعت کردند و در
این روز حضرت امیر علیه السلام با خارجیان نهروان جنگ کرد و بر ایشان ظفر
یافت و سرکردهای ایشان را که ذو الثدیه میگفتند کشت و در این روز قائم آل محمد
صلوات الله علیه ظاهر خواهد شد و در این روز امامان دیگر بدنیا رجعت خواهند

حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر فالله خیر حافظا و هو ارحم
الراحمین و صلی الله علی خیر خلقه محمد و عترته الطاهرین **دوازدهم** در جامع ابن بیطار
مذکور است که صاحب فلاحت نبطیه از قول حضرت آدم علیه السلام نقل کرده که هر که در
روز تحویل نیم مثقال تخم ازبانه با نیم مثقال قند سفوف ساخته بخورد و بعد از آن مداومت
نماید تا روز تحویل آفتاب بسرطان در آن سال هیچ نوع تبی بهم نرساند و اگر هر
سال این کار بکند عمر بصد و بیست سال برسد و اصلا از قوای او سستی و ضعف بهم نرسد
سیزدهم ایضا از صاحب فلاحت نبطیه نقل نموده که هر که در این روز یک مثقال از خلاصه
کوفته بخورد و تا سه روز بآن مداومت نماید در آن سال هیچ زهری بآن کارگر نشود
و گفته که این از تجربیات است چنانچه شخصی در سالی باین عمل نمود و در آن سال چند نوبت
باو زهر دادند که از آن جمله یکمرتبه ده دانگ نیم الماس و یکمرتبه یک زهره افعی بود و بر
او کارگر نشد **چهاردهم** در بعضی از رسایل مذکور است که در روز نوروز از پوشیدن
جامه زرد و سیاه و بنفش و عنابی حذر باید کرد باعث مفلسی و اندوهگی است بلکه
جامه سفید یا سبز یا آل یا کبود باید پوشید که باعث غنا و توانگری و صحت بدن است
در آن سال چنانچه در این ابیات که منسوبست بسلطان المحققین خواجه نصیر طوسی قدس
الله روحه بنظم آمده **شعر** بوقت گردش سال ای یگانه دوران نصیحتی کنم ار بشنوی
و دریابی چهار رنگ مپوش و چهار رنگ بپوش کز آن چهار شوی خالی زین چهار
آبی بپوش جامه سبز و سفید آل و کبود مپوش زرد سیاه و بنفش و عنابی
که این چهار شود قامت تو خم چه کمان و از آن چهار شود چهره تو عنابی **پانزدهم**
در مجموعه بنظر رسیده که منقول است که هر که این کلمات را در روز شنبه بعد از نوروز
بنویسد و با آب پاک بشوید و بخورد در آن سال از درد چشم ایمن باشد و کلمات اینست
الم المص المر کهیعص طه طسم طس یس ص حم حمعسق ق ن **تحقیق بدانکه** ابجد در
این مقصد مذکور شد در کتب معتبره مسطور نیست و بعضی از آنها را بروایت نسبت
داده اند و بعضی را بدون نسبت بروایت نقل نموده اند و آنها بر سه نوع است **نوع اول**

آنچه از قبیل ادعیه و اذکار و نماز و نوشتن دعا و طلسم و آشامیدن آب است و این
قسم را اگرچه بروایت نسبت نداده اند لیکن ظاهر حال آنست که ماخوذ از روایتی و حدیثی
باشد
و حدیث آن از ما
رفته باشد یا از کتب عامه و اهل سنة
اخذ نموده باشند بنابراین نقل این قسم از اعمال
ممکن است که بمنزله روایت باشد و چون
در مستحبات عمل بروایت ضعیفه
تجویز کرده ممکن است
که بجا آوردن
این
اعمال
مجوز باشد خصوصاً آنچه از آیات
و سور قرآنی باشد و لهذا میر محمد باقر داماد در باب
خواندن سوره یس بر آثار حدیث صحیح خذ من القرآن
ما شئت لما شئت متمسک شده تجویز آن نموده است
پس هر یک از این اعمال را بجا آوردن
که بقصد آنکه قرآن و دعا در
همه وقت نیکوست
خصوصاً
اوقات
شریفه و این وقت از جمله آنهاست بعمل آورند **نوع دوم** چیزی چند است که ظاهر
حال آنست که روایتی در این باب وارد نشده بحسب طب منافع بعضی وارد مانند
خوردن